

فتح الرحمن بترجمة القرآن

مترجم:

احمد بن عبدالرحيم مشهور به

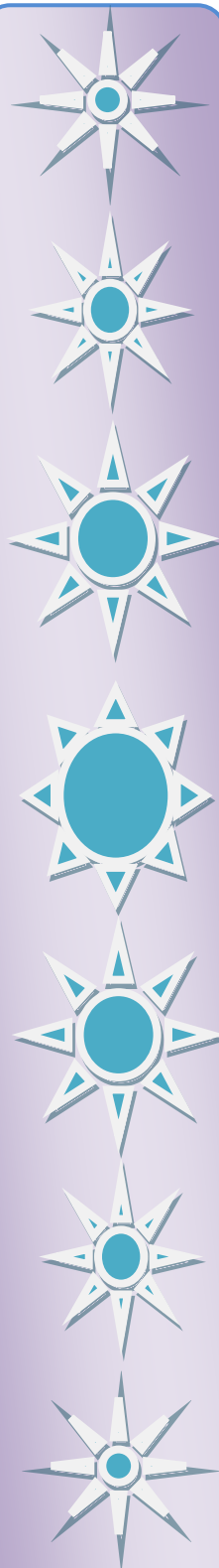
شاه ولی الله دهلوی رحمۃ اللہ علیہ

به کوشش:

مسعود انصاری

صفحه آرایي و ترتيب:

گروه علمی فرهنگی موحدین



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.kalemeh.tv

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

فهرست سوره‌های قرآن کریم

جهت انتقال به سوره مورد نظر، کلید ctrl را پایین نگه داشته و بر روی اسم سوره کلیک کنید. جهت بازگشت به فهرست، از home +ctrl استفاده نمایید.

العلق	المرسلات	المجادلة	الزمر	طه	الفاتحة
القدر	النبأ	الحشر	غافر	الأنبياء	البقرة
البينة	النازعات	المتحنة	فصلت	الحج	آل عمران
الزلزلة	عبس	الصف	الشورى	المؤمنون	النساء
العاديات	التكوير	الجمعة	الزخرف	النور	المائدة
القارعة	الانفطار	المنافقون	الدخان	الفرقان	الأنعام
التكاثر	المطففين	التغابن	الجاثية	الشعراء	الأعراف
العصر	الانشقاق	الطلاق	الأحقاف	النمل	الأنفال
الهمزة	البروج	التحریم	محمد	القصص	التوبة
الفيل	الطارق	الملک	الفتح	العنکبوت	يونس
قريش	الأعلى	القلم	الحجرات	الروم	هود
الماعون	الغاشية	الحاقة	ق	لقمان	يوسف
الكوثر	الفجر	المعارج	الذاريات	السجدة	الرعد
الكافرون	البلد	نوح	الطور	الأحزاب	إبراهيم
النصر	الشمس	الجن	النجم	سبأ	الحجر
المسد	الليل	المزمل	القمر	فاطر	النحل
الإخلاص	الضحى	المدثر	الرحمن	يس	الإسراء
الفلق	الشرح	القيامة	الواقعة	الصافات	الكهف
الناس	التين	الإنسان	الحديد	ص	مريم

سُورَةُ الْفَاتِحَةِ

سوره فاتحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ① الْحَمْدُ لِلَّهِ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ ② الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ③
 مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ④ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ
 نَسْتَعِينُ ⑤ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ⑥
 صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ
 الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ⑦

به نام خدای بخشاینده مهربان. ﴿۱﴾ ستایش خدای
 راست، پروردگار عالم‌ها.^(۱) ﴿۲﴾ بخشاینده
 مهربان. ﴿۳﴾ خداوند روز جزا. ﴿۴﴾ تو را
 می‌پرستیم و از تو مدد می‌طلبیم. ﴿۵﴾ بنما ما را راه
 راست. ﴿۶﴾ راه آنان که انعام کرده‌ای بر ایشان،
 بجز آنانکه خشم گرفته شد بر آنها و بجز
 گمراهان.^(۲) ﴿۷﴾

*- توضیح: ستایش خداوندی را سزااست که پروردگار جهانیان است.

۱- مترجم گوید: یعنی عالم انس و عالم جن و عالم ملائکه و علی
 هذا القیاس [فتح الرحمن].

۲- مترجم گوید: مراد از آنان که اکرام کرده شد بر آنها چهار فرقه‌اند:
 نبیین و صدیقین و شهدا و صالحین و مراد از آنان که خشم گرفته شد
 بر آنها یهوداند و از گمراهان نصاری، آمین قبول کن دعای ما را [فتح
 الرحمن].

سُورَةُ الْبَقَرَةِ

سوره بقره

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الم. ﴿۱﴾ این کتاب هیچ شبهه^(۱) نیست در آن، رهنما است پرهیزگاران را. ﴿۲﴾ آنان که ایمان می‌آرند به نادیده و برپا می‌دارند نماز را و از آنچه ایشان را روزی داده‌ایم، خرج می‌کنند. ﴿۳﴾ و آنان که ایمان می‌آرند به آنچه فرود آورده شده به سوی تو و آنچه فرود آورده شده پیش از تو و به آخرت، ایشان یقین دارند. ﴿۴﴾ ایشانند بر هدایت از جانب پروردگار خویش و ایشانند رستگان. ﴿۵﴾

الْم ﴿۱﴾ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى
لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ
وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ
﴿۲﴾ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا
أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿۳﴾
أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ
الْمُفْلِحُونَ ﴿۴﴾

۱- در اصل متن، شبه آمده است و این تغییر در تمام این ترجمه اعمال شده است.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾ حَتَّمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَرِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧﴾ وَمِنَ الثَّالِثِ مَنْ يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ يُخَدِّعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَمَا يُخَدِّعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠﴾ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿١١﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿١٢﴾ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ ﴿١٣﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا كَمَا ءَامَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ ﴿١٤﴾ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُونَ ﴿١٥﴾ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٦﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهَدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٧﴾

هرآینه آنان که کافر شدند، برابر است بر ایشان، که ترسانی ایشان را یا نه ترسانی ایشان را، ایمان نیارند. ﴿٦﴾ مهر نهاد خدا بر دل‌های ایشان و بر شنوایی ایشان، و بر چشم‌های ایشان پرده‌ای است و ایشان راست، عذاب بزرگ. ﴿٧﴾ و از مردمان کسی هست که می‌گوید: ایمان آوردیم به خدا و به روز بازپسین و نیستند اینان مومنان. ﴿٨﴾ فریب می‌دهند خدا را و مومنان را و به حقیقت نمی‌فریبند مگر خود را و آگاه نمی‌شوند. ﴿٩﴾ در دل ایشان بیماری است؛ پس افزون داد به ایشان خدا بیماری را و ایشان راست، عذاب درد دهنده؛ به سبب آن که دروغ می‌گفتند. ﴿١٠﴾ و چون گفته شود ایشان را تباہکاری مکنید در زمین، گویند: جز این نیست که ما اصلاح کاریم. ﴿١١﴾ آگاه شو، به تحقیق ایشانند تباہکاران و لیکن آگاه نمی‌شوند. ﴿١٢﴾ و چون گفته شود ایشان را که ایمان آرید، چنانکه ایمان آوردند مردمان، گویند: آیا ایمان آریم چنانچه^(۱) ایمان آوردند، بی‌خردان؟ آگاه شو به تحقیق ایشانند بی‌خردان، و لیکن نمی‌دانند. ﴿١٣﴾ و وقتی که ملاقات می‌کنند با اهل ایمان، گویند: ایمان آورده‌ایم و چون تنها شوند با شیاطین خود^(۲)، گویند: هر آینه ما با شمایم، جز این نیست که ما تمسخر می‌کنیم. ﴿١٤﴾ خدا تمسخر می‌کند به ایشان و مهلت می‌دهد ایشان را در گمراهی خویش سرگشته شده. ﴿١٥﴾ ایشان آن کسانی که خریدند گمراهی را عوض هدایت، پس سود نیافت تجارت ایشان و راهیاب نشدند. ﴿١٦﴾

۱- چنانکه [مصحح].

۲- یعنی رئیسان خود.

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٧﴾ صُمُّ بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿١٨﴾ أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَّجْعَلُونَ أَصْبِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾ يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَّشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾ يَأْتِيهَا النَّاسُ أَعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿٢٤﴾

داستان ایشان مانند داستان کسی است که افروخت آتش را، پس چون روشن کرد آتش، حوالی او را دور ساخت خدا نور، این گروه را و بگذاشت ایشان را در تاریکی‌ها، هیچ نبینند ﴿۱۷﴾ کرانند، گنگانند، کورانند، پس ایشان باز نمی‌گردند^(۱). ﴿۱۸﴾ یا داستان ایشان، مانند باران بزرگ است آمده از آسمان، که باشد در وی تاریکی‌ها و رعد و برق. درمی‌آرند انگشتان خود در گوش‌های خود، به سبب آوازهای پر هول به ترس مرگ، و خدا احاطه کننده است کافران را. ﴿۱۹﴾ نزدیک است که برق بر باید چشم‌های ایشان را، هرگاه روشنی دهد برق ایشان را، روند در آن روشنی، و چون تاریکی دهد بر ایشان، بایستند و اگر خواستی خدا، هرآینه بردی شنوایی ایشان را و دیده‌های ایشان را. هرآینه خدا بر همه چیز تواناست^(۲). ﴿۲۰﴾ ای مردمان! پرستید پروردگار خویش را، آن که آفرید شما را و کسانی را که پیش از شما بوده‌اند، تا در پناه شوید^(۳). ﴿۲۱﴾ آن که ساخت برای شما زمین را بساطی و آسمان را سقفی و فرود آورد از آسمان آب، پس بیرون آورد به سبب آن انواع میوه‌ها روزی برای شما، پس مقرر مکنید همتایان برای خدا دانسته. ﴿۲۲﴾ و اگر هستید در شبه از آنچه فرود آوردیم بر بنده خود (یعنی از قرآن)، پس بیارید یک سوره مانند آن و بخوانید مددگاران خود را بجز خدا، اگر هستید راستگو. ﴿۲۳﴾ پس اگر نکردید و البته نتوانید کردن، پس حذر کنید از آن آتش که آتش انگیز آن^(۴) مردمان و سنگ‌ها باشند. آماده کرده است برای کافران. ﴿۲۴﴾

۱- مترجم گوید: که حاصل مثل، آن است که اعمال منافقان همه نابود شود، چنانکه روشنی آن جماعت دور شد.

۲- مترجم گوید: که حاصل مثل، آن است که منافقان در ظلمات نفسانی افتاده‌اند و چون مواظب بلیغه شوند فی الجمله ایشان را تنبیهی می‌شود و آن فائده نکند مانند مسافران که در شب تاریک و ابر حیران باشند و در برق دو سه قدم بروند و بازایستند، والله اعلم.

۳- تا پرهیزگار شوید.

۴- یعنی هیزم‌های آن.

وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ
 جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ
 ثَمَرَةٍ رَزَقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ
 مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥﴾
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا
 بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ
 الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا
 أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ
 كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾ الَّذِينَ
 يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا
 أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ
 أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٢٧﴾ كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ
 وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ
 ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٨﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي
 الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ
 سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٩﴾

و بشارت ده آن کسان را که ایمان آورده اند و کردند
 کارهای شایسته، به آن که ایشان راست بوستان ها، می رود
 زیر آن جوی ها. هرگاه داده شوند از آنجا روزی از قسم
 میوه، گویند: این همان است که داده شده بودیم پیش ازین
 و آورده شود به ایشان آن روزی، مانند یکدیگر،^(۱) و
 ایشان راست در آنجا زنان پاک کرده شده و ایشان در
 آنجا جاویدند. ﴿۲۵﴾ هرآینه خدا شرم ندارد از آن که
 بزند داستان پشه و بالاتر از آن؛ اما آنان که ایمان آورده اند،
 می دانند که این داستان، راست است از پروردگار ایشان. و
 اما آنان که کافرنند، می گویند: چه چیز خواسته است خدا
 به این داستان! خدا گمراه می کند بسبب آن بسیاری را و
 هدایت می کند به سبب وی بسیاری را و گمراه نمی کند به
 وی، مگر بدکاران را. ﴿۲۶﴾ آن فاسقان^(۲) را که
 می شکنند پیمان خدا بعد بستن آن، و می بُرند آنچه خدا
 فرموده است پیوستن آن و تباهی می کنند به زمین، ایشانند
 زیان کاران. ﴿۲۷﴾ چگونه کافر شوید به خدا حال آن که
 بودید بی جان، پس زنده گردانید شما را، بعد از آن بمیراند
 شما را، باز زنده گرداند شما را، باز به سوی وی گردانیده
 شوید. ﴿۲۸﴾ وی آن ست که بیافرید برای شما هر چه در
 زمین است، یکجا. باز متوجه شد به سوی آسمان؛ پس
 راست کرد آن هفت آسمان را و او به همه چیز داناست.

﴿۲۹﴾

۱- یعنی غبارِ فقدانِ مرغوب، هیچ ساعت به خاطر ایشان ننشیند؛ والله اعلم.

۲- کافران چون ذکرِ پشه و عنکبوت در قرآن شنیدند، طعن کردند و
 گفتند که: خدای تعالی به ذکر این چیزهای خسیس چه اراده کرده

است؟! این آیت نازل شد- والله اعلم.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۖ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣١﴾ قَالُوا سُبْحَنَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ۚ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٣٢﴾ قَالَ يَتَّعَدُمُ أَنْبِئُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٣٣﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٤﴾ وَقُلْنَا يَتَّعَدُمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣٥﴾ فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٣٦﴾ فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٣٧﴾

و یاد کن، چون گفت پروردگار تو به فرشتگان که: من آفریننده‌ام در زمین جانشینی را، گفتند: آیا می‌آفرینی در زمین کسی را که تباهی کند در وی و خون‌ریزی کند، و ما تسبیح می‌کنیم به حمد تو و به پاکی اقرار می‌کنیم برای تو! فرمود: هر آینه من می‌دانم آنچه شما نمی‌دانید. ﴿٣٠﴾ و پیاموخت خدا آدم را نام‌های مخلوقات، تمام آن. بازپیش آورد آن چیزها را بر فرشتگان؛ پس گفت: خبر دهید مرا به نام‌های این چیزها اگر راستگو هستید! ﴿٣١﴾ گفتند: به پاکی یاد می‌کنیم تو را، هیچ دانش نیست ما را مگر آنچه تو آموختی به ما، هر آینه تویی دانای با حکمت. ﴿٣٢﴾ فرمود: ای آدم! خبر ده فرشتگان را به نام‌های اینها، پس چون خبر داد ایشان را به نام‌های آنها، فرمود: آیا نگفته بودم شما را که هر آینه من می‌دانم پنهان آسمان‌ها و زمین را و می‌دانم آنچه آشکارا می‌کنید و آنچه پوشیده‌می‌داشتید؟ ﴿٣٣﴾ و چون گفتیم به فرشتگان: سجده کنید آدم را، پس سجده کردند مگر ابلیس، قبول نکرد و سرکشی نمود و گشت از کافران. ﴿٣٤﴾ و گفتیم: ای آدم! بمان تو و زوجه تو در بهشت و بخورید از بهشت، خوردن بسیار، هر جاکه خواهید و نزدیک مشوید به این درخت که خواهید شد از گناهکاران. ﴿٣٥﴾ پس بلغزانید هر دو را شیطان از آنجا، پس بر آورد ایشان را از آن نعمت‌ها که بودند در آن، و فرمودیم: فرو روید، بعضی شما دشمن باشد بعضی را و شما را هست در زمین آرام‌گاه و بهره‌مندی تا مدتی. ﴿٣٦﴾ پس فراگرفت آدم از پروردگار خود، سخنی چند، پس بازگشت خدا به مهربانی بر وی، هر آینه اوست بازگردنده مهربان^(۱). ﴿٣٧﴾

۱- و آن کلمات این است: ﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الأعراف: ۲۳] والله اعلم.

فُلْنَا أَهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا ۖ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى
 فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
 ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ
 النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٩﴾ يٰٓبَنِي إِسْرَءِيلَ اذْكُرُوا
 نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ
 بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّيَ فَآرْهَبُونَ ﴿٤٠﴾ وَعَامِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ
 مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ ۖ وَلَا
 تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّيَ فَاتَّقُونَ ﴿٤١﴾ وَلَا
 تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ
 تَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا
 مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿٤٣﴾ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ
 أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٤٤﴾
 وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى
 الْخَاشِعِينَ ﴿٤٥﴾ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلْقَوُا رَبَّهُمْ
 وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿٤٦﴾ يٰٓبَنِي إِسْرَءِيلَ اذْكُرُوا
 نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى
 الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ
 شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ
 وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٨﴾

فرمودیم: فرو روید از آنجا همه شما؛ اگر بیاید به شما از
 من هدایتی، پس هر که پیروی کرد هدایت مرا، هیچ ترس
 نیست بر آن جماعت و نه ایشان اندوه خورند. ﴿۳۸﴾ و
 کسانی که نگرودند و دروغ داشتند آیت‌های ما را،
 ایشانند باشندگان دوزخ؛ ایشان در آنجا جاویدند. ﴿۳۹﴾
 ای^(۱) فرزندان یعقوب! یاد کنید آن نعمت مرا که ارزانی
 داشتم بر شما و وفا کنید پیمان مرا تا وفا کنم پیمان شما را و
 از من بترسید. ﴿۴۰﴾ و ایمان آرید به آنچه فرود آورده‌ام،
 باور کننده آنچه با شما است. و مباشید نخستین منکر او و
 مستانید عوض آیت‌های من بهایی اندک را و از من حذر
 کنید. ﴿۴۱﴾ و خلط مکنید راست را با ناراست و پنهان
 مکنید راست را دانسته. ﴿۴۲﴾ و برپا دارید نماز را و
 بدهید زکات را و نماز گزارید با نماز گزارندگان. ﴿۴۳﴾
 آیا می‌فرمایید مردمان را به نیکوکاری و فراموش می‌کنید
 خویشان را و شما می‌خوانید کتاب (یعنی تورات). آیا
 نمی‌فهمید؟ ﴿۴۴﴾ و مدد طلید^(۲) به شکیبایی و نماز و
 هر آینه نماز دشوار است مگر بر فروتنی کنندگان. ﴿۴۵﴾
 آنان که می‌دانند که ایشان ملاقات خواهند کرد با
 پروردگار خویش و آن که ایشان به سوی وی باز خواهند
 گشت. ﴿۴۶﴾ ای فرزندان یعقوب! یاد کنید آن نعمت مرا
 که ارزانی داشتم بر شما و آن که فضل دادم شما را بر همه
 عالم‌ها^(۳). ﴿۴۷﴾ و حذر کنید از آن روز که کفایت نکند
 هیچ کس از کسی چیزی را، و پذیرفته نشود از هیچ کس
 شفاعت و گرفته نشود از هیچ کس عوض و نه ایشان یاری
 داده شوند. ﴿۴۸﴾

۱- مترجم گوید: خدای تعالی بنی اسرائیل را نعمت‌های خود یادآوری و
 معجزه‌هایی که در این قوم ظاهر شده بود، ذکر فرمود. آنگاه شبهات و
 هفوات ایشان را رد کرد به دلائل و این قصه ممتد است تا قوله تعالی:

﴿وَإِذْ أَبْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ﴾ [البقرة: ۱۲۴].

۲- یعنی در جمیع حاجات و مصائب، والله اعلم.

۳- یعنی عالمیان آن زمان.

وَإِذْ نَجَّيْنَكُمْ مِّنْ عَالٍ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُم سُوءَ
الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ
وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٤٩﴾ وَإِذْ فَرَقْنَا
بَيْنَكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا عَالِ فِرْعَوْنَ
وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿٥٠﴾ وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً
ثُمَّ أَخَذْتُمُ الْعَجَلَ مِّنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٥١﴾ ثُمَّ
عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
﴿٥٢﴾ وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ
تَهْتَدُونَ ﴿٥٣﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَقُومُ إِنَّكُمْ
ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعَجَلَ فَتَوَبُوا إِلَىٰ
بَارِيكُمْ فَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ
عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ ﴿٥٤﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَمُوسَىٰ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ
نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ
﴿٥٥﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِّنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ ﴿٥٦﴾ وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا
عَلَيْكُمْ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ كُلُّوا مِمَّنْ طَبَّيْتِ مَا
رَزَقْنَكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ
يَظْلِمُونَ ﴿٥٧﴾

پس خلاص کردیم شما را و غرق ساختیم کسان فرعون را و شما می دیدید. ﴿۵۰﴾ و آن^(۲) وقت که میعاد مقرر کردیم با موسی چهل شب، پس گرفتید گوساله^(۳) را پس از رفتن موسی، شما ستمکار بودید. ﴿۵۱﴾ پس درگذرانیدیم از شما بعد از این تا بُود که سپاسداری کنید. ﴿۵۲﴾ و آن وقت که دادیم موسی را کتاب و حجت، تا بُود که راه یابید. ﴿۵۳﴾ و آن وقت که گفت موسی قوم خود را: ای قوم من! هرآینه شما ستم کردید بر خویشان به فرا گرفتن گوساله، پس باز آیید به سوی آفریدگار خود، پس بکشید خویشان را، این بهتر است شما را نزدیک آفریدگار شما. پس خدا بازگشت به مهربانی بر شما، هرآینه اوست بازگردنده مهربان. ﴿۵۴﴾ و آن وقت که گفتید ای موسی! هرگز باور نداریم تو را تا آن که بینیم خدا را آشکارا، پس گرفت شما را صاعقه و شما می دیدید. ﴿۵۵﴾ باز زنده گردانیدیم شما را پس از مردن شما تا شما شکرگزاری کنید^(۵). ﴿۵۶﴾ و سایه بان ساختیم بر شما ابر را و فرود آوردیم بر شما «من» و «سلوی» را. گفتیم: بخورید از پاکیزه های آنچه دادیم شما را، و ایشان ستم نکردند بر ما و لیکن بر خویشان ستم می کردند. ﴿۵۷﴾

۲- مترجم گوید: که خدا موسی علیه السلام، را وعده داد که چهل شب در طور معتکف شود تا تورات عطا فرماییم. درین مدت بنی اسرائیل به اغوی سامری، گوساله پرستی اختیار کردند. خدای تعالی بعد عود موسی حکم فرمود که بعض ایشان بعض را بکشند و این توبه ایشان است.

۳- یعنی معبود ساختید.

۴- مترجم گوید: موسی علیه السلام، هفتاد کس را از بنی اسرائیل با خود بُرد تا با وی کلام الهی استماع نمایند؛ ایشان بعد از شنیدن، خواهان رؤیت شدند و در طلب آن پا از حد ادب بیرون نهادند. خدای تعالی آن همه را به صاعقه بسوخت و باز به دعای موسی زنده ساخت. اشارت به این قصه است این آیت.

۵- بنی اسرائیل مأورش شدند به جهاد عمالقه و ایشان در آن باب تغافل کردند، پس معاقب شدند به افتادن در بیابان چهل سال و آنجا چون آب و طعام و خیمه ها مفقود شد، خدای تعالی به دعای موسی علیه السلام، من و سلوی نازل ساخت و از سنگی دوازده چشمه روان کرد و ابر را سایبان گردانید. قدر این نعمتها نشناختند و کفران نعمت کردند. اشارت بدین قصه است این آیت.

و یاد کنید نعمت من، آن وقت که رهانیدیم شما را از کسان فرعون؛ می رسانیدند به شما سخت ترین عذاب را، ذبح می کردند پسران شما را و زنده می گذاشتند دختران شما را و در این کار، آزمایشی بزرگ بود از پروردگار شما^(۱). ﴿۴۹﴾ و آن وقت که شکافتیم برای شما دریا را،

۱- مترجم گوید: سبب کشتن پسران آن بود که کاهنان، فرعون را خبر داده بودند که در بنی اسرائیل پسری پیدا شود که باعث برافتادن پادشاهی او گردد.

وَإِذْ قُلْنَا أَدْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَأَدْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾
 فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٥٩﴾ وَإِذْ أَسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٦٠﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَمُوسَىٰ لَن نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِئُ الْأَرْضُ مِن بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلَهَا قَالَ أَأَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّيْنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾

و آن وقت که گفتیم: درآیید در این دیه^(۱)، پس بخورید از آنجا بافزونی هر جا که خواهید، خوردنی گوارنده. و درآیید به دروازه، سجده کنان و بگویید: سؤال ما آمرزش است؛ تا بیاوریم شما را گناهان شما و زیاده خواهیم داد، نکوکاران را. ﴿۵۸﴾ پس بدل کردند کسانی که ستمکار بودند سخنی بجز آنچه فرموده شد ایشان را^(۲)، پس فرود آوردیم بر آن ستمکاران، عذابی از آسمان به سبب بدکار بودن ایشان. ﴿۵۹﴾ و آن وقت که آب خواست موسی برای قوم خود، پس گفتیم: بزن به عصای خود سنگ را! پس روان شد از سنگ، دوازده چشمه، بدانست هر قوم آب خورد خود را^(۳). گفتیم: بخورید و بنوشید از روزی خدا و فساد مکنید در زمین، تباهی کنان. ﴿۶۰﴾ و آن وقت که گفتید ای موسی! هرگز شکیبایی نکنیم بر یک طعام، پس بطلب برای ما از پروردگار خود تا بیرون آرد برای ما از آن جنس که می‌رویاندش زمین از تره وی و با درنگ وی و گندم وی و عدس وی و پیاز وی. گفت موسی: آیا بدل می‌کنید آنچه وی فروتر است به آنچه آن بهتر است؟! فرو روید به شهری؛ پس هرآینه باشد شما را آنچه خواستید و زده شد^(۴) بر ایشان خواری و بی‌نوایی و بازگشتند به خشمی از خدا. این به سبب آن است که باور نمی‌داشتند آیت‌های خدا را و می‌کشتند پیغمبران را ناحق. این به سبب گناه کردن ایشان است و آن‌که از حد درمی‌گذشتند. ﴿۶۱﴾

۱- یعنی دیه که در زمان حضرت موسی فتح شده بود.

۲- یعنی به جای حطه. حطه گفتند.

۳- یعنی بنی اسرائیل دوازده قبیله بودند برای هر قبیله یک چشمه معین شد؛ والله اعلم.

۴- یعنی فرود آورده شد.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا ءَاتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٤﴾ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ ءَعْتَدُوا مِنكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿٦٥﴾ فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٦٦﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانُ بَيْنَ ذَلِكَ فافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ ﴿٦٨﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْهَاهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا تَسُرُّ النَّظِيرِينَ ﴿٦٩﴾

و هر آینه آنان که مسلمان شدند و آنان که یهود شدند و ترسایان و بی‌دینان، هر که از ایشان ایمان آورد به خدا و به روز بازپسین و کرد کار شایسته، پس ایشان راست مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان، و نه ترس بود بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند^(۱). ﴿۶۲﴾ و آن وقت که گرفتیم پیمان شما را و برداشتیم بالای شما طور را، گفتیم: بگیرید،

آنچه داده‌ایم شما را به استواری^(۲) و یاد دارید آنچه در آن است تا بود که در پناه شوید. ﴿۶۳﴾ باز روگردانیدید، بعد از این؛ پس اگر نبودی بخشایش خدا بر شما و مهربانی او، هر آینه می‌شدید از زیانکاران. ﴿۶۴﴾ و هر آینه دانسته‌اید آن کسان را که از حد در گذشتند از شما در شنبه^(۳)، پس گفتیم ایشان را: بوزینه شوید، خوار شده. ﴿۶۵﴾ پس ساختیم این قصه را عبرتی برای آن قوم که^(۴) پیش آن دیه بودند و آن قوم که پس از ایشان آیند، و پندی پرهیزگاران را. ﴿۶۶﴾ و آن وقت که گفت موسی به قوم خود: هر آینه خدا می‌فرماید شما را بکشتن گاوی، گفتند آیا ما را مسخره می‌گیری؟! گفت: پناه می‌گیرم به خدا از آن که باشم از نادانان. ﴿۶۷﴾ گفتند: سؤال کن برای ما از پروردگار خود تا بیان کند برای ما چیست آن گاو! گفت: هر آینه خدا می‌فرماید که هر آینه آن گاوی است نه پیر و نه نازا، میانه است در میان این و آن، پس بکنید آنچه فرموده شدید. ﴿۶۸﴾ گفتند: سؤال کن برای ما از پروردگار خود تا بیان کند برای ما چیست رنگ آن گاو؟ گفت: هر آینه خدا می‌فرماید که وی گاوی است زرد، نیک زرد است رنگ آن، خوش می‌کند بینندگان را. ﴿۶۹﴾

۲- یعنی احکام تورات.

۳- یعنی شکار کردند و شکار کردن در روز شنبه در دین بنی اسرائیل حرام بود.

۴- یعنی در آن زمانه حاضر بودند.

۵- مترجم گویند: شخصی را از بنی اسرائیل کشته یافتند و کشته آن معلوم نبود. خدای تعالی حکم فرمود که گاوی را ذبح کنند و بعضی وی را بر آن مقتول بزنند تا زنده شود و از قاتلان خود خبر دهد. القصه گاو را به مبلغ خطیر خرید کردند و بزدند، مقتول زنده شد و پسران عم خود را نام برد که ایشان کشتند، پس قاتلان را به قصاص رسانیدند، از آن باز قاتل را از میراث محروم ساختند، والله اعلم.

۱- حاصل معنی آیت آن که آدمی دراصل از هر فرقه که باشد، چون ایمان آورد از اهل نجات بود؛ خصوصیت فرقه معتبر نیست.

قَالُوا أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَبَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولَ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا آلَتَنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧١﴾ وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادْرَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٧٢﴾ فَقُلْنَا أَضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٣﴾ ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّن بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِن مِّن الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِن مِنهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِن مِنهَا لَمَا يَهْبِطُ مِن خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٧٤﴾ أَفَتَتَطَمَعُونَ أَن يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِبَعْضِهِمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُم بِهِ عِندَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٧٦﴾

گفتند: سؤال کن برای ما از پروردگار خود تا بیان کند برای ما چه کاره است آن گاو؟ هرآینه گاوان مشته شدند بر ما، و هرآینه اگر درخواستی است خدا، راه یافتگانیم. ﴿٧٠﴾ گفت: هرآینه خدا می فرماید که وی گاوی است نه محنت کشنده که شوراند زمین را، و نه آب می دهد زراعت را، سلامت است؛ هیچ خال نیست در وی. گفتند: الحال آوردی سخن درست*؛ پس ذبح کردند و نزدیک نبودند از آن که کنند. ﴿٧١﴾ و آن وقت که کشتید شخصی را پس نزاع کردید در وی. و خدا بیرون آورده است چیزی را که پنهان می کردید. ﴿٧٢﴾ پس فرمودیم: بزنید این شخص را بعضی وی از گاو این طور زنده می کند خدا مردگان را و می نماید شما را نشانه های خود تا بود که دریابید. ﴿٧٣﴾ باز سخت شد دل های شما بعد از این؛ پس آنها مانند سنگند، بلکه زیاده تر در سختی، و هرآینه از سنگ ها آن است که روان می شود از وی جوی ها و هرآینه از سنگ ها آن است که می شکافد، پس بیرون می آید از وی آب و هرآینه از سنگ ها آن است که فرومی افتد از ترس خدا و نیست خدا بی خبر از آن چه می کنید. ﴿٧٤﴾ ای مؤمنان! آیا امید می دارید که یهود، منقاد شوند شما را؟! و هرآینه گروهی از ایشان می شنیدند کلام خدا را (یعنی تورات را) پس بدل می کردندش دانسته، بعد از آن که فهمیده بودند او را. ﴿٧٥﴾ و چون ملاقات کنند با مؤمنان، گویند: ایمان آوردیم، و چون تنها شوند بعضی از ایشان با بعضی^(۱) گویند: آیا خبر می دهید ایشان را به آنچه گشاده است خدا بر شما^(۲)، تا مناظره کنند با شما به آن دلیل نزد پروردگار شما، آیا در نمی یابید؟ ﴿٧٦﴾

*- توضیح: وی گاوی است که پرورده نگشته تا زمین را شخم کند و نه کشت را آبیاری کند و از هر عیبی پاک و نباشد در وی رنگ دیگری.

۱- یعنی با رئیسان خویش.

۲- یعنی نعمت پیغمبر آخر الزمان.

أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٧﴾ وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيٍّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٧٨﴾ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِءَ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ ﴿٧٩﴾ وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٠﴾ بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨١﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨٢﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٨٣﴾

[این جهولان] آیا نمی‌دانند که خدا می‌داند آنچه پنهان می‌کنند و آنچه آشکارا می‌نمایند؟ ﴿٧٧﴾ و بعضی از ایشان ناخواندگانند، نمی‌دانند کتاب را؛ لیکن می‌دانند آرزوهای باطل را و نیستند مگر گمان کننده. ﴿٧٨﴾ پس وای آن کسان را که می‌نویسند نوشته به دست‌های خود، باز می‌گویند: این از نزدیک خدا است تا بستانند عوض وی بهایی اندک را، پس وای ایشان را به سبب نوشتن دست‌های ایشان و وای ایشان را به سبب پیشه گرفتن ایشان! ﴿٧٩﴾ و گفتند: نرسد به ما آتش دوزخ مگر چند روز شمرده شده. بگو: آیا گرفتید از پیش خدا پیمانی تا هرگز خلاف نکند پیمان خود را؟! آیا می‌گویید بر خدا آنچه نمی‌دانید؟! ﴿٨٠﴾ آری! هر که کرد کار بد و به گرد آمده او را گناه او، پس ایشانند باشندگان دوزخ؛ ایشان در آنجا جاویداند. ﴿٨١﴾ و کسانی که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته، ایشانند باشندگان بهشت؛ ایشان در آنجا جاویداند. ﴿٨٢﴾ و آنگاه که گرفتیم پیمان بنی اسرائیل را، که نپرستید مگر خدا را، و به والدین نیکویی کنید و به اهل قرابت و یتیمان و بینوایان. و بگویید به مردمان، سخن نیک و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را، پس برگشتید روگردان شده؛ مگر اندکی از شما. ﴿٨٣﴾

۱- مترجم گوید: یکی از عقائد باطله یهود آن بود که می‌گفتند یهود نباشند در دوزخ مگر روزی چند و این خطا است، زیرا که دخول جنت، موقوف بر ایمان به خدا و روز قیامت و پیغامبر آخر زمان است، جنس یهود و غیر آن اعتبار ندارد و اشارت به همین معنی است درین آیت، والله اعلم.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِينِكُمْ ثُمَّ أَقَرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٨٤﴾ ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِينِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسْرَى تَقْدُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجَهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٨٥﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٨٦﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَفَقَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَءَاتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ ﴿٨٧﴾ وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

و آنگاه که گرفتیم پیمان شما را که مرزید خون یکدیگر و بیرون نکنید قوم خویش را از خانه‌های خویش، پس قبول کردید حاضر آمده. ﴿۸۴﴾ باز شما آن گروهید که می‌کشید قوم خویش را و بیرون می‌کنید گروهی را از قوم خود از خانه‌های ایشان، یکی مددکار دیگری می‌شوید بر ستم کردن در حق ایشان به گناه و تعدی، و اگر اسیر شده به شما می‌آیند، فدا می‌دهید عوض ایشان و حال آن‌که حرام است بر شما بیرون کردن ایشان. آیا ایمان می‌آرید به پاره [ای] از کتاب و کافر می‌شوید به پاره [ای]؟! پس چیست جزا [ای] آن که چنین کند از شما، مگر خواری در زندگانی دنیا و روز قیامت گردانیده شوند به سوی سخت‌ترین عذاب، و نیست خدا بی‌خبر از آنچه می‌کنید^(۱). ﴿۸۵﴾ ایشان آن کسانی که خریدند زندگانی دنیا را عوض آخرت، پس سبک کرده نشود از ایشان عذاب، و نه ایشان یاری داده شوند. ﴿۸۶﴾ و هر آینه دادیم موسی را کتاب و از پی در آوردیم بعد از وی پیغمبران را و دادیم عیسی پسر مریم را نشانه‌های روشن و قوت دادیم او را به روح القدس (یعنی جبرئیل) آیا هرگاه آورد پیغامبری نزد شما آنچه دوست ندارد نفس‌های شما، سرکشی کردید؟! پس گروهی را دروغگو داشتید و گروهی را کشتید ﴿۸۷﴾ و گفتند^(۲): دل‌های ما در پرده است، بلکه نفرین کرده است ایشان را خدا به سبب کفر ایشان، پس اندکی ایمان آرند. ﴿۸۸﴾

۱- یعنی: منع کرده شدند از کشتن و جلا وطن کردن و در ظلم، مددکاری نمودن و فرموده شدند به فدای اسیران و ایشان ازین همه احکام به فدای اسیران عمل کردند و بس؛ زیرا که موافق نفس ایشان افتاد و این طاعت نفس است، طاعت خدا نیست.

۲- مترجم گوید: و دیگر از قبائح یهود آن بود که می‌گفتند: «قلوبنا غلف» یعنی: در دین خود آن قدر استحکام داریم که هیچ شبهه بدان راه نمی‌یابد و این خطا است که سبب قبول نکردن دین اسلام حسد و جهل بود نه تقوی، زیرا که آثار تقوی هیچ‌گاه از ایشان ظاهر نمی‌شد و اشارت به همین معنی است درین آیات.

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ
وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا
جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى
الْكَافِرِينَ ﴿٨٩﴾ بِئْسَمَا أَشْتَرُوا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ
يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَعِيًّا أَنْ يُنْزَلَ اللَّهُ مِنْ
فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ
عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٩٠﴾ وَإِذَا قِيلَ
لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا
وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ
قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ ﴿٩١﴾ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ
اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٩٢﴾ وَإِذْ
أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا
ءَاتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَأَسْمِعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا
وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا
يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٩٣﴾

و آنگاه که آمد به ایشان کتاب از نزدیک^(۱) خدا، باور
کننده آنچه با ایشان است و پیش از این طلب فتح
می کردند بر مشرکان، پس هرگاه آمد به ایشان آنچه
می دانستند، منکر شدند وی را؛ پس لعنت خدا است بر آن
کافران^(۲). ﴿۸۹﴾ بد چیز است آنچه فروختند عوض وی
خویشان را که کافر شوند به آنچه فرود آورده است خدا،
به سبب حسد بر آن که فرود آورد خدا به رحمت خود بر
هر که خواهد از بندگان خود؛ پس بازگشتند به خشمی
بالای خشمی و کافران را است عذاب خوار کننده. ﴿۹۰﴾
و چون گفته شود ایشان را ایمان آرید به آنچه فرود آورده
است خدا، گویند: ایمان می آریم به آنچه فرود آورده شد
بر ما و ایشان کافر می شوند به آنچه بجز وی است، حال آن
که او راست است، باور کننده آنچه با ایشان است. بگو:
پس چرا می کشتید پیغمبران خدا را پیش از این، اگر مؤمن
بودید؟ ﴿۹۱﴾ و هرآینه آمد به شما موسی با نشانه های
روشن؛ پس گرفتید گوساله را پس از آن، و شما ستمکار
بودید. ﴿۹۲﴾ و آنگاه که گرفتیم پیمان شما و برداشتیم
بالای شما طور را، گفتیم: بگیریید آنچه دادیم شما را به
قوت و بشنوید. گفتند^(۳): شنیدیم و نافرمانی کردیم و در
خور کرده شد در دل های ایشان دوستی گوساله را به سبب
کافر بودن ایشان. بگو^(۴): بد چیز است آنچه می فرماید شما
را ایمان شما، اگر هستیید از اهل ایمان. ﴿۹۳﴾

۱- یعنی قرآن.

۲- تعریض است به آن قصه که: یهود خیر با غطفان جنگ می کردند و
هزیمت می یافتند، آخر دعا کردند که به طفیل محمد، نبی امی، که
خروج او در آخر زمان موعود است؛ ما را نصرت ده؛ بعد از آن فتح
یافتند.

۳- یعنی به زبان حال.

۴- دیگر از تحریفات یهود آن بود که می گفتند که داخل نخواهد شد در
بهشت هیچ کس مگر یهود و این خطا است؛ زیرا که علامت بهشتیان
مشتاق شدن به ملاقات خداست و ایشان از مرگ هراسان بودند. و
اشارت به مهمین معنی است در این آیت.

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً
 مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
 ﴿٩٤﴾ وَلَنْ يَتَمَنَّوَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
 بِالظَّالِمِينَ ﴿٩٥﴾ وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَوَةٍ
 وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ
 وَمَا هُوَ بِمُرَحِّزٍ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ
 بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ
 فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ
 يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٩٧﴾ مَنْ كَانَ عَدُوًّا
 لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَلَ فَإِنَّ اللَّهَ
 عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ﴿٩٨﴾ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ
 وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ﴿٩٩﴾ أَوْ كَلَّمَا عَلَيْهِمْ
 عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
 ﴿١٠٠﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا
 مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ
 اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٠١﴾

بگو: اگر هست شما را سرای بازپسین نزد خدا به
 تخصیص، بجز از مردمان دیگر، پس آرزو کنید مرگ را
 اگر هستید راستگو. ﴿٩٤﴾ و هرگز آرزو نکنند او را
 هیچ گاه به سبب آنچه پیش فرستاده است دست‌های ایشان،
 و خدا داناست به ستمکاران. ﴿٩٥﴾ و هرآینه بیابی ایشان
 را حریص‌ترین مردم بر زندگانی و حریص‌تر از آنان که
 مُشرک‌اند. دوست می‌دارد یکی از ایشان کاش عمر داده
 شود هزار سال و نیست رهاننده‌ی وی از عذاب، آن که عمر
 داده شود و خدا بیناست به آنچه می‌کنند.^(۱) ﴿٩٦﴾ بگو^(۲):
 هر که باشد دشمن جبرئیل را [چه زیان می‌کند]؛ پس به
 تحقیق جبرئیل فرود آورده است قرآن به حکم خدا، باور
 دارنده‌ی آنچه پیش [از] وی است و رهنما و مژده دهنده اهل
 ایمان را. ﴿٩٧﴾ هر که باشد دشمن، خدا را و فرشتگان
 وی را و پیغامبران وی را و جبرئیل و میکائیل را، پس
 هرآینه خدا دشمن است آن کافران را. ﴿٩٨﴾ هرآینه
 فرود آوردیم ما به سوی تو نشانه‌هایی روشن و کافر
 نمی‌شوند به آنها مگر بدکاران. ﴿٩٩﴾ آیا هرگاه بستند
 پیمانی را، بر انداخت آن را گروهی از ایشان؟ بلکه اکثر
 ایشان باور نمی‌دارند. ﴿١٠٠﴾ و هرگاه که آمد به ایشان
 پیغامبری از نزد خدا، باور دارنده‌ی آنچه با ایشان است،
 افکند گروهی از آن قوم که داده شده‌اند کتاب، آن کتاب
 خدا را پس پشت خویش، گویا نمی‌دانند. ﴿١٠١﴾

۱- دیگر از جمع هفوه، کلام بیهوده را گویند، هرچه از دهن بر آید.

۲- دیگر از هفوات یهود آن که جبرئیل را دشمن می‌داشتند که عذاب بر
 امم سابقه فرود آورده؛ این خطا است که جبرئیل مأمور است از بارگاه
 حق عزوجل وی را چه اختیار!

وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَنَ ۖ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَنُ وَلَكِنَّ الشَّيْطَانَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَرْوَتَ ۚ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ ۚ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۖ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ ۚ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٢﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٣﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انْظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٤﴾ مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ خَيْرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ ۚ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١٠٥﴾

و پیروی^(۱) کردند آنچه می خوانند شیطانان در سلطنت سلیمان، و کافر نشد سلیمان و لیکن شیطانان کافر شدند. می آموختند مردمان را جادو و پیروی کردند به آنچه فرود آورده شد بر دو فرشته در بابل، هاروت و ماروت. و نمی آموزند هیچ کس را تا آن که گویند: جز این نیست که ما بلاییم، پس تو کافر مشو. پس یاد می گیرند از ایشان افسونی که جدایی می افکنند به سبب وی در میان مرد و زن او، و نیستند ایشان زیان رساننده به سحر، هیچ کس را مگر به اراده خدا، و ایشان می کنند آنچه زیان می رساند ایشان را و سود ندهد ایشان را. و هرآینه دانسته اند هر که بستاند جادو، نیست او را در آخرت هیچ بهره و هرآینه بد چیز است آنچه فروختند عوض آن خویشتن را، کاش می دانستند. ﴿۱۰۲﴾ و اگر ایشان ایمان می آوردند و تقوی می کردند، هرآینه ثواب از نزدیک خدا بهتر بودی، کاش می دانستند. ﴿۱۰۳﴾ ای مؤمنان! مگویید: «راعا» و بگویید: «انظرن» و نیک بشنوید و کافران راست عذاب درد دهنده^(۲). ﴿۱۰۴﴾ دوست نمی دارند آنان که کافر شدند از اهل کتاب و نه مشرکان، که فرود آورده شود بر شما هیچ نیکی از پروردگار شما و خدا مخصوص می کند بخشایش خود هر که را خواهد و خدا، خداوند فضل بزرگست. ﴿۱۰۵﴾

۱- دیگر از هفوات یهود آن بود که سحر می کردند و سلیمان علیه السلام را ساحر می دانستند. این افترا بود بر سلیمان علیه السلام، و اشارت به همین معنی است درین آیت.

۲- دیگر از هفوات یهود آن بود که مجلس پیغامبر، آمده لفظ «راعا» می گفتند و این لفظ را دو معنی است: یکی آنکه رعایت کن ما را و شفقت کن بر ما، دیگر رعونت دارنده یعنی ابله و قصد ایشان سب بود. حق سبحانه، مسلمانان را ازین کلمه نهی کرد برای سد باب فساد و اشارت به همین معنی است درین آیت.

مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٦﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٠٧﴾ أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ ۗ وَمَنْ يَتَّبِدِلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٠٨﴾ وَكَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ ۖ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا ۚ حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٩﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ۖ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٠﴾ وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصْرَىٰ ۚ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ ۚ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١١١﴾ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۖ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١١٢﴾

هرچه نسخ می کنیم از آیتی یا فراموش می گردانیم آن را، می آریم بهتر از وی یا مانند وی. آیا ندانسته ای که خدا بر همه چیز تواناست؟^(۱) ﴿۱۰۶﴾ آیا ندانسته ای که خدا راست پادشاهی آسمان ها و زمین و نیست شما را بجز وی هیچ دوست و نه یاری دهنده؟ ﴿۱۰۷﴾ آیا می خواهید که سؤال کنید پیغامبر خود را چنانکه سؤال کرده شد موسی پیش از این؟ و هر که بستاند کفر را عوض ایمان، پس هرآینه گم کرد راه میانه را. ﴿۱۰۸﴾ دوست داشتند بسیاری از اهل کتاب که کافر گردانند شما را بعد از ایمان شما به سبب حسد از نزد نفوس خود، پس از آن که واضح شد بر ایشان حق؛ پس درگذرانید و روبرگردانید تا آن که آرد خدا فرمان خود را^(۲)، هرآینه خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۱۰۹﴾ و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و آنچه پیش می فرستید برای خویشتن از نیکوکاری، خواهید یافت آن را نزد خدا؛ هرآینه خدا به آنچه می کنید بینا است. ﴿۱۱۰﴾ و گفتند: هرگز به بهشت درنیاید مگر آن که یهود باشد یا ترسا باشد. این آرزوهای باطله ایشان است. بگو: آری دلایل خود را، اگر هستید راستگو. ﴿۱۱۱﴾ بلی! هر که منقاد کرد روی خود را برای خدا و وی نیکوکار باشد، پس او راست مزد او نزد پروردگار خویش و نیست ترس برایشان و نه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۱۱۲﴾

۱- مترجم گوید: درین آیت تعریض است به جواب یهود که انکار نسخ

می کردند، والله اعلم.

۲- یعنی امر کند به جهادایشان، الله اعلم.

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتْ النَّصْرَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ
النَّصْرَى لَيْسَتْ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ
الْكِتَابَ ۚ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ
فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ
يَخْتَلِفُونَ ﴿١١٣﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ
يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ
لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ
وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١٤﴾ وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ
وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ
عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَنَهُ ۖ بَلْ لَهُ مَا
فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَنِينٌ ﴿١١٦﴾ بَدِيعُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ
كُنْ فَيَكُونُ ﴿١١٧﴾ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا
يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ ۖ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ
قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ شَبَّهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ
لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿١١٨﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا
وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ﴿١١٩﴾

و گفتند^(۱) یهود: نیستند ترسایان بر هیچ چیز و گفتند
ترسایان: نیستند یهود بر هیچ چیز، و ایشان همه می خوانند
کتاب را. همچنین گفتند آنان که نمی دانند^(۲) قول ایشان.
پس خدا حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه
اختلاف می کنند در آن. ﴿۱۱۳﴾ و کیست ستمکارتر از
آن که منع کرد مسجدهای خدا را از آن که یاد کرده شود
نام خدا در آن، و کوشش کرد در ویرانی آنها. این گروه
نمی سزد ایشان را که در آیند به مسجدها مگر هراسان؛
ایشان راست در دنیا، خواری و ایشان راست در آخرت،
عذاب بزرگ^(۳). ﴿۱۱۴﴾ و خدا راست، مشرق و مغرب؛
هر سو که رو آرید، همان سو روی خدا، هر آینه خدا فراخ
نعمت دانا است^(۴). ﴿۱۱۵﴾ و گفتند: بگرفت خدا فرزند را،
پاکی او را است، بلکه او راست آنچه در آسمانها و زمین
است، هر کسی برای وی فرمانبر دارند^(۵). ﴿۱۱۶﴾ آفریننده
آسمانها و زمین است و چون می کند کاری، پس جز این
نیست که می گوید او را: بشو، پس می شود. ﴿۱۱۷﴾ و
گفتند: آنان که هیچ نمی دانند (یعنی مشرکان) چرا با ما
سخن نمی گوید خدا؟ یا نمی آید به ما نشانه ای؟ همچنین
گفتند کسانی که پیش از ایشان بودند، مانند قول ایشان به
یکدیگر مشابَهت دارند دل های ایشان، هر آینه بیان کردیم
نشانه ها را برای گروهی که یقین می کنند. ﴿۱۱۸﴾ هر آینه
ما فرستادیم تو را به راستی، مژده دهنده و بیم کننده، و
پرسیده نخواهد شد تو را از اهل دوزخ. ﴿۱۱۹﴾

۱- دیگر از هفوات اهل کتاب آن بود که هر فرقه از یهود و نصاری دیگر

را انکار می کرد و اشارت به همین معنی است درین آیت.

۲- یعنی مشرکان گفتند.

۳- درین آیت، تعریض است به کفار مکه و بشارت است به مغلوب شدن
ایشان، والله اعلم.

۴- دیگر از هفوات یهود آن بود که چون استقبال بیت المقدس منسوخ شد،
استهزا می کردند. اشارت به همین معنی است درین آیت.

۵- دیگر از هفوات اهل کتاب آن بود که یهود، عزیز را و نصاری عیسی را
پسر خدا می گفتند. در رد ایشان خدای تعالی این آیت نازل کرد.

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ
 مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ
 أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ
 اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٢٠﴾ الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ
 يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۖ وَمَنْ
 يَكْفُرْ بِهِ ۖ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٢١﴾ يَبْنِي
 إِسْرَءِيلَ أَذْكَرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنَّى
 فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٢٢﴾ وَأَتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي
 نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا
 تَنْفَعُهَا شَفَعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿١٢٣﴾ وَإِذْ أَبْتَلَىٰ
 إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ
 لِلنَّاسِ إِمَامًا ۖ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۖ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي
 الظَّالِمِينَ ﴿١٢٤﴾ وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمَّا
 وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ
 وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ
 وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿١٢٥﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ
 هَذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ ءَامَنَ
 مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ
 قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

﴿١٢٦﴾

تورات) آنان که می خوانند آن را حق خواندن آن، ایشان
 باور می دارند هدایت خدا را. و هر که منکر وی باشد، پس
 ایشانند زیانکاران^(۱). ﴿۱۲۱﴾ ای بنی اسرائیل! یاد کنید آن
 نعمت مرا که انعام کرده ام بر شما و آن که فضل دادم شما
 را بر همه عالم ها. ﴿۱۲۲﴾ و حذر کنید از آن روز که
 کفایت نکند کسی از کسی چیزی را و پذیرفته نشود از
 کسی بدل و سود ندهد او را شفاعت و نه ایشان یاری داده
 شوند^(۲). ﴿۱۲۳﴾ و یاد کن، چون بیازمود ابراهیم را
 پروردگار او بسختی چند، پس ابراهیم به انجام رسانید آنها
 را گفت خدا: هر آینه من می گردانم تو را پیشوای مردمان.
 گفت ابراهیم: و از اولاد من نیز پیشوایان پیدا کن. فرمود:
 نرسد وحی من به ظالمان. ﴿۱۲۴﴾ و آنگاه که ساختیم
 کعبه را مرجع مردمان و محل امن، و بگیریذ نمازگاه از
 جای قدم ابراهیم. و وحی فرستادیم به سوی ابراهیم و
 اسمعیل که پاک سازید خانه مرا برای طواف کنندگان و
 اعتکاف کنندگان و رکوع سجده کنندگان. ﴿۱۲۵﴾ و
 آنگاه که گفت ابراهیم: ای پروردگار من! بساز این مکان
 را شهر با امن و روزی ده ساکنان آن را از میوه ها و روزی
 ده آن را که ایمان آورد از ایشان به خدا و روز بازپسین.
 فرمود خدا: و کسی که کافر شود، بهره مند گردانمش
 اندکی؛ پس به بیچارگی برانم او را به سوی عذاب آتش و
 آن بدجایی است. ﴿۱۲۶﴾

۱- یعنی آنانکه تورات را می فهمند تصدیق شریعت محمدیه می کنند و
 آنانکه تصدیق نمی کنند، تورات را نمی فهمند.

۲- مترجم گوید: ازین جا تا «سِقُولُ السَّفَهَاءِ» خدای تعالی اثبات
 می فرماید نبوت پیغمبر ما را ﷺ از قصه دعای حضرت ابراهیم که در
 تورات مذکور است و ترجیح می دهد ملت حنیفیه را که حضرت
 پیغمبر برای آن مبعوث اند و رد می کند قول یهود را که حضرت
 یعقوب ما را به یهودیت وصیت کرده است و از تفریق در انبیا نهی
 می فرماید؛ یعنی معتقد بعضی باشد و منکر بعضی.

و هرگز خوشنود نشوند از تو یهودان و نه ترسایان، تا آن
 که پیروی کنی کیش ایشان را. بگو: هر آینه هدایت خدا،
 همان است هدایت. اگر پیروی کردی آرزوهای باطله
 ایشان را پس آنچه آمده است به تو از دانش، نباشد تو را
 برای خلاص از عذاب خدا هیچ دوستی و نه یاری
 دهنده ای. ﴿۱۲۰﴾ آنان که دادیم ایشان را کتاب (یعنی

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۲۷﴾ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱۲۸﴾ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۲۹﴾ وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۳۰﴾ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۳۱﴾ وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يٰبَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ ﴿۱۳۲﴾ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَاللَّهُ أَبَايَكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلُ وَإِسْحَاقُ إِلَٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُّسْلِمُونَ ﴿۱۳۳﴾ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۳۴﴾

و آنگاه که بلند می کردند ابراهیم و اسمعیل بنیادهای خانه را گفتند: ای پروردگار ما! قبول کن از ما، هرآینه تویی [شوا]ی دانا. ﴿۱۲۷﴾ ای پروردگار ما! و بکن ما را فرمانبردار خودت و از اولاد ما بکن گروهی منقاد خودت و بنما ما را طریق عبادت‌های ما و به مهربانی باز آ بر ما، هرآینه تویی باز آینده‌ی مهربان. ﴿۱۲۸﴾ ای پروردگار ما! بفرست در میان ایشان پیغامبری از ایشان، بخواند بر ایشان آیت‌های تو و بیاموزد ایشان را کتاب و علم و پاک کند ایشان را؛ هرآینه تویی توانا [ی] دانا. ﴿۱۲۹﴾ و کیست که روبگرداند از کیش ابراهیم مگر آن که در احمقی افکند نفس خود را و هرآینه برگزیدیم او را در این سرای و هرآینه او در سرای دیگر از شایستگان است. ﴿۱۳۰﴾ آنگاه که گفت او را پروردگار او که: منقاد شو، گفت: منقاد شدم مر پروردگار عالم‌ها را. ﴿۱۳۱﴾ و وصیت کرد به این کلمه ابراهیم، پسران خود را و یعقوب نیز فرزندان را: ای فرزندان من! هرآینه خدا برگزیده است برای شما این دین را، پس از این جهان نمیرید، مگر مسلمان شده. ﴿۱۳۲﴾ آیا حاضر بودید آنگاه که پیش آمد یعقوب را موت، آنگاه که گفت فرزندان خود را: چه چیز را عبادت خواهید کرد بعد از من؟ گفتند: عبادت کنیم معبود تو را و معبود پدران تو را که ابراهیم و اسمعیل و اسحاقند، عبادت کنیم آن معبود یگانه را و ما او را منقادیم. ﴿۱۳۳﴾ این گروهی است که درگذشت، وی راست آنچه کردند و شما راست آنچه کردید و شما پرسیده نخواهید شد از آنچه آن گروه می کردند. ﴿۱۳۴﴾

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ
 إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٣٥﴾ قُولُوا
 عَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ
 وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ
 مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ
 بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٦﴾ فَإِنْ عَامَنُوا
 بِمِثْلِ مَا عَآمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ أَهْتَدُوا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا
 هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
 ﴿١٣٧﴾ صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ
 لَهُ عَابِدُونَ ﴿١٣٨﴾ قُلْ أَتَحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا
 وَرَبُّكُمْ وَلِنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ
 مُخْلِصُونَ ﴿١٣٩﴾ أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ
 وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ
 قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَدَةً
 عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٠﴾
 تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا
 كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤١﴾

و گفتند: شوید جهود یا ترسا تا راه بیابید، بگو: بلکه به
 ملت ابراهیم هستیم که حنیف بود و نبود از اهل شرک.
 ﴿۱۳۵﴾ بگویید: ایمان آوردیم به خدا و به آنچه فرود
 آورده شد به سوی ما و به آنچه فرود آورده شد به سوی
 ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و ذریت یعقوب و به
 آنچه داده شد موسی و عیسی را و آنچه داده شدند
 پیغامبران از پروردگار خویش، تفریق نمی‌کنیم در میان
 هیچ‌کس از ایشان و ما برای حق، عزوجل، منقادیم.
 ﴿۱۳۶﴾ پس اگر باور دارند آنچه باور داشتید شما، پس
 راه یافتند و اگر برگشتند، پس جز این نیست که ایشان در
 مخالفتند. پس زود باشد که کفایت کند خدا به انتقام تو
 ایشان را و اوست شنوا[ی] دانا. ﴿۱۳۷﴾ قبول کردیم
 رنگ خدا را^(۱) و کیست بهتر از خدا به اعتبار رنگ و ما او
 را پرستند گانیم. ﴿۱۳۸﴾ بگو: آیا مکابره می‌کنید با ما در
 باب خدا و او پروردگار ما و شما است؟ و ما راست،
 کردارهای ما و شما راست، کردارهای شما و ما او را به
 اخلاص پرستند گانیم. ﴿۱۳۹﴾ آیا می‌گویید که: هرآینه
 ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نبیرگان او یهود
 بودند یا ترسا بودند؟ بگو: شما داناترید یا خدا! و کیست
 ستمکارتر از آن که بپوشد آن گواهی را که اوست از
 جانب خدا، و نیست خدا بی‌خبر از آنچه می‌کنید. ﴿۱۴۰﴾
 این گروهی است که درگذشت، وی راست آنچه کردند و
 شما راست آنچه شما کردید و پرسیده نخواهید شد از
 آنچه ایشان می‌کردند. ﴿۱۴۱﴾

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّهُمْ عَن قِبَلَتِهِمْ
الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي
مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٤٢﴾ وَكَذَلِكَ
جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ
وَيَكُونَ الرُّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا
الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرُّسُولَ
مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى
الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ عَمَلَكُمْ إِنَّ
اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٤٣﴾ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ
وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ
وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا
وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا
يَعْمَلُونَ ﴿١٤٤﴾ وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ
آيَةٍ مَّا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبَلَتِهِمْ وَمَا
بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنْ أَتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ
مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

﴿١٤٥﴾

(۱) خواهند گفت بی‌خردان از مردم: چه چیز بر گردانید ایشان را
از آن قبله که ایشان که بودند بر آن (یعنی بیت المقدس). بگو
خدا راست، مشرق و مغرب؛ راه می‌نماید هر که خواهد به
سوی راه راست. ﴿۱۴۲﴾ و همچنین ساختیم شما را گروهی
مختار تا گواه باشید بر مردمان و تا باشد رسول گواه بر شما، و
مقرر نکردیم آن قبله را که بودی بر آن (یعنی بیت المقدس را)
مگر برای آن که بدانیم کسی را که پیروی پیغامبر کند، جدا از
آن کس که باز گردد بر هر دو پاشنه، و هر آینه هست این
خصلت، دشوار مگر بر آنان که ایشان را راه نموده است خدا، و
خدا ضایع نمی‌سازد گرویدن شما را، هر آینه خدا به مردمان
بخشاینده مهربان است. ﴿۱۴۳﴾ به تحقیق می‌بینیم گشتن روی تو
در جانب آسمان^(۲)، پس البته متوجه گردانیم تو را به آن قبله
که خوشنود می‌شوی به آن؛ پس متوجه گردان روی خود را به
طرف مسجد حرام و هر جا که باشید متوجه گردانید روی‌های
خویش را به طرف آن، و هر آینه اهل کتاب می‌دانند که این
راست از پروردگار ایشان و نیست خدا بی‌خبر از آنچه می‌کنند.
﴿۱۴۴﴾ و هر آینه اگر بیاری پیش اهل کتاب هر نشانه‌ای، هرگز
پیروی نکنند قبله تو را و نیستی تو پیروی کننده؛ قبله ایشان را؛
و نیستند بعضی ایشان، پیروی کننده قبله بعض دیگر را و اگر تو
پیروی کنی خواهش‌های نفسانی ایشان را بعد آنچه آمده است
به تو از دانش، هر آینه تو باشی آن گاه از ستمکاران. ﴿۱۴۵﴾

۱- مترجم گوید: چون آن حضرت ﷺ، به مدینه هجرت فرمود، شانزده ماه
یا هفده ماه به طرف بیت المقدس نماز می‌گزارد، آرزو می‌کرد که
خدای تعالی کعبه را قبله وی سازد. خدای تعالی نازل کرد «قد نری
تقلب» الی آخره، بعد از آن جواب شبهه سفها درین مسأله نازل کرد
«سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ» و بعد از آن امر فرمود به صبر بر مشاق جهاد و در
سیاری از احکام توحید و قصاص و حج و صوم و صدقه و نکاح و
طلاق که اهل جاهلیت تحریف کرده بودند یا رعایت انصاف
نمی‌کردند، بیان حقیقت حال فرمود و رد و ابطال شبهات مخالفین کرد
و سؤال‌های ایشان را جواب داد و این سیاق ممتد است تا آخر؛ والله
اعلم.

۲- یعنی آنچه در سابق، علم الهی مقرر شد، آن است که قبله امت محمد
مصطفی ﷺ، کعبه باشد و توجه به بیت المقدس یک چندی مدت بنابر
حکمت، امتحان است.

الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ
 أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ
 يَعْلَمُونَ ﴿١٤٦﴾ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
 الْمُمْتَرِينَ ﴿١٤٧﴾ وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا
 الْحَيْرَتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ
 اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٤٨﴾ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ
 قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِن
 رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٩﴾ وَمِنْ حَيْثُ
 خَرَجْتَ قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ
 مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ إِلَّا لَئَلَّا يَكُونَ
 لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا
 تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمَنِّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ
 وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٠﴾ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا
 مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ ءَايَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ
 وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ
 تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿١٥١﴾ فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا
 لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ﴿١٥٢﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا
 بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٣﴾

کسانی که داده‌ایم ایشان را کتاب، می‌شناسند وی را
 چنانکه می‌شناسند^(۱) فرزندان خویش را و هرآینه گروهی
 از ایشان، می‌پوشند حق را دانسته^(۲). ﴿۱۴۶﴾ این درست
 است از پروردگار تو، پس مباش از شک آرندگان.
 ﴿۱۴۷﴾ و هر کسی را جانبی هست که آن متوجه آن
 است، پس شتاب کنید به سوی نیکی‌ها، هرچاکه باشید
 بیارد شما را خدا جمع ساخته، هرآینه خدا بر همه چیز
 تواناست. ﴿۱۴۸﴾ و هرچاکه روی پس متوجه کن روی
 خود را جانب مسجد الحرام و هرآینه وی راست است از
 پروردگار تو و نیست خدا بی‌خبر از آنچه می‌کنید.
 ﴿۱۴۹﴾ و هرچاکه روی پس متوجه کن روی خود را
 جانب مسجد الحرام و هرچاکه باشید، پس متوجه کنید
 روهای خویش را جانب وی، تا نباشد مردمان را الزام بر
 شما، مگر آنان که ستم کرده‌اند از این جماعت، پس
 مترسید از ایشان و بترسید از من و تا تمام کنم نعمت خود
 را بر شما و تا بود که راه یابید. ﴿۱۵۰﴾ چنانکه فرستادیم
 پیغمبری در میان شما از قوم شما، می‌خواند بر شما
 آیت‌های ما و پاک می‌سازد شما را و می‌آموزد شما را
 کتاب و علم و می‌آموزد شما را آنچه نمی‌دانستید.
 ﴿۱۵۱﴾ پس یاد کنید مرا یاد کنم شما را و سپاس گوید
 مرا و ناسپاسی من مکنید. ﴿۱۵۲﴾ ای مسلمانان! مدد
 جوید در تحصیل ثواب آخرت به صبر و نماز و هرآینه
 خدا با صابران است. ﴿۱۵۳﴾

۱- بعضی از عالمان، از ضمیر «يعرفونه» پیغمبر را مراد گرفته‌اند، والله اعلم

[مصحح.]

۲- یعنی حقیقت استقبال کعبه را.

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمُوتَ بَلْ
 أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿١٥٤﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ
 مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ
 وَالثَّمَرَاتِ ۗ وَبَشِّرِ الصَّادِقِينَ ﴿١٥٥﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ
 مُّصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾ أُولَٰئِكَ
 عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰئِكَ هُمُ
 الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾ ۚ إِنَّ الْأَصْفَاءَ وَالْمُرُوءَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ
 فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ
 يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ
 ﴿١٥٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ
 وَالْهُدَىٰ مِن بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ
 أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعْنُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا الَّذِينَ
 تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَثُوبٌ عَلَيْهِمْ وَأَنَا
 التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ
 كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ
 أَجْمَعِينَ ﴿١٦١﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ
 وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿١٦٢﴾ ۚ وَاللَّهُمَّ إِلَهَ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا
 هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٣﴾

و مگویند کسی را کشته شود در راه خدا که ایشان
 مردگانند، بلکه ایشان زنده‌اند و لیکن شما آگاه نمی‌شوید.
 ﴿۱۵۴﴾ و هرآینه بیازماییم شما را به چیزی از ترس و
 گرسنگی و نقصان مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها و بشارت ده
 صابران را. ﴿۱۵۵﴾ آنان که چون برسد بدیشان سختی،
 گویند: هرآینه ما از آن خداییم و هرآینه ما به سوی وی
 باز خواهیم گردید. ﴿۱۵۶﴾ این گروه، بر ایشان است
 درودها از پروردگار ایشان و بخشایش، و ایشانند
 راه‌یافتگان. ﴿۱۵۷﴾ هرآینه صفا و مروه از نشانه‌های خدا
 است؛ پس هر که حج خانه کند یا عمره بجا آورد، پس بزه
 نیست بروی در آن که طواف کند در میان این هر دو^(۱) و
 هر که نیکی بجا آورد، پس خدا قبول کننده داناست.
 ﴿۱۵۸﴾ هرآینه آنان که می‌پوشند آنچه فرود آورده‌ایم از
 سخنان روشن و هدایت، بعد از آن که بیان کردیم آن را
 برای مردمان در کتاب، آن گروه لعنت می‌کند ایشان را
 خدا و لعنت می‌کنند ایشان را لعنت کنندگان. ﴿۱۵۹﴾
 مگر کسانی که توبه کردند و نیکوکاری پیش گرفتند و
 بیان کردند؛ پس این گروه، به مهربانی باز می‌گردم برایشان
 و منم باز گردنده مهربان. ﴿۱۶۰﴾ هرآینه آنان که کافر
 شدند و کافر مردند، آن گروه، برایشان است لعنت خدا و
 فرشتگان و مردمان، همه یکجا. ﴿۱۶۱﴾ همیشه باشند در
 آن لعنت، سبک کرده نشود از ایشان عذاب و نه ایشان
 مهلت داده شوند. ﴿۱۶۲﴾ و معبود شما خدای یگانه است،
 نیست هیچ معبود بجز وی، بخشاینده مهربان است.
 ﴿۱۶۳﴾

۱- بعض اهل اسلام، صفا و مروه را از شعائر طوافیت گمان کرده از آن
 دست بازداشتند پس نازل شد این آیه.

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٤﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ﴿١٦٥﴾ إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كُنَّا نَدْرَأُ فَتَنَّبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ حَسْرَتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٧﴾ يَأْتِيهَا النَّاسُ كُلُّهُمْ مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَلًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿١٦٨﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَن تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٩﴾

هر آینه در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز و آن کشتی که می رود در دریا به آنچه سود می دهد مردم را (یعنی به تجارت) و در آن که فرود آورد خدا از آسمان آب، پس زنده ساخت به سبب آن زمین را پس از مردن آن و پراکنده ساخت در زمین، هر نوع جنبنده، و در گردانیدن بادها و در ابر رام کرده شده میان آسمان و زمین، هر آینه نشانه هاست آن گروه را که در می یابند. ﴿۱۶۴﴾ و از مردمان کسی هست که می گیرد بجز خدا هم تایان را، دوست می دارند ایشان را مانند دوستی خدا، و کسانی که ایمان آوردند، قوی ترند در دوستی خدا و عجب کند بیننده اگر ببیند کسانی را که ستم کردند در آن حالت که معاینه کنند عذاب را به سبب آن که توانایی خدا راست تمام آن و به سبب آن که خدا سخت عقوبت است. ﴿۱۶۵﴾ در آن حالت که بیزار شوند پیشوایان کفر از تابعان و بینند عذاب را و بریده شود به نسبت ایشان همه اسباب (یعنی وسیله ها). ﴿۱۶۶﴾ و گویند پیروی کنندگان: کاش ما را بازگشتی باشد تا بیزاری کنیم از آن پیشوایان، چنانکه بیزار شدند ایشان از ما. همچنین بنماید خدا در نظر ایشان کردارهای ایشان را پشیمانی ها بر ایشان و نیستند ایشان بیرون آیندگان از دوزخ. ﴿۱۶۷﴾ ای مردمان! بخورید حلال و پاکیزه را از آنچه در زمین است و پیروی نکنید گام های شیطان را، هر آینه او شما را دشمن آشکار است.^(۱) ﴿۱۶۸﴾ جز این نیست که می فرماید شما را به بدکاری و بی حیایی و به آن که افترا کنید بر خدا آنچه نمی شناسید. ﴿۱۶۹﴾

۱- مترجم گوید: اهل جاهلیت چیزها را نزد خویش حرام ساخته بودند به حائر و سوائب، خدای تعالی در رد ایشان نازل کرد [فتح الرحمن].

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ ءَابَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٧٠﴾ وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكُمْ عُمًى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٧١﴾ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١٧٢﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أَهْلَ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧٣﴾ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٧٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿١٧٦﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿١٧٦﴾

و چون گفته شود ایشان را: پیروی کنید آن را که فرود آورده است خدا، گویند: بلکه پیروی می‌کنیم چیزی را که یافته‌ایم بر وی پدران خویش را. آیا تقلید می‌کنند اگرچه پدران ایشان نمی‌فهمیدند چیزی را و راه نمی‌یافتند؟ ﴿۱۷۰﴾ و داستان پند دادن کافران، مانند حال کسی هست که بانگ می‌زند آن چیز را که نمی‌شنود مگر فی الجمله خواندن و آواز بلند کردن. کافران کرانند، گنگانند، کورانند، پس ایشان هیچ نمی‌فهمند. ﴿۱۷۱﴾ ای مسلمانان! بخورید از پاکیزه‌ها آنچه روزی دادیم شما را و سپاس گوید خدا را، اگر او را می‌پرستید. ﴿۱۷۲﴾ جز این نیست که حرام کرده است بر شما مردار را و خون را و گوشت خوک را و آنچه آواز بلند کرده شود در ذبح آن به غیر خدا. پس هر که بی‌چاره شود نه تعدی کننده و نه از حد در گذرنده، پس گناه نیست بر وی ^(۱). هرآینه خدا آمرزندهٔ مهربان است ^(۲). ﴿۱۷۳﴾ هرآینه کسانی که می‌پوشند آنچه فرود آورده است خدا از کتاب و می‌ستانند عوض آن بهایی اندک، آن جماعت نمی‌خورند در شکم‌های خود مگر آتش را و سخن نگوید با ایشان خدا روز قیامت و نه پاک کند ایشان را و ایشان راست عذاب درد دهنده. ﴿۱۷۴﴾ ایشانند آنان که خرید کردند گمراهی را عوض هدایت و عذاب را عوض آمرزش، پس چه شکیابند ایشان بر دوزخ! ﴿۱۷۵﴾ این همه به سبب آن است که خدا فرود آورد کتاب را به راستی، و هرآینه آنان که اختلاف کردند در کتاب، هرآینه در مخالفت، دورند از صواب. ﴿۱۷۶﴾

۱- یعنی در خوردن آن چیزها.

۲- مترجم گوید: که اگر گویی که درین آیت حصر کرده شد تحریم را در اشیای مذکوره، حال آنکه در حدیث، سباع و حمار و مانند آن را نیز حرام شمرده است، پس وجه تطبیق چه باشد؟ گویم: حصر اضافی است به نسبت به حائر و سوائب که حرام می‌دانست. پس در بهیمه الانعام هیچ چیز حرام نیست غیر اشیای مذکوره و در خبائث و سباع و مانند آن سخن نداشتند، والله اعلم.

کنند و صبر کنندگان را در تنگ دستی و سختی و به وقت کارزار، ایشانند راستگو و ایشانند پرهیزگاران. ﴿۱۷۷﴾ ای مسلمانان! لازم کرده شد بر شما قصاص در کشتگان^(۴)، آزاد در مقابله آزاد است^(۵) و بنده در مقابله بنده و زن در مقابله زن پس کسی که در گذشته شد او را چیزی از خون برادرش^(۶)، پس حکم آن پیروی کردن است به نیکویی^(۷) و رسانیدن خون بهاست به وی به خوش خویی^(۸). این حکم سبک کردن است از سوی پروردگار شما و مهربانی است، پس هر که از حد گذرد بعد از این، وی راست عذاب درد دهنده. ﴿۱۷۸﴾ و شما را به سبب قصاص، زندگانی است ای خداوندان خرد، تا باشد که پرهیزگاری کنید^(۹). ﴿۱۷۹﴾ لازم کرده شد بر شما وقتی که پیش آید کسی را از شما موت، اگر مال بگذارد، وصیت کردن برای پدر و مادر و نزدیکان به نیکویی؛ لازم شد این کار بر متقیان. ﴿۱۸۰﴾ پس هر که بدل کند وصیت را بعد از آن که شنیدش، پس جز این نیست که گناه تبدیل بر آن کسان است که بدل می کنند آن وصیت را، هر آینه خدا شنوای داناست. ﴿۱۸۱﴾

۴- یعنی اعتبار مماثلت در کشتگان.

۵- یعنی مثل اوست در حکم.

۶- یعنی چیزی از خون مسلمان مقتول.

۷- یعنی وی دم به حسن معامله مطالبه کند نه به درشتی.

۸- یعنی قاتل به خوش خویی ادا نماید نه به صعوبت.

۹- اهل جاهلیت، شریف را در مقابله وضع نمی کشتند و در مقابله شریف چند کس از وضع می کشتند. خدای تعالی نازل فرمود که حکم الهی به اعتبار مماثلت است در اجناس کشتگان؛ به این معنی که احرار را حکم جداست که هر حرّ مثل حرّ دیگرست در آن حکم. و عید را حکم جداست که هر عبد مثل عبد دیگرست در آن حکم و زنان را حکم جداست که هر زن مثل زن دیگرست در آن حکم و امتیاز زنان است حکم در باب دیات نه در باب قود یعنی قصاص. پس هر فردی ازین اجناس، مساوی است با فرد دیگر؛ هر چند بعضی شریف باشد و بعضی وضع و بعضی جمیل و بعضی مدیم، بعضی مالدار و بعضی فقیر و سنت، زیاده کرده است دوو جنس دیگر. مسلمان در مقابله مسلمان است و کافر در مقابله کافر پس اگر بعض ورثه عفو کنند یا از کشتن گذشته خون بها قبول نمایند، ولی دوم را باید که به حسن معامله مطالبه کند نه به درشتی و قاتل را باید که به خوشخوئی ادا کند نه به بدخویی.

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ
وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ
ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَأَبْنَى السَّبِيلِ
وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ
وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّٰدِقِينَ فِي الْبَأْسَاءِ
وَالضَّرَآءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَٰئِكَ
هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ
الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرْبُ بِالْحَرْبِ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَىٰ
بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَاعْ
بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَّآءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَنٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّنْ
رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ
أَلِيمٌ ﴿١٧٨﴾ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَّأُولَى الْأَلْبَبِ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧٩﴾ كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ
الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ
بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿١٨٠﴾ فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا
سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ
عَلِيمٌ ﴿١٨١﴾

نیست نیکوکاری آن که متوجه کنید روهای خود را به طرف مشرق و مغرب^(۱) و لیکن صاحب نیکوکاری آن است^(۲) که باور دارد خدا را و روز قیامت را و فرشتگان را و کتاب و پیغامبران را و بدهد مال را با وجود دوست داشتن آن مال، خداوندان خویشی را و یتیمان را و فقیران را و مسافران را و سؤال کنندگان را و خرج کند در باب برده ها^(۳) و برپا دارد نماز را و بدهد زکات را، و وفا کنندگان بر عهد خویش چون عهد

۱- یعنی توجه جهت مشرق و مغرب چنانکه یهود و نصاری زعم می کنند،

نیکوکاری نیست، بلکه منسوخ شده است.

۲- یعنی صاحب آن نیکوکاری که ملت ها در آن اختلاف ندارند (فتح).

۳- یعنی در آزادی یا خلاصی بندگان مکاتب.

فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوسٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ
 فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٨٢﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ
 ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ
 مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٨٣﴾ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ
 فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ
 أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ
 فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ
 لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٨٤﴾ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي
 أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى
 وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ
 كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ
 اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا
 الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَيْكُمُ وَلَعَلَّكُمْ
 تَشْكُرُونَ ﴿١٨٥﴾ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ
 أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي
 وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾

پس هر که دریابد از وصیت کننده، ظلمی یا گناهی، پس
 صلاح آرد در میان ایشان، پس هیچ گناه نیست بر وی،
 هر آینه خدا آمرزندهٔ مهربان است^(۱). ﴿۱۸۲﴾ ای کسانی
 که ایمان آوردند، لازم کرده شد بر شما روزه داشتن،
 چنانکه لازم کرده شد بر کسانی که پیش از شما بودند؛ تا
 باشد که پرهیزگاری کنید. ﴿۱۸۳﴾ [روزه داشتن] چند
 روز شمرده شده پس هر که باشد از شما بیمار یا مسافر،
 پس لازم است شمار آن از روزه‌های دیگر و لازم است بر
 آنان که می‌توانند روزه داشتن [و روزه نمی‌دارند]

۱- حکم وصیت، منسوخ است به آیت موارد.

فدیه‌ای^(۲) که عبارت از خوراک یک درویش است. پس
 هر که بجا آرد نیکی این بهتر است او را و آن که روزه
 دارید بهتر است شما را اگر می‌دانید^(۳). ﴿۱۸۴﴾ ماه
 رمضان آن است که فرود آورده شد در وی قرآن؛
 راهنمایی برای مردمان و سخنان روشن از هدایت و از جدا
 کردن حق و باطل. پس هر که دریابد از شما آن ماه را،
 پس البته روزه‌دار آن را و هر که بیمار باشد یا مسافر، پس
 بر وی لازم است شمار آنچه فوت شد از روزه‌های دیگر.
 می‌خواهد خدا به شما آسانی و نمی‌خواهد به شما دشواری
 و می‌خواهد که تمام کنید شمار را و به بزرگی یاد کنید
 خدا را به شکر آن که راه نمود شما را و تا باشد که شما
 شاکر شوید. ﴿۱۸۵﴾ و چون استفسار کنند تو را بندگان
 من از حال من، پس هر آینه من نزدیکم، قبول می‌کنم
 دعای دعا کننده، وقتی که دعا کند مرا. پس باید که
 فرمانبرداری کنند برای من و باید که بگروند به من تا باشد
 که راه یابند. ﴿۱۸۶﴾

۲- مضمون این آیت تخییر است در صوم و فدیة این معنی منسوخ شد به
 آیتی که متصل می‌آید. مترجم گوید: شاید که معنای آیت چنین باشد
 که واجب است بر آنان که می‌توانند داد فدیة را، دادن فدیة که عبارت
 از طعام یک درویش است. مراد صدقة الفطر است و سنت آن را مقدر
 کرد به یک صاع خرما یا صاع از طعام، پس آیت، محکم باشد نه
 منسوخ و شاید که معنای آیت چنین باشد: واجب است بر آنان که
 می‌توانند قضا کردن یعنی و قضا نکردند تا آنکه رمضان دیگر در آمد،
 والله اعلم.

۳- فدیة دادن که عبارت از طعام یک مسکین است و آن مقدر است به
 یک مد و این حکم، منقول است از قاسم و سعید بن جبیر و همین است
 مذهب شافعی و درین صورت نیز محکم است غیر منسوخ.

أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَشِّرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ ءَايَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿۱۸۷﴾ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۱۸۸﴾ ۞ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۱۸۹﴾ وَقَتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتُلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿۱۹۰﴾

حلال کرده شد برای شما در شبِ روزه، مخالطت کردن با زنان خود، ایشان بمنزله پوششند شما را و شما به جای پوششید ایشان را، دانست خدا که شما خیانت می کردید در حق خویشان، پس به مهربانی بازگشت بر شما و درگذشت از شما. پس الحال مخالطت کنید با زنان خود و طلب کنید آنچه مقدر کرده است خدا برای شما (یعنی اولاد) و بخورید و بنوشید تا آن که روشن شود برای شما رشته سفید از رشته سیاه؛ مراد از رشته سفید فجر است، پس از آن تمام کنید روزه را تا شب و مساس نکنید زنان را در حالی که معتکف باشید در مسجدها. اینها منهیات خدا است، پس نزدیک شوید به آنها. همچنین بیان می کند خدا آیتهای خود را برای مردمان تا پرهیزگاری کنند. ﴿۱۸۷﴾ و مخورید اموال خویش را به ناحق و مرسانید اموال خود را به حاکمان (یعنی به رشوت) تا بخورید پاره ای از اموال مردمان به ستم، دانسته. ﴿۱۸۸﴾ می پرسند تو را^(۱) از ماههایی (یعنی از شهر حج)، بگو اینها میعادند برای مردمان و برای حج^(۲) و نیست نیکوکاری آن که درآیید در خانه ها را، [در حالت احرام] از پس پشت آنها و لیکن صاحب نیکوکاری آن است که پرهیزگاری کند، و درآیید در خانه ها از راه دروازه ها و حذر کنید از خدا تا باشد که رستگار شوید. ﴿۱۸۹﴾ و جنگ کنید در راه خدا با آنان که جنگ می کنند با شما و از حد مگذرید، هرآینه خدا دوست نمی دارد از حد گذرندگان را.

﴿۱۹۰﴾

۱- مترجم گوید: ظاهر، نزدیک این بنده آن است که سؤال کردند از اشهر حج که شوال و ذیقعه و نه روز از ذی الحجه باشد که آیا حج موقت است به آنها یا نه و یکی از تحریفات جاهلیت آن بود که در حالت احرام از بالای دیوار جسته و یا از سوراخ دیوار گذشته به خانه می آمدند و از راه دروازه نمی آمدند، پس نازل شد این آیت.

۲- یعنی تا مردمان، احرام حج بندند در آنها [فتح الرحمن].

وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقْتُلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقْتَلُوا فِيهِ فَإِنْ قَتَلُوكُمْ فَلَا تَقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿١٩١﴾ فَإِنْ أَنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٩٢﴾ وَقَتْلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ أَنْتَهُوا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٩٣﴾ الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩٤﴾ وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٩٥﴾ وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَن تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَن لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٩٦﴾

و بکشید مشرکان را، هر جا که بیابید ایشان را و بیرون کنید ایشان را از آنجا که بیرون کردند شما را (یعنی از مکه) و غلبه شرک سخت تر است از قتل^(۱) و کارزار مکنید با ایشان نزدیک مسجد حرام تا آن که کارزار کنند با شما در آنجا، پس اگر بجنگند با شما، پس بکشید ایشان را همچنین است سزای کافران. ﴿۱۹۱﴾ پس اگر بازماندند، پس هر آینه خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۱۹۲﴾ و بجنگید

۱- یعنی در مقابله او قتل جائز است.

با ایشان تا آن که نابود شود شرک و شود دین محض، برای خدا. پس اگر بازماندند^(۲)، پس نیست دست درازی مگر بر ستمکاران. ﴿۱۹۳﴾ ماه حرام، عوض ماه حرام است و بزرگی ها با یکدیگر عوض می شود؛ پس هر که تعدی کند بر شما، پس دست درازی کنید بر وی مانند دست درازی وی بر شما و حذر کنید از خدا و بدانید که خدا با پرهیزگاران است^(۳). ﴿۱۹۴﴾ و خرج کنید در راه خدا و میفکنید خویشتن را به سوی هلاک و نیکوکاری کنید، هر آینه خدا دوست می دارد نیکوکاران را. ﴿۱۹۵﴾ و تمام کنید حج و عمره را برای خدا؛ پس اگر باز داشته شوید، لازم است آنچه سهل باشد از قربانی و متراشید سرهای خود را تا آن که برسد قربانی به جایش^(۴)، پس هر که باشد از شما بیمار یا او را رنجی باشد در سر او^(۵)، پس لازم است عوض آن روزه یا صدقه یا قربانی؛ پس چون ایمن شد، پس هر که بهره ور شد به سبب ادای عمره تا وقت حج، پس لازم است آنچه سهل باشد از قربانی؛ پس لازم است روزه داشتن سه روز در وقت حج و هفت روز وقتی که بازگردید از سفر، این یک دهه تمام است؛ این حکم، آن راست که نباشد قبیله وی، باشندده مسجد حرام و حذر کنید از خدا و بدانید که خدا سخت عقوبت است^(۶).

﴿۱۹۶﴾

۲- یعنی از شرک.

۳- حاصل این آیات آن است که در مسجد حرام و در شهر حرام ابتدا به قتل نباید کرد و چون کافران ابتدا کنند در مقابله ایشان باید جنگ کردن که این معنی با حرمت مسجد و شهر نزاع ندارد، چنانکه ابتدا از کشتن مسلمان درست نیست و اگر خون ناحق رسخته باشد، به قصاص می توان کشت و فقها به آن سبب تصریح نکرده اند که اقامت حریان به مکه بعد فتح مکه بودن نیست، والله اعلم.

۴- یعنی در حج، رمی جمره العقبه کنند به منی و در عمره از سعی بین الصفا و المروه فارغ شوند به مکه، والله اعلم.

۵- یعنی شیش بسیار داشته باشد و به این سبب حلق کند پیش از محل، والله اعلم.

۶- درین آیت، چند حکم، مذکور شده است و جواب امام حج و عمره بعد از شروع و حکم احصار و کفارت ارتکاب امور ممنوعه احرام به عذر مرض و ماهیت تمتع و وجوب قربانی بر تمتع، والله اعلم.

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ ﴿١٩٧﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْتُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ ﴿١٩٨﴾ ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٩٩﴾ فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ ﴿٢٠٠﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٢٠١﴾ أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٢٠٢﴾

حج، موقت است به ماه دانسته شده^(۱)، پس هر که لازم کرد بر خود در این ماه‌ها حج را (یعنی احرام بست)، پس مخالطت زنان جایز نیست و نه بدکاری و نه باهم مناقشه کردن در حج. و هرچه می‌کنید از نیکی، می‌داند آن را خدا، و توشه همراه گیرید؛ هرآینه بهترین فواید توشه، پرہیزگاری است (یعنی از سؤال و دزدی) و از من بترسید ای خداوندان خرد. ﴿۱۹۷﴾ نیست شما را گناهی در آن‌که طلب کنید در موسم حج، روزی از پروردگار خویش. پس آنگاه که بازگردید از عرفات، پس یاد کنید خدا را نزد مشعر حرام و یاد کنید خدا را به شکر آن که راه نموده است شما را، و هرآینه بودید پیش از این، از گمراهان. ﴿۱۹۸﴾ پس بازگردید از آنجا که باز می‌گردند عامه مردمان^(۲) و آمرزش طلب کنید از خدا، هرآینه خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۱۹۹﴾ پس چون ادا کردید ارکان حج خویش را، پس یاد کنید خدای را (یعنی در منی) مانند یاد کردن شما پدران خویش را، بلکه زیاده‌تر یاد کردن. پس از مردمان کسی هست که می‌گوید: ای پروردگار ما! بده ما را در دنیا و نیست او را در آخرت، هیچ نصیب. ﴿۲۰۰﴾ و از مردمان کسی هست که می‌گوید: ای پروردگار ما! بده ما را در دنیا نعمت و در آخرت نعمت و محفوظ دار ما را از عذاب دوزخ. ﴿۲۰۱﴾ این گروه، ایشان راست بهره‌ای از ثواب آنچه به عمل آوردند (یعنی از ثواب آخرت) و خدا زودکننده حساب است. ﴿۲۰۲﴾

۱- یعنی شوال و ذیقعده و عشره ذالحجه.

۲- مترجم گوید: یعنی از عرفات نه از مزدلفه، چنانکه قریش تحریف کرده بودند، والله اعلم.

﴿وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ (۳۳)
 وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهِدُ اللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ﴿۳۴﴾
 وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ﴿۳۵﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْأَمَّادُ ﴿۳۶﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ
 أُتْبَغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿۳۷﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَدْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿۳۸﴾ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۳۹﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿۴۰﴾

و یاد کنید خدا را در چند روز شمرده شده (یعنی ایام منی)، پس کسی که به شتاب کوچ کند در دو روز (یعنی از منی) پس گناه نیست بر وی و آن که دیر ماند، پس گناه نیست بر وی، مر آن را که پرهیزگاری کند و بترسید از خدا و بدانید که شما به سوی وی برانگیخته خواهید شد^(۱).
 ﴿۲۰۳﴾ و از مردمان کسی هست که به شگفت می‌آرد تو را سخن او در باب زندگانی دنیا و گواه می‌آرد خدا را بر آنچه در دل وی است؛ حال آن که او سخت‌ترین ستیزندگان است. ﴿۲۰۴﴾ و چون ریاست پیدا کند، بشتابد در زمین تا تباهی کند در آنجا و نابود سازد زراعت و مواشی را و خدا دوست ندارد تباهکاری را. ﴿۲۰۵﴾ و چون گفته شود او را: حذر کن از خدا، حمل کندش تکبر بر گناه، پس کفایت کننده وی دوزخ است و هرآینه آن بدجایی است. ﴿۲۰۶﴾ و از مردمان کسی هست که می‌فروشد خویش را برای طلب رضامندی خدا و خدا مهربان است بر بندگان. ﴿۲۰۷﴾ ای کسانی که ایمان آوردید! در آییند به اسلام، همه یکجا. و پیروی کنید گام‌های شیطان را، هرآینه او شما را دشمن آشکار هست. ﴿۲۰۸﴾ پس اگر به لغزیدید، بعد از آن که آمد به شما سخنان روشن، پس بدانید که خدا غالب داناست. ﴿۲۰۹﴾ آیا انتظار نمی‌کنند اهل عصیان مگر آن را که بیاید به ایشان خدا (یعنی بیاید عذاب او) در سایبان‌هایی از ابر و بیایند فرشتگان و به انجام رسانیده شود کار. و به سوی خدا بازگردانیده می‌شوند کارها. ﴿۲۱۰﴾

۱- مترجم گوید: بعد ازین خدای تعالی تصویر می‌فرماید حال کافران و

سَلِّ بَنِي إِسْرَءِيلَ كَمَا عَاتَيْنَهُمْ مِّنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢١١﴾ زَيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۗ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢١٢﴾ كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۗ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنْ أَحَقِّ بَإِذْنِهِ ۗ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢١٣﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ ۚ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ ﴿٢١٤﴾ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ ۗ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَالْبَنِ السَّبِيلِ ۗ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٢١٥﴾

بپرس از بنی اسرائیل: چقدر دادیم ایشان را از نشانه‌های روشن؟ و هر که بدل کند نعمت خدا را پس از آن که بیاید به وی (یعنی کفر پیش گیرد تا نعمت مفقود گردد)، پس هر آینه خدا سخت عقوبت است. ﴿۲۱۱﴾ آراسته کرده شده است کافران را زندگانی این جهان و سخریه می‌کنند با اهل ایمان، و کسانی که تقوی دارند، بالاتر از ایشان باشند روز قیامت و خدا روزی می‌دهد هر که را می‌خواهد بی‌شمار (یعنی بسیار). ﴿۲۱۲﴾ بودند مردمان، یک گروه^(۱)، پس فرستاد خدای تعالی پیغامبران را بشارت دهنده و بیم‌کننده و فرود آورد به ایشان کتاب به راستی؛ تا حکم کند آن کتاب میان مردمان در آنچه اختلاف کردند در آن^(۲) و اختلاف نکردند در آن مگر کسانی که داده شده به ایشان کتاب (یعنی امت [مورد] دعوت) بعد از آن که آمد به ایشان نشانه‌ها از جهت حسد در میان خویش؛ پس راه نمود خدا مؤمنان را به آن حق که اختلاف کردند در آن به اراده خود، و خدا راه می‌نماید کسی را که خواهد به سوی راه راست^(۳). ﴿۲۱۳﴾ آیا پنداشتید ای مردمان، که درآید به بهشت حال آن که هنوز پیش نیامده است شما را حالت آنان که گذشته‌اند پیش از شما؟ رسید به ایشان سختی و محنت و جنبانیده شدند، تا آن که می‌گفت پیغامبر و کسانی که ایمان آوردند با وی: کی باشد یاری دادن خدا؟ آگاه شوید که هر آینه یاری دادن خدا نزدیک است. ﴿۲۱۴﴾ سؤال می‌کنند تو را که کدام نوع خرج کردن، خرج کنند، بگو: آنچه خرج کردید از مال، پس مادر و پدر را باید و خویشاوندان و یتیمان و درویشان و مسافران را و آنچه کنید از نیکی، پس هر آینه خدا به آن داناست. ﴿۲۱۵﴾

۱- یعنی پیش از آمدن هر پیغامبر متفق بودند با یک دیگر در دین او اختلاف نداشتند.

۲- یعنی در اصول مختلف می‌شوند.

۳- حاصل آن است که سنده الله جاری شده است به آنکه بعد بعثت هر پیغامبر، در امت دعوت اخلاف واقع می‌شود، از آن تنگدل نباید شد؛ والله اعلم.

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢١٦﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكَفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يَقْتُلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنْ أَسْتَطَعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢١٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢١٨﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخُمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْغَفْوُ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١٩﴾

لازم کرده شد بر شما جنگ و آن دشوار است شما را و شاید که شما ناخوش دارید چیزی را، حال آن که آن بهتر باشد شما را و شاید که دوست دارید چیزی را، حال آن که آن بد باشد شما را و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. ﴿۲۱۶﴾ سؤال می‌کنند تو را از ماه حرام، از جنگ کردن در آن ^(۱) بگو: جنگ کردن در وی سخت کاری است و بازداشتن از راه خدا و ناگرویدن به خدا و بازداشتن از مسجد حرام و بیرون کردن اهل این مسجد از وی سخت‌تر است نزد خدا و فتنه‌انگیختن ^(۲) سخت‌تر است از کشتن ^(۳) و همیشه باشند که جنگ می‌کنند با شما تا اینکه بازگردانند شما را از دین شما (یعنی از اسلام) اگر توانند و هر که برگردد از شما از دین خود پس کافر بمیرد، آن گروه نابود شد کارهای ایشان در دنیا و آخرت و ایشانند باشندگان دوزخ؛ ایشان در آنجا جاویدند. ﴿۲۱۷﴾ هرآینه آنان که ایمان آوردند و آنان که هجرت کردند و جهاد نمودند در راه خداوند، آن گروه امیدوارند بخشایش خدا را و خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۲۱۸﴾ سؤال می‌کنند تو را از شراب و قمار، بگو: در این هر دو گناه سخت است و نفع‌هاست مردمان را (یعنی در دنیا) و گناه این هر دو سخت‌تر است از نفع آنها ^(۴). و سؤال می‌کنند تو را چه چیز خرج می‌کنند، بگو: خرج کنید زیاده را. همچنین ^(۵) بیان می‌کند خدا برای شما آیات‌ها، تا باشد که تأمل کنید. ﴿۲۱۹﴾

۱- یعنی رجب، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه و محرم که در شریعت حضرت ابراهیم جنگ کردن درین ماه‌ها حرام بود. پس سؤال کردند که در شریعت محمدیه حکم تحریم باقی مانده یا نه؟ الله اعلم.

۲- یعنی ترویج شرک.

۳- حاصل جواب آن است که قتال کفار جائز است و تحریم قتالِ مسلمین مغلظه می‌شود؛ والله اعلم.

۴- یعنی حرام‌اند و به منافع، التفات نباید کرد؛ والله اعلم.

۵- یعنی از حاجت ضروری.

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الَّتِي مَتَّي قُلْ
إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ
يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْتَبَكُمْ
إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢١﴾ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ
حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَا أَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ
أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا
وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ
أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ
وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ ءَايَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ
يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٢٢﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ
أَذَى فَأَعِزُّوا نَفْسَكُمْ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ
حَتَّى يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ
اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ﴿٢٢٣﴾
نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أُنَّى شِئْتُمْ
وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ
مُّلْقَوُهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٢٤﴾ وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً
لِّإِيمَانِكُمْ أَنْ تَبْرُوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ
وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٥﴾

در مصلحت دنیا و آخرت. و سؤال می کنند تو را از یتیمان،
بگو: به صلاح آوردن کار ایشان بهتر است^(۱) و اگر
مشارکت کنید با ایشان، پس ایشان برادران شمايند و خدا
می داند تباهاکار را از صلاحکار و اگر خدا خواستی،
سخت گرفتی شما را، هر آينه خدا غالب استوارکار است.
﴿۲۲۰﴾ و به زنی مگیرید زنان شرک آورنده را تا آن که
ایمان آرند و هر آينه کنیزکِ مسلمان بهتر است از زن

شرک آورنده، اگرچه شگفت آورده باشد شما را. و به زنی
مدهید به مشرکان تا آن که ایمان آرند (يعنی زنان مؤمنه را)
و هر آينه بنده مسلمان بهتر است از مشرک و اگرچه به
شگفت آورده باشد شما را^(۲). گروه مشرکان می خوانند به
سوی دوزخ و خدا می خواند به سوی بهشت و به سوی
آمزش به قدرت خود و بيان می کند آیت های خود را
برای مردمان، تا باشد که پند پذیر شوند. ﴿۲۲۱﴾ و سؤال
می کنند تو را از حیض، بگو که: وی نجاست است، پس
یکسو شوید از زنان در حال حیض و نزدیکی مکنید با
ایشان تا آن که پاک شوند^(۳). پس چون نیک پاک شوند،
پس نزدیکی کنید با ایشان از آن راه که مباح کرده است
شما را خدا (يعنی از جانب قبل)، هر آينه خدا دوست
می دارد توبه کنندگان را و دوست می دارد پاک شوندگان
را. ﴿۲۲۲﴾ زنان شما کشتزار شمايند، پس بیايد به کشتزار
خویش [به] هر روش که خواهيد^(۴) و پیش فرستيد (يعنی
اعمال صالحه را) برای خویشان و بترسيد از خدا و بدانيد
که شما با وی ملاقات خواهيد کرد و بشارت ده مسلمانان
را. ﴿۲۲۳﴾ و مکنید نام خدا را دستمایه برای سوگندان
خویش، برای اجتناب از آن که نیکوکاری کنید و
پرهیزگاری نماييد و صلاح آريد در میان مردمان. و خدا
شنوای داناست^(۵). ﴿۲۲۴﴾

۲- یعنی هر بنده از بندگان خدا که مؤمن باشد و هر کنیز از کنیزهای خدا
که مؤمنه باشد بهتر است از مشرک و مشرکه، والله اعلم.

۳- یعنی غسل به جا آرند.

۴- یعنی به هر گونه که بخواهيد می توانید جماع کردن (نزدیکی با همسران
خود) یعنی غلطانده و از پس پشت و غير آن، به شرط آنکه در قبل
باشد.

۵- یعنی سوگند برای موقوف کردن کار نیک جائر نیست.

۱- یعنی به غير شرک.

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٢٥﴾ لِلَّذِينَ يُؤُولُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةٍ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٢٦﴾ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٧﴾ وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢٨﴾ الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكِ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَنٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٢٩﴾ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٢٣٠﴾

مؤاخذه نمی کند شما را خدا به بیهوده گویی در سوگندهای شما^(۱) و لیکن مؤاخذه می کند به آنچه قصد کرده است دل های شما و خدا آمرزنده بردبار است. ﴿۲۲۵﴾ مرآن

کسان را که ایلا می کنند از زنان خویش^(۲)، انتظار کردن چهار ماه است، پس اگر باز گشتند (یعنی از این سوگند) پس هرآینه خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۲۲۶﴾ و اگر قصد کردند جدایی را، پس هرآینه خدا شنوای داناست. ﴿۲۲۷﴾ و آن زنان که طلاق داده شد ایشان را انتظار سه حیض یا سه طهر کنند خویشتن را و جایز نیست ایشان را پوشیدن آنچه خدا آفریده است در رحم های ایشان (یعنی ولد و حیض) اگر ایمان می آرند به خدا و روز بازپسین و شوهران ایشان سزاوارترند به باز آوردن ایشان در حباله خود در این مدت اگر خواهند نیکوکاری؛ و زنان را هست مانند آنچه بر زنان است به وجه پسندیده^(۳) و مردان را هست برایشان بلندی (یعنی فرمانروایی) و خدا غالب استوارکار است. ﴿۲۲۸﴾ طلاق رجعی دوبار است، پس از آن یا نگاه داشتن است به خوش خویی یا رهاکردن به نیکویی، و حلال نیست شما را که بگیرید چیزی را از آنچه داده اید زنان را^(۴)، مگر آنگاه که بترسند مرد و زن که برپا نتوانند داشت احکام خدا را، پس اگر بترسید ای مسلمانان، از آن که برپا ندارند این هر دو، احکام خدا را^(۵)، پس گناه نیست بر ایشان در آنچه عوض خود داد زن. این حد های مقرر کرده خداست؛ پس بیرون مروید از آنها و هر که بیرون رود از حدود خدا پس آن گروه، ایشانند ستمکاران. ﴿۲۲۹﴾ پس اگر طلاق داد (یعنی سوم بار) پس هرگز حلال نمی شود این زن آن مرد را تا آن که درآید به نکاح شوهری دیگر (یعنی او دخول کند). پس اگر طلاق دادش این شوهر دیگر، پس گناه نیست بر آن هر دو، در آن که بازگردند به نکاح باهم، اگر بدانند که برپا می توانند داشت احکام خدا را و این حدود خداست، بیان می کند آن حدود را برای قومی که می دانند. ﴿۲۳۰﴾

۲- یعنی قسم می خورند که جماع نکنند.

۳- یعنی زنان را بر مردان حق است، چنانچه مردان را بر زنان حق است.

۴- یعنی حلال نیست که بدل طلاق از مهر بگیرد.

۵- یعنی در معاشرت.

۱- یعنی: «لا والله» و «بلی والله» به غیر قصد گوید غلط دانسته سوگند خوردد علی اختلاف المذهبین؛ والله اعلم.

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ
بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ
ضُرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ
وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ
عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ
يُعْظِمُ بِهِ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ
شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٣١﴾ وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ
فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا
بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ۚ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ
يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ ذَلِكَمْ أَرْكَى لَكُمْ وَأَظْهَرُ
وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٣٢﴾ وَالْوَالِدَاتُ
يُرْضَعْنَ أَوْلَدَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ
الرِّضَاعَةَ ۚ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ
بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ
وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ ۚ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ
ذَلِكَ ۚ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ
فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا ۚ وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْرِضِعُوا
أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا
ءَاتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٣﴾

و چون طلاق دادید زنان را پس رسیدند به میعاد خود^(۱)،
پس نگاه دارید ایشان را به نیکویی، یا رها کنید ایشان را به
نیکویی و نگاه مدارید ایشان را برای ضرر رسانیدن تا ستم
کنید، و هر که این کند، پس هر آینه ستم کرد بر خود و
مگیرید آیت‌های خدا را تمسخر، و یاد کنید نعمت خدا را
بر خویش و آنچه فرود آورد بر شما از کتاب و علم که پند
می‌دهد شما را به آن و بترسید از خدا و بدانید که خدا به
هر چیز داناست. ﴿۲۳۱﴾ و چون طلاق دادید زنان را پس
رسیدند به میعاد خود^(۲)، پس منع مکنید ایشان را از آن که
نکاح کنند با شوهران خویش^(۳)، وقتی که با یکدیگر
راضی شدند در میان خویش به روش پسندیده. این حکم
پند داده می‌شود به آن هر کسی را که مؤمن باشد از شما
به خدا و روز قیامت این کار، خوشتر است و پاکیزه‌تر و
خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. ﴿۲۳۲﴾ و مادران باید که
شیر دهند فرزندان خویش را دو سال تمام؛ این حکم آن
راست که خواهد تمام کردن مدّت شیر، و بر پدر نفقه و
پوشاک این زنان شیرده است به وجه پسندیده؛ واجب
کرده نمی‌شود بر هیچ کس الا قدر توانایی او، رنج نباید
داد مادر را به سبب فرزند وی و نه پدر را به سبب فرزند
وی و لازم است بر وصی مانند این. پس اگر خواهند مادر
و پدر از شیر باز کردن (یعنی پیش از دو سال) بعد
رضامندی میان یکدیگر و مشورت کردن با یکدیگر، پس
هیچ گناه نیست بر ایشان، و اگر خواهید که دایه بگیرید
برای فرزندان خویش، پس هیچ گناه نیست بر شما تمام
تسلیم نمودید آنچه دادنش مقرر کردید به خوش خویی، و
بترسید از خدا و بدانید که خدا به آنچه می‌کنید بیناست.

﴿۲۳۳﴾

۱- یعنی نزدیک رسیدن به انقضای عدّت.

۲- یعنی عدّت منقطع شد.

۳- یعنی با شوهران سابق خود یا شوهران دیگر که به ایشان رغبت پیدا کردند.

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ
 بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغَ أَجَلُهُنَّ
 فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ
 بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٣٤﴾ وَلَا جُنَاحَ
 عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ
 أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عِلْمَ اللَّهِ أَنْتُمْ
 سَتَذَكَّرُوهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُؤَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ
 تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى
 يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي
 أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
 حَلِيمٌ ﴿٢٣٥﴾ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ
 تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى
 الْمَوْسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدَرُهُ مَتَّعًا بِالْمَعْرُوفِ
 حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٣٦﴾ وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ
 أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا
 فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ
 النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ
 بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٧﴾

و کسانی که بمیرند از شما و بگذارند زنان را، باید که
 انتظار کنند این زنان، خویشان را چهار ماه و ده روز؛ پس
 چون رسیدند به میعاد^(۱) خویش، پس گناه نیست بر شما در
 آنچه کردند در حق خویشان به وجه پسندیده (یعنی نکاح
 به طور شرعی)، و خدا به آنچه می کنید آگاه است.
 ﴿۲۳۴﴾ و نیست گناه بر شما در سخنی که کنایت کردید
 به آن از خواستگاری زنان (یعنی در میان عدت) یا پنهان
 داشتید در دل های خود. دانست خدا که شما یاد خواهید
 کرد این زنان را (یعنی به تصریح بعد عدت) و لیکن وعده
 ندهید به ایشان نکاح را مگر آن که گوید سخنی پسندیده
 را (یعنی به کنایت)، و قصد مکنید عقد نکاح را تا آن که
 رسد میعاد مقرر به نهایت خود و بدانید که خدا می داند
 آنچه در دل های شما است؛ پس بترسید از او، بدانید که
 خدا آمرزنده بردبار است. ﴿۲۳۵﴾ هیچ گناه نیست بر شما
 اگر طلاق دادید زنان را در آن وقت که هنوز دست
 نرسانیده اید به ایشان یا مُعین نکرده اید برای ایشان
 مقداری^(۲) و بهره دهید این چنین مطلقات را، لازم است^(۳)
 بر توانگر، مقدار حال او بهره و بر تنگدست، مقدار حال او
 بهره دادن به خوش خویی؛ لازم شده بر نیکوکاران.
 ﴿۲۳۶﴾ و اگر طلاق داده اید زنان را پیش از آن که دست
 رسانید به ایشان و مُعین کرده باشید برای ایشان مقداری،
 پس لازم است نیمه آنچه مُعین کردید، مگر آن که بخشند
 زنان یا در گذارد کسی که به دست اوست عقد نکاح
 (یعنی زوج حق خود گذاشته تمام دهد) و آن که
 در گذارید، نزدیکتر است به پرهیزگاری و فراموش مکنید
 احسان کردن در میان خویش، هر آینه خدا به آنچه
 می کنید، بیناست. ﴿۲۳۷﴾

۱- یعنی به انقضای عدت.

۲- یعنی مهر را.

۳- یعنی پوشاک بدهید.

حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ﴿٢٣٨﴾ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿٢٣٩﴾ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَّتَعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٤٠﴾ وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتَعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿٢٤١﴾ كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٤٢﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٢٤٣﴾ وَقَتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٤﴾ مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصِطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٤٥﴾

تقید کنید بر همه نمازها و بر نماز میانه (یعنی خصوصاً بر نماز عصر) و بایستید برای خدا فرمانبردار شده. ﴿۲۳۸﴾ پس اگر ترسیدید (یعنی از عدو و مانند آن) پس روان بر پاهای خود نماز گزارید یا سواره. پس چون ایمن شوید، پس یاد کنید خدا را چنانکه آموخته است شما را آنچه نمی‌دانستید. ﴿۲۳۹﴾ و آنان که قبض روح ایشان کرده شود از شما و بگذارند زنان را، لازم کرده شد بر ایشان وصیت کردن برای زنان خویش به آن که بهره دهند ایشان را تا یک سال غیر بر آوردن (یعنی بی غیر بر آوردن). پس اگر بیرون روند، پس گناه نیست بر شما در آنچه کردند در حق خویشان از کار پسندیده (یعنی نکاح به طور شرعی) و خدا غالب و استوارکار است^(۱). ﴿۲۴۰﴾ و طلاق داده شدگان را لازم است بهره‌مند ساختن به خوش خویی (یعنی نفقه و سکنی). لازم کرده شد بر پرهیزگاران. ﴿۲۴۱﴾ همچنین بیان می‌کند خدا برای شما احکام خود را تا باشد که شما بفهمید. ﴿۲۴۲﴾ آیا ندیدی ای بیننده! به سوی کسانی که بیرون آمدند از خانه‌های خویش و ایشان هزاران بودند به بیم مرگ، پس گفت ایشان را خدا: بمیرید. باز زنده گردانید ایشان را. هرآینه خدا صاحب بخشایش است بر مردمان و لیکن اکثر ایشان سپاس نمی‌کنند. ﴿۲۴۳﴾ و جنگ کنید در راه خدا و بدانید که خدا شنوای داناست. ﴿۲۴۴﴾ کیست آن که وام دهد خدا را، وام دادن نیک، پس دو چند سازد خدا آن مال را برای او به مراتب بسیار و خدا تنگ می‌سازد و گشاده می‌کند روزی را و به سوی او باز گردانیده شوید. ﴿۲۴۵﴾

۱- مترجم گوید: این آیت، نزدیک جمهور منسوخ است به آیت: ﴿أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا﴾ [البقرة: ۱۳۴]. والله اعلم.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ
 قَالُوا لِنَبِيِّهِمْ أَهْبِثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ^{٢٤٦}
 قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا
 تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ
 أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَيْنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ
 الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ
 ﴿٢٤٦﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ
 مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ
 بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ
 اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ^{٢٤٧}
 وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾
 وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ
 الْتَابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ
 آلُ مُوسَى وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي
 ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٢٤٨﴾

آیا ندیدی به سوی جماعتی از بنی اسرائیل بعد از موسی،
 چون گفتند مر پیغامبر خویش را که: برپا کن برای ما
 پادشاهی تا جنگ کنیم در راه خدا، گفت پیغامبر: آیا
 نزدیک هستید اگر واجب کرده شود بر شما جنگ، این که
 جنگ نکنید؟ گفتند: و چه شده است ما را که جنگ نکنیم
 در راه خدا و به تحقیق که بیرون کرده شدیم از خانه‌های
 خویش و جدا کرده شدیم از فرزندان خویش. پس آنگاه
 که واجب کرده شد بر ایشان جنگ، روگردانیدند مگر
 اندکی از ایشان، و خدا داناست به ستمکاران. ﴿۲۴۶﴾ و
 گفت مر ایشان را پیغامبر ایشان: هرآینه خدا، پادشاه مقرر
 کرده است برای شما طالوت را. گفتند: چگونه باشد او را
 پادشاهی بر ما و ما سزاوارتریم به پادشاهی از وی! و داده
 نشده است وی را فراخی از مال. گفت: هرآینه خدا
 برگزیده است او را بر شما و داده است او را فراخی در
 دانش و افزونی در بدن، و خدا می‌بخشد پادشاهی خود را
 به هر که خواهد و خدا جواد داناست. ﴿۲۴۷﴾ و گفت
 ایشان را پیغامبر ایشان: هرآینه نشان پادشاهی او آن است
 که بیاید به شما صندوقی که در آن، آرام دل است از
 پروردگار شما و بقیه از تبرکاتی که گذاشتندش آل موسی
 و آل هارون، بر می‌دارند او را فرشتگان، هرآینه در این
 صورت نشانه [ای] است شما را اگر باور دارنده‌اید.

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ
 بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ
 فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ
 إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا
 مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ
 الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلتَقُوا اللَّهَ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ
 غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً يَأْذِنُ اللَّهُ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٢٤٩﴾
 وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا
 صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ
 ﴿٢٥٠﴾ فَهَزَمُوهُمْ يَأْذِنُ اللَّهُ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَءَاتَاهُ
 اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ
 اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ
 وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٢٥١﴾ تِلْكَ ءَايَاتُ
 اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٥٢﴾

پس چون جدا شد (یعنی از وطن) طالوت با لشکرها،
 گفت: هرآینه خدا آزمایش کننده است شما را به جویی،
 پس هر که بنوشد از آن جوی، پس نیست از آن من و هر
 که نچشد آن را، پس او از آن من است؛ الا آن که بردارد
 یک کف آب به دست خود، پس آشامیدند از آن جوی،
 مگر اندکی از ایشان، پس آنگاه که گذشتند از جوی
 طالوت و مؤمنان همراه، گفتند نوشندگان: نیست توانایی ما
 را امروز به مقابله جالوت و لشکرهاى او. گفتند آنان که
 مى دانستند که ایشان ملاقات خواهند کرد با خدا: بسا گروه
 اندك که غالب شد بر گروه بسیار به اراده خدا و خدا با
 شکیبایان است. ﴿۲۴۹﴾ و آنگاه که به میدان آمدند برای
 جنگ جالوت و لشکرهاى وی، این صالحان گفتند: ای
 پروردگار ما! بریز بر ما شکیبایی و محکم کن قدمهای ما
 را و غلبه ده ما را بر گروه ناگرویدگان. ﴿۲۵۰﴾ پس
 شکست دادند آن کفار را بتوفیق خدا و کشت داود
 جالوت را و داد خدای تعالی داود را پادشاهی و علم و
 پیاموخت او را از آنچه می خواست. و اگر نبودی دور
 کردن خدا مردمان را گروهی را به دست گروهی، هرآینه
 تباه شدی زمین و لیکن خدا صاحب بخشایش است بر
 عالم ها. ﴿۲۵۱﴾ اینها آیات خداست، می خوانیم آن را بر
 تو [ای محمد]، به راستی و هرآینه تو از پیغامبرانی.

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّن كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَءَاتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ۖ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَتَلَ الَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ مِّن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنِ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَّنْ ءَامَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ ۖ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَتَلُوا وَلَكِنِ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٢٥٣﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفْعَةٌ ۖ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٥٤﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ ۚ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۚ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ ۚ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ ۖ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا ۚ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ۚ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ۚ فَمَن يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٦﴾

این پیامبران، فضل دادیم بعضی را از ایشان بر بعضی از ایشان کسی هست که با او سخن گفت خدا و بلند کرد بعضی را در مرتبه‌ها. و دادیم عیسی پسر مریم را معجزه‌ها و قوت دادیم او را به روح القدس و اگر خواستی خدا، با یکدیگر نمی‌جنگیدند کسانی که بعد از پیامبران بودند، پس از آن که آمد به ایشان حجت‌ها، و لیکن اختلاف کردند. پس از ایشان کسی هست که ایمان آورد و از ایشان کسی هست که کافر شده و اگر خواستی خدا با. یکدیگر نمی‌جنگیدند و لیکن خدا می‌کند آنچه می‌خواهد ﴿۲۵۳﴾ ای مسلمانان! خرج کنید از آنچه روزی دادیم شما را پیش از آن که بیاید روزی که خرید و فروخت نیست در آن روز و نه دوستی و نه سفارش، و کافران، ایشانند ظالمان. ﴿۲۵۴﴾ خدا، هیچ معبود نیست بجز وی، زنده تدبیر کننده عالم، نمی‌گیرد او را پینکی و نه خواب، او راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است، کیست آن که شفاعت کند نزدیک او الا به حکم او، می‌داند آنچه پیش دست‌های ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است و در بر نمی‌گیرند مردمان از معلومات حق، چیزی را مگر به آنچه وی خواسته است، فرا گرفته است پادشاهی او آسمان‌ها و زمین را و گران نمی‌شود بر وی نگهداری این هر دو، او بلند مرتبه بزرگ قدر است. ﴿۲۵۵﴾ نیست جبر کردن برای دین^(۱). هر آینه ظاهر شده است راهیابی از گمراهی، پس هر که منکر بت شود و ایمان آرد به خدا پس هر آینه چنگ زده است به دستاویزی محکم که نیست گسستن آن را، و خدا شنوای داناست ﴿۲۵۶﴾

۱- یعنی حجت اسلام ظاهر شد. پس گویا جبر کردن نیست، اگرچه فی الجملة به صبر باشد، والله اعلم.

اللَّهُ وَلِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَمُ الظُّلُمَاتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥٧﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ ءَاتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥٨﴾ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانْظُرْ إِلَى جِمَازِكَ وَلِنَجْعَلَكَ ءَايَةً لِلنَّاسِ وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٥٩﴾

خدا کارسازِ مؤمنان است، بیرون می‌آرد ایشان را از تاریکی‌ها به سوی روشنی و آنان که کافرند، کارسازان ایشان بتانند، بیرون می‌آرند ایشان را از روشنی به سوی تاریکی‌ها؛ این جماعت باشندگان دوزخند، ایشان در آنجا جاویدند. ﴿۲۵۷﴾ آیا ندیدی به سوی کسی که مکابره کرد با ابراهیم در باب پروردگار او در مقابله آن که داد او را خدا پادشاهی (یعنی نمود) چون گفت ابراهیم: پروردگار من آن است که زنده می‌کند و می‌میراند^(۱)، گفت آن کافر: من زنده می‌کنم و می‌میرانم. گفت ابراهیم: پس هرآینه خدا می‌آرد آفتاب را از مشرق، پس تو بیار آن را از طرف مغرب؛ پس مغلوب شد کافر و خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را. ﴿۲۵۸﴾ یا ندیدی این شخص را که گذشت بر دهی و وی افتاده بود بر سقف‌های خود^(۲)، گفت: چگونه زنده کند این را خدا بعدِ مردن این؟! پس مرده کرد او را خدای تعالی صد سال، بعد از آن برانگیختش، گفت: چقدر درنگ کردی؟ گفت: درنگ کردم یک روز یا پاره‌ای از روز. گفت: بلکه درنگ کردی صد سال، پس بین به سوی طعام خود و آشامیدنی خود که متغیّر نشده و بین به سوی درازگوش خود و می‌خواهیم که گردانیم تو را نشانه‌ای برای مردمان. و بین به سوی استخوان‌ها، چگونه جنبش می‌دهیم آن را، بعد از آن می‌پوشانیم بر آن گوشت را؛ پس چون واضح شدش این حال، گفت: به یقین می‌دانم خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۲۵۹﴾

۱- یعنی به ستم، مستحق کشتن را می‌گذارم و کسی را که مستحق کشتن

نیست، می‌کشم؛ والله اعلم.

۲- مترجم گوید: آن شخص عزیر بود.

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَظْمِنَنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ أَجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ أَدْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦١﴾ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُبُلَةٍ مِّائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦٢﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبَعُونَ مِمَّا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٦٣﴾ قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ﴿٢٦٤﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءً لِلنَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ ثَرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦٥﴾

و آنگاه که گفت ابراهیم: ای پروردگار من! بنما مرا چگونه زنده می‌کنی مردگان را؟ گفت خدا: آیا باور نداشته‌ای؟ گفت: آری باور داشته‌ام، لیکن می‌خواهم که آرام گیرد دل من^(۱). گفت خدا: پس بگیر چهار تن از پرندگان، پس به هم آور همه را نزدیک خود. بعد از آن بگذار بر هر کوهی پاره‌ای از ایشان، بعد از آن ندا کن ایشان را، البته بیایند پیش تو شتابان، و بدان که خدا غالب استوارکار است. ﴿۲۶۰﴾ صفت آنان که خرج می‌کنند اموال خود را در راه خدا، مانند صفت یک دانه است که برویاند هفت خوشه را، در هر خوشه صد دانه است و خدا دو چند می‌دهد هر که را خواهد و خدا، جوادِ داناست. ﴿۲۶۱﴾ آنان که خرج می‌کنند اموال خود را در راه خدا، باز از پی آن انفاق، نمی‌آرند منت نهادن را و نه ایذا رسانیدن را، ایشان راست مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۲۶۲﴾ سخن ملایم گفتن و درگذشتن^(۲) بهتر است از آن خیرات که از پی آن آزرده کردن باشد و خدا بی‌نیازست بردبار است. ﴿۲۶۳﴾ ای مؤمنان! تباه نکنید خیرات خود را به منت نهادن و آزرده کردن، همچون کسی که خرج می‌کند مال خود را برای نمودن مردمان و ایمان ندارد به خدا و روز قیامت؛ پس صفت او مانند صفت سنگ صاف است که بر وی باشد اندک خاکی، پس رسید به آن بارانی عظیم، پس گذاشت او را سخت و صاف مانده. توانایی ندارند اهل ریا بر چیزی از آنچه عمل کردند و خدا راه نمی‌نماید گروه کافران را^(۳). ﴿۲۶۴﴾

۱- یعنی عین یقین می‌خواهم، والله اعلم.

۲- از بی‌ادبی سائل.

۳- مترجم گوید: حاصل این مثل، آن است که عمل منان و مرائی در دنیا می‌نماید که عمل است و در آخرت نابود می‌شود و هیچ فائده نمی‌دهد، چنانکه بر سنگی خاک افتاده باشد و به ظاهر چنان می‌نماید که قابل زراعت است و چون باران بارد محو شود؛ والله اعلم.

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَنْبِيئًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطُلٌّ^{٢٦٥} وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾ أَيَوَّدُ أَحَدُكُمْ أَنَّ تَكُونَ لَهُوَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّحِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٦٦﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغِصُّوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٢٦٧﴾ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦٨﴾ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٦٩﴾

و صفت آنان که خرج می کنند مال های خویش را از جهت طلب رضامندی خدا و به سبب اعتقاد ناشی از دل های خویش، مانند صفت باغی است به مکان بلند که رسید به وی بارانی عظیم، پس آورد میوه های خود را دو چندان و اگر نمی رسید او را باران عظیم، پس شبنم کفایت می کرد، و خدا به آنچه می کنید بیناست^(۱). ﴿۲۶۵﴾ آیا دوست می دارد یکی از شما که باشد او را باغی از درختان خرما و انگور، می رود زیر آن جوی ها، مر او را هست در آن باغ، هر جنس از میوه ها و رسیده باشد او را کلان سالی و باشد او را اولاد ناتوان، پس در این حالت رسید آن باغ را گردبادی که در آن آتش است، پس پاک بسوخت؛ همچنین واضح می سازد خدا برای شما آیت ها، تا باشد که تأمل کنید^(۲). ﴿۲۶۶﴾ ای مؤمنان! خرج کنید از پاکیزه ها آنچه شما پیدا کردید و از پاکیزه ها آنچه بیرون آوردیم برای شما از زمین و قصد مکنید ردی را از آن، خرج می کنید آن را و نیستید گیرنده آن، مگر وقتی که چشم پوشی کنید در گرفتن آن و بدانید که خدا بی نیاز ستوده است. ﴿۲۶۷﴾ شیطان وعده می دهد به شما تنگدستی را و می فرماید به بی حیایی، و خدا وعده می کند به شما آمرزش را از جانب خود و نعمت دادن را، و خدا جواد داناست. ﴿۲۶۸﴾ می دهد دانش، هر که را خواهد و هر که داده شد او را دانش، پس هر آینه داده شد نیکویی بسیار و نپندپذیر نمی شوند مگر خداوندان خرد. ﴿۲۶۹﴾

۱- مترجم گوید: حاصل این مثل، آن است که عمل اهل اخلاص فائده ها

می دهد، از سابقین باش یا از اصحاب یمین.

۲- حاصل این مثل، آن است که عمل منان و مرانی در وقت شدت احتیاج،

ناپود شود؛ چنانکه بوستان این شخص در وقت شدت احتیاج

بسوخت.

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِّنْ نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ^{٢٧٠} وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ^{٢٧١} إِنْ تُبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ^{٢٧٢} وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُم مِّن سَيِّئَاتِكُمْ^{٢٧٣} وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ^{٢٧٤} لَّيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ^{٢٧٥} وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا يُنْفِسْكُمْ^{٢٧٦} وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ^{٢٧٧} لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْقَاقًا^{٢٧٨} وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ^{٢٧٩} الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^{٢٨٠}

و آنچه خرج کردید از خیرات و یا لازم کردید بر خود از نذری، پس هر آینه خدا می داند آن را، و نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده. ﴿۲۷۰﴾ اگر آشکارا کنید خیرات را پس نیکو چیز است آن، و اگر پنهان کنید آن را و بدهید آن را به فقیران، پس این بهتر است شما را و دور سازد از شما بعض گناهان شما را، و خدا به آنچه می کنید آگاه است. ﴿۲۷۱﴾ لازم نیست بر تو [ای محمد] هدایت ایشان^(۱)، لیکن خدا هدایت می کند هر که را می خواهد و آنچه خرج کردید از مال، پس نفع برای ذات شما است و لایق نیست که خرج کنید مگر برای طلب رضای خدا، و آنچه خرج کردید از مال، به تمام رسانیده شود به سوی شما (یعنی ثواب او) و شما ستم کرده نخواهید شد. ﴿۲۷۲﴾ خیرات برای آن فقیران است که بند کرده شدند در راه خدا^(۲)، نمی توانند سفر کردن در زمین، توانگر می پندارد ایشان را نادان، به سبب طمع نکردن. تو می شناسی ایشان را به قیافه ایشان، سؤال نمی کنند از مردمان به الحاح. و آنچه خرج کنید از مال، پس هر آینه خدا به آن داناست. ﴿۲۷۳﴾ کسانی که خرج می کنند اموال خویش شب و روز، پنهان و آشکارا، پس ایشان راست مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۲۷۴﴾

۱- یعنی: ایصال مطلوب الی الله.

۲- یعنی: به سبب اشغال به جهاد، کسب کردن نمی توانند، والله اعلم.

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ
الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ
قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ
الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ
مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ
أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧٥﴾ يَمْحَقُ اللَّهُ
الرِّبَا وَيُزِيهِ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ
أَثِيمٍ ﴿٢٧٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَءَاتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ
رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٧﴾
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ
الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٧٨﴾ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا
بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ
أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٩﴾ وَإِنْ كَانَ
ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ
لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٨٠﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ
فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا
يُظْلَمُونَ ﴿٢٨١﴾

کسانی که می‌خورند سود را بر نخیزند (یعنی از گور)
مگر چنانکه بر می‌خیزد کسی که دیوانه ساخت او را
شیطان به سبب آسیب رسانیدن، که این به سبب آن است
که سودخوران گفتند: جز این نیست که سوداگری مانند
سود است و حال آن که حلال کرده است خدا سوداگری
را و حرام ساخته سود را. پس کسی که آمد به وی پند از
جانب پروردگار او، پس بازماند از این کار، پس او راست
آنچه گذشت و کار او مفوض است به خدا^(۱) و هر که
بازگشت به سودخواری^(۲)، پس آن گروه باشندگان
دوزخند، ایشان در آنجا جاویدند. ﴿۲۷۵﴾ نابود می‌سازد
خدا برکت سود را و افزون می‌سازد برکت خیرات را و
خدا دوست ندارد هر ناسپاس گناهکار را. ﴿۲۷۶﴾ هر آینه
کسانی که ایمان آورده‌اند و کردند کارهای شایسته و برپا
داشتند نماز را و دادند زکات را، مرایشان راست، مزد
ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه
ایشان اندوهگین شوند. ﴿۲۷۷﴾ ای کسانی که ایمان
آوردید! حذر کنید از خدا و ترک کنید آنچه مانده است
از سود، اگر هستید از اهل ایمان. ﴿۲۷۸﴾ پس اگر نه
کردید، پس خبردار باشید به جنگی از طرف خدا و رسول
او و اگر توبه کردید، پس شما راست اصل مال‌های شما،
نه شما ستم کنید و نه بر شما ستم کرده شود. ﴿۲۷۹﴾ و
اگر باشد مفلسی، پس لازم است مهلت دادن تا توانگری،
و آن که خیرات کنید بهتر است شما را، اگر هستید داننده.
﴿۲۸۰﴾ و حذر کنید از آن روز که بازگردانیده شوید در
آن به سوی خدا، پس تمام داده شود هر شخصی را آنچه
عمل کرده است و ایشان ستم کرده نشوند. ﴿۲۸۱﴾

۱- یعنی سودی که قبل آیت تحریم گرفته بازگردانیدنش لازم نیست، والله

اعلم.

۲- یعنی بعد از تحریم.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَآكُتُبُوهُ وَلْيَكُتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكُتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكُتُبْ وَلْيَمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيَمْلِكْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمَعُوا أَنْ تَكُتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكُتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٨٢﴾

ای مؤمنان! اگر معامله کنید با یکدیگر به وام دادن تا میعاد مقرر، پس بنویسید آن را و باید که بنویسد میان شما نویسنده‌ای به انصاف و سرباز نزنند نویسنده، از آن که نویسد چنانکه آموخته است او را خدا، پس باید که وی بنویسد و انشا کند آن که وام به ذمه وی است و باید که بترسد از خدا، پروردگار خود، و نقصان نکند از آن وام چیزی را. پس اگر باشد کسی که وام بر ذمه وی است، بی‌خرد یا ناتوان یا نمی‌تواند انشا کردن، پس باید که انشا کند کارگذار او با انصاف و گواه گیرید دو شاهد را از مردان خویش^(۱)، پس اگر نباشند دو مرد، پس یک مرد و دو زن کفایت است از کسانی که رضامند باشید از گواهان^(۲)، تا اگر فراموش کند یک زن، یاد دهاند یکی دیگر را. و باید که سر باز نزنند گواهان، آنگاه که طلیده شوند و مانده مشوید از آن که بنویسید حق را، اندک باشد یا بسیار، تا میعاد وی. این با انصاف‌تر است نزدیک خدا و درست‌تر برای گواهی و قریب‌تر از آن که در شک نشوید مگر وقتی که باشد آن معامله، سوداگری دست به دست که دست گردان می‌کنید آن را میان خویش، پس نیست بر شما گناه در آن که نه بنویسید آن را و گواه گیرید هرگاه که خرید و فروخت کنید و باید که رنج داده نشود نویسنده و نه گواه، و اگر بکنید این کار، پس هرآینه این گناه است شما را، و بترسید از خدا و می‌آموزد شما را و خدا به هر چیز داناست. ﴿۲۸۲﴾

۱- یعنی از مسلمانان.

۲- یعنی از مسلمانان امین متقی.

وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهْنَ مَقْبُوضَةً فَإِنْ أَتَىٰ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُوتِيَٰ أَمْنَتُهُ وَلِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ عَاقِبُهُ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨٣﴾ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبْذَرُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٨٤﴾ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾ لَا يُكَفِّرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾

و اگر مسافر باشید و نیابید نویسنده را، پس لازم است گرو به دست آورده شده. پس اگر امین داند گروهی از شما گروهی را، پس باید که ادا کند آن کس که امین دانسته شد، امانت خود را و باید که بترسد از خدا، پروردگار خود. و پنهان نکنید گواهی را و هر که پنهان کند آن را پس هرآینه گناهکار است دل او و خدا به آنچه می کنید آگاه است. ﴿۲۸۳﴾ خدا راست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است و اگر آشکارا کنید آنچه در دل های شما است^(۱)، یا پنهان دارید آن را، البته حساب آن بگیرد از شما خدا، پس پیامرزد کسی را که خواهد و عذاب کند کسی را که خواهد و خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۲۸۴﴾ باور داشت پیغامبر آنچه فرود آورده شد به سوی او از پروردگار او و مؤمنان نیز همه ایمان آوردند به خدا و فرشتگان او و کتاب های او و پیغامبران او^(۲). گفتند: فرق نمی کنیم میان هیچ کسی از پیغامبران و گفتند: شنودیم و فرمانبرداری کردیم، می خواهیم آموزش تو ای پروردگار ما، و به سوی است باز گشت. ﴿۲۸۵﴾ خدا واجب نمی کند بر هیچ کس الا مقدار طاقت او؛ مر او راست آنچه عمل کرد و بر وی باشد آنچه گناه کرد. و گفتند: ای پروردگار ما! به عقوبت مگیر ما را، اگر فراموش کنیم یا خطا کنیم. ای پروردگار ما! و منه بر سر ما بار گران؛ چنانکه نهادی آن را بر کسانی که پیش از ما بودند. ای پروردگار ما! و منه بر سر ما آنچه برداشت آن نیست ما را و در گذر از ما و پیامرزد ما را و ببخشای بر ما؛ تویی خداوند ما، پس غلبه ده ما را بر گروه کافران. ﴿۲۸۶﴾

۱- یعنی از قسم نفاق و اخلاق و حسد و نصیحت و مثل آن، نه از قسم

حدیث نفس، والله اعلم.

۲- یعنی بعض را معتقد و بعض را منکر نمی باشیم.

سُورَةُ آلِ عِمْرَانَ

سوره آل عمران

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَمْ ۝۱ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ۝۲ نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ۝۳ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ ۝۴ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ۝۵ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝۶ هُوَ الَّذِي أَنزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ۝۷ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۝۸ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۝۹

الم. ۱ ﴿﴾ خدا، نیست هیچ معبود مگر او، زنده تدبیر عالم کننده است. ۲ ﴿﴾ فرود آورد بر تو کتاب را به راستی، باور دارنده آنچه پیش دست وی است و فرود آورد تورات و انجیل را. ۳ ﴿﴾ پیش از این، برای راه نمودن به مردمان و فرود آورد معجزه را، هرآینه کسانی که کافر شدند به آیات خدا، ایشان راست عذاب سخت و خدا غالب صاحب انتقام است. ۴ ﴿﴾ هرآینه خدا پوشیده نمی شود بر وی چیزی در زمین و نه در آسمان. ۵ ﴿﴾ او آن است که صورت می بندد شما را در رحم چنانچه خواهد؛ نیست هیچ معبود بجز او، غالب استوارکار است. ۶ ﴿﴾ او آن است که فرود آورد بر تو کتاب؛ بعضی از آن آیت های واضح است، آن جمله اصل کتاب است و بعضی دیگر، محتمل معانی باهم مشبه. پس اما کسانی که در دل های ایشان کجی است، پیروی می کنند آن را که مانند یکدیگر شده از آن کتاب، برای طلب فتنه و برای طلب مراد، آن را و نمی داند مراد آن، مگر خدا؛ و ثابت قدمان در علم می گویند: ایمان آوردیم به این متشابه، این همه از نزد پروردگار ماست و پندپذیر نمی شوند مگر خداوندان خرد. ۷ ﴿﴾ می گویند: ای پروردگار ما! کج مکن دل های ما را بعد از آن که راه نمودی ما را و عطا کن برای ما از نزد خود نعمت، هرآینه تویی عطا کننده. ۸ ﴿﴾ ای پروردگار ما! هرآینه تو جمع کننده مردمانی در آن روز که هیچ شک نیست در آن، هرآینه خدا خلاف نمی کند وعده را.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا
 أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَٰئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ ﴿١٠﴾
 كَذَابٌ عَالِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
 فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١١﴾ قُلْ
 لِلَّذِينَ كَفَرُوا سِتٌّ لَهُمْ سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ
 وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٢﴾ قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ
 آلِ تَمُودَ فَإِذْ تَقَاتَلَا فِيسَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ
 يَرَوْنَهُمْ مِّثْلَيْهِمْ رَأَىٰ الْعَيْنُ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَن
 يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ﴿١٣﴾ زَيْنٌ
 لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ
 وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ
 الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْخَرْثِ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
 وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَآئِ ﴿١٤﴾ قُلْ أُوتِيتُكُم
 بِخَيْرٍ مِّنْ ذَٰلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ
 تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ
 مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿١٥﴾

هرآینه آنان که کافر شدند، دفع نکند از ایشان، اموال
 ایشان و نه اولاد ایشان از عذاب، خدای تعالی چیزی را و
 ایشانند آتش انگیز دوزخ. ﴿۱۰﴾ حال ایشان، مانند حال
 کسان فرعون است و آنان که پیش از ایشان بودند، دروغ
 داشتند آیات ما را، پس گرفت ایشان را خدا به سبب
 گناهان ایشان و خدا سخت عقوبت است. ﴿۱۱﴾ بگو
 کافران را که: مغلوب خواهید شد و برانگیخته خواهید شد
 به سوی دوزخ و بد جایگاه است آن. ﴿۱۲﴾ به تحقیق
 هست شما را نشانه‌ای در آن دو قوم که به هم آمدند^(۱)،
 یک گروه جنگ می‌کردند در راه خدا و گروه دیگر کافر
 بودند؛ می‌دیدند مسلمانان آن کافران را دو برابر خویش،
 دیدن به چشم. و خدا قوت می‌دهد به نصرت خود هر که
 را خواهد، هرآینه در این واقعه پندی هست خداوندان
 چشم‌ها را. ﴿۱۳﴾ آراسته کرده شده است برای مردمان،
 دوستی آرزوهای نفس از زنان و فرزندان و خزانه‌های
 جمع ساخته از زروسیم و اسبان نشانمند ساخته و چهارپایان
 و زراعت؛ این است بهره زندگانی دنیا. و خدا، نزدیک
 اوست بازگشت نیک. ﴿۱۴﴾ بگو (ای محمد): آیا خبر
 دهم شما را به آنچه بهترین است از این، مر متقیان را؟ باشد
 نزدیک پروردگار ایشان بوستان‌ها؛ می‌رود از زیر آن
 جوی‌ها؛ جاوید باشندگان در آن و باشد زنان پاکیزه و
 باشد خوشنودی از خدا و خدا بیناست به بندگان. ﴿۱۵﴾

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا عَامِنَا فَأَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَنَنَا
عَذَابَ النَّارِ ﴿١٦﴾ الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَنِتَّةِينَ
وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ ﴿١٧﴾ شَهِدَ اللَّهُ
أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا
بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ
عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ
يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩﴾ فَإِنْ
حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ ﴿٢٠﴾ وَقُلْ
لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ
أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ
وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢١﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ
اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّاتِ بَغْيٍ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ
يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ
﴿٢٢﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٢٣﴾

آنان که می گویند: ای پروردگار ما! هرآینه ما ایمان آوردیم، پس پیامر ما را گناهان ما و نگاه دار ما را از عذاب آتش. ﴿۱۶﴾ شکیب کنندگان و راست گویندگان و فرمانبرندگان و خرج کنندگان و آمرزش خواهندگان در اوقات سحر. ﴿۱۷﴾ گواهی^(۱) داد خدا^(۲)، آن که نیست هیچ معبود، مگر او و گواهی دادند فرشتگان و خداوندان دانش در آن حال، که خدا تدبیر کننده عالم است به عدل، نیست هیچ معبود مگر او، غالب استوارکار است. ﴿۱۸﴾ هرآینه دین معتبر نزدیک خدا اسلام است و اختلاف نکردند (یعنی در قبول اسلام) اهل کتاب، مگر بعد از آن که آمد به ایشان دانش^(۳)، از روی حسد در میان خویش. و هر که کافر باشد به آیت های خدا، پس هرآینه خدا زود کننده حساب است. ﴿۱۹﴾ پس اگر مکابره کنند با تو [یا محمد] پس بگو: منقاد ساختیم روی خود را برای خدا و هر که پیروی من کرد نیز منقاد ساخت. و بگو به اهل کتاب و به ناخوانندگان: آیا اسلام آوردید؟ پس اگر اسلام آوردند، به تحقیق راه یافتند و اگر روی گردانیدند، پس جز این نیست که لازم بر تو پیغام رسانیدن است و خدا بیناست به بندگان. ﴿۲۰﴾ هرآینه کسانی که کافر شدند به آیت های خدا و می گشتند پیغامبران را به ناحق و می گشتند آنان را که به عدل می فرمایند از مردمان، پس خبر ده ایشان را به عذاب درد دهنده. ﴿۲۱﴾ این گروه، آنند که نابود شد عمل های ایشان در دنیا و آخرت و نیست ایشان را یاری دهنده. ﴿۲۲﴾

۱- مترجم گوید: از این جا خدای تعالی شروع می فرماید: در مناظره اهل

کتابین و ردّ شبهات ایشان و تعداد تحریفات ایشان و این قصه ممتد است تا قوله واذ غدوت من اهلک.

۲- یعنی آشکار ساخت.

۳- یعنی حقیقت حال دانستند.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾ فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٥﴾ قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ وَتَنَزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٦﴾ تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَتُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرَزُّقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢٧﴾ لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَن تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقْلَةً وَيُحَذِّرْكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۖ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿٢٨﴾ قُلْ إِن تُخَفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾

آیا ندیدی به سوی آنان که داده شدند یک پاره از علم کتاب، خوانده می‌شوند به سوی کتاب خدا تا حکم کند میان ایشان، پس روی می‌گرداند گروهی از ایشان اعراض کنان؟ ﴿۲۳﴾ این به سبب آن است که ایشان گفتند: هرگز نرسد به ما آتش دوزخ، مگر روزی چند شمرده شده. و فریفت ایشان را در دین ایشان، آنچه افترا می‌کردند. ﴿۲۴﴾ پس چگونه بُود حال، وقتی که جمع کنیم ایشان را در روزی که هیچ شک نیست در آن و تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه عمل کرد و ایشان ستم کرده نشوند. ﴿۲۵﴾ بگو: بار خدایا! ای خداوند پادشاهی! می‌دهی پادشاهی، هر که را خواهی و باز می‌گیری پادشاهی از هر که خواهی و ارجمند می‌سازی هر که را خواهی و خوار می‌سازی هر که را خواهی. به دست توست نیکی، هرآینه تو بر همه چیز توانایی^(۱). ﴿۲۶﴾ در می‌آری شب را در روز و در می‌آری روز را در شب، و بیرون می‌آری زنده را از مرده و بیرون می‌آری مرده را از زنده و روزی می‌دهی هر که را می‌خواهی بی‌شمار. ﴿۲۷﴾ باید که دوست نگیرند مسلمانان، کافران را بجز اهل ایمان و هر که این کند، پس نیست در چیزی از آن خدا^(۲)، مگر آن که دفع شرّ ایشان کنی به نوعی از حذر کردن و می‌ترساند شما را خدا از خود و به سوی خدا بازگشت است. ﴿۲۸﴾ بگو: اگر پنهان کنید آنچه در سینه‌های شما است یا آشکارا کنیدش، می‌داند آن را خدا و می‌داند آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۲۹﴾

۱- مترجم گوید: در امر این دعا بشارت است به مغلوب شدن کافران

۲- یعنی در عهد خدا نیست.

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٣٠﴾
 قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣١﴾ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿٣٢﴾ إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَعَالَ إِبْرَاهِيمَ وَعَالَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٣﴾ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾ إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٥﴾ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيدُهَا بِلَكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿٣٦﴾ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَمْرِئُؤُمَّ لَكَ هَذَا قَالَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٧﴾

آن روزی که حاضر یابد هر کس آنچه عمل کرده است از نیکی و آنچه کرده است از بدی، دوست دارد که کاش بودی در میان وی و در میان آن بدی مسافتی دور، و می‌ترساند شما را خدا از خود و خدا بسیار مهربان است بر بندگان. ﴿۳۰﴾ [ای محمد] بگو: اگر دوست می‌دارید خدا را، پس پیروی من کنید تا دوست دارد شما را خدا و بپارزد شما را گناهان شما، و خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۳۱﴾ بگو: فرمان برید خدا را و پیغامبر را، پس اگر رو گردانند، پس هرآینه خدا دوست ندارد کافران را.^(۱) ﴿۳۲﴾ هرآینه خدا برگزید آدم و نوح را و کسانِ ابراهیم را و کسانِ عمران را بر عالم‌ها. ﴿۳۳﴾ در حالتی که این جماعت نسلی بودند، بعضی آن پیدا شده از بعضی، و خدا شنوای داناست. ﴿۳۴﴾ آنگاه که گفت زن عمران: ای پروردگار من! هرآینه من نیاز تو کردم آنچه در شکم من است، آزاد کرده.^(۲) پس قبول کن از من هرآینه تویی شنوای دانا. ﴿۳۵﴾ پس چون بزاد دختر را، گفت: ای پروردگار من! هرآینه زادم این دختر را و خدا داناست به آنچه وی بزاد. [گفت آن زن] و نیست فرزند مانند دختر^(۳) و هرآینه نام کردم آن را مریم، و هرآینه من در پناه تو می‌کنم او را و نسل او را از شیطان ملعون. ﴿۳۶﴾ پس قبول کرد مریم را پروردگار او به قبولِ نیک و بالیده ساخت او را بالیدن نیک و خبر ساخت بر وی زکریا را. هرگاه داخل شدی زکریا بر مریم در مسجدی، یافتی نزد او روزی را^(۴)، گفت: ای مریم! از کجاست تو را این روزی؟ گفت: آن از نزدیک خداست، هرآینه خدا می‌دهد روزی هر که را می‌خواهد بی‌شمار. ﴿۳۷﴾

۱- مترجم گوید: که نصاری با حضرت پیغامبر ﷺ، در باب عیسی علیه السلام گفتگو کردند. حق سبحانه این آیات نازل ساخت؛ بعد از نزول این آیت‌ها، نصاری را به مباحله دعوت کردند، همه عاجز شده جزیه قبول نمودند.

۲- یعنی از خدمت والدین معاف داشته.

۳- یعنی دختر خدمت بیت المقدس را نمی‌شاید.

۴- یعنی میوه زمستان در تابستان و میوه تابستان در زمستان.

هٰنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ ۖ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ
 ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً ۖ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٨﴾ فَنَادَتْهُ الْمَلٰٓئِكَةُ
 وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيٰى
 مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِّنَ
 الصّٰلِحِيْنَ ﴿٣٩﴾ قَالَ رَبِّ اَنۡىَ يَكُوْنُ لِيْ غُلَمٌ وَقَدْ
 بَلَغَنِى الْكِبَرُ وَامْرَأَتِيْ عَاقِرٌ ۖ قَالَ كَذٰلِكَ اَللّٰهُ يَفْعَلُ مَا
 يَشَآءُ ﴿٤٠﴾ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّىْٓ اٰيَةً ۖ قَالَ ءَايَتُكَ اَلَّا
 تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلٰثَةَ اَيَّامٍ اِلَّا رَمَزًا ۚ وَاذْكُرْ رَبَّكَ
 كَثِيْرًا وَّسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْاِبْكَرِ ﴿٤١﴾ وَاِذْ قَالَتِ
 الْمَلٰٓئِكَةُ يٰمَرْيَمُ اِنَّ اَللّٰهَ اصْطَفٰكِ وَطَهَّرَكِ
 وَاصْطَفٰكِ عَلٰى نِسَآءِ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٤٢﴾ يٰمَرْيَمُ اقْنُتِيْ
 لِرَبِّكِ وَاَسْجُدِيْ وَارْكَعِيْ مَعَ الرّٰكِعِيْنَ ﴿٤٣﴾ ذٰلِكَ مِنْ
 اَنْۢبَاِ الْغَيْبِ نُوْحِيْهِ اِلَيْكَ ۚ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ اِذْ
 يُلْقَوْنَ اَفْلٰهَمُ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ
 اِذْ يَخْتَصِمُوْنَ ﴿٤٤﴾ اِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ يٰمَرْيَمُ اِنَّ اَللّٰهَ
 يُبَشِّرُكَ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اَسْمُهُ الْمَسِيْحُ عِيسٰى ابْنُ
 مَرْيَمَ وَجِيْهًا فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ ﴿٤٥﴾

آن وقت طلب کرد زکریا از پروردگار خود، گفت: ای
 پروردگار من! عطا کن مرا از نزد خود، نسل پاک، هرآینه
 تو شنوا دعایی. ﴿۳۸﴾ پس ندا کردند او را فرشتگان و او
 ایستاده بود، نماز می گزارد در عبادتگاه: که خدا بشارت
 می دهد تو را به یحیی، باشد باور دارنده فیض خدا^(۱) و
 سردار و بی رغبت به زنان و پیغامبری از نیکوکاران. ﴿۳۹﴾
 گفت: ای پروردگار من! چگونه پیدا می شود برای من
 فرزندی و رسیده است مرا کلانسالی و زن من نازا هست؟
 گفت: همچنین، خدا می کند آنچه می خواهد. ﴿۴۰﴾
 گفت: ای پروردگار من! مُعَيَّن کن برای من نشانی^(۲).
 فرمود که: نشان تو آن است که سخن نتوانی گفت با
 مردمان سه روز، مگر به اشارت و یاد کن پروردگار خود
 را بسیار و تسبیح کن به شام و صبح. ﴿۴۱﴾ و آنگاه که
 گفتند فرشتگان: ای مریم! هرآینه خدا برگزید تو را و
 پاک ساخت تو را و برگزید تو را بر زنان عالم ها. ﴿۴۲﴾
 ای مریم! فرمانبرداری کن پروردگار خود را و سجده کن
 و نماز کن با نماز کنندگان. ﴿۴۳﴾ [ای محمد]، این از
 خبرهای غیب است، وحی کردیم آن را به سوی تو و تو
 نبودی نزدیک آن قوم چون می انداختند قلم های خویش
 را^(۳) تا کدام کس از ایشان خبر گیر مریم شود و نبودی
 نزدیک ایشان آنگاه که باهم گفتگو می کردند. ﴿۴۴﴾
 آنگاه که گفتند فرشتگان: ای مریم! هرآینه خدا بشارت
 می دهد تو را به فیضی از جانب خود که نام او مسیح است،
 عیسی پسر مریم است، با آبرو در دنیا و آخرت، و از
 نزدیک کردگان حضرت عزّت. ﴿۴۵﴾

۱- یعنی عیسی را باور دارد.

۲- یعنی نشان حمل آن فرزند.

۳- یعنی قرعه می انداختند.

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٤٦﴾
 قَالَتْ رَبِّ أَلَّنِّي يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسَّسْنِي بَشَرٌ
 قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا
 يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٤٧﴾ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ
 وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿٤٨﴾ وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي
 إِسْرَءِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي
 أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ
 فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ
 وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا
 تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن
 كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٤٩﴾ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ
 التَّوْرَةِ وَلَأَحْلَلْ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ
 وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
 ﴿٥٠﴾ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا صِرَاطٌ
 مُّسْتَقِيمٌ ﴿٥١﴾ فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ
 قَالَ مَنْ أَنصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ
 أَنصَارُ اللَّهِ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٥٢﴾

و سخن گوید به مردمان در گهواره و وقت مُعمری و باشد
 از شایستگان. ﴿۴۶﴾ گفت: ای پروردگار من! چگونه شود
 مرا فرزند و دست نرسانیده است به من هیچ آدمی. فرمود:
 همچنین، خدا پیدا می کند هر چه می خواهد، چون سرانجام
 می کند کاری، پس جز این نیست که می گوید او را که:
 بشو! پس می شود. ﴿۴۷﴾ و بشارت داد که آموزد او را
 خدا، کتاب و دانش و تورات و انجیل. ﴿۴۸﴾ و گرداند او
 را پیغامبری به سوی بنی اسرائیل به این دعوی که آورده ام
 پیش شما نشانه ای از پروردگار شما تا آن که من می سازم
 برای شما از گل، مانند شکل پرنده؛ پس دم می زنم در آن،
 پس باشد پرنده به حکم خدا، و به می کنم کور مادر زاد را
 و برص دار را و زنده می سازم مردگان را به حکم خدا و
 خبر می دهم شما را به آنچه می خورید و آنچه ذخیره
 می نهید در خانه های خود، هر آینه در این کار نشانه است
 شما را اگر باور دارندگانید. ﴿۴۹﴾ و آمده ام باور دارنده
 آنچه پیش دست های من است از تورات و آمده ام تا حلال
 گردانم برای شما بعض آنچه حرام شده بود بر شما و
 آوردم نزدیک شما نشانه از پروردگار شما، پس بترسید از
 خدا و فرمان من برید. ﴿۵۰﴾ هر آینه خدا پروردگار من و
 پروردگار شما است، پس پرستش کنید او را، این است راه
 راست^(۱). ﴿۵۱﴾ پس آنگاه که دریافت عیسی از قوم خود
 کفر را، گفت: کیستند یاری دهندگان من به سوی خدا؟
 گفتند حواریان: ماییم یاری دهندگان، خدا را؛ ایمان
 آوردیم به خدا و گواه باش که فرمانبرداریم. ﴿۵۲﴾

۱- القصة، این بشارت در حق عیسی، علیه السلام، متحقق شد و یهود را به
 دین خود دعوت نمود.

رَبَّنَا ءَامَنَّا بِمَا أُنزِلَتْ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٥٣﴾ وَمَكْرُؤًا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ ﴿٥٤﴾ إِذْ قَالَ اللَّهُ يٰعِيسَىٰ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ ۖ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٥٥﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ ﴿٥٦﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمُ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٥٧﴾ ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ ﴿٥٨﴾ إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ ءَادَمَ ۖ خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٥٩﴾ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿٦٠﴾ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ﴿٦١﴾

ای پروردگار ما! ایمان آوردیم به آنچه فرود آوردی و پیروی کردیم پیغمبر را، پس بنویس ما را با شاهدان^(۱). ﴿۵۳﴾ و بد سگالیدند کافران و بدسگالید خدا^(۲) و خدا قوی تر است از همه بدسگالان. ﴿۵۴﴾ آنگاه که گفت خدا: ای عیسی! هرآینه من برگیرنده توام^(۳) و بردارنده توام به سوی خود و پاک کننده توام از صحبت کسانی که کافر شدند و گرداننده تابعان توام بالای کافران^(۴)، تا روز قیامت. باز به سوی من است بازگشت شما، پس داوری می کنم میان شما در آنچه اختلاف می کردید اندر آن. ﴿۵۵﴾ اما کافران، پس عذاب کنم ایشان را به عذاب سخت در دنیا و آخرت و نیست ایشان را یاری دهنده. ﴿۵۶﴾ و اما کسانی که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته، پس تمام دهد خدا ایشان را مزد ایشان، و خدا دوست نمی دارد ظالمان را. ﴿۵۷﴾ این را می خوانیم [یا محمد] بر تو که آیات و کتاب محکم است. ﴿۵۸﴾ هرآینه حال عیسی نزدیک خدا مانند حال آدم است؛ آفرید او را از خاک، باز گفت او را: بشو! پس شد^(۵). ﴿۵۹﴾ این سخن راست است از پروردگار تو، پس مباش از شک آرندگان. ﴿۶۰﴾ پس هر که مکابره کند با تو در باب عیسی بعد از آنچه آمد به تو از دانش، پس بگو: بیایید تا بخوانیم فرزندان خود را و فرزندان شما را و زنان خود را و زنان شما را و ذات های خود را و ذات های شما را، پس همه به زاری دعا کنیم، پس لعنت خدا گوئیم بر دروغگویان. ﴿۶۱﴾

۱- یعنی در زمره شهداء که اکمل امت اند، والله اعلم.

۲- یعنی به آن کافران.

۳- یعنی ازین جهان.

۴- یعنی غالب بر ایشان.

۵- یعنی انسان شد.

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ
وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٢﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ
عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿٦٣﴾ قُلْ يَٰأَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى
كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا
نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ
دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ
﴿٦٤﴾ يَٰأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا
أُنْزِلَتْ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا
تَعْقِلُونَ ﴿٦٥﴾ هَٰأَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ حَاجَّجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ
بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ
وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ
يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا
كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٦٧﴾ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ
لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَٰذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ
الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٨﴾ وَدَّتْ طَآئِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ
يُضِلُّونَكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ
﴿٦٩﴾ يَٰأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ
تَشْهَدُونَ ﴿٧٠﴾

هر آینه این است خبر راست و نیست هیچ معبود بجز خدا
و هر آینه خدا غالب استوارکار است. ﴿۶۲﴾ پس اگر
روگردانیدند، پس خدا داناست به تباه کاران. ﴿۶۳﴾ بگو:
ای اهل کتاب! بیاید به سوی سخنی مسلم میان ما و شما
که نپرستیم بجز خدا و شریک نسازیم با وی چیزی را و
پروردگار نگیرد بعض از ما بعض دیگر را بجز خدا. پس
اگر روی گردانیدند، پس بگویید که: گواه باشید ما
مسلمانیم. ﴿۶۴﴾ ای اهل کتاب! چرا مکابره می کنید در
باب ابراهیم^(۱) و فرود آورده نشده است تورات و انجیل الا
بعد ابراهیم، آیا نمی فهمید؟. ﴿۶۵﴾ آگاه شوید شما ای
قوم، مکابره کردید در آنچه شما را به وی دانش است،
پس چرا مکابره می کنید در آنچه شما را به وی دانش
نیست و خدا می داند و شما نمی دانید^(۲). ﴿۶۶﴾ نبود
ابراهیم یهود و نه ترسا و لیکن بود حنیف مسلمان، و نبود از
شرک آرندگان^(۳). ﴿۶۷﴾ هر آینه نزدیک ترین مردم به
ابراهیم، آن کسان بودند که پیروی او کردند. (یعنی در
زمان او) و این پیغامبر و مؤمنان، و خدا کارساز مؤمنان
است ﴿۶۸﴾ آرزو کردند طایفه ای از اهل کتاب که گمراه
سازند شما را و گمراه نمی سازند مگر خویشان را و آگاه
نیستند. ﴿۶۹﴾ ای اهل کتاب! چرا کافر می شوید به
آیت های خدا، دانسته؟. ﴿۷۰﴾

۱- یعنی بعض گفتند یهودی بود و بعض گفتند نصرانی بود.

۲- یعنی در مسائل منصوصه در تورات اختلاف کردند تا چه رسد به غیر
منصوصه.

۳- مترجم گوید: حنیف آن را می گفتند که استقبال کعبه کند و حج
گزارد و ختنه نماید و از جنابت غسل کند، حاصل آنکه نام کسی بود
که به شریعت ابراهیمی متدین باشد.

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ
وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٧١﴾ وَقَالَتْ طَآئِفَةٌ
مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ءَامِنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ
ءَامِنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوا ءَاخِرَهُ لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ
الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ أَن يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ
يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ
يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَسِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٣﴾ يَخْتَصُّ
بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾
وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَن إِنْ تَأَمَّنْهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ
إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّنْ إِنْ تَأَمَّنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا
مَا دُمَّتْ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا
فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ
يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ بَلَىٰ مَن أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ
يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿٧٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ
وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلْقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ
وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَا
يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٧﴾

ای اهل کتاب! چرا خلط می کنید حق را به باطل و چرا
می پوشید حق را، دانسته؟ ﴿۷۱﴾ و گفتند گروهی از اهل
کتاب: ^(۱) ایمان آرید به آنچه فرود آورده شده است بر
مسلمانان، اول روز و انکار کنید آخر آن روز، تا شاید که
مسلمانان برگردند ^(۲). ﴿۷۲﴾ و منقاد مشوید مگر کسی را
که پیروی دین شما کند، بگو [یا محمد]: هر آینه هدایت،
همان است که هدایت خداست. گفتند: باور مکنید آن که
داده شود هیچ کس مانند آنچه داده شده اید شما، یا
گروهی الزام دهند شما را نزدیک خدای شما. بگو: نعمت
به دست خداست، می دهد آن را به هر که خواهد و خدا
فراخ نعمت داناست. ﴿۷۳﴾ مخصوص می کند به بخشایش
خود، هر که را خواهد و خدا صاحب فضل عظیم است.
﴿۷۴﴾ و از اهل کتاب کسی هست که اگر امین داری او
را به خزانه، باز دهد او را به تو؛ و از ایشان کسی هست که
اگر امین داری او را به یک دینار، باز ندهد آن را به تو،
مگر تا وقتی که باشی بر سر او ایستاده، و این خیانت، به
سبب آن است که گفتند: نیست بر ما در باب ناخواندگان
هیچ راه ^(۳) و دروغ می گویند بر خدا، دانسته. ﴿۷۵﴾ آری!
هر که وفا کند به عهد خود و پرهیزگاری کند، پس
هر آینه خدا دوست می دارد پرهیزگاران را. ﴿۷۶﴾ کسانی
که می ستانند عوض پیمانی که به خدا بستند، و عوض
سوگندان خویش بهایی اندک را، آن گروه، هیچ نصیب
نیست ایشان را در آخرت و سخن نگوید با ایشان خدا و
نگاه نکند به سوی ایشان، روز قیامت و پاک نسازد ایشان
را و ایشان راست، عذاب درد دهنده. ﴿۷۷﴾

۱- یعنی با یکدیگر.

۲- یعنی در شک افتند.

۳- یعنی ما را بر مال عرب که هم دین ما نیستند، مؤاخذه نخواهد شد.

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤْنَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٨﴾ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ﴿٧٩﴾ وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمُ الْكُفْرَ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨٠﴾ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨١﴾ فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٨٢﴾ أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

و هر آینه از اهل کتاب، گروهی هستند که می‌پیچند زبان خویش را به نوشته تا گمان کنید که آن از کتاب است و نیست آن از کتاب^(۱)، و می‌گویند که این از نزدیک خداست و نیست آن از نزدیک خدا و دروغ‌گویند بر خدا، دانسته. ﴿۷۸﴾ سزاوار نیست هیچ آدمی را که عطا کند او را خدا کتاب و علم و نبوت، باز گوید به مردمان: بندگان شوید مرا بدون خدا، و لیکن مثل این شخص می‌گوید که: باشید ربّانی^(۲) به سبب آموختن کتاب و خواندن آن. ﴿۷۹﴾ و سزاوار نیست که فرماید شما را که پروردگار گیرید فرشتگان و پیغامبران را. آیا به کفر فرماید شما را؟ بعد از آن که مسلمان شده باشید. ﴿۸۰﴾ و آنگاه که گرفت خدا تعالی پیمان پیغامبران^(۳) که آنچه دادم شما را از کتاب و علم، باز بیاید به شما پیغامبری باور کننده آنچه با شما است، البته ایمان آرید به او و البته یاری دهید او را، فرمود خدا: آیا اقرار کردید و گرفتید بر این کار، عهد مرا؟^(۴) گفتند: اقرار کردیم؛ فرمود: پس گواه باشید^(۵) و من با شما از گواهانم. ﴿۸۱﴾ پس هر که برگردد بعد از این، پس آن گروه، ایشانند بدکاران. ﴿۸۲﴾ آیا این کافران ورای دین خدا می‌طلبند؟ و خدا را منقاد شده‌اند، آنان که در آسمان‌ها و زمینند، به خوشی یا ناخوشی و به سوی او گردانیده شوند. ﴿۸۳﴾

۱- یعنی به تکلف از خود چیزی نوشته در کتاب غلط ساخته می‌خوانند.

۲- یعنی مرشد خلق شوید.

۳- یعنی از بنی آدم پیمان گرفت برای پیغامبران.

۴- یعنی قبول کردید.

۵- یعنی بر یکدیگر.

قُلْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ
 إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا
 أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ
 بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿٨٤﴾ وَمَنْ يَبْتَغِ
 غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ
 الْخَاسِرِينَ ﴿٨٥﴾ كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ
 إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ
 وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٦﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ
 أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿٨٧﴾
 خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ
 يُنظَرُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا
 فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٨٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ
 إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَرَادُوا كُفْرًا لَّنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ
 وَأُولَٰئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا
 وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِّلٌّ أَلَّا يَرْضَىٰ
 ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَىٰ بِهِ ۚ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا
 لَهُمْ مِّنْ نَّاصِرِينَ ﴿٩١﴾

بگو: ایمان آوردیم به خدا و به آنچه فرود آورده شده
 است بر ما و به آنچه فرود آورده شده بود بر ابراهیم و
 اسمعیل و اسحاق و یعقوب و نبیرگان وی و آنچه داده شد
 موسی و عیسی و پیغامبران را از پروردگار ایشان، فرق
 نمی‌کنیم میان هیچ یک از ایشان و ما خدا را منقادیم.
 ﴿۸۴﴾ و هر که طلب کند ورای اسلام، دین دیگر را، پس
 هرگز قبول کرده نخواهد شد از او، و او در آخرت از
 زیانکاران است. ﴿۸۵﴾ چگونه راه نماید خدا گروهی را
 که کافر شدند بعد اسلام خود، بعد از آن که شناختند که
 پیغمبر درست است و بعد از آن که آمد به ایشان حجت و
 خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را. ﴿۸۶﴾ این گروه،
 سزای ایشان آن است که باشد بر ایشان، نفرین خدا و
 فرشتگان و مردمان، همه ایشان. ﴿۸۷﴾ جاویدان در آن
 لعنت، سبک کرده نشود از ایشان، عذاب و نه ایشان مهلت
 داده شوند. ﴿۸۸﴾ الا آنان که توبه کردند بعد از این و
 نیکوکاری نمودند، پس هرآینه خدا آمرزندهٔ مهربان است.
 ﴿۸۹﴾ هرآینه کسانی که کافر شدند بعد اسلام خویش،
 باز زیادتی کردند در کفر، هرگز قبول کرده نشود توبه
 ایشان و آن گروه، ایشانند گمراهان. ﴿۹۰﴾ هرآینه آنان
 که کافر شدند و کافر مردند، پس هرگز قبول کرده
 نخواهد شد از هیچ یک ایشان، مقدار پُری زمین از زر و
 اگر عوض خود دهد آن را، آن گروه ایشان راست، عذاب
 درد دهنده و نیست ایشان را هیچ یاری دهنده. ﴿۹۱﴾

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٩٢﴾ كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَءِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٣﴾ فَمَنْ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٩٤﴾ قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٥﴾ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴿٩٦﴾ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٩٧﴾ قُلْ يَٰأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٨﴾ قُلْ يَٰأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ تَبَغُّونَهَا عِوَجًا وَانْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٩﴾ يَٰأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ ﴿١٠٠﴾

هرگز نیاید نیکوکاری را، تا آنکه خرج کنید از آنچه که دوست می‌دارید و هر چیز که خرج کنید، خدا به آن داناست. ﴿۹۲﴾ همهٔ طعام حلال بود بر بنی اسرائیل، مگر آنچه حرام کرده بود یعقوب بر خویشان پیش از آن که تورات نازل کرده شود؛ بگو: بیارید تورات را! پس بخوانید آن را اگر هستید راستگوی! ﴿۹۳﴾ پس هر که دروغ بندد بر خدا بعد از این، پس آن گروه، ایشانند ستمکاران. ﴿۹۴﴾ بگو: راست گفت خدا، پس پیروی کنید ملت ابراهیم را؛ حنفی کیش شده و نبود از مشرکان. ﴿۹۵﴾ هرآینه اول خانه‌ای که مقرر کرده شد برای مردمان، آن است که در مکه است، برکت داده شده و هدایت است مر مردمان را. ﴿۹۶﴾ در آن خانه، نشانه‌های روشن است از آن جمله جای ایستادن ابراهیم^(۲) و هر که درآید آنجا ایمن بود، و حق خداست بر مردمان، حج خانهٔ کعبه، هر که توانایی دارد رفتن به سوی آن از جهت اسباب راه. و هر که کافر شود، پس هرآینه خدا بی‌نیاز است از عالم‌ها. ﴿۹۷﴾ بگو: ای اهل کتاب! چرا کافر می‌شوید به آیات خدا؟ و خدا حاضر است بر آنچه می‌کنید. ﴿۹۸﴾ بگو: ای اهل کتاب! چرا باز می‌دارید از راه خدا کسی را که ایمان آورد، می‌طلبید برای آن راه کج^(۳) و شما با خبرانید؟ و نیست خدا بی‌خبر از آنچه می‌کنید. ﴿۹۹﴾ ای مسلمانان! اگر فرمان برید گروهی را از اهل کتاب، کافر گردانند شما را بعد از اسلام شما. ﴿۱۰۰﴾

۱- مترجم گوید: یهود بر حضرت پیغامبر ﷺ طعن می‌کردند که شما دعوی ملت ابراهیم می‌کنید و آنچه در خاندان، نمی‌خوردند مانند گوشت شتر و شیر، آن می‌خورید، حق تعالی جواب داد که همه چیز حلال بود پیش از نزول تورات، الا گوشت و شیر شتر و تحریم گوشت و شیر شتر، ملت ابراهیم نیست، خاصه بنی اسرائیل بود، به سبب جدایشان، والله اعلم.

۲- یعنی نقشی که در سنگ ظاهر شده.

۳- یعنی شبهات می‌آرید تا نزد مردمان ظاهر شود که کج است.

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ ءَايَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ ۚ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٠١﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ ۚ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠٣﴾ وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٤﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۚ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٥﴾ تَبَيَّضَ وَجُوهُهُ وَتَسْوَدَّ وَجُوهُهُ فَأَمَّا الَّذِينَ أَسْوَدَتْ وَجُوهُهُمُ أَكَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿١٠٦﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَتْ وَجُوهُهُمُ ففِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٠٧﴾ تِلْكَ ءَايَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٨﴾

و چگونه کافر شوید و خوانده می شود بر شما آیات خدا و در میان شما هست پیغامبر خدا؟ و هر که چنگ استوار کرد به خدا، پس هر آینه راه نموده شد به سوی راه راست. ﴿۱۰۱﴾ ای مسلمانان! بترسید از خدا، حق ترسیدن از وی و نمیرید مگر مسلمان شده. ﴿۱۰۲﴾ و چنگ زنید به رَسَنِ خدا^(۱) جمع آمده، و پراکنده مشوید و یاد کنید نعمت خدا را که بر شما است؛ چون بودید دشمن یکدیگر^(۲)، پس الفت داد میان دل های شما، پس شدید به نعمت خدا برادر یکدیگر و بودید به کناره مغاکی از آتش، پس رهانید شما را از آن. همچنین بیان می کند خدا برای شما نشانه های خود را تا باشد که راه یابید^(۳). ﴿۱۰۳﴾ و باید که باشد از شما گروهی که بخوانند به سوی نیکی و بفرمایند به کار پسندیده و منع کنند از ناپسندیده و آن گروه، ایشانند رستگاران^(۴). ﴿۱۰۴﴾ و م باشید مانند کسانی که پراکنده شدند و خلاف با یکدیگر کردند بعد از آن که آمد به ایشان حجت ها و آن گروه، ایشان راست عذاب بزرگ^(۵). ﴿۱۰۵﴾ آن روز که سفید شود یک پاره روی ها و سیاه گردد یک پاره روی ها؛ اما آنان که سیاه گشت روی ایشان، بدیشان گفته شود: آیا کافر شدید بعد از اسلام خویش؟ پس بچشید عذاب، به سبب کافر شدن خویش. ﴿۱۰۶﴾ و اما آنان که سفید شد روی های ایشان، پس در رحمت خدا باشند؛ ایشان در آنجا جاویدند. ﴿۱۰۷﴾ این آیات خداست، می خوانیم آن را بر تو به راستی، و نمی خواهد خدا ستم کردن بر مردمان. ﴿۱۰۸﴾

۱- به دین خدا.

۲- یعنی اوس و خزرج و عرب معدیه و یمنیه و عرب و عجم با یکدیگر دشمنی داشتند.

۳- یعنی تفرق در اصول دین حرام است که جمعی معتزلی باشد و جمعی... و علی هذا القیاس.

۴- یعنی واجب بالكفایه است که جمعی به امر معروف و نهی از منکر قیام نمایند.

۵- یعنی مانند یهود و نصاری مشوید که هفتاد و چند فرقه گشتند.

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿١٠٩﴾ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿١١٠﴾ لَنْ يَضُرَّوْكُمْ إِلَّا أَذًى ط وَإِنْ يُقْتَلُوا يَكُونُوا يُولُوكُمْ أَلَدِّبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ ﴿١١١﴾ ضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَعْيُنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِّنَ النَّاسِ وَبَآءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿١١٢﴾ لَّيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ ءَانَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ ﴿١١٣﴾ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١٤﴾ وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿١١٥﴾

و خدا راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است، و به سوی خدا بازگردانیده می‌شود همه کارها. ﴿۱۰۹﴾ هستید شما بهترین امتی که بیرون آورده شد^(۱) برای مردمان؛ می‌فرمایید به کار پسندیده و منع می‌کنید از ناپسندیده و باور می‌دارید خدا را. و اگر ایمان آوردند اهل کتاب، هرآینه بهتر بودی ایشان را؛ بعضی از ایشان مسلمانند و اکثر ایشان بدکارانند. ﴿۱۱۰﴾ هرگز زیان نرسانند به شما مگر اندک رنجی^(۲) و اگر کارزار کنند با شما، پشت به سوی شما کنند^(۳)، باز نصرت داده نشوند. ﴿۱۱۱﴾ زده شد بر ایشان خواری هر جاکه یافته شوند، مگر به دستاویزی از خدا و دستاویزی از مردمان^(۴) و باز گشتند به خشمی از خدا. و زده شد بر ایشان ناداری. این به سبب آن است که کافر می‌بودند به آیات خدا و می‌کشتند پیغامبران را به ناحق، این به سبب گناه کردن ایشان است و به سبب آن که از حد می‌گذشتند. ﴿۱۱۲﴾ نیستند همه برابر از اهل کتاب؛ گروهی هست ایستاده^(۵)، می‌خوانند آیات خدا را در اوقات شب و ایشان سجده می‌کنند^(۶). ﴿۱۱۳﴾ باور می‌دارند خدا را و روز قیامت را و می‌فرمایند به کار پسندیده و منع می‌کنند از ناپسندیده و شتاب می‌کنند در نیکی‌ها و ایشان از شایسته کارانند. ﴿۱۱۴﴾ و آنچه کنند از نیکی، پس ناقدشناسی کرده نشود به ایشان نسبت آن عمل و خدا داناست به پرهیزگاران. ﴿۱۱۵﴾

۱- یعنی مقرر کرده شد.

۲- یعنی به سبب زبان داری.

۳- یعنی بگریزند.

۴- یعنی مگر به عهد و ذمه.

۵- یعنی راست کردار.

۶- یعنی آنان که از ایشان مسلمان شده مانند عبدالله بن سلام.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا
 أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ
 فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١٦﴾ مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا
 أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتَهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنْفُسُهُمْ
 يَظْلِمُونَ ﴿١١٧﴾ يَتَأَيَّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً
 مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ
 بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ
 أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١١٨﴾
 هَآأَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ
 بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا ءَامِنًا وَإِذَا خَلَوْا
 عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا
 بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١١٩﴾ إِنْ
 تَمَسَّسْكُمُ حَسَنَةٌ تَسُوءُهُمْ وَإِنْ تَصِبْكُمُ سَيِّئَةٌ
 يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ يُدْهَمُ
 شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿١٢٠﴾ وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ
 أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقْعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ
 عَلِيمٌ ﴿١٢١﴾

می کردند^(۱). ﴿۱۱۷﴾ ای مسلمانان! دوست پنهانی مگیرید
 از غیر خویش^(۲)؛ تقصیر نمی کنند به نسبت شما در
 فتنه انگیزی، دوست داشتند رنج شما را. هرآینه ظاهر شد
 دشمنی از دهان های ایشان و آنچه پنهان کرده است
 سینه های ایشان، سخت تر است. هرآینه بیان کردیم برای
 شما نشانه هایی اگر دانا هستید. ﴿۱۱۸﴾ آگاه شوید شما ای
 قوم که دوست می دارید ایشان را و ایشان دوست نمی دارند
 شما را و ایمان می آرید به همه کتاب الهی، و ایشان چون
 ملاقات کنند با شما گویند: ایمان آوردیم و چون تنها
 بشوند بگزند بر شما انگشتان خود را از خشم. بگو: بمیرید
 به سبب خشم خویش! هرآینه خدا دانا است به آنچه در
 سینه هاست. ﴿۱۱۹﴾ اگر برسد به شما نعمت، ناخوش کند
 ایشان را و اگر برسد به شما سختی ای خوش دل شوند به
 آن و اگر شکیب کنید و پرهیزگاری نمایید، هیچ زیان
 نرساند به شما مگر ایشان. هرآینه خدا به آنچه می کنند در
 برگیرنده است^(۳). ﴿۱۲۰﴾ و یاد کن آنگاه که پگاه بیرون
 آمدی از میان اهل خانه خود، می نشاندی مسلمانان را در
 جای ها برای جنگ، و خدا شنوای دانا است^(۴). ﴿۱۲۱﴾

۱- حاصل آن است که صدقات ایشان حبط می شود.

۲- یعنی از غیر مسلمانان.

۳- در غزوه احد، اهل نفاق میل کردند به آنکه در شهر متحصن شوند و
 اصحاب خواستند که بیرون آمده جنگ کنند، بعد از آنکه هزیمت
 واقع شد. منافقان این را محل طعن گرفتند و وقت جنگ، حضرت
 پیغامبر بر بالای کوهی جماعتی را مقید ساختند که از این جا نجنبند،
 چون آثار فتح ظاهر شدن در گرفت، آن جماعت در پی غنیمت افتادند
 وعصیان پیغمبر کردند، به شومی این عصیان، هزیمت بر مسلمانان افتاد
 وهمه فرار کردند الا ماشاءالله. خبر شهادت حضرت پیغامبر، شائع شد.
 منافقان قصد ارتداد کردند، پس در جواب طعن منافقان و عتاب
 خلاف امر کنندگان و تشیع بی وفایان، حق سبحانه نازل کرد.

۴- و یاد کن زمانی را که بامدادان از میان خانواده خود بیرون رفتی و
 پایگاه های جنگ را برای مسلمانان مهیا می کردی [مصحح].

هرآینه کسانی که کافر شدند، دفع نکند از ایشان مال و
 اولاد ایشان از عذاب، خدا چیزی را و ایشانند باشندگان
 دوزخ؛ ایشان در آنجا جاویدند. ﴿۱۱۶﴾ صفت آنچه
 خرج می کنند در این زندگانی دنیا، مانند صفت بادی است
 که در آن سرما[ی] سخت است، برسید زراعت گروهی را
 که ستم کردند بر خویشان، پس نابود ساخت آن را و ستم
 نکرد خدا بر ایشان خدا و لیکن بر خویشان ستم

إِذْ هَمَّتْ طَّائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا
وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٢٢﴾ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ
بِذَرِّ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢٣﴾
إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ
رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ ﴿١٢٤﴾ بَلَى
إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا
يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ
مُسَوِّمِينَ ﴿١٢٥﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ
وَلِتُظْمِنَ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ
الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١٢٦﴾ لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا
أَوْ يَكْتَبَتْهُمْ فَيَنْقَلِبُوا حَآبِِينَ ﴿١٢٧﴾ لَيْسَ لَكَ مِنَ
الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ
ظَالِمُونَ ﴿١٢٨﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ
رَّحِيمٌ ﴿١٢٩﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا
أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٣٠﴾
وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿١٣١﴾ وَأَطِيعُوا
اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٣٢﴾

آنگاه که خواستند دو فرقه از شما که بُزدلی کنند و خدا
کارساز ایشان بود، و بر خدا باید که توکل کنند
مسلمانان^(۱). ﴿۱۲۲﴾ و هرآینه خدا فتح داد شما را روز
بدر و شما خوار بودید، پس بترسید از خدا تا بُود که شکر
کنید. ﴿۱۲۳﴾ چون می‌گفتی به مسلمانان: آیا کفایت
نخواهد کرد شما را که امداد کند پروردگار شما به سه
هزار کس از فرشتگان فرود آورده شده؟. ﴿۱۲۴﴾ بلی!
اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و بیایند کافران به سوی
شما به این جوش خود، امداد کند شما را پروردگار شما به
پنج هزار کس از فرشتگان نشانمند کرده. ﴿۱۲۵﴾ و
نساخت خدای تعالی این مدد را مگر برای مژده دادن شما
و برای آن که آرام گیرد دل‌های شما به آن، و نیست فتح،
مگر از نزدیک خدای غالب استوارکار. ﴿۱۲۶﴾ چنین
کرد تا هلاک کند طایفه‌ای را از کافران یا مغلوب سازد
ایشان را، پس باز گردند به مراد نارسیده. ﴿۱۲۷﴾ نیست
تو را از این کار چیزی، یا به مهربانی بازگردد بر ایشان یا
عذاب کند ایشان را؛ زیرا که ستمکارانند. ﴿۱۲۸﴾ و خدا
راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است؛
می‌آمزد هر که را خواهد و عذاب می‌کند هر که را
خواهد، و خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۱۲۹﴾ ای مؤمنان!
مخورید سود را دو چندان تو بر تو، و بترسید از خدا تا
باشد که رستگار شوید. ﴿۱۳۰﴾ و پناه گیرید از آن آتش
که آماده کرده شده است برای کافران. ﴿۱۳۱﴾ و فرمان
برید خدا را و پیغامبر را تا باشد بر شما مهربانی کرده شود.

﴿۱۳۲﴾

۱- یعنی بنی سلمه و بنی حارثه که خیال فرار به خاطر ایشان گذشته بود.

وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا
السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٢﴾ الَّذِينَ
يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْغَيْظِ
وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٤﴾
وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا
اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ
وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٣٥﴾ أُولَٰئِكَ
جَزَاؤُهُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿١٣٦﴾ قَدْ
خَلَقْتُ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنًا فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا
كَيْفَ كَانَ عَقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿١٣٧﴾ هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ
وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾ وَلَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزَنُوا
وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾ إِن يَمَسُّكُمْ
قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ
نُذَوِلُّهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا
وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٠﴾

و شتاب کنید به سوی آمرزش از پروردگار خویش و به
سوی بهشتی که پهنای او مانند آسمان‌ها و زمین است،
آماده کرده شده است برای پرهیزگاران. ﴿۱۳۳﴾ آنان که
خرج می‌کنند در آسایش و سختی و فرو خوردگان خشم
و عفو کنندگان تقصیر از مردمان و خدا دوست می‌دارد
نیکوکاران را. ﴿۱۳۴﴾ و آنان که چون کار زشت کنند، یا
ستم کنند بر خود، یاد کنند خدا را، پس آمرزش خواهند
برای گناهان خود و کیست که بیمارزد گناهان را مگر خدا
و پیوسته نباشند بر آنچه کردند و ایشان، دانسته. ﴿۱۳۵﴾
آن گروه پاداش ایشان آمرزش است از پروردگار ایشان و
بوستان‌ها؛ می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان در آنجا و
نیک است اجر طاعت کنندگان. ﴿۱۳۶﴾ هر آینه گذشته
است پیش از شما واقعه‌هایی، پس سیر کنید در زمین و
بینید چگونه بود آخر کار دروغ دارندگان. ﴿۱۳۷﴾ این
واضح کردن است، برای مردمان و راه نمودن و پند دادن
برای پرهیزگاران. ﴿۱۳۸﴾ و سست مشوید و اندوهناک
مباشید و شما باید غالب، اگر مسلمان هستید. ﴿۱۳۹﴾ اگر
برسد شما را زخمی، پس رسیده است جماعت کافران را
زخمی مانند آن^(۱)، و این حادثه‌هایی [است]، می‌گردانیم
آن را در میان مردمان برای فواید بسیار و تا متمیز سازد
خدا مؤمنان را و شهید گرداند بعضی را از شما، و خدا
دوست نمی‌دارد ستمکاران را. ﴿۱۴۰﴾

وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ﴿١٤١﴾
 أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ
 جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٢﴾ وَلَقَدْ كُنْتُمْ
 تَمْتَوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ
 تَنْظُرُونَ ﴿١٤٣﴾ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ
 قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى
 أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ
 شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ
 أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كَتَبْنَا مُوَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ
 ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ
 نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٥﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ
 قَتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي
 سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ
 الصَّابِرِينَ ﴿١٤٦﴾ وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ
 لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا
 عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿١٤٧﴾ فَكَاتَبَهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا
 وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤٨﴾

و تا کامل عیار کند مسلمانان را^(۱) و نابود سازد کافران را.
 ﴿۱۴۱﴾ آیا گمان کردید که درآید به بهشت و هنوز
 متمیز نساخته است خدا مجاهدان را از شما و پیش از آن
 که جدا کند صابران را؟ ﴿۱۴۲﴾ و هرآینه شما آرزو
 می کردید مرگ را^(۲) پیش از آن که ملاقات آن کنید، پس
 معاینه کردید آن را و شما می نگریستید. ﴿۱۴۳﴾ و نیست
 محمد مگر پیغمبر، هرآینه گذشته اند پیش از وی
 پیغامبران؛ آیا اگر بمیرد یا کشته شود برگردید بر پاشنه های
 خود؟^(۳) و هر که برگردد بر پاشنه های خود، پس هیچ زبان
 نرساند خدا را و خدا ثواب خواهد داد شکرگزاران را.
 ﴿۱۴۴﴾ و نیست هیچ شخصی را که بمیرد الا به اراده خدا.
 نوشته شده است مقید به قید وقت، و هر که خواهد جزای
 دنیا، بدیهمش از ثواب دنیا و هر که خواهد جزای آخرت،
 بدیهمش از ثواب آخرت و نزدیک است که جزای نیک
 دهیم شکرگزاران را. ﴿۱۴۵﴾ و بسا پیغامبر که قتال کردند
 با کفار، همراه او خداپرستان بسیار، پس سستی نکردند به
 سبب مصیبتی که ایشان را رسید در راه خدا و ناتوانی
 نکردند و بیچارگی ننمودند و خدا دوست می دارد صابران
 را. ﴿۱۴۶﴾ و نبود سخن این خدا پرستان بجز آن که
 گفتند: ای پروردگار ما! بیمار ما را گناهان ما را و از حد
 گذشتن ما در کار خود و استوار بکن پاهای ما را و نصرت
 ده ما را بر قوم کافران. ﴿۱۴۷﴾ پس عطا کرد خدا ایشان را
 جزای نیک در دنیا و جزای نیک در آخرت، و خدا
 دوست می دارد نیکوکاران را. ﴿۱۴۸﴾

۱- یعنی ذنوب ایشان را محو کند.

۲- یعنی شهادت را.

۳- یعنی مرتد شوید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا
يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ﴿١٤٩﴾ بَلِ
اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ ﴿١٥٠﴾ نُلْقِيَ فِي
قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ
يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى
الظَّالِمِينَ ﴿١٥١﴾ وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ
تَحْسُونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ فِي
الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ
مِّنْكُمْ مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّن يُرِيدُ الْآخِرَةَ
ثُمَّ صَرَّفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ
وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥٢﴾ إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا
تَلُونَ عَلَىٰ أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَخْرَجِكُمْ
فَأَثْبِكُمْ غَمًّا بَغِيًّا لِّكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ
وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٥٣﴾

ای مؤمنان! اگر فرمانبرداریِ کافران کنید، بازگردانند شما را بر پاشنه‌های شما، پس بازگردید زیانکار شده. ﴿۱۴۹﴾ بلکه خدا یاری دهنده شما است و او بهترین یاری دهندگان است. ﴿۱۵۰﴾ خواهیم انداخت در دل‌های کافران بُزدلی؛ به سبب آن که شریک مقرر ساختند با خدا چیزی را که هیچ حجت فرود نیاورده است خدا برای او. و جای ایشان دوزخ است و آن بد اقامتگاهِ ستمکاران است. ﴿۱۵۱﴾ و هرآینه راست کرد خدا در حق شما وعده خود را چون می‌کشتید کافران را به حکم خدا، تا وقتی که بُزدلی کردید و نزاع کردید در کار خویش و نافرمانی کردید بعد از آن که نمود به شما آنچه می‌خواستید؛ از شما کسی بود که می‌خواست دنیا را و از شما کسی بود که می‌خواست آخرت را، آنگاه باز گردانید شما را از ایشان^(۱) تا امتحان کند شما را، و هرآینه در گذرانید از شما و خدا صاحب رحمت است بر مؤمنان. ﴿۱۵۲﴾ آنگاه که دور می‌رفتید در گریختن و متوجه نمی‌شدید بر هیچ کس و پیغامبر می‌خواند شما را در جماعتی که پس پشت شما بودند؛ پس جزا داد شما را به اندوهی بالا اندوهی. این پند دادن برای آن است تا اندوهناک نشوید بر آنچه از دست شما رفت و نه بر آنچه رسید به شما و خدا باخبر است به آنچه می‌کنید. ﴿۱۵۳﴾

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَافِقَةً مِّنْكُمْ وَطَافِقَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٥٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٥٥﴾ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٥٦﴾ وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿١٥٧﴾

باز فرود آورد بر شما پس از اندوه، ایمنی که پینکی بود. می پوشیده گروهی را از شما و گروهی دیگر بودند که اندوهناک ساخته بود ایشان را فکر خویشتن، گمان می کردند به خدا، ناحق، گمان کفر را، می گفتند: آیا هست ما را از این کار از چیزی؟^(۱) بگو: کار به تمام، خدا راست. پنهان می دارند در دل خویشتن آنچه آشکارا نمی کنند برای تو. می گویند: اگر بودی ما را از این کار چیزی، کشته نمی شدیم در اینجا. بگو: اگر می بودید در خانه های خویش، هر آینه بیرون می آمدند کسانی که مقدر شده است بر ایشان کشته شدن به سوی کشتگاه خویش^(۲). و تا بیازماید خدا آنچه در سینه های شما است و تا کامل عیار سازد آنچه در دل شما است و خدا دانا است به آنچه در سینه هاست. ﴿۱۵۴﴾ هر آینه کسانی که روگردانیدند از شما روزی که به هم آمدند هر دو جماعت^(۳)، جز این نیست که لغزاید ایشان را شیطان به شومی بعض آنچه کردند، و هر آینه عفو کرد خدا از ایشان، هر آینه خدا آمرزنده بر دبار است. ﴿۱۵۵﴾ ای مؤمنان! مبادید مانند آنان که کافر شدند و گفتند در حق برادران خویش، وقتی که سفر کنند در زمین یا باشند به جهاد بیرون آمده: ^(۴) اگر می بودند ایشان نزدیک ما، نمی مردند و کشته نمی شدند، تا گرداند خدا این سخن را دریغ در دل ایشان و خدا زنده می کند و او می میراند و خدا به آنچه می کنید بینا است. ﴿۱۵۶﴾ و اگر کشته شدید در راه خدا یا مردید، هر آینه آمرزشی از خدا و بخشایشی بهتر است از آنچه جمع می کنند. ﴿۱۵۷﴾

۱- یعنی درین کار ما را اختیار نیست و به تدبیر ما کار نمی کنند.

۲- و این کار برای آن کرده شد که در علم الهی مقدر بود.

۳- یعنی کافران و مسلمانان.

۴- یعنی چون بمیرند درین حالت.

وَلَيْنَ مُتُّمٌ أَوْ قُتِلْتُمْ لِيَالِي اللَّهِ تُحْشَرُونَ ﴿١٥٨﴾ فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾ إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦١﴾ أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَا أُولَٰئِهِمْ بِهِمْ مُّصِيرٌ ﴿١٦٢﴾ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٣﴾ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿١٦٤﴾ أَوَلَمَّْا أَصَبْتَكُمْ مُّصِيبَةً قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَهَا قُلْتُمْ إِنَّا هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٦٥﴾

و اگر مردید یا کشته شدید، البته به سوی خدا برانگیخته خواهید شد. ﴿۱۵۸﴾ پس به سبب مهربانی از خدا، نرم شدی برای ایشان و اگر می‌شدی درشت خو[ی] سخت دل، پراکنده می‌شدند از حوالی تو، پس در گذر از ایشان و آمرزش خواه برای ایشان و مشورت کن با ایشان در این کار؛ پس آنگاه که قصد محکم کردی، پس اعتماد کن بر خدا، هرآینه خدا دوست می‌دارد توکل کنندگان را. ﴿۱۵۹﴾ اگر نصرت دهد شما را خدا، هیچ کس غالب نیست بر شما. و اگر به بی‌پروایی بگذارد شما را، پس کیست که نصرت دهد شما را بعد از وی و بر خدا باید که توکل کنند مسلمانان. ﴿۱۶۰﴾ و هرگز خیانت از نبی نمی‌آید و هر که خیانت کند، خواهد آورد آن چیز را که خیانت کرده است به روز قیامت^(۱)، پس تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است و ایشان ستم کرده نشوند^(۲). ﴿۱۶۱﴾ آیا کسی که در پی خوشنودی خدا رفت، می‌باشد مانند کسی که بازگشت به خشم خدا و جای او دوزخ است؟ و بدجایی است. ﴿۱۶۲﴾ ایشان بر مراتباند نزدیک خدا و خدا بیناست به آنچه می‌کنند. ﴿۱۶۳﴾ هرآینه نعمت فراوان داد خدا بر مؤمنان؛ آنگاه که فرستاد در میان ایشان پیغمبری از قوم ایشان، می‌خواند بر ایشان آیات خدا را و پاک سازد ایشان را و می‌آموزد ایشان را کتاب و علم و هرآینه بودند پیش از این در گمراهی آشکارا. ﴿۱۶۴﴾ آیا چون رسید به شما مصیبتی که به دست آورده بودید دو چند از آن را، گفتید: از کجا آمد این مصیبت؟ بگو که: آن از نزد نفوس شما است، هرآینه خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۱۶۵﴾

۱- یعنی بر سر برداشته.

۲- مترجم گوید: چون حضرت ﷺ متصرف بودند در غنیمت، این آیت نازل شد تا کسی گمان خیانت نکند

وَمَا أَصْبَكُمْ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانِ فَيَاذَنْ اللَّهُ
وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٦٦﴾ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ
تَعَالَوْ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ
قِتَالًا لَاتَّبَعْنَكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمِيذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ
لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ
أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ﴿١٦٧﴾ الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ
وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَءُوا عَنْ
أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٦٨﴾ وَلَا تَحْسَبَنَّ
الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ
رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿١٦٩﴾ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ
فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ
خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٧٠﴾
يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا
يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٧١﴾ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ
وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا
مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرَ عَظِيمٍ ﴿١٧٢﴾ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ
إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا
وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿١٧٣﴾

آنچه رسید به شما روزی که به هم آمدند دو گروه، پس به
اراده خدا بود و تا متمیز سازد مؤمنان را. ﴿۱۶۶﴾ و متمیز
سازد آنان را که منافق شدند و گفته شد ایشان را: بیاید
بجنگید در راه خدا یا دفع کنید کافران را^(۱)، گفتند: اگر
می دانستیم جنگ کردن^(۲)، هر آینه پیروی شما می کردیم؛
این گروه به سوی کفر، آن روز نزدیک تر بودند به نسبت

ایشان به جانب ایمان؛ می گویند به دهان خویش آنچه
نیست در دل ایشان و خدا دانایتر است به آنچه می پوشند.
﴿۱۶۷﴾ آنان که خود از جنگ، بازنشسته، گفتند در حق
برادران خویش که: اگر فرمان ما می بردند، کشته
نمی شدند، بگو: دفع کنید از خویشان مرگ را اگر هستید
راستگو. ﴿۱۶۸﴾ و مرده گمان مکن کسانی را که کشته
شدند در راه خدا، بلکه زنده اند؛ نزدیک پروردگار
خویش، روزی داده می شوند. ﴿۱۶۹﴾ شادان به آنچه عطا
کرده است ایشان را خدا از فضل خود و خوشوقت
می شوند به سبب آنان که به ایشان نپیوسته اند از پس ایشان؛
به سبب آن که هیچ ترس نیست بر ایشان و نه ایشان
اندوهناک شوند. ﴿۱۷۰﴾ خوشوقت می شوند به نعمت
خدا و فضل او و به آن که خدا ضایع نمی کند مزد مؤمنان
را^(۳). ﴿۱۷۱﴾ کسانی که قبول کردند حکم خدا و رسول
را بعد از آن که رسیده بود به ایشان زخم، برای آنان که از
این جماعت نیکوکاری و تقوا کرده اند، مزد بزرگ است.
﴿۱۷۲﴾ آنان که گفتند به ایشان مردمان که: کافران لشکر
جمع کرده اند برای شما، پس بترسید از آن لشکرها، پس
زیاده کرد [این سخن] ایمان ایشان را و گفتند: بس است ما
را خدا و نیک کار گزار است. ﴿۱۷۳﴾

۳- مترجم گوید: در أخذ مسلمانان و کفار باهم عهد بستند که وعده گاه
قتال میان ایشان سال آینده، سوق بدر باشد، چون موسم سوق بدر
رسید، کفار شخصی را فرستادند، جمعیت ایشان بیان کرده، مسلمانان
را در حیز توقف اندازد، با وجود آن جماعتی از مسلمانان همراه آن
حضرت برآمدند و به بدر رسیدند و در تجارت سودها یافتند و هیچ
یک از کفار مزاحم ایشان نشد و این غزوه را بدر صغری می گوید.
خدا در مدح ایشان می فرماید.

۱- یعنی از بلاد خویش.

۲- یعنی مصلحت می دانستیم.

فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّسَهُمْ سُوءٌ
وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿١٧٤﴾ إِنَّمَا
ذَلِكَ الشَّيْطَانُ يَخُوفُ أَوْلِيَآءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ
وَخَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٧٥﴾ وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ
يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا
يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ
عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ
بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٧﴾
وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمِلُّ لَهُمْ خَيْرٌ
لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمِلُّ لَهُمْ لِيَزِدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ
مُّهِينٌ ﴿١٧٨﴾ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ
عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ
لِيُظْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ
رُسُلِهِ مَن يَشَاءُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا
وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٩﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ
يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ
بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ
وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِلَّهِ بِمَا تَعْمَلُونَ
خَيْرٌ ﴿١٨٠﴾

پس باز گشتند [این مسلمانان] به نعمتی از خدا و فضل او،
نرسید به ایشان هیچ سختی و پیروی خوشنودی خدا کردند
و خدا صاحب فضل بزرگ است. ﴿۱۷۴﴾ جز این نیست
که این خبر دهنده، شیطان است، می ترساند دوستان خود
را^(۱)، پس شما مترسید از کافران و بترسید از من، اگر مؤمن
هستید. ﴿۱۷۵﴾ و اندوهگین نکنند تو را یا [محمد] آنان که
می شتابند در نصرت کفر، هر آینه ایشان هیچ زیان نرسانند
خدا را^(۲). می خواهد خدا که ندهد ایشان را هیچ بهره در
آخرت و ایشان راست، عذاب بزرگ. ﴿۱۷۶﴾ هر آینه
آنان که خریدند^(۳) کفر را عوض ایمان، هیچ زیان نرسانند
خدا را و ایشان راست، عذاب درد دهنده. ﴿۱۷۷﴾ و
گمان نکنند کافران که مهلت دادن ما ایشان را، بهتر است
در حق ایشان؛ جز این نیست که مهلت می دهیم ایشان را تا
زیاده شوند در گناهکاری و ایشان راست، عذاب خوار
کننده. ﴿۱۷۸﴾ هرگز نگذارد خدا مسلمانان را بر آنچه
حال شما هستید بر آن، تا آن که جدا کند ناپاک را از
پاک، و هرگز مطلع نکند خدا شما را بر غیب و لیکن خدا
برمی گزیند از پیغامبران خود، هر که را خواهد؛ پس ایمان
آرید به خدا و پیغامبران او و اگر ایمان آرید و تقوی کنید،
شما را باشد مزد بزرگ. ﴿۱۷۹﴾ و باید گمان نکنند
آنان که بخل می کنند به آنچه عطا کرده است خدا ایشان را
از فضل خود، این بخل را بهتر برای خویش؛ بلکه آن بد
است برای ایشان؛ نزدیک است که بر شکل طوق،
پوشانیده شود ایشان را آنچه بخل کرده اند به آن، روز
قیامت^(۴) و خدا راست پس گذاشته اهل آسمان ها و زمین و
خدا به آنچه می کنید دانا است. ﴿۱۸۰﴾

۱- یعنی ضعیف اسلام را.

۲- یعنی دین او را.

۳- یعنی اختیار کردند.

۴- یعنی آن مال را به صورت مار کرده در گردن ایشان اندازند.

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿١٨١﴾ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ﴿١٨٢﴾ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلاَّ نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّى يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٨٣﴾ فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ﴿١٨٤﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَمَن زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿١٨٥﴾ لَسْتَبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذَى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٨٦﴾

هر آینه شنید خدا سخن آنان را که گفتند: خدا فقیر است و ما توانگریم^(۱). خواهیم نوشت آنچه گفتند و [بنویسیم] کشتن ایشان، پیغمبران را به ناحق و بگوییم: بچشید عذاب سوزنده. ﴿۱۸۱﴾ این عذاب، به سبب عملی است که پیش فرستاده است دست‌های شما و به سبب آن است که خدا ستم کننده نیست بر بندگان. ﴿۱۸۲﴾ آنان که گفتند که: هر آینه خدا حکم فرستاده است به سوی ما که ایمان نیاریم به هیچ پیغامبر تا آن که بیارد ما را قربانی که بخورد آن را آتش^(۲). بگو: آوردند نزد شما پیغامبران پیش از من، معجزه‌ها و آن را نیز که شما گفتید؛ پس چرا کشتید ایشان را، اگر هستید راستگو؟ ﴿۱۸۳﴾ پس اگر به دروغ نسبت کردند تو را، پس به دروغ نسبت کرده شده بود پیغامبران پیش از تو، آوردند حجت‌ها را و صحیفه‌ها را و کتاب روشن را. ﴿۱۸۴﴾ هر نفسی چشنده موت است و جز این نیست که تمام داده خواهید شد مزد خویش را روز قیامت؛ پس هر که دور داشته شد از دوزخ و در آورده شد به بهشت، پس هر آینه به مراد رسید و نیست زندگانی دنیا مگر بهره فریبنده. ﴿۱۸۵﴾ البته آزمایش کرده خواهد شد شما را در اموال شما و جان‌های شما و خواهید شنید از آنان که کتاب داده شده‌اند پیش از شما و از مشرکان، سرزنش بسیار و اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، هر آینه این خصلت از کارهای مقصود است. ﴿۱۸۶﴾

۱- یعنی چون یهود شنیدند، «اقرضو الله» گفتند: ما غنی‌ایم و خدا فقیر

است، والله اعلم.

۲- یعنی گوسفندی که از غیب آتش او را بردارد.

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَأَشْرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ ﴿١٨٧﴾ لَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسِبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨٨﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٨٩﴾ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٩٠﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٩١﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَءَامَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا وَعَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾

و یاد کن، چون گرفت خدا عهد اهل کتاب را که البته بیان کنید کتاب را برای مردمان و نبوشید آن را، پس بیانداختند آن عهد را پس پشتِ خویش و گرفتند عوض آن بهایی اندک؛ پس بدچیزی است که می ستانند. ﴿۱۸۷﴾ مپندار کسانی را که شادمان می شوند به آنچه کردند و دوست می دارند که ستوده شوند به آنچه نکرده اند، مپندار ایشان را در خلاص از عذاب و ایشان راست، عذاب درد دهنده. ﴿۱۸۸﴾ و خدا راست، پادشاهی آسمان ها و زمین و خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۱۸۹﴾ هرآینه در آفرینش آسمان ها و زمین و آمد و شد شب و روز، نشانه ها است خداوندان خرد را. ﴿۱۹۰﴾ آنان که یاد می کنند خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوی ها خویش خفته و تأمل می کنند در آفرینش آسمان ها و زمین، [می گویند:] ای پروردگار ما! نیافریده ای این را باطل^(۱)، پاکی است تو را، پس نگاه دار ما را از عذاب آتش. ﴿۱۹۱﴾ ای پروردگار ما! هرآینه تو هر که را در آری به دوزخ، به تحقیق رسوا کردی او را و نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده. ﴿۱۹۲﴾ ای پروردگار ما! هرآینه ما شنیدیم ندا کننده را [به آواز بلند] می خواند به سوی ایمان، که ایمان آرید به پروردگار خویش، پس ما ایمان آوردیم. ای پروردگار ما! پس پیامرز گناهان ما را و دور کن از ما بدی های ما را و بمیران ما را با نیکوکاران. ﴿۱۹۳﴾ ای پروردگار ما! و بده ما را آنچه وعده کرده ای به ما به زبان رسولان خود و رسوا مکن ما را روز قیامت، هرآینه تو خلاف وعده نمی کنی. ﴿۱۹۴﴾

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمِلٍ
 مِنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنشُرَ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ
 فَأَلْزَيْنَ هَاجِرُوا وَأَخْرَجُوا مِنْ دِيَرِهِمْ وَأُودُوا فِي
 سَبِيلِي وَقَتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ
 وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا
 مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ﴿١٩٥﴾ لَا
 يَغْرَنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ ﴿١٩٦﴾ مَتَّعُ
 قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٩٧﴾ لَكِنَّ
 الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
 الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ
 اللَّهِ خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ ﴿١٩٨﴾ وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ
 يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ
 خَشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا
 أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ
 الْحِسَابِ ﴿١٩٩﴾ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا
 وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٢٠٠﴾

پس قبول کرد دعای ایشان را پروردگار ایشان به اینکه من
 ضایع نمی‌سازم عمل هیچ عمل کننده‌ای از شما از مرد یا
 زن، بعضی شما از جنس بعض است. پس آنان که هجرت
 کردند و بیرون کرده شدند از خانه‌های خویش و رنجانیده
 شدند در راه من و جنگ کردند و کشته شدند، البته دور
 کنم از ایشان، گناهان ایشان را و البته در آرم ایشان را در
 باغ‌ها که می‌رود زیر آن جوی‌ها، پاداشی از نزدیک خدا.
 و خدا، نزدیک اوست پاداش نیک. ﴿۱۹۵﴾ باید که
 نفریید تو را آمد و شد کافران در شهرها. ﴿۱۹۶﴾ این
 بهره‌مندی اندک است، بعد از آن جای ایشان دوزخ باشد
 و وی بدجایی است. ﴿۱۹۷﴾ لیکن آنان که ترسیدند از
 پروردگار خود، ایشان راست بوستان‌ها؛ می‌رود زیر آن
 جوی‌ها، جاویدان در آنجا. تحفه‌ای از نزدیک خدا و آنچه
 نزدیک خدا است، بهتر است نیکوکاران را. ﴿۱۹۸﴾ و
 هرآینه از اهل کتاب، کسانی که ایمان می‌آرند به خدا و
 به آنچه فرود آورده شد به سوی شما و به آنچه فرود
 آورده شد به سوی ایشان؛ فروتنی کنندگان برای خدا،
 نمی‌ستانند عوض آیت‌های خدا، بهای اندک؛ آن گروه،
 ایشان راست، مزد ایشان نزد پروردگار ایشان، هرآینه خدا
 زود حساب کننده است. ﴿۱۹۹﴾ ای مؤمنان! صبر کنید و
 محنت کشید و برای جهاد آماده باشید و بترسید از خدا،
 باشد که رستگار شوید. ﴿۲۰۰﴾

سُورَةُ النَّسَاءِ

سوره نساء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ۝^(۱) وَعَاتُوا أَلَيْتَمَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَّبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا ۝^(۲) وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَمَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبْعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا ۝^(۳) وَعَاتُوا النِّسَاءَ صَدَقَتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا ۝^(۴) وَلَا تَوَثُّوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۝^(۵) وَابْتَلُوا الْيَتَمَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا ۚ وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ ۚ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا ۝^(۶)

به نام خداوند بخشنده مهربان

ای مردمان! بترسید از آن پروردگار خویش که بیافرید شما را از یک کس و آفرید از آن یک کس، زن او را و منتشر ساخت از این دو کس مردان بسیار و زنان بی‌شمار، و بترسید از خدا که از یکدیگر به نام او سؤال می‌کنید و بترسید از قطع قبیله‌داری، هر آینه خدا هست نگاهبان بر شما. ﴿۱﴾ و بدهید به یتیمان اموال ایشان، و بدل نکنید ناپاکیزه را به پاکیزه، و مخورید اموال ایشان به هم آورده به اموال خویش، هر آینه این گناهی بزرگ است ^(۱). ﴿۲﴾ و اگر دانید که عدل نتوانید کرد در حق دختران یتیمه، پس نکاح کنید آنچه خوش آید شما را از سایر زنان، دو دو، و سه سه و چهار چهار؛ پس اگر دانید که در این صورت نیز عدل نتوانید کرد، پس نکاح کنید یک زن را یا سریه بگیرید آن را که مالک او شد دست‌های شما، این نزدیک‌ترست به آن که جور نکنید. ﴿۳﴾ و بدهید زنان را مهر ایشان به خوشدلی، و اگر زنان در گذرند به خوشدلی برای شما از بعض مهر، پس بخورید آن را سازگار و خوشگوار. ﴿۴﴾ و مدهید بی‌خردان را اموال خود، که کرده است خدا آن را سبب استقامت معیشت برای شما و بخورانید ایشان را از آن اموال و ببوشانید ایشان را و بگویید به ایشان سخن نیکو ^(۲). ﴿۵﴾ و امتحان کنید یتیمان را ^(۳) تا آنگاه که رسند به حد نکاح ^(۴)، پس اگر دریافتید از ایشان حسن تدبیر، پس برسانید به ایشان اموال ایشان را و مخورید آن اموال را ^(۵) به اسراف و شتابی از ترس آن که بزرگ شوند و هر که باشد توانگر، پس باید که پرهیزگاری کند ^(۶) و هر که فقیر باشد، پس باید که بخورد به وجه پسندیده؛ پس چون رسانید به ایشان اموال ایشان را، گواه بگیرید بر ایشان، و بس است به حقیقت، خدا حساب کننده. [است]. ﴿۶﴾

۱- در جاهلیت اولیای دختدان یتیمان مانند ابنای اعمام ایشان را به نکاح خود درمی‌آوردند و ایفای حقوق نکاح نمی‌کردند، خدای تعالی آیت فرستاد.

۲- یعنی بر سف‌ها، حجر باید کرد و اموال ایشان که به حقیقت همه مسلمانان به آن منتفع‌اند، بی‌واسطه یا با واسطه به دست ایشان داده ضائع نباید ساخت، والله اعلم.

۳- یعنی در ایام کودکی.

۴- یعنی بالغ شوند.

۵- یعنی در خردسالی ایشان.

۶- یعنی وصی یتیم اگر توانگر باشد از اموال یتیم چیزی نگیرد.

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ﴿٧﴾ وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينُ فَأَرْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿٨﴾ وَلِيَحْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ﴿١٠﴾ يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ آبَاؤُهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ عَابَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١١﴾

چیزی از آن^(۳) و بگویند به ایشان، سخن نیکو. ﴿۸﴾ و باید که بترسند از خدا آنان که اگر [نزدیک شوند از آن که] بگذارند بعد خود اولاد ناتوان را، خایف باشند بر ایشان [که ضایع شوند] پس باید که از خدا بترسند و باید که بگویند سخن استوار^(۴). ﴿۹﴾ هر آینه آنان که می‌خورند اموال یتیمان به ظلم، جز این نیست که می‌خورند در شکم خویش آتش را و در آیند به دوزخ. ﴿۱۰﴾ حکم می‌کند شما را خدا در حق اولاد شما که مرد را هست مانند حصه دو زن. اگر [اولاد میت همه] دختران باشند زیاده از دو، پس ایشان راست دو سوم حصه از آنچه میت گذاشته است^(۵) و اگر [ذریتش] یک دختر باشد، پس او راست نیم ترکه و هست پدر و مادر میت را هر یکی را از ایشان، ششم حصه از آنچه بگذاشته است، اگر باشد میت را فرزندی، پس اگر نباشد او را فرزندی و وارث او پدر و مادر او شوند، پس هست مادرش را سوم حصه^(۶)، پس اگر باشند میت را برادران، هست مادرش را ششم حصه^(۷) [و این تقسیم] بعد ادای وصیتی است که میت به آن فرموده یا بعد ادای دین^(۸). پدران شما و پسران شما، نمی‌دانید که کدام یک از ایشان نزدیک‌تر است در نفع رسانیدن، حصه معین کرده شد از جانب خدا، هر آینه هست خدا دانای استوار کار. ﴿۱۱﴾

۳- یعنی به طریق استحباب.

۴- یعنی آنان که اولاد داشته باشند به وجهی وصیت کنند که اولاد را ضرر نرسد و این در شرع یک سوم مال یا کمتر از آن است، والله اعلم.

۵- مترجم گوید: حکم دو دختر نیز ثلثان است، والله اعلم.

۶- یعنی مابقی برای پدر است.

۷- یعنی برادران و خواهران، حصه مادر را ناقص می‌سازند، اگر چه خود چیزی نیابند و یک برادر و یک خواهر ناقص سازد، والله اعلم.

۸- یعنی اگر وصیت باشد، نخست ادای وصیت کنند و اگر دین باشد، نخست ادای دین کنند.

مردمان را حصه هست از آنچه بگذارند پدر و مادر و خویشان، و زنان را نیز حصه هست از آنچه بگذارند پدر و مادر و خویشان، از آنچه کم باشد از مال یا بسیار، حصه مقرر کرده شده^(۱). ﴿۷﴾ و چون حاضر شوند نزد قسمت میراث، خویشان^(۲) و یتیمان و گدایان، پس بدهید ایشان را

۱- یعنی مردان و زنان هر دو حصه دارند از هر مال که باشد، کم بود یا بسیار، درین رد است بر اهل جاهلیت که زنان را حصه نمی‌دادند.

۲- یعنی خویشان غیر وارث.

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّينَ بِهَا أَوْ دَيْنٌ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تَوْصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٌ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُوَ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَى بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿١٢﴾ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٣﴾ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٤﴾

و شما را هست نیمه آنچه بگذاشته‌اند زنان شما، اگر نباشد ایشان را فرزندی، پس اگر ایشان را فرزندی باشد، شما راست، چهارم حصّه از آنچه بگذاشته‌اند، بعد ادای وصیتی که به آن فرموده باشند یا بعد ادای دین، و زنان راست، چهارم حصّه از آنچه شما بگذاشته‌اید، اگر نباشد شما را فرزندی، پس اگر باشد شما را فرزندی، پس زنان راست، هشتم حصّه از آنچه بگذاشته‌اید بعد ادایی وصیتی که به آن فرموده باشید یا ادای دین، و اگر مرد مرده که از وی میراث می‌خواهند یا زن مرده کلاله باشد^(۱) و او را برادری هست یا خواهری^(۲)، پس هر یک از ایشان راست، ششم حصّه، پس اگر اخیافان زیاده از این باشند، پس ایشان باهم شریکند در سوم حصّه بعد ادای وصیتی که به آن فرموده شد یا بعد ادای دین، به غیر آن که ضرر رساننده باشد^(۳)، حکم کرده شده است از جانب خدا و خدا دانای بردبار است. ﴿۱۲﴾ این همه حدّها مقرر کرده‌خداست و هر که فرمانبرداری کند خدا و رسول او را، در آردش به بهشت‌ها که می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان در آنجا و این است مطلب یابی بزرگ. ﴿۱۳﴾ و هر که نافرمانی کند خدا و رسول او را و تجاوز کند از حدهای مقرر کرده او، در آردش به آتش، جاوید آنجا و او راست، عذاب رسوا کننده. ﴿۱۴﴾

۱- و معنای کلاله آن است که پدر و فرزند و برادر و خواهر تنی ندارد.

۲- یعنی اخیافی.

۳- یعنی وصیتی که زیاده از ثلث بود، اعتبار ندارد، والله اعلم.

وَالَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّيَهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا ﴿١٥﴾ وَالَّذَانِ يَأْتِيَنِهَا مِنْكُمْ فَأَذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ﴿١٦﴾ إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٧﴾ وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٨﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا ءَاتِيَتْموهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ﴿١٩﴾

و از زنان شما، آنان که زنا می کنند، پس گواه طلبید بر ایشان چهار مرد از جنس خویش^(۱). پس اگر گواهی دادند، محبوس کنید ایشان را در خانه ها تا آن که عمر ایشان را تمام کند مرگ، یا مقرر کند خدای تعالی برای ایشان راهی^(۲). ﴿۱۵﴾ و آن دو کس که زنا می کنند از شما، پس آزار دهید ایشان را، پس اگر توبه کردند و نیکوکاری پیش گرفتند، پس اعراض کنید از تعذیب ایشان، هر آینه خدا هست باز گردنده مهربان^(۳). ﴿۱۶﴾ جز این نیست که وعده قبول توبه، لازم بر خداست برای آن کسان که می کنند معصیت به نادانی، بعد از آن توبه کنند در نزدیکی^(۴)، پس آن گروه، به رحمت باز می گردد خدا بر ایشان و هست خدا دانای استوارکار. ﴿۱۷﴾ و نیست وعده قبول توبه آن کسان را که می کنند معاصی تا آنگاه که پیش آید کسی را از ایشان مرگ، گفت: هر آینه من توبه کردم الحال، و نه آن کسان راست که کافر بمیرند، این گروه آماده ساختیم برای ایشان عذاب درد دهنده. ﴿۱۸﴾ ای مؤمنان! حلال نیست شما را آن که میراث بگیرید زنان را و ایشان ناخوش باشند^(۵). و منع مکنید ایشان را^(۶) تا به دست آرید بعضی آنچه داده اید ایشان را، لیکن وقتی که کنند کار بد آشکارا، [می توان ایذا داد] و زندگانی کنید باز زنان به وجه پسندیده، زیرا که اگر ناپسند کنید ایشان را، پس شاید که ناپسند کنید چیزی را و پیدا کند خدای تعالی در آن چیز، خیر بسیار. ﴿۱۹﴾

۱- یعنی از مسلمانان.

۲- بعد این آیت، خدای تعالی راهی مقرر کرد و آن رجم ثیب و جلد بکر است، پس الحال حکم حبس نیست، والله اعلم.

۳- این آیت، مجمل است و در احادیث آمده است که بکر آزاد را صد تازیانه باید زد و ثیب آزاد را سنگسار باید کرد و غلام را پنجاه تازیانه باید زد، والله اعلم.

۴- یعنی پیش از حضور مرگ.

۵- اهل جاهلیت، زنان را نیز از جمله میراث می دانستند، ولی میت اگر می خواست به جبر در (نکاح خود) می آورد و اگر می خواست منع می کرد که با اجنبی نکاح کند، تا آنکه حق تعالی این آیت فرستاد.

۶- یعنی از نکاح به هر که خواهند.

وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَءَاتَيْتُمْ
إِحْدَهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ
بُهْتَنًا وَاتِّمَامًا مُبِينًا ﴿٢٠﴾ وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى
بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا
﴿٢١﴾ وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا
مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا
﴿٢٢﴾ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ
وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ
وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ
وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرِّضْعَةِ وَأُمّهَاتُ نِسَائِكُمُ
وَرَبَبِّبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّن نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي
دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِنْ لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا
جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ
أَصْلَابِكُمْ وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ
سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٢٣﴾

و اگر خواهید بدل کردن زن به جای زنی و داده باشید
یکی را از ایشان قنطار^(۱)، پس بازگیرید از آن مال چیزی
را، آیا می گیرید آن را به ستم و تعدی آشکارا؟ ﴿۲۰﴾
و چگونه گیرید آن را؟ حال آن که رسیده است بعض شما
به بعض^(۲)، و گرفتند زنان از شما عهد محکم را^(۳). ﴿۲۱﴾
و نکاح مکنید کسی را که نکاح با او کرده باشند پدران
شما از زنان، لیکن آنچه گذشت، [عفو است]. هرآینه این
هست کار بد و مبعوض و این بد راهی است. ﴿۲۲﴾ حرام
کرده شدند بر شما مادران شما و دختران شما و خواهران
شما و خواهران پدران شما و خواهران مادران شما و
دختران برادر و دختران خواهر و آن مادران شما که شیر
داده اند شما را^(۴) و خواهران شما از جهت شیرخوارگی و
مادران زنان شما و دختران زنان شما که در کنار شما
پرورش می یابند از بطن آن زنان شما که وطی کردید با
ایشان، پس اگر وطی نکرده باشید با ایشان، پس هیچ گناه
نیست بر شما و زنان پسران شما که از پشت شما باشند^(۵) و
[حرام کرده شد] آن که جمع کنید میان دو خواهر، لیکن
آنچه گذشت، [عفو است]. هرآینه خدا هست آمرزنده
مهربان. ﴿۲۳﴾

۱- یعنی مال بسیار در مهر داده باشید.

۲- یعنی مباشرت کردید.

۳- یعنی ایجاب و قبول به حضور شهود در میان آمد.

۴- یعنی دایه ها.

۵- یعنی پسر خوانده نباشد.

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْلِفِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرْضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٢٤﴾ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَيْمَانِكُمْ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَأَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسْلِفَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَحْدَانٍ فَإِذَا أَحْصَيْتُمْ فَآتَيْنَ بِفَحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ حَشَى الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٥﴾ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَيِّبَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦﴾

عفت طلب کنان نه شهوت رانندگان^(۲)، پس کسی که لذت گرفتید به او از زنان، بدهید ایشان را مهر ایشان، مقرر کرده شده^(۳) و نیست بر شما گناه در آنچه با یکدیگر راضی شدید بعد مهر مقرر^(۴)، هرآینه خدا دانای استوارکار. ﴿۲۴﴾ و هر که نتواند از شما از جهت توانگری که نکاح کند زنان آزاد مسلمانان را، پس باید که نکاح کند از آنچه مالک او شده است، دست جنس‌های شما از کنیزکان شما که مسلمانان باشند. و خدا داناتر است به ایمان شما، بعضی شما از جنس بعضی است^(۵). پس نکاح کنید کنیزکان را به دستور خداوند ایشان و بدهید ایشان را مهر ایشان به خوش خویی، در حالتی که عقیقه باشند نه زنا کننده. نه دوست پنهانی گیرنده^(۶). پس چون در حباله زوج آمدند، اگر زنا کنند پس بر ایشان است نیم مقدار آنچه بر زنان آزاد است از عقوبت^(۷). نکاح کنیزکان، کسی راست که بترسد از گناه، از شما. و آن که صبر کنید بهتر است شما را و خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۲۵﴾ می‌خواهد خدا که بیان کند برای شما و بنماید شما را راه‌های کسانی که پیش از شما بودند و به رحمت بازگردد بر شما و خدا دانای استوارکار است. ﴿۲۶﴾

۲- یعنی نکاح صحیح آن است که مهر باشد و مؤید باشد به حسب ظاهر، زیرا که چون حاجت جماع همیشه است و احصان، بدون عقد مؤید حاصل نشود، والله اعلم.

۳- یعنی به جماع، تمام مهر لازم می‌شود، والله اعلم.

۴- یعنی بعد مقرر کردن اگر به تراضی، زیاده یا کم کنید باک نیست، والله اعلم.

۵- یعنی کنیزکان نیز بنات آدم‌اند، والله اعلم.

۶- فارق در نکاح و اتخاذ اخدان، شرط شهود است و در احصان و سفاح مؤید بودن عقد به حسب ظاهر، والله اعلم.

۷- یعنی پنجاه تازیانه و اگر در حباله زوج نباشد نیز عقوبت او پنجاه تازیانه است، زیرا که ذکر این قید به جهت نفی احتمال زیاده است و این معنی، در حدیث مبین شده، والله اعلم.

و حرام کرده شدند زنان شوهر دار، مگر آنچه مالک او شده است دست‌های شما^(۱). لازم ساخته است خدا بر شما و حلال کرده شد شما را ما سوای این همه محرمات، [حلال کرده شد] که طلب نکاح کنید به اموال خویش،

۱- یعنی اگر زنی را از دارالحرب اسیر کرده‌اند، نکاح و تسری او صحیح بود هر چند آنجا زوج داشته باشد، والله اعلم.

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ
الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا ﴿٢٧﴾ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ
يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا ﴿٢٨﴾ يَأَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ
إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا
أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿٢٩﴾ وَمَنْ يَفْعَلْ
ذَلِكَ عُذُوْنَا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ
عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿٣٠﴾ إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ
نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا
كَرِيمًا ﴿٣١﴾ وَلَا تَتَمَتَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ
عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ
نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ
اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٣٢﴾ وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي
مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ
أَيْمَانُكُمْ فَآتَوْهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ شَهِيدًا ﴿٣٣﴾

و خدا می‌خواهد که به رحمت بازگردد بر شما و
می‌خواهند آنان که پیرویِ شهوات کنند که کجروی کنید،
کجروی عظیم. ﴿۲۷﴾ می‌خواهد خدا که سبک کند از
شما، و انسان، ضعیف آفریده شده است. ﴿۲۸﴾ ای
مؤمنان! مخورید اموال خود را در میان خویش به ناحق^(۱)،
لیکن بخورید وقتی که آن داد و ستد تجارت باشد، بعد
رضامندی یکدیگر از شما و مگشید خویشان را، هرآینه
خدا هست به شما مهربان. ﴿۲۹﴾ و هر که چنین کند
بتعدی و ستم، درآریمش به دوزخ و این بر خدا آسان
است. ﴿۳۰﴾ اگر احتراز کنید از کبایرِ منهیات، نابود
سازیم از شما صغایر شما را و درآریم شما را به محل
گرامی^(۲). ﴿۳۱﴾ و تمنا مکنید مرتبه‌ای را که خدای تعالی
به آن بزرگی داده بعض را از شما بر بعض. مردان راهست
بهره از آنچه حاصل کرده‌اند و زنان را هست بهره از آنچه
حاصل کرده‌اند و سؤال کنید به جناب خدا از بخشایش او،
هرآینه خدا هست به همه چیز دانا. ﴿۳۲﴾ و مقرر کردیم
وارثان برای هر چیزی از آنچه گذاشته‌اند پدر و مادر و
خویشان و کسانی که ایشان را مربوط ساخته است عهد
شما، پس بدهید ایشان را بهره ایشان، هرآینه خدا هست
بر همه چیز حاضر^(۳). ﴿۳۳﴾

۱- یعنی مال یکدیگر به ناحق نباید خورد.

۲- گناه کبیره آن است که بر آن حد، مشروع شده یا وعده دوزخ کرده
آمده یا به کفر مُسمی شده در قرآن یا سنت صحیح و هر که از کبائر
اجتناب کند، صغائر او را نماز و روزه و صدقه نا بود می‌سازد، والله
اعلم.

۳- یعنی حلیف را رعایت کردن یا وصیت کردن می‌تواند و ایشان را در
میراث دخل نیست و میراث برای اقربا مقرر کرده شده است، والله
اعلم.

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَأَلْصَلِحْ خَاتِنَتِكَ حَفِظْتُ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا ﴿٣٤﴾ وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا ﴿٣٥﴾ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا ﴿٣٦﴾ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿٣٧﴾

مردان [تدبیر کار کننده] مسلط شده‌اند بر زنان به سبب آن که فضل نهاده است خدا بعضی آدمیان را بر بعضی^(۱) و به سبب آن که خرج کردند از اموال خویش. پس زنان نیکوکار، فرمانبردارند، نگاه دارنده‌اند^(۲) در غیبت زوج به نگاه داشت خدا^(۳). و آن زنان که معلوم کنید سرکشی ایشان، پس پند دهید ایشان را و ترک کنید ایشان را در خوابگاه^(۴) و بزیند ایشان را. پس اگر فرمانبرداری شما کردند، پس تجسس مکنید بر ایشان راهی را^(۵)، هرآینه خدا هست بلند مرتبه بزرگ قدر. ﴿۳۴﴾ و اگر معلوم کردید [ای حاکمان] مخالفت میان زن و شوهر، پس معین کنید صلحکاری از خویشان مرد و صلحکاری از خویشان زن، اگر این صلحکاران بخواهند صلح را، البته موافقت کند خدا در میان ایشان، هرآینه هست خدا دانای آگاه. ﴿۳۵﴾ و بپرستید خدا را و شریک او مقرر مکنید چیزی را و به پدر و مادر نیکوکاری کنید و به خویشان و یتیمان و گدایان و همسایه خویشاوند و همسایه اجنبی و به همنشین بر پهلو نشسته و بمسافر و به آنچه دست‌های شما مالک او شد^(۶). هرآینه خدا دوست ندارد کسی را که باشد متکبر خود ستاینده. ﴿۳۶﴾ [دوست ندارد] آنان را که بخل می‌کنند و مردمان را به بخل می‌فرمایند و می‌پوشند آنچه خدا داده است ایشان را از فضل خود، و آماده ساخته‌ایم برای کافران، عذاب رسوا کننده. ﴿۳۷﴾

۱- یعنی به سبب آن که مردان دراصل جبلت بر تراند از زنان.

۲- یعنی مال و آبرو را.

۳- در این آیت بیان فرمود که مرد فرمان‌روا است به سبب فضل جبلی و به سبب اتفاق وزن صالحه کسی است که فرمانبرداری کند و حفظ مال

نماید، والله اعلم.

۴- یعنی مباشرت مکنید.

۵- یعنی به حيلة ایذا دادن، تجسس مکنید، والله اعلم.

۶- یعنی غلامان و کنیزکان.

وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ
بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ
قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا ﴿٣٨﴾ وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُوا بِاللَّهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ
عَلِيمًا ﴿٣٩﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ
حَسَنَةً يُضْعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٤٠﴾
فَكَيفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى
هَؤُلَاءِ شَهِيدًا ﴿٤١﴾ يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوْا
الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ
حَدِيثًا ﴿٤٢﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ
وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا
عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ
عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ
لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا
طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
عَفُوًّا غَفُورًا ﴿٤٣﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ
الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا
السَّبِيلَ ﴿٤٤﴾

و آنان را که خرج می کنند اموال خود را برای نمودن
مردمان و معتقد نیستند به خدا و روز قیامت و هر که شیطان
یار او باشد، پس وی بد یاری است. ﴿۳۸﴾ و چه زیان بود
بر ایشان اگر ایمان می آوردند به خدا و روز آخر و خرج
می کردند از آنچه خدا داده است ایشان را، و هست خدا
به ایشان دانا. ﴿۳۹﴾ هر آینه خدا ستم نمی کند وزن ذره ای
و اگر آن عمل نیکی باشد دو چندان کندش، و بدهد از
نزدیک خود، مزد بزرگ. ﴿۴۰﴾ پس چه حال باشد آنگاه
که بیاریم از هر قوم گواهی را و بیاوریم تو را گواه بر این
امت. ﴿۴۱﴾ آن روز آرزو کنند آنان که کافر شدند و
نافرمانی پیغامبر کردند، کاش برایشان زمین هموار کرده
شود^(۱) و نپوشند از خدا هیچ سخنی. ﴿۴۲﴾ ای مؤمنان! به
نماز نزدیک مشوید حال آن که شما مست باشید، تا آن
که بفهمید آنچه به زبان می گوید^(۲)، و به نماز نزدیک
مشوید در حالت جنابت تا آن که غسل کنید مگر اینکه
مسافر باشید و اگر بیمار باشید یا مسافر یا بیاید کسی از شما
از جای ضرور یا مباشرت زنان کنید و نیاید آب را، پس
قصد کنید به زمین پاک، پس مسح کنید به روی خویش و
دست های خویش، هر آینه هست خدا عفو کننده
بخشاینده. ﴿۴۳﴾ آیا ندیدی^(۳) کسانی که داده شده اند
بهره ای از کتاب (یعنی یهود)، می ستانند گمراهی را و
می خواهند که شما گم کنید راه را. ﴿۴۴﴾

۱- یعنی از ایشان نامی و نشانی نماند.

۲- این حکم قبل از تحریم خمر بود، بعد ازان مستی بالکلیه حرام شد، والله اعلم.

۳- مترجم گوید که: خدای عزوجل در ردّ یهود و تعداد قبائح ایشان آیات فرستاد.

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا ﴿٤٥﴾ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِالسِّنْتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَانْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٤٦﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ ءَامِنُونَ بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ﴿٤٧﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا ﴿٤٨﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٤٩﴾ أَنْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا ﴿٥٠﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا سَبِيلًا ﴿٥١﴾

در دین و اگر ایشان گفتندی: شنیدیم و فرمانبرداری کردیم و به جای «اسمع غیر مسمع»، «اسمع» گفتندی و به جای «راعنا»، «انظرنا» هرآینه بودی بهتر ایشان را و درست تر، و لیکن لعنت کرده است ایشان را خدا به سبب کفر ایشان، پس ایمان نمی آرند مگر اندکی^(۲). ﴿۴۶﴾ ای اهل کتاب! ایمان آرید به آنچه فرود آوردیم، باور کننده آنچه با شما است پیش از آن که محو کنیم صورت روی ها را، پس بگردانیمش بر شکل پشت آن روی ها یا لعنت کنیم ایشان را چنانکه لعنت کردیم اهل «شنبه» را و هست اراده خدا کرده شده. ﴿۴۷﴾ هرآینه خدا نمی آرمزد او را شریک مقرر کرده شود و می آرمزد غیر آن هر که را خواهد و هر که شریک خدا مقرر کند، هرآینه افترا کرده است به گناه بزرگ. ﴿۴۸﴾ آیا ندیدی به سوی کسانی که ستایش می کنند خود را؟ بلکه خدا ستایش می کند هر که را خواهد و ستم کرده نخواهند شد مقدار رشته ای. ﴿۴۹﴾ بین چگونه می بندند بر خدا دروغ را و این گناه آشکارا بس است^(۳). ﴿۵۰﴾ آیا ندیدی به سوی کسانی که بهره ای از کتاب داده شدند، معتقد می شوند بت را و معبود باطل را و می گویند در حق مشرکان که ایشان راه یابنده ترند از مسلمانان^(۴). ﴿۵۱﴾

۲- مترجم گوید: پیچانیدن سخن آن است که سب را چنان در کلام خلط کنند که کسی نشناسد و «اسمع غیر مسمع» دو معنی دارد: یکی آن که بشنو در حالتی که معظم و محترمی و کسی با تو خلاف رضای تو نتواند گفت، دیگر آنکه بشنو در حالتی که محقرو و کسی با تو سخن نمی گوید و «راعنا» نیز دو معنی دارد: یکی آنکه رعایت کن ما را دیگر احمق رعونت دارنده. غرض ایشان سب بود. کلمه محتمل معنین می گفتند، والله اعلم.

۳- یعنی می گویند که بنی اسرائیل برگزیدگان خداوند، ایشان را عذاب نخواهد شد مگر چند روز.

۴- درین آیت، تعریض است به آن که یهود، روز احزاب مددکار مشرکان شدند.

و خدا داناتر است به دشمنان شما. و خدا دوست بس است و خدا یاری دهنده بس است. ﴿۴۵﴾ از یهود قومی هست که تغیر می کنند کلمه ها را از جای آنها و می گویند^(۱): شنیدیم و عاصی شدیم و می گویند: «اسمع غیر مسمع» و «راعنا»، می پیچانند سخن را به زبان خویش و طعنه می زنند

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا ﴿٥٢﴾ أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا ﴿٥٣﴾ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَآتَيْنَهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ﴿٥٤﴾ فَمِنْهُمْ مَنْ ءَامَنَ بِهِءٍ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَى بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ﴿٥٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٦﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا ﴿٥٧﴾ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِءٍ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٥٨﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾

ایشان، آن گروهند که لعنت کرد ایشان را خدا، و هر که لعنت کندش خدا، پس نخواهی یافت مر او را یاری دهنده. ﴿۵۲﴾ آیا ایشان را هست بهره‌ای از پادشاهی؟ پس آن هنگام ندهند به مردمان مقدار نقیری^(۱). ﴿۵۳﴾ آیا حسد می‌کنند بر مردمان، بر آنچه ایشان را الله تعالی داده است

۱- نقیر غلاف نازکی است که بر پشت خسته خرما می‌باشد.

از فضل خود، پس هر آینه ما دادیم کسان ابراهیم را کتاب و دانش و دادیم ایشان را پادشاهی بزرگ. ﴿۵۴﴾ پس از کفار کسی هست که ایمان آورد به آن کتاب و از ایشان کسی هست که باز ایستاد از وی، و کفایت است دوزخ آتش افروخته. ﴿۵۵﴾ هر آینه کسانی که کافر شدند به آیات ما، در آریم ایشان را به آتش. هرگاه که پخته گردد پوست‌های ایشان به عوض پیدا کنیم برای ایشان پوست‌های دیگر بجز آن، تا بچشند عذاب را، هر آینه خدا هست غالب استوار کار. ﴿۵۶﴾ و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، زود در آریم ایشان را به بوستان‌هایی که می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا همیشه، ایشان راست آنجا زنان پاک کرده شده و در آریم ایشان را به سایه نیک (یعنی راحت تمام). ﴿۵۷﴾ هر آینه خدا می‌فرماید شما را که: ادا کنید امانت‌ها را به سوی اهل آن و می‌فرماید که: چون حاکم شوید میان مردمان، حکم به راستی کنید، هر آینه خدا، نیکو چیزی است که پند می‌دهد شما را به آن، هر آینه خدا هست شنوای بina^(۲). ﴿۵۸﴾ ای مؤمنان! فرمانبرداری کنید خدا را و فرمانبرداری کنید پیغمبر را و فرمانروایان را از جنس خویش، پس اگر اختلاف کنید در چیزی، پس راجع کنید او را به سوی خدا و پیغمبر، اگر اعتقاد می‌دارید به خدا و روز آخر، این بهتر است و نیکوتر به اعتبار عاقبت^(۳). ﴿۵۹﴾

۲- درین آیت اشاره است به قصه عثمان حبیبی که مفتاح کعبه از دست وی گرفتند و مردمان آن را از حضرت پیغمبر ﷺ طلب کردند آن حضرت قبول نموده به عثمان رد فرمود

۳- مردم ضعیف‌الایمان در خلاف هوای نفس به حکم شرع راضی نمی‌شدند و گاهی به کاهنان و رؤیسان کفر رجوع می‌کردند، چون آن حضرت ایشان را بر این معنی تعزیر یا تهدید فرمود، سوگند خوزدند که مخالفت آن حضرت مقصود ما نیست خدای تعالی درین باره آیات فرستاد

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ ۚ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿٦٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أُنزِلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا ﴿٦١﴾ فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا ﴿٦٢﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ﴿٦٣﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ﴿٦٤﴾ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾

آیا ندیدی به سوی کسانی که گمان می کنند که ایمان آوردند به آنچه نازل کرده شده است به سوی تو و به آنچه نازل کرده شد پیش از تو؟ می خواهند که قضایای خویش رفع کنند به سویی سرکش و حال آن که فرموده شد ایشان را که نامعتقد وی شوند و می خواهد شیطان که گمراه سازد ایشان را، گمراهی دور. ﴿۶۰﴾ و چون گفته شود به ایشان: بیاید به سوی آنچه نازل کرده است خدا و به سوی پیغامبر، بینی آن منافقان را باز می ایستند از تو به اعراض. ﴿۶۱﴾ پس چه حال است آنگاه که برسد به ایشان مصیبتی به سبب آنچه پیش فرستاده است دست های ایشان؟ پس بیایند نزدیک تو قسم می خورند به خدا، که نخواستہ بودیم مگر نیکوکاری و موافقت کردن^(۱). ﴿۶۲﴾ این گروه، آنانند که می داند خدا آنچه در دل ایشان است، پس اعراض کن از ایشان^(۲) و پند ده ایشان را و بگو به ایشان سخنی مؤثر در دل ایشان. ﴿۶۳﴾ و نفرستادیم هیچ پیغامبر را مگر برای آن که فرمانبرداری کرده شود به حکم خدا. و اگر این جماعت، وقتی که ستم کردند بر خویشان، پیامدندی نزدیک تو، پس آمرزش طلب کردند از خدا و طلب آمرزش کردی برای ایشان پیغامبر، هر آینه یافتندی خدا را به رحمت آینده مهربان. ﴿۶۴﴾ پس قسم به پروردگار تو که ایشان مسلمان نباشند تا آن که حاکم کنند تو را در اختلافی که واقع شد میان ایشان، باز نیابند در دل خویش، تنگی از آنچه حکم فرمودی و قبول کنند به انقیاد. ﴿۶۵﴾

۱- یعنی مردمان خصوم.

۲- یعنی از قتل ایشان.

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ
 أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ وَلَوْ
 أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَشَدَّ
 تَثْبِيثًا ﴿٦٦﴾ وَإِذَا لَأَتَيْنَهُمْ مِّن لَّدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٦٧﴾
 وَلَهَدَيْنَهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٦٨﴾ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ
 وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ
 النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ
 أُولَٰئِكَ رَفِيقًا ﴿٦٩﴾ ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ
 عَلِيمًا ﴿٧٠﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ
 فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ وَانْفِرُوا جَمِيعًا ﴿٧١﴾ وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ
 لَّيَبْطِئَنَّ فَإِنْ أَصَابَكُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ
 عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُن مَعَهُمْ شَهِيدًا ﴿٧٢﴾ وَلَٰئِنْ أَصَبَكُمْ
 فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُن بَيْنَكُمْ
 وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَلْبِثَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا
 ﴿٧٣﴾ فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ
 الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ
 يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٧٤﴾

و اگر ما می‌نوشتیم^(۱) بر ایشان که بکشید خویشان را یا
 بیرون شوید از خانه‌های خویش، نمی‌کردند این را مگر
 اندک از ایشان. و اگر می‌کردند آنچه به آن پند داده
 می‌شوند، هرآینه بهتر بودی ایشان را و محکم‌تر در
 استواری دین. ﴿۶۶﴾ و آنگاه البته می‌دادیم ایشان را از نزد
 خویش، مزد بزرگ. ﴿۶۷﴾ و دلالت می‌کردیم ایشان را
 به راه راست. ﴿۶۸﴾ و هر که فرمان برد خدا و رسول را،
 پس این جماعت همراه آن کسانی که انعام کرده است
 خدا بر ایشان از پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان و
 نیکو رفیقند ایشان. ﴿۶۹﴾ این بخشایش از خدا است و
 بس است خدا، دانا^(۲). ﴿۷۰﴾ ای مسلمانان! بگیرید سلاح
 خود را، پس بیرون روید گروه گروه شده یا بیرون روید
 همه جمع آمده. ﴿۷۱﴾ و هرآینه بعضی از شما آن است
 که درنگ می‌کند، پس اگر برسد به شما مصیبتی گوید:
 انعام کرد خدا بر من چون نبودم حاضر با ایشان. ﴿۷۲﴾ و
 اگر برسد به شما نعمتی از خدا، بگوید: گویا هرگز نبود
 میان شما و میان وی دوستی. کاش بودمی به ایشان، پس
 یافتمی مطلب بزرگ را! ﴿۷۳﴾ پس باید که جنگ کنند
 در راه خدا آن مؤمنان که می‌فروشند زندگانی دنیا را به
 آخرت. و هر که جنگ کند در راه خدا، پس کشته شود یا
 غالب آید، بدو همیشه مزد بزرگ را. ﴿۷۴﴾

۱- یعنی واجب می‌کردیم.

۲- مترجم گوید: مردم ضعیف‌الاسلام در اول اسلام که جهاد فرض نشده
 بود، دعوت اسلام قبول نمودند و چون جهاد فرض شد، از آن تقاعد
 کردند و از بعضی، کلمات منافقانه سر بر می‌زد و بعضی با مخالفین
 همزیان شده خلاف رضای آن حضرت رأی می‌دادند. خدای تعالی
 درین باره آیات فرستاد.

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا ﴿٧٥﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الظَّالِمِينَ فَتَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ﴿٧٦﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَعَ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧٧﴾ أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا ﴿٧٨﴾ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٧٩﴾

و چیست شما را که جنگ نمی کنید در راه خدا، و برای بیچارگان از مردان و زنان و کودکان^(۱)، آنان که می گویند: ای پروردگار! بیرون آر ما را از این دیه که ستمکارند اهل آن و مقرر کن برای ما از نزدیک خود کارسازی و مقرر کن برای ما از نزدیک خود یاری دهنده. ﴿۷۵﴾ مؤمنان کارزار می کنند در راه خدا و کافران می جنگند در راه معبود باطل، پس جنگ کنید با دوستان شیطان، هرآینه حیلۀ شیطان، سست است. ﴿۷۶﴾ آیا ندیدی به سوی کسانی که گفته شد ایشان را: باز دارید دست های خود^(۲) و برپا کنید نماز را و بدهید زکات را^(۳)، پس چون نوشته شد بر ایشان جنگ، ناگاه گروهی از ایشان می ترسند از مردمان، مانند ترسیدن از خدا یا زیاده تر و گفتند: ای پروردگار ما! چرا نوشتی بر ما کارزار، چرا زنده نگذاشتی ما را تا وقتی نزدیک. بگو: بهره مندی دنیا اندک است و آخرت، بهتر است کسی را که پرهیزگاری کند و ستم کرده نخواهید شد مقدار رشته ای. ﴿۷۷﴾ هر جا که باشید دریابد شما را مرگ و اگر چه باشید در محل های محکم. و اگر برسد به ایشان نعمتی، گویند: این از نزدیک خداست و اگر برسد به ایشان شدتی، گویند: [یا محمد] این از نزدیک تو است. بگو: همه از نزدیک خدا است. پس چه حال است این قوم را نزدیک نیستند که بفهمند سخنی را؟ ﴿۷۸﴾ آنچه رسید به تو از نعمت، پس از خداست و آنچه رسید به تو از محنت، پس از نزدیک نفس تو است. و فرستادیم تو را برای مردمان، پیغامبری و بس است خدا حاضر. ﴿۷۹﴾

۱- یعنی گرفتاران به دست کفار.

۲- یعنی جنگ مکنید.

۳- یعنی پس قبول کردند.

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا ﴿٨٠﴾ وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَرُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٨١﴾ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفَرِيعَانِ وَلَوْ كَانِ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴿٨٢﴾ وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْحَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٣﴾ فَقَتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ قَرُّوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنكِيلًا ﴿٨٤﴾ مَنْ يَشْفَعْ شَفْعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفْعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقِيتًا ﴿٨٥﴾ وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا ﴿٨٦﴾

هر که فرمانبرداری کند پیغامبر را، پس هرآینه فرمانبرداری خدا کرد و هر که اعراض کرد، پس نفرستادیم تو را بر ایشان، نگاهبان^(۱). ﴿۸۰﴾ و می گویند:

[در دل ما] فرمانبرداری است، پس چون بیرون روند از نزدیک تو گروهی از ایشان به وقت شب، رای زنند غیر آنچه تو می فرمایی و خدا می نویسد (یعنی در نامه اعمال) آنچه شب می گویند، پس اعراض کن از ایشان و توکل نما بر خدا و خدا کارسازنده بس است. ﴿۸۱﴾ آیا تأمل نمی کنند قرآن را؟ و اگر بودی از نزدیک غیر خدا، البته یافتندی در آن اختلاف بسیار. ﴿۸۲﴾ و وقتی که بیاید نزدیک ایشان خبری از ایمنی یا ترس، مشهور سازند آن را، و اگر راجع می گردانند آن را به سوی پیغامبر و به سوی فرمانروایان از اهل اسلام، هرآینه یافتندی مصلحت آن خبر را، آنان که از ایشان می توانند بر آوردن مصلحت آن. و اگر نبودى بخشایش خدا بر شما و رحمت او، البته پیروی می کردید شما شیطان را، مگر اندکی. ﴿۸۳﴾ پس جنگ کن یا [محمد] در راه خدا. بر تو مؤاخذه نیست، مگر از جان تو و رغبت ده مسلمانان را^(۲)، نزدیک است که موقوف سازد خدا جنگ کافران را و خدا سخت تر است به اعتبار جنگ و سخت تر است به اعتبار عقوبت. ﴿۸۴﴾ هر که شفاعت کند، شفاعتی نیک، باشد او را بهره ای از ثواب آن و هر که شفاعت کند، شفاعتی بد، باشد او را حصه ای از عذاب آن، و هست خدا بر همه چیز توانا^(۳). ﴿۸۵﴾ و چون تعظیم کرده شوید به سلامی، پس تعظیم کنید به کلمه بهتر از آن یا به همان کلمه جواب دهید، هرآینه هست خدا بر همه چیز حساب کننده. ﴿۸۶﴾

۱- یعنی این کلمه حق است که خبر از جانب خدا است و شر از جانب بنده، لیکن مقصود این مردم ازین کلمه درست نیست و آن این است که جهاد با جمیع قبائل عرب، معقول نیست، پس اگر فتح باشد، پس نعمتی غیر مترقب است و اگر هزیمت باشد، موافق حال این تدبیر است و چون جهاد به امر الهی همه خیر است، عقل را در آنجا دخل دادن صحیح نباشد، والله اعلم.

۲- یعنی بر تو رغبت دادن است و بس. اگر همراهی نکنند، بر تو مؤاخذه نیست، والله اعلم.

۳- یعنی مثلاً سفارش گدای به توانگر تا او را چیزی بدهد، نیک است و سفارش برای سارق تا دست او نبرد، درست نیست.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ﴿٨٧﴾ فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ﴿٨٨﴾ وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٨٩﴾ إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يَقْتُلُوكُمْ أَوْ يَقْتُلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنْ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يَقْتُلُوكُمْ وَالْقَوَاءُ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ﴿٩٠﴾ سَتَجِدُونَ ءَاخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلٌّ مَا رَدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ وَيَكْفُرُوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ﴿٩١﴾

خدا، نیست هیچ معبودی بجز وی، البته به هم آرد شما را به روز قیامت که هیچ شک نیست در آن، و کیست راستگوتر از خدا در سخن؟^(۱) ﴿۸۷﴾ پس چیست ای مسلمانان شما را؟ در باب تملق کنندگان دو گروه

۱- مترجم گوید: خدای تعالی بیان می‌فرماید که به تملق کفار، اعتماد نباید کرد.

شدید؟^(۲) و خدا نگویند ساز ساخت ایشان را به شومی آنچه کردند. آیا می‌خواهید که راه نمایید (یعنی از جمله راه یابان شمارید) کسی را که گمراه ساخت او را خدا؟ و هر که را خدا گمراه کند، نیابی برای او هیچ راهی. ﴿۸۸﴾ [این تملق کنندگان] آرزو کردند که شما نیز کافر شوید، چنانچه ایشان کافر شدند، پس برابر باشید، پس دوست بگیرید هیچ کس را از ایشان تا اینکه هجرت کنند در راه خدا^(۳)، پس اگر اعراض کردند (یعنی از اسلام و هجرت) پس اسیر بگیرید ایشان را و بکشید ایشان را هر جاکه یابید ایشان را و دوست و یار بگیرید کسی را از ایشان. ﴿۸۹﴾ [اسیر کنید و بکشید] مگر آنان را که پیوند دارند با گروهی که میان شما و میان ایشان عهد است، یا بیایند نزد شما حال آن که تنگ آمده است سینه‌های ایشان از آن که بجنگند با شما یا بجنگند با قوم خویش^(۴)، و اگر خواستی خدا، هر آینه مسلط ساختی ایشان را بر شما، پس قتال می‌کردند با شما، پس اگر این فریق یکسو شوند از جانب شما و قتال نکنند با شما و بیفکنند به سوی شما پیغام صلح را، پس نکرده است خدای تعالی شما را بر ایشان راهی^(۵). ﴿۹۰﴾ خواهید یافت قومی را که می‌خواهند ایمن شوند از شما و ایمن شوند از قوم خود، هرگاه بازگردانیده می‌شوند به سوی فتنه‌انگیزی، نگویند ساز انداخته شوند در آن^(۶). پس اگر یکسو نشوند از جنگ شما و نیفکنند به سوی شما پیغام صلح را و باز ندارند دست‌های خویش را، پس اسیر کنید ایشان را و بکشید ایشان را هر جاکه یابید ایشان را. و این جماعت، داده‌ایم شما را بر ایشان، حجت ظاهر. ﴿۹۱﴾

۲- یعنی بعضی به تملق فریفته شدند و بعضی نشدند و می‌بایست که همه باتفاق فریفته نمی‌شدند، والله اعلم.

۳- یعنی مسلمان شوند و هجرت کنند.

۴- مترجم گوید: و کسی که ایمان آرد و هجرت نکند، حکم او به طریق اولی فهمیده شد؛ والله اعلم.

۵- یعنی اگر اسلام آرد و هجرت کنند، ایشان را دوست باید گرفت و اگر اسلام نیارند، می‌باید کشت؛ مگر آنکه پیمان داشته باشند و ثابتان را بر عهد و حلفای معاهدان را به هیچ وجه، نتوان ایذا داد؛ والله اعلم.

۶- صلح می‌کنند و باز نقض عهد می‌نمایند؛ والله اعلم.

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ
مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَّةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى
أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ
وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ
بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَّةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ
وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ
مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٩٢﴾
وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا
فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا
عَظِيمًا ﴿٩٣﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ
لَسْتُ مُؤْمِنًا تَبْتَعُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ
مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ
عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

﴿٩٤﴾

و نسزد^(۱) مسلمانی را که بکشد مسلمانی را، لیکن قتل واقع
می شود به خطا (یعنی به غیر قصد) و هر که بکشد مسلمانی
را به خطا، پس لازم است آزاد کردن بردهٔ مسلمان و
خون بها رسانیده شده به کسان مقتول مگر آن که ابرا
نمایند، پس اگر باشد مقتول از گروه دشمنان شما و او
مسلمان است، پس لازم است آزاد کردن برده ای
مسلمان^(۲). و اگر باشد مقتول از قومی که میان شما و

ایشان عهد است^(۳)، پس لازم است خون بها رسانیده شده
به کسان او و آزاد کردن برده ای مسلمان. پس هر که نیابد
برده را، پس لازم است روزه داشتن دو ماه پی در پی
[مشروع در کفار] به جهت قبول توبه است از جانب خدا
و هست خدا، دانای استوارکار^(۴). ﴿۹۲﴾ و هر که بکشد
مسلمانی را به قصد، پس جزای او دوزخ است، جاوید
آنجا. و خشم گرفته است بر او خدا و لعنت کرده است او
را و آماده ساخت برای او عذاب بزرگ. ﴿۹۳﴾ ای
مسلمانان! چون سفر کنید در راه خدا (یعنی برای جهاد)،
پس نیک تفحص کنید، و مگویید کسی را که به سوی
شما سلام انداخته است، نیستی مسلمان. می طلبید متاع
زندگانی دنیا، پس نزد خدا است غنیمت هایی بسیار است.
همچنین بودید پیش از این، پس انعام کرد خدا بر شما،
پس تفحص کنید، هر آینه خدا هست به آنچه می کنید
آگاه. ﴿۹۴﴾

۳- یعنی و او مؤمن باشد.

۴- جمهور مفسرین، تصور ﴿وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ﴾
[النساء: ۹۲]. در مقتول کافر کردند به ملاحظه آنکه توارث در میان مؤمن
و کافر منقطع است و سبیل دیت، سبیل میراث است و بنده ضعیف
می گوید: تمهید مسأله به ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا
خَطَاً﴾ و تقید به ﴿وَهُوَ مُؤْمِنٌ﴾ در نظیر ما نحن فيه ظاهر است در
آنکه اینجا قید ایمان، معتبر است و لزوم دیت به جهت وفا به عهد
است نه بر سبیل میراث و نظیرش وجوب مهر است در مسأله مؤمنه از
قوم متعاهدین در سوره ممتحنه، والله اعلم.

۱- مترجم گوید: خدای تعالی احکام قتل خطا بیان می فرماید و آنکه کف
از کسی که به کلمه اسلام متکلم شد، واجب است و فضل مجاهدان و
وجوب هجرت از دار کفر به دار اسلام و کیفیت نماز سفر و نماز
خوف بیان می کند، والله اعلم.

۲- یعنی مقتول مسلمان اگر از ساکنان دارالحرب باشد، دیت لازم نیست،
والله اعلم.

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ
وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ
اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ
دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ
الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٩٥﴾ دَرَجَتٍ
مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٩٦﴾ إِنَّ
الَّذِينَ تَوَقَّعُوا الْمَلَائِكَةَ ظَالِمِينَ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ
كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ
تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ
مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٩٧﴾ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ
مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً
وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿٩٨﴾ فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَن
يَعْفُو عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا غَفُورًا ﴿٩٩﴾ وَمَن
يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا
وَسِعَةً وَمَن يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ
وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿١٠٠﴾ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ
فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنَّ
خِفْتُمْ أَن يُفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ
كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿١٠١﴾

برابر نیستند نشینندگان غیر معذور از مسلمانان و
جهادکنندگان در راه خدای تعالی به مالهای خویش و
جانهای خویش، فضل داده است خدا مجاهدان را به
مالها و جانهای خویش بر نشینندگان در مرتبه، و هر
یکی را وعده نیک کرده است خدا و افزون داده است خدا

مجاهدان را به نسبت نشینندگان، مزد بزرگ^(۱). ﴿۹۵﴾
[افزون داده است] مرتبه‌ها از جانب خویش و آمرزش، و
بخشایش و هست خدا آمرزنده مهربان. ﴿۹۶﴾ هرآینه
آنان که فرشتگان، قبض ارواح ایشان کردند در حالتی که
ستمکار بودند بر خویشان^(۲)، فرشتگان به ایشان گفتند: در
چه حال بودید شما؟ گفتند: بودیم بیچارگان در زمین.
گفتند: آیا فراخ نبود زمین خدا تا هجرت می‌کردید در
آن؟ پس آن جماعت، جای ایشان دوزخ است و آن
بدجایی است. ﴿۹۷﴾ مگر آنان که به حقیقت بیچاره‌اند از
مردمان و زنان و کودکان، هیچ چاره نمی‌توانند و هیچ راه
نمی‌یابند. ﴿۹۸﴾ پس آن جماعت، نزدیک است که خدا
عفو کند از ایشان و هست خدا عفو کننده آمرزنده. ﴿۹۹﴾
و هر که ترک وطن بکند، در راه خدا بیابد در زمین،
اقامت گاه بسیار و فراخی معیشت، و هر که بیرون رود از
خانه خود هجرت کنان به سوی خدا و پیغامبر او، پس
دریابد او را موت^(۳)، پس به تحقیق ثابت شد مزد او بر خدا
و هست خدا آمرزنده مهربان. ﴿۱۰۰﴾ و چون سفر کنید در
زمین، پس نیست بر شما گناهی در آن که کوتاه سازید
قدری از نماز اگر بترسید از آن که در بلا افکنند شما را
کافران، هرآینه کافران هستند شما را دشمن آشکارا^(۴).
﴿۱۰۱﴾

۱- فائده قید ﴿غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ﴾ آن است که در ﴿أُولِي الضَّرَرِ﴾ این
حکم مطرد نیست، بلکه جمعی باشند از ﴿أُولِي الضَّرَرِ﴾ که نیت
صحیح دارند ثواب عمل کامل یابند، والله اعلم.

۲- یعنی به ترک هجرت از دارالحرب به دارالسلام و به تکثیر سواد کفار،
والله اعلم.

۳- یعنی در راه قبل وصول به مقصد.

۴- مترجم گوید: مشهور آن است که این آیت در صلوة مسافر نازل شده
است وخوف، قید اتفاقی است و آنچه نزدیک این بنده رجحان یافته
است، آن است که این آیت در صلوة خوف نازل شده است و سفر،
قید اتفاقی است و مراد از قصر در کیفیت رکوع و سجود است که به
ایما ادا می‌توان کرد، نه در کمیت رکعات، والله اعلم.

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَآئِفَةٌ مِّنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِن وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَآئِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَذَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَّيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِّن مَّطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَّرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿١٠٢﴾

فَإِذَا قُضِيَتْ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقُعودًا وَعَلَى جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا ﴿١٠٣﴾ وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلُمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلُمُونَ كَمَا تَأْلُمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٠٤﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ تَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُن لِّلْخَائِنِينَ خَصِيمًا ﴿١٠٥﴾

و چون باشی در میان مؤمنان^(۱)، پس برپا کردی برای ایشان نماز، پس باید بایستد گروهی از ایشان با تو و باید که بگیرند سلاح خویش، پس چون به سجده روند، پس آن گروه دیگر باید که پیش از ایشان باشند^(۲)، و باید که بیاید آن گروه دیگر که هنوز نماز نکرده، پس نماز کنند با تو و باید که بگیرند حذر^(۳) و سلاح خود را. آرزو کردند کافران، کاش غافل شوید از سلاح خویش و متاع خویش،

۱- یعنی وقت خوف.

۲- یعنی مقابل عدو.

۳- وحذر خود و زره و سپر را گویند.

پس حمله کنند بر شما یکباره و هیچ گناه نیست بر شما اگر باشد شما را رنجی از باران یا بیمار باشید، در آن که بنهید سلاح خویش را و البته بگیرید حذر خود را، هر آینه خدا آماده کرده است برای کافران، عذاب رسوا کننده^(۴).

﴿۱۰۲﴾ پس چون نماز تمام کردید، پس یاد کنید خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوی خویش، پس چون آرامیدید برپا کنید نماز را^(۵)، هر آینه هست نماز بر مؤمنان، فرض وقت معین کرده شده. ﴿۱۰۳﴾ و سستی مکنید در جستجوی کفار. اگر شما دردمند می شوید، پس ایشان نیز دردمند می شوند، چنانکه شما می شوید، و شما امید دارید از خدا آنچه ایشان را امید نیست و هست خدا، دانای استوارکار. ﴿۱۰۴﴾ هر آینه^(۶) ما فرود آوردیم به سوی تو کتاب را به راستی، تا حکم کنی میان مردمان به آنچه شناسا ساخته است تو را خدا، و مباش خصومت کننده برای حمایت خیانت کنندگان. ﴿۱۰۵﴾

۴- مترجم گوید: این را صورتها است یکی آنکه امام دوبار نماز گزارد، یک بار به این جماعت و دیگر بار به آن جماعت دیگر. آنکه امام با یک جماعت، یک رکعت گذارد و در قیام، توقف کند تا آنکه رکعت دیگر خوانده مقابل عدو روند، آن جماعت دیگر آمده اقتدا به امام کنند و رکعت دیگر به آن جماعت خواند در قعده چندان توقف کند که از رکعت دوم فارغ شوند، انکه به ایشان سلام دهد. این هر دو با صورت های دیگر همه صحیح شده و همه محتمل آن است، والله اعلم.

۵- یعنی به طریق نماز امن، والله اعلم.

۶- مترجم گوید: مردم ضعیف الاسلام اگر کسی را از ایشان مرتکب گناهی می شد، دور وی حیلها بافته پیش آن حضرت به وجهی اظهار میکردند که برائت او به خاطر مبارک می رسید وبا یکدیگر خول کرده رازها به خلاف رضای شریف در میان می آوردند، خدای تعالی آیات فرستاد.

وَأَسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٠٦﴾ وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا ﴿١٠٧﴾ يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا ﴿١٠٨﴾ هَآأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ جَدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ يُجَادِلِ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَمْ مَنْ يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿١٠٩﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١١٠﴾ وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبْهُ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١١١﴾ وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿١١٢﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ﴿١١٣﴾

و آموزش خواه از خدا، هر آینه هست خدا آمرزنده مهربان. ﴿۱۰۶﴾ و خصومت مکن از جانب آنان که خیانت می کنند با جنس خویش، هر آینه خدا دوست ندارد آن را که باشد خیانت کننده گناهکار. ﴿۱۰۷﴾ پنهان می کنند از مردمان و پنهان نمی کنند از خدا و او با ایشان است آنگاه که به شب مشورت می کنند آنچه خدا نمی پسندد از تدبیر، و هست خدا به آنچه می کنند، در بر گیرنده. ﴿۱۰۸﴾ آگاه باشید شما ای قوم که خصومت کردید از طرف خیانت کنندگان در زندگانی دنیا، پس که خصومت خواهد کرد با خدا از طرف ایشان روز قیامت؟ یا کیست که باشد بر ایشان کار سازنده؟ ﴿۱۰۹﴾ و هر که بکند کار بد یا ستم کند بر خویش، باز آموزش طلبد از خدا، بیابد خدا را آمرزنده مهربان. ﴿۱۱۰﴾ و هر که بکند گناهی، پس جز این نیست که می کند آن را بر جان خویش و هست خدا، دانای استوارکار. ﴿۱۱۱﴾ و هر که بکند خطایی یا گناهی، باز تهمت کند به آن بی گناهی را، پس بر خود برداشت افترا و گناه ظاهر را. ﴿۱۱۲﴾ و اگر نبودی فضل خدا بر تو و بخشایش او، قصد کرده بودند گروهی از ایشان که گمراه کنند تو را و گمراه نمی کنند مگر خویشان را و هیچ زبانی نرسانند به تو، و فرود آورده است خدا بر تو کتاب و دانش، و آموخته است تو را آنچه نمی دانستی و هست فضل خدا بر تو، بزرگ. ﴿۱۱۳﴾

لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ تَحَوُّلِهِمْ إِلَّا مَن أَمَرَ بِصَدَقَةٍ
 أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ
 ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١١٤﴾
 وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ
 وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ
 جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿١١٥﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ
 بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ وَمَن يُشْرِكْ
 بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١١٦﴾ إِن يَدْعُونَ مِن
 دُونِهِ إِلَّا إِنثًا وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا ﴿١١٧﴾
 لَّعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا
 ﴿١١٨﴾ وَلَا ضَلَّتْهُمْ وَلَا امْتَبَيْتَهُمْ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيَبِيتْ كُنَّ
 عَاذَانَ الْأَنْعَمِ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَن
 يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ
 خُسْرَانًا مُّبِينًا ﴿١١٩﴾ يَعِدُهُمْ وَيُمَيِّتُهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ
 الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢٠﴾ أُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَلَا
 يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا ﴿١٢١﴾

نیست خوبی در بسیاری از مشورت پنهانی ایشان، لیکن
 خوبی در مشورت کسی است که فرماید به صدقه یا به کار
 پسندیده یا به صلاحکاری میان مردمان، و هر که این کند
 به طلب خوشنودی خدا، بدیمش مزد بزرگ. ﴿۱۱۴﴾ و
 هر که مخالفت پیغامبر کند بعد از آن که معلوم شد او را
 هدایت، و پیروی کند سوای راه مسلمانان، متوجه بکنیمش
 به آنچه می‌گردد^(۱) و در آریمش به دوزخ و آن بد جایی
 است. ﴿۱۱۵﴾ هر^(۲) آئینه خدا نمی‌آمزد آن که شریک
 باو مقرر کرده شود به او و می‌آمزد غیر شرک، هر که را
 خواهد. و هر که شریک خدا مقرر کند، پس گمراه شد،
 گمراهی دور. ﴿۱۱۶﴾ مشرکان نمی‌پرستند بجز خدا،
 مگر بتانی را که به نام دختران مسمی کرده‌اند و نمی‌پرستند
 مگر شیطان دور رفته از حد را. ﴿۱۱۷﴾ لعنت کرد او را
 خدا، و گفت شیطان: البته بگیرم از بندگان تو حصه‌ای که
 در علم ازلی معین شده. ﴿۱۱۸﴾ و البته گمراه کنم ایشان
 را و البته در آرزوی باطل افکنم ایشان را و البته بفرمایم
 ایشان را تا بشگافند گوش چهارپایان را و البته بفرمایم
 ایشان را تا تغیر دهند آفرینش خدا را^(۳) و هر که دوست
 گیرد شیطان را بجز خدا، پس زیانکار شد، زیان ظاهر.
 ﴿۱۱۹﴾ وعده می‌دهد ایشان را و در آرزو می‌اندازد ایشان
 را و وعده نمی‌کند ایشان را شیطان، الا به فریب. ﴿۱۲۰﴾
 آن جماعت، جای ایشان دوزخ است و نیابند از آن
 مخلصی. ﴿۱۲۱﴾

۱- مترجم گوید: یعنی قوت دل بیفزاییم.

۲- مترجم گوید: از اینجا تغلیظ تحریم شرک می‌فرماید.

۳- مترجم گوید: یعنی مانند خصی کردن وسوزن زدن بر بدن تا سرخ یا
 کبود گردانند، والله اعلم.

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ
 جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
 وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ﴿١٢٢﴾ لَيْسَ
 بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا
 يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا
 ﴿١٢٣﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى
 وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ
 نَقِيرًا ﴿١٢٤﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ
 وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ
 إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا ﴿١٢٥﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي
 الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطًا ﴿١٢٦﴾
 وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا
 يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتِمَّى النِّسَاءِ الَّتِي لَا
 تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ
 وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ
 بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ
 عَلِيمًا ﴿١٢٧﴾

و آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، درآریم
 ایشان را به بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان
 آنجا همیشه. وعده کرده است خدا به راستی و کیست
 راست‌گوتر از خدا در سخن؟ ﴿۱۲۲﴾ نیست کار به وفق
 آرزوی شما و نه به وفق آرزوی اهل کتاب. هر که بکند
 کار بد، جزا داده خواهد شد به آن و نیابد برای خود بجز
 خدا، هیچ دوستی و نه یاری دهنده‌ای. ﴿۱۲۳﴾ و هر که
 بکند از کارهایی شایسته، مرد باشد یا زن و او مسلمان
 است، پس آن جماعت درآیند به بهشت و ستم کرده
 نشوند مقدار نقیری. ﴿۱۲۴﴾ و کیست نیکوتر به اعتبار دین
 از کسی که منقاد ساخت روی خود را برای خدا و او
 نیکوکار است و پیروی کرد ملت ابراهیم را در حالتی که
 حنیف بود و خدا دوست گرفت ابراهیم را. ﴿۱۲۵﴾ و
 خدا راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و
 هست خدا به همه چیز، در برگیرنده. ﴿۱۲۶﴾ و طلب
 فتوی می‌کنند از تو در باب زنان^(۱)، بگو: خدا فتوی
 می‌دهد شما را در باب زنان و آنچه خوانده می‌شود بر شما
 در کتاب، [نازل شده است] در حق آن زنان یتیمه که
 نمی‌دهید ایشان را آنچه فرض کرده شده است برای ایشان
 و رغبت می‌کنید که نکاح کنید با ایشان^(۲)، و [نازل شده
 است] در باب بیچارگان از کودکان و [حکم است] به آن
 که تعهد حال یتیمان کنید به انصاف، و آنچه می‌کنید از
 نیکویی، هست خدا به آن دانا^(۳). ﴿۱۲۷﴾

۱- یعنی چه نوع به ایشان معامله باید کرد، والله اعلم.

۲- در نکاح زنان یتیمه زغبت می‌کردند به سبب براءت جمال وحداث
 سن در ادای نفقه و مهر کوتاهی می‌نودند، والله اعلم.

۳- جواب این استفتاء، تفصیلی داشت، پس خدای تعالی بعضی مسائل را
 حواله فرمود بر آیات سابقه و آن مسأله تحریم ظلم بر «یتامی النساء»
 است و بعضی را اینجا جواب داد و آن مسأله نشوز و تحریم میل کلی
 به یک زن و اعراض از زن دیگر و اباحه طلاق در صودت ضرورت،
 والله اعلم.

وَإِنْ أَمْرًا خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٢٨﴾ وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٢٩﴾ وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا ﴿١٣٠﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا ﴿١٣١﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿١٣٢﴾ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا ﴿١٣٣﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿١٣٤﴾

و اگر زنی معلوم کند از شوهرش سرکشی یا روگردانی، پس گناه نیست بر ایشان در آن که صلح آرند در میان خویش نوعی از صلح، و صلحکاری بهتر است. و حاضر کرده شده‌اند نفوس نزدیک بخل^(۱) و اگر نیکوکاری و پرهیزگاری کنید، پس هرآینه خدا هست به آنچه می‌کنید دانا. ﴿۱۲۸﴾ و نتوانید هرگز عدل کردن میان زنان، اگرچه نهایت رغبت کنید، پس یاری کجی نکنید تمام کجی تا آن که بگذارید آن زنان را مانند معلقه^(۲). و اگر اصلاح کنید و پرهیزگاری نمایید، پس هرآینه خدا هست آمرزنده مهربان. ﴿۱۲۹﴾ و اگر مرد و زن با یکدیگر جدا شوند، کفایت می‌کند خدای تعالی هر یکی را از توانگری خود، و هست خدا، جواد استوارکار. ﴿۱۳۰﴾ و خدای راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است. و هرآینه حکم فرمودیم آنان را که داده شدند کتاب پیش از شما و شما را نیز، که بترسید از خدا. و اگر کافر شوید، پس هرآینه خدا راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و هست خدا، توانگر ستوده شده. ﴿۱۳۱﴾ و خدا راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و خدا کارساز بس است. ﴿۱۳۲﴾ و اگر خواهد دور کند شما را ای مردمان و به وجود آورد دیگران را، و هست خدا بر این کار توانا. ﴿۱۳۳﴾ هر که باشد طالب جزای دنیا (یعنی جزای عمل در دنیا طلب کند) پس نزد خدا است ثواب دنیا و آخرت و هست خدا، شنوای بینا^(۳). ﴿۱۳۴﴾

۱- یعنی از بخل غائب نمی‌شوند و آن را نمی‌گذارند، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: معلقه زنی است که نه بیوه باشد و نه به او شوهر، موافقت کنم.

۳- یعنی پس چرا طالب هر دو نباشید، والله اعلم.

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ
 شُهَدَاءَ لِلّٰهِ وَلَوْ عَلَىٰ اَنْفُسِكُمْ اَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِينَ
 اِنْ يَكُنْ غَنِيًّا اَوْ فَقِيرًا فَاللّٰهُ اَوْلٰى بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا
 الْهَوٰى اَنْ تَعْدِلُوْا وَاِنْ تَلَوْا اَوْ تَعْرَضُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ
 بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيْرًا ﴿١٣٥﴾ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُوْا
 بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ ؕ وَالْكِتٰبِ الَّذِى نَزَلَ عَلَى رَسُوْلِهِ
 وَالْكِتٰبِ الَّذِى اُنْزِلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللّٰهِ
 وَمَلَائِكَتِهٖ وَكُتُبِهٖ وَرُسُلِهٖ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَقَدْ ضَلَّ
 ضَلٰلًا بَعِيْدًا ﴿١٣٦﴾ اِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوْا ثُمَّ
 ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوْا ثُمَّ اَزْدَادُوْا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللّٰهُ
 لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيْلًا ﴿١٣٧﴾ بَشِيْرِ الْمُنٰفِقِيْنَ
 بِاَنَّ لَهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿١٣٨﴾ الَّذِينَ يَتَّخِذُوْنَ الْكَافِرِيْنَ
 اَوْلِيَآءَ مِنْ دُوْنِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَيَّبَتُوْنَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ
 فَاِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيْعًا ﴿١٣٩﴾ وَقَدْ نَزَّلَ عَلٰيْكُمْ فِي
 الْكِتٰبِ اَنْ اِذَا سَمِعْتُمْ ءَايٰتِ اللّٰهِ يُكْفَرُ بِهَا
 وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوْا مَعَهُمْ حَتّٰى يَخْرُجُوْا فِي
 حَدِيْثٍ غَيْرِهٖۙ اِنَّكُمْ اِذَا مَثَلْتُمْ اِنَّ اللّٰهَ جَامِعُ
 الْمُنٰفِقِيْنَ وَالْكَافِرِيْنَ فِيْ جَهَنَّمَ جَمِيْعًا ﴿١٤٠﴾

ای مسلمانان! متعهد انصاف باشید، اظهار حق کنندگان
 برای خدا، و اگرچه بر ضرر خویشان یا پدر و مادر و
 خویشاوندان باشد. اگر [آن که حق بر وی ثابت می‌شود]
 توانگر باشد یا فقیر، به هر حال خدا مهربانتر است بر ایشان.
 پس پیروی خواهش نفس نکنید، اعراض کنان از عدل و
 اگر پیچانید سخن را یا رو گردانید، پس هرآینه خدا
 هست به آنچه می‌کنید، آگاه. ﴿۱۳۵﴾ ای مسلمانان! ایمان
 آرید به خدا و پیغامبر او و آن کتاب که فروفرستاده است
 بر پیغامبر خود و آن کتاب که فروفرستاده است پیش از
 این و هر که کافر شود به خدا و فرشتگان او و کتاب‌های
 او و پیغامبران او و روز آخر، پس هرآینه گمراه شد،
 گمراهی دور^(۱). ﴿۱۳۶﴾ آنان که ایمان آوردند، باز کافر
 شدند، باز ایمان آوردند، باز کافر شدند، باز زیادت کردند
 در کفر^(۲)، هرگز نیامرزد خدای تعالی ایشان را و هرگز
 ننماید ایشان را راهی. ﴿۱۳۷﴾ خبر^(۳) ده منافقان را به آن
 که ایشان را باشد عذاب درد دهنده. ﴿۱۳۸﴾ آن منافقان
 که کافران را دوست می‌گیرند بجز مؤمنان، آیا نزدیک
 ایشان ارجمندی می‌طلبند؟ پس هرآینه ارجمندی، خدا
 راست همه یکجا. ﴿۱۳۹﴾ و هرآینه فروفرستاده است
 خدا بر شما در قرآن که چون بشنوید به آیت‌های خدا
 انکار نموده می‌آید و تمسخر کرده می‌شود به آنها، پس
 منشینید با ایشان تا آن که شروع کنند در سخنی بجز آن.
 هرآینه شما آنگاه که بنشینید، مانند آن کافران باشید،
 هرآینه خدا به هم آورده است منافقان و کافران را، همه
 یکجا در دوزخ. ﴿۱۴۰﴾

۱- مترجم گوید: مراد آن است که هر که در ملت اسلامیة داخل شد، او را

به تفصیل، تصدیق این چیزها باید کرد.

۲- یعنی اصرار کردند، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: از اینجا وعید منافقان بیان می‌فرماید.

الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ﴿١٤١﴾ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَدِّعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِيعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٤٢﴾ مُذَبِّدِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ﴿١٤٣﴾ يَنَائِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَن تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا ﴿١٤٤﴾ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا ﴿١٤٥﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٤٦﴾ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَعَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا ﴿١٤٧﴾

آن منافقان که انتظار شما می کشند، پس اگر باشد شما را فتحی از جانب خدا، گویند: آیا نبودیم با شما؟^(۱) و اگر باشد کافران را نصیبی، گویند (یعنی به کافران): آیا غالب نشدیم بر شما؟^(۲) و آیا باز نداشتیم شما را از ضرر مسلمانان؟^(۳) پس خدا حکم خواهد کرد میان شما روز قیامت و هرگز گشاده نگرداند خدا کافران را بر مسلمانان، راهی^(۴). ﴿۱۴۱﴾ هرآینه منافقان فریب می کنند با خدا و خدا نیز فریب می کند به ایشان، و چون منافقان به سوی نماز برخیزند، کاهلی کنان برخیزند، می نمایند به مردمان و یاد نمی کنند خدا را مگر اندکی. ﴿۱۴۲﴾ مترددند در میان این و آن، نه به سوی اینانند و نه به سوی آنان و هر که را گمراه کند خدا، پس نیابی او را هیچ راهی. ﴿۱۴۳﴾ ای مسلمانان! دوست مگیرید کافران را بجز مؤمنان. آیا می خواهید که ثابت کنید برای خدا بر خوشتن، الزام ظاهر؟. ﴿۱۴۴﴾ هرآینه منافقان در طبقه زیرترین اند از آتش و نیابی ایشان را هیچ یاری دهند. ﴿۱۴۵﴾ مگر آنان که توبه کردند و صلاح پیش گرفتند و چنگ زدند به خدا و خالص گردانیدند دین خود را برای خدا، پس آن جماعت همراه مؤمنانند و زود بدهد خدا مؤمنان را مزد بزرگ. ﴿۱۴۶﴾ چه کار کند خدا به عذاب شما، اگر سپاسداری کنید و ایمان آرید و هست خدا قدرشناس دانا.

﴿۱۴۷﴾

۱- یعنی از زمره شمالیم، والله اعلم.

۲- یعنی خواه [و] مخواه شما را مصلحت دانستیم که با مسلمانان بجنگید و نگذاشتیم که به مصلحت دیگر عمل کنید، والله اعلم.

۳- یعنی سعی کردیم که ضرر مسلمانان به شما نرسد، والله اعلم.

۴- یعنی نشود که اسلام را مستأصل گردانند، والله اعلم.

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ﴿١٤٨﴾ إِنْ تُبَدُّوْا خَيْرًا أَوْ تُخَفُّوْهُ أَوْ تَعْفُوْا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا ﴿١٤٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿١٥٠﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿١٥١﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُولَٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرُهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿١٥٢﴾ يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَعَاتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَانًا مُّبِينًا ﴿١٥٣﴾ وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِّيثَاقًا غَلِيظًا ﴿١٥٤﴾

دوست نمی‌دارد خدا بلند گفتنِ سخن بد، مگر سخن گفتنِ مظلوم [که عفو هست] و هست خدا شنوای دانا. ﴿۱۴۸﴾ اگر آشکارا کنید کار نیک را یا پنهان کنید آن را یا عفو کنید از ظلمی، پس هرآینه هست خدا عفو کننده توانا. ﴿۱۴۹﴾ هرآینه کسانی که کافر می‌شوند به خدا و پیغامبران او و کسانی که می‌خواهند که تفرقه کنند در میان خدا و پیغامبران او^(۱) و کسانی که می‌گویند: ایمان می‌آریم به بعض پیغامبران و نامعتقد می‌شویم بعض را و می‌خواهند که راهی گیرند در میان این و آن. ﴿۱۵۰﴾ آن جماعت ایشانند کافران به تحقیق و آماده ساخته‌ایم برای کافران، عذاب رسوا کننده. ﴿۱۵۱﴾ و کسانی که ایمان آوردند به خدا و پیغامبران او و تفرقه نکردند در میان هیچ یک از ایشان، آن جماعت خواهد داد خدا ایشان را مزد ایشان و هست خدا آمرزندهٔ مهربان. ﴿۱۵۲﴾ در^(۲) خواست می‌کنند از تو اهل کتاب، که فرود آری بر ایشان کتاب را از آسمان (یعنی یک دفعه)، پس سؤال کرده بودند از موسی سخت‌تر از این، گفتند: خدا را بنما به ما آشکارا، پس گرفت ایشان را صاعقه به سبب گناه ایشان. باز معبود گرفتند گوساله را، بعد از آن که آمد به ایشان معجزه‌ها، پس درگذشتیم از این جریمه و دادیم موسی را غلبهٔ ظاهر. ﴿۱۵۳﴾ و برداشتیم بالای ایشان طور را برای گرفتن عهد ایشان و گفتیم ایشان را: درآید به دروازه، سجده کنان و گفتیم ایشان را: تجاوز مکنید در روز شنبه و گرفتیم از ایشان عهد محکم. ﴿۱۵۴﴾

۱- یعنی به خدا ایمان آرند و به پیغامبران ایمان نیارند، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: از اینجا خدای تعالی ردّ شبههٔ یهود می‌کند که قرآن چرا

یک دفعه مثل الواح موسی نازل نشد و این سخن ممتد است تا

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا﴾

فَبِمَا نَقُضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمْ
الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ
اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥٥﴾
وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَنَّا عَظِيمًا ﴿١٥٦﴾
وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ
اللَّهُ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ
الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ
عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ﴿١٥٧﴾ بَلْ رَفَعَهُ
اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٥٨﴾ وَإِنْ مِنْ أَهْلِ
الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ
يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا ﴿١٥٩﴾ فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا
حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِهِمْ عَنِ
سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا ﴿١٦٠﴾ وَأَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ
وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ
مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦١﴾ لَّكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ
مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ
مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ
وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ نُوْتِيهِمْ أَجْرًا
عَظِيمًا ﴿١٦٢﴾

پس به سبب شکستن ایشان عهد خود را و به سبب کفر
ایشان به آیات خدا و کشتن ایشان انبیا را به ناحق و گفتن
ایشان که دل‌های ما در پرده است. نه، بلکه مهر نهاده است
خدای تعالی بر دل‌های ایشان به سبب کفر ایشان، پس
ایمان نیارند مگر اندکی. ﴿۱۵۵﴾ و به سبب کفر ایشان و
گفتن ایشان بر مریم، بهتانی بزرگ^(۱). ﴿۱۵۶﴾ و به سبب

گفتن ایشان: هر آینه ما کشتیم مسیح، عیسی پسر مریم را
که فی الواقع پیغامبر خدا بود، و نکشته‌اند او را و بردار
نکرده‌اند او را و لیکن مشتبّه شد بر ایشان. و هر آینه کسانی
که اختلاف کردند در باب عیسی در شک‌اند از حال او و
نیست ایشان را به آن یقینی، لیکن پیروی ظن می‌کنند و به
یقین نکشته‌اند او را. ﴿۱۵۷﴾ بلکه برداشت او را خدای
تعالی به سوی خود و هست خدا غالب استوارکار.
﴿۱۵۸﴾ و نباشد هیچ کس از اهل کتاب الا البته ایمان
آورد به عیسی پیش از مردن عیسی^(۲)، و روز قیامت باشد
عیسی گواه بر ایشان ﴿۱۵۹﴾ پس به سبب ظلمی که به
ظهور آمد از یهود، حرام ساختیم بر ایشان چیزهای پاکیزه
که حلال بودند ایشان را و به سبب بازداشتن ایشان، مردمان
بسیار از راه خدا. ﴿۱۶۰﴾ و گرفتن ایشان سود را و حال
آن که منع کرده شده‌اند از آن و خوردن ایشان اموال
مردمان را به ناحق و مهیا کردیم برای کافران از ایشان
(یعنی مصرّان بر کفر) عذاب درد دهنده^(۳). ﴿۱۶۱﴾ لیکن
ثابت قدمان در علم از اهل کتاب و مؤمنان که ایمان
می‌آرند به آنچه فروفرستاده شده است به سوی تو و آنچه
فروفرستاده شده است پیش از تو. و (مدح می‌کنم) برپا
دارندگان نماز را، و همچنین دهندگان زکات را و ایمان
آرندگان به خدا و روز آخر، این جماعت زود بدهیم
ایشان را مزد بزرگ. ﴿۱۶۲﴾

۲- مترجم گوید: یعنی یهودی که حاضر شوند نزول عیسی را البته ایمان
آرند، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: اگر گویی انکار عیسی بعد نزل تورات کرده بودند و
تحریم لحوم ابل و تحریم ذی ظفر در تورات مذکور بود، پس چگونه
جزای انکار عیسی باشد؟ گویم نزدیک این بنده، ظاهر آن است: مراد
از تحریم طیبّات، موقوف داشتن نعمت‌ها است که سابقاً ایشان را داده
بودند از پادشاهی و نبوت و نصرت و غیر آن و این مشابه آن آیتی
است: ﴿وَضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ وَالْمَسْكَنَةَ﴾ [البقرة: ۶۱]. الایه. و این
آیت: ﴿وَحَرَّمْ عَلَى قَرَبَى أَهْلَكْنَهَا﴾ [الأنبياء: ۹۵]. و حینئذ، جمیع کلام
با هم مربوط باشد، والله اعلم.

﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالْتَّبِيتُ مِنْ بَعْدِهِ﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَعَاتَيْنَا دَاوُدَ زُبُورًا ﴿١٦٣﴾ وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا ﴿١٦٤﴾ رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٦٥﴾ لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَكُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿١٦٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١٦٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا ﴿١٦٨﴾ إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٦٩﴾ يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرُّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٧٠﴾

هرآینه ما وحی فرستادیم به سوی تو چنانکه وحی فرستادیم به سوی نوح و پیغامبران پس از وی و چنانکه وحی فرستادیم به سوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نبیرگان و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان و چنانکه دادیم داود را زبور. ﴿۱۶۳﴾ و چنانکه فرستادیم پیغامبرانی که قصه ایشان گفته‌ایم بر تو پیش از این و پیغامبرانی که قصه ایشان نگفته‌ایم بر تو و گفت خدا با موسی سخن. ﴿۱۶۴﴾ فرستادیم پیغامبران، مژده دهندگان و بیم کنندگان تا نباشد مردمان را بر خدا الزام، بعد فرستادن پیغامبران^(۱) و هست خدا غالب استوارکار. ﴿۱۶۵﴾ لیکن خدا اظهار می‌فرماید در حق آنچه فروفرستاده است به سوی تو که فروفرستاد آن را به علم خود و فرشتگان نیز گواهی می‌دهند و بس است خدا گواه. ﴿۱۶۶﴾ هرآینه کسانی که کافر شدند و بازداشتند (یعنی مردمان را) از راه خدا، به تحقیق گمراه شدند، گمراهی دور. ﴿۱۶۷﴾ هرآینه کسانی که کافر شدند و ستم کردند، هرگز نیامرزد ایشان را خدا و نماید ایشان را راهی. ﴿۱۶۸﴾ مگر راه دوزخ، جاویدان آنجا همیشه و هست این بر خدا آسان. ﴿۱۶۹﴾ ای مردمان! هرآینه آمد به شما پیغامبر به راستی از جانب پروردگار شما، پس ایمان آرید [تا ایمان آوردن] بهتر باشد برای شما. و اگر کافر شوید، پس هرآینه خدا راست آنچه در آسمان‌ها و زمین است و هست خدا دانای استوارکار. ﴿۱۷۰﴾

۱- یعنی تا نگویند که تقصیر ما نیست، هیچ پیغمبر نزدیک ما نیامد، والله اعلم.

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿١٧١﴾ لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا ﴿١٧٢﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِّن فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧٣﴾ يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا ﴿١٧٤﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿١٧٥﴾

ای^(۱) اهل کتاب! از حد مگذرید در دین خود و مگویید بر خدا مگر سخنِ راست، جز این نیست که عیسی پسر مریم، پیغامبر خداست و فیض اوست، انداخت آن را به سوی مریم و روحی است از جانب خدا، پس ایمان آرید به خدا و پیغامبران او و مگویید: خدایان سه‌اند، بازمانید از (این قسم گفتار) تا این بازماندن، بهتر باشد شما را. جز این نیست که خدا معبود یگانه است، پاکی است خدا را از آن که باشد او را فرزندی. مر او راست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است و بس است خدا کارسازنده. ﴿۱۷۱﴾ ننگ ندارد عیسی از آن که باشد بنده خدا و نه فرشتگان مقرب، ننگ دارند و هر که ننگ کند از بندگی او و سرکشی کند، پس خواهد برانگیخت ایشان را نزدیک خویش همه یکجا. ﴿۱۷۲﴾ پس اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، پس تمام دهد ایشان را مزد ایشان و زیاده دهد ایشان را از فضل خود. و اما کسانی که ننگ داشتند و سرکشی کردند، پس عذاب کند ایشان را عذاب درد دهنده، و نیابد برای خویش بجز خدا هیچ دوستی و هیچ یاری دهی. ﴿۱۷۳﴾ ای مردمان! به تحقیق آمد نزدیک شما دلیلی از پروردگار شما و نازل کردیم به سوی شما روشنی آشکارا. ﴿۱۷۴﴾ اما کسانی که ایمان آوردند به خدا و چنگ زدند به او، پس زود در آرد ایشان را در رحمت و فضل از نزدیک خود و بنماید ایشان را به سوی خود، راه راست. ﴿۱۷۵﴾

۱- مترجم گوید: از اینجا شروع می‌فرماید در ردّ شبهه نصاری، والله اعلم.

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ أَمْرُوهُ
هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ
وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ
فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا
وَنِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ^١ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ
أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٧٦﴾

سُورَةُ الْمَائِدَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ
بِهَيْمَتِهِ^٢ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي
الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ^٣ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ ﴿١٧٦﴾
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعْبِيرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهَرَ
الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا ءَامِينَ الْبَيْتِ
الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا لَلْتُمْ
فَأَصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ
عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ
وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا
اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٧٧﴾

اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٧٧﴾

سوره مائده

به نام خداوند بخشنده مهربان

ای مؤمنان! وفا کنید به عهدها (یعنی عهده‌ای که با خدا بسته‌اید در التزام احکام او تعالی) حلال کرده شده است برای شما چهارپایان از قسم انعام، مگر آنچه خوانده خواهد شد بر شما^(۲)، نه حلال دارنده شکار در حالتی که محرم باشید، هرآینه خدا حکم می‌کند آنچه می‌خواهد. ﴿۱۷۶﴾ ای مسلمانان! هتک حرمت مکنید نشانه‌های خدا را و نه ماه حرام را^(۳) و نه قربانی را و نه آنچه در گردن او قلاده می‌اندازند و نه قصد کنندگان بیت‌الحرام را که می‌طلبند فضلی از پروردگار خویش و خوشنودی از وی^(۴)، و چون احرام گشادید، پس شکار بکنید و حمل نکنید شما را دشمنی گروهی به سبب آن که بازداشتند شما را از مسجد حرام^(۵) بر تجاوز کردن از حد و با یکدیگر مدد کنید بر نیکوکاری و پرهیزگاری و با یکدیگر مدد مکنید بر گناه و ستم و بترسید از خدا، هرآینه خدا سخت است عقوبت او^(۶). ﴿۱۷۷﴾

۱- مترجم گوید: یعنی اعیانی و اگر نباشد، علانی قائم مقام اعیانی بود.

۲- یعنی شتر و گاو و گوسفند و این سه قسم را انعام گویند، حلال است مگر میته، موقوذه و آنچه بیاید، والله اعلم.

۳- یعنی قتال در رجب و ذیقعد و ذی الحجه و محرم نباید کرد، والله اعلم.

۴- یعنی تعرض حاجیان و معتمران مسلمانان نباید کرد و لقطه ایشان نباید گرفت، والله اعلم.

۵- یعنی پیش از فتح مکه و پیش از آنکه مسلمان شوند، والله اعلم.

۶- مترجم گوید: حکم تغلیظ تحریم قتال در اشهر حرم مخصوص است به مسلمین به دلیل آیت سوره بقره و تحریم تعرض حاجیان نیز به

حَرَمْتُ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهْلُ الْغَيْرِ
اللَّهُ بِهِ وَالْمُنْخَفَقَةُ وَالْمَوْفُودَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالَّتَطِيحَةُ وَمَا
أَكَلَ السَّعْبُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى التُّصْبِ وَأَنْ
تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَمِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ
كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ
أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي
وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ
مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣﴾ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا
أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ
مُكَلَّبِينَ نَعُلِمُوهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ
عَلَيْكُمْ وَادْكُرُوا أَسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ
الْحِسَابِ ﴿٤﴾ الْيَوْمَ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا
الْكِتَابَ حَلْلٌ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلْلٌ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ
الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ
قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْلِفِينَ
وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ
عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٥﴾

امروز ناامید شدند کافران از دین شما، پس مَترسید از ایشان و بَترسید از من. امروز کامل کردم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم اسلام را دین، برای شما. پس هر که ناچار شود در گرسنگی، غیر مایل بگناه، پس هر آینه خدا آمرزندهٔ مهربان است^(۲). ﴿۳﴾ سؤال می‌کنند تو را: چه چیز حلال کرده شد برای ایشان؟ بگو: حلال کرده شد برای شما پاکیزه‌ها^(۳) و آنچه آموخته باشید او را از جانوران شکاری در حالتی که شکار تعلیم کنند گانید، می‌آموزید اینها را بعض آنچه الله تعالی شما را آموخته است، پس بخورید از آنچه نگاه داشتند برای شما^(۴) و یاد کنید نام خدا را بر آن^(۵) و بترسید از خدا، هر آینه خدا زود حساب کننده است. ﴿۴﴾ امروز حلال کرده شد برای شما پاکیزه‌ها، و طعام اهل کتاب حلال است برای شما و طعام شما حلال است برای ایشان^(۶)، و حلال کرده شد برای شما محصنات از زنان مسلمانان و محصنات از زنان کسانی که کتاب داده شدند پیش از شما، چون بدهید ایشان را مهر ایشان، عفت طلب کنان نه شهوت رانندگان و نه دوست پنهان گیرندگان. و هر که نامعتقد اسلام باشد، پس نابود شد عمل او و او در آخرت از زیانکاران است^(۷). ﴿۵﴾

حرام کرده شد بر شما مردار و خون (یعنی خون مسفوح) و گوشت خوگ و آنچه نام غیر خدا به وقت ذبح آن یاد کرده شود و آنچه به خفه کردن مرده باشد و آنچه به سنگ یا عصا مرده باشد و آنچه از جای بلند افتاده، بمیرد و آنچه به شاخ زدن مرده باشد و آنچه درنده خورده باشد، الا [بعدِ آفت‌ها] ذبح کرده باشید و حرام است آنچه ذبح کرده باشد بر نشانه‌های معبود باطل^(۱) و حرام شد اینکه طلب کنید معرفت قسمت خود، به تیرهای فال، این همه فسق است.

مسلمین آیت سورہ براءت و این آیات آخر ما نزل است، منسوخ داشتن آنها چنانکه عامه مفسرین گویند، راست نمی آید، والله اعلم.

۱- مترجم گوید: یعنی بر صورت قبر، واللہ اعلم.

۲- مترجم گویند: یعنی در محمضه خوردن مردار جائز است و نزدیک ابی حنیفه فائده لفظ غیر مائل به گناه، آن است که زیاده از ضرورت نخورد و نزدیک مالک و شافعی آن است که قاطع طریق و سارق را رخصت نیست و این آیت آخر قرآن است، بعد ازین هیچ آیت نازل نشد، والله اعلم.

۳- آنچه عرب پاکیزه دانند، والله اعلم.

۴- مترجم گوید: یعنی نخورده و ندریده باشند برای خوردن خود، والله اعلم.

۵- مترجم گوید: یعنی نزدیک ارسال جانوران شکاری، واللہ اعلم.

۶- مترجم گوید: یعنی آنچه بر اهل کتاب حلال بود، بر شما حلال است، مثل گوسفند و گاو و آنچه بر شما حلال کرده شد، بر کسی که از ایشان مسلمان شود، حلال است، مثل شتر و ذی ظفر و قبیله‌ها یهود و نصاری را درین باب، اعتبار نیست، والله اعلم.

۷- مترجم گوید: محصنات اینجا نزدیک امام ابی حنیفه به معنی پارساست و نزدیک شافعی به معنای آزاد و از **غَيْرِ مُسْتَحَبِّينَ** مفهوم شد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا
وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا
بُرُءُوسَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ
جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ
جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ
فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا
بُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ
عَلَيْكُمْ مِنْ حَرْجٍ وَلَٰكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ
نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٦﴾ وَادْكُرُوا
نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ
قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ
الصُّدُورِ ﴿٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ
شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ
أَلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ
اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٩﴾

ای مسلمانان! چون برخیزید به سوی نماز، پس بشوید
روی خود را و دست‌های خود را تا آرنج و مسح کنید سر
خود را و بشوید پا‌های خود را تا شتالنگ و اگر باشید با
جنابت، پس غسل کنید و اگر باشید بیمار یا مسافر یا بیاید
یکی از شما از خلا جای یا مساس کرده باشید زنان را^(۱)،
پس نیاید آب، پس قصد کنید خاک پاک را، پس مسح
کنید از آن خاک به روی خود دوست خود. نمی‌خواهد
خدا که مشروع کند بر شما مشقتی و لیکن می‌خواهد که
پاک سازد شما را و تمام کند نعمت خود را بر شما تا شود
که شکرگزاری کنید. ﴿۶﴾ و یاد کنید نعمت خدا را بر
خویش و پیمان خدا را که عهد بسته است با شما به آن
پیمان، آنگاه که گفتید: شنیدیم و فرمانبرداری کردیم^(۲) و
بترسید از خدا، هرآینه خدا داناست به آنچه در سینه‌ها
باشد. ﴿۷﴾ ای مسلمانان! متعهد حق الله باشید، گواهی
دهندگان باشید به راستی و حمل نکند شما را دشمنی
قومی بر ترک عدل، عدل کنید، عدل نزدیک‌تر است به
پرهیزگاری و بترسید از خدا، هرآینه خدا آگاه است به
آنچه می‌کنید. ﴿۸﴾ وعده کرده است خدا به کسانی که
ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، [به این مضمون
که] ایشان راست، آمرزش و مزد بزرگ. ﴿۹﴾

۱- مترجم گوید: یعنی جماع کرده باشید و نزدیک شافعی دست رسانیدن

به زنان، ناقض وضوست، والله اعلم.

۲- یعنی عهدی که وقت بیعت بستید، والله اعلم.

که نکاح متعه، درست نیست و از ﴿وَلَا تُتَّخَذِیْ أَخْدَانٍ﴾ مفهوم شد

که نکاح سر، درست نیست، والله اعلم.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ
 الْجَحِيمِ ﴿١٠﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ
 عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَن يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ
 فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ
 فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾ وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي
 إِسْرَءِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي
 مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَءَامَنْتُمْ
 بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا
 لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ
 تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ
 مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٢﴾ فَبِمَا نَقْضِهِم
 مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَلْسِيَّةً يُحْزِنُونَ
 أَلْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ
 وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ
 فَأَعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣﴾

و کسانی که کافر شدند و به دروغ نسبت کردند آیات ما
 را، ایشانند اهل دوزخ. ﴿۱۰﴾ ای مؤمنان! یاد کنید نعمت
 خدا را بر خویشتن، آنگاه که قصد کردند قومی که دراز
 کنند دست خود را به سوی شما^(۱) پس بازداشت
 دست‌های ایشان را از شما و برسید از خدا و بر خدا باید
 که توکل کنند مؤمنان^(۲). ﴿۱۱﴾ و هرآینه گرفت الله
 تعالی پیمان بنی اسرائیل را و معین ساختیم از ایشان دوازده
 سردار و گفت خدا هرآینه من با شمایم، [مضمون پیمان
 آن که] اگر برپا داشتید نماز را و دادید زکات را و معتقد
 شدید پیغامبران مرا و تقویت کردید ایشان را و قرض دادید
 خدا را قرض نیک^(۳)، البته نابود سازم از شما گناهان شما را
 و البته درآرم شما را به بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها.
 پس هر که کافر شود از شما بعد از این، پس گم کرده راه
 راست را. ﴿۱۲﴾ پس به سبب شکستن ایشان پیمان خویش
 را، لعنت کردیم ایشان را و سخت گردانیدیم دل ایشان را.
 تغیر می‌کنند کلمات را از مواضع آنها و فراموش کردند
 حصّه از آنچه به آن پند داده شدند و همیشه هستی که
 آگاه می‌شوی بر خیانتی از ایشان مگر اندکی از ایشان، پس
 درگذر کن از ایشان و اعراض کن، هرآینه خدا دوست
 می‌دارد نیکوکاران را. ﴿۱۳﴾

۱- یعنی قتال کنند، والله اعلم.

۲- معجزه چند نوبت متحقق شد، از آن جمله آن است که آن حضرت ﷺ
 به تقریبی به محله یهود رفته بودند، شخصی از ایشان خواست که
 سنگی بالای آن حضرت بیافکند، خدای تعالی دست آن شخص بند
 کرد و از آن جمله آن است که کفار قریش در حدیبیه از جنگ
 بازایستادند، بعد از آنکه داعیه جنگ داشتند و از آن جمله آن است
 که یکی از یاران مسلمة کذاب دست‌درازی خواست، خدای تعالی
 دست او را گرفت ساخت.

۳- یعنی در جهاد صرف کردید به توقع ثواب آخرت، والله اعلم.

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِي أَخَذْنَا مِيثَقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١٤﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٦﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَن يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَفِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾

و گرفتیم از کسانی که گفتند ما نصاری ایم، پیمان ایشان را، پس فراموش کردند حصّه از آنچه به آن پند داده شدند، پس پیوسته ساختیم در میان فرقه های نصاری دشمنی و کینه تا روز قیامت و خبر خواهد داد ایشان را خدا به آنچه می کردند. ﴿۱۴﴾ ای اهل کتاب! هرآینه آمد به شما پیغامبر ما، بیان می کند برای شما بسیار از آنچه پنهان می داشتید از کتاب (یعنی از کتاب الهی) و او در گذر می کند از تفصیلات بسیار. [ای اهل کتاب] هرآینه آمد به شما از جانب خدا نوری و کتابی روشن (یعنی قرآن). ﴿۱۵﴾ به سبب آن دلالت می نماید خدا کسی را که طلب رضای کرد به سوی راه های نجات و بیرون می آرد ایشان را از تاریکی به سوی روشنی به اراده خود و دلالت می کند ایشان را به سوی راه راست. ﴿۱۶﴾ هرآینه کافر شدند کسانی که گفتند: خدا همان مسیح، پسر مریم است^(۱). بگو: که می تواند از خدا چیزی را [از انتقام] اگر بخواهد که هلاک کند عیسی، پسر مریم را و مادرش را (که مریم است) و آنان را که در زمینند، همه یکجا؟ و خدا راست پادشاهی آسمان ها و زمین و آنچه در میان این هر دو است، می آفریند هر چه می خواهد و خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۱۷﴾

۱- یعنی حلول کرده است در وی، والله اعلم.

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصْرَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّؤُهُ^۱
 قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ
 خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٨﴾
 يَأْهَلُ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ
 عَلَىٰ فِتْرَةٍ مِّنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ
 وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ^۲ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٩﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَقُومُوا
 نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ
 وَجَعَلَ لَكُم مَّلُوكًا وَعَاقَبَكُم مَّا لَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِّنَ
 الْعَالَمِينَ ﴿٢٠﴾ يَقُومُوا أَدْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي
 كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا
 خَاسِرِينَ ﴿٢١﴾ قَالُوا يَمُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ
 وَإِنَّا لَنَنذِلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا
 مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ ﴿٢٢﴾ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ
 أُنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا أَدْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا
 دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُم غَلِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن
 كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٢٣﴾

و گفتند یهود و ترسایان: ما پسران خداییم و دوستان
 اویم^(۱). بگو: پس چرا عذاب می کند شما را بر گناهان
 شما؟ بلکه شما آدمیانید از جنس آنچه پیدا کرده است.
 می آموزد هر که را خواهد و عذاب می کند هر که را
 خواهد و خدا راست پادشاهی آسمان ها و زمین و آنچه در
 میان این هر دو باشد و به سوی اوست رجوع. ﴿۱۸﴾ ای
 اهل کتاب! هرآینه آمده است به شما پیغمبر ما، بیان
 می کند برای شما در حالت انقطاع آمدن پیغمبران^(۲)، تا
 نگوید که نیامد نزدیک ما هیچ مژده دهنده و بیم کننده.
 آری! هرآینه آمده است به شما مژده دهنده و بیم کننده، و
 خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۱۹﴾ و یاد کن چون گفت
 موسی قوم خود را: ای قوم من! یاد کنید نعمت خدا را بر
 خویش، چون پیدا کرد در میان شما پیغمبران را و پادشاه و
 داد به شما آنچه نداد به هیچ کس از عالمیان^(۳). ﴿۲۰﴾ ای
 قوم من! درآید به زمین پاک که مقرر ساخته است آن را
 خدا برای شما، و روگردان شوید بر سمت پشت خود
 (یعنی قرار مکنید)، آنگاه زیانکار گردید. ﴿۲۱﴾ گفتند:
 ای موسی! هرآینه آنجا گروهی هستند زور آور و هرگز ما
 داخل نشویم آنجا تا آن که ایشان بیرون آیند از آنجا. پس
 اگر ایشان از آنجا بیرون شوند، هرآینه ما درآیم. ﴿۲۲﴾
 گفتند دو مرد از اهل تقوی که انعام کرده بود خدا بر
 ایشان^(۴): درآید ای قوم بر این جماعت از راه دروازه،
 چون در آمدید به دروازه، پس هرآینه شما غالب باشید و
 بر خدا توکل کنید اگر مسلمان هستید. ﴿۲۳﴾

۱- مترجم گوید: یعنی خدا را پدر خود می گفتند، والله اعلم.

۲- یعنی بعد عیسی بجز پیغمبری ما هیچ پیغمبری مبعوث نشد و مدت میان
 ایشان، پانصد و شصت سال بود، والله اعلم.

۳- یعنی معجزات عظیمه از فلق بحر (یعنی شکاف دریا) و رفع طور، والله
 اعلم.

۴- یعنی یوشع و کالب.

قَالُوا يَمُوسَىٰ إِنَّا لَن نَّدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا
فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ ﴿٢٤﴾
قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي ۖ فَافْرُقْ بَيْنَنَا
وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ
أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ
الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾ ۖ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ
قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ
الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ
الْمُتَّقِينَ ﴿٢٧﴾ لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا
بِبَاسِطِ يَدَيَّ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَنَّكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ
الْعَالَمِينَ ﴿٢٨﴾ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ
مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ۖ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ﴿٢٩﴾
فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ ۖ فَأَصْبَحَ مِنَ
الْخَاسِرِينَ ﴿٣٠﴾ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ
لِيُرِيَهُ ۖ كَيْفَ يُورِي سَوْءَةَ أَخِيهِ ۖ قَالَ يُوَيَّلَتِي
أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُورِيَ
سَوْءَةَ أَخِي ۖ فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ ﴿٣١﴾

گفتند: ای موسی! ما هرگز ندرآئیم در زمین، هیچ گاه،
مادام که ایشان در آنجا باشند. پس بروید تو و پروردگار تو
بروید و جنگ کنید، هرآینه ما اینجا نشستگانیم. ﴿۲۴﴾
گفت [موسی]: ای پروردگار! من قادر نیستم الا بر خود و
برادر خود (یعنی هارون) پس فیصله کن میان ما و گروه
گناهکاران. ﴿۲۵﴾ گفت خدا: پس آن زمین حرام کرده
شده است بر ایشان چهل سال. سرگردان می شوند در
زمین، پس اندوهناک مباش بر گروه ستمکاران^(۱). ﴿۲۶﴾
و بخوان بر قوم خود خبر دو پسر آدم به راستی چون نیاز
حق کردند قربانی را، پس قبول کرده شد از یکی و قبول
کرده نشد از دیگر^(۲). گفت [قابیل]: البته بکشم تو را.
[هابیل] گفت: جز این نیست که خدا قبول می کند از
متقیان. ﴿۲۷﴾ اگر دراز کنی به سوی من دست خود را تا
بکشی مرا، من هرگز دراز نکنم به سوی تو دست خود را
تا بکشم تو را، هرآینه من می ترسم از خدا، پروردگار
عالم ها. ﴿۲۸﴾ هرآینه من می خواهم که ببری گناه مرا و
گناه خود را، پس باشی از اهل دوزخ و این جزای
ستمکاران است. ﴿۲۹﴾ پس نفس او سهل ساخت در نظر
او کشتن برادرش را، پس بکشت او را و شد از
زیانکاران^(۳). ﴿۳۰﴾ پس فرستاد خدا زاغی را که
می شکافت در زمین، تا بنمایدش چگونه بیوشد تنِ مُرده
برادر خود را. گفت: ای وای بر من! آیا عاجز شدم از آن
که باشم مانند این زاغ، پس بیوشدمی تنِ مُرده برادر

۱- یعنی حکم کردیم که به آن زمین، منتفع نشوند چهل سال.

۲- یعنی هابیل نیکوترین گوسفندی به نیاز بُرد از غیب آتشی ظاهر شد و
بخود و قابیل بدترین گندم پیش آورد و آتش نیازش را قبول نکرد و
این سبب حسد شد، الله اعلم.

۳- بعد کشتن ندانست که چگونه دفن کند جثه او را بر پشت نهاده
می گشت، والله اعلم.

خود؟! پس شد از پشیمان شدگان. ﴿۳۱﴾

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ﴿٣٢﴾ إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٣٣﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٤﴾ يَتَأَيَّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

﴿۳۶﴾

به سبب این حادثه حکم کردیم بر بنی اسرائیل که هر که بکشد کسی را به غیر عوض کسی و به غیر فساد در زمین (یعنی قطع طریق و ارتداد) پس چنان است که کشته است مردمان را همه یکجا و هرکه سبب زندگانی کسی شد، پس چنان است که زنده ساخت مردمان را، همه یکجا و هرآینه آمدند به بنی اسرائیل پیغامبران ما به نشانه‌های روشن، باز بسیاری از ایشان، بعد از این در زمین تجاوز کنندگانند^(۱). ﴿۳۲﴾ جز این نیست جزای کسانی که جنگ می‌کنند با خدا و رسول او و می‌شتابند در زمین به قصد فساد (یعنی قطع طریق می‌کنند) آن است که کشته شوند یا بردار کرده شوند یا بریده شود دستها و پاهاى ایشان از جانب مخالف^(۲) یا دور کرده شوند از وطن، این رسوایی است ایشان را در دنیا و ایشان راست در آخرت، عذاب عظیم. ﴿۳۳﴾ مگر کسانی که توبه کردند، پیش از آن که دست یابید بر ایشان. پس بدانید که خدا آمرزنده مهربان است^(۳). ﴿۳۴﴾ ای مسلمانان! بترسید از خدا و بطلبید قرب به سوی او و جهاد کنید در راه او تا رستگار شوید. ﴿۳۵﴾ هرآینه کافران اگر باشد به دست ایشان آنچه در زمین است همه یکجا، و همراه او مانند او مهیا، برای آن که عوض خود دهند آن را از عذاب روز قیامت، هرگز قبول کرده نشود از ایشان و ایشان راست، عذاب درد دهنده. ﴿۳۶﴾

۱- یعنی چون از قایبل رسم قتل پیدا شد، هر قتلی که در جهان واقع شود او را بدان مؤاخذه کنند، همچنین در هر زمانه کسی که رسم کشتن نو میکند به حکم «من سن سنة سيئة كان له كفل منها» در قتلی که بعد از وی آمد، شرکتی پیدا می‌نماید. پس اینجا «من أجل ذلك» به جای علی قیاس واقع شده است، والله اعلم.

۲- یعنی دست راست و پای چپ، والله اعلم.

۳- یعنی حد، ساقط است و حقوق آدمیان ساقط نیست، والله اعلم.

يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ الدَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ
 مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٣٧﴾ وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ
 فَاقْطِعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ
 وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٣٨﴾ فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ
 وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
 ﴿٣٩﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٠﴾ يَأْتِيهَا الرُّسُولُ لَا يَحْزَنكَ الَّذِينَ
 يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ
 وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ
 لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ ءَاخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يَحْزِفُونَ
 أَلَكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا
 فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ
 فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ
 اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي
 الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٤١﴾

بخواهند که بیرون روند از دوزخ و نیستند بیرون رفتگان از
 دوزخ و ایشان راست، عذاب دایم. ﴿۳۷﴾ و مرد دزد و زن
 دزد بپای دست‌های ایشان را، جزای آنچه به عمل
 آورده‌اند، عبرتی از طرف خدا و خدا غالب داناست.
 ﴿۳۸﴾ پس هر که توبه کرد بعد ستم خود و کار شایسته به
 عمل آورد، پس هرآینه خدا به رحمت باز می‌گردد بر
 وی، هرآینه خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۳۹﴾ آیا
 ندانسته‌ای که خدا، مر او راست پادشاهی آسمان‌ها و
 زمین؟ عذاب می‌کند هر که را خواهد و می‌آمرزد هر که
 را خواهد و خدا بر همه چیز تواناست^(۱). ﴿۴۰﴾ ای
 پیغامبر! اندوهگین نکند تو را کسانی که سعی می‌کنند در
 کفر، از آنان که گفتند به دهان خویش: ایمان آوردیم، و
 ایمان نیاورده است دل ایشان و از قوم یهود نیز، ایشان
 شنوندگان دروغ را^(۲)، شنوندگان برای گروه دیگران که
 هنوز پیش تو نیامده‌اند^(۳)، تغییر می‌دهند کلمات را (بعد از
 ثبوت آنها) در مواضع خویش، می‌گویند: اگر داده شوید
 این حکم محرف، قبول کنید و اگر آن را داده نشوید، پس
 احتراز نمایید و هر که خدا ضلالت او اراده کرده است،
 نتوانی برای او از خدا چیزی از هدایت. ایشان آنانند که
 نخواستند خدا که پاک کند دل ایشان را، ایشان راست در
 دنیا، رسوایی و ایشان راست در آخرت، عذاب بزرگ.

﴿۴۱﴾

۱- مترجم گوید: در تورات، رجم زانی نازل شده بود و یهود تحریف
 کرده، روی زانی را سیاه کردن و چند تازیانه زدن قرار دادند و در
 زمان آن حضرت در میان ایشان زنا واقع، زانی را پیش آن حضرت به
 دست منافقان و ذمیان فرستادند به قرار آن که اگر جلد فرمایند، بکنیم
 و اگر رجم فرمایند، نکنیم. آن حضرت ﷺ حقیقت رجم اظهار فرمودند
 و رجم کردند. درین آیات اشاره است به آن قصه.

۲- یعنی معتقد آن شده‌اند.

۳- یعنی جاسوسان، حریبانان، والله اعلم.

سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَلُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ
فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ
فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ
بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿٤٢﴾ وَكَيْفَ
يُحْكُمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ
يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٣﴾
إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا
النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ
وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ
شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَشْتَرُوا
بِإِيَّتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ
فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ ﴿٤٤﴾ وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ
النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ
وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ
فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا
أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٤٥﴾

ایشان شنوندگانند سخن دروغ را، خورندگانند حرام را
(یعنی رشوت را)، پس اگر بیایند پیش تو، حکم کن میان
ایشان یا اعراض کن از ایشان، و اگر اعراض کنی از ایشان،
هیچ زیان نرسانند به تو و اگر حکم کنی، پس حکم کن
میان ایشان به انصاف، هرآینه خدا دوست می‌دارد عدل
کنندگان را^(۱). ﴿۴۲﴾ و چگونه حکم می‌کنند تو را و
نزدیک ایشان تورات است که در آن حکم خداست. باز
اعراض می‌کنند بعد از این، و نیستند ایشان معتقدان^(۲).
﴿۴۳﴾ هرآینه ما فرود آوردیم تورات را، در وی هدایت
و روشنی است. حکم می‌کنند به آن پیغامبران که منقاد
حکم الهی‌اند، برای یهود و حکم می‌کنند خداپرستان و
احبار ایشان، (همه حکم می‌کردند) به آنچه حافظ آن
گردانیده شده‌اند از کتاب خدا و بر آن گواه بودند^(۳). پس
گفتیم: مترسید از مردمان و بترسید از من و خرید مکنید به
آیت‌های من بهای اندک و هر که حکم نکند به آنچه
فروفرستاده است خدا، پس ایشانند نامعتقدان. ﴿۴۴﴾ و
لازم ساختیم بر یهود در تورات که شخص، به عوض
شخص است (یعنی به عوض او باید کشت) و چشم،
عوض چشم است و بینی، عوض بینی است و گوش،
عوض گوش است و دندان، عوض دندان و حکم زخم‌ها
به اعتبار مماثلت است، پس هر که عفو کند از آن زخم،
پس این عفو، کفارت است وی را و هر که حکم نکند به
آنچه خدا فرستاده است، پس ایشانند ستمکاران. ﴿۴۵﴾

۱- مترجم گوید: یعنی اهل ذمه اگر قضیه خویش به امام رفع کنند، اگر
خواهد حکم کند و اگر خواهد به زعمای ایشان مفوض نماید، والله
اعلم.

۲- یعنی اگر غرض ایشان طلب رضای خدای تعالی بودی، بر تورات عمل
می‌کردند، لیکن غرض فاسد داشتند.

۳- یعنی به یقین معلوم کرده بودند که حکم الهی است، والله اعلم.

وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ عَٰثِرِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا
 بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ ۖ وَعَاتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى
 وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى
 وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٦﴾ وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنجِيلِ بِمَا
 أَنزَلَ اللَّهُ فِيهِ ۖ وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ
 فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٤٧﴾ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ
 بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا
 عَلَيْهِ ۖ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ ۚ وَلَا تَتَّبِعْ
 أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ
 شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً
 وَلَٰكِن لِّيَلْبُوَكُمْ فِي مَا ءَاتَاكُم فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ
 إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ
 تَخْتَلِفُونَ ﴿٤٨﴾ وَأِنْ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا
 تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا
 أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ
 يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ
 لَفَاسِقُونَ ﴿٤٩﴾ أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ ۚ وَمَنْ
 أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٥٠﴾

و از پس فرستادیم بر پی این پیغمبران، عیسی پسر مریم را،
 باور دارنده آنچه پیش او بود که تورات است و دادیمش
 انجیل، در وی هدایت و روشنی است باوردارنده آنچه
 پیش آن بود که تورات باشد و هدایت و پند، متقیان را.
 ﴿۴۶﴾ و فرمودیم: باید که حکم کنند اهل انجیل به آنچه
 فروفرستاده است خدای تعالی در وی و هر که حکم نکند
 به آنچه فروفرستاده است خدا، پس ایشانند بدکاران.
 ﴿۴۷﴾ و فروفرستادیم به سوی تو کتاب را به راستی، باور
 دارنده آنچه پیش وی است از کتاب و نگهبان بر آن^(۱)،
 پس حکم کن در میان ایشان به آنچه فرو آورده است خدا
 و پیروی مکن خواهش ایشان را، [اعراض کنان] از آنچه
 آمد به تو از حکم الهی. برای هر گروهی از شما مقرر
 ساخته‌ایم شریعتی و راهی و اگر خواستی خدا، گردانیدی
 شما را یک امت و لیکن خواست که بیازماید شما را در
 آنچه به شما داده است، پس شتاب کنید به سوی
 نیکوکاری^(۲). به سوی خدا رجوع شماست همه یکجا، پس
 خبر دهد شما را به آنچه در آن اختلاف می کردید. ﴿۴۸﴾
 و فرمودیم: که حکم کن میان ایشان به آنچه فرود آورده
 است خدا و پیروی مکن خواهش ایشان را و بترس از
 ایشان از آن که گمراه کنند تو را از بعضی آنچه فروفرستاده
 است خدا به سوی تو. پس اگر اعراض کنند، پس بدان که
 می‌خواهد خدا که عذاب کند ایشان را به سبب بعضی
 گناهان ایشان و هرآینه بسیاری از مردمان، بدکارانند.
 ﴿۴۹﴾ آیا حکم، جاهلیت می‌خواهند؟ و کیست خوبتر از
 خدا به اعتبار حکم برای قومی که یقین دارند؟^(۳) ﴿۵۰﴾

۱- یعنی تحریف را از غیر تحریف جدا می‌سازد، والله اعلم.

۲- یعنی اتباع فرمان الهی در شریعت پیغمبر زمان، والله اعلم.

۳- مترجم گوید حاصل این آیات، الزام است بر اهل کتاب، که با وجود
 التزام کتاب برحسب آن عمل نمی‌کنند و در این آیات، بیان آن است
 که هر قرن را شریعتی داده‌اند و بعد نزول قرآن بجز متابعت آن،
 متابعت دیگر جائز نیست، والله اعلم.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَرَىٰ
 أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ
 فَإِنَّهُ مِنَّهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥١﴾
 فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يُسْرِعُونَ فِيهِمْ
 يَقُولُونَ نَحْشَىٰ أَن تُصِيبَنَا دَآئِرَةٌ فَعَسَىٰ اللَّهُ أَن يَأْتِيَ
 بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرَوْا
 فِي أَنفُسِهِمْ نَدِمِينَ ﴿٥٢﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَهَؤُلَاءِ
 الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَنِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ
 حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ ﴿٥٣﴾ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ
 يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
 أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا
 يَخَافُونَ لَوْمَةً لَّيْمَةً ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ
 وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ
 وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ
 الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿٥٥﴾ وَمَن يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
 وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٥٦﴾
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا
 دِينَكُمْ هُزُوعًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن
 قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ

مُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾

ای مؤمنان! دوست مگیرید یهود و نصاری را، بعض ایشان
 دوست بعضی‌اند و هر که از شما دوست دارد ایشان را، پس
 هرآینه او از جمله ایشان است، هرآینه خدا راه نمی‌نماید
 گروه ستمکاران را. ﴿٥١﴾ پس می‌بینی کسانی را که در دل
 ایشان بیماری است (یعنی نفاق) سعی می‌کنند در دوستی یهود
 و نصاری، می‌گویند: می‌ترسیم از آن که برسد مایان را
 مصیبتی^(۱). پس نزدیک است که خدا بیارد فتح را یا چیزی
 دیگر را از نزد خود، پس پشیمان شوند بر آنچه پنهان داشتند در
 دل خویش. ﴿٥٢﴾ و بگویند مؤمنان (یعنی روز قیامت): آیا
 ایشانند آنان که قسم خوردند به خدا، سخت‌ترین سوگندهای
 خویش که البته ایشان همراه شمايند؟ امروز نابود شد عمل‌های
 ایشان، پس گشتند زیانکار. ﴿٥٣﴾ ای مؤمنان! هر که از شما
 برگردد از دین خود، پس^(۲) خواهد آورد خدا گروهی را که
 دوست می‌دارد ایشان را و ایشان دوست می‌دارند او را،
 متواضعند برای مؤمنان، درشت طبع‌اند بر کافران، جهاد می‌کنند
 در راه خدا و نمی‌ترسند از ملامت ملامت کننده. این بخشایش
 خداست، می‌دهد آن را به هر که خواهد و خدا جواد
 داناست^(۳). ﴿٥٤﴾ جز این نیست که دوست شما خداست و
 رسول او و مؤمنانی که برپا می‌دارند نماز را و می‌دهند زکات
 را و ایشان پیوسته نمازگزارند. ﴿٥٥﴾ و هر که دوستی کند با
 خدا و با رسول او و با مؤمنان، پس هرآینه گروه خدا همان
 است غالب. ﴿٥٦﴾ ای مسلمانان! دوست مگیرید کسانی را که
 به تمسخر و بازی گرفته‌اند دین شما را، از کسانی که داده شده
 ایشان را کتاب، پیش از شما و نه سائر کافران را و بترسید از
 خدا اگر مسلمان هستید. ﴿٥٧﴾

۱- مترجم گوید: یعنی احتمال دارد که هزیمت بر اهل اسلام افتد، پس

موافقت با جریان، مصلحت است.

۲- پس بزودی خواهد آورد. (مصحح)

۳- مترجم گوید: این وعده در زمان حضرت ابو بکر صدیق متحقق شد و

مهاجران و انصار و تابعان ایشان با مرتدان جهاد کردند، والله اعلم.

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَلَعِبًا ذَلِكَ
بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٥٨﴾ قُلْ يَتَاهَل الْكِتَابِ هَلْ
تَنْقُمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا
أُنْزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ ﴿٥٩﴾ قُلْ هَلْ
أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ
اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ
وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ
السَّبِيلِ ﴿٦٠﴾ وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا
بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا
يَكْتُمُونَ ﴿٦١﴾ وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسْرِعُونَ فِي الْأِثْمِ
وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السَّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ﴿٦٢﴾ لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ
قَوْلِهِمُ الْأِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السَّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا
يَصْنَعُونَ ﴿٦٣﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ
أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ
كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ
مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ
وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ
أُطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا
يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٦٤﴾

و چون ندا کنید به سوی نماز، تمسخر و بازی گیرند آن
را^(۱)، این به سبب آن است که ایشان گروهی هستند که
هیچ نمی فهمند. ﴿۵۸﴾ بگو: ای اهل کتاب! عیب
نمی گیرید بر ما مگر آن که ایمان آوردیم به خدا و به
آنچه فروفرستاده شده است بر ما و به آنچه فروفرستاده
شده است پیش از این و مگر آن که بیشتر از شما
بدکارانند. ﴿۵۹﴾ بگو: آیا خبر دهم شما را به بدتر از این^(۲)
به اعتبار جزا نزدیک خدا؟ آن بدتر کسی است که لعنت
کرد او را خدا و خشم گرفت بر وی و گردانید از ایشان
بوزیngان و خوکان و کسی که پرستید معبود باطل را، این
گروه بدترند به اعتبار جای و گمراهترند از راه راست.
﴿۶۰﴾ و چون بیایند پیش شما، گویند: ایمان آوردیم، حال
آن که باکفر در آمدند و باکفر بیرون رفتند و خدا دانای
است به آنچه می پوشیدند. ﴿۶۱﴾ و می بینی که بسیاری از
ایشان سعی می کنند در گناه و تعدی و حرام خوردن
خویش، هر آینه بد چیزی است که به عمل آوردند. ﴿۶۲﴾
چرا منع نمی کنند ایشان را خداپرستان و دانشمندان از
دروغ گفتن ایشان و حرام خوردن ایشان؟ هر آینه بد چیزی
است که می کنند. ﴿۶۳﴾ و گفتند یهود: دست خدا به
گردن بسته است! ^(۳) به گردن بسته باد، دست های ایشان و
لعنت کرده شد ایشان را به سبب آنچه گفتند: بلکه دو
دست او گشاده است، خرج می کند چنانچه می خواهد و
البته بيفزايد در حق بسیاری از ایشان آنچه فروفرستاده شده
به سوی تو از پروردگار تو نافرمانی و کفر را. و افگندیم
در میان فرقه های یهود دشمنی و ناخوشی تا روز قیامت،
هرگاه که برمی افروزند آتشی را برای جنگ،
فرومی نشاندش خدا^(۴) و می شتابند در زمین برای فساد و
خدا دوست نمی دارد مفسدان را. ﴿۶۴﴾

۱- مترجم گوید: یعنی به اذان استهزا کنند، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: یعنی بدتر از آن عیب دار که شما بیان کردند.

۳- یعنی بخل دارد.

۴- یعنی چون می خواهند که با دشمنان خود که متدین به یهودیت نیستند
جنگ کنند، مقهور و مغلوب می شوند.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَرْنَا عَنْهُمْ سِيَئَاتِهِمْ وَلَادْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ ﴿٦٦﴾ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٦٧﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالْأَنْصَارِيُّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٩﴾ لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رُسُلًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ ﴿٧٠﴾

و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند و پرهیزگاری می‌کردند، نابود ساختمی از ایشان گناهان ایشان را و در آوردمی ایشان را به بوستان‌های نعمت. ﴿٦٥﴾ و اگر ایشان برپا می‌داشتند حکم تورات و انجیل را و آنچه فرود آورده شده است به سوی ایشان از پروردگار ایشان^(۱)، خوردندی از بالایی خود و از زیر پاهایی خود، از ایشان گروهی هست میانه رو و بسیاری از ایشان بدچیزی است که

می‌کنند^(۲). ﴿٦٦﴾ ای پیغامبر! برسان آنچه فرود آورده شده است به سوی تو از جانب پروردگار تو و اگر نکردی^(۳)، نرسانده باشی پیغام خدا را و خدا نگاه دارد تو را از مردمان، هرآینه خدا راه نمی‌نماید گروه کافران را. ﴿٦٧﴾ بگو: ای اهل کتاب! نیستید بر چیزی تا آن که برپا کنید حکم تورات و انجیل را و آنچه فروفرستاده شده است به سوی شما از پروردگار شما^(۴) و البته بيفزاید در حق بسیاری از ایشان، آنچه فروفرستاده شده است به سوی تو از جانب پروردگار تو (یعنی قرآن) طغیان و کفر را، پس اندوهگین مشو بر قوم کافران^(۵). ﴿٦٨﴾ هرآینه مسلمانان و جهودان و (همچنین است) حال ستاره‌پرستگان و ترسایان، هر که ایمان آورد از ایشان به خدا و روز آخر و کرد کردار شایسته، هیچ ترس نیست بر ایشان و ایشان اندوهگین نشوند^(۶). ﴿٦٩﴾ هرآینه گرفتیم عهد بنی اسرائیل و فرستادیم به سوی ایشان پیغامبر را، هرگاه که آمدی به ایشان پیغامبری به آنچه دوست نمی‌داشت نفس ایشان، گروهی را به دروغ نسبت کردند و گروهی را می‌کشتند. ﴿٧٠﴾

۲- مترجم گوید: حاصل آن است که اگر برپا می‌داشتند حکم تورات و انجیل را پیش از نزول قرآن و پیش از آنکه حضرت پیغامبر ﷺ مبعوث شود، برکت فراوان نصیب ایشان می‌شد، لیکن مخالفت کردند، پس به انواع بلا مبتلا گشتند، الله اعلم.

۳- یعنی اگر یک آیت هم نرساندی، والله اعلم.

۴- مترجم گوید: یعنی قرآن و سایر کتب سابقه.

۵- مترجم گوید: حاصل آن است که بر وفق قول خود ملزم می‌شوند، زیرا که التزام شریعتی میکنند و بر حسب آن نمی‌روند، قطع نظر از انکار قرآن، والله اعلم.

۶- یعنی دراصل از هر فرقه که باشد، چون ایمان آرد، از اهل نجات است و خصوصیت فرق را اعتبار نیست، والله اعلم.

۱- یعنی سایر کتب سابقه.

وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَصَمُوا ثُمَّ تَابَ
 اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ
 بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٧١﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ
 الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ ۖ وَقَالَ الْمَسِيحُ بَنِي إِسْرَءِيلَ
 اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ
 حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ ۖ وَمَا لِلظَّالِمِينَ
 مِنْ أَنْصَارٍ ﴿٧٢﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ
 ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا
 يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
 ﴿٧٣﴾ أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ ۚ وَاللَّهُ غَفُورٌ
 رَحِيمٌ ﴿٧٤﴾ مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ
 مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ ۖ كَانَا يَأْكُلَانِ
 الطَّعَامَ ۖ أَنْظِرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظِرْ أَنِّي
 يُؤَفَّكُونَ ﴿٧٥﴾ قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا
 يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ۚ وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ
 الْعَلِيمُ ﴿٧٦﴾

و پنداشتند که هیچ عقوبت نخواهد بود، پس کور شدند و
 کر گشتند. پس باز گشت به رحمت خدا بر ایشان^(۱)، پس
 باز کور شدند و کر گشتند بسیاری از ایشان و خدا بیناست
 به آنچه می کنند. ﴿۷۱﴾ هر آینه کافر شدند کسانی که
 گفتند: الله همان است عیسی، پسر مریم و گفته بود، عیسی:
 ای بنی اسرائیل! پرستید خدا را پروردگار من و پروردگار
 شما، هر آینه کسی که شریک خدا مقرر می کند، حرام
 کرده است خدا بهشت را بر وی و جای او دوزخ است و
 نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده^(۲). ﴿۷۲﴾ هر آینه
 کافر شدند، کسانی که گفتند که: خدا سوم سه کس
 است^(۳). و هیچ «اله» نیست مگر «اله» یگانه و اگر باز نمانند
 از آنچه می گویند، خواهد رسید کافران را از ایشان^(۴)،
 عذاب درد دهنده. ﴿۷۳﴾ آیا رجوع نمی کنند به سوی
 خدا و آمرزش نمی طلبند از او؟ و خدای آمرزنده مهربان
 است. ﴿۷۴﴾ نیست عیسی پسر مریم، مگر پیغامبری،
 گذشته اند پیش از وی پیغامبران و مادر او ولیه بود، هر دو
 می خوردند طعام را. بین چگونه بیان می کنیم برای ایشان
 نشانه ها؟ باز بین چگونه گردانیده می شوند؟! ﴿۷۵﴾
 بگو: آیا عبادت می کنید بجز خدا چیزی را که نمی تواند
 برای شما زیانی و نه سودی؟ و خدا همان است شنوای دانا.
 ﴿۷۶﴾

۱- یعنی محمد، ﷺ را فرستاده، والله اعلم.

۲- اعتقاد حلول، نوعی از شرک است.

۳- یعنی در مرتبه الوهیت، سه کس هستند، یکی خدا و دیگری عیسی
 و سوم روح القدس، والله اعلم.

۴- یعنی اهل اصرار را از ایشان.

۵- یعنی از معرفت حق.

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ
وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا
كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ ﴿٧٧﴾ لُعِنَ الَّذِينَ
كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى
ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٧٨﴾
لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا
يَفْعَلُونَ ﴿٧٩﴾ تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ
كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ
اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿٨٠﴾ وَلَوْ كَانُوا
يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ
أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَسِقُونَ ﴿٨١﴾ لَتَجِدَنَّ
أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ
أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ
قَالُوا إِنَّا نَصْرِيَّ ذَلِكَ بِأَنْ مِنْهُمْ قِسِيَّيْنِ وَرُهْبَانًا
وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٨٢﴾

بگو: ای اهل کتاب! از حد مگذرید در دین خود به ناحق و
پیروی نکنید خواهش نفس قومی را که گمراه شدند پیش
از این و گمراه کردند مردمان بسیار را و کجروی کردند از
راه راست^(۱). ﴿۷۷﴾ لعنت کرده شد کافران را از بنی
اسرائیل بر زبان داود و عیسی، پسر مریم، این به سبب آن
است که نافرمانی می کردند و از حد می گذشتند. ﴿۷۸﴾
یکدیگر را منع نمی کردند از آن عمل زشت که مرتکب
آن شدند، هرآینه بد چیزی است که می کردند. ﴿۷۹﴾
بینی که بسیاری از ایشان دوستی می کنند با کافران (یعنی
با مشرکان) هرآینه بد چیزی است که پیش فرستاده است
برای ایشان نفوس ایشان، آن چیز خشم گرفتن خداست بر
ایشان و ایشان در عذاب، جاویدانند. ﴿۸۰﴾ و اگر ایمان
آوردندی به خدا و پیغامبر (یعنی پیغامبر خود) و آنچه
فروفرستاده شده است به سوی وی، البته دوست نگرفتندی
مشرکان را و لیکن بسیاری از ایشان فاسقانند. ﴿۸۱﴾
هرآینه بیابی سخت ترین مردمان در عداوت مسلمانان،
یهود و مشرکان را و هرآینه بیابی نزدیک ترین مردمان در
دوستی مسلمانان، کسانی را که گفتند: ما نصارا ایم، این به
سبب آن است که از جنس ایشان هستند دانشمندان و
گوشه نشینان و به سبب آن است که ایشان تکبر نمی کنند.

﴿۸۲﴾

۱- یعنی پیشوایان یهودیت و نصرانیت، که برای ایشان مذهب قرار داده اند،

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامَنَّا فَكُتِّبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨٢﴾ وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ ﴿٨٣﴾ فَأَنْتَبَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٤﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿٨٥﴾ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٨٦﴾ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمْ اللَّهُ حَلَلًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِءُ مُؤْمِنُونَ ﴿٨٧﴾ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَرْتُمْ بِهِ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَٰلِكَ كَفَرَةٌ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٨٨﴾

و چون بشنوند آنچه فروفرستاده شد بر پیغامبر، به بینی چشم‌های ایشان اشک می‌ریزد، به سبب آنچه شناختند از حق. می‌گویند: ای پروردگار ما! ایمان آوردیم، پس بنویس ما را با شاهدان^(۱). ﴿۸۳﴾ و چیست ما را که ایمان نیاریم به خدا و آنچه آمده است به ما از دین راست؟! و چیست ما را که طمع نکنیم که داخل کند ما را

۱- یعنی جماعتی که اکمل امت باشند، والله اعلم.

پروردگار^(۲) ما با قوم صالحان. ﴿۸۴﴾ پس جزا داد ایشان را خدا بر آن مقوله که گفتند، بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها. جاویدان آنجا، و این است جزای نیکوکاران^(۳). ﴿۸۵﴾ و کسانی که کافر شدند و به دروغ نسبت کردند آیات ما را، ایشانند اهل دوزخ. ﴿۸۶﴾ ای مؤمنان! حرام مکنید لذایذ، آنچه خدا حلال ساخته است شما را و از حد مگذرید، هر آینه خدا دوست نمی‌دارد از حد گذرندگان را. ﴿۸۷﴾ و بخورید آنچه روزی داده است شما را خدا حلال پاکیزه و بترسید از آن خدا که شما به وی ایمان آوردید^(۴). ﴿۸۸﴾ بازخواست نمی‌کند از شما خدا به لغو در سوگندهای شما و لیکن بازخواست می‌کند از شما به سبب محکم کردن سوگندها به قصد^(۵)، پس کفارت یمین منعقد، طعام دادن ده مسکین راست از جنس میانه از آنچه می‌خورانید اهل خود را یا پوشش دادن ایشان را یا آزاد کردن برده، پس هر که نیابد لازم است روزه داشتن سه روز. این است کفارت سوگندهای شما چون سوگند خورید (یعنی و حاث شوید) و نگاه دارید سوگندهای خود را^(۶). همچنین بیان می‌کند خدا برای شما آیت‌های خود را تا بود که شما شکر کنید. ﴿۸۹﴾

۲- یعنی به بهشت.

۳- مترجم گوید: در آیات مذکوره، اشارت است به فضیلت قومی از نصاری حبشه که همراه جعفر طیار به خدمت آن حضرت آمده، مسلمان شدند، والله اعلم.

۴- یعنی ترک نکاح یا ترک اکل کم و امثال آن، درست نیست، والله اعلم.

۵- مترجم گوید: یعنی به لغو، کفارت واجب نیست، چنانکه از دور شیعی بیند و به ظن گوید که و الله زید است و زید نباشد و بر یمین منعقد اگر حاث شود، کفارت واجب است، چنانکه گوید: و الله این طعام نخورم یا در این خانه در نه آیم و علی هذا القیاس، والله اعلم.

۶- یعنی تا مقدور حاث نشوید، والله اعلم.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ
وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَأَجْتَنِبُوهُ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ
بَيْنَكُمْ أَلْعَدَوَّةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ
وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ
مُنْتَهُونَ ﴿٩١﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا
فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ
﴿٩٢﴾ لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَءَامَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا
وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٣﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
لَيَبْلُوتَكُمْ اللَّهُ بَشِيرٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ
وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ
أَعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٤﴾ يَأْتِيهَا
الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَن
قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ
النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدْيًا بَالِغَ
الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَرَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ
صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهٖ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ
وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿٩٥﴾

ای مسلمانان! جز این نیست که خمر و قمار و نشانه‌های
معبودان باطل و تیرهای فال پلید است، از کردار شیطان
است، پس احتراز کنید از وی تا بُود که شما رستگار
شوید. ﴿۹۰﴾ جز این نیست که می‌خواهد شیطان که
بیاندازد در میان شما دشمنی و ناخوشی به سبب خمر و
قمار و بازدارد شما را از یاد خدا و از نماز، پس آیا الحال

شما باز ایستادید؟ ﴿۹۱﴾ و فرمانبرداری کنید خدا را و
فرمانبرداری کنید پیغامبر را و بترسید، پس اگر
روگردانیدید، پس بدانید که بر پیغامبر ما نیست مگر پیغام
رسانیدن آشکارا. ﴿۹۲﴾ نیست بر کسانی که ایمان آوردند
و عمل‌های شایسته کردند، گناهی در آنچه خوردند^(۱)،
چون پرهیزگاری کردند و ایمان آوردند و کارهای شایسته
کردند، باز پرهیزگاری کردند و ایمان آوردند، باز
پرهیزگاری کردند و نیکوکاری نمودند. و خدا دوست
می‌دار نیکوکاران را^(۲). ﴿۹۳﴾ ای مسلمانان! هرآینه
می‌آزماید شما را پروردگار شما به چیزی از شکار، برسد
به آن دست‌های شما و نیزه‌های شما، تا متمیز کند خدا
کسی را که غایبانه از وی ترسد. پس هر که تعدی کند بعد
از این، او راست عذاب درد دهنده. ﴿۹۴﴾ ای مسلمانان!
مکشید صید را چون احرام بسته باشید و هر که بکشد او را
از شما به قصد، پس واجب است جزا، و آن جزا مانند
چیزی است که او را کشته است از جنس چهارپایان، حکم
کنند به آن، دو صاحب عدالت از شما. باشد آن چهارپای
قربانی رسیده به کعبه، یا آن جزا، کفارت است طعام
فقیران یا برابر آن از روزه، تا بچشد جزای کردار خود.
عفو کرده است خدا از آنچه گذشت و هر که دیگر بار
کند. انتقام گیرد از وی خدا، و خدا غالب صاحب انتقام
است^(۳). ﴿۹۵﴾

۱- یعنی قبل از تحریم.

۲- مترجم گوید: یعنی آنچه قبل از تحریم خوردند، عفو است چون در
تقوی رسوخ پیدا کردند و این سخن بدان ماند که کسی گوید با تو
احسان کنم و باز به تو احسان کنم، به معنای آنکه پیوسته احسان کنم،
والله اعلم.

۳- مترجم گوید: جزای صید یکی از سه چیز تواند بود. مماثل صید را در
حرم ذبح کند و مماثلت نزدیک شافعی به خلقت و هیأت است و
نزدیک ابی حنیفه به قیمت یا به قیمت صید، طعام خرید نماید و به
مسکینان دهد و نزدیک شافعی هر مسکینی را مدی و نزدیک ابی
حنیفه هر مسکینی را نیم صاع از گندم یا یک صاع از جو یا به شمار
مسکینان علی اختلاف المذهبین روزه دارد، والله اعلم.

أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحَرَّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٩٦﴾ جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْآبِيَّتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلْبَيْدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٩٧﴾ أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٩٨﴾ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿٩٩﴾ قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَأْتِهَا اللَّهُ تَأْوِيلُ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠٠﴾ يَأْتِهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبَدَّ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٠١﴾ قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ ﴿١٠٢﴾ مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَثُرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٣﴾

حلال کرده شد برای شما شکار دریا و خوردن آن تا منفعت باشد برای شما و برای قافله و حرام کرده شد بر شما شکار بیابان تا وقتی که احرام بسته باشید و بترسید از آن خدا که به سوی وی حشر کرده خواهید شد. ﴿۹۶﴾ گردانید خدای تعالی کعبه را که خانه بزرگوار است، سبب انتظام امور مردمان و ماه حرام را و قربانی را و آنچه در گردنش قلاده اندازند. این بیان برای آن است که تا بدانید که خدا می‌داند آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین

است و تا بدانید که خدا به همه چیز داناست. ﴿۹۷﴾ بدانید که خدا سخت است عقوبت او، و آن که بدانید که خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۹۸﴾ نیست بر پیغامبر مگر رسانیدن پیغام و خدا می‌داند آنچه آشکارا می‌کنید و آنچه پنهان می‌کنید. ﴿۹۹﴾ بگو [ای محمد] برابر نیست پلید و پاک و اگرچه در عجب آرد تو را بسیاری پلید. پس بترسید از خدا، ای خداوندان خرد، تا رستگار شوید.^(۱) ﴿۱۰۰﴾ ای مسلمانان! سؤال مکنید از آن چیزها که اگر ظاهر کرده شود حقیقت آنها پیش شما، غمگین کند شما را و اگر سؤال کنید از آن وقتی که فرود آورده می‌شود قرآن، البته ظاهر کرده شود پیش شما. عفو کرد الله تعالی از آن سؤالات و خدا آمرزنده بردبار است.^(۲) ﴿۱۰۱﴾ هرآینه سؤال کرده بودند از مثل آن چیزها قومی پیش از شما، باز کافر شدند به آنها. ﴿۱۰۲﴾ مشروع^(۳) نکرده است خدای تعالی هیچ «بحیره» و نه «سائبه» و نه «وصيله» و نه «حام» را و لیکن کافران دروغ بر خدا می‌بندند و بسیاری از ایشان در نمی‌یابند. ﴿۱۰۳﴾

۱- مترجم گوید: یعنی مال حرام و مال حلال برابر نیست، اگرچه حرام بسیار جمع می‌شود، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: بعض مردم از آن حضرت به غیر ضرورت سؤال می‌کردند، یکی گفت پدر من کیست؟ و دیگری گفت که مرجع من بهشت است یا دوزخ؟ در این باب نازل شد.

۳- مترجم گوید: اهل جاهلیت احکامی چند اختراع کرده بودند و در آنها به قول اسلاف خود تمسک می‌نمودند، از آن جمله: بحیره و آن ماده شتری است که او را برای بتان مقرر می‌کردند و شیر او به کسی نمی‌دادند. و سائبه که برای بتان، جانور را می‌گذاشتند و بار بر پشت او نمی‌نهادند. و وصيله و آن ماده شتری است که اول بار در اول عمر شتر ماده، نر آید بعد از آن به غیر فصل دیگر بار ماده زاید، پس آن را برای بتان می‌گذاشتند و بعد از آنکه از حملی چند بچه گرفتندی او را معاف داشتندی از رکوب و جز آن او را عام گفتندی، خدای تعالی این همه را فسخ فرموده و آیت فرستاد.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَّلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٠٤﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهْدَةٌ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِّنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَبْتُمْ مَّصِيبَةَ الْمَوْتِ تَحْسِبُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ أَرَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَلَا نَكْتُمُ شَهْدَةَ اللَّهِ إِنَّآ إِذَا لَمِنَ الْأَثِمِينَ ﴿١٠٦﴾ فَإِنْ عَثَرَ عَلَى أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِنَّمَا فَآخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوَّلَيْنِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَدَتْنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَدَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٧﴾ ذَلِكَ أَدَّى أَنْ يَأْتُوا بِالْشَّهْدَةِ عَلَى وَجْهٍ أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَنٌ بَعْدَ أَيْمَنِهِمْ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْمَعُوا ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٠٨﴾

نماز عصر)، پس قسم خوردند به خدا که خرید نمی کنیم عوض سوگند خدا، بهای دنیا را و اگر چه کسی که برای نفع او گواهی می دهیم صاحب قرابت باشد و پنهان نمی کنیم گواهی خدا^(۲) را، هر آینه ما آنگاه از گناهکاران باشیم. ﴿۱۰۶﴾ پس اگر^(۳) اطلاع واقع شد بر آن که این دو گواه، حاصل کردند گناهی^(۴)، پس دو کس دیگر [که قرابت قریبه داشته باشند] بایستند به جای آنها از جماعتی که مال را حق خود ساخت هر یکی از دو گواه دروغ به زبردستی بر ایشان^(۵)، پس سوگند خوردند به خدا که گواهی ما درست تر است از گواهی از آن دو، و از حد تجاوز نکرده ایم، هر آینه ما آنگاه از ستمکاران باشیم. ﴿۱۰۷﴾ این اسلوب نزدیک تر است به آن که بیارند گواهی را بر وجه آن (یعنی بر وجه که باید در گواهی دادن) یا بترسند از آن که رد کرده شود سوگندها بعد سوگندهای ایشان^(۶) و بترسید از خدا و بشنوید حکم او را، و خدا راه نمی نماید گروه فاسقان را^(۷). ﴿۱۰۸﴾

۲- ایضا مترجم گوید: اگر مسلمانی را اتفاق سفر افتاد و در جایی که هیچ مسلمان نبود، محتضر شد، ناچار دو ذمی را ترکه خود سپرد و بر وصیت خود گواه ساخت، ایشان از آن ترکه جام نقره ای را خیانت کردند و چون اولیای میت از ایشان مطالبه نمودند، قسم خوردند که ما به آن اطلاع نداریم. بعد از آن، آن جام نزدیک صواغی پیدا شد گفت: که این دو ذمی به دست من فروختند. درین باره آیت نازل شد و دو کس از اولیای میت قسم خورده آن جام را گرفتند.

۳- توضیح: پس اگر اطلاع حاصل شد که آنها مرتکب گناهی شده اند، پس دو گواه از اقارب نزدیک میت که نسبت به اقارب دیگر میت، مستحق میراث اویند، جانشین آن دو گواه شوند.

۴- یعنی گواه حق که خدا به آن فرموده، والله اعلم.

۵- یعنی دروغ گواهی دادند و دروغ قسم خوردند.

۶- یعنی اگر کسی داند که بعد از سوگند من سوگند مدعی نخواهد بود، سوگند دروغ خورد و اگر بداند که چون کذب ظاهر شود، مدعیان را سوگند دهند و حق به سوگند ایشان ثابت شود، از سوگند دروغ احتیاط کند.

۷- مترجم گوید: تاویل آیت به مذهب شافعی آنست که مراد از شهادت، وصیت است و از منکم من اقاربکم و ذکر اثنین برای احتیاط و قسم دادن به جهت مدعی علیه بودن در این دعوی که خیانت کرده اند و تعیین صلوة عصر به جهت تغلیظ یمین و اختیار اثنین برای احتیاط و اقامت اولیان به جهت مدعی علیه بودن برایشان در دعوی که به جهت حذر خود تقریر می کند، چنانچه در صورت مذکوره دعوی اشترا کرده بودند و ﴿إِنْ أَرَبْتُمْ﴾ ﴿فَإِنْ عَثَرَ﴾ اشارت است به توجه دعوی کسی و بمذهب ابی حنیفه مانند آن است، مگر آنکه تعیین صلوة عصر به جهت آن است که قضات در محکمه همین وقت می نشستند. پس گویا که گفته شد در محکمه قضا، والله اعلم

و چون گفته شود ایشان را: بیایید به سوی آنچه فروفرستاده است خدا و به سوی پیغامبر، گویند: بس است ما را آنچه بر آن یافتیم پدران خود را، اگر چه پدران ایشان، هیچ نمی دانستند و هیچ راه نمی یافتند. ﴿۱۰۴﴾ ای مسلمانان! محافظت کنید خویشتن را. ضرر نمی رساند شما را کسی که گمراه شد، چون شما راهیاب شدید، به سوی خداست رجوع شما همه یکجا، پس خبر دهد شما را به آنچه عمل می کردید^(۱). ﴿۱۰۵﴾ ای مسلمانان! نصاب شهادت در میان شما وقت وصیت - چون برسد به یکی از شما مرگ - دو کس اند که صاحب عدالت باشند از شما یا دیگران از غیر شما، اگر شما سفر کرده باشید در زمین، پس رسد به شما مصیبت موت. اگر شک داشته باشید، بازدارید ایشان را بعد از نماز (یعنی

۱- یعنی اگر شما صلاح کردید و شرط امر معروف به جا آوردید، مخالفت مخالفان ضرر نمی کند والله اعلم.

يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا
 عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّمُ الْغُيُوبِ ﴿١٠٩﴾ إِذْ قَالَ اللَّهُ
 يَٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ
 إِذْ أُيِّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ
 وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ
 وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي
 فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ
 وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ
 بَنِي إِسْرَءِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ
 كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿١١٠﴾ وَإِذْ
 أُوحِيَتْ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ ءَامِنُوا بِي وَبِرُسُولِي قَالُوا
 ءَامَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ ﴿١١١﴾ إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ
 يَٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ
 عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ
 مُؤْمِنِينَ ﴿١١٢﴾ قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ
 قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَّقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ
 الشَّاهِدِينَ ﴿١١٣﴾

یاد کن آن روز که جمع کند خدا پیغامبران را، پس بگوید:
 چه جواب داده شد شما را؟ گویند: هیچ دانش نیست ما را،
 هر آینه تویی دانندهٔ امور پنهانی^(۱). ﴿۱۰۹﴾ آن وقت که
 گوید خدای تعالی: ای عیسی، پسر مریم! یاد کن نعمت مرا
 بر خویش و بر والدۀ خویش، چون قوت دادم تو را به روح
 القدس (یعنی برکات حظیرۀ القدس) سخن می گفتی با
 مردمان در گهواره و در حالت معمّری، و چون آموختم تو
 را کتاب و دانش و تورات و انجیل، و چون پیدا می کردی
 از گل مانند شکل مرغ به حکم من، پس دم می زدی در
 وی، پس می شد مرغی به حکم من، و به می کردی کور
 مادرزاد را و برص دار را به حکم من^(۲)، و چون بیرون
 می آوردی مردگان را به حکم من، و چون بازداشتم شرّ
 بنی اسرائیل را از تو آنگاه که آوردی نزدیک ایشان
 معجزه ها، پس گفتند کافران: از ایشان نیست این مگر سحر
 آشکارا. ﴿۱۱۰﴾ و چون الهام فرستادم به سوی حواریان
 که ایمان آرید به من و پیغامبران من، گفتند: ایمان آوردیم
 و گواه باش [یا عیسی]، بر آن که ما مسلمانی. ﴿۱۱۱﴾
 چون گفتند حواریان: ای عیسی، پسر مریم! آیا می تواند
 پروردگار تو که فروفرستد بر ما خوانی از آسمان؟ گفت
 عیسی: بترسید از خدا اگر مؤمن هستید^(۳). ﴿۱۱۲﴾ گفتند
 می خواهیم که بخوریم از آن خوان و آرام گیرد دل های ما
 و بدانیم که راست گفتی با ما و باشیم بر نزول آن از
 گواهان. ﴿۱۱۳﴾

۱- یعنی نخست از سر خضوع و نیایش، ایشان گویند در برابر تو به نسبت
 دانش ما را هیچ دانش نیست، بعد از آن گواهی دهند براست خویش،
 والله اعلم.

۲- یعنی از گور زنده برمی آوردی، والله اعلم.

۳- حاصل این است که الهام فرستادم به سوی حواریان در آن مدت که
 معجزه طلب کردند و بر حسب مراد دیدند.

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً
 مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً
 مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿۱۱۴﴾ قَالَ اللَّهُ إِنَّي
 مُنْزِلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدَ مِنْكُمْ فَإِنِّي
 أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿۱۱۵﴾ وَإِذْ
 قَالَ اللَّهُ يَٰعِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ءَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ
 اتَّخِذُونِي وَأُمِّي آلِهَتَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالِ سُبْحَانَكَ مَا
 يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ
 فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي
 نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَالِمُ الْغُيُوبِ ﴿۱۱۶﴾ مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا
 مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ
 عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مِمَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ
 أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿۱۱۷﴾
 إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِن تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ
 الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۱۸﴾ قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ
 الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
 الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا
 عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۱۱۹﴾ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۲۰﴾

گفت عیسی پسر مریم: بار خدایا! ای پروردگار ما! فرود آر
 بر ما خوانی [پراز طعام] از آسمان تا باشد عیدی برای ما و
 برای اوایل امت ما و آخر امت ما و معجزه‌ای از جانب تو.
 و روزی ده ما را و تو بهترین روزی دهندگانی. ﴿۱۱۴﴾
 گفت خدا: من فرود آورنده‌ام آن را بر شما، پس هر که از
 شما کافر شود بعد از این، پس من تعذیب کنم او را عذابی
 که تعذیب نکنم به آن هیچ یک را از اهل عالم^(۱). ﴿۱۱۵﴾
 و یاد کن آن وقت که گوید خدا: ای عیسی، پسر مریم!
 آیا تو گفتی به مردمان که خدا گیرید مرا و مادر مرا، بجز
 الله تعالی؟!^(۲) گفت: به پاکی یاد می‌کنم تو را، نزد
 مراکه بگویم آنچه لایق من نیست. اگر گفته باشم این
 قول، پس تو آن را دانسته‌ای، می‌دانی آنچه در ضمیر من
 است و نمیدانم آنچه در ضمیر تو است، هر آینه تو داننده
 امور پنهانی. ﴿۱۱۶﴾ نگفته‌ام ایشان مگر آنچه فرموده
 بودی مرا به آن که پرستید خدا را، پروردگار من و
 پروردگار شما و بودم بر ایشان نگهبان، مادامی که در میان
 ایشان بودم. پس وقتی که برگرفتی مرا^(۳)، تو بودی نگهبان
 بر ایشان و تو بر همه چیز، نگهبانی. ﴿۱۱۷﴾ اگر عذاب
 کنی ایشان را، پس ایشان بندگان تواند و اگر بیامری
 ایشان را، پس تویی غالب استوارکار. ﴿۱۱۸﴾ گوید خدا:
 که این روزی است که نفع کند در آن راستگویان را
 راستی ایشان، ایشان را باشد بوستان‌ها، می‌رود زیر آن
 جوی‌ها، جاویدان آنجا همیشه، خوشنود شد خدا از ایشان
 و خوشنود شدند ایشان از خدا، این است رستگاری بزرگ.
 ﴿۱۱۹﴾ خدا راست، پادشاهی آسمان‌ها و زمین و آنچه در
 آنهاست و او بر همه چیز تواناست. ﴿۱۲۰﴾

۱- مترجم گوید: بعد از آن خوانی نازل شد از آسمان بروی گوشت و نان،
 پس خوردند و سیر شدند، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: خدای تعالی روز قیامت نعمت‌های خود را بر عیسی یاد
 دهد، بعد از آن سؤال کند که خود را اله می‌گفتی یا نه به جهت تأکید

و برای قطع شبهه نصاری بآبلغ وجوه، والله اعلم. (فتح الرحمن).

۳- یعنی بر آسمان بردی مرا.

سُورَةُ الْأَنْعَامِ

سوره أنعام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ
الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ
﴿١﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلًا
وَأَجَلَ مُُسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمُوتُونَ ﴿٢﴾ وَهُوَ اللَّهُ
فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ
وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ ﴿٣﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ
آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا
بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَتْبَؤُا مَا كَانُوا
بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٥﴾ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ
مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ
وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ
بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿٦﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي
قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ
هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧﴾ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ
وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكَ لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يَنْظُرُونَ ﴿٨﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان

ستایش آن خدایی راست که آفرید آسمان‌ها و زمین را و پیدا
کرد تاریکی‌ها و روشنی، باز کافران با پروردگار خویش
برابری کنند^(۱). ﴿۱﴾ اوست آن که بیافرید شما را از گِل، باز
مقرر کرد وقت مرگ را و مدتی معین هست نزدیک او^(۲)، باز
شما شک می‌کنید. ﴿۲﴾ و اوست خدا^(۳) در آسمان‌ها و در
زمین، می‌داند پنهان شما و آشکار شما و می‌داند آنچه عمل
می‌کنید. ﴿۳﴾ و نمی‌آید به کافران هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های
پروردگار ایشان، إلا از آن روگردان شدند. ﴿۴﴾ پس ثابت شد
که ایشان به دروغ نسبت کردند، چون بیامد به ایشان. پس
خواهد آمد به ایشان جزای آنچه به وی تمسخر می‌کردند^(۴).
﴿۵﴾ آیا ندیده‌اند که چقدر هلاک کرده‌ایم پیش از ایشان از
امت‌ها که استقرار داده بودیم ایشان را در زمین، آن قدر که
استقرار نداده‌ایم شما را و فرستاده بودیم باران بر ایشان پی در
پی ریزنده، و پیدا کردیم جوی‌ها که می‌رفت از زیر ایشان^(۵).
پس هلاک کردیم ایشان را به گناهان ایشان و پیدا کردیم بعد
از ایشان امتی دیگر (یعنی مردمانی دیگر). ﴿۶﴾ و اگر
فروفرستادیم بر تو نوشته‌ای در ورقی، پس مساس می‌کردند آن
را به دست خود، گفتندی کافران: نیست این مگر سحر
ظاهر^(۶). ﴿۷﴾ و گفتند کافران: چرا نفرود فرود آورده شده بر
پیغامبر، فرشته^(۷) و اگر فروفرستادیم فرشته را، البته به انجام
رسانیده شدی کار، باز مهلت داده نشوند^(۸). ﴿۸﴾

۱- یعنی معبودان باطل را.

۲- یعنی برای قیام قیامت.

۳- یعنی متصرف و فرمانروا.

۴- یعنی با صدق آن خبر داد، والله اعلم.

۵- یعنی زیر مساکن ایشان.

۶- یعنی تعصب ایشان به مرتبه‌ای است که اگر نزول کتاب را به حس
ظاهر ببینند نیز، انکار کنند.

۷- یعنی به وجهی که ما آن را به حس ظاهر ببینیم، والله اعلم.

۸- یعنی ظهور ملائکه به این وجه، مستلزم هلاک ایشان است در حکمت
الهی، والله اعلم.

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلِبْسُونَ ﴿٩﴾ وَلَقَدْ اسْتَهْزَأُ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿١٠﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظِرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿١١﴾ قُلْ لِّمَن مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ لِيَجْمَعَ كُفْرُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾ ۞ وَلَهُ مَّا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٣﴾ قُلْ أَغَيَّرَ اللَّهُ أَخْذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٤﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾ مَن يُصِرْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿١٦﴾ وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمَسُّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١٨﴾

و اگر می کردیم آن فرستاده را فرشته، لازم می شد که کنیمش مردی (یعنی شکل مردی) و هرآینه مشتبه می کردیم بر ایشان بر آنچه الحال اشتباه می کنند. ﴿٩﴾ و هرآینه تمسخر کرده شد به پیغامبران پیش از تو. پس فرود آمد به تمسخر کنندگان از ایشان، جزای آنچه به آن تمسخر کردند^(۱). ﴿١٠﴾ بگو: سیر کنید در زمین، باز نظر کنید چگونه شد آخر کار دروغ دارندگان. ﴿١١﴾ بگو: که راست آنچه در آسمانها و زمین است؟ بگو: خدای راست، لازم کرد بر خود مهربانی. البته جمع کند شما را در روز قیامت، هیچ شک نیست در آن. آنان که زیان کردند در حق خویشتن، پس ایشان ایمان نمی آرند. ﴿١٢﴾ و او راست آنچه ساکن شد در شب و روز و اوست شنوای دانا. ﴿١٣﴾ بگو: آیا دوستی گیرم بجز خدای پیدا کننده آسمانها و زمین؟ و او رزق می دهد و رزق داده نمی شود. بگو: هرآینه امر کرده شده است مرا که باشم نخستین مسلمانان (یعنی از این امت) و فرموده شد که مباش از شریک مقرر کنندگان. ﴿١٤﴾ بگو: هرآینه من می ترسم، اگر نافرمانی پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ. ﴿١٥﴾ هر که عذاب باز داشته شود از وی آن روز، پس مهربانی کرد خدای بر وی و این است مطلب یابی ظاهر. ﴿١٦﴾ و اگر سختی رساند خدا به تو، پس هیچ دفع کننده نیست آن را مگر او، و اگر نعمت رساند به تو، پس او بر همه چیز تواناست. ﴿١٧﴾ و اوست غالب بالای بندگان خود و اوست دانای آگاه. ﴿١٨﴾

۱- یعنی جزای کلمه که به طریق سخریه به اینها می گفتند.

قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي
وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ
وَمَنْ بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ عَالِهَةً
أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنِّي
بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿١٩﴾ الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ
يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا
أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى
عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ
الظَّالِمُونَ ﴿٢١﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ
أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَائُكُمْ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٢٢﴾ ثُمَّ
لَمْ تَكُنْ فَتَنْتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا
مُشْرِكِينَ ﴿٢٣﴾ أَنْظِرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ
عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ
وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي ءَادَانِهِمْ
وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا
جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا
إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٥﴾ وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْهَوْنَ
عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَوْ
تَرَى إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا
نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبَّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٧﴾

بگو: چه چیز برتر است در باب شهادت؟^(۱) بگو: خداست،
وی اظهار حق کننده است میان من و میان شما، و وحی
کرده شد به سوی من این قرآن، تا بیم کنم شما را به آن و
بیم کنم آن را نیز که قرآن به او برسد. آیا شما اثبات
می کنید که با خدا هستند خدایان دیگر؟ بگو: من اثبات
نمی کنم. بگو: جز این نیست که او خدای یگانه است و
هرآینه من بیزارم از آنچه شما شریک مقرر می کنید.
﴿۱۹﴾ آنان که ایشان را کتاب داده ایم، می شناسند حقیقت
این قول را^(۲)، چنانکه می شناسند پسران خود را. آنان که
زیانکار شدند در حق خویشان، ایشان ایمان نمی آرند.
﴿۲۰﴾ و کیست ستمکارتر از کسی که بر بست بر خدا
دروغ را یا به دروغ نسبت کرد آیات او را؟ هرآینه
رستگار نمی شوند ستمکاران. ﴿۲۱﴾ و یاد کن آن روز که
حشر کنیم ایشان را، همه یکجا. باز گویم مشرکان را:
کجایند شریکان شما که ایشان را به ظن اثبات می کردید؟
﴿۲۲﴾ بعد از آن نباشد عذر ایشان مگر آن که گویند: قسم
به خدا، پروردگار ما که مشرک نبودیم! ﴿۲۳﴾ بنگر
چگونه دروغ گفتند بر خویشان و گم گشت از ایشان آنچه
افترا می کردند. ﴿۲۴﴾ و از ایشان کسی هست که گوش
می نهد به سوی تو و پیدا کرده ایم بر دل ایشان پرده ها تا
نفهمند آن را و در گوش ایشان گرانی را. و اگر ببینند هر
معجزه ای ایمان نیارند به آن، تا وقتی که ببینند پیش تو
مکابره کنان با تو. گویند این کافران: نیست این مگر
قصه های پیشینیان. ﴿۲۵﴾ و ایشان منع می کنند از متابعت او
و دور می شوند از متابعت او و هلاک نمی کنند مگر
خویشان را و نمی دانند. ﴿۲۶﴾ و [تعجب کنی] اگر ببینی
ایشان را وقتی که بازداشته شوند نزدیک آتش، پس
گویند: ای کاش ما بازگردانیده شویم! پس به دروغ نسبت
نکنیم آیات پروردگار خویش را و شویم از مسلمانان.
﴿۲۷﴾

۱- یعنی اظهار حق کردن، والله اعلم.

۲- یعنی کلمه توحید.

بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا يُحْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٢٨﴾ وَقَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَوْ تَرَى إِذْ وَقَفُوا عَلَى رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبِّنَا قَالَ فَذُقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٠﴾ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَحْسِرْتَنَا عَلَى مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ ﴿٣١﴾ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٣٢﴾ قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لِيَحْزَنَكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَى مَا كَذَّبُوا وَآوَدُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِيِّ الْأُرْسَلِينَ ﴿٣٤﴾ وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ أُسْطِطِعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٣٥﴾

نه، بلکه ظاهر شد ایشان را جزای آنچه می پوشیدند پیش از این (یعنی جزای عقاید باطله را) و اگر بازگردانیده شوند، البته رجوع کنند به سوی آنچه منع کرده می شدند و هرآینه ایشان دروغگویانند. ﴿۲۸﴾ و گفتند: نیست هیچ حیات مگر زندگانی این جهانی ما و نیستیم ما

برانگیختگان^(۱). ﴿۲۹﴾ و [تعجب کنی] اگر بینی آنگاه که بازداشته شوند به حضور پروردگار خویش، بگویند: آری این درست نیست؟ گویند: آری درست است، قسم پروردگار ما. گویند: پس بچشید عذاب را به سبب آن که کافر بودید. ﴿۳۰﴾ به تحقیق زیانکار شدند آنان که به دروغ نسبت کردند ملاقات خدا را، تا آنگاه که بیاید به ایشان قیامت، ناگهان، گویند: ای پشیمانی ما بر تقصیر ما در باب قیامت، و ایشان، بردارند بارهای خویش را^(۲) بر پشت های خویش. آگاه شوید! بد چیزی است آنچه برمی دارند! ﴿۳۱﴾ و نیست زندگانی دنیا مگر بازی و لهو و هرآینه سرای آخرت، بهتر است متقیان را، آیا در نمی یابید؟ ﴿۳۲﴾ هرآینه می دانیم که اندوهگین می کند تو را آنچه ایشان می گویند، پس هرآینه ایشان به دروغ نسبت نمی کنند تو را فقط، و لیکن ستمکاران آیات خدا را انکار می کنند. ﴿۳۳﴾ و هرآینه به دروغ نسبت کرده شد پیغامبران را پیش از تو، پس صبر کردند بر تکذیب خویش و رنجانیده شدن خویش تا آن که بیامد به ایشان نصرت ما و نیست هیچ تغییر دهنده وعده های خدا را، و هرآینه آمد به تو بعض خبر پیغامبران. ﴿۳۴﴾ و اگر گران شده باشد بر تو روگردانی ایشان، پس اگر می توانی که بجویی سوراخی در زمین یا نردبانی در آسمان، پس بیاری پیش ایشان معجزه^(۴) و اگر خواستی خدا، جمع ساختی ایشان را بر هدایت، پس مباش از جاهلان. ﴿۳۵﴾

۱- یعنی منکر حشرند، والله اعلم.

۲- یعنی گناهان خویش را.

۳- یعنی عمل بد به شکل خیلی نهایت زشتی و ناخوشی شده بر پشت او بنهند.

۴- یعنی از آنجاکه می توانی که معجزه بیاری، بیار. حاصل آن است که تفویض کن امر خود را بر خدا، والله اعلم.

﴿۳۵﴾ إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿۳۶﴾ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنْزِلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۷﴾ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَّا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴿۳۸﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَن يَشَاءِ اللَّهُ يُضْلِلْهُ وَمَن يَشَاءُ يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿۳۹﴾ قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنِ أَنْتَكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۴۰﴾ بَلْ إِلَٰهَهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ ﴿۴۱﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ ﴿۴۲﴾ فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَٰكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۴۳﴾ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ ﴿۴۴﴾

جز این نیست که قبول می کنند آنان که می شنوند، و مردگان (یعنی کافران) برانگیزد ایشان را خدا، باز به سوی او گردانیده شوند. ﴿۳۶﴾ و گفتند: چرا نفروده آورده شده بر پیغامبر، نشانه ای از جانب پروردگار^(۱) او. بگو: هر آینه خدا قادر است بر آن که فروفرستد آیتی و لیکن اکثر ایشان نمی دانند. ﴿۳۷﴾ و نیست هیچ جانوری در زمین و نه هیچ پرنده که می پرد به دو بال خود مگر ایشان جماعت های اند مانند شما. فرو گذاشت نکرده ایم در کتاب (یعنی لوح محفوظ) هیچ چیزی را، باز به سوی پروردگار خود حشر کرده خواهند شد. ﴿۳۸﴾ و کسانی که به دروغ نسبت کردند آیات ما را، کرانند و گنگانند در تاریکی هابند. هر که را خواهد خدا، گمراه کندش و هر که را خواهد، به راه راست گرداندش. ﴿۳۹﴾ بگو: آیا دیدید اگر بیاید به شما عذاب خدا یا بیاید به شما قیامت، آیا به غیر خدا تضرع می کنید، اگر راستگو هستید؟ ﴿۴۰﴾ نه، بلکه خاص به جناب او دعا می کنید، پس دفع می کند آنچه دعا می کنید برای دفع آن، اگر خواهد، و فراموش می کنید آن چیز را که او را شریک مقرر کردید. ﴿۴۱﴾ و هر آینه فرستادیم به سوی امتان پیش از تو^(۲)، پس در گرفت کردیم ایشان را به تنگی معیشت و بیماری، تا زاری کنند. ﴿۴۲﴾ پس چرانه زاری کردند وقتی که آمد به ایشان عذاب ما؟ و لیکن سخت شد دل ایشان و زینت داد در نظر ایشان شیطان آنچه می کردند. ﴿۴۳﴾ پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شد ایشان را، به آن گشاده ساختیم بر ایشان درهای همه چیز^(۳)، تا آن هنگام که شادمان گشتند به آنچه داده شد ایشان را، در گرفت کردیم ایشان را ناگهان، پس شدند ناامید شونده. ﴿۴۴﴾

۱- یعنی از آن نشانه ها که می طلبیدند، والله اعلم.

۲- یعنی پیغامبران.

۳- یعنی به استدراج، نعمت های فراوان دادیم، والله اعلم.

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ ﴿٤٥﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ
 وَأَبْصَرَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُ اللَّهِ
 يَأْتِيَكُمْ بِهِ أَنْظَرُ كَيْفَ نَصَرِفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ
 يَصْدِفُونَ ﴿٤٦﴾ قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ
 بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ ﴿٤٧﴾
 وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ
 ءَامَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٤٨﴾
 وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا
 يَفْسُقُونَ ﴿٤٩﴾ قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ
 وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَيْتُ
 إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ
 أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ﴿٥٠﴾ وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ
 يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا
 شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٥١﴾ وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ
 رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ
 مِنْ حِسَابِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِّنْ
 شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٢﴾

پس بریده شد بیخ گروه ستمکاران و سپاس خدای راست،
 پروردگار عالم‌ها. ﴿۴۵﴾ بگو: آیا دیدید اگر بازگیرد خدا
 شنوایی شما را و چشمهای شما را و مهر کند بر دل‌های
 شما، کیست خدا، غیر الله تعالی که آن را بیارد به شما؟
 بین چگونه گوناگون بیان می‌کنیم آیت‌ها را، باز ایشان
 روگردان می‌شوند! ﴿۴۶﴾ بگو: آیا دیدید اگر بیاید به
 شما عذاب خدا ناگهان یا آشکارا، آیا هلاک کرده
 شوند^(۱) مگر قوم ستمکاران؟ ﴿۴۷﴾ و نمی‌فرستیم
 پیغامبران را مگر بشارت دهنده و بیم کننده، پس هر که
 ایمان آورد و نیکوکاری کرد، پس هیچ ترس نبود بر ایشان
 و نه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۴۸﴾ و کسانی که به دروغ
 نسبت کرده‌اند آیات ما را، برسد به ایشان عذاب به سبب
 فاسق بودن ایشان. ﴿۴۹﴾ بگو: نمی‌گویم به شما که
 نزدیک من است خزینه‌های خدا و نمی‌گویم که می‌دانم
 غیب را و نمی‌گویم به شما که من فرشته‌ام. پیروی نمی‌کنم
 مگر چیزی را که وحی کرده شد به سوی من، بگو: آیا
 برابر می‌شود نابینا و بینا؟ آیا تأمل نمی‌کنید؟ ﴿۵۰﴾ و
 بترسان به قرآن (یعنی پند ده به قرآن) کسانی را که
 می‌ترسند از آن که حشر کرده شوند به سوی پروردگار
 خویش، نباشد ایشان را بعجز خدا هیچ دوستی و نه سفارش
 کننده تا پرهیزگاری کنند. ﴿۵۱﴾^(۲) و دور مکن کسانی را
 که مناجات می‌کنند به پروردگار خویش بامداد و مساءً،
 می‌طلبند روی او را. نیست بر تو از حساب ایشان چیزی و
 نیست از حساب تو بر ایشان چیزی، تا برانی ایشان را که
 آنگاه باشی از ستمکاران. ﴿۵۲﴾

۱- یعنی هلاک کرده نشوند.

۲- رؤسای کفار به آن حضرت گفتند: ما را عار است که با فقرای مسلمین
 صحبت داریم، ایشان را از مجلس خود یکسو کن تا با تو بنشینیم،
 خدای تعالی آیت فرستاد.

﴿وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا﴾.

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٦٠﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفْرِطُونَ ﴿٦١﴾ ثُمَّ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ﴿٦٢﴾ قُلْ مَنْ يُنْجِيكُمْ مِّنْ ظُلُمَاتٍ أَلْبَرَّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنجَيْنَا مِنْ هَذِهِ لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّكْرِينَ ﴿٦٣﴾ قُلِ اللَّهُ يُنْجِيكُم مِّنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿٦٤﴾ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضُكُم بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظِرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ﴿٦٥﴾ وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَّسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿٦٦﴾ لِّكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٦٧﴾ وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٦٨﴾

و اوست آن که قبض روح شما می کند به شب^(۱) و می داند آنچه کسب کردید به روز، باز برمی انگیزد شما را در روز تا به انجام رسانیده شود میعاد معین، باز به سوی او بازگشت شما است، باز خبر دهد شما را به آنچه می کردید. ﴿۶۰﴾ و اوست غالب بالای بندگان خود و می فرستد بر شما ملائکه نگهبان تا وقتی که بیاید به کسی از شما مرگ، قبض روح او کنند فرستادگان ما و ایشان تقصیر نمی کنند. ﴿۶۱﴾ باز گردانیده شوند مردگان به سوی الله، خداوند ایشان که حق است، مر او را است حکم و او سریع ترین حساب کنندگان است. ﴿۶۲﴾ بگو: کیست که می رهاوند شما را از تاریکی های بیابان و دریا^(۲)، مناجات می کنید به جناب او به زاری و نیاز پنهانی. می گوید: اگر رهایی دهد ما را از این محنت، هرآینه باشیم از شکر کنندگان. ﴿۶۳﴾ بگو: خدا می رهاوند شما را از آن محنت و از هر اندوهی، باز شما شریک او مقرر می کنید! ﴿۶۴﴾ بگو: اوست توانا بر آن که فرستد بر شما عذابی از بالایی شما^(۳) یا از زیر پاهای شما^(۴) و جمع کند شما را گروه گروه و بچشانند بعض شما را جنگ بعض^(۵). بنگر چگونه گوناگون می کنیم آیات ها را تا بفهمند. ﴿۶۵﴾ و به دروغ نسبت کردند قرآن را قوم تو و آن راست است. بگو: نیستم بر شما نگاهبان. ﴿۶۶﴾ هر خبر را میعاد است و خواهید دانست. ﴿۶۷﴾ و چون بینی آنان را که بحث شروع می کنند در آیت های ما، پس روبگردان از ایشان تا وقتی که بحث شروع کنند در سخنی غیر وی و اگر فراموش گرداند تو را شیطان، پس منشین بعد یاد آوردن، با گروه ستمکاران. ﴿۶۸﴾

۱- یعنی وقت نوم.

۲- یعنی از مصیبت های بیابان و دریا.

۳- یعنی چنانکه سنگ بر قوم لوط بارید.

۴- یعنی چنانکه قارون به زمین رفت.

۵- یعنی افواج متعدده پیدا شود و با یکدیگر جنگ کنند.

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ
وَلَكِنْ ذِكْرٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٦٩﴾ وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا
دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَعَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ
أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ
وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلُّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا
أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ
حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٧٠﴾ قُلْ
أَنْدَعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُزِدْ
عَلَى أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْنَا اللَّهَ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ
الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانًا لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ
وَأَلْهَى الْأَلْهَى أَتَيْنَا قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى
وَأَمْرُنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾ وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ
وَأَتَّقُوا وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُخْشَرُونَ ﴿٧٢﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ
قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عِلْمُ
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿٧٣﴾

و نیست بر کسانی که پرهیزگاری کردند از حساب کافران
چیزی ولیکن بر ایشان لازم است پند دادن، تا شود که
پرهیزگاری کنند. ﴿٦٩﴾ و بگذار کسان را که دین خود
گرفتند بازی و لهو، و فریفت ایشان را زندگانی دنیا، و پند
ده به قرآن برای احتیاط از آن که به مهلکه گذاشته شود
نفسی را به سبب آنچه کرده است. نیست او را بجز خدا
هیچ دوست و نه شفاعت کننده و اگر عوض خود دهد هر
فدیه‌ای که تواند، گرفته نشود از وی. آن جماعت، آناند
که به مهلکه گذاشته شدند به وبال آنچه کردند. ایشان
راست، آشامیدنی از آب جوشانیده و ایشان راست، عذاب
درد دهنده به سبب آن که کافر بودند. ﴿٧٠﴾ بگو: آیا
مناجات کنیم بجز خدا کسی را که نفع ندهد ما را و زیان
نرساند ما را؟ و بازگردانیده شویم برپاشنه‌های خود بعد از
آن که راه راست نموده است ما را خدا؟ مانند کسی که
گمراه کرده باشند او را پریان، در زمین حیران مانده. مر او
را یاراند که می‌خوانندش به سوی راه راست که بیا به
سوی ما. بگو: هرآینه هدایت خدا همان انست هدایت
حقیقی و فرموده شده است ما را که منقاد شویم پروردگار
عالم‌ها را. ﴿٧١﴾ و فرموده شد که: برپا دارید نماز را و
بترسید از خدا و اوست آن که به سوی او حشر کرده
خواهید شد. ﴿٧٢﴾ و اوست آن که بیافرید آسمان‌ها و
زمین به تدبیر محکم و روزی که بفرماید^(۱) که بشو! پس
می‌شود. سخن او درست است و مر او راست پادشاهی
روزی که دمیده شود در صور، داننده پنهان و آشکار است
و اوست استوار کار آگاه. ﴿٧٣﴾

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ عَازَرَ اتَّخِذْ أَصْنَامًا ؕ إِلَهًا
 إِلَيَّ أَرْنِكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٧٤﴾ وَكَذَلِكَ نُرِي
 إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ
 الْمُوقِنِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا ۖ قَالَ
 هَٰذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ ﴿٧٦﴾ فَلَمَّا
 رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَيْنَ لَمْ
 يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ ﴿٧٧﴾ فَلَمَّا
 رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَٰذَا رَبِّي هَٰذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا
 أَفَلَتْ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٧٨﴾ إِنِّي
 وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا ۖ
 وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٧٩﴾ وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ ۚ قَالَ
 أَتُحِبُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ ۖ وَلَا أَخَافُ مَا
 تُشْرِكُونَ بِهِ ۚ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا ۚ وَسِعَ رَبِّي كُلَّ
 شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٨٠﴾ وَكَيْفَ أَخَافُ مَا
 أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ
 يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ
 بِالْأَمْنِ ۖ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨١﴾

و یاد کن چون گفت ابراهیم پدر خود، آزر را: آیا خدا
 می گیری بتان را؟ هر آینه من می بینم تو را و قوم تو را در
 گمراهی ظاهر. ﴿۷۴﴾ و همچنین می نمودیم ابراهیم را
 ملک آسمان ها و زمین تا او از یقین کنندگان باشد^(۱).
 ﴿۷۵﴾ پس چون تاریک شد بر وی شب، دید ستاره،
 گفت: این است پروردگار من! پس وقتی که فرو رفت،
 گفت: دوست ندارم فروروندگان را. ﴿۷۶﴾ پس چون
 دید ماه را طلوع کرده، گفت: این است پروردگار من! پس
 وقتی که فرورفت، گفت: اگر هدایت نکند مرا پروردگار
 من، شوم از گروه گمراهان. ﴿۷۷﴾ پس وقتی که دید
 آفتاب را طلوع کرده، گفت: این است پروردگار من! این
 بزرگ تر است! پس چون فرورفت، گفت؟ ای قوم من!
 هر آینه من بیزارم آنچه شریک مقرر می کنید. ﴿۷۸﴾
 هر آینه متوجه ساختم روی خود را به سوی کسی که
 بیافرد آسمان ها و زمین در حالتی که حنیفم و نیستم از
 مشرکان. ﴿۷۹﴾ و جدال کردند با او قوم او، گفت: آیا
 جدال می کنید با من در باب خدا و به تحقیق هدایت کرده
 است مرا؟ و نمی ترسم از آنچه شما شریک مقرر می کنید
 با خدا و لیکن می ترسم از آن که خدا اراده کند چیزی^(۲)
 را و احاطه کرده است پروردگار من به همه چیز از جهت
 دانش، آیا پند نمی گیرید. ﴿۸۰﴾ و چگونه ترسم از کسی
 که او را شریک مقرر می کنید و شما نمی ترسید از آن که
 شریک خدا مقرر کردید چیزی را که فرونفرستاده است بر
 شما دلیلی برای آن، پس کدام یک از این دو گروه
 سزاوارتر است به من؟ بگویید اگر می دانید؟ ﴿۸۱﴾

۱- یعنی چنانکه بروی ظاهر کردیم که بتان لائق عبادت نیستند، نیز ظاهر
 ساختیم که ستاره و هرچه در آسمان ها است و زمین، لائق عبادت

نیست و واو در ﴿وَلْيَكُونُ﴾ زائده است، والله اعلم.

۲- یعنی از انواع محنت.

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا اِيْمَانَهُمْ بِظُلْمٍ اُولَئِكَ لَهُمُ
 الْاَمْنُ وَهُمْ مُّهُتَدُونَ ﴿٨٢﴾ وَتِلْكَ حُجَّتُنَا اَتَيْنَهَا
 اِبْرَاهِيْمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَتٍ مِّنْ نَّشَأٍۭ إِنَّ رَبَّكَ
 حَكِيْمٌ عَلِيْمٌ ﴿٨٣﴾ وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ اِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا
 هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ
 وَسُلَيْمٰنَ وَاَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسٰى وَهَارُونَ وَكَذٰلِكَ
 نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٨٤﴾ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيٰى وَعِيسٰى
 وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿٨٥﴾ وَاسْمٰعِيْلَ وَالْيَسَعَ
 وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعٰلَمِيْنَ ﴿٨٦﴾ وَمِنْ
 اَبَائِهِمْ وَذُرِّيَّتِهِمْ وَاِخْوَانِهِمْ وَاَجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ
 اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٨٧﴾ اِلَيْكَ هُدٰى اللّٰهُ يَهْدِيۡ بِهٖ
 مَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖۚ وَلَوْ اَشْرَكُوْا لَحَبَطَ عَنْهُمْ مَّا
 كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٨٨﴾ اُولَئِكَ الَّذِيْنَ اَتَيْنَاهُمُ الْكِتٰبَ
 وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَۙ فَاِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَآءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا
 بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوْا بِهَا بِكَافِرِيْنَ ﴿٨٩﴾ اُولَئِكَ الَّذِيْنَ
 هَدٰى اللّٰهُ فَيُهْدِيْهِمْ اَقْتَدِهٖۙ قُلْ لَا اَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ
 اَجْرًا اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعٰلَمِيْنَ ﴿٩٠﴾

ایمان خود را به شرک، آن جماعت ایشان راست، ایمنی و
 ایشانند راه یافتگان. ﴿۸۲﴾ و این است حجت ما، دادیمش
 ابراهیم را بر قوم. بلندی می کنیم در مراتب هر که را
 می خواهیم، هر آینه پروردگار تو استوارکار داناست.
 ﴿۸۳﴾ و عطا کردیم ابراهیم را اسحق و یعقوب، هر یکی
 را از ایشان هدایت کردیم و نوح را هدایت کردیم پیش از
 این و از اولاد ابراهیم راه نمودیم داود و سلیمان و ایوب و
 یوسف و موسی و هارون را و همچنین جزا می دهیم
 نیکوکاران را. ﴿۸۴﴾ و هدایت کردیم زکریّا و یحیی و
 عیسی و الیاس را، هر یک از صالحان بود. ﴿۸۵﴾ و
 هدایت کردیم اسمعیل و یسع و یونس و لوط را و هر یک
 را فضل دادیم بر اهل زمان. ﴿۸۶﴾ و هدایت کردیم بعض
 را از پدران ایشان و اولاد ایشان و برادران ایشان و
 برگزیدیم ایشان را و دلالت کردیم ایشان را به سوی راه
 راست. ﴿۸۷﴾ این است هدایت خدا، دلالت می کند بدان
 هر که را خواهد از بندگان خویش و اگر شریک مقرر
 می کردند، نابود شدی از ایشان آنچه کرده بودند. ﴿۸۸﴾
 این جماعت، آنانند که دادیم ایشان را کتاب و حکمت و
 پیغامبری، پس اگر کافر شوند به آیات قرآن [این کافران]
 پس ما مقرر ساختیم [برای ایمان به آنها] گروهی را که
 هرگز کافر نشوند^(۱). ﴿۸۹﴾ این جماعت انبیاء کسانی اند
 که هدایت کرد ایشان را خدا، پس به روش ایشان اقتدا
 کن. بگو: سؤال نمی کنم از شما هیچ مزد بر تبلیغ قرآن،
 نیست این مگر پند، عالم ها را^(۲). ﴿۹۰﴾

۱- یعنی مهاجرین و انصار و سائر اخیار، والله اعلم.

۲- یعنی چنانکه انبیا صبر کردند بر ایذای کفار، تو نیز صبر کن، والله اعلم.

(خدای تعالی فرمود): کسانی که ایمان آوردند و نیامیختند

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِّن شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ ﴿٩١﴾ وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩٢﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُو أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٩٣﴾ وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرْكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٩٤﴾

و صفت نکردند یهود، خدا را حق صفت او، چون گفتند فرونفرستاده است خدا بر هیچ آدمی چیزی. بگو که: فروفرستاد کتابی که آورده است او را موسی روشنی و هدایت مردمان را، می گردانید او را دو قسم ورقها، آشکارا می کنید آن را و پنهان می کنید بسیاری را و آموخته شدید (یعنی در قرآن) آنچه نمی دانستید شما و نه پدران شما می دانستند^(۱). بگو: خدا فرود آورد باز بگذار

۱- یعنی کتمان آیات تورات را قرآن اظهار کرد و الا سابق به یقین نمی دانستند.

ایشان را در بحث ایشان در حالتی که بازی می کنند^(۲). ﴿۹۱﴾ و این قرآن کتابی است که فرستادیم او را با برکت، باور دارنده آنچه پیش از وی بود، و تا بیم کنی اهل مکه را و کسانی را که گرد مکه ساکنند و معتقدان آخرت، البته ایمان می آورند به قرآن و ایشان بر نماز خود، محافظت می کنند^(۳). ﴿۹۲﴾ و کیست ستمکارتر از کسی که بر بست بر خدا دروغی^(۴) یا گفت: وحی فرستاده شده است به من و به حقیقت نفرستاده شده است به سوی او چیزی، و از کسی که گفت: فرود خواهم آورد مانند آنچه فرود آورده خدا^(۵). [تعجب کنی] چون بنگری وقتی که ظالمان در شدايد مرگ باشند و فرشتگان، دست خود را دراز می کنند^(۶)، می گویند: بیرون آرید روح های خود را، امروز جزا داده خواهید شد عذاب رسوا کننده به سبب آن که می گفتید بر خدا ناحق و به سبب آن که از تصدیق آیات او سرکشی می کردید. ﴿۹۳﴾ و گوئیم: هرآینه آمدید پیش ما تنها چنانکه آفریده بودیم شما را اول بار و بگذاشتید آنچه عطا کرده بودیم شما را پس پشت خویش، و نمی بینیم با شما شفاعت کنندگان شما را، آن که گمان می کردید که ایشان در تربیت شما شریکان خدايند، هرآینه بریده شد پیوند میان شما و گم شد از شما آنچه گمان می بردید. ﴿۹۴﴾

۲- حاصل آن است که اگر یهود گویند که خدای تعالی به هیچ بشر وحی نمی فرستد، نقض کرده می شود به تورات و اگر گویند می فرستد، استبعاد فرستادن قرآن مجرد تعصب است پس ﴿إِذْ قَالُوا﴾ به جای این قالوا گفته شود.

۳- مترجم گوید: انداز اولاً عرب را کرده شد که زبان عربی می فهمند ثانیاً جمیع اهل ارض را به واسطه ترجمه، پس این جا انداز اول مراد است، مانند آیت: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ﴾ [الجمعة: ۲]. الایه. و در آیت: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۷]. از اولی و ثانوی، والله اعلم.

۴- یعنی اعتقاد کرد مثلاً که به حائر و سوائب از امرالهی است و اتفاق سلف، دلیل بر آن است، والله اعلم.

۵- یعنی انشای کتابی مثل قرآن خواهم کرد و انشا را به طریق مشاکلت انزال گفته شد.

۶- یعنی می زنند، والله اعلم.

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالْتَوَىٰ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ﴿٩٥﴾ فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٩٦﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النَّجْمَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٩٧﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ ﴿٩٨﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٩٩﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿١٠٠﴾ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَن يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٠١﴾

هرآینه خدا شکافنده دانه‌ها و خسته‌ها است، بیرون می‌آورد زنده را از مرده و بیرون آورنده مرده است از زنده، این است خدا، پس از کجا برگردانیده می‌شوید؟ ﴿۹۵﴾ شکافنده صبح است و گردانید شب را آرامگاه و گردانید آفتاب و ماه را معیار حساب. این است تقدیر خدای غالب دانا. ﴿۹۶﴾ و اوست آن که بیافرید برای شما ستاره‌ها تا راه یابید به سبب آنها در تاریکی‌های بیابان و دریا، هرآینه به تفصیل بیان کردیم نشانه‌ها را برای گروهی که می‌دانند. ﴿۹۷﴾ و اوست آن که پیدا کرد شما را از یک شخص، پس شما را قرارگاهی است و ودیعت جایی، هرآینه به تفصیل بیان کردیم نشانه‌ها برای گروهی که می‌فهمند. ﴿۹۸﴾ و اوست آن که فرود آورد از آسمان، آبی، پس بیرون آوردیم به سبب آن آب رویدنی را از هر قسم، پس بیرون آوردیم از آن سبزه را، بیرون می‌آریم از آن سبزه، دانه‌ها، یکی بر دیگری پیوسته و از درختان خرما از شاخه‌های او یک طایفه شاخه‌ها به زمین نزدیک شده است، و بیرون آوردیم بوستان‌ها از درختان انگور و بیرون آوردیم زیتون و انار مانند یکدیگر و غیر مانند یکدیگر^(۱). بنگرید به سوی میوه درخت چون میوه آرد و به سوی پختگی او، هرآینه در این، نشانه‌هاست گروهی را که ایمان دارند. ﴿۹۹﴾ و مقرر کردند کافران برای خدا شریکان را که از قسم جن‌اند، حال آن که خدا آفریده است ایشان را و به افترا ثابت کردند او را فرزندان و دختران، به غیر دانش. پاکی است او را و بلند است از آنچه بیان می‌کنند. ﴿۱۰۰﴾ او آفریننده آسمان‌ها و زمین است، چگونه باشد او را فرزندی، حال آن که نبود او رازن؟ و بیافرید هر چیز را و او به هر چیز داناست. ﴿۱۰۱﴾

۱- یعنی در صورت درخت و ثمر مانند یکدیگر است و در طعم مخالف، یک پاره شیرین و یک پاره ترش یا تلخ، والله اعلم.

ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ
فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٠٢﴾ لَا تُدْرِكُهُ
الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ
﴿١٠٣﴾ قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ
فَلَِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ
بَحَفِيظٍ ﴿١٠٤﴾ وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِيُقُولُوا دَرَسَتْ
وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١٠٥﴾ اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ
رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٦﴾ وَلَوْ
شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا
وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٠٧﴾ وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ
مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدُوًّا بِغَيْرِ عِلْمٍ ۖ كَذَٰلِكَ
زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ
فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٠٨﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ
أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَّيُؤْمِنَنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا
الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا
يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٩﴾ وَنُقَلِّبُ أَفْعَادَتَهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ كَمَا لَمْ
يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

﴿١١٠﴾

این است خدا، پروردگار شما. نیست هیچ معبود، مگر او،
آفریننده هر چیز است، پس پرستش کنید او را و او بر هر چیز
کارساز است. ﴿۱۰۲﴾ در نمی یابند او را چشم ها (یعنی در دنیا)
و او درمی یابد چشم ها را و اوست مهربان آگاه. ﴿۱۰۳﴾
هر آینه آمدند به شما دلیل ها از جانب پروردگار شما. پس هر
که بینا باشد، پس نفع او راست و هر که نابینا ماند، پس زیان بر
وی است [بگو یا محمد]: و نیستم بر شما نگاهبان. ﴿۱۰۴﴾ و
همچنین گوناگون بیان می کنیم نشانه ها را، برای احتراز آن که
گویند که: خوانده ای، و تا بیان کنیم این دین را برای گروهی
که می دانند.^(۱) ﴿۱۰۵﴾ [یا محمد] پیروی کن چیزی را که
وحی کرده شد به سوی تو از جانب پروردگار تو. هیچ معبود
نیست مگر او و اعراض کن از مشرکان. ﴿۱۰۶﴾ و اگر
خواستی خدا، شریک مقرر نمی کردند و نگردانیدیم تو را بر
ایشان نگاهبان و نیستی تو بر ایشان، متعهد. ﴿۱۰۷﴾ وای
مسلمانان! دشنام مدهید کسانی را که مشرکان می پرستند بجز
خدا، زیرا که ایشان دشنام خواهند داد خدا را از روی ظلم، به
غیر دانش، همچنین آراسته کردیم در نظر هر گروهی، کردار
آن گروه. باز به سوی پروردگار ایشان باشد رجوع ایشان، پس
خبر دهد ایشان را به عاقبت حال آنچه می کردند. ﴿۱۰۸﴾ و
سوگند خوردند کافران به سخت ترین سوگندان خویش که
اگر بیاید بدیشان معجزه، البته ایمان آرند به آن. بگو: جز این
نیست که معجزه ها نزدیک خداست و چه مطلع ساخته است
شما را ای مسلمانان؟ [آیا نمی دانید که آن معجزه ها] چون بیاید،
ایشان ایمان نیارند؟ ﴿۱۰۹﴾ و صرف کنیم دل ایشان را و
چشم ایشان را چنانکه ایمان نیاوردند به قرآن، اول بار و
بگذاریم ایشان را در گمراهی خود، سرگردان گشته. ﴿۱۱۰﴾

۱- مترجم گوید: احتمال بود که کفار گویند کتابهای سابقه را خوانده ای و
آنچه می گویی ما خود از کتب سابقه است نه وحی الهی است، پس
خدای تعالی قرآن را به وجهی نازل ساخت و به وجهی گوناگون بیان
کرد که مجال این شبهه نماند، زیرا که این قسم بیان از خواندن کتب
سابقه نمی آید بدون وحی الهی، والله اعلم.

وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبَلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ يَجْهَلُونَ ﴿١١١﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١١٢﴾ وَلِتَصْغَى إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرِضُوهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُّقْتَرِفُونَ ﴿١١٣﴾ أَفَعَيَّرَ اللَّهُ أَبْتَغَى حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١١٤﴾ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَتِهِ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١١٥﴾ وَإِنْ تُطِيعْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿١١٦﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ ۚ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿١١٧﴾ فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿١١٨﴾

و اگر ما می فرستادیم به سوی ایشان فرشتگان را و سخن می گفتند به ایشان، مردگان و جمع می کردیم بر ایشان همه چیز گروه گروه، هرگز ایمان نمی آوردند، مگر وقتی که خواستی خدا و لیکن بسیاری از ایشان نادانی می کنند. ﴿۱۱۱﴾ و همچنین پیدا کردیم برای هر پیغامبری، دشمنان را که شیاطینند از آدمیان و از جن. به طریق وسوسه القا می کنند بعضی ایشان به سوی بعضی، سخن به ظاهر آراسته تا فریب دهند و اگر خواستی پروردگار تو، نمی کردند این کار، پس بگذار ایشان را به افترای ایشان. ﴿۱۱۲﴾ [و القا

می کنند سخن به ظاهر آراسته] تا میل کنند به سوی او دل کسانی که ایمان ندارند به آخرت و تا پسند کنند او را و تا عمل کنند آنچه ایشان کننده آنند (یعنی آنچه لایق ایشان است). ﴿۱۱۳﴾ بگو: آیا طلب کنم فیصله کننده ای بجز خدا و اوست آن که فروفرستاده به سوی شما قرآن واضح کرده شده؟ و کسانی که داده ایم ایشان را کتاب (یعنی تورات) می دانند که قرآن فروفرستاده شده است از جانب پروردگار تو به راستی، پس مباش از شک کنندگان (یعنی از یهود)^(۱). ﴿۱۱۴﴾ و تمام است سخن پروردگار تو در راستی و انصاف، هیچ کس تغییر دهنده نیست سخن های او را و اوست شنوای دانا. ﴿۱۱۵﴾ و اگر فرمانبرداری کنی بسیاری را از اهل زمین، گمراه کنند تو را از راه خدا، پیروی نمی کنند مگر گمان را و نیستند ایشان مگر دروغ گویان^(۲). ﴿۱۱۶﴾ هرآینه پروردگار تو دانایتر است به کسی که دور می شود از راه وی و او دانایتر است به راه یافتگان. ﴿۱۱۷﴾ پس بخورید از آنچه ذکر کرده شد نام خدا بر وی (یعنی نزدیک ذبح وی) اگر مؤمن هستید به آیات خدا. ﴿۱۱۸﴾

۱- یعنی یهود دانند که نزول وحی می شود و آدمی را خدای تعالی پیغمبر می سازد و در حضرت پیغمبر ﷺ و در قرآن دلائل صدق موجود هست. مترجم گوید: در صورت های مکیه مذکور شده است که یهود تصدیق می کنند قرآن را و در صورت های مدینه مذکور است که یهود تکذیب می کنند آن را و وجه تطبیق آن است که چون آن حضرت ﷺ در مکه بود، هنوز دعوت یهود نکرده بود، همه به صدق قرآن معترف بودند که حکم آن بر عرب لازم است و هیچ کس از ایشان انکار نکرده و چون هجرت فرمود ایشان را دعوت کرد، به عناد درآمدند. در سیرت ابن اسحاق چند قصه به این مضمون مذکور است، والله اعلم. ۲- یعنی آنچه کافران در باب تحریم و تحلیل اشیا شبهات می کردند، باطل است، والله اعلم.

وَمَا لَكُمْ إِلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ
وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا
أَضْطَرُّرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لِّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بَغَيْرِ
عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ﴿١١٩﴾ وَذَرُوا ظَهَرَ
الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ
بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ ﴿١٢٠﴾ وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ
اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ
إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجْدِلُوَكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ
لَمُشْرِكُونَ ﴿١٢١﴾ أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ
نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ
لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ﴿١٢٢﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا
مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ
وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢٣﴾ وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ
حَتَّى نُؤْتَى مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ
يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ
اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ ﴿١٢٤﴾

و چیست شما را که نمی‌خورید از آنچه ذکر کرده شده
است نام خدا بر وی و حال آنکه به تفصیل بیان کرده است
برای شما آنچه بر شما حرام ساخته است؟ إِلَّا آنچه مضطر
باشید به سوی او^(۱) و هر آینه بسیاری گمراه می‌کنند به
خواهش نفس خویش به غیر دانش، هر آینه پروردگار تو
داناتر است به ستمکاران. ﴿۱۱۹﴾ و ترک کنید آشکارا
گناه را و پنهان او را، هر آینه کسانی که گناه می‌کنند، جزا
داده خواهند شد بحسب آنچه می‌کردند. ﴿۱۲۰﴾ و
مخورید از آنچه یاد کرده نشد نام خدا بر وی و هر آینه
(خوردن) آن گناه است و هر آینه شیاطین و سوسه القا
می‌کنند به سوی دوستان خویش تا خصومت کنند با شما و
اگر فرمانبرداری ایشان کنید، هر آینه شما مشرک باشید^(۲).
﴿۱۲۱﴾ آیا کسی که مرده بود پس زنده ساختیمش^(۳) و
پیدا کردیم برای او نوری که می‌رود با وی میان مردمان،
مانند کسی باشد که صفتش این است که او در تاریکی‌ها،
نیست بیرون آینده از آن؟ همچنین آراسته کرده شده است
برای کافران آنچه می‌کردند^(۴). ﴿۱۲۲﴾ و همچنین پیدا
کردیم در هر دیهی رئیسان فُسَّاق آن دیه، تا فساد کنند در
آن ده و به حقیقت ضرر نمی‌کنند مگر در حق خویشان و
نمی‌دانند. ﴿۱۲۳﴾ و چون بیاید به ایشان نشانه‌ای، گویند:
ایمان نیاریم تا وقتی که داده شود ما را مانند آنچه داده
شده است پیغامبران خدا را^(۵)، خدا داناتر است به محل
نهادن پیغامبری خود. خواهد رسید این گناهکاران را
رسوایی نزد خدا و عذاب سخت، به سبب آن که بد
می‌اندیشیدند. ﴿۱۲۴﴾

۱- مترجم گوید: یعنی میته حرام است، الا وقت ضرورت، تناول آن
رخصت است، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: مراد از این و سوسه آن است که اهل جاهلیت می‌گفتند:
چرا کشته خود را بخوریم و کشته خدا را نخوریم، والله اعلم.

۳- یعنی کافر بود، هدایت کردیمش.

۴- چنانکه رؤسای کفار مکه در نصرت کفر سعی می‌کردند، والله اعلم.

۵- یعنی بر هر کسی از ما جبرئیل فرود آید و وحی نازل بشود، والله اعلم.

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢٥﴾ وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٢٦﴾ لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٧﴾ وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا يَمَعَشَرَ الْجِنِّ قَدْ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْمَعْ بَعْضَنَا بَعْضٍ وَبَلِّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿١٢٨﴾ وَكَذَلِكَ نُوَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٢٩﴾ يَمَعَشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَعَرَّضْتُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿١٣٠﴾ ذَلِكَ أَنْ لَّمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْفَرَىٰ بَطْلَمٍ وَأَهْلُهَا غَفْلُونَ ﴿١٣١﴾

نشانه‌ها را برای گروهی که نپذیر می‌شوند. ﴿۱۲۶﴾ ایشان راست سرای سلامتی (یعنی بهشت) نزد پروردگار ایشان و او کارساز ایشان است به سبب آنچه می‌کردند. ﴿۱۲۷﴾ و روزی که حشر کند خدا ایشان را همه یکجا، گوید: ای گروه جن! ^(۳) تابع خود بسیار گرفتید از مردمان. و گفتند دوستان ایشان از آدمیان: ^(۴) ای پروردگار ما! بهره‌مند شد بعضی ما از بعضی ^(۵) و رسیدیم به میعاد خویش که معین کرده بودی برای ما ^(۶). [گوید خدا:] آتش جای شماست، جاویدان آنجا. لیکن آنچه خدا خواسته است، بودنی است ^(۷)، هرآینه پروردگار تو استوارکار داناست. ﴿۱۲۸﴾ و همچنین مسلط می‌کنیم بعضی ستمکاران را بر بعضی به شومی آنچه می‌کردند. ﴿۱۲۹﴾ ای گروه جن و انس! آیا نیامدند به شما پیغامبران از جنس شما؟ می‌خواندند بر شما آیات مرا و بیم می‌کردند شما را از ملاقات این روز شما؟! گویند: اعتراف کردیم بر خویشستن، و فریب داده بود ایشان را زندگانی دنیا و گواهی دادند بر خویشستن که ایشان کافر بودند ^(۸). ﴿۱۳۰﴾ این ارسال رسل به سبب آن است که هرگز پروردگار تو هلاک کننده شهرها نباشد به جزای ظلم، در حالی که اهل آنها غافل باشند ^(۹). ﴿۱۳۱﴾

پس هر که را خدا خواهد که هدایت کندش، گشاده کند سینه او را برای اسلام ^(۱) و هر که را خواهد که گمراه کندش، تنگ کند سینه او را در نهایت تنگی، گویا بالا می‌رود در آسمان، و همچنین می‌اندازد خدا ناپاکی را بر کسانی که ایمان نمی‌آرند ^(۲). ﴿۱۲۵﴾ و این [اسلام] راه پروردگار تو است، راست آمده، هرآینه تفصیل کردیم

۱- یعنی بفهماندش حقیقت اسلام و محاسن آن، والله اعلم.

۲- یعنی هر چند می‌خواهند حقیقت اسلام و محاسن آن بفهمند، نمی‌توانند، والله اعلم.

۳- یعنی ای شیاطین.

۴- یعنی تابعان ایشان را از کفار.

۵- یعنی متبوعان خوشوقت شدند به تابعان و تابعان محفوظ شدند از متبوعان، والله اعلم.

۶- یعنی برای حساب ما پس در حق ما چه حکم است.

۷- یعنی در حق اهل هجرت، والله اعلم.

۸- مترجم گوید: مراد آن است که آیا نیامده‌اند از مجموعه جن و انس؟ و آن صادق است به بودن رسل از انس مبعوث به جن، والله اعلم.

۹- قبل بعثت، عقوبت نمی‌آید، والله اعلم.

وَلِكُلِّ دَرَجَتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَفِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٢﴾ وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَاءُ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ ءَاخِرِينَ ﴿١٣٣﴾ إِنْ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿١٣٤﴾ قُلْ يَقَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَقِيبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿١٣٥﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿١٣٦﴾ وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائُهُمْ لِيَرُدُّوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٧﴾

و نیستید شما عاجز کنندگان. ﴿۱۳۴﴾ بگو: ای قوم من! عمل کنید شما بر حالت خویش، هرآینه من نیز عمل کننده‌ام. زود باشد که بدانید کسی را که باشد او را عاقبت پسندیده در آخرت، هرآینه رستگار نشوند ظالمان. ﴿۱۳۵﴾^(۱) و مقرر کردند برای خدا از آنچه او پیدا کرده است از جنس زراعت و چهارپایان، حصّه‌ای، گفتند: این حصّه برای خدا است به گمان خویش و این حصّه برای شرکایی که ما مقرر کرده‌ایم، پس آنچه بود برای شرکای ایشان، نمی‌رسد به خدا و آنچه باشد برای خدا می‌رسد به شرکای ایشان، بدچیزی است که مقرر می‌کنند. ﴿۱۳۶﴾ همچنین آراسته کرده است در نظر بسیاری از مشرکان، قتل اولاد ایشان را شرکای ایشان^(۲) تا هلاک کنند ایشان را و تا مختلط کنند بر ایشان دین ایشان را و اگر خواستی خدا، نکردندی این کار، پس بگذار ایشان را با مفتریات ایشان. ﴿۱۳۷﴾

۱- مترجم گوید: اهل جاهلیت احکامی چند اختراع کرده بودند، از آن جمله آن است که از زراعت و مواشی، پاره‌ای برای خدا مقرر می‌کردند، پاره‌ای برای بتان و حصّه خدا بر مساکین و ضعیفان صرف می‌کردند و حصّه بتان به آستانه بتان می‌رسانیدند، پس اگر چیزی از حصه بتان مخلوط می‌شد، ترک می‌کردند که خدا حاجت ندارد و اگر از حصّه بتان در حصّه خدا مخلوط می‌شد، آن را جدا می‌کردند که بتان محتاج‌اند و آن جمله آن است که قتل دختران تجویز می‌کردند و پیشوایان ایشان بدین معنی فتوی داده بودند و از آن جمله آن است که بعض زراعت و مواشی را حجر می‌ساختند که غیر سدنّه بتان کسی دیگر نخورد و آنچه برای بتان ذبح می‌کردند، نام خدا بر آن نمی‌گرفتند. از آن جمله آن است که جون به حائر و سوانب بچه می‌دادند، اگر زنده بودی، مردان را حلال می‌دانستند نه زنان را و اگر مرده بودی، همه را حلال می‌دانستند. خدا تعالی در این مذاهب باطله فرموده و آنچه حکم حق است بیان فرمود و محرماتی که همه اهل باطل بر آن متفق‌اند، ذکر کرد، والله اعلم.

۲- یعنی شیاطین که وسوسه کرده‌اند با پیشوایان که مذهب قرار داده‌اند، والله اعلم.

و هر شخص را مرتبه‌هاست از اجر آنچه کردند و نیست پروردگار تو بی‌خبر از آنچه به عمل می‌آرند. ﴿۱۳۲﴾ و پروردگار تو غنی صاحب رحمت است. اگر خواهد، دور کند شما را و جانشین سازد پس از شما هر که را خواهد، چنانکه پیدا کرد شما را از نسل قومی دیگر. ﴿۱۳۳﴾ هرآینه آنچه وعده کرده میشود شما را، البته آمدنی است

وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَمُ وَحَرَّتْ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَمَ حَرَمْتُ طُحُورُهَا وَأَنْعَمُ لَا يَذْكُرُونَ أَسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٨﴾ وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَمِ خَالِصَةً لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَى أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُنْ مَيِّتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ إِنَّهُوَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿١٣٩﴾ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٤٠﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَاللَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَعَاطُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٤١﴾ وَمِنَ الْأَنْعَمِ حَمُولَةٌ وَفَرَشَاتٌ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿١٤٢﴾

﴿١٤٢﴾

و گفتند: این چهارپایان و زراعت «حجر» است، نخورد آن را مگر آنکه ما خواهیم بگمان خویش و چهارپایان دیگرند که حرام کرده شده است سواری بر پشت آنها و چهارپایان دیگرند که نام خدا نمی گیرند نزدیک ذبح آنها به سبب آنکه دروغ بسته اند بر خدا. جزا خواهد داد ایشان را به مقابله آنچه افترا می کردند. ﴿۱۳۸﴾ و گفتند: آنچه در شکم این چهارپایان باشد^(۱)، حلال است برای مردمان ما و حرام است بر زنان ما و اگر مرده باشد همه در آن شریکند. جزا خواهد داد به مقابله این بیان ایشان، هرآینه او استوار کار داناست. ﴿۱۳۹﴾ هرآینه زیانکار شدند آنان که کشتند فرزندان خود را از جهت بی خردی به غیر دانش و حرام کردند آنچه روزی داد ایشان را خدا به سبب دروغ بستن بر خدا، به تحقیق گمراه شدند ایشان و نشدند راه یافتگان. ﴿۱۴۰﴾ و خدا آن است که پیدا کرد بوستانها برداشته شده بر پایه ها^(۲) و بوستانهای برداشته نشده بر پایه ها^(۳) و پیدا کرد درختان خرما و زراعت را، گوناگون میوه های هر یکی و زیتون و انار را مانند یکدیگر و غیر مانند یکدیگر^(۴). بخورید از میوه های آن، چون میوه بیرون آورد و بدهید زکات او را روز درودن وی و اسراف مکنید، هرآینه خدا دوست ندارد اسراف کنندگان را. ﴿۱۴۱﴾ و پیدا کرد از چهارپایان بار بردارنده را و جانورانی را که بر زمین غلطانند به جهت ذبح. بخورید از آنچه روزی داده است خدا شما را و پیروی مکنید گام های شیطان را، هرآینه او شما را دشمن ظاهر است. ﴿۱۴۲﴾

۱- یعنی در شکم بعائر و سوائب باشد.

۲- یعنی درختان انگور و مانند آن، والله اعلم.

۳- یعنی درختان بر ساق ایستاده، والله اعلم.

۴- یعنی افراد هر نوعی به اعتبار صورت، مانند یکدیگرند و به اعتبار مزه،

نه، والله اعلم.

ثَمَنِيَّةَ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ
 ءَالَّذِينَ حَرَّمَ أَمْ الْإِنثِيَيْنِ أَمْ الْإِنثِيَيْنِ أَمْ أَشْتَمَلْتُ عَلَيْهِ
 أَرْحَامُ الْإِنثِيَيْنِ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٤٣﴾
 وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ ءَالَّذِينَ حَرَّمَ
 حَرَّمَ أَمْ الْإِنثِيَيْنِ أَمْ أَشْتَمَلْتُ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْإِنثِيَيْنِ
 أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّلَكُمُ اللَّهُ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ
 مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٤﴾ قُلْ لَا أَجِدُ فِي
 مَا أُوْحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ
 يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ
 رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ
 بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤٥﴾ وَعَلَى الَّذِينَ
 هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا
 عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوْ لِحْوَايَا
 أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا
 لَصَادِقُونَ ﴿١٤٦﴾

آفرید هشت قسم را، از گوسپند دو قسم^(۱) و از بز دو قسم
 (یعنی نر و ماده) از هر یک، بگو: آیا این دو نر را حرام
 کرده است خدای تعالی یا این دو ماده را یا آن را که
 مشتمل شده است بر وی رحم‌های این دو ماده؟ خبر دهید
 مرا به دانش^(۲) اگر هستید راستگو. ﴿۱۴۳﴾ و پیدا کرده از
 شتر، دو قسم و از گاو، دو قسم، بگو: آیا این دو نر را حرام
 کرده است خدا یا این دو ماده را یا آن را که مشتمل شده
 است بر وی رحم‌های این دو ماده؟ آیا حاضر بودید وقتی
 که حکم کرد شما را خدا به آن؟ پس کیست ستمکارتر از
 کسی که بندد بر خدا دروغ، تا گمراه کند مردمان را به غیر
 دانش، هرآینه خدا راه نمی‌نماید قوم ستمکاران را.
 ﴿۱۴۴﴾ بگو: نمی‌یابم در آنچه وحی فرستاده شده به سوی
 من هیچ چیز حرام، بر خورنده‌ای که بخورد آن را، مگر
 آنکه باشد مردار یا خون ریخته شده یا گوشتِ خوک،
 پس هرآینه آن حرام است. یا آنچه فسق باشد که برای
 غیر خدا آواز بلند کرده شده وقت ذبح او. پس هر که
 درمانده شود نه بغی کننده و نه از حد گذرنده، پس
 هرآینه پروردگار تو آمرزندهٔ مهربان است^(۳). ﴿۱۴۵﴾ و
 بر یهود حرام ساختیم هر جانور ناخن‌دار^(۴) و از گاو و
 گوسفند حرام ساختیم بر ایشان پیهٔ این دو قسم، مگر پیهی
 که برداشته است آن را پشت این دو قسم یا برداشته است
 آن را روده‌ها یا آنچه متعلق شد به استخوان. این طور جزا
 دادیم ایشان را بمقابلهٔ ستم ایشان، و هرآینه ما راستگوییم.
 ﴿۱۴۶﴾

۱- یعنی نر و ماده از هر یک، والله اعلم.

۲- یعنی نقلی صحیح بیارید از ابراهیم و اسمعیل، علیهما السلام، و از کتب
 الهیه، والله اعلم.

۳- مراد، حصر اضافی است به نسبت بهیمه الانعام و آن اصناف ثمانیه
 مذکور است. سگ و شیر و باز و غیر آن اگرچه حرام است، از بهیمهٔ

الانعام نیست و در آن بحث نداشتند، والله اعلم.

۴- یعنی مثل شتر و شتر مرغ، والله اعلم.

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٤٧﴾ سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ ﴿١٤٨﴾ قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَلِيغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٤٩﴾ قُلْ هَلَمْ شُهَدَاءُكُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ﴿١٥٠﴾ قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطْنٌ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّيْتُكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٥١﴾

پس اگر به دروغ نسبت کنند تو را، بگو که: پروردگار شما خداوند مهربانی بسیار است و رد کرده نمی شود عقوبت او از قوم ستمکاران. ﴿۱۴۷﴾ زود باشد که بگویند مشرکان: اگر خواستی خدا (یعنی رضای او بودی) شریک مقرر نمی کردیم و نه پدران ما می کردند و نه حرام می کردیم چیزی را. همچنین به دروغ نسبت کردند کسانی که پیش از ایشان بودند، تا آنکه چشیدند عقوبت ما. بگو: آیا هست نزد شما دانش؟^(۱) پس بیرون آرید آن را برای ما. پیروی نمی کنید مگر شبهه را و نیستید شما مگر دروغگو. ﴿۱۴۸﴾ بگو: خدای راست، دلیل محکم، پس اگر خواستی خدا، هدایت کردی شما را همه یکجا. ﴿۱۴۹﴾ بگو: بیارید علمای خود را، آنان که گواهی می دهند که خدا حرام ساخته است این را. پس [یا محمد] اگر به فرض گواهی دهند، تو معترف مشو با ایشان و پیروی مکن خواهش کسانی که به دروغ نسبت کردند آیات ما را و کسانی که اعتقاد ندارند به آخرت و ایشان با پروردگار خود برابر می کنند.^(۲) ﴿۱۵۰﴾ بگو: بیایید تا بخوانم آنچه حرام کرده است پروردگار شما بر شما، [فرموده است] که: شریک او مقرر مکنید چیزی را و به والدین نیکوکاری کنید و مکشید اولاد خود را از ترس فقر، ما روزی می دهیم شما را و ایشان را و نزدیک مشوید به بی حیایی ها^(۳)، آنچه علانیه باشد از آن و آنچه پوشیده باشد. و مکشید هیچ نفس را که حرام ساخته است خدا کشتنش، الا به حق^(۴). به این حکم فرموده است شما را تا بُود که شما بفهمید. ﴿۱۵۱﴾

۱- یعنی نقلی از کتب الهی، والله اعلم.

۲- یعنی معبود باطل را، والله اعلم.

۳- یعنی به زنا و لواطت.

۴- یعنی به قصاص و مثل آن.

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَلَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٢﴾ وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَلَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٥٣﴾ ثُمَّ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٤﴾ وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٥٥﴾ أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابُ عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِن قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَن دِرَاسَتِهِمْ لَغَفْلِينَ ﴿١٥٦﴾ أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أَنْزَلْ عَلَيْنَا الْكِتَابَ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ ءَايَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ ﴿١٥٧﴾

و نزدیک مشوید به مال یتیم، الا به خصلتی که وی نیک است تا آنکه رسد به جوانی خود و تمام کنید پیمانۀ و ترازو را به انصاف. تکلیف نمی دهیم هیچ کس را مگر قدر طاقت او و چون سخن گوید^(۱)، پس رعایت انصاف بنمایید و اگرچه [آن محکوم علیه] صاحب قربت باشد و به عهد خدا^(۲) وفا کنید. این حکم فرموده است شما را تا پندپذیر شوید. ﴿۱۵۲﴾ و خبر داده است که آنچه مذکور شد راه من است، راست و درست آمده، پس پیروی او کنید و پیروی مکنید راه های دیگر را که [این راه ها] جدا کنند شما را از راه خدا. این حکم فرموده است شما را تا پرهیزگاری کنید. ﴿۱۵۳﴾ باز می گویم که داده بودیم موسی را کتاب، تا نعمت تمام کنیم بر هر که نیکوکار بود و بیان کنیم هر چیزی را و به جهت هدایت و مهربانی، تا ایشان به ملاقات پروردگار خویش ایمان آرند^(۳). ﴿۱۵۴﴾ و این قرآن، کتابی است که فرو فرستادیمش با برکت، پس پیروی او کنید و پرهیزگاری کنید تا مهربانی کرده شود بر شما. ﴿۱۵۵﴾ فرستادیمش تا نگوید: بجز این نیست که فرود آورده شد کتاب (یعنی تورات و انجیل) بر دو گروه پیش از ما و به تحقیق بودیم ما از تلاوت ایشان بی خبر. ﴿۱۵۶﴾ یا گوید: اگر فرود آورده شدی بر ما کتاب، هر آینه بودیمی راه یافته تر از ایشان. پس آمده است به شما حجتی از پروردگار شما و هدایت و بخشایش. پس کیست ستمکارتر از کسی که به دروغ نسبت کند آیات خدا را و اعراض کند از آن، جزا خواهیم داد اعراض کنندگان را از آیات خویش، بدترین عذاب، به سبب آنکه اعراض می کردند. ﴿۱۵۷﴾

۱- یعنی گواهی دهید یا حکم کنید، والله اعلم.

۲- یعنی به نذر او.

۳- مترجم گوید: ظاهر نزدیک این بنده آن است که حرام گردانیدیم اشیای مذکوره را در ازل بر قوم نوح و هلم جراً باز دادیم موسی را کتاب، والله اعلم.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ
 أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ
 رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِنْ
 قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا
 مُنْتَظِرُونَ ﴿١٥٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا
 لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ
 بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿١٥٩﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ
 أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ
 لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦٠﴾ قُلِ إِنِّي هَدَيْتُ رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ
 مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ
 الْمُشْرِكِينَ ﴿١٦١﴾ قُلِ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ
 وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ
 أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾ قُلِ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِي
 رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا
 عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ
 مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿١٦٤﴾
 وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ
 بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا
 ءَاتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ
 رَّحِيمٌ ﴿١٦٥﴾

آیا منتظر نیستند مگر آن را که بیایند بدیشان فرشتگان؟^(۱)
 یا بیاید حکم پروردگار؟ تو یا بیاید بعض نشانه‌های
 پروردگار تو؟^(۲) روزی که بیاید بعض نشانه‌های پروردگار
 تو، نفع ندهد نفسی را که ایمان نیاورده بود پیش از این
 ایمان او، یا نفع ندهد نفسی را که کسب نکرده بود در
 ایمان خود، عمل خیر^(۳). تو به او بگو: انتظار کنید، هرآینه
 ما نیز منتظریم. ﴿۱۵۸﴾ به تحقیق کسانی که پراکنده کردند
 دین خود را و گروه گروه شدند، نیستی از ایشان در هیچ
 حساب^(۴). جز این نیست که کار ایشان گذاشته شده به
 سوی خداست، باز خبر دهد ایشان را به عاقبت آنچه
 می‌کردند. ﴿۱۵۹﴾ هر که آورد نیکی، پس او راست ده
 چند آن، و هر که آورد بدی، جزا داده نخواهد شد الا مثل
 آن و ایشان ستم کرده نخواهند شد. ﴿۱۶۰﴾ بگو: هرآینه
 دلالت کرده است مرا پروردگار من به سوی راه راست،
 مراد می‌دارم دین درست، کیش ابراهیم را حنیف شده و نه
 بود از مشرکان. ﴿۱۶۱﴾ بگو: هرآینه نماز من و حج من و
 قربانی من و زندگانی من و موت من همه برای خداست
 پروردگار عالم‌ها. ﴿۱۶۲﴾ هیچ شریک نیست او را و به
 این توحید فرموده شد مرا و من نخستین مسلمانانم. ﴿۱۶۳﴾
 بگو: آیا طلب کنم پروردگاری غیر خدا، و اوست
 پروردگار همه چیز؟ و عمل نمی‌کند هیچ کسی مگر بر
 ذات خود و بر ندارد هیچ بردارنده، بار دیگر را. باز به سوی
 پروردگار شما رجوع شما باشد، پس خبردار کند شما را
 به آنچه که در آن اختلاف می‌کردید. ﴿۱۶۴﴾ و او آن
 است که ساخت شما را پادشاهان زمین و بلند کرد بعضی
 را بالای بعضی درجه‌ها تا بیازماید شما را در آنچه داده
 است به شما، هرآینه پروردگار تو شتاب کننده عقوبت
 است و هرآینه او آمرزنده مهربان است. ﴿۱۶۵﴾

۱- یعنی برای قبض ارواح.

۲- یعنی طلوع شمس از مغرب یا دابة الارض، والله اعلم.

۳- یعنی آن روز، توبه گنهکار و ایمان کافر، قبول نشود، الله اعلم.

۴- یعنی از تو مؤاخذه نخواهند کرد، والله اعلم.

سُورَةُ الْأَعْرَافِ

سوره أعراف

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْمَصَّ ۝ كَتَبْنَا أَنْزِلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِئُنْذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ ۚ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ۝ وَكَمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيِّنًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ ۝ فَمَا كَانَ دَعْوَانَهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۝ فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ۝ فَلَنَقْصُصَ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ ۝ وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ ۖ فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ۖ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَمَن خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ۖ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ ۝ وَلَقَدْ مَكَنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَةً قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّن السَّاجِدِينَ ۝

الْمَصَّ. ﴿۱﴾ این کتابی است که فروآورده شد به سوی تو، پس باید که نباشد در سینه تو هیچ تنگی از تبلیغ او؛ [فروود آورده شده] تا بیم کنی به آن و برای پند، مسلمانان. را ﴿۲﴾ پیروی کنید آن را که فروود آورده شد به سوی شما از جانب پروردگار شما و پیروی کنید بجز وی دوستان را^(۱)، اندکی پند می‌پذیرید. ﴿۳﴾ و بسا دیه که هلاک کردیمش، پس آمد به آن عقوبت ما و ایشان شبانگاه آرمیده بودند یا وقتی که ایشان در خواب نیمروز بودند. ﴿۴﴾ پس نبود قول ایشان، چون بیاید به ایشان عقوبت ما الا آنکه گفتند: هرآینه ما ستمکار بودیم. ﴿۵﴾ پس البته سؤال خواهیم کرد آن کسانی را که پیغامبر فرستاده شد به سوی ایشان و البته سؤال خواهیم کرد پیغامبران را. ﴿۶﴾ پس البته بیان خواهیم کرد به حضور ایشان^(۲) به دانش و نبودیم غایب. ﴿۷﴾ و سنجیدن اعمال به انصاف آن روز بودن است؛ پس هر که گران شد پله نیکی‌های او، پس ایشانند رستگار. ﴿۸﴾ و هر که سبک شد پله نیکی‌های او، پس آن جماعت، آنانند که زیان کردند در حق خویشتن به سبب آنکه به آیات ما انکار می‌کردند. ﴿۹﴾ و هرآینه استقرار دادیم شما را در زمین و پیدا کردیم برای شما در آنجا اسباب معیشت. اندکی شکر می‌کنید. ﴿۱۰﴾ و هرآینه آفریدیم شما را (یعنی پدر شما را) باز صورت بستیم شما را (یعنی پدر شما را) باز گفتیم به فرشتگان که: سجده کنید آدم را، پس سجده کردند مگر ابلیس، نبود از سجده کنندگان. ﴿۱۱﴾

۱- یعنی معبودان باطل که دوست می‌گرفتید، والله اعلم.

۲- یعنی همه اعمال ایشان را.

قَالَ مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ﴿١٢﴾ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ ﴿١٣﴾ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤﴾ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴿١٥﴾ قَالَ فِيمَا أُغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ لَا تَيَسَّيْهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿١٧﴾ قَالَ أَخْرَجَ مِنْهَا مَذْءُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٨﴾ وَيَعَادِمُ اسْكُنُ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٩﴾ فَوَسَّسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ﴿٢١﴾ فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٢٢﴾

گفت خدا: چه چیز منع کرد تو را از آنکه سجده کنی، وقتی که امر کردم تو را؟ گفت: من بهترم از او؛ آفریده‌ای مرا از آتش و آفریده‌ای او را از گل. ﴿۱۲﴾ گفت: پس فرود رو از آسمان؛ زیرا که لایق نیست تو را که سرکشی کنی در آن، پس بیرون شو، هر آینه تو از خوار شوندگانی ﴿۱۳﴾ گفت: بار خدایا! مهلت ده مرا تا روزی که آدمیان برانگیخته شوند. ﴿۱۴﴾ گفت: خدا هر آینه تو از مهلت داده شدگانی. ﴿۱۵﴾ پس گفت: به سبب آنکه گمراه کردی مرا، البته بنشینم برای آدمیان به راه راست تو (یعنی تا از آن منع کنم). ﴿۱۶﴾ پس البته بیایم به سوی ایشان، از پیش ایشان و از پس پشت ایشان و از جانب راست ایشان و از جانب چپ ایشان و نیایی اکثر ایشان را شکرگزار. ﴿۱۷﴾ گفت: بیرون رو از آسمان، نکوهیده رانده شده. به خدا، هر که پیروی کند تو را از آدمیان، البته پر کنم دوزخ را از شما، همه یکجا. ﴿۱۸﴾ و گفتیم: ای آدم! ساکن شو تو و زن تو در بهشت. پس بخورید از هر جاکه خواهید و نزدیک مشوید به این درخت که خواهید شد از ستمکاران. ﴿۱۹﴾ پس وسوسه داد ایشان را شیطان تا آشکارا گرداند برای ایشان آنچه پوشیده بود از نظر ایشان از شرمگاه‌های ایشان؛ و گفت: منع نکرده است شما را پروردگار شما از این درخت، مگر برای احتیاط از آنکه شوید دو فرشته یا شوید از جاوید باشندگان. ﴿۲۰﴾ و قسم خورد برای ایشان که من از نصیحت کنندگانم شما را. ﴿۲۱﴾ پس به سوی پستی انداخت ایشان را به فریب دادن. پس چون چشیدند آن درخت را، ظاهر شد ایشان را شرمگاه ایشان و شروع کردند که برگی بالای برگی می‌چسبانیدند بر خویش از برگ درختان بهشت و ندا کرد ایشان را پروردگار ایشان: آیا منع نکرده بودم شما را از این درخت و نگفته بودم به شما که هر آینه شیطان شما را دشمن آشکارا است؟! ﴿۲۲﴾

قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾ قَالَ أَهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَلَعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٢٤﴾ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿٢٥﴾ يَبْنِيٰ ۖ ءَادَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْءَ تِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ ءَايَتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿٢٦﴾ يَبْنِيٰ ۖ ءَادَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَ تِهِمَا إِنَّهُ يَرَبُّكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٧﴾ وَإِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا ءَابَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَآءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿٢٩﴾ فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٣٠﴾

گفتند: ای پروردگار ما! ستم کردیم بر خویش و اگر نیامیزی ما را و مهربانی نکنی بر ما، البته از زیانکاران باشیم. ﴿۲۳﴾ گفت خدا: فرو روید؛ بعض شما بعضی را دشمن خواهد بود، و شما را در زمین استقرار و بهره‌مندی باشد تا وقتی معین (یعنی تا مرگ). ﴿۲۴﴾ گفت خدا: در زمین زندگانی خواهید کرد و در آنجا خواهید مرد و از آنجا بیرون آورده شوید. ﴿۲۵﴾ ای فرزندان آدم! هرآینه ما فرود آوردیم بر شما لباسی که بپوشد شرمگاه شما را و فرود آوردیم جامه‌های زینت را و لباس پرهیزگاری، وی از همه بهتر است. این از نشانه‌های خداست تا ایشان پندپذیر شوند. ﴿۲۶﴾ ای فرزندان آدم! گمراه نکند شما را شیطان چنانکه بیرون آورد پدر و مادر شما را از بهشت. برمی‌کشید از ایشان جامه ایشان را تا بنماید ایشان را شرمگاه ایشان، هرآینه شیطان و قوم او می‌بینند شما را از آنجا که شما نمی‌بینید ایشان را، هرآینه ما ساختیم شیاطین را کارگزار کسانی که ایمان ندارند. ﴿۲۷﴾ و (کارگزار آنان که) چون بکنند کار زشت، گویند: یافتیم بر این کار، پدران خود را و خدا فرموده است ما را به آن. بگو: هرآینه خدا نمی‌فرماید به کار زشت، آیا می‌گویید بر خدا آنچه نمی‌دانید؟ ﴿۲۸﴾ بگو: هرآینه فرموده است پروردگار من به انصاف، و فرموده است که: راست کنید روی خود را^(۱) وقت هر نماز و بپرستید او را برای او خالص کرده عبادت را، چنانکه آفرید شما را، همچنان دیگر بار خواهید شد^(۲). ﴿۲۹﴾ گروهی را راه نمود و گروهی را ثابت شد بر ایشان گمراهی، هرآینه ایشان شیاطین را دوست گرفتند بجز خدا و می‌پنداشتند که ایشان راه یافتگانند. ﴿۳۰﴾

۱- یعنی به سوی کعبه.

۲- یعنی سر و پا برهنه ختنه ناکرده محشور شوید، والله اعلم.

يَبْنِيْ عَادَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا
وَأَشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ قُلْ
مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ
مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كَذَلِكَ نَفْصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ
يَعْلَمُونَ ﴿٣٢﴾ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ
مِنْهَا وَمَا بَطَنٌ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا
بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا
لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا
يَسْتَخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٣٤﴾ يَبْنِيْ عَادَمَ
إِنَّمَا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ
ءَايَاتِي فَمَنْ أَتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ ﴿٣٥﴾ وَالَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا
أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٦﴾ فَمَنْ
أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ
أُولَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّى إِذَا
جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ
مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ
أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿٣٧﴾

ای فرزندان آدم! بگیرید زینت خود را^(۱) نزدیک هر نماز و
بخورید و بیاشامید و از حد مگذرید، هر آینه خدا دوست
نمی‌دارد از حد گذرندگان را. ﴿۳۱﴾ بگو: که حرام کرد
زینت خدا را که پیدا کرده است برای بندگان خود، و که
حرام کرده است پاکیزه‌ها را از رزق؟ بگو: آن پاکیزه‌ها (از

۱- یعنی لباس خود را.

ملابس و ماکل) برای مسلمانان است در زندگی دنیا^(۲)،
خالص شده برای ایشان روز قیامت، همچنین بیان می‌کنیم
نشانه‌ها برای گروهی که می‌دانند^(۳). ﴿۳۲﴾ بگو: جز این
نیست که حرام کرده است پروردگار من بی‌حیایی‌ها را؛
آنچه علانیه باشد از آن و آنچه پوشیده باشد، و حرام کرده
است گناه را و تعدی ناحق را و آنکه شریک خدا مقرر
کنید چیزی را که خدا هیچ دلیل بر آن نازل نکرده است و
آنکه بگویید بر خدا آنچه نمی‌دانید. ﴿۳۳﴾ هر گروهی را
میعادی است^(۴)؛ پس چون بیاید^(۵) میعاد ایشان، تأخیر نکنند
یک ساعت و نه سبقت کنند^(۶). ﴿۳۴﴾ ای فرزندان آدم،
اگر بیایند به شما پیغامبران از جنس شما، می‌خوانند بر شما
آیات مرا. پس هر که پرهیزگاری کند و نیکوکاری نماید،
پس هیچ ترس نباشد بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند.
﴿۳۵﴾ و کسانی که به دروغ نسبت کردند آیات ما را و
سرکشی کردند از قبول آنها، ایشان باشندگان دوزخند؛
ایشان آنجا جاویدانند. ﴿۳۶﴾ پس کیست ستمکارتر از
کسی که بر بست بر خدا دروغ را یا به دروغ نسبت کرد
آیات او را؟ آن جماعت، برسد به ایشان بهره‌ای از ایشان
آنچه نوشته شده در لوح محفوظ^(۷) تا وقتی که بیایند
نزدیک ایشان فرستادگان ما تا قبض ارواح ایشان کنند،
گویند: کجاست آنچه شما می‌پرستیدید بجز خدا؟ گویند:
گم شدند ایشان از ما و معترف شدند بر نفس‌های خویش
به این که ایشان کافر بودند. ﴿۳۷﴾

۲- یعنی لائق ایشان است، اگر چه دیگران نیز استعمال کنند، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: درین آیت اشارت است بر مذهب رهبان یهود و نصاری
و مختشین عرب که توسع را در ماکل و ملابس، مکروه می‌داشتند،
والله اعلم.

۴- یعنی وقتی معین است برای هلاک ایشان، والله اعلم.

۵- یعنی نزدیک شود.

۶- یعنی بر زبان حضرت آدم، چنانکه در سوره بقره اشارت رفت، والله
اعلم.

۷- یعنی نعمت و نعمت که مقدر شده در دنیا به ایشان برسد، والله اعلم.

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا آدَرَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولِهِمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَكَاتِبُهُمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ وَلَٰكِن لَّا تَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾ وَقَالَتْ أُولَهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحْ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ﴿٤٠﴾ لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٤٢﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾

حکم کند خدا که داخل شوید همراه امتانی که گذاشته اند پیش از شما از جن و انس در آتش. هرگاه که درآید قومی، لعنت کند قومی دیگر مانند خود را تا وقتی که به یکدیگر برسند در دوزخ، همه یکجا. گوید جماعت متأخر از ایشان در حق جماعت متقدم از ایشان: ای پروردگار ما! ایشان گمراه کردند ما را، پس بده ایشان را عذاب دو چند از دوزخ. فرماید خدا: هر یکی را دو چند است و لیکن نمی دانند^(۱). ﴿۳۸﴾ و گویند جماعت متقدم از ایشان جماعت متأخر را از ایشان: پس نیست شما را هیچ بزرگی بر ما، پس بچشید عذاب را به سبب آنچه می کردید. ﴿۳۹﴾ هرآینه کسانی که به دروغ نسبت کردند آیات ما را و سرکشی کردند از قبول آن، هرگز گشاده نشود بر ایشان دروازه های آسمان و در نیایند به بهشت تا وقتی که داخل شود شتر در سوراخ سوزن^(۲)، و همچنین جزا می دهیم گناهکاران را. ﴿۴۰﴾ ایشان را از دوزخ فرش بود و از بالای ایشان [از دوزخ] پوشش ها باشد و همچنین جزا می دهیم ستمکاران را. ﴿۴۱﴾ و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، تکلیف نمی دهیم هیچ کس را مگر قدر طاقت او. آن جماعت باشندگان بهشتند، ایشان آنجا جاویدان باشند. ﴿۴۲﴾ و بیرون آریم آنچه در سینه های ایشان بود از کینه^(۳). می رود زیر ایشان نهرها و گویند: سپاس آن خدای راست که دلالت کرد ما را به سوی این بهشت و هرگز مستعد راه یافتن نبودیم، اگر راه نمودی ما را خدا. هرآینه آمدند فرستادگان پروردگار ما به راستی و ندا کرده شوند که این بهشت، داده شدید آن را به سبب آنچه می کردند. ﴿۴۳﴾

۱- یعنی تابعین را عذاب کفر تقلید و متبوعین را عذاب ضلال و اضلال، والله اعلم.

۲- یعنی محال است، والله اعلم.

۳- یعنی آن کینه ها که در دل بهشتیان باشد دور کنیم، مثل آنچه میان عثمان و علی و طلحه و زبیر و عائشه^{علیهم السلام} واقع شد، والله اعلم.

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَن لَّعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ ﴿٤٥﴾ وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَتِهِمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَن سَلِّمُوا عَلَيْنَا لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ ﴿٤٦﴾ وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٧﴾ وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَتِهِمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٤٨﴾ أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٤٩﴾ وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَن أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٥٠﴾ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتُهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسِلُهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

﴿٥١﴾

و ندا کنند اهل بهشت، اهل دوزخ را که: ما راست یافتیم آنچه وعده کرده به ما پروردگار ما، پس آیا شما هم راست یافتید آنچه به شما وعده کرده بود پروردگار شما؟! گفتند: آری! پس آواز کند، آواز کننده در میان ایشان که لعنت خدا بر آن ستمکاران است. ﴿۴۴﴾ که باز می داشتند مردمان را از راه خدا و می خواستند برای آن، راه کجی^(۱) و ایشان به آخرت اعتقاد نداشتند. ﴿۴۵﴾ در میان بهشت و دوزخ حجابی است^(۲) و بر اعراف مردمانی باشند که می شناسند هر یکی را [از اهل موضعین] به قیافه ایشان و ندا کنند اهل اعراف، اهل بهشت را که: سلام علیکم! هنوز به بهشت نه در آمدند و ایشان طمع آن دارند. ﴿۴۶﴾ و چون گردانیده شود چشم اهل اعراف به طرف اهل دوزخ، گویند: ای پروردگار ما! مکن ما را همراه گروه ستمکاران. ﴿۴۷﴾ و ندا کنند اهل اعراف مردمانی را که می شناسند ایشان را به قیافه ایشان، گویند: کفایت نکرد از شما جمعیت شما و آنکه سرکشی می کردید. ﴿۴۸﴾ آیا این جماعتند از آنان که شما قسم می خوردید که هرگز خدا نرساند به ایشان هیچ رحمت؟^(۳) [گفته شد ایشان را که:] درآیید به بهشت، هیچ ترس نیست بر شما و نه شما اندوهگین شوید. ﴿۴۹﴾ و ندا کنند اهل دوزخ اهل بهشت را که: بریزید بر ما چیزی از آب یا از سایر آنچه روزی داده است شما را خدا. گویند: خدا حرام ساخته است این هر دو را بر کافران. ﴿۵۰﴾ آنان که دین خود گرفته اند بازی و لهو را، و فریب داد ایشان را زندگانی دنیا، پس امروز فراموش کنیم ایشان را چنانچه ایشان فراموش کردند ملاقات این روز خویش را و چنانکه انکار می کردند به آیات ما^(۴). ﴿۵۱﴾

۱- یعنی می خواستند به شبهات این راه را باطل سازند.

۲- و آن مسمی به اعراف است، والله اعلم.

۳- یعنی فقرای مسلمین که کافران از ایشان حساسی نمی گرفتند، والله اعلم.

۴- و فراموش کردن خدا، ترک ایشان است در دوزخ، والله اعلم.

وَلَقَدْ جِئْنَهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى
وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ
يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ
جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ
فَيُشَفِّعُوا لَنَا أَوْ نُردُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ
خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٥٣﴾
إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي
سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ
يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ
بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ
الْعَالَمِينَ ﴿٥٤﴾ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا
يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٥٥﴾ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ
إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ
مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾ وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّحَ بُشْرًا
بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا
سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ
كُلِّ الشَّجَرَةِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

﴿٥٧﴾

هرآینه آوردیم برای ایشان کتابی که مفصل کردیم آن را
به دانش برای رهنمایی و بخشایش، مؤمنان را. ﴿٥٢﴾
انتظار نمی کنند کفار مگر مصداق این وعده را، روزی که
بیايد مصداق آن، گویند کسانی که فراموش کرده بودند
آن را پیش از این: هرآینه آمده بودند پیغامبران پروردگار
ما به راستی، پس آیا هستند برای ما شفیعان تا شفاعت کنند
برای ما یا بازگردانیده شویم به سوی دنیا، پس عمل کنیم
غیر آنچه می کردیم؟^(۱) هرآینه زیان کردند در حق
خویشان و گم شد از ایشان آنچه افترا می کردند. ﴿٥٣﴾
هرآینه پروردگار شما آن خدا است که آفرید آسمان ها و
زمین را در شش روز؛ باز مستقر شد بر عرش؛ می پوشاند
شب را به روز^(۲)، می طلبد شب، روز را به شتاب^(۳) و آفرید
آفتاب و ماه و ستارگان را رام شده به فرمان خدا. آگاه شو
او راست، آفریدن و فرمانروایی. به غایت بزرگ است،
خدا پروردگار عالم ها. ﴿٥٤﴾ پرستید پروردگار خود را
زاری کنان و پوشیده از مردمان^(۴)، هرآینه او دوست ندارد
از حد گذرندگان را. ﴿٥٥﴾ فساد مکنید در زمین بعد
اصلاح آن^(۵) و پرستید او را به ترس و امید، هرآینه
بخشایش خدا نزدیک است از نیکوکاران. ﴿٥٦﴾ و اوست
آنکه می فرستد بادهای، مژده دهنده پیش از رحمت خود^(۶) تا
وقتی که بردارد ابر گران را. روان کنیم آن را به سوی
شهری مرده؛ پس فروآریم به واسطه آن ابر آب را، پس
بیرون آریم به آن آب، از جنس هر میوه. همچنین بیرون
آریم مردگان را^(۷) تا شما پندپذیر شوید. ﴿٥٧﴾

۱- یعنی مسلمان شویم و بت را نپرستیم.

۲- یعنی گاهی اجزای شب را به لباس نهار پوشانیده، در حساب نهار
می گرداند، والله اعلم.

۳- یعنی از پی در آمدن شب بعد روز، مشابه آن است که گویا کسی کسی
را دوان و شتابان می طلبد.

۴- در اصل متن، مردان آمده است.

۵- یعنی به سبب بعثت رسول ﷺ.

۶- یعنی پیش از باران.

۷- یعنی از قبور بیرون کنیم.

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۖ وَالَّذِي
حَبَتْ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ
لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ﴿٥٨﴾ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ
فَقَالَ يَتَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۖ إِنِّي
أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥٩﴾ قَالَ الْمَلَأُ
مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٦٠﴾ قَالَ يَتَقَوْمِ
لَيْسَ بِي ضَالَّةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦١﴾
أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ
اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٢﴾ أَوْعَجِبْتُمْ أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ
مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا
وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٦٣﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ
مَعَهُ فِي الْفُلِّ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ
كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ﴿٦٤﴾ وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ
يَتَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۖ أَفَلَا
تَتَّقُونَ ﴿٦٥﴾ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا
لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٦٦﴾
قَالَ يَتَقَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿٦٧﴾

و شهر پاکیزه، بر می آید رستنی او به فرمان پروردگار او و
زمین ناپاکیزه، بر نمی آید رستنی او، مگر ناهموار به دیر
روینده. همچنین گوناگون بیان می کنیم نشانه ها را برای
قومی که شکرگزاری می کنند^(۱). ﴿۵۸﴾ هر آینه فرستادیم
نوح را به سوی قوم او، پس گفت: ای قوم من! عبادت
کنید خدا را، نیست شما را هیچ معبود بجز وی، هر آینه من
می ترسم بر شما از عقوبت روز بزرگ^(۲). ﴿۵۹﴾ گفتند
اشراف از قوم او: هر آینه ما می بینیم تو را در گمراهی
ظاهر. ﴿۶۰﴾ گفت: ای قوم من! نیست با من هیچ گمراهی
و لیکن من پیغامبرم از جانب پروردگار عالم ها. ﴿۶۱﴾
می رسانم به شما پیغام های پروردگار خود و نیک خواهی
می کنم برای شما و می دانم از حکم خدا آنچه نمی دانید.
﴿۶۲﴾ آیا تعجب کردید از آنکه آمد به شما پندی از
جانب پروردگار شما (فرود آمده) بر زبان مردی از شما، تا
بیم کند شما را و تا پرهیزگاری کنید و تا مهربانی کرده
شود بر شما؟. ﴿۶۳﴾ پس دروغی داشتند او را، پس نجات
دادیم او را و کسانی را که با وی بودند در کشتی و غرق
ساختیم کسانی را که دروغ داشته بودند آیات ما را،
هر آینه ایشان بودند گروهی نابینا. ﴿۶۴﴾ و فرستادیم به
سوی قوم عاد برادر ایشان هود را، گفت: ای قوم من!
عبادت کنید خدا را؛ نیست شما را هیچ معبود غیر او. آیا
پرهیزگاری نمی کنید؟. ﴿۶۵﴾ گفتند اشراف کفار از قوم
او: هر آینه ما بینیم تو را در بی خردی و هر آینه ما
می پنداریم تو را از دروغگویان. ﴿۶۶﴾ گفت ای قوم من!
نیست با من هیچ بی خردی و لیکن من پیغامبرم از جانب
پروردگار عالم ها. ﴿۶۷﴾

۱- مترجم گوید: این مثل است برای پند در قلب سلیم و عدم تأثیر آن در

غیر سلیم، والله اعلم.

۲- یعنی روز قیامت.

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَتِي رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴿٦٨﴾
 أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ
 مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ
 بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصْطَةً ۖ فَاذْكُرُوا
 ءَالَآءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ
 اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا
 إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٧٠﴾ قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِّن
 رَّبِّكُمْ رَجْسٌ وَغَضَبٌ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءِ
 سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ مَا نَزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ
 سُلْطَانٍ ۖ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿٧١﴾
 فَأَنجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ
 كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٧٢﴾ وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ
 صَالِحًا قَالَ يَقَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِن إِلَهٍ
 غَيْرُهُ ۖ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ هَلْذِهِ نَاقَةُ
 اللَّهِ لَكُمْ ءَايَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا
 تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ ﴿٧٣﴾

می‌رسانم به شما پیغام‌های پروردگار خود [و] من برای شما
 نیک‌خواه با امانتم. ﴿۶۸﴾ آیا تعجب کردید از آنکه آمد
 به شما پندی از جانب پروردگار شما، [فرود آورده] بر
 مردی از شما تا بیم کند شما را و یاد کنید نعمت الهی، آن
 وقت که گردانید شما را جانشین بعد از قوم نوح و افزود
 برای شما در خلقت، قوت را، پس یاد کنید نعمت‌های خدا
 را تا شما رستگار شوید. ﴿۶۹﴾ گفتند: آیا آمده‌ای پیش ما
 تا عبادت کنیم خدا را تنها و بگذاریم آنچه می‌پرستیدند
 پدران ما؟! پس بیار پیش ما آنچه وعید می‌کنی^(۱)، اگر
 هستی از راستگویان. ﴿۷۰﴾ گفت: ثابت شد بر شما از
 جانب پروردگار شما عقوبت و خشم. آیا مکابره می‌کنید با
 من در باب نام‌هایی چند که شما مقرر کرده‌اید^(۲) آن را و
 پدران شما مقرر کرده‌اند [و] فرود نیاورده است خدا بر آن
 هیچ دلیل؟ پس انتظار کنید، هرآینه من نیز همراه شما از
 منتظرانم. ﴿۷۱﴾ پس نجات دادیم او را و کسانی را که با
 او بودند به مهربانی از جانب خویش و بریدیم^(۳) بیخ
 آنان که دروغ می‌داشتند آیات ما را و نبودند از مؤمنان.
 ﴿۷۲﴾ و فرستادیم به سوی قوم ثمود برادر ایشان صالح را،
 گفت: ای قوم من! عبادت کنید خدا را؛ نیست شما را هیچ
 معبود غیر او، هرآینه آمد به شما دلیلی از جانب پروردگار
 شما؛ این ماده شتری است، پیدا کرده خدا نشانه برای شما؛
 پس بگذاریدش که چرَد در زمین خدا و مرسانید او را هیچ
 سختی، که آنگاه بگیرد شما را عقوبت درد دهنده. ﴿۷۳﴾

۱- یعنی بیار عقوبت را.

۲- یعنی بی اصل است.

۳- در متن اصلی، بریدم آمده است.

وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا ءَالَآءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٧٤﴾ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِمَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِءَ مُؤْمِنُونَ ﴿٧٥﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي ءَامَنْتُمْ بِهِءَ كَافِرُونَ ﴿٧٦﴾ فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يُصْلِحُ أُنْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧٧﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثِيمِينَ ﴿٧٨﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ ﴿٧٩﴾ وَلَوْطَا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَلْحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ الْنِسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿٨١﴾

و یاد کنید [نعمت الهی را] آن وقت که گردانید شما را جانشین بعد از قوم عاد و استقرار داد شما را در زمین، می‌سازید از نرم آن کوشک‌ها و می‌تراشید کوه‌ها را خانه‌ها، پس یاد کنید نعمت‌های خدا را و تباهی مکنید در زمین، فسادافگنان. ﴿٧٤﴾ گفتند آن اشراف که سرکشی کرده بودند از قوم او، آنان را که هر کسی ضعیف دانست ایشان را، مر کسانی را که ایمان آورده بودند از ایشان: آیا می‌دانید که صالح فرستاده شده است از جانب پروردگار خود؟ گفتند اهل ایمان: هرآینه ما به شریعتی که وی فرستاده شده است [به آن شریعت] معتقدانیم. ﴿٧٥﴾ گفتند سرکشان: هرآینه ما به آنچه معتقد آن شدید، کافرانیم. ﴿٧٦﴾ پس گشتند آن ماده شتر را و تجاوز کردند از فرمان پروردگار خویش و گفتند: ای صالح! بیار به ما آنچه وعید می‌کنی، اگر هستی از پیغامبران. ﴿٧٧﴾ پس در گرفت ایشان را زلزله، پس گشتند مرده به زانو افتاده در سرایی خویش. ﴿٧٨﴾ پس صالح اعراض کرد از ایشان و گفت: ای قوم من! رسانیدم به شما پیغام پروردگار خود و نیک‌خواهی کردم برای شما و لیکن دوست نمی‌دارید نیک‌خواهی کنندگان را. ﴿٧٩﴾ و فرستادیم لوط را، آن وقت که گفت به قوم خود: آیا می‌کنید آن بی‌حیایی‌ای که پیش از شما نکرده است آن را هیچ کس از عالم‌ها؟ ﴿٨٠﴾ هرآینه شما می‌روید به شهوت به سوی مردان، بجز زنان! بلکه شما گروه مسرفانید. ﴿٨١﴾

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ ﴿٨٢﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٨٣﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿٨٤﴾ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَبْنَومُ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٨٥﴾ وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ ثُوْعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرْتُمْ وَأَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨٦﴾ وَإِنْ كَانَ طَآئِفَةٌ مِّنْكُمْ ءَامَنُوا بِأَلَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَآئِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا أَصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿٨٧﴾

و نبود جواب قوم او الا آنکه گفتند: بیرون کنید ایشان را از دیه خود که هرآینه ایشان مردم پاکیزگی طلب کننده‌اند. ﴿۸۲﴾ پس نجات دادیم او را و اهل خانه او را مگر زنش را که بود از باقی ماندگان در آنجا. ﴿۸۳﴾ و بارانیدیم بر ایشان بارانی (یعنی از سنگ) پس بنگر چگونه بود آخر کار گناهکاران. ﴿۸۴﴾ و فرستادیم به سوی قوم مدین برادر ایشان شعیب را، گفت: ای قوم من! پرستید خدا را؛ نیست شما را هیچ معبود بجز او، هرآینه آمده است به شما دلیلی از پروردگار شما، پس تمام کنید پیمانها و ترازو را و ناقص مدهید به مردمان، اشیای ایشان را و فساد مکنید در زمین بعد اصلاح آن؛ این کار [که گفتیم]، بهتر است شما را، اگر باور دارندگانید. ﴿۸۵﴾ و منشینید به هر راه که بترسانید و بازدارید از راه خدا کسی را که ایمان آورده است به او و می‌جوئید برای آن راه کجی و یاد کنید آن وقت که شما اندک بودید، پس بسیار گردانید شما را و بنگرید چگونه شد آخر کار مفسدان. ﴿۸۶﴾ و اگر هست گروهی از شما مؤمن به آنچه فرستاده شدم به همراه او و گروهی نا مؤمن، پس صبر کنید تا آنکه فیصله کند خدا در میان ما، و او بهتر حکم کنندگان است.^(۱)

﴿۸۷﴾

۱- یعنی واجب آن بود که همه متفق می‌شدند بر ایمان و چون متفق نشدند، منتظر فیصله کردن باشند، والله اعلم.

﴿قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَخُذْجَنَّاكَ
يَشْعِيبُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودَنَّ
فِي مِلَّتِنَا قَالَ أُولَٰؤُ كُنَّا كَرِهِينَ ﴿٨٨﴾ قَدْ أَفْتَرَيْنَا عَلَى
اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ جَعَلْنَا اللَّهَ
مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ
رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا
أَفْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ
﴿٨٩﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنْ
اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذَا لَخَسِرُونَ ﴿٩٠﴾ فَأَخَذَتْهُمْ
الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَثِمِينَ ﴿٩١﴾ الَّذِينَ
كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا
شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ ﴿٩٢﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ
يَقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ
فَكَيْفَ ءَأَسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿٩٣﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي
قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ
لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ ﴿٩٤﴾ ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ
حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ ءَابَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ
فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩٥﴾

گفتند آن اشراف که سرکشی کرده بودند از قوم او: البته
بیرون کنیم تو را ای شعیب و کسانی را که همراه تو ایمان
آوردند از دیه خود، یا این است که بازگردید در دین ما.
گفت: آیا عود کنیم اگرچه ما ناخواهان باشیم؟! ﴿۸۸﴾
هرآینه بسته باشیم بر خدا دروغی، اگر بازگردیم در دین
شما بعد از آنکه برهانید خدا ما را از آن؛ و هرگز لایق
نیست ما را که عود کنیم در آن، مگر آنکه خواهد خدا،
پروردگار ما، احاطه کرده است پروردگار ما به همه چیز از
روی دانش. بر خدا توکل کردیم. ای پروردگار ما! فیصله
کن در میان ما و در میان قوم ما به راستی. و تو بهترین
فیصله کننده گانی. ﴿۸۹﴾ و گفتند: آن اشراف که کافر
بودند از قوم او بیاران خود: اگر متابعت کنی شعیب را،
هرآینه شما آن هنگام زیانکار باشید. ﴿۹۰﴾ پس
درگرفت ایشان را زلزله، پس صبح کردند در سرای
خویش مرده به زانو افتاده. ﴿۹۱﴾ آنان که دروغی داشتند شعیب
را گویا نبودند آنجا. آنان که دروغی داشتند شعیب
را ایشان بودند زیان کار. ﴿۹۲﴾ پس بازگشت از ایشان و
گفت: ای قوم من! رسانیدم به شما پیغام های پروردگار
خود و نیک خواهی کردم برای شما؛ پس چگونه اندوه
خورم بر قوم کافران؟! ﴿۹۳﴾ و نفرستادیم در هیچ دیهی
پیغامبری را مگر گرفتار کردیم اهل آن را به سختی و رنج،
تا بود که ایشان زاری کنند. ﴿۹۴﴾ باز دادیم به ایشان به
جای محنت راحت را تا آنکه بسیار شدند و گفتند: هرآینه
رسیده بود پدران ما را سختی و راحت^(۱)، پس گرفتیم
ایشان را ناگهان و ایشان خبر نداشتند. ﴿۹۵﴾

۱- یعنی عادت زمان است که گاهی سختی و گاهی راحت می باشد، از

باب مؤاخذه بر اعمال کبوء، والله اعلم.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٩٦﴾ أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيِّنًا وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿٩٧﴾ أَوَ آمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ ﴿٩٨﴾ أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٩٩﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾ تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَثْبَاتِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِن قَبْلُ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ﴿١٠١﴾ وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِم مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ ﴿١٠٢﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِۦ فَظَلَمُوا بِهَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٠٣﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ يُفِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٤﴾

و اگر اهل دیه‌ها ایمان آوردندی و پرهیزگاری کردندی، می‌گشادیم بر ایشان برکت‌ها از آسمان و زمین، و لیکن به دروغ نسبت کردند، پس گرفتیم ایشان را به وبال آنچه می‌کردند. ﴿۹۶﴾ آیا ایمن شدند اهل دیه‌ها از آنکه بیاید عذاب ما به ایشان شبانگاه و ایشان خفته باشند. ﴿۹۷﴾ آیا ایمن شدند اهل دیه‌ها از آنکه بیاید به ایشان عذاب ما وقت چاشت و ایشان بازی می‌کنند؟ ﴿۹۸﴾ آیا ایمن شدند از مکر خدا؟^(۱) پس ایمن نمی‌شوند از مکر خدا مگر گروه زیانکاران. ﴿۹۹﴾ آیا واضح نشد بر آنان که وارث زمین می‌شوند بعد از هلاک ساکنان آن زمین، که اگر خواستمی، عقوبت رسانیدمی ایشان را به عوض گناهان ایشان؟ و مَهر می‌نهم بر دل‌هایی ایشان، پس ایشان نمی‌شنوند؟ ﴿۱۰۰﴾ این دیه‌ها ذکر می‌کنیم پیش تو بعض اخبار آن، و هرآینه آمده بودند به اهل آنها پیغامبران ایشان با معجزه‌ها، پس هرگز ایمان نیاوردند به آنچه تکذیب کرده بودند پیش از آن. همچنین مَهر می‌نهد خدا بر دل‌های کافران. ﴿۱۰۱﴾ و نیافتیم در اکثر ایشان وفا به عهد و هرآینه یافتیم اکثر ایشان را بدکار. ﴿۱۰۲﴾ باز فرستادیم بعد ایشان موسی را به نشانه‌های خویش به سوی فرعون و قوم او، پس کافر شدند به آن نشانه‌ها، پس بنگر چگونه بود آخر کار مفسدان. ﴿۱۰۳﴾ و گفت موسی: ای فرعون! هرآینه من پیغامبرم از جانب پروردگار عالم‌ها. ﴿۱۰۴﴾

حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿١٠٥﴾ قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٠٦﴾ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿١٠٧﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظِيرِينَ ﴿١٠٨﴾ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٩﴾ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿١١٠﴾ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿١١١﴾ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿١١٢﴾ وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿١١٣﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿١١٤﴾ قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقَىٰ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْكِينَ ﴿١١٥﴾ قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ ﴿١١٦﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١١٧﴾ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٨﴾ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَغِيرِينَ ﴿١١٩﴾ وَأَلْقَىٰ السَّحَرَةُ سَجْدِينَ ﴿١٢٠﴾

سزاوارم به آنکه نگویم بر خدا مگر سخن راست؛ آورده‌ام به شما نشانه‌ای از جانب پروردگار شما، پس بفرست با من بنی اسرائیل را. ﴿۱۰۵﴾ گفت: اگر آورده‌ای معجزه پس حاضر کن آن را، اگر هستی از راستگویان. ﴿۱۰۶﴾ پس انداخت عصای خود را، پس ناگهان آن عصا اژدهایی ظاهر شده. ﴿۱۰۷﴾ و و بیرون آورد دست خود را، پس ناگهان آن دست نورانی شد برای بینندگان ﴿۱۰۸﴾ گفتند اشراف از قوم فرعون با یکدیگر: هرآینه این شخص ساحری داناست! ﴿۱۰۹﴾ می‌خواهد که بیرون کند شما را از زمین شما، پس چه می‌فرمایید؟. ﴿۱۱۰﴾ گفتند: ای فرعون! موقوف‌دار او را و برادر او را و بفرست در شهرها نقیبان را. ﴿۱۱۱﴾ تا بیارند پیش تو هر ساحر دانا را. ﴿۱۱۲﴾ و آمدند ساحران پیش فرعون، گفتند: هرآینه ما را مزدی می‌باید، اگر ما غالب شویم؟. ﴿۱۱۳﴾ گفت: آری! و هرآینه شما از مقربان باشید. ﴿۱۱۴﴾ گفتند: ای موسی! یا این است که نخست تو افکنی یا ما باشیم اندازنده. ﴿۱۱۵﴾ گفت موسی: شما افکنید؛ پس آن هنگام که افکندند به جادو، بستند چشم‌های مردمان را و بترسانیدند ایشان را و آوردند جادوی بزرگ را. ﴿۱۱۶﴾ و وحی فرستادیم به سوی موسی که بیفکن عصای خود را؛ پس ناگهان آن عصا فرو می‌برد آنچه به دروغ اظهار می‌کردند. ﴿۱۱۷﴾ پس ثابت شد حق، و باطل شد آنچه ایشان می‌کردند. ﴿۱۱۸﴾ پس قوم فرعون مغلوب شدند آنجا و خوار گشتند. ﴿۱۱۹﴾ و انداخته شدند ساحران، سجده‌کنان. ﴿۱۲۰﴾

قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦١﴾ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ
 ﴿١٦٢﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ ءَامَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّ
 هَذَا لَمَكْرٌ مَّكْرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا
 أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿١٦٣﴾ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ
 وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٦٤﴾
 قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿١٦٥﴾ وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ
 ءَامَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا
 صَبْرًا وَتَوَقَّنَا مُسْلِمِينَ ﴿١٦٦﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ
 فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ
 وَيَذَرَكْ وَعَالِهَتَكَ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي
 نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ﴿١٦٧﴾ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ
 اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَأَصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ
 يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٦٨﴾ قَالُوا أُوذِينَا
 مِن قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى
 رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَذُوَكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي
 الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٦٩﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ
 فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ
 يَذَّكَّرُونَ ﴿١٧٠﴾

گفتند: ایمان آوردیم به پروردگار عالم‌ها. ﴿۱۶۱﴾
 پروردگار موسی و هارون. ﴿۱۶۲﴾ گفت فرعون: آیا
 ایمان آوردید به موسی پیش از آنکه دستوری دهم شما
 را؟! هرآینه این تدبیری است که اندیشیده‌اید آن را در این
 شهر تا بیرون کنید از این شهر ساکنان آن را، پس خواهید
 دانست! ﴿۱۶۳﴾ البته بی‌رم دست‌های شما را و پاهای شما
 را به خلاف یکدیگر^(۱)، باز بر دار کنم شما را همه یکجا.
 ﴿۱۶۴﴾ گفتند: هرآینه ما به سوی پروردگار خود رجوع
 کنندگانیم. ﴿۱۶۵﴾ و انکار نمی‌کنی بر ما مگر آنکه ایمان
 آوردیم به نشانه‌های پروردگار خویش، چون پیامد به ما.
 ای پروردگار ما! بریز بر ما شکیبایی و قبض ارواح ماکن
 در حالی که مسلمان باشیم. ﴿۱۶۶﴾ و گفتند اشراف از
 قوم فرعون: آیا می‌گذاری موسی و قوم او را تا فساد کنند
 در زمین و تا بگذارند عبادت تو را و معبودان تو را؟! گفت:
 خواهیم کشت پسران بنی اسرائیل را و زنده خواهیم
 گذاشت دختران ایشان را و ما بر ایشان غالبانیم. ﴿۱۶۷﴾
 گفت موسی به قوم خود: مدد طلبد از خدا و صبر کنید؛
 هرآینه زمین خدا راست. وارث او می‌کند هر که را
 خواهد از بندگان خویش و آخر کار برای پرهیزگاران
 است. ﴿۱۶۸﴾ گفتند: ای‌داداده شدیم پیش از آنکه بیایی
 نزدیک ما و بعد از آنکه آمدی نزدیک ما. گفت: امید
 است که پروردگار شما هلاک کند دشمن شما را و خلیفه
 گرداند شما را در زمین، پس بنگرد چگونه عمل می‌کنید.
 ﴿۱۶۹﴾ و هرآینه گرفتار کردیم کسان فرعون را به
 قحط‌ها و به نقصان میوه‌ها تا شود که ایشان پند پذیرند.
 ﴿۱۷۰﴾

فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ
سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَّعَهُٗ ۖ إِلَّا إِنَّمَا طَّيَّرَهُمْ
عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣١﴾ وَقَالُوا
مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ ءَايَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ
بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ
وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالْذَّمَ عَايَتٍ مُّفَصَّلَتٍ
فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿١٣٣﴾ وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ
الرَّجْزُ قَالُوا يَمُوسَىٰ أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ
لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرَّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ
بَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿١٣٤﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرَّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ
هُمْ بَلِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ﴿١٣٥﴾ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ
فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا
غَافِلِينَ ﴿١٣٦﴾ وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ
مَشْرِقَ الْأَرْضِ وَمَغْرِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ
كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ بِمَا صَبَرُوا
وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا
يَعْرِشُونَ ﴿١٣٧﴾

پس چون آمدی به ایشان فراخی، گفتندی: این لایق ماست
و اگر برسیدی به ایشان سختی، شگون بد گرفتندی به
موسی و کسانی که با وی بودند. آگاه باش جز این نیست
که شگون بد ایشان نزدیک خدا است و لیکن بیشتر از
ایشان نمی‌دانند^(۱). ﴿۱۳۱﴾ گفتند کسانِ فرعون: ای
موسی! هرچه بیاری آن را از نشانه‌ها تا سحر کنی ما را
بدان، پس نیستیم تو را باور دارنده. ﴿۱۳۲﴾ پس فرستادیم
بر ایشان طوفان و ملخ و کنه و غوک‌ها و خون نشانه‌های
واضح کرده شده، پس سرکشی کردند و بودند قوم
گناهکاران. ﴿۱۳۳﴾ و وقتی که فرود آمد بر ایشان
عقوبت، گفتند: ای موسی! دعا کن به جناب پروردگار
خود به آن (اسماء و ادعیه) که وحی کرده است نزد تو؛
اگر زایل کنی از ما عقوبت را، البته معتقد شویم تو را و
بفرستیم با تو بنی اسرائیل را. ﴿۱۳۴﴾ پس چون زایل
کردیم از ایشان عقوبت را تا مدتی که ایشان رسند گانند به
آن، ناگهان عهد می‌شکستند. ﴿۱۳۵﴾ پس انتقام کشیدیم
از ایشان؛ پس غرق کردیم ایشان را در دریا به سبب آنکه
ایشان دروغ می‌داشتند آیات ما را و بودند از آن بی‌خبر.
﴿۱۳۶﴾ و میراث دادیم گروهی را که ضعیف شمرده
می‌شدند مشرق و مغاربِ زمینی که برکت نهادیم در
آن^(۲). و راست شده وعدهٔ نیکِ پروردگار تو بر بنی
اسرائیل به سبب آنکه صبر کردند، و خراب کردیم آنچه
ساخته بود فرعون و کسانِ او و آنچه بر می‌افراشتند.

﴿۱۳۷﴾

۱- یعنی مؤاخذه اعمال بر ایشان است، والله اعلم.

۲- یعنی زمین شام به ایشان دادیم، چه بقعه‌های شرقیه و چه بقعه‌های غربیه،
والله اعلم.

وَجَوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ
يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَمُوسَى اجْعَلْ لَنَا
إِلَهًا كَمَا لَهُمْ ءَالِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿١٣٨﴾ إِنَّ
هَؤُلَاءِ مُتَبَرِّئُونَ مِمَّا هُمْ فِيهِ وَبِطُلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٩﴾
قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى
الْعَالَمِينَ ﴿١٤٠﴾ وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَالٍ فِرْعَوْنَ
يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقْتِيلُونَ أَبْنَاءَكُمْ
وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ
عَظِيمٌ ﴿١٤١﴾ وَوَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا
بِعَشْرِ فِتْنٍ مِيقَتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى
لِأَخِيهِ هَارُونَ أَخْلِفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ
سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤٢﴾ وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا
وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَنِي
وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ
تَرَنِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ
مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ
وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٤٣﴾

و گذرانیدیم بنی اسرائیل را از دریا. پس آمدند بر گروهی
که مجاورت می کردند بر بتان خویش. گفتند بنی اسرائیل:
ای موسی! بساز برای ما معبودی؛ چنانکه ایشان را هستند
معبودان. گفت: هرآینه شما گروهی هستید که نادانی
می کنید. ﴿۱۳۸﴾ هرآینه این جماعت، باطل کرده شده
است مذهبی که ایشان در آند و باطل است آنچه
می کردند. ﴿۱۳۹﴾ گفت موسی: آیا غیر خدا طلب کنم
برای شما معبودی؟! و او فضل داده است شما را بر عالم‌ها.
﴿۱۴۰﴾ و [یاد کنید نعمت ما]، چون نجات دادیم شما را
از کسان فرعون. می‌رسانیدند به شما عقوبت سخت؛
می‌کشتند پسران شما را و زنده می‌گذاشتند دختران شما را
و در این امر، آزمایش بزرگ بود از جانب پروردگار شما.
﴿۱۴۱﴾ و وعده کردیم با موسی سی شب و تمام کردیم
آن میعاد را به ده شب، پس کامل شد میعاد پروردگار او
چهل شب و گفت موسی برادر خود هارون را: جانشین من
باش در قوم من و صلاحکاری کن و پیروی منما راه
تباه کاران را. ﴿۱۴۲﴾ و چون آمد موسی به وعده گاه ما و
سخن گفت با او پروردگار او، گفت: ای پروردگار من!
بینا کن مرا به خویش تا نظر کنم به سوی تو. گفت خدا:
نخواهی دید مرا و لیکن نظر کن به سوی کوه، پس اگر
قرار گیرد به جای خود، خواهی دید مرا. پس وقتی که
ظهور کرد پروردگار او بر آن کوه، گردانید آن کوه را به
زمین هموار ساخته و افتاد موسی بی‌هوش شده؛ پس چون
به هوش آمد، گفت: به پاکی یاد می‌کنم تو را، بازگشتم به
سوی تو و من اوّل مسلمانانم. ﴿۱۴۳﴾

قَالَ يَمُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي
وَبِكَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾
وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً
وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ
يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٤٥﴾
سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ
بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِن يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِن يَرَوْا
سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ
الْغَىِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٤٦﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ
الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ﴿١٤٧﴾ وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِن بَعْدِهِ مِن حُلِيِّهِمْ
عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خَوَارٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ
وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ ﴿١٤٨﴾ وَلَمَّا
سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ
يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿١٤٩﴾

گفت ای موسی! هر آینه من برگزیدم تو را بر مردمان به پیغام‌های خود و به شنوایدن سخن خود، پس بگیر آنچه عطا کردم تو را و باش از شکر کنندگان. ﴿۱۴۴﴾ و نوشتیم برای موسی در لوح‌ها از هر جنس، برای پند و برای بیان هر چیز پس گفتیم: بگیر آن را به قوت و بفرما قوم خود را تا عمل کنند به بهترین آنچه در اوست^(۱). خواهم نمود شما را سرای گناهکاران^(۲). ﴿۱۴۵﴾ باز خواهم داشت از تأمل در آیات خود کسانی را که تکبر می‌کنند در زمین به ناحق و اگر ببینند هر نشانی که هست، ایمان نیارند و اگر ببینند راه راستی را، راه نگیرند آن را و اگر ببینند راه گمراهی را، راه گیرند آن را. این به سبب آن است که ایشان دروغ داشتند آیات ما را و از آن غافل ماندند. ﴿۱۴۶﴾ و کسانی که دروغ داشتند آیات ما را و دروغ داشتند ملاقات آخرت را نابود شود عمل‌های ایشان. جزا داده نشوند الا به آنچه می‌کردند. ﴿۱۴۷﴾ و ساختند قوم موسی بعد رفتنش از زیور قبطیان گوساله بدنی که او را آواز گاو بود، آیا ندیدند که آن گوساله به ایشان هیچ سخن نمی‌گفت و دلالت نمی‌کرد ایشان را به هیچ راه؟ معبود گرفتند او را و ایشان ستمکار بودند. ﴿۱۴۸﴾ و چون نادم شدند و دیدند که ایشان گمراه شدند، گفتند: اگر مهربانی نکند بر ما پروردگار ما و نیامرزد ما را، البته باشیم از زیانکاران. ﴿۱۴۹﴾

۱- یعنی به عزیمت دادن رخصت، والله اعلم.

۲- یعنی منازل فرعونیان خراب شده خواهید دید.

و چون باز آمد موسی به سوی قوم خود خشمناک شده اندوهگین گشته، گفت: بد جانشینی است، جانشینی ای که کردید پس از من، آیا شتابی کردید از حکم پروردگار خویش؟ و انداخت الواح را و گرفت موسی سر برادر خود را، می کشیدش به سوی خود. گفت هارون: ای پسر مادر من! هرآینه این قوم ضعیف شمرند مرا و نزدیک بودند که بکشند مرا، پس شاد مکن به سبب اهانت من، دشمنان را و شمار مکن مرا با گروه ستمکاران. ﴿۱۵۰﴾ گفت موسی: ای پروردگار من! بیامرز مرا و برادر مرا و داخل کن ما را در بخشایش خود و تو بخشاینده ترین بخشاینده گانی. ﴿۱۵۱﴾ هرآینه کسانی که معبود گرفتند گوساله را، خواهد رسید به این جماعت، خشمی از پروردگار ایشان و رسوایی ای در حیات دنیا و همچنین جزا می دهیم افترا کنندگان را. ﴿۱۵۲﴾ و هرآینه کسانی که گناه کردند، باز توبه نمودند بعد از آن گناهان و ایمان آوردند، البته پروردگار تو بعد از توبه، آمرزنده مهربان است. ﴿۱۵۳﴾ و چون ساکن شد خشم از خاطر موسی، گرفت الواح را و در مکتوب وی هدایت بود و بخشایش، آنان را که ایشان از پروردگار خود می ترسند. ﴿۱۵۴﴾ و اختیار کرد موسی از قوم خود هفتاد کس برای میعاد ما^(۱). پس وقتی که گرفت ایشان را زلزله، گفت موسی: ای پروردگار من! اگر می خواستی، پیش از این ایشان را و مرا هلاک می کردی^(۲)، آیا هلاک می کنی ما را به جزای آنچه کردند بی خردان از قوم ما؟ نیست این حادثه مگر امتحان تو؛ گمراه می کنی به آن هر که را خواهی و راه نمایی به آن هر که را خواهی. تو کار سازمایی، پس بیامرز ما را و مهربانی کن بر ما و تو بهترین آمرزنده گانی. ﴿۱۵۵﴾

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضَبَنَ أَسْفًا قَالَ
يٰۤأَيُّهَا خَلْقْتُومِي مِّنْ بَعْدِيٓ أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ
وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ
ابْنُ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي فَلَا
تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ
﴿١٥٠﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ
وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٥١﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ
سَيِّئًا لَّهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ﴿١٥٢﴾ وَالَّذِينَ عَمِلُوا
السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِهَا وَعَمِنُوا إِن رَّبَّكَ مِن
بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٥٣﴾ وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَى
الْعَصْبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ فِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةً
لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْتَهِبُونَ ﴿١٥٤﴾ وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ
سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ
رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِنِّي أَتُهْلِكُنَا بِمَا
فَعَلَّ السَّفَهَاءُ مِنَّا إِن هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن
تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا
وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ﴿١٥٥﴾

۱- یعنی تا عذر گویند از عبادت گوساله و این جماعت اگرچه عبادت

نکرده بودند، بر عبادت کنندگان انکار هم نکردند، پس خدای تعالی

هلاک ساخت، والله اعلم.

۲- یعنی اگر در بنی اسرائیل هلاک می شدند، تهمت قتل بر موسی

ننهادندی، والله اعلم.

وَكَتُبْنَا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا إِلَيْكَ قَالِ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٦﴾ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٥٧﴾ قُلْ يَأَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٨﴾ وَمِن قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿١٥٩﴾

و بنویس (یعنی مقدر کن) برای ما در این دنیا نیکی و در آخرت نیز نیکی، هر آینه ما رجوع کردیم به سوی تو. گفت الله: عذاب من، می‌رسانمش به هر که خواهم و مهربانی من، احاطه کرده است هر چیز را؛ پس خواهم نوشت رحمت کامله خود را^(۱) برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند و زکات می‌دهند و کسانی که ایشان به آیات ما معتقد می‌شوند^(۲). ﴿۱۵۶﴾ [خواهم نوشت رحمت اخرویّه برای] آنان که پیروی می‌کنند آن پیغامبر را که نبیّ امّی است؛ آنکه می‌یابند نعت او نوشته نزدیک خویش در تورات و انجیل؛ می‌فرماید ایشان را به کار پسندیده و منع می‌کند ایشان را از ناپسندیده و حلال می‌سازد برای ایشان پاکیزه‌ها و حرام می‌کند بر ایشان ناپاکیزه‌ها و ساقط می‌کند از ایشان بارگران ایشان را و آن مشقّت‌ها را که بود بر ایشان. پس آنان که ایمان آوردند به او و تعظیم کردند او را و یاری دادند او را و پیروی کردند نوری را که همراه وی نازل کرده شده است، ایشانند رستگاران^(۳). ﴿۱۵۷﴾ بگو: ای مردمان! هر آینه من پیغامبر خدایم به سوی شما همه یکجا؛ آن خدایی که او راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین؛ نیست هیچ معبود مگر او؛ زنده می‌کند و می‌میراند. پس ایمان آرید به خدا و به پیغامبر او که نبیّ امّی است؛ آنکه تصدیق می‌نماید خدا را و سخنان او را و پیروی کنید او را تا بُود که شما راهیاب شوید. ﴿۱۵۸﴾ و از قوم موسی گروهی هست که دلالت می‌کند مردمان را به راه راست و به راستی حکم می‌کنند. ﴿۱۵۹﴾

۱- یعنی در آخرت.

۲- یعنی: ﴿فَسَأَكْتُبُهَا﴾ آن است که در آخر زمان، رحمت خاص باشد به متابعان نبیّ امّی، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: بشارت دادن خدای تعالی حضرت موسی را و به امت مرحومه، اول دلیل است بر نبوت آن حضرت و لهذا می‌فرماید، والله اعلم.

وَقَطَعْنَاهُمْ أَثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ أَضْرِبَ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ أَثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَمَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١٦١﴾ وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتَكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٦٢﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿١٦٣﴾ وَسَأَلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٤﴾

و متفرق ساختیم بنی اسرائیل را بر دوازده قسم قبیله قبیله، گروه گروه و وحی فرستادیم به سوی موسی، وقتی که آب خواستند از وی قوم وی، که بز ن به عصای خود سنگ را، پس روان شد از آن سنگ دوازده چشمه. بدانست هر گروهی آبخور خود را و سایبان ساختیم بر ایشان ابر را و نازل کردیم بر ایشان «من» و «سلوی» را. گفتیم: بخورید از پاکیزه‌های آنچه روزی داده‌ایم شما را و ایشان بر ما ستم نکردند و لیکن بر خویشتن ستم می‌کردند. ﴿۱۶۰﴾ یاد کن چون گفته شد ایشان را که: ساکن شوید در این دیه و بخورید از این دیه، هر جاکه خواسته باشید و بگویید: «حطه». و داخل شوید به دروازه، سجده‌کنان تا بیامریم برای شما گناهان شما را، زیاده خواهیم داد نیکوکاران را. ﴿۱۶۱﴾ پس بدل کردند ستمکاران از بنی اسرائیل، سخنی غیر آنچه فرموده شده ایشان را، پس فرستادیم بر ایشان عقوبتی از آسمان به مقابله آنکه ستم می‌کردند. ﴿۱۶۲﴾ سؤال کن [یا محمد]، یهود را از حال دیهی که بود ساکن بر لب دریا. چون از حد می‌گذشتند. در روز شنبه، وقتی که می‌آمد ماهیان ایشان ظاهر شده، روزی که ایشان بتعظیم شنبه مشغول می‌شدند و روزی که تعظیم شنبه نمی‌کردند، نمی‌آمدند ایشان. همچنین آزمودیم ایشان را به سبب آنکه فسق می‌کردند.^(۱) ﴿۱۶۳﴾

۱- مترجم گوید: اهل دیه سه قسم بودند: قسم شکار می‌کردند و قسمی از آن نهی می‌کردند و قسمی نه شکار می‌کردند و نه از آن منع می‌کردند، والله اعلم.

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعِذْرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٦٦﴾ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٧﴾ فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿١٦٨﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَن يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٦٩﴾ وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا مِّنْهُمْ الْأَصْلَحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٧٠﴾ فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلُهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِّيثَقُ الْكِتَابِ أَنَّ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالَّذِينَ الْأَخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٧١﴾ وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ﴿١٧٢﴾

و یاد کن، چون گفت گروهی از اهل آن دیه^(۱): چرا پند می‌دهید گروهی را که خدای تعالی هلاک خواهد کرد ایشان را یا عذاب خواهد کرد ایشان را عذاب سخت؟ گفتند: تا ما را عذری باشد نزدیک پروردگار شما و تا باشد که ایشان پرهیزگاری کنند. ﴿۱۶۴﴾ پس وقتی که فراموش کردند آنچه به آن پند داده شده ایشان را، نجات دادیم کسانی را که منع می‌کردند از کار بد و گرفتار

۱- یعنی قسم ثالث نهی کنندگان را، والله اعلم.

کردیم ستمکاران را به عذاب سخت، به سبب آنکه فاسق بودند. ﴿۱۶۵﴾ پس چون تکبر کردند از ترک آنچه منع کرده شد ایشان را از آن، گفتیم ایشان را: شوید بوزینگان خوار شده. ﴿۱۶۶﴾ و یاد کن چون آگاه گردانید پروردگار تو^(۲) که البته بفرستد بر ایشان تا روز قیامت کسی را که برساند به ایشان عقوبت سخت، هرآینه پروردگار تو زود عقوبت کننده است او آمرزنده مهربان است^(۳). ﴿۱۶۷﴾ و پراکنده کردیم بنی اسرائیل را در زمین گروه گروه؛ بعضی از ایشان شایسته کاراند و بعضی از ایشان سوای اینند و امتحان کردیم ایشان را به نعمت‌ها و مشقت‌ها تا بازگردند (یعنی به سوی راه راست). ﴿۱۶۸﴾ پس از پی در آمدند بعد از ایشان جانشینان بد که وارث تورات شدند^(۴)، اختیار می‌کنند متاع این عالم خسیس را و می‌گویند: آمرزیده خواهد شد برای ما و اگر بیاید به ایشان متاعی مانند آن، البته بگیرند آن را^(۵). آیا گرفته نشده است بر ایشان آن عهد که در تورات است که نگویند بر خدا مگر سخن راست و خوانده‌اند آنچه در تورات است و سرای آخرت بهتر است پرهیزگاران را، آیا فهم نمی‌کنید. ﴿۱۶۹﴾ و آنان که تمسک می‌کنند به کتاب و برپا داشتند نماز را، هرآینه ما ضایع نمی‌سازم مزد این نیکوکاران را. ﴿۱۷۰﴾

۲- یعنی بنی اسرائیل را.

۳- بعد ازین هیچ پادشاهی در بنی اسرائیل پیدا نشده، همیشه لگدکوب پادشاهان اسلام و نصاری و مجوس می‌بودند، والله اعلم.

۴- یعنی اخبار بنی اسرائیل.

۵- یعنی مصرند بر اخذ آن و غیر نادمند از آن و توبه مصر غیر نادم، صحیح نیست، والله اعلم.

وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧١﴾ وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ﴿١٧٢﴾ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّن بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿١٧٣﴾ وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٧٤﴾ وَآتَيْنَا فَاوْصِيَّ الشَّيْطَانِ فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ ﴿١٧٥﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصِصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٧٦﴾ سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسُهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿١٧٧﴾ مَن يَهْدِ اللَّهُ فهُوَ الْمُهْتَدَى وَمَن يُضِلِلْ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٧٨﴾

و یاد کن چون برداشتیم کوه را بالای ایشان، گویا وی سایبانی است و گمان کردند که آن کوه خواهد افتاد بر ایشان. گفتیم بگیرد آنچه دادیم شما را به جدِّ تمام و یاد کنید آنچه در اوست تا بُود که شما در پناه باشید از عذاب. ﴿۱۷۱﴾ و یاد کن چون گرفت پروردگار تو از بنی آدم از پشت ایشان اولاد ایشان را^(۱) و گواه گردانید ایشان را بر ذات ایشان. گفت: آیا نیستم پروردگار شما؟ گفتند: آری

۱- یعنی روز میثاق از آدم اولاد او را پیدا کرد از ایشان اولاد ایشان را به ترتیبی که در خارج متحقق شد، والله اعلم.

هستی! گواه شدیم. [این شاهد گرفتن برای احتراز از آن است] که نگوئید روز قیامت هرآینه ما بی خبر بودیم از این توحید. ﴿۱۷۲﴾ یا بگوئید که بجز این نیست که شرک آورده بودند پدران ما پیش از ما و ما نسلی بودیم آمده بعد از ایشان^(۲)؛ آیا هلاک می کنی ما را به عقوبت آنچه بدکاران کردند؟. ﴿۱۷۳﴾ و همچنین بیان می کنیم نشانه ها و تا بازگردند. ﴿۱۷۴﴾ و بخوان بر ایشان خبر کسی که داده بودیم او را علم آیات خود، پس بیرون رفت از علم آن آیات^(۳)، پس در پی او شد شیطان، پس گشت از گمراهان^(۴). ﴿۱۷۵﴾ و اگر می خواستیم برداشتمی او را^(۵) به سبب آن آیات و لیکن میل کرد به سوی پستی و پیروی خواهش خود کرد؛ پس صفت او مانند صفت سگ است، اگر مشقت اندازی بر وی^(۶)، زبان از دهان بیرون افکند و اگر معطل بگذاری او را نیز بیرون افکند. این صفت گروهی است که دروغ شمردند آیات ما را؛ پس بخوان بر ایشان این پند تا ایشان تأمل کنند. ﴿۱۷۶﴾ به اعتبار صفت، بدانند این قوم که دروغ داشتند آیات ما را و بر خویشتن ستم می کردند. ﴿۱۷۷﴾ هر که راه نمایش خدا همان است راه یابنده و هر که گمراه سازدش پس آن جماعت ایشانند زیانکاران. ﴿۱۷۸﴾

۲- یعنی پس تقلید ایشان کردیم.

۳- یعنی تابع شهوات نفس شد و تابع شهوات نفس را عالم نتوان گفت.

۴- یعنی بلعم باعور که کتب الهی خوانده بود، بعد از آن به اغوای زن خود ایدای حضرت موسی، علیه السلام، قصد کرد و معلون شد، والله اعلم.

۵- یعنی منزلت او را.

۶- یعنی به زدن و دوانیدن.

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿١٧٩﴾ وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٨٠﴾ وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿١٨١﴾ وَالَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٢﴾ وَأُمِّلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿١٨٣﴾ أُولَٰئِكَ يَتَفَكَّرُونَ مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿١٨٤﴾ أُولَٰئِكَ يَنْظُرُونَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٥﴾ مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٨٦﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقَّتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٧﴾

و هر آینه بیافریدیم برای دوزخ بسیاری از جنیان و آدمیان؛ ایشان را دل‌هاست که نمی‌فهمند به آنها و ایشان را چشم‌هاست که نمی‌بینند به آن و ایشان را گوش‌هاست که نمی‌شنوند به آنها؛ ایشان مانند چهارپایانند، بلکه ایشان گمراه‌ترند، ایشانند بی‌خبران. ﴿۱۷۹﴾ و خدای راست نام‌های نیک؛ پس بخوانید او را به آن نام‌ها و بگذارید آنان را که کجروی می‌کنند در نام‌های خدا^(۱)، داده خواهد شد مر ایشان را جزای آنچه می‌کردند. ﴿۱۸۰﴾ و از آن جماعت که پیدا کرده‌ایم، گروهی است که دلالت می‌کنند بدین حق و به آن دین حق، عدل می‌کنند. ﴿۱۸۱﴾ و کسانی که دروغ داشتند آیات ما را، پایه پایه بکشیم ایشان را (تا محل هلاک)، از آن راه که ندانند. ﴿۱۸۲﴾ و مهلت دهم ایشان را، هر آینه تدبیر من محکم است ﴿۱۸۳﴾ آیا تأمل نکردند که نیست این همنشین ایشان را هیچ دیوانگی؟ نیست او مگر بیم کننده‌ای آشکار. ﴿۱۸۴﴾ آیا نظر نکردند به پادشاهی خدا در آسمان‌ها و زمین و در آنچه خدا پیدا کرده است از هر چیز؟ و آیا نظر نکردند در آنکه شاید نزدیک شده باشد اجل ایشان؟ پس به کدام سخن بعد قرآن ایمان خواهند آورد؟. ﴿۱۸۵﴾ هر که گمراه سازدش خدا پس هیچ راه نماینده نیست او را، و می‌گذارد ایشان را خدا در گمراهی خویش سرگردان شده. ﴿۱۸۶﴾ سؤال می‌کنند تو را از قیامت که کی باشد استقرار او؟ بگو: جز این نیست که علم قیامت نزدیک پروردگار من است؛ پدید نیاورد آن را در وقت او مگر خدا، گران شده است^(۲) در آسمان‌ها و زمین، نیاید به شما مگر ناگهان. سؤال می‌کنند تو را از قیامت، گویا تو کاوش کننده‌ای از آن^(۳). بگو جز این نیست که دانش او نزد خداست و لیکن بسیاری از مردمان نمی‌دانند. ﴿۱۸۷﴾

۱- یعنی ابوالمسیح و ابوالملائکه می‌گفتند.

۲- یعنی مشکل شده دانستن قیامت.

۳- یعنی عالمی به آن.

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتَ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٨﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ ءَاتَيْتَنَا صَالِحًا لَتَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٨٩﴾ فَلَمَّا ءَاتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُو شُرَكَاءَ فِيمَا ءَاتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٩٠﴾ أَفُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿١٩١﴾ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنفُسُهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٩٢﴾ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ ﴿١٩٣﴾ إِنْ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٩٤﴾ أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَا تُنْظَرُونَ ﴿١٩٥﴾

بگو: نمی‌توانم برای خود نفع رسانیدن و نه ضرر کردن، مگر آنچه خدا خواسته است. و اگر من دانستمی علم غیب را، هرآینه بسیار جمع کردم از جنس منفعت و نرسیدی به من هیچ سختی؛ نیستم من مگر بیم کننده و مژده دهنده برای گروهی که ایمان دارند. ﴿۱۸۸﴾ اوست آن که پیدا کرد شما را از یک شخص و پیدا کرد از آن یک شخص زنش را تا آرام

گیرد با وی^(۱). پس چون جماع کرد مردی با زن خود، بار گرفت، بار سبک؛ پس آمد و رفت کرد به آن بار سبک؛ بعد از آن چون زن گرانبار شد، هر دو دعا کردند به جناب پروردگار خویش که اگر فرزندی شایسته بدهی ما را، باشیم از شکر کنندگان. ﴿۱۸۹﴾ پس چون داد خدای تعالی ایشان را فرزند شایسته، مقرر کردند برای او شریکان در آنچه داده بود به ایشان. پس بلند قدر است خدا از آنچه شریک مقرر می‌کنند^(۲). ﴿۱۹۰﴾ آیا این مشرکان شریک مقرر می‌کنند چیزی را که هیچ نمی‌آفریند و خود این شریکان آفریده می‌شوند؟ ﴿۱۹۱﴾ و نمی‌توانند برای پرستندگان خود یاری دادن و نه خود را یاری می‌دهند. ﴿۱۹۲﴾ و اگر بخوانید بتان را به سوی راه هدایت، پیروی نکنند شما را^(۳). برابر است بر شما آنکه دعوت کنید ایشان را یا خاموش باشید [ای مشرکان]. ﴿۱۹۳﴾ هرآینه کسانی که عبادت می‌کنید ایشان را بجز خدا، بندگانند مانند شما؛ پس بخوانید ایشان را و باید که قبول کنند دعای شما را، اگر راستگو هستید. ﴿۱۹۴﴾ آیا بتان را پاهاست که راه می‌روند به آن؟ آیا ایشان را دست‌هاست که تناول می‌کنند به آن؟ آیا ایشان را چشم‌هاست که می‌بینند به آن؟ آیا ایشان را گوش‌هاست که می‌شنوند به آن؟ بگو: ای مشرکان! بخوانید شریکان خود را، بعد از آن بدسگالی کنید در حق من و مهلت مدهید مرا. ﴿۱۹۵﴾

۱- ﴿فَلَمَّا تَغَشَّاهَا﴾ کلام علیحه است، یعنی خدای تعالی آدم و حوا را پیدا کرد و از ایشان نسل بسیار پیدا آورد. بعد از آن تفصیل انتشار نسل می‌فرماید.

۲- مترجم گوید: این تصویر است حال آدمی را که نزدیک ثقل حمل، نیت اخلاص درست کند و چون فرزند به وجود آید آن را فراموش سازد و در تسمیه اشراک کند، منطبق بر حال حوا، چنانکه در حدیث صحیح آمده که حوا حامله شد. شیطان به دلش وسواس انداخت و چون فرزند متولد شد، نام او عبدالحارث مقرر کرد و چون وجود جمیع قیود در امثال این مواضع ضرور نیست آدم از لوث شرک مبرا باشد و این آیت عصمت او را مصادمت نکند کذا فهمت. و ازینجا دانسته شد که شرک در تسمیه نوعی است از شرک، چنانکه اهل زبان ما غلام فلان و عبد فلان نام می‌نهند.

۳- یعنی اگر بگویند بخورید یا بیاشامید، هیچ کار نکنند.

إِنَّ وَلِيََّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴿١٩٦﴾ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَظِيلُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٩٧﴾ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٩٨﴾ خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴿١٩٩﴾ وَإِنَّمَا يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٠٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ﴿٢٠١﴾ وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ ﴿٢٠٢﴾ وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بَيَّاتَةٌ قَالُوا لَوْلَا أُجْتَبِيَّتْهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠٣﴾ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٢٠٤﴾ وَأَذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ ﴿٢٠٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ﴿٢٠٦﴾

هرآینه کارساز من خداست، آن که فرود آورد کتاب را و او کارسازی می کند نیکوکاران را. ﴿۱۹۶﴾ و آنان که می خوانید ایشان را بجز خدا، نمی توانند یاری دادن شما را و نه خود را یاری می دهند. ﴿۱۹۷﴾ و اگر دعوت کنید ایشان را به سوی راه هدایت، نشنوند سخن شما را. [وای بیننده] می بینی بتان را که می نگرند به سوی تو و حال آنکه ایشان هیچ نمی بینند. ﴿۱۹۸﴾ لازم گیر درگذر را و بفرما به کار پسندیده و اعراض کن از نادانان. ﴿۱۹۹﴾ و اگر باز دارد تو را وسوسه بازدارنده از جانب شیطان آمده، پس پناه طلب کن از خدا، هرآینه او شنوای داناست. ﴿۲۰۰﴾ هرآینه متقیان چون برسد ایشان را وسوسه ای از شیطان، یاد می کنند خدا را، پس ناگهان ایشان بینا می شوند. ﴿۲۰۱﴾ و برادران کافران^(۱)، می کشند ایشان را در گمراهی و هرگز باز نمی ایستند. ﴿۲۰۲﴾ و چون نمی آری نزدیک ایشان آیتی، می گویند: چرا از طرف خود اختیار نمی کنی آن را؟ بگو: جز این نیست که پیروی می کنم آنچه فرود آورده شده است به سوی من از پروردگار من. این قرآن نشانه هاست، آمده از پروردگار شما و هدایت و بخشایش است، مرقوم مؤمنان را. ﴿۲۰۳﴾ و چون خوانده شود قرآن، پس گوش نهید به سوی آن و خاموش باشید تا مهربانی کرده شود بر شما. ﴿۲۰۴﴾ و یاد کن پروردگار خود را در ضمیر خود به زاری و ترسکاری و یاد کن پروردگار خود را به کلام پست تر از بلند آوازی، در بامداد و شبانگاه و مباش از غافلان. ﴿۲۰۵﴾ هرآینه کسانی که نزدیک پروردگار تواند^(۲)، گردنکشی نمی کنند از عبادت او و به پاکی یاد می کنند او را و به تخصیص او را سجده می کنند. ﴿۲۰۶﴾

۱- یعنی قرینان ایشان از شیاطین، والله اعلم.

۲- یعنی ملاء اعلی.

سُورَةُ الْاَنْفَالِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْاَنْفَالِ قُلِ الْاَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ
فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ
وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ
إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ
آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ
يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣﴾ أُولَٰئِكَ
هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ
وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾ كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ
بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَرِهُونَ ﴿٥﴾
يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى
الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿٦﴾ وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى
الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ
الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَن يُحِقَّ الْحَقَّ
بِكَلِمَتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ﴿٧﴾ لِيُحِقَّ الْحَقَّ
وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨﴾

سوره انفال

به نام خداوند بخشنده مهربان

می پرسند تو را از غنیمت‌ها^(۱). بگو: غنیمت‌ها، خدا و رسول راست^(۲)، پس
بترسید از خدا و به صلاح آرید صحبتی را که میان شماست و فرمانبرداری
کنید خدا و رسول او را، اگر مسلمان هستید. ﴿۱﴾ جز این نیست که
مؤمنان، آنانند که چون یاد کرده شود خدا، بترسد دل ایشان و چون خوانده
شود بر ایشان آیات خدا، زیاده سازند آن آیات، ایمان ایشان را و بر
پروردگار خویش توکل می کنند. ﴿۲﴾ آنان که برپا می دارند نماز را و از
آنچه روزی داده ایم ایشان را خرج می کنند. ﴿۳﴾ این جماعت، ایشانند
مؤمنان، به تحقیق، ایشان راست مرتبه‌ها نزد پروردگار ایشان و آمرزش و
روزی نیک. ﴿۴﴾ چنانکه بیرون آورد تو را پروردگار تو از خانه تو به
تدبیر درست و هرآینه گروهی از مسلمانان ناخوشنود بودند^(۳). ﴿۵﴾
خصوصیت می کردند با تو در سخن راست بعد از آنکه ظاهر شد، گویا رانده
می شوند به سوی مرگ و ایشان در آن می نگرند. ﴿۶﴾ و [یاد کن نعمت
الهی را] آنگاه که خدا به شما یکی از دو گروه وعده می داد که آن شما را
باشد و دوست می داشتید که غیر فوج جنگی شما را بود و می خواست خدا
که ثابت کند دین حق را به فرمان‌های خویش و بُرَد بنیاد کافران را. ﴿۷﴾
می خواست تا ثابت کند دین حق را و بر طرف کند دین باطل را، اگرچه
ناخوشنود باشند گناهکاران^(۴). ﴿۸﴾

۱- سورة انفال در قصه بدر فرود آمده است. در آیات این سوره اشارت به وقایع این غزوه
واقع شده، از آن جمله آن است که مسلمانان در غنیمت مباحثه می کردند. آنان که
غارت کرده بودند، خواستند که تنها بر آن متصرف شوند. دیگران خواستند که علی
السویه قسمت شود، خدای تعالی نازل ساخت که متصرف و مختار در غنائم، خدا و
رسول اوست و دیگری را درین باب، دخل نیست. آنچه اهل جاهلیت می کردند از
استنثار (در متن اصلی، استپار آمده است) غارت کننده به غنیمت، باطل است. بعد از
آن حکم فرمود که غنیمت را پنج قسم باید کرد: چهار قسم در میان غانمان قسمت
کنند و یکی در بیت المال نگاه داشته، به تصرف آن رسانند و این تصرف، حق است و
عطای اوست به غیر دخل غارت کنندگان، پس آیه: ﴿قُلِ الْاَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ﴾
محکم است غیر منسوخ.

۲- یعنی متصرف در غنائم، ایشانند و کسی دیگر را اختیار نیست، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: یعنی کار در قسمت بر وفق حکم خداست نه موافق آرزوی نفوس،
چنانکه بیرون آوردن توبه تدبیر درست بود نزدیک خدا بر خلاف اراده قوم، والله
اعلم.

۴- مترجم گوید: درین آیات تعریض است به آن قصه که آن حضرت ﷺ در غزوه بدر
برای غارت کردن کاروان قریش متوجه شد و این خبر به کاروان رسید، راه ساحل
اختیار نمودند و خلاص شدند. ابو جهل که به مدد ایشان با لشکر گران از مکه برآمده
بود، مقابل آن حضرت شد، بعضی اصحاب میل به غارت کرد کاروان کردند و جمعی
قصد کارزار لشکر نمودند و مرضی آن حضرت، جنگ با لشکر بود.

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَكَةِ مُرَدِّفِينَ ﴿٩﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾ إِذْ يُغَشِّيكُمُ الْغُصَا أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ﴿١١﴾ إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا سَالِقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَصْرَبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَأَصْرَبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ﴿١٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٣﴾ ذَلِكَ كُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ ﴿١٤﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ ﴿١٥﴾ وَمَنْ يُولِهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٦﴾

آنگاه که فریاد می کردید به جناب پروردگار خویش، پس قبول کرد دعای شما را که من مدد کننده شمایم به هزار کس از فرشتگان از پس خود جماعت دیگر را آورده^(۱). ﴿۹﴾ و نساخت خداوند این مدد را مگر برای مژده و تا آرام گیرد به آن دل شما و نیست فتح، مگر از نزدیک خدا، هر آینه خدا غالب با حکمت است. ﴿۱۰﴾ آنگاه که می پوشید شما را به پینکی به جهت ایمنی از نزدیک خود و فرود می آورد بر شما از آسمان آب باران تا پاک کند شما را به آن و ببرد از شما آلودگی شیطان و تا ببندد بر دل شما (یعنی ثابت دارد دل ها را) و محکم کند به آن پای ها را^(۲). ﴿۱۱﴾ آنگاه که وحی می فرستاد پروردگار تو به سوی فرشتگان که من با شمایم، پس استوار سازید مسلمانان را، رعب خواهم افکند در دل کافران. پس بزنید ای مسلمانان بالای گردن ها و بزنید از ایشان هر طرف دست و پای را. ﴿۱۲﴾ این به سبب آن است که ایشان خلاف کردند با خدا و رسول او و هر که خلاف کند با خدا و رسول او، پس خدا سخت عقوبت است. ﴿۱۳﴾ این را بچشید و بدانید که کافران راست، عذاب آتش. ﴿۱۴﴾ ای مؤمنان! چون به هم آید با کافران انبوه کرده، پس مگردانید به سوی ایشان پشت را. ﴿۱۵﴾ و هر که بگرداند به سوی ایشان آن روز پشت خود را، مگر رجوع کنان برای جنگی یا پناه جویان به سوی گروهی، پس هر آینه بازگشت به خشمی از خدا و جای او جهنم است و بدجایی است. ﴿۱۶﴾

۱- یعنی یک هزار بودند بعد از آن سه هزار گشتند و بعد از آن پنج هزار شدند، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: درین آیات، تعریض است به آن قصه که روز بدر مسلمانان تشنه بودند و محدث بودند، آب نداشتند و از این جهت وسوسه شیطان به خاطر ایشان راه می یافت. خدای تعالی باران فرستاد و خواب سبک را بر چشم ایشان مسلط کرد تا اضطراب دل ایشان برطرف شد.

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٧﴾ ذَالِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَيْدِ الْكَافِرِينَ ﴿١٨﴾ إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٩﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ ﴿٢٠﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٢١﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَأَتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢٥﴾

پس شما نکشته‌اید این جماعت و لیکن خدا کشت ایشان را و تو [یا محمد] نیفکندی^(۱) وقتی که افکندی و لیکن خدا افکند و تا عطا کند مسلمانان را از نزدیک خویش عطای نیکو، هرآینه خدا شنوای داناست^(۲). ﴿۱۷﴾ حال این است و بدانید که خدا سست کننده است حيلة کافران را.

۱- یعنی مشت خاک را.

۲- مترجم گوید: تعریض است به آن قصه که آن حضرت ﷺ روز بدر یک مشت سنگ ریزه به سوی کفار انداخت، پس هیچ کس از ایشان نبود که چیزی از آن به چشمش داخل نشد و استقلال تازه به خاطر مسلمانان ظاهر شد و این تأیید غیبی بود.

﴿۱۸﴾ [ای کافران!] اگر طلب فتح می کردید، پس آمد به شما فتح. و اگر باز ایستید، پس آن بهتر است شما را و اگر باز گردید (یعنی به نافرمانی) باز گردیم^(۳). و دفع نکند از شما جماعت شما هیچ چیز، اگرچه بسیار باشد و بدانید که خدا با مسلمانان است^(۴). ﴿۱۹﴾ ای مسلمانان! فرمانبرداری کنید خدا و رسول او را و روی مگردانید از وی و حال آنکه شما می شنوید. ﴿۲۰﴾ و مشوید مانند کسانی که گفتند: شنیدیم و ایشان نمی شنوند^(۵). ﴿۲۱﴾ هرآینه بدترین جنبندهاگان نزدیک خدا کرانند، گنگانند، آنان که در نمی یابند. ﴿۲۲﴾ و اگر دانستی خدا در ایشان نیکویی، البته شنوایی ایشان را^(۶). و اگر شنوایی ایشان را، رومی گردانیدند اعراض کنان. ﴿۲۳﴾ ای مسلمانان! قبول کنید خواندن خدا و رسول را چون بخواند شما را برای آنکه زنده دل سازد شما را و بدانید که خدا حایل می شود میان مرد و دل او^(۷) و بدانید که به سوی او برانگیخته خواهید شد. ﴿۲۴﴾ و پرهیزید از فتنه که نرسد به آنان که ستم کردند از شما به تخصیص^(۸) و بدانید که هرآینه خدا سخت عقوبت کننده است^(۹). ﴿۲۵﴾

۳- یعنی به جزا دادن.

۴- مترجم گوید: تعریض است به آن قصه که ابوجهل روز غزوة بدر دعا کرد که بار خدا! هر که از میان این هر دو گروه، قاطع رحم است و دین باطل پیش گرفته است، او را هلاک کن و به حقیقت، متصف باین صفات ابوجهل و قوم او بودند.

۵- یعنی مانند اهل کتاب که تورات خواندند و به زبان، معترف شدند و بر آن عمل نکردند.

۶- یعنی لیکن ندانست.

۷- یعنی عزیمت او نسخ می کند.

۸- یعنی بلکه عام بود شامت او، والله اعلم.

۹- و آن فتنه، ظهور عقوبت بدعت است تا ترک نهی منکر، والله اعلم.

وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ
تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ
بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٢٦﴾
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ
وَتَخُونُوا أَمْنَتَكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٧﴾ وَأَعْلَمُوا أَنَّ مَا
أَمْوَالَكُمْ وَأَوْلَدَكُمْ فَتَنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ
عَظِيمٌ ﴿٢٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ
لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ
لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾ وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ
الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ
وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ ﴿٣٠﴾ وَإِذَا
تُنْتَلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا
مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذْ قَالُوا
اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ
عَلَيْنَا حِجَابًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ ارْتِنَّا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٢﴾
وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ
مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿٣٣﴾

و یاد کنید [ای مهاجران، نعمت الهی را] آن وقت که شما
اندک بودید، ناتوان شمرده در زمین (یعنی در مکه)
می ترسید از آنکه برابند شما را مردمان، پس جای داد شما
را (یعنی در مدینه) و قوت داد شما را به نصرت خود و
روزی داد شما را از چیزهای پاکیزه تا شود که سپاسداری
کنید. ﴿۲۶﴾ ای مسلمانان! خیانت مکنید با خدا و رسول و
خیانت مکنید امانت‌های یکدیگر را دانسته. ﴿۲۷﴾ و
بدانید که مال‌های شما و فرزندان شما آزمایش است و
آنکه خدا، نزدیک اوست، مزد بزرگ. ﴿۲۸﴾ ای
مسلمانان! اگر بترسید از خدا، پیدا کند برای شما فتحی را و
در گذراد از شما گناهان شما را و بپامزد شما را و خدا
صاحب فضل بزرگ است. ﴿۲۹﴾ و [یاد کن نعمت الهی
یا محمد] آنگاه که بدسگالی می کردند در حق تو کافران،
تا حبس کنند تو را یا بکشند تو را یا جلاوطن کنند تو را و
ایشان بدسگالی می کردند و خدا تدبیر می کرد (یعنی به
ایشان) و خدا بهترین تدبیرکنندگان است^(۱). ﴿۳۰﴾ و
چون خوانده شود بر این جماعت آیات ما، گویند:
شنیدیم، اگر خواهیم بگوییم مانند این، نیست این مگر
افسانه پیشینیان. ﴿۳۱﴾ و آنگاه که گفتند: بار خدایا! اگر
هست این قرآن راست از نزدیک تو، پس بیاران بر ما
سنگ را از آسمان یا بیار بر ما عذاب دردناک. ﴿۳۲﴾ و
نیست خدا که عذاب کند ایشان را و تو میان ایشان باشی و
هرگز نیست خدا عذاب کننده ایشان و ایشان استغفار
می کنند^(۲). ﴿۳۳﴾

۱- تعریض است به آن قصه که کفار در مکه جمع شده است این رأی
می زدند.

۲- یعنی سنت خدا آن است که تا پیغامبر در میان قوم باشد، عذاب عام
نمی کند و همچنین تا آنکه ایشان استغفار کنند، عذاب نمی آید.

وَمَا لَهُمْ آلَا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ
 الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُۥٓ إِنَّ أَوْلِيَاءَهُۥٓ إِلَّا
 الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾ وَمَا كَانَ
 صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً فَذُوقُوا
 الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
 يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
 فَسَيُنفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ
 وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُخْشَرُونَ ﴿٣٦﴾ لِيَمِيزَ اللَّهُ
 الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ
 بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ
 هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٣٧﴾ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا
 يُغْفَرْ لَهُمْ مَّا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ
 سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾ وَقَتْلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ
 وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ اٰنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا
 يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣٩﴾ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ
 مَوْلَاكُمْ نِعَمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعَمَ النَّصِيرِ ﴿٤٠﴾

و چیست مر ایشان را که عذاب نکند ایشان را خدا، حال
 آنکه ایشان باز می دارند (یعنی مردمان را) از مسجد حرام و
 نیستند سزاوار آنجا، نیستند سزاوار آنجا مگر متقیان و لیکن
 بیشترین ایشان نمی دانند. ﴿۳۴﴾ و نیست^(۱) نماز ایشان
 نزدیک خانه کعبه بجز صغیر کردن و دستک زدن، پس
 بچشید ای کافران! عذاب را به سبب کافر شدن خود.
 ﴿۳۵﴾ هرآینه کافران خرج می کنند اموال خود را تا
 بازدارند مردمان را از راه خدا، پس زود باشد که خرج
 کنند آن را، باز باشد آن خرج کردن، پشیمانی بر ایشان،
 باز مغلوب شوند و کافران به سوی دوزخ رانده شوند.
 ﴿۳۶﴾ تا جدا سازد خدای تعالی ناپاک را از پاک و بنهد
 ناپاک را بعض آن را بر بعض، پس توده سازد آن همه را
 یکجا، پس درآردش در دوزخ. این جماعت، ایشانند
 زیانکاران^(۲). ﴿۳۷﴾ بگو کافران را: اگر باز ایستند،
 آمرزیده شود ایشان را آنچه گذشت و اگر عود کنند، پس
 هرآینه گذشته است روش پیشینان^(۳). ﴿۳۸﴾ و کارزار
 کنید ای مسلمان! با ایشان تا آنکه نباشد هیچ فتنه (یعنی
 غلبه کفر) و باشد دین، همه برای خدا. پس اگر بازایستند
 از شرک (یعنی مسلمان شوند) هرآینه خدا به آنچه
 می کنند بیناست. ﴿۳۹﴾ و اگر روی بگردانند^(۴)، پس
 بدانید که خدا مددکار شماست، نیک مددکار است وی و
 نیک یاری دهنده است. ﴿۴۰﴾

۱- یعنی بعد هجرت حضرت سیدالبشر از میان ایشان.

۲- یعنی دراصل، استحقاق عذاب دارند، لیکن بودن پیغامبر در میان ایشان
 مانع بود و الحال مانع برخاست.

۳- مترجم گوید: و این تصویر است حال کسی را که می خواهد جزو کل
 چیزی را باطل سازد و دفع کند.

۴- یعنی از اسلام.

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ
وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ
السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا
يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّلَقَّىٰ الْجُمُعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ ﴿٤١﴾ إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدُوَّةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدُوَّةِ
الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ
لَاخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِن لِّيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ
مَفْعُولًا لِّيَهْلِكَ مَن هَلَكَ عَن بَيْتَةٍ وَيَحْيَىٰ مَن حَيَّ
عَن بَيْتَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٤٢﴾ إِذْ يُرِيكُهُمُ
اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَّفَشِلْتُمْ
وَلَتَنَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ
بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٤٣﴾ وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّيَقُّنُ فِي
أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ
أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٤٤﴾ يٰٓأَيُّهَا
الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ
كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٤٥﴾

و بدانید که آنچه غنیمت یافتید از کافران از هر جنس، پس
پنجم حصّه اش خدای راست و پیغامبر را و خویشاوندان
را^(۱) و یتیمان و درویشان و مسافران را، اگر ایمان آورده‌اید
به خدا و به آنچه فروفرستادیم بر بنده خویش. روزی که
جدا شد حق از باطل، روزی که به هم آمدند دو گروه^(۲)،
و خدا بر همه چیز تواناست^(۳). ﴿۴۱﴾ [اگر ایمان آوردید
به آنچه فروفرستادیم بر بنده خود،] آنگاه که شما به
کناره‌ای نزدیک بودید و ایشان به کناره‌ای دورتر و
کاروان پایین‌تر از شما (یعنی به جانب دریا) و اگر با
یکدیگر وعده جنگ مقرر می‌کردید، البته خلاف
می‌نمودید در وعده و لیکن جمع کرد تا به انجام رساند
خدا کاری را که کردنی بود، تا هلاک شود کسی که
هلاک شده است بعد قیام حجت و زنده ماند کسی که
زنده شده بعد قیام حجت، و هرآینه خدا شنوای
داناست^(۴). ﴿۴۲﴾ آنگاه که بنمود خدا ایشان را به تو در
خواب تو اندکی و اگر بنمودی به تو ایشان را بسیار، البته
بزدلی می‌کردید و با یکدیگر نزاع می‌نمودید در کار، و
لیکن خدا سلامت داشت (یعنی از بزدلی)، هرآینه وی
داناست به آنچه در سینه‌هاست. ﴿۴۳﴾ و آنگاه که بنمود
به شما ایشان را، چون روبه‌رو شدید در چشم شما، اندکی
و کم نمود شما را در چشم آنان، تا به انجام رساند
خداکاری را که کردنی بود و به سوی خدا باز گردانیده
شوند کارها. ﴿۴۴﴾ ای مسلمانان! چون روبه‌رو شوید با
گروهی، پس ثابت باشید و یاد کنید خدا را بسیار، بود که
شما رستگار شوید. ﴿۴۵﴾

۱- یعنی خویشاوندان پیغامبر را که بنی‌هاشم و بنی‌مطلب‌اند.

۲- یعنی ایمان آوردند به آنکه به روز بدر، نصرت نازل فرمود.

۳- مترجم گوید: چهار خمس غنمان را باید داد، یک خمس در بیت‌المال
نهاده بر پنج حصه یا سه حصه قسمت با یکدیگر، علی اختلاف
المذاهب، والله اعلم.

۴- مراد از هلاک، اصرار بر کفر است و از حیات، مسلمان شدن و این که
ایمان آورده‌اید به آنچه فرو فرستادیم بر بنده خود.

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا
وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ
﴿٤٦﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا
وَرِثَاءَ آلِثَّائِسٍ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا
يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٤٧﴾ وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ
وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ الثَّائِسِ وَإِنِّي جَارٌّ
لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ
وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي
أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٤٨﴾ إِذْ يَقُولُ
الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ
دِينَهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
﴿٤٩﴾ وَلَوْ تَرَى إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ
يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَرَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ
﴿٥٠﴾ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ
لِّلْعَبِيدِ ﴿٥١﴾ كَذَابُ عَالِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ
قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٥٢﴾

و فرمانبرداری کنید خدا و رسول او را و با یکدیگر نزاع
نکنید که در این صورت بزدل شوید و برود دولت (قوت)
شما و شکیبایی ورزید، هرآینه خدا با شکیبایان است.
﴿۴۶﴾ و مابشید مانند کسانی که بیرون آمدند از خانه‌های
خود از روی سرکشی و خودنمایی به مردمان و باز
می‌دارند از راه خدا و خدا به آنچه می‌کنند، درگیرنده
است^(۱). ﴿۴۷﴾ و آنگاه که شیطان بیاراست برای این
کافران، کردارهای ایشان را و گفت: هیچ‌کس از مردمان
غلبه کننده نیست بر شما امروز و هرآینه من مدد کننده‌ام
شما را. پس چون روبه‌رو شدند هر دو گروه، بازگشت
شیطان بر پاشنه خود و گفت: هرآینه من بی‌تعلّم از شما،
هرآینه من می‌بینم آنچه شما نمی‌بینید، هرآینه من
می‌ترسم از خدا و خدا سخت عقوبت است. ﴿۴۸﴾ آنگاه
که می‌گفتند منافقان و آنان که در دل ایشان بیماری است:
فریفته کرده است این مسلمانان را دین ایشان و هر که
توکل کند بر خدا، هرآینه خدا غالبِ درستکار است.
﴿۴۹﴾ و [تعجب می‌کردی] اگر می‌دید [ای بیننده]،
چون فرشتگان قبض ارواح کافران می‌کنند، می‌زنند بر
روی ایشان و بر پشت ایشان و [می‌گویند]: بچشید عذابِ
سوزان. ﴿۵۰﴾ این به سبب آن کردار است که پیش
فرستاده است دست شما و به سبب آن است که خدا ظلم
کننده نیست بر بندگان. ﴿۵۱﴾ مانند عادت قوم فرعون و
آنان که پیش از ایشان بودند، کافر شدند به آیات خدا، پس
گرفتار کرد خدا ایشان را به گناهانِ ایشان، هرآینه خدا
توانا سخت عقوبت است. ﴿۵۲﴾

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعَمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ
 حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٣﴾
 كَذَّابٌ عَالِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ
 رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا عَالِ فِرْعَوْنَ وَكُلَّ
 كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿٥٤﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ
 كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٥٥﴾ الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ
 يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿٥٦﴾
 فَمَا تَتَّقِنَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِدَ بِهِمْ مَنِ خَلَقَهُمْ
 لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿٥٧﴾ وَإِنَّمَا تَخَافَنَ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةٍ
 فَاثْبُدْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ ﴿٥٨﴾
 وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبْقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ
 ﴿٥٩﴾ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ
 الْحَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَعَآخِرِينَ
 مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا
 مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا
 تُظْلَمُونَ ﴿٦٠﴾ وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ
 عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦١﴾

گناهان ایشان و غرق ساختیم کسانِ فرعون را و هر یک
 ستمکار بودند. ﴿۵۴﴾ هرآینه بدترین جنندگان نزدیک
 خدا آنانند که کافر شدند، پس ایمان نمی‌آرند. ﴿۵۵﴾
 آنان که عهد بسته با ایشان، باز می‌شکنند عهد خود را در
 هر مرتبه و ایشان پرهیز نمی‌کنند^(۲). ﴿۵۶﴾ پس اگر بیابی
 ایشان را در جنگ، پس متفرق ساز به سبب کشتن ایشان،
 آنان را که پس پشت ایشان باشند، بُود که پندپذیر شوند.
 ﴿۵۷﴾ و اگر بررسی از گروهی خیانت را، پس بازگردان
 به سوی ایشان عهد ایشان را به نوعی که همه برابر شوند^(۳)،
 هرآینه خدا دوست نمی‌دارد خیانت کنندگان را. ﴿۵۸﴾ و
 باید که نپندارند کافران که ایشان پیشدستی کرده‌اند،
 هرآینه ایشان، عاجز نتوانند ساخت. ﴿۵۹﴾ و مهیا سازید
 ای مسلمانان! برای ایشان آنچه توانید از توانایی^(۴) و از
 آماده داشتن اسبان، بترسانید به آن دشمن خدا را و دشمن
 خویش را و قومی دیگر را نیز بجز ایشان. شما نمی‌دانند
 ایشان را^(۵)، خدا می‌داند ایشان را و آنچه خرج کنید از
 هرچه باشد در راه خدا، تمام داده شود به شما^(۶) و شما
 ستم کرده نشوید. ﴿۶۰﴾ و اگر میل کنند به صلح، تو هم
 میل کن به سوی آن^(۷) و توکل کن بر خدا، هرآینه وی
 شنوای داناست. ﴿۶۱﴾

این به سبب آن است که خدا هرگز نیست تغییر دهنده هیچ
 نعمتی که انعام کرده باشد آن را بر قومی، تا آنکه ایشان
 بدل کنند حالی را که در ذات ایشان است^(۱) و به سبب آن
 است که خدا شنوای داناست. ﴿۵۳﴾ مانند حال کسانِ
 فرعون و آنان که پیش از ایشان بودند، دروغ شمردند آیاتِ
 پروردگار خویش را، پس هلاک ساختیم ایشان را به

۱- یعنی کفران نعمت را به شکر و معصیت را به طاعت.

۲- مترجم گوید: تعریض است به قبائل یهود که آن حضرت ﷺ به ایشان
 صلح کرده بودند و ایشان وقت بعد وقت، عذر می‌نمودند، والله اعلم.

۳- یعنی ملامت نقض عهد بر شما لازم نیاید، والله اعلم.

۴- یعنی استعمال آلات جنگ مثل تیر انداختن.

۵- یعنی اهل نفاق را، والله اعلم.

۶- یعنی ثواب او، والله اعلم.

۷- مترجم گوید: این امر برای اباحت است، والله اعلم.

وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي
 أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾ وَالْأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ
 أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ
 وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٦٣﴾
 يَأْتِيهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ
 الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٤﴾ يَأْتِيهَا النَّبِيُّ حَرَضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى
 الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا
 مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ
 الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٦٥﴾ أَلَسَنَ
 حَقَّقَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ
 يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ
 يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ
 مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٦٦﴾ مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى
 حَتَّى يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ
 يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٦٧﴾ لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ
 اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٦٨﴾
 فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ
 غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٦٩﴾

و اگر خواهند که فریب دهند تو را، پس کفایت کننده
 است تو را، خدا همونست آنکه قوت داد تو را به یاری
 دادن و به مسلمانان. ﴿۶۲﴾ و همونست آنکه الفت داد میان
 دل‌های ایشان، اگر خرج می‌کردی آنچه در زمین است
 همه یکجا، الفت نمی‌دادی میان دل‌های ایشان و لیکن خدا
 الفت افکند در میان ایشان، هرآینه وی غالب با حکمت
 است. ﴿۶۳﴾ ای پیغامبر! کفایت کننده است تو را خدا و
 کفایت کننده آنان را که پیروی تو کردند از مسلمانان.
 ﴿۶۴﴾ ای پیغامبر! رغبت ده مسلمانان را بر جنگ. اگر
 باشند از شما بیست کس صبر کننده، غالب شوند بر دو
 صد کس و اگر باشند از شما صد کس، غالب شوند بر
 هزار کس از کافران، به سبب آنکه ایشان گروهی هستند
 که نمی‌فهمند^(۱). ﴿۶۵﴾ اکنون سبک ساخت خدا از سر
 شما و دانست که در میان شماضعفی هست، پس اگر
 باشند از شما صد کس شکیا، غالب آیند بر دو صد کس
 و اگر باشند از شما هزار کس، غالب آیند بر دو هزار کس
 به فرمان خدا و خدا با صابران است. ﴿۶۶﴾ سزاوار نبود
 پیغامبر را که به دست وی اسیران باشند تا آنکه قتل بسیار
 بوجود آرد در زمین. می‌خواهید مال دنیا را و خدا
 می‌خواهد مصلحت آخرت را و خدا غالب با حکمت
 است^(۲). ﴿۶۷﴾ اگر نبودی حکم خدا پیشی گرفته^(۳)،
 می‌رسید به شما در آنچه گرفتید، عذاب بزرگ. ﴿۶۸﴾
 پس بخورید از آنچه غنیمت گرفتید حلال پاکیزه، و
 برسید از خدا، هرآینه خدا آمرزنده مهربان است [شما
 را]^(۴). ﴿۶۹﴾

۱- مترجم گوید: چون این آیت نازل شد، واجب گشت ثبات با ده چندان
 از کفار، بعد ازان منسوخ شد به وجوب ثبات در مقابله دو چند، والله
 اعلم.

۲- مترجم گوید: صحابه از اسیران بدر فدا گرفتند به اجتهاد خویش و
 مرضی نزدیک خدای تعالی، قتل این جماعت بود، لیکن چون به نص
 صریح ممنوع نشده بود، عفو فرمود این آیت نازل شد.

۳- یعنی حکم غیر منصوص و مُقَدَّر در لوح محفوظ، والله اعلم.

۴- تعریض است به عباس بن عبدالمطلب.

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَىٰ إِن يََعْلَمْ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُّؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أَخَذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٧٠﴾
وَأَن يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلِيَّتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا ۚ وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٧٢﴾
وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ﴿٧٣﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٧٤﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِن بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَٰئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧٥﴾

ای پیغامبر! بگو: آنان را که در دست شمايند از اسيران: اگر داند خدا در دل شما نيکي، البته بدهد شما را بهتر از آنچه گرفته شد از شما و ييامرزد شما را و خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿٧٠﴾ و اگر خواهند خيانت با تو، پس هرآينه خيانت کرده بودند با خدا پيش از اين، پس قدرت داد بر ايشان و خدا داناي با حکمت است. ﴿٧١﴾ هرآينه آنان که ايمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند به مال خود و جان خود در راه خدا و آنان که جای دادند و نصرت کردند، اين جماعت، بعض ايشان کارسازان بعض‌اند^(۱)، و آنان که ايمان آوردند و هجرت نکردند، نيست شما را از کارسازي ايشان هيچ چيز، تا آنکه هجرت کنند و اگر مدد طلب کنند از شما در کار دين، پس لازم است بر شما ياري کردن، مگر بر جماعتي که ميان شما و ميان ايشان عهد باشد و خدا به آنچه می‌کنيد بيناست. ﴿٧٢﴾ و آنان که کافر شدند، بعض ايشان کارسازان بعض‌اند، اگر نکنيد ای مسلمانان! اين کار را^(۲)، باشد فتنه در زمين و فساد بزرگ. ﴿٧٣﴾ و آنان که ايمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند در راه خدا و آنان که جای دادند و نصرت کردند، اين جماعت، ايشانند مؤمنان به حقيقت، ايشان راست آمرزش و روزي نيک. ﴿٧٤﴾ و آنان که ايمان آوردند پس از اين و هجرت نمودند و جهاد کردند همراه شما، اين گروه نيز از شماست و خداوندانِ قرابت، بعض ايشان را نزديک‌تراند به بعضی در حکم خدا^(۳)، هرآينه خدا به همه چيز داناست. ﴿٧٥﴾

۱- يعنی مهاجر و انصار با يکديگر بايد که نصرت دهند و مواخات کنند.

۲- يعنی دوستی را با يکديگر.

۳- يعنی صله و توارث ميان اهل قرابت که اصحاب فروض و عصاباتند،

لازم است، والله اعلم.

سُورَةُ التَّوْبَةِ

سوره توبه

بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِّنَ
 الْمُشْرِكِينَ ﴿١﴾ فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ
 وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُحْزِي
 الْكَافِرِينَ ﴿٢﴾ وَأَذِّنْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ
 يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ
 وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ
 فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ
 كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣﴾ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِّنَ
 الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهَرُوا
 عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مُدَّتِهِمْ إِنَّ
 اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿٤﴾ فَإِذَا أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ
 فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُواهُمْ
 وَأَحْصُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا
 وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ
 غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٥﴾ وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ
 فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ
 بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦﴾

[قطع معامله است از جانب خدا و رسول او به سوی آنان که
 عهد بسته بودید با ایشان از مشرکان^(۱). ﴿۱﴾ پس سیر کنید ای
 مشرکان! در زمین چهار ماه و بدانید که شما نه عاجز کننده
 خدایید و بدانید آنکه خدا رسوا کننده کافران است. ﴿۲﴾ و
 خبر رسانیدن است از جانب خدا و رسول او به سوی مردمان،
 روز حج بزرگ، که خدا بیزار است از مشرکان و رسول او نیز
 بیزار است. پس اگر توبه کنید، پس آن بهتر است شما را و اگر
 روی بگردانید، پس بدانید که شما نه عاجز کننده خدایید و خبر
 ده کافران را به عذاب درد دهنده. ﴿۳﴾ مگر آنان که با ایشان
 عهد بسته بودید از مشرکان، باز کمی نکردند با شما در چیزی
 و مدد ندادند بر شما کسی را، پس به وفا رسانید به سوی ایشان
 عهد ایشان را تا مدت ایشان، هرآینه خدا دوست می‌دارد
 پرهیزگاران را. ﴿۴﴾ پس چون آخر شوند ماه‌های حرام^(۲)،
 پس بکشید مشرکان را هر جاکه یابید ایشان را و بگیرید ایشان
 را و بند کنید ایشان را و بنشینید برای ایشان به هر کمینگاه. پس
 اگر توبه کنند و برپا دارند نماز را و بدهند زکات را، پس
 بگذارید راه ایشان را، هرآینه خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۵﴾
 و اگر کسی از مشرکان طلب امان کند از تو، پس امان بده او را
 تا بشنود قرآن، باز برسان او را به جای ایمنی وی، این به سبب
 آن است که ایشان گروهی هستند که نمی‌دانند^(۳). ﴿۶﴾]

۱- مترجم گوید: سال نهم، حضرت پیغمبر ﷺ علی مرتضی را در موسم
 حج فرستاد تا عهود مشرکان را براندازد، الا چهار ماه ایشان را فرصت
 داد تا در امر خود تأمل کنند، مگر دو فرقه بنی ضمره و بنو کنانه که
 خیانت در عهد نکرده بودند، پس خدای تعالی عهد ایشان را تا میعاد
 آن مقرر داشت و تا ندا کند که بعد ازین هیچ مشرک به حج نیاید و
 هیچ برهنه طواف کعبه نکند و اوائل سوره برائت بر ایشان برخواند،
 والله اعلم.

۲- یعنی آن چهار ماه که ایشان را فرصت داده بودند.

۳- مترجم گوید: آن حضرت ﷺ با کفار قریش صلح کرده بودند و ایشان
 در مقام عذر آمده، بر کشتن خلفای آن حضرت اعانت نمودند و این
 صورت، سبب فتح مکه شد. خدای تعالی برای ترغیب بر غزوه فتح،
 آیات فرستاد.

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقْمُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿٧﴾ كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٨﴾ أَشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩﴾ لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ ﴿١٠﴾ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١١﴾ وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ ﴿١٢﴾ أَلَا تَقْتُلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهُمْوَا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾

چگونه بود مشرکان را عهد نزدیک خدا و نزدیک رسول او؟ الا آنان که عهد بسته بودید با ایشان نزدیک مسجد حرام^(۱)، پس مادام که بر عهد ثابت باشند برای شما، شما نیز ثابت باشید برای ایشان. هرآینه خدا دوست می‌دارد پرهیزگاران را. ﴿۷﴾ چگونه بود مشرکان را عهد؟ و اگر غالب آیند بر شما، نگاه ندارند در باب شما حق خویشی را و نه عهد را، رضامند می‌سازند شما را به دهان خویش و قبول نمی‌کند دل ایشان و بیشترین ایشان فاسقاند. ﴿۸﴾ خرید کردند به آیات‌های خدا بهای اندک^(۲) را، پس بازداشتند مردمان را از راه خدا، هرآینه ایشان بدکاری است که می‌کردند. ﴿۹﴾ نگاه نمی‌دارند در باب هیچ مسلمانی حق خویشی را و نه عهد را و آن جماعت، ایشانند از حد درگذشتگان. ﴿۱۰﴾ پس اگر توبه کنند و برپا دارند نماز را و بدهند زکات را، پس ایشان برادران شمايند در دين و واضح می‌سازيم آیات را برای گروهی که می‌دانند. ﴿۱۱﴾ و اگر بشکنند سوگندان خویش را پس از عهد بستن خویش و طعنه زنند در دین شما، پس کارزار کنید با پیشوایان کفر. هرآینه سوگند نیست ایشان را، بود که ایشان بازمانند. ﴿۱۲﴾ آیا جنگ نمی‌کنید با گروهی که شکستند سوگندان خویش را و قصد کردند جلا وطن ساختن پیغامبر را و ایشان ابتدا کردند در نقض تعهد با شما اول مرتبه؟ آیا می‌ترسید از ایشان؟ پس خدا سزاوارتر است به آنکه بترسید از وی، اگر مسلمانی. ﴿۱۳﴾

۱- یعنی قریش که در حدیبیه به ایشان، صلح واقع شده بود.

۲- یعنی تابع شهوات نفس شدند، ایمان را ترک کردند.

قَتَلُوهُمْ يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ
وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٤﴾
وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ
وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٥﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا
يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ
دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ وَاللَّهُ
خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا
مَسْجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَئِكَ
حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿١٧﴾ إِنَّمَا
يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ
فَعَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿١٨﴾
بِأَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
﴿١٩﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
بَأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ
هُمْ الْأَفْآئِزُونَ ﴿٢٠﴾

جنگ کنید با ایشان تا عذاب کند ایشان را خدا به دست
شما و رسوا سازد ایشان را و فتح دهد شما را بر ایشان و
شفا بخشد سینه‌های گروه مسلمانان را. ﴿۱۴﴾ و دور کند
اندوه دل ایشان را و به رحمت باز گردد خدا بر هر که
خواهد و خدا دانا استوارکار است. ﴿۱۵﴾ آیا گمان
کردید که گذاشته شوید^(۱) و هنوز متمیز نساخته است خدا
آنان را که جهاد کرده‌اند از شما و نه گرفته‌اند بجز خدا و
بجز پیغامبر او و بجز مؤمنان، هیچ دوست پنهانی؟ و خدا
داناست به آنچه می‌کنید. ﴿۱۶﴾ روا نباشد مشرکان را که
آباد سازند مسجدهای خدا را، اعتراف کرده بر خود به
کفر. آن جماعت، باطل شد عمل‌های ایشان و در آتش،
همه همیشه باشندگانند^(۲). ﴿۱۷﴾ جز این نیست که
عمارت می‌کند مسجدهای خدا را کسی که ایمان آورد به
خدا و به روز آخر و برپا داشته نماز را و داده است زکات
را و نترسیده است مگر از خدا، پس توقع است که این
جماعت از راه یافتگان باشند. ﴿۱۸﴾ آیا کردید آب
نوشانیدن حاجیان را و آباد ساختن مسجد حرام را مانند
عمل کسی که ایمان آورده است به خدا و روز آخر و
جهاد کرده است در راه خدا؟ برابر نیستند نزدیک خدا و
خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را. ﴿۱۹﴾ آنان که
ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند در راه خدا
به اموال خویش و جان خویش، بزرگترند در مرتبه نزدیک
خدا و این جماعت، ایشانند مطلب یابان. ﴿۲۰﴾

۱- یعنی تکلیف جهاد نشود.

۲- مترجم گوید: تعریض است به جواب مفاخرت قریش به عمارت مسجد
حرام.

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَدَتْ لَهُمْ فِيهَا
 نَعِيمٌ مُّقِيمٌ ﴿٢١﴾ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ
 أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٢٢﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا
 ءَابَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ
 عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ
 الظَّالِمُونَ ﴿٢٣﴾ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي
 سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا
 يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٤﴾ قُلْ إِن كَانَ ءَابَاؤُكُمْ
 وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ
 وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا
 وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ لَكُمْ فَتَرْكُوهَا
 مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ
 فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ
 بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ
 سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا
 لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ
 الْكَافِرِينَ ﴿٢٦﴾

مژده می دهد ایشان را پروردگار ایشان به رحمت از
 نزدیک خود و به خوشنودی و به بوستان ها که ایشان را در
 آنجا نعمت دایم بود. ﴿۲۱﴾ باشندگان آنجا همیشه،
 هرآینه خدا نزدیک او است مزد بزرگ. ﴿۲۲﴾ ای^(۱)
 مسلمانان! مگیرید پدران خود را و برادران خود را، اگر
 اختیار کنند کفر را بر ایمان، و هر که از شما دوستی دارد با
 ایشان، پس آن جماعت، ایشانند ستمکاران. ﴿۲۳﴾ بگو:
 اگر هستند پدران شما و پسران شما و برادران شما و زنان
 شما و خویشاوندان شما و آن مال هایی که کسب کرده اید
 آن را و تجارتی که می ترسید از بی رواجی آن و منزل ها که
 پسند می کنید آن را، دوست تر نزدیک شما از خدا و رسول
 او و از جهاد در راه او، پس منتظر باشید تا آنکه بیارد خدا
 عقوبت خود را و خدا راه نمی نماید گروه فاسقان را.
 ﴿۲۴﴾ هرآینه^(۲) فتح داد شما را خدا در جاهای بسیار و
 روز حنین نیز، چون به شکست آورد شما را بسیاری شما،
 پس دفع نکرد آن بسیاری، از شما چیزی را و تنگ شد بر
 شما زمین، با وجود فراخی آن، پس برگشتید پشت داده.
 ﴿۲۵﴾ باز فروفرستاد خدای تعالی تسکین خود را بر
 پیغامبر خود و بر مؤمنان، و فروفرستاد لشکرهایی که شما
 ندیدید ایشان را و عقوبت کرد کافران را و این است
 جزای کافران. ﴿۲۶﴾

۱- مترجم گوید: بعد غزوة فتح در ترغیب بر جهاد مشرکین و اهل کتاب
 نازل شد.

۲- مترجم گوید: در غزوة حنین شکست گونه به مسلمین رو داده بود. بعد
 از آن خدای تعالی نصرت داد و به جهت تذکیر نعمت، این آیات
 فرستاد.

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ
 غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٧﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا
 الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ
 عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ
 مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾ قَتِلُوا
 الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا
 يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ
 الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ
 عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿٢٩﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ
 اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ
 بِأَفْوَاهِهِمْ يُضِلُّهُمْ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ
 قَتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٣٠﴾ اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ
 وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ
 وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
 سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣١﴾

باز به رحمت باز گردد خدا بعد از این بر هر که خواهد،^(۱)
 و خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۲۷﴾ ای مسلمانان! جز این
 نیست که مشرکان پلیدند، پس باید که نزدیک نشوند به
 مسجد حرام بعد از این سال و اگر می‌ترسید از درویشی^(۲)،
 پس توانگر خواهد ساخت شما را خدا از فضل خود اگر
 خواهد، هر آینه خدا دانای درستکار است^(۳). ﴿۲۸﴾
 جنگ کنید با آنان که ایمان نمی‌آرند به خدا و نه به روز
 آخر و حرام نمی‌شمردند آنچه حرام کرده است خدا و
 پیغمبر او و اختیار نمی‌کنند دین درست را از اهل کتاب تا
 آنکه بدهند جزیه را از دست خود، خوار شدگان. ﴿۲۹﴾
 و گفتند یهود که: عُزَیر پسر خدا است و گفتند نصاری که
 مسیح پسر خداست. این قول ایشان است به دهان خود^(۴)،
 مشابهت کرده‌اند با سخن قومی که کافر شدند پیش از
 این^(۵). لعنت کرد ایشان را خدا چگونه برگردانیده
 می‌شوند؟! ﴿۳۰﴾ إله دانشمندان خود را و زاهدان خود
 را خدایانی بجز «الله»، و إله گرفتند مسیح پسر مریم را و
 نفرموده شده‌اند مگر آنکه عبادت کنند یک خدا را. نیست
 معبودی بجز وی، پاک است وی از آنکه شریک او مقرر
 می‌کنند. ﴿۳۱﴾

۱- یعنی توفیق اسلام دهد هر که را خواهد از کافران، والله اعلم.

۲- یعنی به سبب انقطاع سوداگران، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: خدای تعالی در باب جهاد اهل کتاب و گرفتن جزیه از
 ایشان می‌فرماید.

۴- یعنی اصلی ندارد.

۵- یعنی مشرکان، که ملائکه را دختران خدا می‌گویند.

۶- یعنی از راه صواب.

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَا أَنْ يُوَيِّمَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿٣٢﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَتِّلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿٣٦﴾

می خواهند که فروشانند نور خدا را به دهان خود! ^(۱) و قبول نکند خدا الا آنکه تمام سازد نور خود را و اگرچه ناخوش شوند کافران. ﴿۳۲﴾ همونست آنکه فرستاد پیغامبر خود را به هدایت و دین راست، تا غالب کندش بر ادیان همه آن، اگرچه ناخوش شوند مشرکان. ﴿۳۳﴾ ای مسلمانان! هرآینه بسیاری از دانشمندان اهل کتاب و زاهدان اهل کتاب می خورند اموال مردمان را به باطل و باز می دارند از راه خدا و آنان که ذخیره می کنند زر و نقره را و خرج نمی نمایند آن را در راه خدا، ^(۲) پس بشارت ده این جماعت را به عذاب دردناک. ﴿۳۴﴾ روزی که گرم کرده شود ^(۳) بر آن مال در آتش دوزخ، پس داغ کرده شود به آن پیشانی ایشان را و پهلوی ایشان را و پشت ایشان را و گفته شود: این است آنچه ذخیره نهادید برای خود، پس بچشید آنچه ذخیره می کردید. ﴿۳۵﴾ هرآینه شمار ماه ها نزدیک خدا دوازده ماه است در کتاب خدا، روزی که آفرید آسمان ها و زمین را، از آن جمله چهار ماه حرام است. این است دین درست، پس ستم نکنید در آن چهارماه بر خویشان ^(۴) (یعنی به قتال ناحق) و جنگ کنید با مشرکان. همه ایشان، چنانکه ایشان جنگ می کنند با شما، همه شما و بدانید که خدا با متقیان است. ﴿۳۶﴾

۱- یعنی به شبهات تقریر می کنند در ابطال دین، والله اعلم.

۲- یعنی زکات نمی دهند.

۳- یعنی دمیده شود.

۴- مترجم گوید: در دین حضرت ابراهیم مقرر بود که در محرم و رجب و ذیقعد و ذی الحجه با یکدیگر جنگ نکنند. اهل جاهلیت این حکم را تحریف کرده گاهی صفر را محرم می ساختند و محرم را صفر و علی هذا القیاس و این را نسئ می گفتند. خدایتعالی اصل این حکم را باقی داشت، به این وجه که جنگ ناحق هیچ گاه درست نیست و درین ماه ها حرمت آن مغلط می شود و جنگ با کافران همه وقت درست است. و نفی تحریف ایشان فرمود.

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحْلُونَهُ عَامًا وَيُخَرِّمُونَهُ عَامًا لِّيُؤَاطُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٧﴾
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٣٨﴾ إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلَ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٤٠﴾

جز این نیست که «نسئ» زیادتی است در کفر، گمراه گردانیده می شوند به آن کافران. حلال می شمرد آن ماه را یک سال و حرام می شمرد آن را سال دیگر، تا موافقت کنند با شمار آنچه حرام ساخته است خدا، پس حلال سازند چیزی را که حرام ساخته است خدا. آراسته کرده شده است برای ایشان کردارهای بد ایشان و خدا راه نمی نماید قوم کافران را^(۱). ﴿۳۷﴾ ای مسلمانان! چیست شما را که چون به شما گفته می شود بیرون آیید در راه خدا، گران شده میل می کنید به سوی زمین؟ آیا رضامند شدید به زندگانی دنیا عوض آخرت؟ پس نیست متاع زندگانی دنیا در برابر آخرت مگر اندکی^(۲). ﴿۳۸﴾ اگر بیرون نیاید، عذاب کند شما را عذابی درد دهنده و بدل شما گیرد قومی را بجز شما و زیان نرسانید خدا را هیچ و خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۳۹﴾ اگر نصرت ندهید پیغامبر را چه باک، هر آینه نصرت داده است او را خدا آنگاه که بیرون کردندش کافران، دوم دو کس، آنگاه که این دو کس در غار بودند، آنگاه که می گفت یار خود را: ﴿۴۰﴾ اندوه مخور! هر آینه خدا با ماست. پس فروفرستاد خدا تسکین خود را بر پیغامبر و قوت دادش به لشکرهای که ندیدید آن را و ساخت سخن کافران را فروتر و سخن خدا همان است بلند و خدا غالب درست کار است. ﴿۴۰﴾

۱- یعنی به قتال ناحق.

۲- مترجم گوید: آن حضرت ﷺ در وقت عسرت و گرمی هوا متوجه غزوه تبوک شدند و بسیاری از صحابه موافقت کردند و از مسلمین سه کس به غیر عذر، تخلف کردند و توبه ایشان بعد پنجاه روز قبول افتاد و از منافقان، کلمات نفاق سر برزد. خدای تعالی در مدح اینان و ذم آنان و عفو از آن سه کس آیات فرستاد.

۳- یعنی ابوبکر صدیق را.

أَنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ
وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ
كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾ لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا
قَاصِدًا لَّاتَّبَعُوكَ وَلَٰكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ الشَّقَّةُ
وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ
يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٤٢﴾
عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ
صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ ﴿٤٣﴾ لَا يَسْتَغْنِيكَ الَّذِينَ
يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ
وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿٤٤﴾ إِنَّمَا يَسْتَغْنِيكَ
الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ
قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَبِّهِمْ يَتَرَدَّدُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَوْ أَرَادُوا
الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَٰكِنْ كَرِهَ اللَّهُ
أَنْبِعَانَّهُمْ فَتَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ ﴿٤٦﴾ لَوْ
خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا أُضْعِفُوا
خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّعُونَ لَهُمْ
وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٤٧﴾

بیرون آید سبکبار و گرانبار^(۱) و جهاد کنید به مال خود و
جان خود در راه خدا، این بهتر است شما را اگر می دانید.
﴿۴۱﴾ اگر بودی [آنچه به آن دعوت می کنی] نفع قریب
الحصول و سفری آسان، پیروی می کردند تو را و لیکن
دور نمود ایشان را مسافتِ راه و سوگند خواهند خورد به
خدا که اگر می توانستیم، بیرون می آمدیم با شما. هلاک
می کنند خویش را^(۲) و خدا می داند که ایشان دروغ گویند.
﴿۴۲﴾ عفو کند خدا از تو! چرا دستوری دادی ایشان را
منع اذن تا آن وقت بود که هویدا شوند برای تو راستگویان
و بدانی دروغ گویان را. ﴿۴۳﴾ دستوری نمی طلبند از تو
آنان که ایمان آوردند به خدا و روز آخر در تخلف از
آنکه جهاد کنند به اموالِ خویش و جان خویش و خدا
دانا است به متقیان. ﴿۴۴﴾ جز این نیست که دستوری
می طلبند از تو آنان که ایمان نمی آرند به خدا و روز آخر و
شک آورده است دل ایشان، پس ایشان در شک خود
سرگردان می شوند. ﴿۴۵﴾ و اگر خواستندی بیرون آمدن،
مهیا می کردند برای سفر، سامان را و لیکن ناپسند داشت
خدا برانگیختن ایشان، پس از حرکت بازداشت ایشان را و
گفته شد: بنشینید با نشینندگان^(۳). ﴿۴۶﴾ اگر بر می آمدند
میان شما، نمی افزودند در حق شما^(۴) مگر فساد را و البته
مَرکَب می تاختند میان شما فتنه جویان در حق شما و میان
شما سخن شنوایان از ایشان^(۵) و خدا دانا است به ستمکاران.

﴿۴۷﴾

۱- یعنی در حالی که اسباب و حشم بسیار دارید یا بجز قدر ضروری به
دست شما نباشد و به این توجیه آیت محکم باشد غیر منسوخ، والله
اعلم.

۲- یعنی به سوگند دروغ.

۳- و این تصویر است القای عزم مختلف را در خاطر ایشان.

۴- یعنی سعی در فتنه می کردند.

۵- یعنی سخن ایشان قبول می کنند.

لَقَدْ ابْتَغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ ﴿٤٨﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَتَذُنْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿٤٩﴾ إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ ﴿٥٠﴾ قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٥١﴾ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ ﴿٥٢﴾ قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنْكُمُ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٥٣﴾ وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ ﴿٥٤﴾

هر آینه طلب کرده بودند فتنه را پیش از این و برگردانیدند برای تو مصلحت‌ها، تا آنکه پیامد نصرت حق و غالب شد کار خدا و ایشان ناخواهان بودند. ﴿٤٨﴾ و از ایشان کسی هست که می‌گوید: دستوری ده مرا و در فتنه مینداز مرا^(۱). آگاه شو که در فتنه افتاده‌اند و هر آینه دوزخ درگیرنده است کافران را. ﴿٤٩﴾ و اگر برسد به تو نعمتی، ناخوش کند ایشان را و اگر برسد به تو مصیبتی، گویند: به دست آوردیم مصلحت خود پیش از این^(۲) و برگردند شادمان شده. ﴿٥٠﴾ بگو: هرگز نرسد به ما مگر آنچه نوشته است خدا برای ما. اوست کارساز ما و بر خدا باید که توکل کنند مسلمانان. ﴿٥١﴾ بگو: انتظار نمی‌برید در حق ما مگر یکی از دو خصلت نیک را^(۳) و ما انتظار می‌کشیم در حق شما که برساند خدا به شما عذاب را از نزدیک خود یا به دست ما. پس انتظار کشید، هر آینه ما با شما منتظرانیم. ﴿٥٢﴾ بگو: ای منافقان! خرج کنید به خوشی یا ناخوشی، هرگز قبول کرده نخواهد شد از شما، هر آینه شما هستید قوم فاسقان. ﴿٥٣﴾ و باز نداشت ایشان را از آنکه قبول کرده شود از ایشان خرج ایشان، الا آنکه ایشان کافر شدند به خدا و رسول او و نمی‌آیند به نماز، مگر کاهلی کنان و خرج نمی‌کنند، مگر ناخواهان. ﴿٥٤﴾

۱- یعنی مرا در بلاد روم می‌برید که جمال رومیان دیده، مفتون خواهم شد، والله اعلم.

۲- یعنی پنهان با اعدا موافقت کرده‌ایم یا از سفر تخلف نموده‌ایم، ما را هیچ باک نیست، والله اعلم.

۳- یعنی فتح یا شهادت.

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿٥٥﴾ وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرُقُونَ ﴿٥٦﴾ لَوْ يَجِدُونَ مَلَجًا أَوْ مَغْرَبًا أَوْ مَدَحَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ ﴿٥٧﴾ وَمِنْهُمْ مَن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رِضًا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ ﴿٥٨﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ ﴿٥٩﴾ إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦٠﴾ وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦١﴾

پس به شگفت نیارد تو را مال ایشان و نه فرزندان ایشان. جز این نیست که می‌خواهد خدا که عذاب کند ایشان را به آنها در زندگانی دنیا^(۱) و برآید جان ایشان و ایشان کافر باشند. ﴿۵۵﴾ و سوگند می‌خورند به خدا که ایشان از جرگه شما نیستند و نیستند ایشان از شما و لیکن ایشان جماعتی هستند که می‌ترسند. ﴿۵۶﴾ اگر ببینند پناهی را یا غارها را یا جای در آمدن را، متوجه شوند به آن شتاب کنند. ﴿۵۷﴾ و از ایشان کسی هست که عیب می‌کند تو را در قسمت صدقات، پس اگر داده شود ایشان را از آن، خوشنود شوند و اگر داده نه نشوند از آن، ناگهان ایشان خشم می‌گیرند. ﴿۵۸﴾ و اگر ایشان رضامند می‌شدند به آنچه داده است ایشان را خدا و رسول او و می‌گفتند: بس است ما را خدا، خواهد داد ما را خدا از فضل خود و رسول او، هرآینه ما به سوی خدا توقع دارند گانیم، [بهتر بودی]. ﴿۵۹﴾ جز این نیست که صدقه‌ها برای فقیران است و بی‌نویان و کارکنان بر جمع صدقات و آنان که الفت داده می‌شود دل ایشان را^(۲) و برای خرج کردن در آزادی برده‌ها و برای وام داران و برای خرج کردن در راه خدا^(۳) و برای مسافران است. حکم ثابت شده از نزدیک خدا و خدا دانای درست کار است. ﴿۶۰﴾ و از ایشان آنانند که می‌دهند آزار پیغامبر را و می‌گویند: وی سبک گوش است!^(۴) بگو: وی سبک گوش نیکو است برای شما، باور می‌کند گفته خدا را و قبول می‌کند مشورت مسلمانان را و رحمت است برای اهل ایمان از شما، و آنان که ایذا می‌دهند پیغامبر خدا را، ایشان راست، عذاب درد دهنده. ﴿۶۱﴾

۱- یعنی مشقت جمع مال و حفظ اولاد و تأسف بر آنچه فوت شود، والله

اعلم.

۲- یعنی ضعیف الاسلام.

۳- یعنی جهاد.

۴- یعنی هر چه کسی گوید قبول می‌کند.

يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ
 أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنِ
 يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَلِيدًا فِيهَا
 ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ ﴿٦٣﴾ يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ
 عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزْءُوا
 إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ ﴿٦٤﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولَنَّ
 إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ
 وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ ﴿٦٥﴾ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ
 كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَآئِفَةٍ
 مِنْكُمْ نَعَذِّبُ طَآئِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿٦٦﴾
 الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ
 بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ
 نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٦٧﴾
 وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ
 خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ
 مُّقِيمٌ ﴿٦٨﴾

سوگند می‌خورند به خدا برای شما تا رضامند کنند شما را
 و خدا و رسول او سزاوارترند به آنکه رضامند سازند آن
 را، اگر مسلمانند. ﴿۶۲﴾ آیا نمی‌دانند که هر که خلاف
 کند با خدا و رسول او، پس هرآینه او راست آتش دوزخ،
 جاویدان آنجا؟ این است رسوایی بزرگ. ﴿۶۳﴾ می‌ترسند
 منافقان از آنکه فروآورده شود بر مسلمانان سوره‌ای که
 خبر دهد ایشان را به آنچه در دل منافقان است. بگو:
 مسخره کنید! هرآینه خدا پدید آورنده است چیزی را که
 می‌ترسید. ﴿۶۴﴾ و اگر سؤال کنی ایشان را، گویند: جز
 این نیست که ما در هزل شروع می‌نمودیم و بازی
 می‌کردیم. بگو: آیا به خدا و آیت‌های او و پیغامبر او
 تمسخر می‌کردید؟! ﴿۶۵﴾ عذر مگوئید، هرآینه شما
 کافر شدید بعد از ایمان خود^(۱). اگر درگذریم از سر
 گروهی از شما، البته عذاب کنیم گروهی را به سبب آنکه
 ایشان گناهکار بودند. ﴿۶۶﴾ مردان منافق و زنان منافق،
 بعضی ایشان از جنس بعضی‌اند، می‌فرمایند به کار ناپسندیده
 و منع می‌کنند از کار پسندیده و می‌بندند دست‌های خود
 را. فراموش کردند خدا را پس خدا فراموش ساخت ایشان
 را، هرآینه منافقان ایشانند فاسقان. ﴿۶۷﴾ وعده داده است
 خدا مردان منافق را و زنان منافق را و کافران را آتش
 دوزخ، همیشه باشندگان در آنجا. دوزخ بس است ایشان را
 و لعنت کرد ایشان را خدا و ایشان راست، عذاب دایم.

﴿۶۸﴾

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ
 أَمْوَالًا وَأَوْلَدًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ
 بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ
 وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٦٩﴾ أَلَمْ
 يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ
 وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ
 رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ
 كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٧٠﴾ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ
 بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ
 عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ
 وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ
 اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾ وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ
 وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
 فِيهَا وَمَسَلِكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ
 اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٧٢﴾

مانند آنان که پیش از شما بودند زیادت‌تر از شما در قوت و
 بیشتر در اموال و اولاد. پس بهره‌مند شدند به نصیبه
 خویش. پس شما نیز بهره‌مند شدید بنصیبه خویش^(۱)،
 چنانکه بهره‌مند شدند آنان که پیش از شما بودند به نصیبه
 خویش و شروع در هزل کردید، چنانکه ایشان شروع در
 هزل کردند. آن جماعت، نابود شده عمل‌های ایشان در
 دنیا و آخرت و آن جماعت، ایشانند زیانکاران. ﴿۶۹﴾ آیا
 نیامده است به ایشان خبر آنان که پیش از ایشان بودند: قوم
 نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اهل مدین و اهل
 مؤتفکات؟ آمدند به ایشان پیغامبران ایشان به نشانه‌های
 روشن، پس هرگز نشد که خدا ظلم کند بر ایشان و لیکن
 ایشان بر خویشان ظلم می‌کردند. ﴿۷۰﴾ و مردان مسلمان
 و زنان مسلمانان بعضی ایشان کارساز بعضی‌اند، می‌فرمایند به
 کار پسندیده و منع می‌کنند از کار ناپسندیده و برپا
 می‌دارند نماز را و می‌دهند زکات را و فرمانبرداری
 می‌کنند خدا و رسول او را. این جماعت رحمت خواهد
 کرد بر ایشان خدا، هرآینه خدا غالب درستکار است.
 ﴿۷۱﴾ وعده کرده است خدا مردان مسلمانان را و زنان
 مسلمانان را بوستان‌ها که می‌رود زیر آن جوی‌ها، همیشه
 باشندگان آنجا و جای‌های پاکیزه در بهشت‌های همیشه
 ماندن. و خوشنودی خدا بزرگتر است از همه، این است
 فیروزی بزرگ. ﴿۷۲﴾

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ جَهْدَ الْكُفَّارِ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَعْلَظَ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبَشَسَ الْمَصِيرُ ﴿٧٣﴾ يَحْلِقُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهُمْ أُولَاؤُا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمْ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٧٤﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لِنِ عَاتِنَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا عَاهَدُوا مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٧٦﴾ فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿٧٧﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴿٧٨﴾ الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

﴿٧٩﴾

ای پیغامبر! جهاد کن با کافران^(۱) و جهاد کن با منافقان^(۲) و درشتی کن بر ایشان و جای ایشان دوزخ است و وی بدجایی است. ﴿۷۳﴾ سوگند می‌خورند به خدا که نگفته‌اند، و هر آینه گفته‌اند سخن کفر و کافر شده‌اند بعد اسلام خویش و قصد کردند آنچه نیافتند^(۳) و انکار نکردند مگر بر آنکه توانگر ساخت ایشان را خدا و رسول او از فضل خود^(۴). پس اگر توبه کنند بهتر باشد ایشان را و اگر برگردند از توبه، عذاب کند ایشان را خدا به عذاب درد دهنده در دنیا و آخرت و نیست ایشان را در زمین هیچ کارساز و هیچ یاری دهنده. ﴿۷۴﴾ و از ایشان کسی هست که عهد بسته است با خدا؛ البته اگر بدهد ما را از فضل خود، صدقه دهیم و باشیم از نیکوکاران. ﴿۷۵﴾ پس وقتی که بداد ایشان را از فضل خود، بخیلی کردند به آن و برگشتند، اعراض کنان. ﴿۷۶﴾ پس خدای تعالی عاقبت حال ایشان، ساخت نفاق را در دل ایشان تا روزی که ملاقات کنند با وی. به شامت آنکه خلاف کردند با خدا آنچه وعده کرده بودند با وی و به شامت آنکه دروغ می‌گفتند. ﴿۷۷﴾ آیا ندانسته‌اند که خدا می‌داند سخن پنهان ایشان را و راز گفتن ایشان را و آنکه خدا داننده غیب‌هاست؟! ﴿۷۸﴾ آنان که عیب می‌کنند رغبت کنندگان را از مسلمانان در صدقات و عیب می‌کنند آنان را که نمی‌یابند مگر مشقت خود را^(۵) پس تمسخر می‌کنند به ایشان، تمسخر کرد خدا به آن تمسخر کنندگان و ایشان راست، عذاب درد دهنده. ﴿۷۹﴾

۱- یعنی به سیف.

۲- یعنی به زبان.

۳- یعنی ایدای پیغمبر.

۴- و این نوعی از تحکم است، والله اعلم.

۵- یعنی به مزدوری چیزی پیدا می‌کنند و صدقه می‌دهند.

أَسْتَغْفِرُ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٨٠﴾
 فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ﴿٨١﴾ فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾ فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِّنْهُمْ فَاسْتَعَذُّوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَّنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَلِيفِينَ ﴿٨٣﴾ وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٨٤﴾ وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿٨٥﴾ وَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَعِذْكَ أُولُوا الطَّلُوفِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ ﴿٨٦﴾

آمزش طلب کن برای ایشان یا آمزش طلب مکن برای ایشان^(۱)، اگر آمزش خواهی برای ایشان هفتاد بار، هرگز نیامزد ایشان را خدا. این به سبب آن است که ایشان کافر شدند به خدا و رسول او و خدا راه نمی‌نماید گروه فاسقان را. ﴿۸۰﴾ شادمان شدند واپس ماندگان به نشستن خویش بر خلاف پیغمبر خدا و ناپسند کردند که جهاد کنند به اموال خویش و به جان خویش در راه خدا و گفتند با یکدیگر: بیرون مروید در گرمی. بگو: آتش دوزخ سخت‌تر است در گرمی اگر درمی‌یافتندی [چنین نکردی]. ﴿۸۱﴾ پس باید که بخندند اندکی و بگریند بسیار، سزای آنچه می‌کردند^(۲). ﴿۸۲﴾ پس اگر بازآرد تو را خدای تعالی به سوی گروهی از ایشان، پس دستوری طلبند از تو برای بیرون آمدن^(۳). بگو: بیرون نخواهید آمد با من هرگز و جنگ نخواهید کرد همراه من با هیچ دشمنی، هرآینه شما رضامند شدید به نشستن اول بار، پس بنشینید با پس ماندگان. ﴿۸۳﴾ و [یا محمد!] نماز مکرار بر هیچ یکی از ایشان که بمیرد، هرگز! و مایست بر گور وی، هرآینه ایشان کافر شدند به خدا و رسول او و مُردند و ایشان فاسق بودند ﴿۸۴﴾ و به شگفت نیارد تو را اموال ایشان و نه فرزندان ایشان. جز این نیست که می‌خواهد خدا که عقوبت کند ایشان را به آن در دنیا و بیرون شود روح ایشان و ایشان کافر باشند. ﴿۸۵﴾ و چون فرود آورده شود سورتی [به این مضمون] که ایمان آرید به خدا و جهاد کنید همراه رسول او، دستوری می‌طلبند از تو خداوندانِ وسعت از ایشان و گویند: بگذار ما را تا باشیم با نشستگان. ﴿۸۶﴾

۱- یعنی هر دو صورت یکسان است.

۲- مترجم گویند: مراد خبر است با آنکه در دنیا خواهند خندید و در آخرت خواهند گریست.

۳- یعنی برای احراز غنائم.

رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ
فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٨٧﴾ لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا
مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمْ
الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٨٨﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ
جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ
الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٨٩﴾ وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ
لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ
سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٠﴾ لَيْسَ
عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا
يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ
مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٩١﴾
وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ
مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ
حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ ﴿٩٢﴾ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى
الَّذِينَ يَسْتَعِذُّونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا
مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا
يَعْلَمُونَ ﴿٩٣﴾

راضی شدند به آنکه باشند با زنانِ پس مانده و مهر نهاده
شد بر دل ایشان، پس ایشان فهم نمی کنند. ﴿۸۷﴾ لیکن
پیغامبر و آنان که ایمان آوردند به او، جهاد کردند به اموالِ
خود و جان های خود و این جماعت، ایشان راست نیکی ها
و این جماعت، ایشانند رستگاران. ﴿۸۸﴾ آماده ساخته
است خدا برای ایشان بوستان ها، می رود زیر آن جوی ها،
جاودان آنجا. این است فیروزی بزرگ. ﴿۸۹﴾ و آمدند
اهل عذر از صحرائشینان تا دستوری داده شود ایشان را و
نشستند آنان که دروغ گفتند با خدا و رسول او (یعنی در
اظهار اسلام) خواهد رسید به کافران از ایشان عذاب درد
دهنده. ﴿۹۰﴾ نیست بر ناتوانان و نه بر بیماران و نه بر
آنان که نمی یابند چیزی که خرج کنند، هیچ گناهی، چون
نیکخواهی کنند با خدا و رسول او. نیست بر نیکوکاران
هیچ راه عتاب و خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۹۱﴾ و نه بر
آنان که چون بیایند پیش تو تا سواری دهی ایشان را،
گویی: نمی یابم آنچه سوار کنم شما را بر آن. باز کردند و
چشم ایشان روان باشد به اشک به جهت اندوه که نمی یابند
چیزی که خرج کنند. ﴿۹۲﴾ جز این نیست که راه عتاب
بر آنان است که دستوری می طلبند از تو و ایشان
توانگرانند، راضی شدند به آنکه باشند با زنان پس مانده و
مهر نهاد خدا بر دل ایشان، پس ایشان نمی فهمند. ﴿۹۳﴾

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ تُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٤﴾
 سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لَتُعَرِّضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رَجِسٌ وَمَأْوَهُمُ جَهَنَّمُ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٩٥﴾
 لَيَحْلِفُونَ لَكُمْ لَيَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٩٦﴾
 الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٩٧﴾
 وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَائِرَ ۗ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٩٨﴾
 وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَتٍ عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ ۗ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَّهُمْ ۖ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ ۖ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٩٩﴾

عذرخواهی کنند پیش شما چون باز آیید به سوی ایشان. بگو: عذرخواهی نکنید! باور نکنیم [سخن] شما را. هرآینه آگاه ساخته است ما را خدا به بعض خبرهای شما و خواهد دید خدا و رسول او عمل شما را (یعنی در دنیا) باز گردانیده شوید به سوی داننده نهان و آشکارا، پس خبر دهد شما را به آنچه می‌کردید. ﴿۹۴﴾ سوگند خواهند خورد به خدا پیش شما چون باز آیید به سوی ایشان، تا روی بگردانید از ایشان. پس شما روی بگردانید از ایشان، هرآینه ایشان پلیدند و جای ایشان دوزخ است، سزایی آنچه می‌کردند. ﴿۹۵﴾ سوگند می‌خورند برای شما تا رضامند شوید از ایشان، پس اگر رضامند شوید از ایشان، هرآینه خدا رضامند نشود از گروه فاسقان. ﴿۹۶﴾ صحرائیشان سخت‌ترند در کفر و نفاق^(۱) و سزاوارترند به آنکه ندانند احکام شریعتی را که نازل کرده است خدا بر پیغمبر خود و خدا دانای درستکار است. ﴿۹۷﴾ و از اعراب کسی هست که تاوان می‌شمارد چیزی را که خرج می‌کند و انتظار می‌کشد در حق شما مصایب را. بر ایشان باد مصیبت بد و خدا شنوای داناست. ﴿۹۸﴾ و از اعراب کسی هست که ایمان می‌آرد به خدا و روز آخر و می‌شمارد چیزی را که خرج می‌کند، سبب قربت نزدیک خدا و وسیله دعای نیک پیغمبر. آگاه باش! هرآینه وی قربت است ایشان را. داخل خواهد کرد ایشان را خدا در رحمت خود، هرآینه خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۹۹﴾

وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ
وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا
عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٠٠﴾ وَمِمَّنْ حَوْلَكُم
مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى
الْتَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ
ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ ﴿١٠١﴾ وَعَاخَرُونَ اعْتَرَفُوا
بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى
اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٠٢﴾ خُذْ
مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ
عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
﴿١٠٣﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ
وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾
وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ
وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾ وَعَاخَرُونَ مُرْجُونَ
لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ
عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠٦﴾

و سبقت کنندگان نخستینان از مهاجران و انصار و آنان که
پیروی ایشان کردند به نیکوکاری، خوشنود شد خدا از این
جماعت و ایشان خوشنود شدند از وی و آماده ساخت
برای ایشان بوستان‌ها که می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان
آنجا همیشه. این است فیروزی بزرگ. ﴿۱۰۰﴾ و از
آنان که حوالی شما پیدا از اعراب، منافقاند و بعضی اهل
مدینه خوگر شده‌اند بر نفاق. تو نمی‌دانی ایشان را ما
می‌دانیم ایشان را، عذاب خواهیم کرد ایشان را دوبار^(۱)،
باز گردانیده شوند به سوی عذاب بزرگ. ﴿۱۰۱﴾ و
دیگران هستند که اقرار کردند به گناهان خود، آمیخته‌اند
عمل نیک را با عمل دیگر که بد است. نزدیک است که
خدا به رحمت متوجه شود بر ایشان، هر آینه خدا آمرزنده
مهربان است. ﴿۱۰۲﴾ بگیر از اموال ایشان زکات تا پاک
سازی ایشان را و با برکت کنی ایشان را به آن و دعای خیر
کن بر ایشان، هر آینه دعای تو سبب آرام است ایشان را و
خدا شنوای داناست. ﴿۱۰۳﴾ آیا ندانسته‌اند که خدا همون
توبه قبول می‌کند از بندگان خود و می‌گیرد صدقات را و
آنکه خدا همونست توبه پذیرنده مهربان؟. ﴿۱۰۴﴾ و بگو:
عمل کنید پس خواهد دید خدا عمل شما را و رسول او و
مؤمنان و گردانیده خواهید شد به سوی داننده پنهان و
آشکارا، پس خبر دهد شما را به آنچه می‌کردید. ﴿۱۰۵﴾
و دیگرانند موقوف داشته شده بر فرمان خدا. یا این است
که عذاب کند ایشان را یا به رحمت متوجه شود بر ایشان و
خدا دانای درستکار است. ﴿۱۰۶﴾

۱- یعنی در میان مسلمانان، ذلیل شوند و در اموال و اولاد، آفات بینند.

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ
 الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ
 قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ
 إِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ ﴿١١٧﴾ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَّمَسْجِدٌ أُسِّسَ
 عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ
 رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّظَرُوا اللَّهَ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهِّرِينَ ﴿١١٨﴾
 أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَنُهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ
 خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَنَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ
 فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
 الظَّالِمِينَ ﴿١١٩﴾ لَا يَزَالُ بُنْيَنُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي
 قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٢٠﴾
 إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ
 بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ
 وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ
 وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا
 بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

﴿١٢١﴾

و از ایشان آنانند که ساخته‌اند مسجدی برای زیان رسانیدن
 و به جهت کفر و برای تفرقه افکندن میان مسلمانان و
 کمینگاه ساختن برای آنان که جنگ کرده‌اند با خدا و
 رسول او پیش از این، و البته سوگند خورند که نخواسته‌ایم
 مگر خصلت نیک را و خدا گواهی می‌دهد که ایشان
 دروغگویانند^(۱). ﴿۱۰۷﴾ مایست آنجا هرگز! هرآینه
 مسجدی که بنیاد نهاده شده است بر نیت تقوی از اول روز،
 بهتر است که ایستاده شوی آنجا، آنجا مردانند که دوست
 می‌دارند که پاک شوند و خدا دوست می‌دارد پاک
 باشندگان را. ﴿۱۰۸﴾ آیا کسی که بنیاد نهاد عمارت خود
 را بر ترسکاری از خدا و خوشنودی او بهتر است، یا کسی
 که بنیاد نهاده است عمارت خود را بر کناره زمین رود
 خورده مستعد افتادن پس افتد با صاحب خود در آتش
 دوزخ؟ و خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را^(۲).
 ﴿۱۰۹﴾ همیشه باشد عمارت ایشان که بنا کرده‌اند^(۳) سبب
 شک در دل ایشان، مگر آنکه پاره پاره کرده شود دل
 ایشان را و خدا دانای درست کار است. ﴿۱۱۰﴾ هرآینه
 خدا خرید کرده است از مسلمانان جان ایشان را و مال
 ایشان را به عوض آنکه ایشان را باشد بهشت. جنگ
 می‌کنند در راه خدا، پس می‌کشند و کشته می‌شوند.
 وعده‌ای که لازم است بر خدا به تحقیق در تورات و انجیل
 و قرآن و کیست وفا کننده‌تر به عهد خویش از خدا؟ پس
 شادمان باشید به این فروختن خود که معامله کردید به آن
 و این است فیروزی بزرگ. ﴿۱۱۱﴾

۱- مترجم گوید: جماعتی از منافقان مسجدی ساخته بودند به نیت فاسد تا
 تفریق مسلمین باشد و کمینگاه کافران. خدای تعالی به هدم آن امر
 فرمود، والله اعلم.

۲- عمارت ساختن براساس تقوی کنایت است از اخلاص در اعمال و
 عمارت ساختن بر کناره رود خورده، کنایت از ریا و عجب در اعمال،
 والله اعلم.

۳- یعنی مسجد ضرار.

الَّتَّابِعُونَ الْعَبِيدُونَ الْحَمِيدُونَ السَّابِقُونَ
الرَّكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ
وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٢﴾ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ
يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ
مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١١٣﴾ وَمَا كَانَ
أَسْتَغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ
فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ
لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ ﴿١١٤﴾ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ
هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ
شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾ إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا
نَصِيرٍ ﴿١١٦﴾ لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ
وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا
كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ
بِهِمْ رَعُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١١٧﴾

ایشان توبه کنندگانند، عبادت کنندگانند، حمد
گویندگانند، سفر در راه خدا کنندگانند، رکوع و سجده
کنندگانند، فرمایندگانند به کار پسندیده و منع کنندگانند
از ناپسندیده و نگاه دارندگانند احکام خدا را. و مژده ده،
مسلمانان را. ﴿۱۱۲﴾ روا نبود پیغامبر را و نه مسلمانان را
که طلب آمرزش کنند برای مشرکان و اگرچه دارای
خویشاوندی باشند، بعد از آنکه ظاهر شد ایشان را که آن
گروه، باشندگان دوزخند. ﴿۱۱۳﴾ و نبود آمرزش
خواستن ابراهیم برای پدر خود، مگر از جهت وعده‌ای که
کرده بودش با وی، پس چون روشن شد برای ابراهیم که
وی دشمن خدا است، بیزار شد از وی، هرآینه ابراهیم
دردمند بردبار بود. ﴿۱۱۴﴾ و هرگز نیست خدا که گمراه
کند قومی را^(۱) بعد از آنکه راه نموده باشد ایشان را، تا
آنکه واضح سازد بر ایشان آنچه از آن پرهیز کنند، هرآینه
خدا به هر چیز داناست^(۲). ﴿۱۱۵﴾ هرآینه خدا وی راست
پادشاهی آسمان‌ها و زمین، زنده می‌کند و می‌میراند و
نیست شما را بجز وی هیچ کارسازی و یاری‌دهنده‌ای.
﴿۱۱۶﴾ هرآینه به رحمت متوجه شد خدا بر پیغامبر و آن
مهاجران و انصار که پیروی وی کردند در وقت تنگدستی،
بعد از آنکه نزدیک بود که از جای برود دل گروهی از
ایشان، باز به رحمت متوجه شد بر ایشان، هرآینه وی بر
ایشان بخشاینده مهربان است. ﴿۱۱۷﴾

۱- یعنی در حساب گمراهان نمی‌شمارد قومی را.

۲- یعنی تا پیغامبر نباید تبلیغ نکند، معذورانند. (فتح).

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ
 الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا
 أَن لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا
 إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١١٨﴾ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
 أَنْتَفُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴿١١٩﴾ مَا كَانَ لِأَهْلِ
 الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَن
 رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِ ۚ ذَٰلِكَ
 بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي
 سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا
 يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ
 صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢٠﴾ وَلَا
 يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا
 إِلَّا كُتِبَ لَهُم لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا
 يَعْمَلُونَ ﴿١٢١﴾ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً
 فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي
 الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ
 يَحْذَرُونَ ﴿١٢٢﴾

و بر آن سه کس که موقوف داشته شدند تا آنکه تنگ شد
 بر ایشان زمین با وجود فراخی آن و تنگ شد بر ایشان
 جان‌های ایشان و دانستند که پناه گاهی نیست از خدا مگر
 به سوی او، باز خدا به رحمت متوجه شد بر ایشان، تا ایشان
 رجوع کنند^(۱). هرآینه خدا توبه پذیرنده مهربان است.
 ﴿۱۱۸﴾ ای مسلمانان! بترسید از خدا و باشید با راستگویان.
 ﴿۱۱۹﴾ لایق نبود اهل مدینه را و آنان را که حوالی
 ایشانند از اعراب، که بازپس مانند از همراهی رسول خدا و
 نه آنکه رغبت کنند در حفظ خویش [اعراض کرده] از
 ذات رسول خدا. این به سبب آن است که نمی‌رسد به
 ایشان تشنگی و نه رنج و نه گرسنگی در راه خدا و نسپرند
 جایی که به خشم آرد کافران را و به دست نمی‌آرند از
 دشمن هیچ دستبندی، مگر نوشته شود برای ایشان به سبب
 آن عمل صالح، هرآینه خدا ضایع نمی‌کند مزد نیکوکاران
 را. ﴿۱۲۰﴾ و خرج نمی‌کنند هیچ خرج را اندکی و نه
 بسیاری و طی نمی‌کنند هیچ میدانی را مگر که نوشته شد
 برای ایشان [عمل صالح] تا جزا دهد ایشان را خدا در مقابله
 نیکوترین آنچه می‌کردند. ﴿۱۲۱﴾ و ممکن نیست مؤمنان
 را که برآیند^(۲) همه یکجا، پس چرا بیرون نیامدند از هر
 جمعی از ایشان چند کس تا دانشمند شوند در دین و تا بیم
 کنند قوم خود را چون بازآیند به سوی ایشان، بُود که
 ایشان بترسند^(۳). ﴿۱۲۲﴾

۱- یعنی به مقام قریب.

۲- یعنی به طلب علم.

۳- یعنی طلب علم دین، فرض کفایه است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ
 الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ
 الْمُتَّقِينَ ﴿١٢٣﴾ وَإِذَا مَا أَنزَلْتُ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ
 أَئِذَا زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا
 فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿١٢٤﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ فِي
 قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا
 وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿١٢٥﴾ أُولَٰئِكَ يَرْوَنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ
 عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذْكُرُونَ
 ﴿١٢٦﴾ وَإِذَا مَا أَنزَلْتُ سُورَةً نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ
 يَرِيكُمْ مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ انْصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ
 بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿١٢٧﴾ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ
 أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ
 بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢٨﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ
 اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ
 الْعَظِيمِ ﴿١٢٩﴾

ای مسلمانان! جنگ کنید با آنان که نزدیک شمايند از
 کافران و بايد که کافران بيابند در شما درشتی را و بدانيد
 که خدا با متقيان است. ﴿١٢٣﴾ و چون فروآورده شود
 سورتی، پس از منافقان کسی هست که می گوید: در حق
 کدام يك از شما افزون کرده است اين سوره ايمان را؟
 پس اما اهل ايمان، پس به تحقيق زياده کرده است در حق
 ايشان ايمان را و ايشان شادمان می شوند. ﴿١٢٤﴾ و اما
 آنان که در دل ايشان بیماری است، پس زياده کرده است
 در حق ايشان پلیدی را همراه پلیدی ايشان و مردند و ايشان
 کافر بودند. ﴿١٢٥﴾ آیا نمی بينند که ايشان عقوبت کرده
 می شوند در هر سال يك بار يا دو بار^(۱)، باز توبه نمی کنند
 و نه ايشان پند می گیرند. ﴿١٢٦﴾ و چون فروآورده شود
 سورتی^(۲)، نظر کند بعض ايشان به بعضی [از جهت
 شرمندگی و می گوید:] آیا می بيند هيچ کس شما را؟ پس
 باز گردند^(۳). باز گردانیده است خدا دل ايشان را به سبب
 آنکه ايشان گروهی هستند که نمی دانند. ﴿١٢٧﴾ ای
 مسلمانان! آمده است به شما پيغامبری از قبیله شما، دشوار
 است بر وی رنج شما، حریص است بر هدايت شما، به
 مسلمانان بخشاينده مهربان است. ﴿١٢٨﴾ پس اگر
 باز گردند، بگو: بس است مرا خدا، هيچ معبود نيست بجز
 وی، بر وی توکل کردم و او خداوند عرش بزرگ
 است^(۴). ﴿١٢٩﴾

۱- یعنی با امراض و مصائب.

۲- یعنی سوره ای که در وی بيان نفاق ايشان باشد.

۳- یعنی به خانه های خود.

۴- یعنی چنانکه قادر است عرش را نگاه می دارد و تو را نیز نگاه می دارد از
 شر کافران و منافقان.

سُورَةُ يُونُسَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾ أَكَّانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۖ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٢﴾ إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ ۗ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ۗ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٣﴾ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدُوهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٤﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ۚ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥﴾ إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ ﴿٦﴾

سوره یونس

به نام خداوند بخشنده مهربان

الر، این آیت‌های کتاب با حکمت است. ﴿۱﴾ آیا عجبی شد مردمان را که وحی فرستادیم به سوی مردی از ایشان که بیم کن مردمان را و بشارت ده مسلمانان را به آنکه ایشان را هست پایه درست نزد پروردگار ایشان؟ گفتند کافران: هرآینه این شخص، جادوگر آشکار است. ﴿۲﴾ هرآینه پروردگار شما خدایی است که آفرید آسمان‌ها و زمین را در شش روز، باز مستقر شد بر عرش، تدبیر می‌کند کار را. نیست هیچ شفاعت کننده‌ای مگر بعد دستوری وی. این است خدا، پروردگار شما، پس بپرستید او را، آیا پند نمی‌گیرید؟ ﴿۳﴾ به سوی اوست رجوع شما همه یکجا، وعده کرده است خدا وعده درست، هرآینه وی اول بار کند آفرینش را، باز دیگر بار کندش، تا جزا دهد آنان را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند به انصاف و آنان که کافر شدند ایشان راست آشامیدنی از آب گرم و عقوبت درد دهنده به سبب آنکه کافر بودند. ﴿۴﴾ او آن است که ساخت آفتاب را درخشنده و ماه را روشن و معین کرد برای ماه منزل‌ها را تا بدانید شمار سال‌ها و تا بدانید حساب را. نیافریده است خدای تعالی این را مگر به تدبیر درست. بیان می‌کند نشانه‌ها را برای گروهی که می‌دانند. ﴿۵﴾ هرآینه در آمدورفت شب و روز و در آنچه آفریده است خدا در آسمان‌ها و زمین، نشانه‌هاست گروهی را که پرهیزگاری می‌کنند. ﴿۶﴾

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَاطْمَأْنَنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ ﴿٧﴾
أُولَٰئِكَ مَا لَهُمْ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨﴾ إِنَّ
الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ
بِإِيمَانِهِمْ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ
﴿٩﴾ دَعْوُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا
سَلَامٌ وَعَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
﴿١٠﴾ وَلَوْ يَعْجَلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ
بِالْخَيْرِ لَفَضَّلْنَا إِلَيْهِمْ أَجَلَهُمْ فَتَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ
لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١١﴾ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ
الضَّرُّ دَعَا نَا لِجَنَّتَيْهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا
عَنْهُ ضَرْهُهُ مَرَّ كَانَ لَمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضَرٍّْ مِّسَّهُ كَذَٰلِكَ
زَيْنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا
الْقُرُونَ مِن قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم
بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ
الْمُجْرِمِينَ ﴿١٣﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ
مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾

هر آینه آنان که امید ندارند ملاقات ما را و خوشنود شده‌اند
به زندگانی دنیا و آرام گرفته‌اند به آن و آنان که ایشان از
نشانه‌های ما بی‌خبرند. ﴿۷﴾ این جماعت، جای ایشان
آتش است به سبب آنچه عمل می‌کردند. ﴿۸﴾ هر آینه
آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، راه
نماید ایشان را پروردگار ایشان به سبب ایمان ایشان (یعنی
به مقامات نجات) می‌رود زیر ایشان جوی‌ها در بوستان‌های
نعمت. ﴿۹﴾ دعای ایشان در آنجا «سبحانک الله»، باشد
(یعنی پاکی تو راست بار خدایا) و دعای خیر ایشان با
یکدیگر، سلام بود و نهایت دعای ایشان این است که
حمد، خدای راست، پروردگار عالم‌ها. ﴿۱۰﴾ و اگر زود
رسانیدی خدای تعالی به مردمان سختی را مانند آنکه زود
می‌طلبند نعمت را به انجام رسانیده شدی در حق ایشان
اجل ایشان، پس می‌گذاریم آنان را که امید ملاقات ما
ندارند، سرگردان شده در بیراهی خویش. ﴿۱۱﴾ و چون
رنج برسد به آدمی، دعا کند به جناب ما خفته بر پهلوی
خود یا نشسته یا ایستاده، پس آنگاه که برداشتیم از وی
رنج وی را، برود گویا که نخوانده بود ما را به دفع کردن
رنجی که رسیدش. همچنین آراسته کرده شد از حد
گذرندگان را آنچه می‌کردند. ﴿۱۲﴾ و هر آینه هلاک
کرده‌ایم قرن‌ها را پیش از شما چون ستم کردند و آمدند به
ایشان پیغامبران ایشان با نشانه‌های روشن و هرگز مستعد آن
نبودند که ایمان آرند. همچنین جزا می‌دهیم گروه
گناهکاران را. ﴿۱۳﴾ باز جانشین ساختیم شما را در زمین
پس از ایشان تا بینیم چگونه کار می‌کنید. ﴿۱۴﴾

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا أَتُتِ بِفُرْعَانٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ أَفَلَا يَكُونُ لِي أَنْ أَبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَائِي نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾ قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٦﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ ﴿١٧﴾ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَتُونَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَنْبِئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٨﴾ وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَفُضِي بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٩﴾ وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿٢٠﴾

و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما واضح آمده، گویند آنان که امید ملاقات ما ندارند: بیار قرآنی بجز این یا تغیر کن او را^(۱). بگو: روا نبود مرا که تغیر کنم از جانب خود، پیروی نمی‌کنم الا به آنچه وحی فرستاده شد به سوی من، هرآینه من می‌ترسم اگر نافرمانی پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ. ﴿۱۵﴾ بگو: اگر خواستی خدا، نخواندمی آن را بر شما و خبردار نکردی خدا شما را به آن، هرآینه مانده‌ام میان شما عمری پیش از این، آیا در نمی‌یابید؟ ﴿۱۶﴾ پس کیست ستمکارتر از کسی که بر بندد بر خدا دروغ را یا دروغ شمارد آیات وی را؟ هرآینه سخن این است که رستگار نمی‌شوند گناهکاران. ﴿۱۷﴾ و می‌پرستند بجز خدا چیزی که ضرر نکند ایشان را و سود نرساند به ایشان و می‌گویند: ایشان شفاعت کنندگان مانند نزدیک خدا. بگو: آیا خبردار می‌کنید خدا را به آنچه نمی‌داند در آسمان‌ها و نه زمین؟ پاکی وی راست و برتر است از آنکه شریک مقرر می‌کنند. ﴿۱۸﴾ و نبودند مردمان مگر یک امت^(۲)، پس اختلاف کردند^(۳) و اگر نبودی کلمه‌ای که سابق صادر شده است از پروردگار تو، فیصله کرده شدی میان ایشان در آنچه اندر آن اختلاف دارند. ﴿۱۹﴾ و می‌گویند: چرا فرو نفرستاده نشده است بر این پیغامبر، نشانه‌ای از پروردگار وی؟ پس بگو: جز این نیست که علم غیب، خدای راست، پس انتظار بکنید، هرآینه من با شما از منتظرانم. ﴿۲۰﴾

۱- یعنی تا موافق عقاید باطله ایشان باشد.

۲- یعنی بر توحید و ملت ابراهیمی.

۳- یعنی به سبب عمرو بن لحي.

وَإِذَا أَدْفَنَّا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرَاءَ مَسْتَهُمْ إِذَا
لَهُمْ مَكْرٌ فِي عَايَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا
يَكْتُوبُونَ مَا تَمْكُرُونَ ﴿٢١﴾ هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي
الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِم
بَرِيحٌ طَيِّبَةٌ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ
وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ
بِهِمْ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنجَيْتَنَا مِنْ
هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٢٢﴾ فَلَمَّا أَنجَلْنَاهُمْ إِذَا
هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَتَأَيَّهَا النَّاسُ إِنَّمَا
بَغْيُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا
مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٣﴾ إِنَّمَا
مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنْزِلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ
فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ
وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ
وَوَضَّأَتْ أَهْلَهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ عَلَيْهَا أَتْنَاهَا أَمْرًا لَّيْلًا أَوْ
نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنِ بِالْأَمْسِ
كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾ وَاللَّهُ
يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ ﴿٢٥﴾

و چون بچشانیم مردمان را رحمتی پس از سختی که رسیده
بود به ایشان، ناگهان ایشان را بداندیشی باشد در نشانه‌های
ما^(۱). بگو: خدا زودتر است در تدبیر کردن، هرآینه
فرستادگان ما می‌نویسند آنچه بداندیشی می‌کنید^(۲).
﴿۲۱﴾ اوست آنکه روان می‌کند شما را در خشکی و در
دریا تا وقتی که باشید در کشتی‌ها و روان شدند [کشتی‌ها]
با سواران خود به باد خوش و شادمان شدند ایشان به آن بادِ
موافق، ناگهان برسد به آن کشتی‌ها باد تند و بیاید به ایشان
موج از هر جا و بدانند ایشان که از هر جهت گرفتار
گشتند، دعا کنند به جناب خدا، خالص کرده برای او
عبادت را، که اگر خلاص کنی ما را از این بلا، باشیم از
شکر کنندگان. ﴿۲۲﴾ پس چون خلاص ساخت ایشان را،
ناگهان ایشان بیراهی می‌کنند در زمین به ناحق. ای مردمان
جز این نیست که بیراهی شما زیان بر جان شماست. یافتید
بهرهٔ زندگانی دنیا، باز به سوی ما رجوع شماست، پس
خبردار کنیم شما را به آنچه می‌کردید. ﴿۲۳﴾ جز این
نیست که صفت زندگانی دنیا مانند آبی است که فرود
آوردیمش از آسمان، پس در هم آمیخت به سبب وی
رویدگی زمین از آنچه می‌خورند مردمان و چهارپایان تا
وقتی که به دست آورد زمین پیرایهٔ خود را و آراسته شد و
گمان کردند ساکنان آن زمین که ایشان توانایند بر انتفاع از
آن. ناگهان پیامد به زمین فرمان ما در شب یا در روز، پس
گردانیدیم آن را مثل زراعت از بیخ بریده، گویا نبود
دیروز، همچنین بیان می‌کنیم نشانه‌ها را برای گروهی که
تأمل می‌کنند. ﴿۲۴﴾ و خدا می‌خواند به سوی سرای
سلامتی و دلالت می‌کند هر که را خواهد به سوی راه
راست. ﴿۲۵﴾

۱- یعنی به کفران نعمت.

۲- مترجم گوید: بعد از آن خدای تعالی بیان می‌فرماید کیفیت مکر و
کفران نعمت را، والله اعلم.

لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ
وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ
فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٦﴾ وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ
سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ
عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ
مُظْلِمًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧﴾
وَيَوْمَ نَخْشِرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا
مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَائُكُمْ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ
شُرَكَائُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِلَّا نَا تَعْبُدُونَ ﴿٢٨﴾ فَكَفَىٰ بِاللَّهِ
شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ
لَغَافِلِينَ ﴿٢٩﴾ هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ
وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقُّ وَصَلَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا
يَفْتَرُونَ ﴿٣٠﴾ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
أَمْنَ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ
الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ
فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣١﴾ فَذَلِكُمُ اللَّهُ
رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى
تُصْرَفُونَ ﴿٣٢﴾ كَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ
فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٣﴾

آنان را که نیکوکاری کردند، حالت نیک باشد و زیادتى
بر آن^(۱) و نپوشد روی ایشان را هیچ سیاهی و نه هیچ
خواری. این جماعت، اهل بهشت‌اند، ایشان آنجا جاوید
باشند گانند. ﴿۲۶﴾ و آنان را که به عمل آوردند
کردارهای بد، جزای بدی مثل آن است و بپوشد ایشان را
خواری. نباشد ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده گویا
پوشانیده شده است روهای ایشان را به پاره‌های شب
تاریک آمده. این جماعت اهل آتش‌اند، ایشان آنجا
جاوید باشند گانند. ﴿۲۷﴾ و بترسید از روزی که برانگیزیم
ایشان را همه یکجا، باز گویم مشرکان را بایستید به جایی
خود شما و آنان که شما ایشان را شریک خدا ساخته‌اید،
پس تفرقه اندازیم میان ایشان و گویند شریکان ایشان که:
شما ما را نمی‌پرستید. ﴿۲۸﴾ پس بس است خدا گواه،
میان ما و میان شما، هرآینه ما بودیم از پرستش شما
بی‌خبر. ﴿۲۹﴾ آنجا دریابد هر شخصی آنچه پیش فرستاده
بود و گردانیده شوند به سوی خدا، مالک حقیقی ایشان و
گم شد از ایشان آنچه افترا می‌کرد. ﴿۳۰﴾ بگو: که روزی
می‌دهد شما را از جانب آسمان و زمین؟ آیا کیست که
خداوند باشد گوش را و چشم را^(۲) و کیست که بیرون آرد
زنده را از مرده و بیرون آرد مرده را از زنده^(۳) و کیست
که تدبیر کند کار را؟ خواهند گفت: آن «الله» است، پس
بگو: آیا حذر نمی‌کنید؟ ﴿۳۱﴾ پس این است خدا،
پروردگار شما به تحقیق. پس چیست بعد راستی بجز
گمراهی؟ پس کجا برگردانیده می‌شوید؟! ﴿۳۲﴾ هم
چنین ثابت شد قضای پروردگار تو بر این فاسقان، که
ایشان ایمان نیارند. ﴿۳۳﴾

۱- یعنی رؤیت خدای تعالی.

۲- یعنی خالق گوش و چشم باشد.

۳- یعنی حیوان را از نطفه و نطفه را از حیوان.

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَدْعُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ۚ
 قُلِ اللَّهُ يَدْعُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ۚ فَأَنْتَ تُؤْفِكُونَ ﴿٣٤﴾
 قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ
 يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ
 أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ ۚ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ
 تَحْكُمُونَ ﴿٣٥﴾ وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا
 يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾
 وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ
 وَلَكِنْ تَصْدِيقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلُ الْكِتَابِ
 لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٧﴾ أَمْ يَقُولُونَ
 افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ ۚ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾ بَلْ كَذَّبُوا بِمَا
 لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ ۚ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ ۚ كَذَّبَ
 الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ
 ﴿٣٩﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ ۚ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ ۚ
 وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿٤٠﴾ وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي
 عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيءُونَ مِمَّا أَعْمَلُ
 وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٤١﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ
 إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ ﴿٤٢﴾

بگو: آیا هست از شریکان شما کسی که نو کند آفرینش
 را، باز دوباره کندش؟ بگو: خدا نو می کند آفرینش را باز
 دوباره کندش، پس از کجا برگردانیده می شوید؟! ﴿۳۴﴾
 بگو: آیا هست از شریکان شما کسی که راه نماید به سوی
 دین حق؟ بگو: الله، همونست که راه می نماید به سوی دین
 حق، پس کسی که راه نماید به سوی حق، لایق تر است به
 آنکه پیروی کرده شود، یا کسی که خود راه نمی یابد مگر
 آن وقت که راه نموده شود وی را؟ پس چیست شما را،
 چگونه حکم می کنید؟ ﴿۳۵﴾ و پیروی نمی کنند بیشتر از
 ایشان مگر وهم را، هر آینه وهم کفایت نمی کند از معرفت
 حق، چیزی را. هر آینه خدا داناست به آنچه می کنند.
 ﴿۳۶﴾ و نیست این قرآن، افترا به غیر حکم خدا و لیکن
 هست باور دارنه آنچه پیش از وی است و بیان شریعتی
 است که نوشته شد بر مردمان، هیچ شبهه نیست در آن، از
 پروردگار عالم هاست. ﴿۳۷﴾ آیا می گویند: بر بسته است
 آن را؟ بگو: پس بیارید سورتی مانند آن و بخوانید هر که
 را توانید بجز خدا، اگر هستید راستگویان. ﴿۳۸﴾ بلکه
 دروغ شمرده اند چیزی را که فرا نرسیده اند به دانش وی و
 هنوز نیامده است به ایشان مصداق وعده وی. همچنین
 دروغ داشتند آنان که پیش از ایشان بودند. پس بنگر
 چگونه شد عاقبت ستمکاران. ﴿۳۹﴾ و از ایشان کسی
 هست که ایمان می آرد به وی و از ایشان کسی هست که
 ایمان نمی آرد به وی و پروردگار تو دانایتر است به
 مفسدان. ﴿۴۰﴾ و اگر به دروغ نسبت کنند تو را، بس بگو:
 مراست عمل من و شما راست عمل شما، شما بی تعلّقید از
 آنچه من می کنم و من بی تعلّقم از آنچه شما می کنید.
 ﴿۴۱﴾ و از ایشان کسی هست که گوش می نهد به سوی
 تو. آیا پس تو می شنوایی کران را و اگر چه در نمی یافتند!.

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْى وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ ﴿٤٣﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٤﴾ وَيَوْمَ يُخْشَرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿٤٥﴾ وَإِنَّمَا نُرِيَّتْكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّيْتُكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ ﴿٤٦﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٤٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾ قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَعْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٤٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنِ اتَّخَذْتُمْ عَذَابُهُمْ بَيِّنَاتٍ أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٠﴾ أَتُمْ إِذَا مَا وَقَعَ ءَامَنْتُمْ بِهِ ءَا لَكُنَّ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٥١﴾ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٥٢﴾ وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

﴿٥٣﴾

و از ایشان کسی هست که می‌نگرد به سوی تو. آیا تو راه‌می‌نمایی کوران را، اگرچه نمی‌دیدند؟^(۱) ﴿۴۳﴾ هرآینه خدا ستم نمی‌کند بر مردمان و لیکن مردمان بر خویشان ستم می‌کنند. ﴿۴۴﴾ و روزی که برانگیزد خدا ایشان را گویا که درنگ نکرده بودند الا ساعتی از روز، شناسا باشند با یکدیگر. زیانکار شدند آنان که دروغ داشتند ملاقات خدا را و نبودند راه یافتگان. ﴿۴۵﴾ و اگر بنماییم تو را بعض آنچه وعده می‌کنیم به ایشان یا بمیرانیم تو را، به هر حال به سوی ما رجوع ایشان است، باز خدا مطلع است بر آنچه می‌کنند. ﴿۴۶﴾ و هر امتی را پیغامبری هست، پس چون آمد پیغامبر ایشان، فیصله کرده شود میان ایشان به انصاف و بر ایشان ستم کرده نشود^(۲). ﴿۴۷﴾ و می‌گویند: کی باشد این وعده اگر هستی راستگویان؟ ﴿۴۸﴾ بگو: نمی‌توانم برای خود زبانی و نه سودی مگر آنچه خواسته است خدا. هر گروهی را میعادى هست، چون می‌آید میعاد ایشان، پس توقف نکنند ساعتی و نه سبقت کنند. ﴿۴۹﴾ بگو: خبر دهید مرا اگر بیاید به شما عذاب او شبانگاه یا به روز، به هر حال چه چیزی را به شتاب می‌طلبند از آن عذاب، این گناهکاران. ﴿۵۰﴾ باز وقتی که متحقق شود آیا ایمان آرید به آن [آنگاه گفته شود] آیا اکنون ایمان آوردید و پیش از این به شتاب می‌طلبید آن را^(۳). ﴿۵۱﴾ باز گفته شود ستمکاران را: بچشید عذاب جاوید، جزا داده نمی‌شوید الا به آنچه می‌کردید. ﴿۵۲﴾ و می‌پرسند تو را: آیا درست است این وعده؟ بگو: آری! قسم به پروردگار من، هرآینه وی درست است و شما عاجز کننده نیستید. ﴿۵۳﴾

۱- یعنی ایشان مانند کوران و کورانند.

۲- یعنی رسل و اتباع ایشان نجات یابند و کافران هلاک شوند.

۳- یعنی به استهزا و تکذیب.

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ^{٥٤} وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ^{٥٥} وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ^{٥٦} أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ^{٥٧} أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ^{٥٨} هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ^{٥٩} يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ^{٦٠} قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ^{٦١} فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ^{٦٢} قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِّنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ ءَاللهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ^{٦٣} وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ^{٦٤} إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ^{٦٥} وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِن ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

﴿٦٦﴾

و اگر باشد هر نفسِ ستم کننده را آنچه در زمین است، البته فدیۀ خود دهد آن را و در ضمیر خود دارند پشیمانی، چون بینند عذاب را، و فیصل کرده شود میان ایشان به عدل و بر ایشان ستم کرده نشود. ﴿۵۴﴾ آگاه باش هرآینه خدای راست آنچه در آسمانها و زمین است، آگاه باش هرآینه وعده خدا راست است و لیکن بیشتر ایشان نمی دانند. ﴿۵۵﴾ او زنده می کند و می میراند و به سوی وی گردانیده شوید. ﴿۵۶﴾ ای مردمان! آمده است به شما پندی از پروردگار شما و شفای آن علت را که در سینه هاست و راه نمودنی و بخشایشی، مسلمانان را. ﴿۵۷﴾ بگو: به فضل خدا و به رحمت او، پس به این چیزها باید که شادمان شوند. آن بهتر است از آنچه جمع می کنند. ﴿۵۸﴾ بگو: آیا دیدید چیزی را که فروآورده است خدا برای شما از جنس روزی، پس ساختید بعض آن را حرام و بعض آن را حلال، بگو: آیا خدا اذن داده است شما را یا بر خدا دروغ می بندید؟ ﴿۵۹﴾ و چیست گمان آنان که افترا می کنند بر خدا دروغ را به روز قیامت^(۱)، هرآینه خدا، خداوند فضل است بر مردمان و لیکن بیشتری از ایشان سپاسداری نمی کنند. ﴿۶۰﴾ و نمی باشی در هیچ شغلی و نمی خوانی هیچ آیتی را از طرف خدا آمده و نمی کنی هیچ کاری مگر هستیم بر شما مطلع، چون در می آید در آن کار، و پوشیده نمی شود از پروردگار تو همسنگ ذره ای در زمین و نه در آسمان و نه خوردرتر از آن و نه بزرگتر، الا نوشته شده است در کتاب روشن. ﴿۶۱﴾

۱- یعنی خدا به ایشان چه خواهد کرد در روز قیامت؟

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٤﴾ وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ أَعِزَّةَ اللَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٥﴾ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٦٦﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَنَهُ هُوَ الْعَزِيزُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَٰذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾ قُلْ إِنْ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾ مَتَّعْ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٧٠﴾

آگاه باش هر آینه دوستان خدا هیچ ترس نیست بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۶۲﴾ آنان که ایمان آوردند و تقوی می کردند. ﴿۶۳﴾ ایشان راست بشارت در زندگانی دنیا^(۱) و در آخرت. نیست هیچ تبدیل مر سخنان خدا را. این بشارت، همونست پیروزی بزرگ. ﴿۶۴﴾ و غمگین نکند تو را سخن ایشان، هر آینه غلبه خدا راست همه یکجا. اوست شنوای دانا. ﴿۶۵﴾ آگاه باش هر آینه خدا راست هر که در آسمانهاست و هر که در زمین است و پیروی نمی کنند آنان که پرستش می کنند بجز خدا شریکان را، به حقیقت پیروی نمی کنند مگر وهم را و نیستند مگر دروغگو. ﴿۶۶﴾ اوست آنکه ساخت برای شما شب را تا آرام گیرید در آن و ساخت روز را روشن، هر آینه در این نشانه‌هاست گروهی را که می شنوند. ﴿۶۷﴾ گفتند [کافران]: فرزند گرفته است خدا! پاکی او راست. اوست بی نیاز. او راست آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین است. نیست نزدیک شما هیچ حاجتی بر این. آیا می گوید بر خدا آنچه نمی دانید؟! ﴿۶۸﴾ بگو: هر آینه آنان که بر می بندند بر خدا دروغ را، رستگار نمی شوند. ﴿۶۹﴾ [ایشان را باشد] بهره‌مندی در دنیا، باز به سوی ماست بازگشت ایشان، پس بچشانیم ایشان را عذاب سخت به سبب آنکه کفر می کردند. ﴿۷۰﴾

۱- یعنی به رویای صالحه و بشارت.

﴿وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَتَقَوْمِ إِنَّ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذَكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ ﴿٧١﴾ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٧٢﴾ فَكَذَّبُوهُ فَجَعَلْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلِيفَ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ ﴿٧٣﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلٍ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ ﴿٧٤﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧٦﴾ قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتَنَّا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ عِبَادَنَا وَتَكُونَ لَكُمْ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٧٨﴾

و بخوان بر ایشان خبر نوح را چون گفت به قوم خود: ای قوم! من اگر دشوار شده باشد بر شما قیام من و پند دادن من به آیت‌های خدا، پس بر خدا توکل کردم، پس عزیمت درست کنید در کار خود همراه شریکان خویش، پس نباشد کار شما پوشیده بر شما، باز برسانید به سوی من و مهلت مدهید مرا. ﴿٧١﴾ پس اگر اعراض کردید^(۱)، پس نخواسته بودم از شما هیچ مزد را، نیست مزد من مگر بر خدا و فرموده شد مرا که باشم از مسلمانان. ﴿٧٢﴾ پس دروغ داشتندش، پس خلاص ساختیم او را و آنان را که با وی بودند در کشتی و گردانیدیم ایشان را جانشین و غرق کردیم کسانی را که دروغ داشتند آیات ما را، پس بنگر چگونه شد آخر کار بیم کرده شدگان؟. ﴿٧٣﴾ باز فرستادیم بعد نوح، پیغامبران را به سوی قوم ایشان، پس آوردند پیش ایشان نشانه‌های روشن را، پس هرگز مستعد آن نبودند که ایمان آرند به آنچه دروغ داشته بودند آن را پیش از این، همچنین مهر می‌نهم بر دل از حد گذرندگان. ﴿٧٤﴾ باز فرستادیم بعد از ایشان موسی و هارون را به سوی فرعون و قوم وی با نشانه‌های خویش، پس تکبر کردند و بودند قوم گناهکاران. ﴿٧٥﴾ پس چون آمد به ایشان سخن درست از نزدیک ما، گفتند: هرآینه این سحر ظاهر است. ﴿٧٦﴾ گفت موسی: آیا چنین می‌گویید سخن درست را چون بیامد به شما؟ آیا سحر است این؟ و رستگار نمی‌شوند ساحران. ﴿٧٧﴾ گفتند آیا آمده‌ای پیش ما تا بازداری ما را از دینی که یافتیم بر آن پدران خود را و تا باشد شما را ریاست در زمین؟ و نیستیم ما شما را باور دارنده. ﴿٧٨﴾

وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتُتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٨٠﴾ فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحَرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨١﴾ وَيُحَقِّقُ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨٢﴾ فَمَا عَاقِبَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٨٣﴾ وَقَالَ مُوسَى يَقُومُ إِن كُنْتُمْ عَاقِبُونَ بِاللَّهِ فَاعْلَمُوا تَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ ﴿٨٤﴾ فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٨٥﴾ وَنَحْنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّعَا لِقَوْمِكَمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٧﴾ وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٨٨﴾

و گفت فرعون: بیارید پیش من هر ساحر دانا را. ﴿۷۹﴾ پس وقتی که آمدند ساحران، گفت ایشان را موسی: بیفکنید آنچه شما افکنده‌اید. ﴿۸۰﴾ پس چون افکندند، گفت موسی: آنچه آورده‌اید سحر است، هرآینه خدا باطل خواهد ساخت آن را، هرآینه خدا راست نمی‌آرد کار مفسدان را. ﴿۸۱﴾ و ثابت خواهد کرد خدا سخن درست را به فرمان خود، و اگرچه ناخوش دارند گناهکاران. ﴿۸۲﴾ پس ایمان نیاوردند به موسی مگر جماعتی از قوم وی، با وجود خوف از فرعون و اشراف قبط، که عقوبت کند ایشان را. و هرآینه فرعون سرکشی بود در آن زمین و هرآینه وی از حد گذرندگان بود. ﴿۸۳﴾ و گفت موسی: ای قوم من! اگر ایمان آورده‌اید به خدا، پس به روی توکل کنید اگر هستید مسلمان. ﴿۸۴﴾ پس گفتند: بر خدا توکل کردیم، ای پروردگار ما! مکن ما را لگدکوب قوم ستمکاران. ﴿۸۵﴾ و خلاص کن ما را به رحمت خود از گروه کافران. ﴿۸۶﴾ و وحی فرستادیم به سوی موسی و برادر وی که ساکن کنید قوم خود به شهر مصر در خانه‌ها و بسازید خانه‌های خود را قبله‌رو^(۱) و برپا دارید نماز را و بشارت ده مؤمنان را. ﴿۸۷﴾ و گفت موسی: ای پروردگار ما! هرآینه تو داده‌ای فرعون و قبیله او را زینت و مال‌های بسیار در زندگانی دنیا. ای پروردگار ما! تا گمراه کنند (عالم را) از راه تو. ای پروردگار ما! مسخ کن مال ایشان را و مهر کن بر دل ایشان که ایمان نیاورند تا بینند عذاب درد دهنده. ﴿۸۸﴾

قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾ وَجَوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ ءَامَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي ءَامَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَءِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٩٠﴾ ءَالْتَنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٩١﴾ فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِيَدِنَا لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَ ءَايَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ ءَايَتِنَا لَغَافِلُونَ ﴿٩٢﴾ وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ مَبُوءًا صَدَقِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٩٣﴾ فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْأَلِ الَّذِينَ يَقْرَءُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُوتَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿٩٤﴾ وَلَا تَكُوتَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِءَايَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٩٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٩٦﴾ وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ ءَايَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٩٧﴾

گفت خدا: هر آینه قبول کرده شد دعای شما، پس ثابت باشید و پیروی مکنید راه جاهلان را. ﴿۸۹﴾ و گذرانیدیم اولاد یعقوب را از دریا، پس در عقب ایشان شدند فرعون و لشکر او از راه ستم و تعدی، تا وقتی که رسیدش مشقت غرق، گفت: باور داشتم که نیست هیچ معبود، مگر آنکه ایمان آورده‌اند به وی بنی اسرائیل و من از مسلمانانم. ﴿۹۰﴾ گفته شده آیا اکنون ایمان آری؟ و نافرمانی کرده بودی پیش از این و بودی از مفسدان. ﴿۹۱﴾ پس امروز بر مکان بلند افکنیم تو را به همان جسد تو^(۱) (یعنی به غیر تغیر) تا باشی نشانه آنان را که از پس تو آیند و هر آینه بسیاری از مردمان از نشانه‌های ما بی‌خبراند. ﴿۹۲﴾ و هر آینه جا دادیم بنی اسرائیل را به مقام نیک و روزی دادیم ایشان را از پاکیزها. پس اختلاف نکردند تا آنکه آمد به ایشان دانش (یعنی قرآن)، هر آینه پروردگار تو حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه اختلاف می‌داشتند. ﴿۹۳﴾ پس اگر در شکی از آنچه فروفرستادیم به سوی تو، پس پرس آنان را که می‌خوانند کتاب را پیش از تو^(۲)، هر آینه آمده است پیش تو وحی درست از پروردگار تو، پس مشو از شک آرندگان. ﴿۹۴﴾ و مباش از آنان که دروغ داشتند آیات خدا را، آنگاه شوی از زیانکاران. ﴿۹۵﴾ هر آینه آنان که ثابت شد بر ایشان حکم پروردگار تو، ایمان نیارند. ﴿۹۶﴾ و اگر چه پیامد بدیشان هر نشانه‌ای تا آنکه ببینند عذاب درد دهنده. ﴿۹۷﴾

۱- یعنی به روی آب آریم ترا.

۲- یعنی تا ظاهر شود که بر انبیای سابق نیز وحی نازل می‌شد، والله اعلم.

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْبِيَّةً ؕ ءَامَنْتَ فَتَنْفَعَهَا ؕ اِيْمَانُهَا اِلَّا قَوْمٌ
يُونُسَ لَمَّا ؕ ءَامَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ ءَٰذَابَ اَلْخِزْيِ فِي
اَلْحَيٰوةِ اَلْدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ اِلٰى حِيْنٍ ۝ ۹۸ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ
لَآمَنَّ مَنْ فِي الْاَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا اَفَاَنْتَ تُكْرِهُ
اَلنَّاسَ حَتّٰى يَكُوْنُوْا مُؤْمِنِيْنَ ۝ ۹۹ وَمَا كَانَ لِتُفْسِدَ
اَنْ تُوْمِنَ اِلَّا بِاِذْنِ اَللّٰهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِيْنَ
لَا يَعْقِلُوْنَ ۝ ۱۰۰ قُلْ اَنْظُرُوْا مَاذَا فِي السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ وَمَا تُعْنِي الْاٰلٰتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا
يُؤْمِنُوْنَ ۝ ۱۰۱ فَهَلْ يَنْتَظِرُوْنَ اِلَّا مِثْلَ اَيَّامِ الَّذِيْنَ خَلَوْا
مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَاَنْتَظِرُوْا اِنِّىْ مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ
۝ ۱۰۲ ثُمَّ نُنْجِيْ رُسُلَنَا وَالَّذِيْنَ ءَامَنُوْا كَذٰلِكَ حَقًّا
عَلَيْنَا نُنْجِ الْمُؤْمِنِيْنَ ۝ ۱۰۳ قُلْ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اِنْ كُنْتُمْ
فِيْ شَكٍّ مِّنْ دِيْنِيْ فَلَا اَعْبُدُ الَّذِيْنَ تَعْبُدُوْنَ مِنْ
دُوْنِ اَللّٰهِ وَلَٰكِنْ اَعْبُدُ اَللّٰهَ الَّذِىْ يَتَوَقَّعُكُمْ
وَاْمُرْتُ اَنْ اَكُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ۝ ۱۰۴ وَاَنْ اَقِمَّ
وَجْهَكَ لِلدِّيْنِ حَنِيفًا وَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ
۝ ۱۰۵ وَلَا تَدْعُ مِنْ دُوْنِ اَللّٰهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ
فَاِنْ فَعَلْتَ فَاِنَّكَ اِذَا مِنَ الظَّالِمِيْنَ ۝ ۱۰۶

پس چرا نشد دیهی که ایمان آورد^(۱)، پس سود کندش
ایمان وی، مگر قوم یونس، چون ایمان آوردند، برداشتیم
از ایشان عقوبت رسوایی در زندگانی دنیا و بهره‌مند
ساختیم ایشان را تا مدتی. ﴿۹۸﴾ و اگر خواستی پروردگار
تو، ایمان آوردندی آنان که در زمینند همه ایشان یکجا. آیا
تو جبر توانی کرد مردمان را تا مسلمان شوند؟ ﴿۹۹﴾ و
روا نبود هیچ شخصی را که ایمان آورد مگر به خواست خدا
و می‌اندازد پلیدی را بر آنان که در نمی‌یابند. ﴿۱۰۰﴾ بگو:
ببینید چه چیز است در آسمان‌ها و زمین و فایده نمی‌کند
نشانه‌ها و ترسانندگان، گروهی را که باور نمی‌کنند.
﴿۱۰۱﴾ پس انتظار نمی‌کشند مگر مانند مصیبت‌های
آنان که گذشتند پیش از ایشان؟ بگو: پس انتظار بکشید،
هرآینه من نیز با شما از منتظرانم. ﴿۱۰۲﴾ باز خلاص
می‌کنیم پیغامبران خود را و آنان را که ایمان آوردند
همچنین. وعده داده‌ایم، وعده درست لازم بر خود که
خلاص می‌کنیم مسلمانان را. ﴿۱۰۳﴾ بگو: ای مردمان! اگر
هستید در شبهه از دین من، پس (بشنوید) که عبادت
نمی‌کنم آنان را که شما می‌پرستید بجز خدا و لیکن عبادت
می‌کنم آن خدا را که قبض ارواح شما می‌کند و فرموده
شد مرا که باشم از مسلمانان. ﴿۱۰۴﴾ و فرموده شد آنکه
راست کن روی خود را برای دین حنیف شده و مباش از
مشرکان. ﴿۱۰۵﴾ و مخوان بجز خدا چیزی را که سود
نکند تو را و زیان نرساند به تو، پس اگر بکنی، باشی آنگاه
از ستمکاران. ﴿۱۰۶﴾

وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٧﴾ قُلْ يَأَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٠٨﴾ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿١٠٩﴾

سُورَةُ هُودٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّ كِتَبٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ﴿١﴾ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ﴿٢﴾ وَإِنْ أَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ ﴿٣﴾ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤﴾ أَلَا إِنَّهُمْ يَتَّبِعُونَ أَصْوَابَهُمْ لِيَسْتَحَفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٥﴾

سوره هود

به نام خداوند بخشنده مهربان

الر، این کتابی است که استوار کرده شد آیات او را، باز واضح کرده شد، آمده از نزدی خدای درستکار خبردار. ﴿١﴾ [به این مضمون که پیغامبر گوید] که عبادت مکنید مگر خدای را، هرآینه من شما را از جانب او بیم کننده و بشارت دهنده‌ام. ﴿٢﴾ و آنکه آمرزش طلب کنید از پروردگار خود، باز رجوع کنید به سوی وی تا بهره‌مند سازد شما را به بهره نیک تا میعاد معلوم و تا بدهد هر صاحب بزرگی را جزای بزرگی او. و اگر روی گردان شوید، پس هرآینه می‌ترسم بر شما از عذاب روز بزرگ. ﴿٣﴾ به سوی خدا است بازگشت شما و او بر همه چیز توانا است. ﴿٤﴾ آگاه باش این کافران می‌پیچند سینه‌های خود را^(۱) می‌خواهند که تا پنهان شوند از خدا. آگاه باش چون بر سر می‌کنند جامه‌های خود را، می‌داند آنچه پنهان می‌دارند و آنچه آشکارا می‌کنند، هرآینه او داناست به سرّی که مالک سینه‌ها است^(۲). ﴿٥﴾

۱- یعنی اعراض می‌کنند.

۲- مترجم گوید: می‌توان گفت: پیچیدن سینه عبارت از آن است که فکرای ناصواب کند و به شبهات واهی دل خود را اطمینان دهد و عقائد حق را فراموش سازد، زیرا که صدر اینجا به معنای علوم صدر آمده است.

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ
مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦﴾ وَهُوَ
الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ
عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۚ
وَلَئِنْ قُلْتَ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ
الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧﴾ وَلَئِنْ
أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولَنَّ مَا
يَجْبِسُهُ إِلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ
بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٨﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ
مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَكُوفُ كُفُورًا ﴿٩﴾
وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ
السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ ﴿١٠﴾ إِلَّا الَّذِينَ
صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ
وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١١﴾ فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ
وَضَآئِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ كُتُبٌ
أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٢﴾

و نیست هیچ جنبنده در زمین، مگر بر خداست روزی او و
می داند جای ماندن او را و جای نگاه داشتن او را، هر یک
در کتاب روشن است^(۱). ﴿۶﴾ و اوست آنکه آفرید
آسمانها و زمین را در شش روز و بود عرش او بر آب
[آخر کار آفریدن شما آنکه] تا بیازماید شما را که کدام
کس از شما نیکوتر است از جهت عمل و اگر گویی که
هرآینه شما برانگیخته شوید بعد موت، گویند کافران:
نیست این سخن مگر جادوی ظاهر. ﴿۷﴾ و اگر باز داریم
از ایشان عقوبت را تا مدتی شمرده شده، گویند: چه چیز
باز می دارد آن را؟ آگاه باش! روزی که بیاید به ایشان،
نباشد بازداشته شده از ایشان و فراگیرد ایشان را آنچه
استهزا می کردند به آن. ﴿۸﴾ و اگر بچشانیم آدمی را
نعمتی از نزد خود باز بگیریم آن را از وی، هرآینه وی
ناامید و ناسپاس است. ﴿۹﴾ و اگر بچشانیم آدمی را
رفاهتی بعد سختی ای که رسیده باشد به وی، گویند: برفتند
سختی ها از من، هرآینه وی شادمان خود ستاینده است.
﴿۱۰﴾ مگر آنان که شکیبایی نمودند و کارهای شایسته
کردند، آن جماعت، ایشان راست آمرزش و مزد بزرگ.
﴿۱۱﴾ پس شاید تو ترک کنی بعضی آنچه وحی فرستاده
می شود به سوی تو و تنگ می شود به آن سینه تو^(۲) از
جهت آنکه می گویند: چرا نفروم آورده شد بر وی
گنجی؟ یا چرا نیامد همراه او فرشته ای؟ جز این نیست که
تو بیم کننده ای و خدا بر هر چیز نگاهبان است. ﴿۱۲﴾

۱- یعنی در لوح محفوظ نوشته شده. مترجم گوید: مستودع جایی است

که به غیر اختیار او آنجا نگاهداشته بودند، مانند صلب و رجم و مستقر

جایی است که به اختیار خود می ماند، مثل خانه.

۲- یعنی ترک مکن، دلتنگ مشو.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٣﴾ فَإِلَّام يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَن لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ ﴿١٤﴾ مَّن كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ﴿١٥﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحِطَّ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطُلَّ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كَتَبَ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ مِّنَ الْأَحْزَابِ فَالْنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٧﴾ وَمَن أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَدُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٨﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿١٩﴾

آیا می‌گویند: بر بسته است قرآن را؟ بگو: پس بیارید ده سوره را مانند این بر بافته و بخوانید هر که را توانید بجز خدا، اگر راستگو هستید^(۱). ﴿۱۳﴾ پس اگر قبول نکنند آن کافران سخن شما را، پس بدانید که قرآن نازل کرده شده است به علم خدا و بدانید که هیچ معبود نیست مگر وی.

۱- مترجم گوید: نخست به ده سوره تحدی واقع شد و چون از آن عاجز شدند، به یک سوره تحدی فرمود.

پس آیا شما مسلمان هستید؟^(۲). ﴿۱۴﴾ هر که خواسته باشد زندگانی دنیا و تجمل آن، به تمام رسانیم به سوی این جماعت جزای اعمال ایشان را در دنیا و ایشان در اینجا نقصان داده نشوند^(۳). ﴿۱۵﴾ این جماعت، آنانند که نیست ایشان را در آخرت مگر آتش، و باطل شد [در آخرت] آنچه کرده بودند در دنیا. و نابود است آنچه به عمل می‌آوردند. ﴿۱۶﴾ آیا کسی که باشد بر حجتی از جانب پروردگار خود^(۴) و متصل وی، می‌آید گواهی از جانب پروردگار او^(۵)، و پیش از قرآن [گواه وی بود] کتاب موسی و بخشایشی، [مثل دیگران باشد]؟ این جماعت ایمان می‌آرند به قرآن و هر که کافر شد به آن از گروه‌ها، پس آتش وعده‌گاه وی است. پس مباش در شبهه از نزول قرآن، هرآینه آن درست است، آمده از پروردگار تو و لیکن بیشتر مردمان ایمان نمی‌آرند. ﴿۱۷﴾ و کیست ستمکارتر از کسی که بر بست بر خدا دروغی را. این جماعت آورده شوند پیش پروردگار خویش و گویند گواهان: ﴿۱۸﴾ ایشانند آنان که دروغ بستند بر پروردگار خویش، آگاه باش! لعنت خدا است بر ستمکاران. ﴿۱۸﴾ بر آنان که باز می‌دارند مردمان را از راه خدا و می‌خواهند برای آن راه کجی را و ایشان به آخرت، کافرانند. ﴿۱۹﴾

۲- یعنی بر اسلام ثابت باشید.

۳- یعنی ثواب صدقه و صلۀ رحم که از کفار به وجود می‌آید در دنیا می‌دهند به توسیع رزق و صحت بدن.

۴- یعنی دلیل عقلی.

۵- یعنی قرآن.

۶- یعنی کراماً کاتبین.

أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يُضْعِفُ لَهُمْ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ ﴿٢٠﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢١﴾ لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ ﴿٢٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآخَبْتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٣﴾ مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِلَىٰ لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٥﴾ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ ﴿٢٦﴾ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّئِ الرَّأْيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ يَقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَءَاتَنِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَاهُونَ

﴿٢٨﴾

این جماعت نباشند عاجز کننده در زمین و نباشند ایشان را بجز خدا از دوستان، دو چند کرده شود ایشان را عذاب. نمی توانستند شنودن (یعنی به سبب شدت ناخوشی) و نمی دیدند^(۱). ﴿۲۰﴾ این جماعت آنانند که زیان کردند در حق خویش و گم شد از ایشان آنچه برمی یافتند. ﴿۲۱﴾ بی شک این جماعت، در آخرت ایشانند زیانکاران. ﴿۲۲﴾ هرآینه آنان که ایمان آوردند و عمل های شایسته کردند و فروتنی کردند متوجه شده به سوی پروردگار خویش، ایشان اهل بهشتند، ایشان آنجا جاویدانند. ﴿۲۳﴾ صفت این دو فریق، مانند کور و کر و بینا و شنوا است، آیا هر دو برابرند در صفت؟ آیا پند نمی گیرید؟ ﴿۲۴﴾ و هرآینه فرستادیم نوح را به سوی قوم او، گفت: هرآینه من برای شما بیم کننده آشکارام. ﴿۲۵﴾ [به این مضمون] که می پرستید مگر خدا را، هرآینه من می ترسم بر شما از عذاب روز درد دهنده. ﴿۲۶﴾ پس گفتند جماعتی که کافر بودند از قوم او: نمی بینیم تو را مگر آدمی مانند خویش و نمی بینیم تو را که پیروی تو کرده باشند [به تأمل سرسری] مگر آنان که ایشان کمینه های مایند، و نمی بینیم شما را هیچ بزرگی ای بر خود، بلکه می پنداریم شما را دروغگویان. ﴿۲۷﴾ گفت: ای قوم من! آیا خبر دهید بدانکه اگر باشم بر حجتی از پروردگار خود و داده باشد به من بخشایشی از نزدیک خود، پس پوشانیده شد حقیقت آن بر شما، آیا جبر کنیم شما را بر آن و شما ناخواهان باشید؟ ﴿۲۸﴾

۱- مترجم گوید: و می توان گفت که همزه استفهام انکاری محذوف است،

یعنی، آیا نمی توانستند شنیدن و آیا نمی دیدند؟

وَيَقَوْمٌ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَا لَآ إِنِّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدٍ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّهُمْ مُّكَلَّفُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَىٰكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ﴿٢٩﴾ وَيَقَوْمٌ مِّنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِن طُرِدْتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٣٠﴾ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِندِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَن يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣١﴾ قَالُوا يَبْنُوخُ قَدْ جَدَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدْلَنَا فَأَتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصّٰدِقِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيَكُمْ بِهِ اللَّهُ إِن شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِن أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِن كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٣٤﴾ أَمْ يَقُولُونَ أَفْتَرَلَهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَىٰ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ ﴿٣٥﴾ وَأَوْحَىٰ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَن يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَن قَدْ ءَامَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾ وَأَصْنَعِ الْفُلَكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِينَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ ﴿٣٧﴾

و ای قوم من! طلب نمی کنم از شما بر این پیغام، رسانیدن مال را، نیست مزد من مگر بر خدا و نیستم من یکسو کننده مسلمانان (یعنی از صحبت خود)، هرآینه ایشان ملاقات کنندگانند با پروردگار خویش و لیکن می بینم شما را قومی که جهالت می کنید. ﴿۲۹﴾ و ای قوم من! که نصرت دهد مرا از عقوبت خدا اگر برانم ایشان را؟ آیا پند نمی گیرید. ﴿۳۰﴾ و نمی گویم به شما که نزدیک من خزینه های خدا است و نه آنکه می دانم غیب را و نمی گویم که فرشته ام و نمی گویم آنان را که به خواری می نگرد بدیشان چشم شما، که نخواهد داد خدا به ایشان هیچ نعمتی و خدا داناتر است به آنچه در ضمیر ایشان است، هرآینه من آنگاه از ستمکاران باشم. ﴿۳۱﴾ گفتند: ای نوح! مکابره کردی با ما، پس بسیاری کردی مکابره ما را، پس بیار آنچه وعده می کنی، اگر هستی از راستگویان. ﴿۳۲﴾ گفت: جز این نیست که بیارد آن را به شما خدا اگر خواهد و شما عاجز کننده نیستید. ﴿۳۳﴾ و سود نمی کند شما را نصیحت من، اگر خواهم که نصیحت کنم شما را، اگر خدا خواسته باشد که گمراه کند شما را. اوست پروردگار شما و به سوی او بازگردانیده شوید. ﴿۳۴﴾ [یا محمد] آیا می گویند بر بسته است قرآن را؟ بگو: اگر بر بسته ام، پس بر من است گناه من و من بی تعلق هستم از گناه کردن شما^(۱). ﴿۳۵﴾ و وحی فرستاده شد به سوی نوح که ایمان نخواهد آورد از قوم تو، الا آن که مؤمن شده است، پس اندوه مخور به سبب آنچه می کردند. ﴿۳۶﴾ و بساز کشتی را به حضور ما و به فرمان ما و سخن مگو با من در باب آنان که ستم کردند. هرآینه ایشان غرق گردانند. ﴿۳۷﴾

۱- مترجم گوید: این جمله زیاده کرده شد در وسط قصه قوم نوح تا تنبیه باشد بر تطبیق حال مشرکین مکه با حال قوم حضرت نوح، والله اعلم.

وَيَصْنَعُ الْفُلَكَ وَكَلَّمَ مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِّن قَوْمِهِ
 سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِن تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ
 كَمَا تَسْخَرُونَ ﴿٣٨﴾ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ
 عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٣٩﴾ حَتَّىٰ
 إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ
 زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ
 وَمَنْ ءَامَنَ وَمَا ءَامَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٤٠﴾ وَقَالَ
 أَرْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ حَجْرُهَا وَمُرْسِلَهَا إِن رَّبِّي
 لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٤١﴾ وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ
 وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَبْنِي أَرْكَبَ مَعَنَا
 وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ سَاوِي إِلَىٰ جَبَلٍ
 يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ
 إِلَّا مَن رَّحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ
 الْمُغْرَقِينَ ﴿٤٣﴾ وَقِيلَ يَتَارُضُ آبُلَعَىٰ مَاءُكَ وَيَسْمَأُ
 أَقْلَعَىٰ وَغِيضُ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى
 الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾ وَنَادَىٰ نُوحٌ
 رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ
 وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَكَمِينَ ﴿٤٥﴾

و می ساخت نوح کشتی را و هرگاه که گذشتی بر وی
 جماعت از قوم او، تمسخر می کردند با وی. گفت: اگر
 تمسخر می کنید با ما پس هر آینه ما تمسخر خواهیم کرد با
 شما چنانچه شما تمسخر می کنید. ﴿۳۸﴾ پس خواهید
 دانست آن را که بیایدش عذابی که رسوا کندش و فرود
 آید بر وی عقوبتی دایم. ﴿۳۹﴾ [در همین معامله بود] تا
 وقتی که آمد فرمان ما و بجوشید تنور، گفتیم: بردار در
 کشتی از هر جنسی دو تن نر و ماده را و [بردار] کسان خود
 را مگر آنکه سبقت کرده است بر وی قضا^(۱) و [بردار]
 مسلمانان را و ایمان نیاوردند با وی مگر اندکی. ﴿۴۰﴾ و
 گفت [نوح]: سوار شوید در کشتی، به نام خدا است روان
 شدن آن و ایستاده کردن آن، هر آینه پروردگار من
 آمرزنده مهربان است. ﴿۴۱﴾ و آن کشتی می برد ایشان را
 در موجی مانند کوه ها و آواز داد نوح پسر خود را و او بود
 در کرانه ای: ای پسر! سوار شو با ما و مباش با کافران.
 ﴿۴۲﴾ گفت: پناه خواهم گرفت به سوی کوهی که نگاه
 دارد مرا از آب. گفت نوح: هیچ نگاهدارنده نیست امروز
 از عذاب خدا، لیکن معصوم کسی باشد که خدا رحم
 کرده است بر وی و حائل شد موج میان ایشان، پس شد از
 غرق کردگان. ﴿۴۳﴾ و گفته شد: ای زمین! فرو بر آب
 خود را و ای آسمان! با زمان^(۲)، و کم کرده شد آب و سر
 انجام نموده شد کار و قرار گرفت کشتی بر کوه جودی و
 گفته شد: هلاک باد قوم ستمکاران را. ﴿۴۴﴾ و آواز داد
 نوح پروردگار خود را، پس گفت: ای پروردگار من!
 هر آینه پسر من از اهل من است و هر آینه وعده تو راست
 است و تو بهترین حکم کننده گانی. ﴿۴۵﴾

۱- یعنی زن نوح و کنعان، پسر نوح.

۲- یعنی از باران.

قَالَ يَنْوُحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْطُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٤٦﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَ مِنَ الْخَسِرِينَ ﴿٤٧﴾ قِيلَ يَنْوُحُ أَهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِمَّنْ مَعَكَ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٨﴾ تِلْكَ مِنْ أَتْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَقِيبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٤٩﴾ وَإِلَى عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَقَوْمُ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ ﴿٥٠﴾ يَقَوْمَ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنِّي أَجْرِي إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٥١﴾ وَيَقَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا يَهُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٥٣﴾

گفت: ای نوح! هرآینه وی نیست از کسان تو، هرآینه وی [خداوند] کار ناشایسته است. پس سؤال مکن تو مرا از چیزی که نیست تو را دانش آن، هرآینه من پند می‌دهم تو را [برای احتراز] از آنکه باشی از جاهلان. ﴿۴۶﴾ گفت: ای پروردگار من! هرآینه من پناه خواهم به تو از آنکه پیرسم از تو آنچه نیست مرا دانش آن و اگر نیامرزی مرا و رحمت نکنی بر من، باشم از زیانکاران. ﴿۴۷﴾ گفته شد: ای نوح! فرودآی همراه سلامتی از جانب ما و همراه برکت‌های فرود آمده بر تو و بر امت‌هایی که پیدا شوند از همراهان تو، و امت‌های دیگرند که بهره‌مند می‌کنیم ایشان را در دنیا، باز برسد به ایشان از جانب ما عذاب درد دهنده. ﴿۴۸﴾ این قصه از اخبار غیب است، وحی می‌فرستیم آن را به سوی تو، نمی‌دانستی آن را تو و نه قوم تو پیش از این. پس صبر کن، هرآینه عاقبت، متقیان راست. ﴿۴۹﴾ و فرستادیم به سوی عاد برادر ایشان، هود را. گفت: ای قوم من! عبادت کنید خدا را، نیست شما را هیچ معبودی بجز وی، نیستید شما مگر افترای کننده. ﴿۵۰﴾ ای قوم من! نمی‌طلبم از شما بر این پیغام، مزدی را، نیست مزد من مگر بر کسی که آفریده است مرا، آیا در نمی‌یابید؟! ﴿۵۱﴾ و ای قوم من! آمرزش طلبید از پروردگار خود، باز رجوع کنید به سوی او تا بفرستد ابر را بر شما ریزان گشته و بيفزاید شما را قوتی همراه قوت شما و روگردان مشوید گناهکار شده. ﴿۵۲﴾ گفتند: ای هود! نیاوردی به ما دلیلی و نیستیم ما ترک کننده، معبودان خود را بگفته تو و نیستیم ما تو را باور دارنده. ﴿۵۳﴾

إِنْ نَقُولُ إِلَّا أَعْتَرْنَاكَ بِبَعْضِ آيَاتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٥٤﴾ مِنْ دُونِهِ فَكَيْدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنْظَرُونَ ﴿٥٥﴾ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٦﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِیْظٌ ﴿٥٧﴾ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَحْنُ الْهُدَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَحْنُ لَهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٨﴾ وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿٥٩﴾ وَاتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةَ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ إِلَّا إِنْ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُودٍ ﴿٦٠﴾ وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَاقَوْمُ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَبُّوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ ﴿٦١﴾ قَالُوا يَصْلِحْ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿٦٢﴾

نمی گوئیم الا آنکه رسانیده اند به تو بعض معبودان ضرری. گفت: هرآینه من گواه می سازم خدا را و شما گواه باشید که من بی تعلّق از آنچه شما شریک می گیرید. ﴿۵۴﴾ بجز وی. پس بدسگالی کنید در حق من همه یکجا، باز مهلت مدهید مرا. ﴿۵۵﴾ هرآینه من توکل کردم بر خدا، پروردگار من و پروردگار شما، نیست هیچ

جنبنده ای مگر خدا گیرنده است موی پیشانی او را^(۱)، هرآینه پروردگار من بر راه راست است^(۲). ﴿۵۶﴾ پس اگر روگردان شوید، ضرری به من عاید نیست هرآینه رسانیدم به شما پیغامی را که فرستاده شدم همراه آن به سوی شما و جانشین سازد پروردگار من قومی را بجز شما و هیچ زیان نتوانید رسانیدن خدای را. هرآینه پروردگار من بر همه چیز نگاهبان است. ﴿۵۷﴾ و چون آمد عذاب ما، خلاص ساختیم هود را و آنان را که که ایمان آوردند با وی به رحمتی از جانب خود و برهانیدیم ایشان را از عقوبت سخت. ﴿۵۸﴾ و این است سرگذشت عاد، انکار کردند آیات پروردگار خود را و نافرمانی نمودند پیغامبران او را و پیروی کردند فرمان هر سرکش ستیزنده را. ﴿۵۹﴾ و از پی ایشان فرستاده شد در این دنیا لعنتی و روز قیامت نیز، آگاه باش! هرآینه عاد کافر شدند به پروردگار خود، آگاه باش! نفرین باد عاد را که قوم هود بودند! ﴿۶۰﴾ و فرستادیم به سوی ثمود برادر ایشان، صالح را. گفت: ای قوم من! عبادت کنید خدا را، نیست شما را هیچ معبودی بجز وی، او پیدا کرد شما را از زمین^(۳) و گردانید شما را باشنده در زمین، پس طلب آمرزش کنید از او، باز رجوع کنید به سوی او، هرآینه پروردگار من نزدیک است، پذیرنده دعاست. ﴿۶۱﴾ گفتند: ای صالح! بودی تو در میان ما امید داشته شده پیش از این. آیا منع می کنی ما را از آنکه عبادت کنیم معبودانی را که عبادت می کردند پدران ما؟ و هرآینه ما در شبهه [ای] قوی ایم از آنچه می خوانی ما را به سوی آن. ﴿۶۲﴾

۱- یعنی مالک اوست.

۲- یعنی حکیم است.

۳- یعنی آفریده پدر و مادر شما، آدم و حوا را از خاک که شما از نسل آنهاید.

قَالَ يَقَوْمُ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي
وَعَاتَلَنِي مِنْهُ رَحْمَةٌ فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ
عَصَيْتُهُ ۖ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ ﴿٦٣﴾ وَيَقَوْمُ
هَذِهِ نَافَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُّوهَا تَأْكُلُ فِي أَرْضِ
اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ
﴿٦٤﴾ فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ
وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ ﴿٦٥﴾ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا
صَالِحًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِن خِزْيِ
يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿٦٦﴾ وَأَخَذَ الَّذِينَ
ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيرِهِمْ جَثَمِينَ ﴿٦٧﴾
كَأَن لَّمْ يَعْنُوا فِيهَا ۖ آلَا إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ ۗ أَلَا
بُعْدًا لِّثَمُودَ ﴿٦٨﴾ وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ
بِالْبَشَرَىٰ قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ ۖ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ
بِعِجْلٍ حَنِيدٍ ﴿٦٩﴾ فَلَمَّا رَءَا أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ
نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا
أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٠﴾ وَامْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ
فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ ﴿٧١﴾

گفت: ای قوم من! آیا ندیدید اگر باشم بر حجتی از پروردگار خود و عطا کرده باشد به من از جانب خود بخشایشی، پس که نصرت دهد مرا از عقوبت خدا اگر نافرمانی او کنم؟ پس زیاده نمی‌کنید در حق من، مگر زیانکاری را. ﴿۶۳﴾ و ای قوم من! این است ماده شتری که خدا فرستاده است برای شما نشانه، پس بگذاریدش تا بخورد در زمین خدا و مرسانید به وی هیچ ضرری را که آنگاه بگیرد شما را عقوبتی نزدیک. ﴿۶۴﴾ پس پی زدند آن را، پس گفت صالح: بهره‌مند باشید در سرای خود سه روز، این وعده است غیر دروغ. ﴿۶۵﴾ پس وقتی که آمد فرمان ما، خلاص ساختیم صالح را و آنان را که ایمان آوردند همراه وی به بخشایشی از جانب خود و رهانیدیم از رسوایی آن روز، هرآینه پروردگار تو همونست توانای غالب. ﴿۶۶﴾ و در گرفت ستمکاران را آواز سخت، پس صبح کردند در سرای خود مرده شده. ﴿۶۷﴾ گویا هرگز نبودند آنجا. آگاه باش! هرآینه ثمود انکار کردند پروردگار خود را، هرآینه دوری باد ثمود را! ﴿۶۸﴾ و هرآینه آمدند فرستادگان ما پیش ابراهیم به بشارت، سلام گفتند. ابراهیم جواب سلام داد، پس توقف نکرد در آنکه آورد گوساله‌ای بریان. ﴿۶۹﴾ پس چون دید که دست‌های ایشان نمی‌رسد به آن، بد بُرد از ایشان و به خاطر آورد از ایشان ترسی. گفتند: مترس! هرآینه ما فرستاده شده‌ایم به سوی قوم لوط. ﴿۷۰﴾ و زن ابراهیم ایستاده بود، پس بخندید^(۱)، پس مژده دادیمش به تولد اسحق و بعد اسحق به وجود یعقوب. ﴿۷۱﴾

۱- مترجم گوید: یعنی به سبب خوش وقتی از هلاک قوم لوط.

قَالَتْ يَوَيْلَتَىٰ ءَالِدٌ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا ۖ
 إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿٧٢﴾ قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ
 اللَّهِ رَحِمْتُ اللَّهَ وَبَرَكَتُهُ ۖ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ
 إِنَّهُ ۖ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ ﴿٧٣﴾ فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ
 وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَىٰ يُجْدِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٤﴾ إِنَّ
 إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّهٌ مُنِيبٌ ﴿٧٥﴾ يَتَابَرَاهِيمُ أَعْرَضَ عَنْ
 هَذَا إِنَّهُ ۖ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ ۖ وَإِنَّهُمْ لَأَتِيهِمْ عَذَابٌ
 غَيْرُ مَرْدُودٍ ﴿٧٦﴾ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَاءَ بِهِمْ
 وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ﴿٧٧﴾ وَجَاءَهُ
 قَوْمُهُ ۖ يَهْرَعُونَ إِلَيْهِ ۖ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ
 السَّيِّئَاتِ ۖ قَالَ يَقَوْمُ هَتُولَاءِ ۖ بَنَاتِي هُنَّ أَظْهَرُ لَكُمْ
 فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي ۖ أَلَيْسَ مِنْكُمْ
 رَجُلٌ رَشِيدٌ ﴿٧٨﴾ قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ
 مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ ﴿٧٩﴾ قَالَ لَوْ أَنَّ لِي
 بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوَىٰ إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ ﴿٨٠﴾ قَالُوا يَلُوطُ
 إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصْلَوْا إِلَيْكَ ۖ فَاسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعِ
 مِنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَاتَكَ ۖ إِنَّهُ ۖ
 مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ ۖ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ ۖ أَلَيْسَ
 الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ﴿٨١﴾

گفت: ای وای من! آیا خواهم زاد و من پیرم و این شوهر
 من است کلانسال شده! هرآینه این چیزی عجیب است! .
 ﴿۷۲﴾ [فرشتگان] گفتند: آیا تعجب می کنی از قدرت
 خدا؟ بخشایش خدا و برکات او بر شما است ای اهل این
 خانه! هرآینه خدا ستوده کار بزرگوار است. ﴿۷۳﴾ پس
 چون رفت از ابراهیم خوف و آمدش بشارت، شروع نمود
 جدال کردن با ما در باب قوم لوط. ﴿۷۴﴾ هرآینه ابراهیم،
 بردبار ترسکار رجوع کننده به خدا بود. ﴿۷۵﴾ [گفتیم] ای
 ابراهیم! بگذر از این جدال. هرآینه حال این است، آمد
 عقوبت پروردگار تو و هرآینه این جماعت، آینده است
 به ایشان عقوبتی که با گردانیده نشود. ﴿۷۶﴾ و چون
 آمدند فرستادگان ما پیش لوط، اندوهگین شد به سبب
 ایشان و تنگدل شد به سبب ایشان و گفت: این روزی است
 سخت^(۱). ﴿۷۷﴾ و آمدند پیش لوط قوم او شتابان به سوی
 او و پیش از این می کردند کارهایی زشت. لوط گفت: ای
 قوم من! این دختران منند (یعنی نکاح کنید)، اینها
 پاکیزه ترند برای شما، پس بترسید از خدا و رسوا مکنید مرا
 در باب مهمانان من، آیا نیست از شما هیچ مرد
 شایسته ای؟! ﴿۷۸﴾ گفتند: هرآینه تو دانسته ای که نیست
 ما را در دختران تو حاجتی و هرآینه تو می دانی آنچه
 می خواهیم. ﴿۷۹﴾ گفت: اگر مرا به مقابله شما قوتی
 بودی، یا من پناه گرفتمی به قوم زور آور [می کردم آنچه
 می کردم]. ﴿۸۰﴾ [فرشتگان] گفتند: ای لوط! هرآینه ما
 فرستادگان پروردگار تویم، نخواهند رسید به تو، پس ببر
 کسان خود را به پاره ای از شب و باید که واپس نه نگرد
 هیچ کس از شما، الا زن تو که رسیدنی است او را آنچه
 رسد به این قوم. هرآینه میعاد ایشان وقت صبح است، آیا
 صبح نزدیک نیست؟ ﴿۸۱﴾

۱- مترجم گوید: یعنی ایشان نوجوان خوش روی بودند و عادت قوم معلوم

بود، پس خوف فتنه پیدا شد، والله اعلم.

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَلَىٰهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا
عَلَيْهَا جِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنصُودٍ ﴿٨٢﴾ مُسَوَّمَةً عِندَ
رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ ﴿٨٣﴾ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ
أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَقَوْمُ أَاعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّن
إِلَهِ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي
أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ
مُّحِيطٍ ﴿٨٤﴾ وَيَقَوْمُ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ
وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ
مُفْسِدِينَ ﴿٨٥﴾ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ﴿٨٦﴾ قَالُوا يَشْعَبُ
أَصْلُوْكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَّتْرِكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ
نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ
﴿٨٧﴾ قَالَ يَقَوْمُ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي
وَرَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَخَالِفَكُمْ إِلَىٰ
مَا أَنْتُمْ عَنْهُ إِن أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ
وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿٨٨﴾

پس چون آمد فرمان ما ساختیم زبر آن [دیه‌ها] را زیر آن و
بارانیدیم بر آنجا سنگ‌ها از قسم سنگ گل ته به ته.
﴿۸۲﴾ نشانمند ساخته شده نزد پروردگار تو و این
سنگ‌ها نیستند دور از ستمکاران. ﴿۸۳﴾ و فرستادیم به
سوی قوم مدین برادر ایشان، شعیب را. گفت: ای قوم من!
عبادت کنید خدا را. نیست شما را هیچ معبودی مگر وی و
کم مکنید پیمانه و ترازو را. هرآینه من می‌بینم شما را به
آسودگی و هرآینه می‌ترسم بر شما از عذاب روز
درگیرنده^(۱). ﴿۸۴﴾ و ای قوم من! تمام کنید پیمانه و
ترازو را به انصاف و کم مرسانید به مردان چیزهای ایشان
را و تباہکاری مکنید در زمین، فسادکنان. ﴿۸۵﴾ نفعی که
خدای تعالی حلال ساخته است، بهتر است شما را اگر
هستید باوردارندگان و نیستم بر شما نگاهبان. ﴿۸۶﴾
گفتند: ای شعیب! آیا نماز تو می‌فرماید تو را که بگذاریم
آنچه می‌پرستیدند پدران ما یا بگذاریم آنکه کنیم در مال
خود هرچه خواهیم؟! هرآینه تو مرد بردبار شایسته‌ای
هستی (معامله و مقصود ایشان استهزا بود). ﴿۸۷﴾ گفت:
ای قوم من! آیا دیدید اگر باشم بر حجتی از پروردگار
خود و داده باشد به من از جانب خود روزی نیک^(۲) و
نمی‌خواهم که خلاف کنم با شما مایل شده به سوی آنچه
منع می‌کنم شما را از آن^(۳)، نمی‌خواهم مگر صلاحکاری
تا بتوانم و نیست توفیق من مگر به فضل خدا، بر وی توکل
کردم و به سوی او رجوع می‌کنم. ﴿۸۸﴾

۱- یعنی هلاک کننده.

۲- یعنی حلال چگونه سخن شما را شنوم.

۳- مترجم گوید: یعنی نمی‌خواهم که به کار نیک بفرمایم و خود نکم،
والله اعلم.

وَيَقَوْمٌ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنْكُمْ بِبَعِيدٍ ﴿٨٩﴾ وَأَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ﴿٩٠﴾ قَالُوا يَشْعِيبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرُّكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ﴿٩١﴾ قَالَ يَقَوْمِ أَرْهَطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٩٢﴾ وَيَقَوْمِ أَعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَمِلٌ سَوْفٌ تَعْمَلُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ﴿٩٣﴾ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيرِهِمْ جَثَمِينَ ﴿٩٤﴾ كَأَن لَّمْ يَعْنُوا فِيهَا إِلَّا بُعْدًا لِّمَدِينٍ كَمَا بَعَدَتْ ثَمُودُ ﴿٩٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٩٦﴾ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ﴿٩٧﴾

و ای قوم من! پیدا نکند در حق شما دشمنی من این خصلت که برسد به شما مانند آنچه رسید به قوم نوح یا به قوم هود یا به قوم صالح و نیست قوم لوط دور از شما. ﴿۸۹﴾ و طلب آمرزش کنید از پروردگار خود، باز رجوع کنید به سوی او، هرآینه پروردگار من، مهربان دوستدار است. ﴿۹۰﴾ گفتند: ای شعیب! نمی فهمیم بسیاری از آنچه می گویی و هرآینه ما می بینیم تو را در میان خود ناتوان و اگر نبودی قبیله تو، سنگسار می کردیم تو را و نیستی تو پیش ما گرامی قدر. ﴿۹۱﴾ گفت: ای قوم من! آیا قبیله من گرامی تر است پیش شما از خدا؟ و گرفتید خدا را انداخته پس پشت خویش، هرآینه پروردگار من به آنچه می کنید در برگیرنده است. ﴿۹۲﴾ و ای قوم من! عمل کنید بر طور خود، هرآینه من نیز عمل کننده ام. زود خواهید دانست آن راکه بیایدش عذابی که رسوا کندش و آن راکه وی دروغگوی است و انتظار برید، هرآینه من با شما منتظرم. ﴿۹۳﴾ و وقتی که آمد عذاب ما، خلاص ساختیم شعیب را و آنان راکه ایمان آوردند با وی به بخشایشی از خود و در گرفت ظالمان را آواز سخت، پس گشتند در سراهای خویش مرده افتاده. ﴿۹۴﴾ گویا هرگز نبودند آنجا! آگاه باش! دوری باد مدین را! چنانکه دور افتادند ثمود. ﴿۹۵﴾ و هرآینه فرستادیم موسی را به نشانه های خود و به دلیل روشن. ﴿۹۶﴾ به سوی فرعون و جماعت او، پس پیروی کردند فرمان فرعون را و نبود فرمان فرعون به راه راست. ﴿۹۷﴾

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ
الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ ﴿٩٨﴾ وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ
الْقِيَمَةِ بئسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ ﴿٩٩﴾ ذَلِكَ مِنْ أَثْبَاءِ
الْقُرَى نَقْصُهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ ﴿١٠٠﴾ وَمَا
ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ
عَالِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا
جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ ﴿١٠١﴾ وَكَذَلِكَ
أَخَذَ رَبُّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخَذَهُ
أَلِيمٌ شَدِيدٌ ﴿١٠٢﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ
الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ
مَشْهُودٌ ﴿١٠٣﴾ وَمَا تُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَعْدُودٍ ﴿١٠٤﴾ يَوْمَ
يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ
وَسَعِيدٌ ﴿١٠٥﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا
زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ﴿١٠٦﴾ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ
وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ
﴿١٠٧﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا
دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ
غَيْرٌ مَجْدُودٍ ﴿١٠٨﴾

پیشوا شود [فرعون] قوم خود را روز قیامت، پس بیارد
ایشان را به آتش و بد جایی است که وارد آن شدند.
[دوزخ]. ﴿٩٨﴾ و از پی ایشان آورده شد لعنت در این
دنیا و روز قیامت نیز، بد عطایی است که داده شد [آن
لعنت]. ﴿٩٩﴾ این از اخبار دیه‌هاست که می‌خوانیم آن را
بر تو، بعضی از آن باقی است و بعضی از بیخ بریده.
﴿١٠٠﴾ و ستم نکردیم ایشان را و لیکن ایشان ستم کردند
بر خویشان، پس هیچ دفع نکردند از ایشان و معبودان
ایشان که می‌خواندند بجز خدا، وقتی که آمد فرمان
پروردگار تو و نیفزودند ایشان را بجز هلاکی. ﴿١٠١﴾ و
همچنین است گرفتار کردن پروردگار تو، چون درگرفت
کند دیه‌ها را و آنها ستمکار باشند، هرآینه در گرفت وی،
درد دهنده سخت است. ﴿١٠٢﴾ هرآینه در این سخن
نشانه‌ای است کسی را که ترسیده است از عذاب آخرت،
آن روز روزی است که جمع کرده شوند در آن مردمان و
آن روز روزی است که همه حاضر شوند در وی. ﴿١٠٣﴾
و موقوف نمی‌داریم آن را مگر تا مدت معین. ﴿١٠٤﴾
روزی که بیاید، سخن نگوید هیچ کس مگر به دستوری
حق. پس بعضی ایشان بدبخت باشند و بعضی نیک‌بخت.
﴿١٠٥﴾ اما آنان که بدبخت شدند، پس در آتش باشند،
ایشان را آنجا مانند زیر و بم خر باشد. ﴿١٠٦﴾ جاویدان
آنجا، مدت بقای آسمان‌ها و زمین، غیر وقتی که خواسته
است پروردگار تو، هرآینه پروردگار تو می‌کند آنچه
می‌خواهد. ﴿١٠٧﴾ و اما آنان که نیک‌بخت کرده شدند،
پس در بهشت باشند جاویدان آنجا تا مدت بقای آسمان‌ها
و زمین، غیر وقتی که خواسته است پروردگار تو، بخشی
غیر منقطع^(۱). ﴿١٠٨﴾

۱- مترجم گوید: یعنی مدت ماندن در بهشت و دوزخ مانند مدت دوام
آسمان‌ها و زمین است در دنیا، اگر زیادتى را که در مشیت خداست و
در فهم کسی نمی‌گنجد اعتبار نکند، حاصل بیان دوام است بآبلغ
وجوه، والله اعلم.

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا
 كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوقُوهُمْ نَصِيبُهُمْ
 غَيْرَ مَنْقُوصٍ ﴿١٠٩﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ
 فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضَىٰ
 بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ﴿١١٠﴾ وَإِنَّ كَلَّا لَمَّا
 لِيُوقِنَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَلَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١١١﴾
 فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ
 بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾ وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا
 فَتَمَسَّكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ
 ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ ﴿١١٣﴾ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَرُفَا
 مِنْ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ
 ذِكْرَى لِلذَّكِّرِينَ ﴿١١٤﴾ وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ
 الْمُحْسِنِينَ ﴿١١٥﴾ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ
 أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا
 مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ
 وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿١١٦﴾ وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ
 بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ﴿١١٧﴾

پس مباش در شبهه از آنچه می‌پرستند این گروه.
 نمی‌پرستند مگر چنانکه می‌پرستیدند پدران ایشان پیش از
 این و ما البته تمام رسانیده‌ایم به ایشان، حصهٔ ایشان را
 ناکاهیده^(۱). ﴿۱۰۹﴾ و هر آینه دادیم موسی را کتاب، پس
 اختلاف افتاد در آن و اگر نبودی سخنی که سابقاً صادر
 شده از پروردگار تو، هر آینه فیصل کرده می‌شد میان
 ایشان و هر آینه ایشان در شبهه قوی‌اند از آن. ﴿۱۱۰﴾ و
 هر آینه هر کسی وقتی که برانگیخته شوند، البته تمام
 خواهد داد ایشان را پروردگار تو جزای کردار ایشان،
 هر آینه وی به آنچه می‌کنند داناست. ﴿۱۱۱﴾ پس استوار
 باش چنانچه فرموده شده‌ای تو و آنان که توبه کرده‌اند
 همراه تو، و از حد مگذرید، هر آینه وی به آنچه می‌کنید
 بیناست. ﴿۱۱۲﴾ و میل مکنید به سوی آنان که ستم کردند
 که آنگاه برسد به شما آتش و نیست شما را بجز خدا
 دوستان، باز نصرت داده نشوید. ﴿۱۱۳﴾ و برپا کن نماز را
 دو طرف روز و ساعتی چند از شب، هر آینه طاعات دور
 می‌کنند گناهان را، این پندی هست پند پذیران را.
 ﴿۱۱۴﴾ و شکیبایی کن، هر آینه خدا ضایع نمی‌سازد مزد
 نیکوکاران را. ﴿۱۱۵﴾ پس چرا نشدند از آن قرن‌ها که
 پیش از شما بودند اهل خرد، که منع کنند از فساد در
 زمین، الا اندکی از آن جماعت که خلاص ساختیم از میان
 ایشان و پیروی کردند ستمکاران چیزی را که آسودگی
 داده شدند به آن^(۲) و بودند گناهکاران. ﴿۱۱۶﴾ و هرگز
 نیست پروردگار تو که هلاک کند دیه را به ستم و اهل آن
 نیکوکار باشند. ﴿۱۱۷﴾

۱- یعنی حصه ایشان از عذاب.

۲- یعنی به لذات دنیا مشغول شدند.

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ﴿١١٨﴾ إِلَّا مَنْ رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١١٩﴾ وَكَلَّا نَقْصُصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٠﴾ وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَمِلُونَ ﴿١٢١﴾ وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿١٢٢﴾ وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأُمُورُ كُلُّهُ فَاَعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٢٣﴾

و اگر خواستی پروردگار تو، البته گردانیدی مردمان را یک ملت و همیشه باشند مختلف. ﴿۱۱۸﴾ الا آنکه بر وی رحم کرده است پروردگار تو و برای این اختلاف آفریده است ایشان را و تمام شد سخن پروردگار تو که البته پر کنم دوزخ را از جن و مردمان همه یکجا^(۱). ﴿۱۱۹﴾ و هر چیزی را می خوانیم بر تو از اخبار پیغامبران آن چیزی را که ثابت می گردانیم به آن دل تو را و آمده است به تو در این سوره سخن درست و پندی و یادکردنی برای مسلمانان. ﴿۱۲۰﴾ و بگو آنان را که ایمان نمی آرند: کار کنید بر طور خود، هرآینه ما نیز کار می کنیم. ﴿۱۲۱﴾ و انتظار کشید، هرآینه ما نیز منتظرانیم. ﴿۱۲۲﴾ و خدای راست علم غیب آسمانها و زمین و به سوی او باز گردانیده می شود کار همه آن، پس عبادت کن او را و توکل کن بر او، و نیست پروردگار تو بی خبر از آنچه می کنی. ﴿۱۲۳﴾

سُورَةُ يُوسُفَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿١﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢﴾ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ ﴿٣﴾ إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ﴿٤﴾

الر، این آیتها آیات کتاب روشن است. ﴿۱﴾ هرآینه ما فروفرستادیم آن را قرآن عربی ساخته، باشد که شما دریابید. ﴿۲﴾ ما قصه می خوانیم بر تو بهترین قصه خواندن، به وحی فرستادن خود به سوی تو این قرآن را و هرآینه حال این است که تو بودی پیش از آن از بی خبران. ﴿۳﴾ یاد کن چون گفت یوسف پدر خود را: ای پدر من! هرآینه من به خواب دیدم یازده ستاره را و آفتاب و ماه را، دیدم اینها را برای خود، سجده کننده. ﴿۴﴾

۱- مترجم گوید: در عرف، اختلاف را نسبت می کنند به اهل باطل نه به اهل حق. و يقال: قال اهل الحق كذا وخالفهم فرق. پس استثنای ﴿مَنْ﴾ رَجِمَ بی تکلف صحیح شد، والله اعلم.

قَالَ يَبْنَئِي لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٥﴾
وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦﴾ لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ ءَايَاتٍ لِّلْسَائِلِينَ ﴿٧﴾ إِذْ قَالُوا لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا أَيْنَمَا مَنَا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٨﴾ اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهَ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ ﴿٩﴾ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَبَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِن كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿١٠﴾ قَالُوا يَبْنَأَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَصِحُونَ ﴿١١﴾ أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿١٢﴾ قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنَّ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ ﴿١٣﴾ قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذَا لَخَسِرُونَ ﴿١٤﴾

گفت: ای پسرک من! بیان مکن خواب خود را پیش برادران خود که آنگاه اندیشه کنند در حق تو حيله. هرآینه شیطان آدمی را دشمن آشکار است. ﴿۵﴾ و [چنانکه این خواب به تو نمود،] همچنین برگزیند تو را پروردگار تو و بیاموزد تو را از علم تاویل الاحادیث (یعنی تعبیر رویا) و تمام کند نعمت خود را بر تو و بر فرزندان یعقوب، چنانکه تمام کرد آن را بر دو جد تو پیش از این، ابراهیم و اسحاق. هرآینه پروردگار تو دانای استوارکار است. ﴿۶﴾ هرآینه هست در قصه یوسف و برادران او نشانه‌ها، سؤال کنندگان را. ﴿۷﴾ چون گفتند که: یوسف و برادر حقیقی او دوست‌ترند نزدیک پدر ما از ما، و ما جماعتیم، هرآینه پدر ما در خطای ظاهر است. ﴿۸﴾ بکشید یوسف را یا بیفکنیدش به زمین غیر معلوم تا خالی شود برای شما توجه پدر شما و تا باشید بعد از این گروهی شایسته (یعنی توبه کنید). ﴿۹﴾ گفت گوینده از ایشان: مکشید یوسف را و بیفکنیدش در چاه تاریک تا برگردد او را بعض مسافران اگر کنند گانید. ﴿۱۰﴾ گفتند: ای پدر ما! چیست حال تو که امین نمی‌پنداری ما را بر یوسف؟ و هرآینه ما او را نیکخواه‌انیم. ﴿۱۱﴾ بفرست او را با ما فردا تا میوه بسیار خورد و بازی کند و هرآینه ما او را نگاه‌بانیم. ﴿۱۲﴾ گفت: هرآینه اندوه‌گین می‌کند مرا آنکه ببریدش و می‌ترسم از آنکه بخورد او را گرگ و شما از وی بی‌خبر باشید. ﴿۱۳﴾ گفتند: اگر بخورد او را گرگ و ما جماعتیم، هرآینه ما آنگاه زیانکار باشیم. ﴿۱۴﴾

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْتَمَعُوا أَن يُجْعَلُوهُ فِي غَيْبَتِ
الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتَبْنَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا
يَشْعُرُونَ ﴿١٥﴾ وَجَاءُوا آبَاهُمْ عِشَاءَ يَبْكُونَ ﴿١٦﴾ قَالُوا
يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتْعِنَا
فَاكْكَلَهُ الَّدِّثْبُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا
صَادِقِينَ ﴿١٧﴾ وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ
بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ
الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾ وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ
فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَبُشْرَى هَذَا
عُلْمٌ وَأَسْرُوهُ بَضْعَةً وَلِلَّهِ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾
وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ
الزَّاهِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِن مِّصْرَ لِامْرَأَتِهِ
أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَى أَن يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا
وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن
تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢١﴾ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ
ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٢﴾

پس چون بردندش و عزیمت کردند که بیفکنندش در چاه
تاریک و وحی فرستادیم به سوی او که البته خبردار
خواهی ساخت ایشان را به این ماجرای ایشان و ایشان
نشناسند. ﴿۱۵﴾ و آمدند پیش پدر خود شبانگاه، گریان.
﴿۱۶﴾ گفتند: ای پدر ما! هرآینه ما شروع کردیم در
مسابقت و گذاشتیم یوسف را نزدیک رخت خویش، پس
بخورد او را گرگ و نیستی تو باور دارنده ما را و اگرچه
هستیم راستگوی. ﴿۱۷﴾ و آوردند بالای قمیص او خون
دروغ را. یعقوب گفت: نی! بلکه آراسته است پیش شما
نفس شما تدبیری را. پس کار من صبر نیک است و خدا،
مدد طلبیده می شود از وی بر آنچه شما بیان می کنید.
﴿۱۸﴾ و آمد کاروانی پس فرستادند سقای خود را پس
انداخت دلو خود. گفت: ای مژده! این نوجوانی است. و
اهل قافله پنهان ساختند او را سرمایه دانسته و خدا داناست
به آنچه می کردند. ﴿۱۹﴾ و [برادران] فروختندش به بهای
ناقص، درهمی چند شمرده شده و بودند در باب یوسف از
بی رغبتان. ﴿۲۰﴾ و گفت شخصی که خرید کرد یوسف
را از اهل مصر به زن خود: گرامی دار جای او را شاید که
نفع دهد ما را یا فرزند گیریم او را و همچنین قرار دادیم
یوسف را در آن زمین و تا بیاموزیم او را از علم تأویل
احادیث و خدا تواناست بر مراد خود و لیکن اکثر مردمان
نمی دانند. ﴿۲۱﴾ و چون رسید یوسف به نهایت قوت،
دادیم او را دانایی و علم و همچنین جزا می دهیم
نیکوکاران را. ﴿۲۲﴾

وَرَوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ
الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي
أَحْسَنَ مَثْوًى إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٣﴾ وَلَقَدْ
هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَنَ رَبِّهِ كَذَلِكَ
لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا
الْمُخْلِصِينَ ﴿٢٤﴾ وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ
دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ
أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٥﴾
قَالَ هِيَ رَوَدَّتْنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا
إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ
الْكَذِبِينَ ﴿٢٦﴾ وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ
فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٧﴾ فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ
قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ
عَظِيمٌ ﴿٢٨﴾ يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي
لِذُنُوبِكِ إِنَّكَ كُنتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ ﴿٢٩﴾ وَقَالَ نِسْوَةٌ
فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتْلَهَا عَنْ نَفْسِهِ
قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرْنَهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٣٠﴾

و گفت و شنید کرد با یوسف زنی که او در خانه اش بود تا
بگذرد از حفظ خود [و این کنایت از طلب جماع است] و
بیست درها را و گفت: پیش آی! گفت: من می پناهم به
خدا! این شخص صاحب من است، نیکو ساخت جای
مرا^(۱)، هرآینه رستگار نمی شوند ظالمان. ﴿۲۳﴾ و هرآینه
قصد کرد آن زن به سوی یوسف و قصد کرد یوسف به
سوی او، اگر نه آن بودی که دیدی یوسف دلیل پروردگار
خود را [می شد آنچه می شد]، چنین کردیم تا باز گردانیم از
وی بدی و بی حیایی را، هرآینه وی از بندگان خالص
کرده ماست. ﴿۲۴﴾ و با یکدیگر سبقت کردند به سوی
دروازه و بدرید آن زن پیراهن یوسف را از پس پشت و
یافتند شوهر زن را نزدیک دروازه. گفت [زن]: چیست
جزای کسی که خواسته باشد به اهل تو کار بد مگر آنکه
به زندان کرده شود یا عقوبتی در دهنده؟! ﴿۲۵﴾ یوسف
گفت: این زن گفت و شنید کرد با من تا غافل کند مرا از
محافظت نفس من و گواهی داد گواهی دهنده از قبیله زن
که اگر هست پیراهن یوسف دریده از پیش، پس این زن
راست گفته است و یوسف از دروغ گویان است. ﴿۲۶﴾
و اگر هست پیراهن او دریده از پشت، پس این زن دروغ
گفته است و یوسف از راستگویان است. ﴿۲۷﴾ پس
شوهرش چون دید پیراهن را دریده از پشت، گفت: این
قضیه از مکر شماست ای زنان! هرآینه مکر شما ای زنان،
بزرگ است. ﴿۲۸﴾ ای یوسف! در گذر از این ماجرا و ای
زن! طلب آمرزش کن برای گناه خود، هرآینه تو بوده ای
از خطا کنندگان. ﴿۲۹﴾ و گفتند زنانی چند در شهر که:
زن عزیز گفت و شنید می کند با نوجوان خود تا غافل کند
او را از حفظ نفس خود، هرآینه در دلش جای کرده است
از روی دوستی، هرآینه ما می بینیم او را در گمراهی ظاهر.

﴿۳۰﴾

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَكًا وَعَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ أَخْرِجْ عَلَيَّهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ﴿٣١﴾ قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاودْنَهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونَا مِنَ الصَّغِيرِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٣٣﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٤﴾ ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوْا الْآيَاتِ لَيْسَجُنَّهُ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٣٥﴾ وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَنِیْ أُعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَنِیْ أُحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِیْ خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٦﴾ قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَأُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٣٧﴾

پس چون شنید زن عزیز غیبت ایشان را، آدم فرستاد به سوی ایشان و مهیا کرد برای ایشان مجلسی و داد هر یکی را از ایشان کاردی و گفت: ای یوسف! بیرون آی بر این زنان. پس چون دیدندش، بزرگ یافتندش و ببریدند دست خویش و گفتند: پاک است خدا! نیست این جوان آدمی! نیست این شخص مگر فرشته‌ای گرامی! ﴿۳۱﴾ زن عزیز گفت: این است آنکه ملامت کرده بودید مرا در عشق وی. و هرآینه گفت و شنید کردم با وی تا غافل کنم او را از حفظ نفس وی، پس نگه داشت خود را و اگر نکند آنچه می‌فرمایم او را، البته به زندان کرده شود و البته باشد از خوارشدگان. ﴿۳۲﴾ یوسف گفت: ای پروردگار من! زندان دوست‌تر است نزدیک من از آنچه می‌خوانند مرا به سوی آن و اگر تو بازنداری از من فریب این زنان را، لا بد میل کنم به ایشان و باشم از نادانان. ﴿۳۳﴾ پس قبول کرد دعای او را پروردگار او، پس بازداشت از یوسف فریب ایشان، هرآینه وی شنوای داناست. ﴿۳۴﴾ باز ظاهر شد آن جماعت را بعد از آنکه دیده بودند نشانه‌ها که البته به زندان درآرند او را تا مدتی^(۱). ﴿۳۵﴾ و داخل شدند به زندان همراه یوسف دو جوان. یکی از ایشان گفت: هرآینه به خواب بینم خود را که می‌افشارم آب انگور و دیگر گفت که: هرآینه به خواب می‌بینم خود را، برداشته‌ام بر سر خود نانی که مرغان از آن می‌خورند. خبردار کن ما را به تأویل این خواب، هرآینه ما می‌بینم تو را از نیکوکاران. ﴿۳۶﴾ گفت: نخواهد آمد به شما هیچ طعامی که داده می‌شوید آن را (یعنی در خواب) مگر خبردار کنم شما را به تعبیر آن پیش از آنکه بیاید به شما مصداق تعبیر. این تعبیر از آن قبیل است که آموخته است مرا پروردگار من، هرآینه من ترک کردم کیش قومی که ایمان نمی‌آرند به خدا و ایشان به آخرت نامعتقدانند. ﴿۳۷﴾

۱- یعنی مشورت کردند که یوسف را به زندان باید کرد تا نزد مردمان براءت زلیخا ظاهر شود.

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٨﴾ يَصْحَبِي السِّجْنِ عَارِبَاتٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٣٩﴾ إِلَّا لِلَّهِ أَمْرٌ إِلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٠﴾ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ يَصْحَبِي السِّجْنِ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ وَخَمْرًا وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصْلَبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ ﴿٤١﴾ وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنَسَهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ ﴿٤٢﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضِرٍ وَأُخْرَى يَابِسَاتٍ يَأْتِيهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ ﴿٤٣﴾

و پیروی کردم کیش پدران خود را، ابراهیم و اسحاق و یعقوب. شاید ما را که شریک خدا مقرر کنیم چیزی را. این از فضل خدا است بر ما و بر مردمان و لیکن بیشتر مردمان شکر نمی کنند. ﴿۳۸﴾ ای دو باشنده زندان! آیا معبودان پراکنده بهترند یا خدای یکتای غالب؟. ﴿۳۹﴾ عبادت نمی کنید بجز خدا مگر نام هایی چند را که شما مقرر کرده اید آن را و پدران شما مقرر کرده اند، نفرستاده است خدا بر آنها هیچ دلیل. نیست فرمانروایی مگر خدا را، فرمود که عبادت مکنید مگر خودش را. این است کیش درست و لیکن بیشتر مردمان نمی دانند. ﴿۴۰﴾ ای دو باشنده زندان! اما یکی از شما پس بنوشاند مولای خود را شراب، اما آن دیگر، پس بردار کرده شود، پس بخورند مرغان از سر او. فیصل کرده شد کاری که در وی سؤال می کنید. ﴿۴۱﴾ و گفت یوسف به شخصی که دانسته بود که خلاصی یابنده است از آن دو کس: یاد کن مرا نزد مولای خود. پس شیطان فراموش گردانید از خاطر وی که یاد کند پیش مولای خود. پس ماند یوسف در زندان چند سال. ﴿۴۲﴾ و گفت پادشاه: هرآینه من به خواب می بینم که هفت گاو فربه می خورند آنها را هفت گاو لاغر و می بینم هفت خوشه سبز را و هفت خوشه دیگر خشک را. ای جماعت! جواب من دهید در باب خواب من، اگر خواب را تعبیر می گوید. ﴿۴۳﴾

قَالُوا أَضَعَتْ أَحْلَمَ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَمِ
 بِعِلْمَيْنِ ﴿٤٤﴾ وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ
 أَنَا أَنْبِئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ ﴿٤٥﴾ يُوسُفُ أَيُّهَا
 الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ
 عَجَافٍ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَعَلِّي
 أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٤٦﴾ قَالَ تَزَرَّعُونَ
 سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنبُلِهِ إِلَّا
 قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعُ
 شِدَادٍ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا
 تُحْصِنُونَ ﴿٤٨﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ
 النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ ﴿٤٩﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُؤْتُونِي بِهِ
 فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ أَرْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَسْأَلْهُ مَا
 بَالِ النِّسْوَةِ الَّتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ
 عَلِيمٌ ﴿٥٠﴾ قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدْتَنَّ يُوسُفَ عَنْ
 نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوْعٍ
 قَالَتْ أُمَرَاتُ الْعَزِيزِ الْكَذْبُ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا
 رَاوَدْنَاهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصِّدِّيقِينَ ﴿٥١﴾ ذَلِكَ
 لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ
 الْخَائِنِينَ ﴿٥٢﴾

گفتند: این خواب‌های شوریده است و ما نیستیم به تعبیر
 خواب‌های شوریده، دانا. ﴿۴۴﴾ و گفت آن که نجات یافته بود
 از آن دو کس و به یاد آورد بعد مدتی: من خبر دهم شما را به
 تعبیر این خواب، پس بفرستید مرا^(۱). ﴿۴۵﴾ گفت: ای یوسف!
 ای راستگو! جواب ده ما را در این خواب که هفت گاو فربه
 می‌خورند ایشان را هفت گاو لاغر و هفت خوشه سبز و هفت
 خوشه دیگر خشک، بود که من بازگردم به سوی مردمان تا
 ایشان بدانند. ﴿۴۶﴾ گفت: زراعت کنید هفت سال پی در پی
 بر عادت خود، پس آنچه بدروید پس بگذاریدش در خوشه
 آن، مگر اندکی از آنچه می‌خورید. ﴿۴۷﴾ باز بیاید بعد از آن،
 هفت سال سخت. بخورند آنچه در سابق ذخیره نهاده بودید
 برای آنها مگر اندکی از آنچه به احتیاط نگه دارید. ﴿۴۸﴾ باز
 بیاید بعد از آن سالی که در آن باران فرستاده شود بر مردمان و
 در او بيفشارند انگور و غیر آن^(۲). ﴿۴۹﴾ و گفت پادشاه: بیارید
 پیش من یوسف را، پس چون آمد نزدیک یوسف فرستاده
 پادشاه، گفت: بازگرد به سوی مولای خود. پس سؤال کن او
 را: چیست حال آن زنان که بریدند دست خویش را؟ هرآینه
 پروردگار من به حيله‌بازی ایشان داناست^(۳). ﴿۵۰﴾ گفت
 پادشاه: چه بود حال شما وقتی که گفت و شنید کردید با
 یوسف تا بلغزانیدش از احتیاط نفس خود؟ گفتند: پاکی خدای
 راست! ندانستیم بر یوسف هیچ گناهی. گفت زن عزیز: اکنون
 ظاهر شد سخن راست من گفت و شنید کردم با وی تا
 بلغزانش از احتیاط نفس او و هرآینه او از راستگویان است.
 ﴿۵۱﴾ [گفت یوسف]: این همه برای آن است تا بداند عزیز که
 من خیانت او نکرده‌ام، غایبانه و بداند که خدا راه نمی‌نماید
 حيله‌خیانت کنندگان را. ﴿۵۲﴾

۱- مترجم گوید: پس به سوی یوسف فرستادند و ملاقات کرد، والله اعلم.

۲- پادشاه این تعبیر شنیده، مشتاق ملاقات یوسف گشت و یوسف علی‌السلام

مدتی توقف نمود تا برائت ذمه‌اش ظاهر گردد، والله اعلم.

۳- یعنی شهادت بر اقرار زلیخا به عفت یوسف پوشیده‌اند، والله اعلم.

وَمَا أَبْرِئُ نَفْسِيَّ إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٣﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُتُونِي بِهِ؟ أَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ ﴿٥٤﴾ قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ﴿٥٥﴾ وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾ وَلَا أَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٧﴾ وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٥٨﴾ وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ قَالَ أَتُتُونِي بِأَخٍ لَكُمْ مِنْ أَبِيكُمْ؟ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أَوْفِي الْكَيْلِ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ﴿٥٩﴾ فَإِنْ لَمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ ﴿٦٠﴾ قَالُوا سَنُرْوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ﴿٦١﴾ وَقَالَ لِفَتَيْنِهِ اجْعَلُوا بَضْعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٦٢﴾ فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَى أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَانَا نَكْتَلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٦٣﴾

و به پاکی صفت نمی کنم نفس خود را، هرآینه نفس، بسیار فرمایند است به بدی، مگر آن وقت که مهربانی کند پروردگار من، هرآینه پروردگار من آمرزنده مهربان است. ﴿۵۳﴾ و گفت پادشاه: بیاریدش پیش من تا مقرر کنم خالص برایی خدمت خویش. پس چون سخن گفت با یوسف^(۱)، گفت: ای یوسف! هرآینه تو امروز نزدیک ما صاحب قدر امانتداری. ﴿۵۴﴾ گفت: مقرر کن

مرا بر خزانه های این سرزمین، هرآینه من محافظت کننده دانایم. ﴿۵۵﴾ و همچنین (یعنی به این تقریب) منزلت دادیم یوسف را در آن زمین، قرار می گرفت از آن زمین هر جاکه می خواست. می رسانیم رحمت خود را به هر که خواهیم و ضایع نمی کنیم مزد نیکوکاران را. ﴿۵۶﴾ و هرآینه مزد آخرت بهتر است آنان را که ایمان می آوردند و پرهیزگاری می کردند. ﴿۵۷﴾ و آمدند^(۲) برادران یوسف، پس داخل شدند بر وی، پس بشناخت ایشان را و ایشان او را ناشناسا بودند. ﴿۵۸﴾ و چون مهیا کرد برای ایشان سامان ایشان را، گفت: بیارید پیش من برادر [علاتی] خود را که از پدر شماست. آیا نمی بینید که من تمام می دهم پیمانه را و من بهترین مهمانداری کنندگانم؟ ﴿۵۹﴾ پس اگر نیاوردید او را پیش من، پس هرگز پیمودن نباشد برای شما نزدیک من و هرگز نزدیک نشوید به من. ﴿۶۰﴾ گفتند: گفت و شنید کنیم با پدر او تا از او دست بازدارد و ما البته این کار، کنندگانیم. ﴿۶۱﴾ و گفت یوسف غلامان خود را: بنهید سرمایه ایشان را در خرجین های ایشان، شاید ایشان بشناسند آن را چون باز روند به اهل خانه خویش. بُود که ایشان باز آیند^(۳). ﴿۶۲﴾ پس چون بازگشتند به سوی پدر خویش، گفتند: ای پدر ما! منع کرده شد از ما پیمانه، پس بفرست با ما برادر ما را تا پیمانه گیریم و هرآینه ما نگهبان وی ایم. ﴿۶۳﴾

۲- بعد از آن قحط افتاد در جمیع نواحی مصر و شام. اولاد یعقوب را

مشقت بسیار رسید، به سوی یوسف متوجه شدند، والله اعلم.

۳- یعنی به سبب دادن طعام و بگرفتن سرمایه، دیگر بار طمع کنند، والله

اعلم.

۱- یعنی قابلیت او شناخت.

قَالَ هَلْ ءَامَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنْتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿٦٤﴾ وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَلْعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَبْنَابَانَا مَا نَبِغِي هَذِهِ بِضَلْعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَٰلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ ﴿٦٥﴾ قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَن يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا ءَاتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٦٦﴾ يَبْنِي لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِّنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٦٧﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِّنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَدُوٌّ عَلِيمٌ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦٩﴾

گفت یعقوب: امین نگیرم شما را بر وی مگر چنانکه امین گرفته بودم شما را بر برادر وی پیش از این، پس خدا بهتر است نگاه دارنده و او مهربان‌ترین مهربانان است. ﴿۶۴﴾ و چون گشادند رخت خود را یافتند سرمایه خود را باز گردانیده به ایشان. گفتند: ای پدر ما! چه می‌خواهیم پیش از این! این است سرمایه ما باز گردانیده به سوی ما، پس باز رویم به ملک و غله آوریم برای کسان خود و نگهبانی کنیم برادر خود را و زیاده آریم پیمانه یک شتر و آنچه آورده‌ایم پیمانه‌ای اندک است. ﴿۶۵﴾ گفت: نفرستم او را با شما تا آنکه دهید مرا عهدی از خدا که البته باز آرید او را به من، مگر آنکه گرفتار کرده شوید. پس چون دادندش عهد خویش، یعقوب گفت: خدا بر آنچه می‌گوییم نگهبان است. ﴿۶۶﴾ و گفت: ای پسران من! درمی‌آید از یک باب و درآید از دروازه‌های پراکنده^(۱) و دفع نمی‌کنم از سر شما چیزی را از قضای خدا. نیست فرمانروایی مگر خدا را، بر وی توکل کردم و بر وی باید که توکل کنند متوکلان. ﴿۶۷﴾ و چون داخل شدند از آن راه که فرموده بود ایشان را پدر ایشان، دفع نمی‌توانست کرد از سر ایشان چیزی را از قضای خدا، لیکن سرانجام داد یعقوب خطره را که در ضمیر وی بود و هرآینه او بود خداوند دانش به آنچه آموخته بودیم او را و لیکن اکثر مردمان نمی‌دانند. ﴿۶۸﴾ و چون داخل شدند بر یوسف، جای داد به سوی خود برادر عینی خود را، گفت: هرآینه من برادر توام، پس اندوهگین مباش به سبب آنچه می‌کردند. ﴿۶۹﴾

فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ
ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَتَتْهَا أَلْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ ﴿٧٠﴾ قَالُوا
وَأَقْبِلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقَدُونَ ﴿٧١﴾ قَالُوا نَفْقَدُ صَوَاعَ
الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ﴿٧٢﴾
قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ
وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ﴿٧٣﴾ قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ
كَذِبِينَ ﴿٧٤﴾ قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ
جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٧٥﴾ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ
قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ
كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ
الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ
وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾ قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ
سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلٍ فَأَسْرَهَا يُّوسُفُ فِي نَفْسِهِ
وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا
تَصِفُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوا يَتَأْتِيهَا الْعَزِيزُ إِنْ لَهُوَ أَبَا شَيْخًا
كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَنزِلُكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

﴿٧٨﴾

پس وقتی که مهیا کرد برای ایشان سامان ایشان، نهاد آوند
آب خوردن را در خُرَجین برادر خود. بعد از آن آواز داد
آواز کننده که: ای کاروان! هرآینه شما دزدید! ﴿٧٠﴾
گفتند روی به سوی ایشان آورده: چیست آنچه نمی یابید؟!
﴿٧١﴾ گفتند: نمی یابیم پیمانه پادشاه را و کسی راکه
بیآورَدش، یک بار شتر باشد و من به این وعده ضامنم.
﴿٧٢﴾ گفتند: قسم به خدا هرآینه دانسته اید که نیامده ایم
تا فساد کنیم در زمین و هرگز دزد نبوده ایم! ﴿٧٣﴾
گفتند: پس چیست جزای این فعل اگر دروغگو باشید؟
﴿٧٤﴾ گفتند: جزای این فعل کسی هست که یافته شود
متاع در خرجین او، پس همون شخص باشد جزای او^(۱).
هم چنین جزا می دهیم ستمکاران را. ﴿٧٥﴾ بعد از آن
برآورد پیمانه را از خرجین برادر خود. همچنین تدبیر
کردیم برای یوسف. مستعد نبود که اسیر گیرد برادر خود
را در دین پادشاه، لیکن اسیر گرفتش به مشیت خدا. بلند
می گردانیم در درجه ها کسی راکه خواهیم و بالای هر
خداوند دانش، دانایی هست. ﴿٧٦﴾ گفتند: اگر دزدی
کند این شخص، پس دور نیست، که دزدی کرده بود
برادر او پیش از این. پس پنهان داشت یوسف این سخن را
در ضمیر خود و آشکارا نکرد آن را در پیش ایشان. گفت
در دل خود: شما بد هستید در منزلت خود و خدا داناست
به آنچه بیان می کنید^(۲). ﴿٧٧﴾ گفتند: ای عزیز! هرآینه او
را پدری است پیر کلانسال، پس بگیر یکی را از ما به جای
او، هرآینه ما می بینیم تو را از نیکوکاران. ﴿٧٨﴾

۱- یعنی او را غلام گیرند، والله اعلم.

۲- حضرت یوسف بتی از طلا از آن جد مادری خود بدزدید تا از عبادت
صنم بازماند. یا مشابه این قصه چیزی که سبب تهمت او باشد به
دزدی، به وقوع آمده بود، والله اعلم.

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُوَ إِنَّآ إِذَا لَظَلِمُونَ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا أَسْتَيْسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِىَ أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لىَ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿٨٠﴾ أَرْجِعُوا إِلَى آبَائِكُمْ فَقُولُوا يَتَابَعْنَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ ﴿٨١﴾ وَسَلِّ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعَيْرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا صَادِقُونَ ﴿٨٢﴾ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٨٣﴾ وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَأْسَفَى عَلَى يُونُسَ وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٨٤﴾ قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتُوْا تَذْكُرُ يُونُسَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ ﴿٨٥﴾ قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَنى وَحُزْنِىَ إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾

گفت: می‌پناهم از خدا از آنکه بگیریم مگر کسی را که یافته‌ایم رخت خویش را نزدیک او، هرآینه ما آنگاه ستمکار باشیم. ﴿۷۹﴾ پس چون ناامید شدند از وی، تنها رفتند به خلوت، مشورت کنان. گفت بزرگترین ایشان: آیا ندانسته‌اید که پدر شما گرفته است بر شما عهد خدا و پیش از این تقصیر کرده بودید در حق یوسف؟ پس جدا نخواهم شد از این سرزمین تا وقتی که اذن دهد مرا پدر من، یا حکم کند خدا مرا و او بهترین حکم کنندگان است. ﴿۸۰﴾ [ای برادران] باز روید به سوی پدر خویش، پس بگوید: ای پدر ما! هرآینه پسر تو دزدی کرد و گواهی ندادیم الا به آنچه می‌دانستیم^(۱) و نبودیم علم غیب را یاد دارنده. ﴿۸۱﴾ و پیرس از دیهی که بودیم در آن و از کاروانی که آمده‌ایم در آن و البته ما راست گوئیم. ﴿۸۲﴾ گفت یعقوب: بلکه آراسته کرده است برای شما نفوس شما کاری را، پس حال من صبر نیک است. امید آن است که خدا بیارد پیش من ایشان را همه یکجا، هرآینه او دانای با حکمت است. ﴿۸۳﴾ و روی بگردانید از ایشان و گفت: وای اندوه من! بر یوسف! و سفید شدند دو چشم او به سبب اندوه، پس او پر شده بود از غم. ﴿۸۴﴾ گفتند: قسم به خدا! همیشه هستی که یاد می‌کنی یوسف را تا آنکه شوی بیمار یا شوی از هلاک شدگان. ﴿۸۵﴾ گفت: جز این نیست که بیان می‌کنم غم سخت خود را و اندوه خود را به جناب خدا و می‌دانم از جانب خدا آنچه نمی‌دانید. ﴿۸۶﴾

۱- یعنی گفتند: ﴿جَزَّوُورٌ مِّنْ وَجَدٍ فِي رَحْلِهِءَ فَهُوَ جَزَّوُورٌ﴾ والله اعلم.

يَبْنِي أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا
تَأْيَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْيَسُ مِنْ رَوْحِ
اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ﴿٨٧﴾ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا
يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الْفُتُورَ وَجِئْنَا بِبِضْعَةٍ
مُزَجَّجَةٍ فَاؤُفٍ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ
يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ﴿٨٨﴾ قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ
بِیُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ ﴿٨٩﴾ قَالُوا أَإِنَّكَ
لَأَنْتَ یُوسُفُ قَالَ أَنَا یُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ
عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ
الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٠﴾ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَاطَرَكِ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ
كُنَّا لَخَطِئِينَ ﴿٩١﴾ قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ
يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿٩٢﴾ أَذْهَبُوا
بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا
وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٣﴾ وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ
أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ یُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ ﴿٩٤﴾
قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ ﴿٩٥﴾

ای پسران من! بروید پس تفحص کنید از یوسف و برادر او
و ناامید نباشید از رحمت خدا، هرآینه سخن این است که
نومید نمی شوند از رحمت خدا مگر گروه کافران. ﴿۸۷﴾
پس چون داخل شدند بر یوسف، گفتند: ای عزیز! رسیده
است به ما و به کسان ما. سختی و آورده ایم سرمایه ای
نامقبول (یعنی اندک یا ناسره) پس تمام ده ما را پیمانه و
صدقه ده بر ما، هرآینه خدا جزا می دهد صدقه دهندگان
را. ﴿۸۸﴾ گفت: آیا دانستید [قبیح] آنچه کردید به یوسف
و برادرش وقتی که شما نادان بودید؟. ﴿۸۹﴾ گفتند: آیا
به تحقیق تو یوسفی؟! گفت: من یوسفم و این برادر من
است. هرآینه انعام کرد خدا بر ما، هرآینه سخن این است
که هر که پرهیزگاری کند و صبر نماید، پس خدا ضایع
نمی سازد مزد نیکوکاران را. ﴿۹۰﴾ گفتند: قسم به خدا!
هرآینه فضل داده است تو را خدا بر ما و هرآینه ما خطا
کننده بودیم. ﴿۹۱﴾ گفت: هیچ سرزنش نیست بر شما
امروز. بیا مرزد خدا شما را و او مهربانترین مهربانان است.
﴿۹۲﴾ ببرید این پیراهن مرا، پس بیفکنیدش بر روی
پدرمان تا شود بینا و بیارید پیش من اهل خویش را همه
یکجا. ﴿۹۳﴾ و چون جدا شد کاروان (یعنی از شهر)
گفت پدر ایشان: هرآینه من می یابم بوی یوسف را، اگر به
نقصان عقل نسبت نکنید مرا! . ﴿۹۴﴾ گفتند: قسم به خدا!
هرآینه تو در خطای قدیم خودی. ﴿۹۵﴾

فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ
 بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا
 تَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾ قَالُوا يَتَّبِعُنَا أَسْتَغْفِرُ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا
 كُنَّا خَاطِئِينَ ﴿٩٧﴾ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ
 هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٩٨﴾ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ
 عَاوَى إِلَيْهِ أَبْوِيهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ
 عَامِنِينَ ﴿٩٩﴾ وَرَفَعَ أَبْوِيهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ
 سُجَّدًا وَقَالَ يَبَاتُ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ
 جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ
 السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ
 الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ
 إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿١٠٠﴾ رَبِّ قَدْ عَاتَيْتَنِي مِنَ
 الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿١٠١﴾ ذَلِكَ مِنْ
 أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ
 أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ ﴿١٠٢﴾ وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ
 وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾

پس چون پیامد پیش وی مژده دهنده، انداخت قمیص را بر
 روی وی، پس بینا گشت. گفت: آیا نگفته بودم به شما که
 هرآینه من می دانم از جانب خدا آنچه نمی دانید؟! ﴿٩٦﴾
 گفتند: ای پدر ما! آمرزش طلب کن برای ما در حق
 گناهان ما. هرآینه ما گناهکار بودیم. ﴿٩٧﴾ گفت: طلب
 آمرزش خواهم کرد برای شما از پروردگار خود، هرآینه
 او آمرزنده مهربان است. ﴿٩٨﴾ پس چون درآمدند بر
 یوسف [یعنی در خیمه اش و او برای استقبال برآمده بود]
 جای داد به سوی خود، پدر و مادر خود را و گفت:
 درآید به مصر، ایمن شده اگر خدا خواسته است. ﴿٩٩﴾
 و برداشت پدر و مادر خود را بر تخت خود و ایشان افتادند
 به سوی او سجده کنان و گفت: ای پدر من! این است تعبیر
 خواب من که پیش از این دیده بودم، هرآینه راست
 ساخت آن را خدای تعالی و نعمت فراوان داد به من، چون
 بیرون آورد مرا از زندان و آورد شما را از صحرا، بعد از
 آنکه خلاف افکند شیطان میان من و میان برادران من.
 هرآینه پروردگار من تدبیر نیک سازنده است چیزی را که
 می خواهد، هرآینه اوست دانای با حکمت. ﴿١٠٠﴾ ای
 پروردگار من! دادی مرا پادشاهی و آموختی مرا تأویل
 احادیث. ای پیدا کننده آسمان ها و زمین، تویی کارساز من
 در دنیا و آخرت، مسلمان بمیران مرا و لاحق کن مرا با
 صالحان. ﴿١٠١﴾ [یا محمد] این قصه از اخبار غیب است.
 وحی می کنیم آن را به سوی تو و تو نبودی نزدیک ایشان
 چون عزم کردند بر مشورت خود، بدسگالی کنان.
 ﴿١٠٢﴾ و مسلمان نیستند اکثر مردمان و اگرچه حرص
 کنی. ﴿١٠٣﴾

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ
لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٤﴾ وَكَأَيِّن مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿١٠٥﴾ وَمَا يُؤْمِنُ
أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُّشْرِكُونَ ﴿١٠٦﴾ أَفَأَمِنُوا أَن
تَأْتِيَهُمْ غَشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ
بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٠٧﴾ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو
إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي ۖ وَسُبْحَانَ اللَّهِ
وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٨﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا
رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ ۚ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي
الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠٩﴾
حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا
جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَّشَاءُ ۖ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ
الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١١٠﴾ لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ
لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ۚ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن
تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى
وَرَحْمَةً لِّلْقَوْمِ يُؤْمِنُونَ ﴿١١١﴾

و سؤال نمی کنی از ایشان بر تبلیغ قرآن هیچ مزدی. نیست
این مگر پند، عالم ها را. ﴿۱۰۴﴾ و بسا نشانه ها اند در
آسمان ها و زمین، می گذرند بر آن و اعراض کنان از تأمل
در آن. ﴿۱۰۵﴾ و ایمان نمی آرند اکثر ایشان به خدا مگر
شریک او مقرر کرده. ﴿۱۰۶﴾ آیا ایمن شده اند از آنکه
بیاید به ایشان عقوبتی عام از عذاب خدا یا بیاید به ایشان
قیامت ناگهان و ایشان آگاه نباشند؟ ﴿۱۰۷﴾ بگو: این راه
من است، می خوانم به سوی خدا با حجتی ظاهر، من و
پیروان من نیز می خوانند، و پاکی خدا راست و نیستم من از
شریک مقرر کنندگان. ﴿۱۰۸﴾ و نفرستاده ایم پیش از تو
مگر مردانی را که وحی می فرستادیم به ایشان از اهل
دیه ها. آیا سیر نکرده اند در زمین تا ببینند چگونه شد آخر
کار آنان که پیش از ایشان بودند؟ و هر آینه سرای آخرت
بهتر است متقیان را، آیا نمی فهمید؟ ﴿۱۰۹﴾ مهلت دادیم
تا وقتی که ناامید شدند پیغامبران و گمان کردند قوم ایشان
که به دروغ وعده کرده شده به ایشان. آمد به ایشان نصرت
ما، پس خلاص کرده شد هر که را خواستیم و دور کرده
نمی شود عذاب ما از گروه ستمکاران. ﴿۱۱۰﴾ به دروغ
بر بافته شود و لیکن هست باور دارنده آنچه پیش از آن
است و بیان کننده هر چیز و هدایت و بخشایش، گروه

مسلمانان را. ﴿۱۱۱﴾

سُورَةُ الرَّعْدِ

سوره رعد

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المر، اینها آیات قرآنند و آنچه فرستاده شده به سوی تو از پروردگار تو، راست است و لیکن اکثر مردمان ایمان نمی آرند. ﴿۱﴾ خدا آن است که برداشت آسمانها را به غیر ستونها که بینید آن را، بعد از آن مستقر شد بر عرش و رام کرد آفتاب و ماه را، هر یکی سیر می کند به میعاد معین، تدبیر کار می نماید، بیان می کند نشانهها را تا شما به ملاقات پروردگار خود یقین آرید. ﴿۲﴾ و او آن است که گسترد زمین را و آفرین در آنجا کوهها و نهرها و از هر نوع میوه آفرید در زمین دو قسم [ترش و شیرین، نفیس و خسیس] می پوشاند شب را به روز، هر آینه در این نشانهها است قومی را که تفکر می کنند. ﴿۳﴾ و در زمین قطعها مختلف است پیوسته با یکدیگر و بوستانها است از درختان انگور و کشتزار است و خرماها، بعض بسیار شاخ و بعض غیر آن، آب داده می شود از یک آب و فضل می دهیم بعض را بر بعض در طعم میوهها، هر آینه در این نشانهها است قومی را که می فهمند. ﴿۴﴾ و اگر تعجب کنی، پس عجب است سخن ایشان که: آیا وقتی که خاک شویم، آیا ما در آفرینش نو خواهیم بود؟ ایشانند آنان که نامعتقد شدند به پروردگار خویش و ایشانند به این صفت که طوق در گردن ایشان باشد و ایشانند اهل آتش، ایشان آنجا جاویدان باشند. ﴿۵﴾

الْمَرْ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ ﴿٢﴾ وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلُ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٣﴾ وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُّتَجَلِّوَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَىٰ بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِضِلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾ وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَءِذَا كُنَّا تُرَابًا أَءِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٥﴾

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ
 مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثَلُ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ
 عَلَى ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٦﴾ وَيَقُولُ
 الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنْمَّا
 أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ﴿٧﴾ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ
 كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ
 عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ ﴿٨﴾ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ
 الْمُتَعَالِ ﴿٩﴾ سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ
 بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخَفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ ﴿١٠﴾
 لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ
 مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا
 مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ
 وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ ﴿١١﴾ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ
 الْأَبْرَقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ ﴿١٢﴾
 وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ
 وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ
 يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ ﴿١٣﴾

و به شتاب می طلبند از تو عقوبت پیش از راحت و هر آینه
 گذشته است پیش از ایشان عقوبت ها و هر آینه پروردگار
 تو خداوند آمرزش است مردمان را با وجود ستمکار بودن
 ایشان. و هر آینه پروردگار تو سخت عقوبت است. ﴿۶﴾
 و می گویند کافران: چرا فرستاده نشد بر این پیغامبر نشانه از
 پروردگار او؟ [یا محمد] جز این نیست که تو بیم کننده ای،
 و هر قومی را راه نماینده ای می باشد. ﴿۷﴾ خدا می داند
 آنچه در شکم بر می دارد هر زنی و آنچه ناقص می کند
 رحم ها و آنچه زیاده می گردانند و هر چیزی نزدیک او به
 اندازه هست. ﴿۸﴾ داناست به پنهان و آشکارا، بزرگ
 است، بلندمرتبه است. ﴿۹﴾ یکسان است از شما کسی که
 بپوشد سخن را و کسی که به آواز بلند گوید: آن را و
 کسی که وی پنهان است در شب و کسی که او راه می رود
 به روز. ﴿۱۰﴾ برای آدمی فرشتگانند از پی یکدیگر
 آینده، میان دو دست او و پس پشت او، نگاه می دارند او را
 به حکم خدا، هر آینه خدا بدل نمی کند حالتی را که به
 قومی باشد تا وقتی که ایشان بدل کنند آنچه در ضمیر
 ایشان است و چون اراده کند خدا به قومی عقوبت، پس
 بازگردانیدن نیست آن را و نیست ایشان را بجز وی هیچ
 کار سازنده. ﴿۱۱﴾ اوست آن که می نماید شما را برق
 برای [پیدا کردن] ترس و امید، و برمی دارد ابرهای گران
 را. ﴿۱۲﴾ و به پاکی یاد می کند رعد با ستایش او و
 فرشتگان از ترس او و می فرستد صاعقه ها، پس می رساند
 آن را به هر که خواهد و کافران مکابره می کنند در باب
 خدا و او بسیار قوت است. ﴿۱۳﴾

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبْسِطٍ كَفِّهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ۝ وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلُّهُمْ بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ ۝ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَبَّهُ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۝ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا ۝ وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ ۝ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً ۝ وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ ۝ لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْخُسْنَىٰ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ ۝ أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝

مر او راست دعای حق^(۱) و آنان که کافران ایشان را می خوانند بجز خدا، قبول نمی کنند دعای ایشان را به هیچ وجه، مگر مانند کسی که بگشاید دو دست خود را به سوی آب تا برسد بدهنش و آن آب هرگز رسنده نیست

۱- یعنی او را سزد که به جناب او نیاز کنند و مدعا طلبند و او اجابت فرماید، والله اعلم.

به دهان او و نیست دعای کافران مگر در بی فایدگی. ﴿۱۴﴾ و خدا را سجده می کنند هر که در آسمانها و زمین است خواهان و ناخواهان و سجده می کنند سایه های ایشان به وقت صبح و شام^(۲). ﴿۱۵﴾ بگو: کیست پروردگار آسمانها و زمین؟ بگو [از طرف ایشان]: خدا است. بگو: آیا گرفتید بجز وی دوستانی که نمی توانند برای خویشتن سودی و نه زیانی؟ بگو: آیا برابر است نابینا و بینا؟ [نی! نی!] آیا برابر است تاریکی ها و روشنی؟ آیا مقرر کرده اند خدا را شریکانی که آفریده باشند مانند آفریدن خدا؟ پس مشتبه شده است آفرینش بر ایشان. بگو: خدا آفریننده هر چیز است و اوست یگانه غالب. ﴿۱۶﴾ فروفرستاد از آسمان آب را، پس روان شدند رودها به اندازه خویش، پس برداشت آب روان کفی بر روی آب آئینه و از آنچه می گدازندش در آتش به طلب پیرایه یا به طلب رخت خانه، کفی هست مانند کف آب. همچنین بیان می کند خدا مثل حق و باطل، اما آن کف پس می رود ناچیز شده و اما آنچه سود می رساند به مردمان، می ماند در زمین. همچنین بیان می کند خدا مثلها را^(۳). ﴿۱۷﴾ مر آنان را که قبول کردند سخن پروردگار خویش، حالت نیک است و آنان که قبول نکردند سخن او را اگر باشد ایشان را آنچه در زمین است همه یکجا و مانند آن همراه آن، البته عوض خود دهند آن را. آن جماعت ایشان راست، سختی حساب و جای ایشان دوزخ است و آن بدجایی است. ﴿۱۸﴾

۲- کافران و منافقان ناخواهان سجده می کنند نزدیک شدت یا ترس شمشیر فرشتگان و مسلمانان، خواهان، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: لابد است که در هر جنس، خیر و شر باشد. همچنین لابد است که در آدمیان، نیکوکاران و بدکاران باشند، لیکن نیکوکاران را مستقر می سازد و کار ایشان را پیش می برد و بدکاران را هلاک می کند، والله اعلم.

۱۸ أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ ۝ ۱۹ الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ ۝ ۲۰ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ۝ ۲۱ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ۝ ۲۲ جَنَّتْ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ۝ ۲۳ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ۝ ۲۴ وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۝ ۲۵ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرَحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَعٌ ۝ ۲۶ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ ۝ ۲۷ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ۝ ۲۸

آیا کسی که می‌داند که آنچه فروفرستاده شد به سوی تو از جانب پروردگار تو راست است، مانند کسی باشد که وی نابینا است؟! جز این نیست که پندپذیر می‌شوند خداوندانِ خرد. ﴿۱۹﴾ آنان که وفا می‌کنند به عهد خدا و نمی‌شکنند عهد را. ﴿۲۰﴾ و آنان که می‌پیوندند آنچه فرموده است خدا پیوند کردن آن و می‌ترسند از پروردگار خویش و می‌ترسند از سختی حساب. ﴿۲۱﴾ و آنان که شکیبایی کردند به طلب رضای پروردگار خویش^(۱) و برپا داشتند نماز را و خرج کردند از آنچه ما روزی دادیم به ایشان، پنهان و آشکارا و دفع می‌کنند به نیکویی بدی را، این جماعت راست جزای آن سرای ﴿۲۲﴾ بوستان‌های همیشه ماندن، درآیند آنجا ایشان و هر که نیکوکار باشند از پدران ایشان و زنان ایشان و اولاد ایشان و فرشتگان، داخل شوند بر ایشان از هر دروازه. ﴿۲۳﴾ گویند سلامتی بر شماست به سبب صبر کردن شما، پس نیک است جزای آن سرای. ﴿۲۴﴾ و آنان که می‌شکنند عهد خدا را بعد استوار کردن آن و قطع می‌کنند آنچه فرموده است خدا به پیوند کردن آن و فساد می‌کنند در زمین، آن جماعت ایشان راست لعنت و ایشان راست سختی آن سرای. ﴿۲۵﴾ خدا گشاده می‌سازد روزی را برای هر که می‌خواهد و تنگ می‌کند. و کافران شادمان شدند به زندگانی دنیا و نیست زندگانی دنیا به نسبت آخرت، مگر متاع اندک. ﴿۲۶﴾ و می‌گویند کافران که: چرا نفروده آورده شد بر پیغامبر نشانه‌ای از جانب پروردگار^(۲) او؟ بگو: هر آینه خدا گمراه می‌کند هر که را خواهد و راه نماید به سوی خویش هر که را رجوع کرد (یعنی راه می‌نماید به سوی خود). ﴿۲۷﴾ آنان را که ایمان آوردند و آنان را که آرام می‌گیرد دل‌های ایشان به یاد خدا. آگاه شو! به یاد خدا آرام می‌گیرد دل‌ها. ﴿۲۸﴾

۱- یعنی به طلب رضای او.

۲- مترجم گوید: یعنی از قسمی که درخواست می‌کردند.

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ
 مَآبٍ ﴿٢٩﴾ كَذَٰلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ
 قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ
 يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ ۚ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ
 تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٍ ﴿٣٠﴾ وَلَوْ أَنَّ قُرْءَانًا سُيِّرَتْ بِهِ
 الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَل
 لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا ۚ أَفَلَمْ يَأْتِئِيسِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنَّ لَوْ
 يَشَاءُ اللَّهُ لَهِدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ
 كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا
 مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ
 الْمِيعَادَ ﴿٣١﴾ وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ
 فَأَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ
 عِقَابِ ﴿٣٢﴾ أَفَمَن هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ
 وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا
 يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بَيِّظُهُ مِنَ الْقَوْلِ ۚ بَلْ زَيْنَ لِلَّذِينَ
 كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ ۚ وَمَن يُضِلِلِ
 اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ ﴿٣٣﴾ لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
 وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَّاقٍ ﴿٣٤﴾

آنان که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند، حالت
 خوش باشد ایشان را و خوبی جایگاه باشد. ﴿۲۹﴾ همچنین
 فرستادیم تو را در امتی که گذشتند پیش از وی امت‌های
 بسیار تا بخوانی بر ایشان آنچه وحی فرستادیم به سوی تو و
 ایشان کافرنه به خدا. بگو: او پروردگار من است، نیست
 هیچ معبود مگر او. بر وی توکل کردم و به سوی اوست
 رجوع من. ﴿۳۰﴾ و اگر بودی قرآنی که روان کرده
 می‌شد به سبب آن کوه‌ها یا شکافته می‌شد به سبب آن
 زمین یا سخن آورده می‌شد به سبب آن مردگان را، [نیز
 ایمان نمی‌آوردند] بلکه خدای راست، کار همه یکجا. آیا
 ندانسته‌اند مسلمانان که اگر خواستی خدای، راه نمودی
 مردمان را همه یکجا؟ و همیشه کافران به این صفت باشند
 که می‌رسد به ایشان به سبب آنچه کردند عقوبتی سخت یا
 فرود می‌آید آن عقوبت نزدیک به خانه ایشان^(۱). تا وقتی
 که بیاید وعده خدا، هرآینه خدا خلاف نمی‌کند وعده را.
 ﴿۳۱﴾ و هرآینه تمسخر کرده شد به پیغامبران پیش از تو.
 پس مهلت دادم کافران را باز گرفتار کردم ایشان را، پس
 چگونه بود عقوبت من. ﴿۳۲﴾ آیا کسی که خبر گیرنده
 است بر هر کس به جزای آنچه عمل کرده است [مثل این
 بتان باشد؟] و مقرر کردند کافران خدای را شریکان. بگو:
 بیان کنید نام‌های ایشان را^(۲). آیا خبر می‌دهید خدا را به
 آنچه نمی‌داند در زمین یا فریفته می‌شوید به سخن
 سرسری؟!^(۳) بلکه آراسته کرده شده است کافران را
 اندیشه فاسد ایشان و بازداشته شده‌اند از راه و هر که گمراه
 کندش خدا، نیست او را هیچ راه نماینده. ﴿۳۳﴾ ایشان
 راست عذاب در زندگانی دنیا و هرآینه عذاب آخرت
 سخت‌تر است و نیست ایشان را از خدا هیچ نگاهدارنده.

﴿۳۴﴾

۱- مترجم گوید: و آن کنایت است از شدتی که از وی خوفِ هلاک

برایشان مستولی شود به آخرت نجات یابند، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: یعنی اوصافِ ایشان را ذکر کنید تا به اوصافِ خدا مقابله

کرده ش مماثلت ظاهر گردد، والله اعلم.

۳- یعنی تقلید پدران می‌کنید در سخن بی‌اساس، والله اعلم.

﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظُلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ﴾ (۳۵) ﴿وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَآبٍ﴾ (۳۶) ﴿وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا وَلَئِنْ أَتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ﴾ (۳۷) ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِيَّةً وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ﴾ (۳۸) ﴿يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾ (۳۹) ﴿وَإِنْ مَا تُرِيدُكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ﴾ (۴۰) ﴿أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ (۴۱) ﴿وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفْرُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ﴾ (۴۲)

شریک او مقرر نکنم. به سوی او می‌خوانم و به سوی اوست مرجع من. ﴿۳۶﴾ و همچنین فروفرستادیم قرآن را کتابی عربی و اگر پیروی کنی خواهش‌های نفس ایشان را بعد از آنچه آمده است به تو از علم، نیست تو را از عقوبت خدا هیچ کار سازنده و نه نگاه‌دارنده. ﴿۳۷﴾ و هرآینه فرستادیم پیغامبران را پیش از تو و دادیم ایشان را زنان و فرزندان و شاید هیچ پیغامبر را که بیارد نشانه‌ای مگر به حکم خدا. هر قضای موقت را نامه هست. ﴿۳۸﴾ نابود می‌سازد خدا هر چه می‌خواهد و ثابت کند هر چه خواهد و نزد اوست ام‌الکتاب (یعنی لوح محفوظ).^(۱) ﴿۳۹﴾ و اگر بنماییم تو را بعضی آنچه وعده می‌کنیم به ایشان یا قبض روح تو کنیم، به هر حال جز این نیست که بر تو پیغام رسانیدن است و بر ما است حساب. ﴿۴۰﴾ آیا نمی‌بینند که ما قصد می‌کنیم به این سرزمین که ناقص می‌سازیم آن را از جوانب آن؟ و خدا حکم می‌کند. نیست هیچ رد کننده‌ای حکم او را و او زود حساب کننده است.^(۲) ﴿۴۱﴾ و هرآینه بدسگالیدند آنان که پیش از ایشان بودند. پس خدای راست تدبیر، همه یکجا. می‌داند آنچه به عمل می‌آرد هر نفسی و خواهند دانست این کافران که که را باشد جزای آن سرای. ﴿۴۲﴾

۱- مترجم گوید: صورت حادثه در عالم ملکوت خلق می‌فرماید. بعد از آن اگر خواهد محو کند و اگر خواهد ثابت دارد و شاید که معنی چنین باشد که هر زمانی را شریعتی هست نسخ می‌کند خدای تعالی آنچه می‌خواهد و ثابت می‌گذارد آنچه را خواهد، نزد اوست لوح محفوظ، والله اعلم.

۲- یعنی روزبه‌زور شوکت اسلام به زمین عرب منتشر می‌شود و دارالحرب ناقص می‌گردد از اطراف آن، عامه‌مفسرین این آیت را مدتیّه دانند و نزد مترجم لازم نیست که مدنی باشد و مراد از نقصان دار الحرب، اسلام ابن سلام و غفار و جهینه و مزنه و قبائل این است پیش از هجرت.

صفت بهشتی که وعده کرده است متقیان را این است که: می‌رود زیر آن جوی‌ها، میوه‌های او جاوید است و سایه‌اش هم چنین. این است جزای متقیان و جزای کافران آتش است. ﴿۳۵﴾ و آنان که دادیم ایشان را کتاب، شاد می‌شوند به آنچه فروفرستاده شد به سوی تو و از این جماعت‌ها کسی است که انکار می‌کند بعضی او را. بگو: جز این نیست که فرموده شده مرا که عبادت کنم خدا را و

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ
شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ

۴۳

سُورَةُ إِبْرَاهِيمَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ
الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ
الْحَمِيدِ ① اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي
الْأَرْضِ وَيُؤْتِي لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ②
الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ
عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ
بَعِيدٍ ③ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ
لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ④ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا
أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ
بِأَيِّمِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ⑤

سوره ابراهيم

به نام خداوند بخشنده مهربان

الر، این کتابی است که فروفرستادیم آن را به سوی تو تا
بیرون آری مردمان را از تاریکی‌ها به سوی روشنی به
حکم پروردگار ایشان به سوی راه خدای غالب ستوده.
① [به سوی راه] خدا که او راست آنچه در
آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و وای کافران را! از
عذاب سخت. ② آنان که اختیار می‌کنند زندگانی دنیا
را بر آخرت و باز می‌دارند مردمان را از راه خدا و
می‌طلبند در وی کجی^(۲)، ایشانند در گمراهی دور. ③ و
نفرستادیم هیچ پیغمبر را مگر به زبان قوم او تا بیان کند
برای ایشان. پس گمراه سازد خدا هر که را خواهد و راه
نماید هر که را خواهد و اوست غالب با حکمت. ④
هرآینه فرستادیم موسی را با نشانه‌های خود، گفتیم که
بیرون آر قوم خود را از تاریکی‌ها به سوی روشنی و پند ده
ایشان را به روزهای خدا^(۳)، هرآینه در این نشانه‌هاست هر
شکیبای شکرگزار را. ⑤

۱- یعنی احبار یهود می‌دانند که رسالت آن حضرت ﷺ صحیح است، والله

اعلم.

۲- یعنی به شبهات ثابت می‌کنند که کج است.

۳- یعنی به وقایعی که از جانب او بودند.

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ
 أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ
 وَيَدْبِجُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي
 ذَلِكَ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٦﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ
 رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ
 عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ
 وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٨﴾ أَلَمْ
 يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٍ
 وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ
 جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ
 وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا
 تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿٩﴾ قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِ اللَّهِ
 شَكٌّ فَأَطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ
 مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنَّ
 أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ
 يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَاتُّونَا بِسُلْطَنِ مُّبِينٍ ﴿١٠﴾

و یاد کن آن وقت که گفت موسی قوم خود را: یاد کنید
 نعمت خدا را بر خویش، چون خلاص کرد شما را از
 کسان فرعون، می‌رسانیدند به شما سختی عذاب و
 می‌کشتند پسران شما را و زنده می‌گذاشتند دختران شما را
 و در این حال آزمایش بزرگ بود از پروردگار شما. ﴿۶﴾
 و آن وقت که خبردار ساخت پروردگار شما که اگر شکر
 کنید، زیاده دهم شما را و اگر ناسپاسی کنید، هرآینه
 عذاب من سخت است. ﴿۷﴾ و گفت موسی: اگر کافر
 شوید شما و هر که در زمین همه یکجا، پس هرآینه خدا
 توانگر ستوده شده است. ﴿۸﴾ آیا نیامده است به شما خبر
 آنان که پیش از شما بودند، قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی
 که بعد از ایشان آمدند؟ نمی‌داند ایشان را^(۱) مگر خدا.
 آمدند به ایشان پیغامبران ایشان با معجزه‌ها. پس باز آوردند
 دست خود را در دهان خود^(۲) و گفتند: هرآینه ما منکریم
 به آنچه فرستاده شدید همراه آن و هرآینه ما در شبهه
 قوی‌ایم از آنچه می‌خوانید ما را به آن. ﴿۹﴾ گفتند
 پیغامبران ایشان: آیا در خدا شبهه است، آفریننده آسمان‌ها
 و زمین؟! می‌خواند شما را تا پیامرزد برای شما گناهان شما
 و موقوف دارد شما را تا مدتی معین. گفتند: نیستید شما
 مگر آدمی مانند ما، می‌خواهید که بازدارید ما را از آنچه
 عبادت می‌کردند پدران ما، پس بیارید پیش ما حجّتی
 ظاهر. ﴿۱۰﴾

۱- یعنی عدد و صفات ایشان را.

۲- یعنی از نهایت تعجب و انکار، انگشت به دندان گزیدند، والله اعلم.

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۖ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾ وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا ءَاذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿١٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُودَنَّ فِيْ مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ ﴿١٣﴾ وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۖ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ ﴿١٤﴾ وَأَسْتَفْتِحُوكَ وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿١٥﴾ مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ ﴿١٦﴾ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِغُهُ ۖ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ ۖ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ ﴿١٧﴾ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ ۖ أَعْمَلُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ ۖ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ﴿١٨﴾

گفتند به ایشان پیغامبران ایشان: نیستیم مگر آدمی مانند شما و لیکن خدا نعمت فراوان می‌دهد به هر که خواهد از بندگان خود و نیست ممکن ما را که بیاریم به شما حتی مگر به حکم خدا و بر خدا باید که توکل کنند مسلمانان. ﴿۱۱﴾ و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و هرآینه نموده است ما را راه‌های ما؟ و البته صبر خواهیم کرد بر ایدای شما و بر خدا باید که توکل کنند توکل کنندگان. ﴿۱۲﴾ و گفتند کافران، پیغامبران خویش را: البته اخراج کنیم شما را از زمین خود یا بازآید در دین ما. پس وحی فرستاد به سوی ایشان پروردگار ایشان که: هلاک خواهیم کرد ستمکاران را. ﴿۱۳﴾ و ساکن خواهیم ساخت شما را در زمین بعد از ایشان. این وعده برای کسی است که بترسد از ایستادن به حضور من و بترسد از بیم من. ﴿۱۴﴾ و طلب فتح کردند [پیغامبران] و زیانکار شد هر گردن‌کش ستیزنده. ﴿۱۵﴾ پیش وی دوزخ است و نوشانیده شود آب [جنس] زرد آب. ﴿۱۶﴾ جرعه جرعه فروکشد آن را و نزدیک نبود از آنکه به سهولت درکشد آن را و بیایدش موت^(۱) از هر جایی و او مرده نبود و پیش وی است عذابی سخت. ﴿۱۷﴾ صفت آنان که نامعتقد شدند به پروردگار خویش این است، اعمال ایشان مانند خاکستری بود که سخت وزید بر آن باد در روزی که باد تند دارد. قدرت ندارند بر هیچ چیز از آنچه کسب کرده بودند. این است گمراهی دور^(۲). ﴿۱۸﴾

۱- یعنی اسباب موت بیایدش.

۲- یعنی اعمال ایشان همه بر باد شوند و بدان منتفع نگردند، والله اعلم.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ
يَشَاءُ يَذْهَبُكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٩﴾ وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى
اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿٢٠﴾ وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ
لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ
مُعْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَّيْنَا
اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرَعْنَا أَمْ سَبَرْنَا مَا
لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ ﴿٢١﴾ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ
اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ
وَمَا كَانَ لِيَ لَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ
فَأَسْتَجِبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا
بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا
أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
﴿٢٢﴾ وَأَدْخِلَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ
تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ
تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ﴿٢٣﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا
كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي
السَّمَاءِ ﴿٢٤﴾

آیا ندیدی که خدا آفرید آسمانها و زمین به تدبیر
محکم. اگر خواهد، دور کند شما را و بیارد آفرینش نو.
﴿۱۹﴾ و نیست این بر خدا دشوار. ﴿۲۰﴾ و حاضر شوند
پیش خدا همه یکجا، پس گویند ضعیفان گردنکشان، را:
(یعنی تابعان، پیشروان را:) هر آینه ما بودیم تابع شما، پس
آیا شما دفع کننده هستید از ما پاره‌ای از عذاب خدا؟
گویند: اگر راه نمودی ما را خدا، راهنمایی می کردیم شما
را. برابر است بر ما که اضطراب کنیم یا شکیبایی ورزیم،
نیست ما را هیچ مخلصی. ﴿۲۱﴾ و گفت شیطان وقتی که
فیصله کرده شد کار: ^(۱) هر آینه خدا وعده داد شما را
وعده راست و وعده دادم شما را، پس خلاف وعده کردم
من با شما و نبود مرا بر شما هیچ تسلط، لیکن بود آنکه
بخواندم شما را. پس قبول کردید سخن مرا، پس ملامت
مکنید مرا و ملامت کنید خویش را. نیستم فریادرس شما و
شما نیستید فریادرس من. هر آینه من بیزار شدم از آنکه مرا
شریک مقرر کردید پیش از این. هر آینه ستمکاران، ایشان
راست عذاب درد دهنده. ﴿۲۲﴾ و درآورده شدند آنان که
ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند به بهشت‌ها، می رود
زیر آن جوی‌ها، جاویدان در آنجا به حکم پروردگار
خویش. دعای خیر ایشان با یکدیگر آنجا سلام است.
﴿۲۳﴾ آیا ندیدی چگونه پدید کرد خدا داستانی را:
ساخت سخن پاکیزه را مانند درخت پاکیزه که بیخش
استوار باشد و شاخش در آسمان. ﴿۲۴﴾

۱- مترجم گوید: یعنی وقتی که بهشتیان به بهشت درآیند و دوزخیان ره
دوزخ گیرند، والله اعلم.

تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلِّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ
 الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٥﴾ وَمِثْلُ كَلِمَةٍ
 خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا
 لَهَا مِنْ قَرَارٍ ﴿٢٦﴾ يَثْبُتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ
 الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ
 الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ﴿٢٧﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى
 الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ
 الْبَوَارِ ﴿٢٨﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿٢٩﴾ وَجَعَلُوا
 لِلَّهِ أُنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ
 مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ﴿٣٠﴾ قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا
 يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً
 مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالٍ ﴿٣١﴾ اللَّهُ
 الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ
 مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ
 لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ
 لَكُمْ الْأَنْهَارَ ﴿٣٢﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
 دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ﴿٣٣﴾

می دهد میوه های خود را هر فصلی به حکم پروردگار
 خویش و پدید می آرد خدا مثل ها را برای مردمان، تا بود
 که پندپذیر شوند. ﴿۲۵﴾ و حال سخن ناپاکیزه مانند
 درخت ناپاکیزه است که برکنده شده از بالای زمین، نیست
 او را هیچ استقراری^(۱). ﴿۲۶﴾ استوار می سازد خدا
 مسلمانان را به سخن درست در زندگانی دنیا و در آخرت
 و گمراه می سازد خدا ستمکاران را و می کند خدا آنچه
 می خواهد^(۲). ﴿۲۷﴾ آیا ندیدی به سوی آنان که بدل
 کردند نعمت خدا را به ناسپاسی^(۳) و فرود آوردند قوم خود
 خود را به سرای هلاکی؟ ﴿۲۸﴾ که دوزخ است، در آیند
 آنجا و آن بدقرارگاهی است. ﴿۲۹﴾ و مقرر کردند خدا را
 همتایان تا گمراه کنند عالم را از راه او. بگو: بهره مند
 شوید. هر آینه بازگشت شما به سوی آتش است. ﴿۳۰﴾
 بگو آن بندگان مرا که ایمان آورده اند: برپا دارند نماز را و
 خرج کنند از آنچه ما روزی دادیم ایشان را، پنهان و
 آشکارا پیش از آنکه بیاید روزی که خرید و فروخت نیست
 در آن و نه با یکدیگر دوستی بود. ﴿۳۱﴾ خدا آن است
 که آفرید آسمان ها و زمین را و فرو فرستاد از آسمان آب
 را، پس بیرون آورد به آن آب، روزی برای شما از قسم
 میوه ها و رام ساخت برای شما کشتی را تا برود در دریا به
 حکم او و رام ساخت برای شما جوی ها را. ﴿۳۲﴾ و رام
 ساخت برای شما آفتاب و ماه را همیشه روندگان و رام
 ساخت برای شما شب و روز را. ﴿۳۳﴾

۱- یعنی شریعت حق در ملکوت، ثابت است و در دنیا هر روز رواجی تازه
 می یابد و مردمان منتفع می شوند و ملت جاهلیت در ملکوت استقرار
 ندارد، هر چند در میان مردم شائع شود. در نهایت درهم و برهم
 کرده اید، والله اعلم.

۲- یعنی وقت مرگ، توفیق شهادت می دهد و وقت سؤال منکر و نکیر، به
 قول حق گویا می سازد، والله اعلم.

۳- یعنی ناسپاسی کردند. به شومی آن، نعمت مفقود شد، پس گویا نعمت
 دادند و کفر خریدند، والله اعلم.

وَعَاثَكُمْ مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ
 اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴿٣٤﴾ وَإِذْ
 قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ أَمِنًا وَاجْعَلْ بَنِي
 وَبَنِيَّ أُنْعَبُدَ الْأَصْنَامَ ﴿٣٥﴾ رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلَلَنِي كَثِيرًا
 مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي
 فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٦﴾ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي
 بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا
 الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ
 وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴿٣٧﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ
 تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ
 شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٣٨﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي
 لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٩﴾ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ
 ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٤٠﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ
 وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿٤١﴾ وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهُ
 غَفْلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ
 تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿٤٢﴾

و داد شما را از هر چه خواستید و اگر بشمارید نعمت خدا
 را، احاطه نتوانید کرد آن را. هر آینه انسان ستمکار ناسپاس
 است. ﴿۳۴﴾ و یاد کن چون گفت ابراهیم: ای پروردگار
 من! بکن این شهر را جای امن و دور دار مرا و فرزندان مرا
 از آنکه عبادت بتان کنیم. ﴿۳۵﴾ ای پروردگار من! این
 بتان گمراه کرده‌اند بسیاری را از مردمان. پس هر که
 پیروی من کرد پس هر آینه از آن من است و هر که
 نافرمانی کرد مرا، پس هر آینه تو آمرزندهٔ مهربانی. ﴿۳۶﴾
 ای پروردگار ما! هر آینه من ساکن ساختم بعضی اولاد
 خود را^(۱) به وادی بی‌زراعت نزدیک خانهٔ محترم تو، ای
 پروردگار ما! تا برپا دارند نماز را، پس بکن دلی چند را از
 مردمان، رغبت کننده به سوی ایشان و روزی ده ایشان را
 از میوه‌ها تا بود که ایشان سپاسداری کنند. ﴿۳۷﴾ ای
 پروردگار ما! هر آینه تو می‌دانی آنچه پنهان می‌داریم و
 آنچه آشکارا می‌کنیم و پوشیده نمی‌شود بر خدا هیچ چیز
 در زمین و نه در آسمان. ﴿۳۸﴾ سپاس آن خدا راست که
 عطا کرد مرا با وجود کلان‌سالی، اسمعیل و اسحق هر آینه
 پروردگار من شنوندهٔ دعاست. ﴿۳۹﴾ ای پروردگار من!
 بکن مرا برپادارندهٔ نماز و از اولاد من نیز. ای پروردگار ما!
 و قبول کن دعای مرا. ﴿۴۰﴾ ای پروردگار ما! بیامرز مرا و
 مادر و پدر مرا و مسلمانان را روزی که قائم شود حساب.
 ﴿۴۱﴾ و مپندار خدا را بی‌خبر از آنچه می‌کنند ستمکاران.
 جز این نیست که موقوف می‌دارد ایشان را برای روزی که
 خیره شوند در آن چشم‌ها. ﴿۴۲﴾

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ
وَأَفْعَدْتُهُمُ هَوَاءً ۝۴۳ وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ
الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرِنَا إِلَى أَجَلٍ
قَرِيبٍ نُحِبِّ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرَّسُولَ ۖ أَوْ لَمْ تَكُونُوا
أَقْسَمْتُمْ مِّنْ قَبْلِ مَا لَكُم مِّنْ زَوَالٍ ۝۴۴ وَسَكَنتُمْ
فِي مَسَكِنٍ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ
كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ ۝۴۵ وَقَدْ
مَكْرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ
لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ ۝۴۶ فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ
وَعْدِهِ ۚ رُسُلُهُ ۖ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ۝۴۷ يَوْمَ
تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ
الْوَّاحِدِ الْقَهَّارِ ۝۴۸ وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ
فِي الْأَصْفَادِ ۝۴۹ سَرَابِيلُهُمْ مِّنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَى
وُجُوهَهُمُ النَّارُ ۝۵۰ لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ
إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝۵۱ هَذَا بَلَّغٌ لِلنَّاسِ
وَلِيُنذَرُوا بِهِ ۚ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌُ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ
أُولُوا الْأَلْبَابِ ۝۵۲

شباب کنندگان، سرِ خود بردارندگان، باز نمی‌گردد به
سوی ایشان چشم ایشان و دلهای ایشان خالی است. ﴿۴۳﴾
و بترسان مردمان را از روزی که بیاید به ایشان عذاب. پس
گویند ظالمان: ای پروردگار ما! موقوف دار ما را تا میعادى
نزدیک تا قبول کنیم خواندن تو را و پیروی کنیم رسولان
را. [گفته شود به ایشان:] آیا قسم نمی‌خوردید پیش از این،
که نباشد شما را هیچ زوال؟! ﴿۴۴﴾ و ساکن شدید در
منازل آنان که ستم کردند بر خویش و واضح شد شما
را که چگونه کردیم به ایشان و پدید ساختیم برای شما
داستان‌ها. ﴿۴۵﴾ و هرآینه بدسگالیدند، بدسگالی خویش
را و نزدیک خدا است علم بدسگالی ایشان و نیست
بدسگالی ایشان بدان مثابه که از جای روند به سبب آن
کوه‌ها^(۱). ﴿۴۶﴾ و هرآینه بدسگالیدند، بدسگالی خویش
را و نزدیک خدا است علم بدسگالی ایشان و نیست
بدسگالی ایشان بدان مثابه که از جای روند به سبب آن
کوه‌ها. ﴿۴۷﴾ پس مپندار خدا را خلاف کننده و عده خود
را با رسولان خود. هرآینه خدا غالب صاحب انتقام است.
﴿۴۸﴾ روزی که بدل کرده شود این زمین به غیر این زمین
و بدل کرده شوند آسمان‌ها و ظاهر شوند به حضوری
خدای یگانه غالب. ﴿۴۹﴾ و بینی آن روز گناه کاران را
دست و پاها به هم بسته در زنجیرها. ﴿۵۰﴾ لباس ایشان از
قطران باشد و بپوشد روی ایشان را آتش^(۲). ﴿۵۱﴾ جزا
دهد خدا هر کسی را به آنچه کرده است. هرآینه خدا زود
حساب کننده است. ﴿۵۲﴾ این قرآن خبر رسانیدن است
مردمان را^(۳) تا بیم کرده شوند به آن و بدانند که جز این
نیست که وی خدای یگانه است و تا پندپذیر شوند
خداوندان عقل. ﴿۵۲﴾

۱- یعنی مکر ایشان ضعیف است، والله اعلم.

۲- قطران چیزی سیاه بدبودار است که آتش دران زود می‌گیرد، والله اعلم.

۳- یعنی نازل کرده شده است برای تبلیغ.

سُورَةُ الْحَجَرِ

سوره حجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْءَانٍ مُبِينٍ ﴿١﴾ رَبَّمَا يَوَدُّ
 الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٢﴾ ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا
 وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٣﴾ وَمَا
 أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ ﴿٤﴾ مَا
 تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَعْجِرُونَ ﴿٥﴾ وَقَالُوا
 يَأْتِيهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ﴿٦﴾ لَوْ
 مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَكَةِ إِن كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٧﴾ مَا
 نُزِّلَ الْمَلَكَةُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ ﴿٨﴾
 إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾ وَلَقَدْ
 أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شَيْعِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٠﴾ وَمَا يَأْتِيهِمْ
 مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿١١﴾ كَذَلِكَ
 نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٢﴾ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ
 وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا
 مِنْ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ ﴿١٤﴾ لَقَالُوا إِنَّمَا
 سُكَّرَتْ أَبْصَرُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ ﴿١٥﴾

الر، این آیت‌های کتاب الهی و قرآن روشن است. ﴿١﴾
 بسا بُود که دوست دارند کافران، کاش مسلمان بودندی.
 ﴿٢﴾ بگذار ایشان را تا بخورند و بهره‌مند شوند و مشغول
 کند ایشان را امید دراز. پس خواهند دانست. ﴿٣﴾ و
 هلاک نکردیم هیچ دیه را مگر که وی را نوشته بود معلوم.
 ﴿٤﴾ و سبقت نمی‌کند هیچ گروهی از مدت خود و باز
 پس نمی‌مانند. ﴿٥﴾ و گفتند کافران: ای کسی که
 فرودآورده شده است بر وی قرآن، هرآینه تو دیوانه‌ای!
 ﴿٦﴾ چرا نمی‌آری پیش ما فرشتگان را اگر هستی از
 راستگویان؟ ﴿٧﴾ فرو نمی‌فرستیم فرشتگان را مگر به
 تدبیر محکم و نباشند آنگاه مهلت داده شده. ﴿٨﴾ هرآینه
 ما فرو فرستادیم قرآن را و هرآینه ما او را نگهبانیم. ﴿٩﴾ و
 هرآینه پیغامبران را فرستادیم پیش از تو در فرقه‌های
 پیشینان. ﴿١٠﴾ و نمی‌آید به ایشان هیچ فرستاده‌ای، مگر
 بودند به او تمسخرکنان. ﴿١١﴾ همچنین درمی‌آریم استهزا
 را در دل گناهکاران (یعنی کفار مکه). ﴿١٢﴾ ایمان
 نیارند به قرآن و هرآینه گذشت آیین پیشینان. ﴿١٣﴾ و
 اگر بگشاییم بر ایشان دری از آسمان، پس شوند به این
 صفت که در وی بالا می‌روند. ﴿١٤﴾ البته گویند: جز این
 نیست که بند کرده شد چشم‌های ما را، بلکه ما قومی
 هستیم جادو زده. ﴿١٥﴾

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ
 (۱۶) وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ (۱۷) إِلَّا مَنْ
 اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ وَشَهِابٌ مُبِينٌ (۱۸) وَالْأَرْضُ
 مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ
 شَيْءٍ مَّوْزُونٍ (۱۹) وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَ وَمَنْ
 لَسْتُمْ لَهُوَ بَرَزِقِينَ (۲۰) وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا
 خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ (۲۱) وَأَرْسَلْنَا
 الرِّيحَ لَوَاحٍ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ
 وَمَا أَنْتُمْ لَهُوَ بِخَزَرِينَ (۲۲) وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ
 وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ (۲۳) وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ
 مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ (۲۴) وَإِنَّ رَبَّكَ
 هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۲۵) وَلَقَدْ خَلَقْنَا
 الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (۲۶) وَالْجَانَّ
 خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَّارِ السَّمُومِ (۲۷) وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ
 لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي خَلِيقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ
 مَّسْنُونٍ (۲۸) فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي
 فَقَعُوا لَهُوَ سَاجِدِينَ (۲۹) فَسَجَدَ الْمَلَأِكَةُ كُلُّهُمْ
 أَجْمَعُونَ (۳۰) إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ
 السَّاجِدِينَ (۳۱)

و هرآینه پیدا کردیم در آسمان، برج‌ها و بیاراستیمش
 برای بینندگان. ﴿۱۶﴾ و نگاه داشتیمش از هر شیطان رانده
 شده. ﴿۱۷﴾ مگر آن که به دزدی شنود، پس در پی وی
 افتد آتش آشکارا. ﴿۱۸﴾ و زمین را گسترانیدیمش و
 انداختیم در آنجا کوه‌ها و رویانیدیم در آنجا از جنس هر
 چیز، سنجیده^(۱). ﴿۱۹﴾ و ساختیم برای شما در آنجا
 اسباب معیشت و [ساختیم برای شما] آنکه نیستید او را
 روزی دهنده^(۲). ﴿۲۰﴾ و نیست هیچ چیز مگر نزدیک ما
 خزانه‌های اوست و فرومی‌آریم آن را مگر به اندازه مقرر.
 ﴿۲۱﴾ و فرستادیم بادها را باردار کننده ابر. پس
 فروآوردیم از آسمان، آبی، پس نوشانیدیم شما را آن آب
 و نیستید شما آن را جمع کننده. ﴿۲۲﴾ و هرآینه ما زنده
 می‌سازیم و می‌میرانیم و ماییم وارث. ﴿۲۳﴾ و هرآینه
 دانسته‌ایم پیشینیان را از شما و هرآینه دانسته‌ایم پسینیان را.
 ﴿۲۴﴾ و هرآینه پروردگار تو همون برانگیزد ایشان را،
 هرآینه او استوارکار داناست. ﴿۲۵﴾ و هرآینه آفریدیم
 آدمی را از گل خشک از قسم لای سیاه بوی گرفته.
 ﴿۲۶﴾ و جان پیدا کردیمش پیش از این از آتش سوزان.
 ﴿۲۷﴾ و یاد کن چون گفت پروردگار تو فرشتگان را:
 هرآینه من آفریننده‌ام آدمی را از گل خشک از قسم لای
 سیاه بوی گرفته. ﴿۲۸﴾ پس چون راست کنمش و بدم
 در وی روح خود را، پس افتید پیش او سجده کنان. ﴿۲۹﴾
 پس سجده کردند فرشتگان، تمام ایشان همه یکجا. ﴿۳۰﴾
 مگر ابلیس، سر باز زد از آنکه باشد با سجده کنندگان.
 ﴿۳۱﴾

۱- یعنی هر نوع را صورتی و صفتی است که از آنجا تجاوز نمی‌کند.

۲- یعنی غلامان و جانوران، والله اعلم.

قَالَ يَبْنَٰبِلَيْسُ مَا لَكَ اَلَّا تَكُوْنَ مَعَ السَّٰجِدِيْنَ ﴿٣٢﴾
 قَالَ لَمْ اَكُنْ لِاسْجَدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتُهُ مِنْ صَلَّٰلٍ
 مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُوْنَ ﴿٣٣﴾ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيْمٌ
 ﴿٣٤﴾ وَاِنَّ عَلَيكَ اَلَلْعَنَةَ اِلٰى يَوْمِ الدِّيْنِ ﴿٣٥﴾ قَالَ رَبِّ
 فَاَنْظِرْنِيْ اِلٰى يَوْمٍ يُبْعَثُوْنَ ﴿٣٦﴾ قَالَ فَاِنَّكَ مِنَ
 الْمُنْظَرِيْنَ ﴿٣٧﴾ اِلٰى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُوْمِ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ
 بِمَا اَعُوَيْتَنِيْ لَا زِيْنَتٍ لَهُمْ فِي الْاَرْضِ وَلَا اَعُوِيْنَهُمْ
 اَجْمَعِيْنَ ﴿٣٩﴾ اِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُحْلَصِيْنَ ﴿٤٠﴾ قَالَ
 هٰذَا صِرَاطٌ عَلٰى مُسْتَقِيْمٍ ﴿٤١﴾ اِنَّ عِبَادِيْ لَيْسَ لَكَ
 عَلَيْهِمْ سُلْطٰنٌ اِلَّا مَنْ اَتَّبَعَكَ مِنَ الْغٰوِيْنَ ﴿٤٢﴾ وَاِنَّ
 جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿٤٣﴾ لَهَا سَبْعَةُ اَبْوَابٍ لِكُلِّ
 بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُوْمٌ ﴿٤٤﴾ اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِيْ جَنَّتٍ
 وَعُيُوْنٍ ﴿٤٥﴾ دَخَلُوْهَا بِسَلٰمٍ ءَامِنِيْنَ ﴿٤٦﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِيْ
 صُدُوْرِهِمْ مِّنْ غِلٍّ اِخْوَانًا عَلٰى سُرُرٍ مُّتَقَابِلِيْنَ ﴿٤٧﴾ لَا
 يَمَسُّهُمْ فِيْهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِيْنَ ﴿٤٨﴾
 وَنَبِيٌّ عِبَادِيْ اٰتٰى اَنَا الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ﴿٤٩﴾ وَاَنَّ
 عَذٰبِيْ هُوَ الْعَذَابُ الْاَلِيْمُ ﴿٥٠﴾ وَنَبِّئُهُمْ عَن صَيِّفِ
 اِبْرٰهِيْمَ ﴿٥١﴾

گفت خدا: ای ابلیس! چیست تو را در این که نمی‌باشی با
 سجده کنندگان؟! ﴿۳۲﴾ گفت: هرگز نیستم که سجده
 کنم آدمی را که پیدا کرده‌ای او را از گل خشک از قسم
 لای سیاه بوی گرفته. ﴿۳۳﴾ گفت: پس بیرون شو از
 بهشت. هرآینه تو رانده شده‌ای. ﴿۳۴﴾ هرآینه بر تو است
 لعنت تا روز قیامت. ﴿۳۵﴾ گفت: ای پروردگار من!
 مهلت ده مرا تا روزی که برانگیخته شوند مردگان. ﴿۳۶﴾
 گفت: هرآینه تو از مهلت داده شدگانی. ﴿۳۷﴾ تا روز
 آن وقت مقرر. ﴿۳۸﴾ گفت: ای پروردگار من! به سبب
 آنکه گمراه کردی مرا، البته بیارایم معصیت را برای ایشان
 در زمین و البته گمراه سازم ایشان را همه یکجا. ﴿۳۹﴾
 مگر بندگان خالص کرده‌ای تو از ایشان. ﴿۴۰﴾ گفت خدا:
 این اخلاص، راهی است راست که بر من می‌رسد. ﴿۴۱﴾
 هرآینه بندگان من نیست تو را بر ایشان غلبه، لیکن غلبه تو
 بر کسی باشد که پیروی تو کرد از گمراهان. ﴿۴۲﴾ و
 هرآینه دوزخ وعده‌گاه ایشان است همه یکجا. ﴿۴۳﴾ او
 را هفت در است، هر دری را از گمراهان حصه است جدا
 کرده شده. ﴿۴۴﴾ هرآینه پرهیزگاران در بوستان‌ها و
 چشمه‌ها باشند ﴿۴۵﴾ ایشان را گفته شود: درآید اینجا به
 سلامتی ایمن شده. ﴿۴۶﴾ و بیرون کشیم آنچه در
 سینه‌های ایشان بود از کینه، برادر یکدیگر شده بر
 تخت‌های روبه‌روی یکدیگر کرده. ﴿۴۷﴾ نرسد به ایشان
 آنجا هیچ رنجی و نیستند ایشان از آنجا بیرون کرده شده.
 ﴿۴۸﴾ خبر ده بندگان مرا که من آمرزنده مهربانم. ﴿۴۹﴾
 و به آنکه عذاب من، همان عذاب درد دهنده است.
 ﴿۵۰﴾ و خبر ده ایشان را از مهمانان ابراهیم. ﴿۵۱﴾

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَمًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا لَا تَوَجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ﴿٥٣﴾ قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَى أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمَ تَبَشِّرُونَ ﴿٥٤﴾ قَالُوا بَشِّرْنَا بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ الْكَافِرِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ﴿٥٦﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٧﴾ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ﴿٥٨﴾ إِلَّا عَالُ لُوطٍ إِنَّا لَمَنَجُّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٩﴾ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا جَاءَ عَالُ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ ﴿٦٢﴾ قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٦٣﴾ وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٦٤﴾ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوهَا حَيْثُ تُوْمَرُونَ ﴿٦٥﴾ وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمَرَ أَنَّ دَابِرَ هَؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ ﴿٦٦﴾ وَجَاءَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٦٧﴾ قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ ﴿٦٨﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزَوْنَ ﴿٦٩﴾ قَالُوا أَوْ لَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٧٠﴾

چون داخل شدند بر وی، پس سلام گفتند: ابراهیم گفت: هرآینه ما از شما ترسانیم! ﴿۵۲﴾ گفتند: مترس! هرآینه ما مژده می‌دهیم تو را به فرزندی دانا. ﴿۵۳﴾ گفت: آیا بشارت دادید مرا با وجود آنکه رسید به من پیری؟ پس به چه قسم بشارت می‌دهید؟! ﴿۵۴﴾ گفتند: مژده دادیم تو را به راستی، پس مباش از ناامیدان. ﴿۵۵﴾ گفت: و کیست که ناامید شود از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان؟ ﴿۵۶﴾ گفت: پس چیست خبر شما را ای فرستادگان؟ ﴿۵۷﴾ گفتند: هرآینه ما فرستاده شدیم به سوی گروهی گناهکاران. ﴿۵۸﴾ بجز کسان لوط. هرآینه ما البته نجات خواهیم داد ایشان را همه یکجا. ﴿۵۹﴾ غیر زنش که مقرر کرده‌ایم که هرآینه وی از بازماندگان است. ﴿۶۰﴾ پس وقتی که آمد به کسان لوط فرستادگان. ﴿۶۱﴾ گفت: هرآینه شما گروهی ناآشنایید. ﴿۶۲﴾ گفتند: بلکه آورده‌ایم پیش تو آنچه در آن شبهه می‌کردند (یعنی عقوبت). ﴿۶۳﴾ و آورده‌ایم پیش تو وعده راست را و هرآینه ما البته راستگوییم. ﴿۶۴﴾ پس ببر کسان خود را به پاره‌ای از شب و تو از پی ایشان رو و باید که ننگرد از شما هیچ کس و بروید آنجا که فرموده شد [و آن زمین شام بود]. ﴿۶۵﴾ و وحی فرستادیم به سوی لوط این سخن که: بیخ ایشان بریده شود چون به وقت صبح درآیند. ﴿۶۶﴾ و آمدند اهل شهر، خوشوقتی کنان. ﴿۶۷﴾ گفت لوط: هرآینه ایشان مهمان منند، پس رسوا نکنید مرا. ﴿۶۸﴾ و بترسید از خدا و خوار نکنید مرا. ﴿۶۹﴾ گفتند: آیا منع نکرده بودیم تو را از میزبانی غریبانگفتند: آیا منع نکرده بودیم تو را از میزبانی غریبان. ﴿۷۰﴾

قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿٧١﴾ لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ

لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿٧٢﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ﴿٧٣﴾ فَجَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حَبَازَةً مِّن سِجِّيلٍ ﴿٧٤﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهَا لِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ ﴿٧٦﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾ وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ ﴿٧٨﴾ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿٧٩﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحَجَرِ الْمُرْسَلِينَ ﴿٨٠﴾ وَعَاتَيْنَهُمْ عَائِيَّتَنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٨١﴾ وَكَانُوا يُنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا عَآمِينَ ﴿٨٢﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ﴿٨٣﴾ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٤﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْغِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ﴿٨٥﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨٦﴾ وَلَقَدْ عَاتَيْنَكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْءَانَ الْعَظِيمَ ﴿٨٧﴾ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾ وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ﴿٨٩﴾ كَمَا أَنزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ﴿٩٠﴾

گفت: اینها دختران منند، اگر هستید کننده کاری^(۱). ﴿۷۱﴾
قسم به زندگانی تو! که این کافران در گمراهی خویش سرگردان می شوند^(۲). ﴿۷۲﴾ پس دریافت ایشان را آواز هولناک چون به وقت شروق در آمدند. ﴿۷۳﴾ پس ساختیم بالای آن شهرها را زیر آن و بارانیدیم بر ایشان

سنگ از قسم سنگ گل^(۳). ﴿۷۴﴾ هرآینه در این قصه، نشانه هاست. عبرت گیرندگان را. ﴿۷۵﴾ و هرآینه شهرها به راهی هستند که دایم آمدورفت دارد. ﴿۷۶﴾ و هرآینه در این نشانه است مؤمنان را. ﴿۷۷﴾ و هرآینه بودند اهل ایکه ستمکاران. ﴿۷۸﴾ پس انتقام کشیدیم از ایشان و شهرهای قوم لوط و شهرهای ایکه هر دو، به راه آشکار هستند. ﴿۷۹﴾ و هرآینه دروغ شمردند ساکنان حجر، پیغامبران را. ﴿۸۰﴾ و رسانیدیم به ایشان آیت های خود، پس شدند از آن روگردان. ﴿۸۱﴾ و بودند، تراشیده می ساختند از کوه ها خانه های ایمن شده. ﴿۸۲﴾ پس گرفت ایشان را آواز سخت، صباح کنان ﴿۸۳﴾ پس دفع نکرد از ایشان آنچه کسب می کردند. ﴿۸۴﴾ و نیافریدیم آسمان ها و زمین و آنچه مابین آنهاست، مگر به تدبیر درست و هرآینه قیامت، آمدنی است. پس درگذر (یعنی از بی ادبی های ایشان) درگذشت نیکو. ﴿۸۵﴾ هرآینه پروردگار تو همان است آفریننده دانا. ﴿۸۶﴾ و هرآینه دادیم تو را هفت آیت از آنچه در نماز مکرر خوانده می شود^(۴) و دادیم تو را قرآن بزرگ. ﴿۸۷﴾ باز مکن دو چشم خود را به سوی آنچه بهره مند ساخته ایم به آن جماعت ها را از کافران. و اندوهناک مشو بر ایشان و پست بکن بازوی خود را^(۵) برای مسلمانان. ﴿۸۸﴾ و بگو: هرآینه من بیم کننده آشکارم. ﴿۸۹﴾ [فروود خواهیم آورد عذاب را] مانند آنچه فروآورده بودیم بر تقسیم کنندگان. ﴿۹۰﴾

۳- مترجم گوید: یعنی گل پخته مثل سنگ شده.

۴- یعنی سوره فاتحه.

۵- یعنی تواضع کن.

۱- یعنی اگر قضای شهوت خواهید، نکاح بنات من کنید، والله اعلم.

۲- این کلمه در وسط قصه حضرت لوط اضافه کرده شد تا تنبیه باشد بر

تطبیق حال مشرکین مکه بر حال قوم لوط و امثال ایشان، والله اعلم.

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ﴿٩١﴾ فَوَرَّيَكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾ فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٤﴾ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ﴿٩٥﴾ الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾ وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿٩٧﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ ﴿٩٨﴾ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿٩٩﴾

سُورَةُ النَّحْلِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١﴾ يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ﴿٢﴾ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ﴿٤﴾ وَالْأَنعَمَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٥﴾ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ﴿٦﴾

آنان که ساختند کتاب الهی را پاره پاره^(۱). ﴿۹۱﴾ پس قسم به پروردگار تو! البته سؤال کنیم ایشان را همه یکجا. ﴿۹۲﴾ از آنچه می کردند. ﴿۹۳﴾ پس آشکار کن به آنچه فرموده می شوی و اعراض کن از مشرکان. ﴿۹۴﴾ هر آینه ما بسنده ایم تو را از شر تمسخر کنندگان. ﴿۹۵﴾ آنان که مقرر می کنند با خدا معبود دیگر را، پس زود بدانند. ﴿۹۶﴾ و هر آینه ما می دانیم از حال تو که تنگ می شود سینه تو به سبب آنچه می گویند. ﴿۹۷﴾ پس به پاکی یاد کن پروردگار خود را با ستایش او و باش از سجده کنندگان. ﴿۹۸﴾ و عبادت کن پروردگار خود را تا وقتی که برسد به تو مرگ. ﴿۹۹﴾

سوره نحل

به نام خداوند بخشنده مهربان

آمد حکم خدا، پس به شتاب طلب کنید آن را^(۲). پاک است خدا و بلند قدر است از آنچه شریک او مقرر می کنند. ﴿۱﴾ فرود می آورد فرشتگان را به وحی به اراده خود بر هر که خواهد از بندگان خود که بترسانید [به این مضمون که خدا می فرماید] که نیست هیچ معبود مگر من، پس برسید از من. ﴿۲﴾ آفرید آسمان ها و زمین را به تدبیر درست. بلند قدر است از آنکه شریک او مقرر می کنند. ﴿۳﴾ آفرید آدمی را از منی، پس ناگهان وی ستیزنده آشکارا شد. ﴿۴﴾ و چارپایان را آفرید، برای شما از آنها پوششی است و منفعت های دیگر است و بعض آنها را می خورید. ﴿۵﴾ و شما را در آنها آبرو است، چون وقت شام از صحرا باز می آید و چون به سوی صحرا سر می دهید. ﴿۶﴾

۱- مترجم گوید: یعنی اهل کتاب که بر بعض آیات عمل می کردند و بر

بعضی نه، والله اعلم.

۲- یعنی غلبه دین اسلام و تعذیب کفار، به یقین شدنی است. چرا شتاب

می کنند؟ والله اعلم.

وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَلِغِيهِ إِلَّا
بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَّءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٧﴾ وَالْخَيْلَ
وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا
تَعْلَمُونَ ﴿٨﴾ وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ
شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ
السَّمَاءِ مَاءً لَّكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ
تُسِيمُونَ ﴿١٠﴾ يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ
وَالْخَيْلَ وَالْأَعْنَبَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ
لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١١﴾ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ
وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي
ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٢﴾ وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي
الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَنُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ
يَذْكُرُونَ ﴿١٣﴾ وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ
لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى
الْفُلُكَ مَوَاحِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ ﴿١٤﴾

و برمی‌دارند بار شما را به سوی شهری که هرگز
نمی‌رسیدید به آن مگر به مشقت جان‌ها. هرآینه پروردگار
شما بخشایندهٔ مهربان است. ﴿۷﴾ و آفرید اسبان را و
استران را و خران را تا سوار شوید بر آنها و برای آرایش و
می‌آفریند آنچه نمی‌دانید. ﴿۸﴾ و بر خدا می‌رسد راه میانه
و بعضی راه‌ها کج است و اگر خواستی وی، راه نمودی شما
را همه یکجا. ﴿۹﴾ اوست آن که فرود آورد از آسمان
آب را برای شما، از آن آب، آشامیدنی است و از آن آب،
بیشهٔ درختان است که در آن می‌چرانید. ﴿۱۰﴾ می‌رویاند
برای شما به سبب آب، زراعت را و زیتون را و درختان
خرما را و انگور و از هر جنس میوه‌ها، هرآینه در این
نشانه‌ای است گروهی را که تفکر می‌کنند. ﴿۱۱﴾ و مسخر
کرد برای شما شب و روز و آفتاب و ماه را و ستارگان،
مسخرند به فرمان وی، هرآینه در این نشانه‌هاست گروهی
را که در می‌یابند. ﴿۱۲﴾ و مسخر کرد آنچه آفرید برای
شما در زمین، گوناگون رنگ‌های او^(۱)، هرآینه در این
نشانه‌ای است گروهی را که پند می‌پذیرند. ﴿۱۳﴾ و اوست
آن که مسخر ساخت دریا را تا بخورید از آن گوشت تازه
و تا بیرون آرید از آن پیرایه که بپوشید آن را و می‌بینی
کشتی‌ها را رونده در دریا و مسخر کرد دریا را تا طلب
معیشت کنید از فضل او و تا بود که شکر کنید. ﴿۱۴﴾

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَرَ
 وَسْبَلًا لِّلْعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥﴾ وَعَلَّمَتِ بِاللِّجَمِ هُمْ
 يَهْتَدُونَ ﴿١٦﴾ أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا
 تَذَكَّرُونَ ﴿١٧﴾ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ
 اللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٨﴾ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا
 تُعْلِنُونَ ﴿١٩﴾ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا
 يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ
 وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿٢١﴾ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ
 فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ
 مُسْتَكْبِرُونَ ﴿٢٢﴾ لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ
 وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ ﴿٢٣﴾ وَإِذَا
 قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أُنْزِلَ رَبُّكُمْ قَالَوْا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٤﴾
 لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَمِنْ أَوَارِ
 الَّذِينَ يَضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ ﴿٢٥﴾
 قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهَ بُنْيَانُهُمْ مِنَ
 الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَنَّهُمْ
 الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٦﴾

و افکند در زمین کوه‌های محکم برای احتراز از آنکه
 بجنباند شما را و آفرید جوی‌ها و راه‌ها، تا بود که راهیاب
 شوید. ﴿۱۵﴾ و و آفرید نشانه‌ها و به ستارگان، ایشان راه
 می‌یابند. ﴿۱۶﴾ آیا کسی که آفریند مانند کسی است که
 نمی‌آفریند؟ آیا پند نمی‌گیرید؟ ﴿۱۷﴾ و اگر بشمارید
 نعمت خدا را احاطه نکنید آن را، هرآینه خدا آمرزنده
 مهربان است. ﴿۱۸﴾ و خدا می‌داند آنچه پنهان می‌دارید و
 آنچه آشکارا می‌کنید. ﴿۱۹﴾ و آنان که می‌پرستند کافران
 ایشان را بجز خدا، نمی‌آفریند چیزی را و خودشان آفریده
 می‌شوند! ﴿۲۰﴾ مردگان نه زندگان و نمی‌دانند کی
 برانگیخته خواهند شد. ﴿۲۱﴾ معبود شما خدای یگانه
 است. پس آنان که معتقد نمی‌شوند به آخرت، دل ایشان
 ناشناس است و ایشان سرکشند. ﴿۲۲﴾ بی‌شبهه است خدا
 می‌داند آنچه پنهان می‌دارند و آنچه آشکارا می‌کنند،
 هرآینه او دوست ندارد سرکشان را بی‌شبهه است خدا
 می‌داند آنچه پنهان می‌دارند و آنچه آشکارا می‌کنند،
 هرآینه او دوست ندارد سرکشان را. ﴿۲۳﴾ و چون گفته
 شود ایشان را: چیست آنچه فروفرستاده است پروردگار
 شما؟ گویند: افسانه‌های پیشینیان است. ﴿۲۴﴾ [مال این
 گفتار] آنکه بردارند بار گناه خویش به تمام روز قیامت و
 بردارند نیز بعضی بارهای آنان که گمراه می‌سازند ایشان را
 به غیر دانش. آگاه شوید بد است آنچه برمی‌دارند. ﴿۲۵﴾
 هرآینه بداندیشی کردند آنان که پیش از ایشان بودند، پس
 پیامد خدا به سوی عمارت ایشان از جانب بنیادها، پس افتاد
 بر ایشان سقف از بالای ایشان و آمد بدیشان عذاب از آن
 جهت که نمی‌دانستند^(۱). ﴿۲۶﴾

۱- و این تمثیل است افساد مکر ایشان را بآبلغ وجوه.

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٢٧﴾ الَّذِينَ تَتَوَفَّيْهُمْ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوْا السَّلَامَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَى إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾ فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَيْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٢٩﴾ وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ ﴿٣٠﴾ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يُجْزَى اللَّهُ الْمُتَّقِينَ ﴿٣١﴾ الَّذِينَ تَتَوَفَّيْهُمْ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٢﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٣٣﴾ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٣٤﴾

باز روز قیامت رسوا کند ایشان را و گوید: کجایند آن شریکان من که مخالفت می کردید در حق ایشان؟ گویند اهل علم: هرآینه رسوایی و سخی امروز بر کافران است. ﴿۲۷﴾ آنان که قبض ارواح ایشان می کردند فرشتگان، حال آنکه ستمکار بودند بر خویش، پس انداختند آن کافران پیغام انقیاد را که ما هرگز نمی کردیم هیچ عمل بد [گفته شود]: آری! هرآینه خدا داناست به آنچه می کردید. ﴿۲۸﴾ پس درآیید به دروازه های دوزخ، جاویدان آنجا، پس بد است جای سرکشان [دوزخ]. ﴿۲۹﴾ و گفته شد: متقیان را: چیست آنچه فروفرستاد پروردگار شما؟ گفتند: فرود آورده است بهترین سخن، آنان را که نیکوکاری کردند در این سرای، حالت نیک است و هرآینه سرای آخرت بهتر است و هرآینه نیکو سرای متقیان است [آخرت]. ﴿۳۰﴾ بوستان های همیشه ماندن، درآیند آنجا، می رود زیر آن جوی ها و ایشان راست آنجا هرچه خواهند. همچنین جزا می دهد خدا متقیان را. ﴿۳۱﴾ آنان که فرشتگان قبض ارواح ایشان می کنند، حال آنکه شادمان باشند، گویند فرشتگان: سلام بر شما باد! درآیید به بهشت جز آنچه می کردید^(۱). ﴿۳۲﴾ انتظار نمی کشند کافران، الا آنکه بیایند به ایشان فرشتگان،^(۲) یا بیاید فرمان پروردگار تو^(۳). همچنین کردند آنان که پیش از ایشان بودند و ستم نکرد بر ایشان خدا و لیکن بر خویش ستم می کردند. ﴿۳۳﴾ پس رسید به ایشان جزای گناهان از اعمال ایشان و فرود آمد به ایشان آنچه به آن استهزا می کردند. ﴿۳۴﴾

۱- مترجم گوید: خدای تعالی این دو صورت را برای بیان قال و حال و

مال اهل سعادت و اهل شقاوت نازل فرموده، والله اعلم.

۲- یعنی برای قبض ارواح.

۳- یعنی عذاب او.

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٣٥﴾ وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٦﴾ إِنْ تَحَرَّصَ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٣٧﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾ لِيَبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ ﴿٣٩﴾ إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٤٠﴾ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبْوِّتَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا جَزَاءَ الْآخِرَةِ أَكْبَرَ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٤٢﴾

وگفتند مشرکان: اگر خواستی خدا، نمی‌پرستیدیم بجز وی هیچ چیزی را نه ما و نه پدران ما و حرام نمی‌دانستیم به غیر فرمان وی هیچ چیز را^(۱). همچنین کردند آنان که پیش از ایشان بودند، پس نیست بر پیغامبران بجز خبر رسانیدن آشکارا. ﴿۳۵﴾ و هرآینه فرستادیم در هر گروهی پیغامبری را که عبادت خدا کنید و احتراز کنید از بتان. پس از ایشان کسی بود که راه نمودش خدا و از ایشان کسی بود که ثابت شد بر وی گمراهی. پس سیر کنید در زمین، پس بنگرید چگونه شد آخر کار دروغ دارندگان. ﴿۳۶﴾ اگر کوشش کنی بر هدایت ایشان [چه سود]، هرآینه خدا راه نمی‌نماید آن را که گمراه می‌سازد و نیست ایشان را هیچ یاری دهنده. ﴿۳۷﴾ و قسم خوردند به خدا به محکم‌ترین سوگندهای خود که بر نیانگیزد خدا مرده را. آری! برانگیزد، وعده درست لازم شده بر وی و لیکن بیشترین مردمان نمی‌دانند. ﴿۳۸﴾ [آری برانگیزد] تا بیان کند برای ایشان آنچه اختلاف می‌کنند در آن و تا بدانند کافران که ایشان دروغی بودند. ﴿۳۹﴾ نیست فرمان ما برای چیزی چون خواهیم آفریدنش، مگر گوییم او را: بشو! پس بشود. ﴿۴۰﴾ و آنان که ترک ديار خود کردند برای خدا بعد از آنکه ستم کرده شد بر ایشان، البته جای دهیم ایشان را در دنیا به سرای نیک و هرآینه مزد آخرت بزرگتر است، اگر می‌دانستند. ﴿۴۱﴾ آنان که صبر کردند و بر پروردگار خویش توکل می‌نمایند^(۲). ﴿۴۲﴾

۱- یعنی سلف ما اجماع کرده‌اند و آن بدون رضای خدا منعقد نمی‌شود.

والله اعلم.

۲- و این وعده متحقق شده و مهاجران را به مدینه جای داد.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِيْٓ اِلَيْهِمْ فَاَسْأَلُوْا
 اَهْلَ الدِّيْكْرِ اِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٤٣﴾ بِالْبَيِّنَاتِ
 وَالزُّبُرِ ۖ وَاَنْزَلْنَا اِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ
 اِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُوْنَ ﴿٤٤﴾ اَفَاَمِنَ الَّذِيْنَ مَكَرُوْا
 السَّيِّئَاتِ اَنْ يَّخْسِفَ اللّٰهُ بِهِمُ الْاَرْضَ اَوْ يَأْتِيَهُمْ
 الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُوْنَ ﴿٤٥﴾ اَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي
 تَقْلُبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِيْنَ ﴿٤٦﴾ اَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلٰى
 تَخَوُّفٍ فَاِنَّ رَبَّكُمْ لَرَّءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ﴿٤٧﴾ اَوْ لَمْ يَرَوْا اِلٰى
 مَا خَلَقَ اللّٰهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّؤُوْا ظِلَالُهُ عَنِ الْاَلَمِيْنَ
 وَالسَّمٰوٰتِ سُجَّدًا لِلّٰهِ وَهُمْ دَاخِرُوْنَ ﴿٤٨﴾ وَلِلّٰهِ يَسْجُدُ
 مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ
 وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُوْنَ ﴿٤٩﴾ يَخَافُوْنَ رَبَّهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ
 وَيَفْعَلُوْنَ مَا يُؤْمَرُوْنَ ﴿٥٠﴾ وَقَالَ اللّٰهُ لَا تَتَّخِذُوْا
 الْاِلٰهِيْنَ اَنْثٰنِيْنَ ۚ اِنَّمَا هُوَ اِلٰهُ وَاحِدٌ فَاِيْلٰى فَاَرْهَبُوْنَ ﴿٥١﴾
 وَلَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلَهُ الدِّيْنُ وَاصْبًا
 اَفْعٰىزِ اللّٰهُ تَتَّقُوْنَ ﴿٥٢﴾ وَمَا بِكُمْ مِّنْ نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللّٰهِ
 ثُمَّ اِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَاِلَيْهِ تَجْعُرُوْنَ ﴿٥٣﴾ ثُمَّ اِذَا
 كَسَفَ الضُّرُّ عَنْكُمْ اِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ
 يُشْرِكُوْنَ ﴿٥٤﴾

و نفرستادیم پیش از تو مگر مردانی را که وحی
 می فرستادیم به سوی ایشان. پس سؤال کنید از اهل کتاب
 اگر نمی دانید^(۱). ﴿۴۳﴾ فرستادیم ایشان را با دلایل و
 کتاب ها و فرود آوردیم به سوی تو کتاب تا بیان کنی برای
 مردمان شریعتی را که فرود آورده شد به سوی ایشان و تا
 بُود که ایشان تفکر کنند. ﴿۴۴﴾ آیا ایمن شده اند آنان که
 اندیشیدند تدبیرهای بد^(۲) از آنکه فرو برد خدا ایشان را به
 زمین یا بیاید به ایشان عذاب از آنجا که ندانند؟ ﴿۴۵﴾ یا
 بگیرد ایشان را در آمد و شد ایشان، پس نیستند ایشان عاجز
 کننده. ﴿۴۶﴾ یا بگیرد ایشان را بعد ترس^(۳)، پس هر آینه
 پروردگار شما لطف کننده بخشاینده است. ﴿۴۷﴾ آیا
 ندیده اند به سوی آنچه پیدا کرده است خدا از هر چیزی،
 می گردد سایه های او از جانب راست و از جانب چپ،
 سجده کنان برای خدا خوار شده. ﴿۴۸﴾ و خدای را سجده
 می کنند آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است از
 قسم جنبنده و فرشتگان نیز سجده می کنند و ایشان
 سرکشی نمی کنند. ﴿۴۹﴾ می ترسند از پروردگار خود
 [غالب شده] از بالای ایشان و می کنند آنچه فرموده
 می شوند. ﴿۵۰﴾ و گفت خدا: فرا مگیرید دو معبود. جز
 این نیست که وی معبود یگانه است، پس از من بترسید.
 ﴿۵۱﴾ و مرا و راست آنچه در آسمان ها و زمین است و مرا
 و راست عبادت لازم شده، آیا از غیر خدا می ترسید؟
 ﴿۵۲﴾ و آنچه با شما است از نعمت، از جانب خدا است.
 باز چون برسد به شما سختی، پس به سوی او می نالید.
 ﴿۵۳﴾ باز چون بردارد سختی را از سر شما، ناگهان فریقی
 از شما به پروردگار خود، شریک مقرر می کنند. ﴿۵۴﴾

۱- یعنی پیغامبران سابق آدمی بودند، فرشته نبودند، والله اعلم.

۲- یعنی در حق پیغامبران و مؤمنان.

۳- یعنی بعد اقامت قرائن هلاک.

لِيَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾ وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ ﴿٥٦﴾ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَنَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ ﴿٥٧﴾ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٥٨﴾ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ ۖ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ ۗ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٥٩﴾ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْأَمْثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٠﴾ وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَخِيرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٦١﴾ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ ﴿٦٢﴾ تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمْ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٦٤﴾

تا ناسپاسی کنند آنچه دادیم ایشان را. پس بهره‌مند شوید، پس خواهید دانست. ﴿۵۵﴾ و مقرر کردند برای چیزی که نمی‌دانند تحقیق آن (یعنی برای بتان)، حصه‌ای از آنچه روزی دادیم ایشان را. به خدا قسم! البته پرسیده خواهید شد از آنچه افترا می‌کردید. ﴿۵۶﴾ و مقرر می‌کنند برای خدا دختران را. پاک است او و مقرر می‌کنند برای خویش آنچه رغبت می‌نمایند^(۱). ﴿۵۷﴾ و اگر مژده داده شود یکی از ایشان به تولد دختر، روی او سیاه گردد و او پر از اندوه باشد. ﴿۵۸﴾ پنهان شود از قوم به سبب ناخوشی آنچه مژده داده شد به وی. [در تأمل افتد که] آیا باقی گذاردش به خواری یا در آردش به خاک؟ آگاه شو! بد حکم ایشان است این حکم! ﴿۵۹﴾ آنان را که معتقد نمی‌شوند به آخرت، صفت بد است و خدای راست صفت بلند و او غالب با حکمت است. ﴿۶۰﴾ و اگر گرفتار کند خدا مردمان را به سبب ستم ایشان، نگذارد بر زمین هیچ جنبنده‌ای و لیکن موقوف می‌دارد ایشان را تا وقتی مقرر، پس چون برسد آن وقت مقرر ایشان، باز نمانند ساعتی و نه پیش‌روند. ﴿۶۱﴾ و مقرر می‌کنند برای خدا آنچه ناپسند می‌دارند^(۲) و بیان می‌کند زبان‌های ایشان سخن دروغ را که ایشان را باشد نیکویی^(۳). شبهه نیست در آنکه ایشان را باشد آتش و آنکه ایشان، پیش فرستادگانند به دوزخ. ﴿۶۲﴾ قسم به خدا! هرآینه پیغامبران فرستادیم به سوی امتانی که پیش از تو بودند. پس بیاراست برای ایشان شیطان کردارهای ایشان، پس همو یار این کافران است امروز و ایشان راست عذاب درد دهنده. ﴿۶۳﴾ و فرود نیاوردیم بر تو کتاب را مگر به سبب آنکه بیان کنی برای ایشان آنچه در آن اختلاف کردند و برای راه نمودن و بخشایش قومی که می‌گرویدند. ﴿۶۴﴾

۱- یعنی پسران را.

۲- یعنی دختران.

۳- یعنی نجات در آخرت.

وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٥﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ ﴿٦٦﴾ وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿٦٨﴾ ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلَالًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَنُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٦٩﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمَرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٧٠﴾ وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٧١﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ ﴿٧٢﴾

و خدا فرود آورد از آسمان آب را، پس زنده ساخت به آن زمین را بعد از مرگ آن. هرآینه در این نشانه‌ای است گروهی را که می‌شنوند. ﴿٦٥﴾ و هرآینه شما را در چهارپایان، پندی است، می‌نوشانیم شما را از جمله آنچه در شکم وی است از میان سرگین و خون، شیری خالص گوارا، آشامندگان را. ﴿٦٦﴾ و از میوه‌های درختان خرما و درختان انگور [قسمی هست که] می‌سازید از آن شراب مست کننده و می‌سازید از آن روزی حلال، هرآینه در این نشانه‌ای است گروهی را که در می‌یابند. ﴿٦٧﴾ و الهام فرستاد پروردگار تو به سوی زنبور شهد که بساز خانه‌ها از کوه‌ها و از درختان و از آنچه مردمان بنا می‌کنند. ﴿٦٨﴾ باز بخور از هر جنس میوه‌ها و برو در راه‌های پروردگار خویش رام شده [آن راه‌ها] که برمی‌آید از شکم این زنبورها آشامیدنی گوناگون رنگهای آن. در آن آشامیدنی شفا است مردمان را، هرآینه در این امور نشانه است گروهی را که تفکر می‌کنند. ﴿٦٩﴾ و خدا آفرید شما را، باز بمیراند شما را و از شما کسی هست که عائد کرده می‌شود به خوارترین عمر، مآلش آنکه نداند بعد دانستن، چیزی را. هرآینه خدا دانای تواناست. ﴿٧٠﴾ و خدا فضل داد بعض شما را بر بعض در روزی، پس نیستند آنان که افزودنی داده شدند، عاید کنندگان روزی خود را بر مملوکان خود تا همه ایشان در روزی برابر باشند. آیا نعمت خدا را انکار می‌نمایند؟^(۱) ﴿٧١﴾ و خدا آفرید برای شما از جنس شما زنان را و آفرید برای شما از زنان شما پسران و نیرگان را و روزی داد شما را از پاکیزه‌ها، آیا به باطل معتقد می‌شوند و به نعمت خدا ایشان ناسپاسی می‌نمایند؟ ﴿٧٢﴾

۱- یعنی هیچ کس نمی‌خواهد که مملوکان خود را برابر خود سازد، والله

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٧٣﴾ فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٧٤﴾ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَّمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ أَحَدَهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٧٦﴾ وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٧٧﴾ وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٧٨﴾ أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْاءِ السَّمَاءِ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٧٩﴾

و می‌پرستند بجز خدا کسی را که نمی‌تواند برای ایشان چیزی روزی دادن از آسمان‌ها و زمین چیزی [از توانایی] و قادر نمی‌شوند. ﴿۷۳﴾ پس بیان مکنید برای خدا داستان‌ها، هرآینه خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. ﴿۷۴﴾ بیان کرد خدا داستان بنده مملوکی که توانایی ندارد بر هیچ چیز و کسی که دادیمش از نزدیک خود، روزی نیک، پس وی خرج می‌کند از آن روزی، پنهان و آشکارا، آیا برابر می‌شوند؟ همه ستایش، خدای را است، بلکه اکثر ایشان نمی‌دانند. ﴿۷۵﴾ و بیان کرد خدا داستانی دیگر، دو مرد، یکی از ایشان گنگ است، قدرت ندارند بر چیزی و او گران است بر خواجه خود، هر کجا فرستدش نیارد از آنجا هیچ نیکی. آیا برابر است این شخص و کسی که می‌فرماید مردمان را به عدل و خودش بر راه راست است؟^(۱) ﴿۷۶﴾ و خدای راست علم پنهان آسمان‌ها و زمین و نیست کار قیامت (یعنی نزدیک قدرت او)، مگر مانند چشم بهم زدن، بلکه نزدیک‌تر است، هرآینه خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۷۷﴾ و خدا بیرون آورد شما را از شکم‌های مادران شما، نمی‌دانستید چیزی را و پیدا ساخت برای شما شنوایی و چشم‌ها و دل‌ها تا بود که شکر کنید. ﴿۷۸﴾ آیا ندیدند به سوی مرغان رام شده در هوای آسمان؟ نگاه نمی‌دارد ایشان را مگر خدا، هرآینه در این نشانه‌هاست گروهی را که ایمان می‌آرند.

﴿۷۹﴾

۱- مترجم گوید: حاصل این دو مثل، آن است که آنچه در عالم تصرف ندارد، با خدا برابر نیست، چنانکه مملوک نا توان با مالک توانا برابر نیست و چنانکه گنگ بی تمیز با صاحب هدایت و اهتدا برابر نیست.

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثْنَا وَمِثْلًا إِلَى حِينٍ ﴿٨٠﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُم سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُم بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ ﴿٨١﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلْعُ الْمُبِينُ ﴿٨٢﴾ يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ ﴿٨٣﴾ وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٨٤﴾ وَإِذَا رَأَوْا الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ﴿٨٥﴾ وَإِذَا رَأَوْا الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا مِنْ دُونِكَ فَأَلْقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٨٦﴾ وَالْقَوْلُ إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَامُ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٨٧﴾

خدا ساخت برای شما از خانه‌های شما جای سکونت و ساخت برای شما از پوست چهارپایان، خانه‌هایی. سبک می‌یابید آن را روز سفر خود و روز اقامت خود و ساخت از پشم‌های وی و کُرک‌های وی و موهای وی اسباب خانه و بهره‌مندی تا وقت مقرر. ﴿۸۰﴾ و خدا پیدا ساخت برای شما از مخلوقات خود سایه‌ها و پیدا کرد برای شما از کوه‌ها، غارها و ساخت برای شما جامه‌ها که نگاه دارد شما را از گرمی^(۱) و جامه‌هایی که نگاه دارد شما را از ضرر جنگ شما. همچنین تمام می‌دهد نعمت خود را بر شما، تا بُود که منقاد شوید. ﴿۸۱﴾ پس اگر اعراض کنند، جز این نیست که بر تو پیغام رسانیدن آشکار است. ﴿۸۲﴾ می‌شناسند نعمت خدا را باز انکار آن می‌کنند و بیشتر ایشان، کافراند. ﴿۸۳﴾ و آن روز که برانگیزیم از هر گروهی را گواهی را^(۲) باز دستوری داده نشود کافران را^(۳) و نه از ایشان رجوع به مرضیات الهی طلب کرده شود. ﴿۸۴﴾ و چون ببینند ستمکاران عذاب را [اضطراب کنند]، پس سبک کرده نشود از ایشان و نه ایشان مهلت داده شوند. ﴿۸۵﴾ و چون ببینند مشرکان شریکان خود را، گویند: ای پروردگار ما! این جماعت شریکان مانند که می‌پرستیدیم بجز تو. پس شریکان پیغام اندازند به سوی ایشان [این سخن را] که: هرآینه شما دروغ‌گویانید. ﴿۸۶﴾ و این همه افکنند به سوی خدا آن روز پیغام انقیاد را و گم گردد از ایشان آنچه افترا می‌کردند. ﴿۸۷﴾

۱- یعنی و از سردی نیز.

۲- و آن نبی آن قوم باشد، والله اعلم.

۳- یعنی تا عذر خود کنند.

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا
فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ ﴿٨٨﴾ وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي
كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ
شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا
لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿٨٩﴾
إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي
الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ
يَعْظُمُ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٩٠﴾ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا
عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ
جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا
تَفْعَلُونَ ﴿٩١﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِن
بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ
أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ
بِهِ وَلِيَبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ
تَخْتَلِفُونَ ﴿٩٢﴾ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً
وَلَكِنْ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ
عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

آنان که کافر شدند و بازداشتند^(۱) از راه خدا، افزون دهیم
ایشان را عذابی بالای عذابی به سبب آنکه فساد
می کردند^(۲). ﴿۸۸﴾ و آن روز که بر انگیزیم در هر امتی
گواهی بر ایشان از قبیله ایشان^(۳)، و بیاریم تو را گواه بر این
کافران، و فرود آوریم بر تو کتاب برای بیان کردن هر
چیز و برای راه نمودن و بخشایش و مژده دادن، مسلمانان
را. ﴿۸۹﴾ هر آینه خدا می فرماید به انصاف و نیکوکاری و
عطا کردن به خویشاوندان و منع می کند از بی حیایی و کار
ناپسندیده و تعدی. پند می دهد شما را تا بود که شما
پندپذیر شوید. ﴿۹۰﴾ و وفا کنید به عهد خدا چون عهد
ببندید و مشکند سوگندها را بعد محکم ساختن آنها و
هر آینه ساخته اید خدا را بر خویش، نگهبان^(۴). هر آینه
خدا می داند آنچه می کنید. ﴿۹۱﴾ و مباشید مانند زنی که
گسست رشته خود را بعد از استواری، پاره پاره ساخته.
می سازید سوگندهای خویش را مکر در میان خود تا
افزونتر شود گروهی از گروهی^(۵). جز این نیست که
می آزماید خدا شما را به آن افزونی و البته بیان کند برای
شما روز قیامت آنچه در آن اختلاف می نمودید^(۶). ﴿۹۲﴾
و اگر خواستی خدا، ساختی شما را یک گروه و لیکن
گمراه می کند هر که را خواهد و راه می نماید هر که را
خواهد و البته پرسیده خواهید شد از آنچه می کردید.

﴿۹۳﴾

۱- یعنی مردمان را.

۲- یعنی عذاب گمراهی و گمراه کردن.

۳- مترجم گوید: و آن نبی آن قوم باشد.

۴- یعنی نام او را در قسم، مذکور کرده ای.

۵- یعنی برای منفعت دنیا تا مال و منال زیاده به دست آرد.

۶- مترجم گوید: مراد، تحریم یمین غموس است و حاصل مثل، آن است

که اعمال خود را بر باد مکنید، چنانکه این زن عمل خود را تباه کرد،

والله اعلم. و گویا اینجا اشاره است به آنکه یمین غموس بر بادکننده

اعمال است، والله اعلم.

وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ
 بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوَاءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ
 اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٩٤﴾ وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ
 ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ
 تَعْلَمُونَ ﴿٩٥﴾ مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ
 وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا
 يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ
 مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ
 بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾ فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ
 فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿٩٨﴾ إِنَّهُ لَيْسَ
 لَهُ سُلْطٰنٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٩٩﴾
 إِنَّمَا سُلْطٰنُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ
 مُشْرِكُونَ ﴿١٠٠﴾ وَإِذَا بَدَلْنَا ءَايَةً مَّكَانَ ءَايَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ
 بِمَا يُنْزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا
 يَعْلَمُونَ ﴿١٠١﴾ قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ
 لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿١٠٢﴾

و مسازید سوگندهای خود را دغا در میان خویش که
 آنگاه بلغزد قدم بعد استواری آن و بجشید عقوبت به سبب
 بازداشتن از راه خدا، و شما را باشد عذاب بزرگ^(۱).
 ﴿۹۴﴾ و مستانید عوض عهد خدا بهای اندک، هرآینه
 آنچه نزدیک خدا است، آن بهتر است شما را اگر
 دانسته‌اید. ﴿۹۵﴾ آنچه نزدیک شما است فانی شود و
 آنچه نزدیک خداست، پاینده است و بدهیم صابران را مزد
 ایشان به حسب نیکوترین آنچه می‌کردند. ﴿۹۶﴾ هر که
 عمل نیک کرد مرد باشد یا زن و او مسلمان است، هرآینه
 زنده کنیمش به زندگانی پاک^(۲) و بدهیم آن جماعت را
 مزد ایشان به حسب نیکوترین آنچه می‌کردند. ﴿۹۷﴾ پس
 وقتی که خواهی قرآن خواندن، پناه طلب کن به خدا از
 شیطان رانده شده. ﴿۹۸﴾ هرآینه نیست شیطان را غلبه بر
 آنان که ایمان آوردند و به پروردگار خود توکل می‌کنند.
 ﴿۹۹﴾ جز این نیست که غلبه او بر آنان است که
 دوستداری او می‌کنند و آنان که ایشان به خدا شریک مقرر
 می‌کنند. ﴿۱۰۰﴾ و چون بدل کنیم آیتی به جای آیتی^(۳) و
 خدا داننده‌تر است به آنچه فرود می‌آرد، گویند: جز این
 نیست که تو افترا کننده‌ای. بلکه اکثر ایشان نمی‌دانند.
 ﴿۱۰۱﴾ بگو: فرود آورده است آن را روح القدس از
 جانب پروردگار تو به راستی، تا مستقیم سازد مؤمنان را و
 برای راه نمودن و مژده دادن، مسلمانان را. ﴿۱۰۲﴾

۱- مترجم گوید: یعنی در جهاد عهد کرده و قسم خورده دغا (عهد
 شکنی) کردن به سبب آن است که کافران من بعد قول ایشان را معتبر
 ندانند و به ایشان صحبت ندارند، بلکه مسلمانان در شبه افتند، والله
 اعلم.

۲- یعنی در دنیا نعمت دهیم.

۳- یعنی یک آیت به آیت دیگر، نسخ کنیم.

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ
 الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِي وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ
 مُّبِينٌ ﴿١١٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا
 يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١٤﴾ إِنَّمَا يَفْتَرِي
 الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ
 الْكَذِبُونَ ﴿١١٥﴾ مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا
 مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ
 شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ
 وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١٦﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ أُسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ
 الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
 الْكَافِرِينَ ﴿١١٧﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ
 وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿١١٨﴾ لَا
 جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْخَاسِرُونَ ﴿١١٩﴾ ثُمَّ إِنَّ
 رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا
 وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢٠﴾

و هر آینه ما می دانیم که کافران می گویند: جز این نیست
 که می آموزد این پیغامبر را آدمی. زبان کسی که نسبت
 می کنند به سوی او، عجمی است و این قرآن، به زبان
 عربی واضح است. ﴿۱۰۳﴾ هر آینه آنان که ایمان
 نمی آرند به آیات خدا، راه نمایند ایشان را خدا و ایشان را
 باشد عذاب درد دهنده. ﴿۱۰۴﴾ جز این نیست که افتراء
 می کنند دروغ را آنان که ایمان ندارند به آیت های خدا و
 ایشانند دروغگویان. ﴿۱۰۵﴾ هر که کافر شود به خدا بعد
 از ایمان خود- مگر آنکه جبر کرده شود بر وی و دلش
 آرمیده باشد به ایمان- و لیکن کسی که سینه گشاده کند
 به کفر (یعنی راضی شود)، بر ایشان است خشمی از خدای
 و ایشان راست، عذاب بزرگ. ﴿۱۰۶﴾ این خشم به سبب
 آن است که ایشان دوست داشتند زندگانی دنیا را بر
 آخرت و به سبب آن است که خدا راه نمی نماید گروه
 کافران را. ﴿۱۰۷﴾ ایشانند آن جماعت که مهر نهاده است
 خدا بر دل های ایشان و بر گوش ایشان و دیده های ایشان و
 ایشانند بی خبران. ﴿۱۰۸﴾ شک نیست در آن که ایشانند
 در آخرت، زیانکاران. ﴿۱۰۹﴾ باز پروردگار تو آنان را
 که هجرت کردند بعد از آنکه عقوبت کرده شد ایشان را
 [تا کلمه کفر بگویند]، باز جهاد کردند و صبر نمودند،
 هر آینه پروردگار تو بعد از این مقدمه، آمرزگار مهربان
 است. ﴿۱۱۰﴾

﴿يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَدِّلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ ﴿١١١﴾ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١١٢﴾ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١١٣﴾ فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١١٤﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ۖ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١١٥﴾ وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَلٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ﴿١١٦﴾ مَتَّعْ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١٧﴾ وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِن قَبْلُ ۖ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١١٨﴾

آن روز که بیاید هر شخصی جدال کنان از طرف ذات خود و به تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است و ایشان ستم کرده نشوند. ﴿۱۱۱﴾ و بیان کرد خدا داستان دیهی که بود ایمن آرمیده، می آمد به او روزی او به گشادگی از هر جای. پس ناسپاسی کرد به نعمت های خدا، پس چشاندید خدا آن را پوشش گرسنگی و ترس به سبب آنچه می کردند. ﴿۱۱۲﴾ و هر آینه آمد پیش ایشان پیغامبری از جنس ایشان، پس دروغی داشتندش، پس گرفت ایشان را عقوبت و ایشان ستمکار بودند^(۱). ﴿۱۱۳﴾ پس بخورید از آنچه خدا روزی داد شما را حلال پاکیزه و شکر کنید بر نعمت خدا اگر او را می پرستید ﴿۱۱۴﴾ جز این نیست که حرام ساخته است خدا بر شما مردار را و خون و گوشت خوک را و آنچه ذکر کرده شد نام غیر خدا بر ذبح وی، پس هر که بیچاره شد، نه ستم کرده و نه از حد گذشته، پس خدا آمرزگار مهربان است. ﴿۱۱۵﴾ و مگوئید چیزی را که بیان می کند [حکم او را] زبان شما به دروغ، آن حلال است و این حرام است تا افترا کنید بر خدا دروغ را، هر آینه آنان که افترا می کنند بر خدا دروغ را، رستگار نمی شوند. ﴿۱۱۶﴾ [ایشان را بُود] بهره اندک و ایشان را باشد عذاب درد دهنده. ﴿۱۱۷﴾ و بر یهود حرام کرده بودیم آنچه قصه خواندیم بر تو پیش از این (یعنی در سوره انعام) و ستم نکردیم بر ایشان و لیکن ایشان بر جان خویش ستم می کردند. ﴿۱۱۸﴾

۱- مترجم گوید: این قصه اجمالی، انتزاع کرده شده است از قصه های بسیار و منطبق است بر واقعه های بی شمار و لهذا مثل نامیده شد و در عبارت: ﴿أَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ﴾ جمع کرده شده است و تشبیه در یک سیاق، والله اعلم.

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ
بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ
رَحِيمٌ ﴿١١٩﴾ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ
يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٠﴾ شَاكِرًا لِلْنِّعَمِ اجْتَبَاهُ
وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٢١﴾ وَعَاتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا
حَسَنَةً وَإِنَّا فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٢٢﴾ ثُمَّ
أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ
مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٣﴾ إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ
اُخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ
فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٢٤﴾ أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ
بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ
أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ
وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿١٢٥﴾ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ
مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ ﴿١٢٦﴾
وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا
تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ ﴿١٢٧﴾ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ
اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ ﴿١٢٨﴾

باز هر آینه پروردگار تو آنان را که کار بد کردند به نادانی،
باز توبه کردند بعد از آن و شایسته کار شدند، هر آینه
پروردگار تو بعد از این توبه، آمرزگار مهربان است.
﴿۱۱۹﴾ هر آینه ابراهیم بود بزرگواری عبادت کننده برای
خدا، حنیفی کیش و نبود از مشرکان^(۱). ﴿۱۲۰﴾ سپاس
دارنده نعمتهای خدا را. برگزیدش خدا و دلالت نمودش به
سوی راه راست. ﴿۱۲۱﴾ و عطا کردیمش در این سرا،
نعمت و هر آینه او در آخرت از شایسته حالان است.
﴿۱۲۲﴾ بعد از آن وحی فرستادیم به سوی تو که پیروی
کن کیش ابراهیم را حنیف شده و نبود از مشرکان ﴿۱۲۳﴾
جز این نیست که لازم کرده شد تعظیم شنبه بر آنان که
اختلاف کردند در آن و هر آینه پروردگار تو حکم کند
در میان ایشان روز قیامت در آنچه اندر آن اختلاف
می کردند^(۲). ﴿۱۲۴﴾ دعوت کن (یعنی مردمان را) به سوی
راه پروردگار خویش به دانش و پند نیک و مناظره کن با
ایشان به طریقی که وی نیک است، هر آینه پروردگار تو
داناتر است به کسی که گمراه باشد از راه او و او داناتر
است به راه یابان. ﴿۱۲۵﴾ و اگر مکافات کنی، پس
مکافات کنی به مثل آنچه با شما معامله کرده شد و اگر
صبر کنی، هر آینه آن صبر بهتر است صابران را. ﴿۱۲۶﴾ و
شکیبایی کن و نیست شکیبایی تو مگر به توفیق خدا و
اندوه مخور بر ایشان و مباش در تنگدلی از آنکه بداندیشی
می کنند. ﴿۱۲۷﴾ هر آینه خدا با پرهیزگاران است و با
آنان که ایشان نکوکارانند. ﴿۱۲۸﴾

۱- مترجم گوید: حنیف آن را گویند که حج و ختنه و غسل جنابت
می کرده باشد، والله اعلم.

توضیح: حنیف آن را گویند که شرک و باطل را ترک کرده، بدین حق
مائل باشد. (صحیح).

۲- مترجم گوید: یعنی یهود بحث می کردند در شنبه. طائفه ای گفتند که
خدای تعالی روز شنبه از خلق فارغ شد، پس در شنبه عبادت باید کرد
و طائفه ای سکوت کردند. خدای تعالی تعظیم روز شنبه به این سبب بر
ایشان واجب گردانید، والله اعلم.

سُورَةُ الْاِسْرَاءِ

سوره اسراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ
 الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ
 لِنُرِيَهُ مِنْ عَايَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١﴾
 وَعَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي
 إِسْرَءِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلًا ﴿٢﴾ ذُرِّيَّةَ مَنْ
 حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ﴿٣﴾ وَقَضَيْنَا
 إِلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ
 مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا ﴿٤﴾ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ
 أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ
 فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ﴿٥﴾ ثُمَّ
 رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ
 وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ﴿٦﴾ إِنَّ أَحْسَنَكُمْ
 أَحْسَنَتْ لَأَنفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ
 الْآخِرَةِ لِيُسْئِلُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا
 دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا ﴿٧﴾

پاک است آن که بُرد بنده خود را شبی از مسجد حرام به
 سوی مسجد اقصی که برکت نهادیم گرداگرد آن، تا
 بنمایمش بعض نشانه‌های خود، هرآینه اوست شنوای
 بینا^(۱). ﴿۱﴾ و دادیم موسی را کتاب و ساختیمش هدایت،
 بنی اسرائیل را، [گفتیم]، که مگیرید جز من کارسازی.
 ﴿۲﴾ ای فرزندان قومی که برداشتیم ایشان را با نوح!
 (یعنی بر کشتی) هرآینه وی بود بنده سپاسدار. ﴿۳﴾ و
 وحی فرستادیم به سوی بنی اسرائیل در تورات که البته
 فساد خواهید کرد در زمین دوبار و البته طغیان خواهید کرد
 بسرکشی بزرگ. ﴿۴﴾ پس چون بیاید وعده نخستین بار از
 آن دو، بفریسیم بر شما بندگان خود را خداوندان کارزار
 سخت، پس درآیند میان خانه‌ها و هست وعده خدا
 کردنی^(۲). ﴿۵﴾ باز دهیم شما را غلبه بر ایشان و پی درپی
 دهیم شما را اموال و فرزندان و سازیم شما را بیشتر به
 اعتبار لشکر^(۳). ﴿۶﴾ [و گوییم]: اگر نیکوکاری کنید،
 نیکوکاری کرده باشید برای جان خویش و اگر بدکاری
 کنید، پس آن بدی، جان شما راست. پس چون بیاید وعده
 دیگر [باز بفرستیم بندگان خود را] تا ناخوش سازند روی
 شما را و تا درآیند به مسجد، چنانکه در آمده بودند اول
 بار. و تا از پا بیفکنند بر هر چه غالب شوند، افکندنی^(۴).

﴿۷﴾

۱- یعنی خدای تعالی در شب معراج پیش از صعود بر آسمان‌ها آن

حضرت ﷺ را به مسجد بیت المقدس رسانید.

۲- مترجم گوید: و این وعده متحقق شد به تسلط جالوت، پادشاه عمالقه.

۳- مترجم گوید: و این معنی در خلافت حضرت داود ظاهر شد.

۴- مترجم گوید: و این وعده متحقق شد وقتی که حضرت یحیی را

کشتند. پس بخت نصر را مسلط ساخت.

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُمْ عُدتَا
 وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا ﴿٨﴾ إِنَّ هَذَا
 الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ
 الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿٩﴾
 وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا
 أَلِيمًا ﴿١٠﴾ وَيَدْعُ الْإِنْسَنُ بِالْشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ
 الْإِنْسَنُ عَجُولًا ﴿١١﴾ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ
 فَمَحْوَا آيَةِ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصَرَةً
 لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السَّيِّئِينَ
 وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا ﴿١٢﴾ وَكُلَّ
 إِنْسَنٍ أَلْزَمْنَاهُ طَبِيرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ
 الْقِيَمَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا ﴿١٣﴾ أَقْرَأُ كِتَابَكَ كَفَىٰ
 بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾ مَّنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا
 يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا
 تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ
 رَسُولًا ﴿١٥﴾ وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا
 فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا
 ﴿١٦﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ
 بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿١٧﴾

[گوییم]: نزدیک است پروردگار شما آنکه رحم کند بر شما و اگر رجوع کنید به نافرمانی، ما رجوع کنیم به عقوبت، و ساختیم دوزخ را برای کافران، زندانی^(۱). ﴿۸﴾
 هرآینه این قرآن راه می‌نماید به خصلتی که آن درست‌تر

است و بشارت می‌دهد آن مسلمانان را که کارهای شایسته می‌کنند، به آنکه ایشان را باشد مزد بزرگ. ﴿۹﴾ و [خبر می‌دهد که] آنان که ایمان نیاورده‌اند به آخرت، آماده کرده‌ایم برای ایشان عقوبت درد دهنده. ﴿۱۰﴾ و دعا می‌کند آدمی به بدی^(۲)، مانند دعای وی به نیکویی و هست آدمی شتابکار. ﴿۱۱﴾ و ساختیم شب و روز را دو نشانه، پس بی‌نور ساختیم نشانه شب را و ساختیم نشانه روز را سبب دیدن اشیا، تا طلب کنید فضل را از پروردگار خود و تا بدانید شمار سال‌ها را و بدانید حساب را و هر چیزی را بیان کردیم به تفصیل. ﴿۱۲﴾ و به هر آدمی متصل ساختیم شامت عمل او را بسته در گردن او و بیرون آریم برای او روز قیامت، نامه‌ای که ببیند آن را باز گشاده. ﴿۱۳﴾ گوئیم بخوان نامه خود را. بس است نفس تو امروز بر تو حساب کننده. ﴿۱۴﴾ هر که راهیاب شد، پس جز این نیست که راهیاب می‌شود برای نفع خود و هر که گمراه شد، پس جز این نیست که گمراه می‌شود بر ضرر خود و بر ندارد هیچ بردارنده بار دیگری را و نیستیم ما عذاب کننده تا آنکه فرستیم پیغامبری را. ﴿۱۵﴾ و چون خواهیم که هلاک کنیم دیهی را می‌فرماییم به سرکشان آنجا (یعنی آنچه خواهیم از) پس نافرمانی کردند آنجا پس ثابت شد بر آن دیه وعده عذاب، پس برهم زدیم ایشان را برهم زدنی. ﴿۱۶﴾ و بساکس را هلاک کردیم از طبقات مردمان بعد نوح و بس است پروردگار تو به گناه بندگان خود، دانای بینا. ﴿۱۷﴾

۱- مترجم گوید: ایشان عود کردند به فساد و تکذیب حضرت عیسی

حضرت پیغامبر، جنگ کردند با او، پس خدای تعالی عود فرمود به

تعذیب ایشان به قتل و اسرو جزیه.

۲- مترجم گوید: یعنی در حالت تنگدلی بر خود و بر اولاد خود دعای بد

می‌کند.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ
لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا
مَدْحُورًا ﴿١٨﴾ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ
مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ﴿١٩﴾ كَلَّا نُمَدِّ
هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ
رَبِّكَ مُحْظُورًا ﴿٢٠﴾ أَنْظِرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى
بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا ﴿٢١﴾
لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَخْذُولًا
﴿٢٢﴾ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ
إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا
فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَوْفٍ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا
كَرِيمًا ﴿٢٣﴾ وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ
وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿٢٤﴾ رَبُّكُمْ
أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ
كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا ﴿٢٥﴾ وَعَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ
وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ
الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ
لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿٢٧﴾

هر که خواسته باشد [آسودگی] دنیا، به شتاب دهیم وی را
در آنجا هرچه خواهیم هر که را خواهیم، باز مقرر کنیم
برای او دوزخ، درآید به آن نکوهیده رانده شده. ﴿۱۸﴾ و
هر که بخواهد [ثواب] آخرت و سعی کند برای آن سعی
که لایق وی است و او مسلمان باشد، پس این جماعت
هست سعی ایشان مقبول. ﴿۱۹﴾ هر فرقه را پی‌درپی
می‌دهیم، این فرقه را و آن فرقه را از بخشش پروردگار تو
و نیست بخشش پروردگار تو باز داشته شده. ﴿۲۰﴾ بین
چگونه افزونی داده‌ایم بعضی مردمان را بر بعضی^(۱)،
هرآینه آخرت زیاده‌تر بود در تمیز درجات و بیشتر باشد
در افزونی دادن. ﴿۲۱﴾ مقرر مکن با خدا معبود دیگر را
آنگاه بنشینی نکوهیده بی‌یار مانده. ﴿۲۲﴾ و حکم کرد
پروردگار تو که: عبادت مکنید مگر خودش را و بکنید با
پدر و مادر نیکوکاری. اگر برسد نزدیک تو به کلال سالی
یکی از ایشان یا هر دو، پس مگو ایشان را اُف! و بانگ
مزن بر ایشان و بگو به ایشان سخن نیکو. ﴿۲۳﴾ و پست
کن برای ایشان بازوی تواضع را از جهت مهربانی و بگو:
ای پروردگار من! ببخشا بر ایشان، چنانکه پرورش کردند
مرا در خردسالی. ﴿۲۴﴾ پروردگار شما دانایتر است به
آنچه در ضمیر شماست. اگر باشید شایسته، پس هرآینه
وی هست رجوع کنندگان را، آمرزنده. ﴿۲۵﴾ و بده به
خداوندان قرابت، حق وی را و به درویش و به راهگذری،
و اسراف مکن اسراف کردنی. ﴿۲۶﴾ هرآینه اسراف
کنندگان هستند برادران شیاطین و هست شیطان به نسبت
پروردگار خود، ناسپاس. ﴿۲۷﴾

وَأَمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ أَبْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا ﴿٢٨﴾ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ﴿٢٩﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿٣٠﴾ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيرًا ﴿٣١﴾ وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿٣٢﴾ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا ﴿٣٣﴾ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنْ الْعَهْدُ كَانَ مَسْئُولًا ﴿٣٤﴾ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُم وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٣٥﴾ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ﴿٣٦﴾ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ﴿٣٧﴾ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِندَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ﴿٣٨﴾

و اگر روبگردانی از این جماعت به انتظار رزقی از پروردگار خود که امیدوار آن باشی، پس بگو ایشان را سخن ملایم. ﴿۲۸﴾ و مکن دست خود را بسته با گردن خود و مگشای آن را تمام گشادن، که آنگاه بنشینی ملامت کرده شده^(۱)، درمانده گشته^(۲). ﴿۲۹﴾ هرآینه پروردگار تو می‌گشاید و تنگ می‌کند روزی برای هر که خواهد، هرآینه او به بندگان خود دانای بیناست. ﴿۳۰﴾ و مکشید اولاد خود را از ترس تنگدستی. ما روزی می‌دهیم ایشان را و شما را، هرآینه کشتن ایشان هست گناهی عظیم. ﴿۳۱﴾ و نزدیک مشوید به زنا، هرآینه وی بی‌حیایی است و بد راهی است وی. ﴿۳۲﴾ و مکشید نفسی را که محترم ساخته است خدا، مگر به حق و هر که کشته شود به ستم، پس داده‌ایم وارث او را قوتی^(۳)، پس باید که زیادتى نکند در کشتن، هرآینه وی هست یاری داده شده. ﴿۳۳﴾ و نزدیک مشوید به مال یتیم، مگر به طریقی که او نیک است. تا آنکه رسد به نهایت قوت خود و وفا کنید به عهد، هرآینه عهد، پرسیده خواهد شد از او. ﴿۳۴﴾ و تمام کنید پیمانه را چون به پیمائید و بسنجید به ترازوی راست، این بهتر است و نیکوتر است از جهت عاقبت. ﴿۳۵﴾ و مرو پی چیزی که تو را دانش آن نیست، هرآینه گوش و چشم و دل هر یکی از اینها پرسیده خواهد شد از او. ﴿۳۶﴾ و مرو در زمین، خرامان^(۴)، هرآینه تو نخواهی شکافت زمین را و نرسی به کوه‌ها در درازی. ﴿۳۷﴾ همه این خصلت‌هاست، بد فعلی، آن نزدیک پروردگار تو ناپسندیده. ﴿۳۸﴾

۱- یعنی در صورت بخل.

۲- یعنی در صورت اسراف.

۳- یعنی حق قصاص.

۴- یعنی متکبرانه و مغرورانه.

ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ
 مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا ﴿٣٩﴾
 أَفَأَصْفِلْكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ
 الْمَلَائِكَةِ إِنثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا ﴿٤٠﴾
 وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ
 إِلَّا نُفُورًا ﴿٤١﴾ قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ
 إِذَا أَتَبَتَعُوا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ﴿٤٢﴾ سُبْحَنَهُ
 وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿٤٣﴾ تَسْبِيحٌ لَهُ
 السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ
 إِلَّا يَسْبِيحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ
 إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤٤﴾ وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ
 جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
 حِجَابًا مَسْتُورًا ﴿٤٥﴾ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ
 يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي
 الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوُا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ﴿٤٦﴾ نَحْنُ
 أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ
 نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا
 مَّسْحُورًا ﴿٤٧﴾ أَنْظِرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا
 فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿٤٨﴾ وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظْمًا
 وَرَفَتًا أَعِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٤٩﴾

این از آن جمله است که وحی فرستاده است به سوی تو
 پروردگار تو از علم و مقرر مکن با خدا معبودی دیگر را،
 آنگاه انداخته شوی در دوزخ، ملامت کرده شده رانده
 گشته. ﴿۳۹﴾ آیا برگزید شما را پروردگار شما به پسران و
 خود فرا گرفت از فرشتگان دختران را؟ هرآینه شما
 می گوید سخن گران. ﴿۴۰﴾ و هرآینه به هر نوع سخن
 گفتیم در این قرآن تا پندپذیر شوند و نمی افزاید در حق
 ایشان مگر رمیدن را. ﴿۴۱﴾ بگو: اگر بودندی با خدای
 معبودان دیگر، چنانکه می گویند، آنگاه طلب کردند به
 سوی خداوند عرش، راه منازعت را. ﴿۴۲﴾ پاک است
 وی و بلند است از آنچه می گویند، بلندی عظیم. ﴿۴۳﴾ به
 پاکی یاد می کنند او را آسمان های هفتگانه و زمین و هر
 که در میان اینهاست و نیست هیچ چیز مگر به پاکی یاد
 می کند با ستایش او و لیکن شما فهم نمی کنید یاد کردن
 ایشان را، هرآینه وی هست بردبار آمرزگار. ﴿۴۴﴾ و
 چون می خوانی قرآن را، می سازیم در میان تو و در میان
 آنان که باور نمی دارند آخرت را، پرده پوشیده. ﴿۴۵﴾ و
 می نهیم بر دل ایشان پوشش ها تا نفهمندش و در گوش
 ایشان گرانی را و چون یاد کنی پروردگار خود را در قرآن
 تنها، روگردان شوند بر جانب پشت های خود رمیده
 شده.^(۱) ﴿۴۶﴾ ما داناتریم به چیزی که می شنوند به سبب
 آن^(۲)، وقتی که گوش می نهند به سوی تو و وقتی که ایشان
 رازگویان باشند. وقتی که می گویند این ستمکاران: پیروی
 نمی کنید مگر مرد جادو کرده را. ﴿۴۷﴾ بنگر چگونه
 زدند داستان ها برای تو، پس گمراه شدند، پس نمی توانند
 راه یافتن. ﴿۴۸﴾ و گفتند: آیا چون شویم استخوانی چند و
 اعضای پوسیده از هم پاشیده، آیا ما برانگیخته شویم به
 آفرینش نو؟! ﴿۴۹﴾

۱- مترجم گوید: درین هر دو آیت، کنایت است از عدم انتفاع ایشان به
 قرآن و مواعظ.

۲- یعنی به قصد استهزا و عیبجویی.

قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا ﴿٥٠﴾ أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا ﴿٥١﴾ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٥٢﴾ وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿٥٣﴾ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنَّ يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِن يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿٥٤﴾ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَءَاتَيْنَا دَاوُدَ زُبُورًا ﴿٥٥﴾ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ رَزَعْتُمْ مِّنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ﴿٥٦﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ﴿٥٧﴾ وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَمَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿٥٨﴾

بگو: سنگ شوید یا آهن شوید. ﴿۵۰﴾ یا نوعی دیگر شوید از آنچه بزرگ نماید در خاطر شما. پس خواهند گفت: که باز پیدا کند ما را؟! بگو: کسی که آفرید شما را اول بار. باز پس خواهند جنابید به سوی تو سر خود را^(۱) و خواهند گفت: کی باشد آن؟ بگو شاید که نزدیک باشد. ﴿۵۱﴾ روزی که خدا بخواند شما را، پس قبول کنید خواندن او را حمدگویان و گمان کنید که درنگ نکرده بودید مگر اندکی. ﴿۵۲﴾ و بگو بندگان مرا که بگویند کلمه که آن بهتر است (یعنی با کفار)، هرآینه شیطان نزاع می‌افکند میان مردمان، هرآینه شیطان هست آدمی را دشمن آشکارا. ﴿۵۳﴾ [و مراد از این کلمه این است که] پروردگار شما داناتر است به حال شما. اگر خواهد رحم کند بر شما و اگر خواهد عقوبت کند شما را و نفرستادیم تو را [یا محمد] بر ایشان، نگاهبان^(۲). ﴿۵۴﴾ و پروردگار تو داناتر است به هر که در آسمان‌ها و زمین است و هرآینه فضل دادیم بعض پیغامبران را بر بعض و دادیم داود را زبور. ﴿۵۵﴾ بگو: بخوانید آنان را که گمان دارید [الوهیت در حق ایشان] بجز خدا، پس نتوانند برداشتن سختی را از شما و نه تغییر دادن. ﴿۵۶﴾ آنان که ایشان را می‌پرستند کافران، طلب می‌کنند به سوی پروردگار خویش قرب را که کدام یک از ایشان نزدیکتر باشد و توقع دارند کمال رحمت او را و می‌ترسند از عذاب او، هرآینه هست عذاب پروردگار تو بر حذر داشته شده. ﴿۵۷﴾ و نیست هیچ دیهی الا ما هلاک کننده وی‌ایم پیش از روز قیامت یا عذاب کننده وی‌ایم به عقوبت سخت هست این وعده در لوح نوشته شده. ﴿۵۸﴾

۱- یعنی ملزم خواهند شد.

۲- مترجم گوید: و این کلمه پیش از امر جهاد بود.

وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ وَعَآتَيْنَا مُوَدَّ النَّاقَةِ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا ﴿٥٩﴾ وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرَّعْيَا أَلَّتِي أَرَيْنَكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ﴿٦٠﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتُ طِينًا ﴿٦١﴾ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَنْ أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَذْهَبَ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا ﴿٦٣﴾ وَأَسْتَفْزِرُّ مِنْ أَصْطَفَعْتُ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبَ عَلَيْهِمْ بِخِيَلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿٦٤﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا ﴿٦٥﴾ رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

﴿٦٦﴾

و باز نداشت ما را که بفرستیم نشانه‌ها مگر آنکه دروغ شمرده بودند آن را پیشینیان. و دادیم ثمود را شتر ماده تا نشانه باشد، پس کافر شدند به وی و نمی‌فرستیم نشانه‌ها را مگر برای ترسانیدن. ﴿۵۹﴾ و یاد کن چون گفتیم تو را که: پروردگار تو در گرفته است همهٔ مردمان را. (یعنی در قدرت خود)، و نساختیم نمایی را که نمودیم به تو، مگر امتحانی مردمان را و نساختیم درختی را که نفرین کرده شد در قرآن [مگر امتحانی]، و می‌ترسانیم ایشان را، پس نمی‌افزاید ترسانیدن در حق ایشان مگر سرکشی بزرگ را.^(۱) ﴿۶۰﴾ و یاد کن چون گفتیم فرشتگان را: سجده کنید به سوی آدم، پس سجده کردند مگر ابلیس. گفت: آیا سجده کنم کسی را که آفریده‌ای از گل؟. ﴿۶۱﴾ باز گفت: آیا دیدی این شخص را که فضل داده‌ای بر من، اگر موقوف گذاری مرا تا روز قیامت، البته از بیخ برکنم اولاد او را مگر اندکی. ﴿۶۲﴾ خدا فرمود: برو! پس هر کسی که پیروی تو کند از ایشان، پس دوزخ سزای همهٔ شماست، سزای کامل. ﴿۶۳﴾ و از جا بجنبان هر که را توانی از ایشان به آواز خود و آواز بکن بر [هلاکت] ایشان سواران خود را و پیادگان خود را و شریک شو با ایشان در اموال و فرزندان و وعده ده ایشان را، و وعده نمی‌دهد ایشان را شیطان مگر به فریب.^(۲) ﴿۶۴﴾ هر آینه بندگان من، نیست تو را بر ایشان هیچ قدرتی و بس است پروردگار تو کارساز. ﴿۶۵﴾ پروردگار شما آن است که روان می‌کند برای شما کشتی‌ها را در دریا تا طلب معیشت کنید از فضل او، هر آینه او هست بر شما مهربان. ﴿۶۶﴾

۱- یعنی چون کافران قصهٔ معراج شنیدند و آیت: ﴿إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُومِ طَعَامُ الْأَثِيمِ﴾ [الدخان: ۴۳-۴۴]. به ایشان رسید، استبعاد کردند و محل طعن ساختند.

۲- مترجم گوید: و این تصویر است سعی شیطان را در گمراه کردن ایشان، مأخوذ از فعل رئیس دزدان، چون دهی را غارت کند برایشان نعره می‌زند و سواران و پیادگان خود را آواز می‌دهد که ازین سو بگریز و از آن سو بگریز.

وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا
 إِلَٰهَهُ فَلَمَّا نَجَّيْكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ
 كَفُورًا ﴿٦٧﴾ أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبُ الْبَرِّ أَوْ
 يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا
 ﴿٦٨﴾ أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ
 عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ
 ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلِيًّا بِهِ تَبِيعًا ﴿٦٩﴾ وَلَقَدْ
 كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ
 مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا
 تَفْضِيلًا ﴿٧٠﴾ يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمْهَمٍّ فَمَنْ أُوتِيَ
 كِتَابَهُ وَبِإِيمَانِهِ فَأُولَٰئِكَ يَفْرَهُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا
 يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧١﴾ وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ
 فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٧٢﴾ وَلِيَقْتَرِنُوا
 عَنِ الَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ لِتَقْتَرِيَ عَلَيْنَا
 غَيْرُهُ وَإِذَا لَا تَخْذُوكَ خَلِيلًا ﴿٧٣﴾ وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ
 لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا ﴿٧٤﴾ إِذَا
 لَأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ
 لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا ﴿٧٥﴾

و چون برسد به شما سختی در دریا، گم شود هر که او را
 می‌خوانید، مگر خدا، پس چون خلاص ساخت شما را به
 سوی خشکی، روگردان شوید و هست آدمی، ناسپاس.
 ﴿۶۷﴾ آیا ایمن شده‌اید از آنکه فرو برد شما را به جانبی
 از خشکی یا بفرستد بر شما باد تندی که سنگریزه افکند،
 باز نیاید برای خود هیچ نگاهبانی؟ ﴿۶۸﴾ آیا ایمن
 شده‌اید از آنکه باز در آرد شما را به دریا بار دیگر، پس
 بفرستد بر شما از جنس باد، باد تندی را پس غرق گرداند
 شما را به سبب آنکه کافر شدید، باز نیاید برای خود هیچ
 مؤاخذه کننده بر ما به سبب آن غرق. ﴿۶۹﴾ و هر آینه
 بزرگ ساختیم فرزندان آدم را و برداشتیم ایشان را در
 بیابان و در دریا^(۱) و روزی دادیم ایشان را از پاکیزه‌ها و
 فضل دادیم ایشان را بر بسیاری از آنچه آفریده‌ایم، فضل
 دادنی. ﴿۷۰﴾ روزی که بخوانیم هر فرقه را با پیشوای
 ایشان، پس هر که داده شده نامه اعمال او به دست راستش،
 پس آن جماعت بخوانند نامه خود را و ستم کرده نشوند
 مقدار یک رشته. ﴿۷۱﴾ و هر که باشد در دنیا کور^(۲)، وی
 در آخرت نیز کور است و خطا کننده‌تر است راه را.
 ﴿۷۲﴾ و هر آینه نزدیک بودند که به فریب بازدارند تو را
 از آنچه وحی فرستاده‌ایم به سوی تو، تا بر بندی بر ما غیر
 آن را و آنگاه دوست گرفتندی تو را. ﴿۷۳﴾ و اگر نه آن
 بودی که ثابت داشتیم تو را، نزدیک بودی که میل کنی به
 سوی ایشان، اندک میلی. ﴿۷۴﴾ آنگاه می‌چشانیدیم تو را
 دو چند عذاب زندگانی و دو چند عذاب مرگ، باز
 نمی‌یافتی برای خود مدد کننده‌ای بر ما. ﴿۷۵﴾

۱- یعنی بر دواب و کشتی.

۲- یعنی حقیقت را نبیند.

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا
وَإِذَا لَا يَلْبُثُونَ خِلْفَكَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٧٦﴾ سُنَّةَ مَنْ قَدْ
أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا ﴿٧٧﴾
أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ
الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا ﴿٧٨﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ
فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا
مُحْمَدًا ﴿٧٩﴾ وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ
وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَأَجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ
سُلْطَانًا نَصِيرًا ﴿٨٠﴾ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ
الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿٨١﴾ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ
شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا
خَسَارًا ﴿٨٢﴾ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَسَا
بِجَانِبِهِ ۖ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا ﴿٨٣﴾ قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ
عَلَى شَاكِلَتِهِ ۖ فَرُبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا
﴿٨٤﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي
وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٥﴾ وَلَئِنْ شِئْنَا
لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ
عَلَيْنَا وَكِيلًا ﴿٨٦﴾

و هر آینه نزدیک بود که بلغزانند تو را از زمین تا جلا
وطن کنند تو را از آنجا و آنگاه نماند پس از تو مگر
اندکی. ﴿۷۶﴾ مانند روش آنان که فرستاده ایم ایشان را
پیش از تو از پیغامبران خویش و نخواهی یافت روش ما را
تبدیلی^(۱). ﴿۷۷﴾ برپادار نماز را وقت زوال آفتاب تا
هجوم تاریکی شب و لازم گیر قرآن خواندن فجر را،
هر آینه قرآن خواندن فجر را حاضر می شوند فرشتگان.
﴿۷۸﴾ و بعضی شب بیدار باش به قرآن. شب خیزی زیاده
شد برای تو. نزدیک است که ایستاده کند تو را پروردگار
تو به مقامی پسندیده^(۲). ﴿۷۹﴾ و بگو: ای پروردگار من!
درآر مرا درآوردن پسندیده و بیرون آر مرا بیرون آوردن
پسندیده و ساز برای من از نزد خود، قوتی یاری دهنده^(۳).
﴿۸۰﴾ و بگو: آمد دین حق و نابود شد دین باطل، هر آینه
باطل است نابود شونده. ﴿۸۱﴾ و فرود می آیم از قرآن
آنچه وی شفا است و رحمت است مسلمانان را و نمی
افزاید در حق ستمکاران، مگر زیان را. ﴿۸۲﴾ و چون انعام
کنیم بر آدمی، روگرداند و پیچاند بازوی خود را و چون
رسد به وی سختی، ناامید باشد. ﴿۸۳﴾ بگو: هر کسی کار
می کند بر طریقه خود، پس پروردگار شما دانایتر است به
آنکه وی یابنده تر بود راه را. ﴿۸۴﴾ و سؤال می کنند تو را
از روح. بگو: روح از فرمان پروردگار من است و شما
نداده شده اید از علم، مگر اندکی. ﴿۸۵﴾ و اگر خواهیم
بیریم آنچه وحی فرستاده ایم به سوی تو، باز نیابی برای
خود به سبب آن بر ما کارسازی. ﴿۸۶﴾

۱- مترجم گوید: و این معنی روز بدر متحقق شد و جمعی که در پی ایدای
آن حضرت بودند مقتول شد و ﴿إِنْ كَادُوا﴾ به جهت این گفته شد که
وقت نزول آیت، قصد لغزائیدن داشتند و هنوز ملتجی به هجرت نکرده
بودند، والله اعلم.

۲- یعنی مقام شفاعت.

۳- یعنی در هر حال اعانت کن مرا، چه وقت دخول در آنجا چه وقت
خروج از آنجا.

إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا ﴿٨٧﴾
 قُل لِّمَنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَيَّ أَن يَأْتُوا بِمِثْلِ
 هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ
 لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ﴿٨٨﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا
 الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿٨٩﴾
 وَقَالُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ
 يَنْبُوعًا ﴿٩٠﴾ أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّن تَحِيلٍ وَعِنَبٍ
 فَتَفْجُرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا ﴿٩١﴾ أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ
 كَمَا رَعِمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا أَوْ تَأْتِيَ بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ
 قَبِيلًا ﴿٩٢﴾ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّن زُخْرٍ أَوْ تَرْفَى
 فِي السَّمَاءِ وَلَن نُّؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى تُنَزَّلَ عَلَيْنَا
 كِتَابًا نَقْرُؤُهُ قُل سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا
 رَسُولًا ﴿٩٣﴾ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمْ
 الْهُدَىٰ إِلَّا أَن قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا ﴿٩٤﴾ قُل
 لَّوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَّمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنزَّلْنَا
 عَلَيْهِم مِّن السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا ﴿٩٥﴾ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ
 شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا
 بَصِيرًا ﴿٩٦﴾

لیکن [باقی گذاشتنش] به سبب رحم از جانب پروردگار
 تو، هر آینه فضل وی بر تو بزرگ است. ﴿۸۷﴾ بگو: اگر
 جمع شوند آدمیان و جنّ بر آنکه بیارند مانند این قرآن،
 هرگز نیارند مانند آن و اگرچه باشد بعض ایشان بعض را
 مدد دهنده. ﴿۸۸﴾ وهر آینه گوناگون بیان کردیم برای
 مردمان در این قرآن از هر داستانی. پس قبول نکردند بیشتر
 مردمان، مگر ناسپاسی را. ﴿۸۹﴾ وگفتند: هرگز باور
 نداریم تو را، تا آنکه جاری کنی برای ما از زمین،
 چشمه‌ای. ﴿۹۰﴾ یا باشد تو را بوستانی از خرما و انگور،
 پس روان کنی جوی‌ها در میان آنها روان کردنی. ﴿۹۱﴾
 یا فرو آری آسمان را چنانچه گمان می کنی بر ما پاره پاره،
 یا بیاری خدا را و فرشتگان را روبه روی. ﴿۹۲﴾ یا باشد تو
 را خانه‌ای از زر یا بالا روی در آسمان و باور نداریم بالا
 رفتن تو را تا آنکه فرود آری بر ما نوشته‌ای که بخوانیم آن
 را، بگو: پاک است پروردگار من، نیستم من مگر آدمی‌ای
 فرستاده شده. ﴿۹۳﴾ و بازداشت مردمان را از آنکه ایمان
 آرند وقتی که آمد به ایشان هدایت، مگر آنکه گفتند: آیا
 خدای تعالی آدمی را پیغامبر فرستاده است؟! ﴿۹۴﴾ بگو:
 اگر می بودند در زمین فرشتگان که می رفتند آرمیده،
 هر آینه پیغامبر می فرستادیم بر ایشان از آسمان، فرشته را.
 ﴿۹۵﴾ بگو: بس است خدا گواه میان من و میان شما،
 هر آینه وی به بندگان خود دانای بیناست. ﴿۹۶﴾

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ
 أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ ۖ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَلَى
 وُجُوهِهِمْ عُمِيَآ وَبُكْمًا وَصَمًّا مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا
 خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا ﴿٩٧﴾ ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِأَنَّهُمْ
 كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظْمًا وَرُقَاقًا أَإِنَّا
 لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٩٨﴾ ۖ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ
 الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ
 مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ
 إِلَّا كُفُورًا ﴿٩٩﴾ قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي
 إِذَا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَثُورًا
 ﴿١٠٠﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَسَأَلَ
 بَنِي إِسْرَءِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي
 لَأَظُنُّكَ يَمُوسَى مَسْحُورًا ﴿١٠١﴾ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا
 أَنزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَآئِرٍ وَإِنِّي
 لَأَظُنُّكَ يَفِرْعَوْنُ مَثْبُورًا ﴿١٠٢﴾ فَأَرَادَ أَنْ يَسْتَفِزَّهُمْ مِنَ
 الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا ﴿١٠٣﴾ وَقُلْنَا مِنْ
 بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَءِيلَ أَكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ
 الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا ﴿١٠٤﴾

وهرکه راه نمودش خدا، همونست راهیاب و هرکه گمراه
 سازدش نیابی برای ایشان دوستانی بجز خدا و برانگیزیم
 ایشان را روز قیامت [روان شده] بر خویش نابینا و گنگ و
 کر ساخته. جای ایشان دوزخ است، هرگاه فرونشینند،
 بیفزاییم بر ایشان آتش را. ﴿٩٧﴾ این است جزای ایشان
 به سبب آنکه کافر شدند به نشانه‌های ما و گفتند: آیا چون
 شویم استخوانی چند و اعضای از هم پاشیده، آیا برانگیخته
 شویم به آفرینش نو؟ ﴿٩٨﴾ آیا ندیده‌اند که آن خدایی
 که آفریده آسمان‌ها و زمین را، تواناست که بیافریند مانند
 ایشان؟ و ساخته است برای ایشان میعادى که هیچ شبهه
 نیست در آن. پس قبول نکردند ستمکاران مگر انکار را.
 ﴿٩٩﴾ بگو: اگر می‌بودید شما مالک خزانة‌های بخشش
 پروردگار مرا، آنگاه نیز بخیلی می‌کردید به ترس آنکه
 همه را خرج کنید و هست آدمی بخل کننده. ﴿١٠٠﴾ و
 هرآینه دادیم موسی را نه نشانه روشن. پس پیرس از بنی
 اسراییل چون آمد به ایشان، پس گفت او را فرعون:
 هرآینه می‌پندارم تو را ای موسی! جادو کرده شده.
 ﴿١٠١﴾ گفت: هرآینه تو دانسته‌ای نفرستاده است این
 نشانه‌ها را مگر پروردگار آسمان‌ها و زمین. دلیل‌ها فرستاده
 است آنها را و هرآینه من می‌پندارم تو را ای فرعون!
 هلاک شده. ﴿١٠٢﴾ پس خواست که بجنبد بنی اسراییل
 را از زمین، پس غرق ساختیم او را و آنان را که همراه او
 بودند، همه یکجا. ﴿١٠٣﴾ و گفتیم پس از وی بنی
 اسراییل را: ساکن شوید در زمین، پس چون بیاید وعده
 آخرت، بیاریم شما را درهم آمیخته. ﴿١٠٤﴾

وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿١٠٥﴾ وَقرءانًا فرقتنه ليقرأه على الناس على مكث ونزلناه تنزيلاً ﴿١٠٦﴾ قُلْ ءَامِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا ﴿١٠٧﴾ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبَّنَا إِن كَان وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ﴿١٠٨﴾ وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ﴿١٠٩﴾ قُلْ أَدْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿١١٠﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِيلِ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا ﴿١١١﴾

و به راستی فروفرستاده ایم قرآن را و به راستی فرود آمده است. و نفرستادیم تو را مگر مژده دهنده و ترساننده. ﴿۱۰۵﴾ و قرآن را به تفریق فرستادیم تا بخوانی آن را بر مردمان به درنگ و به دفعات و فروفرستادیم آن را فروفرستادنی. ﴿۱۰۶﴾ بگو: ایمان آرید به آن یا ایمان نیارید، هرآینه آنان که داده شد ایشان را علم پیش از این، چون خوانده می شود بر ایشان، می افتند بر روهای خود، سجده کنان. ﴿۱۰۷﴾ و گویند: پاکی پروردگار ما راست، هرآینه هست وعده پروردگار ما کردنی. ﴿۱۰۸﴾ و می افتند بر خویش، خویش گریه کنان و می افزاید قرآن در ایشان فروتنی را. ﴿۱۰۹﴾ بگو: بخوانید خدای را یا بخوانید رحمن را. هر کدام که بخوانید [خوب باشد]، پس خدای راست نام های نیکو و این همه بلند مخوان نماز خود را و این همه پست مخوان آن را و بجوی میان این و آن، راهی. ﴿۱۱۰﴾ و بگو ستایش خدای راست که هیچ فرزند نگرفته است و نیست او را هیچ شریکی در پادشاهی و نیست او را کارسازی به سبب ناتوانی و به تعظیم یاد کن او را، تعظیم کردنی. ﴿۱۱۱﴾

سُورَةُ الْكَهْفِ

سوره كهف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا ﴿١﴾ قَيِّمًا لِيُنْذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا ﴿٢﴾ مَّا كُنْتُمْ فِيهِ أَبَدًا ﴿٣﴾ وَيُنْذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ﴿٤﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان

همه ستایش، آن خدای راست که فروفرستاد بر بنده خود کتاب و پیدانه کرد در وی هیچ کجی. ﴿۱﴾ ساخت او را راست تا بترساند از عقوبت سخت، از نزدیک خدا و تا مژده دهد آن مسلمانان را که می کنند کارهای شایسته به آنکه ایشان راست مزد نیک. ﴿۲﴾ باشندگان در وی همیشه. ﴿۳﴾ و تا ترساند آنان را که گفتند: خدا فرزند گرفته است. ﴿۴﴾

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنَّ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا ﴿٥﴾ فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَرِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا ﴿٦﴾ إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ﴿٧﴾ وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ﴿٨﴾ أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ﴿٩﴾ إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ﴿١٠﴾ فَضَرْبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ﴿١١﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا ﴿١٢﴾ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى ﴿١٣﴾ وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا ﴿١٤﴾ هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِم بِسُلْطَنِ بَيِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ﴿١٥﴾

نیست ایشان را هیچ دانش به آن و نه پدران ایشان را بود. سخت است این سخن که بر می آید از دهان ایشان، نمی گویند مگر دروغ. ﴿۵﴾ پس مگر تو کشنده ای نفس خود را بر پی ایشان اگر ایمان نیارند به این سخن، از جهت اندوه. ﴿۶﴾ هر آینه ما ساخته ایم هر چیزی را که بر زمین است، آرایش آن را. تا امتحان کنیم ایشان را کدام کس از ایشان نیکوتر است در عمل. ﴿۷﴾ و هر آینه ما البته معدوم خواهیم ساخت هر چیزی را که بر وی است میدان هموار بی گیاه مانده. ﴿۸﴾ آیا پنداشتی که اصحاب غار و نوشته ^(۱) از جمله نشانه های ما، عجب بودند؟! ﴿۹﴾ چون آرام گرفتند جوانان چند به سوی غار، پس گفتند: ای پروردگار ما! بده ما را از نزد خود بخششی و آماده ساز برای ما راهیابی را در کار ما. ﴿۱۰﴾ پس پرده گذاشتیم بر گوش ایشان در غار (یعنی خوابانیدیم) سال های شمرده شده. ﴿۱۱﴾ باز برانگیختیم ایشان را تا بدانیم کدام یک از دو گروه، یاد داشته است مقداری که درنگ کردند مدت از زمان ﴿۱۲﴾ ما می خوانیم بر تو خبر ایشان به راستی، هر آینه ایشان جوانان چند بودند که ایمان آوردند به پروردگار خویش و زیاده دادیم ایشان را هدایت. ﴿۱۳﴾ و رشته بستیم بر دل ایشان ^(۲) چون ایستادند. پس گفتند: پروردگار ما همان پروردگار آسمان ها و زمین است، هر آینه نخواهیم پرستیدن بجز وی معبودی را، هر آینه گفته باشیم آنگاه سخن دروغ. ﴿۱۴﴾ این قوم ما خدایان گرفتند بجز خدا. چرا نمی آرند بر ثبوت آن خدایان دلیلی واضح؟ پس کیست ستمکارتر از کسی که بر بست بر خدا دروغ را؟ ﴿۱۵﴾

۱- یعنی نوشته که بر دیوار غار.

۲- یعنی دل های ایشان را استوار ساختیم.

وَإِذْ أَعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْرَأَ إِلَى
الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَهَيِّئْ
لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرِّفَقًا ﴿١٦﴾ وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا
طَلَعَتْ تَزَوُّرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ
تَقَرَّبُضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ
آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِلْ
فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا ﴿١٧﴾ وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ
رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُمْ
بَسِطٌ ذِرَاعِيهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ
مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمْلَمْتَ مِنْهُمْ رُعبًا ﴿١٨﴾ وَكَذَلِكَ
بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ
لَبِثْنَا قَالَ لَيْسَ بِنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضُ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ
أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ
إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ
بَرَزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ﴿١٩﴾
إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي
مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذَا أَبَدًا ﴿٢٠﴾

می کندش، پس نیابی او را هیچ دوستِ راه نماینده^(۱).
﴿۱۷﴾ و پنداری ای بیننده، ایشان را بیدار و ایشان خفته اند
و می گردانیم ایشان را به جانب راست و جانب چپ و
سگ ایشان گشاده کرده است دو دست خود را بر عتبه
دروازه. اگر اطلاع یابی بر ایشان، البته رو بگردانی از ایشان
به طریق گریختن و پر شوی از ایشان به ترس^(۲). ﴿۱۸﴾ و
هم چنین برانگیختیم ایشان را تا عاقبت با یکدیگر سؤال
کنند در میان خود. گفت گوینده ای از ایشان: چقدر
درنگ کردید؟ گفتند: درنگ کردیم یک روز یا بعض
روز. باز گفتند: پروردگار شما دانایتر است به مقدار درنگ
کردن شما. پس بفرستید یکی را از میان خود به این نقره
خود به سوی شهر، پس باید که تأمل کند کدام یک از
اطعمه این شهر، طعام پاکیزه تر است، پس بیارد به شما
قوتی از آن و باید که به سبکی آمد و رفت کند و خبردار
نکند به حال شما هیچ کس را. ﴿۱۹﴾ هر آینه این کافران
اگر قدرت یابند بر شما، سنگسار کنند شما را یا باز آرند
شما را در دین خود و رستگار نخواهید شد آنگاه هرگز.
﴿۲۰﴾

۱- مترجم گوید: به خاطر فاطر می رسد که دیوار جنوبی كهف آن قدر بلند
است که سایه اصلی او در تمام سال محل خفتن ایشان را می پوشاند و
دیوار شرقی و غربی آن متصل دیوار جنوبی بلندترست و پایه به پایه
منحط شده و این جماعت سر به جانب شمال پا به جانب جنوب کرده
خفته اند. پس وقتی که طلوع کند نور آفتاب بر دیوار غربی و بعضی
صحن غار افتد و هر چند ارتفاع زیاده گردد بلندی دیوار شرقی از
وصول نور به ایشان مانع آید و نور جانب راست ایشان منتقل شود به
جانب سر که جهت شمال است و در وقت استوا بجز سایه اصلی دیوار
جنوبی نمی ماند و چون آفتاب مائل به غروب شود، نور آفتاب بر دیوار
شرقی افتد و آهسته بر سر دیوار مرتفع گردد و آن جانب چپ ایشان
است.

۲- مترجم گوید: و چنانکه خفتن ایشان را نشانه ساختیم.

و چون یک سو شوید ای یاران از این کافران و یک سو
شوید از آنچه می پرستند ایشان بجز خدا، پس آرام گیرید
به سوی غار تا فراخ کند بر شما پروردگار شما بخشایش
خود را و مهیا سازد برای شما منفعت را در کار شما.
﴿۱۶﴾ و بینی ای بیننده! آفتاب را وقتی که طالع شود،
میل کند از غار ایشان به جانب راست و چون غروب شود،
تجاوز می کند از ایشان به جانب چپ و ایشان در
گشادگی اند از غار. این از نشانه های خداست. هر که راه
نمایدش خدا، هم اوست راه یابنده و هر که گمراه

وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَن وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا ﴿٢١﴾ سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٢٢﴾ وَلَا تَقُولَنَّ لِشَايٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ﴿٢٣﴾ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنَّ رَبِّي لِأَقْرَبٍ مِنْ هَٰذَا رَشْدًا ﴿٢٤﴾ وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا ﴿٢٥﴾ قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا ﴿٢٦﴾ وَأَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿٢٧﴾

و همچنین خبردار گردانیدیم مردمان را به حال ایشان تا بدانند که وعده خدا راست است و آنکه قیامت هیچ شبهه نیست در آن. وقتی که نزاع می کردند آن مردمان در میان خود در مقدمه ایشان، پس گفتند: عمارت کنید بر غار ایشان خانه ای. پروردگار ایشان داناتر است به حال ایشان. پس گفتند آنان که قدرت یافتند بر مقدمه ایشان: البته بسازیم بر غار ایشان مسجدی. ﴿۲۱﴾ جمعی خواهند گفت: اصحاب كهف سه کسانند و چهارم ایشان سگ ایشان است و جمعی خواهند گفت که: پنج کسانند، ششم ایشان، سگ ایشان است. تهمتی افکنند غایبانه و نیز می گویند: هفت کسانند و هشتم ایشان، سگ ایشان است. بگو: پروردگار من داناتر است به شمار ایشان، نمی داند ایشان را مگر اندک کسی، پس گفتگو مکن در باره ایشان مگر گفتگوی سرسری و سؤال مکن در باب ایشان هیچ کس را از کافران. ﴿۲۲﴾ و مگو هیچ چیزی را که من البته خواهم کرد آن را فردا. ﴿۲۳﴾ مگر مقرون به ذکر مشیت خدا^(۱) و یاد کن پروردگار خود را وقتی که فراموش کنی^(۲) و بگو: توقع است که دلالت کند مرا پروردگار من به راهی نزدیکتر به اعتبار راستی [از آنچه کافران می گویند]. ﴿۲۴﴾ و درنگ کرده بودند در غار خود سه صد سال و افزودند نه سال دیگر. ﴿۲۵﴾ بگو: خدا داناتر است به مقداری که درنگ کردند. او راست علم غیب آسمانها و زمین. چقدر بینا است و چقدر شنوا است. نیست ایشان را بجز وی هیچ کارسازی و شریک نمی گیرد در حکم خود هیچ کس را. ﴿۲۶﴾ و بخوان آنچه وحی فرستاده شد به سوی تو از کتاب پروردگار تو. و هیچ کس تبدیل کننده نیست حکمهای وی را و نیایی بجز وی هیچ پناهی. ﴿۲۷﴾

۱- یعنی بگو: خواهم کرد إن شاء الله تعالی.

۲- یعنی باز متنبه شوی.

وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ
وَالْعِشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۖ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ
تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ
عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا ﴿٢٨﴾ وَقُلِ
الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ ۖ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ
فَلْيُكْفُرْ ۖ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ
سُرَادِقُهَا ۚ وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي
الْوُجُوهَ ۚ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٢٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ
ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ
أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿٣٠﴾ أُولَٰئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي
مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُجْلُونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ
وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ
مُتَّكِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعَمَ الثَّوَابِ وَحَسَنَتِ
مُرْتَفَقًا ﴿٣١﴾ ۖ وَأَضْرَبَ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا
لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَبٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ
وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا ﴿٣٢﴾ كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ ءَاتَتْ أُكْلَهَا
وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهْرًا ﴿٣٣﴾ وَكَانَ
لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ
مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ﴿٣٤﴾

و بند کن خود را با آنان که یاد می کنند پروردگار خود را
به صبح و شام، می خواهند روی او را، و باید که نگذرد
چشم های تو از ایشان، طلب کنان آرایش زندگانی دنیا را
و فرمان مبر آن را که غافل ساخته ایم دل او را از یاد خویش
و پیروی کرده است خواهش خود را و هست کار او از
حد گذشته. ﴿۲۸﴾ و بگو: این سخن راست است آمده از
پروردگار شما، پس هر که خواهد ایمان آورد و هر که
خواهد کافر شود، هر آینه ما مهیا کرده ایم برای ستمکاران
آتشی را، در بگیرد ایشان را سراپرده های او و اگر فریاد
کنند، به داد ایشان رسیده شود به نوشاندن آبی مانند مس
گداخته، بریان کند روی ها را، آن بد آشامیدنی است و
دوزخ بد آرامگاهی است. ﴿۲۹﴾ هر آینه آنان که ایمان
آوردند و کردند کارهای شایسته، هر آینه ما ضایع نکنیم
مزد کسی که نیکو کرده است کار را. ﴿۳۰﴾ این
جماعت، ایشان راست بوستان های همیشه ماندن، می رود
زیر ایشان نهرها، زیور داده شوند آنجا دستوانه ها از زر و
می پوشند جامه های سبز از دیبای نازک و دیبای لُک،
تکیه کنان آنجا بر تخت ها. این نیک جزاست و بهشت نیکو
آرامگاهی است. ﴿۳۱﴾ و بیان کن برای ایشان داستانی
قصه دو شخص که دادیم به یکی از ایشان دو بوستان از
درخت انگور و گرداگرد آن پیدا کردیم درختان خرما و
پیدا کردیم در میان این دو بوستان، زراعت را. ﴿۳۲﴾ هر
دو بوستان آوردند میوه های خود و هیچ کم نکرده از میوه
و جاری ساختیم میان آنها جوی آب. ﴿۳۳﴾ و بود او را
میوه های بسیار، پس گفت همنشین خود را و او گفتگو
می کرد به آن همنشین: من بیشترم از تو در مال و غالبترم به
اعتبار حشم. ﴿۳۴﴾

وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ ۖ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا ﴿٣٥﴾ وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا ﴿٣٦﴾ قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاهُ رَجُلًا ﴿٣٧﴾ لَّكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٣٨﴾ وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ۚ إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا ﴿٣٩﴾ فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا ﴿٤٠﴾ أَوْ يُصْبِحَ مَأْوَاهَا غَوْرًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا ﴿٤١﴾ وَأُحِيط بِشَمْرِهِ ۖ فَاصْبَحْ يُقَلِّبُ كَفِّهِ عَلَىٰ مَا أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٤٢﴾ وَلَمْ تَكُن لَّهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ ۚ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا ﴿٤٣﴾ هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ ۖ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا ﴿٤٤﴾ وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا ۖ أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا ﴿٤٥﴾

و درآمد به بوستان خود ستم کرده بر خویش. گفت: نمی‌پندارم که هلاک شود این بوستان، هیچ‌گاه. ﴿۳۵﴾ و گمان ندارم که قیامت متحقق شود و بالفرض اگر باز گردانیده شوم به سوی پروردگار خود، هرآینه خواهم یافت بازگشتی بهتر از این بوستان‌ها. ﴿۳۶﴾ گفت او را همنشین او و او گفتگو می‌کرد با وی: آیا کافر شدی به آن خدایی که پیدا کرد تو را از خاک، باز از نطفه، باز تو را مرد ساخت؟ ﴿۳۷﴾ لیکن من اعتقاد دارم که الله پروردگار من است و شریک مقرر نمی‌کنم با پروردگار خود، هیچ‌کس را. ﴿۳۸﴾ و چون در آمدی به بوستان خود چرا نگفتی: آنچه خدا خواسته است، شدنی است، نیست هیچ توانایی مگر به مشیت خدا. اگر می‌بینی مرا کمتر از خود در مال و فرزند. ﴿۳۹﴾ پس شاید که پروردگار من بدهد مرا بهتر از بوستان تو و شاید که فرستد بر بوستان تو عذابی از آسمان، پس گردد زمین بی‌گیاه لغزنده پای. ﴿۴۰﴾ یا شود آب او فرو رفته پس نتوانی آن را جستن. ﴿۴۱﴾ و به عقوبت احاطه کرده شده میوه‌های او. پس بامداد کرد، می‌مالید دو دست خود را به حسرت بر آنچه خرج کرد در عمارت آن و آن افتاده بود بر سقف‌های خود و می‌گفت: ای کاش! شریک مقرر نکردمی با پروردگار خود هیچ‌کس را! ﴿۴۲﴾ و نبود او را هیچ جماعتی که یاری دهندش بجز خدا و نبود خود انتقام گیرنده. ﴿۴۳﴾ اینجا ثابت که کارسازی، خدای همیشه باشنده راست، وی بهتر است از روی ثواب دادن و وی بهتر است از روی جزا دادن. ﴿۴۴﴾ و بیان کن برای ایشان داستان زندگانی دنیا که وی مانند آبی است که فروفرستادیمش از آسمان، پس درهم پیچید به سبب وی رستنی زمین، پس شد آخر کار در هم شکسته، می‌پرانیدش بادها و هست خدا بر همه چیز توانا. ﴿۴۵﴾

الْمَالِ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ﴿٤٦﴾ وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٤٧﴾ وَعَرِضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ﴿٤٨﴾ وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يُيَوَّلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظِلُّمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿٤٩﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ﴿٥٠﴾ مَّا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا ﴿٥١﴾ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا ﴿٥٢﴾ وَرَعَا الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا ﴿٥٣﴾

مال و فرزندان، آرایش زندگانی دنیا است و حسنات پاینده شایسته، بهتراند نزدیک خدای تو از روی ثواب و خوبترند از جهت امید داشتن. ﴿۴۶﴾ و آن روز روان کنیم کوه‌ها را و بینی زمین را ظاهر شده و جمع سازیم مردمان را، پس نگذاریم از ایشان هیچ کس را. ﴿۴۷﴾ و روبه‌رو آورده شوند بر پروردگار تو صف کشیده، گویم: هرآینه آمدید پیش ما چنانکه آفریده بودیم شما را اول بار. بلکه می‌پنداشتید که نخواهیم ساخت برای شما وعده گاهی. ﴿۴۸﴾ و در میان نهاده شود نامه اعمال، پس بینی گناهکاران را ترسان از آنچه در آن است و می‌گویند: ای وای بر ما! چه حال است این نامه را! نمی‌گذارد هیچ معصیت خرد را و نه بزرگ را، مگر احاطه کرده است آن را، و بیابند هرچه کرده بودند حاضر و ستم نکند پروردگار تو بر هیچ کس. ﴿۴۹﴾ و یاد کن چون گفتیم به فرشتگان: سجده کنید آدم را، پس سجده کردند مگر ابلیس، بود از جن. پس بیرون شد از فرمان پروردگار خود. ای مردمان! آیا دوست می‌گیرید او را و فرزندان او را بجز من، و ایشان شما را دشمنند. شیطان بد عوض است ستمکاران را. ﴿۵۰﴾ حاضر نکرده بودم ایشان را نزدیک آفریدن آسمان‌ها و زمین و نه هنگام آفریدن خودشان و نیستم مددگار گیرنده، گمراهان راه. ﴿۵۱﴾ و روزی که گوید خدای تعالی: ای مشرکان! ندا کنید شریکان مرا که گمان می‌نمودید، پس ندا کنند آن جماعت را و آن جماعت قبول نکنند ندای ایشان را و ساختیم در میان ایشان مهلکه. ﴿۵۲﴾^(۱) و بینند گناهکاران آتش را و بفهمند که ایشان افتادگانند در وی و نیابند از آن، جای بازگشت. ﴿۵۳﴾

۱- یعنی وادی از وادی‌هایی دوزخ تا یکی به دیگری نتواند رسید.

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ
وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ﴿٥٤﴾ وَمَا مَنَعَ
النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا
رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ
قُبُلًا ﴿٥٥﴾ وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ
وَمُنْذِرِينَ وَيَجِدُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ
لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا
﴿٥٦﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ
عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ
أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى
الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا ﴿٥٧﴾ وَرَبُّكَ الْغَفُورُ
الرَّحِيمُ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلْ لَهُمُ الْعَذَابُ
بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْيلًا ﴿٥٨﴾ وَتِلْكَ
الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ
مَوْعِدًا ﴿٥٩﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ
مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ
بَيْنَهُمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا

﴿٦١﴾

و هر آینه گوناگون بیان کردیم در این قرآن برای مردمان
هر نوع داستان و هست آدمی بیشتر از همه چیز در
خصوصت. ﴿٥٤﴾ و باز نداشت مردمان را از آنکه ایمان
آرند، چون پیامد به ایشان هدایت و از آنکه طلب آموزش
کنند از پروردگار خود، مگر انتظار به آنکه بیاید بدیشان
روش پیشینان یا بیاید به ایشان عقوبت گوناگون شده.
﴿٥٥﴾ و نمی فرستیم پیغامبران را مگر بشارت دهنده و
ترساننده و خصوصت می کنند کافران به شبهه بیهوده تا
بلغزانند به سبب آن سخن حق را و تمسخر گرفتند آیات
مرا و چیزی را که به آن ترسانیده شوند. ﴿٥٦﴾ و کیست
ستمکارتر از کسی که پند داده شد به آیات پروردگار
خویش، پس روگردان گشت از آن و فراموش کرد آنچه
پیش فرستاده است دو دست وی، هر آینه ما ساخته ایم بر
دل ایشان پرده ها تا نفهمند قرآن را و ساختیم در گوش های
ایشان گرانی و اگر بخوانی ایشان را به سوی هدایت، راه
نیابند آنگاه هرگز. ﴿٥٧﴾ و پروردگار تو آمرزنده خداوند
رحمت است. اگر مؤاخذه کردی ایشان را به آنچه
کرده اند، شتاب فرستادی بدیشان عقوبت را، بلکه ایشان را
میعادی هست که نیابند این طرف از آن پناهی. ﴿٥٨﴾ و
این دیه ها را هلاک کردیم، چون ستم کردند و مُعَيَّن
کردیم برای هلاک ایشان میعادی. ﴿٥٩﴾ و یاد کن چون
گفت موسی نوجوان خود را: همیشه راه میروم تا آنکه
برسم به محل جمع شدن دو دریا یا بروم مدت های دراز.
﴿٦٠﴾ پس چون رسیدند به محل جمع شدن دو دریا،
فراموش کردند ماهی خود را، پس راه خود گرفت در دریا
مانند نقبی. ﴿٦١﴾

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ ءَاتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنَسْنِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا ﴿٦٣﴾ قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَأَرْتَدَّا عَلَىٰ ءَانَارِهِمَا قَصَصًا ﴿٦٤﴾ فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا ءَاتِيْنَهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَهُ مِنَ لَّدُنَّا عِلْمًا ﴿٦٥﴾ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَ مِنَّمَا عَلَّمْتَ رُشْدًا ﴿٦٦﴾ قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٦٧﴾ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا ﴿٦٨﴾ قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ﴿٦٩﴾ قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿٧٠﴾ فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا ﴿٧١﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٢﴾ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ﴿٧٣﴾ فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتُ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُّكَرًا ﴿٧٤﴾

پس چون گذشتند، گفت موسی نوجوان خود را: بیار برای ما طعام چاشت ما را، هر آینه رنج یافتیم از این سفر خود. ﴿۶۲﴾ گفت: آیا دیدی چون آرام گرفتیم تکیه کرده به سنگی، پس من فراموش کردم ماهی را؟ [یعنی آنجا] و فراموش نساخت مرا از آنکه یاد کنم قصه آن، مگر شیطان و راه خود گرفت در دریا به نهج عجیب. ﴿۶۳﴾ گفت موسی: این بود آنچه می‌جستیم، پس بازگشتند بر نشان اقدام خود تفحص کنان. ﴿۶۴﴾ پس یافتند بنده‌ای را از بندگان ما که دادیم او را حمّتی از نزدیک خود و آموختیم او را از نزدیک خود علمی^(۱). ﴿۶۵﴾ گفت او را موسی: آیا پیروی تو کنم به شرط آنکه بیاموزانی مرا از آنچه آموخته شدی از راهیابی؟ ﴿۶۶﴾ گفت: هر آینه تو نتوانی با من شکیبایی کردن. ﴿۶۷﴾ و چگونه شکیبایی کنی بر چیزی که در نگرفته‌ای آن را از روی دانش؟! ﴿۶۸﴾ گفت: خواهی یافت مرا اگر خدا خواسته است شکیبا خلاف نکنم با تو در هیچ فرمانی ﴿۶۹﴾ گفت: اگر پیروی من می‌کنی، پس سؤال مکن از من از هیچ چیز تا آنکه خود آغازم برای تو از حال آن بیانی. ﴿۷۰﴾ پس راه رفتند تا وقتی که سوار شدند در کشتی، خضر شکاف کرد آن را. گفت موسی: آیا شکافتی کشتی را تا غرق کنی اهل آن را؟! هر آینه آوردی چیزی عظیم را. ﴿۷۱﴾ گفت: آیا نگفته بودم که تو نتوانی با من شکیبایی کردن؟ ﴿۷۲﴾ گفت موسی: مؤاخذه مکن با من به آنچه فراموش کردم و بر سر من مینداز در مقدمه من سختی را. ﴿۷۳﴾ پس راه رفتند تا وقتی که برخوردند با نوجوانی، پس خضر بگشت او را، گفت موسی: آیا کشتی نفس پاک را به غیر قصاص نفسی؟! هر آینه آوردی شیء ناپسندیده. ﴿۷۴﴾

﴿۷۵﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَّكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿۷۵﴾
 قَالَ إِنْ سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَحِّبْنِي ۖ قَدْ
 بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا ﴿۷۶﴾ فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ
 قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّقُوهُمَا فَوَجَدَا
 فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ ۚ قَالَ لَوْ شِئْتُ
 لَتَخَذْتُ عَلَيْهِ أَجْرًا ﴿۷۷﴾ قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ
 سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿۷۸﴾ أَمَّا
 السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسْكِينٍ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ
 فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ
 سَفِينَةٍ غَصْبًا ﴿۷۹﴾ وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ
 فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا ﴿۸۰﴾ فَأَرَدْنَا أَنْ
 يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا ﴿۸۱﴾ وَأَمَّا
 الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ
 تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ
 يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ
 وَمَا فَعَلْتُهُ ۖ عَنْ أَمْرِ ذَٰلِكَ ۚ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ
 عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿۸۲﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقَرْنَيْنِ ۖ قُلْ
 سَأَتْلُو عَلَيْكُم مِّنْهُ ذِكْرًا ﴿۸۳﴾

گفت: آیا نگفته بودم با تو که هرآینه تو نتوانی با من
 شکیبایی کردن؟ ﴿۷۵﴾ گفت موسی: اگر بپرسم تو را از
 چیزی بعد از این بار، پس صحبت مکن با من، هرآینه
 رسیدی از جانب من به حدِّ عذر. ﴿۷۶﴾ پس راه رفتند. تا
 وقتی که آمدند به اهل دیهی، طعام طلب کردند از اهل آن
 دیه. پس قبول نمودند اهل دیه که مهمانی کنند ایشان را،
 پس یافتند در آنجا دیواری که می‌خواست آنکه بیفتد،
 پس راست ساخت آن را. گفت موسی: اگر می‌خواستی،
 هرآینه می‌گرفتی بر تعمیر این دیوار مزدی. ﴿۷۷﴾ گفت:
 این است جدایی در میان من و تو. خبر خواهم داد تو را به
 سر آنچه نتوانی بر آن شکیبایی کردن. ﴿۷۸﴾ اما کشتی،
 پس بود از آن درویشانی چند که کار می‌کردند در دریا،
 پس خواستم که معیوب کنم آن را و بود پیش روی ایشان
 پادشاهی که می‌گرفت هر کشتی درست را به زبردستی.
 ﴿۷۹﴾ و اما آن نوجوان، پس بودند پدر و مادر وی
 مسلمان، پس ترسیدم از آنکه غالب آید بر ایشان در
 سرکشی و کفر. ﴿۸۰﴾ پس خواستیم که عوض دهد
 ایشان را پروردگار ایشان بهتر از وی از روی پاکیزگی و
 نزدیکتر از جهت شفقت. ﴿۸۱﴾ و اما آن دیوار، پس بود
 از آن دو نوجوان یتیم در شهر و بود زیر آن گنجی از آن
 ایشان و بود پدر ایشان نیکوکار. پس خواست پروردگار تو
 که این نوجوانان برسند به نهایت قوت خویش و برآرند
 گنج خود را از روی مهربانی پروردگار تو و نکردم آن را
 از رأی خود. این است سر آنچه نتوانستی بر آن شکیبایی
 کردن. ﴿۸۲﴾ و سؤال می‌کنند تو را از ذو القرنین. بگو
 خواهم خواند بر شما از حال وی خبری. ﴿۸۳﴾

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَءَاتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا ﴿٨٤﴾
فَاتَّبَعَ سَبَبًا ﴿٨٥﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَبْنَؤُا الْقُرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا ﴿٨٦﴾
قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا ﴿٨٧﴾ وَأَمَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءٌ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا ﴿٨٨﴾ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٨٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا ﴿٩٠﴾ كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ﴿٩١﴾ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٩٢﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ﴿٩٣﴾ قَالُوا يَبْنَؤُا الْقُرْنَيْنِ إِنْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿٩٤﴾ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿٩٥﴾ ءَاتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ ءَاتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ﴿٩٦﴾ فَمَا اسْتَطَعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَعُوا لَهُ نَقْبًا ﴿٩٧﴾

هر آینه ما دسترس دادیم او را در زمین و دادیم او را از هر چیز سامانی. ﴿۸۴﴾ پس در پی سامان افتاد^(۱). ﴿۸۵﴾ تا آنکه رسید به محل فرو رفتن آفتاب و یافت آن را که فرو می‌رود در چشمه گل و لایی و یافت نزدیک آن چشمه گروهی را. گفتیم ای ذو القرنین! اختیار به دست تو است یا

این است که عقوبت کنی یا بگیری در میان ایشان معامله نیکو^(۲). ﴿۸۶﴾ گفت: اما^(۳) کسی که ستم کرد، پس عذاب خواهیم کرد او را، باز گردانیده شود به سوی پروردگار خویش، پس عذاب کند او را عذاب سخت. ﴿۸۷﴾ و اما آن که ایمان آورد و کار شایسته کرد، پس او را حالت خوش است از روی پاداش و خواهیم گفت در باب او از مقدمه خویش، سخن آسانی. ﴿۸۸﴾ باز در پی سامانی افتاد. ﴿۸۹﴾ تا وقتی که رسید به محل بر آمدن آفتاب، یافت که آن برمی‌آید بر گروهی که نساخته‌ایم برای ایشان این طرف از آفتاب، هیچ پرده. ﴿۹۰﴾ چنین بود قصه و هر آینه در گرفته‌ایم به آنچه نزدیک وی بود از روی خبرداری. ﴿۹۱﴾ باز در پی سامانی افتاد. ﴿۹۲﴾ تا وقتی که رسید در میان سدین، یافت جانب سدین گروهی را که نزدیک نیستند از آنکه بفهمند سخنی. ﴿۹۳﴾ گفتند: ای ذو القرنین! هر آینه یا جوج و مأجوج فساد کنندگانند در زمین، پس آیا مقرر کنیم برای تو باجی به شرط آنکه بسازی در میان ما و ایشان سدّی؟. ﴿۹۴﴾ گفت: آنچه دسترس داده است مرا در آن پروردگار من، بهتر است، پس مدد کنید مرا به زور بازو تا بسازیم میان شما و ایشان حجابی محکم. ﴿۹۵﴾ بیارید پیش من پاره‌های آهن. تا وقتی که برابر ساخت ما بین آن دو کوه، گفت: آتش بدمید، تا آنکه آتش ساخت آن آهن را. گفت: بیارید پیش من تا بریزم بالای این رویین گداخته را. ﴿۹۶﴾ پس نتوانستند یا جوج و مأجوج که بالا روند بر آن و نتوانستند او را سوراخ کردن. ﴿۹۷﴾

۲- مترجم گوید: و این کنایت است از قدرت او بر این دو کار.

۳- در متن اصلی، آیا آمده است که با توجه به ادامه آیه و آیات بعد،

صحیح به نظر نمی‌رسد.

۱- یعنی به حسب نظر مردمان.

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا ﴿٩٨﴾ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ﴿٩٩﴾ وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا ﴿١٠٠﴾ الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنِ ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ﴿١٠١﴾ أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِّن دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِّلْكَافِرِينَ نُزُلًا ﴿١٠٢﴾ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُم بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ﴿١٠٣﴾ الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿١٠٤﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَزَنًا ﴿١٠٥﴾ ذَلِكَ جَزَاءُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُؤًا ﴿١٠٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿١٠٧﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ﴿١٠٨﴾ قُلْ لَّوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ﴿١٠٩﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿١١٠﴾

گفت: این صنعت نعمتی است از پروردگار من، پس چون بیاید وعده پروردگار من^(۱)، کند آن را هموار و هست وعده پروردگار من راست. ﴿۹۸﴾ و بگذاریم بعضی ایشان

را آن روز که درهم آمیزند در بعضی دیگر و دمیده شود در صور، پس به هم آریم ایشان را به هم آوردن. ﴿۹۹﴾ و روبه‌رو آریم دوزخ را آن روز پیش کافران روبه‌رو آوردن. ﴿۱۰۰﴾ آنان که بود چشم ایشان در پرده از یاد من و نمی‌توانستند سخن شنیدن (یعنی از شدت بغض). ﴿۱۰۱﴾ آیا پنداشتند کافران که دوست گرفتن ایشان بندگان مرا بجز من، موجب عقوبت نباشد؟ هرآینه ما آماده ساختیم دوزخ را برای کافران جای فرود آمدن. ﴿۱۰۲﴾ بگو: آیا خبر دهیم شما را به آنان که زیانکارترین مردمند از روی عمل؟ ﴿۱۰۳﴾ این جماعت، آنانند که گم شد سعی ایشان در زندگانی دنیا و ایشان گمان می‌کنند که نیکوکاری می‌کنند در عمل. ﴿۱۰۴﴾ این جماعت، آنانند که کافر شدند به آیات پروردگار خویش و به ملاقات او، پس نابود شد عمل ایشان. پس برپا نخواهیم ساخت برای ایشان روز قیامت هیچ وزنی^(۲). ﴿۱۰۵﴾ حال این است جزای ایشان دوزخ باشد به سبب آنکه کافر شدند و گرفتند آیات مرا و پیغامبران مرا به تمسخر. ﴿۱۰۶﴾ هرآینه آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، باشد ایشان را بوستان‌های بهشت جای مهمانی. ﴿۱۰۷﴾ جاویدان آنجا باشند، نطلبند از آنجا بازگشتن. ﴿۱۰۸﴾ بگو: اگر باشد دریا سیاهی برای نوشتن سخنان پروردگار من، البته خرج شود دریا پیش از آنکه آخر شوند سخنان پروردگار من، اگرچه بیاریم مانند آن دریا به طریق مدد. ﴿۱۰۹﴾ بگو: جز این نیست که من آدمی‌ام مانند شما، وحی فرستاده می‌شود به سوی من که معبود شما همان معبود یکتا است، پس هر که توقع دارد ملاقات پروردگار خود را، باید که بکند کار پسندیده و شریک نیارد در عبادت پروردگار خویش هیچ کس را. ﴿۱۱۰﴾

سُورَةُ مَرْيَمَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كَهَيْعَصَ ۝١ ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا ۝٢ إِذْ نَادَى رَبَّهُ وَنِدَاءً خَفِيًّا ۝٣ قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا ۝٤ وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ۝٥ يَرِثُنِي وَيَرِثْ مِنْ عَالٍ يَعْقُوبَ ۖ وَأَجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ۝٦ يَزَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا ۝٧ قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ۝٨ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَى هَيْنٍ ۖ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا ۝٩ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً ۖ قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ۝١٠ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ۝١١

سوره مریم

به نام خداوند بخشنده مهربان

كهيعص. ۱ ﴿﴾ این است بیان بخشایش پروردگار تو بر بنده خود، زکریا. ۲ ﴿﴾ چون ندا کرد پروردگار خود را به دعای پنهان. ۳ ﴿﴾ گفت: ای پروردگار من! هرآینه سست شده است استخوان از بدن من و به رنگ آتش شعله زد سر من [از جهت سفیدی مویی] و نبودم در دعای تو ای پروردگار من! بی بهره. ۴ ﴿﴾ و هرآینه من می ترسم از اقارب خود بعد از خود و هست زن من نازای، پس عطا کن مرا از نزدیک خود وارثی. ۵ ﴿﴾ که میراث گیرد از من و میراث گیرد از اولاد یعقوب و بکن او را، ای پروردگار من! مرد پسندیده. ۶ ﴿﴾ گفتیم: ای زکریا! هرآینه ما بشارت می دهیم تو را به طفلی که نام او یحیی است، پیدا نکردیم پیش از این هیچ همنام او را. ۷ ﴿﴾ گفت: ای پروردگار من! چگونه پیدا شود برای من طفلی و هست زن من نازای و هرآینه رسیده ام از سبب کلانسالی به نهایت ضعف. ۸ ﴿﴾ گفت: همچنین است وعده. گفت پروردگار تو: این کار بر من آسان است و هرآینه آفریدم تو را پیش از این و نبود چیزی. ۹ ﴿﴾ گفت: ای پروردگار من! معین کن برای من نشانه ای. فرمود: نشانه تو آن است که سخن نتوانی گفتن با مردمان سه شبانه روز، در حالتی که صحیح المزاج باشی. ۱۰ ﴿﴾ پس بیرون آمد بر قوم خود از محراب عبادت، پس اشارت کرد به سوی ایشان که تسبیح گوید صبح و شام^(۱). ۱۱ ﴿﴾

۱- مترجم گوید: القصه چون یحیی متولد شد و دو ساله گشت.

يُحْيِي خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ ۖ وَءَاتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا
 ﴿١٦﴾ وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً ۖ وَكَانَ تَقِيًّا ﴿١٧﴾ وَبَرًّا بِوَالَدَيْهِ
 وَلَمْ يَكُن جَبَّارًا عَصِيًّا ﴿١٨﴾ وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ
 وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ﴿١٩﴾ وَأذْكُرْ فِي الْكِتَابِ
 مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴿٢٠﴾
 فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا
 فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿٢١﴾ قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ
 مِنْكَ إِن كُنْتَ تَقِيًّا ﴿٢٢﴾ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ
 لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ﴿٢٣﴾ قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ
 وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ﴿٢٤﴾ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ
 رَبُّكَ هُوَ عَلَى هَيْنٍ ۖ وَلَنَجْعَلَنَّهُ ؕ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً
 مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا ﴿٢٥﴾ فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ
 مَكَانًا قَصِيًّا ﴿٢٦﴾ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ
 النَّخْلَةِ قَالَتْ يَلَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا
 مِّنْسِيًّا ﴿٢٧﴾ فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ
 رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿٢٨﴾ وَهَرَىٰ إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ
 تُسْقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا ﴿٢٩﴾

[گفتم] ای یحیی! بگیر احکام کتاب را به استواری و دادیمش دانایی در حال کودکی. ﴿۱۲﴾ و دادیمش شفقتی از نزدیک خود و طهارت نفس و بود پرهیزگار. ﴿۱۳﴾ و نیکوکردار به پدر و مادر خود و نبود گردنکش گناهکار. ﴿۱۴﴾ و سلام باد بر وی روزی که متولد شود و روزی که بمیرد و روزی که بر انگيخته شود زنده گشته. ﴿۱۵﴾ و یاد کن در کتاب، مریم را، چون یکسو شد از کسان خود جایی به سمت بر آمدن آفتاب. ﴿۱۶﴾ پس گرفت این جانب از ایشان پرده، پس فرستادیم به سوی او روح خود را^(۱)، پس صورت گرفت برای مریم آدمی درست اندام شده. ﴿۱۷﴾ گفت: هرآینه من می‌پناهم به خدا از تو اگر پرهیزگار باشی. ﴿۱۸﴾ گفت: جز این نیست که من فرستادهٔ پروردگار توام، تا عطاکنم تو را طفلی پاکیزه. ﴿۱۹﴾ گفت: چگونه پیدا شود برای من طفلی و دست نرسانیده است به من هیچ آدمی و هرگز نبودم زناکار؟! ﴿۲۰﴾ گفت: وعده همچنین است. فرمود پروردگار تو که: این بر من آسان است و می‌خواهیم که کنیم این طفل را نشانه‌ای برای مردمان و بخشایشی از جانب خود و هست این مقدمهٔ کاری مقرر کرده شده. ﴿۲۱﴾ پس به شکم بار گرفت آن طفل را، پس یک سو شد مریم به سبب آن حمل به جایی دور از مردم. ﴿۲۲﴾ پس آوردش درد زه به سوی تنهٔ خرما. مریم گفت: ای کاش! مرده بودمی پیش از این و شدمی فراموش از خاطر رفته! ﴿۲۳﴾ پس آواز داد او را [طفل یا جبریل، والله اعلم] از جانب پایین او که: اندوه مخور! هرآینه پیدا کرده است پروردگار تو پایین تو جویی. ﴿۲۴﴾ و بجنابان به سویی خویش تنهٔ خرما را تا بيفکند بر سر تو خرمای تازه بالفعل از درخت جده. ﴿۲۵﴾

فَكُلِّي وَأَشْرِبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَمَا تَرَيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا
 فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ
 إِنْسِيًّا ﴿٢٦﴾ فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَمْرَيْمُ لَقَدْ
 جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ﴿٢٧﴾ يَأْخُذْ هَرُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ
 أَمْرًا سَوْءَ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا ﴿٢٨﴾ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ
 قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْأَمْهِدِ صَبِيًّا ﴿٢٩﴾ قَالَ
 إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ءَاتَنِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ﴿٣٠﴾
 وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ
 وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴿٣١﴾ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي
 جَبَّارًا شَقِيًّا ﴿٣٢﴾ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ
 وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ﴿٣٣﴾ ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ
 الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٣٤﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ
 مِنْ وَلَدٍ سُبْحَنَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ
 كُنْ فَيَكُونُ ﴿٣٥﴾ وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ
 هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٣٦﴾ فَأَخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ
 بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ
 ﴿٣٧﴾ أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ
 الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٣٨﴾

پس بخور و بیاشام و آسوده چشم شو. پس اگر بینی از
 آدمیان کسی را، پس بگو: هرآینه من نذر کرده‌ام برای
 خدا روزه را، پس سخن نخواهم گرفت امروز با هیچ
 آدمی. ﴿۲۶﴾ پس آورد عیسی را پیش قوم خود برداشته.
 گفتند: ای مریم! هرآینه آوردی چیزی زشت را. ﴿۲۷﴾
 ای خواهر هارون، نبود پدر تو مرد بد و نبود مادر تو زنا
 کننده! ﴿۲۸﴾ پس مریم اشارت کرد به طفل خود. گفتند:
 چگونه سخن گوئیم با کسی که هست در گهواره در حال
 کودکی؟ ﴿۲۹﴾ گفت عیسی: من بندهٔ خدایم، داده است
 مرا کتاب و ساخته است مرا پیغامبر. ﴿۳۰﴾ و ساخت مرا
 خداوند برکت هر جا که باشم و حکم فرموده است مرا به
 نماز و زکات مادام که زنده باشم. ﴿۳۱﴾ و ساخت ما را
 نیکوکار به مادر خود و نکرده است مرا گردنکش بدبخت.
 ﴿۳۲﴾ و سلام بر من است روزی که متولد شدم و روزی
 که بمیرم و روزی که برانگیخته شوم زنده شده. ﴿۳۳﴾
 این است قصهٔ عیسی، پسر مریم. مراد می‌دارم سخن راست
 را که در وی مردمان اختلاف می‌کنند. ﴿۳۴﴾ نیست لایق
 خدا آنکه بگیرد هیچ فرزندی، پاکی او راست. چون سر
 انجام کند کاری را، جز این نیست که می‌گویدش: بشو!
 پس می‌شود. ﴿۳۵﴾ و گفت عیسی: هرآینه خدا
 پروردگار من و پروردگار شما است، پس عبادت او کنید،
 این است راه راست. ﴿۳۶﴾ پس اختلاف کردند
 جماعت‌ها در میان خویش، پس وای کافران را! از حاضر
 شدن روز بزرگ. ﴿۳۷﴾ چقدر شنوا باشند و چقدر بینا
 باشند روزی که بیایند پیش ما، لیکن این ستمکاران امروز
 در گمراهی ظاهرند. ﴿۳۸﴾

وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْحُسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ
وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ
عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿٤٠﴾ وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ
إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا ﴿٤١﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ
يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي
عَنْكَ شَيْئًا ﴿٤٢﴾ يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا
لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا ﴿٤٣﴾ يَا أَبَتِ لَا
تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ﴿٤٤﴾
يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ
فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴿٤٥﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنِ
ءَالِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَنْ لَمْ تَنْتَه لِرَجْمِكَ وَأَهْجُرْنِي
مَلِيًّا ﴿٤٦﴾ قَالَ سَلِّمْ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ
كَانَ بِي حَفِيًّا ﴿٤٧﴾ وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ
اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَى أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا
﴿٤٨﴾ فَلَمَّا أَعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا
لَهُوَ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ﴿٤٩﴾ وَوَهَبْنَا
لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ﴿٥٠﴾
وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ
رَسُولًا نَبِيًّا ﴿٥١﴾

و بترسان ایشان را از روز پشیمانی، چون به انجام رسانیده
شود کار و ایشان در غفلتند و ایشان ایمان نمی آرند.
﴿۳۹﴾ هر آینه ما وارث شویم زمین را و هر کسی را که بر
زمین است و به سوی ما باز گردانیده شوند. ﴿۴۰﴾ و یاد
کن در کتاب، ابراهیم را، هر آینه وی بود راست کردار
پیغامبری. ﴿۴۱﴾ یاد کن چون گفت پدر خود را: ای پدر
من! چرا عبادت می کنی چیزی را که نمی شنود و نمی بیند و
دفع نمی کند از تو چیزی؟ ﴿۴۲﴾ ای پدر من! هر آینه
آمده است پیش من از علم آنچه نیامده است پیش تو، پس
پیروی من کن تا دلالت کنم تو را به راه راست. ﴿۴۳﴾ ای
پدر من! عبادت مکن شیطان را، هر آینه هست شیطان مر
خدای را نافرمان. ﴿۴۴﴾ ای پدر من، می ترسم از آنکه
برسد به تو عقوبتی از خدا، پس باشی قرین شیطان. ﴿۴۵﴾
گفت: آیا روگردانی تو از معبودان من ای ابراهیم؟! اگر باز
نایستی، البته سنگسار کنم تو را و ترک صحبت من کن
مدت درازی. ﴿۴۶﴾ گفت: سلام علیک! آمرزش خواهم
طلبید برای تو از پروردگار خویش، هر آینه وی هست بر
من مهربان. ﴿۴۷﴾ و کناره گیرم از شما و از آنچه
می پرستید بجز خدا و خواهم عبادت کرد پروردگار خود
را، امید آن است که نباشم به سبب پرستش پروردگار
خود، بدبخت. ﴿۴۸﴾ پس چون کناره گرفت از ایشان و از
آنچه می پرستیدند، بجز خدا، عطا کردیم وی را اسحاق و
یعقوب و هر یکی را پیغامبر ساختیم. ﴿۴۹﴾ و عطا کردیم
به ایشان چیزها از بخشش خود و ساختیم برای ایشان ذکر
جمیل به نهایت بزرگی. ﴿۵۰﴾ و یاد کن در کتاب، موسی
را. هر آینه وی بود خالص کرده شده و بود فرستاده،
پیغامبری. ﴿۵۱﴾

وَنَدَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ۝
 وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا ۝
 وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُوَ كَانَصَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ
 رَسُولًا نَبِيًّا ۝ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ
 وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ۝
 وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُوَ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ۝
 وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ۝
 أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ
 ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَءِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا
 تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا ۝
 ۝ فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ
 وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا ۝ إِلَّا مَنْ
 تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ
 وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ۝
 جَنَّتِ عَذْنُ الَّتِي وَعَدَ
 الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُوَ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ۝
 لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا
 بُكْرَةً وَعَشِيًّا ۝
 تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ
 عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ۝
 وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ
 لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ
 رَبُّكَ نَسِيًّا ۝

و ندا کردیم او را از جانب راست کوه طور و نزدیک
 ساختیم او را رازگویان. ﴿۵۲﴾ و عطا کردیم او را از
 بخشش خود برادر او هارون، نبی ساخته. ﴿۵۳﴾ و یاد کن
 در کتاب، اسماعیل را، هر آینه وی بود راست وعده و بود
 فرستاده پیغامبری. ﴿۵۴﴾ و می فرمود اهل خود را به نماز و
 زکات و بود نزدیک پروردگار خویش پسندیده. ﴿۵۵﴾ و
 یاد کن در کتاب، ادريس را. هر آینه وی بود راست کردار
 پیغامبری. ﴿۵۶﴾ و برداشتیم او را به مکانی بلند (یعنی بر
 آسمان). ﴿۵۷﴾ این جماعت، آنانند که انعام کرد خدا بر
 ایشان از زمره پیغامبران از فرزندان آدم و از نسل آنان که
 برداشتیم با نوح و از ذریه ابراهیم و یعقوب و از جمله
 آنان که راه راست نمودیم ایشان را و برگزیدیم. چون
 خوانده می شد بر ایشان آیات خدا، می افتادند سجده کنان و
 گریان. ﴿۵۸﴾ پس جانشین شد بعد از ایشان خلفی چند
 که ترک کردند نماز را و پیروی کردند خواهش ها را، پس
 خواهند یافت جزای گمراهی. ﴿۵۹﴾ لیکن هر که توبه
 کرد و ایمان آورد و کار شایسته به عمل آورد، پس این
 جماعت در آیند به بهشت و هیچ ستم کرده نشود بر ایشان.
 ﴿۶۰﴾ بوستان های همیشه ماندن که وعده داده است خدا
 بندگان خود را نادیده، هر آینه هست وعده او البته آینده.
 ﴿۶۱﴾ نشنوند آنجا هیچ سخن بیهوده، لیکن سلام شنوند و
 ایشان را بود روزی ایشان آنجا صبح و شام. ﴿۶۲﴾ این
 است آن بهشت که عطا کنیم از بندگان خویش آن را که
 پرهیزگار بود. ﴿۶۳﴾ و فرشتگان گفتند که: ما فرود
 نمی آییم، الا به حکم پروردگار تو. او راست علم آنچه در
 پیش ما است ^(۱) و آنچه عقب ما است ^(۲) و آنچه در میان
 این است و نیست پروردگار تو فراموش کار. ﴿۶۴﴾

۱- یعنی قیامت.

۲- یعنی از ابتدای خلق آسمان و زمین.

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ
لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ﴿٦٥﴾ وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ
أَعِذَا مَا مِثْلُ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا ﴿٦٦﴾ أَوْ لَا يَذْكُرُ
الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكْ شَيْئًا ﴿٦٧﴾
فَوَرَّبِكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ
حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ﴿٦٨﴾ ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَئِهُمْ
أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا ﴿٦٩﴾ ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ
هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا ﴿٧٠﴾ وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ
عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ﴿٧١﴾ ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا
وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ﴿٧٢﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ
آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَيُّ
الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿٧٣﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا
قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثْنًا وَرِعِيًّا ﴿٧٤﴾ قُلْ مَنْ
كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا
رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ
فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرُّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا ﴿٧٥﴾
وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَةُ
الصَّلَاحُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا ﴿٧٦﴾

اوست پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان
اینهاست، پس عبادت او کن. و شکبیا باش بر عبادت وی.
آیا می‌دانی او را همنامی (یعنی ماندی)؟ ﴿٦٥﴾ و
می‌گوید آدمی (یعنی آدمی کافر): آیا چون بمیرم، بیرون
آورده خواهم شد زنده شده؟! ﴿٦٦﴾ آیا یاد نمی‌کند
آدمی که ما آفریدیم او را پیش از این و نبود هیچ چیزی؟!
﴿٦٧﴾ پس قسم پروردگار تو! که البته برانگیزیم این
منکرانِ بعثت را با شیاطین، باز حاضر کنیم ایشان را حوالی
دوزخ به زانو در افتاده. ﴿٦٨﴾ باز برکشیم از هر امتی آن
را که از ایشان جرأت کننده‌تر است بر خدا از روی
نافرمانی. ﴿٦٩﴾ باز ما داناتریم به آنان که سزاوارترند به در
آمدن دوزخ ﴿٧٠﴾ و نیست از شما هیچ کس مگر گذرنده
بر آن. هست این وعده لازم بر پروردگار تو، مقرر کرده
شده. ﴿٧١﴾ باز برهانیم متقیان را و بگذاریم ظالمان را
آنجا به زانو در افتاده. ﴿٧٢﴾ و چون خوانده شود بر ایشان
آیات ما واضح آمده، گویند کافران مسلمانان را: کدام
یک از این دو گروه بهتر است در مرتبه و نیکوتر است از
روی مجلس؟ ﴿٧٣﴾ و بسیار هلاک کردیم پیش از
ایشان طبقهٔ مردمان را که بهتر بودند به اعتبار رخت‌خانه و
از روی نموداری. ﴿٧٤﴾ بگو: هر که باشد در گمراهی،
افزون می‌دهد او را خدا افزون دادنی. تا وقتی که ببینند
آنچه ترسانیده شدند یا عقوبت را و یا قیامت را، پس
خواهند دانست کدام یک بدترست در مرتبه و ناتوانتر
است به اعتبار لشکر. ﴿٧٥﴾ و زیاده می‌دهد خدا راهیابان
را هدایت و حسنات پاینده شایسته، بهترند نزدیک
پروردگار تو از روی جزا و نیکوترند از جهت بازگشت.

﴿٧٦﴾

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا
وَوَلَدًا ﴿٧٧﴾ أَظَلَعَ الْغَيْبِ أَمْ أَتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا
﴿٧٨﴾ كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ
مَدًّا ﴿٧٩﴾ وَنَرْثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ﴿٨٠﴾ وَأَتَّخِذُوا
مِن دُونِ اللَّهِ إِلَهَةً لِّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ﴿٨١﴾ كَلَّا
سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا ﴿٨٢﴾
أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤْزُهُمْ
أَزًّا ﴿٨٣﴾ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَذًّا ﴿٨٤﴾ يَوْمَ
نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا ﴿٨٥﴾ وَنَسُوقُ
الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرْدًا ﴿٨٦﴾ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفْعَةَ
إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿٨٧﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ
الرَّحْمَنُ وَلَدًا ﴿٨٨﴾ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ﴿٨٩﴾ تَكَادُ
السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ
الْجِبَالُ هَدًّا ﴿٩٠﴾ أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ﴿٩١﴾ وَمَا يَنْبَغِي
لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ﴿٩٢﴾ إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِيَ الرَّحْمَنِ عَبْدًا ﴿٩٣﴾ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ
وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿٩٤﴾ وَكُلُّهُمْ عَاتِيهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَرْدًا ﴿٩٥﴾

آیا دیدی آن را که کافر شد به آیاتِ ما و گفت: البته داده
شود مرا^(۱) مال و فرزند؟! ﴿۷۷﴾ آیا مطلع شده است بر
غیب یا گرفته است از نزدیک خدا عهدی. ﴿۷۸﴾ نه چنان
بود. خواهیم نوشت آنچه می گوید و افزون دهیمش
عقوبت افزون دادنی. ﴿۷۹﴾ و بازستانیم پس از وی آنچه
می گوید و بیاید پیش ما تنها شده. ﴿۸۰﴾ و خدایان
گرفتند بجز «الله» تا باشند ایشان را سبب عزّت. ﴿۸۱﴾ نه
چنان بود. که منکر خواهند شد پرستش معبودان خود را و
خواهند شد بر ایشان ستیزنده. ﴿۸۲﴾ آیا ندیدی که
می فرستیم شیاطین را بر کافران، می جنبانیدند ایشان را
جنبانیدنی؟ ﴿۸۳﴾ پس شتاب مکن بر ایشان. جز این
نیست که مدت می شماریم برای ایشان شمار کردنی.
﴿۸۴﴾ روزی که برانگیزیم متّقیان را به سوی رحمان،
مهمان آمده. ﴿۸۵﴾ و روان کنیم گناهکاران را به سوی
دوزخ، تشنه گشته. ﴿۸۶﴾ نتوانند شفاعت کردن، الا کسی
که گرفته است از نزدیک خدا عهدی^(۲). ﴿۸۷﴾ و گفتند:
فرزند گرفته است خدا! ﴿۸۸﴾ [فرمود ایشان را] هرآینه
آوردید چیزی زشتی. ﴿۸۹﴾ نزدیکند آسمان ها که
بشکافند از این سخن و بشکافند زمین و بیفتند کوه ها پاره
پاره شده. ﴿۹۰﴾ به سبب آنکه اثبات کردند خدای را
فرزندی. ﴿۹۱﴾ و نسزد خدای را که فرزند گیرد. ﴿۹۲﴾
نیست هیچ کسی از آنان که در آسمان ها و زمینند، مگر
آیند پیش رحمن، بنده شده. ﴿۹۳﴾ هرآینه به علم در
گرفته است ایشان را و شمار کرده است ایشان را شمار
کردنی. ﴿۹۴﴾ و هر یک از ایشان آینده است پیش وی
روز قیامت، تنها شده. ﴿۹۵﴾

۱- یعنی در قیامت.

۲- یعنی مسلمان شده و وعده ثواب را مستحق گشته.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ
الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴿٩٦﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ
الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لَّدَا ﴿٩٧﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم
مِّن قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ
رِكْزًا ﴿٩٨﴾

سُورَةُ طه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طه ﴿١﴾ مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ﴿٢﴾ إِلَّا
تَذْكِرَةً لِّمَن يَخْشَى ﴿٣﴾ تَنزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ
وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى ﴿٤﴾ الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ أُسْتَوَى ﴿٥﴾
لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
وَمَا تَحْتَ الثَّرَى ﴿٦﴾ وَإِنْ تَجْهَر بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ
السِّرَّ وَأَخْفَى ﴿٧﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ
الْحُسْنَى ﴿٨﴾ وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ﴿٩﴾ إِذْ رَأَى
نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي
ءَاتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدُ عَلَى النَّارِ هُدًى ﴿١٠﴾
فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَمُوسَى ﴿١١﴾ إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ
نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٢﴾

هرآینه آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند،
پیدا خواهد کرد برای ایشان خدا، دوستی^(۱). ﴿۹۶﴾ جز
این نیست که آسان ساختیم قرآن را به زبان تو تا مژده
دهی به آن متّقیان را و بترسانی به آن گروه ستیزندگان را.
﴿۹۷﴾ و بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان طبقات مردم.
آیا می بینی هیچ کس را از ایشان، یا می شنوی از ایشان
آوازی تنگی؟ ﴿۹۸﴾

سوره طه

به نام خداوند بخشنده مهربان

طه. ﴿۱﴾ فروفرستادیم بر تو قرآن را تا رنج کشی. ﴿۲﴾
لیکن [فروفرستادیم برای] پند دادن، کسی را که بترسد.
﴿۳﴾ فروفرستادن از جانب کسی که آفریده است زمین را
و آسمان های بلند را. ﴿۴﴾ وی بسیار بخشاینده است، بر
عرش قرار گرفت. ﴿۵﴾ او راست آنچه در آسمان ها و
آنچه در زمین است و آنچه در میان اینهاست و آنچه زیر
خاک نمناک است. ﴿۶﴾ و اگر آشکارا کنی سخن را،
پس وی می داند سخن پنهان را و پنهان تر را^(۲). ﴿۷﴾ خدا،
هیچ معبود نیست مگر وی. مراو راست نام های نیکو. ﴿۸﴾
و آیا آمده است به تو خبر موسی؟ ﴿۹﴾ چون دید آتشی،
پس گفت اهل خود را درنگ کنید، هرآینه من دیده ام
آتشی، امید دارم که بیارم پیش شما از آن آتش شعله یا
بیابم بر آن آتش راهنمای. ﴿۱۰﴾ پس چون پیامد نزدیک
آتش، آواز داده شد که: ای موسی! ﴿۱۱﴾ هرآینه من
پروردگار توام، پس از پا بیرون کن نعلین خود را، هرآینه
تو به میدان پاکی طوی نام. ﴿۱۲﴾

۱- یعنی با یکدیگر دوست باشند.

۲- یعنی جهر را به طریق اولی می داند.

وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ ﴿١٣﴾ إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ﴿١٤﴾ إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ ﴿١٥﴾ فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَن لَّا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَىٰ ﴿١٦﴾ وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَمُوسَىٰ ﴿١٧﴾ قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُا عَلَيْهَا وَاهْتَسُّ بِهَا عَلَيَّ غَنِي وَلِي فِيهَا مَكَارِبُ أُخْرَىٰ ﴿١٨﴾ قَالَ أَلْقِهَا يَمُوسَىٰ ﴿١٩﴾ فَالْقَهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ ﴿٢٠﴾ قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ ﴿٢١﴾ وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِثْلٍ غَيْرِ سَوْءٍ ءَايَةٍ أُخْرَىٰ ﴿٢٢﴾ لِرَبِّكَ مِنْ ءَايَاتِنَا الْكُبْرَىٰ ﴿٢٣﴾ أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٦﴾ وَأَحْلِلْ عُقْدَةً مِن لِّسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٢٨﴾ وَاجْعَل لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي ﴿٢٩﴾ هَارُونَ أَخِي ﴿٣٠﴾ اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي ﴿٣١﴾ وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي ﴿٣٢﴾ كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا ﴿٣٣﴾ وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا ﴿٣٤﴾ إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا ﴿٣٥﴾ قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَمُوسَىٰ ﴿٣٦﴾ وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ ﴿٣٧﴾

و من برگزیدم تو را، پس گوش بنه به سوی آنچه وحی فرستاده می‌شود. ﴿۱۳﴾ هرآینه من خدایم، نیست هیچ معبود غیر من، پس عبادت من بکن و برپا کن نماز را برای یاد کردن من. ﴿۱۴﴾ هرآینه قیامت آمدنی است. می‌خواهم که پنهان دارم وقت آن را تا جزا داده شود هر شخصی به مقابله آنچه می‌کند. ﴿۱۵﴾ پس باید که باز ندارد تو را از باور داشتن، آن کسی که ایمان ندارد بر آن و پیروی کرده است خواهش نفس خود را، آنگاه هلاک شوی. ﴿۱۶﴾ و چیست این به دست راست تو ای موسی؟! ﴿۱۷﴾ گفت: این عصای من است. تکیه می‌کنم بر آن و برگ می‌ریزم به آن بر گوسفندان خود و مرا در این عصا کارهای دیگر نیز هست. ﴿۱۸﴾ گفت: بیفکن آن را ای موسی! ﴿۱۹﴾ پس بیفکندش، پس ناگهان وی ماری شد دوان. ﴿۲۰﴾ گفت: بگیر این را و مترس. باز خواهیم گردانید او را بشکل نخستین او. ﴿۲۱﴾ و به هم آر دست خود را به سوی بغل خود تا بیرون آید سفید شده از غیر عیبی، نشانه‌ای دیگر آمده. ﴿۲۲﴾ می‌خواهیم که بنماییم تو را بعضی نشانه‌های بزرگ خویش. ﴿۲۳﴾ برو به سوی فرعون، هرآینه وی از حد گذشته است. ﴿۲۴﴾ گفت: ای پروردگار من! گشاده کن برای من سینه مرا. ﴿۲۵﴾ و آسان کن برای من کار مرا ﴿۲۶﴾ و بگشای گره از زبان من. ﴿۲۷﴾ تا فهم کنند سخن من. ﴿۲۸﴾ و مقرر کن برای من وزیری از کسان من. ﴿۲۹﴾ هارون برادر مرا. ﴿۳۰﴾ محکم کن به سبب او توانایی مرا. ﴿۳۱﴾ و شریک کن او را در کار من. ﴿۳۲﴾ تا تسبیح تو گویم بسیاری ﴿۳۳﴾ و یاد تو کنیم بسیاری. ﴿۳۴﴾ هرآینه تو هستی به احوال ما بینا. ﴿۳۵﴾ گفت: هرآینه داده شدی درخواست خودت ای موسی! ﴿۳۶﴾ هرآینه نعمت فراوان دادیم بر تو یک بار دیگر. ﴿۳۷﴾

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمَمِكَ مَا يُوحَىٰ ﴿٣٨﴾ أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي
التَّابُوتِ فَأَقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ
يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ ۖ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي
وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي ﴿٣٩﴾ إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ
أَدْلُكُم عَلَىٰ مَنْ يَكْفُلُهُ ۖ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمَمِكَ كَتَىٰ
تَقَرَّرَ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ
الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا ۚ فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ
جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَمُوسَىٰ ﴿٤٠﴾ وَأَصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ﴿٤١﴾
أَذْهَبَ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي ﴿٤٢﴾
أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿٤٣﴾ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا
لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ ﴿٤٤﴾ قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ
يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَىٰ ﴿٤٥﴾ قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي
مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَىٰ ﴿٤٦﴾ فَاتَيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا
رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ وَلَا تَعَذِّبْهُمْ قَدْ
جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكَ ۖ وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا وَمِنَ الْأَتَّبَعِ
أَلْهَدَىٰ ﴿٤٧﴾ إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ
كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿٤٨﴾ قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَمُوسَىٰ ﴿٤٩﴾ قَالَ
رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ ﴿٥٠﴾
قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ ﴿٥١﴾

چون الهام فرستادیم به سوی مادر تو، آنچه الهام کردنی بود. ﴿۳۸﴾ که بیفکن این طفل را در صندوق، پس افکن صندوق را در دریا تا افکند او را دریا به کناره، بگیردش دشمن من و دشمن وی و بیفکندم بر روی تو قبول از جانب خویش و خواستم که پرورده شوی به حضور من. ﴿۳۹﴾ چون می‌رفت خواهر تو، پس می‌گفت: آیا دلالت کنم شما را بر کسی که نگاهبانی این طفل کند؟ پس باز آوردیم تو را به سوی مادر تو تا خنک شود چشم وی و اندوهگین نباشد و بکشتی شخصی را، پس خلاص ساختیم تو را از اندوه و در محنت افکندیم تو را به آزمودن، پس درنگ کردی سال‌هایی چند در اهل مدین، باز بر آمدی موافق تقدیر الهی ای موسی. ﴿۴۰﴾ و ساختم تو را برای خویش. ﴿۴۱﴾ برو تو و برادر تو با نشانه‌های من و سستی مکنید در یاد من. ﴿۴۲﴾ بروید به سوی فرعون، هرآینه وی از حد گذشته است. ﴿۴۳﴾ پس بگوید با وی سخن نرم، بود که پندپذیر شود یا بترسد. ﴿۴۴﴾ گفتند: ای پروردگار ما! هرآینه ما می‌ترسیم از آنکه تعدی کند بر ما یا از حد گذرد. ﴿۴۵﴾ گفت: مترسید هرآینه من با شما، می‌شنوم و می‌بینم. ﴿۴۶﴾ پس بروید پیش وی، پس بگوید هرآینه ما فرستاده‌های پروردگار تویم، پس بفرست با ما بنی اسرائیل را و عذاب مکن ایشان را، هرآینه آوردیم پیش تو نشانه‌ای از جانب پروردگار تو و سلامتی کسی را باشد که پیروی هدایت کند. ﴿۴۷﴾ هرآینه وحی فرستاده شد به سوی ما که عذاب، کسی را باشد که دروغ شمرد و روگردان شود.^(۱) ﴿۴۸﴾ فرعون گفت: پس کیست پروردگار شما ای موسی؟! ﴿۴۹﴾ گفت که: پروردگار ما آن است که داد هرچیزی را صورت خالص او، باز راه نمودش به طلب معاش خودش. ﴿۵۰﴾ گفت: پس چیست حال قرن‌های نخستین؟ ﴿۵۱﴾

قَالَ عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى ﴿٥٢﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكُ لَكُم فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّى ﴿٥٣﴾ كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَمَكُم إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٥٤﴾ وَمِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى ﴿٥٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا عَائِيَّتَنَا لَهَا فَكَذَّبَتْ وَأَبَى ﴿٥٦﴾ قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَمُوسَى ﴿٥٧﴾ فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ ۖ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى ﴿٥٨﴾ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَن يُخْشَرَ النَّاسُ ضُحًى ﴿٥٩﴾ فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى ﴿٦٠﴾ قَالَ لَهُم مُّوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُم بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى ﴿٦١﴾ فَتَنَزَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى ﴿٦٢﴾ قَالُوا إِنَّ هَٰذِهِ لَسَحِرَٰنِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثُلَى ﴿٦٣﴾ فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ اتُّوْا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى ﴿٦٤﴾

گفت: علم آن نزدیک پروردگار من است در کتابی که غلط نکند پروردگار من و نه فراموش سازد. ﴿٥٢﴾ او آن است که ساخت برای شما زمین را فرشی و روان کرد برای شما در آنجا راهها و فروفرستاد از آسمان آب را. پس بیرون آوردیم به آن آب انواع مختلف از نبات. ﴿٥٣﴾ گفتیم: بخورید و بچرانید چهارپایان خود را. هرآینه در این مقدمه نشانه‌هاست خداوندان خردها را. ﴿٥٤﴾ از زمین آفریدیم شما را و در زمین بازدرآریم شما را و از زمین بیرون کشیم شما را بار دیگر. ﴿٥٥﴾ و هرآینه بنمودیم فرعون را نشانه‌های خویش تمام آن، پس دروغ بشمرد و قبول نکرد. ﴿٥٦﴾ گفت: آیا آمده‌ای تا بیرون کنی ما را از زمین ما بجادوی خود ای موسی؟! ﴿٥٧﴾ پس هرآینه بیاریم پیش تو جادویی مانند آن، پس معین کن میان ما و میان خود وعده گاهی که خلاف نکنیم آن را ما و نه تو، به جایی میانه شهر. ﴿٥٨﴾ گفت: وعده گاه شما روز آرایش است و آنکه جمع کرده شوند مردمان وقت چاش. ﴿٥٩﴾ پس به خانه بازگشت فرعون. پس جمع کرد مکر خود را، باز پیامد. ﴿٦٠﴾ گفت موسی ساحران را: وای بر شما! افترا مکنید بر خدا دروغ را، آنگاه هلاک سازد شما را به عذاب و هرآینه به مطلب نرسید هر که افترا کرد. ﴿٦١﴾ پس گفتگو کردند ساحران به مشورت خود در میان خویش و پنهان گفتند راز را. ﴿٦٢﴾ گفتند: البته این دو شخص ساحرانند. می‌خواهند که بیرون کنند شما را از زمین شما به سحر خود و می‌خواهند که دور کنند دین شایسته شما را. ﴿٦٣﴾ پس به هم آید اسباب سحر خود را، باز بیاید صف کشیده و هرآینه رستگار شد امروز هر که غالب آمد. ﴿٦٤﴾

قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقَىٰ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ
 أَلْقَىٰ ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعَصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ
 إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ ﴿٦٦﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ
 خِيفَةً مُّوسَىٰ ﴿٦٧﴾ فَلَمَّا لَا تَخَفُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ ﴿٦٨﴾
 وَأَلْقَىٰ مَا فِي يَمِينِكَ تَلَقَّفَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا
 كَيْدٌ سَحِرٌ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ ﴿٦٩﴾ فَأَلْقَى
 السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ ﴿٧٠﴾
 قَالَ ءَامَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ
 الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَا قُطْعَنَ أَيْدِيكُمْ
 وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خَلْفٍ وَلَا ضَلْبَتَكُمْ فِي جُذُوعِ
 النَّخْلِ وَلِتَعْلَمَنَّ أَيْنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَابْقَىٰ ﴿٧١﴾ قَالُوا لَنْ
 نُؤْثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرْنَا
 فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا
 ﴿٧٢﴾ إِنَّا ءَامَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَنَا وَمَا أَعْرَهْتَنَا
 عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ﴿٧٣﴾ إِنَّهُ مَن يَأْتِ
 رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ
 ﴿٧٤﴾ وَمَن يَأْتِهِ مُّؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ
 لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْأَعْلَىٰ ﴿٧٥﴾ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ
 تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ مَن تَزَكَّىٰ

﴿٧٦﴾

گفتند: ای موسی! یا این است که تو افکنی (یعنی عصا را)
 یا باشیم ما اول کسی که افکند. ﴿٦٥﴾ گفت: بلکه شما
 افکنید، پس ناگهان رسن‌های ایشان و عصاهای ایشان
 نمودار شد پیش موسی به سبب سحر ایشان که می‌دود.
 ﴿٦٦﴾ پس یافت در ضمیر خود موسی ترسی را. ﴿٦٧﴾
 گفتیم: مترس! هرآینه تویی غالب. ﴿٦٨﴾ و بیفکن آنچه
 در دست راست تو است تا فرد برو چیزی را که ساخته‌اند،
 هرآینه آنچه ساخته‌اند جادوی جادو کننده است و
 رستگار نمی‌شود ساحر هر جاکه رود. [القصه همچنین شد]
 . ﴿٦٩﴾ پس انداخته شدند ساحران سجده‌کنان، گفتند:
 ایمان آوردیم به پروردگار هارون و موسی. ﴿٧٠﴾ گفت
 فرعون: آیا باور داشتید او را پیش از آنکه دستوری دهم
 شما را؟! هرآینه وی بزرگوار شماس که آموخته است
 شما را سحر، هرآینه بپریم دست‌های شما و پاهای شما را
 یکی از جانب راست و دیگر از جانب چپ و بر دار کشم
 شما را بر تنه‌های خرما و البته خواهید دانست که کدام
 یک از ما سخت‌تر است عذاب او و پاینده‌تر است. ﴿٧١﴾
 گفتند: ترجیح ندهیم تو را بر آنچه آمده است پیش ما از
 دلائل واضح و ترجیح ندهیم تو را بر خدایی که آفرید ما
 را، پس حکم کن هرچه تو حکم کننده باشی. جز این
 نیست که حکم کنی در این زندگانی دنیا. ﴿٧٢﴾ هرآینه
 ما ایمان آوردیم به پروردگار خویش، تا بیمارزد برای ما
 گناهان ما را و آنچه جبر کردی ما را بر آن که سحر کنیم
 و خدا بهتر است و پاینده‌تر است. ﴿٧٣﴾ هرآینه هر که
 بیاید پیش پروردگار خویش گناهکار شده، پس او راست
 دوزخ، نه میرد آنجا و نه زنده ماند. ﴿٧٤﴾ و آنکه بیاید
 پیش او مسلمان شده و عمل‌های شایسته کرده، پس این
 جماعت ایشان راست درجه‌های بلند. ﴿٧٥﴾ بوستان‌های
 همیشه ماندن، می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا. و
 این است جزای هر که پاک شده است. ﴿٧٦﴾

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَفُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى ﴿٧٧﴾ فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُودِهِ فَعَشِيَهُمْ مِّنَ اللَّيْلِ مَا عَشَيْهِمْ ﴿٧٨﴾ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى ﴿٧٩﴾ يَبْنِي إِسْرَءِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكَ مِّنْ عَذَابِكُمْ وَوَعَدْنَاكَ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْمَنَ وَالسَّلَوى ﴿٨٠﴾ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَن يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى ﴿٨١﴾ وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَعَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى ﴿٨٢﴾ وَمَا أَعْجَلَكَ عَن قَوْمِكَ يَمُوسَى ﴿٨٣﴾ قَالَ هُمْ أَوْلَاءِ عَلَى أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى ﴿٨٤﴾ قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ ﴿٨٥﴾ فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَنَ أَسِفًا قَالَ يَقُومُ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمْ أَلْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِي ﴿٨٦﴾ قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حُمِلْنَا أَوْزَارًا مِّن زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ ﴿٨٧﴾

و هرآینه وحی فرستادیم به سوی موسی که وقت شب ببرندگان مرا، پس بساز برای ایشان راهی خشک در دریا، مترس از دریافتن دشمنی و وسواس نکنی از غرق. ﴿۷۷﴾ پس تعاقب ایشان کرد فرعون با لشکرهای خویش، پس پوشانید ایشان را از دریا آنچه پوشانید ایشان را. ﴿۷۸﴾ و گمراه کرد فرعون قوم خود را و راه ننمود. ﴿۷۹﴾ گفتیم: ای بنی اسرائیل! هرآینه نجات دادیم شما را از دشمنان شما و وعده دادیم شما را^(۱) به جانب راست طور و فروفرستادیم بر شما «من» و «سلوی». ﴿۸۰﴾ گفتیم بخورید از لذایذ آنچه روزی دادیم شما را و از حدّ مگذرید در باب آن روزی، آنگاه ثابت شود بر شما خشم من و هر که ثابت شود بر وی خشم من، البته هلاک شد. ﴿۸۱﴾ و هرآینه من آمرزنده‌ام کسی را که توبه کرد و ایمان آورد و کار شایسته کرد، باز راه راست یافت. ﴿۸۲﴾ و چه^(۲) چیز به شتاب آورد تو را غافل مانده از قوم خود، ای موسی؟! ﴿۸۳﴾ گفت: قوم من، ایشانند بر پی من و شتافتم به سوی تو، ای پروردگار من! تا خوشنود شوی. ﴿۸۴﴾ گفت خدا: هرآینه ما در بلا افکندیم قوم تو را پس از تو و گمراه ساخت ایشان را سامری. ﴿۸۵﴾ پس بازگشت موسی به سوی قوم خود خشم گرفته، اندوه خورده، گفت: ای قوم من! آیا وعده نداده بود شما را پروردگار شما وعده نیک؟ آیا دراز شد بر شما مدت^(۳) یا خواستید که واجب شود بر شما خشمی از پروردگار شما؟ پس خلاف کردید وعده مرا. ﴿۸۶﴾ گفتند: خلاف نکردیم وعده تو را به اختیار خویش و لیکن ما را تکلیف کردند تا برداشتیم بارها از پیرایه قوم [قبط]، پس افکندیم آن را^(۴) و همچنین افکند سامری. ﴿۸۷﴾

۱- یعنی به دادن تورات.

۲- مترجم گوید: چون موسی با هفتاد کس از قوم خود به جانب طور متوجه شد، حضرت موسی از همه سبقت کرد خطاب رسید، والله اعلم.

۳- یعنی مدت مفارقت من.

۴- یعنی در آتش.

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمُ وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ ﴿٨٨﴾ أَفَلَا يَرَوْنَ إِلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ﴿٨٩﴾ وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَقُومُ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي ﴿٩٠﴾ قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ ﴿٩١﴾ قَالَ يَهْرُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا ﴿٩٢﴾ أَفَلَا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ﴿٩٣﴾ قَالَ يَبْنَؤُمْ لَا تَأْخُذْ بِلِحَيَّتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنَّ خَشْيَتِي أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي ﴿٩٤﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يُسْمِرِي ﴿٩٥﴾ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي ﴿٩٦﴾ قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ تُخْلَفَهُ وَانْظُرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ﴿٩٧﴾ إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿٩٨﴾

از بیرون آورد برای ایشان گوساله را، برآورد کالبدی که او را آواز گاو بود. پس گفتند اتباع سامری: این است پروردگار شما و پروردگار موسی، پس فراموش کرده است موسی. ﴿۸۸﴾ آیا نمی‌دیدند این گمراهان که باز نمی‌گرداند به سوی ایشان سخنی را و نمی‌تواند برای ایشان هیچ زبانی و نه سودی؟ ﴿۸۹﴾ و هرآینه گفت ایشان را هارون پیش از این: ای قوم من! جز این نیست که مبتلا شده‌اید به این گوساله و هرآینه پروردگار شما خدا است،

پس پیروی من کنید و انقیاد حکم من نمایید. ﴿۹۰﴾ گفتند: همیشه مجاور خواهیم بود برین گوساله تا وقتی که باز آید به ما موسی. ﴿۹۱﴾ [موسی آمده] گفت: ای هارون، چه چیز بازداشت تو را چون دیدی ایشان را که گمراه شدند. ﴿۹۲﴾ از آنکه پیروی من کنی^(۱)، آیا خلاف حکم من کردی؟ ﴿۹۳﴾ گفت: ای پسر مادر من! مگیر ریش مرا و نه موی سر مرا. هرآینه من ترسیدم از آنکه گویی جدایی افکندی در میان فرزندان یعقوب و نگاه نداشتی سخن مرا. ﴿۹۴﴾ گفت موسی: پس چیست حال تو ای سامری؟ ﴿۹۵﴾ گفت: بینا شدم به آنچه سایر مردم بینا نشدند به آن، پس گرفتم مشتی خاک از نقش پای فرستاده (یعنی جبریل) پس افکندم آن را^(۲) و به همین صفت بیاراست پیش من. ﴿۹۶﴾ گفت: پس برو، هرآینه تو را در زندگانی سزا این است که گویی دست رسانیدن ممکن نیست^(۳) و هرآینه تو را وعده دیگر است که خلاف کرده نشود در حق تو و بین سوی معبود خود که مجاور شده بودی بر آن، البته بسوزانیم آن را، پس پراکنده سازیم آن را در دریا، پراکنده ساختنگفت: پس برو، هرآینه تو را در زندگانی سزا این است که گویی دست رسانیدن ممکن نیست و هرآینه تو را وعده دیگر است که خلاف کرده نشود در حق تو و بین سوی معبود خود که مجاور شده بودی بر آن، البته بسوزانیم آن را، پس پراکنده سازیم آن را در دریا، پراکنده ساختن. ﴿۹۷﴾ جز این نیست که معبود شما «الله» است. آنکه نیست هیچ معبودی به حق بجز او، فرار رسیده است هر چیز را از روی دانش. ﴿۹۸﴾

۱- یعنی به قتال اهل ضلال.

۲- یعنی در کالبدی که از زر ساخته بود به شکل گوساله.

۳- یعنی اگر با کسی همنشین شدی، هر دو را تب می‌گرفت.

كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ
 آتَيْنَكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا ﴿٩٩﴾ مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ
 يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وِزْرًا ﴿١٠٠﴾ خَلِيدٍ فِيهِ سَاءَ لَهْمٌ
 يَوْمَ الْقِيَمَةِ حِمْلًا ﴿١٠١﴾ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ
 الْمُجْرِمِينَ يَوْمِئِذٍ زُرْقًا ﴿١٠٢﴾ يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ
 لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ﴿١٠٣﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ
 أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ﴿١٠٤﴾ وَيَسْأَلُونَكَ
 عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ﴿١٠٥﴾ فَيَذَرُهَا قَاعًا
 صَفْصَفًا ﴿١٠٦﴾ لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا ﴿١٠٧﴾ يَوْمِئِذٍ
 يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ
 لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا ﴿١٠٨﴾ يَوْمِئِذٍ لَا تَنْفَعُ
 الشَّفَعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا ﴿١٠٩﴾
 يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ
 عِلْمًا ﴿١١٠﴾ وَوَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ
 مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ﴿١١١﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ
 مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ﴿١١٢﴾ وَكَذَلِكَ
 أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ
 يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ﴿١١٣﴾

[یا محمد] اینچنین قصه می‌خوانیم بر تو از اخبار آنچه گذشته است و هر آینه داده‌ایم تو را از نزدیک خویش پندی. ﴿٩٩﴾ هر که روی بگرداند از آن، پس وی بردارد روز قیامت باری را^(۱). ﴿١٠٠﴾ جاویدان در آن بار کشیدن. و وی بد باری است ایشان را روز قیامت بار کشیدن. ﴿١٠١﴾ روزی که دمیده شود در صور و برانگیزیم گناهکاران را آن روز کبود چشم گشته. ﴿١٠٢﴾ پنهان حرف زنند. در میان خویش که درنگ نکردند (یعنی در دنیا) مگر ده شبانه‌روز. ﴿١٠٣﴾ ما داناتریم به حقیقت آنچه می‌گویند چون بگویند بهترین ایشان در روش: درنگ نکرده‌اید مگر یک روز. ﴿١٠٤﴾ و می‌پرسند تو را از کوه‌ها، بگو: پراکنده کند آن را پروردگار من، پراکنده کردن. ﴿١٠٥﴾ پس بگذارد زمین را میدانی هموار. ﴿١٠٦﴾ نبینی در آنجا هیچ کجی و نه هیچ بلندی. ﴿١٠٧﴾ آن روز از پی آواز کننده روند،^(۲) هیچ کجی نباشد آن اتباع را و پست شوند آوازاها برای خدا، پس نشنوی مگر آواز نرم. ﴿١٠٨﴾ آن روز نفع ندهد شفاعت مگر برای کسی که دستوری داده است خدا او را و پسند کرده است او را از روی گفتار^(۳). ﴿١٠٩﴾ می‌داند آنچه پیش روی آدمیان است و آنچه پس پشت ایشان است و آدمیان در نگیرند خدا را از روی دانش. ﴿١١٠﴾ و نیایش کنند روی‌های مردمان برای زنده‌ی خبر گیرنده و هر آینه به مطلب نرسید هر که برداشت ستم را. ﴿١١١﴾ و هر که بجا آرد کارهای شایسته را و او مؤمن باشد، پس وی نترسد از ستمی و نه از نقصانی. ﴿١١٢﴾ و همچنین فروفرستادیم کتاب را قرآن عربی و گوناگون بیان کردیم اندر آن ترسانیدن را تا بود که پرهیزگار شوند یا پیدا کند در حق ایشان پند را. ﴿١١٣﴾

۱- یعنی گناهی را.

۲- یعنی انقیاد اسرافیل کنند.

۳- یعنی مسلمان باشد.

فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ
 قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴿١١٤﴾
 وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَخْلُجَهُ لَهٗ
 عَزْمًا ﴿١١٥﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا
 إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى ﴿١١٦﴾ فَقُلْنَا يَسْأَدُمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ
 وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى ﴿١١٧﴾ إِنَّ
 لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى ﴿١١٨﴾ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ
 فِيهَا وَلَا تَصْحَى ﴿١١٩﴾ فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ
 يَسْأَدُمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَىٰ
 ﴿١٢٠﴾ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا
 يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ
 فَغَوَىٰ ﴿١٢١﴾ ثُمَّ أَجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ ﴿١٢٢﴾
 قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فِيمَا
 يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ
 وَلَا يَشْقَى ﴿١٢٣﴾ وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ
 مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى ﴿١٢٤﴾ قَالَ
 رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ﴿١٢٥﴾

قرآن پیش از آنکه انجام رسانیده شود به سوی تو وحی او را و بگو: ای پروردگار من! بیفزا مرا دانشی. ﴿۱۱۴﴾ و هرآینه حکم فرستادیم به سوی آدم پیش از این، پس فراموش کرد و نیافتیم او را قصد محکم. ﴿۱۱۵﴾ و یاد کن چون گفتیم فرشتگان را که سجده کنید به سوی آدم، عَلَيْهِ السَّلَام، پس سجده کردند، مگر ابلیس، قبول نکرد. ﴿۱۱۶﴾ پس گفتیم: ای آدم! هرآینه این دشمن است تو را وزنِ تو را پس باید که بیرون نکند شما را از بهشت که آنگاه رنج کشی. ﴿۱۱۷﴾ هرآینه تو راهست در بهشت اینکه گرسنه نشوی و برهنه نباشی. ﴿۱۱۸﴾ و آنکه تو تشنه نشوی آنجا و گرمی آفتاب نیابی. ﴿۱۱۹﴾ پس وسوسه انداخت به سوی آدم شیطان، گفت: ای آدم! آیا دلالت کنم تو را بر درخت همیشه بودن و برپادشاهی ای که کهنه نگردد؟ ﴿۱۲۰﴾ پس خوردند از آن درخت، پس ظاهر شد ایشان را شرمگاه ایشان و درایستادند که می چسپانیدند بر خویش از برگ درختان بهشت و نافرمانی کرد آدم پروردگار خود را، پس گم کرد راه را. ﴿۱۲۱﴾ باز برگزیدش پروردگار او، پس به رحمت بازگشت بر وی و راه نمود. ﴿۱۲۲﴾ گفت: فروروید شما هر دو از این بهشت، بعضی اولاد شما بعض دیگر را دشمن باشند، پس اگر بیاید به شما از جانب من هدایتی، پس هر که پیروی هدایت من کند گمراه نشود و رنج نکشد. ﴿۱۲۳﴾ هر که روگردان شود از یاد کردن من، پس او را بود زندگانی تنگ و نایبنا برانگیزیم او را روز قیامت. ﴿۱۲۴﴾ گوید: ای پروردگار من! چرا نایبنا برانگیختی مرا؟ و هرآینه پیش از این بینا بودم. ﴿۱۲۵﴾

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ ءَايَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا ۖ وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ
 تُنْسَى ۝ (۱۲۶) وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ
 بِآيَاتِ رَبِّهِ ۚ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى ۝ (۱۲۷) أَفَلَمْ
 يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ
 فِي مَسْكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْتِهَى ۝ (۱۲۸)
 وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ
 مُّسَمًّى ۝ (۱۲۹) فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
 قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ ءَانَائِ اللَّيْلِ
 فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى ۝ (۱۳۰) وَلَا تَمُدَّنَّ
 عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ ۚ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۚ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ۝ (۱۳۱) وَأْمُرْ
 أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا ۖ لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا
 نَحْنُ نَرْزُقُكَ ۖ وَالْعَقِبَةُ لِلتَّقْوَى ۝ (۱۳۲) وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا
 بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ ۚ أَوْ لَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ مَا فِي الصُّحُفِ
 ۝ (۱۳۳) وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ ۚ
 لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ ءَايَاتِكَ
 مِنْ قَبْلِ أَنْ نُنْذَلَ وَنُخْزَى ۝ (۱۳۴) قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ
 فَتَرَبَّصُوا ۖ فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ
 وَمَنْ أَهْتَدَى ۝ (۱۳۵)

گفت: همچنین آمد به تو نشانه‌های ما، پس تغافل کردی از
 آن و همچنین امروز تغافل کرده شود در حقّ تو. ﴿۱۲۶﴾
 و همچنین سزا می‌دهیم آن را که از حد گذشت و ایمان
 نیاورد به آیات پروردگار خویش و هرآینه عذاب آخرت،
 سخت‌تر و پاینده‌تر است. ﴿۱۲۷﴾ آیا راه ننمود ایشان را
 آنکه بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان از طبقات مردمان
 را که می‌روند در منازل آن هلاک شدگان؟ هرآینه در
 این مقدمه نشانه‌ها است خداوندان خرد را. ﴿۱۲۸﴾ و اگر
 نبودی سخنی که سابقاً صادر شد از پروردگار تو و نبودی
 وقتی معین، هرآینه عذاب لازم شدی. ﴿۱۲۹﴾ پس صبر
 کن بر آنچه می‌گویند و تسبیح‌گو با حمد پروردگار
 خویش پیش از برآمدن آفتاب و پیش از فروشدن آن و
 بعض از ساعت‌های شب و اطراف روز تسبیح‌گو، بود که
 خوشنود شوی. ﴿۱۳۰﴾ و باز مگشای دو چشم خود را به
 سوی آنچه بهره‌مند ساخته‌ایم به آن جماعت‌ها را از ایشان
 از قسم آرایش زندگانی دنیا تا مبتلا کنیم ایشان را در آن و
 روزی پروردگار تو بهتر است و پاینده‌تر است. ﴿۱۳۱﴾ و
 بفرما کسان خود را به نماز و شکیبایی کن بر ادای آن.
 نمی‌طلبیم از تو روزی دادن. ما روزی دهیم تو را و عاقبت
 خیر، اهل تقوی راست. ﴿۱۳۲﴾ و گفتند کافران: چرا
 نمی‌آرد پیش ما نشانه‌ای از جانب پروردگار خویش؟ آیا
 نیامده است به ایشان نشانه‌ای واضح از جنس آنچه در
 کتابهای پیشین است؟^(۱) ﴿۱۳۳﴾ و اگر ما هلاک
 می‌کردیم ایشان را به عقوبتی پیش از فرستادن پیغمبری،
 گفتندی: ای پروردگار ما! چرا نفرستادی به سوی ما
 پیغامبری تا پیروی آیات تو می‌کردیم، پیش از آنکه خوار
 شویم و رسوا گردیم. ﴿۱۳۴﴾ بگو: هر یک منتظر است،
 پس شما نیز منتظر باشید، خواهید دانست کیانند اهل راه
 راست و که راه یافت. ﴿۱۳۵﴾

۱- یعنی قرآن مشتمل است بر قصص و غیر آن موافق کتب سابقه.

سُورَةُ الْأَنْبِيَاءِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ ﴿١﴾
 مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ
 وَهُمْ يَلْعَبُونَ ﴿٢﴾ لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرَأُ التَّجْوَى
 الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ
 السَّحَرَ وَانْتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿٣﴾ قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي
 السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٤﴾ بَلْ قَالُوا
 أَضْغَثْ أَحْلَمَ بَلْ أَفْتَرَنَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ
 كَمَا أُرْسِلَ الْأُولُونَ ﴿٥﴾ مَا ءَامَنَتْ قَبْلَهُمْ مِّن قَرْيَةٍ
 أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا
 رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا
 تَعْلَمُونَ ﴿٧﴾ وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ
 الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ ﴿٨﴾ ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ
 فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَّشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ ﴿٩﴾ لَقَدْ
 أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠﴾

سوره انبیاء

به نام خداوند بخشنده مهربان

نزدیک شد به مردمان حساب ایشان و ایشان در غفلت رو گردانند. ﴿۱﴾ نمی آید به ایشان هیچ پند از جانب پروردگار ایشان نوپدید آورده، مگر بشنوند آن را بازی کنان. ﴿۲﴾ غافل شده دل‌های ایشان و پنهان راز گفتند ایشان، این ظالمان که: نیست این شخص مگر آدمی مانند شما؟ آیا اقبال می کنید به سحر و شما می بینید؟ ﴿۳﴾ گفت پیغمبر: پروردگار من می داند هر سخن را که در آسمان و زمین باشد و او شنوای داناست. ﴿۴﴾ بلکه گفتند: این قرآن خواب‌های پریشان است، بلکه [می گویند]: بربسته است آن را بلکه [می گویند]: او شاعر است، پس باید که بیارد پیش ما نشانه، چنانکه فرستاده شدند به آن نخستینیان^(۱). ﴿۵﴾ ایمان نیاورده بود پیش از این هیچ دیهی که هلاک کردیم آن را. آیا ایشان ایمان خواهند آورد. ﴿۶﴾ و نفرستادیم پیش از تو مگر مردمان را که وحی می فرستادیم به ایشان، پس پیرسید از اهل کتاب اگر شما نمی دانید. ﴿۷﴾ و نساختیم پیغمبران را کالبدی که نخورند طعام و نبودند جاوید باشندگان. ﴿۸﴾ باز راست کردیم در حق ایشان وعده را، پس برهانیدم ایشان را و هر که را خواستیم و هلاک کردیم از حد گذرندگان را. ﴿۹﴾ هر آینه فرو فرستادیم به سوی شما کتابی که در او هست پند شما، آیا نمی فهمید؟ ﴿۱۰﴾

۱- مترجم گوید: مراد از نشانه عقوبت عام می داشتند مثل قوم نوح و

صرصر قوم هود، والله اعلم.

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ ﴿١١﴾ فَلَمَّا أَحْسَوْا بِأَسَنَّا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ ﴿١٢﴾ لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسْكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَسْأَلُونَ ﴿١٣﴾ قَالُوا يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿١٤﴾ فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوُهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَلَمِدينَ ﴿١٥﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعَيْنٍ ﴿١٦﴾ لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ لَاتَّخِذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَلَعَلَّيْنِ ﴿١٧﴾ بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿١٩﴾ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ ﴿٢١﴾ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٢٢﴾ لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ ﴿٢٣﴾ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرٌ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٤﴾

شوید^(۱). ﴿۱۳﴾ گفتند: ای وای ما را! هرآینه ما بودیم ستمکار. ﴿۱۴﴾ پس همیشه این بود گفتار ایشان تا وقتی که گردانیدیم ایشان را مثل زراعتِ دروده شده، مانند آتش فرومرد. ﴿۱۵﴾ و نیافریدیم آسمان و زمین را و آنچه در میان آنها است، بازی‌کنان. ﴿۱۶﴾ اگر می‌خواستیم که بسازیم بازی^(۲) هرآینه می‌ساختیم آن را از نزدیک خویش اگر کننده می‌بودیم^(۳). ﴿۱۷﴾ بلکه می‌افکنیم حق را بر باطل پس سرش می‌شکند، پس ناگهان باطل نابود شود. و وای شما راست از آنچه بیان می‌کنید. ﴿۱۸﴾ و او راست آنکه در آسمان‌ها و زمین است و آنان که نزد اویند^(۴)، سرکشی نمی‌کنند از عبادت او و مانده نمی‌شوند. ﴿۱۹﴾ تسبیح می‌گویند شب و روز، سستی نمی‌نمایند. ﴿۲۰﴾ آیا اینچنین خدایان گرفته‌اند خدایان از امتعه زمین^(۵) که ایشان را (بعد موت) بازبرانگیزانند؟ ﴿۲۱﴾ اگر بودی در آسمان و زمین خدایان چند غیر خدا، هر دو تباه گشتندی. پاکی خدای راست خداوند عرش از آنچه صفت می‌کنند. ﴿۲۲﴾ پرسیده نمی‌شود از آنچه می‌کند و ایشان پرسیده می‌شوند. ﴿۲۳﴾ آیا معبودان گرفته‌اند بجز خدا؟ بگو بیارید دلیل خود را. این است کتاب آنان که با منند و این است کتاب آنان که پیش از من بودند. بلکه اکثر ایشان نمی‌دانند حق را پس ایشان روگرداندند. ﴿۲۴﴾

۱- یعنی به غمخوارگی قوم احوال شما پرسند.

۲- یعنی زن و فرزند.

۳- یعنی مجرد می‌بودند و این مناقصه لطیفه است. حاصل آنکه در رسل، این استبعاد جاری نیست که چرا آدمی رسول باشد بلکه آن را در تنزیه از زن و فرزند می‌توان تقریر کرد که اگر خدا را زن و فرزند می‌بودند، مجرد و واجب‌الوجود، جامع اوصاف کمال می‌بودند، والله اعلم.

۴- یعنی ملاً اعلی.

۵- یعنی از ذهب و فضه.

۶- مراد ازین کلام، ردست بر عبادت اصنام.

و بسیار شکستیم از قسم دیهی که ستمکار بودند و نوپیدا ساختیم بعد آن گروه دیگر را. ﴿۱۱﴾ پس چون دیدند عذاب ما، ناگهان ایشان از آنجا می‌دویدند. ﴿۱۲﴾ گفتیم مگر یزید و باز روید به سوی مکانی که آسودگی داده شد شما را در آن و سوی به خانه‌های خویش تا بود که پرسیده

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴿٢٥﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَنَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿٢٦﴾ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنَ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿٢٨﴾ وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٢٩﴾ أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٠﴾ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٣١﴾ وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ﴿٣٢﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٣٣﴾ وَمَا جَعَلْنَا لِבَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ ﴿٣٤﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَاقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٣٥﴾

و نفرستادیم پیش از تو هیچ پیغمبری الا وحی می فرستادیم به سوی او که نیست هیچ معبود بر حق، غیر من، پس پرستش من کنید. ﴿۲۵﴾ و گفتند فرزند گرفته است خدا، پاکی او راست. بلکه [آنان که در حق ایشان این زعم دارند] بندگان گرامی اند. ﴿۲۶﴾ پیشدستی نمی کنند بر خدا به هیچ سخن و ایشان به فرمان وی کار می کنند. ﴿۲۷﴾ می داند آنچه در پیش روی ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است و شفاعت نمی کنند، الا برای کسی که خدا خوشنود شده است و ایشان از ترس خدا مضطربانند. ﴿۲۸﴾ و هر که بگوید از ایشان که: من خدایم بجز الله، پس سزا دهیم او را دوزخ. همچنین سزا می دهیم ستمکاران را. ﴿۲۹﴾ آیا ندیدند کافران که آسمان ها و زمین بسته بودند پس وا کردیم اینها را^(۱) و پیدا کردیم از آب هر چیز زنده را. آیا ایمان نمی آرند؟. ﴿۳۰﴾ و پیدا کردیم در زمین کوه ها از برای احتراز از آنکه بجنباند ایشان را و پیدا کردیم در آنجا گشاده راه ها تا بود که ایشان راه یابند. ﴿۳۱﴾ و ساختیم آسمان را سقفی نگاه داشته شده و ایشان از نشانه های آسمان روگردانند. ﴿۳۲﴾ و اوست آن که آفرید شب و روز را و آفتاب و ماه را. هر یکی از ستارها در آسمانی شنا می کنند. ﴿۳۳﴾ و ندادیم هیچ آدمی را پیش از تو همیشه بودن. آیا اگر تو بمیری ایشان همیشه باشند گانند؟. ﴿۳۴﴾ هر شخصی چشنده مرگ است. و مبتلا می کنیم شما را به سختی و آسودگی به طریق امتحان و به سوی ما بازگردانیده شوید. ﴿۳۵﴾

۱- مترجم گوید: وا کردن آسمان ها، نازل کردن مَطَر است و وا کردن زمین، رویانیدن گیاه از وی.

وَإِذَا رَأَوْكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا
 أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ يَذْكُرُ الرَّحْمَنَ هُمْ
 كَافِرُونَ ﴿٣٦﴾ خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُورِيكُمْ
 ءَايَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ﴿٣٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ
 إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾ لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ
 لَا يَكْفُونُ عَنْ وُجُوهِهمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ
 وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٣٩﴾ بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا
 يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٤٠﴾ وَلَقَدْ
 أَسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا
 مِنْهُم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٤١﴾ قُلْ مَن
 يَكْلَأُكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ
 ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٤٢﴾ أَمْ لَهُمْ ءَالِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِّنْ
 دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِتًّا
 يُصْحَبُونَ ﴿٤٣﴾ بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَءَابَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ
 عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا
 مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٤٤﴾

و چون بینند تو را کافران نمی گیرند تو را مگر به تمسخر.
 [می گویند]: آیا این شخص یاد می کند (یعنی به اهانت)
 معبودانِ شما را؟ و ایشان یاد خدا را منکرند. ﴿۳۶﴾
 آفریده شد انسان از شتابی^(۱). خواهیم نمود شما را
 نشانه های خویش، پس شتاب طلب مکنید از من. ﴿۳۷﴾ و
 می گویند: کی خواهد بود این وعده اگر راستگو هستید؟
 ﴿۳۸﴾ اگر بدانند کافران صورت حال، آن وقت که باز
 نتوانند داشت از روی خویش آتش را و نه از پشت خویش
 و نه ایشان نصرت داده شوند، چنین نگفتندی. ﴿۳۹﴾ بلکه
 بیاید به ایشان قیامت، ناگهان، پس حیران گرداند ایشان را،
 پس نتوانند دفع کردن آن و نه ایشان مهلت داده شوند.
 ﴿۴۰﴾ و هر آینه تمسخر کرده شده به پیغامبران پیش از
 تو، پس در گرفت به آنان که تمسخر کردند از ایشان، آنچه
 به آن استهزا می کردند. ﴿۴۱﴾ بگو: که نگاهبانی می کند
 شما را به شب و روز از عقوبت خدا؟ بلکه ایشان از یاد
 پروردگار خویش روگردانند. ﴿۴۲﴾ آیا ایشان را
 معبودانند [غیر ما] که نگاه می دارند ایشان را از مصایب؟
 نمی توانند نصرت دادن خویش را و نه ایشان از عقوبت ما
 به جمعیت خود محفوظ مانند. ﴿۴۳﴾ بلکه بهره مند
 ساخته ایم ایشان را و پدران ایشان را تا وقتی که دراز شد بر
 ایشان مدت عمر. آیا نمی بینند که ما در گرفت می کنیم
 زمین [دار الحرب] را، می کاهیم آن را از جوانب آن. آیا
 ایشان غلبه کنند گانند؟^(۲) ﴿۴۴﴾

۱- این کنایت است از غلبه استعجال بر آدمی، والله اعلم.

۲- یعنی به اسلام اسلم و غفار پیش از هجرت.

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَئِنْ مَسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ حَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بَنَا حَسِيبٌ ﴿٤٧﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَآءَ وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ ﴿٤٩﴾ وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٥٠﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ ﴿٥١﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاقِبُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا وَجَدْنَا ءَابَاءَنَا لَهَا عِبَادِينَ ﴿٥٣﴾ قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٥٤﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكُم مِّنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٥٦﴾ وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ ﴿٥٧﴾

بگو: جز این نیست که می ترسانم شما را [به مضمون] به وحی. و نمی شنوند کران آواز خواندن را، چون ترسانیده می شوند. ﴿۴۵﴾ و اگر رسد به ایشان اندکی از عقوبت پروردگار ت، هرآینه گویند: ای وای ما را! هرآینه ما بودیم ستمکار. ﴿۴۶﴾ و در میان نهیم ترازوی عدل را روز قیامت، پس ستم کرده نشود بر هیچ کس هیچ شیء. و اگر باشد عمل، هم سنگ دانه سپندان، حاضر کنیم آن را و حساب کننده بسایم. ﴿۴۷﴾ و هرآینه دادیم موسی و هارون را کتاب فیصله کننده و روشنی و پندی پرهیزکاران را. ﴿۴۸﴾ آنان که می ترسند از پروردگار خویش غایبانه و ایشان از قیامت ترسندگاند. ﴿۴۹﴾ و این قرآن پندی هست با برکت، فروفرستادیم آن را. آیا شما به آن منکرید؟ ﴿۵۰﴾ و هرآینه دادیم ابراهیم را راهیابی او پیش از این و بودیم به احوال او دانا. ﴿۵۱﴾ چون گفت پدر خود را و قوم خود را: چیست این صورت ها که شما بر آن مجاورت دارید؟ ﴿۵۲﴾ گفتند: یافتیم پدران خود را آنها را پرستنده! ﴿۵۳﴾ گفت: هرآینه بودید شما و پدران شما در گمراهی ای ظاهر. ﴿۵۴﴾ گفتند: آیا آوردی به ما سخن راست را یا تو از بازی کنندگانی؟ ﴿۵۵﴾ گفت: بلکه پروردگار شما، خداوند آسمان ها و زمین است، آنکه آفرید اینها را و من بر این سخن از گواهانم. ﴿۵۶﴾ و قسم به خدا! که البته بدسگالی کنم بتان شما را بعد از آنکه روبگردانید پشت داده. ﴿۵۷﴾

فَجَعَلَهُمْ جُودًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ ﴿٥٨﴾
 قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٩﴾
 قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ وَابْرَاهِيمُ ﴿٦٠﴾
 قَالُوا فَأَتُوا بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿٦١﴾
 قَالُوا ءَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا اِبْرَاهِيمُ ﴿٦٢﴾ قَالَ
 بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ ﴿٦٣﴾
 فَرَجَعُوا إِلَى أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٦٤﴾
 ثُمَّ نُكِسُوا عَلَى رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ
 يَنْطِقُونَ ﴿٦٥﴾ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا
 يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿٦٦﴾ أَفِ لَكُمْ وَلِمَا
 تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا حَرِّقُوهُ
 وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿٦٨﴾ قُلْنَا يَنْتَارُ
 كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى اِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا
 فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ﴿٧٠﴾ وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ
 الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ
 وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۖ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ﴿٧٢﴾

پس ساخت آنها را ریزه ریزه مگر بت بزرگ را از ایشان.
 تا بود که به سوی او ایشان بازگردند. ﴿٥٨﴾ گفتند: که
 کرده است این کار به خدایان ما؟ هرآینه وی از
 ستمکاران است [به جماعت]. ﴿٥٩﴾ گفتند: شنیدیم از
 جوانی که ذکر بتان می کرد (یعنی عیب می کرد)، گفته
 می شود او را ابراهیم. ﴿٦٠﴾ گفتند: بیارید او را به حضور
 چشم مردمان تا بود که ایشان گواهی دهند. ﴿٦١﴾ گفتند:
 آیا تو کردی این کار به خدایان ما ای ابراهیم؟! ﴿٦٢﴾
 گفت: بلکه کرده است آن را این بت بزرگ ایشان! پس
 سؤال کنید از بتان اگر سخن می گویند. ﴿٦٣﴾ پس رجوع
 کردند به خویشان، پس گفتند با یکدیگر هرآینه شماید
 ستمکار. ﴿٦٤﴾ پس نگویند بر سر خویش [و این
 کنایت است از ملزم شدن]، هرآینه تو می دانی که ایشان
 سخن نمی گویند. ﴿٦٥﴾ گفت: آیا عبادت می کنید بجز
 خدا چیزی را که هیچ نفع نمی رساند به شما و زیان نکند
 شما را؟! ﴿٦٦﴾ ناخوشی است به شما و به آنچه می پرستید
 بجز خدا. آیا نمی فهمید؟! ﴿٦٧﴾ با یکدیگر گفتند: که
 بسوزانید او را و نصرت دهید خدایان خود را اگر
 کننده اید^(۱). ﴿٦٨﴾ گفتیم: ای آتش! سرد شو و سلامتی
 باش بر ابراهیم. ﴿٦٩﴾ و خواستند به او فریب کردن، پس
 ساختیم ایشان را زیانکارتر. ﴿٧٠﴾ و برهانیدیم ابراهیم را و
 لوط را به سوی زمینی که برکت نهادیم در آن عالمها
 را^(۲). ﴿٧١﴾ و عطا کردیم او را اسحق و عطا کردیم
 یعقوب که نبیره ابراهیم بود و هر یکی را ساختیم نیکوکار.
 ﴿٧٢﴾

۱- القصه در آتش انداختند.

۲- یعنی سرزمین شام.

وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَبِيدِينَ ﴿٧٣﴾ وَلَوْ طَآءَتْ أَيْمُنُهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَاتِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَلَسِقِينَ ﴿٧٤﴾ وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٧٥﴾ وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾ وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٧٧﴾ وَدَاوُدَ وَسَلَمَانَ إِذْ يَخْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ﴿٧٨﴾ فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ ﴿٧٩﴾ وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ ﴿٨٠﴾ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ ﴿٨١﴾

و پیشوا گردانیدیم ایشان را، راه می نمودند به فرمان ما و وحی فرستادیم به سوی ایشان کردن نیکویی ها و برپا داشتن نماز و دادن زکات و بودند ما را عبادت کنندگان. ﴿۷۳﴾ و لوط را دادیم حکمت و علم و برهانیدیم او را از دیهی که می کرد کارهایی ناپاک. هر آینه ایشان بودند قوم بد گنهکار. ﴿۷۴﴾ و درآوردیم او را به رحمت خویش. هر آینه وی بود از شایسته کاران. ﴿۷۵﴾ و یاد کن نوح را چون ندا کرد پیش از این، پس قبول کردیم دعای او را. پس خلاص کردیم او را و کسان او را از اندوه بزرگ. ﴿۷۶﴾ و نصرت دادیم او را بر قومی که دروغ شمرند آیات ما را. هر آینه ایشان بودند گروهی بد، پس غرق کردیم ایشان را همه یکجا. ﴿۷۷﴾ و یاد کن داود و سلیمان را چون حکم کردند در باب زراعت، چون به وقت شب چرا کرد در آن گوسفندان گروهی و بودیم بر حکم ایشان حاضر^(۱). ﴿۷۸﴾ پس فهمانیدیم طریق فیصل کردن خصومت، سلیمان را و هر یکی را داده بودیم حکمت و دانش و مُسَخَّر گردانیدیم با داود کوه ها را که با او تسبیح می کردند و مرغان را نیز مُسَخَّر ساختیم و ما بودیم کننده. ﴿۷۹﴾ و بیاموختیم او را ساختن لباسی برای شما که نگاه دارد شما را از ضرر کارزار شما^(۲) پس آیا هستید شکر کننده؟ ﴿۸۰﴾ و مُسَخَّر ساختیم برای سلیمان باد تند و زنده، می رفت به فرمان وی به سوی زمین که برکت نهادیم

۱- یعنی گوسفندان قومی در زراعت قومی دیگر به وقب شب درآمدند و چرا کردن. علیه السلام، حکم کرد به دادن گوسفندان، عوض زراعت. سلیمان حکم کرد این قوم را به اصلاح زراعت و آن قوم را به انتفاع از شیر غنم تا وقتی که زراعت به حال خود رسد. حکم سلیمان اصوب بود، الله اعلم.

۲- یعنی ساختن زره.

در آن (یعنی شام) و بودیم به هر چیز دانا. ﴿۸۱﴾

وَمِنَ الشَّيْطَانِ مَنْ يَغْوُصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا
دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَفِظِينَ ﴿۸۲﴾ وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ
رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿۸۳﴾
فَأَسْتَجَبْنَا لَهُ وَفَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَعَآتَيْنَاهُ
أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذِكْرًا
لِّلْعَبِيدِ ﴿۸۴﴾ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِّنَ
الصَّابِرِينَ ﴿۸۵﴾ وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِّنَ
الصَّالِحِينَ ﴿۸۶﴾ وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغْضِبًا فَظَنَّ أَن
لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۸۷﴾
فَأَسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي
الْمُؤْمِنِينَ ﴿۸۸﴾ وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي
فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴿۸۹﴾ فَأَسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا
لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ وَزَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ
فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا
خَاشِعِينَ ﴿۹۰﴾

و مُسَخَّرٌ ساختیم از دیوان جماعتی را که غواصی می کردند
برای وی و می کردند کاری غیر آن. نیز بودیم ایشان را
نگاه دارنده. ﴿۸۲﴾ و یاد کن ایوب را چون ندا کرد به
جناب پروردگار خویش به آنکه مرا رسیده است رنج و تو
مهربان ترین مهربانی. ﴿۸۳﴾ پس قبول کردیم دعای او را،
پس دور ساختیم آنچه با وی بود از رنج و عطا کردیم او را
فرزندان او. و مانند ایشان همراه ایشان به سبب مهربانی از
نزدیک خویش و تا پندی بود عبادت کنندگان را. ﴿۸۴﴾
و یاد کن اسمعیل و ادریس را و ذوالکفل را. هر یکی از
صبر کنندگان بود. ﴿۸۵﴾ و درآوردیم ایشان را در
رحمت خود. هر آینه ایشان از نیکوکاران بودند. ﴿۸۶﴾ و
یاد کن ذو النون را چون رفت خشم خورده^(۱)، پس گمان
کرد که تنگ نگیریم بر وی^(۲)، پس ندا کرد در تاریکی ها
به آنکه: هیچ معبود به حق نیست غیر تو، پاکی تورا ست.
هر آینه من بودم از ستمکاران. ﴿۸۷﴾ پس قبول کردیم
دعای او را و نجات دادیمش از غم و همچنین نجات
می دهیم مسلمانان را. ﴿۸۸﴾ و یاد کن زکریا را چون ندا
کرد به جناب پروردگار خود: ای پروردگار من! مگذار مرا
تنها و تو بهترین وارثانی. ﴿۸۹﴾ پس قبول کردیم دعای او
را و بخشیدم او را یحیی و نیکو ساختیم برای او زن او را.
هر آینه این پیغامبران شتابی می کردند در در نیکی ها و
می خواندند ما را به توقع و خوف و بودند برای ما نیازمند.

﴿۹۰﴾

۱- یعنی بر قوم خود به غیر اذن الهی، الله اعلم.

۲- القصه حوت او را به حلق در کشید.

وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا
وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿٩١﴾ إِنَّ هَذِهِ
أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴿٩٢﴾
وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلُّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ ﴿٩٣﴾ فَمَنْ
يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ
لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ وَكِيلُونَ ﴿٩٤﴾ وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ
أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٩٥﴾ حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ
يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿٩٦﴾
وَأَقْرَبَ الْوَعْدُ الْحَقِّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَرُ الَّذِينَ
كَفَرُوا يَوِيلًا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا
ظَالِمِينَ ﴿٩٧﴾ إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
حَصْبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ ﴿٩٨﴾ لَوْ كَانَ هَؤُلَاءِ
إِلَٰهَةً مَا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٩٩﴾ لَهُمْ فِيهَا
زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ
مِّنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴿١٠١﴾

و یاد کن زنی را که به عفت نگه داشت شرمگاه خود را،
پس دمیدیم در آن روح خود را و ساختیم او را و پسرِ او را
نشانه‌ای برای عالم‌ها. ﴿٩١﴾ گفتیم: هرآینه این است
ملت شما ملت یکتا، و من پروردگار شمایم. پس عبادتِ
من کنید^(۱). ﴿٩٢﴾ و متفرق شدند امت‌ها در کار خود^(۲)
در میان خویش. هر یک به سوی ما رجوع کنندگانند.
﴿٩٣﴾ پس هر که بکند از جنس کارهای شایسته و او
مؤمن باشد، پس ناقبولی نبود سعی او را. و هرآینه برای او
می‌نویسیم. ﴿٩٤﴾ و محال است بر هر دیهیی که هلاک
کردیم او را آنکه بازگردند (یعنی به دنیا). ﴿٩٥﴾ تا وقتی
که گشاده شود قید یأجوج و مأجوج و ایشان از هر بلندی
بشتابند. ﴿٩٦﴾ و نزدیک برسد وعدهٔ راست. پس ناگهان
حال این است، بالا دوخته شود چشم کافران. گویند: وای
بر ما! هرآینه در غفلت بودیم از این حال، بلکه بودیم
ستمکار. ﴿٩٧﴾ هرآینه شما و آنچه می‌پرستید بجز خدا
(یعنی بتان) آتش انگیز دوزخ باشید. شما بر وی حاضر
شوید. ﴿٩٨﴾ اگر می‌بودند اینها خدایان، حاضر
نمی‌گشتند بر دوزخ. و همهٔ ایشان آنجا جاویدان باشند.
﴿٩٩﴾ ایشان را آنجا ناله باشد و ایشان آنجا هیچ نشنوند.
﴿١٠٠﴾ هرآینه آنان که سابقاً مقرر شد برای ایشان از
جانب ما نیکویی، این جماعت از دوزخ دور کرده شوند.
﴿١٠١﴾

۱- یعنی اصل دین، واحد است و اختلاف، در فروع می‌باشد.

۲- یعنی در اصل دین.

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا^ط وَهُمْ فِي مَا أَشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ
خَالِدُونَ ﴿١٠٢﴾ لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ
الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿١٠٣﴾
يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا
بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُ وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ
﴿١٠٤﴾ وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ
يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿١٠٥﴾ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ
عَابِدِينَ ﴿١٠٦﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٧﴾ قُلْ
إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ
مُسْلِمُونَ ﴿١٠٨﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ ءَاذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ^ط
وَإِنْ أَدْرَىٰ أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدُ مَا تُوعَدُونَ ﴿١٠٩﴾ إِنَّهُ
يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿١١٠﴾ وَإِنْ
أَدْرَىٰ لَعَلَّهُ فِتْنَةً لَّكُمْ وَمَتَّعَ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١١١﴾ قُلْ رَبِّ
أَحْكُم بِالْحَقِّ^ط وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا
تَصِفُونَ ﴿١١٢﴾

نشنوند آواز دوزخ را و ایشان در آنچه خواهد نفس ایشان،
جاویدانند. ﴿۱۰۲﴾ اندوهگین نسازد ایشان را آن ترس
بزرگ و پیش آیند ایشان را فرشتگان. گویند: این است آن
روز که شما را وعده داده می‌شد. ﴿۱۰۳﴾ روزی که
پیچیم آسمان را مانند پیچیدن طومار وقت نوشتن، نامه‌ها
را. چنانکه آغازیدیم اول آفرینش را، دیگر باره کنیم
آفرینش. وعده لازم بر ما. هرآینه ما کننده‌ایم. ﴿۱۰۴﴾ و
هرآینه نوشتیم در زبور بعد از تورات که زمین، وارث آن
شوند بندگان شایسته ما^(۱). ﴿۱۰۵﴾ هرآینه در آنچه گفته
شد، کفایت است گروه عابدان را. ﴿۱۰۶﴾ و نفرستادیم تو
را مگر از روی مهربانی بر عالم‌ها. ﴿۱۰۷﴾ بگو جز این
نیست که وحی فرستاده می‌شود به سوی من که معبود شما
خدای یکتا است. پس آیا گردن نهنده هستید؟. ﴿۱۰۸﴾
پس اگر اعراض کنند، پس بگو: خبردار ساختم شما را بر
وجهی که همه برابر باشید. و نمی‌دانم که نزدیک است یا
دور است، آنچه وعده داده می‌شوید. ﴿۱۰۹﴾ هرآینه خدا
می‌داند آشکار را از سخن و می‌داند آنچه پنهان می‌کنید.
﴿۱۱۰﴾ و نمی‌دانم شاید تأخیر موعود، ابتلا باشد شما را و
بهره‌مندی باشد تا مدتی. ﴿۱۱۱﴾ پیغامبر گفت: ای
پروردگار من! حکم کن به راستی. و پروردگار ما
بخشاینده است، از وی مدد طلب کرده می‌شود بر آنچه
بیان می‌کنید. ﴿۱۱۲﴾

۱- یعنی در آخر زمان پیغامبری مبعوث شود و امت او بر هر زمین غالب
شود، والله اعلم.

سُورَةُ الْحَجِّ

سوره حج

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿١﴾ يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهِلُ كُلَّ مَرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ﴿٢﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ ﴿٣﴾ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَأَتَاهُ بِضَلَالَةٍ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿٤﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن تَرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقَرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِّتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّن يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَثْبَتَتْ مِن كُلِّ رَوْحٍ بِهِيجٌ ﴿٥﴾

ای مردمان! بترسید از پروردگار خویش. هر آینه زلزله که نزدیک قیامت باشد، چیزی بزرگ است. ﴿١﴾ روزی که ببینید آن را، غافل شود هر شیر دهنده از طفلی که شیر می‌دهدش و بنهد هر زن باردار، بار شکم خود را! و ببینی مردمان را مست شده و نیستند مست و لیکن عذاب خدا سخت است. ﴿٢﴾ و از مردمان کسی هست که گفتگو می‌کند در شأن خدا به غیر دانش و پیروی می‌نماید هر شیطان متمرّد را. ﴿٣﴾ [که در قضای الهی] نوشته شده است بر وی که هر که دوست داری او کند، پس وی گمراه کندش و راه نمایدش به سوی عذاب آتش. ﴿٤﴾ ای مردمان! اگر در شکید از رستخیز، پس هر آینه ما آفریدیم شما را از خاک، باز از نطفه، باز از خون بسته، باز از گوشت پاره صورت داده و غیر صورت داده. می‌گوییم تا واضح سازیم برای شما. و قرار می‌دهیم در رحم‌ها چیزی را که خواهیم تا میعاد معین، باز بیرون می‌آریم شما را کودکی شده، باز تربیت می‌کنیم تا برسید به نهایت جوانی خود. و از شما کسی بود که قبض ارواح او کرده آید و از شما کسی بود که باز گردانیده شود به بدترین عمر، تا نداند چیزی را بعد از آنکه می‌دانست. و می‌بینی زمین را خشک شده، پس وقتی که فروفرستادیم بر آن آب را، جنبش کند و بیفزاید و برویاند از هر قسم رونق‌دار. ﴿٥﴾

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٦﴾ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ﴿٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ ﴿٨﴾ ثَانِي عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٩﴾ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ ﴿١٠﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فَتْنَةٌ أُنْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١١﴾ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْصُرُهُمْ وَمَا لَا يَنْفَعُهُمْ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ﴿١٢﴾ يَدْعُوا لِمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوْلَىٰ وَلَبِئْسَ الْعَشِيرُ ﴿١٣﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿١٤﴾ مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَن لَّنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ ﴿١٥﴾

این همه به سبب آن است که الله همونست ثابت و آنکه وی زنده می کند مردگان را و آنکه وی بر همه چیز تواناست. ﴿٦﴾ و آنکه قیامت آمدنی است، نیست هیچ شبهه در آن و آنکه خدا برانگیزد آنان را که در گور باشند. ﴿٧﴾ و از مردمان کسی هست که گفتگو می کند در شأن خدا به غیر دانش و به غیر هدایت و به غیر کتاب روشن. ﴿٨﴾ پیچنده صفحه گردن خود را^(۱) تا گمراه کند از راه خدا. او راست در دنیا رسوایی و بچشانیم او را روز قیامت، عذاب سوختن. ﴿٩﴾ این به سبب آن اعمال است که فرستادش دو دست تو و به سبب آن است که خدا نیست ستم کننده بر بندگان. ﴿١٠﴾ و از مردمان کسی هست که عبادت می کند خدای را بر کناره، پس اگر برسد او را نعمتی، آرام گیرد به آن. و اگر برسد او را بلایی، برگردد بر روی خود. زیانکار شده در دنیا و آخرت، این است زیان ظاهر. ﴿١١﴾ به نیایش می خواند بجز خدا چیزی را که زیان نرساندش و سود ندهدش. این است گمراهی دور. ﴿١٢﴾ می خواند کسی را که زیان او نزدیکتر است از سود او. هرآینه بد خداوندی و بدیاری است. ﴿١٣﴾ هرآینه خدا درآرد آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند در بوستان ها که می رود زیر آن جوی ها. هرآینه خدا می کند آنچه می خواهد. ﴿١٤﴾ هر که پنداشته باشد که نصرت نخواهد داد خدا پیغمبر را در دنیا و آخرت، پس باید بیاویزد ریسمانی به جانب بالا، باز باید که قطع نماید پس ببیند آیا دور می کند این تدبیر او چیزی را که به خشم آورد^(۲). ﴿١٥﴾

۱- یعنی تکبر کنان.

۲- یعنی اگر از این غصه بمیرد، هیچ ضرر نکند. [مؤلف]

هر کس گمان می کرد که خدا او [= پیامبرش] را در دنیا و آخرت هرگز یاری نخواهد کرد، [و حال که می بیند یاری کرده، و بدین خاطر به خشم آمده است]، پس ریسمانی به سقف (خانه اش) بیاویزد، [و خود را حلق آویز کند]، و [نفس خود را] قطع کند [و تا لبه پرتگاه مرگ پیش رود]، و آن گاه بنگرد که آیا (این) تدبیرش خشم او را از میان می برد؟! [مصحح]

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يُرِيدُ ﴿١٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١٧﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿١٨﴾ هَذَانِ خَصَمَانِ أُخْتَصِمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن نَّارٍ يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ﴿١٩﴾ يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ ﴿٢٠﴾ وَلَهُم مَّقْلِعٌ مِّنْ حَدِيدٍ ﴿٢١﴾ كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٢٢﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٢٣﴾

و همچنین فرو فرستادیم قرآن را آیات روشن و بدانید که خدا راه می نماید هر که را خواهد. ﴿۱۶﴾ هر آینه آنان که ایمان آوردند و آنان که یهود شدند و ستاره پرستان و ترسایان و گبران و مشرکان، خدای تعالی فیصل خواهد کرد میان ایشان روز قیامت. هر آینه خدا بر هر چیز مطلع است. ﴿۱۷﴾ آیا ندیدی که سجده می کنند خدای تعالی را آنان که در آسمان هاینده و آنان که در زمینند و آفتاب و ماه و ستارگان و کوه ها و درختان و چهارپایان و بسیاری از مردمان؟ و بسیار کس هستند که ثابت شده است بر ایشان عذاب. و هر که را خوار کند خدا، پس نیست او را هیچ گرامی دارنده، هر آینه خدا می کند آنچه می خواهد. ﴿۱۸﴾ این دو فریق دشمنان یکدیگرند. خصومت کردند در شأن پروردگار خویش، پس آنان که کافر شدند، قطع کرده شد برای ایشان جامه ها از آتش، ریخته شود بالای سر ایشان آب گرم. ﴿۱۹﴾ گذاخته گردد به آن هر چه در شکم های ایشان باشد و پوست ها نیز. ﴿۲۰﴾ و برای کوفتن ایشان مهیا باشند گرزها از آهن. ﴿۲۱﴾ هر گاهی خواهند که بر آیند از دوزخ خلاص شوند، از اندوه باز گردانیده شوند آنجا و گفته شود: بچشید عذاب سوختن. ﴿۲۲﴾ هر آینه خدا درمی آرد آنان را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند در بوستان ها، می رود زیر آن جوی ها، پیرایه پوشانیده شوند آنجا از دستوانه ها از زر و مروارید و لباس ایشان آنجا ابریشم بُود. ﴿۲۳﴾

وَهْدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهْدُوا إِلَى صِرَاطِ
 الْحَمِيدِ ﴿٢٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ
 اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً
 الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ
 نُدِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿٢٥﴾ وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ
 الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ
 وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿٢٦﴾ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ
 بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ
 فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ
 اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةٍ
 الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا أَمْرَ الْفَقِيرِ ﴿٢٨﴾ ثُمَّ
 لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ
 الْعَتِيقِ ﴿٢٩﴾ ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ
 لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتَنَلَّى
 عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا
 قَوْلَ الزُّورِ ﴿٣٠﴾

و راه نموده شد^(۱) ایشان را به پاکیزه از سخن. و دلالت
 کرده شد ایشان را به راه خدای ستوده. ﴿۲۴﴾ هر آینه
 آنان که کافر شدند و بازمی دارند از راه خدا و از مسجد
 حرام که پیدا کرده ایم آن را برای مردمان، یکسان آنجا
 متوطن و صحرانشین. و هر که خواهد آنجا کجروی کردن
 به ستمکاری، بچشانیم او را عذاب درد دهنده. ﴿۲۵﴾ و
 یاد کن چون معین ساختیم برای ابراهیم موضع خانه کعبه
 را، این سخن گفته که: شریک مقرر مکن با من هیچ چیزی
 را و پاک کن خانه مرا برای طواف کنندگان و ایستادگان
 و رکوع کنندگان و سجود کنندگان^(۲). ﴿۲۶﴾ و آواز ده
 در میان مردمان به حج، تا بیایند پیش تو پیاده و سوار بر هر
 شتر لاغر، بیایند این شتران لاغر از هر راه دور. ﴿۲۷﴾ تا
 حاضر شوند نزدیک فایده ها برای خویش و یاد کنند نام
 خدا را در روزی چند دانسته شده^(۳) و بعد از وی بر ذبح
 آنچه خدای تعالی روزی داده است ایشان را از قسم
 چهارپایان مواشی. پس بخورید از آن و بخورانید درمانده
 درویش را. ﴿۲۸﴾ باز باید که دور کنند چرک تن خود را
 و به وفا رسانند نذرهای خود را و طواف نمایند به این خانه
 قدیم^(۴). ﴿۲۹﴾ این است حکم و هر که تعظیم کند شعائر
 خدا را پس این تعظیم کردن بهتر است او را نزدیک
 پروردگار او. و حلال کرده شد برای شما مواشی^(۵) مگر
 آنچه خوانده خواهد شد بر شما^(۶)، پس احتراز کنید از
 پلیدی بتان و احتراز کنید از سخن دروغ^(۷). ﴿۳۰﴾

۱- یعنی در دنیا.

۲- یعنی برای نماز گزاران.

۳- یعنی یوم نحر و ایام تشریق.

۴- یعنی کعبه: زیرا که اول بنا شد بعد از آن بیت المقدس.

۵- یعنی شتر و گاو و بز و گوسفند.

۶- یعنی میته و خون مسفوح.

۷- یعنی گواهی دروغ.

حُفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ ۚ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ
فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي
بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ ﴿٣١﴾ ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ
شَعِيرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴿٣٢﴾ لَكُمْ فِيهَا
مَنْفِعٌ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ
﴿٣٣﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا لِّيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَى
مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةٍ الْأَنْعَامِ فَالْهُكْمُ لِلَّهِ وَاحِدٌ
فَلَهُوَ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ
وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ
وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣٥﴾ وَالْبَدَنَ
جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعِيرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ
فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ ۖ فَإِذَا وَجَبَتْ
جُنُوبُهَا فَاكْلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ ۚ كَذَلِكَ
سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٣٦﴾ لَنْ يَنَالَ اللَّهُ
لُحُومَهَا وَلَا دِمَآؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ ۚ
كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ
وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٧﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ
ءَامَنُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ ﴿٣٨﴾

حنیفی دین شده برای خدا غیر شریک مقرر کننده با وی.
و هر که شریک مقرر کند با خدا، پس گویا که فروافتاد از
آسمان، پس بربایند او را مرغانِ مردارخوار یا فروافکند او
را باد به مکانی دور^(۱). ﴿۳۱﴾ این است حکم و هر که
تعظیم کند شعایر خدا را، پس این تعظیم از تقوای دل‌ها
است. ﴿۳۲﴾ شما را در آن مواشی فایده‌هاست تا میعاد
معین، باز جای فرود آمدن آن به خانه قدیم است. ﴿۳۳﴾
و هر امتی را معین ساخته‌ایم طریق قربانی تا یاد کنند نام
خدا را بر آنچه داده است ایشان را از چهار پایان مواشی.
پس خدای شما خدای یکتا است، پس او را منقاد شوید و
[یا محمد] بشارت ده نیایش کنندگان را. ﴿۳۴﴾ آنان را که
چون یاد کرده شود خدا، بترسد دل ایشان و صبر کنندگان
را بر آنچه برسد به ایشان و برپادارندگان نماز را و آنان
را که از آنچه روزی دادیم به ایشان خرج می‌کنند. ﴿۳۵﴾
و شترانِ قربانی را ساخته‌ایم برای شما از شعایر خدا، شما را
در آن نیکی است. پس یاد کنید نام خدا را بر نحر آن بر
چهارپایی ایستاده، پس چون به زمین افتد پهلوی آن،
بخورید از آن و بخورانید درویش بی‌سؤال را و سؤال
کننده را. همچنین رام گردانیدیم چهارپایان را برای شما،
بود که شکر کنید. ﴿۳۶﴾ نمی‌رسد به خدا گوشت
قربانی‌ها و نه خون اینها و لیکن می‌رسد به وی پرهیزگاری
از شما. همچنین رام گردانیدیم قربانی‌ها برای شما تا به
بزرگی یاد کنید خدا را به شکر آنکه راه نمود شما را. و
بشارت ده نیکوکاران را. ﴿۳۷﴾ هر آینه خدا دفع می‌کند
از مسلمانان^(۲). هر آینه خدا دوست نمی‌دارد هر خیانت
کننده ناسپاس را. ﴿۳۸﴾

۱- حاصل آن است که هلاک شد به وجهی که امید نجات نماند.

۲- یعنی ضرر اعدای ایشان را.

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَتِّلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدِمَتْ صَوَامِعُ وَبِيْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٤٠﴾ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿٤١﴾ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ ﴿٤٢﴾ وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ ﴿٤٣﴾ وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٤﴾ فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ ﴿٤٥﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ﴿٤٦﴾

دستوری جهاد داده شد آنان را که کفار با ایشان جنگ می کنند و هرآینه خدا بر نصرت دادن ایشان تواناست. ﴿۳۹﴾ دستوری جهاد داده شد آنان را که بیرون آورده شد ایشان را از خانه های ایشان به غیر حق، لیکن به سبب آنکه می گفتند پروردگار ما خدا است. و اگر نبودی دفع کردن خدا مردمان را بعض را به دست بعضی، ویران کرده می شد خلوت های رهبانان و عبادتخانه های نصاری و عبادتخانه های یهود و عبادتخانه های مسلمانان. یاد کرده می شود در آن مواضع نام خدا بسیار. و البته نصرت خواهد داد خدا کسی را که قصد نصرت دین وی کند. هرآینه خدا توانای غالب است. ﴿۴۰﴾ [نصرت خواهد داد] آنان را که اگر دسترس دهیم ایشان را در زمین، برپا دارند نماز را و بدهند زکات را و بفرمایند به کار پسندیده و منع کنند از کار ناپسندیده. و خدا راست، نهایت همه کارها^(۱). ﴿۴۱﴾ و اگر دروغی شمردند تو را، پس هرآینه دروغی شمرده بودند پیش از ایشان قوم نوح و عاد و ثمود. ﴿۴۲﴾ و قوم ابراهیم و قوم لوط. ﴿۴۳﴾ و اهل مدین و دروغی شمرده شد موسی را. پس مهلت دادم این کافران را، باز گرفتار کردم ایشان را، پس چگونه بود عقوبت من. ﴿۴۴﴾ پس بسا دیهی که هلاک ساختم آن را و وی ستمکار بود، پس وی افتاده است بر سقف های خود و بسیار چاه بیکار مانده و بسا محل بلند خراب شده. ﴿۴۵﴾ آیا سیر نکرده اند در زمین تا بود ایشان را دل ها که فهم کنند به آن یا گوش ها که بشنوند به آن. هرآینه حال این است که نابینا نمی شوند چشم ها و لیکن نابینا می شوند آن دل ها که در سینه اند. ﴿۴۶﴾

۱- درین آیت دلالت است بر صحت خلافت خلفای اربعه، زیرا که ایشان مهاجرین اولین بودند و متمکن شدند در زمین. پس لازم آید که اقامت صلوة و ایتاء زکوة و امر به معروف و نهی از منکر از ایشان به ظهور رسد و تمکین فی الارض چون به آن خصال جمع شود، همان است خلافت نبوت.

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ
وَإِنْ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ ﴿٤٧﴾
وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أُمَلِّتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا
وَإِلَى الْمَصِيرِ ﴿٤٨﴾ قُلْ يَأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ
نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٤٩﴾ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٥٠﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي ءَايَاتِنَا
مُعْجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿٥١﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا
مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى
الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ
ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ ءَايَتِهِ ۖ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٢﴾
لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم
مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ
بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن
رَّبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ ۖ فَتُحْبَتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ
لَهَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٤﴾ وَلَا يَزَالُ
الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ
بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ ﴿٥٥﴾

و زود می طلبند از تو عذاب را و هرگز خلاف نخواهد
کرد خدا وعده خود را. و هرآینه یک روز نزدیک
پروردگار تو مانند هزار سال است از آنچه می شمرد^(۱).
﴿۴۷﴾ و بسا دیه که مهلت دادم آن را و آن ستمکار بود،
باز گرفتار کردم آن را. و به سوی من است بازگشت.
﴿۴۸﴾ بگو: ای مردمان! جز این نیست که من برای شما
ترساننده آشکارم. ﴿۴۹﴾ پس آنان که ایمان آوردند و
کارهای شایسته کردند، ایشان راست آمرزش و روزی
نیک. ﴿۵۰﴾ و آنان که سعی کردند در آیات ما عاجزکنان،
[به زعم خود] ایشانند اهل دوزخ. ﴿۵۱﴾ و نفرستادیم پیش
از تو هیچ فرستاده و نه هیچ صاحب وحی، الا چون
آرزویی به خاطر بست، افکند شیطان چیزی در آرزوی
وی. پس دور می کند خدا آنچه شیطان انداخته است. باز
محکم می کند خدا آیات خود را و خدا دانای با حکمت
است^(۲). ﴿۵۲﴾ تا بگرداند خدا آنچه شیطان افکند، بلایی
در حق آنان که در دل ایشان بیماری است و آنان که سخت
است دل ایشان. و هرآینه ستمکاران در مخالفت دور و
درازند. ﴿۵۳﴾ و تا بدانند آنان که داده شده است ایشان را
علم که آن وحی، راست است از جانب پروردگار تو، پس
ایمان آرند به آن، پس نیایش کنند برای خدا دل ایشان. و
هرآینه خدا راه نماینده است مسلمانان را به سوی راه
راست. ﴿۵۴﴾ و همیشه باشند کافران در شبهه از آن وحی
تا وقتی که بیاید به ایشان قیامت، ناگهان یا بیاید به ایشان
عقوبت، روزی بی نهایت نحس. ﴿۵۵﴾

۱- یعنی اگر خواهد، کار هزار سال در یک روز تمام کند. پس این به

سبب عجز نیست، بلکه بنابر مصالحی که جز او کس نمی داند.

۲- مترجم گوید: مثلاً آن حضرت ﷺ به خواب دیدند که هجرت کرده اند
به زمینی که نخل بسیار دارد. پس وهم به جانب یمامه و هجر رفت و
در نفس الامر مدینه بود. مثلاً آن حضرت ﷺ به خواب دیدند که به
مکه درآمده اند، حلق و قصر می کنند. پس وهم آمد که در همان سال
این معنی واقع شود و در نفس الامر بعد از سال های چند متحقق شد و
در امثال این صورت، امتحان مخلصان و منافقان در میان می آید، والله
اعلم.

أَمْلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٥٦﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٥٨﴾ لِيَدْخُلَنَّهُمْ مَدْخَلًا يُرْضَوْنَ بِهِ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿٥٩﴾ ذَٰلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ﴿٦٠﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٦١﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٦٢﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿٦٣﴾ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٦٤﴾

پادشاهی آن روز خدا راست، حکم کند میان ایشان. پس آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، در بوستان‌های نعمت باشند. ﴿۵۶﴾ و آنان که کافر شدند و دروغ شمردند آیات ما را، پس آن جماعت ایشان را باشد عذاب خوار کننده. ﴿۵۷﴾ و آنان که هجرت کردند در راه خدا، پس کشته شدند یا بمردند، هر آینه روزی دهد ایشان را خدا روزی نیک^(۱). و هر آینه خدا، وی بهترین روزی دهندگان است. ﴿۵۸﴾ البته درآرد ایشان را به موضعی که خوشنود شوند از آن و هر آینه خدا دانای بردبار است. ﴿۵۹﴾ حکم این است. و هر که در پی ایذای کسی افتاد به مانند آنکه ایذا داده شد او را، بعد از آن تعدی کرده شد بر وی، هر آینه نصرت خواهد داد او را خدا. هر آینه خدا بخشاینده آمرزگار است. ﴿۶۰﴾ این نصرت به سبب آن است که خدا در می‌آرد شب را در روز و در می‌آرد روز را در شب و به سبب آن است که خدا شنوای بیناست. ﴿۶۱﴾ این نصرت به سبب آن است که خدا، همونست ثابت و آنچه می‌خوانند کافران بجز وی، همونست باطل. و به سبب آن است که خدا همونست بلند مرتبه بزرگ قدر. ﴿۶۲﴾ آیا ندیدی که خدا فرود آورد از آسمان آب را، پس زمین سرسبز شود. هر آینه خدا لطف کننده داناست. ﴿۶۳﴾ او راست آنچه در آسمان‌ها است و آنچه در زمین است. و هر آینه خدا همونست بی‌نیاز ستوده کار. ﴿۶۴﴾

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ
تَجْرَى فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ
عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ
رَحِيمٌ ﴿٦٥﴾ وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ
يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ ﴿٦٦﴾ لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا
مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنْزِعُكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ
إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَى هُدًى مُسْتَقِيمٍ ﴿٦٧﴾ وَإِنْ جَدَلُوكَ
فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٦٨﴾ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ
يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٦٩﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ
أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي
كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧٠﴾ وَيَعْبُدُونَ مِنْ
دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ
عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴿٧١﴾ وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ
آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا
الْمُنْكَرُ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ
آيَاتِنَا قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَلِكَُمُ النَّارُ وَعَذَابُ
اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٧٢﴾

آیا ندیدی که خدا مسخر کرد برای شما آنچه در زمین
است و مسخر ساخت کشتی‌ها، می‌رود در دریا به فرمان
او. و نگاه می‌دارد آسمان را از آنکه بیفتد بر زمین، مگر به
دستوری وی. هرآینه خدا در حق مردمان، بخشاینده
مهربان است. ﴿۶۵﴾ و اوست آنکه زنده کرد شما را، باز
بمیراند شما را، باز زنده کند شما را. هرآینه آدمی ناسپاس
است. ﴿۶۶﴾ برای هر گروهی معین کرده‌ایم شریعتی را که
ایشان عمل کننده‌اند بر آن، پس باید که نزاع نکنند با تو
در این کار و بخوان به سوی پروردگار خویش. هرآینه تو
بر راه راستی. ﴿۶۷﴾ و اگر مکابره نمایند با تو، بگو خدا
داناتر است به آنچه می‌کنید. ﴿۶۸﴾ خدا حکم خواهد
کرد میان شما روز قیامت در آنچه اندر آن اختلاف
می‌کنید.^(۱) ﴿۶۹﴾ آیا ندانستی که خدا می‌داند هرچه در
آسمان و زمین است؟ هرآینه این همه ثبت است در
کتابی. این همه بر خدا آسان است. ﴿۷۰﴾ و عبادت
می‌کنند بجز خدا چیزی را که فرونفرستاده است خدا
حجتی بر آن و چیزی که نیست ایشان را بر ثبوت آن
دانش. و نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده. ﴿۷۱﴾ و
چون خوانده می‌شود بر ایشان آیات ما واضح آمده،
می‌شناسی در روی این کافران ناخوشی. نزدیک می‌شوند
از آنکه حمله کنند بر آنان که می‌خوانند بر ایشان آیات ما.
بگو آیا خبر دهم شما را به نا خوشتر از این؟ آن دوزخ
است. وعده داده است خدا آن را به کافران و وی بد جایی
است. ﴿۷۲﴾

۱- مترجم گوید: درین آیت اشاره است به آنکه اختلاف شرائع به سبب
اختلاف عصور است و همه شرائع، حق است و در زمان خود معمول
به است، پس نزاع در حقیقت به آنها نباید کرد.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الظَّالِمُ وَالْمُظْلُومُ ﴿٧٣﴾ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٧٤﴾ اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٧٥﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٧٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَعَبُدُوا رَبَّكُمْ وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٧٧﴾ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٧٨﴾

ای مردمان! پدید آورده شد داستانی پس بشنوید آن را. هرآینه آنان که می خوانید بجز خدا، آفریدن نتوانند مگسی را، اگرچه جمع شوند برای آن. و اگر برباید از ایشان مگس، چیزی، خلاص نتوانند کرد آن را از مگس. ناتوان شد طالب و مطلوب^(۱). ﴿۷۳﴾ تعظیم نکردند خدا را حق تعظیم او. هرآینه خدا توانای غالب است. ﴿۷۴﴾ خدا برمی گزیند فرستاده ها از فرشتگان و از مردمان. هرآینه خدا شنوای بینا است. ﴿۷۵﴾ می داند آنچه پیش روی ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است و به سوی خدا بازگردانیده می شوند کارها. ﴿۷۶﴾ ای مسلمانان! رکوع کنید و سجده بجا آرید و عبادت نمایید پروردگار خود را و بکنید کار نیکو، امید است که رستگار شوید. ﴿۷۷﴾ و جهاد کنید در راه خدا حق جهادی که برای خدا باشد. وی برگزید شما را و ساخت بر شما در دین، هیچ تنگی. مشروع کرد دین پدر شما ابراهیم. خدا نام نهاد شما را مسلمانان پیش از این^(۲) و در قرآن نیز. تا باشد پیغامبر گواه بر شما و باشید شما گواه بر مردمان، پس برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و چنگ زنید به خدا، اوست خداوند شما، پس نیکو خداوند است و نیکو مددگار است. ﴿۷۸﴾

۱- یعنی عابد و معبود.

۲- یعنی در کتب سابقه.

سُورَةُ الْمُؤْمِنُونَ

سوره مؤمنون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ
خَاشِعُونَ ﴿٢﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾
وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ﴿٤﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ
حَافِظُونَ ﴿٥﴾ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ
فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٦﴾ فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ
فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْتِهِمْ
وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ
يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾ أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يَرِثُونَ
الْأَرْضَ دُونَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا
الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ﴿١٢﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً
فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ﴿١٣﴾ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا
الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظًا فَكَسَوْنَا
الْعِظَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ
أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿١٤﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ
﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ تُبْعَثُونَ ﴿١٦﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا
فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ

﴿١٧﴾

هرآینه رستگار شدند مسلمانان. ﴿١﴾ آنان که ایشان در
نماز خویش نیایش کنندگانند. ﴿٢﴾ و آنان که ایشان از
بیهوده روگردانند. ﴿٣﴾ و آنان که ایشان زکات را ادا
کنندگانند. ﴿٤﴾ و آنان که ایشان شرمگاه خود را
نگاهدارند گانند. ﴿٥﴾ مگر بر زنان خویش یا بر کنیزکانی
که ملک دست ایشان است، هرآینه اینان نکوهیده نیستند.
﴿٦﴾ پس هر که طلب کند سوای این، آن جماعت از حد
گذرند گانند. ﴿٧﴾ و آنان که ایشان امانت‌های خود را و
عهد خود را رعایت کنندگانند. ﴿٨﴾ و آنان که ایشان بر
نمازهای خود محافظت کنندگانند. ﴿٩﴾ این جماعت،
ایشانند آن وارثان. ﴿١٠﴾ که عاقبت کار به دست آرند
بهشت را. ایشان آنجا جاوید باشند گانند. ﴿١١﴾ و هرآینه
آفریدم آدمی را از خلاصه گل. ﴿١٢﴾ باز ساختیم آدمی
را نطفه در قرارگاه استوار. ﴿١٣﴾ باز ساختیم آن نطفه را
خون بسته، باز ساختیم آن خون بسته را گوشت پاره، پس
ساختیم آن گوشت پاره را استخوان‌هایی چند، پس
پوشانیدیم بر آن استخوان‌ها گوشت را، باز آفریدیم او را
آفرینشی دیگر^(۱). پس بزرگ است خدا نیکوترین
نگارندگان. ﴿١٤﴾ باز هرآینه شما بعد از این مرده شوید
﴿١٥﴾. باز هرآینه شما روز قیامت برانگیخته گردید.
﴿١٦﴾ و هرآینه آفریدیم بالای شما هفت آسمان و
نبودیم ما از آفرینش، بی‌خبر. ﴿١٧﴾

۱- یعنی نفخ روح و رویدن ناخن و موی.

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَتْهُ فِي الْأَرْضِ
وَأَنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَدِيرُونَ ﴿١٨﴾ فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ
جَنَّتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَكِهٌ كَثِيرٌ
وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿١٩﴾ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ
تَنْبُتُ بِالذُّهْنِ وَصَبْغٍ لِلَّالِكِينَ ﴿٢٠﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي
الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ
فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٢١﴾ وَعَلَيْهَا وَعَلَى
الْفُلْكِ تَحْمَلُونِ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ
فَقَالَ يَقَوْمُ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ
أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ الْمَلَأُوا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ
قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ
عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا
بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿٢٤﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ
جَنَّةٌ فَنَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّى حِينٍ ﴿٢٥﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي
بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٢٦﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعْ الْفُلْكَ
بِأَعْيُنِنَا وَوْحَيْنَا إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ
فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ مِّنْ أَثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ
عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَلِّطْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا
إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ ﴿٢٧﴾

و فرو فرستادیم از آسمان آب را به اندازه، پس جا دادیم
او را در زمین و هر آینه ما بر دور کردن آن تواناییم.
﴿۱۸﴾ پس بیافریدیم برای شما به آن آب، بوستان‌ها از
درختان خرما و انگور. شما را در آن بوستان‌ها میوه‌های
بسیار پیدا شود و بعض آن را می‌خورید^(۱). ﴿۱۹﴾ و
آفریدیم درختی که بیرون می‌آید از طور سینا (یعنی
درخت زیتون) می‌روید به وجهی که حاصل شود روغن و
نان خورش، طعام خورندگان را. ﴿۲۰﴾ و هر آینه شما را
در چهارپایان، پندی هست، می‌نوشانیم شما را از آنچه در
شکم ایشان است و شما را در آن چهارپایان منفعت‌های
بسیار است و بعض اینها را می‌خورید. ﴿۲۱﴾ و بر
چهارپایان و بر کشتی‌ها سوار کرده می‌شوید ﴿۲۲﴾ و
هر آینه فرستادیم نوح را به سوی قوم او، پس گفت: ای
قوم من! عبادت خدا کنید، نیست شما را هیچ معبودی غیر
وی. آیا نمی‌ترسید؟ ﴿۲۳﴾ پس گفتند کسانی که کافر
بودند از قوم او: نیست این شخص مگر آدمی مانند شما،
می‌خواهد که ریاست پیدا کند بر شما. و اگر خواستی
خدا، هر آینه فرستادی فرشتگان را. نشنیدیم این ماجرا را
در پدران نخستین خویش. ﴿۲۴﴾ نیست این شخص مگر
مردی که به وی عارضه دیوانگی است، پس انتظار وی
کنید تا مدتی. ﴿۲۵﴾ گفت: ای پروردگار من! نصرت ده
مرا به سبب آنکه دروغی شمرند مرا. ﴿۲۶﴾ پس وحی
فرستادیم به سوی وی که بساز کشتی به حضور ما و به
فرمان ما، پس چون آید فرمان ما و جوش زند تنور
[غضب]، پس درآر در کشتی از هر جنسی دو عدد نر و
ماده را و در آر کسان خود را مگر آنکه از ایشان سبقت
کرده است بر وی گفته حق. و سخن مگو با من در باب
آنان که ستم کردند، هر آینه ایشان غرق گرد گانند. ﴿۲۷﴾

فَإِذَا أَسْتَوَيْتِ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلِّ فَقُلِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّيْنَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٨﴾ وَقُلِ
رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ﴿٢٩﴾ إِنَّ
فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ
بَعْدِهِمْ قَرْنًا ءَاخِرِينَ ﴿٣١﴾ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ
أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ
﴿٣٢﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا
بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا
بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ
مِمَّا تَشْرَبُونَ ﴿٣٣﴾ وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ
إِذَا لَخَسِرُونَ ﴿٣٤﴾ أَيْعِدْكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُمْ وَكُنْتُمْ
تُرَابًا وَعِظْلًا أَنْكُمْ تُخْرَجُونَ ﴿٣٥﴾ هِيَ هِيَ هَاتِ
لِمَا تُوْعَدُونَ ﴿٣٦﴾ إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ
وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٣٧﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى
عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ
أَنْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ ﴿٣٩﴾ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ
نَدِيمِينَ ﴿٤٠﴾ فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ
غُلَاءً فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ
بَعْدِهِمْ قُرُونًا ءَاخِرِينَ ﴿٤٢﴾

پس چون راست بنشینی تو و هر که با تو باشد بر کشتی
بگو: همه ستائش خدای راست آنکه نجات داد ما را از
گروه ستمکاران. ﴿۲۸﴾ و بگو: ای پروردگار من! فرود آر
مرا در منزل مبارک و تو بهترین فرود آرنده گانی. ﴿۲۹﴾
هرآینه در این ماجرا نشانه‌هاست، و هرآینه ما بودیم
امتحان کننده. ﴿۳۰﴾ باز بیافریدیم بعد از ایشان قرنی
دیگر را. ﴿۳۱﴾ پس فرستادیم میان ایشان پیغامبری از
[قبیله] ایشان که عبادت خدا کنید، نیست شما را هیچ معبود
بجز وی. آیا نمی‌ترسید؟ ﴿۳۲﴾ و گفتند رئیسان از قوم
وی، آنان که کافر شدند و دروغ شمرند ملاقات سرای
بازپسین را و آسودگی داده بودیم ایشان را در زندگانی
دنیا، نیست این شخص مگر آدمی مانند شما، می‌خورد از
آنچه شما از آن می‌خورید و می‌آشامد از آنچه شما
می‌آشامید. ﴿۳۳﴾ و اگر فرمانبرداری کردید آدمی مانند
خویش را، هرآینه شما آنگاه زیانکار باشید. ﴿۳۴﴾ آیا
وعده می‌دهد شما را که شما چون بمیرید و شوید خاکی و
استخوانی چند، بیرون آورده خواهید شد؟! ﴿۳۵﴾ بعید
است! بعید است! آنچه وعده داده می‌شود شما را. ﴿۳۶﴾
نیست زندگانی، الا زندگانی این جهان، ما می‌میریم و زنده
می‌شویم و نیستیم برانگیخته شده^(۱). ﴿۳۷﴾ نیست این
شخص، مگر مردی که افترا کرده بر خدا دروغ را و ما
نیستیم او را تصدیق کننده. ﴿۳۸﴾ گفت: ای پروردگار
من! نصرت ده مرا به مقابله آنکه دروغ شمرند مرا. ﴿۳۹﴾
گفت بعد اندک زمانی پشیمان خواهند شد. ﴿۴۰﴾ پس
گرفت ایشان را آواز سخت به حسب وعده راست، پس
گردانیدیم ایشان را مثل خاشاک در هم شکسته، پس
دوری باد گروه ستمکاران را. ﴿۴۱﴾ باز پیدا کردیم بعد از
ایشان قرن‌های دیگر را. ﴿۴۲﴾

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَعِزُّونَ ﴿٤٣﴾ ثُمَّ
 أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلٌّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ
 فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا
 لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٤٤﴾ ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ
 بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٤٥﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ
 فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ ﴿٤٦﴾ فَقَالُوا أَنْتُمْ
 لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَبِيدُونَ ﴿٤٧﴾ فَكَذَّبُوهُمَا
 فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ ﴿٤٨﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ
 الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾ وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ
 وَأُمَّهُ ءَايَةً وَعَوَّيْنَاهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ
 ﴿٥٠﴾ يَتَأْتِيهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا
 صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٥١﴾ وَإِنَّ هَذِهِ
 أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴿٥٢﴾
 فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلٌّ حِزْبٌ بِمَا لَدَيْهِمْ
 فَرِحُونَ ﴿٥٣﴾ فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٥٤﴾
 أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ ﴿٥٥﴾
 نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٦﴾ إِنَّ
 الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ
 بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا
 يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾

سبقت نمی‌کند هیچ گروهی از میعاد خود و نه باز پس
 می‌ماند. ﴿۴۳﴾ باز فرستادیم پیغامبران خود را پی درپی.
 هرگاه آمد به امتی پیغامبر او، به دروغ نسبت کردند او را،
 پس از پی درآوردیم بعض را عقب بعضی (یعنی در
 هلاک) و ساختیم امت‌ها را افسانه، پس دوری باد گروهی
 را که ایمان نمی‌آرند. ﴿۴۴﴾ باز فرستادیم موسی و برادر
 او، هارون را با نشانه‌های خویش و با دلیل ظاهر. ﴿۴۵﴾ به
 سوی فرعون و جماعت او، پس سرکشی کردند و بودند
 گروه تکبر کننده. ﴿۴۶﴾ پس گفتند: آیا ایمان آریم به دو
 آدمی مانند خویش و قوم ایشان ما را خدمت کنندگان؟!.
 ﴿۴۷﴾ پس دروغ گفتند ایشان را، پس شدند از هلاک
 کردگان. ﴿۴۸﴾ و هرآینه دادیم موسی را کتابی، بود که
 ایشان راه یابند. ﴿۴۹﴾ و ساختیم پسر مریم را و مادرش را
 نشانه‌ای و جا دادیم ایشان را به زمینی بلند، خداوند استقرار
 و خداوند آب روان. ﴿۵۰﴾ [گفتیم]: ای پیغامبران!
 بخورید از اطعمه پاکیزه و بکنید کار نیکو. هرآینه من به
 آنچه می‌کنید دانایم. ﴿۵۱﴾ و هرآینه این است ملت شما،
 ملت یکتا و من پروردگار شما، پس بترسید از من.
 ﴿۵۲﴾ پس متفرق ساختند امتان کار خود را در میان
 خویش، پاره پاره. هر گروهی به آنچه نزدیک اوست،
 شادمان است. ﴿۵۳﴾ پس بگذاریم ایشان را در غفلت
 ایشان تا مدتی ﴿۵۴﴾ آیا می‌پندارند که آنچه امداد
 می‌کنیم ایشان را به آن از مال و فرزندان. ﴿۵۵﴾ سعی در
 نیکویی‌ها می‌کنیم برای ایشان؟ بلکه نمی‌دانند.^(۱) ﴿۵۶﴾
 هرآینه آنان که ایشان از ترس پروردگار خویش
 مضطربانند. ﴿۵۷﴾ و آنان که ایشان به آیات پروردگار
 خویش ایمان می‌آرند. ﴿۵۸﴾ و آنان که ایشان به
 پروردگار خویش شریک مقرر نمی‌کنند. ﴿۵۹﴾

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿٦٠﴾ أُولَٰئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴿٦١﴾ وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٢﴾ بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَٰذَا وَلَهُمْ أَعْمَلٌ مِّنْ دُونِ ذَٰلِكَ هُمْ لَهَا عَمِلُونَ ﴿٦٣﴾ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْعَرُونَ ﴿٦٤﴾ لَا تَجْعَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تَنْصُرُونَ ﴿٦٥﴾ قَدْ كَانَتْ ءَايَاتِي تُنَالِي عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تَنَكِبُونَ ﴿٦٦﴾ مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَمِرًا تَهْجُرُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَلَمْ يَذَّبَرُوا أَلْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾ أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٦٩﴾ أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُم لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٧٠﴾ وَلَوْ أَتَبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٧١﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَّاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٧٢﴾ وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٧٣﴾ وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكَيِّبُونَ ﴿٧٤﴾

و آنان که می دهند آنچه می دهند و دل ایشان ترسان است به سبب آنکه ایشان به سوی پروردگار خویش باز خواهند گشت. ﴿۶۰﴾ این جماعت سعی می کنند در نیکی ها و ایشان به سوی آن سبقت کنند گانند. ﴿۶۱﴾ و تکلیف نمی دهیم هیچ کس را مگر به قدر طاقت او و نزدیک ما کتابی است که سخن می گوید به راستی^(۱) و بر ایشان ستم کرده نمی شود. ﴿۶۲﴾ بلکه دل ایشان در غفلت است از این سخن و ایشان را عمل هاست غیر^(۲) این که ایشان آن را کننده اند. [در غفلت خویش ماندند]. ﴿۶۳﴾ تا وقتی که گرفتار ساختیم آسودگان ایشان را به عذاب، ناگهان ایشان فریاد می کردند. ﴿۶۴﴾ گفتیم: فریاد مکنید امروز! هرآینه شما از ما نصرت داده نخواهید شد. ﴿۶۵﴾ هرآینه خوانده می شد آیات ما بر شما، پس شما بر پاشنه های خود بازمی گشتید. ﴿۶۶﴾ تکبرکنان بر آن قرآن به افسانه مشغول شده، ترک می کردید. ﴿۶۷﴾ آیا تأمل نکردند در این سخن آیا آمده است به ایشان آنچه نیامده بود به پدران نخستین ایشان؟ ﴿۶۸﴾ آیا نشناختند پیغامبر خود را؟ پس ایشان به او نا آشنایند. ﴿۶۹﴾ آیا می گویند به وی دیوانگی است؟ بلکه آورده است پیش ایشان سخن راست را و بیشتر ایشان سخن راست را ناخواهاند. ﴿۷۰﴾ و اگر پیروی کردی خدای تعالی آرزوهای ایشان را، هرآینه بی انتظام شدند آسمان ها و زمین و هر که میان ایشان است. بلکه آوردیم بدیشان پند ایشان را، پس ایشان از پند خویش روی گردانند گانند. ﴿۷۱﴾ آیا می خواهی از ایشان مزدی؟ پس مزد پروردگار تو بهتر است و او بهترین روزی دهندگان است. ﴿۷۲﴾ و هرآینه تو می خوانی ایشان را به سوی راه راست. ﴿۷۳﴾ و هرآینه آنان که ایمان نمی آرند به آخرت، از آن راه یکسو شوند گانند. ﴿۷۴﴾

۱- یعنی نامه اعمال.

۲- یعنی غیر انکار قرآن.

وَوَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلْجُؤُا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿٧٥﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ﴿٧٦﴾ حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٧﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٧٨﴾ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٧٩﴾ وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٨٠﴾ بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ ﴿٨١﴾ قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَأَنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿٨٢﴾ لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَوَعَّابَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٨٣﴾ قُلْ لِّمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٤﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٨٥﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٨٦﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٨٧﴾ قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٨﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ ﴿٨٩﴾

و اگر رحم می کردیم بر ایشان و برمی داشتیم آنچه به ایشان است از سختی، هر آینه پیوسته می شدند در بی راهی خود سرگشته شده. ﴿۷۵﴾ و هر آینه گرفتار کردیم ایشان را به عذاب، پس نیایش نکردند پروردگار خود را و زاری نمودند. ﴿۷۶﴾ [در غفلت خویش ماندند] تا وقتی که بگشادیم بر ایشان دری خداوند عذاب سخت، ناگهان ایشان در آنجا امید برندگانه. ﴿۷۷﴾ و اوست آن که بیافرید برای شما شنوایی و دیده ها و دل ها. اندکی شکرگزاری می کنید. ﴿۷۸﴾ و اوست آنکه پیدا کرد شما را در زمین و به سوی او برانگیخته خواهید شد. ﴿۷۹﴾ و اوست آنکه زنده می کند و می میراند و او راست آمد و شد شب و روز. آیا نمی فهمید؟ ﴿۸۰﴾ بلکه گفتند: مانند آنچه گفته بودند نخستینان. ﴿۸۱﴾ گفتند آیا چون بمیریم و شویم خاکی و استخوانی چند، آیا ما برانگیخته خواهیم شد؟ ﴿۸۲﴾ هر آینه وعده داده شد به این سخن ما را و پدران ما را پیش از این. نیست این مگر افسانه های پیشینیان. ﴿۸۳﴾ بگو که راست زمین و آنچه در آن است، اگر می دانید؟ ﴿۸۴﴾ خواهند گفت: این همه خدای راست. بگو آیا پندپذیر نمی شوید؟ ﴿۸۵﴾ بگو: کیست پروردگار آسمان های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ؟ ﴿۸۶﴾ خواهند گفت: این همه خدای راست. بگو آیا نمی ترسید؟ ﴿۸۷﴾ بگو کیست آن که به دست اوست پادشاهی هر چیز و او زنده می دهد و زنده می شود بر خلاف او؟ بگوید اگر می دانید. ﴿۸۸﴾ خواهند گفت: این همه خدای راست. بگو پس از کجا فریب داده می شوید؟ ﴿۸۹﴾

بَلْ أَتَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٩٠﴾ مَا أَخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٩١﴾ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَلَّى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٩٢﴾ قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيْنِي مَا يُوعَدُونَ ﴿٩٣﴾ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٩٤﴾ وَإِنَّا عَلَى أَنْ تُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَدِيرُونَ ﴿٩٥﴾ أَدْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ﴿٩٦﴾ وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾ حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿٩٩﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٠٠﴾ فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿١٠١﴾ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٢﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿١٠٣﴾ تَلْفَحُ وُجُوهُهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿١٠٤﴾

بلکه آورده ایم به ایشان سخن راست را و هر آینه ایشان دروغگویند. ﴿۹۰﴾ هیچ فرزند نگرفته است خدا و نیست همراه او هیچ خدای دیگر، آنگاه بردی هر خدائی چیزی که آفریده بود و هر آینه غالب آمدی بعض ایشان بر بعض. به پاکی صفت می کنم خدای را از آنچه تقریر می کنند. ﴿۹۱﴾ داننده نهان و آشکار است، برتر است از آنچه شریک می آرند. ﴿۹۲﴾ بگو: ای پروردگار من! اگر بنمایی مرا آنچه ترسانیده می شوند. ﴿۹۳﴾ ای پروردگار من! داخل مکن مرا در گروه ستمکاران. ﴿۹۴﴾ و هر آینه ما بر آنکه بنماییم تو را آنچه وعده می دهیم به ایشان، تواناییم. ﴿۹۵﴾ و مقابله کن بدی را به خصلتی که آن نیک است. ما داناتریم به آنچه بیان می کنند. ﴿۹۶﴾ و بگو [یا محمد]: ای پروردگار من! می پناهم به تو از دغدغه های شیطاین. ﴿۹۷﴾ و می پناهم به تو ای پروردگار من! از آنکه حاضر شوند پیش من. ﴿۹۸﴾ در غفلت خویش باشد تا وقتی که بیاید کسی را از ایشان موت. گوید: ای پروردگار من! بازگردان مرا. ﴿۹۹﴾ بُود که کار نیکو کنم در سرائی که بگذاشتمش، نه چنین باشد! هر آینه این سخنی است که وی گوینده آن است و پیش ایشان حجابی باشد تا روزی که برانگیخته شوند. ﴿۱۰۰﴾ پس چون دمیده شود در صور، پس قرابت ها نباشد میان ایشان آن روز و نه با یکدیگر جواب سؤال کنند. ﴿۱۰۱﴾ پس هر که گران آید پل های ترازوی او، پس آن جماعت ایشانند رستگاران. ﴿۱۰۲﴾ و هر که سبک شد پل های ترازوی او، پس آن جماعت آنانند که زیان کردند در حق خویش، در دوزخ جاوید باشند گانند. ﴿۱۰۳﴾ می سوزد روی ایشان را آتش و ایشان آنجا رو ترش هستند. ﴿۱۰۴﴾

أَلَمْ تَكُنْ عَائِيَّتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا
 تُكَذِّبُونَ ﴿١٠٥﴾ قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا
 قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿١٠٦﴾ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا
 ظَالِمُونَ ﴿١٠٧﴾ قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ﴿١٠٨﴾
 إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا
 فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٠٩﴾
 فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخَرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ
 مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿١١٠﴾ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا
 أَنَّهُمْ هُمُ الْفَآئِزُونَ ﴿١١١﴾ قُلْ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ
 عَدَدَ سِنِينَ ﴿١١٢﴾ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسَلِ
 الْعَادِينَ ﴿١١٣﴾ قُلْ إِنْ لَّبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنْكُم كُنْتُمْ
 تَعْلَمُونَ ﴿١١٤﴾ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا
 وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿١١٥﴾ فَتَعَلَّىٰ اللَّهُ الْمَلِكُ
 الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿١١٦﴾ وَمَنْ
 يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا
 حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿١١٧﴾
 وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١١٨﴾

[گویم] آیا خوانده نمی شد آیات من بر شما، پس آن را
 دروغ می داشتید؟ ﴿۱۰۵﴾ گفتند: ای پروردگار ما! غالب
 آمد بر ما بدبختی ما و بودیم گروهی گمرا. ﴿۱۰۶﴾ ای
 پروردگار ما! بیرون آر ما را از اینجا. پس اگر عود کنیم به
 کفر، پس هرآینه ما ستمکار باشیم. ﴿۱۰۷﴾ [خدا] فرماید:
 به رسوایی در شوید در اینجا و سخن مگویید با من.
 ﴿۱۰۸﴾ هرآینه گروهی از بندگان من می گفتند: ای
 پروردگار ما! ایمان آوردیم پس بیامرز ما را و ببخشای بر
 ما و تو بهترین بخشاینده گانی. ﴿۱۰۹﴾ پس مسخره گرفتید
 ایشان را تا حدی که فراموش گردانیدند یاد مرا از دل شما
 و شما بر ایشان می خندید. ﴿۱۱۰﴾ هرآینه من جزا دادم
 ایشان را امروز به مقابله صبر ایشان به آنکه ایشانند به مراد
 رسندگان. ﴿۱۱۱﴾ گوید خدا: چند مدت درنگ کردید
 در زمین به حساب شمار سالها؟ ﴿۱۱۲﴾ گفتند: درنگ
 کردیم یک روز یا بعض روز، پس پیرس از شمار
 کنندگان. ﴿۱۱۳﴾ گفت خدا: توقف نکردید مگر اندکی.
 کاش شما می دانستید. ﴿۱۱۴﴾ آیا پنداشتید که آفریدیم
 شما را بیهوده و آنکه شما به سوی ما گردانیده نشوید؟
 ﴿۱۱۵﴾ پس برتر است خدا پادشاه ثابت. نیست هیچ معبود
 غیر او، پروردگار عرش گرامی قدر. ﴿۱۱۶﴾ و هر که
 بخواند با خدا معبود دیگر را، هیچ حجتی نیست پرستنده را
 بر ثبوت آن معبود. پس جز این نیست که حساب او
 نزدیک پروردگار اوست، هرآینه رستگار نمی شوند
 کافران. ﴿۱۱۷﴾ و بگو: ای پروردگار من! بیامرز و
 ببخشای و تو بهترین بخشاینده گانی. ﴿۱۱۸﴾

سُورَةُ النُّورِ

سوره نور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿١﴾ الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهِدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾ الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٤﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٥﴾ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَدَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٦﴾ وَالْخَمِيسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَذِبِينَ ﴿٧﴾ وَيَذَرُوا عَنْهَا الْعَذَابَ إِنْ تَشْهَدَ أَرْبَعُ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَذِبِينَ ﴿٨﴾ وَالْخَمِيسَةُ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٩﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾

این سورتی است که فرو فرستادیم آن را و فرض ساختیم آن را و فرود آوردیم در آن آیات روشن، بود که شما پند گیرید. ﴿۱﴾ زن زنا کننده و مرد زنا کننده بزنی هر یکی را از ایشان صد ذره و باید که درنگیرد شما را شفقت بر ایشان در جاری کردن شرع خدا، اگر ایمان آورده‌اید به خدا و روز آخر و باید که حاضر شوند به عقوبت ایشان جماعت از مسلمانان. ﴿۲﴾ مرد زنا کننده نکاح نمی‌کند مگر با زن زنا کننده یا شرک آورنده و زن زنا کننده بزنی نمی‌گیرد آن را مگر مرد زنا کننده یا شرک آورنده. و حرام ساخته شد [نکاح زانیه] بر مسلمانان.^(۱) ﴿۳﴾ مرد زنا کننده نکاح نمی‌کند مگر با زن زنا کننده یا شرک آورنده و زن زنا کننده بزنی نمی‌گیرد آن را مگر مرد زنا کننده یا شرک آورنده. و حرام ساخته شد [نکاح زانیه] بر مسلمانان. ﴿۴﴾ مگر آنان که توبه کردند بعد از این و به صلاح آوردند کار خود را، پس هر آینه خدا آمرزنده مهربان است ﴿۵﴾ و آنان که دشنام می‌دهند زنان خود را و نباشد ایشان را گواهان مگر نفس خویشان پس مخلص، گواهی یکی از ایشان است چهار بار که به خدا، هر آینه وی از راستگویان است. ﴿۶﴾ و گواهی پنجم به این صفت که لعنت خدا بر او باد، اگر از دروغگویان باشد. ﴿۷﴾ و باز می‌گرداند از آن زن عقوبت را آنکه گواهی دهد چهار بار به خدا، هر آینه این شوهر از دروغگویان است. ﴿۸﴾ و گواهی دهد پنجم بار به این صفت که خشم خدا باد بر این زن اگر شوهر از راستگویان باشد. ﴿۹﴾ و اگر نمی‌بود فضل خدا بر شما و رحمت او و آنکه خدا توبه‌پذیرنده با حکمت است [چه چیزها که نمی‌شد]^(۲). ﴿۱۰﴾

۱- مترجم گوید: ازین آیت معلوم شد که زانیه مقره به زنا را نکاح توان کرد و همین است مذهب أحمد و تاویل آیت نزد ابی حنیفه و شافعی آن است که حرام کرده شد شرک و زنا بر مسلمانان. یا گویند خاص است به قومی یا گویند منسوخ است.

۲- مترجم گوید: در غزوة بنی مصطلق حضرت عائشه متهم شده و منافقان در اشاعت بدنامی سعی کردند، جماعتی اظهار برائت نمودند و جماعتی توقف نمودند. خدای تعالی برائت صدیقه نازل ساخت و ذم منافقان و مدح برائت کنندگان و تهدید توقف کنندگان فرمود.

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا أَكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١﴾ لَّوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ ﴿١٢﴾ لَّوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَٰئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَذِبُونَ ﴿١٣﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٤﴾ لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾ إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالْإِسْتِنَاةِ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا وَلَّوْا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَنَكَ هَذَا بُهْتَنٌ عَظِيمٌ ﴿١٦﴾ يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٧﴾ وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٩﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَعُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٠﴾

هرآینه آنان که آوردند تهمت را جماعتی اند از شما. مپندارید این تهمت را بد در حق خویش، بلکه آن بهتر است برای شما. هر کسی را از ایشان چیزی است که حاصل کرد از معصیت و آنکه سرانجام داد عمده آن تهمت را از ایشان، او راست عذاب بزرگ^(۱). ﴿۱۱﴾ چرا نشد که چون شنیدید آن را گمان می کردند مردان مسلمان و زنان مسلمان در حق خویش نیکی را و می گفتند: این افترای ظاهر است. ﴿۱۲﴾ چرا نیاوردند بر این سخن چهارگواه، پس چون نیاوردند گواهان را، پس آن جماعت نزدیک خدا ایشانند دروغ گو. ﴿۱۳﴾ و اگر نمی بود فضل خدا بر شما و رحمت او در دنیا و آخرت، هرآینه می رسید به شما در این مقدمه که گفت و شنید می کردید در آن، عذاب بزرگ. ﴿۱۴﴾ چون فرا می گرفتید آن را به زبان های خویش و می گفتید به دهان خویش سخنی که نبود شما را به حقیقت آن دانش و می پنداشتید آن را آسان و او نزدیک خدا بزرگ بود^(۲). ﴿۱۵﴾ و چرا نشد که چون شنیدید آن را می گفتید: نمی رسد ما را که به زبان آریم این سخن را. به پاکی یاد می کنیم تو را خدایا، این سخن افترای بزرگ است. ﴿۱۶﴾ پند می دهد شما را خدا تا باز به عمل نیارید مانند این هرگز، اگر مسلمانان هستید. ﴿۱۷﴾ و بیان می کند خدا برای شما آیات را. و خدا دانای با حکمت است. ﴿۱۸﴾ هرآینه آنان که دوست می دارند آنکه فاش شود تهمت بدکاری در مسلمانان، ایشان راست عقوبت درد دهنده در دنیا و آخرت. و خدا می داند و شما نمی دانید. ﴿۱۹﴾ و اگر نبودی فضل خدا بر شما و رحمت او و آنکه خدا بخشاینده مهربان است [چه چیزها که نمی شد]. ﴿۲۰﴾

۱- یعنی عبدالله بن ابی منافق.

۲- یعنی جمعی که می گفتند فلان و فلان چنین می گویند و ما ندیده ایم و تحقیق نمی دانیم.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ
وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ
وَالْمُنكَرِ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَّى
مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ
وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢١﴾ وَلَا يَأْتِلِ أُولُو الْفَضْلِ
مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَن يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَى وَالْمَسْكِينِ
وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا
تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٢﴾
إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ
لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾ يَوْمَ
تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾ يَوْمَئِذٍ يُوقِفُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ
وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ﴿٢٥﴾ الْحَبِيثَاتُ
لِلْحَبِيثِينَ وَالْحَبِيثُونَ لِلْحَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ
لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا
يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٢٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى
تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ

لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾

ای مسلمانان! از پی مروید گامهای شیطان را. و هر که
پیروی گامهای شیطان کند، پس هر آینه وی می فرماید به
بی حیایی و کار ناپسندیده. و اگر نبودی فضل خدا بر شما
و رحمت او، پاک نشدی از شما هیچ کس هرگز و لیکن
خدا پاک می سازد هر که را خواهد و خدا شنوای داناست.
﴿۲۱﴾ و باید که سوگند نخورند خداوندان بزرگی و
وسعت از شما بر آنکه چیزی ندهند خویشاوندان را و
بینوایان را و خانمان ترک کنندگان را در راه «خدا». و باید
که عفو کنند و درگذرند. آیا دوست نمی دارید که بیمارزد
خدا شما را؟ و خدا آمرزنده مهربان است^(۱). ﴿۲۲﴾
هر آینه آنان که دشنام می دهند از بد کاری، زنان پاک
دامنان را، بی خبران را، ایمان آرندگان را، لعنت کرده
شدند در دنیا و آخرت و ایشان راست عذاب بزرگ.
﴿۲۳﴾ روزی که گواهی دهند بر ایشان زبانهای ایشان و
دستهای ایشان و پایهای ایشان به آنچه می کردند.
﴿۲۴﴾ آن روز به تمام رساند به ایشان خدای تعالی جزایی
به انصاف ایشان را و بدانند که خدا همون است ثابت
ظاهر. ﴿۲۵﴾ زنان ناپاک لایقاند به مردان ناپاک و مردان
ناپاک لایقاند به زنان ناپاک. و زنان پاک لایقاند به مردان
پاک و مردان پاک لایقاند به زنان پاک. این جماعت
بری اند از آنچه مردم می گویند. ایشان راست آمرزش و
روزی نیکو. ﴿۲۶﴾ ای مسلمانان! درمیایید به خانه ها غیر
خانه های خویش تا آنکه دستوری طلبید و سلام کنید بر
اهل آن، این بهتر است شما را، بود که پندپذیر شوید.
﴿۲۷﴾

۱- درین تعریض است به ابوبکر صدیق چون قسم خورده بود که مسطح را
هیچ ندهد و وی یکی از دشنام دهندگان بود.

فَإِنْ لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ
لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى
لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ
جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَعٌ
لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿٢٩﴾ قُلْ
لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ
ذَٰلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٣٠﴾ وَقُلْ
لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ
فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا
وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ
إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ عِبَائِهِنَّ أَوْ
أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ
أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ
الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا
يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ
وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ ﴿٣١﴾

پس اگر نیابید در آنجا هیچ کس را، در میابید آنجا تا آنکه
دستوری داده شود شما را و اگر به شما گفته شود که
بازگردید، پس باید که بازگردید، آن پاکتر است شما
را^(۱). و خدا به آنچه می کنید دانا است. ﴿۲۸﴾ نیست بر
شما گناهی در آنکه درآیید به خانه‌هایی که مسکن کسی
نیست، در آنجا منفعتی باشد شما را. و خدا می داند آنچه
آشکارا می کنید و پوشیده می دارید. ﴿۲۹﴾ بگو به مردان
مسلمانان که: بپوشند چشم خود را و نگاه دارند
شرمگاه‌های خود را، این پاکیزه‌تر است ایشان را. هرآینه
خدا خبردار است به آنچه می کنند. ﴿۳۰﴾ و بگو زنان
مسلمانان را که: بپوشند چشم خود را و نگاه دارند شرمگاه
خود را و آشکارا نکند آرائش خود را^(۲)، الا آنچه ظاهر
است از آن موضع و باید که فروگذارند دامن‌های خود را
بر گریبان‌های خود و نمایند آرایش خود را الا به شوهران
خویش یا پدران خویش یا پدران شوهران خویش یا پسران
خویش یا پسران شوهران خویش یا برادران خویش یا
پسران برادران خویش یا پسران خواهران خویش یا زنان
خویش یا آنچه مالک او شده است دست ایشان (یعنی
غلامان) یا طفیلیانی که صاحب شهوت نباشند از مردان یا
طفالن که هنوز مطلع نشده‌اند بر شرمگاه زنان. و نزنند
زمین را به پای خویش تا دانسته شود آنچه پنهان می کردند
از زیور خویش. و رجوع کنید به سوی خدا همه یکجا ای
مسلمانان بود! که رستگار شوید^(۳). ﴿۳۱﴾

۱- یعنی رباط وقف.

۲- یعنی مواضع زیور.

۳- حاصل این آیت آن است که از مواضع زینت، دو قسم است: آن چه در
ستر آن حرج است و آن وجه و کفین بود و آن چه در ستر آن حرج
نیست، مانند: سر و گردن و عضد و زراع و ساق. پس ستر وجه و کفین
از اجنبیان فرض نیست، بلکه سنت است و ستر غیر آن از اجنبیان فرض
است، نه از محارم، والله اعلم.

وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٢﴾ وَلَيْسَتَغْنِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۚ وَءَاتُوهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي ءَاتَاكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَّتَكُمْ عَلَى الْبِعَآءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهْنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إكْرِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ ءَايَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا لِّلَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٣٤﴾ ۝ اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ مَثَلُ نُورِهِ ۖ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ ۚ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ ۚ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ ۖ نُورٌ عَلَىٰ نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ ۖ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ ۖ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣٥﴾ فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا أَسْمُهُ وَيُسَبِّحَ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿٣٦﴾

و به نکاح دهید زنان بی شوهر را از قوم خویش و شایستگان را از بندگان خویش و کنیزکان خویش، اگر درویش باشند توانگر کند ایشان را خدا از فضل خود و خدا بسیار دهنده داناست. ﴿۳۲﴾ و باید که بر پاکدامنی مقید باشند آنان که نمی یابند اسباب نکاح، تا آنکه توانگر کند ایشان را خدا از فضل خویش. و آنان که می طلبند مکاتب را از بندگان که مالک آن شده است دست شما، پس مکاتب کنید آنها را اگر بدانید در ایشان شایستگی. و بدهید مکاتبان را از مال خدا که به شما ارزانی داشته است و جبر نکنید کنیزکان خود را بر زنا اگر ایشان پرهیزگاری خواهند، تا به دست آرید متاع زندگانی دنیا و هر که جبر کند ایشان را، پس هرآینه خدا آن کنیزکان را بعد جبر کردن بر ایشان، آمرزنده مهربان است. ﴿۳۳﴾ و هرآینه فرود آوردیم به سوی شما آیت های روشن و فرود آوردیم داستان از حال آنان که گذشتند پیش از شما و پندی برای پرهیزگاران. ﴿۳۴﴾ خدا نور آسمان ها است و زمین. داستان نور وی در قلب مسلمانان این است مانند طاقی که در آن چراغ است ^(۱). آن چراغ در شیشه است ^(۲) (یعنی در قندیل است) آن شیشه گویا ستاره ای درخشانده است، افروخته می شود از روغن درختی با برکت که عبارت از درخت زیتون است، نه به سمت مشرق ریید و نه جانب مغرب روید، نزدیک است که زیت وی روشنی بدهد، اگرچه نه رسیده باشدش آتشی. روشنی بر روشنی است. راه می نماید خدا به نور خدا هر که را خواهد و بیان می فرماید خدا داستان ها برای مردمان. و خدا بر هر چیز دانا است ^(۳). ﴿۳۵﴾ در خانه هایی که دستوری داده است خدا که بلند کرده شود آن را و یاد کرده شود آنجا نام او، به پاکی یاد می کنند خدا را آنجا صبح و شام. ﴿۳۶﴾

۱- یعنی فتیله روشن است.

۲- یعنی در قندیل است.

۳- حاصل این مثل، تشبیه نوری است که به سبب مواظبت بر طهارت و عبادت در دل مسلمانان حاصل می شود به نور چراغ که در غایت درخشندگی باشد و به جهت اشعار به آن مواظبت می فرماید.

رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ
 الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ
 الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ﴿٣٧﴾ لِيَجْزِيَهمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا
 عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ
 بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلَهُمْ كَسْرَابٍ
 بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْثَانُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ
 شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَقَّعَهُ حِسَابَهُ ۗ وَاللَّهُ سَرِيعُ
 الْحِسَابِ ﴿٣٩﴾ أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ
 مِّن فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا
 فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدُهُ لَمْ يَكِدْ يَرَهَا وَمَن لَّمْ
 يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ ﴿٤٠﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ
 اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ
 صَفَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ ۗ وَاللَّهُ
 عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٤١﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿٤٢﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ
 يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَّامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ
 مِّن خِلَالِهِ ۚ وَيُنَزِّلُ مِّن السَّمَاءِ مِّن جِبَالٍ فِيهَا مِن
 بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَن مَّن يَشَاءُ
 يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ ﴿٤٣﴾

مردانی که باز ندارد ایشان را سوداگری و نه خرید و
 فروخت از یاد کردن خدا و برپاداشتن نماز و دادن زکات،
 می ترسند از آن روزی که مضطرب شوند در آن دلها و
 دیده ها. ﴿۳۷﴾ تا جزا دهد ایشان را خدا به عوض بهترین
 آنچه کردند و زیاده دهد ایشان را از فضل خویش. و خدا
 روزی می دهد هر که را خواهد به غیر شمار (یعنی بسیار).
 ﴿۳۸﴾ و آنان که کافر شدند، اعمال ایشان مانند سرابی
 است به میدان های هموار، می پندارش تشنه، آبی، تا وقتی
 که بیاید نزدیک آن نیابدش چیزی و یافت خدا را نزدیک
 آن، پس تمام رسانید به وی حساب وی را. و خدا زود
 کننده حساب است^(۱). ﴿۳۹﴾ یا مانند تاریکی ها در دریایی
 عمیق. می پوشد این کافر را موجی از بالای آن موجی
 دیگر، از بالای آن ابر بود، تاریکی هاست بعضی آن بالای
 بعضی دیگر. چون بیرون آرد دست خود، نزدیک نیست
 که ببیندش و هر که نداد او را خدا روشنی، پس نیست او
 را هیچ روشنی ای^(۲). ﴿۴۰﴾ آیا ندیدی که خدا به پاکی
 یاد می کندش هر که در آسمان ها و زمین است و مرغان
 بال گشاده؟ هر یکی دانسته است خدا دعای او را و تسبیح
 او را و خدا دانا است به آنچه می کنند. ﴿۴۱﴾ و خدای
 راست پادشاهی آسمان ها و زمین و به سوی خدا است
 باز گشت. ﴿۴۲﴾ آیا ندیدی که خدا روان می کند ابر را،
 باز جمع می نماید میان آن، باز می سازدش تو بر تو، پس
 می بینی قطره را که بیرون می آید از میان آن و فرود می آرد
 از جانب بالا از کوه ها که آنجاست ژاله، پس می رساندش
 به هر که خواهد و باز می داردش از هر که می خواهد.
 نزدیک است درخشندگی برقی که در آن ابر بوده است،
 دور کند چشم ها را. ﴿۴۳﴾

۱- حاصل این مثل آن است که اعمال کافر نابود شود و در آخرت آن را
 هیچ ثواب نباشد.

۲- حاصل این مثل آن است که بر کافر، ظلمات بهیمیت متراکم شده است
 و انوار ملکیت از وی به کلی معدوم شده است.

يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي
 الْأَبْصَارِ ﴿٤٤﴾ وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّن
 يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ
 وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ
 اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٥﴾ لَقَدْ أَنزَلْنَا ءَايَاتِ
 مُّبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ
 ﴿٤٦﴾ وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى
 فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّن بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ
 ﴿٤٧﴾ وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا
 فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٤٨﴾ وَإِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا
 إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ﴿٤٩﴾ أَفِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ
 يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولَئِكَ
 هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا
 إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَقُولُوا سَمِعْنَا
 وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥١﴾ وَمَن يُطِيعِ اللَّهَ
 وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ
 ﴿٥٢﴾ ۞ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَنِهِمْ لَئِن أَمَرْتَهُمْ
 لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَّعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ
 خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٥٣﴾

می گرداند خدا شب و روز را، هر آینه در این مقدمه پندی
 هست خداوندان چشم را. ﴿۴۴﴾ و خدا آفرید هر جانوری
 را از آب، پس از اینهاست آن که می رود بر شکم خود و
 از اینهاست که می رود بر دو پای و از اینهاست آن که
 می رود بر چهارپای. می آفریند خدا هر چه خواهد، هر آینه
 خدا بر هر چیز تواناست. ﴿۴۵﴾ هر آینه فرود آوردیم
 آیات روشن را و خدا دلالت می کند هر که را خواهد به
 سوی راه راست. ﴿۴۶﴾ و می گویند منافقان: ایمان آوردیم
 به خدا و به رسول و فرمانبرداری نمودیم، باز روی
 می گرداند گروهی از ایشان بعد از این و نیستند ایشان،
 مؤمنان. ﴿۴۷﴾ و چون خوانده می شوند به سوی خدا و
 رسول او تا حکم فرماید میان ایشان، ناگهان جماعتی از
 ایشان روگردانند گانند. ﴿۴۸﴾ و اگر باشد ایشان را حق،
 بیایند به سوی او گردن نهاده. ﴿۴۹﴾ آیا در دل ایشان
 بیماری ای است؟ یا در شک افتادند؟ یا می ترسند از آنکه
 ستم کند بر ایشان خدا و رسول او؟ بلکه این جماعت،
 ایشانند ستمکاران. ﴿۵۰﴾ جز این نیست که می باشد قول
 مسلمانان، چون خوانده می شود ایشان را به سوی خدا و
 رسول او تا حکم کند میان ایشان، آنکه گویند: شنیدیم و
 فرمانبرداری کردیم، و این جماعت، ایشانند رستگاران.
 ﴿۵۱﴾ و هر که فرمانبرداری کند خدا و رسول او را و
 ترسد از خدا و حذر کند از عذاب او، پس این جماعت،
 ایشانند به مراد رسندگان. ﴿۵۲﴾ و قسم خوردند به خدا به
 مؤکدترین قسم های خود که اگر بفرمایی ایشان را، البته
 بیرون روند از وطن خود. بگو: قسم مخورید! فرمانبرداری
 پسندیده مطلوب است. هر آینه خدا خبردار است به آنچه
 می کنید. ﴿۵۳﴾

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٥٤﴾ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا أَصْحَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ يُلَاقُونَهُمْ الْفَلَسِقُونَ ﴿٥٥﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٥٦﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْزِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٥٧﴾ يَتَأَيَّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَيَسْتَغْنِيَنَّكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَھُنَّ طَوْفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٨﴾

بگو: فرمانبرداری خدا کنید و فرمانبرداری پیغامبر کنید. پس اگر روی بگردانند، پس جز این نباشد که بر پیغامبر است آنچه بر وی لازم کرده شد و بر شماست آنچه بر شما لازم کرده شد و اگر فرمانبرداری او کنید، راه یابید و نیست بر پیغامبر مگر پیغام رسانیدن آشکارا. ﴿۵۴﴾ وعده داده است خدا آنان را که ایمان آوردند از شما و عمل‌های شایسته کردند، البته خلیفه سازد ایشان را در زمین، چنانکه خلیفه ساخته بود آنان را که پیش از ایشان بودند^(۱) و البته محکم کند برای ایشان دین ایشان را که پسندیده است برای ایشان و البته بدل کند در باره ایشان بعد از ترس ایشان ایمنی را. پرستش کنند مرا، شریک مقرر نکنند با من چیزی را و هر که ناسپاسی کند بعد از این، پس آن جماعت، ایشانند فاسقان^(۲). ﴿۵۵﴾ و بر پا دارید نماز را و بدهید زکات را و فرمانبرداری کنید پیغامبر را، بود که بر شما رحم کرده شود. ﴿۵۶﴾ مپندار کافران را عاجز کننده در زمین و جای ایشان آتش است و آن بدبازگشت است. ﴿۵۷﴾ ای مسلمانان! باید که دستوری طلبند از شما آنان که مالک ایشان شده است دست‌های شما^(۳) و آنان که نرسیده‌اند به حد احتلام از شما، سه نوبت، پیش از نماز فجر و وقتی که فرو می‌نهد جامه‌های خود را از نیمروز و پس از نماز عشاء، این سه ساعت خلوت برای شماست. نیست بر شما و نه بر ایشان هیچ بزه بعد اینها. در آیند گانند بر شما بعض از شما بر بعض دیگر. همچنین بیان می‌کند خدا برای شما آیات را و خدا داننده با حکمت است^(۴). ﴿۵۸﴾

۱- یعنی چنانکه بنی اسرائیل را بعد عمالقه پادشاه ساخت.

۲- یعنی چنانکه قاتلان حضرت عثمان کردند. مترجم گوید: تفسیر این آیت در حدیث آمده «ان الخلافة بعدی ثلاثون سنة»، والله اعلم.

۳- یعنی غلامان و کنیزان.

۴- حاصل آن است که محارم و اطفال نیز درین ساعات، استیذان کنند، زیرا که مردمان جامه درین ساعات از تن می‌کشند و عریان می‌شوند. محصول سخن آن است که محارم را و اطفال را عریان دیدن، درست نیست، والله اعلم.

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَعِذُوا كَمَا
 أَسْتَعِذْنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ
 آيَاتِهِ ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٩﴾ وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ
 الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ
 يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ
 خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٦٠﴾ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى
 حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ
 حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ
 أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ
 إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ
 أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ
 خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ
 لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا
 فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِّنْ
 عِنْدِ اللَّهِ مُبَرَكَاةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ
 الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦١﴾

و چون رسند طفلان از شما به حد احتلام، باید که
 دستوری طلبند، چنانکه می طلبیدند آنان که پیش از ایشان
 بودند. همچنین بیان می کند خدا برای شما آیات خود را و
 خدا دانای با حکمت است. ﴿۵۹﴾ و کلانسال از زنان، که
 توقع نکاح ندارند، نیست بر ایشان بزه در آنکه فرو نهند
 جامه های خود را و نه ظاهرکنان آرایش را و اگر
 پرهیزگاری کنند، بهتر است ایشان را و خدا شنوای
 داناست. ﴿۶۰﴾ نیست بر نابینا گناهی و نه بر لنگ گناهی و
 نیست بر بیمار گناهی و نه بر ذات شما گناهی، در آنکه
 بخورید از خانه های خویش و یا خانه های پدران خویش یا
 خانه های مادران خویش یا خانه های برادران خویش یا
 خانه های خواهران خویش یا خانه های عموهای خویش یا
 خانه های عمه های خویش یا خانه های تغان های خویش یا
 خانه های خاله های خویش یا خانه ای که به تصرف
 شماست کلیدهای او ^(۱) یا خانه های دوست خویش. نیست
 بر شما هیچ گناهی در آنکه بخورید همه یکجا یا متفرق ^(۲).
 پس چون درآید به خانه ها، پس سلام گوید بر قوم
 خویش دعای خیر با برکت پاکیزه فرود آمده از نزدیک
 خدا. همچنین بیان می کند خدا برای شما آیات را بود که
 بفهمید. ﴿۶۱﴾

۱- یعنی نگاهبان و وکیل حفظ او باشید.

۲- یعنی اذنی که از رسم و عادت مفهوم است کفایت می کند و حاجت
 اذن صریح نیست، والله اعلم.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا
كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ
يَسْتَعِذُّوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَعِذُّونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ
يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا أَسْتَعِذُّوكَ لِبَعْضِ
شَأْنِهِمْ فَأُذِنَ لِمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرَ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ
اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٦٢﴾ لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ
بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ
الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ
يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ
بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٤﴾

جز این نیست که مسلمانان آناند که ایمان آوردند به خدا
و به رسول او و چون باشند با وی بر کاری که جمع کردن
ایشان می‌طلبند، نروند تا آنکه دستوری طلبند از پیغامبر،
هرآینه آنان که دستوری می‌طلبند از تو، ایشان آناند که
ایمان آوردند به خدا و به رسول او. پس اگر دستوری
طلبند از تو برای بعض کار خود، پس دستوری ده هر که را
خواهی از ایشان و آمرزش طلب کن برای ایشان از خدا،
هرآینه خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۶۲﴾ شمارید
طلبیدن پیغامبر را در میان خویش، مانند طلبیدن بعض از
شما بعض دیگر را. هرآینه می‌داند خدا آنان را که به
سبکی بیرون می‌روند از شما پناه‌جویان. پس باید که
بترسند آنان که خلاف حکم پیغمبر می‌کنند از آنکه برسد
بدیشان بلایی یا برسد بر ایشان عذابی درد دهنده. ﴿۶۳﴾
آگاه شو! هرآینه خدا راست آنچه در آسمان‌ها و زمین
است، می‌داند روشی را که شما برآنید و روزی که
بگردانیده شوند به سوی او، خبر دهند ایشان را به آنچه
کرده‌اند و خدا به هر چیز داناست. ﴿۶۴﴾

سُورَةُ الْفُرْقَانِ

سوره فرقان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ
لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا ﴿١﴾ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي
الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا ﴿٢﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان

بسیار با برکت است آن که فرود آورد قرآن را بر بنده
خویش تا باشد ترساننده عالم‌ها را. ﴿۱﴾ آن که او راست
پادشاهی آسمان‌ها و زمین و هیچ فرزند نگرفت و هیچ
شریک نیست او را در پادشاهی و بیافرید هر چیزی را، پس
اندازه کرد او را به اندازه کردن. ﴿۲﴾

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَوةً وَلَا نَشُورًا ﴿٣﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكُ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ ءَاخِرُونَ فَقَدْ جَاءَهُ ظُلْمًا وَزُورًا ﴿٤﴾ وَقَالُوا اسْطِیْرُ الْأَوَّلِينَ أَكُتِّبَ بِهَا فَهِيَ تُمَلَّى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٥﴾ قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٦﴾ وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا ﴿٧﴾ أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ﴿٨﴾ أَنْظِرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَلَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿٩﴾ تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّنْ ذَلِكَ جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلُ لَكَ قُصُورًا ﴿١٠﴾ بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا ﴿١١﴾

و گرفتند کافران بجز الله آن معبودان را که نمی آفرینند چیزی و خودشان آفریده می شوند و نمی توانند برای خویش زبانی و نه سودی و نمی توانند مرگ را و نه زندگانی را و نه برانگیختن را. ﴿۳﴾ و گفتند کافران: نیست این قرآن، مگر دروغی که برافته است آن را و یاری داده اند او را بر افترای وی گروه دیگر، پس به عمل آوردند ستم و دروغ را. ﴿۴﴾ و گفتند: قرآن افسانه های پیشینیان است که برای خود نوشته است آن را، پس آن خوانده می شود بر وی صبح و شام^(۱). ﴿۵﴾ بگو: فرود آورده است آن را کسی که می داند آن پنهان که در آسمان و زمین است. هر آینه وی هست آمرزنده مهربان. ﴿۶﴾ و گفتند: چیست این پیغامبر را؟ که می خورد طعام و می رود در بازارها. چرا فرستاده نشد به سوی وی فرشته تا باشد همراه وی ترساننده. ﴿۷﴾ یا چرا نه از آسمان برتافته شد به سوی وی گنجی یا چرا نیست او را باغی که بخورد از آن و گفتند ستمکاران: پیروی نمی کنید مگر مرد جادو زده را. ﴿۸﴾ بین چگونه داستان ها زدند در حق تو. پس گمراه شدند، پس نمی یابند هیچ راهی را. ﴿۹﴾ بزرگوار است آن که اگر خواهد بدهد تو را بهتر از این بوستان ها که می رود زیر آن جوی ها و بدهد تو را محل های بلند (یعنی در دنیا). ﴿۱۰﴾ بلکه دروغ شمرده اند قیامت را و آماده ساختیم برای کسی که تکذیب قیامت کند، دوزخ را. ﴿۱۱﴾

إِذَا رَأَتْهُمْ مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْظًا وَزَفِيرًا ﴿١٢﴾ وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا ﴿١٣﴾ لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا ﴿١٤﴾ قُلْ أَدْلِكْ خَيْرٌ أَم جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءٌ وَمَصِيرًا ﴿١٥﴾ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا ﴿١٦﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ﴿١٧﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَعَآبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا ﴿١٨﴾ فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِم مِّنكُمْ نَذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا ﴿١٩﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا ﴿٢٠﴾

چون ببیند دوزخ ایشان را از مسافت دور، بشوند از وی آواز خشم خوردن و غریدن. ﴿۱۲﴾ و چون انداخته شوند از آن دوزخ به مکانی تنگ دست و پا بسته، بد دعا کنند بر خویش به هلاک. ﴿۱۳﴾ و گوئیم: بد دعا نکنید امروز به یک هلاک و بد دعا کنید به هلاک بسیار. ﴿۱۴﴾ بگو: آیا این بهتر است یا بهشت جاوید، آنکه وعده داده شده است متقیان را؟ باشد ایشان را پاداش و جای بازگشت. ﴿۱۵﴾ ایشان راست آنجا آنچه می خواهند جاویدان. هست بر پروردگار تو وعده طلبیده شده. ﴿۱۶﴾ و آن روزی که جمع کند خدا ایشان را با آن که می پرستند بجز خدا، پس گوید: آیا شما گمراه کردید این بندگان مرا یا ایشان خود غلط کرده اند راه را؟ ﴿۱۷﴾ گویند: به پاکی یاد می کنیم تو را، سزاوار نباشد ما را که هیچ دوست گیریم بجز تو و لیکن بهره مند ساختی ایشان را و پدران ایشان را تا آنکه فراموش کردند پند و شدند گروه هلاک شده. ﴿۱۸﴾ گوئیم: ای گروه کافران! هر آینه دروغ داشتند شما را این معبودان در آنچه می گفتید، پس نمی توانید دفع کردن عذاب و نه یاری دادن و هر که ستم کرده باشد از شما، بجشانیمش عذاب بزرگ. ﴿۱۹﴾ و نفرستادیم پیش از تو پیغامبران، مگر به این صفت که ایشان می خوردند طعام و می رفتند در بازارها و ساخته ایم بعض شما را در حق بعضی ابتلائی، آیا صبر می کنید؟ و هست پروردگار تو بینا.

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا
 الْمَلَكُوتُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ
 وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا ﴿١١﴾ يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى
 يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَحْجُورًا ﴿١٢﴾
 وَقَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً
 مَنْثُورًا ﴿١٣﴾ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا
 وَأَحْسَنُ مَقِيلًا ﴿١٤﴾ وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَمِ
 وَنُزِلُ الْمَلَائِكَةِ تَنْزِيلًا ﴿١٥﴾ الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ
 لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ﴿١٦﴾ وَيَوْمَ
 يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلَيِّنَنِي أَنْتَذْتُ مَعَ
 الرَّسُولِ سَبِيلًا ﴿١٧﴾ يَوَيْلَ لِي لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا
 خَلِيلًا ﴿١٨﴾ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي
 وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ﴿١٩﴾ وَقَالَ الرَّسُولُ
 يُرَبِّ إِنِّي قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ﴿٢٠﴾
 وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَى
 بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا ﴿٢١﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا
 نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ
 فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ﴿٢٢﴾

و گفتند آنان که توقع ندارند ملاقات ما را: چرا فروستاده
 نشد بر ما فرشتگان را یا چرا نمی بینیم پروردگار خود را،
 هرآینه بزرگ شدند در زعم خویش و سرکشی کردند
 سرکشی بزرگ. ﴿۲۱﴾ روزی که بیند فرشتگان را، هیچ
 مژده نیست آن روز گناهکاران را و گویند: باز داشته شوند
 باز داشتن مؤکد. ﴿۲۲﴾ و متوجه شدیم به سوی آنچه
 کردند از کردار، پس ساختیم آن را مانند ذره های
 پراکنده^(۱). ﴿۲۳﴾ اهل بهشت آن روز بهترند از جهت
 قرارگاه و نیکوترند به اعتبار جای استراحت. ﴿۲۴﴾ و
 روزی که بشکافد آسمان به سبب ابر و فرود آورده شوند
 فرشتگان فرود آوردنی^(۲). ﴿۲۵﴾ پادشاهی حقیقی آن روز
 خدا راست و باشد آن روز بر کافران روز دشوار. ﴿۲۶﴾ و
 روزی که بگرد ستمکار دو دست خود را، گوید: ای
 کاش! من گرفتمی همراه پیغامبر راهی^(۳). ﴿۲۷﴾ ای وای
 بر من کاش که دوست نگرفتمی فلان را^(۴). ﴿۲۸﴾
 هرآینه وی گمراه کرد مرا از پند، بعد از آنکه آمده بود
 به من و هست شیطان آدمی را در محنت، تنها گذارنده.
 ﴿۲۹﴾ و گفت پیغامبر: ای پروردگار من! هرآینه قوم من
 این قرآن را متروک ساختند. ﴿۳۰﴾ و همچنین ساخته ایم
 برای هر پیغامبر، دشمنان از گناهکاران و بس است
 پروردگار تو راهنما و نصرت دهنده. ﴿۳۱﴾ و گفتند
 کافران: چرا نه فرود آورده شد بر پیغمبر قرآن به یک
 دفعه؟ همچنین به دفعات آوردیم تا استوار سازیم به آن دل
 تو را و خواندیم آن را به آهستگی. ﴿۳۲﴾

۱- یعنی حبط کردیم.

۲- یعنی آسمان بر هیأت معتاد خود باشد، اما ابر ناگاه منشق شود، والله اعلم.

۳- تمناکننده عقبه بن ابی معیط بود که اطاعت ابی بن خلف کرد. چنانچه در سبب نزول آیه بیان کرده اند. (مصحح)

۴- یعنی ابی بن خلف و مانند او. (مصحح)

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ
تَفْسِيرًا ﴿٣٣﴾ الَّذِينَ يُخَشِرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ
أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٣٤﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا
مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا ﴿٣٥﴾
فَقُلْنَا أَذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
فَدَمَّرْنَاهُمْ تَذْمِيرًا ﴿٣٦﴾ وَقَوْمُ نُوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ
أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ ءَايَةً ۖ وَاعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ
عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٣٧﴾ وَعَادًا وَثَمُودًا وَأَصْحَابَ الرَّسِّ
وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا ﴿٣٨﴾ وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي
أَمْطَرْنَا مَطَرًا سَوِيًّا ۖ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بَلْ كَانُوا
لَا يَرْجُونَ نُشُورًا ﴿٣٩﴾ وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَخَذُونَكَ إِلَّا
هُزُؤًا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا ﴿٤٠﴾ إِن كَادَ
لَيُضِلَّنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا لَوْلَا أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ
يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤١﴾
أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ ۖ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ
وَكِيلًا ﴿٤٢﴾

و نیارند کافران پیش تو هیچ داستانی، مگر بیاریم پیش تو
جوابی راست و نیکوتر در بیان. ﴿۳۳﴾ آنان که برانگیخته
شوند افتان بر روی خویش به سوی دوزخ، این جماعت
بدترند به اعتبار مکان و غلط کننده ترند راه را. ﴿۳۴﴾ و
هر آینه دادیم موسی را کتاب و ساختیم همراه او برادر او،
هارون، را وزیر. ﴿۳۵﴾ پس گفتیم: بروید به آن قوم که
دروغ شمرند آیات ما را پس هلاک ساختیم آن قوم را
هلاک کردنی. ﴿۳۶﴾ و قوم نوح چون دروغی شمرند
پیغامبران را، غرق ساختیم این جماعت را و گردانیدیم
ایشان را برای مردمان، نشانه‌ای و مهیا کردیم برای
ستمکاران عذاب درد دهنده. ﴿۳۷﴾ و هلاک ساختیم عاد
و ثمود و اهل رس را و طبقات بسیار را در میان ایشان.
﴿۳۸﴾ و برای هر یکی بیان کردیم داستان‌ها و هر یکی را
هلاک ساختیم هلاک کردنی. ﴿۳۹﴾ و هر آینه رسیده‌اند
کافران به دیهی که بارانیده شد بر وی باران بد (یعنی باران
سنگ) آیا نمی‌دیدند آن را؟ بلکه توقع نمی‌داشتند
برانگیختن را. ﴿۴۰﴾ و چون ببینند تو را نگیرند تو را الا
مسخره، آیا این شخص است آن که خدای تعالی پیغامبر
فرستادش؟! ﴿۴۱﴾ هر آینه نزدیک بود که گمراه کند ما
را از پرستش خدایان ما، اگر نه آن بودی که شکیبایی
کردیم بر آن، و خواهند دانست چون ببینند عذاب را،
کیست غلط کننده تر راه را. ﴿۴۲﴾ آیا دیدی آن را که
خدای خود گرفته است خواهش نفس خود را؟ آیا تو
می‌شوی بر وی نگهبان؟! ﴿۴۳﴾

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٤﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسُ عَلَيْهِ دَلِيلًا ﴿٤٥﴾ ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا ﴿٤٦﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ﴿٤٧﴾ وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ﴿٤٨﴾ لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَمًا وَأُنَاسِيًا كَثِيرًا ﴿٤٩﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿٥٠﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَبعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا ﴿٥١﴾ فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا ﴿٥٢﴾ وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا ﴿٥٣﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿٥٤﴾ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا ﴿٥٥﴾

آیا می‌پنداری که بیشترین ایشان می‌شنوند یا می‌فهمند؟ نیستند ایشان الا مانند چهارپایان، بلکه ایشان غلط کننده‌ترند راه را! ﴿۴۴﴾ آیا ندیدی به سوی پروردگار خود چگونه دراز کرد سایه را؟^(۱) و اگر خواستی گردانیدی آن را آرمیده، باز برگماشتیم آفتاب را بر وی رهنمای^(۲). ﴿۴۵﴾ باز فرا گرفتیم سایه را به سوی خویش فراگرفتن آسان. ﴿۴۶﴾ و اوست آن که ساخت برای شما شب را پوششی و خواب را راحتی و ساخت روز را وقت برخاستن. ﴿۴۷﴾ و اوست آن که فرستاد بادها را مژده دهنده پیش رحمت خویش و فرود آوردیم از آسمان آب پاک را. ﴿۴۸﴾ تا زنده سازیم به آن آب، شهر مرده را و تا بنوشانیمش از آنچه آفریده‌ایم چهارپایان را و مردم بسیار را. ﴿۴۹﴾ و هرآینه گوناگون بیان کردیم پند در میان ایشان تا پندپذیر شوند، پس قبول نکردند بیشترین مردمان مگر ناسپاسی را. ﴿۵۰﴾ و اگر می‌خواستیم می‌فرستادیم در هر دیهی ترساننده. ﴿۵۱﴾ پس فرمان مبر کافران را و جهاد کن با ایشان به حکم خدا جهاد بزرگ. ﴿۵۲﴾ و اوست آن که در آمیخت دو دریا را: این یک آب شیرین دافع تشنگی است و آن دیگر شور بد مزه و ساخت میان هر دو حجابی و سدّی مضبوط. ﴿۵۳﴾ و اوست آن که آفرید از آب، آدمی را، پس ساخت آن را خداوند نسب و خداوند قرابت دامادی و هست پروردگار تو توانا. ﴿۵۴﴾ و می‌پرستند بجز خدا چیزی را که نفع ندهد به ایشان و ضرر نرساند بدیشان، و هست کافر بر مخالفت پروردگار خود، پستی دهنده. ﴿۵۵﴾

۱- یعنی بعد اسفار قبل از غروب آفتاب یا در اوّل روز.

۲- یعنی به هر صفت که آفتاب تقاضا می‌کند می‌رود.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٥٦﴾ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٥٧﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَىٰ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا ﴿٥٨﴾ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسَلِّ بِهِ خَبِيرًا ﴿٥٩﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ﴿٦٠﴾ تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ﴿٦١﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ﴿٦٢﴾ وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ﴿٦٣﴾ وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَمًا ﴿٦٤﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿٦٥﴾ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٦٦﴾ وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ﴿٦٧﴾

و نفرستادیم تو را مگر بشارت دهنده و بیم کننده. ﴿۵۶﴾ بگو: نمی طلبم از شما بر تبلیغ قرآن هیچ مزدی، لیکن هر که خواهد که راه گیرد به سوی پروردگار خویش، گو بگیرد راهی. ﴿۵۷﴾ و توکل کن بر آن زنده که هرگز نمیرد و به پاکی یاد کن همراه ستایش او و بس است وی به گناهان بندگان خویش آگاه. ﴿۵۸﴾ آن که بیافرید آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست در شش روز، باز مستقر شد بر عرش. اوست بخشاینده، پس پرس از حال وی دانایی را. ﴿۵۹﴾ و چون گفته می شود به کافران که سجده کنید رحمن را، گویند: و چیست رحمن؟ آیا سجده کنیم چیزی را که تو می فرمایی به ما؟ و زیاده کرد این سخن در حق ایشان رمیدن را. ﴿۶۰﴾ بزرگوار است آن که بساخت در آسمان برجها و ساخت در آن چراغ را (یعنی آفتاب را) و ساخت ماه روشن را. ﴿۶۱﴾ و اوست آن که ساخت شب و روز را جانشین یکدیگر برای کسی که خواهد پند گرفتن یا خواهد شکرگزاری کردن. ﴿۶۲﴾ و بندگان خدا آنانند که می روند بر زمین به آهستگی^(۱) و چون سخن گویند به ایشان نادان، گویند: سلام بر شما باد! ﴿۶۳﴾ و آنان که شب می گذرانند برای پروردگار خویش سجده کنان و قیام کنان. ﴿۶۴﴾ و آنان که می گویند: ای پروردگار ما! بازدار از ما عذاب دوزخ را، هرآینه عذاب دوزخ، لازم شونده است. ﴿۶۵﴾ هرآینه دوزخ بد آرامگاهی است و بد مقامی است. ﴿۶۶﴾ و آنان که چون خرج کنند، اسراف ننمایند و تنگی نگیرند و باشد عطای ایشان میان جانبین، معتدل. ﴿۶۷﴾

۱- یعنی تواضع بر ایشان غالب است.

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ
 أَنْفُسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ
 يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾ يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ
 الْقِيَمَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا ﴿٦٩﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ
 وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ
 حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٧٠﴾ وَمَنْ تَابَ
 وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾ وَالَّذِينَ
 لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ﴿٧٢﴾
 وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخْرُؤْا عَلَيْهَا ضُمًّا
 وَعُمْيَانًا ﴿٧٣﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ
 أَرْوَاحِنَا وَذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا
 ﴿٧٤﴾ أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا
 تَحِيَّةً وَسَلَامًا ﴿٧٥﴾ خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَتْ مُسْتَقَرًّا
 وَمُقَامًا ﴿٧٦﴾ قُلْ مَا يَعْبُؤُكُمْ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ
 فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ﴿٧٧﴾

و آنان که نمی‌پرستند با خدا معبود دیگر را و نمی‌کشند
 هیچ نفسی را که حرام کرده است خدا، مگر به حق و زنا
 نکنند و هر که بکند این کار، برخورد به عقوبت دشوار.
 ﴿۶۸﴾ دو چند کرده شود او را عذاب روز قیامت و جاوید
 ماند آنجا خوار کرده شده. ﴿۶۹﴾ مگر آن که توبه کرد و
 ایمان آورد و عمل شایسته نموده، پس آن جماعت بدل
 سازد خدا بدی‌های ایشان را به نیکی‌ها و هست خدا
 آمرزنده مهربان. ﴿۷۰﴾ و هر که توبه کند و کار شایسته
 به عمل آرد، پس هر آینه وی رجوع می‌کند به خدا رجوع
 کردن. ﴿۷۱﴾ و آنان که گواهی دروغ نمی‌دهند و چون
 بگذرند بر بیهوده، بگذرند به روش بزرگان. ﴿۷۲﴾ و
 آنان که چون پند داده شود ایشان را به آیات پروردگار
 ایشان، کر و کور نیفتند به شنیدن آن^(۱). ﴿۷۳﴾ و آنان که
 می‌گویند: ای پروردگار ما! ببخش ما را از زنان ما و از
 فرزندان ما روشنی چشم و بکن ما را پیشوای متقیان ﴿۷۴﴾
 آن جماعت، جزا داده شود ایشان را محل بلند، به مقابله
 آنکه صبر کردند و بر خورانیده شود ایشان را آنجا به
 دعای خیر و سلام. ﴿۷۵﴾ جاویدان آنجا، بهشت نیک
 آرامگاه است و نیک مقام است. ﴿۷۶﴾ بگو: با قدر
 نمی‌شمارد شما را پروردگار من، اگر نباشد عبادت شما.
 پس هر آینه دروغ داشتید، پس البته باشد جزای آن لازم.
 ﴿۷۷﴾

۱- یعنی بلکه دیده و شنیده سجده کنند.

سُورَةُ الشُّعَرَاءِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طسّم ﴿١﴾ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾ لَعَلَّكَ
 بَخِيعٌ تَنفَسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٣﴾ إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ
 عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ ءَايَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا
 خَاضِعِينَ ﴿٤﴾ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنَ الرَّحْمَنِ
 مُحْدَثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ ﴿٥﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا
 فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٦﴾ أَوَلَمْ
 يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَثْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ
 كَرِيمٍ ﴿٧﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ
 مُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٩﴾ وَإِذْ
 نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنْ أَتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠﴾ قَوْمٌ
 فِرْعَوْنٌ أَلَّا يَتَّقُونَ ﴿١١﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ
 يُكَذِّبُونِ ﴿١٢﴾ وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْظِلُ لِسَانِي
 فَأُرْسِلْ إِلَى هَارُونَ ﴿١٣﴾ وَلَهُمْ عَلَى ذَنْبٍ فَأَخَافُ أَنْ
 يَقْتُلُونِ ﴿١٤﴾ قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ
 مُسْتَمِعُونَ ﴿١٥﴾ فَأَتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾ أَنْ أُرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿١٧﴾ قَالَ أَلَمْ
 تُرَبِّكْ فِيْنَا وَلَيْدًا وَلَبِثْتَ فِيْنَا مِنْ عُمْرِكَ سِنِينَ ﴿١٨﴾
 وَفَعَلْتَ فَعَلَتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ

﴿١٩﴾

سوره شعراء

به نام خداوند بخشنده مهربان

طسم. ﴿۱﴾ این آیات کتاب روشن است. ﴿۲﴾ شاید تو
 هلاک کننده‌ای خویشان را به سبب آن که مسلمان
 نمی‌شوند. ﴿۳﴾ اگر خواهیم فرود آریم بر ایشان از آسمان
 نشانه‌ای، پس شود گردن‌های ایشان پیش آن نیایش کننده.
 ﴿۴﴾ و نمی‌آید بدیشان هیچ پندی از جانب پروردگار
 ایشان نو پدید آورد، مگر می‌باشند از آن روی گرداننده.
 ﴿۵﴾ پس ثابت شد که ایشان دروغ شمردند، پس خواهد
 آمد به ایشان با صدق وعده که به آن تمسخر می‌کردند.
 ﴿۶﴾ آیا ندیده‌اند به سوی زمین، چقدر رویانیدیم در آنجا
 از هر جنس نیک؟ ﴿۷﴾ هرآینه در این ماجرا نشانه است
 و نیستند بیشترین ایشان مسلمانان. ﴿۸﴾ و هرآینه
 پروردگار تو همان است غالب مهربان. ﴿۹﴾ و آنگاه که
 آواز داد پروردگار تو موسی را که بیا پیش گروه
 ستمکاران. ﴿۱۰﴾ بیا پیش قوم فرعون. آیا پرهیزگاری
 نمی‌کنند؟ ﴿۱۱﴾ گفت: ای پروردگار من! هرآینه من
 می‌ترسم از آنکه دروغی شمردند مرا. ﴿۱۲﴾ و تنگ شود
 سینه من و جاری نگردد زبان من، پس پیغامبری فرست به
 سوی هارون. ﴿۱۳﴾ و قوم فرعون را بر من گناهی هست،
 پس می‌ترسم که بکشند مرا. ﴿۱۴﴾ گفت: نه چنین باشد.
 پس هر دو بروید با نشانه‌های ما، هرآینه ما با شما
 شنونده‌ایم. ﴿۱۵﴾ پس بیایید به فرعون، پس بگویند
 هرآینه ما فرستاده پروردگار عالم‌هاییم. ﴿۱۶﴾ [به این
 پیغام] که بفرست همراه ما بنی اسرائیل را. ﴿۱۷﴾ گفت ای
 موسی! آیا پرورش نکردیم تو را در میان اهل خویش در
 حال طفلی و درنگ کردی در میان ما از عمر خود سال‌ها.
 ﴿۱۸﴾ و کردی آن کردار خود را که از تو به عمل آمد و
 تو از ناسپاس دارندگانی. ﴿۱۹﴾

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ ﴿٢٠﴾ فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢١﴾ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدْتُ بَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿٢٢﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٣﴾ قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ﴿٢٤﴾ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ ﴿٢٥﴾ قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٦﴾ قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ﴿٢٧﴾ قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٨﴾ قَالَ لَئِنْ أَخَذْتُ إِلَٰهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ ﴿٢٩﴾ قَالَ أُولُو حِجَّتِكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ ﴿٣٠﴾ قَالَ فَأَتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣١﴾ فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ ﴿٣٢﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظِيرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَ لِلْمَلَأِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿٣٥﴾ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿٣٦﴾ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَابٍ عَلِيمٍ ﴿٣٧﴾ فَجَمَعَ السَّحَرَةَ لِمِيقَاتٍ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ﴿٣٨﴾ وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ ﴿٣٩﴾

گفت: کردم آن کردار را آنگاه و من از گمراهان بودم. ﴿۲۰﴾ پس گریختم از پیش شما، چون بترسیدم از عقوبت شما، پس عطا کرد مرا پروردگار من دانش و ساخت مرا از پیغامبران. ﴿۲۱﴾ و آیا این نعمتی است که منت می نهی بر من که بنده گرفتی بنی اسرائیل را^(۱). ﴿۲۲﴾ گفت فرعون: و چیست پروردگار عالم ها؟. ﴿۲۳﴾ گفت [موسی]: پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه در میان اینهاست، اگر یقین آورده اید. ﴿۲۴﴾ گفت [فرعون] آنان را که حوالی او بودند: آیا نمی شنوید؟. ﴿۲۵﴾ گفت [موسی]: پروردگار شماست و پروردگار پدران پیشین شماست. ﴿۲۶﴾ گفت [فرعون]: هر آینه پیغامبری که فرستاده شده به سوی شما دیوانه است. ﴿۲۷﴾ گفت [موسی]: پروردگار مشرق و مغرب و آنچه در میان اینهاست، اگر درمی یابید. ﴿۲۸﴾ گفت: اگر خدا گرفتی غیر مرا، البته بکنم تو را از زندانیان. ﴿۲۹﴾ گفت: آیا به زندان کنی، اگرچه بیارم پیش تو چیزی روشن را. ﴿۳۰﴾ گفت: بیار آن را اگر از راستگویانی. ﴿۳۱﴾ پس بیانداخت عصای خود را، پس ناگهان وی از دهنش آشکار بود. ﴿۳۲﴾ و برآورد دست خود را، پس ناگهان وی سفید بود برای بینندگان. ﴿۳۳﴾ گفت [فرعون] به جماعتی که حوالی او بودند: هر آینه این شخص، جادوگری است دانا. ﴿۳۴﴾ می خواهد که بیرون کند شما را از زمین شما به سحر خود. پس چه می فرمایید مرا؟. ﴿۳۵﴾ گفتند: موقوف دار او را و برادرش را و بفرست در شهرها نقیبان را. ﴿۳۶﴾ تا بیارند پیش تو هر جادوگر دانا را. ﴿۳۷﴾ پس جمع کرده شد ساحران را به میعاد روزی معین. ﴿۳۸﴾ و گفته شد به مردمان: آیا شما جمع شونده اید؟. ﴿۳۹﴾

۱- یعنی بنده گرفتن بنی اسرائیل نعمت نبود، پس همچنین پرورش کردن که به آن ضرورت بود، نعمت نباشد.

لَعَلَّنَا نَتَّبِعَ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿٤٠﴾ فَلَمَّا
جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَإِنَّا لَنَا أَجْرًا إِنْ كُنَّا
نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿٤١﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ
الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ لَهُم مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ
﴿٤٣﴾ فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا
لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ ﴿٤٤﴾ فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ
تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿٤٥﴾ فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَجِدِينَ ﴿٤٦﴾
قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ
﴿٤٨﴾ قَالَ ءَامَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ
لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ
تَعْلَمُونَ لَا قِطْعَنَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ
وَلَأَصْلَبَنَّاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٩﴾ قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا
مُنْقَلِبُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا
كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥١﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ
بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ ﴿٥٢﴾ فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي
الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿٥٣﴾ إِنَّ هَؤُلَاءَ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ
﴿٥٤﴾ وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ ﴿٥٥﴾ وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَادِرُونَ ﴿٥٦﴾
فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِّنْ جَنَّتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٧﴾ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ
كَرِيمٍ ﴿٥٨﴾ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿٥٩﴾
فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ ﴿٦٠﴾

بُود که پیروی ساحران کنیم اگر ایشان غالب شوند. ﴿۴۰﴾
پس چون حاضر شدند ساحران، گفتند فرعون را: آیا ما را
مزدی بود اگر ما غالب شویم؟ ﴿۴۱﴾ گفت: آری! و
هرآینه شما آنگاه از مقربان باشید. ﴿۴۲﴾ گفت به ایشان
موسی: بیفکنید آنچه شما افکنده‌اید. ﴿۴۳﴾ پس انداختند
رسنهای خود را و عصاهای خود را و گفتند: قسم به
بزرگی فرعون! هرآینه ما البته غالبیم. ﴿۴۴﴾ پس انداخت
موسی عصای خود را، پس ناگهان وی فرو می‌برد آنچه
دغا بازی می‌کردند. ﴿۴۵﴾ پس انداخته شدند ساحران،
سجده‌کنان. ﴿۴۶﴾ گفتند: ایمان آوردیم به پروردگار
عالم‌ها. ﴿۴۷﴾ پروردگار موسی و هارون. ﴿۴۸﴾ گفت
فرعون: آیا ایمان آوردید به موسی پیش از آن که دستوری
دهم شما را؟ هرآینه وی مهتر شماست، آنکه پیاموخت
شما را جادو. پس خواهید دانست، البته بُرِّم دست‌های شما
را و پاهای شما را یکی از جانب راست و دیگر از جانب
چپ و البته بردار کنم شما را، همه یکجا. ﴿۴۹﴾ گفتند:
هیچ زیان نیست، هرآینه ما به سوی پروردگار خویش
رجوع کنیم ﴿۵۰﴾ هرآینه ما توقع داریم که بیمارزد برای
ما پروردگار ما گناهان ما را به سبب آنکه شدیم اول
مسلمانان. ﴿۵۱﴾ و وحی فرستادیم به سوی موسی که به
وقت شب روان کن بندگان مرا، هرآینه شما تعاقب کرده
شوید. ﴿۵۲﴾ پس فرستاد فرعون در شهرها نقیان. ﴿۵۳﴾
که هرآینه بنی اسرائیل گروهی اندکند. ﴿۵۴﴾ و هرآینه
ایشان ما را به خشم آورده‌اند. ﴿۵۵﴾ و هرآینه ما
جماعتی‌ایم سلاح پوشیده. ﴿۵۶﴾ [خدا می‌فرماید]: پس
بیرون کردیم قوم فرعون را از بوستان‌ها و چشمه‌ها. ﴿۵۷﴾
و گنج‌ها و منزل نیک. ﴿۵۸﴾ چنین کردیم، و میراث
دادیم این اشیا بنی اسرائیل را. ﴿۵۹﴾ پس تعاقب ایشان
کردند به وقت اشراق درآمده. ﴿۶۰﴾

فَلَمَّا تَرَاءَا الْجُمُعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا
 لَمُدْرِكُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٦٢﴾
 فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ
 فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ ﴿٦٣﴾ وَأَزْلَفْنَا
 ثَمَّ الْأَخْرِينَ ﴿٦٤﴾ وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ
 ﴿٦٥﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْأَخْرِينَ ﴿٦٦﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا
 كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ
 الرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾ وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ
 وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظُلُّ لَهَا
 عَكَفِينَ ﴿٧١﴾ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمُ إِذْ تَدْعُونَ ﴿٧٢﴾ أَوْ
 يَنْفَعُونَكُمُ أَوْ يَضُرُّونَ ﴿٧٣﴾ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا
 كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٧٤﴾ قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ
 ﴿٧٥﴾ أَنْتُمْ وَعِبَادُكُمْ الْأَقْدَمُونَ ﴿٧٦﴾ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا
 رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٧﴾ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٧٨﴾
 وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿٧٩﴾ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ
 يَشْفِينِ ﴿٨٠﴾ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿٨١﴾ وَالَّذِي أَطْمَعُ
 أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ﴿٨٢﴾ رَبِّ هَبْ لِي
 حُكْمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿٨٣﴾

و پس چون یکدیگر را دیدند هر دو گروه، گفتند یاران
 موسی: هرآینه به ما رسیدند. ﴿۶۱﴾ گفت [موسی]: نه
 چنین است! هرآینه با من پروردگار من است، راه خواهد
 فرمود مرا. ﴿۶۲﴾ پس وحی فرستادیم به سوی موسی که
 بزنی عصای خود را در دریا. پس دریا بشکافت، پس شد هر
 پاره مانند کوه بزرگ. ﴿۶۳﴾ و نزدیک آوردیم آنجا آن
 دیگران را. ﴿۶۴﴾ و خلاص ساختیم موسی را و آنان را که
 همراه وی بودند، همه یکجا. ﴿۶۵﴾ باز غرق ساختیم آن
 دیگران را. ﴿۶۶﴾ هرآینه در این ماجرا نشانه‌ای هست و
 نبودند بیشترین ایشان مسلمانان. ﴿۶۷﴾ و هرآینه
 پروردگار تو همان است غالب مهربان. ﴿۶۸﴾ و بخوان بر
 ایشان خبر ابراهیم. ﴿۶۹﴾ چون گفت به پدر خود و قوم
 خود: چه چیز را می‌پرستید؟ ﴿۷۰﴾ گفتند: می‌پرستیم بتان
 را، پس می‌باشیم بر ایشان مجاورت کننده. ﴿۷۱﴾ گفت:
 آیا می‌شنوند آواز شما چون می‌خوانید؟ ﴿۷۲﴾ یا سود
 می‌رسانند به شما یا زیان می‌دهند؟ ﴿۷۳﴾ گفتند: نه. بلکه
 یافتیم پدران خود را که چنین می‌کردند. ﴿۷۴﴾ گفت: آیا
 دیدید آنچه می‌پرستیدید؟ ﴿۷۵﴾ شما و پدران پیشین
 شما؟ ﴿۷۶﴾ پس هرآینه آنها دشمنان منند، لیکن
 دوست می‌دارم پروردگار عالم‌ها را. ﴿۷۷﴾ آن که بیافرید
 مرا، پس همون راه نماید مرا. ﴿۷۸﴾ و آنکه او طعام
 می‌خوراند مرا و می‌آشاماند مرا. ﴿۷۹﴾ و چون بیمار
 می‌شوم، پس همون شفا می‌دهد مرا. ﴿۸۰﴾ و آن که
 بمیراند مرا، باز زنده گرداند مرا. ﴿۸۱﴾ و آن که توقع
 دارم که بیاورد برای من گناه من روز جزا. ﴿۸۲﴾
 پروردگارا! عطا کن مرا حکمت و لاحق کن مرا به
 شایستگان. ﴿۸۳﴾

وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴿٨٤﴾ وَأَجْعَلْنِي
 مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ﴿٨٥﴾ وَأَغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ
 الصَّالِحِينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ﴿٨٧﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ
 مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٩﴾
 وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٩٠﴾ وَبُرِزَتِ الْجَحِيمُ
 لِلْعَاوِينَ ﴿٩١﴾ وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٩٢﴾
 مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ ﴿٩٣﴾
 فَكُذِّبُوا فِيهَا هُمْ وَالْعَاوُونَ ﴿٩٤﴾ وَجُنُودُ إِبْلِيسَ
 أَجْمَعُونَ ﴿٩٥﴾ قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ﴿٩٦﴾ تَاللَّهِ إِنْ
 كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٩٧﴾ إِذْ نُسَوِّكُمْ بِرَبِّ
 الْعَالَمِينَ ﴿٩٨﴾ وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ ﴿٩٩﴾ فَمَا لَنَا
 مِنْ شَفِيعِينَ ﴿١٠٠﴾ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ﴿١٠١﴾ فَلَوْ أَنَّ لَنَا
 كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٢﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا
 كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ
 الرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٠٥﴾ إِذْ قَالَ
 لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٠٦﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ
 أَمِينٌ ﴿١٠٧﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٠٨﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ
 عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٩﴾
 فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١١٠﴾ قَالُوا أَنْتُمْ لَكُمْ وَاتَّبَعَكَ
 الْأَزْدَلُونَ ﴿١١١﴾

و پدید آر برای من ذکر نیک در پسینان. ﴿۸۴﴾ و بکن
 مرا از وارثان بهشت با نعمت. ﴿۸۵﴾ و بیامرز پدر مرا،
 هر آینه وی بود از گمراهان. ﴿۸۶﴾ و رسوا مکن مرا روزی
 که برانگیخته شوند مردمان. ﴿۸۷﴾ روزی که فایده ندهد
 مال و نه فرزندان. ﴿۸۸﴾ لیکن صاحب فایده آن بود که
 بیارد پیش خدا دل بی عیب را. ﴿۸۹﴾ و نزدیک کرده شود
 بهشت برای متقیان. ﴿۹۰﴾ و ظاهر نموده آید دوزخ برای
 گمراهان. ﴿۹۱﴾ و گفته شود به ایشان: کجاست آنچه
 می پرستیدید؟ ﴿۹۲﴾ بجز خدا. آیا نصرت می دهند شما را
 یا خود انتقام می کشند؟ ﴿۹۳﴾ پس بر رو انداخته شوند در
 آنجا بتان و گمراهان. ﴿۹۴﴾ و لشکریهای شیطان، همه
 یکجا. ﴿۹۵﴾ گویند و ایشان آنجا با یکدیگر مکابره
 می کنند. ﴿۹۶﴾ به خدا، هر آینه ما بودیم در گمراهی
 ظاهر. ﴿۹۷﴾ چون برابر می ساختیم شما را با پروردگار
 عالم ها. ﴿۹۸﴾ و گمراه نکردند ما را مگر این بدکاران.
 ﴿۹۹﴾ پس نیست ما را هیچ شفاعت کننده. ﴿۱۰۰﴾ و نه
 دوست مهربانی کننده. ﴿۱۰۱﴾ پس کاش ما را یک بار
 رجوع باشد، پس شویم از مسلمانان. ﴿۱۰۲﴾ هر آینه در
 این ماجرا نشانه ای هست و نیستند بیشترین ایشان مسلمانان.
 ﴿۱۰۳﴾ و هر آینه پروردگار تو همان است غالب مهربان.
 ﴿۱۰۴﴾ دروغی شمردند قوم نوح، پیغامبران را. ﴿۱۰۵﴾
 چون گفت به ایشان برادر ایشان، نوح: آیا نمی ترسید؟
 ﴿۱۰۶﴾ هر آینه من برای شما پیغامبر با امانتم. ﴿۱۰۷﴾ پس
 بترسید از خدا و فرمانبرداری من کنید. ﴿۱۰۸﴾ و سؤال
 نمی کنم از شما بر تبلیغ رسالت، هیچ مزدی، نیست مزد من
 مگر بر پروردگار عالم ها. ﴿۱۰۹﴾ پس بترسید از خدای و
 فرمانبرداری من کنید. ﴿۱۱۰﴾ گفتند: آیا ایمان آوریم بر
 تو حال آنکه پیروی تو کرده اند سفلگان؟ ﴿۱۱۱﴾

قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٢﴾ إِنَّ حِسَابَهُمْ
إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ ﴿١١٣﴾ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ
﴿١١٤﴾ إِنَّ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿١١٥﴾ قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ
يَنُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ ﴿١١٦﴾ قَالَ رَبِّ إِنَّ
قَوْمِي كَذَّبُونِ ﴿١١٧﴾ فَأَفْتَحَ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجَّيَ
وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٨﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي
الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ ﴿١١٩﴾ ثُمَّ أَعْرَفْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّ
فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٢١﴾ وَإِنَّ
رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٢﴾ كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ
﴿١٢٣﴾ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ إِنِّي لَكُمْ
رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٢٥﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٢٦﴾ وَمَا
أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنِّي أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿١٢٧﴾ أَتُبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةً تَعْبَثُونَ ﴿١٢٨﴾
وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ﴿١٢٩﴾ وَإِذَا
بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ ﴿١٣٠﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
﴿١٣١﴾ وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ ﴿١٣٢﴾ أَمَدَّكُمْ
بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ ﴿١٣٣﴾ وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٣٤﴾ إِنِّي أَخَافُ
عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣٥﴾ قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا
أَوَعَزَّتْ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ ﴿١٣٦﴾

گفت نوح: و به چه کار است دانش من به آنچه می کردند.
﴿۱۱۲﴾ نیست حساب ایشان مگر بر پروردگار من؟ اگر
بدانید. ﴿۱۱۳﴾ و نیستم من دور کننده مسلمانان. ﴿۱۱۴﴾
نیم من مگر ترساننده آشکار. ﴿۱۱۵﴾ گفتند: اگر باز نمایی
تو ای نوح! البته شوی از سنگسار شدگان. ﴿۱۱۶﴾ گفت:
ای پروردگار من! هرآینه قوم من دروغی شمردند مرا.
﴿۱۱۷﴾ پس فیصل کن میان من و میان ایشان، فیصل
کردنی عظیم و خلاص کن مرا و آنان را که همراه منند از
مسلمانان. ﴿۱۱۸﴾ پس نجات دادیم او را و آنان را که
همراه او بودند در کشتی پر کرده شده. ﴿۱۱۹﴾ باز غرق
ساختیم بعد از این باقی ماندگان را. ﴿۱۲۰﴾ هرآینه در
این ماجرا نشانه‌ای هست و نیستند اکثر ایشان مسلمانان.
﴿۱۲۱﴾ و هرآینه پروردگار تو همان است غالب مهربان.
﴿۱۲۲﴾ دروغی داشتند قبیله عاد، پیغامبران را. ﴿۱۲۳﴾
چون گفت به ایشان برادر ایشان، هود: آیا نمی‌ترسید؟
﴿۱۲۴﴾ هرآینه من برای شما پیغامبر با امانتم. ﴿۱۲۵﴾
پس بترسید از خدا و فرمانبرداری من کنید. ﴿۱۲۶﴾ و
سؤال نمی‌کنم از شما بر تبلیغ رسالت، هیچ مزدی، نیست
مزد من مگر بر پروردگار عالم‌ها. ﴿۱۲۷﴾ آیا عمارت
می‌کنید به هر بلندی، علامتی به بی‌فایده مشغول شده.
﴿۱۲۸﴾ و می‌سازید محل‌های استوار، گویا جاوید خواهید
ماند. ﴿۱۲۹﴾ و چون دست می‌گشایید، دست می‌گشایید
ستمکار شده. ﴿۱۳۰﴾ پس بترسید از خدا و فرمانبرداری
من کنید. ﴿۱۳۱﴾ و بترسید از کسی که امداد کرد شما را
به آنچه می‌دانید. ﴿۱۳۲﴾ امداد کرده است شما را به
چهارپایان و فرزندان. ﴿۱۳۳﴾ و بوستان‌ها و چشمه‌ها.
﴿۱۳۴﴾ هرآینه می‌ترسم بر شما از عذاب روز بزرگ.
﴿۱۳۵﴾ گفتند: یکسان است بر ماکه پند دهی یا نباشی از
پند دهندگان. ﴿۱۳۶﴾

إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣٧﴾ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ﴿١٣٨﴾
فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ
أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ
﴿١٤٠﴾ كَذَبْتَ ثُمُودَ الْأُمْرُسَلِينَ ﴿١٤١﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ
صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٤٢﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٤٣﴾
فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٤٤﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ
أَجْرٍ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٤٥﴾ أَتُتْرَكُونَ
فِي مَا هَلُمْنَا ءَامِنِينَ ﴿١٤٦﴾ فِي جَنَّتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٤٧﴾
وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ ﴿١٤٨﴾ وَتَنَحُّتُونَ مِنْ
الْجِبَالِ بُيُوتًا فَرِهِينَ ﴿١٤٩﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٥٠﴾
وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٥١﴾ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي
الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿١٥٢﴾ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ
الْمُسَحَّرِينَ ﴿١٥٣﴾ مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بَيِّنَةٍ إِنْ
كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٥٤﴾ قَالَ هَذِهِ نَاقَةُ لَهَا شِرْبٌ
وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ﴿١٥٥﴾ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ
فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥٦﴾ فَعَقَرُوهَا
فَأَصْبَحُوا نَدِيمِينَ ﴿١٥٧﴾ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ
لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٥٨﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ
الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٥٩﴾

نیست این مگر عادت پیشینیان. ﴿۱۳۷﴾ و نیستیم ما عذاب
کرده شدگان. ﴿۱۳۸﴾ پس دروغی داشتندش، پس
هلاک ساختیم ایشان را، هرآینه در این ماجرا نشانه‌ای
هست و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان. ﴿۱۳۹﴾ و هرآینه
پروردگار تو همان است غالب مهربان. ﴿۱۴۰﴾ دروغی
شمرندند قبیلۀ ثمود، پیغامبران را. ﴿۱۴۱﴾ چون گفت به
ایشان برادر ایشان، صالح: آیا نمی‌ترسید؟. ﴿۱۴۲﴾ هرآینه
من برای شما پیغامبر با امانتم. ﴿۱۴۳﴾ پس بترسید از خدا
و فرمانبرداری من کنید. ﴿۱۴۴﴾ و سؤال نمی‌کنم از شما
بر تبلیغ رسالت، هیچ مزدی، نیست مزد من مگر بر
پروردگار عالم‌ها. ﴿۱۴۵﴾ آیا ایمن گذاشته خواهید شد
در آنچه اینجا است. ﴿۱۴۶﴾ در بوستان‌ها و چشمه‌ها.
﴿۱۴۷﴾ و کشته‌ها و خرماستانی که شکوفۀ آن نازک
است. ﴿۱۴۸﴾ و می‌تراشید از کوه‌ها خانه‌آشکار شده.
﴿۱۴۹﴾ پس بترسید از خدا و فرمانبرداری من کنید.
﴿۱۵۰﴾ و انقیاد منماید فرمان از حد گذرندگان را.
﴿۱۵۱﴾ آنان‌که فساد می‌کنند در زمین و اصلاح
نمی‌نمایند. ﴿۱۵۲﴾ گفتند: جز این نیست که تو از
جادوزدگانی. ﴿۱۵۳﴾ نیستی تو مگر آدمی مانند ما، پس
بیار نشانه‌ای اگر از راستگویانی. ﴿۱۵۴﴾ گفت: این ماده
شتری است. وی را یک نوبت آب خوردن است و شما را
نوبت روزی معین. ﴿۱۵۵﴾ و دست مرسانید او را به
عقوبت، که آنگاه درگیرد شما را عذاب روز بزرگ.
﴿۱۵۶﴾ پس پی زدند آن را، پس گشتند پشیمان. ﴿۱۵۷﴾
پس در گرفت ایشان را عذاب، هرآینه در این ماجرا
نشانه‌ای هست و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان. ﴿۱۵۸﴾ و
هرآینه پروردگار تو همان است غالب مهربان. ﴿۱۵۹﴾

كَذَبْتَ قَوْمٌ لوطِ الْأُمْرُسَلِينَ ﴿١٦٠﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ

لُوطٌ أَلَّا تَتَّقُونَ ﴿١٦١﴾ إِنْ لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٦٢﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۖ ﴿١٦٣﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٤﴾ أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٥﴾ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ﴿١٦٦﴾ قَالُوا لَنْ لَّمْ تَنْتَه يَلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ ﴿١٦٧﴾ قَالَ إِنْ لِي عَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ ﴿١٦٨﴾ رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٩﴾ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٧٠﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿١٧١﴾ ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ ﴿١٧٢﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ﴿١٧٣﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٧٤﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٧٥﴾ كَذَّبَ أَصْحَابُ لَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧٦﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَّا تَتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ إِنْ لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٧٨﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۖ ﴿١٧٩﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٠﴾ ۖ أَوْفُوا بِالْعَيْلِ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ﴿١٨١﴾ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ أَيْسَارًا ۖ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿١٨٢﴾

دروغی شمرند قوم لوط، پیغامبران را. ﴿١٦٠﴾ چون

گفت به ایشان برادر ایشان، لوط: آیا نمی ترسید؟ ﴿١٦١﴾ هر آینه من برای شما پیغامبر با امانتم. ﴿١٦٢﴾ پس بترسید از خدا و فرمان من بريد. ﴿١٦٣﴾ و سؤال نمی کنم از شما بر تبلیغ رسالت، هیچ مزدی، نیست مزد من مگر بر پروردگار عالم‌ها. ﴿١٦٤﴾ آیا به قصد قضای شهوت می روید به سوی مردان از اهل عالم؟ ﴿١٦٥﴾ و می گذارید آنچه آفریده است برای شما پروردگار شما از زنان شما. بلکه شما گروهی از حد گذشته اید. ﴿١٦٦﴾ گفتند: اگر بازمانی تو ای لوط! هر آینه باشی از بیرون کردگان. ﴿١٦٧﴾ گفت: هر آینه من عمل شما را از دشمنانم. ﴿١٦٨﴾ ای پروردگار! نجات ده مرا و کسان مرا از وبال آنچه می کنند. ﴿١٦٩﴾ پس نجات دادیم او را و کسان او را، همه یکجا. ﴿١٧٠﴾ مگر پیرزنی که بود از باقی ماندگان. ﴿١٧١﴾ باز هلاک ساختیم آن دیگران را. ﴿١٧٢﴾ و بارانیدیم بر ایشان بارانی، پس بد است باران ترسانیدگان. ﴿١٧٣﴾ هر آینه در این ماجرا نشانه‌ای است و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان. ﴿١٧٤﴾ و هر آینه پروردگار تو همان است غالب مهربان. ﴿١٧٥﴾ دروغی شمرند باشندگان «ایکه» پیغامبران را. ﴿١٧٦﴾ چون گفت به ایشان شعیب: آیا نمی ترسید؟ ﴿١٧٧﴾ هر آینه من برای شما پیغامبر با امانتم. ﴿١٧٨﴾ پس بترسید از خدا و فرمان من بريد. ﴿١٧٩﴾ و سؤال نمی کنم از شما بر تبلیغ رسالت، هیچ مزدی، نیست مزد من مگر بر پروردگار عالم‌ها. ﴿١٨٠﴾ تمام پیمایید پیمان را و مباحثید از زیان دهندگان. ﴿١٨١﴾ و بسنجید به ترازوی راست. ﴿١٨٢﴾ و ناسره ندهید به مردمان، اشیای ایشان را و بی‌باک مگردید در زمین، فساد کنان. ﴿١٨٣﴾

وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأُولَى ۖ قَالُوا

إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴿١٨٥﴾ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ
مِّثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَذِبِينَ ﴿١٨٦﴾ فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا
كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٨٧﴾ قَالَ
رَبِّیْ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨٨﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ
يَوْمَ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٨٩﴾ إِنَّ فِي
ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٩٠﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ
لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٩١﴾ وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ
﴿١٩٢﴾ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ
الْمُنذِرِينَ ﴿١٩٤﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ ﴿١٩٥﴾ وَإِنَّهُ لَفِي زُبْرِ
الْأَوَّلِينَ ﴿١٩٦﴾ أَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ ءَايَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ
عُلَمَاؤُا بَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿١٩٧﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ
الْأَعْجَمِينَ ﴿١٩٨﴾ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُّؤْمِنِينَ
﴿١٩٩﴾ كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٠٠﴾ لَا
يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٢٠١﴾ فَيَأْتِيَهُمْ
بَغْةٌ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٠٢﴾ فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ
مُنْظَرُونَ ﴿٢٠٣﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٢٠٤﴾ أَفَرَأَيْتَ إِنْ
مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿٢٠٥﴾ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٢٠٦﴾

و بترسید از خدا که آفرید شما را و خلائق نخستینیان را.
﴿۱۸۴﴾ گفتند: جز این نیست که تو از جادوزدگانی.
﴿۱۸۵﴾ و نیستی تو مگر آدمی مانند ما و هرآینه
می‌پنداریم تو را از دروغگویان. ﴿۱۸۶﴾ پس بیفکن بر ما
پاره‌ای از آسمان اگر از راستگویی. ﴿۱۸۷﴾ گفت:
پروردگار من داناتر است به آنچه می‌کنید. ﴿۱۸۸﴾ پس
دروغی داشتند او را، پس گرفتار کرد ایشان را عذاب روز
سایبان^(۱)، هرآینه وی بود عذاب روز بزرگ. ﴿۱۸۹﴾
هرآینه در این ماجرا نشانه‌ای هست و نبودند بیشترین
ایشان مسلمانان. ﴿۱۹۰﴾ و هرآینه پروردگار تو همان
است غالب مهربان. ﴿۱۹۱﴾ و هرآینه قرآن فرود آورده
پروردگار عالم‌ها است. ﴿۱۹۲﴾ فرود آوردش روح الامین
(یعنی جبرئیل). ﴿۱۹۳﴾ بر دل تو تا شوی از ترسانندگان.
﴿۱۹۴﴾ به زبان عربی روشن. ﴿۱۹۵﴾ و هرآینه خبر وی
در صحیفه‌های پیشینیان است. ﴿۱۹۶﴾ آیا نیست برای
ایشان نشانه آنکه می‌دانند حقانیت قرآن را عالمان بنی
اسرائیل؟! ﴿۱۹۷﴾ و اگر فرود می‌آوردیم قرآن را بر
بعض عجمیان. ﴿۱۹۸﴾ پس می‌خواندش بر ایشان، هرگز
نمی‌شدند آن را باوردارندگان. ﴿۱۹۹﴾ همچنین در
آوردیم انکار را در دل‌های گناهکاران. ﴿۲۰۰﴾ ایمان
نمی‌آرند به قرآن تا آنکه بینند عذاب درد دهنده. ﴿۲۰۱﴾
پس بیاید به ایشان ناگهان و ایشان بی‌خبر باشند. ﴿۲۰۲﴾
پس گویند: آیا ما مهلت داده شویم؟ ﴿۲۰۳﴾ آیا عذاب
ما را شتاب می‌طلبند؟ ﴿۲۰۴﴾ آیا دیدی که اگر بهره‌مند
سازیم ایشان را سال‌ها. ﴿۲۰۵﴾ آ باز بیاید بدیشان آنچه
ترسانیده می‌شدند. ﴿۲۰۶﴾

۱- یعنی آتش به شکل سایبان ظاهر شد و هلاک ساخت.

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ ﴿٢٠٧﴾ وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ
 قَرِيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ ﴿٢٠٨﴾ ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ
 ﴿٢٠٩﴾ وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ ﴿٢١٠﴾ وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا
 يَسْتَطِيعُونَ ﴿٢١١﴾ إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمْعَزُولُونَ ﴿٢١٢﴾ فَلَا
 تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ ﴿٢١٣﴾
 وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿٢١٤﴾ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ
 لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢١٥﴾ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنَّي
 بِرَبِّي مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢١٦﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ
 ﴿٢١٧﴾ الَّذِي يَرْلِكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٢١٨﴾ وَتَقْلُبُكَ فِي
 السَّجْدِينَ ﴿٢١٩﴾ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٢٢٠﴾ هَلْ
 أَنْبِئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنْزَلُ الشَّيَاطِينُ ﴿٢٢١﴾ تَنْزَلُ عَلَىٰ كُلِّ
 آفَاكٍ أَثِيمٍ ﴿٢٢٢﴾ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ
 ﴿٢٢٣﴾ وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿٢٢٤﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ
 وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿٢٢٥﴾ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿٢٢٦﴾ إِلَّا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا
 وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا
 أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿٢٢٧﴾

چه چیز را دفع کند از سر ایشان بهره‌مند بودن ایشان؟ ﴿۲۰۷﴾ و هلاک نکردیم هیچ دیه را الا او را بیم‌کنندگان بودند. ﴿۲۰۸﴾ به جهت پند دادن و نبودیم ستمکار. ﴿۲۰۹﴾ و فرود نیاوردند قرآن را شیطانان. ﴿۲۱۰﴾ و سزاوار نیست ایشان را و نمی‌توانند. ﴿۲۱۱﴾ هرآینه شیطانان از شنیدن دور کردند^(۱). ﴿۲۱۲﴾ پس مخوان با خدا معبود دیگر را، آنگاه باشی از عذاب کردگان. ﴿۲۱۳﴾ و بیم کن قبیله نزدیک خود را. ﴿۲۱۴﴾ و پست کن بازوی خود را^(۲) برای آنان که پیروی تو کردند از مسلمانان. ﴿۲۱۵﴾ پس اگر نافرمانی کنند تو را، پس بگو: هرآینه من بی‌تعلقم از آنچه شما می‌کنید. ﴿۲۱۶﴾ و توکل کن بر غالب مهربان. ﴿۲۱۷﴾ آن که می‌بیند تو را چون برمی‌خیزی (یعنی وقت تهجد). ﴿۲۱۸﴾ و می‌بیند گشتن تو^(۳) در میان سجده‌کنندگان^(۴). ﴿۲۱۹﴾ هرآینه وی همان است شنوای دانا. ﴿۲۲۰﴾ آیا خبر دهم شما را بر چه کس فرود می‌آیند شیطانان؟ ﴿۲۲۱﴾ فرود می‌آیند بر هر دروغگوی گنهکار. ﴿۲۲۲﴾ می‌نهند گوش و بیشترین ایشان دروغ‌گویانند. ﴿۲۲۳﴾ و شاعران، پیروی ایشان می‌کنند گمراهان. ﴿۲۲۴﴾ آیا ندیدی که ایشان در هر میدانی سرگردان شوند. ﴿۲۲۵﴾ و آنکه ایشان می‌گویند آنچه نمی‌کنند^(۵). ﴿۲۲۶﴾ مگر آنان که ایمان آوردند و عمل‌های شایسته کردند و ذکر خدا کردند بسیاری و انتقام کشیدند بعد از آنکه مظلوم شدند و خواهند دانست ظالمان که به کدام جا باز خواهند گشت. ﴿۲۲۷﴾

۱- یعنی از شنیدن کلام ملائکه.

۲- یعنی تواضع کن.

۳- یعنی از قیام به رکوع و از رکوع به سجود.

۴- یعنی نماز گزاران.

۵- یعنی به هر مضمون مبالغه می‌کنند.

سُورَةُ النَّملِ

سوره نمل

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طَسَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْقُرْءَانِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ ۝ هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ ۝ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ ۝ وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْءَانَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ۝ إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاءَتِيبُكُمْ مِنْهَا يَخْبِرُ أَوْ ءَاتِيَكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ۝ فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ يَمْوَسَّى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَمْوَسَّى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَى الْمُرْسَلُونَ ۝ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ ءَايَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ۝ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ ءَايَتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ۝

طس، این آیات قرآن و کتاب روشن است. ﴿۱﴾ هدایت و مژده است برای مسلمانان. ﴿۲﴾ آنان که برپا می‌دارند نماز را و می‌دهند زکات را و ایشان به آخرت یقین می‌آورند. ﴿۳﴾ آنان که ایمان نمی‌آورند به آخرت، آراسته کردیم برای ایشان کردارهای ایشان را، پس ایشان سرگردان می‌شوند. ﴿۴﴾ این جماعت، آنانند که برای ایشان است سختی عذاب و این جماعت در آخرت ایشانند زیانکارتر. ﴿۵﴾ و هرآینه تو داده می‌شوی قرآن از نزدیک خدای استوارکار دانا. ﴿۶﴾ یاد کن آنگاه که گفت موسی به اهل خود: هرآینه من دیده‌ام آتشی، خواهم آورد از آنجا خبری یا خواهم آورد شعله‌ای که در هیمه فراگرفته باشد، بُود که شما گرمی حاصل کنید. ﴿۷﴾ پس چون رسید به آتش، آواز کرده آمد که: برکت داده شد کسی را که در آتش است و کسی را که حوالی وی است و پاکی خدای راست، پروردگار عالم‌ها^(۱). ﴿۸﴾ ای موسی! هرآینه سخن این است که من خدای غالب با حکمت. ﴿۹﴾ و بیفکن عصای خود را. پس چون دید که عصا می‌جنبد گویا وی ماری است، رو بگردانید پشت داده و بازنگشت. گفتیم: ای موسی! مترس! هرآینه نمی‌ترسند نزدیک من پیغامبران. ﴿۱۰﴾ لیکن آن که ستم کرد، باز عوض آن کرد نیکی بعد از بدی، پس هرآینه من آمرزنده مهربانم. ﴿۱۱﴾ و درآر دست خود را به گریبان خود تا بیرون آید سفید شده از غیر عیب [به این دو نشانه که داخل اند] در نه معجزه، برو به سوی فرعون و قوم او، هرآینه ایشان بودند گروه فاسق. ﴿۱۲﴾ پس آنگاه که آمد بدیشان نشانه‌های ما روشن شده، گفتند: این سحر ظاهر است.

﴿۱۳﴾

۱- مترجم گوید: کسی که در آتش است ملائکه که در آن نور مصور به صورت آتش بودند ملائکه دیگر که فرودتر از ایشان بودند والله اعلم.

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا
فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا
دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا
عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥﴾ وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ
دَاوُدَ وَقَالَ يَأَيُّهَا النَّاسُ عُلِمْنَا مَنَاطِقَ الظِّيرِ
وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ﴿١٦﴾
وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ وَالظِّيرِ
فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٧﴾ حَتَّى إِذَا أَتَوْا عَلَى وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ
نَمْلَةٌ يَأَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسْكِنَكُمْ لَا
يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٨﴾
فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ
أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَتِي وَأَنْ
أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ
الصَّالِحِينَ ﴿١٩﴾ وَتَفَقَّدَ الظِّيرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى
الْهُدَىٰ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَايِبِينَ ﴿٢٠﴾ لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا
شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٢١﴾
فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ نَحِطْ بِهِ
وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ ﴿٢٢﴾

و انکار آن کردند از روی ستمکاری و تکبر و باور داشته
بود آن را دل ایشان، پس بنگر چگونه بود آخر کار
مفسدان؟ ﴿۱۴﴾ و هرآینه دادیم داود و سلیمان را علم و
گفتند: ستایش آن خدای راست که فضل داد ما را بر
بسیاری از بندگان مؤمن خویش. ﴿۱۵﴾ و وارث شد
سلیمان، داود را و گفت: ای مردمان! آموخته شد ما را
گفتار مرغان و داده شد ما را از هر نعمتی، هرآینه این
است فضل ظاهر. ﴿۱۶﴾ و به هم آورده شد برای سلیمان
لشکرهای او از جن و آدمیان و مرغان. پس این جماعت،
بعض را تا رسیدن بعض، ایستاده کرده می شدند. ﴿۱۷﴾ تا
وقتی که رسیدند به میدان موران، گفت مورچه ای: ای
مورچگان! درآید به خانه های خود تا در هم نشکند شما را
سلیمان و لشکرهای او نادانسته. ﴿۱۸﴾ پس خندان، تبسم
کرد از گفتار مورچه و گفت: ای پروردگار من! الهام کن
مرا که شکر این نعمت تو کنم که انعام کرده ای بر من و بر
پدر و مادر من و الهام کن مرا که بجا آرم کردار شایسته
که تو خشنود شوی به آن و درآر مرا به رحمت خود در
زمره بندگان شایسته خویش. ﴿۱۹﴾ و باز جست احوال
مرغان، پس گفت: چیست به من که نمی بینم هدهد را؟ یا
هست از غایب شدگان؟ ﴿۲۰﴾ هرآینه عقوبت کنم او را
عقوبت سخت، یا ذبح کنم او را، یا این است که بیارد پیش
من حجت ظاهر. ﴿۲۱﴾ پس توقف کرد، نه مدت دور.
پس گفت: در گرفتم به چیزی که در نگرفته ای به آن و
آوردم پیش تو از قبیله سبا خبری تحقیق را. ﴿۲۲﴾

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٢٤﴾ أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٥﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٢٦﴾ قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾ أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقَاهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾ قَالَتْ يَأْتِيهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ ﴿٢٩﴾ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣٠﴾ أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَىٰ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿٣١﴾ قَالَتْ يَأْتِيهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرٍ مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ ﴿٣٢﴾ قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةٍ وَأُولُوا بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانْظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٣٤﴾ وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ ﴿٣٥﴾

هرآئینه من یافتم زنی که پادشاهی می کند بر ایشان و داده شده است او را از جنس هر نعمتی و او را تختی است بزرگ. ﴿۲۳﴾ و یافتم که او و قوم او سجده می کنند آفتاب را بجز خدا و آراسته است شیطان برای ایشان کردارهای ایشان را، پس بازداشت ایشان را از راه، پس ایشان راه نمی یابند. ﴿۲۴﴾ به سوی آنکه سجده کنند آن خدا را که بیرون می آرد پوشیده در آسمانها و زمین و می داند آنچه پنهان می دارید و آشکار می کنید. ﴿۲۵﴾ خدای نیست هیچ معبود به حق غیر او، پروردگار عرش بزرگ است. ﴿۲۶﴾ گفت سلیمان: خواهیم دید آیا راست گفتی یا هستی از دروغگویان. ﴿۲۷﴾ بر این نامه مرا، پس بپرداز آن را به سوی ایشان، باز روی بگردان از ایشان، پس بنگر چه جواب باز می دهند. ﴿۲۸﴾ [بلقیس] گفت: ای جماعت ریسان! هرآئینه انداخته شد به سوی من نامه ای گرامی. ﴿۲۹﴾ هرآئینه این نامه از جانب سلیمان است و هرآئینه این نامه به نام خدای بخشاینده مهربان است. ﴿۳۰﴾ [به این مضمون] که تکبر مکنید بر من و بیایید پیش من، مسلمان شده. ﴿۳۱﴾ گفت [بلقیس]: ای جماعت ریسان! جواب دهید مرا در تدبیر من، نیستم من فیصل کننده هیچ کار را تا وقتی که شما حاضر شوید پیش من. ﴿۳۲﴾ گفتند: ما خداوند توانایی ایم و خداوند کارزار سختیم و تدبیر مفوض به سوی تو است، پس بنگر چه چیز می فرمایی. ﴿۳۳﴾ گفت: هرآئینه پادشاهان چون درآیند به دیهی، خراب کنند آن را و سازند عزیزترین اهل آن را رسواتر و هم چنین می کنند. ﴿۳۴﴾ و هرآئینه من فرستنده ام به سوی ایشان تحفه ای، پس ببینم به چه چیز باز آیند فرستادگان. ﴿۳۵﴾

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَنَ قَالَ أَتُمِدُّونَ بِمَالٍ فَمَا ءَاتَيْنَا
 اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا ءَاتَكُم بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيَتِكُمْ تَفْرَحُونَ
 ﴿٣٦﴾ أَرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُودٍ لَا قَبْلَ لَهُمْ بِهَا
 وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿٣٧﴾ قَالَ يَا أَيُّهَا
 الْمَلَكُ أَيْتُكُمْ يَأْتِينِي بَعْرُشَهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي
 مُسْلِمِينَ ﴿٣٨﴾ قَالَ عَفَرْتُ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا ءَاتِيكَ بِهِ
 قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ﴿٣٩﴾
 قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا ءَاتِيكَ بِهِ
 قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ
 قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ
 وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ
 رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ﴿٤٠﴾ قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنظُرُ
 أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٤١﴾ فَلَمَّا
 جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ
 وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ﴿٤٢﴾ وَصَدَّهَا
 مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنَّمَا كَانَ مَن قَوْمِ
 كَافِرِينَ ﴿٤٣﴾ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ
 حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقِيهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ
 مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي
 وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٤﴾

پس چون آمد آن فرستاده پیش سلیمان، گفت [سلیمان]:
 آیا امداد می کنید مرا به مالی، پس آنچه عطا کرده است
 مرا خدای تعالی بهتر است از آنچه عطا کرده است شما را،
 بلکه شما بر تحفه خویش شادمان می شوید. ﴿۳۶﴾ باز رو به
 سوی ایشان. پس هرآینه بیایم بر ایشان لشکریایی که
 طاقت نباشد ایشان را به مقابله آن، و هرآینه بیرون کنیم
 ایشان را از آن دیه رسوا کرده و ایشان خوار باشند. ﴿۳۷﴾

گفت^(۱) [سلیمان]: ای عزیزان! کدام یک از شما می آرد
 پیش من تخت او را پیش از آنکه بیایند نزدیک من،
 مسلمان شده. ﴿۳۸﴾ گفت تهمتنی از جن: من بیارمش
 نزدیک تو پیش از آنکه برخیزی از جای خود و هرآینه
 من بر آن عرش، توانای با امانتم. ﴿۳۹﴾ گفت شخصی که
 نزدیک او علم بود از کتاب الهی: من بیارمش نزدیک تو
 پیش از آنکه بازگردد به سوی تو چشم تو. پس چون
 [سلیمان] دید آن را قرار گرفته نزدیک خویش، گفت: این
 خارق عادت از فضل پروردگار من است تا امتحان کند مرا
 آیا شکرگزاری می کنیم یا ناسپاسی می نمایم و هرکه
 شکرگزاری کند، پس جز این نیست که شکرگزاری
 می کند برای نفع خویش و هر که ناسپاسی کرد، پروردگار
 من بی نیاز کرم کننده است. ﴿۴۰﴾ گفت [سلیمان]: متغیر
 سازید برای امتحان این زن، تخت او را. بنگریم آیا راه
 شناخت می یابد یا می شود از آنان که راه نمی یابند. ﴿۴۱﴾
 پس چون پیامد، [بلقیس] گفته شد: آیا همچنین است تخت
 تو؟ گفت: گویا وی همان است و داده شد ما را دانش [به
 حقانیت سلیمان] پیش از این مقدمه و هستیم مسلمان.
 ﴿۴۲﴾ و باز داشت [سلیمان] آن^(۲) زن را از آنچه عبادت
 می کرد بجز خدا، هرآینه وی بود از گروه کافران. ﴿۴۳﴾
 گفته شد به وی که: در آی به این کوشک. پس چون بدید
 آن را، پنداشتش حوض آب و جامه برداشت از دو ساق
 خود. گفت [سلیمان]: این کوشکی است بی نقش درخشان
 ساخته شده از آبگینه ها. گفت [بلقیس]: ای پروردگار من!
 هرآینه من ستم کرده ام بر خویش و اسلام آوردم همراه
 سلیمان برای خدا، پروردگار عالم ها. ﴿۴۴﴾

۱- مترجم گوید: سلیمان عليه السلام خواست که بلقیس را معجزه نماید و عقل و
 جمال او را ادراک فرماید، تا اگر مناسب دانست به نکاح آرد، پس
 تدبیری ساخت.

۲- مترجم سلیمان عليه السلام را فاعل صدها قرار داده است و اکثر مفسرین
 می گویند که فاعل صدها «ما» «المصدریه یا الموصوله» است و معنای
 آیت این طور می شود که بازداشت آن زن را از عبادت خدا آنچه
 عبادت می کردند غیر از خدا، والله اعلم. (مصحح)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٥﴾ قَالَ يَاقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٦﴾ قَالُوا أَطَيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَيَّرَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ﴿٤٧﴾ وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿٤٨﴾ قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٤٩﴾ وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٠﴾ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥١﴾ فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥٢﴾ وَانْجَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٣﴾ وَلَوْطَا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَلْحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿٥٤﴾ أَيْنَكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّجْهَلُونَ ﴿٥٥﴾

و هر آینه فرستادیم به سوی ثمود برادر ایشان، صالح را که عبادت کنید خدای را، پس ناگهان آن قوم دو گروه شدند، با یکدیگر خصومت می نمودند. ﴿۴۵﴾ گفت صالح: ای قوم من! چرا شتاب طلب می کنید سختی را پیش از راحت، چرا نه طلب آموزش می کنید از خدا؟ بود که رحم کرده شود بر شما. ﴿۴۶﴾ گفتند: شگون بد گرفتیم از تو و از آنان که همراه تواند. گفت: شگون بد شما نزدیک خدا است^(۱)، بلکه شما قومی هستید که امتحان کرده می شوید. ﴿۴۷﴾ و بودند در آن شهر نه کس که فساد می کردند در زمین و اصلاح نمی نمودند. ﴿۴۸﴾ گفتند با یکدیگر قسم خدا بخورید که: البته شیخون کنیم بر صالح و اهل خانه او، باز البته خواهیم گفت وارث او را حاضر نبودیم وقت هلاک شدن اهل او و هر آینه ما راستگوییم. ﴿۴۹﴾ و بدسگالی کردند به نوعی از حيله و بدسگالی کردیم ما نوعی از حيله و ایشان نمی دانستند. ﴿۵۰﴾ پس بنگر چگونه بود سرانجام بدسگالی ایشان که ما هلاک کردیم ایشان را و قوم ایشان را، همه یکجا. ﴿۵۱﴾ پس این است خانه های ایشان خالی مانده به سبب آنکه ستم کردند، هر آینه در این ماجرا نشانه هست گروهی را که می دانند. ﴿۵۲﴾ و نجات دادیم آنان را که ایمان آوردند و پرهیزگاری می کردند. ﴿۵۳﴾ و فرستادیم لوط را چون گفت به قوم خود: آیا به عمل می آید کار بی حیایی را و شما می بینید؟! ﴿۵۴﴾ آیا شما می آید به مردان به اراده شهوت بجز زنان؟! بلکه شما قوم نادانید. ﴿۵۵﴾

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ ﴿٥٦﴾ فَأَنجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ قَدَرْنَاهَا مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٥٧﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذِرِينَ ﴿٥٨﴾ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ ۚ ءَالَلَهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾ أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا ءَأَلِلَهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ﴿٦٠﴾ أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ءَأَلِلَهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ءَأَلِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ءَأَلِلَهُ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٣﴾

پس نبود جواب قوم او، مگر آنکه گفتند: بیرون کنید اهل خانه لوط را از دیه خویش، هرآینه ایشان مردم پاکی طلبند. ﴿۵۶﴾ پس نجات دادیم او را و اهل او را، مگر زنش که معین کردیم او را از باقی ماندگان. ﴿۵۷﴾ و بارانیدیم بر سر ایشان بارانی، پس بد است باران ترسانندگان. ﴿۵۸﴾ بگو: سپاس خدای راست و سلام بر آن بندگان او که برگزیده است ایشان را. آیا خدا بهتر است یا آنچه شریک می آرند. ﴿۵۹﴾ [نه بلکه می پرسیم]: که بیافرید آسمانها و زمین و فرود آورد برای شما از آسمان، آبی؟ پس رویانیدیم به سبب آن بوستانها با تازگی؟ ممکن نبود شما را که برویانید درختهای آن. آیا معبودی هست با خدا؟ بلکه ایشان گروهی اند که کج می روند. ﴿۶۰﴾ [نه بلکه می پرسیم]: که ساخت زمین را قرارگاه و پیدا کرد در میان زمین جویها و بیافرید برین زمین کوهها و بیافرید میان دو دریا حجاب را؟ آیا معبودی دیگر هست با خدا؟ بلکه بیشترین ایشان نمی دانند. ﴿۶۱﴾ [نه بلکه می پرسیم]: که قبول می کند از درمانده، چون بخواندش و بردارد سختی و بسازد شما را جانشین نخستینان در زمین؟ آیا معبودی دیگر هست با خدا؟ اندکی پند می پذیرید. ﴿۶۲﴾ [نه بلکه می پرسیم]: که راه می نماید شما را در تاریکیهای بیابان و دریا؟ و که می فرستد بادها را مژده دهنده پیش رحمت خود؟ آیا معبودی هست با خدا؟ برتر است خدا از آن که شریک می گیرند. ﴿۶۳﴾

أَمَّنْ يَبْدُوُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ
السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَعْلَهُ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ
إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦٤﴾ قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ
﴿٦٥﴾ بَلِ أَدْرَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهَا
بَلْ هُمْ مِّنْهَا عَمُونَ ﴿٦٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَءِذَا
كُنَّا تُرَابًا وَعَآبَآؤُنَا أَنِنَا لَمُخْرَجُونَ ﴿٦٧﴾ لَقَدْ وَعَدْنَا
هَذَا نَحْنُ وَعَآبَآؤُنَا مِن قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ
الْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ
كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿٦٩﴾ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا
تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ﴿٧٠﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى
هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٧١﴾ قُلْ عَسَى أَنْ
يَكُونَ رَدْفٌ لَّكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٧٢﴾
وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ
لَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ
صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٤﴾ وَمَا مِنْ غَآيَةِ فِي السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿٧٥﴾ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ
يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ
يَخْتَلِفُونَ ﴿٧٦﴾

[نه بلکه می‌پرسیم]: که نو پیدا می‌کند آفرینش، باز دیگر
بار کندش؟ و که روزی می‌دهد شما را از آسمان و زمین؟
آیا معبودی هست با خدا؟ بگو: بیارید حجت خود را اگر
راست گوئید. ﴿۶۴﴾ بگو: نمی‌داند هر که در آسمان‌ها و
زمین است غیب را مگر خدا؟ و نمی‌دانند که کی
برانگیخته شوند. ﴿۶۵﴾ بلکه پی در پی متوجه شد علم
ایشان در باب آخرت^(۱)، بلکه ایشان در شبهه‌اند از آخرت،
بلکه ایشان از آخرت نایب‌اند. ﴿۶۶﴾ و گفتند کافران: آیا
چون شویم خاکی و پدران ما نیز، آیا ما بیرون آوردگانیم
(یعنی از قبور)؟. ﴿۶۷﴾ هرآینه وعده داده شد به این
مقدمه، ما را و پدران ما را پیش از این، نیست این مگر
افسانه‌های پیشینیان. ﴿۶۸﴾ بگو: سیر کنید در زمین، پس
بنگرید چگونه بود انجام گناهکاران. ﴿۶۹﴾ و اندوه مخور
بر ایشان و مباش در تنگدلی از بدسگالیدن ایشان. ﴿۷۰﴾ و
می‌گویند: کی باشد این وعده اگر راست‌گوئید. ﴿۷۱﴾
بگو: شاید نزدیک شده باشد به شما بعض آنچه شتاب
می‌طلبید^(۲). ﴿۷۲﴾ و هرآینه پروردگار تو خداوند فضل
است بر مردمان و لیکن بیشترین ایشان شکر نمی‌کنند.
﴿۷۳﴾ و هرآینه پروردگار تو می‌داند آنچه پنهان می‌کند
سینه‌های ایشان و آنچه ظاهر می‌نمایند. ﴿۷۴﴾ و نیست
هیچ مقدمه پوشیده در آسمان و زمین مگر نوشته است در
کتاب روشن. ﴿۷۵﴾ هرآینه این قرآن بیان می‌کند پیش
بنی اسرائیل بیشترین آنچه ایشان در آن اختلاف می‌کردند.

﴿۷۶﴾

۱- یعنی تا آنکه منقطع گشت.

۲- یعنی عقوبت دنیا.

وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُم بِحُكْمِهِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٧٨﴾ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ الْحَقِّ الْمُبِينِ ﴿٧٩﴾ إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ﴿٨٠﴾ وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنْ ضَلَلَتِهِمْ ۖ إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨١﴾ وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾ وَيَوْمَ نُخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿٨٣﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُمْ بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِطُوا بِهَا عِلْمًا أَمْ إِذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾ وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ ﴿٨٥﴾ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنَا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۖ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٨٦﴾ وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ۚ وَكُلُّ أَتَوِّهٍ دَاخِرِينَ ﴿٨٧﴾ وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ ۚ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلُّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ ﴿٨٨﴾

و هر آینه وی هدایت و رحمت است مسلمانان را. ﴿۷۷﴾
 هر آینه پروردگار تو فیصل کند میان ایشان به حکم خود و اوست غالب دانا. ﴿۷۸﴾ پس توکل کن بر خدا هر آینه تو بر دین راست روشن هستی. ﴿۷۹﴾ هر آینه تو نمی توانی شنواید مردگان را و نمی توانی شنواید کران را آواز خواندن، وقتی که روبگردانند پشت داده. ﴿۸۰﴾ و نیستی تو راه نماینده کوران تا باز آیند از گمراهی خویش. نمی شنوای مگر کسی را که ایمان آورده است به آیت های ما، پس این جماعت گردن نهند گانند. ﴿۸۱﴾ و چون متحقق شود وعده عذاب بر ایشان، بیرون آریم برای ایشان جانوری از زمین که سخن گوید به ایشان به سبب آنکه مردمان به آیات ما یقین نمی آوردند. ﴿۸۲﴾ و آن روز که برانگیزیم از هر امتی طایفه ای را از آنان که دروغ می شمردند آیات ما را، پس ایشان بعض را تا رسیدن بعض ایستاده کرده می شود. ﴿۸۳﴾ تا وقتی که حاضر آیند، گوید خدا: آیا دروغ شمردید آیات مرا و در نگرفته بودید به آن از روی دانش یا چکار می کردید؟ ﴿۸۴﴾ و ثابت شد وعده عذاب بر ایشان به سبب ستم کردن ایشان، پس آن جماعت سخن نگویند. ﴿۸۵﴾ آیا ندیده اند که ما پیدا کرده ایم شب را تا آرام گیرند در آن و پیدا کرده ایم روز را روشن شده، هر آینه در این مقدمه نشانه ها است قومی را که باور می دارند. ﴿۸۶﴾ یاد کن آن روز که دمیده شود در صور، پس مضطرب شوند آنان که در آسمان هانند و آنان که در زمینند، مگر کسی که خدا خواسته است و هر یکی بیایند پیش خدا خوار شده. ﴿۸۷﴾ و بینی کوه ها را، پنداری آن را بر جای ایستاده و آن می رود مانند رفتن ابر. دستکاری آن خدا که استوار ساخت هر چیز را، هر آینه وی خبردار است به آنچه می کنی. ﴿۸۸﴾

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ ءَامِنُونَ ﴿٨٩﴾ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أُعْبِدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٩١﴾ وَأَنْ أَتْلُوا الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿٩٢﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ ءَايَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

هر که بیارد نیکی، پس او را بهتر باشد از آن و ایشان از اضطراب آن روز ایمن باشند. ﴿۸۹﴾ و هر که بیارد بدی، پس نگونسار کرده شود روی ایشان در آتش. جزا داده نمی‌شوید مگر به وفق آنچه می‌کردید. ﴿۹۰﴾ [بگو یا محمد]: جز این نیست که فرموده شدم که عبادت کنم خداوند این شهر را (یعنی مکه)، آن که محترم ساخت آن را و به تصرف اوست هر چیز و فرموده شد مرا که باشم از مسلمانان. ﴿۹۱﴾ و [فرموده شد] آنکه بخوانم قرآن را. پس هر که راه یافت، پس جز این نیست که راه می‌یابد برای نفع خویش و هر که گمراه شود، بگو: جز این نیست که من از بیم کنندگانم. ﴿۹۲﴾ و بگو: ستایش خدای راست، خواهد نمود شما را آیات خود، پس بشناسید آن را نیست پروردگار تو بی‌خبر از آنچه می‌کنید. ﴿۹۳﴾

سُورَةُ الْقَصَصِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طسّم ﴿١﴾ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنْ نَّبَاٍ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٤﴾ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿٥﴾

سوره قصص

به نام خداوند بخشنده مهربان

طسم. ﴿۱﴾ این آیات‌های کتاب روشن است. ﴿۲﴾ بخوانیم بر تو بعض خبر موسی و فرعون به راستی برای گروهی که باور می‌دارند. ﴿۳﴾ هر آینه فرعون تکبر کرد در زمین و ساخت اهل آن را گروه گروه، زبون می‌گرفت جماعت را از ایشان، می‌کشت پسران ایشان را و زنده می‌گذاشت دختران ایشان را. هر آینه وی بود از مفسدان. ﴿۴﴾ و می‌خواستیم که نعمت فراوان دهیم بر آنان که زبون گرفته شدند در زمین و پیشوا سازیم ایشان را و وارث کنیم ایشان را. ﴿۵﴾

وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ
وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴿٦﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَى
أُمِّ مُوسَى أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي
الْيَمِّ وَلَا تَخَافِ وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ
مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧﴾ فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ
عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا
خَاطِئِينَ ﴿٨﴾ وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنٍ لِّي
وَلَكَّ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا
وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾ وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَى فَرِغًا إِنْ
كَادَتْ لَتُبْدِيَ بِهِ لَوْ لَا أَنْ رَبَّنَا عَلَى قَلْبِهَا لِتَكُونَ
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠﴾ وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ
بِهِ عَنْ جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١١﴾ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ
الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى أَهْلِ
بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ ﴿١٢﴾
فَرَدَدْنَاهُ إِلَى أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلَوْ لَمْ
يَكُنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾

و دسترس دهیم ایشان را در زمین و بنماییم فرعون و هامان
را و لشکرهای ایشان را از آن زبون گرفتگان آنچه
می ترسیدند. ﴿۶﴾ و الهام فرستادیم به سوی مادر موسی
که شیر بده او را پس چون بترسی بر وی بیانداز او را در
دریا و مترس و اندوه مخور، هرآینه ما باز رساننده اویم
به سوی تو و گرداننده اویم از پیغامبران. ﴿۷﴾ پس
برگرفتند آن را اهل خانه فرعون تا آخر کار شود برای
ایشان دشمن و سبب اندوه، هرآینه فرعون و هامان و
لشکرهای ایشان خطا کننده بودند. ﴿۸﴾ و گفت زن
فرعون: این طفل، خنکی چشم است مرا و تو را،
مکشیدش، بود که نفع دهد ما را یا فرزند گیریم او را و
ایشان حقیقت حال نمی دانستند. ﴿۹﴾ و گشت دل مادر
موسی خالی از صبر، هرآینه نزدیک بود که آشکار کند
آن قصه را اگر ما نمی بستیم بر دل او رشته^(۱) تا باشد از
باوردارندگان. ﴿۱۰﴾ و گفت خواهرش را: بر پی او برو،
پس بدید او را از دور و قوم فرعون نمی دانستند. ﴿۱۱﴾ و
حرام ساختیم بر موسی شیردایگان پیش از وصول خواهر،
پس خواهرش گفت: آیا راه نمایم شما را بر اهل خانه ای
که خبرداری این طفل کنند برای شما و ایشان برای او
نیک خواهند؟ ﴿۱۲﴾ پس باز رسانیدیم او را به سوی
مادر او تا خنک شود چشم وی و اندوه نخورد و تا بداند
که وعده خدا راست است و لیکن بیشترین مردمان
نمی دانند. ﴿۱۳﴾

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤﴾ وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغْنَىٰ الَّذِي مِّنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِّنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٦﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَن أَكُونَ ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ ﴿١٧﴾ فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِحُهُ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِينٌ ﴿١٨﴾ فَلَمَّا أَن أَرَادَ أَن يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَمُْوسَىٰ أَتُرِيدُ أَن تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَن تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَن تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ ﴿١٩﴾ وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ قَالَ يَمُْوسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ﴿٢٠﴾ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢١﴾

و چون رسید به نهایت جوانی خود و درست اندام شد، دادیم او را حکمت و دانش و همچنین جزا می‌دهیم نیکوکاران را. ﴿۱۴﴾ و درآمد به شهر در وقت بی‌خبری اهل آن، پس یافت آنجا دو شخص با یکدیگر جنگ می‌کردند: آن یک از قوم موسی بود و آن دیگر از دشمنان وی، پس مدد طلب کرد شخصی که از قوم او بود بر آن دیگر که از دشمنانش بود، پس مشت زد او را موسی، پس بکشتش. گفت: این کار شیطان است، هرآینه شیطان گمراه کننده آشکار است. ﴿۱۵﴾ گفت: ای پروردگار من! هرآینه ستم کردم بر خویش، پس بیا مرز مرا، پس بیا مرزیدش، هرآینه وی آمرزنده مهربان است. ﴿۱۶﴾ گفت: ای پروردگار من! به حق انعام کردن تو بر من هرگز نخواهم بود مددگار گناهکاران. ﴿۱۷﴾ پس بامداد کرد در شهر ترسان، انتظارکنان، پس ناگهان شخصی که مدد طلب کرده بود دیروز باز به فریادری می‌خواندش. گفت به وی موسی: هرآینه تو گمراه آشکاری. ﴿۱۸﴾ پس چون خواست که دست به شخصی که وی دشمن موسی و دشمن فریاد کننده بود، گفت فریاد کننده: ای موسی! آیا می‌خواهی که بکشی مرا چنانکه کشتی شخصی را دیروز؟ نمی‌خواهی مگر آن که باشی ستمکاری در زمین و نمی‌خواهی که باشی از نیکوکاران^(۱). ﴿۱۹﴾ و آمد شخصی از آخر شهر شتابان، گفت: ای موسی! هرآینه رئیسان مشورت می‌کنند در حق تو بکشند تو را، پس بیرون رو. هرآینه من برای تو از نیک خواهانم. ﴿۲۰﴾ پس بیرون آمد از آن شهر ترسان، انتظار کنان، گفت: ای پروردگار من! خلاص کن مرا از گروه ستمکاران. ﴿۲۱﴾

۱- یعنی چون موسی او را گفت: تو گمراه آشکاری. دانست که غضب کرده بر سر من می‌آید.

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿٢٢﴾ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصَدِرَ الرِّعَاءُ وَأُبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴿٢٣﴾ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿٢٤﴾ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَبَاطِئُ اسْتَعْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَعَجَرْتُ الْقَوِيَّ الْأَمِينُ ﴿٢٦﴾ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَىٰ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَنِي حَبِجٍّ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ ذَٰلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ

﴿٢٨﴾

و وقتی که متوجه شد به سوی شهر مدین، گفت: امیدوارم از پروردگار خویش که دلالت کند مرا به راه راست. ﴿۲۲﴾ و وقتی که رسید به آب مدین یافت بر آن آب طایفه را از مردمان، آب می‌نوشانیدید مواشی را و یافت آن طرف از ایشان دو زن که باز می‌دارند مواشی خود را، گفت موسی به آن دو زن: چیست حال شما؟ گفتند: ما آب نمی‌نوشانیم تا آنکه بازگردانند شبانان مواشی را و پدر ما پیر کلانسال است. ﴿۲۳﴾ پس موسی آب نوشانید برای این هردو، باز روی آورد به سوی سایه، پس گفت: ای پروردگار من! هرآینه من به آنچه فرود آوردی به سوی من از نعمت، محتاجم. ﴿۲۴﴾ پس آمد به موسی یکی از این دو زن راه می‌رفت به شرم، گفت: هرآینه پدر من می‌خواند تو را تا به تو دهد مزد آنکه آب دادی برای ما. پس چون موسی بیامد نزد شعیب و تقریر کرد پیش او قصه را، گفت: مترس! خلاص شدی از قوم ستمکاران. ﴿۲۵﴾ گفت یکی از این دو دختر: ای پدر من! مزدور بگیر او را. هرآینه بهترین کسی که مزدورگیری شخصی توانای با امانت باشد. ﴿۲۶﴾ گفت شعیب: هرآینه من می‌خواهم که به زنی دهم تو را یکی از این دو دختر خود به شرط آن که مزدوری من کنی هشت سال، پس اگر تمام کنی ده سال را، پس آن تبرع است از نزدیک تو و نمی‌خواهم که مشقت افکنم بر تو. خواهی یافت مرا اگر خدا خواسته است از شایستگان. ﴿۲۷﴾ گفت موسی: این است عهد میان من و میان تو. هر کدام از این دو مدت که اداکنم، پس تعدی نباشد بر من و خدا بر آنچه می‌گویم گواه است. ﴿۲۸﴾

فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ ۚ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا ۚ قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٢٩﴾ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبْرَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَن يَمُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٠﴾ وَأَن أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَمُوسَى أَقْبَلَ وَلَا تَخَفْ ۚ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ﴿٣١﴾ أَسْأَلُكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سَوَاءٍ وَأَضْمُمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ ۚ فَذَنِكَ بُرْهَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ ﴿٣٣﴾ وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي ۚ إِنِّي أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ ﴿٣٤﴾ قَالَ سَنُنْشِئُ عُصْدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِأَيِّتِنَا ۚ أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ ﴿٣٥﴾

پس چون ادا کرد موسی میعاد را و روان شد به اهل خود، دید به جانب کوه طور آتش. گفت به اهل خود: توقف کنید. هرآینه دیده‌ام آتشی. امید دارم که بیارم از آنجا خبری را یا بیارم شعله‌ای از آتش، بود که شما تحصیل گرمی کنید. ﴿۲۹﴾ پس چون آمد نزدیک آتش، آواز داده شد از کرانه راست میدان در جایگاه بابرکت از میان درخت که: ای موسی! هرآینه من خدایم، پروردگار عالم‌ها. ﴿۳۰﴾ و آنکه بیفکن عصای خود را، پس چون دید که عصا حرکت می‌کند گویا وی ماری است، روی بگردانید پشت داده و بازنگشت. [گفتم]: ای موسی! پیش آی و مترس، هرآینه تو از ایمنانی. ﴿۳۱﴾ و درآر دست خود را در گریبان خود تا بیرون آید سفید شده از غیر علتی. و به هم آر به سوی خود بازوی خود را از ترس^(۱)، پس این هر دو نشانه‌اند، فرود آمده از جانب پروردگار تو به سوی فرعون و جماعت او. هرآینه ایشان بودند گروه بدکار. ﴿۳۲﴾ گفت: ای پروردگار من! هرآینه من کشته‌ام از ایشان شخصی را، پس می‌ترسم که بکشند مرا ﴿۳۳﴾ و برادر من، هارون، فصیح‌تر است از من از جهت زبان، پس بفرست او را همراه من مدد کننده‌ای که باور دارد مرا، هرآینه من می‌ترسم از آنکه دروغی شمرند مرا. ﴿۳۴﴾ گفت: [خدا]: محکم خواهیم کرد بازوی تو را به برادر تو و خواهیم داد شما را غلبه، پس نتوانند رسید به قصد ایذا به سوی شما به سبب نشانه‌های ما. شما و آنان که پیروی شما کرده‌اند، غالب خواهید شد. ﴿۳۵﴾

۱- یعنی برای دافع ترسی که به سبب ظهور خوارق پیدا شده.

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا
 سِحْرٌ مُّقْتَرَى وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ
 ﴿٣٦﴾ وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَى مِنْ
 عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَقِيبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ
 الظَّالِمُونَ ﴿٣٧﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَتَأْتِيهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ
 لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَهْمَنُ عَلَى الطِّينِ
 فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطْلُعُ إِلَى إِلَهِي مُوسَى وَإِنِّي
 لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٣٨﴾ وَأَسْتَكْبَرُ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي
 الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُم إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ﴿٣٩﴾
 فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَانْظُرْ كَيْفَ
 كَانَ عَقِيبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾ وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَدْعُونَ إِلَى
 النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ لَا يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾ وَأَتَّبَعْنَاهُمْ فِي
 هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ
 ﴿٤٢﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا
 الْقُرُونَ الْأُولَى بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ
 يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٣﴾

پس چون آورد موسی نشانه‌های ما را واضح آمده، گفتند:
 نیست این مگر جادوی برپسته و نشنیدیم این را در پدران
 نخستین خویش. ﴿۳۶﴾ و گفت موسی: پروردگار من
 داناتر است به هر که آورده است هدایت از نزدیک او و به
 هر که او راست عاقبت پسندیده در آخرت، هرآینه
 رستگار نمی‌شوند ستمکاران. ﴿۳۷﴾ و گفت فرعون: ای
 جماعت! ندانسته‌ام برای شما هیچ خدا غیر من. پس آتش
 برافروز برای من ای هامان بر گل (یعنی خشت بساز) پس
 بناکن برای من کوشکی، بود که من دیده‌ور شوم به سوی
 معبود موسی و هرآینه من می‌پندارم او را از دروغگویان.
 ﴿۳۸﴾ و تکبر کرد فرعون و لشکرهای او در زمین به غیر
 حق و گمان کردند که ایشان به سوی ما بازگردانیده
 نشوند. ﴿۳۹﴾ پس گرفتیم او را و لشکرهای او را، پس
 افکندیم ایشان را در دریا، پس درنگر چگونه بود انجام
 ستمکاران. ﴿۴۰﴾ و گردانیدیم ایشان را پیشوایانی که
 می‌خواندند به سوی آتش و روز قیامت نصرت داده نشوند.
 ﴿۴۱﴾ و از پی ایشان فرستادیم در این دنیا لعنت را و به
 روز قیامت ایشان از دور ساختگان باشند. ﴿۴۲﴾ و
 هرآینه دادیم موسی را کتاب بعد از آنکه هلاک ساختیم
 قرن‌های نخستین را دلیل شده برای مردمان و هدایت و
 بخشایش، تا بود که ایشان پندپذیر شوند. ﴿۴۳﴾

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ
وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٤٤﴾ وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا
فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًا فِي أَهْلِ
مَدْيَنَ تَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿٤٥﴾
وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِّنَ
رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَتْهُمْ مِّنْ نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ
لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَوْلَا أَن تُصِيبَهُمُ مُّصِيبَةٌ بِمَا
قَدَّمْتَ أَيْدِيَهُمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا
رَسُولًا فَتَتَّبِعَ ءَايَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾
فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ
مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ
قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ
﴿٤٨﴾ قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ
مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٩﴾ فَإِنْ لَّمْ
يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ
أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٠﴾

و تو نبودی به طرف غربی چون به انجام رسانیدیم به سوی
موسی وحی را و نبودی از حاضران. ﴿۴۴﴾ و لیکن ما
آفریدیم قرن‌ها را (یعنی بعد موسی)، پس دراز شد بر
ایشان عمر و تو نبودی باشنده در اهل مدین که می‌خواندی
بر ایشان آیات ما را و لیکن ما بودیم فرستنده. ﴿۴۵﴾ و
نبودی به طرف طور، چون آواز دادیم و لیکن وحی آمد از
روی بخشایش پروردگار تو تا ترسانی گروهی را که نیامده
بود بدیشان هیچ ترساننده‌ای پیش از تو، بود که ایشان پند
پذیر شوند. ﴿۴۶﴾ و اگر نه آن بودی که برسد بدیشان
عقوبتی به سبب آنکه پیش فرستاده است دست ایشان، پس
گویند: ای پروردگار ما! چرا نفرستادی به سوی ما
پیغمبری را تا پیروی آیات تو کنیم و باشیم از مسلمانان؟
﴿۴۷﴾ پیغمبران را می‌فرستادیم، پس چون آمد بدیشان
وحی راست از نزدیک ما، گفتند: چرا داده نشد این پیغمبر
را مانند آنچه داده شد به موسی؟ آیا کافر نشده‌اند به آنچه
داده شد موسی را پیش از این؟ گفتند: دو سحرند موافق
یکدیگر شده^(۱) و گفتند: هرآینه ما به هر یک کافرانیم.
﴿۴۸﴾ بگو: پس بیارید کتابی فرود آمده از نزدیک
خدا که وی راه نماینده‌تر باشد از این دو، تا پیروی او کنیم
اگر راستگویید. ﴿۴۹﴾ پس اگر قبول نکنند سخن را، پس
بدان که جز این نیست که پیروی می‌کنند خواهش نفس
خود را و کیست گمراه‌تر از کسی که پیروی خواهش
نفس خود کند بدون راهنمایی خدا، هرآینه خدا راه
نمی‌نماید گروه ستمکاران را. ﴿۵۰﴾

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥١﴾
 الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ ءُؤْمِنُونَ
 ﴿٥٢﴾ وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا ءَامَنَّا بِهِ ءَ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ
 رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ﴿٥٣﴾ أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ
 أَجْرُهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ
 السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٥٤﴾ وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ
 أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ
 سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ ﴿٥٥﴾ إِنَّكَ لَا
 تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ
 وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾ وَقَالُوا إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَىٰ
 مَعَكَ نُتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا
 ءَامِنًا يُجِبِّي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا
 وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ
 قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسْكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ
 مِّنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ ﴿٥٨﴾ وَمَا
 كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا
 يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا
 وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ ﴿٥٩﴾

و هر آینه ما پی در پی آوردیم برای ایشان [این قرآن را]
 تا بود که ایشان پند پذیرند. ﴿۵۱﴾ آنان که داده ایم ایشان
 را کتاب پیش از قرآن، ایشان به قرآن ایمان می آرند.
 ﴿۵۲﴾ و چون قرآن خوانده می شود برایشان، گویند: ایمان
 آوردیم به آن، هر آینه وی راست است از جانب
 پروردگار ما، هر آینه پیش از نزول قرآن منقاد بودیم.
 ﴿۵۳﴾ این جماعت داده شود ایشان را مزد ایشان دوبار به
 سبب آنکه صبر کردند و دفع می کنند به خصلت نیک،
 بدی را و از آنچه روزی داده ایم ایشان را خرج می کنند.
 ﴿۵۴﴾ و چون بشنوند سخن بیهوده را، روی بگردانند از
 آن و گویند: ما راست، کردارهای ما و شما راست،
 کردارهای شما. سلام بر شما باد! نمی خواهیم صحبت
 جاهلان^(۱). ﴿۵۵﴾ [یا محمد] هر آینه تو راه نمی نمایی هر
 که را دوست می داری و لیکن خدا راه می نماید هر که را
 خواهد و او داناتر است به راه یافتگان. ﴿۵۶﴾ و گفتند
 بعض اهل مکه: اگر پیروی هدایت کنیم با تو ر بوده شویم
 از زمین خود^(۲). آیا جا ندادیم ایشان را در حرمی با امن،
 رسانیده می شود به سوی وی میوه ها از هر جنس روزی از
 نزدیک ما و لیکن بیشترین ایشان نمی دانند. ﴿۵۷﴾ و بسا
 هلاک کردیم از دیه ها را که از حد در گذشتند در گذران
 خود، پس اینها است جای ماندن ایشان، مانده نشد آنجا
 بعد از ایشان مگر اندکی و بودیم ما به دست آورنده میراث
 ایشان. ﴿۵۸﴾ و هرگز نیست پروردگار تو هلاک کننده
 دیه ها مگر تا آنکه بفرستد در قصبه آن پیغامبری که بخواند
 بر ایشان آیات ما، و هرگز نیستیم هلاک کننده دیه ها مگر
 در آن حال که اهل آنها ستمکار باشند. ﴿۵۹﴾

۱- مترجم گوید: یهود پیش از آنکه آن حضرت ﷺ به مدینه هجرت کند و
 نسخ یهودیت تصریح فرماید، معتقد قرآن بودند و می گفتند عرب را
 قرآن لازم است.

۲- یعنی مردمان اخراج کنند.

وَمَا أُوتِيتُمْ مِّن شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا
وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٠﴾ أَفَمَن
وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَن مَّتَّعْنَاهُ مَتَّعًا
الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٦١﴾
وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ
تَزْعُمُونَ ﴿٦٢﴾ قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا
هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا
إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِلَّا نَا يَعْبُدُونَ ﴿٦٣﴾ وَقِيلَ ادْعُوا
شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا
الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ﴿٦٤﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ
فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦٥﴾ فَعِمِيَتْ عَلَيْهِمْ
الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿٦٦﴾ فَأَمَّا مَن تَابَ
وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَن يَكُونَ مِّنَ
الْمُفْلِحِينَ ﴿٦٧﴾ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ
لَهُمُ الْخَيْرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٨﴾
وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٦٩﴾
وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ
وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٧٠﴾

و هرچه داده شد شما را از هر نوعی، پس بهره‌مندی
زندگانی دنیا و آرایش وی است و آنچه نزدیک خداست
بهرتر و پاینده‌تر است. آیا نمی‌فهمید؟ ﴿٦٠﴾ آیا کسی که
وعده دادیمش وعده نیک پس او دریابنده آن است، مانند
کسی که بهره‌مند ساختیمش به منفعت زندگانی دنیا، باز
وی روز قیامت از حاضر کردگان است؟! ﴿٦١﴾ و
روزی که آواز دهد خدا ایشان را، پس گوید: کجایند آن
شریکان من که شما گمان می‌کردید؟! ﴿٦٢﴾ گفتند
آنان که ثابت شد بر ایشان حکم عذاب: ﴿٦٣﴾ ای پروردگار ما!
این جماعتند که گمراه کردیم، گمراه کردیم ایشان را
چنانکه خود گمراه شدیم^(۳). بی‌تعلق می‌شویم از همه به
سوی تو، ایشان ما را نمی‌پرستیدند. ﴿٦٣﴾ و گفته شود:
بخوانید شریکان خود را. پس بخوانند ایشان را، پس ایشان
قبول نکنند دعای آن جماعت و بینند عذاب و تمنا کنند
کاش! ایشان راه یاب می‌بودند. ﴿٦٤﴾ و روزی که آواز
دهد خدا ایشان را، پس گوید: چه جواب دادید پیغامبران
را؟! ﴿٦٥﴾ پس مشته شود بر ایشان خبرهای آن روز، پس
ایشان با یکدیگر سؤال نکنند^(۴). ﴿٦٦﴾ پس اما آنکه توبه
نمود و ایمان آورد و کار شایسته کرد، پس امید است که
باشد از رستگاران ﴿٦٧﴾ و پروردگار تو می‌آفریند هرچه
خواهد و برمی‌گزیند هر که را خواهد، نیست ایشان را
اختیار. پاکی خدای راست و بلندتر است از آنکه شریک
می‌آرند. ﴿٦٨﴾ و پروردگار تو می‌داند آنچه پنهان
می‌دارند سینه‌های ایشان و آنچه آشکارا می‌کنند. ﴿٦٩﴾ و
اوست خدا، نیست هیچ معبودی به حق غیر او، او راست
ستایش در دنیا و آخرت و او راست فرمانروایی و به سوی
او بازگردانیده شوید. ﴿٧٠﴾

۱- یعنی در عذاب.

۲- یعنی رئیسان کفر.

۳- یعنی بغیر اکراه.

۴- یعنی جواب با صواب نیابند.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاءٍ أَوْ لَظْلَمٍ تَسْمَعُونَ ﴿٧١﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٧٢﴾ وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٧٤﴾ وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّ قُرُونًا كَانَتْ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُتُوبِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِيَ الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ﴿٧٦﴾ وَابْتَغَ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٧٧﴾

بگو: آیا دیدید که اگر گرداند خدای تعالی بر شما شب را پاینده تا روز قیامت، کیست معبودی غیر حق که بیارد پیش شما روشنی را؟ آیا نمی شنوید؟ ﴿۷۱﴾ بگو: آیا دیدید که اگر گرداند خدای تعالی بر شما روز را پاینده تا روز قیامت، کیست معبودی غیر حق که بیارد به شما شبی که آرام گیرید در آن؟ آیا نمی بینید؟ ﴿۷۲﴾ و از رحمت خود ساخت برای شما شب و روز تا آرام گیرید در شب و تا روزی طلب کنید از فضل او^(۱) و تا شکرگزاری کنید. ﴿۷۳﴾ و روزی که آواز دهد ایشان را، پس گوید: کجایند آن شریکان من که گمان می کردید؟ ﴿۷۴﴾ و بیرون کشیم از هر امتی گواهی را^(۲)، پس گوئیم قوم را بیارید دلیل خود، پس بدانند که حق به جانب خداست و گم کرده شود از ایشان آنچه افترا می کردند. ﴿۷۵﴾ هرآینه قارون بود از قوم موسی، پس تعدی کرد بر ایشان و عطا کرده بودیم او را از گنج ها آن قدر که کلیدهای او گرانی می کرد جماعت صاحب توانایی را، چون گفت به او قوم او: شاد مشو! هرآینه خدا دوست نمی دارد شاد شوندگان را. ﴿۷۶﴾ و بجوی در آنچه خدا عطا کرده است تو را صلاح سرای آخرت و فراموش مکن حصه خود را از دنیا^(۳) و نیکوکاری کن، چنانکه احسان کرده است خدا بر تو و مجوی فساد در زمین، هرآینه خدا دوست نمی دارد فساد کنندگان را. ﴿۷۷﴾

۱- یعنی در روز.

۲- یعنی هر پیغامبری بر قوم خود گواهی دهد.

۳- یعنی در دنیا عمل صالح به جا آر.

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَو لَمْ يَعْلَمْ أَنَّ
 اللَّهُ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ
 مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ
 الْمُجْرِمُونَ ﴿٧٨﴾ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ
 الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَلِيتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ
 قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٧٩﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا
 الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ
 صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ ﴿٨٠﴾ فَخَسَفْنَا بِهِ
 وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ
 دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ ﴿٨١﴾ وَأَصْبَحَ الَّذِينَ
 تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَآئُ اللَّهُ يَبْسُطُ
 الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ مَنَّ
 اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بَنَاهُ وَيَكَآئُهُ لَا يُفْلِحُ
 الْكَافِرُونَ ﴿٨٢﴾ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا
 يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ
 لِلْمُتَّقِينَ ﴿٨٣﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ
 جَاءَ بِالْسَيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا
 مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾

گفت: جز این نیست که داده شده است مرا مال فراوان
 بنابر دانشی که نزدیک من است. آیا ندانست که خدا
 هلاک کرد پیش از وی از قرن‌ها آن قوم را که توانا تر بود
 از وی از روی قوت و بیشتر بود در جمعیت؟ و پرسیده
 نمی‌شوند گناهکاران از گناهان خویش^(۱). ﴿۷۸﴾ پس
 بیرون آمد بر قوم خود در آرایش خویش. گفتند آنان که
 طلب می‌کردند زندگانی دنیا را: ای کاش! ما را باشد مانند
 آنچه داده شده است قارون را، هر آینه وی خداوند نصیب
 بزرگ است. ﴿۷۹﴾ و گفتند آنان که داده شده ایشان را
 علم: وای بر شما! ثواب خدا بهتر است مرآن کس را که
 ایمان آورد و کار شایسته کرد و قرین کرده نمی‌شود به
 این سخن مگر صابران را. ﴿۸۰﴾ پس فرو بردیم قارون را
 و سرای او را به زمین، پس نبود برای او هیچ گروهی که
 نصرت دهند او را غیر خدا و نبود خودش از انتقام
 کشندگان. ﴿۸۱﴾ و بامداد کردند آنان که آرزو می‌کردند
 منزلت او را دیروز، می‌گفتند: ای عجب! که خدا گشاده
 می‌کند رزق را برای هر که خواهد از بندگان خویش و
 تنگ می‌سازد و اگر نه آن بودی که انعام کرد خدا بر ما،
 هر آینه فرو بردی ما را. ای عجب! که رستگار نمی‌شوند
 کافران. ﴿۸۲﴾ این سرای بازپسین، مقرر می‌کنیم آن را
 برای آنان که نمی‌طلبند تکبر در زمین و نه فساد و حسن
 عاقبت، پرهیزگاران راست. ﴿۸۳﴾ هر که بیارد نیکی، پس
 او راست بهتر از آن و هر که بیارد بدی، پس جزا داده
 نمی‌شوند آنان که به عمل آوردند خطاها، الا به حسب
 آنچه می‌کردند. ﴿۸۴﴾

۱- یعنی در صورت لزوم پاداش مجال عذر نیست، والله اعلم.

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ
رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ
﴿٨٥﴾ وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا
رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾
وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ ءَايَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ
وَأَدْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَا
تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ
هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٨﴾

هرآینه خدایی که نازل کرد بر تو قرآن را، البته بازگرداننده است تو را به سوی جای بازگشت^(۱). بگو: پروردگار من داناتر است به آنکه آورد هدایت را و به هر که وی در گمراهی ظاهر است. ﴿۸۵﴾ و توقع نمی‌داشتی که فرود آورده شود به سوی تو کتاب، لیکن فروفرستاده شد به سبب رحمتی از پروردگار تو، پس هرگز مشو مددگار کافران. ﴿۸۶﴾ و باز ندارند کافران تو را از تبلیغ آیات خدا بعد از آنکه فرود آورده شد به سوی تو و دعوت کن به سوی پروردگار خویش و هرگز مباش از مشرکان. ﴿۸۷﴾ و مخوان با خدا معبود دیگر را، نیست هیچ معبود به حق غیر او. هر چیز هلاک شونده است، مگر روی او. مر او راست فرمانروایی و به سوی او باز گردانیده شوید. ﴿۸۸﴾

سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْم ﴿١﴾ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا
وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿٢﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ﴿٣﴾
أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا
سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٤﴾ مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ
أَجَلَ اللَّهِ لَا تَأْتِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٥﴾ وَمَنْ جَاهَدَ
فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾

الم. ﴿۱﴾ آیا پنداشتند مردمان که بگذاشته شوند به مجرد آنکه گوین: ایمان آوردیم و ایشان امتحان کرده نشوند؟! ﴿۲﴾ و هرآینه امتحان کردیم آنان را که پیش از ایشان بودند، پس البته متمیز بکند خدا آنان را که راست گفتند و البته متمیز کند دروغگویان را. ﴿۳﴾ آیا گمان کردند آنان که به عمل آوردند خطاها که پیش دستی کنند بر ما. بدچیزی است که بدان حکم می‌کنند! ﴿۴﴾ هر که امید داشته باشد ملاقات خدا را، پس هرآینه میعاد خدا البته آینده است و اوست شنوای دانا. ﴿۵﴾ و هر که جهاد کند، جز این نیست که جهاد می‌کند برای نفع خویش، هرآینه خدا بی‌نیاز است از عالم‌ها. ﴿۶﴾

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٧﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ ﴿٩﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةً لِلنَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولَنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ﴿١٠﴾ وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ ﴿١١﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايِهِمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ ﴿١٢﴾ وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَنْتَ لَا مَع أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿١٣﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١٤﴾

و آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، البته محو کنیم از سر ایشان خطاهای ایشان را و البته جزا دهیم ایشان را به نیکوترین آنچه می کردند. ﴿۷﴾ و امر کردیم آدمی را به نسبت پدر و مادر وی نیک معامله کردن. و اگر کوشش کنند با تو ای انسان! تا شریک آری با من آنچه نیست تو را به حقیقت آن دانشی، پس فرمانبرداری ایشان مکن. به سوی من است بازگشت شما، پس خبر دهم شما را به آنچه می کردید. ﴿۸﴾ و آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، البته در آریم ایشان را در زمره شایستگان. ﴿۹﴾ و از مردمان کسی هست که می گوید: ایمان آوردیم به خدا، پس چون تصدیق داده شد او را در راه خدا، شمرده رنج دادن مردمان را مانند عذاب خدا و اگر بیاید فتحی از پروردگار تو، گویند: هرآینه ما با شما بودیم. آیا نیست خدا دانایتر به آنچه در سینه های عالم ها است؟ ﴿۱۰﴾ و البته ممتاز کند خدا آنان را که ایمان آوردند و البته ممتاز کند منافقان را. ﴿۱۱﴾ و گفتند کافران به مسلمانان: پیروی راه ما کنید و باید که ما برداریم گناهان شما را و نیستند ایشان بردارنده چیزی از گناهان آن جماعت، هرآینه ایشان دروغ گویند. ﴿۱۲﴾ و البته بردارند بارهای خویش را و بارها را همراه بارهای خویش و البته سؤال کرده شوند روز قیامت از آنچه افترا می کردند^(۱). ﴿۱۳﴾ و هرآینه فرستادیم نوح را به سوی قوم او، پس توقف کرد در ایشان هزار سال مگر پنجاه سال. پس درگرفت به ایشان طوفان و ایشان ستمکار بودند.

﴿۱۴﴾

۱- یعنی بار گمراه شدن و گمراه کردن بردارند و بار تابعان از سر ایشان دفع نکند.

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً
 لِلْعَالَمِينَ ﴿١٥﴾ وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ
 وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٦﴾
 إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ
 الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ
 رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ
 إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿١٧﴾ وَإِنْ تَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّنْ
 قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿١٨﴾ أَوَلَمْ
 يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ
 عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١٩﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا
 كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ
 اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾ يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَرْحَمُ
 مَن يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي
 الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ
 وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٢٢﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ
 وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَّحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ
 عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٣﴾

پس نجات دادیم نوح را و اهل کشتی را و ساختیم کشتی
 را نشانه‌ای برای عالم‌ها. ﴿۱۵﴾ و فرستادیم ابراهیم را وقتی
 که گفت به قوم خود: پرستش خدا کنید و بترسید از وی،
 این بهتر است شما را اگر می‌دانید. ﴿۱۶﴾ جز این نیست
 که می‌پرستید به جز خدا بتان را و برمی‌بندید دروغ را،
 هر آینه آنان که پرستش می‌کنید به جز خدا نمی‌توانند برای
 شما روزی دادن پس طلب کنید از نزدیک خدا روزی را و
 پرستش او کنید و شکر او بجا آرید. به سوی او
 بازگردانیده خواهید شد. ﴿۱۷﴾ و اگر دروغ می‌شمردید،
 پس هر آینه دروغ شمرده بودند امت‌ها پیش از شما. و
 نیست بر پیغامبر مگر پیغام رسانیدن آشکارا. ﴿۱۸﴾ آیا
 ندیدند چگونه نو می‌کند خدا آفرینش را، باز دیگر بار
 کند آفرینش؟ هر آینه این کار بر خدا آسان است. ﴿۱۹﴾
 بگو: سیر کنید در زمین، پس درنگرید چگونه نو کرد
 آفرینش را، باز خدا پیدا کند آن پیدایش را بازپسین.
 هر آینه خدا بر هر چیز تواناست. ﴿۲۰﴾ عذاب کند هر
 که را خواهد و رحم کند بر هر که خواهد و به سوی او باز
 گردانیده خواهید شد. ﴿۲۱﴾ و نیستید شما عاجز کننده در
 زمین و نه در آسمان و نیست شما را بجز خدا هیچ دوست
 و نه یاری دهنده. ﴿۲۲﴾ و آنان که کافر شدند به آیات
 خدا و به ملاقات او، آن جماعت نومید شدند از رحمت
 من و آن جماعت ایشان راست عذاب درد دهنده. ﴿۲۳﴾

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ
فَأَنجَلَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
يُؤْمِنُونَ ﴿٢٤﴾ وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا
مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ
يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا
وَمَا وَلَكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ ﴿٢٥﴾
فَقَامَنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٦﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَعَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ
فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٧﴾ وَلُوطًا
إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ
بَهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ ﴿٢٨﴾ أَيْنَكُم لَتَأْتُونَ
الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ
الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتُّبِنَا
بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٩﴾ قَالَ رَبِّ
انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ ﴿٣٠﴾

پس نبود جواب قوم ابراهیم مگر آن که گفتند: بکشید او را یا بسوزانید او را. پس برهانید خدا او را از آتش، هرآینه در این ماجرا نشانه‌هاست برای گروهی که باور می‌دارند. ﴿۲۴﴾ و گفت ابراهیم: جز این نیست که بت گرفته‌اید بجز خدا به جهت دوستی در میان خویش در زندگانی دنیا. باز روز قیامت نامعتقد شود بعض شما به بعض و لعنت کند بعض شما بعض را و جای شما دوزخ است و نیست شما را هیچ یاری‌دهنده. ﴿۲۵﴾ پس باور داشت ابراهیم را لوط و گفت ابراهیم: هرآینه هجرت کننده‌ام به سوی پروردگار خویش. هرآینه وی غالب با حکمت است. ﴿۲۶﴾ و عطا کردیم او را اسحق و یعقوب و مقرر داشتیم در اولاد وی پیغامبری و کتاب را و دادیم او را مزد او در دنیا و هرآینه وی در آخرت از شایستگان است. ﴿۲۷﴾ و فرستادیم لوط را وقتی که گفت به قوم خود: هرآینه شما به عمل می‌آرید کار بی‌حیایی را که پیش دستی نکرده است بر شما به سوی آن هیچ‌کس از عالم‌ها. ﴿۲۸﴾ آیا شما به قصد شهوت می‌آید به مردان و قطع طریق می‌کنید و به عمل می‌آرید در مجلس خویش کار ناپسندیده؟ پس نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند: بیار پیش ما عذاب خدا را اگر هستی از راست‌گویان. ﴿۲۹﴾ گفت: ای پروردگار

من! نصرت ده مرا بر قوم مفسدان. ﴿۳۰﴾

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿٣١﴾ قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٣٢﴾ وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَاءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُواكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا أُمَّرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٣٣﴾ إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٣٤﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٣٥﴾ وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَقُومُوا عِبَادُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٣٦﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَثِيمِينَ ﴿٣٧﴾ وَعَادَا وَثُمُودَا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّنْ مَّسْكِنِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ ﴿٣٨﴾

﴿٣٨﴾

و وقتی آوردند فرستادگان ما پیش ابراهیم مژده را، گفتند: هرآینه ما هلاک کننده اهل این دیه ایم، هرآینه اهل این دیه ستمکار بودند. ﴿۳۱﴾ گفت ابراهیم: هرآینه در آنجا لوط است. گفتند: ما داناتریم به هر که آنجاست، البته خلاص کنیم او را و اهل او را الا زن وی، باشد از باقی ماندگان. ﴿۳۲﴾ و وقتی که آمدند فرستادگان ما پیش لوط، اندوهگین کرده شد به سبب ایشان و تنگدل شد به سبب ایشان و گفتند آن فرستادگان: مترس و اندوه مخور! هرآینه نجات دهنده تو و اهل تویم مگر زن تو، باشد از باقی ماندگان. ﴿۳۳﴾ هرآینه ما فرود آورنده ایم بر اهل این دیه عقوبتی را از آسمان به سبب آنکه بدکاری می کردند. ﴿۳۴﴾ و هرآینه گذاشتیم از آن دیه نشانه ای واضح برای گروهی که درمی یابند. ﴿۳۵﴾ و فرستادیم به سوی مدین برادر ایشان، شعیب را، پس گفت: ای قوم من! عبادت خدا کنید و توقع دارید روز بازپسین را و هر سو مگردید در زمین، فسادکنان. ﴿۳۶﴾ پس دروغی داشتند او را، پس در گرفت ایشان را زلزله، پس بامداد کردند در خانه های خویش مرده افتاده. ﴿۳۷﴾ و هلاک کردیم عاد و ثمود را و هرآینه واضح شده است شما را بعض مساکن ایشان و آراسته ساخته بود برای ایشان شیطان کردارهای ایشان را، پس بازداشت ایشان را از راه و ایشان بینا بودند. ﴿۳۸﴾

وَقَرُّونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَمَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ
بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ
﴿٣٩﴾ فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذُنُوبِهِ فَمِنْهُمْ مَن أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ
حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَن أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَن
خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَن أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ
لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٠﴾
الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ
الَّتِي اتَّخَذَتْ بُيُوتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ
كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ
دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤٢﴾
الْأَمْثَلُ نُضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ
﴿٤٣﴾ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ
لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٤﴾ أَتُلُّ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ
وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ
وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

﴿٤٥﴾

و هلاک کردیم قارون و فرعون و هامان را و هرآینه آمده
بود به ایشان موسی با نشانه‌های واضح، پس تکبر کردند در
زمین و نبودند سبقت کنندگان. ﴿۳۹﴾ پس هر یکی را
گرفتار ساختیم به وبال گناهش. پس از ایشان کسی بود که
فرستادیم بر وی بادی سنگبار و از ایشان کسی بود که
گرفت او را آواز سخت و از ایشان کسی بود که فرو
بردیمش به زمین و از ایشان کسی بود که غرق ساختیم و
هرگز ممکن نبود که خدا ظلم کند بر ایشان و لیکن ایشان
بر خویش ستم می کردند. ﴿۴۰﴾ داستان آنان که دوستان
گرفته‌اند به غیر خدا، همچون داستان عنکبوت است که
فراگرفت خانه‌ای و هرآینه سست‌ترین خانه‌ها، خانه
عنکبوت است اگر می دانستند^(۱). ﴿۴۱﴾ هرآینه خدا
می داند حال چیزی که می پرستند بجز وی از هرچه باشد و
اوست غالب باحکمت. ﴿۴۲﴾ این داستان‌ها، بیان می کنیم
آن را برای مردمان و نمی فهمند آن را مگر دانایان. ﴿۴۳﴾
آفرید خدا آسمان‌ها و زمین را به تدبیر درست، هرآینه در
این کار نشانه‌ای است برای مسلمانان. ﴿۴۴﴾ بخوان [یا
محمد]، آنچه وحی فرستاده شد به سوی تو از کتاب و
برپادار نماز را، هرآینه نماز منع می کند از کار بی حیایی و
فعل ناپسندیده و هرآینه یاد کردن خدا بزرگتر است از
همه و خدا می داند آنچه می کنید. ﴿۴۵﴾

۱- مترجم گوید: حاصل مثل آن است که ایشان به بتان پناه برده‌اند و بتان

هیچ نفع ندهند، چنانکه خانه عنکبوت هیچ فائده نمی دهد.

وَلَا تُجَدِّلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ
إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا
وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ
مُسْلِمُونَ ﴿٤٦﴾ وَكَذَلِكَ أُنْزِلَ إِلَيْكَ الْكِتَابُ فَلِلَّذِينَ
ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ^ط وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ
يُؤْمِنُ بِهِ^ه وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ ﴿٤٧﴾ وَمَا
كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ
بِيَمِينِكَ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ ﴿٤٨﴾ بَلْ هُوَ آيَاتٌ
بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ
بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ ﴿٤٩﴾ وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ
آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا
نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٥٠﴾ أَوْ لَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ
الْكِتَابَ يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَى
لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥١﴾ قُلْ كَفَى بِاللَّهِ بَيِّنًا وَبَيِّنَاتُكُمْ
شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا
بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٥٢﴾

و مکابرہ مکنید با اهل کتاب، الا به خصلتی کہ وی نیک
است، مگر با آنان کہ ستم کردند از ایشان و بگوئید: ایمان
آوردیم به آنچه فرود آورده شد به سوی ما و آنچه فرود
آورده شد به سوی شما و معبود ما و معبود شما یکی است
و ما او را منقادیم. ﴿۴۶﴾ چنانکہ کتاب‌های سابق فرود
آورده بودیم، همچنان فرود آوردیم به سوی تو کتاب.
پس آنان کہ دادیم ایشان را کتاب ایمان می‌آرند به آن و از
عرب کسی هست کہ ایمان می‌آرد بدان و انکار نمی‌کند
آیات ما را مگر کافران. ﴿۴۷﴾ و نمی‌خواندی پیش از
نزول قرآن هیچ کتاب را و نمی‌نوشتی هیچ کتاب را به
دست راست خود، آنگاه در شک می‌افتادند این بدکیشان.
﴿۴۸﴾ بلکه [قرآن] آیات روشن است، محفوظ در
سینه‌های آنان کہ داده شده ایشان را علم و انکار نمی‌کند
آیات ما را مگر ستمکاران^(۱). ﴿۴۹﴾ و گفتند: چرا
نفرستاده شد برین پیغامبر نشانه‌ها از جانب پروردگار وی؟
بگو: جز این نیست کہ نشانه‌ها نزدیک پروردگار من است
و جز این نیست کہ من ترسانندۀ آشکارم. ﴿۵۰﴾ آیا
کفایت نکرده است ایشان را آنکہ فرستادیم بر تو کتاب
کہ خوانده می‌شود بر ایشان، هرآینه در این مقدمه رحمت
و پند است برای قوم کہ باور می‌دارند. ﴿۵۱﴾ بگو: بس
است خدا گواه میان من و میان شما. می‌داند آنچه در
آسمان‌ها و زمین است و آنان کہ ایمان آوردند به ناحق و
کافر شدند به خدا، آن جماعت ایشانند زیانکاران. ﴿۵۲﴾

۱- مترجم گوید: بعض مفسران گفته‌اند کہ مراد از ﴿الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾ به

تنها ذات حضرت پیغامبرست ﷺ واللہ اعلم.

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ
 الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْةٌ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٣﴾
 يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ
 بِالْكَافِرِينَ ﴿٥٤﴾ يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ
 وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
 ﴿٥٥﴾ يِعْبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِنِّي
 فَاعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَاقَتْهُ الْمَوْتُ ثُمَّ إِلَيْنَا
 تُرْجَعُونَ ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 خَالِدِينَ فِيهَا نِعَمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿٥٨﴾ الَّذِينَ صَبَرُوا
 وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٥٩﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ
 رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٠﴾
 وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ
 الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٦١﴾ اللَّهُ
 يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُوَ إِنَّ
 اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٢﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ
 مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا
 لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

﴿٦٣﴾

و شتاب می طلبند از تو عذاب را و اگر نبودی میعادى
 معین، البته آمدی بدیشان عذاب و هرآینه بیاید بدیشان
 ناگهان و ایشان ندانند. ﴿۵۳﴾ شتاب طلب می کنند از تو
 عذاب را و هرآینه دوزخ درگیرنده است کافران را.
 ﴿۵۴﴾ روزی که بپوشاند ایشان را عذاب از بالای ایشان و
 از زیر پای ایشان و بگوید خدای: بچشید جزای آنچه
 می کردید. ﴿۵۵﴾ ای ^(۱) بندگان مسلمانان من! هرآینه
 زمین من گشاده است، پس مرا بخصوص عبادت کنید.
 ﴿۵۶﴾ هر شخصی چشندۀ مرگ است. باز به سوى ما
 گردانیده شوید. ﴿۵۷﴾ و آنان که ایمان آوردند و کارهای
 شایسته کردند، البته فرود آریم ایشان را از بهشت به
 محل های بلند، می رود زیر آن جوی ها، جاویدان آنجا.
 نیک است مزد این عمل کنندگان. ﴿۵۸﴾ آنان که صبر
 کردند و بر پروردگار خویش توکل می کنند. ﴿۵۹﴾ و بسا
 جانور که بر نمی دارد روزی خود را، خدا روزی می دهد او
 را و شما را نیز و اوست شنوای دانا. ﴿۶۰﴾ و اگر سؤال
 کنی ایشان را که کیست آن که آفرید آسمان ها و زمین و
 رام گردانید آفتاب و ماه را؟ البته گویند: آن خدای است.
 پس از چه جهت گردانیده می شوند از راه توحید؟ ﴿۶۱﴾
 خدا فراخ می کند روزی را برای هر که خواهد از بندگان
 خویش و تنگ می سازد برای هر که خواهد. هرآینه خدا
 به هر چیز داناست. ﴿۶۲﴾ و اگر پرسى ایشان را کیست
 آن که فرود آورد از آسمان آب را، پس زنده ساخت به
 سبب آن زمین را بعد از مردن آن؟ البته بگویند: آن
 خداست. بگو: ستایش خدای راست، بلکه بیشترین ایشان
 نمی فهمند. ﴿۶۳﴾

۱- مترجم گوید: خدای تعالی ترغیب می فرماید بر هجرت حبشه و مدینه
 به این آیات.

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ
 الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَاوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٦٥﴾ فَإِذَا رَكِبُوا
 فِي الْفُلِّ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيَهُمْ
 إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿٦٦﴾ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ
 وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٧﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا
 حَرَمًا مَّا آمَنَّا بِهِ وَيُذَكَّرُونَ ﴿٦٨﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا
 أَفْئَالَ الْبَطْلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ ﴿٦٩﴾ وَمَنْ
 أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ
 لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٧٠﴾
 وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ
 الْمُحْسِنِينَ ﴿٧١﴾

سُورَةُ الرُّومِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْم ﴿١﴾ غُلِبَتِ الرُّومُ ﴿٢﴾ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ
 بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ ﴿٣﴾ فِي بَضْعِ سِنِينَ ۖ لِلَّهِ الْأَمْرُ
 مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٤﴾
 يَنْصُرُ اللَّهُ يَنْصُرُ مَن يَشَاءُ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٥﴾

و نیست این زندگانی دنیا مگر بازی و بیهوده و هرآینه
 سرای آخرت همون است زندگانی، اگر می دانستند.
 ﴿۶۴﴾ پس ایشان چون سوار شدند در کشتی ها، دعا کنند
 به جناب خدا، خالص کنان برای وی عبادت را. پس وقتی
 که نجات دادیم ایشان را به سوی زمین خشک، ناگهان
 ایشان شریک می آرند. ﴿۶۵﴾ تا ناسپاسی کنند به آنچه عطا
 کردیم ایشان را و تا بهره مند شوند^(۱). پس حقیقت حال را
 خواهند دانست. ﴿۶۶﴾ آیا ندیدند که ما پیدا کردیم حرم با
 امن را و ربوده می شوند مردمان از حوالی ایشان؟ آیا
 بی اصل را باور می دارند و به نعمت خدا ناسپاسی
 می کنند؟! ﴿۶۷﴾ و کیست ستمکارتر از کسی که افتری
 کرد بر خدا دروغی را یا دروغ داشت سخن راست را چون
 بیاید پیش او؟ آیا نیست در دوزخ جایی کافران را؟
 ﴿۶۸﴾ و آنان که جهاد کردند در راه ما، البته دلالت کنیم
 ایشان را به راه های خود. و هرآینه خدا با نیکوکاران است.
 ﴿۶۹﴾

سوره روم

به نام خداوند بخشنده مهربان

الم^(۲). ﴿۱﴾ مغلوب شدند قوم روم. ﴿۲﴾ در نزدیک ترین
 زمین^(۳) و ایشان بعد از مغلوب شدن خود غالب خواهند
 آمد. ﴿۳﴾ در چند سال. خدای راست فرمان پیش از این و
 پس از این و آن روز شادمان شوند مسلمانان. ﴿۴﴾ به
 نصرت خدا، نصرت می دهد هر که را خواهد و اوست
 غالب مهربان. ﴿۵﴾

۱- یعنی به درستی یکدیگر به سبب اجتماع بر شرک بهره مند شوند.

۲- مترجم گوید: فارس بر روم غالب شدند و بعضی بلاد و سرحد را در
 تصرف خود آوردند. چون این خبر به مکه رسید، اهل اسلام
 اندوهگین شدند، زیرا که ایشان اهل کتاب بودند و کفار شادمان
 گشتند، زیرا که ایشان و اهل فارس امیان بودند. خدای تعالی آیات
 نازل فرمود و به غلبه روم بر اهل فارس بشارت داد و این در چند سال
 بعد هجرت متحقق شد و این قصه یکی از دلائل نبوت است.

۳- یعنی در سرحد خود.

وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦﴾ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَفْلُونَ ﴿٧﴾ أَوَلَمْ
يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ
كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ ﴿٨﴾ أَوَلَمْ
يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ
مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ
وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ
بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا
أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٩﴾ ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسْتَوُوا
السُّوْءَى أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ
﴿١٠﴾ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
﴿١١﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ ﴿١٢﴾ وَلَمْ
يَكُن لَّهُمْ مِّنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ
كَافِرِينَ ﴿١٣﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْفَخُونَ ﴿١٤﴾
فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي
رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ ﴿١٥﴾

وعده کرده است خدا خلاف نمی کند خدا وعده خود را و
لیکن اکثر مردمان نمی دانند. ﴿۶﴾ می دانند ظاهر را از
تدبیر زندگانی دنیا و ایشان از آخرت بی خبرانند. ﴿۷﴾ آیا
تأمل نکردند در ضمیر خود که نیافریده است خدا
آسمانها و زمین را و آنچه در میان آن هر دو است، مگر
به تدبیر درست و بتعیین میعاد مقرر؟ و هرآینه بسیاری از
مردمان به ملاقات پروردگار خویش نامعتقدند. ﴿۸﴾ آیا
سیر نکردند در زمین، پس بنگرند چگونه شد عاقبت
آنان که پیش از ایشان بودند؟ بودند توانا تر از ایشان و
شورانیدند زمین را و آباد کردند آن را بیشتر از آباد کردن
ایشان آن زمین را و آمدند بدیشان پیغامبران ایشان به
معجزه ها. پس ممکن نبود که خدا ستم کند بر ایشان و
لیکن ایشان بر خویشتن ستم می کردند. ﴿۹﴾ باز حال بد،
عاقبت آن کسان شد که بدی کردند به سبب آن که دروغ
داشتند آیات خدا را و به آن استهزاء می کردند. ﴿۱۰﴾
خدا نو پیدا می کند آفرینش، باز دوباره کندش، باز به
سوی او گردانیده شوید. ﴿۱۱﴾ و روزی که قایم شود
قیامت ملزم شده، خاموش مانند گناهکاران. ﴿۱۲﴾ و
نباشد برای ایشان از شریکان ایشان هیچ شفاعت کننده و
باشند به شریکان خویش، نامعتقد. ﴿۱۳﴾ و روزی که قایم
شود قیامت، آن روز پراکنده شوند مردمان. ﴿۱۴﴾ اما
آنان که ایمان آوردند و کردارهای شایسته کردند، پس
ایشان در بهشت خوشحال کرده شوند. ﴿۱۵﴾

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ
 فَأُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿١٦﴾ فَسُبْحَنَ اللَّهُ
 حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ ﴿١٧﴾ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ ﴿١٨﴾ يُخْرِجُ
 الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي
 الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿١٩﴾ وَمِنْ
 آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ
 تَنْتَشِرُونَ ﴿٢٠﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ
 أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ
 مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾
 وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافَ
 أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَنُكُمُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ
 ﴿٢٢﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
 وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
 يَسْمَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا
 وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ
 بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٤﴾

و اما آنان که کافر شدند و دروغ داشتند آیات ما را و ملاقات آخرت را، پس ایشان در عذاب، حاضر کرده گانند. ﴿۱۶﴾ پس پاکی است خدا را وقتی که شام می کنید و وقتی که به صبح در می آید. ﴿۱۷﴾ و مر او راست ستایش در آسمان ها و زمین و آخر روز و آنگاه که در وقت زوال در می آید^(۱). ﴿۱۸﴾ بر می آرد زنده را از مرده و بر می آرد مرده را از زنده و زنده می سازد زمین را بعد مردن آن و همچنین بر آورده خواهید شد (یعنی از قبور). ﴿۱۹﴾ و از نشانه های خدا آن است که آفرید شما را از خاک، باز ناگهان شما مردم شدید جابه جا پراکنده شده. ﴿۲۰﴾ و از نشانه های خدا آن است که بیافرید برای شما از جنس شما زنان را تا آرام گیرید به سوی ایشان متوجه شده و پیدا کرد میان شما دوستی و مهربانی، هر آینه در این کار نشانه هاست برای گروهی که تأمل می کنند. ﴿۲۱﴾ و از نشانه های اوست آفریدن آسمان ها و زمین و گوناگون بودن زبان های شما و رنگ های شما، هر آینه در این کار نشانه هاست دانشمندان را. ﴿۲۲﴾ و از نشانه های اوست خفتن شما در شب و روز و رزق طلب کردن شما از فضل او، هر آینه در این کار نشانه هاست برای قومی که می شنوند. ﴿۲۳﴾ و از نشانه های اوست که می نماید به شما برق را از برای ترسانیدن و رغبت دادن و فرود می آرد از آسمان آب، پس زنده می کند به سبب آن زمین را بعد از مردن آن. هر آینه در این کار نشانه هاست برای قومی که می فهمند. ﴿۲۴﴾

۱- مترجم گوید: مراد آن است که در هر وقتی ازین اوقات، دلایل تنزیه او از رذائل و انصاف او به حمائد، متجدد می گردد، پس مأمور شدند به صلوة، والله اعلم.

وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ ﴿٢٥﴾
وَلَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَلْبُونَ ﴿٢٦﴾
وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ
وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾ ضَرَبَ لَكُم مَّثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَّكُم مِّن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّن شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ
أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٨﴾
بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ ﴿٢٩﴾ فَأَقِمْ
وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ
عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَرِيمُ
وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾ مُنِيبِينَ
إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ
الْمُشْرِكِينَ ﴿٣١﴾ مِنَ الَّذِينَ قَرَعُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا
كُلَّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿٣٢﴾

و از نشانه‌های خدا است که می‌ایستد آسمان و زمین به حکم او، باز چون بخواند شما را یک بار خواندن، ناگهان شما از زمین برآید. ﴿۲۵﴾ و مر او راست آنچه در آسمان‌ها و زمین است، هر یکی برای او فرمانبردارند. ﴿۲۶﴾ و اوست آن که نو می‌کند آفرینش را، باز دوباره کندش و این دوباره کردن آسانتر است بر وی و مر او راست صفت بلندتر در آسمان‌ها و زمین و اوست غالب با حکمت. ﴿۲۷﴾ بیان کرد برای شما داستانی از حال شما. آیا هست برای شما از بندگان که مالک ایشان است دست شما، هیچ شریکی در آنچه عطا کردیم شما را، تا شما در آن یکسان باشید. بترسید از ایشان مانند ترسیدن از قوم خویش. همچنین بیان می‌کنیم نشانه‌ها برای قومی که می‌فهمند^(۱). ﴿۲۸﴾ بلکه پیروی کردند ستمکاران خواهش نفس خود را به غیر علم. پس که راه نماید کسی را که گمراه کرد خدا؟ و نیست ایشان را هیچ یاری دهنده. ﴿۲۹﴾ پس راست کن روی خود را برای عبادت حنیف شده. پیروی کن دین خدا را که پیدا کرد مردمان را بر وی. بدل کردن نبود دین خدا را. این است دین درست و لیکن اکثر مردمان نمی‌دانند. ﴿۳۰﴾ عبادت کنید رجوع کرده به سوی وی و بترسید از وی و برپا دارید نماز را و مباشید از مشرکان. ﴿۳۱﴾ مباشید از آنان که پراکنده ساختند دین خود را و شدند گروه گروه هر گروهی به آنچه نزدیک اوست خورسند است. ﴿۳۲﴾

۱- حاصل مثل آن است که مملوک با مالک برابر نمی‌شود، پس مملوک خدا را شریک او نتوان گفت.

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا
 أَذَقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾
 لِيَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾
 أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ
 يُشْرِكُونَ ﴿٣٥﴾ وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِن
 تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ
 ﴿٣٦﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ
 وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٣٧﴾ فَآتِ
 ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ
 لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
 ﴿٣٨﴾ وَمَا ءَاتَيْتُم مِّن رَّبًّا لَّا يَرْبُؤَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا
 يَرْبُؤُا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا ءَاتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ
 اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ ﴿٣٩﴾ اللَّهُ الَّذِي
 خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ
 هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَّن يَفْعَلُ مِن ذَٰلِكُمْ مِّن شَيْءٍ
 سُبْحَنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٠﴾ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي
 الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ
 بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤١﴾

و چون برسد به مردمان، سختی، بخوانند پروردگار خود را
 رجوع کرده به سوی وی، باز چون بچشانند ایشان را از
 جانب خود آسایشی، ناگهان طایفه‌ای از ایشان به
 پروردگار خود شریک می‌آرند. ﴿۳۳﴾ عاقبت حال ایشان
 آنکه ناسپاسی کند به آنچه عطا کردیم به ایشان. پس
 بهره‌مند شوید، پس زود حقیقت حال خواهید دانست.
 ﴿۳۴﴾ آیا فرود آوردیم بر ایشان دلیلی، پس آن دلیل بیان
 می‌کند برای ایشان به آنچه با خدا شریک می‌آرند؟
 ﴿۳۵﴾ و چون بچشانیم مردمان را بخشایشی، شادمان شوند
 به آن و اگر برسد بدیشان سختی به سبب آنچه پیش
 فرستاده است دست ایشان، ناگهان ایشان ناامید می‌شوند.
 ﴿۳۶﴾ آیا ندیدند که خدا گشاده می‌کند روزی را برای
 هر که می‌خواهد و تنگ می‌کند برای هر که می‌خواهد؟
 هرآینه در این مقدمه نشانه‌هاست برای قومی که ایمان
 می‌آرند. ﴿۳۷﴾ پس بده صاحب خویشی را حق وی و
 مسکین را و راهگذاری را، این دادن بهتر است برای
 کسانی که می‌طلبند روی خدا را و این جماعت، ایشانند
 رستگار. ﴿۳۸﴾ و آنچه داده باشید از سود تا بیفزاید در
 اموال مردمان، پس وی نمی‌افزاید نزدیک خدا و آنچه داده
 باشید از صدقه طلب‌کنان روی خدا را، پس این جماعت
 ایشانند دو چند کننده^(۱). ﴿۳۹﴾ خدا آن است که بیافرید
 شما را، باز روزی داد شما را، باز بمیراند شما را، باز زنده
 گرداند شما را. آیا از شریکان شما کسی هست که بکند از
 این کار چیزی؟ پاکی او راست و بلندتر است از آنچه
 شریک می‌آرند. ﴿۴۰﴾ پیدا شد فساد در بیابان و در دریا
 به سبب آنچه به عمل آورد دست مردمان تا بچشانند ایشان
 را جزای بعضی آنچه عمل کردند، بود که ایشان
 باز گردند^(۲). ﴿۴۱﴾

۱- مترجم گوید: مالی را که به شرط زیادت بدهند، ربا نام نهاده شد.

۲- یعنی قحط غرق و سائر مصائب، جزای قتل بنی آدم می‌باشد.

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ﴿٤١﴾ فَأَقِمْ
وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ
مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ ﴿٤٢﴾ مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ
كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسَ لَهُ يَمْهَدُونَ ﴿٤٣﴾
لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ
فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿٤٤﴾ وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ
يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ
وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ
رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَأَنْتَقَمْنَا مِنْ
الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٦﴾
اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي
السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ
يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ
عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٧﴾ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ
أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنَ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ ﴿٤٨﴾ فَانْظُرْ إِلَى
ءَاثَرِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ
ذَلِكَ لَمُنْجَى الْمُؤْمِنِينَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٩﴾

بگو: سیر کنید در زمین. پس در نگرید چگونه بود انجام
آنان که پیش از ایشان بودند. بودند بیشترین ایشان مشرکان.
﴿۴۲﴾ پس راست کن روی خود را برای دین درست،
پیش از آنکه بیاید روزی که بازگشتن نیست آن را از
جانب خدا، آن روز متفرق شوند. ﴿۴۳﴾ هر که کافر شد،
پس بر وی است کفر او و هر که کرده باشد کار شایسته،
پس این جماعت برای خویشتن، آرامگاه راست می کنند.
﴿۴۴﴾ تا جزا دهد خدا آنان را که ایمان آوردند و
کارهای شایسته کردند از فضل خود، هر آینه وی دوست
نمی دارد کافران را. ﴿۴۵﴾ و از نشانه های خدا آن است
که می فرستد بادهای مژده دهنده و برای آنکه بچشاند شما
را از رحمت خود (یعنی باران دهد) و برای آنکه جاری
شوند کشتی ها به فرمان او و برای اینکه روزی طلب کنید
از فضل او و برای آنکه شما شکر کنید. ﴿۴۶﴾ و هر آینه
پیش از تو فرستادیم پیغامبران را به سوی قوم ایشان، پس
آوردند پیش قوم خود نشانه ها، پس انتقام کشیدیم از
آنان که نافرمانی کردند و بود نصرت مسلمانان لازم بر ما.
﴿۴۷﴾ خدا آن است که می فرستد بادهای باران را. پس برانگیزاند
ابر را، پس خدا بگستراند آن ابر را در آسمان چنانکه
خواهد و بگرداندش پاره پاره، پس می بینی که قطرات
بیرون می آیند از میان آن، پس چون رساندش به هر که
خواهد از بندگان خود ناگهان ایشان شادمان شوند.
﴿۴۸﴾ و اگر چه بودند پیش از آنکه فرود آورده شود بر
ایشان [باران] ناامید شونده. ﴿۴۹﴾ پس در نگر به سوی
آثار رحمت خدا، چگونه زنده می کند زمین را بعد مرده
بودن آن، هر آینه وی البته زنده کننده مردگان است و او
بر همه چیز تواناست. ﴿۵۰﴾

وَلَيْنَ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ
يَكْفُرُونَ ﴿٥١﴾ فَإِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمِعُ
الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ﴿٥٢﴾ وَمَا أَنْتَ بِهَدٍ
الْعُمِّي عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا
فَهُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٥٣﴾ ۞ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ
ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ
بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ
الْقَدِيرُ ﴿٥٤﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا
لَبِئُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ ﴿٥٥﴾ وَقَالَ
الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ
إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا
تَعْلَمُونَ ﴿٥٦﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعَذِرَتُهُمْ
وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٥٧﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا
الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ
الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ ﴿٥٨﴾ كَذَلِكَ
يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٩﴾ فَاصْبِرْ
إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ

﴿٦٠﴾

و اگر فرستیم بادی، پس ببینند آن کشت را زرد شده، البته
شوند بعد از آن ناسپاسی کننده. ﴿۵۱﴾ پس هرآینه تو
نمی شنوای مردگان را و نمی شنوای کران را آواز خواندن،
چون روی بگردانند پشت داده. ﴿۵۲﴾ و نیستی تو راه
نماینده کوران از گمراهی ایشان. نمی شنوای مگر کسی را
که باور می دارد آیات ما را، پس آن جماعت انقیاد
کننده اند. ﴿۵۳﴾ خدا آن است که آفرید شما را از ابتدای
ناتوانی، باز داد مر شما را بعد از ناتوانی، توانایی، باز داد
بعد از توانایی، ناتوانی و سپیدی موی، می آفریند هرچه
می خواهد و اوست دانای توانا. ﴿۵۴﴾ و روزی که قائم
شود قیامت، سوگند خورند گناهکاران که توقف نکردند
(یعنی در دنیا) بجز ساعتی، همچنین از راه برگردانیده
می شوند^(۱). ﴿۵۵﴾ و گویند آنان که علم و ایمان داده شده
است ایشان را: هرآینه توقف کرده اید بر وفق کتاب خدا
تا روز رستخیز، پس این است روز رستخیز و لیکن شما
نمی دانستید. ﴿۵۶﴾ پس آن روز سود ندهد ظالمان را
عذرخواهی ایشان و نه ایشان طلب توبه کرده شوند.
﴿۵۷﴾ هرآینه بیان کردیم برای مردمان در این قرآن هر
داستانی و اگر بیاری پیش ایشان نشانه ای، گویند کافران:
نیستید شما مگر بیهوده گو. ﴿۵۸﴾ همچنین مَهْری می نهد
خدا بر دل آنان که نمی دانند. ﴿۵۹﴾ پس صبر کن، هرآینه
وعدۀ خدا راست است و سبکسار نکنند تو را آنان که یقین
نمی آرند. ﴿۶۰﴾

۱- یعنی چون عقوباتِ مخلّده معاینه کردند دنیا را به مشابۀ ساعتی خیال
نمودند، بر عکس آنکه در حیات دنیا را به مشابۀ خلود خیال
می کردند، والله اعلم.

سُورَةُ لُقْمَانَ

سوره لقمان

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَلَمْ ۙ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ﴿٢﴾ هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ ﴿٣﴾ الَّذِيْنَ يُقِيمُوْنَ الصَّلَاةَ وَيُوْتُوْنَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُوْنَ ﴿٤﴾ اُوْلٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ۖ وَاُوْلٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿٥﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۚ اُوْلٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٦﴾ وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا وَلَّى مُسْتَكْبِرًا كَاَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَاَن فِىْ اُذُنَيْهِ وَقْرًا ۚ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ﴿٧﴾ اِنَّ الَّذِيْنَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ لَهُمْ جَنَّٰتُ النَّعِيْمِ ﴿٨﴾ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ۖ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا ۖ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٩﴾ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَّرَوْنَهَا ۚ وَاَلْقٰى فِى الْاَرْضِ رَوْسًى اَنْ تَمِيْدَ بِكُمْ ۚ وَبَثَّ فِيْهَا مِنْ كُلِّ دَآبَّةٍ ۚ وَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَنْثَبْنَا فِيْهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيْمٍ ﴿١٠﴾ هٰذَا خَلْقُ اللَّهِ فَاَرُوْنِىْ مَاذَا خَلَقَ الَّذِيْنَ مِنْ دُوْنِهٖ ۚ بَلِ الْظٰلِمُوْنَ فِى ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿١١﴾

الم. ﴿۱﴾ این آیات‌های کتاب با حکمت است. ﴿۲﴾ هدایت و بخشایش شده برای نیکوکاران. ﴿۳﴾ آنان که برپا می‌دارند نماز را و می‌دهند زکات را و ایشان به آخرت یقین می‌دارند. ﴿۴﴾ این جماعت بر هدایت‌اند، آمده از پروردگار ایشان و این جماعت، ایشانند رستگار. ﴿۵﴾ و از مردمان کسی هست که می‌ستاند سخنی را که برای بازی است ^(۱) تا گمراه کند مردم را از راه خدا به غیر علم و تمسخر گیرد راه خدا را. این جماعت، ایشان راست عذاب خوارکننده. ﴿۶﴾ و چون خوانده شود برین شخص آیات ما، روی بگرداند تکبرکنان. گویا نشنیده است آن را، گویا در دو گوش وی گرانی است. پس خبر ده او را به عذاب درد دهنده. ﴿۷﴾ هرآینه آنان که ایمان آوردند و کردارهای شایسته کردند، ایشان راست بهشت‌های نعمت. ﴿۸﴾ جاویدان آنجا. وعده داده است خدا، وعده راست و اوست غالب با حکمت. ﴿۹﴾ آفرید آسمان‌ها به غیر ستون‌ها که ببینید آن را و افکند در زمین کوه‌ها برای احتراز از آنکه بجنباند شما را و پراکنده کرد در زمین از هر نوع جانور، و فرود آوردیم از آسمان، آبی. پس رویانیدیم در زمین از هر جنس نیک. ﴿۱۰﴾ این است آفرینش خدا، پس بنمایید مرا چه چیز آفریدند آنان که بجز وی‌اند؟ بلکه ستمکاران در گمراهی ظاهرند. ﴿۱۱﴾

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا لُقْمَنَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَن يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿١٢﴾ وَإِذْ قَالَ لُقْمَنُ لِبَنِيهِ ۖ وَهُوَ يَعِظُهُ ۚ يَبْنَىٰ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ ۖ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴿١٣﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفَصَّلَهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَٰهُ الْمَصِيرِ ﴿١٤﴾ وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۖ وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا ۖ وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾ يَبْنَىٰ إِنَّهَا إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿١٦﴾ يَبْنَىٰ أَقِمِ الصَّلَاةَ ۖ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ ۖ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ ۖ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزَمِ الْأُمُورِ ﴿١٧﴾ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ ۖ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿١٨﴾ وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ ۖ وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ ۖ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿١٩﴾

و هر آینه عطا کردیم لقمان را حکمت. گفتیم که شکر کن خدا را، و هر که شکر کند، پس جز این نیست که شکر می‌کند برای نفع خود و هر که ناسپاسی کند، پس هر آینه خدا بی‌نیاز ستوده کار است. ﴿۱۲﴾ و یاد کن چون گفت لقمان به پسر خود و او پند می‌داد آن پسر را: ای پسرک من! شریک مقرر مکن با خدا، هر آینه شرک ستمی بزرگ است. ﴿۱۳﴾ و حکم فرمودیم آدمی را به نسبت پدر و مادر وی. در شکم برداشته است وی را مادر وی در حال سستی بالای سستی دیگر^(۱) و از شیر باز کردن او را در دو سال است، [به این مضمون] که شکرگزاری کن مرا و پدر و مادر خود را. به سوی من است بازگشت. ﴿۱۴﴾ و اگر کوشش کنند با تو بر آنکه شریک مقرر کنی با من چیزی که نیست تو را به حقیقت آن دانش، پس فرمانبرداری ایشان مکن و صحبت دار با ایشان در معیشت دنیا به وجه پسندیده و پیروی کن راه کسی که رجوع دارد به سوی من، باز به سوی من است رجوع شما، پس بی‌گناهانم شما را به آنچه می‌کردید. ﴿۱۵﴾ [گفت لقمان]: ای پسرک من! هر آینه خطیه اگر باشد هم سنگ دانه‌ای از سپندان، پس باشد در میان سنگی یا در آسمان‌ها یا در زمین، به هر حال حاضر کند آن را خدا، هر آینه خدا باریک بین خبردار است. ﴿۱۶﴾ ای پسرک من! برپادار نماز را و بفرما به کار پسندیده و منع کن از ناپسندیده و صبر کن بر هرچه برسد به تو، هر آینه این مقدمه از کارهای مقصود است. ﴿۱۷﴾ و متاب رخساره خود را از طرف مردمان (یعنی به تکبر) و راه مرو در زمین، خرامان، هر آینه خدا دوست نمی‌دارد هر نازنده خودستاینده را. ﴿۱۸﴾ و میانه‌روی کن در رفتار خود و فرود آر آواز خود را، هر آینه بدترین آواها آواز خران است. ﴿۱۹﴾

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَهَرَةً وَبَاطِنَةً ۖ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَّلُوْكَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿٢١﴾ وَمَن يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿٢٢﴾ وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ ۚ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٢٣﴾ نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٢٤﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٥﴾ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٦﴾ وَلَوْ أَتَمَّا فِي الْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَمُ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِن بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمَتُ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٧﴾ مَا خَلَقَكُمْ وَلَا بَعَثَكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٢٨﴾

﴿٢٨﴾

آیا ندیدید که خدا رام گردانید برای شما آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و تمام فرود آورد بر شما نعمت‌های خود را آشکارا و پنهان؟ و از مردمان کسی هست که مکابره می‌کند در باب خدا به غیر دانش و به غیر هدایت و به غیر کتاب روشن. ﴿۲۰﴾ و چون گفته شود به ایشان که پیروی کنید چیزی را که فرود آورد خدا، گویند: بلکه پیروی کنیم چیزی را که یافتیم بر آن پدران خود را. آیا پیروی می‌کنند اگرچه شیطان می‌خواند ایشان را به سوی عذاب دوزخ؟ ﴿۲۱﴾ و هر که متوجه ساخت روی خود را به سوی خدا و وی نیکوکار است، پس هر آینه دست زده است به دست آویزی محکم و به سوی خدا است بازگشت کارها. ﴿۲۲﴾ و هر که کافر شود، پس اندوهگین نکند تو را کفر وی. به سوی ماست رجوع ایشان، پس خبردار کنیم ایشان را به آنچه می‌کردند، هر آینه خدا دانا است به خصلتی که در سینه‌ها باشد. ﴿۲۳﴾ بهره‌مند می‌سازیم ایشان را اندکی، باز به بیچارگی برانیم ایشان را به سوی عذاب سخت. ﴿۲۴﴾ و اگر سؤال کنی از ایشان: کیست که بیافرید آسمان‌ها و زمین را؟ البته بگویند: خدا آفرید. بگو: ستایش خدا راست. بلکه اکثر ایشان نمی‌دانند. ﴿۲۵﴾ خدای راست آنچه در آسمان‌ها و زمین است، هر آینه خدا همان است بی‌نیاز ستوده. ﴿۲۶﴾ و اگر آنچه در زمین است از درختان، قلم‌ها شوند و دریا سیاهی بود، زیاده می‌کند آن را بعد از این دریا هفت دریای دیگر، به پایان نرسند سخنان خدا. هر آینه خدا غالب با حکمت است. ﴿۲۷﴾ نیست آفریدن شما و نه برانگیختن شما، الا مانند آفریدن و برانگیختن یک تن. هر آینه خدا شنوای بیناست. ﴿۲۸﴾

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي
 اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلُّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ
 مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٩﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ
 اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَطْلُ وَأَنَّ
 اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٣٠﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي
 فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ عَائِيَّتِهِ إِنَّ فِي
 ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣١﴾ وَإِذَا غَشِيَهُمْ
 مَوْجٌ كَالظَّلِيلِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا
 نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا
 كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ ﴿٣٢﴾ يَأْتِيهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ
 وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ
 هُوَ جَارٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا
 تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ
 ﴿٣٣﴾ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ
 وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا
 تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ
 إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿٣٤﴾

آیا ندیدی که خدا در می‌آرد شب را در روز و در می‌آرد
 روز را در شب و رام گردانید آفتاب و ماه را، هر یکی
 می‌رود تا مدتی معین؟ و آیا ندیدی که خدا به آنچه
 می‌کنید خبردار است؟ ﴿۲۹﴾ این کارها به سبب آن است
 که خدا همونست ثابت و به سبب آن است که آنچه
 می‌پرستند بجز وی، بی‌اصل است و به سبب آن است که
 خدا همونست بلند مرتبه بزرگ قدر. ﴿۳۰﴾ آیا ندیدی
 که کشتی‌ها می‌رود در دریا به فضل خدا تا بنماید بعض
 نشانه‌های خویش. هرآینه در این مقدمه نشانه‌هاست هر
 صبر کننده سپاس دارنده را. ﴿۳۱﴾ و چون در گیرد ایشان
 را موج مانند سایبان‌ها، بخوانند خدای را خالص کرده برای
 او عبادت. پس آنگاه که نجات داد ایشان را به سوی بیابان،
 پس بعضی ایشان میانه‌رو باشد. و انکار نمی‌کند آیات ما را
 مگر هر عهد شکننده ناسپاس دارنده. ﴿۳۲﴾ ای مردمان!
 بترسید از پروردگار خویش و حذر کنید از روزی که
 کفایت نکند هیچ پدر به جای پسر خویش و نه فرزندی
 کفایت کننده باشد به جای پدر خود چیزی را. هرآینه
 وعده خدا راست است، پس فریب ندهد شما را زندگانی
 دنیا و فریب ندهد شما را در مقدمه خدا شیطان فریبنده.
 ﴿۳۳﴾ هرآینه خدا نزدیک اوست علم قیامت و فرو
 می‌فرستد باران را و می‌داند آنچه در شکم حامله‌ها باشد، و
 نمی‌داند هیچ شخصی که چکار خواهد کرد فردا و
 نمی‌داند هیچ شخصی که به کدام زمین خواهد مرد.
 هرآینه خدا دانای خبردار است. ﴿۳۴﴾

سُورَةُ السَّجْدَةِ

سوره سجده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اَلَمْ ۙ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ
 اَلْعَالَمِينَ ۝ اَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ
 رَبِّكَ لِشُنُذِرَ قَوْمًا مَّا اَتَتْهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِّنْ قَبْلِكَ
 لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ۝ اَللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ
 وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى
 الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِّنْ دُوْنِهٖ مِنْ وَّلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ اَفَلَا
 تَتَذَكَّرُونَ ۝ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ اِلَى الْاَرْضِ
 ثُمَّ يَعْرُجُ اِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ اَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا
 تَعُدُّونَ ۝ ذٰلِكَ عَلِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ
 الرَّحِيْمُ ۝ الَّذِي اَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ وَبَدَأَ
 خَلْقَ الْاِنْسٰنِ مِنْ طِينٍ ۝ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ
 سُُلٰلَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ ۝ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيْهِ مِنْ
 رُّوْحِهٖ ۙ وَجَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْاَبْصَرَ وَالْاَفْئِدَةَ
 قَلِيْلًا مَّا تَشْكُرُونَ ۝ وَقَالُوا اِذَا ضَلَلْنَا فِي الْاَرْضِ
 اٰءَنَّا لَفِيْ خَلْقٍ جَدِيْدٍۢ بَلْ هُمْ بِلِقَآءِ رَبِّهِمْ كٰفِرُونَ
 ۝ قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ
 ثُمَّ اِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ۝

الم. ﴿۱﴾ فرود آوردن کتاب، هیچ شبهه نیست در آن، از
 جانب پروردگار عالم‌هاست. ﴿۲﴾ آیا می‌گویند بر بافته
 است آن را؟ بلکه وی راست است آمده از جانب
 پروردگار تو تا ترسانی قومی را که نیامده است به ایشان
 هیچ ترساننده پیش از تو، تا بود که ایشان راه یابند. ﴿۳﴾
 خدا آن است که آفرید آسمان‌ها و زمین و آنچه ما بین
 آنهاست در شش روز، باز قرار گرفت بر عرش. نیست شما
 را بجز وی هیچ دوستی و نه شفاعت کننده. آیا پندپذیر
 نمی‌شوید؟ ﴿۴﴾ تدبیر می‌کند کار را فرود آورده از
 آسمان به سوی زمین، باز بالا می‌رود آن کار به سوی خدا
 در روزی که هست مقدار آن هزار سال از آن حساب که
 می‌شمارید^(۱). ﴿۵﴾ این است صفت دانندهٔ نهان و آشکارا،
 غالب مهربان. ﴿۶﴾ آن که به نیک‌ترین وجه ساخت هر
 چیزی را که آفریدش و نو کرد آفرینش آدمی را از گل.
 ﴿۷﴾ باز پیدا کرد نسل او را از خلاصه‌ای از آب خوار.
 ﴿۸﴾ باز درست اندام کردش و دمید در وی روح خود را
 و پیدا کرد برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها. اندکی شکر
 می‌کنید. ﴿۹﴾ و و گفتند: چون گم شویم در زمین آیا ما
 در آفرینش نو خواهیم بود؟ بلکه ایشان به ملاقات
 پروردگار خویش کافراند. ﴿۱۰﴾ بگو: قبض روح شما
 می‌کند ملک الموت که گماشته شده است بر شما، باز به
 سوی پروردگار خویش گردانیده شوید. ﴿۱۱﴾

۱- یعنی اگر مردمان نزول تدبیر و عروج او تصور کنند، در کم از هزار
 سال خیال نمایند و آن همه پیش خدای تعالی در یک روز تمام
 می‌شود. غرض آن است که اوهم ایشان به قدرت او نمی‌رسند، والله
 اعلم.

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ
 رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا
 مُوقِنُونَ ﴿١٢﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًى
 وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ
 وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٣﴾ فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ
 هَذَا إِنَّا نَسِينَكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ
 تَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾ إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا
 خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا
 يَسْتَكْبِرُونَ ﴿١٥﴾ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ
 يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ
 ﴿١٦﴾ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ
 جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٧﴾ أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن
 كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ ﴿١٨﴾ أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا
 يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا
 أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا
 عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ ﴿٢٠﴾

و تعجب کنی اگر در نگری وقتی که گناهکاران، نگونسار
 کننده سر خویش باشند نزد پروردگار خویش. گویند: ای
 پروردگار ما! دیدیم و شنیدیم. پس باز گردان ما را تا
 بکنیم کار شایسته، هر آینه ما یقین کننده ایم. ﴿۱۲﴾ و اگر
 می خواستیم، البته می دادیم هر شخصی را هدایت او و
 لیکن ثابت شد وعده ای از جانب من که هر آینه پر کنم
 دوزخ را از جنیان و آدمیان، همه یکجا. ﴿۱۳﴾ پس بچشید
 این عذاب به سبب آنکه فراموش کردید ملاقات این روز
 خود را. هر آینه ما نیز فراموش کردیم شما را و بچشید
 عذاب دایم به سبب آنچه می کردید. ﴿۱۴﴾ جز این نیست
 که ایمان می آرند به آیات ما آنان که چون پند داده
 می شوند به آن، نگونسار افتند سجده کنان و به پاکی یاد
 کنند با ستایش پروردگار خویش و ایشان تکبر نمی کنند.
 ﴿۱۵﴾ دور می ماند پهلوی ایشان از خوابگاه، می خوانند
 پروردگار خود را به ترس و امیدواری و از آنچه روزی
 دادیم ایشان را، خرج می کنند. ﴿۱۶﴾ پس نمی داند هیچ
 نفس چه چیز پنهان داشته شد برای ایشان از خنکی چشم،
 پاداش داده شد به آنچه می کردند. ﴿۱۷﴾ آیا کسی که
 مؤمن باشد، مانند کسی هست که فاسق باشد؟! برابر
 نمی شوند. ﴿۱۸﴾ اما آنان که ایمان آوردند و کارهای
 شایسته کردند، پس ایشان راست بهشت های جای ماندن
 به طریق مهمانی به سبب آنچه می کردند. ﴿۱۹﴾ و اما
 آنان که فاسق بودند، پس جای ایشان دوزخ است. هر گاهی
 که خواهند که بیرون آیند از آنجا، باز گردانیده شوند در
 آن و گفته شود به ایشان: بچشید عذاب آتش که آن را
 دروغ می داشتید. ﴿۲۰﴾

وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢١﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُن فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿٢٣﴾ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٢٥﴾ أَوْ لَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً أَفَلَا يَسْمَعُونَ ﴿٢٦﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ ﴿٢٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٨﴾ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ﴿٢٩﴾ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرِ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ ﴿٣٠﴾

و البته بچشانیم ایشان را عذاب نزدیک (یعنی در دنیا) این طرف از عذاب بزرگ. بود که ایشان باز گردند. ﴿۲۱﴾ و کیست ستمکارتر از کسی که پند داده شد به آیات پروردگار خویش، باز روی بگرداند از آن؟ هرآینه ما از گناهکاران انتقام کشنده ایم. ﴿۲۲﴾ و هرآینه دادیم موسی را کتاب، پس مباش در شبهه از ملاقات قرآن و ساختیم موسی را هدایت برای بنی اسرائیل. ﴿۲۳﴾ و پیدا کردیم از ایشان پیشوایان که راه نمودند به فرمان ما، وقتی که صبر کردند و به آیات ما یقین می آوردند. ﴿۲۴﴾ هرآینه پروردگار تو فیصل کند میان ایشان روز قیامت در آنچه اندر آن اختلاف می کردند. ﴿۲۵﴾ آیا واضح نشد ایشان را که چقدر هلاک کردیم پیش از ایشان از قرن ها، می روند ایشان در خانه های آن جماعت. هرآینه در این کار نشانه ها است. آیا نمی شنوند؟ ﴿۲۶﴾ آیا ندیدند که ما روان می کنیم آب را به سوی زمین بی گیاه تا بیرون آریم به سبب آن زراعت را، می خورند از آن زراعت، چهارپایان ایشان و خود ایشان نیز؟ آیا نمی بینند؟ ﴿۲۷﴾ و می گویند: کی خواهد بود این فتح اگر راست گویید؟! ﴿۲۸﴾ بگو: روز فتح سود ندهد کافران را ایمان آوردن ایشان و نه ایشان مهلت داده شوند. ﴿۲۹﴾ پس روی بگردان از ایشان و انتظار بکن، هرآینه ایشان نیز منتظرانند. ﴿۳۰﴾

سُورَةُ الْأَحْزَابِ

سوره احزاب

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ
وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝^(۱) وَاتَّبِعْ مَا
يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ
خَبِيرًا ۝^(۲) وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝^(۳) مَا
جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ ۚ وَمَا جَعَلَ
أَزْوَاجَكُمْ أَلْفًا تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا
جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ۚ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ
بِأَفْوَاهِكُمْ ۖ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ ۝^(۴)
أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَّمْ تَعْلَمُوا
ءَابَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ
عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ ۚ وَلَٰكِن مَّا
تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ ۚ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ۝^(۵)
النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ ۖ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ ۚ
وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ
أَوْلِيَائِكُمْ مَّعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا

۱

ای پیغامبر! بترس از خدا و فرمانبرداری مکن کافران را و منافقان را، هرآینه خدا هست دانای با حکمت. ﴿۱﴾ و پیروی کن چیزی را که وحی فرستاده می شود به سوی تو از جانب پروردگار تو، هرآینه خدا هست به آنچه می کنی خبردار. ﴿۲﴾ و توکل کن بر خدا و خدا و کیل بس است. ﴿۳﴾ نیافریده است خدای تعالی برای هیچ مردمی دو دل در داخل بدن او^(۱)، و نگردانیده است آن زنان شما را که ظاهر می کنید با ایشان مادران شما و نساخته است پسر خواندگان شما را پسران شما، این سخن شما است که می گوید به دهان خویش و خدا می گوید سخن راست و او دلالت می کند بر راه. ﴿۴﴾ نسبت کنید پسران خواندگان را به پدران ایشان، این راست تر است نزدیک خدا. پس اگر ندانید پدران ایشان را، پس برادران شما را در دین و آزاد کردگان شما را^(۲) و نیست بر شما گناهی در لفظی که خطا کرده باشید به تکلم آن و لیکن گناه آن است که قصد کرد دل های شما و هست خدا آمرزنده مهربان. ﴿۵﴾ پیغامبر سزاوارتر است به تصرف در امور مسلمین از ذات های ایشان و زنان پیغامبر، مادران ایشانند^(۳)، و خداوندان قرابت، بعضی ایشان نزدیکترند به بعضی در حکم خدا از سایر مسلمانان و هجرت کنندگان، لیکن آنکه بکنید سوی دوستان خود رعایتی، جایز بود، این حکم هست در لوح محفوظ نوشته شده^(۴). ﴿۶﴾

۱- مترجم گوید که: درین آیات ردّ است بر قول کافری که مرا دو دل داده اند و بر آنچه اهل جاهلیت مقرر کرده بودند که مظاهره مثل مادر، حرام مؤبدی شود و تعریض است به جواب طعن کافران و منافقان به نسبت حضرت ﷺ چون زینب را تزوج فرمود که زن پسر خوانده را به زنی گرفت.

۲- یعنی پس به این لقب بخوانید.

۳- یعنی در حرمت نکاح.

۴- یعنی صله ارحام، واجب است و توارث هجرت و اسلام منسوخ شد به توارث به قرابت و ارحام.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ
وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ
مِيثَاقًا غَلِيظًا ﴿٧﴾ لِيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ
وَأَعِدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٨﴾ يَتَأَيَّهَا الَّذِينَ
ءَامَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ
جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ
اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٩﴾ إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ
وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ
الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا ﴿١٠﴾ هُنَالِكَ
أَبْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا ﴿١١﴾ وَإِذْ يَقُولُ
الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ
وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢﴾ وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ
يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ
فَرِيقٌ مِّنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ
بِعَوْرَةٍ إِن يَرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا ﴿١٣﴾ وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ
مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوَّاهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا
إِلَّا يَسِيرًا ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا
يُولُونَ إِلَّا دُبُرَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا ﴿١٥﴾

و یاد کن چون گرفتیم از پیغامبران عهد ایشان را و از تو
بگرفتیم و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی، پسر مریم و
گرفتیم از ایشان عهد محکم. ﴿۷﴾ تا خدای تعالی بپرسد
آن راستگویان را از راستی ایشان و مهیا کرده است برای
کافران عذاب درد دهنده^(۱). ﴿۸﴾ ای مسلمانان! یاد کنید
نعمت خدا را بر خویش وقتی که آمد بر شما لشکرها، پس
فرستادیم بر ایشان باد را و لشکرها که ندیدید آن را و
هست خدا به آنچه می کنید بینا. ﴿۹﴾ چون آمدند بر شما
از جانب بالای شما و از جانب پایین شما و چون خیره
ماندند دیده ها و برسید دل ها به چنبر گردن و گمان
می کردید به نسبت خدا گمان های مختلف. ﴿۱۰﴾ آنجا
امتحان کرده شد مسلمانان را و جنبانیده شد ایشان را
جنبانیدن سخت. ﴿۱۱﴾ و چون می گفتند منافقان و آنان که
در دل ایشان بیماری است: وعده نداد ما را خدا و رسول او
مگر به طریق فریب دادن. ﴿۱۲﴾ و چون گفتند طایفه از
ایشان: ای اهل مدینه! سرای ماندن نیست شما را پس
بازگردید. و دستوری می طلبد گروهی از ایشان از جانب
پیغمبر، می گویند: هرآینه خانه های ما نامضبوط است و
نیستند آن خانه های نامضبوط، نمی خواهند مگر گریختن.
﴿۱۳﴾ و اگر در آمده می شد بر سر ایشان از نواحی آن،
پس طلب کرده می شد از ایشان خانه جنگی، البته می دادند
آن را و توقف نمی کردند در دادن فتنه مگر اندکی^(۲).
﴿۱۴﴾ و هرآینه عهد بسته بودند با خدا پیش از این که
برنگردانند پشت را و هست عهد خدا پرسیده شده. ﴿۱۵﴾

۱- مترجم گوید: کفار در غزوه احزاب بر مدینه هجوم کردند و آن
حضرت ﷺ به خندق متحصن شدند و از منافقان سخنان نفاق سر زده
شد و مخلصان استقامت ورزیدند و آخر فتح اسلام واقع شد خدای
تعالی در ذم آنان و مدح آنان و منت نهادن برایشان نازل ساخت.

۲- مترجم گوید: حاصل کلام آن است که در جهاد توقف می کنند و اگر
جنگ در مقدمه نفسانی می شد، توقف نمی کردند.

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوْ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٦﴾ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧﴾ ۞ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمَعْوِقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَاسَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٨﴾ أَشْحَهَّ عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغَشِّي عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالْسِنَةِ حِدَادٍ أَشْحَهَّ عَلَى الْخَيْرِ أَوْلَيْكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٩﴾ يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوْدُوا لَهُ أُنْهَمُ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢٠﴾ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ﴿٢١﴾ وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا ﴿٢٢﴾

بگو: سود ندهد شما را گریختن، اگر بگریزید از مرگ یا از کشته شدن و آن هنگام بهره‌مند ساخته نشوید مگر اندکی. ﴿۱۶﴾ بگو: کیست آن که نگاه دارد شما را از تصرف خدا اگر بخواید در حق شما سختی یا بخواید در حق شما نعمتی؟ و نیابند برای خویش بجز خدا دوستی و نه یاری دهنده. ﴿۱۷﴾ هرآینه خدا می‌داند بازدارندگان را از شما و گویندگان را به برادران خویش که بیایید به سوی ما و حاضر نمی‌شوند به کارزار، مگر اندکی. ﴿۱۸﴾ بخل کنان به نسبت شما^(۱). پس چون بیاید ترس، ببینی که ایشان در می‌نگرند به سوی تو، می‌گردد چشمهای ایشان مانند کسی که بیهوش کرده شود از سختی موت. پس چون برود ترس، زبان درازی کنند بر شما به زبان‌های تیز بخل کنان بر مال. این جماعت ایمان نیاوردند، پس خدا نابود ساخت کردارهای ایشان را و هست این کار بر خدا آسان. ﴿۱۹﴾ می‌پندارند که لشکریهای کفار نرفته‌اند و اگر بیایند لشکرها، تمنا کنند: کاش ایشان صحرانشین بودندی در میان اعراب، سؤال می‌کردند از اخبار شما^(۲) و اگر باشند در میان شما، کارزار نکنند مگر اندکی. ﴿۲۰﴾ هرآینه هست شما را به پیغامبر خدا پیروی نیک، کسی را که توقع می‌داشت ثواب خدا و توقع می‌داشت روز آخر و یاد کرد خدا را بسیاری. ﴿۲۱﴾ و چون دیدند مسلمانان لشکرها را، گفتند این است آنچه وعده داده بود ما را خدا و پیغامبر او و راست گفت خدا و رسول او و این ماجرا نیفزود در حق ایشان، مگر باور داشتن و گردن نهادن. ﴿۲۲﴾

۱- یعنی در سوار شما.

۲- یعنی از هر آینده و رونده.

مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ
 فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا
 تَبْدِيلًا ﴿٢٣﴾ لِّيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ
 وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنِ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ
 كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٢٤﴾ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا
 بِعَيْثِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ
 وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا ﴿٢٥﴾ وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَلَهُوهُمْ مِّنْ
 أَهْلِ الْكِتَابِ مِّنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ
 الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا ﴿٢٦﴾
 وَأَوْرَثَكُم أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ
 تَطَّوْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢٧﴾ يَأْتِيهَا
 النَّبِيُّ قُلٌ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا
 وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْن أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا
 جَمِيلًا ﴿٢٨﴾ وَإِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأَرْضَ
 الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا
 عَظِيمًا ﴿٢٩﴾ يٰنِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ
 مُّبِينَةٍ يُصْعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى
 اللَّهِ يَسِيرًا ﴿٣٠﴾

خدا کافران را با خشم ایشان، نیافتند هیچ منفعتی و کفایت
 کرد خدا از طرف مسلمانان در مقدمه جنگ و هست خدا
 توانای غالب. ﴿۲۵﴾ و فرود آورد آنان را که مددگاری
 این لشکرها کرده بودند از اهل کتاب^(۲) از قلعه‌های ایشان
 و افکند در دل ایشان خوف. طایفه را می‌کشتید و اسیری
 می‌گرفتید طایفه را. ﴿۲۶﴾ و عاقبت کار به شما داد زمین
 ایشان را و خانه‌های ایشان را و مال‌های ایشان را و نیز
 عاقبت کار به شما داد زمینی را که نفرسوده‌اید آن را^(۳) و
 هست خدا بر همه چیز توانا. ﴿۲۷﴾ ای^(۴) پیغامبر! بگو: به
 زنان خود: اگر خواسته باشید زندگانی دنیا و آرایش آن،
 پس بیایید تا جامه دهم شما را و رها کنم شما را رها کردن
 نیک. ﴿۲۸﴾ و اگر می‌خواهید خدا و پیغامبر او را و سرای
 آخرت را، پس هرآینه خدا آماده ساخت برای زنان
 نیکوکاری کننده از شما مزد بزرگ. ﴿۲۹﴾ ای زنان
 پیغامبر! هر که به عمل می‌آرد از شما بدکاری ظاهر^(۵)، دو
 چند کرده شود وی را عذاب دو چندان و هست این مقدمه
 بر خدا آسان. ﴿۳۰﴾

۲- یعنی بنی قریظه را فرود آورد.

۳- یعنی خیر.

۴- مترجم گوید: ازواج آن حضرت چیزی که نزد آن حضرت نبود از
 زینت دنیا، طلب می‌کردند، خدای تعالی ایشان را پند داد و زجر فرمود
 و احکام معاشرت با ایشان نازل ساخت و زینب، رضی الله تعالی عنها،
 در عقد زید بود. در میان ایشان ناسازگاری پدید آمد و رفته رفته به
 طلاق منجر شد و بعد انقضای عدت، خدای تعالی او را داخل ازواج
 طاهرات گردانید. منافقان زبان طعن گشادند که زن پسر خود را به زنی
 گرفت. خدای تعالی در میان آنکه پسر خوانده حکم پسر ندارد نازل
 ساخت.

۵- مترجم گوید: مراد این جا ایدای پیغامبر است به زبان درازی.

از مسلمانان مردانند که راست کردند آنچه عهد بسته بودند
 با خدا بر آن، پس از ایشان کسی هست که به انجام رسانید
 قرارداد خود را^(۱) و از ایشان کسی هست که انتظار می‌کند
 و بدل نکردند هیچ وجه بدل کردنی. ﴿۲۳﴾ تا جزا دهد
 خدا راستگویان را در مقابله راستی ایشان و عذاب کند
 منافقان را اگر خواهد یا به رحمت بازگردد بر ایشان،
 هرآینه خدا هست آمرزنده مهربان. ﴿۲۴﴾ و باز گردانید

۱- یعنی شهید شد.

وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُمْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا
تُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ﴿٣١﴾
يَنْسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ
فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ
وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿٣٢﴾ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا
تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ
وَعََاتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ
لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيرًا ﴿٣٣﴾ وَأَذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ
اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ﴿٣٤﴾ إِنَّ
الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ
وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ
وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّالِحِينَ وَالصَّالِحَاتِ
وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ
كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

﴿٣٥﴾

و هر که فرمانبرداری کند از شما خدا را و پیغامبر او را و
بکند کار نیک، بدهیم او را مزد او دوبار و مهیا کردیم
برای او روزی نیک. ﴿۳۱﴾ ای زنان پیغامبر! نیستید شما
مانند هر کدام از سایر زنان. اگر پرهیزگاری دارید، پس
ملایمت مکنید در سخن گفتن که آنگاه طمع کند کسی
که در دل او بیماری است و بگوید سخن نیکو. ﴿۳۲﴾ و
و بمانید در خانه‌های خویش و اظهار تجمل مکنید مانند
اظهار تجمل که در جاهلیت پیشین بود و برپا دارید نماز را
و بدهید زکات را و فرمانبرداری خدا و رسول او کنید. جز
این نیست که می‌خواهد خدا تا دور کند از شما پلیدی را
ای اهل بیت و تا پاک کند شما را پاک کردنی. ﴿۳۳﴾ و
یاد کنید آنچه خوانده می‌شود در خانه‌های شما از
آیت‌های خدا و از حکمت، هر آینه خدا هست لطف
کننده خبردار. ﴿۳۴﴾ هر آینه مردان مسلمان و زنان
مسلمان و مردان باور دارنده و زنان باور دارنده و مردان
اطاعت کننده و زنان اطاعت کننده و مردان راست گوینده
و زنان راست گوینده و مردان شکیبایی کننده و زنان
شکیبایی کننده و مردان فروتنی نماینده و زنان فروتنی
نماینده و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و مردان
روزه دارنده و زنان روزه دارنده و مردان حفاظت کننده
شرمگاه خود را و زنان محافظت کننده و مردان یاد کننده
خدا را بسیاری و زنان یاد کننده، مهیا کرده است خدای
تعالی برای ایشان آمرزش و مزد بزرگ. ﴿۳۵﴾

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا ﴿٣٦﴾ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَهُ ۗ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا ۚ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ﴿٣٧﴾ مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ ۖ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ ۚ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا ﴿٣٨﴾ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ ۚ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٣٩﴾ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ ۚ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٤٠﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿٤١﴾ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۚ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴿٤٣﴾

و نیست هیچ مؤمن و هیچ مؤمنه را چون مقرر کند خدا و رسول او کاری، آنکه باشد ایشان را اختیار در آن کار خویش و هر که نافرمانی کند خدا و رسول او را، پس هرآینه گمراه شد گمراهی ظاهر^(۱). ﴿۳۶﴾ و یاد کن چون می گفתי با شخصی که انعام کرده است خدا بر وی و نیز انعام کرده ای تو بر وی که: نگاه دار بر خود زن خود را و بترس از خدا، و پنهان می کردی در ضمیر خویش آنچه خدا پدید آورده اوست و می ترسیدی از مردمان و خدا سزاوارتر است به آنکه بترسی از وی. پس وقتی که به انجام رسانید زید [از زینب] حاجت را (یعنی طلاق داد)، به زنی دادیم تو را [زینب] تا نباشد بر مسلمانان هیچ تنگی در نکاح کردن زنان پسر خواندگان خویش، چون به آخر رسانند از ایشان حاجت را و هست امر خدا البته کردنی^(۲). ﴿۳۷﴾ نیست بر پیغامبر هیچ تنگی در آنچه حلال ساخته است خدا برای او. مانند آیین خدا در حق آنان که گذشتند پیش از این و هست کار خدا را اندازه مقرر کرده شده پیش از وجود. ﴿۳۸﴾ [مانند آیین خدا در حق] آنان که می رسانند پیغام های خدا را و می ترسند از وی و نمی ترسند از هیچ کس مگر خدا و بس است خدا حساب کننده. ﴿۳۹﴾ نیست محمد پدر هیچ کس از مردان شما و لیکن پیغامبر خداست^(۳) و مهر پیغامبران است و هست خدا به هر چیز دانا. ﴿۴۰﴾ ای مسلمانان! یاد کنید خدا را یاد کردن بسیار. ﴿۴۱﴾ و به پاکی بخوانید او را صبح و شام. ﴿۴۲﴾ اوست آن که رحمت می فرستد بر شما و دعای رحمت می کنند بر شما فرشتگان او تا برآرد شما را از تاریکی ها به سوی روشنی و هست خدا به مسلمانان، مهربان. ﴿۴۳﴾

۱- مترجم گوید: درین آیت تعریض است به آن قصه که آن حضرت ﷺ

نخست زینب را برای زید خطبه فرمود و آن را زینب و برادرش مکروه داشتند و این معنی مناسب حال ایشان نبود، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: درین آیت تعریض است به آن قصه که در خاطر مبارک آن حضرت ﷺ می گذشت که اگر در میان زید و زینب مفارقت واقع شود، آن را در سلک ازواج صاهرات داخل نمایند، لیکن برای رعایت مراسم نیکو خواهی به حسن معاشرت دلالت می فرمود.

۳- یعنی بعد از وی هیچ پیغمبر نباشد.

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ وَسَلَّمَ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا ﴿٤٤﴾
يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٤٥﴾
وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا ﴿٤٦﴾ وَبَشِّرِ
الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا ﴿٤٧﴾ وَلَا
تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذُنَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى
اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٤٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا
نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ
تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا
فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرَّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٤٩﴾ يَا أَيُّهَا
النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَ الَّتِي ءَاتَيْتَ أَجُورَهُنَّ
وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ
عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ
خَالَتِكَ الَّتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ
وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا
خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا
عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا
يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٥٠﴾

دعای خیر ایشان^(۱) روزی که ملاقات کنند با خدا اسلام
است و آماده کرده است برای ایشان مزد نیک. ﴿۴۴﴾ ای
پیغمبر! هرآینه ما فرستادیم تو را گواهی دهنده و مژده
رساننده و ترساننده. ﴿۴۵﴾ و خواننده به سوی خدا به
حکم او و چراغ روشن. ﴿۴۶﴾ و بشارت ده مسلمانان را
به آنکه ایشان را باشد از جانب خدا بخشایش بزرگ.
﴿۴۷﴾ و فرمان مبر کافران را و منافقان را و از نظر اعتبار،
بگذار رنجانیدن ایشانرا و توکل کن بر خدا و بس است
خدا کارساز. ﴿۴۸﴾ ای مسلمانان! چون نکاح کنید زنان
مؤمنه^(۲) را، باز طلاق دهید ایشان را پیش از آنکه دست
رسانید به ایشان، پس نیست شما را بر این زنان هیچ عدتی
که بشمارید آن را، پس متعه دهید این مطلقات را و
بگذارید اینها را گذاشتن نیک. ﴿۴۹﴾ ای پیغمبر! هرآینه
ما حلال کردیم برای تو زنان تو که داده‌ای مهر ایشان و
کنیزکانی که مالک ایشان شده است دست تو از آنچه خدا
عاید ساخته است بر تو^(۳) و حلال کردیم دختران عم تو را
و دختران عمه‌هایی تو را و دختران تغای تو را و دختران
خاله تو را، آنان که هجرت کرده‌اند با تو و حلال کردیم
زن مسلمان، اگر ببخشد خود را برای پیغمبر^(۴)، اگر خواهد
پیغمبر که به زنی گیرد آن را، خاص برای تو بجز
مسلمانان. هرآینه دانستیم آنچه فرض ساخته‌ایم بر ایشان
در حق زنان ایشان و در حق کنیزکانی که مالک آن است
دست ایشان. سهل کردیم تا نباشد بر تو هیچ تنگی و هست
خدا آمرزنده مهربان^(۱). ﴿۵۰﴾

۱- یعنی از جانب خدا و فرشتگان.

۲- در متن اصلی، مؤمنان آمده است.

۳- یعنی از کفار به تو رسانیده است.

۴- یعنی به غیر مهر در نکاح آید.

۱- یعنی در باب نکاح، چیزهاست که بر امت قرض شد و نه بر آن
حضرت.

تُرْجَى مَنْ تَشَاءُ مِنْهُمْ وَتُؤَيِّ إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ
وَمَنْ أُبَتَّعَتْ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ
أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا
ءَاتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ
عَلِيمًا حَلِيمًا ﴿٥١﴾ لَا يَحِلُّ لَكَ الْبَسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا
أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا
مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا ﴿٥٢﴾
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ
يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرَ نَظِيرٍ إِنَّهُ وَلَكِنْ إِذَا
دُعِيتُمْ فَأَدْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا
مُسْتَنْسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ
فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا
سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ
ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ
أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ
بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا ﴿٥٣﴾
تُبَدَّلُوا شَيْئًا أَوْ تُخَفُّوه فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ
عَلِيمًا ﴿٥٤﴾

موقوف داری هر که را خواهی از ایشان و جای دهی
نزدیک خویش هر که را خواهی و اگر خواهش کنی زنی
را از آن جمله که یکسو کرده‌ای آنها را، پس نیست هیچ
گناهی بر تو. این رخصت دادن قریب‌تر است از آنکه
خنک شود چشم ایشان و اندوه نخورند و خشنود شوند به
آنچه بدهی ایشان را، همه ایشان و خدا می‌داند آنچه در
دل‌های شماست و هست خدا دانای بردبار. ﴿۵۱﴾ حلال
نیستند تو را زنان بعد از این^(۱) و نه حلال است آنکه بدل
کنی به جای ایشان زنان دیگر را، اگرچه به شگفت آرد تو
را حسن ایشان، مگر آنچه مالک شد دست تو و هست خدا
بر همه چیز نگهبان^(۲). ﴿۵۲﴾ ای مسلمانان! در نیاید به
خانه‌های پیغامبر مگر وقتی که دستوری داده شود شما را
برای طعامی، نه انتظارکنان پخته شدن طعام را و لیکن چون
خوانده شود شما را درآیید، پس چون طعام خوردید،
پراکنده شوید و نه آرام گیران برای سخنی. هرآینه این
کار می‌رنجاند پیغامبر را، پس شرم می‌داشت از شما و خدا
شرم نمی‌دارد از سخن راست و چون طلب کنید از زنان
پیغامبر رختی، پس طلب کنید آن را از ایشان از پس پرده،
این خصلت پاک‌تر است برای دل شما و دل ایشان و سزاوار
نیست شما را که برنجانید پیغامبر خدا را و نه آنکه نکاح
کنید زنان او را پس از وی هرگز، هرآینه این کار هست
نزدیک خدا گناه بزرگ. ﴿۵۳﴾ اگر آشکارا کنید چیزی
را یا پنهان دارید آن را، پس هرآینه خدا هست به هر چیز
دانا. ﴿۵۴﴾

۱- یعنی بعد از این دو صنف قرشیه مهاجره مهیره یا واهبه نفس غیر مهیره.

۲- مترجم گوید: که این آیت، ناسخ آیت سابقه است.

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِيِ عَابَابِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ﴿٥٥﴾ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿٥٨﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٥٩﴾ وَلِّينَ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٠﴾ مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا ﴿٦١﴾ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ﴿٦٢﴾

نیست هیچ بزه بر زنان در پرده نپوشیدن پیش پدران خویش و نه پیش پسران خویش و نه برادران خویش و نه پسران برادران خویش و نه پسران خواهران خویش و نه زنان همجنس خویش^(۱) و نه آنچه مالک آن شد دست ایشان و برسید ای زنان! از خدا. هر آینه خدا هست بر همه چیز گواه. ﴿۵۵﴾ هر آینه خدا و فرشتگان او درود می فرستند بر پیغامبر. ای مسلمانان! درود فرستید بر وی و سلام گوید سلام گفتنی. ﴿۵۶﴾ هر آینه آنان که می رنجانند خدا و پیغامبر او را، لعنت کرد خدا ایشان را در دنیا و آخرت و مهیا ساخت برای ایشان عذاب خوار کننده. ﴿۵۷﴾ و آنان که می رنجانند مردان مسلمان و زنان مسلمان را به غیر گناهی که به عمل آورده باشند، هر آینه برداشتند بار بهتان را و گناه ظاهر را. ﴿۵۸﴾ ای پیغامبر! بگو به زنان خود و دختران خود و به زنان مسلمانان که فروگذارند بر خود چادرهای خود را. این نزدیک تر است به آنکه شناخته شوند، پس ایشان را ایذا داده نشود و هست خدا آمرزنده مهربان^(۲). ﴿۵۹﴾ و اگر باز نمانند منافقان و آنان که در دل ایشان بیماری است و خبر بد فاش کنندگان در مدینه، البته برگماریم تو را بر ایشان، باز همسایه نباشند با تو در مدینه^(۳)، مگر بزمانی اندک^(۴). ﴿۶۰﴾ لعنت کرده شدگان، هر جا که یافته شوند، اسیر گرفته شود ایشان را و کشته شود ایشان را کشتن بسیار. ﴿۶۱﴾ مانند روش خدا در آنان که بگذشتند پیش از این و هرگز نیابی روش خدا را تغیر. ﴿۶۲﴾

۱- یعنی غیر قواده.

۲- یعنی عفت ایشان ظاهر شود و فاسقی تعرض ایشان نکند، والله اعلم.

۳- یعنی از کردارهای خود.

۴- یعنی جلا وطن کرده شوند.

يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ ۖ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ
 اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ﴿٦٣﴾ إِنَّ
 اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ﴿٦٤﴾ خَالِدِينَ
 فِيهَا أَبَدًا ۖ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٦٥﴾ يَوْمَ تُقَلَّبُ
 وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَلَيْتَنَّا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا
 الرَّسُولَ ﴿٦٦﴾ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا
 فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا ﴿٦٧﴾ رَبَّنَا ءَاتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ
 الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ﴿٦٨﴾ يَتَأَيَّاهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا
 لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ ءَاذُوا مُوسَىٰ فَهَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا
 وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ﴿٦٩﴾ يَتَأَيَّاهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَتَقُوا
 اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ
 وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ
 فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا
 وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ ۖ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا
 جَهُولًا ﴿٧٢﴾ لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ
 وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
 وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٧٣﴾

سؤال می کنند تو را مردمان از قیامت. بگو: جز این نیست
 که معرفت آن نزدیک خدا است و چه چیز خبر داد تو را
 شاید که قیامت موجود شود در زمان نزدیک. ﴿۶۳﴾
 هرآینه خدا لعنت کرده است کافران را و آماده ساخته
 است برای ایشان آتش. ﴿۶۴﴾ جاودان آنجا همیشه نیابد
 هیچ دوستی و نه یاری دهنده. ﴿۶۵﴾ روزی که گردانیده
 شود روی ایشان در آتش گویند: ای کاش ما فرمان
 می بردیم خدا را و فرمان می بردیم پیغمبر را. ﴿۶۶﴾ و
 گویند: ای پروردگار ما! هرآینه ما فرمان می بردیم مهتران
 خود را و بزرگان خود را، پس گمراه ساختند ما را از راه.
 ﴿۶۷﴾ ای پروردگار ما! بده ایشان را دو چند از عذاب و
 لعنت کن ایشان را لعنتی سخت. ﴿۶۸﴾ ای مسلمانان!
 باشید مانند آنان که رنجانیدند موسی را، پس پاک ساخت
 خدای تعالی او را از آنچه گفته بودند و بود [موسی]
 نزدیک خدا با آبرو^(۱). ﴿۶۹﴾ ای مسلمانان! بترسید از خدا
 و بگویید سخن استوار. ﴿۷۰﴾ تا به صلاح آرد کردارهای
 شما را و بیاورد برای شما گناهان شما را و هر که فرمان
 برد خدای و رسول او را، پس هرآینه مطلب یاب شد به
 فیروزی بزرگ. ﴿۷۱﴾ هرآینه ما پیش آوردیم امانت را^(۲)
 بر آسمان ها و بر زمین و بر کوه ها، پس قبول نکردند که
 بردارند آن را و بترسیدند از آن و برداشت آن را آدمی،
 هرآینه وی هست ستمکار نادان^(۱). ﴿۷۲﴾ تا شود آخر
 کار آنکه عذاب کند خدای تعالی مردان منافق و زنان
 منافق را و مردان مشرک و زنان مشرک را و به رحمت
 رجوع کند بر مردان مسلمان و زنان مسلمان و هست خدا
 آمرزنده مهربان. ﴿۷۳﴾

۱- مترجم گوید: یعنی موسی وقت غسل، ستر می کرد چهار بنی اسرائیل
 گفتند که او آدرست. روزی به حسب اتفاق بر کناره آب غسل
 می کرد و جامه های خود بر سنگ نهاده بود به فرمان خدای تعالی آن
 سنگ روان شد. موسی عقب سنگ دوید تا آنکه جماعتی از بنی
 اسرائیل عریان دیدند و گفتند: ادرت ندارد و ادرت، انتفاخ خصیه را
 گویند، والله اعلم.

۲- یعنی استعداد و تکلیف به اوامر و نواهی، والله اعلم.

۱- یعنی بالفعل عدالت و علم ندارد و قابلیت آنها دارد، والله اعلم.

سُورَةُ سَبَأٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١﴾ يَعْلَمُ
مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ
السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾
وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي
لَتَأْتِيََنَّكُمْ عَلِيمُ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ
فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا
أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿٣﴾ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ
﴿٤﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي ءَايَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ
عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ ﴿٥﴾ وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ
الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى
صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ
نَدْلُكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يَنْبِئُكُمْ إِذَا مَرَقْتُمْ كُلَّ مُمَرَّقٍ
إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿٧﴾

سوره سبأ

به نام خداوند بخشنده مهربان

همه ستایش خدایی راست که به دست اوست آنچه در
آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و مر او راست ستایش
در آخرت و اوست با حکمت آگاه. ﴿۱﴾ می‌داند آنچه
در می‌آید به زمین و آنچه بر می‌آید از وی و آنچه فرود
می‌آید از آسمان و آنچه بالا می‌رود در وی و اوست
مهربان آمرزنده. ﴿۲﴾ و گفتند کافران: نخواهد آمد پیش
ما قیامت. بگو: آری! قسم پروردگار من! البته خواهد آمد
به شما پروردگاری که داننده پوشیده است، غایب نمی‌شود
از وی هموزن ذره‌ای در آسمان‌ها و نه در زمین و نیست
خردتر از آن و نه بزرگتر، مگر ثبت است در کتاب ظاهر.
﴿۳﴾ تا جزا دهد آنان را که ایمان آوردند و عمل‌های
شایسته کردند. آن جماعت ایشان راست آمرزش و روزی
گرامی. ﴿۴﴾ و آنان که سعی کردند در رد آیات ما مقابله
کنان، آن جماعت ایشان راست عذاب از عقوبت درد
دهنده. ﴿۵﴾ و می‌بینند آنان که داده شده است ایشان را
علم، چیزی را که فرود آورده شد از جانب پروردگار تو
راست است و دلالت کننده به سوی راه خدای غالب
ستوده کار. ﴿۶﴾ و گفتند کافران با یکدیگر: آیا دلالت
کنیم شما را بر مردی که خبر می‌دهد شما را که چون پاره
پاره کرده شوید تمام پاره پاره شدن، هرآینه شما در
آفرینش نو باشید؟ ﴿۷﴾

أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ ﴿٨﴾
 أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِن نَّشَأُ نَحْصِفُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطَ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ ﴿٩﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَجِبَالُ أَوْبَىٰ مَعَهُ وَالطَّيْرُ وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ ﴿١٠﴾ أَنِ اعْمَلْ سَبِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١﴾ وَلَسْلِمْنَا لِّلرَّيْحِ غُدُوها شَهْرٌ وَرَوَاحُها شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجَبِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿١٢﴾ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَّحْرِبٍ وَتَمَثِيلٍ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَّاسِيَتٍ اَعْمَلُوا ءَالَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورِ ﴿١٣﴾ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجُنُّ أَن لَّو كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿١٤﴾

آیا بربسته است بر خدا دروغ را؟ یا به او جنونی است؟ بلکه آنان که ایمان نمی‌آرند به آخرت، در عقوبت باشند و در گمراهی دورند. ﴿۸﴾ آیا ندیدند به سوی آنچه پیش روی ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است از آسمان و زمین. اگر خواهیم فروبریم ایشان را به زمین یا بیفکنیم بر ایشان پاره‌ها از آسمان، هرآینه در این کار نشانه‌ای است هر بنده رجوع کننده را. ﴿۹﴾ و هرآینه دادیم داود را از نزدیک خود بزرگی. گفتیم: ای کوه‌ها! به زیربوم تسبیح گوید همراه او و مسخرش ساختیم مرغان را و نرم گردانیدیم برای او آهن. ﴿۱۰﴾ [فرمودیم] که: بساز زره‌های گشاده و اندازه نگاهدار در بافتن حلقه‌ها و [ای اهل بیت داود]! به عمل آرید کردارهای شایسته، هرآینه من به آنچه می‌کنید بینام. ﴿۱۱﴾ و مسخر ساختیم برای سلیمان، باد را. سیر اول روز و یک ماهه راه بود و سیر آخر روز او نیز یک ماهه راه بود و روان ساختیم برای او چشمه مس و مسخر ساختیم از دیوان، کسی را که کار می‌کرد پیش او به حکم پروردگار خویش و هر که کجی کند از دیوان از حکم ما، بچشانیم او را پاره‌ای از عقوبت دوزخ. ﴿۱۲﴾ می‌ساختند برای او آنچه می‌خواست از قلعه‌ها و صورت‌ها و کاسه‌ها بقدر حوض‌ها و دیگ‌های ثابت در جاهای خود. گفتیم: به عمل آرید ای کسان داود سپاسداری را و اندک کسی هست از بندگان من شکرگزارنده. ﴿۱۳﴾ پس چون مقرر کردیم به روی مرگ، دلالت نکرد دیوان را بر موت او، مگر کرم چوبخواره که می‌خورد عصای سلیمان را. پس چون بیفتاد، واضح شد پیش دیوان که اگر می‌دانستند غیب را، درنگ نمی‌کردند در عذاب خوار کننده. ﴿۱۴﴾

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ
وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُوَ بَلَدَةٌ
طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ ﴿١٥﴾ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ
سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِیْ أُكُلٍ
خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ ﴿١٦﴾ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ
بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجْزِي إِلَّا الْكَفُورَ ﴿١٧﴾ وَجَعَلْنَا
بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً
وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالٍ وَأَيَّامًا ءَامِنِينَ
﴿١٨﴾ فَقَالُوا رَبَّنَا بَعْدَ بَيْنِ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ
فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَرَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَرَّقٍ إِنَّ فِي
ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿١٩﴾ وَلَقَدْ صَدَقَ
عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ
الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٠﴾ وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا
لِنَعْلَمَ مَنْ يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ
وَرَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِیْظٌ ﴿٢١﴾ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ
رَزَعْتُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي
السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِن شِرْكٍَ
وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِّن ظَهِيرٍ ﴿٢٢﴾

هرآینه بود قوم سبا را در جای ماندن نشانه‌ای. مر ایشان را
بود و بوستان از جانب راست و از جانب چپ. گفتیم:
بخورید رزق پروردگار خویش و شکر گوید او را. [شما
را] شهری هست پاکیزه و پروردگاری آمرزنده. ﴿۱۵﴾
پس روی گردانیدند^(۱). پس فرستادیم بر ایشان سیلی تند^(۲)
و عوض دادیم ایشان را به جای دو بوستان ایشان دو
بوستانی دیگر، خداوند میوه‌های بدمزه و خداوند درخت
گز و چیزی اندک از درخت کنار. ﴿۱۶﴾ این سزا دادیم
ایشان را به سبب ناسپاسی ایشان و سزای بد نمی‌دهیم مگر
ناسپاس را. ﴿۱۷﴾ و پیدا کردیم میان ایشان و میان آن
دیه‌ها که برکت نهادیم در آن^(۳)، دیه‌ها متصل با یکدیگر و
مقرر کردیم در آن دیه‌ها آمد و رفت را. گفتیم: سیر کنید
در این دیه‌ها شب‌ها و روزها ایمن شده. ﴿۱۸﴾ پس
گفتند: ^(۴) ای پروردگار ما! دوری پیدا کن در میان سفرهای
ما. و ستم کردند بر خویش، پس گردانیدیم ایشان را
افسانه‌ها و پاره پاره ساختیم ایشان را تمام پاره پاره ساختن.
هرآینه در این ماجرا نشانه‌ها است هر صبر کننده شکر
گوینده را. ﴿۱۹﴾ و هرآینه راست یافت شیطان در حق
ایشان اندیشه خود را، پس پیروی او کردند مگر گروهی
اندک از مسلمانان. ﴿۲۰﴾ و نبود شیطان را بر ایشان هیچ
غلبه، لیکن مبتلا گردانیم تا بدانیم کسی را که ایمان
می‌آرد به آخرت از آنکه وی در شبهه است از وی
پروردگار تو بر هر چیز نگاهبان است. ﴿۲۱﴾ بگو: بخوانید
آنان را که گمان می‌کنید به جز خدا، مالک نیستند هم
وزن یک ذره در آسمان‌ها و نه در زمین و نیست ایشان را
در آسمان و زمین، هیچ شرکتی و نیست خدا را از ایشان
هیچ یاری دهنده. ﴿۲۲﴾

۱- یعنی از شکر.

۲- یعنی سیلی که به پشت‌ها بند کرده بودند.

۳- یعنی شام.

۴- یعنی به زیان حال.

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ ۖ حَتَّىٰ إِذَا
فُزِّعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ ۖ قَالُوا الْحَقُّ
وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٢٣﴾ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ قُلِ اللَّهُ ۖ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ
هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾ قُلْ لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا
أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٥﴾ قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا
رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ﴿٢٦﴾
قُلْ أُرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ ۚ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ
بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾
وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٩﴾ قُلْ
لَّكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَعْجِلُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا
تَسْتَقْدِمُونَ ﴿٣٠﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنُؤْمِنَ بِهِذَا
أَلْفَرَّاءِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ
مَوْقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلِ
يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ
لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ﴿٣١﴾

و سود نکند درخواست، نزدیک خدای تعالی، مگر برای
کسی که دستوری داده باشد برای^(۱) او. [اهل محشر
مضطرب شوند] تا آنگاه که اضطراب دور کرده آید از دل
ایشان، گویند: چه چیز فرموده است پروردگار شما؟ ملاء
اعلی گویند: فرموده است سخن راست. و اوست بلند مرتبه
بزرگ قدیر. ﴿۲۳﴾ بگو: که روزی می‌دهد شما را از
جانب آسمان‌ها و زمین؟ باز بگو: خدا می‌دهد و هر آینه ما
یا شما بر هدایتیم یا در گمراهی ظاهر. ﴿۲۴﴾ بگو: سؤال
کرده نخواهید شد شما از گناه ما و سؤال کرده نخواهیم
شد ما از آنچه شما می‌کنید. ﴿۲۵﴾ بگو: جمع خواهد کرد
پروردگار ما میان ما. باز حکم کند میان ما (یعنی میان ما و
شما) به راستی و اوست حکم کننده دانا. ﴿۲۶﴾ بگو:
بنمایید مرا آنان که ایشان را لاحق کرده‌اید به خدا شریک
ساخته. نه چنین است! بلکه خدا همونست غالب با حکمت.
﴿۲۷﴾ و نفرستادیم تو را الا برای مردمان همه ایشان، مژده
دهنده و ترساننده و لیکن اکثر مردمان نمی‌دانند. ﴿۲۸﴾ و
می‌گویند: کی بوجود آید این وعده، اگر شما
راستگویید؟ ﴿۲۹﴾ بگو: شما را است وعده روزی که باز
پس نمایید از آن ساعتی و نه پیش دستی کنید. ﴿۳۰﴾ و
گفتند کافران (یعنی مشرکان): هرگز باور نداریم این قرآن
را و نه آن کتاب را که پیش از وی بود. و تعجب کنی ای
بیننده! اگر ببینی چون ستمکاران ایستاده کرده شوند
نزدیک پروردگار خویش، باز می‌گرداند بعض ایشان به
سوی بعض سخن را^(۲). می‌گویند آنان که ناتوان گرفته شد
ایشان را به آنان که سرکشی کردند: اگر نمی‌بودید شما،
هر آینه ما مسلمان می‌شدیم. ﴿۳۱﴾

۱- یعنی اذن شفاعت داد.

۲- یعنی سؤال و جواب کنند.

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا اَنْحَنُ
 صَدَدْنَكُمْ عَنِ الْهُدَى بَعْدَ اِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ
 مُجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا
 بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اِذْ تَأْمُرُونَنَا اَنْ نَّكْفُرَ بِاللّٰهِ
 وَنَجْعَلَ لَهُۥ اٰنْدَادًا وَّاسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ
 وَجَعَلْنَا الْاَغْلَلَ فِيْ اَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوْا هَلْ
 يُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٣٣﴾ وَمَا اَرْسَلْنَا فِيْ قَرْيَةٍ
 مِنْ نَّذِيْرٍ اِلَّا قَالَ مُتْرَفُوْهَا اِنَّا بِمَا اُرْسِلْتُمْ بِهِۦ
 كَاٰفِرُوْنَ ﴿٣٤﴾ وَقَالُوْا نَحْنُ اَكْثَرُ اَمْوَالًا وَّاَوْلَدًا وَمَا
 نَحْنُ بِمُعَذِّبِيْنَ ﴿٣٥﴾ قُلْ اِنَّ رَبِّيْ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ
 يَّشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٣٦﴾
 وَمَا اَمْوَالُكُمْ وَلَا اَوْلَدُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا
 زُلْفٰى اِلَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صٰلِحًا فَاُولٰٓئِكَ لَهُمْ
 جَزَآءُ الصَّعِفِ بِمَا عَمِلُوْا وَهُمْ فِي الْغُرَفٰتِ ءَامِنُوْنَ
 ﴿٣٧﴾ وَالَّذِيْنَ يَسْعَوْنَ فِيْٓ اٰيٰتِنَا مُعْجِزِيْنَ اُولٰٓئِكَ فِي
 الْعَذَابِ مُخْضَرُوْنَ ﴿٣٨﴾ قُلْ اِنَّ رَبِّيْ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ
 يَّشَاءُ مِنْ عِبَادِهٖۡ وَيَقْدِرُ لَهُۥ وَمَا اَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ
 فَهُوَ يَخْلِفُهٗۚ وَهُوَ خَيْرُ الرَّٰزِقِيْنَ ﴿٣٩﴾

گفتند سرکشان با ناتوانان: آیا ما بازداشتیم شما را از
 هدایت بعد از آنکه آمد به شما؟! بلکه شما بودید گناهکار.
 ﴿۳۲﴾ و گفتند: نا توانان سرکشان را: نه بلکه بازداشت ما
 را مکر شب و روز^(۱) چون می فرمودید ما را که کافر شویم
 به خدا و مقرر کنیم برای او همتایان را. و در دل دارند همه
 ایشان پشیمانی، چون بیند عذاب را و بیاندازیم طوق ها در
 گردن کافران. سزا داده نمی شوند مگر به وفق آنچه
 می کردند. ﴿۳۳﴾ و نفرستادیم در هیچ دهی بیم کننده ای
 را، مگر گفتند منعمان آن ده: هرآینه ما به آنچه فرستاده
 شده است شما را همراه آن نامعتقدیم. ﴿۳۴﴾ و گفتند: ما
 زیاده تریم به اعتبار اموال و اولاد و نیستیم ما عذاب کرده
 شده. ﴿۳۵﴾ بگو: هرآینه پروردگار من گشاده می کند
 روزی را برای هر که خواهد و تنگ می کند برای هر که
 خواهد، لیکن اکثر مردمان نمی دانند. ﴿۳۶﴾ و نیست اموال
 شما و نه اولاد شما آنچیز که مقرب گرداند شما را نزدیک
 ما به مرتبه قربت، لیکن مقرب آن است که ایمان آورد و
 کرد کردار شایسته. پس آن جماعت، ایشان راست جزای
 دو چند به مقابله آن که عمل کردند و ایشان در
 کوشک های بلند ایمن باشند. ﴿۳۷﴾ و آنان که سعی
 می کنند در رد آیات ما مقابله کنان، آن جماعت در عذاب
 حاضر کرده شوند. ﴿۳۸﴾ بگو: هرآینه پروردگار من
 گشاده می کند روزی را برای هر که خواهد از بندگان
 خود و تنگ می سازد برای هر که خواهد و هرچه خرج
 کنید از هر جنس که باشد، پس خدای عوض آن دهد و او
 بهترین روزی دهندگان است. ﴿۳۹﴾

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَكَةِ أَهْوُلَايَ
 إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٤٠﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيُّنَا
 مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ
 مُؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾ فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا
 وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ
 الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ
 آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ
 يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا
 إِلَّا إِفْكٌ مُفْتَرَىٰ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا
 جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٤٣﴾ وَمَا عَاتَيْنَهُمْ
 مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ
 نَذِيرٍ ﴿٤٤﴾ وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَّغُوا مِعْشَارَ
 مَا عَاتَيْنَهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٥﴾
 ﴿٤٦﴾ قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ
 وَفِرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ
 هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٤٧﴾ قُلْ
 مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ
 اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٤٨﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ
 بِالْحَقِّ عَلَٰمُ الْغُيُوبِ ﴿٤٩﴾

و روزی که برانگیزد خدا ایشان را همه یکجا، باز بگوید به
 فرشتگان: آیا ایشان شما را عبادت می کردند؟! ﴿۴۰﴾
 فرشتگان گویند: پاکی تو راست، تو کار ساز مایی سوای
 ایشان، بلکه ایشان عبادت می کردند دیوان را^(۱). اکثر ایشان
 به دیوان اعتقاد داشتند. ﴿۴۱﴾ پس امروز نمی تواند بعض
 شما برای بعض سود رسانیدن و نه زیان کردن و فرماییم
 ستمکاران را: بچشید عذاب آتشی که شما دروغ می داشتید
 آن را. ﴿۴۲﴾ و چون خوانده می شود بر ایشان آیات ما
 روشن آمده، گویند با یکدیگر: نیست این پیغامبر مگر
 مردی که می خواهد که بازدارد شما را از آنچه
 می پرستیدند پدران شما، و گویند: نیست این [قرآن] مگر
 دروغی بر بافته، و گویند کافران سخن راست را چون بیاید
 بدیشان: نیست این مگر سحر ظاهر. ﴿۴۳﴾ و ندادیم
 مشرکان عرب را کتاب ها که بخوانند آن را و نفرستادیم به
 سوی ایشان پیش از تو هیچ ترساننده. ﴿۴۴﴾ و دروغی
 داشتند آنان که پیش از ایشان بودند، و این مشرکان
 نرسیده اند به ده یک آنچه داده بودیم به پیشینیان، پس به
 دروغ نسبت کردند پیغامبران مرا، پس چگونه بود عقوبت
 من. ﴿۴۵﴾ بگو: جز این نیست که پند می دهم شما را به
 یک کلمه که برخیزید برای خدا دوگان دوگان و یک
 یک، باز تأمل کنید که نیست به این یار شما هیچ جنونی،
 نیست او مگر بیم کننده برای شما پیش از آمدن عذاب
 سخت. ﴿۴۶﴾ بگو: آنچه سؤال کرده باشم از شما از
 جنس مزد، پس آن شماراست، نیست مزد من مگر بر خدا
 و او بر همه چیز خبردار است. ﴿۴۷﴾ بگو: هرآینه
 پروردگار من برمی تابد از علم غیب وحی راست را، آن
 پروردگار دانای پوشیده ها است. ﴿۴۸﴾

۱- یعنی عبادت ملائکه به جهت وسوسه شیاطین بود، پس گویا عبادت
 شیاطین کردند.

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِيُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ ﴿٤٩﴾ قُلْ
 إِن ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِي وَإِن اهْتَدَيْتُ
 فِيمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ ﴿٥٠﴾ وَلَوْ تَرَى إِذْ
 فَزَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَأَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٥١﴾ وَقَالُوا
 ءَامَنَّا بِهِ ءَأَنَّى لَهُمُ التَّنَافُثُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾
 وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ
 مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ
 كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ
 مُرِيبٍ ﴿٥٤﴾

سُورَةُ فَاطِرٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ
 الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبْعَ
 يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 ﴿١﴾ مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا
 وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ
 الْحَكِيمُ ﴿٢﴾ يَتَأَيَّهَا النَّاسُ أَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ
 عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ
 السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآَنِي تُؤْفَكُونَ ﴿٣﴾

بگو: آمد سخن راست. و آفرینش نو نمی کند معبود باطل
 و نه دیگر بار آفریند. ﴿۴۹﴾ بگو: اگر گمراه شدم، پس جز
 این نیست که گمراه می شوم بر نفس خویش و اگر راه
 یابم، پس به سبب آن است که وحی فرستد به سوی من
 پروردگار من. هر آینه وی شنوا نزدیک است. ﴿۵۰﴾ و
 تعجب کنی اگر بینی چون مضطرب شوند، پس نباشد از
 عذاب خلاص شدن و گرفته شوند از هر جانب نزدیک^(۱).
 ﴿۵۱﴾ و گویند آنگاه: ایمان آوردیم به قرآن و از کجا بود
 ایشان را به دست آوردن ایمان از جای دور (یعنی محال
 شد). ﴿۵۲﴾ و حال آنکه کافر بودند به قرآن پیش از این
 و می اندازند^(۲) نادیده از مکان دور. ﴿۵۳﴾ و جدایی
 افکنده شده میان ایشان و میان آنچه می خواستند، چنانچه
 کرده شد به امثال ایشان پیش از این. هر آینه ایشان بودند
 در شک قوی. ﴿۵۴﴾

سوره فاطر

به نام خداوند بخشنده مهربان

همه ستایش خدای را است، آفریننده آسمانها و زمین،
 سازنده فرشتگان را پیغامبر، سازنده ایشان را خداوند بازوها
 دوگان دوگان و سه گان سه گان و چهارگان چهارگان.
 زیاده می کند در آفرینش هر چه خواهد، هر آینه خدا بر هر
 چیز تواناست. ﴿۱﴾ آنچه گشاده سازد خدا برای مردمان
 از رحمت، پس هیچ بند کننده ای نیست آن را و آنچه بند
 کند، پس هیچ گشاده سازنده نیست آن را بعد از وی یعنی
 غیر وی. و اوست غالب با حکمت. ﴿۲﴾ ای مردمان! یاد
 کنید نعمت خدا بر خویش. آیا هیچ آفریننده هست غیر
 خدا، روزی می دهد خدا شما را از جانب آسمان و زمین،
 نیست هیچ معبود مگر وی، پس از کجا گردانیده
 می شوید؟. ﴿۳﴾

۱- یعنی گرفته شوند به آسانی.

۲- یعنی حدس می زنند.

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٤﴾ يَتَأْتِيهَا النَّاسُ إِن وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا فَلَا تَعْرِتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّتْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿٥﴾ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿٦﴾ الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾ أَفَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوؤَ عَمَلِهِ فَرَأَاهُ حَسَنًا فَإِنِ اللَّهُ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٨﴾ وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ الْنُشُورُ ﴿٩﴾ مَن كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ ﴿١٠﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَضُ مِنْ عُمرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١١﴾

و اگر به دروغ نسبت کنند تو را، پس هرآینه به دروغ نسبت کرده شدند پیغامبران پیش از تو و به سوی خدا باز گردانیده می شود کارها. ﴿۴﴾ ای مردمان! هرآینه وعده خدا راست است. پس فریفته نکند شما را زندگانی دنیا و نفرید شما را به نسبت خدا شیطان فریب دهنده. ﴿۵﴾ هرآینه شیطان شما راست دشمن، پس دشمن گیرید او را. جز این نیست که می خواند تابعان خود را تا باشند از اهل دوزخ. ﴿۶﴾ آنان که کافر شدند ایشان راست عذاب سخت و آنان که ایمان آوردند و کردند عمل های شایسته، ایشان راست آمرزش و مزد بزرگ. ﴿۷﴾ آیا کسی که آراسته کرده شد برای او عمل زشت او، پس نیک دید آن را مثل مؤمن صالح باشد؟ پس هرآینه خدا گمراه می کند هر که را خواهد و راه می نماید هر که را خواهد. پس باید که هلاک نشود نفس تو بر ایشان از روی دریغ. هرآینه خدا داناست به آنچه می کنند. ﴿۸﴾ و خدا آن است که فرستاد باده را، پس برانگیخت آن باده ابر را، پس روان کردیم ابر را به سوی شهر مرده، پس زنده ساختیم به آن ابر زمین را بعد مرده بودن آن، همچنین خواهد بود برانگیختن مردگان. ﴿۹﴾ هر که خواهد ارجمندی، پس خدای راست ارجمندی، همه یکجا. به سوی او بالا می رود سخن پاکیزه، و عمل صالح بلندی گرداندش خدا و آنان که می اندیشند فتنه ها، ایشان راست عذاب سخت و بداندیشی ایشان همان نابود شود. ﴿۱۰﴾ خدا آفرید شما را از خاک، باز از نطفه، باز گردانید شما را جفت مرد و زن و در شکم بر نمی دارد هیچ زنی و نمی زاید مگر به علم خدا و زندگانی داده نمی شود هیچ دراز عمری و کم کرده نمی شود از عمر وی، الا ثبت است در کتاب، هرآینه این کار بر خدا آسان است. ﴿۱۱﴾

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِن كُلِّ تَاكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حُلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاحِرَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢﴾ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ﴿١٣﴾ إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ يَكْفُرُونَ بِشْرِكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ ﴿١٤﴾ يَتَأْتِيهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿١٥﴾ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٦﴾ وَمَا ذَلِكُ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿١٧﴾ تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جَمَلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ﴿١٨﴾ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ ۚ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿١٩﴾

برابر نیستند^(۱) دو دریا، این یک شیرین، در نهایت شیرینی است، خوشگوار است آب او و آن دیگر به تلخی مایل است و از هر یکی می‌خورید گوشت تازه و بر می‌آرید زیوری که می‌پوشید آن را و می‌بینی کشتی‌ها را در دریا شکافنده آب، تا روزی طلب بکنید از فضل او و تا بود که شما شکر گوید. ﴿۱۲﴾ در می‌آرد شب را در روز و در می‌آرد روز را در شب و رام ساخت آفتاب و ماه را، هر یکی می‌رود به میعاد معین. این است خدا پروردگار شما، مر او راست پادشاهی و آنان که می‌پرستید بجز وی، مالک نمی‌شوند مقدار پوست خسته. ﴿۱۳﴾ اگر بخوانید ایشان را نشوند خواندن شما را و اگر به فرض بشنوند، قبول نکنند گفته شما و روز قیامت منکر شوند، شریک مقرر کردن شما را و خبر ندهد تو را هیچ کس مانند دانا^(۲). ﴿۱۴﴾ ای مردمان! شما باید محتاج به سوی خدا و خدا همونست بی‌احتیاج ستوده کار. ﴿۱۵﴾ اگر خواهد، نابود سازد شما را و بیارد آفرینش نو. ﴿۱۶﴾ و نیست این کار بر خدا دشوار. ﴿۱۷﴾ و بر نمی‌دارد هیچ بردارنده بار دیگری را و اگر بخواند گرانبار کسی را به سوی بار خویش، برداشته نشود از آن بار چیزی، اگرچه آن کس خداوند خویشی باشد. جز این نیست که بیم می‌کنی آنان را که می‌ترسند از پروردگار خویش غایبانه و برپا داشته‌اند نماز را و هر که پاک شد، پس جز این نیست که پاک می‌شود برای نفع خویش و به سوی خداست بازگشت.

﴿۱۸﴾

۱- یعنی یکسان نمی‌شوند به اختلاط.

۲- مترجم گوید: ﴿وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ﴾ به منزله مثل است، چون سخن بلیغ گویند و تحقیق به نهایت رسانند، این کلمه گویند.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ﴿١٩﴾ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا
النُّورُ ﴿٢٠﴾ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ ﴿٢١﴾ وَمَا يَسْتَوِي
الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا
أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ ﴿٢٢﴾ إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ ﴿٢٣﴾
إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا
خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ﴿٢٤﴾ وَإِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ
وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا
فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٢٦﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ
السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا
وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا
وَعَرَابِيٌّ سُودٌ ﴿٢٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَأَلَّا نَعْلَمَ
مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ
الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ﴿٢٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ
كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ ﴿٢٩﴾ لِيُؤْفِقَهُم
أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ

﴿٣٠﴾

و برابر نیستند نابینا و بینا. ﴿١٩﴾ و نه تاریکی ها و نه
روشنی. ﴿٢٠﴾ و نه سایه و نه باد گرم. ﴿٢١﴾ و برابر
نمی شوند زندگان و مردگان. هر آینه خدا می شنواند. هر
که را خواهد و نیستی تو شنونده کسی که راکی در گور
باشد. ﴿٢٢﴾ نیستی تو مگر ترساننده. ﴿٢٣﴾ هر آینه ما
فرستاده ایم تو را به دین راست، بشارت دهنده و بیم کننده.
و نیست هیچ امتی مگر گذشته است در آن بیم کننده ای
﴿٢٤﴾ و اگر به دروغ نسبت کنند تو را، پس هر آینه
دروغی داشته بودند آنان که پیش از ایشان بودند. آمدند
بدیشان پیغامبران ایشان به نشانه های واضح و به نام های
الهی و به کتاب روشن. ﴿٢٥﴾ باز گرفتار کردم کافران را،
پس چگونه بود عقوبت من. ﴿٢٦﴾ آیا ندیدی که خدا
فرود آورد از آسمان آب را، پس برآوردیم به سبب آن
میوه هایی گوناگون رنگ آن؟ و از کوه ها راه ها است
گوناگون رنگ، طایفه ای سفید و طایفه ای سرخ و طایفه ای
سیاه در نهایت سیاهی. ﴿٢٧﴾ و از مردمان و جانوران و
چهارپایان گوناگون است رنگ او همچنان. جز این نیست
که می ترسند از خدا عالمان از بندگان او. هر آینه خدا
غالب آمرزنده است. ﴿٢٨﴾ هر آینه آنان که تلاوت
می کنند کتاب خدا را و برپا داشته اند نماز را و خرج
کرده اند از آنچه روزی دادیم ایشان را پنهان و آشکارا،
امیدوارند سوداگری ای را که هرگز هلاک نشود. ﴿٢٩﴾ تا
به تمام رساند به سوی ایشان مزد ایشان را و زیاده دهد
ایشان را از فضل خود. هر آینه او آمرزنده قدر دان است.

﴿٣٠﴾

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا
لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٣١﴾ ثُمَّ
أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ
ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ
بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٣٢﴾
جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ
ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٣٣﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ
لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ
﴿٣٤﴾ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا
فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ ﴿٣٥﴾ وَالَّذِينَ
كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا
وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ
كَفُورٍ ﴿٣٦﴾ وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ
صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوْ لَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا
يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا
لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ ﴿٣٧﴾ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ غَيْبِ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٣٨﴾

و آنچه وحی فرستادیم به سوی تو از قرآن، همونست
راست باوردارنده آنچه پیش از وی است، هرآینه خدا به
بندگان خود خبردار بیناست. ﴿۳۱﴾ باز میراث دادیم قرآن
را به آنان که برگزیدیم ایشان را از بندگان خود^(۱)، پس
بعض ایشان ستمکار است بر نفس خود و بعض ایشان
میانه‌رو است و بعض ایشان سبقت کننده است به سوی
نیکی‌ها به حکم خدا. این است فضل بزرگ. ﴿۳۲﴾
بوستان‌های همیشه ماندن، درآیند آنجا، زیور داده شود
ایشان را آنجا از قسم و ستوانه‌های طلا و مروارید و لباس
ایشان آنجا جامه ابریشمی باشد. ﴿۳۳﴾ و گفتند: همه
ستایش خدای راست که دور کرد از ما اندوه را، هرآینه
پروردگار ما آمرزنده قدرشناس است. ﴿۳۴﴾ آن که فرود
آورد ما را به سرای همیشه ماندن از فضل خود. نرسد به ما
آنجا هیچ رنجی و نرسد به ما آنجا هیچ ماندگی. ﴿۳۵﴾ و
آنان که کافر شدند، ایشان راست آتش دوزخ، نه حکم
کرده شود بر ایشان تا بمیرند و نه سبک کرده شود از
ایشان چیزی از عذاب دوزخ، همچنین سزا می‌دهیم هر
ناسپاس را. ﴿۳۶﴾ و اهل دوزخ فریاد کنند در آنجا که: ای
پروردگار ما! بیرون آر ما را تا بکنیم کار شایسته بجز آنکه
می‌کردیم. [گوییم]: آیا زندگانی ندادیم شما را آنقدر که
پندپذیر شود در آن هر که پندپذیرفتن خواهد؟ و آمد به
شما ترساننده. پس بچشید، پس نیست ستمکاران را هیچ
یاری دهنده. ﴿۳۷﴾ هرآینه خدا داننده پنهان آسمان‌ها و
زمین است. هرآینه وی داناست به مکنون سینه‌ها. ﴿۳۸﴾

هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ
فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ
رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا
خَسَارًا ﴿٣٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ
مِنْ دُونِ اللَّهِ أُرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ
شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أَمْ ءَاتَيْنَهُمُ كِتَابًا فَهُمْ عَلَى
بَيِّنَةٍ مِنْهُ بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا
غُرُورًا ﴿٤٠﴾ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ
تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أُمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ
إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤١﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ
أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ
إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا
﴿٤٢﴾ أَسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرُ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ
الْمَكْرُ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ
الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ
لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا ﴿٤٣﴾ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ
فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكُنُوا
أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي
السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا ﴿٤٤﴾

وی آن است که گردانید شما را جانشین در زمین. پس هر
که کافر شود، ضرر کفر او بر وی است و نمی‌افزاید در
حق کافران، کفر ایشان نزدیک پروردگار ایشان، مگر
غضب را و نمی‌افزاید در حق کافران، کفر ایشان، مگر
زیان را. ﴿۳۹﴾ بگو: آیا دیدید شریکان مقرر کرده خود
را؟ آنان که می‌پرستید به جز خدا، بنمایید مرا چه چیز
آفریده‌اند از زمین! آیا ایشان راست شرکتی در آسمان‌ها،
نه! بلکه آیا دادیم ایشان را کتابی پس ایشان بر حجّتند از
آن؟! بلکه وعده نمی‌دهند ستمکاران بعضی ایشان بعضی را،
مگر به طریق فریفتن. ﴿۴۰﴾ هرآینه خدا نگاه می‌دارد
آسمان‌ها و زمین را از آنکه از جای خود بلغزند و اگر
بلغزند، نگاه ندارد این هر دو را هیچ کس بعد از خدا^(۱)،
هرآینه وی است بردبار آمرزگار. ﴿۴۱﴾ و قسم خوردند
به خدا سخت‌ترین قسم‌های خود که اگر بیاید به ایشان
ترساننده‌ای، البته خواهند بود راه یافته‌تر از هر یک امت،
پس چون آمد بدیشان ترساننده‌ای، زیاده نکرد در حق
ایشان مگر رمیدن را. ﴿۴۲﴾ به سبب سرکشی در زمین و
زیاده نکرد مگر بداندیشی قبیح را و فرود نمی‌آید و بال
بداندیشی قبیح، مگر به اهل او. پس منتظر نیستند مگر آیین
عقوبت پیشینیان را، پس نخواهی یافت آیین خدا را تبدیلی
و نخواهی یافت آیین خدا را تغییری. ﴿۴۳﴾ آیا سیر
نکرده‌اند در زمین تا ببینند چگونه شد انجام کار آنان که
پیش از ایشان بودند و آن جماعت بودند زیاده‌تر از ایشان
در قوّت. و هرگز نیست که عاجز کند خدا را چیزی در
آسمان‌ها و نه در زمین، هرآینه او هست دانای توانا.

﴿۴۴﴾

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا ﴿٤٥﴾

﴿۴۵﴾

سُورَةُ يَسْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَس ۝ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ۝ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ۝ لِنُنْذِرَ قَوْمًا مَّا أُنْذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ۝ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ إِنَّا جَعَلْنَا فِيْ أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُونَ ۝ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ۝ وَسَاءَ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ إِنَّمَا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ ۖ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ۝ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَءَاخِرَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ ۝

سوره یس

به نام خداوند بخشنده مهربان

یس. ﴿۱﴾ قسم به قرآن با حکمت. ﴿۲﴾ هرآینه تو از پیغامبرانی. ﴿۳﴾ بر راه راستی. ﴿۴﴾ مراد دارم فروفرستادن غالب مهربان. ﴿۵﴾ تا بترسانی قومی را که ترسانیده نشده‌اند پدران ایشان، پس ایشان غافلند^(۱). ﴿۶﴾ هرآینه ثابت شد وعده عذاب بر اکثر ایشان، پس اکثر ایشان ایمان نمی‌آرند. ﴿۷﴾ هرآینه ما ساختیم در گردن ایشان طوقها، پس آن طوقها تا زنج باشند، پس ایشان سر بالا کردگانند. ﴿۸﴾ و ساختیم پیش روی ایشان دیواری و پس پشت ایشان دیواری، باز پوشیدیم ایشان را، پس ایشان هیچ نبینند^(۲). ﴿۹﴾ و برابرست بر ایشان که بیم کنی ایشان را یا بیم نکنی ایشان را، ایمان نیاورند. ﴿۱۰﴾ جز این نیست که می‌ترسانی کسی را که پیروی پند کند و ترسد از خدا غایبانه، پس بشارت ده او را به آمرزش و مزدگرایی. ﴿۱۱﴾ هرآینه ما زنده می‌گردانیم مردگان را و می‌نویسیم آنچه پیش فرستادند^(۳) و می‌نویسیم نقش اقدام ایشان را و هر چیزی را احاطه کردیم در کتاب ظاهر^(۴).

﴿۱۲﴾

۱- یعنی در بنی اسماعیل هیچ پیغمبری مبعوث نشده بود.

۲- مترجم گوید: این هر دو آیت تمثیل و تصویر است یأس ایشان را از شناختن حق.

۳- یعنی اعمال خیر و شر.

۴- یعنی لوح محفوظ.

وَأَضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿١٣﴾ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اتْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ ﴿١٤﴾ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ﴿١٥﴾ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُم لَمُرْسَلُونَ ﴿١٦﴾ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿١٧﴾ قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨﴾ قَالُوا طَيَّرْنَاكُمْ مَعَكُمْ أَيْنَ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿١٩﴾ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَفْقَوْمَ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٠﴾ اتَّبِعُوا مَن لَّا يَسْأَلْكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٢﴾ عَأْخِذْ مِنْ ذُوهِهِ عَالِهَةً إِن يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ ﴿٢٣﴾ إِنِّي إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾ إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ ﴿٢٥﴾ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَلِيَّتْ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٧﴾

و بیان کن برای ایشان، داستانی قصه اهل دیه، چون آمد به آن دیه پیغامبران. ﴿۱۳﴾ آنگاه که فرستادیم به سوی ایشان دو کس را، پس به دروغ نسبت کردند ایشان را، پس قوت دادیم به سوئی. پس به هر سه کس گفتند: هر آینه به سوی شما فرستادگانیم. ﴿۱۴﴾ اهل ده گفتند: نیستید شما مگر آدمی مانند ما و نه فروفرستاده است خدا هیچ چیز، نیستید شما مگر دروغگو. ﴿۱۵﴾ گفتند: پروردگار ما می‌داند که هر آینه ما به سوی شما فرستادگانیم. ﴿۱۶﴾ و نیست بر ما مگر پیغام رسانیدن ظاهر. ﴿۱۷﴾ گفتند: هر آینه ما شگون بد گرفتیم به شما، اگر باز نمایند سنگسار کنیم شما را و البته برسد به شما از جانب ما عقوبت درد دهنده. ﴿۱۸﴾ گفتند: شگون بد شما همراه شما است. آیا اگر پند داده شود شما را بر شگون بد حمل کنید؟ بلکه شما گروهی از حد گذشته‌اید. ﴿۱۹﴾ و آمد از دورترین محل‌های آن شهر مردی شتابان. گفت: ای قوم من! پیروی کنید پیغامبران را. ﴿۲۰﴾ پیروی کنید کسی را که نمی‌طلبد از شما هیچ مزدی و ایشان راه یافتگانند. ﴿۲۱﴾ و چیست مرا که عبادت نکنم معبودی را که بیافرید مرا و به سوی وی بازگردانیده خواهید شد؟. ﴿۲۲﴾ آیا بجز وی خدایان گیرم که اگر بخواهد خدای تعالی در حق من زیانی، دفع نکند از من شفاعت ایشان، چیزی را و ایشان خلاص نکنند مرا؟. ﴿۲۳﴾ هر آینه من آنگاه در گمراهی ظاهر باشم. ﴿۲۴﴾ هر آینه من ایمان آوردم به پروردگار شما، پس بشنوید از من^(۱). ﴿۲۵﴾ گفته شد او را: درآی به بهشت. گفت: ای کاش! قوم من بدانند. ﴿۲۶﴾ که به چه چیز بیامرزید مرا پروردگار من و ساخت مرا از نواختگان. ﴿۲۷﴾

۱- مترجم گوید: اهل دیه آن را شهید ساختند، والله اعلم.

وَمَا أَنزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ ﴿٢٨﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ ﴿٢٩﴾ يَحْسِرَةُ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٣٠﴾ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنَ الْفُرُوزِ أَتُهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٣١﴾ وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٣٢﴾ وَعَايَةُ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَوْتَىٰ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴿٣٣﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ﴿٣٤﴾ لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾ سُبْحَنَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنَ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَعَايَةُ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ ﴿٣٧﴾ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿٣٩﴾ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٤٠﴾

و فرود نیاوردیم بر قوم او بعد ازو هیچ لشکری از آسمان و نیستیم ما فرود آورنده لشکر. ﴿۲۸﴾ نبود عقوبت ایشان مگر یک فریاد تند، پس ناگهان ایشان چون آتش فرو مرده شدند. ﴿۲۹﴾ ای وای بر بندگان! نمی آید بدیشان هیچ فرستاده ای مگر به او تمسخر می کردند. ﴿۳۰﴾ آیا ندیدند چقدر هلاک ساختیم پیش از ایشان طبقات مردمان را؟ آیا ندیدند که آن جماعت به سوی ایشان باز نمی آیند؟ ﴿۳۱﴾ و نیست هر طبقه مگر جمع آورده نزدیک ما حاضر کرده شده. ﴿۳۲﴾ و نشانه ای هست برای ایشان زمین مرده، زنده گردانیدیم آن را و برآوردیم از آن دانه، پس از آن دانه می خورند. ﴿۳۳﴾ و آفریدیم در زمین بوستان ها از درختان خرما و درختان انگور و روان ساختیم در آن بوستان چشمه ها. ﴿۳۴﴾ تا بخورند از میوه آنچه مذکوره شد و نساخته است میوه را دست ایشان. آیا پس شکر نمی کنند؟ ﴿۳۵﴾ پاک است آن که آفرید اجناس را تمام آن، از آنچه می رویاندش زمین و از جنس آدمیان و از آنچه ایشان نمی دانند. ﴿۳۶﴾ و نشانه ای هست ایشان را شب. مانند پوست می کشیم از وی روز را، پس ناگهان ایشان در تاریکی آیندگان باشند. ﴿۳۷﴾ و آفتاب می رود به راهی که قرارگاه وی است. این است اندازه خدای غالب دانا. ﴿۳۸﴾ و ماه، مقرر کردیم برای او منزل ها تا آنکه باز گردد به شکل شاخ کهنه. ﴿۳۹﴾ نه آفتاب می سزدش که دریابد ماه را و نه شب سبقت کننده است به روز^(۱) و هر یکی از آفتاب و ماه و ستاره ها در آسمانی سیر می کنند. ﴿۴۰﴾

وَعَايَةُ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ ﴿٤١﴾ وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ ﴿٤٣﴾ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَلَعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٥﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤٦﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٤٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٥٠﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ﴿٥١﴾ قَالُوا يَوَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٥٣﴾ فَالْيَوْمَ لَا تُظَلَّمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٤﴾

و نشانه‌ای هست ایشان را که ما برداشتیم قومی بنی آدم را در کشتی پر کرده شده. ﴿۴۱﴾ و آفریدیم برای ایشان مانند کشتی آنچه سوار می‌شوند بر آن^(۱). ﴿۴۲﴾ و اگر خواهیم غرق کنیم ایشان را، پس هیچ فریادرس نباشد برای ایشان و نه ایشان رها کرده شوند. ﴿۴۳﴾ لیکن رحمت کردیم از جانب خود و بهره‌مند ساختیم تا مدتی. ﴿۴۴﴾ و چون گفته شود به ایشان که بترسید از عقوبتی که پیش دو دست شما باشد و عقوبتی که پس پشت شما باشد، بود که بر شما رحم کرده شود. ﴿۴۵﴾ و نمی‌آید بدیشان هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگار ایشان، الا از آن روگردان باشند. ﴿۴۶﴾ و چون گفته شود به ایشان که: خرج کنید از آنچه رزق داده است شما را خدای تعالی، گویند این کافران به مسلمانان: آیا طعام دهیم کسی را که اگر خدای تعالی می‌خواست طعام دادی او را؟ نیستید شما مگر در گمراهی ظاهر. ﴿۴۷﴾ و می‌گویند کافران: کی باشد این وعده اگر راست‌گویید؟ ﴿۴۸﴾ انتظار نمی‌کشند مگر یک نعره تند را که بگیرد ایشان را و ایشان خصومت کنان باشند. ﴿۴۹﴾ پس نتوانند وصیت کردن و نه به اهل خود بازگردند. ﴿۵۰﴾ و دمیده شود در صور. پس ناگهان ایشان از قبرها به سوی پروردگار خویش بشتابند. ﴿۵۱﴾ گویند: ای وای بر ما! که برخیزانید ما را از خوابگاه ما؟ آری! این همان است که وعده داده بود خدای تعالی و راست گفتند پیغامبران. ﴿۵۲﴾ نباشد این واقعه مگر نعره تندی، پس ناگهان ایشان جمع آورده نزدیک ما حاضر کرده شده باشند. ﴿۵۳﴾ پس امروز ستم کرده نخواهد شد بر هیچ کس، هیچ ستمی و جزا داده نخواهید شد الا به حسب آنچه می‌کردید. ﴿۵۴﴾

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكِيهُونَ ﴿٥٥﴾ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِنُونَ ﴿٥٦﴾ لَهُمْ فِيهَا فَلَكَهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ ﴿٥٧﴾ سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ ﴿٥٨﴾ وَامْتَزُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٩﴾ أَلَمْ نَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبْنَىٰءَ آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٠﴾ وَإِنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ﴿٦٢﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٦٣﴾ أَصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٦٤﴾ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ ﴿٦٦﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ﴿٦٧﴾ وَمَنْ نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْءَانٌ مُّبِينٌ ﴿٦٩﴾ لِيُنذِرَ مَنِ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧٠﴾

هر آینه اهل بهشت امروز در کاری هستند شادانند. ﴿۵۵﴾ ایشان و زنان ایشان در سایه‌ها بر تخت‌ها نشینند. ﴿۵۶﴾ ایشان راست در بهشت میوه و ایشان راست، آنچه طلب کنند. ﴿۵۷﴾ گفته شود: سلام باد از جانب پروردگار مهربان. ﴿۵۸﴾ و بگوییم جدا شوید امروز ای گناهکاران! ﴿۵۹﴾ آیا حکم نفرستاده بودم به سوی شما ای اولاد آدم، که پرستید شیطان را، هر آینه وی شما را دشمن آشکارا است؟! ﴿۶۰﴾ و آن که پرستید مرا این است راه راست. ﴿۶۱﴾ و هر آینه گمراه ساخت شیطان از قوم شما خلق بسیار را. آیا نمی‌دانستید؟! ﴿۶۲﴾ این آن دوزخ است که وعده داده می‌شد شما را. ﴿۶۳﴾ درآید به آن امروز به سبب کافر بودن خود. ﴿۶۴﴾ امروز مهر نهم بر دهان ایشان و سخن گوید ما با دست‌های ایشان و گواهی دهد پاهای ایشان به آنچه می‌کردند. ﴿۶۵﴾ و اگر خواهیم نابود کنیم چشم ایشان، پس سبقت کنند به سوی راه، پس از کجا ببینند. ﴿۶۶﴾ و اگر خواهیم مسخ کنیم ایشان را بر جای ایشان، پس نتواند گذشتن از آنجا و باز نگردند. ﴿۶۷﴾ و هر که را عمر دراز می‌دهیم، نگوئیم می‌کنیمش در آفرینش. آیا در نمی‌یابند؟! ﴿۶۸﴾ و نیاموختیم این پیغامبر را شعر و لایق نیست او را، نیست این مگر پند و قرآن آشکار. ﴿۶۹﴾ تا بترساند هر که زنده باشد^(۱) و ثابت شود حجت بر کافران. ﴿۷۰﴾

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَمًا
 فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ
 وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ
 أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً
 لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ
 جُنْدٌ مُّحْضَرُونَ ﴿٧٥﴾ فَلَا يَخْزِنَكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا
 يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٦﴾ أَوْ لَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا
 خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ﴿٧٧﴾ وَضَرَبَ
 لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَمَ وَهِيَ
 رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ
 بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ
 الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِّنْهُ تُوقَدُونَ ﴿٨٠﴾ أَوْ
 لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَن
 يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾ إِنَّمَا أَمْرُهُ
 إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَن يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾
 فَسُبْحَنَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ
 تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

آیا ندیدند که ما آفریدیم برای ایشان از آنچه ساخته است
 دست ما چهارپایان را، پس ایشان آن را مالکانند؟ ﴿٧١﴾
 و رام ساختیم چهارپایان را برای ایشان، پس بعض از آن
 سواری ایشان است و بعض از آن می‌خورند. ﴿٧٢﴾ و
 ایشان راست در چهارپایان منفعت‌ها و آشامیدن‌ها. آیا
 شکر نمی‌گذارند؟ ﴿٧٣﴾ و گرفتند سوای خدا معبودان را
 تا بود که ایشان یاری داده شوند. ﴿٧٤﴾ نتوانند یاری
 کردن ایشان و این بتان برای ایشان لشکری حاضر کرده
 شده‌اند. ﴿٧٥﴾ پس اندوهگین نکند تو را سخن ایشان،
 هرآینه ما می‌دانیم آنچه پنهان می‌کنند و آنچه آشکار
 می‌نمایند. ﴿٧٦﴾ آیا ندیده است آدمی که ما آفریدیم او
 را از نطفه پس ناگهان او خصومت کننده آشکارا شد؟
 ﴿٧٧﴾ و پدید آورد برای ما داستانی و فراموش کرد
 آفرینش خود را. گفت: که زنده کند استخوان‌ها در حالتی
 که آن کهنه شده باشند؟ ﴿٧٨﴾ بگو: زنده کندش آن که
 آفرید او را اول بار و او به هر قسم آفرینش داناست.
 ﴿٧٩﴾ آن که پیدا کرد برای شما از درخت سبز آتش را،
 پس ناگهان شما از آن درخت آتش می‌افروزید. ﴿٨٠﴾
 آیا نیست آن که آفرید آسمان‌ها و زمین را، توانا بر آنکه
 آفریند مانند ایشان؟ بلی! و هم اوست آفریننده دانا. ﴿٨١﴾
 جز این نیست که فرمان خدا چون بخواهد آفریدن چیزی،
 این است که گویدش شو! پس می‌شود. ﴿٨٢﴾ پس پاک
 است آن که به دست اوست پادشاهی هر چیز و به سوی او
 بازگردانیده شوید. ﴿٨٣﴾

سُورَةُ الصَّافَّاتِ

سوره صفات

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ۝۱ فَالزَّجَرَاتِ زَجْرًا ۝۲ فَالتَّلَايَاتِ ذِكْرًا ۝۳ إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ ۝۴ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشْرِقِ ۝۵ إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ ۝۶ وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ۝۷ جَانِبِ ۝۸ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ۝۹ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ۝۱۰ فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مِّنْ خَلْقٍ نَّاعٍ ۝۱۱ إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّنْ طِينٍ لَّازِبٍ ۝۱۲ بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ ۝۱۳ وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ۝۱۴ وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ ۝۱۵ وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ۝۱۶ أَوِ آبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ۝۱۷ قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ۝۱۸ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ ۝۱۹ وَقَالُوا يَوَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ ۝۲۰ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِء تَكْذِبُونَ ۝۲۱ أَحْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَرْوَاهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ۝۲۲ مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ ۝۲۳ وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ ۝۲۴

قسم به جماعتی از ملائکه که صف می کشند صف کشیدنی! (۱). ﴿۱﴾ پس قسم به جماعتی که می رانند راندنی! (۲). ﴿۲﴾ پس قسم به جماعتی که تلاوت می کنند تلاوت کردنی! (۳). ﴿۳﴾ هر آینه معبود شما یکی است. ﴿۴﴾ او پروردگار آسمان ها و زمین است و آنچه در میان اینهاست و او پروردگار مشرق ها است (۴). ﴿۵﴾ هر آینه ما آرایش دادیم آسمان دنیا را به زینت [یعنی به] ستاره ها. ﴿۶﴾ و نگاه داشتیم از هر شیطان سرکش. ﴿۷﴾ [مقصد آن که] گوش نهند شیاطین به سوی ملاءاعلی و انداخته می شود به سوی ایشان شهاب از هر جانب. ﴿۸﴾ به جهت راندن ایشان و ایشان راست عذاب داریم. ﴿۹﴾ مگر کسی که بر باید (۴) یک بار ربودن، پس از پی او افتد شعله سوزنده. ﴿۱۰﴾ پس استفسار کن از ایشان: آیا ایشان سخت ترند در آفرینش یا کسی که ما آفریده ایم؟ هر آینه ما آفریدیم (۵) ایشان را از گل چسبنده. ﴿۱۱﴾ بلکه تعجب کردی (۶) و ایشان تمسخر می کنند. ﴿۱۲﴾ و چون پند داده شود ایشان را پند نمی گیرند. ﴿۱۳﴾ و چون ببینند نشانه ای را، تمسخر کنند. ﴿۱۴﴾ و گفتند: نیست این قرآن مگر سحر ظاهر. ﴿۱۵﴾ آیا چون بمیریم و باشیم خاکی و استخوانی چند، آیا ما برانگیخته شویم؟! ﴿۱۶﴾ آیا پدران نخستین ما برانگیخته شوند؟! ﴿۱۷﴾ بگو: آری! و شما خوار باشید. ﴿۱۸﴾ پس جز این نیست که آن برانگیختن یک نعره تند باشد، پس ناگهان ایشان بنگرند. ﴿۱۹﴾ و گویند: ای وای بر ما! این است روز جزا. ﴿۲۰﴾ [گفته شود]: این است روز فیصل کردن قضایا که آن را به دروغ نسبت می کردید. ﴿۲۱﴾ [گفته شود]: برانگیزید ای ملائکه! مستکاران را با همراهان (۷) ایشان و آنچه می پرستیدند. ﴿۲۲﴾ بجز خدا. پس دلالت کنید ایشان را به سوی راه دوزخ. ﴿۲۳﴾ و بازدارید ایشان را، هر آینه ایشان سؤال کرده خواهند شد. ﴿۲۴﴾

۱- مترجم گوید: یعنی نزدیک پروردگار خود.

۲- مترجم گوید: یعنی شیاطین را، والله اعلم.

۳- یعنی و مغرب ها نیز.

۴- یعنی کلمه ای را از کلمات ملاءاعلی یک بار ربودن.

۵- یعنی ملائکه و جن و سموات و غیر آن.

۶- یعنی از حال کافران.

۷- یعنی با شیاطین، والله اعلم.

لَا يَسْمَعُونَ إِلَى آلَمًا إِلَّا عَلَىٰ وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ مَآ
لَكُم لَا تَنَاصَرُونَ ﴿٢٥﴾ بَلْ هُمْ أَلْيَوْمَ مُتَسَلِّمُونَ
﴿٢٦﴾ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٧﴾ قَالُوا
إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ﴿٢٨﴾ قَالُوا بَلْ لَمْ
تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٢٩﴾ وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ
سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَٰغِينَ ﴿٣٠﴾ فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ
رَبِّنَا إِنَّنَا لَذَٰبِقُونَ ﴿٣١﴾ فَأَعْوَيْنَكُمْ إِنَّنَا كُنَّا غُلُوِينَ ﴿٣٢﴾
فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٣﴾ إِنَّنَا كَذٰلِكَ
نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٤﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ
إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾ وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَارِكُوا ءَالِهَتِنَا
لِشَاعِرٍ تَجْنُونَ ﴿٣٦﴾ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ
﴿٣٧﴾ إِنَّكُمْ لَذَٰبِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا
مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٩﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾
أُولَٰئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ﴿٤١﴾ فَوَٰكِهِ وَهُمْ مُكْرَمُونَ
﴿٤٢﴾ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٤٣﴾ عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ﴿٤٤﴾
يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِّنْ مَّعِينٍ ﴿٤٥﴾ بَيِّضَاءَ لَذَّةٍ
لِّلشَّرِبِينَ ﴿٤٦﴾ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ ﴿٤٧﴾
وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ ﴿٤٨﴾ كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ
مَّكْنُونٌ ﴿٤٩﴾ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٥٠﴾
قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ﴿٥١﴾

چيست شما را كه با يكديگر يارى نمى كنيد. ﴿٢٥﴾ بلكه
ايشان امروز گردن نهادگانند. ﴿٢٦﴾ و رو آورند بعض
ايشان بر بعض با يكديگر سؤال كنان. ﴿٢٧﴾ گويند:
هرآيينه شما مى آمدديد پيش ما از جانب راست^(۱). ﴿٢٨﴾
گويند: بلكه شما نبوديد مسلمانان. ﴿٢٩﴾ و نبود ما را هيچ
تسلطى بر شما، بلكه شما بوديد گروهى از حد گذشته.
﴿٣٠﴾ پس لازم شد بر ما سخن پروردگار ما كه البته ما
چشنده عذاب باشيم. ﴿٣١﴾ پس گمراه كرديم شما را،
هرآيينه ما گمراه بوديم. ﴿٣٢﴾ پس به تحقيق همه ايشان
آن روز در عذاب باهم شريك باشند. ﴿٣٣﴾ هرآيينه ما
همچنين مى كنيم با گناهكاران. ﴿٣٤﴾ هرآيينه ايشان چون
گفته مى شد بدیشان كه نيست هيچ معبود مگر خدا،
سرکشی مى کردند. ﴿٣٥﴾ و مى گفتند آيا ما ترك كننده
معبودان خود باشيم براى گفته شاعرى ديوانه؟ ﴿٣٦﴾
بلكه آورد پيغامبر سخن درست را و باور داشت ساير
پيغامبران را. ﴿٣٧﴾ هرآيينه شما چشنده عذاب درد دهنده
باشيد. ﴿٣٨﴾ و جزا داده نخواهيد شد مگر به حسب آنچه
مى كرديد ﴿٣٩﴾ ليكن بندگان خالص ساخته خدا^(۲).
﴿٤٠﴾ [اين جماعت، ايشان راست روزى مقرر. ﴿٤١﴾
انواع ميوه ها و ايشان نواختگانند. ﴿٤٢﴾ در بهشت هاى
نعمت. ﴿٤٣﴾ بر تخت ها روى يكديگر. ﴿٤٤﴾ گرداننده
مى شود بر ايشان جامى از شراب جارى ﴿٤٥﴾ سفيد رنگ،
لذت دهنده، نوشندگان را. ﴿٤٦﴾ نه در آن شراب،
تباه كارى باشد و نه ايشان از آن شراب، مست شوند.
﴿٤٧﴾ و نزديك ايشان زنان فرود آورنده چشم باشند، فراخ
چشمان. ﴿٤٨﴾ گويا ايشان بيضه هاى شترمرغ در پرده
پوشيده اند. ﴿٤٩﴾ پس روى آرند بعض اهل بهشت بر
بعض با يكديگر استفساركنان. ﴿٥٠﴾ گفت گوينده از
ايشان: هرآيينه بود مرا هم نشينى. ﴿٥١﴾

۱- يعنى و از جانب چپ نيز به جهت گمراه كردن، والله اعلم.

۲- يعنى آنانكه پاك ساخته شدند از شرك وغيره.

يَقُولُ أَءِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ ﴿٥٢﴾ أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا
وَعِظْمًا أَءِنَّا لَمَدِينُونَ ﴿٥٣﴾ قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُّطَّلِعُونَ ﴿٥٤﴾
فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءٍ الْجَحِيمِ ﴿٥٥﴾ قَالَ تَاللَّهِ إِنْ
كِدْتَ لَتُردِّينَ ﴿٥٦﴾ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ
الْمُحْضَرِينَ ﴿٥٧﴾ أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ﴿٥٨﴾ إِلَّا مَوْتَتَنَا
الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٥٩﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ
الْعَظِيمُ ﴿٦٠﴾ لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ﴿٦١﴾ أَذَلِكَ
خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّوْمِ ﴿٦٢﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً
لِّلْظَالِمِينَ ﴿٦٣﴾ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ﴿٦٤﴾
طَلَعَهَا كَأَنَّهٗ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ ﴿٦٥﴾ فَإِنَّهُمْ لَا يَكُونُ
مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٦٦﴾ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا
لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ ﴿٦٧﴾ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لِإِلَى الْجَحِيمِ
﴿٦٨﴾ إِنَّهُمْ أَلفَوْا عَابَاءَهُمْ ضَالِّينَ ﴿٦٩﴾ فَهُمْ عَلَىٰ عَائِثِهِمْ
يُهْرَعُونَ ﴿٧٠﴾ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٧١﴾
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُّنْذِرِينَ ﴿٧٢﴾ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ
عَقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ ﴿٧٣﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٧٤﴾
وَلَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ ﴿٧٥﴾ وَنَجَّيْنَاهُ
وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾

که به آنکار می گفت: آیا تو از باورداران شدی؟^(۱)
﴿۵۲﴾ آیا چون بمیریم و شویم خاکی و استخوانی چند،
آیا ما جزا داده خواهیم شد؟ ﴿۵۳﴾ باز گفت: آیا شما در
می نگرید؟^(۲) ﴿۵۴﴾ پس در نگریست، پس دید آن
همشین خود را در وسط دوزخ. ﴿۵۵﴾ گفت: قسم به
خدا! هرآینه نزدیک بودی به آنکه هلاک کنی مرا.
﴿۵۶﴾ و اگر نبودی بخشایش پروردگار من، هرآینه
شدمی از حاضر کردگان در عذاب. ﴿۵۷﴾ البته نیستیم ما
مرده شونده. ﴿۵۸﴾ مگر به موت نخستین خود و نیستیم ما
عذاب کرده شده. ﴿۵۹﴾ هرآینه این است فیروزی
بزرگ. ﴿۶۰﴾ برای این چنین نعمت باید که عمل کنند
عمل کنندگان. ﴿۶۱﴾ آیا آنچه مذکور شد نیکوتر است
مهمانی یا درخت زقوم. ﴿۶۲﴾ هرآینه ما ساختیم زقوم را
عقوبتی برای ستمکاران. ﴿۶۳﴾ هرآینه وی درختی است
که برمی آید در قعر دوزخ. ﴿۶۴﴾ خوشه آن مانند سرهای
شیاطین است. ﴿۶۵﴾ پس هرآینه دوزخیان بخورند از آن
درخت، پس پر کنند از آن شکم ها را. ﴿۶۶﴾ پس هرآینه
ایشان را بر آن طعام، آمیختنی باشد از آب گرم. ﴿۶۷﴾ باز
هرآینه بازگشت ایشان به سوی دوزخ بود^(۳). ﴿۶۸﴾
هرآینه ایشان گمراه یافتند پدران خود را. ﴿۶۹﴾ پس
ایشان بر پی پدران خود به سرعت رانده می شوند. ﴿۷۰﴾ و
هرآینه گمراه شده بودند پیش از ایشان اکثر پیشینیان.
﴿۷۱﴾ و هرآینه فرستاده ایم در میان ایشان ترسانندگان.
﴿۷۲﴾ پس بین چگونه شد انجام بیم کردگان. ﴿۷۳﴾ مگر
بندگان خالص ساخته خدا. ﴿۷۴﴾ و هرآینه آواز داد ما را
نوح، پس نیک قبول کننده دعاییم ما. ﴿۷۵﴾ و رهانیدیم او
را و کسان او را از اندوه بزرگ. ﴿۷۶﴾

۱- یعنی حشر را.

۲- یعنی دوزخیان را.

۳- یعنی بعد خوردن و نوشیدن، ایشان را به دوزخ بازبرند.

وَجَعَلْنَا دُرِّيَّتَهُ هُمْ الْبَاقِينَ ﴿٧٧﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي
الْآخِرِينَ ﴿٧٨﴾ سَلَّمَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعِلْمِينَ ﴿٧٩﴾ إِنَّا
كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا
الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨١﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ ﴿٨٢﴾ وَإِنَّ مِنْ
شِيعَتِهِ لِبَرَاهِيمَ ﴿٨٣﴾ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٤﴾
إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ﴿٨٥﴾ أَفِئْكَآ إِلَهَةٌ
دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ﴿٨٦﴾ فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾
فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ﴿٨٨﴾ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ﴿٨٩﴾
فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿٩٠﴾ فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا
تَأْكُلُونَ ﴿٩١﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ ﴿٩٢﴾ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ
ضَرْبًا بِلَيْمِينَ ﴿٩٣﴾ فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُونَ ﴿٩٤﴾ قَالَ
أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ﴿٩٥﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا
تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قَالُوا أَبْنَاؤُا لَهُو بَنَيْنَا فَاَلْقَوْهُ فِي الْجَحِيمِ
﴿٩٧﴾ فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ﴿٩٨﴾ وَقَالَ
إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٩٩﴾ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ
الصَّالِحِينَ ﴿١٠٠﴾ فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ ﴿١٠١﴾ فَلَمَّا بَلَغَ
مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَبْنَئِي إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ
فَانْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَنَابِتٌ أَفْعَلُ مَا تُؤْمَرُ
سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴿١٠٢﴾

و ساختیم اولاد او را ایشان را فقط باقی مانده. ﴿۷۷﴾ و
گذاشتیم بر وی ثنای نیک در پسینان. ﴿۷۸﴾ سلام باد بر
نوح در عالم‌ها. ﴿۷۹﴾ هرآینه ما همچنین جزا می‌دهیم
نیکوکاران را. ﴿۸۰﴾ هرآینه او از بندگان گردیده ما
است. ﴿۸۱﴾ باز غرق ساختیم دیگران را. ﴿۸۲﴾ و هرآینه
از اتباع نوح بود ابراهیم. ﴿۸۳﴾ چون آمد پیش پروردگار
خود بدل مبرا از عیب. ﴿۸۴﴾ چون گفت به پدر خود و به
قوم خود: چه چیز را عبادت می‌کنید؟! ﴿۸۵﴾ آیا به رأی
فاسد خود معبودان را بجز خدا می‌جوید؟! ﴿۸۶﴾ پس
چیست گمان شما به پروردگار عالم‌ها؟! ﴿۸۷﴾ پس در
نگریست ابراهیم یک باز نگریستن در ستارها. ﴿۸۸﴾ پس
گفت: هرآینه من بیمار خواهم شد. ﴿۸۹﴾ پس باز گشتند
از وی پشت گرداننده. ﴿۹۰﴾ پس پنهان متوجه شد به
سوی معبودان ایشان، پس گفت: آیا چیزی نمی‌خورید؟
﴿۹۱﴾ پس چیست شما را که سخن نمی‌گویید. ﴿۹۲﴾ پس
متوجه شد بر ایشان می‌زد زدنی به قوت. ﴿۹۳﴾ پس روی
آوردند به سوی ابراهیم شتاب کنان. ﴿۹۴﴾ ابراهیم گفت:
آیا می‌پرستید چیزی را که خود می‌تراشید؟ ﴿۹۵﴾ و خدا
پیدا کرد شما را و آنچه می‌کنید. ﴿۹۶﴾ گفتند [با
یکدیگر]: بنا کنید برای ابراهیم عمارتی، پس بیفکنید او را
در آتش بسیار. ﴿۹۷﴾ پس قصد کردند با وی بدسگالی را،
پس ساختیم ایشان را زیرتر. ﴿۹۸﴾ و گفت ابراهیم که:
هرآینه من رونده‌ام به سوی پروردگار خود، راه خواهد
نمود مرا. ﴿۹۹﴾ ای پروردگار من! عطا کن مرا از شایسته
کاران. ﴿۱۰۰﴾ پس بشارت دادیم او را به نوجوانی
بردباری. ﴿۱۰۱﴾ پس چون رسید آن طفل به آن سن که
سعی تواند کرد همراه والد خود، ابراهیم گفت: ای پسرک
من! هرآینه من می‌بینم در خواب که من ذبح می‌کنم تو را
پس درنگر تا چه چیز به خاطر تو می‌رسد؟ گفت: ای پدر
من! بکن آنچه فرموده می‌شود تو را. خواهی یافت مرا، اگر
خدا خواسته است، از شکیبایی کنندگان. ﴿۱۰۲﴾

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ﴿١٠٣﴾ وَتَدَيَّنَهُ أَنْ
يَتَابَرَهُيمُ ﴿١٠٤﴾ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّعْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي
الْمُحْسِنِينَ ﴿١٠٥﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ ﴿١٠٦﴾
وَفَدَيْنَهُ بِذِيْعٍ عَظِيمٍ ﴿١٠٧﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ
﴿١٠٨﴾ سَلَّمَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿١٠٩﴾ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ
﴿١١٠﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١١﴾ وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ
نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١٢﴾ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ
وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ ﴿١١٣﴾ وَلَقَدْ
مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١١٤﴾ وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ
الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿١١٥﴾ وَنَصَرْنَاهُمْ فَاكُنُوا هُمُ الْغَالِبِينَ
﴿١١٦﴾ وَعَاتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ ﴿١١٧﴾ وَهَدَيْنَاهُمَا
الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١١٨﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ
﴿١١٩﴾ سَلَّمَ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي
الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢١﴾ إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٢﴾ وَإِنَّ
إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ
﴿١٢٤﴾ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَلْقِينَ ﴿١٢٥﴾
اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٢٦﴾

پس چون منقاد شدند هر دو، پدر بيفکند فرزند خود را بر
جانب پيشانی. ﴿۱۰۳﴾ و آواز دادیم ابراهيم را که ای
ابراهيم! ﴿۱۰۴﴾ هر آينه راست کردی خواب را، هر آينه
ما همچنين جزا می دهيم نیکوکاران را. ﴿۱۰۵﴾ هر آينه
این ماجرا امتحان ظاهر است. ﴿۱۰۶﴾ و عوض او دادیم
گوسپندی مهیا برای ذبح بزرگ جثه. ﴿۱۰۷﴾ و گذاشتیم
بر وی ثنای نیک در پسینان. ﴿۱۰۸﴾ سلام باد بر ابراهيم!
﴿۱۰۹﴾ همچنين جزا می دهيم نیکوکاران را. ﴿۱۱۰﴾
هر آينه وی از بندگان گرویده است. ﴿۱۱۱﴾ و بشارت
دادیم او را به اسحاق، پیغمبری از شایستگان. ﴿۱۱۲﴾ و
برکت دادیم بر ابراهيم و بر اسحق و از اولاد ایشان، بعض
نیکوکار است و بعض ستم کننده آشکار است بر خویشان.
﴿۱۱۳﴾ و هر آينه ما احسان کردیم بر موسی و هارون.
﴿۱۱۴﴾ و نجات دادیم ایشان را و قوم ایشان را از اندوه
بزرگ. ﴿۱۱۵﴾ و نصرت دادیم ایشان را، پس ایشان بودند
غالبان. ﴿۱۱۶﴾ و دادیم ایشان را کتابی واضح. ﴿۱۱۷﴾ و
دالت کردیم ایشان را راه راست. ﴿۱۱۸﴾ و باقی
گذاشتیم بر ایشان ثنای نیک در پسینان. ﴿۱۱۹﴾ سلام باد
بر موسی و هارون! ﴿۱۲۰﴾ هر آينه ما چنین جزا می دهيم
نیکوکاران را ﴿۱۲۱﴾ هر آينه ایشان از بندگان گرویده
مانند. ﴿۱۲۲﴾ و هر آينه الیاس از فرستادگان بود. ﴿۱۲۳﴾
چون گفت به قوم خود: آیا پرهیزگاری نمی کنید؟ ﴿۱۲۴﴾
آیا پرستش می کنید بعل را (بعل نام بتی است) و ترک
می کنید نیکوترین آفرینندگان را؟! ﴿۱۲۵﴾ ترک
می کنید خدا را، پروردگار شما و پروردگار پدران نخستین
شما. ﴿۱۲۶﴾

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٢٧﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٢٨﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٢٩﴾ سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿١٣٠﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣١﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾ وَإِنَّ لُوطًا لَمِنْ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٣﴾ إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٣٤﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَايَةِ ﴿١٣٥﴾ ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ ﴿١٣٦﴾ وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ ﴿١٣٧﴾ وَبِالْأَيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٣٨﴾ وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنْ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٩﴾ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلِّكَ الْمَشْحُونِ ﴿١٤٠﴾ فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿١٤١﴾ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿١٤٢﴾ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤٤﴾ فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٥﴾ وَأَثْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَقْطِينٍ ﴿١٤٦﴾ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ﴿١٤٧﴾ فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١٤٨﴾ فَاسْتَفْتِهِمُ الرِّبَّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ ﴿١٤٩﴾ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنْثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ﴿١٥٠﴾ أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾ وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٥٢﴾ أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ ﴿١٥٣﴾

پس دروغی پنداشتند او را، پس هرآینه آن جماعت حاضر کردندگانند^(۱). ﴿۱۲۷﴾ مگر بندگان خالص کرده خدا. ﴿۱۲۸﴾ و گذاشتیم بر الیاس ثنای نیک در پسینان ﴿۱۲۹﴾ سلام باد بر الیاس! ﴿۱۳۰﴾ هرآینه همچنین جزا می دهیم نیکوکاران را. ﴿۱۳۱﴾ هرآینه وی بود از بندگان گرویده ما. ﴿۱۳۲﴾ و هرآینه لوط بود از فرستادگان. ﴿۱۳۳﴾ یاد کن چون نجات دادیم او را و اهل خانه او را، همه یکجا. ﴿۱۳۴﴾ مگر پیرزنی که بود از باقی ماندگان. ﴿۱۳۵﴾ باز هلاک ساختیم آن دیگران را. ﴿۱۳۶﴾ و هرآینه شما گذر می کنید بر مساکن آن قوم، صبح کنان. ﴿۱۳۷﴾ و به وقت شب نیز، آیا در نمی یابید؟ ﴿۱۳۸﴾ و هرآینه یونس بود از فرستادگان. ﴿۱۳۹﴾ چون گریخت به سوی کشتی پر کرده شده. ﴿۱۴۰﴾ پس قرعه انداخت با اهل کشتی، پس شد از مغلوبان. ﴿۱۴۱﴾ پس فرو برد او را ماهی و او کننده بود کاری را که موجب ملامت باشد. ﴿۱۴۲﴾ پس اگر نه آن است که وی از تسبیح کنندگان می بود. ﴿۱۴۳﴾ البتّه باقی می ماند در شکم ماهی تا روزی که مردمان برانگیخته شوند. ﴿۱۴۴﴾ پس برتافتیم او را به زمین بی گیاه و او بیمار بود. ﴿۱۴۵﴾ و رویانیدیم بر سر او درختی از قسم کدو. ﴿۱۴۶﴾ و فرستادیم او را به سوی صد هزار یا بیشتر از آن باشند. ﴿۱۴۷﴾ پس ایمان آوردند. پس بهره مند ساختیم ایشان را تا مدّتی. ﴿۱۴۸﴾ پس استفسار کن از مشرکان: آیا پروردگار ایشان را دختران است و ایشان را پسران؟ ﴿۱۴۹﴾ آیا دختر آفریدیم فرشتگان را و ایشان حاضر بودند؟ ﴿۱۵۰﴾ آگاه باش! هرآینه ایشان از دروغگویی خود می گویند. ﴿۱۵۱﴾ که بزاد خدای تعالی و هرآینه ایشان دروغگویانند. ﴿۱۵۲﴾ آیا اختیار کرد دختران را بر پسران. ﴿۱۵۳﴾

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطَنٌ مُّبِينٌ ﴿١٥٦﴾ فَأَتُوا بِكِتَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٥٧﴾ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٥٨﴾ سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٠﴾ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿١٦١﴾ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَتْنَيْنِ ﴿١٦٢﴾ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالٍ الْجَحِيمِ ﴿١٦٣﴾ وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ وَمَقَامٌ مَعْلُومٌ ﴿١٦٤﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّاقُونَ ﴿١٦٥﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ﴿١٦٦﴾ وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦٨﴾ لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٩﴾ فَكَفَرُوا بِهِ ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿١٧٠﴾ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧١﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿١٧٢﴾ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿١٧٣﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٤﴾ وَأَبْصَرَهُمْ فَسَوْفَ يُبْصَرُونَ ﴿١٧٥﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٧٦﴾ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ﴿١٧٧﴾ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٨﴾ وَأَبْصَرَ فَسَوْفَ يُبْصَرُونَ ﴿١٧٩﴾ سُبْحَنَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٢﴾

چيست شما را چگونه حكم مى كنيد؟ ﴿١٥٤﴾ آيا اندیشه نمى نماييد؟ ﴿١٥٥﴾ آيا شما را حجتى واضح است؟ ﴿١٥٦﴾ پس بياريد كتاب خود را، اگر هستيد راستگو. ﴿١٥٧﴾ و مقرر كردند كافران ميان خداى تعالى و ميان جنيان، خويشى را و هرآينه دانسته اند جنيان كه ايشان البته حاضر كردگانند. ﴿١٥٨﴾ پاكي است خدا را از آنچه بيان مى كنند. ﴿١٥٩﴾ مگر بندگان خالص كرده خدا. ﴿١٦٠﴾ پس هرآينه شما اى كافران و آنچه مى پرستيد. ﴿١٦١﴾ نيستند همه گمراه كننده براى عبادت آن معبود باطل. ﴿١٦٢﴾ مگر كسى كه او در آينده دوزخ است در علم الهى. ﴿١٦٣﴾ فرشتگان گفتند: و نيست هيچ كس از ما مگر او را جاى است مقرر. ﴿١٦٤﴾ و هرآينه ما صف كشدگانيم. ﴿١٦٥﴾ و هرآينه ما تسبيح گويندگانيم. ﴿١٦٦﴾ و هرآينه [كافران عرب] مى گفتند: ﴿١٦٧﴾ اگر بودى پيش ما خبرى از پيشينيان. ﴿١٦٨﴾ البته شديم بندگان خالص ساخته خدا. ﴿١٦٩﴾ باز كافر شدند به آن [قرآن]، پس خواهند دانست عاقبت كار را. ﴿١٧٠﴾ هرآينه سابقاً صادر شد وعده ما براى بندگان فرستاده خويش. ﴿١٧١﴾ هرآينه پيغامبران ما، ايشانند نصرت دادگان. ﴿١٧٢﴾ و هرآينه لشكر ما همونست غالب. ﴿١٧٣﴾ پس روبرگردان از ايشان تا مدتى. ﴿١٧٤﴾ و بنگر ايشان را پس ايشان نيز خواهندديد ﴿١٧٥﴾ آيا اين كافران عذاب ما را شتاب مى طلبند؟! ﴿١٧٦﴾ پس چون فرود آيد عذاب به ميدان ايشان، بد باشد روز آن بيم كردگان. ﴿١٧٧﴾ و رو بگردان از ايشان تا مدتى. ﴿١٧٨﴾ و بنگر، پس ايشان نيز خواهندديد. ﴿١٧٩﴾ پاكي است پروردگار تو را، خداوند عليه از آنچه اين جماعت بيان مى كنند. ﴿١٨٠﴾ و سلام بر فرستادگان خدا. ﴿١٨١﴾ و سپاس خدا راست، پروردگار عالم ها. ﴿١٨٢﴾

سُورَةُ ص

سوره ص

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صَّ وَالْفُرْعَانِ ذِي الذِّكْرِ ۝۱ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي
عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ۝۲ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ
فَنَادَوْا وَلَا تَحِينَ مَنَاصٍ ۝۳ وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ
مُنْذِرٌ مِّنْهُمْ ۝۴ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَجَرٌ كَذَابٌ ۝۵
أَجْعَلِ الْأِلَٰهَةَ إِلَّا هَا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ ۝۶
وَانْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ آمَسُوا وَاصْبِرُوا عَلَى
ءَالِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ۝۷ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا
فِي الْإِلْمَةِ الْأَخِرَةِ إِنَّ هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ ۝۸ أُنْزِلَ عَلَيْهِ
الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا
يَذُوقُوا عَذَابِ ۝۹ أَمْ عَنْدهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ
الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ۝۱۰ أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ ۝۱۱ جُنْدٌ مَّا هُنَالِكَ
مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ ۝۱۲ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ
وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ۝۱۳ وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ
وَأَصْحَابُ لُيْكَةَ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ ۝۱۴ إِنَّ كُلَّ إِلَّا
كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ ۝۱۵ وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا
صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ ۝۱۶ وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ
لَنَا قِطْنَآ قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ۝۱۷

ص، قسم به قرآن، خداوند پند، [که آنچه به آن دعوت می کنی
راست است]. ﴿۱﴾ بلکه کافران در سرکشی و مخالفت اند.
﴿۲﴾ بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان قرن ها را، پس فریاد
برآوردند و نبود آن وقت خلاص. ﴿۳﴾ و تعجب کردند از
آنکه پیامد به ایشان بیم کننده ای از قوم ایشان و گفتند این
کافران: این شخص جادوگر دروغگویی است. ﴿۴﴾ آیا
گردانید خدایان متعدد را یک خدا؟ هرآینه این چیزی است
عجیب. ﴿۵﴾ و برفتند اشراف از ایشان [با یکدیگر گویان] که:
بروید و شکیبایی کنید بر عبادت خدایان خود، هرآینه این دین
توفته است که اراده کرده شده است. ﴿۶﴾ نشنیدیم این قول
را در دین پسین^(۱)، نیست این مگر افترا. ﴿۷﴾ آیا فروآورده
شد بر این شخص قرآن از میان ما؟ بلکه این کافران در شک اند
از پند من، بلکه هنوز نچشیده اند عذاب مرا. ﴿۸﴾ آیا نزدیک
ایشان است از خزانه های رحمت پروردگار تو غالب
بخشاینده؟ ﴿۹﴾ آیا ایشان راست پادشاهی آسمان ها و زمین و
آنچه در میان اینهاست؟ پس باید که بالا روند آویخته به
ریسمان ها^(۲). ﴿۱۰﴾ لشکری هست اینجا، به هم آمده شکست
داده شده از جمله گروه ها^(۳). ﴿۱۱﴾ دروغ داشتند پیش از
ایشان قوم نوح و عاد و فرعون، خداوند میخ ها^(۴). ﴿۱۲﴾ و
ثمود و قوم لوط و ساکنان «ایکه» [تکذیب کردند] این
جماعت ها. ﴿۱۳﴾ نیست هیچ کس از ایشان مگر دروغی داشت
پیغامبران را، پس به وجود آمد عقوبت من. ﴿۱۴﴾ و انتظار
نمی برند کفار این عصر مگر یک نعره تند را (یعنی نفخه
قیامت) که نباشد آن را هیچ توقف. ﴿۱۵﴾ و گفتند [به طریق
استهزاء]: ای پروردگار ما! شتاب ده ما را سرنوشت ما از عقوبت
پیش از روز حساب. ﴿۱۶﴾

۱- یعنی قرآن آخر که ما آن را دریافتیم، والله اعلم.

۲- یعنی به ریسمان آویخته هم نمی توانند که به آسمان روند، فیکف
پادشاهی، والله اعلم.

۳- یعنی از جنس گروه ها که با انبیا مخالفت کردند.

۴- یعنی بچه ها را به میخ تعذیب می کرد.

أَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ
 إِنَّهُ وَأَوَّابٌ ﴿٧﴾ إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ
 بِالْعِشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ ﴿٨﴾ وَالطَّيْرَ مُحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ وَأَوَّابٌ
 ﴿٩﴾ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَءَاتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ
 الْخِطَابِ ﴿١٠﴾ وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَضِصِ إِذْ تَسَوَّرُوا
 الْمِحْرَابَ ﴿١١﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا
 لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَىٰ بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَأَخَظْنَا
 بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ
 ﴿١٢﴾ إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةً
 وَاحِدَةً فَقَالَ أَكْفَلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ﴿١٣﴾ قَالَ
 لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجِكَ إِلَىٰ نَعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا
 مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ
 أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ﴿١٤﴾
 فَغَفَرْنَا لَهُ ذَٰلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ
 مَآبٍ ﴿١٥﴾ يَدَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ
 فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ
 فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنِ
 سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ
 ﴿١٦﴾

صبر کن بر آنچه می گویند و یاد کن بنده ما، داود خداوند
 قوت را. هرآینه او رجوع کننده بود^(۱). ﴿۱۷﴾ هرآینه رام
 ساختیم همراه او کوه ها را، تسبیح می گفتند به وقت شام و
 صبح. ﴿۱۸﴾ و رام ساختیم مرغان را به هم آورده، هر

یکی برای او فرمانبردار بود. ﴿۱۹﴾ و محکم کردیم
 پادشاهی او را و دادیمش حکمت و سخن واضح. ﴿۲۰﴾
 آیا آمده است پیش تو خبر گروه خصومت کننده با
 یکدیگر، چون از دیوار جسته داخل شدند به مسجد؟
 ﴿۲۱﴾^(۲) چون درآمدند بر داود، پس بترسید از ایشان.
 گفتند: مترس! ما دو خصومت کننده ایم، ستم کرده است
 بعض ما بر بعض، پس حکم کن میان ما به راستی و جور
 مکن و دلالت کن ما را بر راه راست. ﴿۲۲﴾ این برادر من
 است. به دست اوست نودونه میش و پیش من یک میش
 است. پس گفت این شخص: به من بسیار این یک میش را
 و درستی کرد با من در سخن گفتن. ﴿۲۳﴾ گفت داود:
 هرآینه ستم کرد بر تو به خواستن میش تو تا بهم آرد به
 میش های خود و هرآینه بسیاری از شریکان ستم می کنند
 بعض ایشان بر بعضی، مگر آنان که ایمان آوردند و
 کارهای شایسته کردند و اندک اند ایشان. و شناخت داود
 که ما آزمودیم او را پس طلب آموزش کرد از پروردگار
 خود و بیفتاد سجده کنان و بازگشت به خدا. ﴿۲۴﴾ پس
 بیامرزیدیم او را آن ذلت او و هرآینه او را نزدیک ما
 قربت است و نیکو بازگشت است. ﴿۲۵﴾ [گفتیم]: ای
 داود! هرآینه ساختیم تو را پادشاه در زمین، پس حکم کن
 میان مردمان به راستی و پیروی مکن خواهش نفس را که
 آن گمراه کند تو را از راه خدا. هرآینه آنان که گمراه
 می شوند از راه خدا، ایشان راست عذاب سخت به سبب
 آنکه فراموش کردند روز حساب را. ﴿۲۶﴾

۲- مترجم گوید که: داود، علیه السلام، نودونه زن داشت، مع هذا زن دیگر
 که که در خطبه شخصی یا در نکاح او بود، در خواست کرد. خدای
 تعالی فرشتگان را به جهت تنبیه داود به شکل خصوم متمثل ساخت.
 اشارت به این قصه است درین آیات، والله اعلم.

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطْلًا ذَٰلِكَ
ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ
(۲۷) أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ
(۲۸) كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا ءَايَاتِهِ
وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ (۲۹) وَوَهَبْنَا لِذَاوُدَ سُلَيْمَانَ
نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۳۰) إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ
الصَّفِينَتُ الْحَيَادُ (۳۱) فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ
عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ (۳۲) رُدُّوهَا عَلَيَّ
فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ (۳۳) وَلَقَدْ فَتَنَّا
سُلَيْمَانَ وَالْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ (۳۴)
قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ
بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (۳۵) فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ
تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُحَاءً حَيْثُ أَصَابَ (۳۶) وَالشَّيَاطِينَ
كُلَّ بَنَاءٍ وَغَوَاصٍ (۳۷) وَعَآخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ
(۳۸) هَٰذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۹)
وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّآبٍ (۴۰) وَادْكُرْ
عِبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ
بِنُصَبٍ وَعَذَابٍ (۴۱) أَرْكُضْ بِرَجْلِكَ هَٰذَا مُغْتَسَلٌ
بَارِدٌ وَشَرَابٌ (۴۲)

سوی تو تا مردمان تأمل کنند در آیات او و تا پند گیرند
خداوندان خرد. ﴿۲۹﴾ و عطا کردیم داود را فرزندی
سلیمان نام. نیکوبنده بود سلیمان، هرآینه او رجوع کننده
بود به خدا. ﴿۳۰﴾ [یاد کن] چون نموده شد او را وقت
پگاه، اسپان تیزرو. ﴿۳۱﴾ پس گفت: هرآینه دوست داشتم
این اسپان را [از قبیل رغبت به مال اعراض کنان از ذکر
پروردگار خود] تا آنکه پنهان شد آفتاب در پرده. ﴿۳۲﴾
بازگردانید این اسپان را بر من. پس شروع کرد دست
رسانیدن به ساق‌ها و گردن‌ها. ﴿۳۳﴾ و هرآینه آزمودیم
سلیمان را و انداختیم بر تخت او کالبدی، باز رجوع کرد به
خدا. ﴿۳۴﴾ گفت: ای پروردگار من! بیامرزم مرا و عطا
کن مرا آن پادشاهی که راست نیاید هیچ کس را غیر از
من. هرآینه تویی بخشاینده. ﴿۳۵﴾ پس مسخر گردانیدیم
باد را می‌رفت به فرمان او به آهستگی روان شده هر جا که
خواسته باشد. ﴿۳۶﴾ و مسخر گردانیدیم دیوان را، هر
عمارت بنا کننده را و هر فرود رونده را به دریا. ﴿۳۷﴾ و
مسخر گردانیدیم دیوان دیگر را دست و پا به هم بسته در
زنجرها. ﴿۳۸﴾ [گفتیم]: این است بخشش ما، پس عطا کن
یا نگاهدار به غیر آنکه با تو حساب کرده شود. ﴿۳۹﴾ و
هرآینه او را نزدیک ما قربت است و نیکو بازگشت است.
﴿۴۰﴾ و یاد کن بنده ما ایوب را، چون ندا کرد به
پروردگار خود که دست رسانیده است مرا شیطان به
رنجوری و درد. ﴿۴۱﴾ [گفتیم]: بزن زمین را به پای خود،
ناگهان آن چشمه باشد که مهیا برای غسل سرد بود و
آشامیدنی باشد. ﴿۴۲﴾

۱- یعنی نماز عصر فوت شد.

۲- یعنی ذبح کرده ساق آنها را بریده از جهت غیرت بر ذکر خدای تعالی،
والله اعلم.

۳- مترجم گوید: سلیمان علیه السلام از امرای خود منقص شد و به خاطر آورد
که امشب با صد زن صحبت دارم و هر زنی پسری زاید و هریکی
شهسواری باشد، جهاد کننده، مرا احتیاج متعلق امرانیتند. فرشته گفت:
انشاء الله بگو. سلیمان سهو کرد، پس هیچ زن حامله نشد. الا یکی طفل
ناقص الخلق [ی] زاد و آن طفل را بر تخت سلیمان انداختند.
سلیمان علیه السلام متنبه شد و رجوع به رب العزت کرد، والله اعلم.

و نیافریدیم آسمان و زمین را و آنچه در میان اینهاست
بیهوده. این گمان کافران است. پس وای کافران را از
عقوبت آتش! ﴿۲۷﴾ آیا می‌سازیم آنان را که ایمان
آوردند و کارهای شایسته کردند مانند فسادکنندگان در
زمین؟ آیا می‌سازیم پرهیزگاران را مانند بدکاران؟ ﴿۲۸﴾
[این قرآن] کتابی است با برکت که فرود آوردیم او را به

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى
 لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٤٣﴾ وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاصْرُبْ بِهِ
 وَلَا تَحْنُتْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٤٤﴾
 وَاذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي
 الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ ﴿٤٥﴾ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى
 الدَّارِ ﴿٤٦﴾ وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ﴿٤٧﴾
 وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِّنَ
 الْأَخْيَارِ ﴿٤٨﴾ هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّا لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنُ مَعَافٍ ﴿٤٩﴾
 جَنَّاتٍ عِدْنٍ مُّفْتَحَةٍ لَهُمْ الْأَبْوَابُ ﴿٥٠﴾ مُتَكِّئِينَ
 فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَكَهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ﴿٥١﴾
 وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ ﴿٥٢﴾ هَذَا مَا
 تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٥٣﴾ إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ
 مِن نَّفَادٍ ﴿٥٤﴾ هَذَا وَإِنَّا لِلطَّاغِينَ لَشَرٌّ مَّعَابٍ ﴿٥٥﴾
 جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٥٦﴾ هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ
 حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ﴿٥٧﴾ وَعَاخِرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ ﴿٥٨﴾ هَذَا
 فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا
 النَّارِ ﴿٥٩﴾ قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ
 قَدْ مَتَّمُّوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿٦٠﴾ قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا
 هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ﴿٦١﴾

و عطا کردیم او را اهل خانه او و مانند ایشان همراه ایشان
 بخشایشی از نزدیک خود و پندی خداوندانِ خرد را.
 ﴿۴۳﴾ و [گفتیم]: بگیر به دست خود دسته شاخ‌ها، پس
 بزن به آن^(۱) و خلاف سوگند مکن، هرآینه ما او را یافتیم
 شکیا. نیک بنده بود ایوب، هرآینه او رجوع کننده به خدا

۱- یعنی زن خود را.

بود^(۲). ﴿۴۴﴾ و یاد کن بندگان ما ابراهیم و اسحق و
 یعقوب را، خداوند دست‌ها و چشم‌ها^(۳). ﴿۴۵﴾ هرآینه ما
 یک رو ساختم ایشان را برای خصلتی پاک که یاد کردن
 آخرت است. ﴿۴۶﴾ و هرآینه ایشان نزدیک ما از
 برگزیدگان نیکان بودند. ﴿۴۷﴾ و یاد کن اسمعیل و یسع
 و ذاکفل را و هر یکی از نیکان بود. ﴿۴۸﴾ این [قرآن]
 پندی هست و هرآینه پرهیزگاران را نیکی بازگشت است.
 ﴿۴۹﴾ بوستان‌های دایم است، گشاده کرده برای ایشان
 دروازه‌ها. ﴿۵۰﴾ تکیه‌کنان در آنجا، می‌طلبند آنجا میوه
 بسیار را و شراب را. ﴿۵۱﴾ و نزدیک ایشان باشند زنان
 فرود آورنده چشم، هم عمر با یکدیگر. ﴿۵۲﴾ این است
 آنچه وعده داده می‌شود شما را برای روز حساب. ﴿۵۳﴾
 هرآینه این رزق ما است، نباشد آن را هیچ زوال ﴿۵۴﴾
 این [است جزا] و هرآینه از حد گذشتگان را بد بازگشتنی
 باشد. ﴿۵۵﴾ که دوزخ است، درآیند آنجا پس بد آرامگاه
 است این. ﴿۵۶﴾ این عذاب آب گرم است و زرداب
 است، پس باید که بچشید آن را. ﴿۵۷﴾ و عذابی دیگرست
 مانند این انواع مختلف. ﴿۵۸﴾ این^(۴) قومی است درآینده
 به آتش همراه شم. [متبوعان گویند]: زمین گشاده مباد بر
 ایشان! هرآینه ایشان در آیندگان آتش‌اند. ﴿۵۹﴾ [تابعان]
 گویند: بلکه شما! زمین گشاده مباد بر شما! رسم قدیم
 ساختید کفر را برای ما. پس بد قرارگاهی است [دوزخ].
 ﴿۶۰﴾ گویند: ای پروردگار ما! هر که آیین قدیم ساخته
 باشد برای ما کفر را، پس زیاده کن در حق او عقوبت
 دوباره در آتش. ﴿۶۱﴾

۲- یعنی ایوب، علیه السلام، سوگند خورده بود که زن خود را صد ضربه
 بزند، خدای تعالی بر وی سهل ساخت.

۳- یعنی علم و عمل هر دو به کمال داشتند، والله اعلم.

۴- چون تابعان خواهند که بدزخ درآیند، متبوعان را گفته شود.

وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِّنَ الْأَشْرَارِ
 ﴿٦٢﴾ أَتَّخَذْنَاهُمْ سِحْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ ﴿٦٣﴾
 إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ﴿٦٤﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا
 مُنذِرٌ وَمَا مِنِّي إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٦٥﴾ رَبُّ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ﴿٦٦﴾ قُلْ
 هُوَ نَبَوُّ عَظِيمٌ ﴿٦٧﴾ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿٦٨﴾ مَا كَانَ
 لِي مِن عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾ إِنْ
 يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٠﴾ إِذْ قَالَ رَبُّكَ
 لِلْمَلَكِكَةِ إِنِّي خَلِيقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ ﴿٧١﴾ فإِذَا سَوَّيْتُهُ
 وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُو سَاجِدِينَ ﴿٧٢﴾
 فَسَجَدَ الْمَلَكِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٧٣﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ
 اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾ قَالَ يَبْنَئِيلُيسُ مَا
 مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِدَّتِي اسْتَكْبَرْتَ أَمْ
 كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ ﴿٧٥﴾ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن
 نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ ﴿٧٦﴾ قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ
 رَجِيمٌ ﴿٧٧﴾ وَإِنِّي عَلَيَّكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿٧٨﴾ قَالَ
 رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٧٩﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ
 الْمُنْظَرِينَ ﴿٨٠﴾ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٨١﴾ قَالَ
 فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٢﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ
 الْمُخْلَصِينَ ﴿٨٣﴾

و گفتند اهل دوزخ: چیست ما را که نمی بینیم مردانی را
 که می شمردیم ایشان را از بدان؟^(۱) ﴿۶۲﴾ آیا مسخره
 می گرفتیم ایشان را آیا برگشته است از ایشان دیده ها؟
 ﴿۶۳﴾ هرآینه این راست است [مراد از آن] خصومت
 کردن اهل دوزخ است با یکدیگر. ﴿۶۴﴾ بگو: جز این
 نیست که من ترسانده ام و نیست هیچ معبود، مگر خدا
 یگانه با قوت. ﴿۶۵﴾ پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه
 میان اینها است. غالب آمرزگار. ﴿۶۶﴾ بگو: این خبری
 بزرگ است. ﴿۶۷﴾ شما از وی روی گردانده اید. ﴿۶۸﴾
 نیست مرا هیچ دانش به حال این جماعت بلند قدر از
 فرشتگان، چون با یکدیگر جواب سؤال می کنند. ﴿۶۹﴾
 وحی فرستاده نمی شود به سوی من، مگر آنکه من ترساننده
 آشکارم. ﴿۷۰﴾ [و یاد کن] چون گفت پروردگار تو به
 فرشتگان: هرآینه من آفریننده ام آدمی را از گل. ﴿۷۱﴾
 پس چون راست کنم او را و بدمم در وی روح خود را،
 پس درافتید او را سجده کنان. ﴿۷۲﴾ پس سجده کردند
 فرشتگان تمام ایشان، همه یکجا. ﴿۷۳﴾ مگر شیطان،
 سرکشی کرد و شد از کافران. ﴿۷۴﴾ گفت [خدا]: ای
 شیطان! چه چیز بازداشت تو را آنکه سجده کنی چیزی را
 که آفریدمش به دست خود؟ آیا تکبر کردی یا به حقیقت
 هستی از بلندقدران؟ ﴿۷۵﴾ گفت: من بهترم از وی.
 آفریدی مرا از آتش و آفریدی او را از گل. ﴿۷۶﴾ گفت:
 بیرون شو از بهشت، هرآینه تو رانده شده ای. ﴿۷۷﴾ و
 هرآینه بر تو لعنت من باد تا روز جزا. ﴿۷۸﴾ گفت: ای
 پروردگار من! پس مهلت ده مرا تا آن روز که برانگیخته
 شوند مردمان. ﴿۷۹﴾ گفت: هرآینه تو از مهلت دادگانی.
 ﴿۸۰﴾ تا روز آن وقت معین. ﴿۸۱﴾ گفت [شیطان]: پس
 قسم به عزت تو! که البته گمراه کنم ایشان را، همه یکجا.
 ﴿۸۲﴾ مگر بندگان خالص کرده تو از ایشان. ﴿۸۳﴾

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ ﴿٨٤﴾ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٥﴾ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ﴿٨٦﴾ إِنَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ﴿٨٨﴾

سُورَةُ الزُّمَرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ بِالْحَقِّ فَاْعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿٢﴾ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣﴾ لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٤﴾ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّورُ ﴿٥﴾

فرمود: پس سخن راست است این و سخن راست می گویم. ﴿۸۴﴾ البته پر کنم دوزخ را از تو و از آنان که پیروی تو کنند از ایشان، همه یکجا. ﴿۸۵﴾ بگو: سؤال نمی کنم بر تبلیغ قرآن هیچ مزد را و نیستم از تکلف کنندگان^(۱). ﴿۸۶﴾ نیست قرآن مگر پندی عالم ها را. ﴿۸۷﴾ و البته خواهید دانست صدق آن را بعد زمانی. ﴿۸۸﴾

سوره زمر

به نام خداوند بخشنده مهربان

فروفرستادن این کتاب از جانب خدای غالب با حکمت است. ﴿۱﴾ هر آینه ما فروفرستادیم به سوی تو کتاب را به راستی، پس عبادت کن خدا را خالص کرده برای او پرستش. ﴿۲﴾ آگاه باش! مر خدای راست^(۲) پرستش کردن خالص^(۳) و آنان که دوستان گرفتند بجز خدا [و گفتند]: عبادت نمی کنیم ایشان را مگر برای آنکه نزدیک سازند ما را به خدا در مرتبه قرب، هر آینه خدا حکم می کند میان ایشان در آنچه ایشان در آن اختلاف دارند. هر آینه خدا راه نمی نماید کسی را که دروغگوی ناسپاس است. ﴿۳﴾ اگر خواستی خدا که فرزند گیرد، البته برگزیدی از آن جمله که خلق کرده است چیزی را که می خواست. پاکی او راست. همونست خدای یگانه باقوت. ﴿۴﴾ آفرید آسمان ها و زمین به تدبیر درست. می پیچاند شب را به روز و می پیچاند روز را بر شب و رام ساخت آفتاب و ماه را، هر یکی می رود در زمان معین. آگاه باش! همونست غالب آمرزنده. ﴿۵﴾

۱- یعنی دعوی وحی نکنم به غیر تحقیق.

۲- یعین مقبول نزد اوست.

۳- یعنی به غیر شرک.

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا
وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَنِيَّةً ۖ أَزْوَاجًا يَخْلُقُكُمْ فِي
بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ
ثَلَاثٍ ۚ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
فَإِنِّي تُصَرِّفُونَ ﴿٦﴾ إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ
عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ ۚ وَإِن تَشْكُرُوا
يَرْضَهُ لَكُمْ ۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۚ ثُمَّ إِلَىٰ
رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ
إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٧﴾ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ
ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَلَهُ نِعْمَةٌ مِّنْهُ
نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِن قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا
لِّيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۚ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا ۚ إِنَّكَ
مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ﴿٨﴾ أَمَّنْ هُوَ قَلِيلٌ ۖ عَائِنَاءَ اللَّيْلِ
سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ ۚ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ ۚ قُلْ
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۚ إِنَّمَا
يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٩﴾ قُلْ يَاعِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا
اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ
وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ ۚ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ
حِسَابٍ ﴿١٠﴾

آفرید شما را از یک شخص، باز بیافرید از آن شخص
زنش را و فروفرستاد برای شما از چهارپایان، هشت قسم^(۱).
می آفریند شما را در شکم مادران یک نوع آفریدن بعد از
آفریدن دیگر در تاریکی های سه گانه^(۲)، این است خدا،
پروردگار شما، مر او راست پادشاهی، نیست هیچ معبود
مگر او. پس از کجا گردانیده می شوید؟ ﴿۶﴾ اگر
ناسپاسی کنید، پس هر آینه خدا بی نیازست از شما و
نمی پسندد در حق بندگان خود ناسپاسی را و اگر
سپاسداری کنید، پسند کند برای شما و بر نداد هیچ
بردارنده بار دیگری را. باز به سوی پروردگار شما
بازگشت شما است. پس خبر دهد شما را به آنچه
می کردید، هر آینه او داناست به مکنون سینه ها. ﴿۷﴾ و
چون برسد آدمی را رنجی، دعا کند به جناب پروردگار
خود رجوع کرده به سوی او. باز چون عطا کندش نعمتی
از نزدیک خود، فراموش سازد آنچه دعا می کرد به جهت
او پیش از این و مقرر کند برای خدا همسران را تا گمراه
کند از راه خدا. بگو: بهره مند باش به کفر خود اندک
زمانی. هر آینه تو از اهل دوزخی. ﴿۸﴾ آیا آن ناسپاس
مشرک بهتر است یا کسی که او عبادت کننده است در
ساعت هایی از شب، سجده کنان و ایستاده شده می ترسد از
آخرت و امید می دارد رحمت پروردگار خود را؟ بگو: آیا
برابر می شوند آنان که می دانند و آنان که نمی دانند؟ جز این
نیست که پندپذیر می شوند خداوندان خرد. ﴿۹﴾ بگو [یا
محمد از طرف من]: ای بندگان من که ایمان آورده اید!
بترسید از پروردگار خود، مر آنان را که نیکوکاری
می کردند در این دنیا، حالت نیک باشد و زمین خدا گشاده
است. جز این نیست که تمام داده می شود صابران را مزد
ایشان بی شمار^(۳). ﴿۱۰﴾

۱- یعنی نر و ماده از شتر و گاو و گوسفند و بز، والله اعلم.

۲- یعنی مشیمه و رحم و بطن، والله اعلم.

۳- درین آیت، تعریض است به هجرت حبشه.

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿١١﴾ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٢﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣﴾ قُلْ اللَّهُ أَعْبُدْ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي ﴿١٤﴾ فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١٥﴾ لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ﴿١٦﴾ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُو يَعْبَادِي فَاتَّقُونِ ﴿١٧﴾ وَالَّذِينَ أَجْتَنَبُوا الظُّغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿١٨﴾ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ ﴿١٩﴾ أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ﴿٢٠﴾ لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرْفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ ﴿٢١﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنْبِيعٌ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَنَرُّهُ مُمْصِرًا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطْلًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٢٢﴾

بگو: هر آینه فرموده شد مرا که عبادت کنم خدای را خالص ساخته برای او پرستش. ﴿۱۱﴾ و فرموده شد مرا به آنکه باشم نخستین مسلمانان. ﴿۱۲﴾ بگو: هر آینه من می ترسم اگر نافرمانی پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ. ﴿۱۳﴾ بگو: خدا را عبادت می کنم خالص ساخته برای او پرستش خود را^(۱). ﴿۱۴﴾ پس عبادت کنید هر که را خواهید بجز خدا. بگو: هر آینه زیانکاران آنانند که در زیان دادند خویشان را و اهل خود را روز قیامت^(۲). آگاه باش! این مقدمه همان است زیان ظاهر. ﴿۱۵﴾ ایشان را از بالای ایشان سایه بان ها باشند از آتش و از زیر ایشان نیز مثل سایه بان ها. [این عذاب] می ترساند خدا از آن بندگان خود را. ای بندگان من! بترسید از من. ﴿۱۶﴾ و آنان که احتراز کردند از بت، از آنکه عبادت کنند او را و رجوع کردند به سوی خدا، ایشان راست مژده، پس مژده ده آن بندگان مرا. ﴿۱۷﴾ که می شنوند سخن، پس پیروی می نمایند نیکوترین آن را. ایشانند آنان که هدایت کرده است ایشان را خدا و ایشانند خداوندان خرد. ﴿۱۸﴾ پس کسی که ثابت شد بر وی وعده عذاب، آیا تو خلاص توانی کرد آن دوزخی را؟ ﴿۱۹﴾ لیکن آنان که ترسیدند از پروردگار خود، ایشان راست محل های بلند، بالای آن محل هایی دیگر عمارت کرده شده، می رود زیر آن جوی ها. وعده کرده است خدا. خلاف نمی کند خدا وعده را. ﴿۲۰﴾ آیا ندیدی که خدا فرو فرستاد از آسمان، آبی، پس در آورد آن را به چشمه سارها در زمین، باز بر می آرد به سبب آن کشت را گوناگون اقسام و باز خشک می شود، پس می بینی آن را زرد شده، باز می کند آن را ریزه ریزه. هر آینه در این مقدمه پندی هست خداوندان خرد را. ﴿۲۱﴾

۱- یعنی از شرک.

۲- یعنی هلاک کردند خود را و اهل خانه خود را به ضلال و اضلال.

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِٗٓ فَوَيْلٌ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٢﴾ اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَبِّهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهُ يَهْدِي بِهِٓ مَن يَشَاءُ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ ﴿٢٣﴾ أَفَمَن يَتَّبِعِ بَوَاجِهَهُٓ سُوٓءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٢٤﴾ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَآتَتْهُمْ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٥﴾ فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٢٨﴾ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٩﴾ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَّيِّتُونَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِندَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ﴿٣١﴾

آیا کسی که گشاده کرده است خدا سینه او را برای دین اسلام پس او بر روشنی باشد از جانب پروردگار خود، مانند سخت دلان است؟ پس وای آنان را که سخت است دل ایشان از یاد خدا، ایشانند در گمراهی ظاهر. ﴿۲۲﴾ خدا نازل ساخت بهترین سخن، کتابی که بعضی او مانند دیگر است آیات دو تو^(۱)، موی خیز می شود از شنیدن آن پوست آنان که می ترسند از پروردگار خود، بعد از آن نرم می شود پوست ایشان و دل ایشان نزدیک ذکر خدا. این است هدایت خدا، راه می نماید به آن هر که را خواهد و هر که را گمراه کند خدا، پس نیست او را هیچ راه نماینده. ﴿۲۳﴾ آیا کسی که احتراز می کند به روی خود از سختی عذاب روز قیامت^(۲)، و گفته شود ستمکاران را: بچشید وبال آنچه می کردید. ﴿۲۴﴾ به دروغ نسبت کردند آنان که پیش از ایشان بودند، پس بیامد بدیشان عذاب آنجا که نمی دانستند. ﴿۲۵﴾ پس چشاندید ایشان را خدا خواری در زندگانی دنیا و هرآینه عقوبت آخرت سخت تر است اگر می دانستند. ﴿۲۶﴾ و هرآینه بیان کردیم برای مردمان در این قرآن از هر نوع داستان، بود که ایشان پند گیرند. ﴿۲۷﴾ [فروید آوردیم] قرآن عربی بی عیب، بود که ایشان پرهیزگاری کنند. ﴿۲۸﴾ بیان کرد خدا داستانی بنده ای که در وی شریکان مختلف اند و بنده ای مسلم برای مردی، آیا برابرند در صفت؟ ستایش خدای راست بلکه اکثر ایشان نمی دانند^(۳). ﴿۲۹﴾ [یا محمد] هرآینه تو خواهی مرد و هرآینه ایشان خواهند مرد. ﴿۳۰﴾ باز البته شما روز قیامت نزدیک پروردگار خویش با یکدیگر خصومت خواهید کرد. ﴿۳۱﴾

۱- یعنی وعده یا وعید و اندرز یا بشارت.

۲- یعنی بجز روی چیزی نیابد که عذاب را به آن نگه دارد و مانند اهل نجات باشد.

۳- یعنی یک بنده که چند کس مالک او باشند، ضائع شود. هم چنین کسی که معبودان بسیار را پرستش می کند، ضائع است و بنده ای که خالص برای یک کس است، آن یک کس متولی جمیع امور او باشد. همچنین کسی که موحد باشد و مخلص، خدا کارساز اوست، والله اعلم.

﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ ۗ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ﴾ (۳۲)
وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ ۖ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿۳۳﴾ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ۚ ذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿۳۴﴾ لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۳۵﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ ۗ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ ۚ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿۳۶﴾ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُّضِلٍّ ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ ﴿۳۷﴾ وَلَٰئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۚ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۚ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَتُ ضَرِّهِ ۚ أَوْ أَرَادَنِيَ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتُ رَحْمَتِهِ ۚ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿۳۸﴾ قُلْ يٰٓعَمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ ۚ إِنِّي عَمِلْتُ ۖ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿۳۹﴾ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿۴۰﴾

پس کیست ستمکارتر از کسی که دروغ بر بست بر خدا و دروغ داشت دین راست را چون بیامد به او؟ آیا نیست در دوزخ جای کافران؟ ﴿۳۲﴾ و آن که آورد دین راست را و آن که باور داشت آن را، آن جماعت ایشانند متقیان. ﴿۳۳﴾ ایشان را است آنچه خواهند نزدیک پروردگار ایشان، این است جزای نیکوکاران. ﴿۳۴﴾ تا زایل کند خدا از ایشان بدترین آنچه کردند و بدهد ایشان را مزد ایشان به حسب نیکوترین آنچه می کردند. ﴿۳۵﴾ آیا نیست خدا کارساز، بنده خود را؟ و می ترسانند تو را به آنان که غیر خدایند و هر که را گمراه کند خدا، پس نیست او را هیچ راه نماینده. ﴿۳۶﴾ و هر که را راه نماید خدا، پس نیست او را هیچ گمراه کننده. آیا نیست خدا غالب خداوند انتقام کشیدن؟ ﴿۳۷﴾ و اگر بپرسی ایشان را: که آفرید آسمان ها و زمین؟ البته بگویند: خدا آفرید. بگو: دیدید آن را که می پرستید بجز خدا، اگر خواهد در حق من خدای تعالی سختی را، آیا این بتان دفع کننده سختی او هستند؟ یا اگر خواهد در حق بخشایشی، آیا این بتان بازدارنده بخشایش او هستند؟ بگو: بس است مرا خدا، بر وی توکل می کنند توکل کنندگان. ﴿۳۸﴾ بگو: ای قوم من! عمل کنید بر وضع خود، هر آینه من نیز عمل کننده ام بر وضع خود، پس خواهید دانست. ﴿۳۹﴾ کسی را که بیایدش عذابی که رسوا کندش و کسی را که فرود آید بر وی عذاب دایم. ﴿۴۰﴾

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ
 أَهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا
 أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ﴿٤١﴾ اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ
 مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ
 عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ
 فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ
 دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أُولَئِكَ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا
 وَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٤٣﴾ قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا ذُكِرَ
 اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
 بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ
 يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٥﴾ قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 عِلْمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي
 مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا
 فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ
 الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ
 يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ ﴿٤٧﴾

هرآینه ما فرود آوردیم بر تو کتاب را برای مردمان به
 راستی. پس هر که راه یاب شد، پس نفع او را است و هر
 که گمراه شد، پس جز این نیست که گمراه می شود به
 ضرر خود و نیستی بر ایشان نگاهبان. ﴿۴۱﴾ خدای تعالی
 قبض ارواح می کند نزدیک موت آن و آن روح که نمرده
 است، قبض آن می کند نزدیک خواب آن، پس نگاه
 می دارد آن را که حکم موت کرده است بر وی و
 می گذارد آن دیگر را تا وقتی معین. هرآینه در این مقدمه،
 نشانه ها است برای قومی که تأمل می کنند. ﴿۴۲﴾ آیا
 شفاعت کنندگان گرفته اند بجز خدا؟ بگو: ایشان را که
 گرفتید اگرچه نمی توانستند هیچ کاری و نمی دانستند؟
 ﴿۴۳﴾ بگو: در اختیار خدا است شفاعت، همه یکجا. مر او
 را است پادشاهی آسمان ها و زمین، باز به سوی او گردانیده
 خواهید شد. ﴿۴۴﴾ و چون یاد کرده شود نام خدا، تنها،
 متفتر شود دل آنان که ایمان نمی آرند به آخرت و چون یاد
 کرده شوند آنان که بجز او هستند، ناگاه ایشان شادمان
 می شوند. ﴿۴۵﴾ بگو: بار خدایا! ای پیدا کننده آسمان ها و
 زمین! داننده نهان و آشکارا! تو حکم کنی میان بندگان
 خود در چیزی که ایشان در آن اختلاف می کردند. ﴿۴۶﴾
 و اگر باشد آنان را که ستم کردند، آنچه در زمین است،
 همه یکجا و مانند آن همراه آن، البته عوض خود دهند آن
 را به سبب سختی عذاب در روز قیامت و ظاهر شود ایشان
 را از جانب خدا آنچه گمان نمی داشتند. ﴿۴۷﴾

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ
يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٤٨﴾ فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا
خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ
فِتْنَةٌ وَلَكِنَّا أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٩﴾ قَدْ قَالَهَا
الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا
يَكْسِبُونَ ﴿٥٠﴾ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ
ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا
وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٥١﴾ أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ
الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ قُلْ يَاعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ
أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ
الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾ وَأَنِيبُوا
إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ
الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿٥٤﴾ وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ
إِلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ
بَغْتَةً وَأنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٥٥﴾ أَن تَقُولَ نَفْسٌ
يَحْسِرَتْنِي عَلَىٰ مَا قَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِن كُنْتُ
لَمِنَ السَّخِرِينَ ﴿٥٦﴾

و ظاهر شود ایشان را جزای بد آنچه کرده بودند و در گیرد
ایشان را آنچه بدان استهزاء می کردند. ﴿۴۸﴾ پس چون
برسد آدمی را سختی، بخواند ما را. باز چون بدیم او را
نعمتی از طرف خود، گوید: جز این نیست که داده شده
است این نعمت مرا بنا بر دانشی که در من است، بلکه این
نعمت آزمایشی است و لیکن اکثر ایشان نمی دانند. ﴿۴۹﴾
هر آینه گفتند این کلمه، آنان که پیش از ایشان بودند، پس
دفع نکرد از سر ایشان بلا را آنچه می کردند. ﴿۵۰﴾ پس
رسید بدیشان عقوبت های آنچه کردند و آنان که ستم
کردند از این جماعت، خواهد رسید بدیشان عقوبت های
آنچه کردند و نیستند ایشان عاجز کننده. ﴿۵۱﴾ آیا
ندانسته اند که خدا گشاده می سازد رزق را برای هر که
می خواهد و تنگ می کند برای هر که خواهد؟ هر آینه در
این کار نشانه ها است قومی را که ایمان می آرند. ﴿۵۲﴾
بگو [از طرف من]: ای آن بندگان من! که تجاوز از حد
کردند بر خود، ناامید مشوید از رحمت خدا. هر آینه خدا
می آمرزد گناهان را همه یکجا، هر آینه خدا همون است
آمرزگار مهربان. ﴿۵۳﴾ و رجوع کنید به سوی پروردگار
خویش و منقاد شوید او را پیش از آنکه بیاید به شما
عقوبت، باز مدد کرده نشوید. ﴿۵۴﴾ و پیروی کنید
نیکوترین آنچه فروفرستاده شد به سوی شما از جانب
پروردگار شما، پیش از آنکه بیاید به شما عذاب، ناگهان و
شما خبردار نباشید. ﴿۵۵﴾ [رجوع به خدا کنید و اتباع
قرآن نمایید] به جهت ترس از آنکه گوید شخصی: وای
پشیمانی من! بر تقصیر کردن من در حق خدا و هر آینه من
بودم از تمسخر کنندگان. ﴿۵۶﴾

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٥٧﴾
 أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ
 مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾ بَلَىٰ قَدْ جَاءَكَ ءَايَاتِي فَكَذَّبْتَ
 بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٥٩﴾ وَيَوْمَ
 الْقِيَمَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ
 أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٦٠﴾ وَيُنَجِّي اللَّهُ
 الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ
 يَحْزَنُونَ ﴿٦١﴾ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
 وَكِيلٌ ﴿٦٢﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ
 كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٦٣﴾ قُلْ
 أَفَعَيِّرَ اللَّهُ تَأْمُرُونَنِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ ﴿٦٤﴾ وَلَقَدْ
 أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ
 لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٥﴾ بَلَىٰ
 اللَّهُ فَاَعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٦٦﴾ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ
 حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ
 وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِّيَمِينِهِ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا
 يُشْرِكُونَ ﴿٦٧﴾

یا گوید: اگر خدا هدایت کردی مرا، البته می‌شدم از
 متقیان. ﴿۵۷﴾ یا گوید وقتی که معاینه کند عذاب را:
 کاش! مرا رجوع باشد^(۱) تا باشم از نیکوکاران. ﴿۵۸﴾
 [آنگاه خدا فرماید: آری! آمد پیش تو آیات من، پس
 دروغ داشتی آن را و تکبر کردی و شدی از کافران.
 ﴿۵۹﴾ و روز قیامت بینی آنان را که دروغ بستند بر خدا،
 روی ایشان سیاه شده است. آیا نیست در دوزخ جایی
 متکبران؟ ﴿۶۰﴾ و نجات دهد خدا متقیان را قرین
 رستگاری خویش شده، نرسد بدیشان سختی و نه
 اندوهگین شوند. ﴿۶۱﴾ خدا آفریننده هر چیز است و او
 بر هر چیز خبر گیرنده است. ﴿۶۲﴾ مرا راست کلیدهای
 آسمان‌ها و زمین^(۲) و آنان که کافر شدند به نشانه‌های خدا،
 این جماعت ایشانند زیانکاران. ﴿۶۳﴾ بگو: آیا می‌فرماید
 به من که پرستش کنم غیر خدا را ای نادانان؟! ﴿۶۴﴾ و
 هر آینه وحی فرستاده شد [یا محمد] به سوی تو و به سوی
 آنان که پیش از تو بودند که اگر شریک خدا مقرر کنی،
 البته نابود گردد عمل تو و البته شوی از زیانکاران. ﴿۶۵﴾
 بلکه خدا را فقط عبادت کن و بشو از سپاسداران. ﴿۶۶﴾
 و شناختند خدا را حق شناختن او، و زمین همه یکجا در
 مشت او باشد روز قیامت و آسمان‌ها پیچیده شوند در
 دست راست او. پاکی او راست و برتر است از آنکه
 شریک او مقرر می‌کنند. ﴿۶۷﴾

۱- یعنی به دنیا.

۲- یعنی مختار و متصرف اوست.

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ﴿٦٨﴾ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِئَاءٌ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٩﴾ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٧٠﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَتَحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧١﴾ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴿٧٣﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿٧٤﴾

و دمیده شود در صور، پس بمیرد هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است، مگر آن که خدا خواسته است. باز دمیده شود در صور بار دیگر، پس ناگهان ایشان ایستادگانند، می‌نگرند. ﴿۶۸﴾ و روشن شود زمین به نور پروردگار خود و نهاده شود نامه اعمال و آورده شود پیغامبران را و گواهان را و حکم کرده شود میان آدمیان به راستی و ایشان ستم کرده نشوند. ﴿۶۹﴾ تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است و خدا دانایتر است به آنچه می‌کنند. ﴿۷۰﴾ و روان کرده شود کافران را به سوی دوزخ، گروه گروه، تا وقتی که بیایند نزدیک دوزخ، و آورده شوند دروازه‌های آن و گویند ایشان را نگاهبانان دوزخ: آیا نیامده بودند به شما پیغامبران از جنس شما، می‌خواندند بر شما آیات پروردگار شما و می‌ترسانیدند شما را از ملاقات این روز شما؟ گفتند: آری! و لیکن متحقق شد حکم عذاب بر کافران. ﴿۷۱﴾ گفته شود: درآید به دروازه‌های دوزخ جاودان در آنجا، پس بد جایی متکبران است دوزخ. ﴿۷۲﴾ و روان کرده شوند آنان که ترسیدند از پروردگار خویش به سوی بهشت، گروه گروه، تا وقتی که بیایند نزدیک بهشت و واکرده شود دروازه‌های آن و گویند ایشان را نگاهبانان بهشت: سلام بر شما باد! خوشحال شدید، پس درآید به بهشت جاودان. ﴿۷۳﴾ و گویند: سپاس خدا را که راست کرد با ما وعده خود و عطا کرد ما را زمین. جای می‌گیریم از بهشت هر جا که خواهیم. پس نیک مزد کارکنندگان است به بهشت. ﴿۷۴﴾

وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ
بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٥﴾

سُورَةُ غَافِرٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمْ ﴿١﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٢﴾
غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي
الْظُّلُمِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿٣﴾ مَا يُجَدِّلُ فِي
عَايَةِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرُكَ تَقْلُبُهُمْ
فِي الْبِلَادِ ﴿٤﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ
بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَدَلُوا
بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ
عِقَابِ ﴿٥﴾ وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ
كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿٦﴾ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ
الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ
بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ
رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ
وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٧﴾

و بینی فرشتگان را گرداگرد شده حوالی عرش، تسبیح
می گویند همراه ستایش پروردگار خویش و حکم کرده
شود میان ایشان به راستی^(۱) و گفته شود: ستایش خدای
راست، پروردگار عالم‌ها. ﴿۷۵﴾

سوره غافر

به نام خداوند بخشنده مهربان

حم. ﴿۱﴾ فروفرستادن کتاب از جانب خدا غالب داناست.
﴿۲﴾ آمرزنده گناه و پذیرنده توبه، سخت کننده عقوبت،
خداوند توانگری. نیست هیچ معبود مگر او. به سوی اوست
بازگشت. ﴿۳﴾ مکابره نمی کنند در آی‌های خدا مگر
کافران، پس غرّه نکند تو را آمد و رفت ایشان در شهرها.
﴿۴﴾ دروغ داشتند پیش از ایشان قوم نوح و جماعت‌های
دیگر بعد از قوم نوح و قصد کرد هر جماعتی به پیغامبر
خود تا بگیرند آن را و مکابره کردند به شبهات یهوده تا
ناچیز سازند به آن سخن درست را، پس گرفتیم ایشان را.
پس چگونه بود عقوبت من؟ ﴿۵﴾ و همچنین ثابت شد
حکم پروردگار تو بر کافران که ایشان اهل دوزخند. ﴿۶﴾
آنان که بر می دارند عرش را و آنان که گرداگرد عرشند،
تسبیح می گویند همراه ستایش پروردگار خویش و ایمان
می آرند به او و آمرزش می خواهند برای مؤمنان.
می گویند: ای پروردگار ما! فرا گرفتی همه چیز را به
بخشایش و دانش، پس پیامرز آنان را که توبه کردند و
پیروی راه تو نمودند و نگاهدار ایشان را از عذاب دوزخ.
﴿۷﴾

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ
صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٨﴾ وَفِيهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ
السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ
الْعَظِيمُ ﴿٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لَمَقْتُ اللَّهُ
أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى
الْإِيمَنِ فَتَكْفُرُونَ ﴿١٠﴾ قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ
وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ
مِّن سَبِيلٍ ﴿١١﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ
كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكَ بِهِ تَوَمَّنُوا فَاْلْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ
الْكَبِيرِ ﴿١٢﴾ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّل لَكُمْ
مِّنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ ﴿١٣﴾
فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ
﴿١٤﴾ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ
أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ
﴿١٥﴾ يَوْمَ هُمْ بَرْزُورٌ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ
لِّمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿١٦﴾

ای پروردگار ما! در آرزای ایشان را به بوستان‌های همیشه ماندن
که وعده کرده‌ای به ایشان و در آرز نیز هر که شایسته کار
باشد از پدران ایشان و زنان ایشان و فرزندان ایشان، هر آینه
تویی غالب با حکمت. ﴿۸﴾ و نگاه دار ایشان را از
عقوبت‌ها و هر که را نگاه داری از عقوبت‌ها در آن روز،
پس هر آینه رحم کرده‌ای بر وی و این مقدمه نگاه داشتن،
همان است مطلب یابی بزرگ. ﴿۹﴾ هر آینه آنان که کافر
شدند، آواز داده شود ایشان را که به تحقیق دشمن داشتن
خدای شما را، وقتی که خوانده می‌شدید در دنیا به سوی
ایمان پس کافر می‌ماندید، زیاده‌تر است از دشمن داشتن
شما خود را. ﴿۱۰﴾ گویند: ای پروردگار ما! مرده ساختی
ما را دوبار و زنده گردانیدی ما را دوبار، پس اعتراف
کردیم به گناهان خود، پس آیا به سوی بیرون رفتن راهی
هست؟! (یعنی حيله‌ای هست) ^(۱). ﴿۱۱﴾ این عذاب به
سبب آن است که چون یاد کرده می‌شد خدا تنها، انکار
می‌کردید و اگر شریک او مقرر کرده می‌شد، باور
می‌داشتید، پس فرمان خدای راست بلند قدر بزرگوار.
﴿۱۲﴾ اوست آن که می‌نماید شما را نشانه‌های خود
و فرومی‌فرستد برای شما از آسمان رزق را و پندپذیر
نمی‌شود، مگر کسی که رجوع می‌کند به خدا. ﴿۱۳﴾
پس یاد کنید خدا را یک جهت ساخته برای او عبادت را
اگرچه ناخوش دارند کافران. ﴿۱۴﴾ اوست بلند کننده
مرتب‌ها، خداوند عرش می‌اندازد وحی را از فرمان خود بر
هر که خواهد از بندگان خود تا بترساند آن بنده از روز
ملاقات. ﴿۱۵﴾ روزی که ایشان بیرون آیند ^(۲)، پوشیده
نباشد بر خدا از ایشان چیزی خدا فرماید که راست
پادشاهی امروز؟ باز خود جواب دهد: مر خدای یگانه
غالب را. ﴿۱۶﴾

۱- یعنی گویند با خدا و فرشتگان.

۲- یعنی از قبور.

الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٧﴾ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَرْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَظْمِينَ مَّا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٌ يُطَاعُ ﴿١٨﴾ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ﴿١٩﴾ وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿٢٠﴾ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَءَاثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ﴿٢١﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٢٣﴾ إِلَى فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقُرُونٍ فَقَالُوا سَحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٢٤﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿٢٥﴾

امروز پاداش داده شود هر شخصی بحسب آنچه کرده است هیچ ستم نیست امروز هرآینه خدا زود حساب کننده است. ﴿۱۷﴾ و بترسان ایشان را از روز قیامت آنگاه که دلها نزدیک چنبر گردن باشند پر شده از غم نیست ستمکاران را هیچ دوستی و نه شفاعت کننده‌ای که سخن او قبول کرده شود. ﴿۱۸﴾ می‌داند خیانت چشم‌ها را و آنچه پنهان می‌دارند سینه‌ها. ﴿۱۹﴾ و خدا حکم می‌کند به راستی و آنان که کافران می‌پرستند ایشان را بجز خدا. حکم نمی‌کنند به چیزی. هرآینه خدا همونست شنوای بینا. ﴿۲۰﴾ آیا سیر نکرده‌اند در زمین تا بنگرند چگونه بود آخر کار آنان که پیش از ایشان بودند. زیاده‌تر از ایشان به قوت و به نشانه‌ها در زمین^(۱)، پس گرفتار کرد ایشان را خدا به گناهان ایشان و نبود ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده. ﴿۲۱﴾ این عقوبت به سبب آن بود که می‌آمدند به ایشان پیغامبران ایشان به نشانه‌ها، پس کافر شدند پس گرفتار کرد ایشان را خدا هرآینه خدا توانای سخت عقوبت است. ﴿۲۲﴾ و هرآینه فرستادیم موسی را به نشانه‌های خویش و به حجت ظاهر. ﴿۲۳﴾ به سوی فرعون و هامان و قارون پس گفتند: جادوگر است دروغگوی. ﴿۲۴﴾ پس چون آمد بدیشان به پیغام راست از نزدیک ما گفتند: بکشید فرزندان آنان که ایمان آوردند همراه او و زنده گزاردید دختران ایشان را و نیست حيله‌سازی کافران مگر در تباهی. ﴿۲۵﴾

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ ۖ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفُسَادَ ﴿٢٦﴾ وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٢٧﴾ وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ ۖ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ ۖ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ﴿٢٨﴾ يَقُومُ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٢٩﴾ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَوْمَ يَقُومُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ﴿٣٠﴾ مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۖ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ ﴿٣١﴾ وَيَقُومُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ﴿٣٢﴾ تُولُونَ مَذْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ ۖ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾

و گفت فرعون: ای یاران! بگذارید مرا تا بکشم موسی را و باید که دعا کند به جناب پروردگار خویش، هرآینه من می ترسم از آن که بدل کند دین شما را یا پدید آرد در زمین فساد را. ﴿۲۶﴾ و گفت موسی: هرآینه من پناه گرفتم به پروردگار خود و پروردگار شما از هر متکبری که باور نمی دارد روز حساب را. ﴿۲۷﴾ و گفت مردی مسلمان از خویشان فرعون که پنهان می داشت ایمان خود را آیا می کشید مردی را به سبب آن که می گوید پروردگار من خدا است؟ و هرآینه آورده است پیش شما نشانه ها از جانب پروردگار شما و اگر به فرض دروغگویی باشد، پس وبال بر او است دروغگویی او و اگر راستگویی باشد، البته برسد به شما بعض آنچه وعده می دهد شما را. هرآینه خدا راه نمی نماید کسی را که باشد از حد گذرنده دروغگوی. ﴿۲۸﴾ ای قوم من! شما را است پادشاهی امروز غالب شده در زمین، پس که نصرت دهد ما را از عذاب خدا اگر بیاید به ما؟ گفت فرعون: مصلحت نمی دهم شما را مگر آنچه ادراک می کنم و دلالت نمی کنم شما را مگر به راه راستی. ﴿۲۹﴾ و گفت شخصی که ایمان آورده بود: ای قوم من! هرآینه من می ترسم بر شما از مانند روز جماعت های پیشین. ﴿۳۰﴾ مانند صورت حال قوم نوح و عاد و ثمود و آنان که بعد از ایشان بودند و خدا اراده ستم نمی کند بر بندگان. ﴿۳۱﴾ و ای قوم من! هرآینه من می ترسم بر شما از روز آواز دادن با یکدیگر. ﴿۳۲﴾ روزی که روی بگردانید پشت داده نبود شما را از خدا هیچ نگاهدارنده و هر که را گمراه سازد خدا، پس نیست او را هیچ راه نماینده. ﴿۳۳﴾

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ
 فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ
 يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ
 هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ
 اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ
 الَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ
 جَبَّارٍ ﴿٣٥﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَهْلِكُنِ ابْنُ لِي صَرَحًا لَعَلِّي
 أَبْلَغُ الْأَسْبَبَ ﴿٣٦﴾ أَسْبَبَ السَّمَوَاتِ فَأَطْلِعَ إِلَى إِلَهِ
 مُوسَى وَإِنِّي لَا أَظُنُّهُ كَذِبًا وَكَذَلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ
 سُوءُ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا
 فِي تَبَابٍ ﴿٣٧﴾ وَقَالَ الَّذِي ءَامَنَ يَقَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِيكُمْ
 سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٣٨﴾ يَقَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الدُّنْيَا مَتَنُ
 وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ﴿٣٩﴾ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا
 يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنتِ
 وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا
 بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٤٠﴾

و هر آینه آمده بود پیش از این به شما یوسف به نشانه‌ها
 پس همیشه در شک بودید از آنچه آورده بود پیش شما را.
 تا وقتی که بمرد گفتید: نخواهد فرستاد خدا بعد از وی
 پیغامبری را همچنین گمراه می‌کند خدا هر که را که هست
 او از حد در گذرنده شک آورنده گمراه می‌کند. ﴿۳۴﴾
 آنان را که مکابره می‌کنند در آیات خدا به غیر حجتی که
 آمده باشد پیش ایشان سخت ناپسند شد این مکابره ایشان
 نزدیک خدا و نزدیک آنان که ایمان آوردند همچنین
 مهری نهد خدا بر هر دل متکبر سرکش. ﴿۳۵﴾ و گفت
 فرعون: ای هامان! عمارت کن برای من کوشکی تا باشد
 که برسم به این راه‌ها. ﴿۳۶﴾ راه‌های آسمان‌ها تا در نگرم
 به سوی پروردگار موسی و هر آینه من دروغگوی
 می‌پندارم و همچنین آراسته شد در نظر فرعون عمل بد
 او و بازداشته شد از راه صواب و نبود حيله‌سازی فرعون
 مگر در تباهی. ﴿۳۷﴾ و گفت آن که ایمان آورده بود: ای
 قوم من! پیروی من کنید تا دلالت کنم شما را به راه راستی.
 ﴿۳۸﴾ ای قوم من! جز این نیست که این زندگانی دنیا
 اندک بهتر است و هر آینه آخرت همونست سرای همیشه
 ماندن. ﴿۳۹﴾ هر که به عمل آرد کار بد، پس جزا داده
 نخواهد شد الا مانند آن و هر که بجا آرد کار شایسته خواه
 از جنس مرد خواه از جنس زن و او مؤمن بود، پس آن
 جماعت در آیند در بهشت رزق داده شود ایشان را آنجا
 به غیر شمار. ﴿۴۰﴾

وَيَقَوْمَ مَا لِيِ ادْعُوكُمْ إِلَى التَّجْوَةِ وَتَدْعُونِي إِلَى النَّارِ ﴿٤١﴾ تَدْعُونِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا ادْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ ﴿٤٢﴾ لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنْ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿٤٣﴾ فَسْتَذْكُرُونَ مَا أَقُولَ لَكُمْ وَأَفَوضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٤٤﴾ فَوَقَّهَ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِإِلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ ﴿٤٥﴾ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿٤٦﴾ وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ ﴿٤٧﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ ﴿٤٨﴾ وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخِزْنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ ﴿٤٩﴾

و ای قوم من! چیست مرا که می‌خوانم شما را به سوی نجات و شما می‌خوانید مرا به سوی دوزخ. ﴿۴۱﴾ می‌خوانید مرا به سوی آن که کافر شوم به خدا و شریک او مقرر کنم چیزی که نیست مرا به حقیقت آن علم و من می‌خوانم شما را به سوی خدای غالب آمرزگار. ﴿۴۲﴾ بی شبهه چیزی که شما می‌خوانید مرا به سوی آن نیست آن چیز را قبول کردن دعا در دنیا و نه در آخرت و بی شبهه بازگشت ما به سوی خدا است و بی شبهه از حد گذشتگان، ایشانند اهل دوزخ. ﴿۴۳﴾ پس یاد خواهید کرد آنچه من می‌گویم به شما و می‌سپارم مقدمه خود را به خدا، هرآینه خدا بینا است به احوال بندگان. ﴿۴۴﴾ پس نگهداشت او را خدا از سختی‌های بدسگالی ایشان و فروگرفت به خویشان فرعون عذاب سخت. ﴿۴۵﴾ در گرفت ایشان را آتش حاضر کرده می‌شوند بر آتش پگاه و شام، و روزی که قایم شود قیامت [گوییم]: در آرید خویشان فرعون را در سخت‌ترین عذاب. ﴿۴۶﴾ و [یاد کن] چون باهم مکابره می‌کنند در دوزخ پس گویند ناتوانان سرکشان را: هرآینه ما تابع بودیم شما را، پس آیا دفع کننده هستید از سر ما یک حصه از عقوبت آتش. ﴿۴۷﴾ گویند سرکشان: هرآینه همه در آتشیم هرآینه خدا مقدمه فیصل کرده است در میان بندگان. ﴿۴۸﴾ و گویند آنان که در آتش‌اند نگاهبانان دوزخ را: دعا کنید به جناب پروردگار خویش تا سبک گرداند از ما حصه یک روزه از عذاب. ﴿۴۹﴾

قَالُوا أَوْ لَمْ تَكُ تَأْتِيكُمُ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا فَأَدْعُوا وَمَا دُعَاؤُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿٥٠﴾ إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهُدُ ﴿٥١﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٥٢﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْهُدَى وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ الْكِتَابَ ﴿٥٣﴾ هُدًى وَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٥٤﴾ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ ﴿٥٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي ءَايَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَتْهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿٥٦﴾ لَخَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾

گویند [نگاهبانان]: آیا نمی آمدند به شما پیغامبران شما با معجزه ها؟ گفتند: آری! [نگاهبانان] گویند: پس دعا کنید و نیست دعا کافران مگر در تباهی. ﴿۵۰﴾ هر آینه ما نصرت دهیم پیغامبران خویش را و آنان را که ایمان آوردند در زندگانی دنیا و نیز روزی که قایم شوند گواهان^(۱). ﴿۵۱﴾ روزی که سود ندهد ستمکاران را عذر آوردن ایشان و ایشان راست لعنت و ایشان راست عقوبت آن سرای. ﴿۵۲﴾ و هر آینه دادیم موسی را هدایت و وارث کتاب ساختیم بنی اسرائیل را. ﴿۵۳﴾ برای راه نمودن و پند دادن خداوندان خرد را. ﴿۵۴﴾ پس صبر کن هر آینه وعده خدا راست است و آمرزش طلب کن برای گناه خود و تسبیح گوی با ستایش پروردگار خود به شام و پگاه. ﴿۵۵﴾ هر آینه آنان که مکابره می کنند در آیت های خدا به غیر حجتی که آمده باشد به ایشان نیست در سینه ایشان مگر اراده غلبه که نیستند ایشان رسنده به آن. پس پناه طلب کن از خدا هر آینه خدا همون است شنوای بینا. ﴿۵۶﴾ هر آینه آفریدن آسمان ها و زمین بزرگتر است از آفریدن آدمیان^(۲) و لیکن اکثر مردمان نمی دانند. ﴿۵۷﴾ و برابر نیستند نابینا و بینا و برابر نیستند آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند با بدکار. اندکی پندپذیر می شوید. ﴿۵۸﴾

۱- یعنی فرشتگان گواهی دهند.

۲- یعنی اعاده انشان.

إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٥٩﴾ وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي
أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي
سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ﴿٦٠﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ
لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ
لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا
يَشْكُرُونَ ﴿٦١﴾ ذَلِكَُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ﴿٦٢﴾ كَذَلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِينَ
كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٦٣﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ
لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ
صُورَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكَُمُ اللَّهُ
رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٤﴾ هُوَ الْحَيُّ لَا
إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿٦٥﴾ قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أُعْبَدَ الَّذِينَ
تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي
وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٦﴾

هرآینه قیامت آمدنی است نیست شک در آن و لیکن
اکثر مردمان باور نمی‌دارند. ﴿۵۹﴾ و گفت پروردگار
شما: دعا کنید به جناب من تا قبول کنم دعای شما را.
هرآینه آنان که تکبر می‌کنند از عبادت من داخل خواهند
شد به دوزخ خوار شده. ﴿۶۰﴾ خدا آن است که آفرید
برای شما شب را تا آرام گیرید در آن و آفرید روز را به
وجهی که در آن دیدن یکدیگر باشد هرآینه خدا
خداوند فضل است بر مردمان و لیکن اکثر مردمان شکر
نمی‌کنند. ﴿۶۱﴾ این است خدا پروردگار شما آفریننده هر
چیز. نیست هیچ معبود بجز وی، پس از کجا برگردانیده
می‌شوید؟ ﴿۶۲﴾ همچنین برگردانیده می‌شوند آنان که به
آیات خدا انکار می‌کردند. ﴿۶۳﴾ خدای آن است که
ساخت برای شما زمین را قرارگاه و آسمان را سقفی و
صورت بست شما را، پس نیکو ساخت صورت‌های شما و
روزی داد شما را از پاکیزه‌ها. این است خدا پروردگار
شما، پس بسیار با برکت است خدا پروردگار عالم‌ها.
﴿۶۴﴾ اوست زنده نیست هیچ معبود مگر او، پس عبادت
کنید او را یک جهت ساخته برای او عبادت ستایش خدای
راست پروردگار عالم‌ها. ﴿۶۵﴾ بگو: هرآینه منع کرده
شد مرا از آنکه عبادت کنم آنان را که شما می‌پرستید بجز
خدا. وقتی که آمد به من نشانه‌ها از جانب پروردگار من و
فرموده شد مرا که منقاد شوم پروردگار عالم‌ها را. ﴿۶۶﴾

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّن تَرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّظْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عِلْقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِيَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لِيَتَّكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَّن يُّتَوَفَّىٰ مِن قَبْلٍ ۚ وَلِيَبْلُغُوا أَجَلَ أَمْسَىٰ وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ وَكُن فَيَكُونُ ﴿٦٨﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّىٰ يُصْرَفُونَ ﴿٦٩﴾ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٧٠﴾ إِذِ الْأَغْلُلُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ ﴿٧١﴾ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ﴿٧٢﴾ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿٧٣﴾ مِّن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَل لَّمْ نَكُن نَدْعُوا مِن قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾ ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ ﴿٧٥﴾ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٦﴾ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّيَنَّكَ فَإِنَّا يَرْجِعُونَ ﴿٧٧﴾

اوست آنکه آفرید شما را از خاک باز از نطفه منی باز از خون بسته، باز بیرون می آرد شما را کودک شده باز باقی می گذارد تا برسید به نهایت قوت خود باز باقی می گذارد تا شوید پیر کلانسال و بعض از شما کسی هست قبض روح او کرده شود پیش از این و باقی می گذارد تا برسید به مدتی معین و تا بود که بفهمید. ﴿۶۷﴾ اوست آنکه زنده می کند و می میراند. چون پیدا کند چیزی را، پس جز این نیست که می گویدش بشو! پس می شود. ﴿۶۸﴾ آیا ندیدی به سوی آنان که مکابره می کنند در آیات خدا از کجا گردانیده می شوند؟. ﴿۶۹﴾ آنان که دروغ شمرند کتاب را و آنچه فرستادیم به آن پیغامبران خود را، خواهند دانست حقیقت حال خود. ﴿۷۰﴾ وقتی که طوقها در گردن ایشان باشند و زنجیرها نیز کشیده شوند. ﴿۷۱﴾ در آب گرم، باز در آتش برتافته شوند. ﴿۷۲﴾ باز گفته شود ایشان را: کجا است آنچه شریک مقرر می کردید؟ ﴿۷۳﴾ بجز خدا. گویند: گم شدند از نظر ما بلکه هرگز نمی پرستیدیم پیش از این چیزی را همچنین گمراه می کند خدا کافران را. ﴿۷۴﴾ این عقوبت به سبب آن است که شادمان می شدید در زمین ناحق و به سبب آن است که می نازیدید. ﴿۷۵﴾ در آید به دروازه های دوزخ جاویدان آنجا، پس بد جای متکبران است دوزخ. ﴿۷۶﴾ پس صبر کن [یا محمد]، هر آینه وعده خدا راست است پس اگر بنماییم تو را بعض آنچه وعده می دهیم ایشان را فبها و اگر قبض روح تو کنیم، پس به سوی ما باز گردانیده شوند کافران. ﴿۷۷﴾

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ﴿٧٨﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَمَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٩﴾ وَلَكُم فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلِكِ تُحْمَلُونَ ﴿٨٠﴾ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ ﴿٨١﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَءَاتَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُم مِّنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٨٣﴾ فَلَمَّا رَأَوْا بُاسَنَا قَالُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ ﴿٨٤﴾ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بُاسَنَا سُنَّتَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ ﴿٨٥﴾

و هر آینه فرستادیم پیغامبران را پیش از تو از ایشان کسی هست که قصه‌اش خوانده‌ایم بر تو و از ایشان کسی هست که قصه‌اش نخوانده‌ایم بر تو و نبود هیچ پیغامبر را که بیارد هیچ نشانه مگر به فرمان خدا، پس وقتی که آمد فرمان خدا، فیصل کرده شود به راستی و زیانکار شدند آنجا بیهوده‌گویان. ﴿۷۸﴾ خدا آن است که آفریده برای شما مواشی را تا سوار شوید بر بعض آنها و بعض آنها را می‌خورید. ﴿۷۹﴾ و شما را در چهارپایان منفعت‌ها است و تا برسید سوار شده بر آنها به مقصدی که در سینه شما مستقر شده است و بر چهارپایان و نیز بر کشتی‌ها برداشته می‌شوید. ﴿۸۰﴾ و خدا می‌نماید شما را نشانه‌های خود، پس کدام یک را از نشانه‌های خدا انکار می‌کنید. ﴿۸۱﴾ آیا سیر نکرده‌اند در زمین تا بنگرند چگونه بود آخر کار آنان که پیش از ایشان بودند بودند بیشتر از ایشان و زیاده‌تر به قوت و به نشانه‌ها در زمین، پس دفع نکرد از ایشان آنچه می‌کردند. ﴿۸۲﴾ پس وقتی که آمدند پیغامبران ایشان با معجزه‌ها، شادمان شدند به آنچه نزدیک ایشان بود از دانش^(۱) و در گرفت ایشان را آنچه بدان استهزا می‌کردند. ﴿۸۳﴾ پس وقتی که دیدند عقوبت ما گفتند: باور داشتیم خدای را تنها و منکر شدیم به آنچه آن را شریک مقرر می‌کردیم. ﴿۸۴﴾ پس هرگز نفع نمی‌داد ایشان را ایمان ایشان وقتی که دیدند عقوبت ما. آیین خدا که گذشته است در بندگان او و زیانکار شدند آنجا کافران. ﴿۸۵﴾

سُورَةُ فَصَّلَتْ

سوره فصلت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

حَمْ ۱ تَنْزِيلُ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۲ كِتَابُ فُصِّلَتْ
 آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۳ بَشِيرًا
 وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۴
 وَقَالُوا فُلُونَا فِي أَكِنِّهِ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا
 وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلْنَا إِنَّنَا عَمِلُونَ
 ۵ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ
 إِلَهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ ۖ وَوَيْلٌ
 لِلْمُشْرِكِينَ ۶ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ
 هُمْ كَافِرُونَ ۷ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۸ قُلْ أَتَيْنَكُمُ
 لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ
 لَهُۥٓ أَنْدَادًا ۚ ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۹ وَجَعَلَ فِيهَا
 رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي
 أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ ۱۰ ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى
 السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا
 أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ۱۱

حم. ۱ ﴿۱﴾ این فروفرستادن است از جانب خدای
 بخشاینده مهربان. ﴿۲﴾ این کتابی است واضح ساخته شد
 آیات او را در حالتی که قرآن عربی است، برای قومی که
 می‌دانند. ﴿۳﴾ در حالی که مژده دهنده و ترساننده است،
 پس روگردان شدند اکثر مردمان پس ایشان نمی‌شنوند.
 ﴿۴﴾ و گفتند: دل‌های ما در پرده‌هاست از آنچه می‌خوانی
 ما را به سوی آن و در گوش ما گرانی هست و میان ما و
 میان تو حجابی است، پس کار کن هرآینه ما کار
 کننده‌ایم^(۱). ﴿۵﴾ بگو: جز این نیست که من آدمی‌ام مانند
 شما، وحی کرده می‌شود به سوی من که پروردگار شما
 معبود یگانه است، پس راست متوجه شوید به سوی او و
 طلب آمرزش کنید از او و وای مشرکان را! ﴿۶﴾ آنان که
 نمی‌دهند زکات و ایشان به آخرت نامعتقدانند. ﴿۷﴾
 هرآینه آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند
 ایشان راست مزد غیر مقطوع. ﴿۸﴾ بگو: آیا شما نامعتقد
 می‌شوید به کسی که آفرید زمین را در دو روز و مقرر
 می‌کنید همسران را برای او؟ این است پروردگار عالم‌ها.
 ﴿۹﴾ و پیدا کرد در زمین کوه‌ها بالای آن و برکت نهاد
 در آن و اندازه کرد اندر آن قوت اهل آن را در تتمه چهار
 روز بیان واضح کرده شده برای سؤال کنندگان. ﴿۱۰﴾ باز
 متوجه شد به سوی آسمان و او مانند دود بود پس گفت او
 را و زمین را نیز: بیایید به خوشی یا ناخوشی^(۲). گفتند هر
 دو آمدمیم به خوشی. ﴿۱۱﴾

۱- یعنی هر یکی از ما بر طور خود.

۲- یعنی منقاد حکم من شوید، والله اعلم.

فَقَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ
 سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا
 ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿١٢﴾ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ
 أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ ﴿١٣﴾ إِذْ
 جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا
 تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا
 بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا
 فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ
 يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا
 بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿١٥﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا
 فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنَنْذِقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ ﴿١٦﴾
 وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ
 فَأَخَذْنَاهُمْ صَاعِقَةً الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا
 يَكْسِبُونَ ﴿١٧﴾ وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿١٨﴾
 وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٩﴾
 حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَرُهُمْ
 وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾

در هر آسمانی تدبیر آن را و بیاراستیم آسمان دنیا را
 بجراغ‌ها^(۱) و نگاه داشتیم^(۲). این است تدبیر خدای غالب
 دانا. ﴿۱۲﴾ پس اگر روی گردان شوند بگو: ترسانیدم شما
 را از عقوبتی مانند عقوبت عاد و ثمود. ﴿۱۳﴾ وقتی که
 آمدند بدیشان پیغامبران از پیش روی ایشان و از پس پشت
 ایشان که عبادت مکنید مگر خدای را، گفتند: اگر
 خواستی پروردگار ما فروفرستادی فرشتگان را، پس
 هرآینه ما به آنچه فرستاده شدید همراه آن نامعتقدیم.
 ﴿۱۴﴾ اما قوم عاد، پس تکبر کردند در زمین ناحق و
 گفتند: کیست زیاده‌تر از ما به قوت؟ آیا ندیدند که آن
 خدای که بیافرید ایشان را او زیاده‌تر است از ایشان به قوت
 و ایشان به آیات ما انکار می‌کردند. ﴿۱۵﴾ پس فرستادیم
 بر ایشان بادی تند در روزهای شوم تا بجشانیم ایشان را
 عذاب رسوایی در زندگانی دنیا و هرآینه عذاب آخرت
 رسوا کننده‌تر است و ایشان نصرت داده نشوند. ﴿۱۶﴾ و
 اما ثمود پس راه نمودیم ایشان را، پس اختیار کردند
 نابینایی را بر راه‌یابی، پس درگرفت ایشان را عقوبت سخت
 عذاب خواری به سبب آنچه می‌کردند. ﴿۱۷﴾ و نجات
 دادیم آنان را که ایمان آوردند و پرهیزگاری می‌کردند.
 ﴿۱۸﴾ و آن روزی که برانگیخته شوند دشمنان خدا روان
 ساخته به سوی آتش پس ایشان به این صفت باشند^(۳).
 ﴿۱۹﴾ تا وقتی که بیایند نزدیک دوزخ، گواهی دهد بر
 ایشان گوش ایشان و چشم ایشان و پوست ایشان به آنچه
 می‌کردند. ﴿۲۰﴾

۱- یعنی ستاره‌ها.

۲- یعنی از شیاطین.

۳- که بعض را تا به رسیدن بعض اشاره کرده می‌شود.

وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لَمْ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَرُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٢﴾ وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ ﴿٢٤﴾ وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿٢٥﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ ﴿٢٦﴾ فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾ ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿٢٨﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرْنَا الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ ﴿٢٩﴾

و گفتند پوست‌های خود را: چرا گواهی دادید بر ما؟ گویند: گویا کرد ما را آن خدایی که گویا کرده است هر چیزی را و او بیافرید شما را اوّل بار و به سوی او باز گردانیده شوید. ﴿۲۱﴾ و در پرده پنهان نمی‌شدید^(۱) که گواهی دهد بر شما گوش شما و چشم‌های شما و پوست شما و لیکن پنداشتید که خدا نمی‌داند بسیار از آنچه می‌کنید. ﴿۲۲﴾ و این گمان شما که به غلط اندیشه کردید در حق پروردگار خویش هلاک کرد شما را، پس زیانکار گشتید. ﴿۲۳﴾ پس اگر صبر کنند پس چه امکان؟ آتش خوابگاه ایشان است و اگر عفو طلبند، پس نیستند ایشان عفو کرده شده. ﴿۲۴﴾ و برگماشتیم برای ایشان همنشینان^(۲)، پس آراسته کردند آن هم نشینان برای ایشان آنچه پیش روی ایشان است و آنچه، پس پشت ایشان است^(۳) و ثابت شد بر ایشان وعده عذاب داخل شده در امتانی که پیش از ایشان گذشته‌اند از جن و آدمیان، هرآینه ایشان زیانکار بودند. ﴿۲۵﴾ و گفتند کافران: مشنویید این قرآن را و سخن بیهوده گویند در اثنای خواندن آن بود که شما غالب شوید. ﴿۲۶﴾ پس البته بچشانیم کافران را عذاب سخت و البته جزا دهیم ایشان را به حسب بدترین آنچه می‌کردند. ﴿۲۷﴾ این است جزای دشمنان خدا که آتش است، ایشان را در آنجا منزل علی الدوام باشند. پاداش دادیم بر حسب آنچه به آیات ما انکار می‌کردند. ﴿۲۸﴾ و گویند کافران: ای پروردگار ما! بنما ما را آن دو کس^(۴) که گمراه ساختند ما را از جنس جن و از جنس انس تا درآریم آن هر دو را زیر قدم‌های خود تا شوند از فروتر ماندگان. ﴿۲۹﴾

۱- یعنی در این دار خوف آنکه.

۲- یعنی از شیاطین، والله اعلم.

۳- یعنی وسوسه انداختند که دنیا قابل رغبت است و آخرت قابل رغبت

نیست، والله اعلم.

۴- یعنی آن دو فریق.

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ
 الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي
 كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
 وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ
 وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ ﴿٣١﴾ نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ
 ﴿٣٢﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ
 صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا تَسْتَوِ
 الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ أَدْفَعُ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا
 الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَمَا
 يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ
 عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾ وَإِنَّمَا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ
 بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾ وَمِنْ عَائِيَتِهِ اللَّيْلُ
 وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا
 لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ
 تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾ فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ
 يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ﴿٣٨﴾

هرآینه آنان که گفتند: پروردگار ما خداست باز قایم
 ماندند، فرو می آیند بر ایشان فرشتگان^(۱) که مترسید و اندوه
 مخورید و خوشحال شوید به بهشتی که شما را وعده داده
 می شد. ﴿۳۰﴾ ما دوستان شما بودیم در زندگانی دنیا و در
 آخرت نیز و شما را است در اینجا آنچه بطلبد نفس شما و
 شما را است آنجا آنچه درخواست کنید. ﴿۳۱﴾ به طریق
 مهمانی از جانب خدای آمرزگار مهربان. ﴿۳۲﴾ و کیست
 نیکوتر به اعتبار سخن از شخصی که دعوت کرد مردمان
 را به سوی خدا و کار شایسته کرد و گفت: هرآینه من از
 مسلمانانم؟ ﴿۳۳﴾ و برابر نیست نیکی و بدی جواب بازده
 به خصلتی که آن بهتر است، پس ناگاه آن کس که میان
 تو و میان وی دشمنی است گویا که وی کارسازی
 خویشاوند شده است. ﴿۳۴﴾ و قرین کرده نمی شود به این
 خصلت مگر آنان که صبر کردند و قرین کرده نمی شود به
 این خصلت مگر صاحب نصیب بزرگ. ﴿۳۵﴾ و اگر
 بازگرداند تو را وسوسه بازگرداننده از جانب شیطان، پس
 پناه طلب کن به خدا، هرآینه خدا همون است شنوای دانا.
 ﴿۳۶﴾ و از نشانه های او است شب و روز و آفتاب و ماه
 سجده نکنید آفتاب را و نه ماه را و سجده کنید خدای را
 که آفرید این چیزها را اگر او را فقط عبادت می کنید.
 ﴿۳۷﴾ پس اگر تکبر کنند کافران چه باک، پس آنان که
 نزدیک پروردگار تواند به پاکی یاد می کنند او را شب و
 روز و ایشان مانده نمی شوند. ﴿۳۸﴾

وَمِنْ ءَايَاتِهِ ۚ إِنَّكَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ ۚ إِنَّ الَّذِينَ أَحْيَاها لَمُحْيِ الْمَوْتَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي ءَايَاتِنَا لَا يَخَفُونَ عَلَيْنَا ۖ أَفَمَن يُلْقَىٰ فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَن يَأْتِي ءَامِنًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۚ أَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ ﴿٤١﴾ لَا يَأْتِيهِ الْبَطِلُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِن خَلْفِهِ ۚ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿٤٢﴾ مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ ﴿٤٣﴾ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ ءَايَاتُهُ ۚ ءَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ ۚ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ ۚ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَاذَانِهِمْ وَقُرْ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًّ ۚ أُولَٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٤٤﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَآخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴿٤٥﴾ مَّنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۚ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٤٦﴾

و از نشانه‌های او آن است که می‌بینی زمین را فرسوده، پس وقتی که فرود آوردیم بر سر آن آب را به جنبش آمد و بلند شد. هرآینه آن که زنده کرده است زمین را البته زنده کننده مردگان است هرآینه او بر همه چیز توانا است. ﴿۳۹﴾ هرآینه آنان که کج‌روی می‌کنند در آیات ما، پوشیده نیستند از ما آیا کسی که انداخته شود در آتش بهتر است یا کسی که بیاید ایمن شده روز قیامت؟ بکنید هرچه خواهید هرآینه خدا به آنچه می‌کنید بینا است. ﴿۴۰﴾ هرآینه آنان که کافر شدند به قرآن وقتی که آمد بدیشان، پوشیده نیستند از ما و به تحقیق آن کتابی است گرامی قدر. ﴿۴۱﴾ راه نمی‌یابد بدو باطل از پیش روی او و نه از پس پشت او. فرستاده شده است از خدا دانای ستوده. ﴿۴۲﴾ [یا محمد] گفته نمی‌شود تو را مگر آنچه گفته شده بود پیغامبران را پیش از تو هرآینه پروردگار تو خداوند آمرزش است و خداوند عقوبت درد دهنده است. ﴿۴۳﴾ و اگر می‌ساختیم این کتاب را قرآنی به زبان عجم، هرآینه می‌گفتند کافران عرب: چرا واضح کرده نشد آیات او را آیا [قرآن] عجمی است و [مخاطب] عربی؟ بگو: قرآن مسلمانان را هدایت و شفا است و آنان که ایمان ندارند در گوش ایشان گرانی است و آن قرآن بر ایشان کوری است. آن جماعت به مثل چنانند که آواز داده می‌شوند از جای دور. ﴿۴۴﴾ و هرآینه دادیم موسی را کتاب، پس اختلاف کرده شد در آن و اگر نبودی کلمه‌ای که سابق صادر شد از پروردگار تو، البته فیصل کرده شدی در میان ایشان و هرآینه ایشان در شک قوی‌اند از طرف قرآن. ﴿۴۵﴾ هر که بکند کار نیک، پس نفع او راست و هر که بدکاری کند پس وبال بر ویست و نیست پروردگار تو ستم کننده بر بندگان. ﴿۴۶﴾

إِلَيْهِ يَرْدُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِيَ قَالُوا ءَاذَنَّاكَ مَا مَنَّا مِنْ شَهِيدٍ ﴿٤٧﴾ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنَ نَجِيصٍ ﴿٤٨﴾ لَا يَسْمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ ﴿٤٩﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لِلْحُسْنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٠﴾ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَسَا بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ ﴿٥١﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾ سَرِيهِمْ ءَايَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٥٣﴾ أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيَّةٍ مِنَ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَّا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ ﴿٥٤﴾

به سوی خدا حواله کرده می شود معرفت قیامت و بیرون نمی آید اجناس میوه ها از غلاف خود و در شکم بار نمی گیرد هیچ زنی و نمی نهد بار شکم را مگر بدان است خدا و روزی که خدا آواز دهد ایشان را که کجا اند آنان که شریک من مقرر می کردند؟ گویند: خبر دادیم تو را که نیست از ما هیچ کس اثبات کننده [شریکان]. ﴿۴۷﴾ و گم شدند از نظر ایشان آنچه می پرستیدند پیش از این و دانستند که نیست ایشان را هیچ مخلصی. ﴿۴۸﴾ مانده نمی شود آدمی از طلب خیر و اگر برسدش سختی پس ناامید طمع برنده است. ﴿۴۹﴾ و اگر بچشانیم او را بخشایشی از جانب خود بعد از سختی که رسیده باشد به وی، گوید که این برای من است ^(۱) و نمی پندارم که قیامت قایم شود و اگر به فرض بازگردانیده شود مرا به سوی پروردگار من، هرآینه مرا نزدیک او حالت خوش باشد پس البته خبردار کنیم کافران را به آنچه می کردند و البته بچشانیم ایشان را از عقوبت سخت. ﴿۵۰﴾ و چون انعام کنیم بر آدمی روی بگرداند و دور شود به طرف خود رفته و چون برسدش بلایی، پس خداوند دعای بسیار است. ﴿۵۱﴾ بگو: آیا دیدید که اگر باشد قرآن از جانب خدا باز کافر شوید به آن کیست گمراه تر از شخصی که باشد در مخالفت دور از صواب. ﴿۵۲﴾ خواهیم نمود ایشان را نشانه های خود در اطراف عام و در نفس ایشان نیز تا آنکه واضح شود بر ایشان که این سخن راست است. آیا بس نیست پروردگار تو آنکه او بر هر چیز مطلع است؟. ﴿۵۳﴾ آگاه شو! هرآینه ایشان در شبهه اند از طرف ملاقات پروردگار خویش. آگاه شو! هرآینه خدا به هر چیز درگیرنده است. ﴿۵۴﴾

۱- یعنی خاطر جمع کند و خوف از دل او زائل شود، والله اعلم.

سُورَةُ الشُّورَى

سوره شوری

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمَّ ۱ عَسَقَ ۲ كَذَلِكَ يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۳ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ۴ تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا إِنْ اللَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۵ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيفٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۶ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ۷ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۸ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۹ وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ۱۰

حم. ۱ عسق. ۲ ﴿۲﴾ همچنین وحی می‌فرستد به سوی تو و به سوی آنان که پیش از تو بودند خدای غالب با حکمت. ۳ ﴿۳﴾ او راست آنچه در آسمان‌ها است و آنچه در زمین است و اوست بلند مرتبه بزرگ‌تر. ۴ ﴿۴﴾ نزدیک است که آسمان‌ها بشگافند از جانب بالای خود^(۱) و فرشتگان تسبیح می‌گویند همراه حمد پروردگار خویش و آمرزش طلب می‌کنند برای آنان که در زمینند آگاه شو! هرآینه خدا اوست آمرزگار مهربان. ۵ ﴿۵﴾ و آنان که دوستان گرفتند بجز خدا، خدا نگهبان است بر ایشان و نیستی تو بر ایشان متعهد. ۶ ﴿۶﴾ و همچنین وحی فرستادیم به سوی تو قرآنی عربی تا بترسانی اهل مکه را و آنان که گرداگرد آن هستند و بترسانی از روز قیامت هیچ شبهه نیست در آن گروهی در بهشت باشند و گروهی در دوزخ. ۷ ﴿۷﴾ و اگر خواستی خدا، گردانیدی ایشان را یک امت و لیکن درمی‌آرد هرکه را خواهد به رحمت خود و ستمکاران نیست ایشان را هیچ کارسازی و نه یاری دهنده. ۸ ﴿۸﴾ آیا دوستان گرفتند بجز خدا؟ پس خدا همونست کارساز و همون زنده می‌کند مردگان را و او بر هر چیز توانا است. ۹ ﴿۹﴾ و آنچه اختلاف کردید در آن، هرچه باشد پس فیصل کردن به او حواله به خدا است. این است خدا پروردگار من برو توکل کردم و به سوی او رجوع می‌کنم. ۱۰ ﴿۱۰﴾

۱- یعنی از هیبت الهی، والله اعلم.

فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١١﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٢﴾ شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ ﴿١٣﴾ وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكُتُبَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴿١٤﴾ فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمُ لَنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمُ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾

آفریننده آسمان‌ها و زمین است پیدا کرد برای شما از جنس شما زنان را و پیدا کرد از جنس چهارپایان اقسام چند پراکنده می‌کند شما را به این تدبیر نیست مانند او چیزی و اوست شنوای بینا. ﴿۱۱﴾ او راست کلیدهای آسمان‌ها و زمین. گشاده می‌کند روزی را برای هر که خواهد و تنگ می‌کند برای هر که خواهد هر آینه او به هر چیز دانا است. ﴿۱۲﴾ مقرر کرد برای شما از آیین، آنچه امر کرده بود به اقامه آن نوح را و آنچه وحی فرستادیم به سوی تو و آنچه امر کردیم به اقامه آن ابراهیم و موسی و عیسی را [به این مضمون] که قائم کنید دین را و متفرق مشوید در آن. دشوار آمد بر مشرکان آنچه می‌خوانی ایشان را به آن. خدا برمی‌گزیند به سوی خود هر که را خواهد و راه می‌نماید به سوی خود هر که را رجوع می‌کند.^(۱) و پراکنده نشدند امت‌ها مگر بعد از آنکه آمد بدیشان دانش پراکنده شدند از روی حسد در میان خود و اگر نبودی سخنی که سابقا صادر شد از پروردگار تو مهلت داده شود تا از زمانی معین فیصل کرده می‌شد میان ایشان و هر آینه آنان که داده شد ایشان را کتاب بعد از انبیا، در شبهه قوی‌اند از دین. ﴿۱۴﴾ پس به سوی این دین دعوت کن و قائم باش به حسب آنکه فرموده شد تو را و پیروی مکن خواهش کافران را و بگو: ایمان آوردم به آنچه فرود آورد خدا هر کتاب که هست و فرموده شد مرا که انصاف کنم میان شما. خدا پروردگار ماست و پروردگار شما است ما را عمل‌های ما است و شما را عمل‌های شما است. گفتگو نیست میان ما و میان شما^(۲). خدا جمع کند میان ما و میان شما و به سوی اوست بازگشت. ﴿۱۵﴾

۱- یعنی به سوی حق. حاصل آن است که انبیا علیهم‌السلام در اصول دین، متفق‌اند

و اختلاف شرائع در فروع است و بس، والله اعلم.

۲- یعنی روز قیامت.

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ وَ
 حَبَّطُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ
 عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿١٦﴾ اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ
 وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ ﴿١٧﴾
 يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا
 مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ
 يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿١٨﴾ اللَّهُ لَطِيفٌ
 بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿١٩﴾ مَنْ
 كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ
 يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ
 نَصِيبٍ ﴿٢٠﴾ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا
 لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ
 وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢١﴾ تَرَى الظَّالِمِينَ
 مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا
 وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا
 يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٢٢﴾

و آنان که گفتگو می کنند در دین خدا بعد از آنکه قبول کرده شد فرمان او^(۱)، مکابره ایشان باطل است نزدیک پروردگار ایشان و بر ایشان است خشم و ایشان راست عذاب سخت. ﴿۱۶﴾ خدا آن است که فرود آورد کتاب را به راستی و ترازو را نیز و چه چیز مطلع ساخت تو را بر حقیقت امر شاید که آمدن قیامت قریب باشد. ﴿۱۷﴾ زود طلب می کنند قیامت را آنان که ایمان ندارند به آن و آنان که باور داشته اند ترسانند از آن و می دانند که آن راست است آگاه شو! هرآینه آنان که مکابره می کنند در آمدن قیامت هرآینه در گمراهی دوراند. ﴿۱۸﴾ خدا مهربان است بر بندگان خود روزی می دهد هر که را خواهد و اوست توانای غالب. ﴿۱۹﴾ هر که خواسته باشد کشت آخرت، بیفزاییم برای او در کشت او و هر که خواسته باشد کشت دنیا، بدهیم او را بعض دنیا و نیست او را در آخرت هیچ نصیب. ﴿۲۰﴾ آیا کافران را شریکان هستند که مقرر کردند برای ایشان از دین آنچه نفرموده است آن را خدا؟ و اگر نبودی وعده فیصل کردن البته فیصل کرده می شد میان ایشان و هرآینه ستمکاران ایشان راست عذاب درد دهنده. ﴿۲۱﴾ بینی ستمکاران را ترسان از جزای آنچه به عمل آورده اند و آن البته رسنده است به ایشان و آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند در سبزه زار بوستان ها باشند، ایشان را باشد آنچه درخواست کنند نزدیک پروردگار خویش این است فضل بزرگ.

﴿۲۲﴾

ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِن يَشَأِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٢٤﴾ وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٢٥﴾ وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿٢٦﴾ ۖ وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَٰكِن يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٢٧﴾ وَهُوَ الَّذِي يُنْزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ ۚ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٨﴾ وَمِنْ ءَايَاتِهِ ۚ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا مِن دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٠﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٣١﴾

این آن ثواب است که مژده می دهد خدا آن بندگان خود را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند. بگو: نمی طلبم از شما بر تبلیغ قرآن هیچ مزدی لیکن باید که پیش گیرید دوستی در میان خویشاوندان^(۱) و هر که بکند نیکی بیفزاییم برای او در آن نیکی حسن را. هرآینه خدا آمرزگار قدرشناس است. ﴿۲۳﴾ آیا می گویند: پیغامبر افترا کرده است بر خدا دروغ را؟ پس اگر خواهد خدا مهر نهد بر دل تو و نابود می سازد خدا بیهوده را و اثبات می کند دین درست را به سخن های خود، هرآینه خدا داناست به آنچه در سینه هاست. ﴿۲۴﴾ و اوست آنکه قبول می کند توبه را از بندگان خود و در می گذرد از جرم ها و می داند آنچه می کنید. ﴿۲۵﴾ و قبول می کند دعای آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند و زیاده می دهد ایشان را از فضل خود و کافران ایشان راست عذاب سخت. ﴿۲۶﴾ و اگر فراخ کردی خدا رزق را بر بندگان خود البته فساد می کردند در زمین و لیکن فرود می آرد به اندازه آنچه خواهد هرآینه خدا بر بندگان خود دانای بیناست. ﴿۲۷﴾ و اوست آنکه فرود می آرد باران بعد از آنکه ناامید شدند و پراکنده می سازد رحمت خود را و اوست کارساز ستوده کار. ﴿۲۸﴾ و از نشانه های او آفریدن آسمان ها و زمین است و آفریدن آنچه پراکنده کرده است در میان این هر دو از جانوران و او بر به هم آوردن ایشان وقتی که خواهد تواناست. ﴿۲۹﴾ و هرچه برسد به شما از مصیبت ها، پس به سبب گناهی است که به عمل آورد دست های شما و در می گذرد از بسیاری. ﴿۳۰﴾ و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نیست شما را بجز خدا هیچ کارسازی و نصرت دهنده. ﴿۳۱﴾

۱- یعنی با من صله رحم کنید و ایذا نرسانید.

مِنْ ءَايَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَمِ ﴿٣١﴾ إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣٢﴾ أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٣﴾ وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يَجْدِلُونَ فِي ءَايَاتِنَا مَا لَهُمْ مِّنْ حَيِّصٍ ﴿٣٤﴾ فَمَا أُوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٣٥﴾ وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ ﴿٣٦﴾ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٧﴾ وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ﴿٣٨﴾ وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٣٩﴾ وَلَمِنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ ﴿٤٠﴾ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤١﴾ وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿٤٢﴾ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِّنْ بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّنْ سَبِيلٍ ﴿٤٣﴾

و از نشانه‌های او کشتی‌ها است در دریا مانند کوه‌ها.

﴿۳۲﴾ اگر خواهد بازدارد باد را، پس ایستاده شود کشتی‌ها بر پشت دریا. هرآینه در این مقدمه نشانه‌ها است هر صبر کننده شکر گذارنده را. ﴿۳۳﴾ یا اگر خواهد هلاک کند اهل کشتی‌ها را به سبب آنچه کردند و در می گذارند از تقصیرات بسیار تا انتقام کشد. ﴿۳۴﴾ تا بداند

آنان که خصومت می کنند در آیات ما که نیست ایشان را هیچ مخلصی. ﴿۳۵﴾ پس آنچه داده شد شما را از هر جنس که باشد، پس اندک بهره‌ای است از زندگانی دنیا و آنچه نزدیک خدا است، بهتر است و پاینده‌تر است برای آنان که ایمان آورده‌اند و بر پروردگار خود توکل می کنند. ﴿۳۶﴾ و برای آنان که پرهیز می کنند از گناهان کبیره و از بی حیایی‌ها و چون بخشم می آیند ایشان می آمرزند. ﴿۳۷﴾ و آنان که قبول کردند فرمان پروردگار خود را و برپا داشتند نماز را و کار ایشان از سر مشورت باشد با یکدیگر و از آنچه روزی دادیم ایشان را خرج می کنند. ﴿۳۸﴾ آنان که چون برسد بدیشان تعدی ایشان انتقام می کشند^(۱). ﴿۳۹﴾ و سزای بدی، بدی است مانند آن. پس هر که درگذرد و قضیه راه باصلاح آرد، پس مزد او بر خدا است، هرآینه خدا دوست نمی دارد ظالمان را. ﴿۴۰﴾ و هرآینه کسی که انتقام کشد بعد مظلوم شدن خود، پس آن جماعت نیست بر ایشان هیچ راه ملامت. ﴿۴۱﴾ جز این نیست که راه ملامت بر آن جماعت است که ظلم می کنند بر مردمان و فساد می طلبند در زمین، ناحق آن جماعت ایشان را است عذاب درد دهنده. ﴿۴۲﴾ و هر که صبر کند و بیامرزد هرآینه این صفت^(۲) از کارهای مقصود است. ﴿۴۳﴾ و هر که را گمراه کند خدا، پس نیست او را هیچ کارسازی بعد از وی و بینی که ستمکاران چون معاینه کنند عذاب را، گویند: آیا هست به سوی بازگشتن هیچ راهی؟. ﴿۴۴﴾

۱- مترجم گوید: یعنی اگر بر ضعیفی ظالم تعدی کند، بزرگان قبیله متفق شوند و انتقام کشند، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: مغفرت در حق خود عزیمت است و انتقام رخصت و در حق ضعیفای قوم، انتقام لازم است، مگر آن که ضعفا در گذارند، والله اعلم.

وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَشِيعِينَ مِنَ الدَّلِّ يَنْظُرُونَ
 مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ
 الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَلَا إِنَّ
 الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ ﴿٤٥﴾ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ
 أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ
 فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤٦﴾ اُسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ
 أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَأٍ
 يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ ﴿٤٧﴾ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا
 أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا
 إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَحَرَبًا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ
 سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ ﴿٤٨﴾
 لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ
 لِمَنْ يَشَاءُ إِنثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ ﴿٤٩﴾ أَوْ
 يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ
 عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾ وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا
 وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَآئِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ
 بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ ﴿٥١﴾

و بینی که ایشان را پیش آورده شود نزدیک دوزخ
 متواضع شده از خواری می‌نگرند به گوشه چشم و نیم
 گشاده و گفتند اهل ایمان: هر آینه زیانکاران آنانند که در
 زیان دادند خویشان را و خویشاوندان خود را روز قیامت.
 آگاه شو! هر آینه ستمکاران در عذاب دایم باشند. ﴿۴۵﴾
 و نباشد ایشان را کار سازان که نصرت دهند ایشان را بجز
 خدا و هر که را گمراه کند خدا نیست او را هیچ راهی.
 ﴿۴۶﴾ فرمان قبول کنید پروردگار خود را پیش از آنکه
 بیاید روزی که بازگشت نیست آن را از جانب خدا، نیست
 شما را هیچ پناهی آن روز و نیست برای شما هیچ
 بازخواست کننده. ﴿۴۷﴾ پس اگر روی بگردانند، پس
 نفرستادیم تو را بر ایشان نگهبان نیست بر تو مگر پیغام
 رسانیدن و هر آینه ما چون بچشانیم آدمی را از جانب خود
 رحمتی شادمان شود به آن و اگر برسد به آدمیان مصیبتی
 به سبب آنچه پیش فرستاده است دست ایشان، پس آدمی
 ناسپاس دارنده است. ﴿۴۸﴾ خدا را است پادشاهی
 آسمان‌ها و زمین. می‌آفریند هر چه خواهد عطا می‌کند
 دختران هر که را خواهد و عطا می‌کند پسران هر که را
 خواهد. ﴿۴۹﴾ یا جمع کند برای ایشان پسران و دختران و
 می‌سازد هر که را خواهد نازاینده. هر آینه او دانای
 تواناست. ﴿۵۰﴾ و ممکن نیست هیچ آدمی را که سخن
 گوید با او خدا، مگر به اشارت یا از پس پرده یا بفرستد
 فرشته را، پس نازل کند به حکم خدا آنچه خدا خواسته
 است. هر آینه خدا بلند مرتبه با حکمت است.^(۱) ﴿۵۱﴾

۱- مترجم گوید: اشارت، عبارت از دیدن خواب است و از القای علم در
 خاطر به طریق الهام و از پس پرده عبارت از آن است که آواز شنود و
 کسی را نبیند قسم ثالث آن است که فرشته به صورت آدمی متمثل
 شود و سخن گوید، والله اعلم.

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَٰكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٥٢﴾ صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ ﴿٥٣﴾

﴿٥٣﴾

سُورَةُ الزُّخْرُفِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمْ ﴿١﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٣﴾ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّ حَكِيمٍ ﴿٤﴾ أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَن كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ﴿٥﴾ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ ﴿٦﴾ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٧﴾ فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ ﴿٨﴾ وَلَٰئِن سَأَلْتَهُمْ مَّن خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٩﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُم فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠﴾

سوره زخرف

به نام خداوند بخشنده مهربان

حم. ﴿١﴾ قسم به کتاب واضح! ﴿٢﴾ که هرآینه ما ساختیم این کتاب را کلام عربی، بود که شما بفهمید. ﴿٣﴾ و هرآینه این کتاب ثبت است در لوح محفوظ نزدیک ما، هرآینه این کتاب بلند قدر با حکمت است^(۱). ﴿٤﴾ آیا باز داریم از شما پند را اعراض کرده، برای آنکه هستید گروهی از حد رفته. ﴿٥﴾ و بسیار فرستادیم پیغامبران را در پیشینان. ﴿٦﴾ و نمی آید به ایشان هیچ پیغامبری الا به او استهزاء می کردند. ﴿٧﴾ پس هلاک کردیم سخت تر از قریش را^(۲) به اعتبار دست درازی و مذکور شد داستان نخستیان. ﴿٨﴾ و اگر سؤال کنی از ایشان که چه کس بیافرید آسمان ها و زمین را؟ البته گویند: بیافرید آنها را خدای غالب دانا. ﴿٩﴾ وی آن است که ساخت برای شما زمین را بساطی و ساخت برای شما در زمین راه ها بود که شما راه یابید. ﴿١٠﴾

۱- مترجم گوید: قسم خوردن به چیزی برای اثبات همان چیز، یا لازم آن چیز کنایت است به آنکه آن چیز خود دلیل خود است، چنانکه گویند: «قسم به لب میگون تو و زلف شگون تو که تو معشوق دلربایی»، والله اعلم.

۲- یعنی عاد و ثمود که از قریش قوی تر بودند.

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيِّتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿١١﴾ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ﴿١٢﴾ لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَنَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿١٣﴾ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ﴿١٤﴾ وَجَعَلُوا لَهُ مِن عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ ﴿١٦﴾ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿١٧﴾ أَوْ مَن يُنَشِّئُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ﴿١٨﴾ وَجَعَلُوا أَلَمَلِيكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبْدُ الرَّحْمَنِ إِنِّئَا أَشْهَدُوا خَلَقَهُمْ سَتَكْتُبُ شَهَدَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ ﴿١٩﴾ وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَّا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْ عَاتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ﴿٢١﴾ بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّهْتَدُونَ

﴿٢٢﴾

و وی آن است که فرود آورد از آسمان آبی به اندازه پس زنده کردیم به آن شهر مرده را. همچنین برآورده خواهید شد^(۱). ﴿۱۱﴾ و وی آن است که بیافرید اقسام حیوانات تمام آن و ساخت برای شما کشتی ها و از چهارپایان چیزی را که بر آن سوار شوید. ﴿۱۲﴾ تا راست بنشینید بر پشت مرکوب. باز یاد کنید نعمت پروردگار خود را وقتی که راست نشستید بر آن و بگویید: پاکی خدای را که مسخر ساخت برای ما این مرکوب و هرگز نبودیم بر آن توانا. ﴿۱۳﴾ و هرآینه ما به سوی پروردگار خویش رجوع خواهیم کرد. ﴿۱۴﴾ و مقرر کردند برای خدا از بندگان او اولاد را، هرآینه آدمی ناسپاس ظاهر است. ﴿۱۵﴾ آیا فرا گرفت خدا از مخلوقات خود دختران را و برگزیده است شما را بر پسران؟ ﴿۱۶﴾ و چون خبر داده شود یکی از ایشان به تولد آنچه مثل ساخته برای خدا^(۲)، روی او سیاه گردد و او پر از غم باشد. ﴿۱۷﴾ آیا آن را که پرورده می شود در زیور و او در صفت خصومت ظاهر نمی گردد، برای خدا ثابت کرده اند؟ ﴿۱۸﴾ و دختر مقرر کردند فرشتگان را که بندگان خدایند. آیا حاضر بودند نزدیک آفرینش ایشان؟ نوشته خواهد شد این گواهی ایشان و پرسیده خواهند شد. ﴿۱۹﴾ و گفتند [کافران]: اگر خواستی خدای، پرستش نمی کردیم این فرشتگان را. نیست ایشان را به این مقدمه دانش. نیستند ایشان مگر دروغگوی. ﴿۲۰﴾ آیا داده ایم ایشان را کتابی پیش از قرآن، پس ایشان به آن کتاب چنگ زده اند. ﴿۲۱﴾ [نی! نی!] بلکه گفتند: هرآینه ما یافتیم پدران خود را بر دینی و هرآینه ما بر پی ایشان راه یافتگانیم. ﴿۲۲﴾

۱- یعنی از قبور.

۲- یعنی به تولد دختری، والله اعلم.

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا عِبَادَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ عَاقِبَتِهِمْ مُّقْتَدُونَ ﴿٢٣﴾ قُلْ أُولَٰؤِ حِثُّكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ عِبَادَكُمُ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٢٤﴾ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَنْظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٥﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿٢٦﴾ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿٢٧﴾ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾ بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءَ وَعَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿٢٩﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٠﴾ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ ﴿٣١﴾ أَهَمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا وَرَحْمَتِ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٣٢﴾ وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِّنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ ﴿٣٣﴾

و همچنین نفرستادیم پیش از تو در هیچ دیهی ترساننده را مگر گفتند منعمان آن ده: هر آینه ما یافتیم پدران خود را بر دینی و هر آینه ما بر پی ایشان متابعت کنندگانیم. ﴿۲۳﴾ گفت [پیغمبر]: آیا بر متابعت پدران مقرر می‌نماید اگر چه آورده‌ام به شما دینی که زیاده‌تر راه نماینده است از آنچه که بر آن یافتید پدران خود را، گفتند: هر آینه ما به آنچه فرستاده شد شما را همراه آن، نامعتقدیم. ﴿۲۴﴾ پس انتقام کشیدیم از ایشان، پس در نگر چگونه بود عاقبت دروغ‌دارندگان. ﴿۲۵﴾ و یاد کن چون گفت ابراهیم پدر خود را و قوم خود را: هر آینه من بی‌تعلقم از آنچه شما پرستش می‌کنید. ﴿۲۶﴾ الا آن کسی که بیافرید مرا، پس هر آینه او هدایت خواهد کرد مرا. ﴿۲۷﴾ و ساخت خدای تعالی کلمه توحید را سخنی باقی مانده در فرزندان او تا بود که کافران رجوع کنند^(۱). ﴿۲۸﴾ بلکه بهره‌مند ساختیم ایشان را و پدران ایشان را تا وقتی که آمد بدیشان دین راست و پیغمبر ظاهر. ﴿۲۹﴾ و آنگاه که آمد بدیشان دین راست گفتند: این جادو است و هر آینه ما بدان نامعتقدانیم. ﴿۳۰﴾ و گفتند: چرا نه فرو فرستاده شد این قرآن بر مردی بزرگ از اهل این دو ده؟!^(۲). ﴿۳۱﴾ آیا ایشان قسمت می‌کنند رحمت پروردگار تو را. ما قسمت کرده‌ایم در میان ایشان گذران ایشان را در زندگانی دنیا و بلند مرتبه ساختیم بعضی ایشان را بر بعضی تا سخره گیرد بعضی ایشان بعضی را^(۳) و رحمت پروردگار تو بهتر است از آنچه جمع می‌کنند. ﴿۳۲﴾ و اگر نه احتمال آن بود که می‌شدند مردمان همه یک گروه، البته می‌ساختیم برای کسی که نامعتقد است به خدا، برای خانه‌های ایشان سقف‌ها از نقره و نردبان‌ها نیز که بر آن بالا بر آیند. ﴿۳۳﴾

۱- یعنی انبیا و اولیا در اولاد حضرت ابراهیم، علیه السلام، پیدا شدند.

۲- یعنی یکی از متمولان مکه و طائف، والله اعلم.

۳- یعنی به چشم حقارت نگرد، والله اعلم.

وَلْيُؤْتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ ﴿٣١﴾ وَزُخْرَفًا
وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ
رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٣٢﴾ وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ
نُقِصْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ﴿٣٣﴾ وَإِنَّهُمْ
لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنََّّهُمْ مُّهْتَدُونَ
﴿٣٤﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ
الْمَشْرِقَيْنِ فَيَتَّخِذُ الْقَرِينَ ﴿٣٥﴾ وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ
إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْتُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٦﴾ أَفَأَنْتَ
تَسْمِعُ الْأَصَمَّ أَوْ تَهْدِي الْأَعْمَىٰ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ
مُبِينٍ ﴿٣٧﴾ فَإِنَّمَا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ ﴿٣٨﴾ أَوْ
نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُّقْتَدِرُونَ ﴿٣٩﴾
فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ ﴿٤٠﴾ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ
تُسْأَلُونَ ﴿٤١﴾ وَسَأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا
أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ ﴿٤٢﴾ وَلَقَدْ
أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي
رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٣﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ
مِنْهَا يَصْحَكُونَ ﴿٤٤﴾

و برای خانه‌های ایشان دروازه‌ها نیز از نقره و تخت‌ها که بر
آن تکیه زده بنشینند. ﴿۳۴﴾ و می‌ساختیم تجمل بسیار و
نیست همه این مگر اندک بهره‌مندی زندگانی دنیا و
آخرت نزدیک پروردگار تو متقیان راست. ﴿۳۵﴾ و هر
که غافل شود از یاد خدا، بر گماریم برای او شیطانی پس
آن شیطان او را همنشین بود. ﴿۳۶﴾ و هرآینه شیاطین
بازمی‌دارند آدمیان را از راه و آدمیان می‌پندارند که ایشان
راه یافتگانند. ﴿۳۷﴾ تا آن وقت که آدمی بیاید پیش ما،
گوید [با شیطان خود]: ای کاش در میان من و در میان تو
مسافت مشرق و مغرب بودی پس بد همنشینی تو. ﴿۳۸﴾
و [گوییم]: سود ندهد شما را امروز از بس که ستم
کرده‌اید آنکه شما در عذاب باهم شریک باشید. ﴿۳۹﴾
[یا محمد] آیا تو می‌توانی شنواید کرآن را یا راه می‌توانی
نمود کوران را و آن کس را که در گمراهی ظاهر است؟
﴿۴۰﴾ پس اگر از این عالم ببریم تو را، پس البته ما از این
جماعت انتقام کشندگانیم. ﴿۴۱﴾ یا این است که بنماییم
تو را آنچه وعده دادیم به ایشان، پس هرآینه ما بر ایشان
تواناییم. ﴿۴۲﴾ پس چنگ زن به آنچه وحی فرستاده شد
به سوی تو هرآینه تو بر راه راستی. ﴿۴۳﴾ و هرآینه قرآن
پند است تو را و قوم تو را و شما سؤال کرده خواهید شد.
﴿۴۴﴾ و بپرس احوال آنان که فرستاده بودیم پیش از تو از
پیغامبران خود. آیا ساخته بودیم بجز خدا معبودان دیگر که
پرستش کرده شود آنها را؟ ﴿۴۵﴾ و هرآینه فرستادیم
موسی را با نشانه‌های خود به سوی فرعون و اشراف قوم او،
پس گفت: هرآینه من پیغامبر پروردگار عالم‌هایم. ﴿۴۶﴾
پس آن هنگام که آمد بدیشان با نشانه‌های ما، ناگهان
ایشان از آن نشانه‌ها می‌خندیدند. ﴿۴۷﴾

وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا
وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤٨﴾
السَّاحِرُ أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا
لَمُهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ
يَنْكُثُونَ ﴿٥٠﴾ وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَبْقُومُ
أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي
أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٥١﴾ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ
مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ﴿٥٢﴾ فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ
مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَأِكَةُ مُقْتَرِنِينَ ﴿٥٣﴾
فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِيقِينَ
﴿٥٤﴾ فَلَمَّا ءَاسَفُونَا اُنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ
﴿٥٥﴾ فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ ﴿٥٦﴾ وَلَمَّا
ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُون ﴿٥٧﴾
وَقَالُوا ءَالِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا
بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿٥٨﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا
عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿٥٩﴾ وَلَوْ نَشَاءُ
لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ﴿٦٠﴾

و نمی نمودیم به ایشان هیچ نشانه‌ای مگر وی بزرگتر بود از
قرین خود و گرفتار کردیم ایشان را به عقوبت بود که
ایشان رجوع کنند. ﴿۴۸﴾ و گفتند: ای جادوگر دعا کن
برای ما به جناب پروردگار خود به آن اسماء که وحی
کرده است نزدیک تو هرآینه ما راه یافتگانیم^(۱). ﴿۴۹﴾
پس آن هنگام که دور کردیم از ایشان عقوبت را ناگهان
ایشان عهد می‌شکنند. ﴿۵۰﴾ و آواز داد فرعون در میان
قوم خود گفت: ای قوم من! آیا نیست به دست من
پادشاهی مصر و این جوی‌ها می‌رود زیر کوشک من آیا
نمی‌بینید؟ ﴿۵۱﴾ نی! بلکه من بهترم از این شخص که وی
خوار است و نزدیک نیست که سخن واضح گوید^(۲).
﴿۵۲﴾ پس چرا نفروید آورده شد بر این شخص دستوان‌ها
از زر یا چرا نیامد همراه او فرشتگان مجتمع شده؟ ﴿۵۳﴾
پس بی‌عقل کرد قوم خود را، پس قبول کردند فرمان او
را، هرآینه ایشان بودند گروه فاسق. ﴿۵۴﴾ پس آن هنگام
که به خشم آوردند ما را انتقام کشیدیم از ایشان، پس غرق
ساختیم همه ایشان را یکجا. ﴿۵۵﴾ پس ساختیم ایشان را
پیش رو و داستانی پسینان را. ﴿۵۶﴾ و آنگاه^(۳) که داستانی
زده شد به پسر مریم، ناگاه قوم تو از این داستانی به خوش
وقتی آواز بلند می‌کنند. ﴿۵۷﴾ و گفتند: آیا معبودان ما
بهرتراند یا عیسی؟ این حرف نزدند با تو مگر به مکابره، بلکه
ایشان قومی خصومت کننده‌اند. ﴿۵۸﴾ نیست عیسی مگر
بنده‌ای که انعام کرده‌ایم بر وی و ساختیم او را نشانه‌ای
برای بنی اسرائیل. ﴿۵۹﴾ و اگر می‌خواستیم، البته کردم
که بدل شما فرشتگان در زمین خلیفه شوند. ﴿۶۰﴾

۱- یعنی مسلمان شویم.

۲- یعنی در زبان حضرت موسی علیه السلام لکننت بود، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: بر این مسأله که هیچ کس غیر خدای تعالی معبود نیست،
مشرکان ایراد کردند که ترسایان عیسی را می‌پرستند و اگر وی نیز
معبود نبود ما را ضی شدیم که اله ما با عیسی باشند گمان کردند که
به حجت غالب آمدند. خدای تعالی کشف شبهه فرمود، والله اعلم.

وَأَنَّهُ لَعَلَّمُ لِّلْسَاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونْ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٢﴾ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿٦٣﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿٦٤﴾ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ ﴿٦٥﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٦﴾ الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾ يَعْبَادُ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٦٨﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٦٩﴾ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ﴿٧٠﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصَحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٧١﴾ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧٢﴾ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِّنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٣﴾

و هر آینه عیسی نشانه‌ای است قیامت را، پس شبهه نکنید در قیامت و [بگو: یا محمد] پیروی من کنید این است راه راست. ﴿۶۱﴾ و باز ندارد شما را شیطان، هر آینه او در حق شما دشمن ظاهر است. ﴿۶۲﴾ و آنگاه که آمد عیسی با معجزه‌ها گفت: آورده‌ام به شما حکمت را و آمده‌ام تا بیان کنم برای شما بعضی آنچه اختلاف می‌کنید در آن. پس بترسید از خدا و فرمان من برید. ﴿۶۳﴾ هر آینه خدا پروردگار من و پروردگار شما است پس پرستید او را این است راه راست. ﴿۶۴﴾ پس اختلاف کردند جماعت‌ها در میان خویش، پس وی آنان را که ستم کردند از عقوبت روز درد دهنده. ﴿۶۵﴾ آیا انتظار نمی‌کنند مگر قیامت را که بیاید بدیشان ناگهان و ایشان خبردار نباشند. ﴿۶۶﴾ دوستان آن روز بعضی ایشان با بعضی دشمن باشند مگر پرهیزگاران گفته شود. ﴿۶۷﴾ گفته شود: ای بندگان من! نیست هیچ ترس بر شما امروز و نه شما اندوهگین شوید. ﴿۶۸﴾ آن بندگان من که ایمان آوردند به آیت‌های ما و مسلمان بودند. ﴿۶۹﴾ گفته شود: درآید به بهشت شما و زنان شما خوشحال ساخته. ﴿۷۰﴾ گردانیده شود بر ایشان کاسه‌های پهن‌دار از زر و کوزه‌ها نیز و در بهشت باشد آنچه خواهش کند نفس و لذت گیرد از دیدن او چشم‌ها و شما اینجا جاویدان باشید. ﴿۷۱﴾ و این، آن بهشت است که عطا کرده شد شما را به سبب آنچه عمل می‌کردید. ﴿۷۲﴾ شما راست اینجا میوه بسیار که از آن می‌خورید.

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿٧٥﴾ لَا يُفْتَرُونَ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ﴿٧٦﴾ وَنَادَوْا يَمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَكِثُونَ ﴿٧٧﴾ لَقَدْ جِئْتَكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٧٨﴾ أَمْ أُبْرِمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ﴿٧٩﴾ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتَئِبُونَ ﴿٨٠﴾ قُلْ إِن كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَبِيدِينَ ﴿٨١﴾ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٨٢﴾ فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿٨٣﴾ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٨٤﴾ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٥﴾ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ فَاِنَّ يُؤْفَكُونَ ﴿٨٧﴾ وَقِيلَ لَهُ يَرْبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلِّمْ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾

هرآینه گناهکاران در عذاب دوزخ جاویدانند. ﴿٧٤﴾ سست کرده نشود از ایشان عقوبت و ایشان در آن عذاب ناامید شده خاموش باشند. ﴿٧٥﴾ و ستم نکردیم بر ایشان و لیکن ایشان بودند ستمکاران. ﴿٧٦﴾ و آواز دهند که ای مالک! باید که به مرگ حکم کند بر ما پروردگار تو. مالک گوید: هرآینه شما همیشه باشندگانید. ﴿٧٧﴾ هرآینه آوردیم به شما سخن راست را و لیکن اکثر شما سخن راست را ناخواهانید. ﴿٧٨﴾ آیا عزم مصمم کرده‌اند بر کاری؟ پس هرآینه ما نیز عزم مصمم کنندگانیم. ﴿٧٩﴾ آیا می‌پندارند که ما نمی‌شنویم سخن پنهان ایشان را و سرگوشی ایشان را؟ آری! می‌شنویم و فرستادگان ما نزدیک ایشان می‌نویسند. ﴿٨٠﴾ بگو: اگر به فرض باشد خدا را فرزندی پس من نخستین عبادت کنندگان باشم. ﴿٨١﴾ پاک است پروردگار آسمان‌ها و زمین. خداوند عرش از آنچه بیان می‌کنند. ﴿٨٢﴾ پس بگذار ایشان را تا در باطل بحث کنند و بازی پیش گیرند تا آنکه ملاقات کنند به آن روز خود که وعده داده می‌شود ایشان را. ﴿٨٣﴾ و اوست آن که در آسمان فرمان رواست و در زمین فرمانروا و اوست با حکمت دانا. ﴿٨٤﴾ و بسیار با برکت است آن که او راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان هر دو است و نزدیک اوست علم قیامت و به سوی او رجوع کرده شوید. ﴿٨٥﴾ و نمی‌توانند آنان که کفار پرستش می‌کنند بجز خدا، شفاعت کردن لیکن کسی که گواهی راست داده باشند و ایشان می‌دانند^(۱). ﴿٨٦﴾ و اگر سؤال کنی از ایشان که کدام کس بیافرید ایشان را، البته گویند: خدا آفریده است. پس از کجا برگردانیده می‌شوند؟ ﴿٨٧﴾ و بسا دعا پیغامبر که: ای پروردگار من! هرآینه ایشان گروهی هستند که ایمان نمی‌آرند. ﴿٨٨﴾ فرمودیم اعراض کن از ایشان و بگو: سلام وداع! پس خواهند دانست. ﴿٨٩﴾

۱- یعنی اهل توحید را شفاعت کنند.

سُورَةُ الدُّخَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمْ ۱ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ۲ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ ۳ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ۴ أَمْرًا مِّنْ عِندِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ۵ رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۶ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۷ إِن كُنْتُمْ مُّوقِنِينَ ۸ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ۹ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ۱۰ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ۱۱ يَغْشى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱۲ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ۱۳ أَتَى لَهُمُ الدِّكْرَى ۱۴ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ ۱۵ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ ۱۶ إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا ۱۷ إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ۱۸ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى ۱۹ إِنَّا مُنْتَقِمُونَ ۲۰ وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ۲۱ أَنْ أَدَّوْا إِلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ ۲۲ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۲۳

سوره دخان

به نام خداوند بخشنده مهربان

حم. ۱ قسم به کتاب واضح. ۲ که هرآینه ما فرود آوردیم این کتاب را در شب مبارک^(۱)، هرآینه ما بودیم ترساننده. ۳ در آن شب مبارک فیصل کرده می شود هر کار استوار را. ۴ فرود آوردیم آن را به وحی کردن از نزدیک خویش، هرآینه ما بودیم فرستنده^(۲). ۵ فرود آوردیم آن را به سبب بخشایش از نزدیک پروردگار تو هرآینه اوست شنوای دانا. ۶ پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان این هر دو است، اگر یقین کننده اید. ۷ نیست هیچ معبود مگر او زنده می کند و می میراند. پروردگار شما است و پروردگار پدران پیشین شما. ۸ بلکه کافران در شبهه اند، بازی می کنند. ۹ پس منتظر باش روزی را که بیارد آسمان دودی ظاهر. ۱۰ که فروگیرد مردمان را این عذاب درد دهنده است. ۱۱ گویند: ای پروردگار ما! دور کن از ما عذاب هرآینه ما مسلمان می شویم. ۱۲ چگونه بود ایشان را پند گرفتن؟ و به تحقیق آمده بود بدیشان پیغامبر ظاهر. ۱۳ باز روی گردانیدند از دو گفتند: این شخص آموخته شده است دیوانه است. ۱۴ هرآینه ما دور کننده عذابیم اندکی، هرآینه شما عود کننده اید در کفر. ۱۵ روزی که در گرفت کنیم آن را در گرفت کردن بزرگ هرآینه ما انتقام کشنده ایم. ۱۶ و هرآینه ما امتحان کردیم پیش ایشان قوم فرعون را و آمد بدیشان پیغامبری گرامی قدر. ۱۷ به این سخن که تسلیم کنید به من بندگان خدا را^(۳)، هرآینه من برای شما پیغامبر با امانتم. ۱۸

۱- یعنی لیلۃ القدر.

۲- یعنی بر پیغامبر فرود آوردیم آن را.

۳- مترجم گوید: این وعده متحقق شود. خدای تعالی در قریش قحط انداخت تا آنکه از شدت جوع یا از کثرت بخار جو چون دودی مصسوس می شد و ایشان به خدای تعالی رجوع کردند. خدای تعالی قحط را دور فرمود. باز بر گفر اصرار کردند. خدای تعالی روز بدر از ایشان انتقام کشید که هفتاد کس را از رؤسای ایشان کشت و هفتاد کس را اسیر ساخت، والله اعلم.

وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ
 ﴿١٩﴾ وَإِنِّي عِدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ ﴿٢٠﴾ وَإِنْ
 لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَأَعْتَزِلُونِ ﴿٢١﴾ فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هَؤُلَاءِ
 قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ ﴿٢٢﴾ فَأَسْرِبَعَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ
 ﴿٢٣﴾ وَأَتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّعْرِفُونَ ﴿٢٤﴾ كَمْ
 تَرَكُوا مِنْ جَنَّتٍ وَعُيُونٍ ﴿٢٥﴾ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ
 ﴿٢٦﴾ وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَلَکِهِنَّ ﴿٢٧﴾ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا
 قَوْمًا ءَاخِرِينَ ﴿٢٨﴾ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ
 وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي
 إِسْرَءِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿٣٠﴾ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ
 كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ وَلَقَدْ أَخْتَرْنَاهُمْ عَلَى
 عِلْمٍ عَلَى الْعَلَمِينَ ﴿٣٢﴾ وَءَاتَيْنَاهُمْ مِّنَ الْأَيَّاتِ مَا فِيهِ
 بَلَاغٌ مُّبِينٌ ﴿٣٣﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ﴿٣٤﴾ إِنْ هِيَ إِلَّا
 مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ ﴿٣٥﴾ فَاتُوا بِآبَائِنَا
 إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٦﴾ أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ
 مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُّجْرِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَمَا
 خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعِبَادٍ ﴿٣٨﴾ مَا
 خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

﴿٣٩﴾

و سرکشی مکنید بر خدا. هرآینه من بیارم پیش شما
 حجت ظاهر را. ﴿۱۹﴾ و هرآینه من پناه گرفتم به
 پروردگار خود و پروردگار شما از آنکه سنگسار کنید مرا.
 ﴿۲۰﴾ و اگر باور ندارید مرا، پس یکسو شوید از من.
 ﴿۲۱﴾ پس دعا کرد به جناب پروردگار خود که این
 جماعت قوم گناهکارانند. ﴿۲۲﴾ پس گفتیم: ببر بندگان
 مرا وقت شب، هرآینه شما را تعاقب کرده شود. ﴿۲۳﴾ و
 بگذار دریا را آرمیده، هرآینه آن جماعت لشکری هست
 غرق شده. ﴿۲۴﴾ بسیار گذاشتند از بوستانها و چشمهها.
 ﴿۲۵﴾ و کشتها و محل گرامی. ﴿۲۶﴾ و گذران با
 رفاهیت که در آن محظوظ بودند. ﴿۲۷﴾ همچنین شد و
 عطا کردیم این چیزها گروهی دیگر را. ﴿۲۸﴾ پس
 نگرست بر قوم فرعون آسمان و زمین و نشدند مهلت داده
 شده. ﴿۲۹﴾ و هرآینه ما خلاص کردیم بنی اسرائیل را از
 عذاب خوارکننده. ﴿۳۰﴾ که از جانب فرعون بود،
 هرآینه فرعون بود سرکشی از تعدی کنندگان. ﴿۳۱﴾ و
 هرآینه برگزیدیم بنی اسرائیل را دانسته بر عالمها. ﴿۳۲﴾
 و دادیم ایشان را از قسم معجزات آنچه در آن امتحان ظاهر
 بود. ﴿۳۳﴾ هرآینه آن جماعت می گویند: ﴿۳۴﴾ که
 نیست عاقبت کار مگر همین موت نخستین و نیستیم
 برانگیخته شده. ﴿۳۵﴾ پس بیارید پدران ما را اگر هستید
 راستگو. ﴿۳۶﴾ آیا این جماعت بهتراند یا قوم «تُبَّع» و
 آنان که پیش از ایشان بودند؟ هلاک ساختیم آنها را،
 هرآینه آنها گناهکاران بودند. ﴿۳۷﴾ و نیافریدیم
 آسمانها و زمین را و آنچه میان هر دو است بازی کنان.
 ﴿۳۸﴾ نیافریدم این هر دو را مگر به تدبیر درست و لیکن
 اکثر ایشان نمی دانند. ﴿۳۹﴾

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٠﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٤٢﴾ إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ ﴿٤٣﴾ طَعَامُ الْأَثِيمِ ﴿٤٤﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿٤٥﴾ كَغَلْيِ الْحَمِيمِ ﴿٤٦﴾ خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ﴿٤٨﴾ ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿٤٩﴾ إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّ الْمَتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ﴿٥١﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٢﴾ يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٥٣﴾ كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ﴿٥٤﴾ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَلَكَهَةٍ ءَامِنِينَ ﴿٥٥﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَّعْنَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٥٦﴾ فَضَلَا مِنْ رَبِّكَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٥٧﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾ فَأَرْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ ﴿٥٩﴾

هرآینه روز قیامت میعاد ایشان است، همه یکجا. ﴿۴۰﴾ روزی که دفع نکند هیچ دوستی از دوست دیگر چیز و نه ایشان را نصرت داده شود. ﴿۴۱﴾ مگر آنکه رحم کرد بر او خدا هرآینه خدا غالب مهربان است. ﴿۴۲﴾ هرآینه درخت زقوم. ﴿۴۳﴾ طعام گناهکار است. ﴿۴۴﴾ مثل مس گداخته شده بجوشد در شکم‌ها. ﴿۴۵﴾ مانند جوشیدن آب گرم گویم‌ای. ﴿۴۶﴾ [گویم‌ای فرشتگان]: بگیرید این گناهکار را، پس به سختی بکشیدش به سوی میان دوزخ. ﴿۴۷﴾ بار بریزید بالایی سر او از آب گرم که عقوبت است. ﴿۴۸﴾ گویم: بچش هرآینه تویی به زعم خود بزرگوار گرامی قدر. ﴿۴۹﴾ هرآینه این است آنچه در آن شبهه می‌کردید. ﴿۵۰﴾ هرآینه متقیان در جایگاه با امن باشند. ﴿۵۱﴾ در بوستان‌ها و چشمه‌ها. ﴿۵۲﴾ بپوشند از حریر نازک و حریر لک رو به روی یکدیگر شده. ﴿۵۳﴾ اینچنین باشد حال و کدخدا کنیم ایشان را با حور گشاده چشم. ﴿۵۴﴾ بطلبند آنجا هر میوه ایمن شده. ﴿۵۵﴾ نچشند آنجا مرگ، لیکن چشده بودند مرگ نخستین را و نگاهداشت ایشان را خدای از عذاب دوزخ. ﴿۵۶﴾ به سبب بخشایش از جانب پروردگار تو، این است فیروزی بزرگ. ﴿۵۷﴾ جز این نیست که آسان ساختیم قرآن را به زبان تو تا بود که ایشان پندپذیر شوند. ﴿۵۸﴾ پس منتظر باش، هرآینه ایشان نیز منتظرانند.

﴿۵۹﴾

سُورَةُ الْجَاثِيَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمْ ۱ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۲
 إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ ۳ وَفِي
 خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ ءَايَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۴
 وَأُخْتَلِفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ
 السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
 وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ ءَايَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۵ تِلْكَ
 ءَايَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ
 اللَّهِ وَءَايَاتِهِ يُؤْمِنُونَ ۶ وَيُلْ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ۷
 يَسْمَعُ ءَايَاتِ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا
 كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۸ وَإِذَا عَلِمَ
 مِنْ ءَايَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ
 مُّهِينٌ ۹ مِّنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا
 كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ ۱۰
 وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۱۱ هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّنْ رَّجْزٍ أَلِيمٍ ۱۲ اللَّهُ
 الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ
 بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۱۳
 وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا
 مِنْهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۱۴

سوره جاثیه

به نام خداوند بخشنده مهربان

حم ۱ ﴿۱﴾ فروفرستادن این کتاب از جانب خدای غالب
 با حکمت است. ﴿۲﴾ هر آینه در آسمان‌ها و زمین نشانه‌ها
 است باوردارندگان را. ﴿۳﴾ و در آفرینش شما و در
 آفرینش آنچه پراکنده می‌سازد از جانوران، نشانه‌ها است
 قومی را که یقین می‌کنند. ﴿۴﴾ در آمد و شد شب و روز و
 در آنکه فرود آورد خدا از آسمان روزی را، پس زنده
 کرد به سبب باران زمین را بعد مرده بودن آن و در
 گردانیدن باده‌ها نشانه‌ها است قومی را که درمی‌یابند. ﴿۵﴾
 این نشانه‌های خدا است، می‌خوانیم آن را بر تو به راستی.
 پس به کدام سخن بعد پند خدا و آیت‌های او ایمان
 آرند؟! ﴿۶﴾ وای هر دروغگوی گناهکار را. ﴿۷﴾
 می‌شنود آیات خدا را که خوانده می‌شود بر وی، باز لازم
 می‌گیرد کفر تکبر کرده. گویا نشنیده است آن را، پس
 مژده ده او را به عذاب درد دهنده. ﴿۸﴾ و چون واقف شد
 بر چیزی از آیات ما تمسخر گیرد آن را آن جماعت ایشان
 را است عذاب خوار کننده. ﴿۹﴾ آن طرف ایشان دوزخ
 است و دفع نکند از ایشان آنچه کسب کردند چیزی را و
 دفع نکند نیز آنکه دوستان گرفته‌اند بجز خدا و ایشان
 راست عذاب بزرگ. ﴿۱۰﴾ این قرآن هدایت است و
 آنان که کافر شدند به آیات پروردگار خویش ایشان راست
 عذاب درد دهنده از جنس عقوبت سخت. ﴿۱۱﴾ خدای
 آن است که مسخر کرد برای شما دریا را تا روان شوند
 کشتی‌ها در آن به فرمان او و تا طلب معیشت کنید از فضل
 او و بود که شما شکرگزاری کنید. ﴿۱۲﴾ و مسخر کرد
 برای شما آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است،
 همه یکجا پدید آورده از جانب خود. هر آینه در این
 مقدمه نشانه‌ها است گروهی را که تفکر می‌کنند. ﴿۱۳﴾

قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿١٥﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾ وَعَآتَيْنَاهُم بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ ۖ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٧﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُمْ لَن يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۖ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩﴾ هَذَا بَصَرِي لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ أَجْرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَن نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً فَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٢١﴾ وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٢﴾

بگو مسلمانان را که: در گذر کنند از آن جماعت که توقع روزهای خدا ندارند^(۱) تا سزا دهد خدا گروهی را از ایشان به حسب آنچه می کردند. ﴿۱۴﴾ هر که بکند کار شایسته، پس نفع او راست و هر که بد کاری کند پس وبال برو است باز به سوی پروردگار خویش رجوع کرده خواهد شد. ﴿۱۵﴾ و هر آینه دادیم بنی اسرائیل را کتاب و دانشمندی و پیغامبری و روزی دادیم ایشان را از نعمتهای پاکیزه و فضیلت دادیم ایشان را بر عالمها. ﴿۱۶﴾ و دادیم ایشان را نشانه‌ها واضح در باب دین، پس اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه آمد بدیشان دانش از روی تعدی با یکدیگر، هر آینه پروردگار تو فیصل کند میان ایشان روز قیامت در آنچه اختلاف می کردند در آن. ﴿۱۷﴾ باز ساختیم تو را بر راه ظاهر از دین، پس پیروی کن آن را و پیروی مکن خواهش آنان که نمی دانند. ﴿۱۸﴾ هر آینه ایشان دفع نخواهند کرد از تو چیزی از عقوبت خدا و هر آینه ستمکاران بعضی ایشان کارسازان بعضی اند و خدا کارساز متقیان است. ﴿۱۹﴾ این قرآن، دلیل‌ها که واضح است مردمان را و هدایت است و بخشایش گروهی را که یقین می کنند. ﴿۲۰﴾ آیا پنداشتند آنان که کردند جرم‌ها که بکنیم ایشان را مانند آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، یکسان باشند زندگانی ایشان و مردن ایشان بد حکم ایشان است این حکم. ﴿۲۱﴾ و آفرید خدا آسمان‌ها و زمین به تدبیر درست و تا عاقبت کار جزا داده شود هر شخصی به حسب آنچه عمل کرده است و بر ایشان ستم کرده نشود. ﴿۲۲﴾

۱- یعنی معتقد نیستند که حوادث جزای اعمال ایشان باشد.

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى
 عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ
 غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٣﴾
 وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا
 يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ
 إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٢٤﴾ وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا
 كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتُّتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ
 صَادِقِينَ ﴿٢٥﴾ قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ
 يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ
 أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُحْسِرُ الْمُبْطِلُونَ
 ﴿٢٧﴾ وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا
 الْيَوْمَ تُحْزَرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾ هَذَا كِتَابُنَا
 يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ
 تَعْمَلُونَ ﴿٢٩﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ
 ﴿٣٠﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ ءَايَتِي تُتْلَى
 عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُجْرِمِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذَا
 قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ
 مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ
 بِمُسْتَتِقِينَ ﴿٣٢﴾

آیا دیدی کسی را که معبود خود گرفته است خواهش
 نفس خود را و گمراه کرد او را خدا با وجود دانش و مهر،
 بنهاد بر گوش او و دل او و پیدا کرد بر چشم او پرده؟! پس
 کیست که راه نماید او را بعد خدا آیا پند نمی گیرید؟
 ﴿۲۳﴾ و گفتند: نیست زندگانی مگر همین زندگانی این
 جهانی ما، می میریم و زنده می شویم و هلاک نمی کند ما
 را مگر زمانه! و نیست ایشان را به این مقدمه هیچ دانش
 نیستند ایشان مگر گمان کننده. ﴿۲۴﴾ و چون خوانده شود
 بر ایشان آیت های ما واضح آمده نبود شبهه ایشان مگر
 آنکه گویند: بیارید پدران ما را اگر هستید راستگویان؟
 ﴿۲۵﴾ بگو: خدا زنده می کند شما را باز می میراند شما را
 باز جمع کند شما را بر روز قیامت، هیچ شبهه نیست در آن
 و لیکن اکثر مردمان نمی دانند. ﴿۲۶﴾ و خدای راست
 پادشاهی آسمان ها و زمین و روزی که قیام شود قیامت،
 آن روز زیانکار شوند تباه کاران. ﴿۲۷﴾ و بینی هر
 گروهی را به زانو درآمده. هر گروهی را خوانده شود به
 سوی نامه اعمال او. گوئیم: امروز جزا داده شود شما را به
 حسب آنچه می کردید. ﴿۲۸﴾ گوئیم: این نامه ماست که
 اظهار حقیقت می کند بر شما به راستی، هرآینه ما
 می نوشتیم آنچه شما عمل می کردید. ﴿۲۹﴾ پس اما
 آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند پس درآرد
 ایشان را پروردگار ایشان در رحمت خود این است
 فیروزی ظاهر. ﴿۳۰﴾ و اما آنان که کافر شدند، [ایشان را
 گوئیم]: آیا خوانده نمی شد بر شما آیات من، پس تکبر
 کردید و قوم گناهکاران بودید؟! ﴿۳۱﴾ و چون گفته
 می شد که وعده خدا راست است و قیامت هیچ شبهه نیست
 در آن گفتید: نمی دانیم چیست قیامت! تصور نمی کنیم آن
 را مگر به احتمال ضعیف و نیستیم ما یقین کننده. ﴿۳۲﴾

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٣٣﴾ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسِفُكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ ﴿٣٤﴾ ذَالِكُمْ بِأَنكُمُ اتَّخَذْتُمْ ءَايَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٣٥﴾ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٦﴾ وَلَهُ الْكِبَرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣٧﴾

و ظاهر شد ایشان را عقوبت‌ها و آنچه به آن عمل کرده بودند و فروگرفت ایشان را آنچه به آن استهزا می کردند. ﴿۳۳﴾ و گفته شود: امروز فراموش کنیم شما را چنانکه فراموش کردید ملاقات این روز خود را و جای شما دوزخ است و نیست شما را هیچ نصرت دهنده. ﴿۳۴﴾ این عذاب به سبب آن است که شما به تمسخر گرفتید آیات خدا را و فریفته کرد شما را زندگانی دنیا، پس امروز بیرون کرده نشوند از دوزخ و نه از ایشان رضامند ساختن خدا طلب کرده شود. ﴿۳۵﴾ پس خدای راست ستایش، پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین پروردگار عالم‌ها. ﴿۳۶﴾ و او راست بزرگی در آسمان‌ها و زمین و اوست غالب با حکمت. ﴿۳۷﴾

سُورَةُ الْأَحْقَافِ

سوره احقاف

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم. ﴿۱﴾ فروفرستادن کتاب از جانب خدای غالب با حکمت است. ﴿۲﴾ نیافریدیم آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان هر دو است مگر به تدبیر درست و به میعادى معین و آنان که کافر شدند از آنچه ترسانیده شد ایشان را روی گردانند. ﴿۳﴾ بگو: آیا دیدید آنچه می‌پرستید بجز خدای؟ بنمایید مرا چه چیز آفریده‌اند از زمین یا ایشان راست شرکتی در آسمان‌ها؟ بیارید به من کتابی که آمده باشد پیش از این یا بقیه از علم اگر هستید راستگوی. ﴿۴﴾ و کیست گمراه‌تر از کسی که بخواند بجز خدا چیزی را که قبول نکند خواندنش تا روز قیامت؟ و این معبودان باطل از خواندن ایشان غافل‌اند. ﴿۵﴾

حَمْ ۱ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۲ مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُّعْرِضُونَ ۳ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ اتُّتُونِي بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۴ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ ۵

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ
كَفَرِينَ ﴿٦﴾ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ
الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ
﴿٧﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ
لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَى
بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٨﴾
قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرَى مَا يُفْعَلُ بِي
وَلَا بِكُمْ إِنِ أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ
مُّبِينٌ ﴿٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ
بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ
فَأَمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الظَّالِمِينَ ﴿١٠﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ
كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ
فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ ﴿١١﴾ وَمَنْ قَبْلِهِ كَتَبُ
مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا
عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ ﴿١٢﴾
إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفَ
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٣﴾ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ
خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾

و چون جمع کرده شوند مردمان، باشند این معبودان ایشان
را دشمن و باشند عبادت ایشان را منکر. ﴿٦﴾ و چون
خوانده شود بر ایشان آیات ما واضح آمده، گویند این
کافران سخن درست را چون بیاید بدیشان: این سحر ظاهر
است. ﴿٧﴾ بلکه می‌گویند: بر بسته است آن را پیغامبر.
بگو: اگر بسته‌ام آن را، پس نمی‌توانید شما برای من از خدا
چیزی خدا دانایتر است به گفتگوی شما در قرآن. بس
است خدا اظهار حق کننده در میان من و در میان شما و
اوست آمرزگار مهربان. ﴿٨﴾ بگو: نیستم من نو آمده از
پیغامبران و نمی‌دانم چه کرده خواهد شد با من و نه به شما
(یعنی در دنیا). پیروی نمی‌کنم الا به آنچه وحی فرستاده
می‌شود به سوی من و نیستم من مگر ترساننده آشکارا.
﴿٩﴾ بگو: آیا دیدید اگر باشد قرآن از نزدیک خدا و
منکر شوید به آن و گواهی داده باشد گواهی از بنی
اسرائیل بر قرآن، پس وی ایمان آورد و سرکشی کردید
شما، البته ستمکار باشید. هر آینه خدا راه نمی‌نماید گروه
ستمکاران را. ﴿١٠﴾ و گفتند کافران در حق مسلمانان:
اگر دین بهتر بودی سبقت نکردندی بر ما به سوی آن و
چون راه نیافتند به آن خواهند گفت: این دروغی است
قدیم. ﴿١١﴾ و پیش از قرآن کتاب موسی بود پیشوا و
بخشایش، و این کتابی است باور دارنده زبان عربی آمده
برای آنکه بترساند ستمکاران را و برای مژده نیکوکاران را.
﴿١٢﴾ هر آینه آنان که گفتند پروردگار ما خدا است، باز
قایم ماندند پس هیچ ترس نیست بر ایشان و نه ایشان اندوه
خورند. ﴿١٣﴾ این جماعت، اهل بهشت‌اند جاویدان آنجا.
پاداش داده شوند به حسب آنچه می‌کردند. ﴿١٤﴾

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا
وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفَصَّلُوهٗ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ
إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي
أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ
أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ
إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ
عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا نَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي
أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَ الصَّادِقُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ
﴿١٦﴾ وَالَّذِي قَالَ لِيَوْلَدَيْهِ أَلِفٍ لَّكُمْ أَتَعِدَانِي أَنْ أَخْرَجَ
وَقَدْ خَلَّتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَعْجِلَانِ اللَّهَ
وَيَلِكَ ءَامِنٌ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا
أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٧﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ
الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِم مِّنَ الْخَلْقِ
وَالْإِنسِ إِنَّمَا كَانُوا هَدَّيْنِ ﴿١٨﴾ وَلِكُلِّ دَرَجَتٌ مِّمَّا
عَمِلُوا وَلِيُوقَفِيَهُمْ أَعْمَالُهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٩﴾ وَيَوْمَ
يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ
فِي حَيَاتِكُمْ الدُّنْيَا وَأَسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ
عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ
الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ ﴿٢٠﴾

و امر کردیم آدمی را در حق پدر و مادر او نیکوکاری در
شکم برداشته است او را مادر او به دشواری و زاده است او
را به دشواری و لا اقل مدّت بار گرفتن او و از شیر باز
کردن او سی ماه است و زنده ماند تا وقتی که رسید به
کمال قوّت خود و رسید بچهل سال، گفت: ای پروردگار
من! الهام کن مرا تا شکر گویم در مقابله نعمت تو که انعام
کرده بر من و بر پدر و مادر من و کار نیک کنم که

خوشنود شوی از آن و صلاح پیدا کن برای من در
فرزندان من، هرآینه رجوع کردم به سوی تو و هرآینه من
از مسلمانانم. ﴿۱۵﴾ آن جماعت، آناند که قبول می کنیم
از ایشان نیکوترین آنچه عمل کردند و درگذریم از
جرم های ایشان در اهل بهشت باشند به وفق وعده راستی
که وعده داده می شدند. ﴿۱۶﴾ و آن شخص که گفت به
پدر و مادر خود: دل تنگ شدم به نسبت شما آیا وعده
می دهید مرا که برآورده شوم؟^(۱) و هرآینه گذشته اند
طبقه های مردم پیش از من^(۲) و آن دو فریاد می کنند به
جناب خدا، می گویند: وای بر تو! مسلمان شو هرآینه
وعده خدا راست است. پس گوید: نیست این وعده مگر
افسانه های پیشینیان. ﴿۱۷﴾ آن جماعت، آناند ثابت شد
بر ایشان وعده عذاب از جمله امت ها که گذشته اند پیش از
ایشان از جنیان و آدمیان، هرآینه ایشان بودند زیانکار.
﴿۱۸﴾ و هر یکی را مرتبه ها است به حسب آنچه عمل
کردند و تا به تمام دهد خدا ایشان را جزای اعمال ایشان و
ایشان ستم کرده نشوند. ﴿۱۹﴾ و روزی که پیش آورده
شوند کافران بر آتش [گفته شود]: آیا ضایع کردید
نعمت های خود را در زندگانی دنیائی خویش و بهره مند
شدید به آن؟ پس امروز جزا داده شود شما را عذاب
خواری به سبب آنکه تکبر می کردید در زمین ناحق و به
سبب آنکه بدکاری می کردید^(۳). ﴿۲۰﴾

۱- یعنی از قبر.

۲- یعنی هیچ کس از ایشان باز زنده نشد، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: این تصویر است حال سعید و شقی را، پس سعید، حق
خدای تعالی و حق ابوبن به جا می آورد و به انواع نعم محظوظ
می شود، در جمیع امور به حق تعالی رجوع می کند و شقی، جمع
می کند میان کفر و به حقوق والدین و انکار معاد و صورت سعید،
منطبق است بر حضرت ابوبکر صدیق و غیر ایشان نیز، والله اعلم.

﴿وَأَذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَّتِ النَّذُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾^(۲۱)
 قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَأْفِكَنَّ عَنْ إِلَهِنَا فَأَتَيْنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿۲۲﴾ قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرِيتُكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ﴿۲۳﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۲۴﴾ تَدْمِرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَكِنُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿۲۵﴾ وَلَقَدْ مَكَنَّا لَهُمْ فِي مِمَّا إِنْ مَكَنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَرُهُمْ وَلَا أَفْعِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۲۶﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَى وَصَرَفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۲۷﴾ فَلَوْلَا نَصْرُهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۲۸﴾

و یاد کن برادری قوم عاد را چون بترسانید قوم خود را به سرزمین احقاف و هرآینه گذشته بودند ترسانندگان پیش روی وی^(۱) و پس از وی [به این مضمون که]: عبادت مکنید مگر خدای را، هرآینه من می ترسم بر شما از عقوبت روز بزرگ. ﴿۲۱﴾ گفتند: آیا آمده ای پیش ما تا بازدارى ما را از پرستش معبودان خود؟! پس بیار آنچه وعده می دهی ما را اگر از راستگویان. ﴿۲۲﴾ گفت: جز این نیست که علم نزدیک خدا است و می رسانم به شما آنچه فرستاده شدم همراه او و لیکن می بینم که شما گروهی هستید که نادانی می کنید. ﴿۲۳﴾ پس چون دیدند آن عقوبت را به صورت ابری روی آورده به میدان های ایشان، گفتند: این ابری است باراننده بر ما بلکه به حقیقت آن چیزی است که شتاب طلبید کردید آن را. بادی است که در وی عقوبت درد دهنده است. ﴿۲۴﴾ برهم زند هر چیزی را به فرمان پروردگار خویش. پس گشتند به این صفت که دیده نمی شد به جز خانه های ایشان همچنین جزا می دهیم گروه گناهکاران را. ﴿۲۵﴾ و هرآینه جای داده بودیم قوم عاد را در آنچه جای داده ایم شما را در آن و ساخته بودیم برای قوم عاد گوش و چشم ها و دل ها، پس دفع نکرد از ایشان گوش ایشان و نه چشم های ایشان و نه دل های ایشان چیزی را از بس که انکار می کردند به نشانه های خدا و فرا گرفت به ایشان آنچه به آن استهزا می کردند. ﴿۲۶﴾ و هرآینه هلاک کردیم آنچه حوالی شما است از دیه ها و گوناگون پدید آوردیم نشانه ها، بود که ایشان باز گردند. ﴿۲۷﴾ پس چرا نصرت ندادند ایشان را آنان که معبود می گرفتند بجز خدا قرب خدا جویان؟! بلکه گم شدند از نظر ایشان! و همین است دروغ ایشان و آنچه بر می یافتند. ﴿۲۸﴾

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ
فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى
قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿٢٩﴾ قَالُوا يَقَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا
أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي
إِلَى الْخَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٣٠﴾ يَقَوْمَنَا أَجِيبُوا
دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ
وَيُجِرَكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣١﴾ وَمَن لَّا يُجِبْ دَاعِيَ
اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ
أَوْلِيَاءُ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٣٢﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ
الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْزُبْ عَنْهُ
بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَن يُمْسِكَ الْمَوْتِ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ ﴿٣٣﴾ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ
أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا
الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٤﴾ فَأَصْبِرْ كَمَا صَبَرَ
أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ
يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ بَلَاغٌ
فَلَهُ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٣٥﴾

و [یاد کن] چون متوجه ساختیم به سوی تو جماعتی را از
جن می شنیدند قرآن، پس چون حاضر شدند پیش پیغامبر،
با یکدیگر گفتند: خاموش باشید پس چون تمام کرده شد
باز گشتند به سوی قوم خود بیم کنان^(۱). ﴿۲۹﴾ گفتند: ای
قوم ما! هر آینه ما شنیدیم کتابی که فرود آورده شد بعد از
موسی، باور دارنده آنچه پیش از او بود، راه می نماید به
سوی دین راست و به سوی راه درست. ﴿۳۰﴾ ای قوم ما!
قبول کنید سخن دعوت کننده به سوی خدا و ایمان آرید
به وی تا بیاورد خدا برای شما بعض گناهان شما را از
عذاب درد دهنده. ﴿۳۱﴾ و هر که قبول نکند گفته
خواننده به خدا، پس نیست عاجز کننده در زمین و نیست
او را بجز خدا دوستان. آن جماعت در گمراهی ظاهراند.
﴿۳۲﴾ آیا ندیدند خدای که آفریده است آسمان ها و
زمین و مانده نشد در آفریدن اینها، تواناست بر آنکه زنده
کند مردگان را؟ آری! چنین است هر آینه او بر هر چیز
توانا است. ﴿۳۳﴾ و روزی که پیش آورده شوند کافران
بر آتش، [گفته شود]: آیا نیست این وعده درست؟! گفتند:
آری! قسم به پروردگار ما! درست است. گفت: پس
بچشید عقوبت را به سبب آنکه کافر می بودید. ﴿۳۴﴾ پس
صبر کن چنانکه صبر کرده بودند خداوندان همت عالی از
پیغامبران و شتاب طلب مکن عقوبت را برای ایشان. روزی
که ببینند آنچه وعده داده می شود ایشان را چنانستی که
ایشان نمانده بودند^(۲) مگر یک ساعت از روز. این پیغام
رسانیدن است. پس هلاک کرده نخواهد شد مگر قوم
بدکاران. ﴿۳۵﴾

۱- مترجم گوید: چند کس از جن پیش آن حضرت ﷺ آمدند و آن
حضرت ﷺ در آن حالت نماز فجر می گزارد در بطنِ نخله قرآن استماع
کردند. چون بازگشتند قوم خود را انداز نمودند اشارت به این قصه
است درین آیات.

۲- یعنی در دنیا.

سُورَةُ مُحَمَّدٍ

سوره محمد

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَلُهُمْ ﴿١﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَءَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ﴿٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَلَهُمْ ﴿٣﴾ فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثْنَتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فِإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَلُهُمْ ﴿٤﴾ سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ ﴿٥﴾ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ ﴿٦﴾ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ تَنَصَرُوا اللَّهُ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ﴿٧﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَلُهُمْ ﴿٨﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنْزِلَ اللَّهُ فَاحْبَطُوا أَعْمَلَهُمْ ﴿٩﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَلُهَا ﴿١٠﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ ﴿١١﴾

آنان که کافر شدند و بازداشتند مردمان را از راه خدا حبط کرد خدا اعمال ایشان را. ﴿۱﴾ و آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته و معتقد شدند به آنچه فروآورده شد بر محمد و آن راست است، آمده از پروردگار ایشان، دور ساخت از ایشان جرم‌های ایشان را و به صلاح آورد حال ایشان را. ﴿۲﴾ این به سبب آن است که کافران پیروی ناراست کردند و مؤمنان پیروی دین راست کردند که از جانب پروردگار ایشان است. همچنین بیان می‌کند خدای برای مردمان داستان‌های ایشان را. ﴿۳﴾ پس چون مصاف کنید با کافران پس بزنید گردن‌ها را، تا وقتی که خونریزی بسیار کردید در ایشان، پس محکم کنید قید را یا به احسان خلاص کردن بعد از این و یا مالی به عوض گرفتن، تا آنکه بنهد جنگ سلاح خود را^(۱). این است حکم و اگر خواستی خدا، خود انتقام کشیدی از ایشان و لیکن می‌خواهد که امتحان کند بعض شما را با بعضی و آنان که کشته شدند در راه خدا، پس حبط نخواهد کرد عمل ایشان را. ﴿۴﴾ راه خواهد نمود ایشان را و نیک خواهد کرد حال ایشان را. ﴿۵﴾ و خواهد در آورد ایشان را به بهشتی که شناسا کرده است ایشان را به آن. ﴿۶﴾ ای مسلمانان! اگر نصرت دهید دین خدا را نصرت دهد خدا شما را و ثابت کند قدم‌های شما را. ﴿۷﴾ و آنان که کافر شدند، هلاک باد ایشان را و حبط کرد خدا عمل ایشان را. ﴿۸﴾ این به سبب آن است که ایشان ناپسند کردند چیزی را که فرود آورده است خدا، پس حبط کرد عمل ایشان را. ﴿۹﴾ آیا سیر نکرده‌اند در زمین تا بنگرند چگونه بود انجام آنان که پیش از ایشان بودند؟ بر هم زد خدا ایشان را و کافران را می‌شود مانند این عقوبت. ﴿۱۰﴾ این به سبب آن است که خدا کارساز مسلمانان است و به سبب آن است که کافران هیچ کارساز نیست ایشان را. ﴿۱۱﴾

۱- یعنی جنگ موقوف شود و احتیاج سلاح نماند، والله اعلم.

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ
 مَثْوًى لَهُمْ ﴿١٣﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ
 قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ ﴿١٤﴾
 أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ
 عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿١٥﴾ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ
 الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ ءَاسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ
 لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ
 وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ
 وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَلِيدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً
 حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ ﴿١٦﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ
 حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ
 مَاذَا قَالَ ءَانِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ
 وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿١٧﴾ وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى
 وَءَاتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ ﴿١٨﴾ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ
 تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا
 جَاءَتْهُمْ ذِكْرُهُمْ ﴿١٩﴾ فَأَعْلَمَ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 وَاسْتَغْفِرُ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
 مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ ﴿٢٠﴾

هر آینه خدا در آرد آنان را که ایمان آورده‌اند و کارهای
 شایسته کرده‌اند به بوستان‌ها می‌رود زیر آن جوی‌ها و
 آنان که کافر شدند، بهره بر می‌گیرند و می‌خورند چنانکه
 می‌خورند چهارپایان و آتش جای ایشان است. ﴿۱۲﴾ و
 بسیار از دیه که قوی‌تر بود از دیه تو که جلا وطن کرد تو
 را هلاک ساختیم ایشان را، پس نیست هیچ نصرت دهنده

برای ایشان. ﴿۱۳﴾ آیا هر که باشد بر طریقه روشن از
 جانب پروردگار خویش مانند آن کس است که آراسته
 کرده شد در نظر او بدکاری او را، مانند آنان که پیروی
 کردند خواهش خود را. ﴿۱۴﴾ صفت بهشتی که وعده
 داده شد متقیان را این است در آن بهشت جوی‌ها است از
 آب که به دیرماندگی متغیر نشده و جوی‌هایی است از شیر
 که مزه او برنگشته و جوی‌هایی است از می، لذت دهنده
 آشامندگان را و جوی‌هایی است از شهد صاف کرده شده
 و ایشان راست آنجا از هر جنس میوه‌ها و ایشان را است
 آمرزش از پروردگار ایشان [آیا این جماعت] مانند آن
 است که همیشه باشند در آتش و نوشانیده شوند آب گرم،
 پس پاره پاره ساخت روده‌های ایشان را. ﴿۱۵﴾ و^(۱) از
 مردمان کسی هست که گوش می‌نهد به سوی تو تا وقتی
 که بیرون روند از نزدیک تو. گویند به آنکه عطا کرده شد
 ایشان را علم: چه چیز گفت پیغامبر الحال؟ این جماعت
 آناند که مهر نهاده است خدا بر دل ایشان و پیروی کردند
 خواهش نفس خود را. ﴿۱۶﴾ و آنان که راهیاب شدند،
 زیاده کرد خدا ایشان را هدایت و عطا کرد بدیشان تقوی
 ایشان را. ﴿۱۷﴾ منتظر نیستند مگر قیامت را که بیاید
 بدیشان ناگهان؟ پس هر آینه آمده است علامات قیامت.
 پس از کجا باشد برای ایشان پند گرفتن ایشان وقتی که
 بیاید قیامت به ایشان؟! ﴿۱۸﴾ پس یقین کن که نیست هیچ
 معبود مگر خدا و طلب آمرزش کن برای گناهان خود و
 در حق مردان مسلمان و زنان مسلمان نیز و خدا می‌داند
 جای آمدورفت شما و جای ماندن شما^(۲). ﴿۱۹﴾

۱- مترجم گوید: از این جا تا آخر سوره در باب تهدید مردم ضعیف
 الایمان نازل شد.

۲- حاصل این آیات ذم آن شخص است که به مجلس علم در آید و به فهم
 حقیقت آن نرسد. به سبب هجوم هوای نفس بر دل او محتاج استفسار
 دیگران گردد و تخفیف است به قیامت مثل این شخص را، والله اعلم.

وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ لَهُمْ ۞ طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ۞ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ ۞ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ ۞ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْعَانُ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ۞ إِنَّ الَّذِينَ أَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ ۞ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ۞ فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ۞ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَصْحَبَ اللَّهُ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَلَهُمْ ۞ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَّنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَنَهُمْ

۲۹

می گویند مسلمانان: چرا فروفرستاده نشد سورتی؟ پس چون فرستاده شود سورتی واضح المعنی و ذکر کرده شود در آن قتال، بینی آنان را که در دل ایشان بیماری است، می نگرند به سوی تو مانند نظر کردن کسی که او را بیهوشی رسیده باشد به سبب حضور موت. پس وای ایشان را!! ﴿۲۰﴾ حال ایشان به حسب ظاهر، فرمانبرداری ای است و سخن نیکو گفتن، پس چون مصمم شود کار اگر وعده خود راست کردند با خدا بهتر بودی برای ایشان. ﴿۲۱﴾ پس ای ضعیف ایمانان! اگر متولی امور مردمان شوید البته نزدیکید از آنکه تباہکاری کنید در زمین و قطع قبیله داری نمایید. ﴿۲۲﴾ این جماعت، آنانند که لعنت کرد ایشان را خدا، پس کَر ساخت ایشان را و کور کرد چشم های ایشان را. ﴿۲۳﴾ آیا تأمل نمی کنند در قرآن یا بر دل ها قفل آن دل هاست؟! ﴿۲۴﴾ هرآینه آنان که برگشتند بر جانب پشت خویش، پس از آنکه ظاهر شد ایشان را راه هدایت شیطان آراسته کرد برای ایشان و مهلت داده است ایشان را. ﴿۲۵﴾ این همه به سبب آن است که ایشان گفتند با آنان که ناپسند کرده اند چیزی را که خدا فرستاده است: ^(۱) فرمانبرداری شما خواهیم کرد در بعض کارها و خدا می داند سخن پنهان گفتن ایشان را. ﴿۲۶﴾ پس چگونه باشد حال، وقتی که قبض روح ایشان کنند فرشتگان می زنند روی های ایشان را و پشت های ایشان را. ﴿۲۷﴾ این عقوبت به سبب آن است که ایشان پیروی چیزی کردند که به خشم آورد خدا را و ناپسند کردند خوشنودی او را، پس ضایع ساخت «الله» اعمال ایشان را. ﴿۲۸﴾ آیا پنداشتند آنان که در دل های ایشان بیماری است که ظاهر نخواهد کرد خدا کینه های ایشان را؟! ﴿۲۹﴾

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٠﴾
وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّادِرِينَ وَنَبْلُوا أَخْبَارَكُمْ ﴿٣١﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحْبِطُ أَعْمَالُهُمْ ﴿٣٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ﴿٣٤﴾ فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَن يَتَرَكَمُ أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٥﴾ إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌّ وَلَهُوَ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلَكُمْ أَمْوَالَكُمْ ﴿٣٦﴾ إِنْ يَسْأَلْكُمْوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَيُخْرِجْ أَضْعَانَكُمْ ﴿٣٧﴾ هَآأَنْتُمْ هَآؤَآءُ تَدْعُونَ لِنُفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ مِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَن نَّفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ ﴿٣٨﴾

و اگر می‌خواستیم می‌نمودیم ایشان را به تو، پس می‌شناختی ایشان^(۱) را به قیافه ایشان و البته شناسی ایشان را در اسلوب سخن و خدا می‌داند عمل شما را. ﴿۳۰﴾ و البته امتحان کنیم شما را تا بشناسیم مجاهدان را از شما و صابران را و بیازماییم احوال شما را. ﴿۳۱﴾ هرآینه آنان که کافر شدند و بازداشتند از راه خدا و مخالفت کردند با پیغامبر بعد از آنکه واضح شد ایشان را راه هدایت، هیچ زیان نرسانند خدا را و حبط خواهد کرد خدا عمل‌های ایشان را. ﴿۳۲﴾ ای مسلمانان! فرمان برید خدا را و فرمان برید پیغامبر را و باطل کنید عمل‌های خود را^(۲). ﴿۳۳﴾ هرآینه آنان که کافر شدند و بازداشتند از راه خدا باز بمردند و ایشان کافر بودند پس هرگز نخواهد آمرزید خدا ایشان را. ﴿۳۴﴾ پس سستی کنید و به سوی صلح بخوانید و شما باید غالب و خدا با شما است، ضایع نخواهد ساخت عمل‌های شما را. ﴿۳۵﴾ جز این نیست که زندگانی دنیا بازی است و بیهودگی است و اگر ایمان آرید و پرهیزگاری کنید بدهد شما را مزد شما و نطلبد از شما مال شما را^(۳). ﴿۳۶﴾ اگر بطلبد از شما مال شما را، پس مبالغه کند در سؤال آنگاه بخل کنید و بر روی کار آرد آن بخل، کینه‌های شما را. ﴿۳۷﴾ آگاه شوید شما ای جماعت که خوانده می‌شود شما را تا خرج کنید در راه خدا، پس از شما کسی هست که بخل می‌کند و هر که بخل می‌کند، جز این نیست که بخل می‌کند از خویش^(۴) و خدا توانگر است و شما محتاجید و اگر روی گردان شوید بدل آرد گروهی دیگر را غیر از شما، باز نباشند آن جماعت مانند شما. ﴿۳۸﴾

۱- یعنی ظلمت نفاق بر روی ایشان هویدا می‌شد والله اعلم.

۲- یعنی به ارتداد و به ریا و سمعه.

۳- یعنی جمیع مال را.

۴- یعنی منفعت انفاق از خود بازمی‌دارد.

سُورَةُ الْفَتْحِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا ﴿١﴾ لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ وَعَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٢﴾ وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا ﴿٣﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ ۗ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٤﴾ لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ ۚ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٥﴾ وَلِيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ ۚ بِاللَّهِ ظَنُّ السَّوَةِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوَةِ ۖ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ ۖ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٦﴾ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٧﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٨﴾ لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ ۚ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٩﴾

سوره فتح

به نام خداوند بخشنده مهربان

هر آینه ما حکم کردیم برای تو به فتح ظاهر^(۱). ﴿۱﴾ عاقبت فتح آن است که بیمارزد تو را خدا، آنچه که سابق گذشت از گناه تو و آنچه پس ماند و تمام کند نعمت خود را بر تو و بنماید تو را راه راست. ﴿۲﴾ و تا نصرت دهد تو را خدا به نصرت قوی. ﴿۳﴾ اوست آن که فرود آورده اطمینان را بر دل مسلمانان تا زیاده شود ایمان ایشان با ایمان سابق ایشان و خدای راست لشکر آسمانها و زمین و هست خدا دانا با حکمت. ﴿۴﴾ عاقبت نزول سکیته آن است که در آرد مردان مسلمانان را و زنان مسلمانان را به بوستانها می رود زیر آن جویها جاویدان آنجا و زایل کند از ایشان جرمهای ایشان را و هست این مقدمه، نزدیک خدا فیروزی بزرگ. ﴿۵﴾ تا عذاب کند مردان منافق را و زنان منافق را و مردان شرک آورنده را و زنان شرک آورنده را که گمان کننده اند بر خدا گمان بد. بر ایشان باد مصیبت بد و به خشم آمد خدا بر ایشان و لعنت کرد ایشان را و آماده ساخت برای ایشان دوزخ را و بدجایی است دوزخ. ﴿۶﴾ و خدای راست لشکر آسمانها و زمین و هست خدا غالب با حکمت. ﴿۷﴾ هر آینه ما فرستادیم تو را اظهار حق کننده و بشارت دهنده و ترساننده. ﴿۸﴾ تا ایمان آرید ای مسلمانان به خدا و به رسول او و تا نصرت دهید دین خدا را و بزرگی اعتقاد کنید او را و به پاکی یاد کنید او را بامداد و پگاه. ﴿۹﴾

۱- مترجم گوید: آن حضرت ﷺ به خواب دیدند، گویا آن حضرت با اصحاب در مکه داخل شدند و با اطمینان خاطر به حلق و قصر مشغول اند، پس آن سال به قصد عمره متوجه کعبه شدند و چون به حدیبیه رسیدند، کفار قریش از وصول به کعبه مانع آمدند و بعد تشویش بیسار با کفار صلح کرده بغیر از وصول به کعبه بازگشتند. خدای تعالی آن عمل را از ایشان قبول فرمود، از آن بیعت که در اثنای تشویش به جهت تأکید عزم به آن حضرت ﷺ کرده بودند، راضی شده به ثواب آن عمل، فتوح بسیار نصیب ایشان گردانید، به تخصیص فتح خیبر که بعد ازین سفر بلاتراخی واقع شده غنایم خیبر را مخصوص به حاضران بیعت گردانید و غیر ایشان را از آن غزوه منع نمود و مضمون رؤیا سال آینده به ظهور رسید. پس در باب وعده فتوح و رد شبهه منافقان به سبب تعویق مضمون رؤیا و بیان حکمت تعویق و تهدید متخلفان از سفر حدیبیه و بیان خشنودی خود به اهل بیعت، این سوره نازل فرمود، والله اعلم.

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ
 أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۖ وَمَنْ
 أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِنْ أَجْرٍ أَعْظِيمًا ۖ ﴿١٠﴾
 إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ
 أَيْ سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا
 أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا
 لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ ۚ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ
 كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۖ ﴿١١﴾ بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَّنْ
 يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزَيَّنَ
 ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنًّا سَوْءًا وَكُنْتُمْ قَوْمًا
 بُورًا ۖ ﴿١٢﴾ وَمَنْ لَّمْ يُؤْمِنِ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا
 لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ۖ ﴿١٣﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 يَعْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا
 رَّحِيمًا ۖ ﴿١٤﴾ سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَائِمَ
 لِنَأْخُذْهَا ذُرُونًا نَّتَّبِعْكُمْ ۖ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ
 اللَّهِ قُلْ لَّنْ تَتَّبِعُونَا كَذَٰلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ ۖ
 فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا ۚ بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا
 قَلِيلًا ۖ ﴿١٥﴾

هر آینه آنان که بیعت می کنند با تو جز این نیست که بیعت
 می کنند با خدا. دست خدا است بالای دست ایشان، پس
 هر که عهد بشکند پس جز این نیست که می شکند به ضرر
 نفس خود و هر که تمام کند آنچه بر آن با خدا عهد کرده
 است، خواهد داد او را مزد بزرگ. ﴿۱۰﴾ خواهند گفت
 با تو پس گذاشتگان از اعراب: ^(۱) مشغول کرد ما را اموال
 ما و فرزندان ما، پس طلب آموزش کن برای ما می گویند
 به زبان خود آنچه نیست در دل ایشان بگو: که می تواند
 برای شما از خدا چیزی اگر خواهد زیان رسانیدن به شما یا
 خواهد در حق شما سود دادن؟ بلکه هست خدا به آنچه
 می کنید خبردار. ﴿۱۱﴾ [نی!] بلکه ظن کردید که
 بازخواهد گشت پیغامبر و مسلمانان به سوی اهل خانه
 خویش هرگز و آراسته شد این ظن در دل شما و ظن
 کردید ظن بد و گشتید قومی هلاک شده. ﴿۱۲﴾ و هر که
 ایمان نیاورد به خدا و پیغامبر او پس هر آینه ما آماده
 کردیم برای این کافران آتش را. ﴿۱۳﴾ و خدای راست
 پادشاهی آسمانها و زمین می آمرزد هر که را خواهد و
 عذاب می کند هر که را خواهد و هست خدا آمرزگار
 مهربان. ﴿۱۴﴾ خواهند گفت با تو پس گذاشتگان وقتی
 که روانه شوید به سوی غنیمت‌ها ^(۲) تا به دست آرید آن را:
 بگذارید ما را تا از پی شما رویم می خواهند که مخالفت
 کنند وعده خدا را. بگو: پیروی ما نخواهید کرد همچنین
 فرموده است خدا پیش از این پس خواهند گفت: [نی!]
 بلکه حسد می کنید با ما بلکه همیشه فهم نمی کردند مگر
 اندکی. ﴿۱۵﴾

۱- یعنی آنان که در سفر حدیبیه موافقت نکردند، والله اعلم.

۲- یعنی غنیمت‌های خیبر.

قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعُونَ إِلَى قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦﴾ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَمَن يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٧﴾ ۞ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿١٨﴾ وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٩﴾ وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٢٠﴾ وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢١﴾ وَلَوْ قَتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٢٢﴾ سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلُ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ﴿٢٣﴾

بگو: [یا محمد] پس گذاشتگان را از اعراب که شما خوانده خواهید شد به سوی کارزار قومی، خداوند کارزار سخت^(۱) که جنگ کنید با ایشان یا آنکه مسلمان شوند. پس اگر فرمانبرداری کنید بدهد خدا شما را مزد نیک و اگر روی گردان شوید چنانکه روی گردان شده بودید

۱- یعنی فارس و روم و این معنی در زمان حضرت ابوبکر و حضرت عمر رضی الله عنهما متحقق شد، والله اعلم.

پیش از این عقوبت کند شما را به عقوبت در دهنده. ﴿۱۶﴾ نیست بر نابینا گناهی و نه بر لنگ گناهی و نه بر بیمار گناهی^(۲) و هر که فرمان برد خدا و رسول او را در آردش به بوستان ها می رود زیر آن جوی ها و هر که روی گردان شود عقوبت کند آن را به عقوبت درد دهنده. ﴿۱۷﴾ هر آینه خوشنود شد خدا از مسلمانان وقتی که بیعت می کردند با تو زیر درخت، پس دانست آنچه در دل ایشان است پس فرود آورد اطمینان دل بر ایشان و ثواب داد ایشان را فتحی نزدیک. ﴿۱۸﴾ و غنیمت های بسیار که به دست آرند آن را^(۳) و هست خدا غالب با حکمت. ﴿۱۹﴾ وعده داده است شما را خدا غنیمت های بسیار که به دست آرید آنها را، پس زود عطا کرد این غنیمت^(۴) و بازداشت دست مردمان را از شما^(۵) و تا باشد این مقدمه نشانه ای مسلمانان را و تا بنماید خدا شما را راه راست^(۶). ﴿۲۰﴾ و وعده داد خدا غنیمت های دیگر نیز که هنوز دست نیافته اید بر آن، دانسته است خدای آن را و هست خدا بر همه چیز توانا^(۷). ﴿۲۱﴾ و اگر جنگ می کردند با شما کافران البته به سوی شما می گردانیدند پشت را باز نمی یافتند کارسازی و نه نصرت دهنده ای. ﴿۲۲﴾ [مانند] آیین خدا که گذشته است پیش از این و نخواهی یافت آیین خدا را تبدیلی. ﴿۲۳﴾

۲- یعنی در تخلف از مثل این سفر، والله اعلم.

۳- یعنی غنایم خیبر و غیره.

۴- یعنی غنایم خیبر.

۵- یعنی در حدیبیه.

۶- یعنی کفار قریش جمع شدند که آن حضرت صلی الله علیه و آله را تشویشی رسانند.

خدای تعالی دست ایشان را از قتال بازداشت و قضیه به صلح انجامید.

۷- یعنی غنایم فارس و روم.

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٢٤﴾ هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ حِلَّهُمْ وَلَوْلَا رِجَالُ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءُ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوَّهُمْ فِتْصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٢٥﴾ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحُمِيَّةَ الْحُمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٢٦﴾ لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿٢٧﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٢٨﴾

و اوست آن که بازداشت دست کافران را از شما و دست شما را از کافران در میان مکه، بعد از آنکه فیروزمند ساخت شما را بر ایشان و هست خدا به آنچه می کنید بینا^(۱). ﴿۲۴﴾ این کفار قریش، آنانند که کافر شدند و بازداشتند شما را از مسجد حرام و بازداشتند قربانی را موقوف داشته از آنکه برسد به جای خود و اگر نبودی مردمان مسلمانان و زنان مسلمانان که نمی دانید ایشان را، اگر نبودی خوف آنکه پی کنید سر ایشان را، پس برسد به شما گناهی به غیر دانست^(۲). فتح را مؤخر کرد خدا تا درآرد هر که را خواهد بر رحمت خود اگر هم جدا می بودند این هر دو فریق البته عقوبت می کردیم کافران را عقوبت درد دهنده. ﴿۲۵﴾ آنگاه که مصمم کردند کافران در دل خویش غیرت را از جنس غیرت جاهلیت، پس فرود آورد خدا اطمینان خود را بر پیغامبر خود و بر مسلمانان و ثابت کرد بر ایشان سخن پرهیزگاری و بودند سزاوار به آن و اهل آن و هست خدا به هر چیز دانا^(۳). ﴿۲۶﴾ هرآینه راست نمود خدا پیغامبر خود را خواب مطابق واقع [به این مضمون] که البته داخل خواهید شد به مسجد حرام اگر خدا خواسته است، ایمن شده تراشیده موی سر خود را به مقراض گرفته ترسان نشده، پس دانست آنچه ندانستید شما، پس میسر کرد پیش از این فتحی نزدیک را. ﴿۲۷﴾ اوست آنکه فرستاد پیغامبر خود را به هدایت و دین راست تا غالب کندش بر ادیان همه آن و بس است خدا اظهار کننده حق. ﴿۲۸﴾

۱- تعریض است به آن قصه که بعد انعقاد صلح، هفتاد تن از اوباش قریش خواستند که بی خبر بر صحابه هجوم آرند. صحابه همه را اسیر کرده پیش از آن حضرت ﷺ آوردند، آن حضرت عفو فرمود. ظاهر نزدیک بنده، ضعیف است و صحیح آن است که این آیت بشارت است به فتح مکه و آوردن لفظ ماضی از جهت تحقیق وقوع بشارت است، والله اعلم.

۲- یعنی تصدیق رؤیا بالفعل متحقق شدی و فتح عاجلاً میسر گشتی، والله اعلم.

۳- یعنی جماعتی از مسلمانان این صلح را کاره بودند. آخر الامر خدای تعالی اطمینان را به دل ایشان انداخت تا به مرضی آن حضرت ﷺ رضا دادند، والله اعلم.

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ
رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ
اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ
ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ
أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَكَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ
سُوْقِهِ يُعْجِبُ الزَّارِعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ
الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا
عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

سُورَةُ الْحُجُرَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ
وَرَسُولِهِ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ
وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ ۖ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن
تَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ
يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ
أَمْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ
عَظِيمٌ ﴿٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ
أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾

محمد پیغامبر خدا است و آنان که همراه اویند سخت‌اند بر
کافران مهربانند در میان خود. می‌بینی ایشان را رکوع
کننده و سجده نماینده، می‌طلبند فضل را از خدا و
خوشنودی را. نشانه صلاح ایشان در روی ایشان است از
اثر سجده. آنچه مذکور می‌شود داستان ایشان است در
تورات و داستان ایشان است در انجیل. ایشان مانند زراعتی
هستند که بر آورد گیاه سبزه خود را، پس قوی کرد آن را،
پس ستر شد پس با استاد خود بر ساق‌های خود. به شگفت
می‌آرد زراعت کنندگان را^(۱)، تا که در خشم آرد به سبب
دیدن ایشان کافران را وعده داده است خدا آنان را که
ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کردند از ایشان، آمرزش
و مزد بزرگ. ﴿۲۹﴾

سوره حجرات

به نام خداوند بخشنده مهربان^(۲)

ای مسلمانان! پیش‌دستی مکنید روبه‌روی خدا و رسول او و
بترسید از خدا هر آینه خدا شنوای دانا است. ﴿۱﴾ ای
مسلمانان! بلند مکنید آوازهای خود را بالای آواز پیغامبر و
بلند نگویید با او سخن را مانند بلند گفتن بعضی شما با
بعضی برای احتراز از آنکه نابود شود عمل‌های شما و شما
خبردار نباشید. ﴿۲﴾ هر آینه آنان که پست می‌کنند آواز
خود را نزدیک پیغامبر خدا، آن جماعت آنانند که آزموده
است خدا دل ایشان را برای ظهور تقوی. ایشان راست
آمرزش و مزد بزرگ. ﴿۳﴾ هر آینه آنان که آواز می‌دهند
تو را از پس حجرها اکثر فهم نمی‌کنند. ﴿۴﴾

۱- حاصل مثل آن است که اسلام در اوّل حال ضعیف بود و مسلمانان کم
بودند. رفته رفته غالب و بسیار شدند. عاقبت حال غلبه اسلام آن است

که به خشم آرد خدای تعالی کافران را.

۲- مترجم گوید: خدای تعالی این سورت برای تعلیم آداب فرود آورد که
از حضرت پیغامبر ﷺ در امر و نهی پیشدستی نکنند به آن حضرت به
آواز بلند خطاب نکنند و اگر فاسق چیزی گوید، به غیر تفتیش حال،
امضای عزم نمایند. در صورتی که میان ایشان خانه جنگی واقع
شود اصلاح آن چگونه کنند و از استهزاء با یکدیگر و لقب بد نهادن
و غیبت کردن و ظن بد کردن و به علو نسب بر دیگران فخر کردن،
منع کرد و ضعیف‌الایمان را بر ضعیف‌الایمان تنبیه فرمود، والله اعلم.

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ
وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ
جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهْلَةٍ
فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ ﴿٦﴾ وَاعْلَمُوا أَنَّ
فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ
لَعَنَتْكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ
فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ
وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ ﴿٧﴾ فَضَلَّاهُ مِنَ اللَّهِ
وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٨﴾ وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ
إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ
إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ
وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿٩﴾ إِنَّمَا
الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا
اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٠﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا
يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ
وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ
وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَبِ بِئْسَ
الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ
هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾

و اگر ایشان صبر کردند تا وقتی که بیرون آیی به سوی ایشان بهتر بودی ایشان را و خدا آمرزگار مهربان است^(۱). ﴿۵﴾ ای مسلمانان! اگر بیارد پیش شما فاسق خبری را، پس تفحص کنید برای احتراز از آنکه ضرر رسانید قومی را به نادانی پس پشیمان شوید بر آنچه عمل کردید. ﴿۶﴾ و بدانید که در میان شما رسول خدا است اگر فرمان برد شما را در بسیاری از کارها به رنج درافتید و لیکن خدا دوست گردانید نزدیک شما ایمان را و آراسته کرد آن را در دلهای شما و ناخوش گردانید پیش شما کفر را و فسق را و نافرمانی را. این جماعت ایشانند راه یافتگان. ﴿۷﴾ به احسان از نزدیک خدا و به نعمت و خدا دانا با حکمت است. ﴿۸﴾ و اگر دو گروه از مسلمانان با یکدیگر جنگ کنند پس صلح کنید میان ایشان، پس اگر تعدی کرد یکی از این دو گروه بر دیگری پس جنگ بکنید به آن گروه که تعدی می کند تا آنکه رجوع کند به سوی حکم خدا، پس اگر رجوع کرد صلح کنید میان ایشان به انصاف و داد دهید، هر آینه خدا دوست می دارد داد دهندگان را. ﴿۹﴾ جز این نیست که مسلمانان، برادران یکدیگراند، پس صلح کنید میان دو برادر خویش و بترسید از خدا تا بر شما رحم کرده شود. ﴿۱۰﴾ ای مسلمانان! تمسخر نکند گروهی با گروهی احتمال است که آن گروه بهتر باشند از ایشان در نفس الامر و نه زنان تمسخر کنند با زنان دیگر، احتمال است که آن زنان بهتر باشند از ایشان و عیب مکنید در میان خویش و یکدیگر را به لقب های بد مخوانید. بدنامی است فاسقی بعد از ایمان آوردن و هر که توبه نکرد، پس آن جماعت ایشانند ستمکاران^(۲). ﴿۱۱﴾

۱- مترجم گوید: این تعریض است به حال قومی از بنی تمیم که به جهت مهمی پیش آن حضرت ﷺ آمدند و چون در مسجد نیافتند و نمی دانستند که در کدام حجره تشریف دارند، نزدیک حجره ها به آواز بلند ندا کردن شروع کردند، والله اعلم.

۲- یعنی به گناهی که در جاهلیت کرده باشند، بعد از اسلام نشانِ سند نیاید ساخت.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾ قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَامَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿١٥﴾ قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٦﴾ يَمُنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُوتُوا عَلَىٰ إِسْلَامِكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنْ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٧﴾ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾

ای مسلمانان! احتراز کنید از بسیاری گمان بد هرآینه بعض بدگمانی گناه است و جاسوسی نکنید و غیبت نکنند بعض شما بعض را. آیا دوست می‌دارد کسی از شما که بخورد گوشت برادر خود که مرده باشد؟ پس متنفر شوید از وی و بترسید از خدا هرآینه خدا توبه پذیرنده مهربان است. ﴿۱۲﴾ ای مردمان! هرآینه آفریدیم شما را از یک مرد و یک زن و ساختیم شما را جماعت‌ها و قبیله‌ها تا با یکدیگر شناسا شوید. هرآینه گرمی‌ترین شما نزدیک خدا پرهیزگارترین شما است هرآینه خدا دانای خبردار است. ﴿۱۳﴾ گفتند اعراب: ایمان آوردیم. بگو: ایمان به حقیقت نیاوردید و لیکن بگوید منقاد شده‌ایم و هنوز درنیامده است ایمان در دل‌های شما و اگر فرمانبرداری خدا و رسول او کنید، کم ندهد شما را از جزای اعمال شما چیزی. هرآینه خدا آمرزگار مهربان است. ﴿۱۴﴾ جز این نیست که مؤمنان به حقیقت آنانند که ایمان آوردند به خدا و پیغامبر او باز شبهه نکردند و جهاد نمودند به اموال خود و جان خود در راه خدا. آن جماعت، ایشانند راستگویان. ﴿۱۵﴾ بگو: آیا خبردار می‌کنید خدا را به دین خود و خدا می‌داند آنچه در آسمان‌ها است و آنچه در زمین است؟! و خدا به هر چیز دانا است. ﴿۱۶﴾ منت می‌نهند بر تو به آنکه مسلمان شده‌اند. بگو: منت منهد بر من به اسلام خود بلکه خدا منت می‌نهد بر شما به آنکه هدایت کرد شما را به ایمان، اگر راستگو هستید. ﴿۱۷﴾ هرآینه خدا می‌داند پنهان آسمان‌ها و زمین و خدا بینا است به آنچه می‌کنید. ﴿۱۸﴾

سُورَةُ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ ﴿١﴾ بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ
 مُنْذِرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿٢﴾
 أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ ﴿٣﴾ قَدْ عَلِمْنَا
 مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيفٌ ﴿٤﴾
 بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيجٍ ﴿٥﴾
 أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا
 وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ ﴿٦﴾ وَالْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا
 وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْثَبْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ
 ﴿٧﴾ تَبَصَّرَةٌ وَذَكَرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ ﴿٨﴾ وَنَزَّلْنَا مِنَ
 السَّمَاءِ مَاءً مُّبَرَكًا فَأَنْثَبْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ
 الْحَصِيدِ ﴿٩﴾ وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لِّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ ﴿١٠﴾
 رَرْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ
 ﴿١١﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّيسِ وَثَمُودُ
 ﴿١٢﴾ وَعَادُ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ ﴿١٣﴾ وَأَصْحَابُ
 الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ ﴿١٤﴾
 أَفَعَيْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ
 جَدِيدٍ ﴿١٥﴾

سوره ق

به نام خداوند بخشنده مهربان

ق و قسم به قرآن با بزرگی [که تو پیغامبر خدایی]. ﴿١﴾ بلکه تعجب کردند کافران از آنکه آمد بدیشان ترساننده از قوم ایشان، پس گفتند آن کافران: این چیزی است عجیب. ﴿٢﴾ آیا چون بمیریم و خاک شویم، [حشر کرده شویم] این باز گردانیدن است دور از عقل. ﴿٣﴾ هرآینه دانسته ایم آنچه کم می کند زمین از ایشان^(۱) و نزدیک ما کتابی است نگاهدارنده^(۲). ﴿٤﴾ نی، بلکه دروغ نسبت کردند سخن راست را وقتی که بیاید بدیشان پس ایشان در کاری شوریده اند. ﴿٥﴾ آیا ندیده اند به سوی آسمان بالای خود چگونه بنا کرده ایم آن را و آراسته کرده ایم آن را و نیست در آن هیچ شکافی؟. ﴿٦﴾ و زمین را گسترديم و افکنده ایم در آن کوه ها و رویانیدیم در آن از هر نوع خوش آینده. ﴿٧﴾ برای راه نمودن و پند دادن هر بنده رجوع کننده را. ﴿٨﴾ و فرود آوردیم از آسمان آب با برکت، پس رویانیدیم به سبب آن بوستان ها و دانه که درود می کنند آن را. ﴿٩﴾ و درختان خرما را بلند بالا برآمده، آن را میوه است تو بر تو. ﴿١٠﴾ روزی برای بندگان و زنده ساختیم به آن شهر مرده را، همچنین باشد برآمدن از گور. ﴿١١﴾ به دروغ نسبت کردند پیش از ایشان قوم نوح و اهل رس و ثمود. ﴿١٢﴾ و عاد و فرعون و برادران لوط. ﴿١٣﴾ و اهل ایکه و قوم تُبَّع، هر یکی به دروغ نسبت کردند پیغامبران را، پس ثابت شد وعده عذاب من. ﴿١٤﴾ آیا عاجز شده بودیم در آفرینش نخستین؟ بلکه ایشان در شبهه اند از آفرینش نو. ﴿١٥﴾

۱- یعنی آنچه می خورد از جزو ایشان.

۲- یعنی لوح محفوظ.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ
 وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿١٦﴾ إِذْ يَتَلَقَّى
 الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿١٧﴾ مَا
 يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾ وَجَاءَتْ
 سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدٌ ﴿١٩﴾
 وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ ﴿٢٠﴾ وَجَاءَتْ كُلُّ
 نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ﴿٢١﴾ لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ
 مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ
 حَدِيدٌ ﴿٢٢﴾ وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَى عَتِيدٍ ﴿٢٣﴾ أَلَقِيَا
 فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ﴿٢٤﴾ مَتَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ
 مُرِيبٍ ﴿٢٥﴾ الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ
 فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ﴿٢٦﴾ قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا
 أَطْغَيْتُهُ وَلَكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿٢٧﴾ قَالَ لَا
 تَخْتَصِمُوا لَدَى وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ ﴿٢٨﴾ مَا
 يُبَدِّلُ الْقَوْلَ لَدَى وَمَا أَنَا بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ ﴿٢٩﴾ يَوْمَ
 نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ﴿٣٠﴾
 وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ﴿٣١﴾ هَذَا مَا
 تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ ﴿٣٢﴾ مَنْ خَشِيَ
 الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ﴿٣٣﴾ ادْخُلُوهَا
 بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ﴿٣٤﴾ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا
 وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ﴿٣٥﴾

و هر آینه آفریدیم آدمی را و می دانیم چیزی که به خاطر
 گذارندش نفس او و ما نزدیکتریم به آدمی از رگ جان.
 ﴿۱۶﴾ آنگاه که یاد می گیرند دو یاد گیرنده به پهلوی راست
 نشیننده و بر پهلوی چپ نشیننده^(۱). ﴿۱۷﴾ به زبان نمی آرد

۱- یعنی کراماً کاتبین، والله اعلم.

آدمی سخنی، مگر نزدیک او نگهبانی است مهیا^(۲). ﴿۱۸﴾ و
 بیاید سختی موت به راستی. این است جزای آنچه از آن کناره
 می کردی. ﴿۱۹﴾ و دمیده شود در صور. این است روز وعده
 عذاب. ﴿۲۰﴾ و بیامد هر شخصی همراه او روان کننده است و
 گواهی دهنده^(۳). ﴿۲۱﴾ گوییم: هر آینه بودی در بی خبری از
 این مقدمه پس برداشتیم از تو پرده تو را، پس چشم تو امروز
 تیزبین است. ﴿۲۲﴾ و گفت فرشته همنشین او: این است آنکه
 نزدیک من بود حاضر کرده شده. ﴿۲۳﴾ [گوییم]: بیفکنید
 [ای دو فرشته] در دوزخ هر ناسپاس سرکش را^(۴). ﴿۲۴﴾ هر
 امساک کننده مال را در گذرنده از حد را هر شک آورنده را.
 ﴿۲۵﴾ آنکه مقرر کرد با خدا معبودی دیگر پس بیفکنید این
 هر یک را در عذاب سخت. ﴿۲۶﴾ گفت همنشین او: ^(۵) ای
 پروردگار ما! من گمراه نکردم این شخص را و لیکن وی بود
 در گمراهی دور. ﴿۲۷﴾ فرمود: خصومت مکنید نزدیک من و
 حال آنکه پیش از این فرستاده بودم به سوی شما وعده عذاب.
 ﴿۲۸﴾ تغیر داده نمی شود وعده نزدیک من و نیستم من ستم
 کننده بر بندگان. ﴿۲۹﴾ روزی که بگوییم دوزخ را: آیا پر
 شدی؟ و [دوزخ] گوید: آیا هیچ از این زیاده هست؟^(۶). ﴿۳۰﴾
 و نزدیک گردانیده شود بهشت برای متقیان نه دور مانده
 ﴿۳۱﴾ گوییم: این است آنچه وعده داده می شد شما را.
 نزدیک کرده شده برای هر رجوع کننده و ادب نگاهدارنده.
 ﴿۳۲﴾ برای هر کسی که ترسد از خدا نادیده و پیش آمده به
 دل متوجه شده. ﴿۳۳﴾ گوییم: داخل شوید در بهشت همراه
 سلامتی، این است روز همیشه باشیدن. ﴿۳۴﴾ ایشان راست
 آنچه خواهند در بهشت و نزدیک ما زیاده ترست از آن. ﴿۳۵﴾

۲- یعنی اگر کلمه حق باشد، فرشته دست راست می نویسد و اگر کلمه

باطل باشد، فرشته دست چپ می نویسد، والله اعلم.

۳- مراد جنس روان کننده و گواهی دهنده است.

۴- مترجم گوید: عادت پادشاهان است که اسیر را پیش ایشان دو کس
 گرفته می آرند از این جهت دو فرشته را خطاب شود.

۵- یعنی شیاطین از انس و جن، والله اعلم.

۶- یعنی هر چند دور اندازند زیاده طلب کند، والله اعلم.

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِن مَّخِصٍ ﴿٣٦﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ﴿٣٧﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ ﴿٣٨﴾ فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ﴿٣٩﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَرَ السُّجُودِ ﴿٤٠﴾ وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مَن مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٤١﴾ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ﴿٤٢﴾ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ ﴿٤٣﴾ يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ﴿٤٤﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذِكْرٌ بِالْقُرْآنِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ ﴿٤٥﴾

سُورَةُ الذَّارِيَّاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالذَّرِيَّتِ ذَرَوْا ﴿١﴾ فَأَلْحَمِلَتْ وَقَرَّا ﴿٢﴾ فَأَلْجَرِيَّتِ يُسْرًا ﴿٣﴾ فَأَلْمَقْسِمَتِ أَمْرًا ﴿٤﴾ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ ﴿٥﴾ وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ ﴿٦﴾

و بسیار هلاک کردیم پیش از این امت‌ها که قوی‌تر بودند از این جماعت در دست‌درازی. پس تفحص کردند در شهرها که هیچ گریزگاهی است؟ ﴿۳۶﴾ هرآینه در این مقدمه پند است کسی را که دلی دارد یا گوش نهد متوجه شده. ﴿۳۷﴾ و هرآینه آفریدیم آسمان‌ها و زمین و آنچه در هر دو است در شش روز و نرسید به ما هیچ ماندگی. ﴿۳۸﴾ پس صبر کن بر آنچه می‌گویند و به پاکی یاد کن همراه ستایش پروردگار خویش، پیش از برآمدن آفتاب و پیش از فرو شدن. ﴿۳۹﴾ و در بعض اوقات شب به پاکی یاد کن خدا را و عقب نماز نیز. ﴿۴۰﴾ و بشنو [این قصه] روزی که آواز دهد آواز دهنده از جای نزدیک^(۱). ﴿۴۱﴾ روزی که بشنوند نعره تند را به غیر تردد و آن روز بر آمدن ایشان است. ﴿۴۲﴾ هرآینه ما زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و به سوی ما است بازگشت. ﴿۴۳﴾ روزی که بشکافد زمین از سر ایشان، بیرون آیند شتابان این برانگیختن است آسان بر ما. ﴿۴۴﴾ ما می‌دانیم آنچه می‌گویند و نیستی تو بر ایشان قهر کننده، پس پندده به قرآن هر که می‌ترسد از وعده عذاب من. ﴿۴۵﴾

سوره ذاریات

به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به بادهای پراکنده خاک [وجز آن پراکنده کردنی]. ﴿۱﴾ پس قسم به ابرهای بردارنده بار آب. ﴿۲﴾ پس قسم به کشتی‌های روان شونده به سهولت! ﴿۳﴾ پس قسم به فرشتگان تقسیم کننده کار! ﴿۴﴾ هرآینه وعده‌ای که کرده می‌شود به شما، راست است. ﴿۵﴾ و هرآینه جزای اعمال بودنی است. ﴿۶﴾

۱- این تصویر هست آن را که همه در استماع ندا مساوی باشند، والله اعلم.

۲- یعنی ارزاق و بلادها را.

دروغگویان را! ﴿۱۰﴾ آنان که ایشان در بی خبری اند فراموش کننده اند. ﴿۱۱﴾ می پرسند: کی خواهد بود روز جزا؟ ﴿۱۲﴾ آری! آن روز که ایشان را در آتش عذاب کرده شود. ﴿۱۳﴾ گوئیم: بچشید این عقوبت خود را. این است آنچه آن را شتاب طلب می کردید. ﴿۱۴﴾ هرآینه متقیان در بوستان ها و چشمه ها باشند. ﴿۱۵﴾ به دست آرنده آنچه داد ایشان را پروردگار ایشان، هرآینه ایشان بودند پیش از این نیکوکار. ﴿۱۶﴾ بودند [به این صفت که] اندکی از شب خواب کردند. ﴿۱۷﴾ و به وقت سحر ایشان طلب آمرزش نمودندی. ﴿۱۸﴾ و در اموال ایشان حصه ای مقرر بود برای سؤال کننده و برای تنگدست کم سؤال. ﴿۱۹﴾ و در زمین نشانه ها است یقین کنندگان را. ﴿۲۰﴾ و در ذات شما نشانه ها است آیا نمی گیرید؟ ﴿۲۱﴾ و در آسمان است رزق شما و آنچه وعده داده می شود شما را^(۲). ﴿۲۲﴾ پس قسم به پروردگار آسمان و زمین! هرآینه این خبر راست است، مانند آنکه شما سخن می گوئید^(۳). ﴿۲۳﴾ آیا آمده است پیش تو خبر مهمانان گرامی ابراهیم؟ ﴿۲۴﴾ چون درآمدند بر ابراهیم پس سلام گفتند. جواب سلام داد و به دل گفت: ایشان گروهی هستند ناشناخته. ﴿۲۵﴾ پس متوجه شد به سوی اهل خانه خود، پس آورد کباب گوساله فربه. ﴿۲۶﴾ پس نزدیک ساخت آن را به ایشان، گفت: آیا نمی خورید؟ ﴿۲۷﴾ پس چون نخوردند در خاطر خود یافت از ایشان ترسی. گفتند: مترس! و بشارت دادندش به فرزندی دانا. ﴿۲۸﴾ پس پیش آمد زن ابراهیم به آوازی و طپانچه زد روی خود را (یعنی به تعجب) و گفت: آیا بزاید پیرزنی نازاییده؟! ﴿۲۹﴾ فرشتگان گفتند: همچنین گفت پروردگار تو هرآینه اوست با حکمت دانا. ﴿۳۰﴾ ابراهیم گفت: پس چیست مقصد شما ای فرستادگان؟! ﴿۳۱﴾ گفتند: هرآینه ما فرستاده شدیم به سوی گروهی گناهکار. ﴿۳۲﴾ تا بفرستیم بر سر ایشان سنگواری از گل. ﴿۳۳﴾ نشانمند کرده شده است نزدیک پروردگار تو برای آنان که از حد بیرون شده اند. ﴿۳۴﴾ پس برآوردیم هر که را بود در آن دیه از مؤمنان. ﴿۳۵﴾

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ ﴿۷﴾ إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ ﴿۸﴾ يُؤَفِّكُ عَنْهُ مَنْ أَفَكَ ﴿۹﴾ قُتِلَ الْخَرَّصُونَ ﴿۱۰﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ ﴿۱۱﴾ يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الَّذِينَ ﴿۱۲﴾ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ﴿۱۳﴾ ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿۱۴﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿۱۵﴾ ءَاخِذِينَ مَا ءَاتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ ﴿۱۶﴾ كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ﴿۱۷﴾ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿۱۸﴾ وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّالِيلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿۱۹﴾ وَفِي الْأَرْضِ ءَايَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ ﴿۲۰﴾ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿۲۱﴾ وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ﴿۲۲﴾ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ ﴿۲۳﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿۲۴﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ ﴿۲۵﴾ فَرَاعَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ﴿۲۶﴾ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿۲۷﴾ فَأَوَّجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَحْزَنْ وَبَشِّرْهُ بِغُلَامٍ عَليمٍ ﴿۲۸﴾ فَأَقْبَلَتْ أَمْرَأَتُهُ فِي صَرَةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ ﴿۲۹﴾ قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿۳۰﴾ قَالُوا فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿۳۱﴾ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ﴿۳۲﴾ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ ﴿۳۳﴾ مُّسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ﴿۳۴﴾ فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۳۵﴾

قسم به آسمان! خداوند راه ها^(۱). ﴿۷﴾ هرآینه شما در سخنی باهم اختلاف دارنده هستید. ﴿۸﴾ بازگردانیده می شود [از قرآن] هر که [در علم الهی از خیر] مصروف است. ﴿۹﴾ لعنت کرده شد

۱- یعنی صورت های مختلف دارند، مانند شکل شیر و شکل بره و شکل عقرب، والله اعلم.

۲- یعنی پیش از وجود خارجی، در عالم ملکوت، رزق و عقوبت و امثال آن متصور می شود، والله اعلم.

۳- یعنی چنانکه در گفتن خود یقین دارید که ما البته می گوئیم، همچنین به این خبر یقین باید آورد، والله اعلم.

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٦﴾
وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٣٧﴾
وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾
فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ﴿٣٩﴾ فَأَخَذْنَاهُ
وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿٤٠﴾ وَفِي عَادٍ إِذْ
أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ ﴿٤١﴾ مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ
أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْنَاهُ كَالْعَرِيمِ ﴿٤٢﴾ وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ
لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٤٣﴾ فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ
فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿٤٤﴾ فَمَا أَصْطَلَعُوا
مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ ﴿٤٥﴾ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّنْ
قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٤٦﴾ وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا
بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿٤٧﴾ وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ
الْمُهْدُونَ ﴿٤٨﴾ وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ
تَذَكَّرُونَ ﴿٤٩﴾ فَفِرُّوْا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ
مُّبِينٌ ﴿٥٠﴾ وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ إِنِّي لَكُم
مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٥١﴾

پس نیافتیم آنجا غیر یک خانه از مسلمانان^(۱). ﴿۳۶﴾ و
گذاشتیم در آن دیه نشانه‌ای برای آنان که می‌ترسند از
عذاب درد دهنده^(۲). ﴿۳۷﴾ و در قصه موسی نشانه‌ای
است، چون فرستادیمش به سوی فرعون به دلیل واضح.
﴿۳۸﴾ پس روگردان شد همراه قوت خود^(۳) و گفت:
جادوگری یا دیوانه است. ﴿۳۹﴾ پس گرفتیم او را و لشکر
او را، پس افکندیم ایشان را در دریا و او کننده بود کاری
را که موجب ملامت باشد. ﴿۴۰﴾ و در قصه عاد نشانه‌ای
است چون فرستادیم بر ایشان بادی بی‌منفعت. ﴿۴۱﴾
نگذارد هیچ چیزی را که برسد به وی مگر سازد آن را
مانند استخوان پوسیده. ﴿۴۲﴾ و در قصه ثمود نشانه‌ای
است چون گفته شد ایشان را بهره‌مند باشید تا مدتی.
﴿۴۳﴾ پس سر کشیدند از فرمان پروردگار خویش، پس
در گرفت ایشان را نعره تند و ایشان می‌دیدند. ﴿۴۴﴾ پس
نتوانستند برخاستن و نبودند انتقام کشنده. ﴿۴۵﴾ و هلاک
ساختیم قوم نوح را پیش از این هرآینه ایشان بودند
گروهی بدکار. ﴿۴۶﴾ و آسمان را بنا کردیم به قوت و
هرآینه ما تواناییم. ﴿۴۷﴾ و زمین را گسترانیدیم، پس
نیکو گسترانده‌ایم. ﴿۴۸﴾ و از هر چیزی آفریدیم دو قسم
تا شما پندپذیر شوید^(۴). ﴿۴۹﴾ [پیغامبر گوید]: بگریزید
به سوی خدا هرآینه من برای شما از جانب او ترساننده
آشکارم. ﴿۵۰﴾ و مقرر مکنید با خدا معبودی دیگر را،
هرآینه من برای شما از جانب او ترساننده آشکارم.
﴿۵۱﴾

۱- یعنی خانه حضرت لوط، والله اعلم.

۲- یعنی آثار آن سنگباران موجود است، والله اعلم.

۳- یعنی لشکر خود.

۴- یعنی اعلی و ادنی.

كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْنُونٌ ﴿٥٢﴾ أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿٥٣﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ ﴿٥٤﴾ وَذَكَرَ فَإِنَّ الْذَكَرَ يُنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٥﴾ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا ﴿٥٧﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿٥٨﴾ فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٥٩﴾ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿٦٠﴾

سُورَةُ الطُّورِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالطُّورِ ﴿١﴾ وَكَتَبَ مَسْطُورٍ ﴿٢﴾ فِي رَقٍّ مَنشُورٍ ﴿٣﴾ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ﴿٤﴾ وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ﴿٥﴾ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ﴿٦﴾ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ﴿٧﴾ مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ ﴿٨﴾ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ﴿٩﴾ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ﴿١٠﴾ فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ﴿١٢﴾ يَوْمَ يُدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَا ﴿١٣﴾ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٤﴾

همچنین نیامده است نزدیک آنان که پیش از ایشان بودند هیچ پیغامبری، مگر گفتند: جادوگری یا دیوانه است. ﴿۵۲﴾ آیا با یکدیگر وصیت کرده آمده‌اند [به آنکار]؟ بلکه ایشان گروهی سرکش‌اند. ﴿۵۳﴾ پس روی بازکش از ایشان، پس نیستی تو ملامت کرده شده. ﴿۵۴﴾ و پند ده، هر آینه پند دادن سود می‌دهد مؤمنان را. ﴿۵۵﴾ و نیافریدیم جن و انس را مگر برای آنکه پرستند مرا. ﴿۵۶﴾ نمی‌خواهم از ایشان رزق را و نمی‌خواهم که مرا طعام دهند. ﴿۵۷﴾ هر آینه خدا همون است رزق دهنده خداوند توانایی زور آور^(۱). ﴿۵۸﴾ پس هر آینه آنان را که ستم کرده‌اند نصیه است (یعنی از عقوبت) مانند نصیه یاران گذشته ایشان، پس باید که شتاب طلب نکنند از من. ﴿۵۹﴾ پس وای کافران را از آن روز ایشان که وعده داده می‌شوند. ﴿۶۰﴾

سوره طور

به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به کوه طور. ﴿۱﴾ و قسم به کتاب نوشته شده! ﴿۲﴾ در کاغذ گشاده^(۲). ﴿۳﴾ و قسم به خانه معمور! ﴿۴﴾ و قسم به سقف برافراشته شده! ﴿۵﴾ و قسم به دریای پر کرده شده! ﴿۶﴾ هر آینه عذاب پروردگار تو بودنی است. ﴿۷﴾ نیست او را هیچ دفع کننده. ﴿۸﴾ روزی که جنبش کند آسمان جنبش کردنی. ﴿۹﴾ و روان شود کوه‌ها، روان شدنی. ﴿۱۰﴾ پس وای آن روز دروغ شمارندگان را! ﴿۱۱﴾ آنان که ایشان به بیهوده‌گویی بازی می‌کنند. ﴿۱۲﴾ روزی که به سختی روان کرده شوند به سوی آتش دوزخ روان کردنی. ﴿۱۳﴾ این است آتشی که شما آن را دروغ می‌شمردید. ﴿۱۴﴾

۱- یعنی آدمیان بنده می‌گیرند تا در مآکل و مشرب معاونت کنند، به

خلاف خدا، والله اعلم.

۲- یعنی تورات یا قرآن.

۳- یعنی آنکه در آسمان است.

۴- یعنی آسمان.

أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿١٥﴾ أَصَلَوْهَا
فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ
مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ إِنَّ الْأَمْتَقِينَ فِي جَنَّتٍ وَنَعِيمٍ
﴿١٧﴾ فَلَكِهِمْ بِمَا عَمَلْنَاهُمْ رِزْقٌ وَوَقَلْنَاهُمْ رِزْقَهُمْ عَذَابَ
الْجَحِيمِ ﴿١٨﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
﴿١٩﴾ مُتَكِسِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ
عِينٍ ﴿٢٠﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ
أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ
شَيْءٍ كُلُّ أُمَرٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ ﴿٢١﴾ وَأَمَدَدْنَاهُمْ
بِفَلَكَهٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢٢﴾ يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا
كَأَسَا لَا لَعُوٍّ فِيهَا وَلَا تَأْنِيْمٌ ﴿٢٣﴾ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ
غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ ﴿٢٤﴾ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ
عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٥﴾ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا
مُشْفِقِينَ ﴿٢٦﴾ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَدْنَا عَذَابَ الِلسَمُومِ
﴿٢٧﴾ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ﴿٢٨﴾
فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ
﴿٢٩﴾ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ ﴿٣٠﴾
قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُرَبِّصِينَ ﴿٣١﴾

آیا سحر است این یا شما در نمی‌نگرید؟ ﴿۱۵﴾ در آید
به این آتش پس صبر کنید یا نکنید برابر است بر شما، جز
این نیست که جزا داده خواهید شد به حسب آنچه
می‌کردید. ﴿۱۶﴾ هر آینه متقیان در بوستان‌ها و نعمت‌ها
باشند. ﴿۱۷﴾ خوشحال شده به سبب آنکه نعمت داد
ایشان را پروردگار ایشان و به سبب آنکه نگاهداشت ایشان
را پروردگار ایشان از عذاب دوزخ. ﴿۱۸﴾ بخورید و
بنوشید گوارا به سبب آنچه می‌کردید. ﴿۱۹﴾ تکیه زده بر
تخت‌ها برابر یکدیگر گسترده و کدخدا کنیم ایشان را به
حوران گشاده چشم. ﴿۲۰﴾ و آنان که ایمان آوردند و بر
پی ایشان رفت اولاد ایشان در ایمان، برسانیم بدیشان اولاد
ایشان را و نقصان نکنیم ایشان را از جزای عمل ایشان
چیزی هر مردی به آنچه عمل کرد در گرو باشد. ﴿۲۱﴾ و
پی‌درپی عطا کنیم ایشان را میوه و گوشت از جنسی که
طلب کنند. ﴿۲۲﴾ از دست یکدیگر می‌گیرند آنجا پیاله
شراب. نه بیهوده‌گویی باشد در آن و نه بزهکاری. ﴿۲۳﴾
و آمدو شد کنند حوالی ایشان نوجوانی چند از ایشان گویا
آن نوجوانان مروارید در پرده پنهان‌اند. ﴿۲۴﴾ و روی
آورد بعضی ایشان بر بعضی از یکدیگر سؤال کنان. ﴿۲۵﴾
گفتند: هر آینه ما پیش از این در میان اهل خانه خود ترسان
بودیم. ﴿۲۶﴾ پس نعمت فراوان داد ما را خدا و نگاه
داشت ما را از عذاب باد گرم. ﴿۲۷﴾ هر آینه ما پیش از
این عبادت می‌کردیم او را، هر آینه اوست احسان‌کننده
مهربان. ﴿۲۸﴾ [یا محمد] پس پند ده. نیستی به فضل
پروردگار خود کاهن و نه دیوانه. ﴿۲۹﴾ بلکه آیا
می‌گویند: شاعر است، انتظار تو می‌کشیم در حق او
حوادث زمانه را. ﴿۳۰﴾ بگو: انتظار بکشید، هر آینه من با
شما از انتظار کشندگانم. ﴿۳۱﴾

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَمُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿٣٢﴾ أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٣﴾ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٣٤﴾ أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ ﴿٣٥﴾ أَمْ خُلِقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ ﴿٣٦﴾ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمَصِيطِرُونَ ﴿٣٧﴾ أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٣٨﴾ أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنُونَ ﴿٣٩﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَّعْرَمٍ مُثْقَلُونَ ﴿٤٠﴾ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ ﴿٤١﴾ أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ ﴿٤٢﴾ أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٣﴾ وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ ﴿٤٤﴾ فَذَرَهُمْ حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ ﴿٤٥﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٦﴾ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٧﴾ وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٤٨﴾ وَمِنْ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَرَ النُّجُومِ ﴿٤٩﴾

آیا می‌فرماید به این عقیده عقل‌های ایشان، یا ایشان گروهی سرکش‌اند؟ ﴿۳۲﴾ آیا می‌گویند که بر بسته است قرآن را؟ نی! بلکه ایمان نمی‌آرند. ﴿۳۳﴾ پس باید بیارند سخنی مانند این، اگر راستگو هستند. ﴿۳۴﴾ آیا ایشان آفریده شده‌اند به غیر آفریننده یا ایشان خود آفریدگارند؟ ﴿۳۵﴾ آیا ایشان آفریده‌اند آسمان‌ها و زمین را؟ بلکه ایشان باور نمی‌کنند. ﴿۳۶﴾ آیا نزدیک ایشان خزانه‌های پروردگار تو است یا ایشانند چیره‌دست؟ ﴿۳۷﴾ آیا ایشان را نردبانی هست که بر آن صعود کرده می‌شوند؟ پس باید که بیارد شنونده ایشان دلیل ظاهر را. ﴿۳۸﴾ آیا خدا را دختران پیدا شوند و شما را پسران؟ ﴿۳۹﴾ آیا سؤال می‌کنی از ایشان مزدی بر رسالت، پس ایشان از غرامت گرانبار شده‌اند؟ ﴿۴۰﴾ آیا نزدیک ایشان علم غیب است، پس ایشان می‌نویسند؟ ﴿۴۱﴾ آیا می‌خواهند بداندیشی؟ پس کافران ایشانند در ضرر بداندیشی گرفتار شده. ﴿۴۲﴾ آیا ایشان را معبودی هست بجز خدا؟ پاکی خدای راست از آنکه شریک مقرر می‌کنند. ﴿۴۳﴾ و اگر ببینند یک پاره را از آسمان افتاده، گویند: این ابری است بر هم نشسته. ﴿۴۴﴾ پس بگذار ایشان را تا آنکه ملاقات کنند به آن روز خود که در آن بیهوش کرده شوند. ﴿۴۵﴾ روزی که دفع نکند از ایشان مکر ایشان چیزی را و نه ایشان نصرت داده شوند. ﴿۴۶﴾ و هرآینه ستمکاران را عذابی است غیر این و لیکن اکثر ایشان نمی‌دانند. ﴿۴۷﴾ و صبر کن به انتظار حکم پروردگار، خود هرآینه تو حضور چشم مایی و به پاکی یاد کن با ستایش پروردگار خود وقتی که به صبح بر خیزی. ﴿۴۸﴾ و بعض اوقات شب به پاکی یاد کن خدا را و عقب غایب شدن ستاره‌ها نیز. ﴿۴۹﴾

سُورَةُ النَّجْمِ

سوره نجم

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ۝۱ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ۝۲
وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۝۳ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۝۴
عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ۝۵ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ ۝۶
وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ۝۷ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ۝۸ فَكَانَ قَابَ
قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ۝۹ فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ۝۱۰ مَا
كَذَّبَ الْفَوَادُ مَا رَأَىٰ ۝۱۱ أَفَتَمْرُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ۝۱۲
وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ۝۱۳ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ۝۱۴
عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ۝۱۵ إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا
يَغْشَىٰ ۝۱۶ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ۝۱۷ لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ
عَآيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ ۝۱۸ أَفَرَأَيْتُمْ أَكَلَتْ وَالْعُرَىٰ ۝۱۹
وَمَنُوءَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ ۝۲۰ أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ ۝۲۱
تِلْكَ إِذَا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ ۝۲۲ إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ
سَمِيَتْهُمُوهَا أَنْتُمْ وَعَبَاؤُكُمْ مَّا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ
سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ
وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ ۝۲۳ أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا
تَمَنَّىٰ ۝۲۴ فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ ۝۲۵ وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ
فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ
أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ ۝۲۶

قسم به ستاره چون فروافتد! ﴿۱﴾ گمراه نشد این یار
شما^(۱) و غلط نکرد راه را. ﴿۲﴾ و سخن نمی‌گوید از
خواهش نفس. ﴿۳﴾ نیست قرآن مگر وحی که به سوی او
فرستاده می‌شود. ﴿۴﴾ آموخته است او را فرشته بسیار با
قوت. ﴿۵﴾ صاحب حسن. پس راست استاد آن فرشته.
﴿۶﴾ و او به کناره بلند آسمان بود. ﴿۷﴾ باز نزدیک شد و
فرواد آمد. ﴿۸﴾ پس رسید به مسافت دو کمان یا نزدیک‌تر
از آن. ﴿۹﴾ پس پیغام رسانید به سوی بنده خدا آنچه
رسانید. ﴿۱۰﴾ دروغ داخل نکرد دل پیغامبر در آنچه
معاینه کرد. ﴿۱۱﴾ آیا شما گفتگو می‌کنید با پیغامبر در
آنچه می‌بیند. ﴿۱۲﴾ و هرآینه دیده بود [این فرشته را]
یکبار دیگر ﴿۱۳﴾ نزدیک سدره المنتهی. ﴿۱۴﴾ نزدیک
آن سدره است بهشت آرامگاه. ﴿۱۵﴾ [فرشته را دید] وقتی
که می‌پوشید سدره را آنچه می‌پوشیده^(۲). ﴿۱۶﴾ کجروی
نکرد چشم پیغامبر و از مقصد تجاوز نمود. ﴿۱۷﴾ هرآینه
معاینه کرد بعض نشانه‌های بزرگ پروردگار خود ﴿۱۸﴾
آیا دیدید لات را و عزری را؟ ﴿۱۹﴾ و منات، سیومی
[بی‌قدر] را؟ ﴿۲۰﴾ آیا شما را فرزند باشد و خدا را دختر؟!
﴿۲۱﴾ این قسمت آنگاه قسمت بی‌انصاف باشد. ﴿۲۲﴾
نیست این مگر نام‌های چند که مقرر کرده‌اید آن را شما و
پدران شما و فرود نیاورده است خدا بر ثبوت آن هیچ
دلیلی. پیروی نمی‌کنند مگر وهم فاسد را و چیزی را که
خواهش می‌کند نفس و هرآینه آمده است ایشان را از
پروردگار ایشان هدایت. ﴿۲۳﴾ آیا میسر است آدمی را
آنچه آرزو می‌کند؟ ﴿۲۴﴾ پس خدای راست آن جهان و
این جهان. ﴿۲۵﴾ و بسیار فرشته‌اند در آسمان‌ها که نفع
نمی‌کند شفاعت ایشان چیزی را مگر بعد از آنکه دستوری
دهد خدای و رضامند شود برای هر که خواهد. ﴿۲۶﴾

۱- یعنی محمد ﷺ.

۲- یعنی وقتی که انوار الهی از هر جانب سدره را احاطه کرد و این در شب معراج

بود، والله اعلم.

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُوهَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً الْأُنثَى ﴿٢٧﴾ وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا ﴿٢٨﴾ فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٢٩﴾ ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى ﴿٣٠﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسْتَوُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى ﴿٣١﴾ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى ﴿٣٢﴾ أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى ﴿٣٣﴾ وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى ﴿٣٤﴾ أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَى ﴿٣٥﴾ أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى ﴿٣٦﴾ وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى ﴿٣٧﴾ أَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ﴿٣٨﴾ وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ﴿٣٩﴾ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى ﴿٤٠﴾ ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءُ الْأَوْفَى ﴿٤١﴾ وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى ﴿٤٢﴾ وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى ﴿٤٣﴾ وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتٌ وَأَحْيَا ﴿٤٤﴾

هرآینه آنان که باور نمی‌دارند آخرت را مسمی می‌کند فرشتگان را به نام دختران. ﴿۲۷﴾ و نیست ایشان را به ثبوت این مقدمه، هیچ دانش پیروی نمی‌کنند مگر وهم را و هرآینه وهم نفع نمی‌دهد از شناخت حقیقت چیزی را. ﴿۲۸﴾ پس اعراض کن از کسی که روی گردان شد از یاد کردن ما و طلب نکرد مگر زندگانی این جهانی را. ﴿۲۹﴾ این است نهایت ایشان از روی دانش^(۱). هرآینه پروردگار تو داناست که غلط کرد راه خدا را و اوست دانا به هر که راه یافت. ﴿۳۰﴾ و خدای راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است عاقبت کار جزا دهد آنان را که بدکاری کردند، به حسب آنچه عمل نمودند و جزا دهد آنان را که نیکوکاری کردند به خصلت نیک. ﴿۳۱﴾ آنان که پرهیزگاری می‌کنند از کبایر گناهان و بی‌حیایی‌ها سوای گناهان صغیره، هرآینه پروردگار تو بسیار آمرزش است. اوست دانا به احوال شما وقتی که پیدا کرد شما را از زمین و وقتی که شما بچه بودید در شکم مادران خویش. پس ستایش مکنید خویشان را. خدا داناتر است به کسی که پرهیزگاری کرد. ﴿۳۲﴾ آیا دیدی کسی را که روی گردان شد؟ ﴿۳۳﴾ و داد اندکی از مال و سخت دل شد. ﴿۳۴﴾ آیا نزدیک اوست علم غیب؟ پس گویا او هر چیز را به چشم می‌بیند. ﴿۳۵﴾ آیا خبر داده نشد به آنچه در صحیفه‌های موسی؟ ﴿۳۶﴾ و ابراهیم که وفادار بود؟ ﴿۳۷﴾ [مضمونش آنکه] بر نخواهد داشت هیچ بردارنده بار گناه دیگری را. ﴿۳۸﴾ و آنکه نرسد آدمی را مگر آنچه عمل کرد. ﴿۳۹﴾ و آنکه سعی آدمی دیده خواهد شد. ﴿۴۰﴾ باز داده خواهد شد به حسب آن سعی، جزای تمام. ﴿۴۱﴾ و آنکه به سوی پروردگار تو است بازگشت. ﴿۴۲﴾ و آنکه او خندانید و گریانید. ﴿۴۳﴾ و آنکه او میرانید و او زنده کرده. ﴿۴۴﴾

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ۖ مِن نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ ۖ وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشَأَ الْأُخْرَىٰ ۖ وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ ۖ وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعَرَىٰ ۖ وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ ۖ وَثَمُودًا فَمَا أَبْقَىٰ ۖ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمُ أَظْلَمَ وَأَطْعَىٰ ۖ وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ ۖ فَغَشَّاهَا مَا غَشَّىٰ ۖ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ ۖ هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذِرِ الْأُولَىٰ ۖ أَرَفَتِ الْأَزِفَةَ ۖ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ ۖ أَفَمِنَ هَذَا الْحَدِيثِ تَعَجَّبُونَ ۖ وَتَصْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ۖ وَأَنْتُمْ سَمِدُونَ ۖ فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا ۝

و آنکه خدا آفرید دو قسم نر و ماده را. ﴿۴۵﴾ از نطفه چون ریخته شده در رحم. ﴿۴۶﴾ و آنکه بر خدا لازم است آن پیدا کردن دیگر. ﴿۴۷﴾ و آنکه او توانگر ساخت و سرمایه داد. ﴿۴۸﴾ و آنکه همونست پروردگار ستاره شعری. ﴿۴۹﴾ و آنکه او هلاک ساخت عاد نخستین را. ﴿۵۰﴾ و هلاک کرده ثمود را. پس هیچ کس را باقی نگذاشت. ﴿۵۱﴾ و هلاک کرد قوم نوح را پیش از این، هر آینه ایشان بودند ستمکارتر و از حد گذشته تر. ﴿۵۲﴾ و شهر مؤتفکه را بر زمین افکند. ﴿۵۳﴾ پس پوشانید بر وی آنچه پوشانید^(۱). ﴿۵۴﴾ پس از کدام یک از نعمت های پروردگار خود، ای آدمی! شبهه می کنی؟. ﴿۵۵﴾ این پیغامبر ترساننده ای است از جنس ترسانندگان پیشین. ﴿۵۶﴾ نزدیک آمد قیامت. ﴿۵۷﴾ نیست او را سوای خدا، هیچ ظاهر کننده. ﴿۵۸﴾ آیا از این سخن تعجب می کنید؟. ﴿۵۹﴾ و خنده می نمایند و نمی گیرید! ﴿۶۰﴾ و شما بازی کننده هستید. ﴿۶۱﴾ پس سجده کنید خدا را و پرستش نمایید. ﴿۶۲﴾

سوره قمر

به نام خداوند بخشنده مهربان

نزدیک آمد قیامت و بشکافت ماه^(۲). ﴿۱﴾ و اگر [کافران] ببینند نشانه ای، اعراض کنند و گویند: سحری است قوی. ﴿۲﴾ و دروغ شمردند و پیروی خواهش خود کردند و هر چیز در وقت خود قرار گرفته است. ﴿۳﴾ و هر آینه آمده است بدیشان از خبرها آنچه در آن پند است. ﴿۴﴾ و آمده است دانش تمام. پس فایده نمی دهد ترسانیدن ها. ﴿۵﴾ پس اعراض کن از ایشان آن روزی که بخواند خواننده به سوی چیزی ناخوش، نیایش. ﴿۶﴾

سُورَةُ الْقَمَرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَقْرَبَتِ السَّاعَةُ ۖ وَأَنشَقَّ الْقَمَرُ ۖ وَإِن يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ ۖ وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۖ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ ۖ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ۖ حِكْمَةٌ بَلِغَةٌ ۖ فَمَا تُغْنِ النَّذِرُ ۖ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ ۖ

﴿۶﴾

۱- یعنی سنگباران کرد.

۲- اشارت است به آن قصه که کافران از حضرت پیغامبر ﷺ معجزه طلب کردند. خدای تعالی ماه را دو قطعه ساخت، یکی بر کوه ابوقیس و دیگر بر کوهی قیقعان، والله اعلم.

خُشَعًا أَبْصَرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ
جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ ﴿٧﴾ مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ
الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ﴿٨﴾ كَذَبْتَ قَبْلَهُمْ قَوْمُ
نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ ﴿٩﴾ فَدَعَا
رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرْ ﴿١٠﴾ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ
بِمَاءٍ مِنْهُمِ ﴿١١﴾ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ
عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ ﴿١٢﴾ وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ الْأَوْجِ وَدُسِرِ
﴿١٣﴾ تَجَرَّى بِأَعْيُنِنَا جَزَاءَ لِمَنْ كَانَ كُفِرَ ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ
تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿١٥﴾ فَكَيْفَ كَانَ
عَذَابِي وَنُذِرٍ ﴿١٦﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ
مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿١٧﴾ كَذَبْتَ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرٍ
﴿١٨﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ
مُسْتَمِرٍّ ﴿١٩﴾ تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ
﴿٢٠﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرٍ ﴿٢١﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا
الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٢٢﴾ كَذَبْتَ ثَمُودُ
بِالْنُّذُرِ ﴿٢٣﴾ فَقَالُوا أَبَشَرًا مِثَّا وَاحِدًا تَتَّبِعُهُوَ إِنَّا إِذَا
لَفِيَ ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ﴿٢٤﴾ أُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا
بَلْ هُوَ كَذَابٌ أَشَرٌ ﴿٢٥﴾ سَيَعْلَمُونَ عَذَابَ مَنْ الْكُذَّابُ
الْأَشَرُ ﴿٢٦﴾ إِنَّا مُرْسِلُوا الثَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ
وَأَصْطَبِرْ ﴿٢٧﴾

ظاهر شده باشد بر چشم ایشان، برآیند آن روز از قبور،
گویا ایشان ملخ پراکنده اند. ﴿٧﴾ شتاب کنان به سوی آن
خواننده. گویند کافران: این روزیست دشوار. ﴿٨﴾ دروغ
شمرند پیش از ایشان قوم نوح، پس دروغ داشتند بنده ما
را و گفتند: دیوانه است و با او سخن درشت گفته. ﴿٩﴾
پس دعا کرد به جناب پروردگار خود که من مغلوب

شده ام پس انتقام بکش. ﴿١٠﴾ پس بگشادیم درهای
آسمان را به آب بسیار ریزنده. ﴿١١﴾ و روان کردم از
زمین چشمه ها، پس جمع شد آب از هر جانب بنابر کاری
که مقدر شده بود^(۱). ﴿١٢﴾ و سوار کردم نوح را بر کشتی
خداوند تخته ها و می خها. ﴿١٣﴾ می رفت به حضور چشم
ما به جهت انتقام برای کسی که باور نداشته بودند او را^(۲).
﴿١٤﴾ و هرآینه گذاشتیم این عقوبت را نشانه ای پس آیا
هیچ پندپذیرنده است؟ ﴿١٥﴾ پس چگونه بود عقوبت من
و ترسانیدن های من؟ ﴿١٦﴾ و هرآینه آسان کردیم قرآن
را تا پند گیرند. پس آیا هیچ پند پذیرنده است؟ ﴿١٧﴾
دروغ شمرند قوم عاد. پس چگونه بود عذاب من و
ترسانیدن های من؟ ﴿١٨﴾ هرآینه ما فرستادیم بر ایشان
باد تند را در روز شوم به غایت سخت. ﴿١٩﴾ بر می کند
مردمان را گویا ایشان تنه های درخت خرمای از بیخ
برکنده اند. ﴿٢٠﴾ پس چگونه بود عقوبت من و
ترسانیدن های من؟ ﴿٢١﴾ و هرآینه آسان کرده قرآن را
تا پند گیرند. پس آیا هیچ پندپذیرنده ای است؟ ﴿٢٢﴾
دروغ شمرند قوم ثمود ترسانندگان را. ﴿٢٣﴾ پس گفتند:
آیا یک آدمی را از قوم خویش پیروی کنیم؟ هرآینه ما
آنگاه در گمراهی و دیوانگی باشیم. ﴿٢٤﴾ آیا نازل کرده
شد بر وی وحی از میان ما؟ [نی!] بلکه او دروغگویی
خودپسند است. ﴿٢٥﴾ خواهند دانست فردا کیست
دروغگوی خودپسند. ﴿٢٦﴾ هرآینه خواهیم فرستاد ماده
شتر را به جهت آزمایشی، ایشان را، پس ای صالح! منتظر
ایشان باش و صبر پیش گیر. ﴿٢٧﴾

۱- یعنی هلاک قوم او.

۲- یعنی برای انتقام خصومت کنان.

وَنَبِّئُهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلٌّ شَرِبَ مِمَّا خُتِرَ ۝^(۲۸)
فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ ۝^(۲۹) فَكَيْفَ كَانَ
عَذَابِي وَنُذْرٍ ۝^(۳۰) إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً
فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُخْتَطِرِ ۝^(۳۱) وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ
لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّذَكِّرٍ ۝^(۳۲) كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذْرِ
۝^(۳۳) إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا عَالَ لُوطٌ نَّجَّيْنَاهُمْ
بِسَحَرٍ ۝^(۳۴) نِعْمَةً مِنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ
۝^(۳۵) وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذْرِ ۝^(۳۶) وَلَقَدْ
رَاوَدُوهُ عَنْ صَيفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي
وَنُذْرٍ ۝^(۳۷) وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقَرٌّ ۝^(۳۸)
فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذْرٍ ۝^(۳۹) وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ
فَهَلْ مِنْ مُّذَكِّرٍ ۝^(۴۰) وَلَقَدْ جَاءَ عَالَ فِرْعَوْنَ النُّذْرُ ۝^(۴۱)
كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ ۝^(۴۲)
أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أُولَئِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي
الزُّبُرِ ۝^(۴۳) أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرُونَ ۝^(۴۴) سَيَهْزِمُ
الْجَمْعُ وَيُولُونَ الدُّبْرَ ۝^(۴۵) بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ
وَالسَّاعَةُ أَذْهَىٰ وَأَمْرٌ ۝^(۴۶) إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ
وَسُعْرٍ ۝^(۴۷) يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا
مَسَّ سَقَرَ ۝^(۴۸) إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ۝^(۴۹)

خبردار کن ایشان را که آب مقسوم است در میان ایشان، به هر
یک حصّه‌ای از آب حاضر شود ﴿۲۸﴾ پس آواز دادند یار
خود را، پس دست‌درازی کرد و مجروح ساخت ﴿۲۹﴾ پس
چگونه بود عقوبت من و ترسانیدن‌های من؟ ﴿۳۰﴾ هرآینه ما

فرستادیم بر ایشان یک نعره، پس شدند مانند حظیره^(۱) در هم
شکسته که حظیره سازند آن را بنا کرده باشد ﴿۳۱﴾ و هرآینه
آسان ساختیم قرآن را برای آنکه پند گیرند. پس آیا هیچ پند
گیرنده هست؟ ﴿۳۲﴾ دروغی شمردند قوم لوط ترسانندگان
را. ﴿۳۳﴾ هرآینه ما فرستادیم بر ایشان باد سنگبار، مگر اهل
خانه لوط که خلاص ساختیم ایشان را وقت سحر. ﴿۳۴﴾ به
مهربانی از نزدیک خویش. همچنین جزا می‌دهیم هر که را که
شکرگزاری کرد. ﴿۳۵﴾ و هرآینه لوط ترسانیده بود ایشان را
از عقوبت ما، پس مکابره کردند در آن ترسانیدن‌ها. ﴿۳۶﴾ و
هرآینه سخن گفتند تا غفلت دهند لوط را از حفظ مهمانان او،
پس محو کردیم چشم ایشان را. [پس گفتیم]: بجشید عذاب مرا
و ترسانیدن‌های مرا. ﴿۳۷﴾ و هرآینه غارت کرد ایشان را یک
پگاه عقوبتی جای گیرنده. ﴿۳۸﴾ [پس گفتیم]: بجشید عذاب
مرا و ترسانیدن‌های مرا. ﴿۳۹﴾ و هرآینه آسان ساختیم قرآن
را برای آنکه پند گیرند. پس آیا هیچ پند گیرنده است؟ ﴿۴۰﴾
و هرآینه آمدند خویشاوندان فرعون را ترسانندگان. ﴿۴۱﴾
دروغی شمردند نشانه‌های ما را، همه آنها. پس در گرفتیم ایشان
را مانند در گرفتن غالب قوی. ﴿۴۲﴾ آیا کافران شما [ای
قریش] بهتراند از این جماعت‌ها یا شما را حکم خلاصی است
در کتاب‌های پیشین؟ ﴿۴۳﴾ آیا می‌گویند: ما جماعتی انتقام
کننده‌ایم؟ ﴿۴۴﴾ شکست داده خواهد شد این جماعت را و
بگرداند ایشان پشت. ﴿۴۵﴾ بلکه قیامت وعده‌گاه ایشان است
و قیامت سخت‌تر و تلخ‌تر است. ﴿۴۶﴾ هرآینه گناهکاران در
گمراهی و جهالتند. ﴿۴۷﴾ [یاد کن] روزی که کشیده شود
ایشان را در دوزخ بر روی ایشان. [گوییم]: بجشید دست
رسانیدن دوزخ را. ﴿۴۸﴾ هرآینه ما هر چیز را پیدا کردیم به
اندازه مقرر. ﴿۴۹﴾

۱- مترجم گوید: حظیره، احاطه است که از شاخ‌های خشک و خار برای
گوسفند بنا کنند و آن به مرور زمان پایمال موایی می‌گردد. خدای
تعالی به آن پایمال شده تشبیه داد.

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ﴿٥٠﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا
أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٥١﴾ وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي
الزُّبُرِ ﴿٥٢﴾ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌ ﴿٥٣﴾ إِنَّ الْأُمْتَقِينَ
فِي جَنَّتٍ وَنَهْرٍ ﴿٥٤﴾ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ
مُّقْتَدِرٍ ﴿٥٥﴾

سُورَةُ الرَّحْمَنِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّحْمَنُ ﴿١﴾ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿٢﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ﴿٣﴾
عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿٤﴾ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ﴿٥﴾
وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ﴿٦﴾ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا
وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ﴿٧﴾ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ﴿٨﴾ وَأَقِيمُوا
الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ﴿٩﴾ وَالْأَرْضَ
وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ﴿١٠﴾ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ
الْأَكْمَامِ ﴿١١﴾ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ﴿١٢﴾
فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٣﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ
مِنْ صَلْصَلٍ كَالْفَخَّارِ ﴿١٤﴾ وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ
مِنْ نَّارٍ ﴿١٥﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٦﴾

و نیست حکم ما مگر یک کلمه، مانند گردانیدن چشم^(۱).
﴿۵۰﴾ و هرآینه هلاک ساختیم امثال شما را، پس آیا
هیچ پندگیرنده‌ای هست؟ ﴿۵۱﴾ و هر چیزی که کرده‌اند
مکتوب است در نامه اعمال. ﴿۵۲﴾ و هر خورد و بزرگ
نوشته شده است^(۲). ﴿۵۳﴾ هرآینه پرهیزگاران در
بوستان‌ها و چشمه‌ها باشند. ﴿۵۴﴾ هرآینه متقیان در
مجلس راستی باشند نزدیک پادشاه توانا. ﴿۵۵﴾

سوره رحمن

به نام خداوند بخشنده مهربان

خدا. ﴿۱﴾ آموخت قرآن را. ﴿۲﴾ آفرید آدمی را. ﴿۳﴾
و آموختش سخن گفتن. ﴿۴﴾ آفتاب و ماه به حساب مقرر
می‌روند. ﴿۵﴾ و گیاه و درخت سجده می‌کنند. ﴿۶﴾ و
آسمان را برافراخت و فرود آورد ترازو را. ﴿۷﴾ [مقصد
به آنکه] از حد تجاوز نکنید در ترازو. ﴿۸﴾ و راست
سنجید به انصاف و نقصان مکنید در ترازو ﴿۹﴾ و زمین را
گسترده برای آدمیان. ﴿۱۰﴾ در آن زمین میوه است و
درختان خرما است خداوند غلاف‌ها. ﴿۱۱﴾ و [در آن
زمین] دانه خداوند بزرگ است و گل خوشبویی است^(۳).
﴿۱۲﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش
دروغ می‌شمردید؟! ﴿۱۳﴾ آفرید آدمی را از گل
خشک مانند سفال شده. ﴿۱۴﴾ و آفرید جن را از شعله
آتش. ﴿۱۵﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار
خویش دروغ می‌شمردید؟! ﴿۱۶﴾

۱- یعنی در سرعت وجود مراد آسان بودن است.

۲- یعنی در لوح محفوظ.

۳- مترجم گوید: اشاره به آن است که برگ حبوب غازی، علف دواب

ایشان می‌شود، پس این علاوه نعمت است.

۴- جن و انس.

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ﴿١٧﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٨﴾ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ﴿١٩﴾ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ﴿٢٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢١﴾ يُخْرِجُ مِنْهُمَا الْمُلُوءَ وَالْمَرْجَانُ ﴿٢٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٣﴾ وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿٢٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٥﴾ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٢٦﴾ وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٢٧﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٨﴾ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ﴿٢٩﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٠﴾ سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ ﴿٣١﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٢﴾ يَمَعَشَرُ الْجِنَّ وَالْإِنْسُ إِنْ أُسْتِطِعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ ﴿٣٣﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٤﴾ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنَحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٦﴾ فَإِذَا أَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ﴿٣٧﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٨﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ ﴿٣٩﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٠﴾

پروردگار دو مشرق است و پروردگار دو مغرب است^(۱). ﴿۱۷﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمردید؟! ﴿۱۸﴾ گذاشت دو دریا را تا به هم جمع شوند. ﴿۱۹﴾ میان این هر دو حجابی است که یکی بر دیگری تعلی نمی‌کند. ﴿۲۰﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمردید؟! ﴿۲۱﴾ آید از این دو دریا مروارید و مرجان. ﴿۲۲﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمردید؟! ﴿۲۳﴾ خدای راست کشتی‌های روان شونده در دریا مانند کوه‌ها. ﴿۲۴﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمردید؟! ﴿۲۵﴾ هر که هست بر زمین فانی شوند. ﴿۲۶﴾ و باقی ماند روی پروردگار تو، خداوند بزرگی و انعام. ﴿۲۷﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمردید؟! ﴿۲۸﴾ سؤال می‌کند از خدا هر که در آسمان‌ها و زمین است. هر روزی خدا در حالتی است^(۲). ﴿۲۹﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمردید؟! ﴿۳۰﴾ از همه فارغ شده به شما متوجه شویم ای جن و انس! ﴿۳۱﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمردید؟! ﴿۳۲﴾ ای قوم جن و انس! اگر می‌توانید که بیرون روید از کناره‌های آسمان و زمین، پس بیرون روید نخواهید رفت مگر به قوتی^(۳). ﴿۳۳﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمردید؟! ﴿۳۴﴾ فرستاده خواهد شد بر شما شعله‌ای از آتش و دود نیز پس مقابله نتوانید کرد. ﴿۳۵﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمردید؟! ﴿۳۶﴾ پس چون بشکافد آسمان، پس شود مثل گل سرخ مانند ادیم سرخ. ﴿۳۷﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمردید؟! ﴿۳۸﴾ پس آن روز سؤال کرده نشود از گناه خود هیچ آدمی و نه جنی. ﴿۳۹﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمردید؟! ﴿۴۰﴾

۱- یعنی در زمستان، آفتاب مشرق و مغرب دیگر دارد و در تابستان، مشرق و مغرب دیگر.

۲- یعنی تنعیم یا تعذیب، اسعاد یا اشقاء، احیا یا اماتت، والله اعلم.

۳- یعنی و آن قوت کجا است؟

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالتَّوَصِي
وَالْأَقْدَامِ ﴿٤١﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٢﴾
هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٤٣﴾
يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ءَانِ ﴿٤٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٥﴾ وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ
جَنَّتَانِ ﴿٤٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٧﴾ ذَوَاتَا
أَفْنَانٍ ﴿٤٨﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٩﴾ فِيهِمَا
عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ ﴿٥٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
﴿٥١﴾ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ﴿٥٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٣﴾ مُتَّكِئِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَآئِنُهَا
مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ ﴿٥٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٥﴾ فِيهِنَّ قَلْصِرَتُ الظَّرْفِ لَمْ
يَظْمِئْهُنَّ أُنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٥٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٧﴾ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ
﴿٥٨﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٩﴾ هَلْ جَزَاءُ
الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَنُ ﴿٦٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا
تُكَذِّبَانِ ﴿٦١﴾ وَمَنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٣﴾ مُدْهَامَتَانِ ﴿٦٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٥﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَاجَتَانِ ﴿٦٦﴾
فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٧﴾

شناخته شوند گناهکاران بقیافه خود، پس گرفته شود موی
پیشانی و پای ها نیز ﴿۴۱﴾ پس کدام یک را از نعمت های
پروردگار خویش دروغ می شمردید؟! ﴿۴۲﴾ این است آن
دوزخ که دروغ شمرده بودند آن را گناهکاران ﴿۴۳﴾
آمدوشد کنند میان آن آتش و میان آب گرم جوشنده
﴿۴۴﴾ پس کدام یک را از نعمت های پروردگار خویش

دروغ می شمردید؟! ﴿۴۵﴾ کسی را که ترسیده است از
ایستادن به حضور پروردگار خویش دو بوستان باشد.
﴿۴۶﴾ پس کدام یک را از نعمت های پروردگار خویش
دروغ می شمردید؟! ﴿۴۷﴾ دو بوستان خداوند شاخها
بسیار. ﴿۴۸﴾ پس کدام یک را از نعمت های پروردگار
خویش دروغ می شمردید؟! ﴿۴۹﴾ در آن دو بوستان دو
چشمه می روند. ﴿۵۰﴾ پس کدام یک را از نعمت های
پروردگار خویش دروغ می شمردید؟! ﴿۵۱﴾ در آن دو
بوستان از هر میوه دو قسم باشد. ﴿۵۲﴾ پس کدام یک را
از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمردید؟! ﴿۵۳﴾
تکیه زده بر فرش هایی که استر آن از حریر لک باشد و
میوه آن دو بوستان، نزدیک بود^(۱). ﴿۵۴﴾ پس کدام یک
را از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمردید؟!
﴿۵۵﴾ در آن گوشک ها حوران باشند فرو اندازنده چشم،
جماع نکرده است به آنها هیچ آدمی پیش از ایشان و نه
هیچ جنی. ﴿۵۶﴾ پس کدام یک را از نعمت های
پروردگار خویش دروغ می شمردید؟! ﴿۵۷﴾ گویا آن
حوران یا قوت و مرجانند. ﴿۵۸﴾ پس کدام یک را از
نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمردید؟! ﴿۵۹﴾
نیست جزای نیکوکاری مگر انعام بسیار. ﴿۶۰﴾ پس کدام
یک را از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمردید؟!
﴿۶۱﴾ و به جز این دو بوستان دو بوستان، دیگر باشند.
﴿۶۲﴾ پس کدام یک را از نعمت های پروردگار خویش
دروغ می شمردید؟! ﴿۶۳﴾ دو بوستان سبز که از غایت
سبزی به سیاهی می زنند. ﴿۶۴﴾ پس کدام یک را از
نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمردید؟! ﴿۶۵﴾ در
آن دو بوستان دو چشمه جوشنده باشند. ﴿۶۶﴾ پس کدام
یک را از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمردید؟!
﴿۶۷﴾

۱- یعنی به سهولت توان گرفت.

فِيهِمَا فَكِهَهُ وَخُلَّ وَرُمَانٌ ﴿٦٨﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
تُكَذِّبَانِ ﴿٦٩﴾ فِيهِنَّ حَيْرَاتٌ حِسَانٌ ﴿٧٠﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧١﴾ حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ
﴿٧٢﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٣﴾ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ
إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٧٤﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
تُكَذِّبَانِ ﴿٧٥﴾ مُتَكَيِّنٌ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ
حِسَانٍ ﴿٧٦﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٧﴾ تَبَرَّكَ
أَسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٧٨﴾

در آن دو بوستان میوه و درختان خرما و انار باشند. ﴿٦٨﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟! ﴿٦٩﴾ در آن کوشک‌ها زنان برگزیده با جمال باشند. ﴿٧٠﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟! ﴿٧١﴾ حوران نگاهداشته شده در خیمه‌ها. ﴿٧٢﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟! ﴿٧٣﴾ جماع نکرده است به آنها هیچ آدمی پیش از ایشان و نه هیچ جنی. ﴿٧٤﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟! ﴿٧٥﴾ تکیه زده باشند بر بالش‌های سبز و بساط‌های نیک. ﴿٧٦﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمیرید؟! ﴿٧٧﴾ با برکت است نام پروردگار تو خداوند بزرگی و انعام. ﴿٧٨﴾

سوره واقعه

به نام خداوند بخشنده مهربان

[یاد کن] آنگاه که متحقق شود قیامت. ﴿١﴾ نیست وقت بودن آن هیچ نفس دروغگوینده^(۱). ﴿٢﴾ پست کننده است جماعتی را و بلند کننده است طایفه‌ای را. ﴿٣﴾ آنگاه که جنبانیده شود زمین را جنبانیدن سخت. ﴿٤﴾ و ریزه ریزه شود کوه‌ها را ریزه ریزه کردن بسیار. ﴿٥﴾ پس شود مانند غبار پراکنده. ﴿٦﴾ و شوید شما سه قسم. ﴿٧﴾ پس اهل سعادت! چه حال دارند اهل سعادت؟! ﴿٨﴾ و اهل شقاوت! چه حال دارند اهل شقاوت؟! ﴿٩﴾ و پیش روندگان! خود ایشانند پیش روندگان. ﴿١٠﴾ آن پیش روندگان، ایشانند نزدیک کردگان. ﴿١١﴾ در بوستان‌های نعمت باشند. ﴿١٢﴾ سابقان، جمعی بسیارند از پیشینیان^(۲). ﴿١٣﴾ و اندکی اند از پسینیان^(۳). ﴿١٤﴾ بر تخت‌های زربافته نشسته باشند. ﴿١٥﴾ تکیه زده بر آن روبه‌روی یکدیگر شده. ﴿١٦﴾

سُورَةُ الْوَاقِعَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١﴾ لَيْسَ لَوْعَتِهَا كَاذِبَةٌ ﴿٢﴾ خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ ﴿٣﴾ إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا ﴿٤﴾ وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا ﴿٥﴾ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا ﴿٦﴾ وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ﴿٧﴾ فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿٨﴾ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿٩﴾ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ﴿١٠﴾ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾ فِي جَنَّتِ النَّعِيمِ ﴿١٢﴾ ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿١٤﴾ عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ ﴿١٥﴾ مُتَكِيْنَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ ﴿١٦﴾

۱- یعنی همه مسلمان شوند کفر و افترا آنجا نباشد.

۲- یعنی از امم سابقه.

۳- یعنی از امت محمدیه.

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ ﴿١٧﴾ بِأَكْوَابٍ
وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ ﴿١٨﴾ لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا
وَلَا يُنزِفُونَ ﴿١٩﴾ وَفَلَكَهٖ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ﴿٢٠﴾ وَلَحْمِ
طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢١﴾ وَحُورٌ عِينٌ ﴿٢٢﴾ كَأَمْثَلِ اللَّوْلُؤِ
الْمَكْنُونِ ﴿٢٣﴾ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾ لَا
يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا ﴿٢٥﴾ إِلَّا قِيلًا سَلَامًا
سَلَامًا ﴿٢٦﴾ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مِمَّا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴿٢٧﴾
فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ ﴿٢٨﴾ وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ ﴿٢٩﴾ وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ
﴿٣٠﴾ وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ ﴿٣١﴾ وَفَلَكَهٖ كَثِيرَةٌ ﴿٣٢﴾ لَا
مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ﴿٣٣﴾ وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ ﴿٣٤﴾ إِنَّا
أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً ﴿٣٥﴾ فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا ﴿٣٦﴾ غُرْبًا
أَثَرَابًا ﴿٣٧﴾ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٣٨﴾ ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿٣٩﴾
وَتِلْكَ مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿٤٠﴾ وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مِمَّا
أَصْحَابُ الشِّمَالِ ﴿٤١﴾ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ﴿٤٢﴾ وَظِلٍّ مِّن
يَحْمُومٍ ﴿٤٣﴾ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ﴿٤٤﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ
ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ ﴿٤٥﴾ وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ
﴿٤٦﴾ وَكَانُوا يَقُولُونَ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَءِنَّا
لَمَبْعُوثُونَ ﴿٤٧﴾ أَوْ عَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿٤٨﴾ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ
وَالْآخِرِينَ ﴿٤٩﴾ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ
﴿٥٠﴾

آمد و شد می کنند بر ایشان نوجوانان جاوید. ﴿۱۷﴾ با
آبخورها و ابریق‌ها و پیاله‌ها از شراب جاری. ﴿۱۸﴾ نه درد
سر داده شود ایشان را از آن شراب و نه بی‌هوش شوند.
﴿۱۹﴾ و آمد و رفت کنند با میوه از هر جنس که اختیار
کنند. ﴿۲۰﴾ و با گوشت مرغان از هر جنس که پسند
کنند. ﴿۲۱﴾ و ایشان راست حوران گشاده چشم. ﴿۲۲﴾
مانند مروارید پوشیده کرده شده. ﴿۲۳﴾ پاداش دهیم به
حسب آنچه می کردند. ﴿۲۴﴾ نشوند در بهشت سخن
بیهوده و نه حرفی که گناه باشد. ﴿۲۵﴾ لیکن بشنوند این
سخن که هر یکی سلام می گوید. ﴿۲۶﴾ و اهل سعادت!
چه حال دارند اهل سعادت؟ ﴿۲۷﴾ در درختان کنار
بی‌خار. ﴿۲۸﴾ و درختان موز تو بر تو ثمره آن. ﴿۲۹﴾ و
در سایه دراز. ﴿۳۰﴾ آب ریخته شده. ﴿۳۱﴾ و در میوه
بسیار ﴿۳۲﴾ نه پایان رسد و نه از آن منع کرده شود. ﴿۳۳﴾
فرش‌های برافراشته شده. ﴿۳۴﴾ هرآینه ما آفریدیم حوران
را یک نوع آفریدن. ﴿۳۵﴾ پس ساختیم ایشان را دوشیزه.
﴿۳۶﴾ محبوب شونده نزدیک شوهران^(۱)، هم عمر با
یکدیگر. ﴿۳۷﴾ برای اصحاب یمین. ﴿۳۸﴾ جماعتی
بسیارند از پیشینیان. ﴿۳۹﴾ و جماعتی بسیارند از پسینیان.
﴿۴۰﴾ و اهل شقاوت! چه حال دارند اهل شقاوت؟ ﴿۴۱﴾
در باد گرم و آب گرم باشند. ﴿۴۲﴾ و در سایه دود سیاه.
﴿۴۳﴾ که نه خنک باشد و نه با عزت بود. ﴿۴۴﴾ هرآینه
ایشان بودند پیش از این به نازپرورده. ﴿۴۵﴾ و مداومت
می کردند بر گناه بزرگ (یعنی شرک). ﴿۴۶﴾ و
می گفتند: آیا چون بمیریم و خاک شویم و استخوانی چند
باشیم، آیا ما برانگیخته شویم؟ ﴿۴۷﴾ یا پدران نخستین ما
برانگیخته شوند؟ ﴿۴۸﴾ بگو: هرآینه پیشینیان و پسینیان.
﴿۴۹﴾ جمع کرده شوند در میعاد روز مقرر. ﴿۵۰﴾

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيْهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ ﴿٥١﴾ لَا كِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِّن رَّقُومٍ ﴿٥٢﴾ فَمَا لُؤُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٥٣﴾ فَشَرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾ فَشَرِبُونَ شُرَبَ الْهِيمِ ﴿٥٥﴾ هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٥٦﴾ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ﴿٥٧﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ﴿٥٨﴾ ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ﴿٥٩﴾ نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْأَمَوتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٦٠﴾ عَلَىٰ أَنْ تُبَدِّلَ أَمْثَلَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ﴿٦٣﴾ ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ﴿٦٤﴾ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ﴿٦٥﴾ إِنَّا لَمَغْرُمُونَ ﴿٦٦﴾ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ﴿٦٨﴾ ءَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ ﴿٦٩﴾ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ﴿٧٠﴾ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ﴿٧١﴾ ءَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ ﴿٧٢﴾ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا وَمَتَلَعًا لِّلْمُقْوِينَ ﴿٧٣﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوْقِعِ النُّجُومِ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾

باز هرآینه شما ای گمراهان دروغ شمارندگان! ﴿٥١﴾ خواهید خورد از درخت‌های زقوم. ﴿٥٢﴾ پس پُر خواهید کرد از آن شکم‌ها را. ﴿٥٣﴾ پس خواهید آشامید بر آن طعام از آب گرم. ﴿٥٤﴾ پس خواهید آشامید مانند آشامیدن شتران مستسقی. ﴿٥٥﴾ این است مهمانی ایشان، روز جزا. ﴿٥٦﴾ ما آفریدیم شما را، پس چرا باور نمی‌کنید؟ (یعنی اعاده را). ﴿٥٧﴾ آیا می‌بینید آنچه می‌ریزید در رحم زنان؟^(۱) ﴿٥٨﴾ آیا شما می‌آفریند آن را یا ما آفریننده‌ایم؟^(۲) ﴿٥٩﴾ ما معین کرده‌ایم در میان شما مرگ را و نیستیم ما عاجز کرده شده. ﴿٦٠﴾ از آنکه عوض شما آریم قوی مانند شما و بیافرینیم شما را در عالمی که نمی‌دانید. ﴿٦١﴾ و هرآینه دانسته‌اید آفرینش نخستین را، پس چرا نه پند می‌گیرید؟ ﴿٦٢﴾ آیا دیدید آنچه می‌کارید؟ ﴿٦٣﴾ آیا شما می‌روانید آن را یا ما رواننده‌ایم؟ ﴿٦٤﴾ اگر خواهیم بگردانیم آن زراعت را گیاهی در هم شکسته، پس به تعجب مانید، گوید: ﴿٦٥﴾ هرآینه ما غرامت کشندگانیم. ﴿٦٦﴾ بلکه محروم ماندگانیم. ﴿٦٧﴾ آیا دیدید آن آب را که می‌آشامید؟ ﴿٦٨﴾ آیا شما فروآورده‌اید آن را از ابر یا ما فرود آرندگانیم؟ ﴿٦٩﴾ اگر خواهیم شوربگردانیم آن را، پس چرا شکر نمی‌گویید؟ ﴿٧٠﴾ آیا دیدید آن آتش را که از میان شاخ درخت بر می‌آرید؟ ﴿٧١﴾ آیا شما آفریده‌اید درخت آن را یا ما آفریننده‌ایم؟ ﴿٧٢﴾ ما ساختیم آن درخت را برای پند و منفعت برای مسافران. ﴿٧٣﴾ پس به پاکی یاد کن پروردگار بزرگ خود را. ﴿٧٤﴾ پس سوگند می‌خورم به افتادن ستاره‌ها!^(۳) ﴿٧٥﴾ و این قسمی است بزرگ، اگر بدانید. ﴿٧٦﴾

۱- یعنی منی را.

۲- یعنی تقرب می‌کنیم منی را از حالی به حالی تا آدمی پیدا شود، والله اعلم.

۳- یعنی شهب، والله اعلم.

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ﴿٧٨﴾ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾ تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾ أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ ﴿٨١﴾ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكْذِبُونَ ﴿٨٢﴾ فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ ﴿٨٣﴾ وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ ﴿٨٤﴾ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿٨٥﴾ فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ﴿٨٦﴾ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٨٧﴾ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٨٨﴾ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٌ ﴿٨٩﴾ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩٠﴾ فَسَلَمٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩١﴾ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكْذِبِينَ الضَّالِّينَ ﴿٩٢﴾ فَنَزْلٌ مِّنْ حَمِيمٍ ﴿٩٣﴾ وَتَصْلِيَةٌ جَمِيمٌ ﴿٩٤﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ﴿٩٥﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٩٦﴾

شده است در کتاب پوشیده. ﴿۷۸﴾ که دست نمی‌رسانند به آن مگر پاک کردگان^(۱). ﴿۷۹﴾ فرستاده شده است از پروردگار عالم‌ها. ﴿۸۰﴾ آیا به این سخن، شما انکار کننده‌اید. ﴿۸۱﴾ و می‌سازید نصیب خود را آنکه شما به دروغ نسبت می‌کنید. ﴿۸۲﴾ پس آنگاه که رسد روح شخصی به نای گلو. ﴿۸۳﴾ و شما آنگاه می‌بینید. ﴿۸۴﴾ و ما نزدیک‌تریم به او به نسبت شما و لیکن نمی‌نگرید. ﴿۸۵﴾ پس اگر هستید غیر مقهور حکم الهی. ﴿۸۶﴾ چرا باز نگردانید روح را اگر راست‌گویید؟^(۲). ﴿۸۷﴾ پس اما اگر باشد مرده از نزدیک کردگان بارگاه الهی. ﴿۸۸﴾ پس او راست راحت و گل خوشبو و بوستان نعمت. ﴿۸۹﴾ و اما اگر باشد از اهل سعادت. ﴿۹۰﴾ پس سلامت است ای مخاطب! خاطر تو را از اهل سعادت. ﴿۹۱﴾ و اما اگر باشد از دروغ شمارندگان گمراهان. ﴿۹۲﴾ پس او راست مهمانی از آب گرم. ﴿۹۳﴾ و او راست در آوردن به دوزخ. ﴿۹۴﴾ هرآینه این خبر درست بی‌شبهه است. ﴿۹۵﴾ پس به پاکی یاد کن پروردگار بزرگ خود را. ﴿۹۶﴾

سوره حدید

به نام خداوند بخشنده مهربان

به پاکی یاد کرد خدا را هرچه در آسمان‌هاست و زمین است و اوست غالب دانا. ﴿۱﴾ او راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین. زنده می‌کند و می‌راند و او بر هر چیز تواناست. ﴿۲﴾ اوست نخستین همه و اوست آخرین همه و اوست آشکارا و اوست پنهان و او به هر چیز دانا است. ﴿۳﴾

سُورَةُ الْحَدِيدِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢﴾ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣﴾

۱- یعنی در لوح محفوظ.

۲- مترجم گوید: لفظ لولا داخل است بر ترجعونها و اعاده آن برای تأکید است.

هرآینه این کتاب، قرآنی است گرامی قدر. ﴿۷۷﴾ نوشته

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤﴾ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٥﴾ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٦﴾ ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾ وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لَتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُمْ مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٩﴾ وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَّنْ أَنْفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتْلٍ أُولَٰئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِن بَعْدُ وَقَتَلُوا وَكَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٠﴾ مَن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١١﴾

اوست آن که بیافرید آسمان‌ها و زمین را در شش روز، باز مستقر شد بر عرش می‌داند آنچه در می‌آید به زمین و آنچه بر می‌آید از آن و آنچه فرود می‌آید از آسمان و آنچه بالا می‌رود اندر آن و او با شما است هر جا که باشید و خدا به آنچه می‌کنید بینا است. ﴿۴﴾ او راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و به سوی خدا بازگردانیده می‌شود کارها. ﴿۵﴾ در می‌آرد شب را در روز و در می‌آرد روز را در شب. و او داناست به مکنون سینه‌ها. ﴿۶﴾ ایمان آرید به خدا و رسول او و خرج کنید از جمله آن مال که ساخته است شما را جانشین دیگران در وی، پس آنان که ایمان آوردند و خرج کردند از شما ایشان راست مزد بزرگ. ﴿۷﴾ چیست شما را که ایمان نیارید به خدا و رسول او؟ دعوت می‌کند شما را که ایمان آرید به پروردگار خویش و هر آینه عهد گرفته است از شما^(۱)، اگر هستید باور دارنده. ﴿۸﴾ اوست آن که فرو می‌فرستد بر بنده خود آیات واضح تا بیرون آرد شما را از تاریکی‌ها به سوی روشنی و خدا بر شما بخشاینده مهربان است. ﴿۹﴾ و چیست شما را که خرج نکنید در راه خدا؟ و خدای راست واپس گذاشته آسمان‌ها و زمین^(۲). برابر نیست از شما آن که خرج کرد پیش از فتح مکه و قتال کرد با آن که این چنین عمل بعد از این فتح مکه کرده باشد، آن جماعت در مرتبه بزرگتراند از آنان که خرج کردند بعد از فتح و قتال کردند و هر یک را وعده داده است خدا حالت نیک و خدا به آنچه می‌کنید خبردار است. ﴿۱۰﴾ کیست آنکه قرض دهد خدا را قرض دادن نیک. پس دو چند ادا کند آن قرض را برای او و او راست مزد بزرگ؟! ﴿۱۱﴾

۱- یعنی روز الست بر بکم.

۲- یعنی هر کسی که بمیرد، آنچه بگذارد، ملک خدا باشد، پس به آن بخل کردن، نهایت شنیع است.

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ
 أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَنِهِمْ بُشْرَىٰ لَكُمْ الْيَوْمَ جَنَّتْ تَجْرِي مِنْ
 تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾
 يَوْمَ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا
 انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ
 فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ
 فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ﴿١٣﴾ يُنَادُونَهُمْ
 أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ
 أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ
 حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿١٤﴾ فَالْيَوْمَ
 لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا
 مَأْوَىٰكُمْ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾
 ۞ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ
 وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا
 الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ
 قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿١٦﴾ أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ
 يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ
 لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٧﴾ إِنَّ الْمَصْدَقِينَ وَالْمَصْدَقَاتِ
 وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضْعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ
 كَرِيمٌ ﴿١٨﴾

یاد کن روزی که بینی مردان مسلمانان را و زنان مسلمانان
 را به این صفت که شتاب نور ایشان را پیش دست ایشان و
 به جانب راست ایشان گفته شود: مژده باد شما را! امروز
 شما راست بوستان‌ها می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاوید باشید
 در آنجا. این است مطلب‌یابی بزرگ. ﴿۱۲﴾ روزی که
 گویند مردان منافق و زنان منافق با مسلمانان: به نظر شفقت
 نگرید به سوی ما تا روشنی گیریم از نور شما. گفته شود:
 باز گردید پس پشت خویش پس بجوید روشنی را^(۱)، پس
 بنا کرده شود در میان ایشان دیواری که او را دروازه باشد
 اندرون آن دیوار در آنجا رحمت است و بیرون آن دیوار
 به جانب او عذاب است. ﴿۱۳﴾ آواز دهند منافقان
 مسلمانان را: آیا ما نبودیم همراه شما؟ گفتند آری! و لیکن
 شما در بلا افکندید خویشتان را و انتظار کردید^(۲) و شک
 آوردید و فریفته کرد شما را آرزوها تا آنکه برسید فرمان
 خدا^(۳) و فریب داد شما را در فرمانبرداری خدا شیطان
 فریبده. ﴿۱۴﴾ پس امروز گرفته نشود از شما فدیة و نه از
 کافران گرفته شود. جای شما آتش است همان آتش لایق
 شما است و بد بازگشت است وی. ﴿۱۵﴾ آیا وقت نرسیده
 است مسلمانان را که نیایش کند دل ایشان وقت یاد کردن
 خدا و وقت یاد آوردن آنچه آمده است از وحی الهی و
 نباشند مانند آنان که داده شده است ایشان را کتاب پیش از
 این، پس دراز گذشت بر ایشان مدت پس سخت شد دل
 ایشان و بسیاری از ایشان بدکارانند. ﴿۱۶﴾ بدانید که خدا
 زنده می‌کند زمین را بعد مرده بودن آن، هرآینه بیان
 کردیم برای شما نشانه‌ها بود که شما دریابید. ﴿۱۷﴾
 هرآینه مردان خیرات دهنده و زنان خیرات دهنده و
 آنان که قرض داده‌اند خدای را قرض نیک، دو چندان داده
 شود ایشان را و ایشان راست مزد گرامی قدر. ﴿۱۸﴾

۱- مترجم گوید: یعنی در دنیا روید تحصیل نور کنید، که این جا تحصیل

نور نیست، والله اعلم.

۲- یعنی هزیمت مسلمانان را.

۳- یعنی اجل.

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۖ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّٰدِقُونَ
وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ ۖ وَالَّذِينَ
كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ
﴿١٩﴾ اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوْ وَزِينَةٌ
وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِى الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ
كَمَثَلٍ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ
مُصْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَمًا ۖ وَفِى الْآخِرَةِ عَذَابٌ
شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا
إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿٢٠﴾ سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ
وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ
لِلَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۚ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ
مَن يَشَآءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢١﴾ مَا أَصَابَ
مِن مُّصِيبَةٍ فِى الْأَرْضِ وَلَا فِى أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِى
كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ
﴿٢٢﴾ لِّكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا
ءَاتَاكُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾ الَّذِينَ
يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ ۖ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ
اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٤﴾

و آنان که ایمان آوردند به خدا و پیغامبران او، آن جماعت
ایشانند صدیقان و شهیدان نزدیک پروردگار خویش.
ایشان راست مزد ایشان و نور ایشان و آنان که کافر شدند و
دروغ شمردند آیات ما را آن جماعت اهل دوزخند.
﴿۱۹﴾ بدانید که زندگانی دنیا بازیست و بیهودگی است و
آرایش است و خودستایی است در میان خویش و از
یکدیگر زیادت طلبی است در مال و فرزندان مانند بارانی
که به شگفت آورد زراعت کنندگان را رستنی او باز
خشک شود پس زرد ببینی آن را باز درهم شکسته گردد و
در آخرت عذاب سخت است و نیز آمرزش است از جانب
خدا و خوشنودیست و نیست زندگانی دنیا مگر بهره که
باعث فریب باشد. ﴿۲۰﴾ سبقت کنید به سوی آمرزش از
جانب خدا و به سوی بهشتی که پهنایی او مانند پهنایی
آسمان و زمین باشد آماده کرده شد برای آنان که ایمان
آوردند به خدا و پیغامبران او این است فضل خدا،
می‌دهدش به هر که خواهد و خدا خداوند فضل بزرگ
است. ﴿۲۱﴾ نرسید هیچ مصیبتی در زمین و نه در جان
شما مگر نوشته شده است در کتابی پیش از آن که
بیافرینیم آن مصیبت را، هرآینه این کار بر خدا آسان
است. ﴿۲۲﴾ خبر داده‌ایم تا اندوه نخورید بر آنچه رفت
از دست شما و تا شادمان نشوید به آنچه عطا کرد شما را و
خدای تعالی دوست ندارد هر تکبر کننده خودستاینده را.
﴿۲۳﴾ [دوست نمی‌دارد] آنان را که بخل می‌کنند و
مردمان را به بخل می‌فرمایند و هر که روی گردان شود
هرآینه خدای همون است بی‌نیاز ستوده. ﴿۲۴﴾

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ
وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ
بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ
وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ
أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ
وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٦﴾ ثُمَّ
فَقَّيْنَا عَلَىٰ عَائِثِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ
وَعَزَّيْنَاهُ بِالنَّجِيلِ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ
رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ
إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا
فَعَاءَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ
فَاسِقُونَ ﴿٢٧﴾ يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَءَامِنُوا
بِرِسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ
نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
﴿٢٨﴾ لَيْلًا يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ
مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ
وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾

هرآئینه فرستادیم پیغامبران خود را به نشانه‌های واضح و
فروود آوردیم همراه ایشان کتاب و ترازو تا عمل کنند
مردمان به انصاف و فروود آوردیم آهن را به سبب آن
جنگ سخت است و منفعت‌های دیگر است برای مردمان
و تا بداند خدا کسی را که نصرت دهد خدا را غایبانه و
پیغامبران او را، هرآئینه خدا توانای غالب است. ﴿۲۵﴾ و
هرآئینه فرستادیم نوح را و ابراهیم را و نهادیم در اولاد
ایشان پیغامبری و کتاب، پس بعضی ایشان راه‌یابند و
بسیاری از ایشان، بدکارانند. ﴿۲۶﴾ باز فرستادیم از پی
ایشان پیغامبران خود را و از پی آوردیم عیسی، پسر مریم،
را و دادیمش انجیل و نهادیم در دل تابعان او مهربانی و
بخشایش، و گوشه‌نشینی‌ای که خود پیدا کرده بودند آن
راه، ما فرض نساخته بودیم بر ایشان، لیکن اختراع کردند به
طلب خوشنودی خدا، پس نگاهداشت آن نکردند حق
نگاه داشتن آن. پس عطا کردیم آنان را که ایمان آوردند
از ایشان^(۱) مزد ایشان و بسیاری از ایشان بدکارانند. ﴿۲۷﴾
ای آنان که ایمان آورده‌اید! [به پیغامبران سابق]، بترسید از
خدا و ایمان آرید به پیغامبر او^(۲) تا بدهد شما را دو حصه
از رحمت خود و بدهد شما را نوری که راه روید به آن و
تا بیامزد شما را و خدا آمرزگار مهربان است. ﴿۲۸﴾ [به
این مقدمه خبر داد] تا بدانند اهل کتاب که ایشان قادر
نیستند بر چیزی از فضل خدا و بدانند که فضل به دست
خدا است می‌دهد آن را به هر که خواهد و خدا صاحب
فضل بزرگ است. ﴿۲۹﴾

۱- یعنی به محمد ﷺ.

۲- یعنی به محمد ﷺ.

سُورَةُ الْمُجَادَلَةِ

سوره مجادله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي
إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ
﴿١﴾ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ
أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهُتُهُمْ إِلَّا الَّتَى وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ
لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ
غَفُورٌ ﴿٢﴾ وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ
لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكُمْ
تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٣﴾ فَمَنْ لَمْ
يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا
فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ
لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ
وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُجَادُونَ اللَّهَ
وَرَسُولَهُ كُتِبُوا كَمَا كُتِبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ
أَنْزَلْنَا ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿٥﴾
يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ
اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٦﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿١﴾ هر آینه شنید خدای تعالی سخن آن زن که گفتگو می کرد با تو در باب شوهر خود و شکایت می کرد پیش خدا و خدا می شنید گفتگو کردن شما، هر آینه خدا شنوای بینا است. ﴿١﴾ آنان که از شما اظهار می کنند با زنان خود^(۱)، نیستند آن زنان مادران ایشان نیستند مادران ایشان الا آنان که زاده اند ایشان را و هر آینه اظهار کنندگان می گویند سخن نامعقول می گویند دروغ. و هر آینه خدا عفو کننده آمرزگار است. ﴿٢﴾ آنان که اظهار می کنند با زنان خود باز رجوع می کنند در مخالفت آنچه گفتند، پس واجب است آزاد کردن بنده، پیش از آنکه زن و مرد به یکدیگر دست رسانند^(۳). این حکم پند داده می شود شما را به آن و خدا به آنچه می کنید خبردار است. ﴿٣﴾ پس هر که نیابد بنده را، پس بر وی واجب است روزه دو ماه پی درپی، پیش از آنکه هر دو به یکدیگر دست رسانند، پس هر که نتواند این را، پس طعام دادن شصت فقیر. این حکم برای آن است که منقاد شوید به خدا و رسول او را. و این حدهای مقرر کرده خدا است و کافران را عذاب درد دهنده باشد. ﴿٤﴾ هر آینه آنان که مخالفت می کنند با خدا و رسول او، خوار کرده شد ایشان را، چنانکه خوار کرده شد آنان که پیش از ایشان بودند و هر آینه فرود آوردیم آیات واضح و کافران را عذاب خوار کننده است. ﴿٥﴾ روزی که برانگیزد ایشان را خدا همه یکجا پس خبر دهد ایشان را به آنچه کرده بودند. یاد داشت آن را خدا و ایشان آن را فراموش کردند و خدا بر همه چیز مطلع است. ﴿٦﴾

۱- زنی را شوهر او گفت: «أنت علي كظهر أمي» تو بر من مانند پشت مادر منی. آن زن پیش آن حضرت^{علیه السلام} این ماجرا عرض کرد. فرمود که حرام شدی آن زن کثرت عیال و قلت مال عرض کرد خدای تعالی این آیت فرستاد.

۲- یعنی تشبیه می دهند زنان خود را به پشت مادر.

۳- یعنی جماع کنند.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا
خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا
أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا
عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧﴾
أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا
نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَجَّوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ
الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحْيِكَ بِهِ اللَّهُ
وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ
حَسْبُكُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٨﴾ يَأْتِيهَا
الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَنَجَّيْتُمْ فَلَا تَتَنَجَّوْا بِالْإِثْمِ
وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَجَّوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى
وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٩﴾ إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ
الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ
شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾
يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي
الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ
أَنْشُرُوا فَأَنْشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ
وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

﴿١١﴾

آیا ندیدی که خدا می داند آنچه در آسمانها است و آنچه در
زمین است؟ نمی باشد با یکدیگر راز گفتن سه شخص، مگر
خدا چهارم ایشان است و نمی باشد راز گفتن پنج شخص، الا
خدا ششم ایشان است و نه کمتر از این، مگر خدا با ایشان است
و نه زیاده از این، مگر خدا با ایشان است هر کجا باشند، باز خبر
دهد ایشان را روز قیامت به آنچه کرده اند. هر آینه خدا به هر
چیز داناست. ﴿۷﴾ آیا ندیدی به سوی آنان که منع کرده شد
ایشان را از با یکدیگر راز گفتن^(۱) باز عود می کنند در آنچه از
آن منع کرده شد ایشان را و با یکدیگر راز می گویند در باب
گناه و تعدی و نافرمان برداری پیغامبر، و چون بیایند پیش تو،
دعا کنند تو را به آن کلمه که دعا نکرده است تو را خدا به
آن^(۲) و می گویند در دل خویش: چرا نه عذاب می کند ما را
خدا به سبب آنچه می گوئیم؟^(۳) بس است ایشان را دوزخ،
در آیند آنجا. پس بدجایی است دوزخ! ﴿۸﴾ ای مسلمانان،
چون با یکدیگر راز گوید، پس باید که راز مگوئید در باب
گناه و تعدی و نافرمان برداری پیغامبر و راز گوئید در باب
نیکوکاری و پرهیزگاری و بترسید از خدا که به سوی او حشر
کرده خواهید شد. ﴿۹﴾ جز این نیست که راز گفتن بد، از کار
شیطان است تا اندوهگین کند مسلمانان را و نیست هیچ زیان
رساننده به ایشان مگر به اراده خدا و بر خدا باید که توکل کنند
مسلمانان. ﴿۱۰﴾ ای مسلمانان! چون گفته شود شما را که
گشاده بنشینید در مجلسها، پس گشاده کنید جای را تا گشاده
کند خدا برای شما هر مشکلی را و چون گفته شود برخیزید
پس برخیزید تا بلند کند خدا مرتبه های برای آنان که ایمان
آورده اند از شما و آنان که عطا کرده شده است ایشان را علم و
خدا به آنچه می کنید خبردار است. ﴿۱۱﴾

۱- یعنی یهود که راز ایشان در ایدای مسلمین بود، والله اعلم.

۲- یعنی به جای «السلام عليك»، «السلام عليك» گویند. یعنی مرگ بر تو
باد!

۳- یعنی اگر پیغامبر راست است، بایستی که ما را عذاب رسیدی، والله اعلم.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوٰتِكُمْ صَدَقَةٌ ذٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾ ؕ أَشَفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوٰتِكُمْ صَدَقْتُمْ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٣﴾ ؕ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٤﴾ ؕ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾ ؕ اتَّخَذُوا أَيْمَنَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿١٦﴾ ؕ لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٧﴾ ؕ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ ؕ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَٰذِبُونَ ﴿١٨﴾ ؕ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ ؕ أُولَٰئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ؕ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿١٩﴾ ؕ إِنَّ الَّذِينَ يُحَادِّثُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ؕ أُولَٰئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ ﴿٢٠﴾ ؕ كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَبَنَ أَنَا وَرُسُلِي ؕ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢١﴾

ای مسلمانان! چون خواهید که راز گوید با پیغامبر پس نخست بدهید پیش از راز گفتن خود خیرات را. این کار بهتر است شما را و پاکیزه تر است. پس اگر نیابید هرآینه خدا آمرزگار مهربان است^(۱). ﴿۱۲﴾ آیا ترسید از آنکه نخست دهید پیش از راز گفتن خود خیرات را؟ پس چون نکردید و در گذرانید خدا از شما، پس باری برپا دارید نماز را و زکات را و فرمانبرداری کنید خدا و رسول او را و خدا خبردار است به آنچه می کنید. ﴿۱۳﴾ آیا ندیدی به سوی آنان که دوستی کردند با قومی که غضب کرده است خدا بر ایشان^(۲)، نیستند این منافقان از شما و نه از یهود و سوگند می خورند بر دروغ و ایشان می دانند. ﴿۱۴﴾ آماده ساخته است خدا برای ایشان عذاب سخت، هرآینه بد است آنچه می کردند. ﴿۱۵﴾ سپر گرفته اند سوگندان خود را، پس بازداشتند مردم را از راه خدا، پس ایشان راست عذاب خوارکننده. ﴿۱۶﴾ دفع نخواهد کرد از ایشان مال ایشان و نه اولاد ایشان از عذاب خدا چیزی را. این جماعت اهل دوزخ اند. ایشان آنجا جاودان باشند. ﴿۱۷﴾ روزی که برانگیزد ایشان را خدا همه یکجا، پس سوگند خوردند به حضور او چنانکه سوگند می خورند به حضور شما و می پندارند که ایشان بر چیزی هستند. آگاه شو! هرآینه ایشانند دروغگوی. ﴿۱۸﴾ غالب آمده است بر ایشان شیطان، پس فراموش ساخت از خاطر ایشان یاد کردن خدا را. این جماعت لشکر شیطان است. آگاه شو! هرآینه لشکر شیطان ایشانند زیانکاران. ﴿۱۹﴾ هرآینه آنان که خلاف می کنند با خدا و رسول او، این جماعت در جمله خوارترین مردم اند. ﴿۲۰﴾ حکم کرد خدا که البته غالب شوم من و غالب شوند پیغامبران من، هرآینه خدا توانای غالب است. ﴿۲۱﴾

۱- مترجم گوید: این حکم منسوخ است به آیتی که می آید، والله اعلم.

۲- یعنی منافقان با یهود دوستی کردند، والله اعلم.

نخواهی یافت قومی که ایمان دارند به خدا و روز آخر به این صفت که دوستی کنند با کسی که خلاف کرده است با خدا و رسول او و اگرچه آن جماعت باشند پدران ایشان یا پسران ایشان یا برادران ایشان یا خویشاوندان ایشان. آن مؤمنان که با کافران دوستی ندارند نوشته است خدا در دل ایشان ایمان را و قوت داده است ایشان را به فیض غیبی از جانب خود و در آرد ایشان را به بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها جاویدان آنجا. خوشنود شد خدا از ایشان و خوشنود شدند ایشان از خدا، ایشانند لشکر خدا. آگاه شو! هرآینه لشکر خدا ایشانند رستگاران. ﴿۲۲﴾

سوره حشر

به نام خداوند بخشنده مهربان

^(۱) به پاکی یاد کرد خدای را آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و اوست غالب با حکمت. ﴿۱﴾ اوست آن که بر آورد آنان را که کافر شدند از اهل کتاب از خانه‌های ایشان در اول جمع کردن لشکر. گمان نداشتید شما ای مسلمانان که برآیند و گمان می‌کردند آن کافران که نگاه دارنده ایشان باشند قلعه‌های ایشان از عقوبت خدا، پس پیامد بدیشان عقوبت خدا از آنجا که نمی‌دانستند و افکند در دل ایشان ترس را. خراب می‌کردند خانه‌های خود را به دست خویش و به دست مسلمانان نیز خراب شد. پس عبرت گیرید ای خداوند دیده‌ها! ﴿۲﴾ و اگر نه آن بود که نوشت خدا بر ایشان جلا وطنی، هرآینه عقوبت می‌کرد ایشان را در دنیا^(۱) و ایشان راست در آخرت، عذاب آتش. ﴿۳﴾

۱- مترجم گوید: آن حضرت ﷺ چون به مدینه آمدند، با بنی نضیر صلح کردن و ایشان به سبب شقاوت ازلی، سعی عداوت آن حضرت ﷺ پیش گرفتند، آن حضرت ﷺ اراده فرمود که آن جماعت را جلا و طن فرماید. منافقان آن ملاعین را پیغام فرستادند که شما قتال کنید و در جنگ استواری ورزید که ما رفیق شما ایم. خدای تعالی بر خلاف اراده منافقان در اول جمع کردن لشکر بر یهود القای رُعب فرمود تا عاجز آمدند و جلا وطنی اختیار کردند و سخن اهل نفاق را نشنیدند و به قتال و تکرار جمع رجال اتفاق نیفتاد و اموال ایشان فُی شد و فُی آن را گویند که به غیر قتال به دست مسلمانان افتد. خدای تعالی منت بر مسلمان نهاد حکم فُی بیان فرمود و از اراده منافقان خبر داد، والله اعلم.

۱- به نوعی دیگر، والله اعلم.

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيَدْخُلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۲۲﴾

سُورَةُ الْحَشْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱﴾ هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنْهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَتْهُمْ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُجْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ ﴿۲﴾ وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ﴿۳﴾

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ. وَمَنْ يُشَاقِّ اللَّهَ
فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٤﴾ مَا قَطَعْتُمْ مِّن لِّينَةٍ أَوْ
تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ
الْفَاسِقِينَ ﴿٥﴾ وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا
أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ
يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ ﴿٦﴾ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ
فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ
وَأَبْنِ السَّبِيلِ كَى لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ
مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ
عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٧﴾
لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ
وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ
اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿٨﴾ وَالَّذِينَ
تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ
إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا
وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ
يُوقْ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٩﴾

این عذاب به سبب آن است که ایشان مخالفت کردند با خدا و رسول او و هر که مخالفت کند با خدا، پس هر آینه خدا سخت کننده عقوبت است. ﴿۴﴾ آنچه بریدید از درخت خرما یا گذاشتید آن را ایستاده بر بیخ خودش، پس به فرمان خدا بود و تا خوار کند بدکاران را^(۱). ﴿۵﴾ و آنچه عاید گردانید خدا بر پیغامبر خود از اموال نبی نصیر، پس نتاخته بودید بر آن اسپان را و نه شترها را و لیکن خدا غالب می گرداند پیغامبران خود را بر هر که خواهد و خدا بر هر چیز تواناست. ﴿۶﴾ آنچه عاید گردانید خدای تعالی بر پیغامبر خود از اموال ساکنان دیه ها، پس خدای راست و پیغامبر را و خویشاوندان را^(۲) و یتیمان را و فقیران را و راهگذری را بیان فرمودیم تا نباشد آن «فی»، دست گردان میان توانگران از شما. و هرچه بدهد شما را پیغامبر، بگیرید آن را و هرچه منع کند شما را از آن باز ایستید و بترسید از خدا. هر آینه خدا سخت کننده عقوبت است. ﴿۷﴾ آن «فی» فقیران هجرت کننده راست، آنان که بیرون کرده شد ایشان را از خانه های ایشان و اموال ایشان، می طلبند نعمت را از پروردگار خویش و خوشنودی را و نصرت می دهند خدا را و پیغامبر او را. این جماعت ایشانند راست وعده. ﴿۸﴾ و نیز آنان راست که جای گرفتند به دارالاسلام^(۳) و جای پیدا کردند در ایمان پیش از مهاجران، دوست می دارند هر که را هجرت کند به سوی ایشان و نمی یابند در خاطر خود دغدغه ای از طرف آنچه داده شد مهاجران را و دیگران را اختیار می کنند بر خویشان و اگرچه باشد ایشان را احتیاج و هر که را نگاه داشته شد از حرص نفس خودش، پس آن جماعت ایشانند رستگار. ﴿۹﴾

۱- یعنی قطع درخت میوه دار وقت جهاد، جائز است و ترک آن نیز جائز، والله اعلم.

۲- یعنی خویشاوندان پیغامبر را.

۳- یعنی به مدینه.

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٣٠﴾
 ۞ أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٣١﴾ لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُولَّيْنَّ الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يُصَرُّونَ ﴿٣٢﴾ لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهَبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٣٣﴾ لَا يَقْتُلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٣٤﴾ كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاتُوا وَبَالٍ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٣٥﴾ كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٦﴾

و نیز آن راست که آمدند بعد از مهاجران و انصار می‌گویند: ای پروردگار ما! بیامرز ما را و برادران ما را که سبقت کردند بر ما به ایمان آوردن و پیدا مکن در دل ما هیچ کینه به نسبت آنان که ایمان آوردند. ای پروردگار ما! هر آینه تو بخشاینده مهربانی^(۱). ﴿۱۰﴾ آیا ندیدی به سوی آنان که منافق شدند، می‌گویند آن برادران خود را که کافراند از اهل کتاب: [به خدا] اگر جلا وطن کرده شود

۱- مترجم گوید: از این آیت معلوم شد که در فئ هر مسلمان را حق است. پس احوج فلاحوج را باید داد تا آنکه مال فئ کفایت کند، والله اعلم.

شما را البته بیرون شویم ما نیز همراه شما و فرمان قبول نکنیم در مقدمه شما هیچ کس را هرگز و اگر قتال کرده شود با شما البته نصرت دهیم شما را، و خدا گواهی می‌دهد که ایشانند دروغگویان. ﴿۱۱﴾ [به خدا] اگر جلا وطن کرده شود اهل کتاب را، جلا وطن نشوند همراه ایشان و اگر جنگ کرده شود با اهل کتاب نصرت ندهند ایشان را و اگر به فرض، نصرت دهند اهل کتاب را، البته بازگردانند پشت خود را بعد از آن مدد کرده نشود ایشان را. ﴿۱۲﴾ هر آینه شما [ای مسلمانان!] با رُعب‌ترید در خاطر ایشان از خدا. این به سبب آن است که ایشان قومی هستند که نمی‌فهمند^(۲). ﴿۱۳﴾ جنگ نکند با شما یکجا شده مگر در دیه‌ها که بر آن حصار ساخته باشند یا از پس دیوارها. جنگ ایشان در میان خویش سخت‌تر است، می‌پنداری ایشان را یکجا مجتمع شده و دل‌های ایشان پراکنده است. این به سبب آن است که ایشان قومی هستند که در نمی‌یابند^(۳). ﴿۱۴﴾ [داستان ایشان] مانند داستان آنان است که پیش از ایشان بودند در نزدیکی چشیدند و بال گناه خود را و ایشان راست عذاب دردناک^(۴). ﴿۱۵﴾ [داستان منافقان با اهل کتاب] مانند داستان شیطان است، چون گفت آدمی را: کافر شو! پس چون کافر شد، گفت: هر آینه من بی‌تعلقم از تو، هر آینه من می‌ترسم از خدای پروردگار عالم‌ها. ﴿۱۶﴾

۲- یعنی از عذاب خدا که مؤجل است، پرواندارند، والله اعلم.

۳- یعنی با یکدیگر خانه جنگی‌ها دارند، مصلحت ایشان یکی نیست، والله اعلم.

۴- یعنی چنانکه اهل بدر مغلوب و منهزم شدند، ایشان نیز منهزم گشتند، والله اعلم.

فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا وَذَلِكَ
 جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ﴿١٧﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ
 وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ
 خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا
 اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿١٩﴾ لَا
 يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ
 الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٢٠﴾ لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى
 جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَدِشًا مَّتَّصِدًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ
 وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾
 هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
 هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿٢٢﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
 الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ
 الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٢٣﴾ هُوَ
 اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ
 يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ
 الْحَكِيمُ ﴿٢٤﴾

پس شد عاقبت کار این شیطان و این آدمی آنکه ایشان در
 آتش باشند جاویدان آنجا و این است جزای ستمکاران.
 ﴿۱۷﴾ ای مسلمانان! بترسید از خدا و باید که تأمل کند هر
 شخصی که چه چیز پیش فرستاده است برای فردا^(۱) و
 بترسید از خدا. هر آینه خدا خبردار است به آنچه می کنید.
 ﴿۱۸﴾ و مباحثید مانند آنان که فراموش کردند خدا را، پس
 خدا فراموش گردانید از خاطر ایشان تدبیر حال ایشان، این
 جماعت ایشانند بدکاران. ﴿۱۹﴾ برابر نیست اهل دوزخ و
 اهل بهشت. اهل بهشت ایشانند به مطلب رسندگان. ﴿۲۰﴾
 اگر فرود می آوردیم این قرآن را بر کوهی، هر آینه
 می دیدی آن را نیایش کرده پاره پاره شده از خوف خدا و
 این داستان ها بیان می کنیم برای مردمان تا ایشان تأمل کنند.
 ﴿۲۱﴾ اوست آن خدا که نیست هیچ معبود مگر او، داننده
 نهان و آشکارا. اوست بخشاینده مهربان. ﴿۲۲﴾ اوست آن
 خدا که نیست هیچ معبود مگر او، پادشاه نهایت پاک
 سلامت از همه عیب ها، امن دهنده، نگاهبان، غالب خود
 اختیار، بزرگوار. پاکی خدای راست از شریک مقرر کردن
 ایشان. ﴿۲۳﴾ اوست خدای آفریدگار نوپدیدآورنده
 نگارنده. او راست نام های نیک. به پاکی یاد می کنند او را
 هر چه در آسمان ها و زمین است و اوست غالب با حکمت.
 ﴿۲۴﴾

سُورَةُ الْمُتَحَنِّةِ

سوره ممتحنه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ
 أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا
 جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ
 تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَدًا فِي
 سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسْرِوْنَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا
 أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ
 فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١﴾ إِنْ يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا
 لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُمُ
 بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ ﴿٢﴾ لَنْ تَنْفَعَكُمْ
 أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ يَفْصِلُ
 بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣﴾ قَدْ كَانَتْ
 لَكُمْ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا
 لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءَاؤُكُمْ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ
 اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ
 وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ
 إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ
 اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلِّمَكَ تَوْكَلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا
 وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٤﴾ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ
 كَفَرُوا وَآغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

﴿٥﴾

حکمت. ﴿٥﴾

﴿١﴾ ای مسلمانان! دوست می گیرید دشمنان مرا و دشمنان خود را. می افکنید به سوی ایشان پیغام به سبب دوستی و هرآینه ایشان کافر شده اند به آنچه آمده است به شما از دین راست. جلا وطن می کنند پیغامبر را و شما را نیز برای آنکه ایمان آوردید به خدا پروردگار خویش. دوست مگیرید اگر برآمده اید از اوطان خود برای جهاد در راه من و بطلب رضامندی من. پنهان می فرستید به سوی ایشان پیغام به سبب دوستی و من می دانم آنچه پنهان می کنید و آنچه آشکارا می نمایید و هر که از شما بکند این کار، هرآینه غلط کرد راه هموار را. ﴿١﴾ اگر کافران بیابند شما را، دشمن باشند در حق شما و بگشایند به سوی شما دست های خود را و زبان های خود را به ایذا و دوست دارند که کافر شوید. ﴿٢﴾ سود نخواهند داد شما را خویشاوندان شما و نه فرزندان شما به روز قیامت. فیصل خواهد کرد خدا در میان شما و خدا به آنچه می کنید بیناست. ﴿٣﴾ هرآینه هست شما را پیروی نیک با ابراهیم و آنان که همراه او بودند، چون گفتند قوم خود را: هرآینه ما بی تعلیم از شما و از آنچه می پرستید بجز خدا. نامعتقد شدیم به شما و پدید آمد میان ما و میان شما دشمنی و ناخوشی همیشه، تا وقتی که ایمان آرید به خدای تنها. شما را پیروی نیک است با ابراهیم، مگر در قول ابراهیم پدر خود را که البته آموزش طلب خواهم کرد برای تو و نمی توانم برای تو از خدا چیزی ﴿١﴾. گفت ابراهیم: ای پروردگار ما! بر تو توکل کردیم و به سوی تو رجوع نمودیم و به سوی تو است بازگشت. ﴿٤﴾ ای پروردگار ما! مکن ما را زبردست کافران و پیامرز برای ما، ای پروردگار ما! هرآینه تویی غالب با حکمت. ﴿٥﴾

۱- مترجم گوید: آن حضرت ﷺ خواستند که به فتح مکه متوجه شوند و می خواستند کسی اهل مکه را به قصد آن حضرت مطلع نکند تا ناگهان بر سرایشان رسند. یکی از صحابه به طرف ایشان نامه نوشت و بر قصد آن حضرت مطلع ساخت. خدای تعالی آن حضرت ﷺ را اطلاع داد تا آن نامه را از راه باز آوردند و خدای تعالی در باب منع از دوستی کفار نازل ساخت.

۱- یعنی در این قول اقتدا به ابراهیم نباید کردن و استغفار برای کافر، درست نیست، والله اعلم.

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٦﴾ عَسَى اللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُم مَّوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٧﴾ لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿٨﴾ إِنَّمَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٩﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مِهْجَرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ ۚ إِنَّهُنَّ عَلِمْنَ بِأَيْمَنِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَءَاثُوهُمْ مَّا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ وَسْئَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُم مَّا أَنْفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾ وَإِن فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقِبْتُمْ فَتَأْتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِّثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِءُ مُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾

هرآینه هست شما را به جماعت مذکوره اقتدای نیک، کسی را از شما که امید دارد ملاقات خدا را و روز آخرت را و هر که روی گردان شود، پس هرآینه خدا بی نیاز ستوده کار است. ﴿۶﴾ نزدیک است خدا از آنکه پیدا کند در میان شما و در میان آنان که

دشمنی داشته‌اید با آنها دوستی را^(۱) و خدا تواناست و خدا آمرزگار مهربان است. ﴿۷﴾ منع نمی‌کند خدا شما را از مواصلت آنان که جنگ نکرده‌اند با شما در مقدمه دین و بیرون نکرده‌اند شما را از خانه‌های شما. منع نمی‌کند از آنکه احسان کنید با ایشان و انصاف کنید در حق ایشان، هرآینه خدا دوست می‌دارد انصاف کنندگان را. ﴿۸﴾ جز این نیست که منع می‌کند شما را خدا از مواصلت آنان که جنگ کرده‌اند با شما در مقدمه دین و بیرون کرده‌اند شما را از خانه‌های شما و معاونت دیگران کرده‌اند در بر آوردن شما، منع می‌کند از آنکه دوستی دارید با ایشان و هر که دوستی دارد با ایشان، پس آن جماعت ایشانند ستمکاران. ﴿۹﴾ ای^(۲) مسلمانان! چون بیایند پیش شما زنان مسلمانان هجرت کرده پس امتحان کنید ایشان را^(۳). خدا داناتر است به ایمان ایشان. پس اگر مسلمان دانید ایشان را باز نفرستید ایشان را به سوی کافران. نه این زنان حلال‌اند کافران را و نه آن کافران حلال‌اند این زنان را و بدهید به شوهران آنچه خرج کردند^(۴) و نیست گناه بر شما که نکاح کنید با ایشان، چون بدهید ایشان را مهر ایشان و نگاه مدارید دست‌آویز زنان نامسلمان را^(۵) و طلب کنید آنچه شما خرج کردید و باید که مشرکان طلب کنند آنچه خرج کردند^(۶). این است حکم خدا. فیصل می‌کند میان شما و خدا دانای با حکمت است. ﴿۱۰﴾ و اگر از دست شما برود کسی از زنان شما به طرف کافران، پس عقوبت رسانید کافران را^(۱)، پس بدهید آنان را که رفته باشند زنان ایشان، مانند آنچه خرج کردند و برسید از خدایی که شما او را باوردانده‌اید^(۲). ﴿۱۱﴾

۱- یعنی ایشان را توفیق اسلام دهد.

۲- مترجم گوید: در صلح حدیبیه بعض نساء کفار هجرت کرده به مدینه می‌آمدند و بعض نساء مسلمین مرتد گشته به کفار ملحق می‌شدند.

خدای تعالی حکم این جماعت بیان فرمود، والله اعلم.

۳- یعنی قسم دهید ایشان را که به سبب ناخوشی شوهران خود یا به سبب عشق مردان دیگر نیامده‌اند، والله اعلم.

۴- یعنی مهری که شوهران کفار داده بودند، بازگردانید، والله اعلم.

۵- یعنی بر نکاح کافره اقامت نباید کرد، والله اعلم.

۶- یعنی اگر زنی مرتد شده با مشرکان ملحق شود مهر او باید طلبید اگر زنی مسلمان شده، هجرت کند، مهر او باید داد، والله اعلم.

۱- یعنی غنیمت ستانید از ایشان.

۲- مترجم گوید که: اگر کفار معاهد باشند وزنی مرتد به ایشان ملحق گردد، از ایشان مهر باید طلبید، چنانچه در آیت سابقه معلوم شده اگر کفار حریبان باشند، از غنائم اموال ایشان شوهران مرتد را مهر باید داد. بعد فتح مکه این همه احکام مرتفع شدند. نزدیک این فقیر، نسخ این احکام ثابت نشده است، پس اگر مثل حالتی که در صلح حدیبیه بود، باز رود تحقیق که بر همین احکام عمل کرده شود، والله اعلم.

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعُنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِهْتَنٍ يَفْتَرِيْنَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعَصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعُهُنَّ وَاسْتَعْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٢﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَيسُوْا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَيسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ﴿١٣﴾

سُورَةُ الصَّفِّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٢﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقْتُلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنِينَ مَرْصُوضٍ ﴿٤﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَقُومُ لِمَ تُؤْذُونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥﴾

ای پیغمبر! چون بیایند نزدیک تو زنان مسلمانان که بیعت کنند با تو به این شرط که شریک مقرر نکنند با خدا چیزی را و دزدی نکنند و زنا نکنند و نکشند اولاد خود را و پیش نیارند سخن دروغ که بر بسته باشند آن را در میان دست‌های خویش و در میان پای‌های خویش^(۱) و نا فرمانی نکنند تو را در کار نیک، پس بیعت قبول کن از ایشان و طلب آموزش کن برای ایشان از خدا، هر آینه خدا آمرزگار مهربان است. ﴿۱۲﴾ ای مسلمانان! دوستی ندارید با گروهی که خشم گرفته است خدا بر آنها که ناامید شده‌اند از ثواب آخرت، چنانکه ناامید شده‌اند کافران که از اهل گوراند^(۲). ﴿۱۳﴾

سوره صف

به نام خداوند بخشنده مهربان

به پاکی یاد کرد خدای را آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و اوست غالب با حکمت. ﴿۱﴾ ای مسلمانان! چرا می‌گویید آنچه نمی‌کنید؟ ﴿۲﴾ بسیار ناپسندیده شد نزدیک خدا آنکه بگویید چیزی را که نکنید^(۱). ﴿۳﴾ هر آینه خدا دوست می‌دارد آنان را که جنگ می‌کنند در راه خدا صف زده، گویا ایشان عمارتی هستند محکم با یکدیگر چسبیده. ﴿۴﴾ و [یاد کن] چون گفت موسی قوم خود را: ای قوم من! چرا می‌رنجانید مرا و هر آینه می‌دانید که من فرستاده‌ی خدایم به سوی شما؟ پس وقتی که کجروی کردند، کج ساخت خدا دل ایشان را و خدا راه نمی‌نماید قوم بدکاران را. ﴿۵﴾

۱- یعنی فرزند کسی را به دیگری منسوب نکنند، والله اعلم.

۲- یعنی خدای تعالی حکم به عذاب ایشان کرده است، پس هرگز ایمان

نیارند و ثواب نیابند، چنانچه کافران بعد مردن بر کفر توقع ثواب

ندارند، والله اعلم.

۱- یعنی با خدا عهد کنید به وفا نرسانید.

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَبْنِي إِسْرَءِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٦﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٧﴾ يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿٨﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٩﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَدْلَكُمْ عَلَىٰ تَجْرَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿١٠﴾ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١١﴾ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾ وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَنْتَ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَكَفَرْتَ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ

﴿١٤﴾

و [یاد کن] چون گفت عیسی پسر مریم: ای بنی اسرائیل! هر آینه من پیغامبر خدایم به سوی شما، باور دارنده آنچه پیش دست من است از تورات و بشارت دهنده به پیغامبری که بیاید بعد از من نام او [احمد] باشد. پس چون آمد احمد پیش ایشان با معجزه‌ها گفتند: این سحری ظاهرست. ﴿۶﴾ و کیست ستمکارتر از کسی که بر بست بر خدا دروغی را و او خوانده می‌شود به سوی اسلام؟ و خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را. ﴿۷﴾ می‌خواهند [این کافران] که فرونشانند نور خدا را به دهن خویش و خدا تمام کننده نور خود است و اگرچه ناخوش دارند کافران. ﴿۸﴾ اوست آن که فرستاد پیغامبر خود را به هدایت و دین راست تا غالب کندش بر ادیان همه آن اگرچه ناخوش دارند مشرکان. ﴿۹﴾ ای مسلمانان! آیا دلالت کنم شما را به آن سوداگری که برهاند شما را از عذاب درد دهنده؟ ﴿۱۰﴾ ایمان آرید به خدا و رسول او و جهاد کنید در راه خدا به اموال خود و به جان خود. این بهتر است برای شما اگر می‌دانید [اگر این چنین کنید]. ﴿۱۱﴾ بیامرزد برای شما گناهان شما را و درآرد شما را به بوستان‌ها می‌رود زیر آن جوی‌ها و به محل‌های پاکیزه در بهشت‌های همیشه ماندن. این است فیروزی بزرگ. ﴿۱۲﴾ و [بدهد نعمتی] دیگر که دوست می‌دارید آن را، [آن نعمت] نصرت از جانب خدا است و فتحی قریب الحصول است و مزده بده مسلمانان را. ﴿۱۳﴾ ای مسلمانان! باشید نصرت دهنده خدا چنانکه گفت عیسی، پسر مریم با یاران خاص خود: کیستند نصرت دهندگان من به سوی خدا متوجه شده؟ گفتند آن یاران خاص: ما یم نصرت دهندگان^(۱)، خدا را، پس ایمان آوردند جمعی از بنی اسرائیل و کافر ماندند جمعی. پس قوت دادیم مؤمنان را بر دشمنان ایشان، پس شدند غالب. ﴿۱۴﴾

سُورَةُ الْجُمُعَةِ

سوره جمعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ
 الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي
 الْأُمَمِ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ
 وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي
 ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢﴾ وَعَاخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ
 الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣﴾ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ
 وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٤﴾ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا
 التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا
 بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا
 يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا
 إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَتَّوْا
 أَلَمُوتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦﴾ وَلَا يَتَمَتَّوْهُ أَبَدًا بِمَا
 قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٧﴾ قُلْ إِنْ
 أَلَمُوتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلْقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ
 إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنْتُمْ
 تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان

به پاکی یاد می کند خدا را هر آنچه در آسمان هاست و
 آنچه در زمین است خدای پادشاه نهایت پاک غالب
 باحکمت. ﴿۱﴾ اوست آن که برانگیخت در
 ناخواندگان^(۱) پیغامبری از قوم ایشان می خواند بر ایشان
 آیات او را و پاک می کند ایشان را و می آموزد ایشان را
 کتاب و دانش و هرآینه ایشان بودند پیش از این در
 گمراهی ظاهر. ﴿۲﴾ و نیز مبعوث کرد آن پیغامبر را در
 قومی دیگر از بنی آدم که هنوز نپیوسته اند با مسلمانان^(۲) و
 اوست غالب با حکمت. ﴿۳﴾ این است فضل خدا
 می دهدش به هر که خواهد و خدا، خداوند فضل بزرگ
 است. ﴿۴﴾ داستان آنان که نهاده شده بر سر ایشان تورات،
 باز نبرداشتند آن را^(۳)، مانند داستان خر است که بردارد
 کتابها را. بد است داستان قومی که دروغ می شمردند
 آیات خدا را و خدا راه نمی نماید گروه ستمکاران را.
 ﴿۵﴾ بگو: ای یهود! اگر گمان دارید که شما دوستان
 خدایید بجز سایر مردمان، پس آرزو کنید مرگ را اگر
 هستید راستگویان. ﴿۶﴾ و آرزو نخواهند کرد آن را
 هرگز، به سبب آنچه پیش فرستاده است دست ایشان و
 خدا داناست به ستمکاران. ﴿۷﴾ بگو: هرآینه مرگی که
 می گریزید از آن، البته وی. رسنده است به شما، باز رجوع
 کرده خواهید شد به سوی داننده نهران و آشکارا، پس خبر
 دهد شما را به آنچه می کردید. ﴿۸﴾

۱- یعنی عرب.

۲- فارس یعنی سائر عجم.

۳- یعنی به وفق آن عمل نکردند.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ
الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ
خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ
الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ
وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠﴾ وَإِذَا رَأَوْا
تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا أَنفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا
عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ
الرَّازِقِينَ ﴿١١﴾

سُورَةُ الْمُنَافِقُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ
وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ
لَكَاذِبُونَ ﴿١﴾ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنِ
سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢﴾ ذَلِكَ
بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا
يَفْقَهُونَ ﴿٣﴾ وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ
يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَانَتْهُمْ حُشْبٌ مِّنْ سَدَّةٍ
يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ
قَتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٤﴾

ای مسلمانان! چون اذان داده شود برای نماز در روز جمعه،
پس سعی کنید به سوی یاد کردن خدا و بگذارید خرید و
فروخت راه، این بهتر است شما را اگر می دانید. ﴿۹﴾ پس
چون تمام کرده شود نماز را متفرق شوید در زمین و طلب
کنید از فضل خدا و یاد کنید خدا را بسیار تا شما رستگار
شوید. ﴿۱۰﴾ و آن مسلمانان چون ببینند کاروانی را یا
بازی [ای] راه، متفرق شده متوجه می شوند به سوی آن و
بگذارند تو را ایستاده ^(۱). بگو: آنچه نزدیک خدا است بهتر
است از بازی و از سوداگری و خدا بهترین روزی
دهندگان است ^(۲). ﴿۱۱﴾

سوره منافقون

به نام خداوند بخشنده مهربان

^(۳) چون بیایند پیش تو منافقان، گویند: گواهی می دهیم که تو
پیغمبر خدایی. و خدا می داند که تو پیغمبر اویی و خدا گواهی
می دهد که منافقان دروغ گویند. ﴿۱﴾ سپر گرفته اند قسم های
خود راه، پس بازماندند از راه خدا. هر آینه ایشان بد است آنچه
می کنند. ﴿۲﴾ این به سبب آن است که ایشان ایمان آوردند باز
کافر شدند، پس مهر کرده شد بر دل ایشان پس ایشان
نمی فهمند. ﴿۳﴾ و چون ببینی ایشان راه، متعجب کند تو را
ابدان ایشان و اگر بگویند، گوش نهی به سخن ایشان گویا
ایشان چوب هایی اند به دیوار باز نهاده. می پندارند هر آواز تند را
هلاکی بر خود! ایشانند دشمنان پس بترس از ایشان، لعنت کرد
ایشان را خدا! از کجا گردانیده می شوند. ﴿۴﴾

۱- یعنی در خطبه.

۲- مترجم گوید: این آیت عتاب است بر اصحاب و اشارت است به آن
قصه که کاروانی از شام آمد. در اثنای خطبه ایشان را دیده متفرق
شدند و در خدمت آن حضرت ﷺ نماندند، مگر دوازده شخص که
حضرت ابو بکر ﷺ و عمر ﷺ از آن جمله بودند، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: رئیس منافقان در سفری سخنان نفاق انگیز بر زبان آورد،
آن را شخصی از انصار به عرض آن حضرت ﷺ رسانید. منافقان به
مجلس شریف آمده قسم خوردند که مرتکب آن کلمات نشده اند. این
سوره در حکایت آن اقوال و تهدید و تکذیب ایشان نازل شد.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّأُ رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ﴿٥﴾ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٦﴾ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٧﴾ يَقُولُونَ لِنِ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٨﴾ يَتَأَيَّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٩﴾ وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٠﴾ وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١١﴾

و چون گفته شود منافقان را: بیایید تا طلب آمرزش کند برای شما پیغامبر خدا بیپچاند سرهای خود را و بینی ایشان را که روی می گردانند تکبرکنان. ﴿۵﴾ یکسان است در حق این جماعت که آمرزش طلب کنی برای ایشان یا آمرزش نطلبی برای ایشان. نخواهد آمرزید خدا ایشان را. هرآینه خدا راه نمی نماید گروه فاسقان را. ﴿۶﴾ ایشانند آنان که می گویند یاران خود را: خرج کنید بر جماعت که نزد رسول خدایند^(۱) تا پراکنده شوند و خدای راست خزانه های آسمان ها و زمین و لیکن منافقان نمی دانند. ﴿۷﴾ می گویند: اگر باز رسیم به مدینه البته برآرد بزرگتر، خوارتر را از مدینه^(۲) و خدای راست بزرگی و پیغامبر او را و مسلمانان را و لیکن منافقان نمی دانند. ﴿۸﴾ ای مسلمانان! مشغول نکردند شما را اموال شما و نه فرزندان شما از یاد کردن خدا و هر که بکند این کار، پس آن جماعت ایشانند زیانکاران. ﴿۹﴾ و خرج کنید از آنچه عطا کرده ایم شما را، پیش از آنکه بیاید به یکی از شما مرگ، پس بگوید: ای پروردگار من! کاش موقوف می گذاشتی مرا تا مدتی اندک تا صدقه دادمی و شدمی از صالحان! ﴿۱۰﴾ و هرگز مهلت نمی دهد خدا هیچ کس را چون بیاید اجل او و خدا خبردار است به آنچه می کنید. ﴿۱۱﴾

۱- یعنی بر فقرای مهاجرین.

۲- یعنی نوانگران اهل نفاق، فقرای مسلمین را.

سُورَةُ التَّغَابُنِ

سوره تغابن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ
وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي
خَلَقَكُمْ مِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢﴾ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ
وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿٣﴾ يَعْلَمُ
مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَمَا
تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٤﴾ أَلَمْ يَأْتِكُمْ
نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهُمْ
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٥﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ
رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا
وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٦﴾ زَعَمَ الَّذِينَ
كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَشَاعُنُ ثُمَّ
لَنَنْبَأَنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧﴾ فَآمَنُوا
بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
خَبِيرٌ ﴿٨﴾ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ
التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ
عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٩﴾

به پاکی یاد می کند خدای را آنچه در آسمانهاست و
آنچه در زمین است. او راست پادشاهی و او راست ستایش
و او بر همه چیز تواناست. ﴿۱﴾ اوست آن که آفرید شما
را. پس بعض از شما کافر است و بعض از شما مؤمن و
خدا به آنچه می کنید بینا است. ﴿۲﴾ آفرید آسمانها و
زمین به تدبیر درست و صورت بست شما را، پس نیک
ساخت صورت های شما و به سوی اوست باز گشت. ﴿۳﴾
می داند آنچه در آسمانها و زمین است و می داند آنچه
پنهان می دارید و آنچه آشکارا می کنید و خدا داناست به
مکنون سینه ها. ﴿۴﴾ آیا نیامده است به شما خبر آنان که
کافر بودند پیش از این؟ پس چشیدند وبال کار خود را و
ایشان راست عذابی درد دهنده. ﴿۵﴾ این عذاب به سبب
آن است که می آمدند پیش ایشان پیغامبران ایشان با
معجزه ها. پس گفتند: آیا آدمیان راه نمایند ما را؟ پس
کافر شدند و رو گردانیدند و بی نیاز است خدا. و خدا
توانگر ستوده است. ﴿۶﴾ پنداشتند کافران که برانگیخته
نخواهند شد. بگو: آری! قسم به پروردگار من! البته
برانگیخته شوید باز خبر داده شود شما را به آنچه
می کردید و این بر خدا آسان است. ﴿۷﴾ پس ایمان آرید
به خدا و رسول او و به نوری که فرو فرستاده ایم^(۱) و خدا به
آنچه می کنید خبردار است. ﴿۸﴾ خبر داده شود شما را
وقتی که به هم آرد شما را در روز قیامت، آن روز، روز
ظهور غبن بعضی به نسبت بعضی باشد و هر که ایمان آرد
به خدا و بکند کار شایسته، دور کند از او جرم های او را و
در آردش به بوستان ها، می رود زیر آن جوی ها، جاویدان
آنجا همیشه، این است فیروزی بزرگ. ﴿۹﴾

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ
النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٠﴾ مَا أَصَابَ
مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ
قَلْبَهُ ۖ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١١﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ
وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۚ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ
الْمُبِينُ ﴿١٢﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٣﴾ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ مِنْ
أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ فَأَحْذَرُوهُمْ وَإِنْ
تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤﴾
إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ۖ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ
عَظِيمٌ ﴿١٥﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمَعُوا وَأَطِيعُوا
وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ ۖ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ ۖ
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٦﴾ إِنْ تَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا
حَسَنًا يُضْعِفَهُ لَكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ ۖ وَاللَّهُ شَكُورٌ
حَلِيمٌ ﴿١٧﴾ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾

و آنان که کافر شدند و به دروغ نسبت کردند آیات ما را،
آن جماعت اهل دوزخند جاویدان آنجا و بدجای است
دوزخ ﴿۱۰﴾ نمی‌رسد هیچ مصیبت، مگر به حکم خدا و
هر که رجوع کند به خدا راه نماید دل او را و خدا به هر
چیز داناست. ﴿۱۱﴾ و فرمانبرداری کنید خدا را و
فرمان‌برداری کنید رسول او را. پس اگر روگردان شوید،
پس جز این نیست که بر پیغامبر ما پیغام رسانیدن آشکار
است. ﴿۱۲﴾ خدا، هیچ معبود نیست مگر او و بر خدا باید
که توکل کنند مؤمنان. ﴿۱۳﴾ ای مسلمانان! هر آینه بعض
ازواج شما و بعض اولاد شما دشمنانند در حق شما، پس
بترسید از ایشان^(۱) و اگر درگذر کنید و روی بگردانید و
بیامرزد، پس هر آینه خدا آمرزگار مهربان است. ﴿۱۴﴾
جز این نیست که اموال شما و اولاد شما امتحان است، و
خدا نزدیک اوست مزد بزرگ. ﴿۱۵﴾ پس بترسید از خدا
آن قدر که توانید و سخن شنوید و فرمانبرداری کنید و
خرج کنید، بهتر باشد برای جان شما و هر که نگاه داشته
شد از بخل نفس خود، پس آن جماعت ایشانند رستگاران.
﴿۱۶﴾ اگر قرض دهید خدا را قرض نیکو، دو چندان
دهدش شما را و بیامرزد شما را و خدا قدرشناسِ بردبار
است. ﴿۱۷﴾ داننده پنهان و آشکارا، غالب با حکمت.

﴿۱۸﴾

سُورَةُ الطَّلَاقِ

سوره طلاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ
 وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ
 بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَلْحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ
 وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ
 نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا
 ﴿١﴾ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ
 فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِّنكُمْ
 وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ
 يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ
 مَخْرَجًا ﴿٢﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ
 عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ
 اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ﴿٣﴾ وَاللَّيْ يَسِّنَ مِنَ الْمَحِيضِ
 مِنْ نِّسَائِكُمْ إِنْ أَرْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ
 وَاللَّيْ لَمْ يَحْضَنْ وَأُولَتْ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ
 يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ
 يُسْرًا ﴿٤﴾ ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ
 يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا ﴿٥﴾

ای پیغامبر! [بگو امت خود را:] چون اراده کنید طلاق دادن زنان، پس طلاق دهید ایشان را در اوّل عدّت ایشان^(۱) و شمار کنید عدّت را و بترسید از خدا، پروردگار خویش. بیرون نکنید ایشان را از خانه‌های ایشان و باید که ایشان بیرون نروند، مگر آنکه به عمل آرند کار بی‌حیایی آشکارا و این حدهای مقرر کرده خداست و هر که تجاوز کند از حدهای خدا، پس هرآینه ستم کرد بر جان خویش. هیچ کس نمی‌داند شاید که خدا پیدا کند بعد از طلاق، کاری را^(۲). ﴿۱﴾ پس چون نزدیک رسند [مطلقات] به میعاد خود، پس نگاه دارید ایشان را به وجه پسندیده یا جدا شوید از ایشان به وجه پسندیده و گواه گیرید دو کس صاحب تقوی را از قوم خود و راست ادا کنید شهادت را برای خدا، این حکم، پند داده می‌شود به آن هر که مؤمن باشد به خدا و به روز آخر و هر که بترسد از خدا پدید آرد برای او مُخَلَّصی. ﴿۲﴾ و روزی دهدش از آنجا که گمان ندارد و هر که توکل کند بر خدا، پس خدا بس است او را. هرآینه خدا رسنده است به مراد خود. هرآینه ساخته است خدا هر چیز را اندازه. ﴿۳﴾ و آنان که ناامید شده‌اند از حیض از جمله زنان شما^(۴)، اگر به شبهه افتاده‌اید، پس عدّت ایشان سه ماه است و آنان که به سن حیض نرسیده‌اند نیز، عدّت ایشان سه ماه است و خداوندان حمل، عدّت ایشان آن است که بنهند حمل خود را و هر که بترسد از خدا پدید آرد برای او در کار او آسانی را. ﴿۴﴾ این حکم خدا است که فرود آورد آن را به سوی شما و هر که بترسد از خدا، دور کند از وی جرم‌های او را و زیاده دهد او را مزد. ﴿۵﴾

۱- یعنی در طهری که مساس نکرده باشید.

۲- یعنی موافقت پدید آید و مراجعت کند، والله اعلم.

۳- یعنی از مطلقات.

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِضَيِّقِهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأُتْمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاسَرْتُمْ فَسَرِّضُوهُ لَهَا وَآخَرَى ۖ لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ ۖ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ۖ وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ ۖ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا ۖ فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا ۖ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ الَّذِينَ ءَامَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا ۖ رُسُلًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ ءَايَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۖ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا ۖ ۝ ١١ ۝ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ۝ ١٢ ۝

ساکن کنید زنان مطلقه را جایی که شما می‌مانید قدر طاقت خود و ایذا مرسانید ایشان را تا تنگ گیرید بر ایشان، و اگر باشند خداوند حمل، پس خرج کنید بر ایشان تا آنکه بنهند حمل خود را. پس اگر شیر دهند به فرمان شما، پس بدهید ایشان را مزد ایشان و با یکدیگر کارفرمایی کنید در میان خویش به وجه پسندیده، پس اگر مضایقه کردید، شیر خواهد داد به فرموده او زنی دیگر. ﴿۶﴾ باید که خرج کند صاحب وسعت از وسعت خود و آن که تنگ کرده شد بر وی رزق او را، پس باید که خرج کند از آنچه عطا کرده است او را خدا. تکلیف نمی‌کند خدا هیچ کس را مگر به حسب آنچه داده است او را. پدید خواهد آورد خدا بعد از تنگدستی آسایش را. ﴿۷﴾ و بسا دیه که تجاوز کرد از فرمان پروردگار خویش و از فرمان پیغامبران او، پس حساب کردیم او را حسابی سخت و عقوبت کردیم او را عقوبتی دشوار. ﴿۸﴾ پس چشید سزای عمل خود و شد سر انجام کار او زیانکاری. ﴿۹﴾ مهیا کرده است خدای تعالی برای ایشان عذاب سخت. پس بترسید از خدای، ای خداوندان خرد! ای مسلمانان! هرآینه فرود آورده است خدا سوی شما کتابی. ﴿۱۰﴾ [فرستاده است] پیغامبری، می‌خواند به شما آیات خدا را واضح آمده تا برآرد آنان را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند از تاریکی‌ها به سوی روشنی و هر که ایمان آورد به خدا و بکند کار شایسته، درآردش به بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا همیشه. هرآینه به وجه نیک ساخته است خدا برای او رزق را. ﴿۱۱﴾ خدا آن است که آفرید هفت آسمان و آفرید از زمین مانند آن. فرود می‌آید تدبیر کار در میان آسمان‌ها و زمین، بیان کردیم تا بدانید که خدا بر هر چیز توانا است و نیز بدانید که خدا به گرد آمده است هر چیز را به اعتبار علم. ﴿۱۲﴾

سُورَةُ التَّحْرِيمِ

سوره تحریم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَرْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١﴾ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٢﴾ وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ زَوْجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَاَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ ﴿٣﴾ إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَلِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةِ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ ﴿٤﴾ عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَقَنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَرْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَلِيلَاتٍ تَلَبَّيْتِ عِلْدَاتٍ سَلَّيْتِ ثِيَابَ وَأَبْكَارًا ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧﴾

(۱) ای پیغمبر! چرا حرام می کنی چیزی را که حلال ساخته است خدا برای تو؟ می طلبی خوشنودی زنان خود و خدا آمرزگار مهربان است. ﴿۱﴾ هرآینه مشروع ساخته است خدا برای شما گشادن سوگندهای شما را (۲) و خدا کارساز شما است و اوست دانای با حکمت. ﴿۲﴾ و یاد کن چون پنهان گفت پیغمبر یا بعض ازواج خود سخنی را. پس چون افشا کرد آن سخن را و مطلع ساخت خدای تعالی پیغمبر را بر افشای آن سخن، شناسا کرد پیغمبر به بعض آن سخن و اعراض کرد از ذکر بعض. پس وقتی که خبردار کرد آن را با افشای راز آن زن، گفت: که خبر داد تو را به افشای این راز؟ پیغمبر فرمود که خبر داد مرا خدای دانای خبردار. ﴿۳﴾ [ای دو زن پیغمبر!] (۴) اگر رجوع کنید به سوی خدا، خوش باشد. هرآینه کج شده است دل شما و اگر باهم متفق شوید برنجانیدن پیغمبر، پس هرآینه خدا کارساز اوست و جبریل و مردمان شایسته از مسلمانان و نیز فرشتگان بعد از این مددکارند. ﴿۴﴾ اگر طلاق دهد پیغمبر، شما را، نزدیک است که پروردگار او عوض دهد برای او زنان دیگر بهتر از شما، گردن نهادگان باوردارندگان دعاکنندگان توبه نمایندگان عبادت به جا آرندگان روزه دارندگان شوهر دیدگان و شوهر نادیدگان. ﴿۵﴾ ای مسلمانان! نگاه دارید خویشتن را و اهل خانه خود را از آتشی که آتش انگیز آن مردمان باشند و سنگها نیز، بر آن آتش موکل اند فرشتگان درشت خو سخت رو، نافرمانی نمی کنند خدا را در آنچه فرموده است خدا ایشان را و می کنند هرچه حکم می شود ایشان را. ﴿۶﴾ [آن روز کوییم:] ای کافران! عذر پیش میارید امروز: جز این نیست که جزا داده می شود شما را به حسب آنچه می کردید. ﴿۷﴾

۱- مترجم گوید که: آن حضرت ﷺ ماریه قبطیه را سریه خود ساخته و ازواج آن حضرت، غیرت کردند. آن حضرت ﷺ برای خاطر داشت ایشان ماریه را بر خود حرام گردانید و آن حضرت سیری از اسرار خود با بعض ازواج اظهار فرموده و در کتمان آن مبالغه کرد، آن زوجه به دیگری اظهار نمود. آن حضرت ﷺ به طریق وحی بر افشای آن سر مطلع شدند و به نوعی از رمز آن قصه در میان نهادند و عتاب فرمودند. خدای تعالی در باب پند ازواج طاهرات و تهدید ایشان نازل ساخت، والله اعلم.

۲- یعنی به ادای کفار.

۱- یعنی حفصه وعائشه رضی الله عنهما، والله اعلم.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا
 عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ
 وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا
 يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ
 بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا
 وَآغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٨﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ
 جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ
 جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٩﴾ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ
 كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ
 عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا
 عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ
 الدَّٰخِلِينَ ﴿١٠﴾ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتَ
 فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ
 وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ
 الظَّالِمِينَ ﴿١١﴾ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ
 فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقْتَ بِكَلِمَاتِ
 رَبِّهَا وَكُتِبَ فِيهَا وَكَانَتْ مِنَ الْقَلِيلِينَ ﴿١٢﴾

ای مسلمانان! رجوع کنید به سوی خدا، رجوع خالص. امید
 است از پروردگار شما که زایل کند از شما جرم‌های شما
 را و در آرد شما را به بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها،
 روزی که رسوا نکند خدای تعالی پیغامبر را و نه آنان را که
 ایمان آورده‌اند همراه او. نور ایشان می‌رود میان دو دست
 ایشان و به جانب راست ایشان. می‌گویند: ای پروردگار ما!
 تمام ده برای ما نور ما را و بیا مرز ما را، هر آینه تو بر هر
 چیز توانایی. ﴿۸﴾ ای پیغامبر! جهاد کن با کافران و با
 منافقان نیز و درشت شو بر ایشان و جای ایشان دوزخ است
 و وی بدجایی است. ﴿۹﴾ پدید آورد خدا داستانی را برای
 آنان که کافر شدند، زنِ نوح را و زن لوط را، بودند زیر
 نکاح دو بنده شایسته از بندگان ما، پس خیانت کردند به
 آن دو بنده، پس دفع نکردند ایشان از آن دو زن چیزی را
 از عذاب خدا و گفته شد: درآیید در دوزخ با درآیندگان!
 . ﴿۱۰﴾ و پدید آورد خدا داستانی را برای آنان که ایمان
 آوردند، زن فرعون را چون گفت: ای پروردگار من!
 بنا کن برای من نزدیک خود خانه‌ای در بهشت و خلاص
 کن مرا از فرعون و کار او و خلاصی داده مرا از قوم
 ستمکاران. ﴿۱۱﴾ و مریم، دختر عمران، را که نگاه داشت
 فرج خود را، پس دمیدیم در فرج او روح خود را، و باور
 داشت سخنان پروردگار خود را و کتاب‌های او را و بود از
 فرمانبردارندگان^(۱). ﴿۱۲﴾

۱- یعنی روح حضرت عیسی در رحم مریم آمد و فرج، کنایت است از

سُورَةُ الْمُلْكِ

سوره ملک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَرَّكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 ① الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ
 أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ② الَّذِي خَلَقَ
 سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ
 تَفَوتٍ فَأَرْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ③ ثُمَّ
 أَرْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا
 وَهُوَ حَسِيرٌ ④ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ
 وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ
 السَّعِيرِ ⑤ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ
 وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ⑥ إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا
 وَهِيَ تَفُورُ ⑦ تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ
 فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ⑧ قَالُوا
 بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ
 شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ ⑨ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا
 نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ⑩
 فَأَعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ ⑪ إِنَّ
 الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

۱۲

به نام خداوند بخشنده مهربان

بسیار با برکت است آن خدا که به دست اوست پادشاهی و
 او بر همه چیز تواناست. ﴿۱﴾ آن خدا که آفرید موت و
 حیات را تا بیازماید شما را که کدام یک از شما نیکوتر
 است در عمل و اوست غالب آمرزگار. ﴿۲﴾ آن خدا که
 آفرید هفت آسمان را تو بر تو. نبینی [ای بیننده] در
 آفرینش خدا هیچ بی ضابطگی. پس بازگردان چشم را آیا
 می بینی هیچ شکستگی؟ ﴿۳﴾ پس بازگردان چشم را
 دوباره تا بازآید به جانب تو چشم خوار شده مانده گشته.
 ﴿۴﴾ و هرآینه زینت دادیم آسمان نزدیک را به چراغها
 و ساختیم آن چراغها را آلات رجم شیاطین و آماده
 کرده ایم برای شیاطین عذاب دوزخ. ﴿۵﴾ و برای آنان که
 کافر شده اند به پروردگار خود عذاب دوزخ است و آن بد
 جایی است. ﴿۶﴾ وقتی که افکنده شود ایشان را به دوزخ
 بشنوند آن را آوازی مانند آواز خر و آن دوزخ جوش
 می زند. ﴿۷﴾ نزدیک است که پاره پاره شود از خشم.
 هرگاه افکنده شود به دوزخ گروهی را، سؤال کنند از آن
 گروه نگاهبان دوزخ: آیا نیامده بود نزدیک شما هیچ
 پیغامبر ترساننده؟ ﴿۸﴾ بگویند: آری! آمده بود به ما
 ترساننده ای. پس دروغ داشتیم و گفتیم: نفروده آورده است
 خدا هیچ چیزی را. نیستید شما مگر در گمراهی بزرگ.
 ﴿۹﴾ و گویند: اگر ما می شنیدیم یا می فهمیدیم نمی شدیم
 داخل در زمره اهل دوزخ. ﴿۱۰﴾ پس اقرار کرده اند به
 گناه خویش پس لعنت باد اهل دوزخ را! ﴿۱۱﴾ هرآینه
 آنان که می ترسند از پروردگار خویش غایبانه ایشان راست
 آمرزش و مزد بزرگ. ﴿۱۲﴾

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ
الْصُّدُورِ ﴿١٣﴾ أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ
الْخَبِيرُ ﴿١٤﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا
فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ
﴿١٥﴾ ءَأَمِنْتُمْ مَّنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ
فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ﴿١٦﴾ أَمْ أَمِنْتُمْ مَّنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ
عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ ﴿١٧﴾ وَلَقَدْ
كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿١٨﴾ أَوْ
لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَقَتْ وَيَقْبِضُنَّ مَا
يُمْسِكُنَّ إِلَّا الرِّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ﴿١٩﴾
أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَّكُمْ يَنْصُرُكُم مِّنْ دُونِ
الرَّحْمَنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ﴿٢٠﴾ أَمَّنْ هَذَا
الَّذِي يَزْرُقُكُمُ إِنِ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ
وَنُفُورٍ ﴿٢١﴾ أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى
أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢٢﴾ قُلْ هُوَ
الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ
وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٢٣﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي
ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَيَقُولُونَ
مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٥﴾ قُلْ إِنَّمَا
أَعْلَمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٢٦﴾

و پنهان کنید سخن خود را یا آشکارا گویند آن را،
هر آینه خدا دانا است به آنچه در سینه‌ها باشد. ﴿۱۳﴾ آیا
نداند کسی که آفرید و اوست باریک بین خبردار؟! ﴿۱۴﴾
اوست آنکه رام ساخت برای شما زمین را تا راه روید در
نوی آن و بخورید از رزق خدا و سوی اوست برانگیختن.
﴿۱۵﴾ آیا ایمن شده‌اید از کسی که در آسمان است از
آنکه فرو برد شما را به زمین، پس ناگهان زمین جنبش
کند؟ ﴿۱۶﴾ آیا ایمن شده‌اید از کسی که در آسمان
است از آنکه بفرستد بر شما باد سنگبار؟ پس خواهید
دانست چگونه است ترسانیدن من. ﴿۱۷﴾ و هر آینه دروغ
داشتند آنان که پیش از ایشان بودند، پس چگونه بود
عقوبت من؟ ﴿۱۸﴾ آیا ندیده‌اند به سوی مرغان بالای
خود گشاینده بازوی و گاه گاه فراهم می‌آرند؟! نگاه
نمی‌دارد ایشان را مگر خدا، هر آینه او به هر چیز بیناست.
﴿۱۹﴾ آیا کیست آنکه وی لشکر است برای شما نصرت
می‌دهد شما را بجز خدا؟ نیستند کافران مگر در فریب.
﴿۲۰﴾ آیا کیست آنکه روزی دهد شما را اگر بازگیرد
خدا رزق خود را؟ بلکه محکم پیوسته‌اند در سرکشی و
رمیدگی. ﴿۲۱﴾ آیا کسی که برود نگویند افتاده بر روی
خود راه یافته تر است آیا کسی که می‌رود راست ایستاده بر
راه راست؟^(۱) ﴿۲۲﴾ بگو: اوست آنکه بیافرید شما را و
پدید آورد برای شما شنوایی و چشم‌ها و دل‌ها اندکی
شکر می‌کنید. ﴿۲۳﴾ بگو: اوست آنکه پراکنده ساخت
شما را در زمین و به سوی او برانگیخته خواهید شد.
﴿۲۴﴾ و می‌گویند: کافران کی باشد این وعده اگر
راستگویند؟! ﴿۲۵﴾ بگو: جز این نیست که علم نزدیک
خداست و جز این نیست که من بیم‌کننده آشکارم. ﴿۲۶﴾

و آنگاه که ببینند وعده را نزدیک شده ناخوش کرده شود^(۱) روی آنان که کافر شدند و گفته شود: این است آنچه او را می‌طلبیدید. ﴿۲۷﴾ بگو: آیا دیدید اگر هلاک کند مرا خدا و آنان را که همراه منند یا رحمت کند بر ما، به هر تقدیر که خلاصی دهد کافران را از عذاب درد دهنده؟ ﴿۲۸﴾ بگو: اوست بخشاینده، به وی ایمان آوردیم و بر وی توکل نمودیم، پس خواهید دانست که کیست در گمراهی ظاهر. ﴿۲۹﴾ بگو: آیا دیدید اگر شود آب شما فرورفته، پس که بیارد برای شما آب روان را؟ ﴿۳۰﴾

سوره قلم

به نام خداوند بخشنده مهربان

ن و قسم به قلم [اعلی] و به آنچه می‌نویسند [فرشتگان]!. ﴿۱﴾ نیستی تو به فضل پروردگار خود دیوانه. ﴿۲﴾ و هرآینه تو را است مزد بی‌نهایت. ﴿۳﴾ و هرآینه تو بر خوی بزرگی. ﴿۴﴾ پس خواهی دید و ایشان نیز خواهند دید. ﴿۵﴾ که به کدام یک از شما دیوانگی است. ﴿۶﴾ هرآینه پروردگار تو داناتر است با کسی که غلط کرد راه او را و او نیز داناتر است به راه یافتگان. ﴿۷﴾ پس فرمان مبر دروغ‌دارندگان را. ﴿۸﴾ آرزو کردند که ملایمت کنی تا ایشان نیز ملایمت کنند. ﴿۹﴾ و فرمان قبول مکن هر بسیار سوگند خورنده محقر را. ﴿۱۰﴾ هر عیب‌کننده را، هر رونده به سخن چینی را. ﴿۱۱﴾ هر بخل‌کننده و به مال از حد گذشته گنه کار را. ﴿۱۲﴾ هر سخت روی را بعد از این همه، ملحق را نه از اصل ایشان را^(۲). ﴿۱۳﴾ به سبب آنکه هست صاحب مال و فرزندان. ﴿۱۴﴾ [تکذیب کرد] چون خوانده شود بر وی آیات ما، گوید: افسانه پیشینیان است. ﴿۱۵﴾

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ ﴿٢٧﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي أَلَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٨﴾ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ عَامِنًا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٢٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ ﴿٣٠﴾

سُورَةُ الْقَلَمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نَّ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ﴿١﴾ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ﴿٢﴾ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ﴿٣﴾ وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾ فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ ﴿٥﴾ بِأَبْيَعِ الْمَقْتُولِ ﴿٦﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٧﴾ فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٨﴾ وُدُّوا لَوْ تَدْهِنُ فَيَذْهَبُونَ ﴿٩﴾ وَلَا تُطِعِ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ ﴿١٠﴾ هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ ﴿١١﴾ مَنَّاعٍ لِلْخِیرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١٢﴾ عُثْلٍ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ ﴿١٣﴾ أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ ﴿١٤﴾ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٥﴾

۱- یعنی سیاه کرده شود.

۲- یعنی سنت خدا آن است که مردم بد اصل غالباً متصف به این صفات رذیله باشند.

سَدَسِمُهُ عَلَى الْحَرْطُومِ ﴿١٦﴾ إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ﴿١٧﴾ وَلَا يَسْتَنْتُونَ ﴿١٨﴾ فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿١٩﴾ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ ﴿٢٠﴾ فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ ﴿٢١﴾ أَنِ اغْدُوا عَلَى حَرْثِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَٰرِمِينَ ﴿٢٢﴾ فَأَنْظِلُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ ﴿٢٣﴾ أَن لَّا يَدْخُلْنَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَّسْكِينٌ ﴿٢٤﴾ وَغَدُوا عَلَى حَرْدٍ قَدِيرِينَ ﴿٢٥﴾ فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَصَّالُونَ ﴿٢٦﴾ بَلْ نَحْنُ مُحْرَمُونَ ﴿٢٧﴾ قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ﴿٢٨﴾ قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٩﴾ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ ﴿٣٠﴾ قَالُوا يَٰوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٣١﴾ عَسَىٰ رَبُّنَا أَن يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ ﴿٣٢﴾ كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ﴿٣٤﴾ أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٥﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٦﴾ أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ﴿٣٧﴾ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ﴿٣٨﴾ أَمْ لَكُمْ أَيْمَنٌ عَلَيْنَا بَلِغَةٌ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَمَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ ﴿٣٩﴾ سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ رَعِيمٌ ﴿٤٠﴾ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٤١﴾ يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٤٢﴾

انشاء الله نمی گفتند. ﴿۱۸﴾ پس به گرد آمد بر آن بوستان بلایی از جانب پروردگار تو^(۲) و ایشان خفته بودند. ﴿۱۹﴾ پس شد مانند زراعت بریده شده. ﴿۲۰﴾ پس با یکدیگر آواز دادند صباح کنان. ﴿۲۱﴾ که پگاه روید به کشت خود اگر درد کننده اید. ﴿۲۲﴾ پس رفتند با یکدیگر سخن پنهان گویان. ﴿۲۳﴾ باید که داخل نشود در بوستان امروز بر شما هیچ فقیری. ﴿۲۴﴾ و پگاه رسیدند بر نیت بخل، توانا به زعم خود. ﴿۲۵﴾ پس آنگاه که دیدند آن بوستان را، گفتند: هرآینه ما غلط کننده راهیم^(۳). ﴿۲۶﴾ نه! بلکه ما محروم کردگانیم. ﴿۲۷﴾ گفت بهترین ایشان: آیا نگفته بودم شما را که چرا تسبیح نمی گوید؟^(۴) ﴿۲۸﴾ گفتند: به پاکی یاد می کنیم پروردگار خود را، هرآینه ما ستمکار بودیم. ﴿۲۹﴾ پس روی آوردند بعضی ایشان بر بعضی با یکدیگر ملامت کنان. ﴿۳۰﴾ گفتند ای وای ما را، هرآینه ما بودیم از حد گذشته. ﴿۳۱﴾ امید است از پروردگار ما که عوض دهد ما را بوستانی بهتر از این، هرآینه ما به سوی پروردگار خویش توقع دارند گانیم. ﴿۳۲﴾ همچنین است عذاب و هرآینه عذاب آخرت بزرگتر است، کاش می دانستند! ﴿۳۳﴾ هرآینه متقیان را نزدیک پروردگار ایشان بوستان های نعمت باشد. ﴿۳۴﴾ آیا گردانیم مسلمانان را مانند گناهکاران؟ ﴿۳۵﴾ چیست شما را، چگونه مقرر می کنید؟ ﴿۳۶﴾ آیا نزدیک شما کتابی هست که در وی تلاوت می کنید [این مضمون] که: ﴿۳۷﴾ هرآینه شما را باشد در معاد آنچه اختیار می کنید. ﴿۳۸﴾ آیا شما را عهدهای محکم است بر ذمه ما که حکم آن تا به قیامت باقی باشد [به این مضمون] که هرآینه شما راست آنچه مقرر کنید. ﴿۳۹﴾ پرس از مشرکان کدام یک از ایشان به این مقدمه، متعهد است. ﴿۴۰﴾ آیا این مشرکان را شریکان هستند؟ پس باید که بیارند شریکان خود را اگر راستگویند. ﴿۴۱﴾ روزی که جامه برداشته شود از ساق و خوانده شود ایشان را به سوی سجده، پس نتوانند. ﴿۴۲﴾

۲- یعنی آتش درگرفت.

۳- یعنی این بوستان دیگر است، بوستان ما نیست.

۴- یعنی رجوع به خدا کنید.

داغ خواهیم نهاد او را بر بینی^(۱). ﴿۱۶﴾ هرآینه ما آزمودیم ایشان را چنانکه آزموده بودیم خداوندان بوستان را، چون قسم خوردند که البته درو کنند بوستان را صباح کنان. ﴿۱۷﴾ و

۱- کنایت است از رسوا کردن.

نیایش^(۱) ظاهر باشد بر چشم‌های ایشان، فروگیرد ایشان را خواری و هرآینه خوانده می‌شد ایشان را به سجده، حال آنکه ایشان بی‌علت بودند. ﴿۴۳﴾ پس بگذار مرا با کسی که دروغ می‌شمرد این سخن را. پایه پایه خواهیم کشید این جماعت را از آن راه که نمی‌دانند. ﴿۴۴﴾ و مهلت خواهیم داد ایشان را، هرآینه حیلۀ من محکم است. ﴿۴۵﴾ آیا می‌طلبی از این جماعت مزدی؟ پس ایشان از تاوان گرانبارند. ﴿۴۶﴾ آیا نزدیک این جماعت علم غیب است، پس ایشان می‌نویسند؟ ﴿۴۷﴾ پس صبر کن به انتظار حکم پروردگار خود و مباش مانند صاحب ماهی^(۲)، چون دعا کرد و او پر از غم شده بود. ﴿۴۸﴾ اگر نه آن است که دریافت او را رحمتی از جانب پروردگار او، البته برتافته می‌شد به زمین بی‌گیاه و او بد حال بودی^(۳). ﴿۴۹﴾ پس برگزیدش پروردگار او، پس ساخت او را از جمله صالحان. ﴿۵۰﴾ و هرآینه نزدیک‌اند کافران که بلغزانند تو را به چشم‌های نیز خود، چون شنیدند قرآن را^(۴) و می‌گویند: هرآینه این پیغامبر دیوانه است. ﴿۵۱﴾ و به حقیقت نیست این قرآن مگر پندی، عالم‌ها را. ﴿۵۲﴾

سوره حاقه

به نام خداوند بخشنده مهربان

قیامت. ﴿۱﴾ چیست آن قیامت؟^(۵) ﴿۲﴾ و چه چیز خبردار کرد تو را که چیست آن قیامت؟ ﴿۳﴾ دروغ شمرد قبیله ثمود و عاد قیامت را. ﴿۴﴾ اما ثمود، پس هلاک کرده شد ایشان را به نعرۀ تند. ﴿۵﴾ و اما عاد، پس هلاک کرده شد ایشان را به باد سخت از حد در گذشته. ﴿۶﴾ خدای برگماشت آن باد را بر عاد هفت شب و هشت روز نهایت نحس. پس می‌دیدى [ای بیننده] آن قوم را بر زمین افتاده گویا ایشان تنه‌های درخت خرماى از کهنگی برهم شده‌اند. ﴿۷﴾ پس آیا می‌بینی ایشان را هیچ بقیه؟ ﴿۸﴾

۱- در صحیحین است و لفظ حدیث از بخاری است که ابو سعید خدری ؓ روایت می‌کند از رسول الله ﷺ که شنید او را که می‌فرمودند که روز قیامت ظاهر نماید پروردگار ما سابق خود را پس سجده‌کنان افتند تمام اهل ایمان از مرد و زن و سجده نتواند کسی که در دنیا به جهت ریا و سمعه سجده می‌کرد. پس کوشش می‌کند که سجده کند، ولی به آن قادر نمی‌شود، زیرا که پشت او یک طبق مثل تخته راست می‌شود.

۲- یعنی یونس ؑ.

۳- لیکن رحمت در رسید و بدحال نشد.

۴- و این کنایه است از شدت عداوت ایشان.

۵- مترجم گوید: ظاهر نزدیک بنده آن است که معنی آیت است عقوبت ثابت، چیست آن عقوبت ثابت و هر چیز مطلع ساخت تو را که چیست آن عقوبت ثابت، بعد از آن چند عقوبت گذشته را بیان فرمود.

خَدِشَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهْفُهُمْ ذَلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَلِيمُونَ ﴿۴۳﴾ فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهِدَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۴۴﴾ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿۴۵﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ﴿۴۶﴾ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ ﴿۴۷﴾ فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿۴۸﴾ لَوْلَا أَنْ تَدْرَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ﴿۴۹﴾ فَأَجْتَبَاهُ رَبُّهُ وَفَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۵۰﴾ وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿۵۱﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿۵۲﴾

سُورَةُ الْحَاقَّةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَاقَّةُ ﴿۱﴾ مَا الْحَاقَّةُ ﴿۲﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ﴿۳﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادُ بِالْقَارِعَةِ ﴿۴﴾ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ ﴿۵﴾ وَأَمَّا عَادُ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ﴿۶﴾ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَنِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا ﴿۷﴾ فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ﴿۸﴾ فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ ﴿۹﴾

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْحَاطِطَةِ
 ﴿٩﴾ فَعَصُوا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَاخَذَهُمْ أَخَذَةً رَابِيَةً ﴿١٠﴾ إِنَّا
 لَمَّا طَغَا الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ ﴿١١﴾ لِنَجْعَلَهَا
 لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ ﴿١٢﴾ فَإِذَا نُفِخَ فِي
 الصُّورِ نَفْحَةٌ وَاحِدَةٌ ﴿١٣﴾ وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ
 فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ﴿١٤﴾ فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١٥﴾
 وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ﴿١٦﴾ وَالْمَلَكُ عَلَى
 أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَةٌ
 ﴿١٧﴾ يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ﴿١٨﴾ فَأَمَّا
 مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَآؤُمُ اقْرَءُوا
 كِتَابِيَةَ ﴿١٩﴾ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلْقٍ حِسَابِيَةَ ﴿٢٠﴾ فَهُوَ فِي
 عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿٢١﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿٢٢﴾ قُطُوفُهَا
 دَانِيَةٌ ﴿٢٣﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ
 الْخَالِيَةِ ﴿٢٤﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ
 يَلَيْتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيَةَ ﴿٢٥﴾ وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَةَ ﴿٢٦﴾
 يَلَيْتَهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ ﴿٢٧﴾ مَا أَغْنَى عَنِّي مَالِيَةَ ﴿٢٨﴾
 هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَةَ ﴿٢٩﴾ خُدُوهُ فَعُلُّوهُ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ
 الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ﴿٣١﴾ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ
 ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ﴿٣٢﴾ إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ
 ﴿٣٣﴾ وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣٤﴾

و به عمل آورد فرعون و آنان که پیش از وی بودند و اهل
 موتفکات نیز گناه را. ﴿٩﴾ پس نافرمانبرداری کردند
 فرستاده پروردگار خود را، پس در گرفت خدا آن
 جماعت را در گرفتن عظیم. ﴿١٠﴾ و هر آینه تا وقتی که از
 حد گذشت آب، سوار کردیم شما را بر کشتی روان.
 ﴿١١﴾ تا بکنیم این مقدمه را برای شما پندی و یاد دارد آن
 را گوش یاد دارنده. ﴿١٢﴾ پس چون دمیده شود در صور
 یک بار دمیدن. ﴿١٣﴾ و برداشته شود زمین و کوهها را پس
 کوفته شود ایشان را یک بار کوفتن. ﴿١٤﴾ پس آن روز
 متحقق شود قیامت. ﴿١٥﴾ و بشکافد آسمان، پس آسمان
 آن روز سست شده باشد. ﴿١٦﴾ و فرشتگان بر کنارههای
 آسمان باشد و بردارند تخت پروردگار تو را بالای خویش
 آن روز هشت کس. ﴿١٧﴾ آن روز پیش آورده شود شما
 را پنهان نماند از حال شما هیچ سری. ﴿١٨﴾ اما آن که داده
 شدش نامه اعمال او به دست راست او، پس گوید: بگیری!
 بخوانید نامه اعمال مرا! ﴿١٩﴾ هر آینه من معتقد بودم که
 من به خواهم رسید به حساب خود. ﴿٢٠﴾ پس آن شخص
 در زندگانی پسندیده باشد. ﴿٢١﴾ در بهشتی بلند. ﴿٢٢﴾ که
 میوه آن قریب الحصول است. ﴿٢٣﴾ [گفته شود:] بخورید
 و بیاشامید خوردن و آشامیدن گوارا، به سبب آنچه پیش
 فرستاده بودید در روزهای گذشته. ﴿٢٤﴾ و اما آنان که داده
 شدش نامه اعمال او به دست چپ او، پس گوید که: ای
 کاش داده نمی شد مرا نامه اعمال من! ﴿٢٥﴾ وای کاش
 نمی دانستم که چیست حساب من! ﴿٢٦﴾ ای کاش مرگ
 آخر کننده کار بودی! ﴿٢٧﴾ هیچ نفع نکرد از من مال
 من. ﴿٢٨﴾ زایل شد از من پادشاهی من. ﴿٢٩﴾ گفته شود:
 ای فرشتگان! بگیریدش پس طوق به گردن کنیدش. ﴿٣٠﴾
 باز در دوزخ داخل کنیدش. ﴿٣١﴾ باز در زنجیری که
 مساحت آن هفتاد گز باشد در آریدش. ﴿٣٢﴾ هر آینه این
 شخص، ایمان نمی داشت به خدای بزرگ. ﴿٣٣﴾ و رغبت
 نمی داد مردمان را بر طعام دادن فقیر. ﴿٣٤﴾

پس نیست این شخص را امروز انجا خویشاوندی. ﴿۳۵﴾ و نیست این شخص را هیچ طعامی مگر از زرد آب. ﴿۳۶﴾ که نخورند آن را مگر گناهکاران. ﴿۳۷﴾ پس قسم می خورم به آنچه می بینید! ﴿۳۸﴾ و به آنچه نمی بینید! ﴿۳۹﴾ هر آینه قرآن گفتار فرشته بزرگوار است. ﴿۴۰﴾ و نیست آن گفتار شاعر. اندکی ایمان می آید. ﴿۴۱﴾ و نیست گفتار کاهن. اندکی پند می پذیرید. ﴿۴۲﴾ فرود آورده شده است از جانب پروردگار عالم ها. ﴿۴۳﴾ و اگر می بست پیغامبر بر ما بعض سخن ها را. ﴿۴۴﴾ هر آینه می گرفتیم از او دست راست او را. ﴿۴۵﴾ باز می بریدیم رگ دل او را^(۱). ﴿۴۶﴾ پس نیست از شما هیچ کس از او باز دارنده^(۲). ﴿۴۷﴾ و هر آینه قرآن، پند است پرهیزگاران را. ﴿۴۸﴾ و هر آینه می دانیم که بعض شما دروغ دارنده اید. ﴿۴۹﴾ و هر آینه قرآن، حسرت است بر کافران. ﴿۵۰﴾ و هر آینه قرآن، راست درست است. ﴿۵۱﴾ پس به پاکی یاد کن پروردگار بزرگوار خود را. ﴿۵۲﴾

سوره معارج

به نام خداوند بخشنده مهربان

طلب کرد طلب کننده عقوبتی. ﴿۱﴾ بر کافران فرود آورده. نیست او را هیچ بازدارنده^(۳). ﴿۲﴾ فرود آورده از جانب خدا، خداوند مرتبه ها. ﴿۳﴾ [که بر آن صعود کرده شود] بالا می روند فرشتگان و روح نیز^(۴) به سوی خدا، عقوبت فرود آورده بر کافران در روزی که هست مقدار آن پنجاه هزار سال. ﴿۴﴾ پس صبر کن، صبر نیک. ﴿۵﴾ هر آینه کافران دور می بینند آن روز را. ﴿۶﴾ و ما نزدیک می بینمش. ﴿۷﴾ روزی که شود آسمان مانند مس گداخته. ﴿۸﴾ و شود کوه ها مانند پشم رنگین. ﴿۹﴾ و نپرسد هیچ خویشاوند، خویشاوند دیگر را ﴿۱۰﴾.

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ ﴿۳۵﴾ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسِيلٍ ﴿۳۶﴾ لَا يَأْكُلُهُوَ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ﴿۳۷﴾ فَلَا أَقْسَمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ﴿۳۸﴾ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ﴿۳۹﴾ إِنَّهُ وَلَقَوْلِ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿۴۰﴾ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ ﴿۴۱﴾ وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذْكُرُونَ ﴿۴۲﴾ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۴۳﴾ وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ ﴿۴۴﴾ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿۴۵﴾ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿۴۶﴾ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ ﴿۴۷﴾ وَإِنَّهُ لَتَذْكُرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ﴿۴۸﴾ وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ ﴿۴۹﴾ وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿۵۰﴾ وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ﴿۵۱﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿۵۲﴾

سُورَةُ الْمَعَارِجِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ﴿۱﴾ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُوَ دَافِعٌ ﴿۲﴾ مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ﴿۳﴾ تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ﴿۴﴾ فَأَصْبَرَ صَبْرًا جَمِيلًا ﴿۵﴾ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ وَبَعِيدًا ﴿۶﴾ وَنَرْنَاهُ قَرِيبًا ﴿۷﴾ يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ ﴿۸﴾ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ﴿۹﴾ وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا ﴿۱۰﴾

﴿۱۰﴾

۱- مترجم گوید: عادت سیاف آن است که دست راست اسیر را به دست چپ خود بگیرد و شمشیر به گردن او حواله کند، لهذا به این اسلوب گفته شد.

۲- یعنی عقوبت ما را.

۳- یعنی گفتند: ﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ ﴿۲﴾

۴- یعنی جبرئیل علیه السلام.

يُبْصِرُونَهُمْ يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ
يَوْمِئِذٍ بَنِيهِ ۖ وَصَحْبَتَهُ ۖ وَأَخِيهِ ۚ وَفَصِيلَتِهِ
الَّتِي تُتَوِّىهِ ۚ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ ۚ
كَلَّا إِنَّهَا لَأُظْلَىٰ ۖ نَزَّاعَةً لِّلشَّوَىٰ ۖ تَدْعُوا مَنْ
أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ ۖ وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ ۚ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ
هَلُوعًا ۚ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ۚ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ
مَنُوعًا ۚ إِلَّا الْمُصَلِّينَ ۚ الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ
دَائِمُونَ ۚ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ۚ
لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ۚ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ
ۚ وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ۚ إِنَّ
عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ۚ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ
حَافِظُونَ ۚ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ
فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ۚ فَمَنْ أَتَّبَعَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ۚ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْنَتِهِمْ
وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ۚ وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَتِهِمْ قَائِمُونَ
ۚ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ۚ أُولَٰئِكَ
فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ ۚ فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ
مُهْطِعِينَ ۚ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ ۚ
أَيُطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ۚ كَلَّا
إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّمَّا يَعْلَمُونَ ۚ

نموده شود ایشان را قرباتیان ایشان. آرزو کند گناهکار که
عوض دهد از عذاب آن روز، فرزندان خود را. ﴿۱۱﴾ و
زن خود را و برادر خود را. ﴿۱۲﴾ و نیز قبیله خود را که
جای می‌دهد او را. ﴿۱۳﴾ و نیز هر که در زمین است همه
یکجا. پس برهاند این عوض دادن، خودش را. ﴿۱۴﴾ نی!
نی! هرآینه دوزخ آتشی است شعله زننده. ﴿۱۵﴾ پوست
سر را برکنشده. ﴿۱۶﴾ می‌خواند هر که را اعراض کرد و
روی گردان شد. ﴿۱۷﴾ و جمع مال نمود، پس درآوردند
نگاه داشت. ﴿۱۸﴾ هرآینه آدمی آفریده شده است
ناشکینده. ﴿۱۹﴾ چون برسدش مصیبت، اضطراب کننده.
﴿۲۰﴾ و چون برسدش رفاهیت، بخل نمایند. ﴿۲۱﴾ مگر
نماز گذاران. ﴿۲۲﴾ آنان که ایشان بر نماز خویش، همیشه
باشند گانند. ﴿۲۳﴾ و آنان که در اموال ایشان حصه‌ای هست
مقرر. ﴿۲۴﴾ برای سائل و بی‌مایه کم سؤال. ﴿۲۵﴾ و
آنان که باور می‌دارند روز جزا را. ﴿۲۶﴾ و آنان که ایشان از
عذاب پروردگار خود، ترسند گانند. ﴿۲۷﴾ هرآینه عذاب
پروردگار ایشان چنان است که از آن ایمن نتوان شد.
﴿۲۸﴾ و آنان که ایشان اندام نهانی خود را نگاهدارند گانند.
﴿۲۹﴾ مگر بر زنان خود یا کنیزکانی که مالک آنها شده
است دست ایشان، پس هرآینه این فریق ملامت کرده
شده نیستند. ﴿۳۰﴾ پس هر که طلب کند سوای این، پس
آن جماعت ایشانند از حد گذشتگان. ﴿۳۱﴾ و آنان که
ایشان امانت‌های خود را و عهدهای خود را رعایت
کنند گانند. ﴿۳۲﴾ و آنان که ایشان بر گواهی‌های خود
متعهد شوند گانند. ﴿۳۳﴾ و آنان که ایشان بر نماز خود
محافظت کنند گانند. ﴿۳۴﴾ این جماعت در بوستان‌ها
باشند، گرامی کرد گانند. ﴿۳۵﴾ پس چیست کافران را به
سوی تو شتابانند؟ ﴿۳۶﴾ از جانب راست و از جانب چپ
گروه گروه شده. ﴿۳۷﴾ آیا طمع می‌کند هر شخصی از
ایشان که درآورده شود به بوستان نعمت؟ ﴿۳۸﴾ نی! نی!
هرآینه ما آفریده‌ایم ایشان را از آنچه می‌دانند. ﴿۳۹﴾

پس قسم می‌خورم به پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌ها که هرآینه ما تواناییم! ﴿۴۰﴾ بر آنکه عوض آریم بهتر از ایشان و نیستیم ما عاجز. ﴿۴۱﴾ پس بگذار، [یا محمد] ایشان را که به بیهودگی درآیند و بازی کنند تا آنکه برخورند به آن روز خود که وعده داده می‌شد ایشان را. ﴿۴۲﴾ روزی که برآیند از قبور، شتابان، گویا ایشان به سوی نشانه می‌دوند. ﴿۴۳﴾ نیایش ظاهر شده باشد بر دیده‌های ایشان، درگیرد ایشان را خواری. این است آن روز که وعده داده می‌شد ایشان را. ﴿۴۴﴾

سوره نوح

به نام خداوند بخشنده مهربان

هرآینه ما فرستادیم نوح را به سوی قوم او که بترسان قوم خود را، پیش از آنکه بیاید بدیشان عقوبتی درد دهنده. ﴿۱﴾ گفت: ای قوم من! هرآینه من برای شما ترساننده ظاهرم. ﴿۲﴾ [به این مضمون] که عبادت کنید خدا را و بترسید از او و فرمان من برید. ﴿۳﴾ تا پیامرزد برای شما گناهان شما را و موقوف دارد شما را تا وقتی مقرر، هرآینه وقت مقرر کرده خدا چون بیاید هرگز موقوف داشته نشود آن را اگر می‌دانید. ﴿۴﴾ گفت: ای پروردگار من! هرآینه من خواندم قوم خود را شب و روز. ﴿۵﴾ پس زیاده نکرد در حق ایشان خواندن من، مگر گریختن را. ﴿۶﴾ و هرآینه من هرگاه که دعوت کردم ایشان را تا پیامرزی برای ایشان در آوردند انگشتان خود را در گوش‌های خویش و به خود درپیچیدند جامه‌های خویش را و مداومت کردند بر کفر و سرکشی نمودند سرکشی تمام. ﴿۷﴾ باز هرآینه من دعوت کردم ایشان را به آواز بلند. ﴿۸﴾ باز هرآینه من آشکار گفتم به ایشان و پنهان گفتم ایشان را نیز پنهان گفتم. ﴿۹﴾ پس گفتم: طلب آمرزش کنید از پروردگار خود، هرآینه اوست آمرزنده. ﴿۱۰﴾

فَلَا أَقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِنَّا لَقَدِرُونَ ﴿۵۰﴾
عَلَىٰ أَنْ تُبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿۵۱﴾
فَذَرَهُمْ يَخْضَوْنَ وَيَلْعَبُونَ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ ﴿۵۲﴾
يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ ﴿۵۳﴾ خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ
تَرَهِقُهُمْ ذَلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿۵۴﴾

سُورَةُ نُوحٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱﴾ قَالَ يَقُومُ إِنِّي لَكُم نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿۲﴾ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَأَتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا ﴿۳﴾ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۴﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا ﴿۵﴾ فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا ﴿۶﴾ وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصْبَعَهُمْ فِيْ عَادَانِهِمْ وَأَسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا ﴿۷﴾ ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ﴿۸﴾ ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا ﴿۹﴾ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ﴿۱۰﴾

يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿١١﴾ وَيُمْدِدْكُمْ
بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ
أَنْهَارًا ﴿١٢﴾ مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ﴿١٣﴾ وَقَدْ
خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ﴿١٤﴾ أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ
سَمَوَاتٍ طِبَاقًا ﴿١٥﴾ وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ
الشَّمْسَ سِرَاجًا ﴿١٦﴾ وَاللَّهُ أَنْتَبَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ
نَبَاتًا ﴿١٧﴾ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا
﴿١٨﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا ﴿١٩﴾ لِتَسْلُكُوا
مِنْهَا سُبُلًا فَجَاجًا ﴿٢٠﴾ قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي
وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا ﴿٢١﴾
وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا ﴿٢٢﴾ وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ
وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا
﴿٢٣﴾ وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا
﴿٢٤﴾ مِمَّا خَطِيئَتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا
لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا ﴿٢٥﴾ وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ
عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ﴿٢٦﴾ إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ
يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا ﴿٢٧﴾ رَبِّ
أَغْفِرْ لِي وَلِوَلَدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا
وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا

﴿٢٨﴾

تا بفرستد بر شما باران را ریزنده. ﴿۱۱﴾ و پی در پی دهد شما را
اموال و فرزندان و بدهد شما را بوستان‌ها و پدید آرد برای شما
جوی‌ها. ﴿۱۲﴾ چیست شما را که اعتقاد نمی‌کنید برای خدا
بزرگی را؟ ﴿۱۳﴾ و حال آنکه آفریده است شما را به
طوره‌های مختلف. ﴿۱۴﴾ آیا نمی‌بینید چگونه آفرید خدا هفت
آسمان را تو بر تو؟ ﴿۱۵﴾ و ساخت ماه را در میان اینها
فروزنده و ساخت آفتاب را چراغ درخشنده؟ ﴿۱۶﴾ و خدا
رویاند شما را از زمین نوعی از رویانیدن. ﴿۱۷﴾ پس باز
درآرد شما را به زمین و بیرون آرد شما را نیز از طوری بیرون
آوردن. ﴿۱۸﴾ و خدا ساخت برای شما زمین را فراشی. ﴿۱۹﴾
تا بروید در آن زمین به راه‌های گشاده. ﴿۲۰﴾ گفت نوح: ای
پروردگار من! هرآینه این جماعت نافرمانی من کردند و
پیروی نمودند به کسی که زیاده نکرده است در حق وی مال
وی و فرزند وی، مگر زیان را^(۱). ﴿۲۱﴾ و بدسگالی کردند
ریسان بدسگالی عظیم. ﴿۲۲﴾ و گفتند: هرگز ترک نکنید
معبودان خود را و هرگز ترک نکنید ودّ و سواع و یغوث و
یعوق و نسر را^(۲). ﴿۲۳﴾ و هرآینه گمراه کرده‌اند بسیاری را و
زیاده مده خدایا ستمکاران را، مگر گمراهی! ﴿۲۴﴾ به سبب
گناهان خود غرق کرده شد ایشان را پس در آورده شد ایشان
را به آتش، لیک نیافتند برای خویش بجز خدا هیچ نصرت
دهنده. ﴿۲۵﴾ و گفت نوح: ای پروردگار من! مگذار بر زمین
از کافران هیچ ساکن شوند. ﴿۲۶﴾ هرآینه تو اگر بگذاری
ایشان را، گمراه سازنده بندگان تو را و نزایند مگر بدکار
ناسپاسدار را. ﴿۲۷﴾ ای پروردگار من! بیامرز مرا و پدر و مادر
مرا و هر که را که درآید به خانه من ایمان آورده و جمیع
مؤمنین و مؤمنات را و زیاده مده ستمکاران را، مگر هلاکی! .
﴿۲۸﴾

۱- یعنی به رؤسای کفار.

۲- و این پنج بت بودند.

سُورَةُ الْجِنِّ

سوره جن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا
 سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا ﴿١﴾ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ
 وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا ﴿٢﴾ وَأَنَّهُ تَعَلَّى جَدُّ رَبِّنَا مَا
 اتَّخَذَ صَحَابَةً وَلَا وَلَدًا ﴿٣﴾ وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا
 عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ﴿٤﴾ وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَّنْ تَقُولَ الْإِنْسُ
 وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ﴿٥﴾ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ
 الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ﴿٦﴾
 وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا ﴿٧﴾
 وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلْتَثِّ حَرَسًا شَدِيدًا
 وَشُهَبًا ﴿٨﴾ وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعِدَ لِّلسَّمْعِ فَمَنْ
 يَسْمَعُ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شُهَابًا رَّصَدًا ﴿٩﴾ وَأَنَّا لَا نَدْرِي
 أَشَرُّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا
 ﴿١٠﴾ وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ
 قِدْدًا ﴿١١﴾ وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَّنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ
 نُعْجِزَهُ هَرَبًا ﴿١٢﴾ وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ
 فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا ﴿١٣﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿١﴾ بگو: وحی فرستاده شد به سوی من که گوش نهادند جماعت از جن، پس گفتند: هر آینه ما شنیدیم قرآنی عجب. ﴿١﴾ که دلالت می کند به سوی راه راست، پس ایمان آوردیم به آن و شریک مقرر نخواهیم کرد با پروردگار خویش هیچ یک را. ﴿٢﴾ [و بیان کردند آن جنیان که] بلند است بزرگی پروردگار ما، فرا نگرفته است زنی و نه فرزندی. ﴿٣﴾ و آنکه افترا می کرد جاهل ما بر خدا دروغ. ﴿٤﴾ و آنکه ما پنداشتیم که هرگز نگویند بنی آدم و جنیان بر خدا سخن دروغ را. ﴿٥﴾ و آنکه مردان بنی آدم پناه می گرفتند به مردان جن، پس زیاده کردند در حق آن جنیان سرکشی را. ﴿٦﴾ و آنکه آدمیان گمان کردند، چنانکه شما گمان کرده بودید که هرگز نفرستد خدا هیچ کس را. ﴿٧﴾ و آنکه ما دست رسانیدیم به آسمان، پس یافتیم آسمان پر کرده شده به پاسبانان محکم و به ستاره های فرود آورنده. ﴿٨﴾ و آنکه می نشستیم پیش از این به جاها برای شنیدن (۴)، پس هر که گوش نهد الحال بیابد برای خود ستاره ای مهیا ساخته. ﴿٩﴾ و آنکه ما نمی دانیم آیا بلایی اراده کرده شد در حق آنان که در زمینند یا اراده کرده است در حق ایشان پروردگار ایشان خیر را. ﴿١٠﴾ و آنان که از ما جمعی شایسته کارانند و جمع از ما سوای اینند. هستیم فرقی [های] مختلف. ﴿١١﴾ و آنکه ما دانستیم که هرگز عاجز نتوانیم کرد خدا را در زمین و عاجز نتوانیم کرد او را از جهت گریختن. ﴿١٢﴾ و آنکه ما چون شنیدیم هدایت را، ایمان آوردیم به آن. پس هر که ایمان آورد به پروردگار خویش، پس نترسد از هیچ نقصانی و نه از هیچ ستمی. ﴿١٣﴾

۱- مترجم گوید: روزی که آن حضرت ﷺ نماز صبح بیرون مکه می خواندند، جماعتی از جن آن را استماع کردند و ایمان آوردند، خدای تعالی از ایمان ایشان و گفتگوی ایشان با قوم خود درین سوره خبر داد تا قوله: ﴿وَأَلَّوِ اسْتَغْفُومُوا﴾ والله اعلم.

۲- اشارت است به آنکه در جاهلیت چون به جایی فرود می آمدند، می گفتند: «أعوذ بسید هذا الوادی من سفهاء قومه».

۳- یعنی پیغامبر نفرستد.

۴- یعنی برای شنیدن کلام ملائکه.

وَأَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا ﴿١٤﴾ وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿١٥﴾ وَالَّذِينَ اسْتَفْتَمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا ﴿١٦﴾ لِنَقِفَنَّهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ﴿١٧﴾ وَأَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾ وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ﴿١٩﴾ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا ﴿٢٠﴾ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ﴿٢١﴾ قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿٢٢﴾ إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ﴿٢٣﴾ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفٌ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا ﴿٢٤﴾ قُلْ إِنْ أُدْرِيَ أَقْرَبُ مَا تُوَعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا ﴿٢٥﴾ عَلِيمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ﴿٢٦﴾ إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ﴿٢٧﴾ لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولًا رِسَالَتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا ﴿٢٨﴾

و آنکه جمعی از ما مسلمانانند و جمعی از ما گناهکارانند، پس هر که مسلمان شد، پس آن جماعت قصد کردند راه راست را. ﴿۱۴﴾ و اما گناهکاران، پس باشند هیزم برای دوزخ. ﴿۱۵﴾ [و نیز بگو: ای محمد که وحی فرستاده شده به سوی من که بنی آدم] اگر راست می‌استادند بر راه راست، البته می‌نوشانیدیم

ایشان را آب بسیار. ﴿۱۶﴾ تا امتحان کنیم ایشان را به آن^(۱) و هر که اعراض کند از یاد کردن پروردگار خود در آردش به عذابی سخت. ﴿۱۷﴾ و آنکه مسجدها مخصوص برای خداست، پس عبادت مکنید با خدا هیچ یک را. ﴿۱۸﴾ و آنکه چون ایستاد بنده خدا^(۲) که عبادت کند خدا را نزدیک بودند جنیان که بر آن بنده یکی بر دیگر چسبیده شوند^(۳). ﴿۱۹﴾ بگو: جز این نیست که عبادت می‌کنم پروردگار خود را و شریک مقرر نمی‌کنم به او هیچ یک را. ﴿۲۰﴾ بگو: هر آینه من نمی‌توانم در حق شما ضرر رسانیدن و نه لازم کردن، طریق راستی. ﴿۲۱﴾ بگو: هر آینه پناه ندهد مرا از عقوبت خدا هیچ یک و هرگز نیابم بجز وی پناهی. ﴿۲۲﴾ لیکن بجا آریم خبر رسانیدن از جانب خدا و تبلیغ پیغام‌های او و هر که نافرمانبرداری کند خدا را و پیغامبر او را، پس هر آینه او راست آتش دوزخ جاویدان در آنجا همیشه. ﴿۲۳﴾ در غفلت خود باشند تا وقتی که ببینند آنچه وعده داده می‌شود ایشان را، پس خواهند دانست کیست ناتوانتر به اعتبار نصرت دهنده و کمتر از روی شمار. ﴿۲۴﴾ بگو: نمی‌دانم آیا نزدیک است آنچه وعده داده می‌شود شما را یا مقرر کند برای او پروردگار من میعاد. ﴿۲۵﴾ داننده پنهان است، پس مطلع نمی‌سازد بر علم غیب خود هیچ یک را. ﴿۲۶﴾ مگر کسی که پسند کرد او را، مراد پیغامبر است، پس هر آینه خدا روان می‌کند پیش دست وی و پس پشت وی، فرشتگان نگاهبان را. ﴿۲۷﴾ تا بداند [خدا] که به تحقیق رسانیده‌اند پیغام‌های پروردگار خود را^(۴) و خدا از هر جهت به گرد آمده است بر آنچه نزدیک ایشان است و فرا گرفته است هر چیزی را از روی شمار. ﴿۲۸﴾

۱- یعنی ارزانی می‌شد و قحط نمی‌آمد.

۲- یعنی محمد ﷺ.

۳- یعنی از حرص بر استماع قرآن.

۴- یعنی تا تبلیغ در خارج متحقق گردد، زیرا که آن علم است، والله اعلم.

سُورَةُ الْمُزَّمِّلِ

سوره مزمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَتَأْتِيهَا الْمُزَّمِّلُ ﴿١﴾ فُمُ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢﴾ نِصْفَهُ أَوْ
 أَنْقَضَ مِنْهُ قَلِيلًا ﴿٣﴾ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ
 تَرْتِيلًا ﴿٤﴾ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ﴿٥﴾ إِنَّ
 نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا ﴿٦﴾ إِنَّ لَكَ فِي
 النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ﴿٧﴾ وَادْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ
 إِلَيْهِ تَبْتِيلًا ﴿٨﴾ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
 فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ﴿٩﴾ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ
 هَجْرًا جَمِيلًا ﴿١٠﴾ وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِيَ النَّعْمَةِ
 وَمَهْلَهُمْ قَلِيلًا ﴿١١﴾ إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ﴿١٢﴾
 وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣﴾ يَوْمَ تَرْجُفُ
 الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيرًا مَّهِيلًا ﴿١٤﴾ إِنَّا
 أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا
 إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا ﴿١٥﴾ فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ
 فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا ﴿١٦﴾ فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ
 كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ﴿١٧﴾ السَّمَاءُ
 مُنْفَطِرٌ بِهِ ۚ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا ﴿١٨﴾ إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ
 فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿١٩﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان

(۱) ای مرد جامه بر خود پیچیده! (۲) ﴿۱﴾ قیام لیل کن مگر
 اندکی (۳) ﴿۲﴾ قیام نیم شب کن یا اندکی از نیم شب، کم نما.
 ﴿۳﴾ بر نیم شب بیفزای و ترتیل کن قرآن را به واضح خواندن.
 ﴿۴﴾ هرآینه ما خواهیم نازل کرد بر تو فرمانی دشوار (۴) ﴿۵﴾
 هرآینه قیام شب زیاده تر است در موافقت زبان با دل و درست تر
 در تلفظ الفاظ. ﴿۶﴾ هرآینه تو را در روز شغلی است بسیار.
 ﴿۷﴾ و یاد کن نام پروردگار خود را و از همه جهت گسسته شو،
 متوجه شده به سوی او نوعی گسسته شدن. ﴿۸﴾ پروردگار مشرق
 و مغرب است، نیست هیچ معبود مگر او، پس کارساز گیر او را.
 ﴿۹﴾ و صبر کن بر آنچه می گویند و ترک کن ایشان را ترک
 کردن نیکو. ﴿۱۰﴾ و بگذار مرا با دروغ شمارندگان، خداوندان
 رفاهیت و مهلت ده ایشان را اندکی. ﴿۱۱﴾ هرآینه هست نزدیک
 ما قیدهای گران و آتش افروخته. ﴿۱۲﴾ و طعام گلوگیر و عذاب
 درد دهنده. ﴿۱۳﴾ روزی که بجند زمین و کوه ها و شوند کوه ها
 مانند تل ریگ هم پاشیده شده. ﴿۱۴﴾ هرآینه ما فرستادیم به
 سوی شما پیغامبری گواهی دهنده بر شما، چنانکه فرستاده بودیم
 به سوی فرعون پیغامبری را. ﴿۱۵﴾ پس نافرمانداری کرد فرعون
 آن پیغامبر را، پس در گرفتیم او را در گرفتن سخت. ﴿۱۶﴾ پس
 اگر کافرمانید، چگونه در پناه شوید از روزی که اطفال را پیر
 گرداند؟! ﴿۱۷﴾ آسمان شکافته باشد در آن روز. هست وعده
 خدا البته کردنی. ﴿۱۸﴾ هرآینه این پند است، پس هر که
 خواهد، بگیرد راه به سوی پروردگار خویش. ﴿۱۹﴾

۱- مترجم گوید: در ابتدای اسلام، خدای تعالی قیام لیل بر آن حضرت ﷺ
 و بر مسلمانان مؤکد گردانید و چون این معنی برایشان نهایت دشوار
 آمد، بعد یک سال رخصت نازل فرمود. ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ﴾ إلى آخر
 السورة تا هرکه خواهد قیام کند و هرکه خواهد نکند و هر قدر که
 خواهد بخواند، والله اعلم.

۲- یعنی به سبب هیبت وحی.

۳- یعنی اگر شب ها نکنی گناه نباشد، والله اعلم.

۴- یعنی دعوت کفار به اسلام.

هرآینه پروردگار تو می‌داند که تو برمی‌خیزی نزدیک به دو ثلث شب و نیم شب و ثلث شب و نیز برمی‌خیزند جماعت از آنان که همراه تواند و خدا اندازه می‌کند شب و روز را. دانست خدا که شما احاطه نمی‌توانید کرد قیام لیل را^(۱)، پس به رحمت بازگشت بر شما، پس بخوانید آنچه آسان باشد از قرآن. دانست خدا که خواهند بود بعضی از شما بیماران و دیگران که سفر می‌کنند در زمین، طلب روزی می‌نمایند از فضل خدا و دیگران که کارزار می‌کنند در راه خدا، پس بخوانید آنچه آسان باشد از قرآن و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و وام دهید خدا را وام دادن نیک^(۲) و آنچه پیش می‌فرستید برای خویشتن از عمل نیک، آن را بهتر خواهید یافت نزدیک خدا و بزرگتر به اعتبار مزد و طلب آمرزش کنید از خدا، هرآینه خدا آمرزگار مهربان است^(۳). ﴿۲۰﴾

سوره مدثر

به نام خداوند بخشنده مهربان

ای مرد جامه بر خود پیچیده!^(۴) ﴿۱﴾ برخیز، پس بترسان! ﴿۲﴾ و پروردگار خود را به بزرگی یاد کن. ﴿۳﴾ و جامه‌های خود را پاک سازد. ﴿۴﴾ و پلیدی را دور کن. ﴿۵﴾ و نباید که چیزی بدهی زیاده طلب‌کنان^(۵). ﴿۶﴾ و برای حکم پروردگار خویش شکیبایی ورز. ﴿۷﴾ پس وقتی که دمیده شود در صور، دشوار شود حال. ﴿۸﴾ پس آن وقت و آن روز وقت دشوار باشد. ﴿۹﴾ بر کافران نه وقت آسان. ﴿۱۰﴾ بگذار مرا با کسی که آفریدم تنها. ﴿۱۱﴾ و دادم او را مال فراوان. ﴿۱۲﴾ و فرزندان حاضر شونده به مجالس. ﴿۱۳﴾ و وسعت دادم او را وسعت دادنی. ﴿۱۴﴾ باز طمع می‌کند که زیاده دهم. ﴿۱۵﴾ نی! نی! هرآینه او هست به آیات ما ستیزنده. ﴿۱۶﴾ تکلیف خواهم داد او را به مشقتی. ﴿۱۷﴾

۱- یعنی مواظبت نمی‌توانید کرد.

۲- یعنی صرف مال کنید در جهاد به توقع ثواب آخرت، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: این آیت بعد یک سال نازل شد و آن حضرت ﷺ در همین سوره لاحق کردند، به جهت مناسبت و لهذا با سائر سور در اسلوب نمی‌ماند، والله اعلم.

۴- یعنی از هیبت وحی.

۵- یعنی هدیه بردن به رئیسی تاوی زیاده از قیمت هدیه رعایت کند، از اخلاق رذیله است.

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَن لَّنْ نُحْصِيَهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنْكُم مَّرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يَقْتُلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاَقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۲۰﴾

سُورَةُ الْمُذْثِرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَأَيُّهَا الْمُذْثِرُ ﴿۱﴾ فُمْ فَأَنْذِرْ ﴿۲﴾ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ﴿۳﴾ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ﴿۴﴾ وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ﴿۵﴾ وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ ﴿۶﴾ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ﴿۷﴾ فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ﴿۸﴾ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴿۹﴾ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ﴿۱۰﴾ ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ﴿۱۱﴾ وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَّمْدُودًا ﴿۱۲﴾ وَبَنِينَ شُهُودًا ﴿۱۳﴾ وَمَهْدَتْ لَهُو تَمْهِيدًا ﴿۱۴﴾ ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ﴿۱۵﴾ كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا ﴿۱۶﴾ سَأَرْهِفُهُ صَعُودًا ﴿۱۷﴾

إِنَّهُ وَفَكَرَ وَقَدَّرَ ﴿١٨﴾ فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿١٩﴾ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿٢٠﴾ ثُمَّ نَظَرَ ﴿٢١﴾ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿٢٢﴾ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ ﴿٢٤﴾ إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿٢٥﴾ سَأُصْلِيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾ وَمَا أَذْرَكَ مَا سَقَرٌ ﴿٢٧﴾ لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾ لَوَاحَةٌ لِلْبَشَرِ ﴿٢٩﴾ عَلَيْهَا تِسْعَةُ عَشْرَ ﴿٣٠﴾ وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّادَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ ﴿٣١﴾ كَلَّا وَالْقَمَرِ ﴿٣٢﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ ﴿٣٣﴾ وَالصُّبْحِ إِذَا أَصْفَرَ ﴿٣٤﴾ إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبَرِ ﴿٣٥﴾ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ ﴿٣٦﴾ لَمَن شَاءَ مِنْكُم أَن يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ ﴿٣٧﴾ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهينَةٌ ﴿٣٨﴾ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ﴿٣٩﴾ فِي جَنَّتٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٤٠﴾ عَنِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٤١﴾ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿٤٢﴾ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ ﴿٤٤﴾ وَكُنَّا نَحْضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ﴿٤٥﴾ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بَيُّومَ الدِّينِ ﴿٤٦﴾ حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ ﴿٤٧﴾

هر آینه وی تأمل کرد و اندازه مقرر نمود. ﴿۱۸﴾ پس لعنت باد او را! چگونه اندازه کرد؟ ﴿۱۹﴾ باز دگر لعنت باد بر او! چگونه اندازه کرد؟ ﴿۲۰﴾ باز در نگریست. ﴿۲۱﴾ باز روی ترش کرد و پیشانی در هم کشید. ﴿۲۲﴾ باز پشت

گردانید و تکبر کرد^(۱). ﴿۲۳﴾ پس گفت: نیست این قرآن، مگر جادویی که از ساحران نقل کرده می شود. ﴿۲۴﴾ نیست این قرآن مگر کلام آدمی. ﴿۲۵﴾ خواهم در آورد او را به دوزخ. ﴿۲۶﴾ و چه چیز مطلع کرد تو را که چیست دوزخ؟ ﴿۲۷﴾ باقی نمی گذارد و ترک نمی کند. ﴿۲۸﴾ سوزنده است آدمیان را. ﴿۲۹﴾ بر دوزخ موکل اند نوزده کس^(۲). ﴿۳۰﴾ و نساختیم موکلان دوزخ، مگر فرشتگان را و نساخته ایم شمار ایشان را مگر بلا در حق کافران، تا یقین کنند اهل کتاب و تا زیاده شوند مسلمانان در ایمان خود و تا شک نکنند اهل کتاب و مسلمانان و تا بگویند آنان که در دل ایشان بیماری است و کافران: چه چیز اراده کرده است خدا به این داستان؟ همچنین گمراه می کند خدا هر که را خواهد و راه می نماید هر که را خواهد و نمی داند لشکر پروردگار تو را مگر او، تبارک و تعالی و نیست این، مگر پندی برای بنی آدم. ﴿۳۱﴾ نی! نی! قسم به ماه! ﴿۳۲﴾ و قسم به شب چون پشت گرداند! ﴿۳۳﴾ و قسم به صبح چون روشن شود! ﴿۳۴﴾ هر آینه دوزخ یکی از چیزهای بزرگ است. ﴿۳۵﴾ ترساننده بنی آدم را. ﴿۳۶﴾ ترساننده است برای هر که خواهد از شما که پیشتر آید یا باز پس ماند. ﴿۳۷﴾ هر شخصی به آنچه کرد در گرو است. ﴿۳۸﴾ مگر اهل سعادت. ﴿۳۹﴾ در بوستان ها باشند سؤال کنند ﴿۴۰﴾ از گناهکاران. ﴿۴۱﴾ چه چیز در آورد شما را به دوزخ؟ ﴿۴۲﴾ گویند: نبودیم از نماز گزارندگان. ﴿۴۳﴾ و طعام نمی دادیم فقیر را. ﴿۴۴﴾ و به آنکار درمی آمدیم با درآیندگان. ﴿۴۵﴾ و دروغ می شمردیم روز جزا را. ﴿۴۶﴾ تا وقتی که آمد به ما موت. ﴿۴۷﴾

۱- مترجم گوید: این تصویر است حال کافر را که خدای تعالی او را

نعمت ها داده باشد و او مصرّ باشد بر «كَفَرَ وَ عَبَسَ وَ بَسَرَ ثُمَّ أَدْبَرَ

وَ اسْتَكْبَرَ» تصویر حال تأمل و تردداست، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: این آیت اشارت است به شبهه کفار در عدد تسعة عشر.

آن حضرت ﷺ آن را در همین سوره لاحق فرمودند به جهت مناسبت

و لهذا با سائر سور نمی ماند در اسلوب، والله اعلم.

پس سود ندهد ایشان را شفاعت کنندگان. ﴿۴۸﴾ پس چیست ایشان را از پند روی گردان شده؟ ﴿۴۹﴾ گویا ایشان خران رم کرده‌اند. ﴿۵۰﴾ که گریخته باشند از شیر. ﴿۵۱﴾ بلکه می‌خواهد هر شخصی از ایشان که داده شود نامه‌های گشاده^(۱). ﴿۵۲﴾ نی! نی! بلکه نمی‌ترسند از آخرت. ﴿۵۳﴾ نی! نی! هرآینه قرآن پندست. ﴿۵۴﴾ پس هر که خواهد، بخواند آن را. ﴿۵۵﴾ و یاد نمی‌کنند بندگان، مگر وقتی که خواسته باشد خدا، اوست سزاوار آنکه از وی بترسند و اوست سزاوار آنکه بیامزد. ﴿۵۶﴾

سوره قیامه

به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم می‌خورم به روز قیامت! ﴿۱﴾ و قسم می‌خورم به نفس ملامت کننده! ﴿۲﴾ آیا می‌پندارد آدمی که جمع نکنیم استخوان‌های او را؟ ﴿۳﴾ آری! می‌کنیم، توانا شده بر آنکه هموار کنیم سر انگشت‌های او را. ﴿۴﴾ بلکه می‌خواهد آدمی که معصیت کند در زمانی که پیش روی وی است^(۳). ﴿۵﴾ می‌پرسد که کی خواهد بود روز قیامت؟ ﴿۶﴾ پس وقتی که خیره شود چشم. ﴿۷﴾ و تیره گردد ماه. ﴿۸﴾ یکجا جمع کرده شود آفتاب و ماه. ﴿۹﴾ بگوید آدمی آن روز که کجاست کریزگاه؟ ﴿۱۰﴾ نی! نی! نیست هیچ پناه. ﴿۱۱﴾ به سوی پروردگار تو است امروز قرارگاه. ﴿۱۲﴾ خبر داده شود آدمی آن روز به حقیقت حال آنچه پیش فرستاده بود و پس گذاشته^(۴). ﴿۱۳﴾ بلکه هست آدمی برای الزام خود حجتی. ﴿۱۴﴾ اگرچه در میان آرد عذرهای خود را. ﴿۱۵﴾^(۵) [یا محمد،] به تکرار قرآن زبان خود را تا زود به دست آری یاد کردن آن را. ﴿۱۶﴾ هرآینه وعده است بر ما در سینه تو جمع کردن قرآن و آسان کردن، خواندن آن را. ﴿۱۷﴾ پس چون بخواند فرشته ما آن را، دل خویش را در پی خواندن او کن. ﴿۱۸﴾ باز هرآینه وعده است بر ما واضح کردن آن^(۶). ﴿۱۹﴾

۱- یعنی می‌گویند باید که کتاب بر هریک نازل شود.

۲- که آدمی البته مبعوث خواهد شد.

۳- یعنی آمدنی است.

۴- مثل صدقه جاریه و علم باقی.

۵- مترجم گوید: چون جبرئیل پیش آن حضرت ﷺ وحی آوردی، آن حضرت ﷺ به حفظ آن اهتمام تمام فرمودی و هم به حضور جبرئیل قبل انقضای وحی، تکرار نمودی، تا از خاطر مبارک نرود. خدای تعالی به این معنی اشارت فرمود.

۶- مترجم گوید: ظاهر نزدیک بنده آن است که معنای آیت چنین باشد: هرآینه وعده لازم است بر ما جمع کردن قرآن در مصاحف و حفظ و قرأت آن عصرًا بعد عصر و ایضاً به تفسیر معانی آن خدای تعالی بر دست شیخین^{علیهما السلام} جمع آن کرده در هر زمانی قاریان را توفیق داد که حافظ شوند، به تجوید بخوانند و در هر زمانی مفسران را توفیق داد که در تفسیر آن سعی نمایند، والله اعلم.

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ﴿۴۸﴾ فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ ﴿۴۹﴾ كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ ﴿۵۰﴾ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿۵۱﴾ بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّنَشَّرَةٌ ﴿۵۲﴾ كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ ﴿۵۳﴾ كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرٌ ﴿۵۴﴾ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿۵۵﴾ وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ﴿۵۶﴾

سُورَةُ الْقِيَامَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَمَةِ ﴿۱﴾ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ﴿۲﴾ أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ لَّنْ نَّجْمَعَ عِظَامَهُ ﴿۳﴾ بَلَىٰ قَدِيرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ ﴿۴﴾ بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ﴿۵﴾ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَمَةِ ﴿۶﴾ فَإِذَا بَرَقَ الْبَصَرُ ﴿۷﴾ وَخَسَفَ الْقَمَرُ ﴿۸﴾ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿۹﴾ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ ﴿۱۰﴾ كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿۱۱﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ﴿۱۲﴾ يُنَبِّئُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ﴿۱۳﴾ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ﴿۱۴﴾ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ ﴿۱۵﴾ لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ﴿۱۶﴾ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ﴿۱۷﴾ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ﴿۱۸﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ﴿۱۹﴾

نی! نی! بلکه [ای کافران] دوست می‌دارید دنیا را. ﴿۲۰﴾ و ترک می‌نمایید آخرت را. ﴿۲۱﴾ یک پاره روی‌های آن روز تازه باشند. ﴿۲۲﴾ به سوی پروردگار خود نظر کننده باشند. ﴿۲۳﴾ و یک پاره روی‌های آن روز پیشانی درهم کشیده باشند. ﴿۲۴﴾ توقع کنند که در میان آورده باشد به ایشان مصیبتی. ﴿۲۵﴾ نی! نی! وقتی که برسد روح به چنبر گردن. ﴿۲۶﴾ و گفته شود: کیست افسون کننده؟! ﴿۲۷﴾ و یقین دانست مختصر که این وقت جدا شدن روح است. ﴿۲۸﴾ و بیچید یک ساق به ساق دیگر^(۱). ﴿۲۹﴾ به سوی پروردگار تو است آن روز، روان کردن. ﴿۳۰﴾ پ پس نه باور داشت آدمی و نه نماز گزارد. ﴿۳۱﴾ و لیکن دروغ شمرد و روی گردان گشت. ﴿۳۲﴾ باز برفت به سوی اهل خانه خود خرامان شده. ﴿۳۳﴾ وای بر تو! پس وای بر تو! . ﴿۳۴﴾ باز دیگر می‌گویم: وای بر تو! پس وای بر تو! . ﴿۳۵﴾ آیا می‌پندارد آدمی که مهمل گذاشته شود؟! ﴿۳۶﴾ آیا نبود نطفه‌ای از منی که ریخته می‌شد در رحم؟! ﴿۳۷﴾ باز بود خون بسته، پس بیافرید خدا، پس درست اندام کرد. ﴿۳۸﴾ پس ساخت از آن منی دو قسم را، مرد را و زن را. ﴿۳۹﴾ آیا نیست این خدا توانا بر آنکه زنده کند مردگان را؟! ﴿۴۰﴾

سوره انسان

به نام خداوند بخشنده مهربان

هرآینه آمده است بر آدمی مدتی از زمان که نبود چیزی ذکر کرده شده. ﴿۱﴾ هرآینه ما آفریدیم آدمی را از یک پاره منی در هم آمیخته از چند چیز، پس ساختیمش شنوای بینا^(۲). ﴿۲﴾ هرآینه ما دلالت کردیم آدمی را بر راه خود شکر گوینده یا ناسپاس دارنده. ﴿۳﴾ هرآینه ما آماده ساخته‌ایم برای کافران زنجیرها و طوق‌ها و آتش افروخته. ﴿۴﴾ هرآینه نیکوکاران می‌نوشند از پیاله شراب که آمیزش وی آب چشمه کافور باشد^(۱). ﴿۵﴾

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ﴿۱﴾ وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ ﴿۲﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ ﴿۳﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ﴿۴﴾ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ ﴿۵﴾ تَتَّظَّنُّ أَنْ يَفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ ﴿۶﴾ كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ ﴿۷﴾ وَقِيلَ لَهَا مِمَّن رَاقٍ ﴿۸﴾ وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ ﴿۹﴾ وَالْتَقَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ ﴿۱۰﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ﴿۱۱﴾ فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّىٰ ﴿۱۲﴾ وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿۱۳﴾ ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ ﴿۱۴﴾ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ﴿۱۵﴾ ثُمَّ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ﴿۱۶﴾ أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ﴿۱۷﴾ أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيٍّ يُمْنَىٰ ﴿۱۸﴾ ثُمَّ كَانَ عُلُقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿۱۹﴾ فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ﴿۲۰﴾ أَلَيْسَ ذَٰلِكَ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ﴿۲۱﴾

سُورَةُ الْإِنْسَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا ﴿۱﴾ إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿۲﴾ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ﴿۳﴾ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَلًَا وَسَعِيرًا ﴿۴﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِّنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴿۵﴾

۱- یعنی در پای حرکت نماند.

۲- یعنی منی مرد و منی زن و خون حیض از حالی به حالی می‌گردانیدمش.

۱- مراد می‌دارم از کافور چشمه.

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ﴿٦﴾
يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴿٧﴾
وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا
وَأَسِيرًا ﴿٨﴾ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ
مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا ﴿٩﴾ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا
يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿١٠﴾ فَوَقَّعْنَاهُمُ اللَّهَ شَرَّ ذَلِكَ
الْيَوْمِ وَلَقَّعْنَاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا ﴿١١﴾ وَجَزَّيْنَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا
جَنَّةً وَحَرِيرًا ﴿١٢﴾ مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا
يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهْرِيرًا ﴿١٣﴾ وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ
ظِلُّهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ﴿١٤﴾ وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ
بِثَانِيَةٍ مِّن فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا ﴿١٥﴾ قَوَارِيرًا
مِّن فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ﴿١٦﴾ وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا
كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا ﴿١٧﴾ عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا
﴿١٨﴾ وَيُطَوَّفُ عَلَيْهِمْ وَلَدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ
حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا ﴿١٩﴾ وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ
نَعِيمًا وَمُلَكًا كَبِيرًا ﴿٢٠﴾ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ
وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوْاْ أَسَاوِرَ مِّن فِضَّةٍ وَسَقَلَهُمُ رَبُّهُمْ
شَرَابًا طَهُورًا ﴿٢١﴾ إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ
سَعْيُكُمْ مَّشْكُورًا ﴿٢٢﴾ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ
تَنْزِيلًا ﴿٢٣﴾ فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ
عَائِمًا أَوْ كَفُورًا ﴿٢٤﴾ وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً
وَأَصِيلًا ﴿٢٥﴾

چشمه‌ای که می‌آشامند از آن بندگان مقرب خدا، روان
کنند آن را روان کردنی^(۱). ﴿۶﴾ وفا می‌کنند به نذر و
می‌ترسند از روزی که مشقت آن فاش باشد. ﴿۷﴾ و
می‌دهند طعام با وجود احتیاج به آن، فقیر را و یتیم را و
زندانی را. ﴿۸﴾ می‌گویند: جز این نیست که طعام می‌دهیم
شما را برای ذات خدا، نمی‌طلبیم از شما مزدی و نه
شکری. ﴿۹﴾ هرآینه ما می‌ترسیم از پروردگار خود روز
ترش روی نهایت سخت. ﴿۱۰﴾ پس نگاه داشت ایشان را
خدا از سختی آن روز و رسانید ایشان را تازگی و
خوشحالی. ﴿۱۱﴾ و جزا داد ایشان را به مقابله صبر ایشان
بوستان و جامه ابریشمی. ﴿۱۲﴾ تکیه زده باشند آنجا بر
تخت‌ها. نبینند آنجا گرمی آفتاب را و نه سرمای تند را.
﴿۱۳﴾ و نزدیک شده باشد بر ایشان سایه‌های آن بوستان و
سهل الحصول کرده شود میوه‌های آن، سهل کردنی.
﴿۱۴﴾ و آمدوشد کرده شود بر ایشان به آوندهایی از نقره
و با جامه‌هایی که باشند آبگینه‌ها. ﴿۱۵﴾ [مراد می‌دارم]
آبگینه‌ها از نقره، اندازه کرده باشند ساقیان آن را اندازه
کردنی. ﴿۱۶﴾ و نوشانیده شود ایشان را در آنجا جام
شرابی که هست آمیزش آن، آب چشمه زنجبیل. ﴿۱۷﴾ که
چشمه‌ای است که در بهشت که نام آن نهاده می‌شود
سلسبیل. ﴿۱۸﴾ و آمدوشد کنند بر ایشان نوجوانان
جاویدان. چون بینی ایشان را، پنداری که ایشان مرواریدند
از رشته افشانند شده. ﴿۱۹﴾ و چون نگاه کنی آنجا، بینی
نعمت فراوان و پادشاهی بزرگ. ﴿۲۰﴾ بالای ایشان باشد
جامه‌های سبز از دیبای نازک و نیز بالای ایشان باشند
دیبای لک و زیور پوشانیده شود ایشان را دستواره‌ها از نقره
و بنوشاند ایشان را پروردگار ایشان شراب نهایت پاک.
﴿۲۱﴾ هرآینه این نعمت هست شما را جزای اعمال و
هست سعی شما قبول کرده شده. ﴿۲۲﴾ هرآینه ما فرود
آوردیم بر تو قرآن را فرود آوردنی. ﴿۲۳﴾ پس شکیبایی
کن بر حکم پروردگار خود و فرمان مبر از زمره بنی آدم،
گناهکاری را یا ناسپاس داری را. ﴿۲۴﴾ و یاد کن نام
پروردگار خود صبح و شام. ﴿۲۵﴾

و بعض ساعات شب نماز گزار برای او و به پاکی یاد کن او را وقت دراز شب. ﴿۲۶﴾ هرآینه این کافران رغبت می کنند به دنیا و ترک می کنند پشت خود روز گران را. ﴿۲۷﴾ ما آفریدیم ایشان را و محکم کردیم رگ ایشان را و چون خواهیم، عوض آریم قومی مانند ایشان به طریق بدل کردن. ﴿۲۸﴾ هرآینه این پند است، پس هر که خواهد بگیرد به سوی پروردگار خود راه را. ﴿۲۹﴾ و نمی خواهید مگر وقتی که خواهد خدا، هرآینه خدا هست دانای با حکمت. ﴿۳۰﴾ داخل می کند هر که را خواهد در رحمت خود و برای ستمکاران آماده کرده است عقوبتی درد دهنده. ﴿۳۱﴾

سوره مرسلات

به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به بادهای فرستاده شده به وجه نیک! . ﴿۱﴾ پس قسم به بادهای تند و زنده به طریق شدت! . ﴿۲﴾ پس قسم به بادهای منتشر کننده ابر به پراکندن! . ﴿۳﴾ پس قسم به بادهای از هم جدا کننده ابر به پاره پاره نمودن! . ﴿۴﴾ پس قسم به جماعات فرشتگان فرود آورنده وحی! . ﴿۵﴾ برای دفع عذر و برای ترسانیدن. ﴿۶﴾ هرآینه آنچه وعده داده می شود شما را، البته بودنی است. ﴿۷﴾ پس وقتی که ستاره ها بی نور کرده شود. ﴿۸﴾ و وقتی که آسمان شکافته شود. ﴿۹﴾ وقتی که کوه ها پاره پاره نموده آید. ﴿۱۰﴾ و وقتی که پیغامبران را به میعاد معین جمع کرده شود.^(۱) ﴿۱۱﴾ برای کدام روز پیغامبران را موقوف داشته شد؟ ﴿۱۲﴾ برای روز فیصل کردن. ﴿۱۳﴾ و چه چیز خبر داد تو را که چیست روز فیصل کردن؟ ﴿۱۴﴾ وای آن روز دروغ شمارندگان را! ﴿۱۵﴾ آیا هلاک نکرده ایم نخستیان را؟ ﴿۱۶﴾ بعد از آن در پی ایشان آریم پسینیان را. ﴿۱۷﴾ همچنین می کنیم با گناهکاران. ﴿۱۸﴾ وای آن روز دروغ شمارندگان را! . ﴿۱۹﴾

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا ﴿٦٦﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ يُجِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا ﴿٦٧﴾ نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا ﴿٦٨﴾ إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٦٩﴾ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٧٠﴾ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٧١﴾

سُورَةُ الْمُرْسَلَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ﴿١﴾ فَالْعَصْفِ عَصَا ﴿٢﴾ وَالنَّشْرِ نَشْرًا ﴿٣﴾ فَالْفَرْقَتِ فَرْقًا ﴿٤﴾ فَالْمُلْقِيَتِ ذِكْرًا ﴿٥﴾ عُدْرًا أَوْ نَذْرًا ﴿٦﴾ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعَ ﴿٧﴾ فَإِذَا الْتُجُومُ طُمِسَتْ ﴿٨﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ﴿٩﴾ وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ﴿١٠﴾ وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِيتَتْ ﴿١١﴾ لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ ﴿١٢﴾ لِيَوْمِ الْفَصْلِ ﴿١٣﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ ﴿١٤﴾ وَيَلُوكَ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٥﴾ أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ نُنْبِئُهُمُ الْآخِرِينَ ﴿١٧﴾ كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿١٨﴾ وَيَلُوكَ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٩﴾

أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ ﴿٢٠﴾ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿٢١﴾ إِلَى قَدَرٍ مَّعْلُومٍ ﴿٢٢﴾ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَدِيرُونَ ﴿٢٣﴾ وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٤﴾ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ﴿٢٥﴾ أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا ﴿٢٦﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَكُم مَّاءً فُرَاتًا ﴿٢٧﴾ وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٨﴾ أَنْظِلِقُوا إِلَى مَا كُنْتُمْ بِهِءُ تُكَذِّبُونَ ﴿٢٩﴾ أَنْظِلِقُوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ﴿٣٠﴾ لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ الْلَّهَبِ ﴿٣١﴾ إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ﴿٣٢﴾ كَأَنَّهُ جُمِلَتْ صِفْرٌ ﴿٣٣﴾ وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٤﴾ هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ ﴿٣٥﴾ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ﴿٣٦﴾ وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٧﴾ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ ﴿٣٩﴾ وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٠﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلِّلٍ وَعُيُونٍ ﴿٤١﴾ وَفَوْكَةٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٤٢﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٤٤﴾ وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٥﴾ كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ تُجْرِمُونَ ﴿٤٦﴾ وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٧﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ ﴿٤٨﴾ وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٠﴾

آیا نیافریده ایم شما را از آب محقر؟ ﴿۲۰﴾ پس نهادیم آن آب را در جای مضبوط. ﴿۲۱﴾ تا اندازه معین. ﴿۲۲﴾ پس اندازه کردیم، پس نیکو اندازه کننده گانیم ما. ﴿۲۳﴾ وای آن روز دروغ شمارندگان را! ﴿۲۴﴾ آیا نساخته ایم زمین را جمع کننده آدمیان؟ ﴿۲۵﴾ جمع کند زندگان را و مردگان را. ﴿۲۶﴾ و آفریدیم در زمین کوه های بلند و نشانیدیم شما را آب شیرین. ﴿۲۷﴾ وای آن روز دروغ شمارندگان را! ﴿۲۸﴾ [گفته شود:] بروید به سوی چیزیکه آن را دروغ می شمردید. ﴿۲۹﴾ [گفته شود:] بروید به سوی سایه صاحب سه شعبه. ﴿۳۰﴾ نه سایه سرد باشد و نه کفایت کند از گرمی آتش. ﴿۳۱﴾ هرآینه آن آتش می افکند شررها مانند کوشک. ﴿۳۲﴾ گویا آن شررها شتران زرد است. ﴿۳۳﴾ وای آن روز دروغ شمارندگان را! ﴿۳۴﴾ این روز، روزی است که سخن نگویند. ﴿۳۵﴾ و نه دستوری داده شود ایشان را تا عذر تقریر نمایند. ﴿۳۶﴾ وای آن روز دروغ شمارندگان را! ﴿۳۷﴾ این روز، روز فیصل کردن است. جمع کردیم شما را با پیشینیان. ﴿۳۸﴾ پس اگر شما را حيله هست، بدسگالی کنید در حق من. ﴿۳۹﴾ وای آن روز دروغ شمارندگان را! ﴿۴۰﴾ هرآینه متقیان در زیر سایه ها باشند و در چشمه ها. ﴿۴۱﴾ و در میوه ها از جنسی که رغبت کنند. ﴿۴۲﴾ [بگوییم:] بخورید و بنوشید، خوردن و نوشیدن گوارا به سبب آنچه می کردید. ﴿۴۳﴾ هرآینه همچنین جزا می دهیم نیکوکاران را. ﴿۴۴﴾ وای آن روز دروغ شمارندگان را! ﴿۴۵﴾ ای دروغ شمارندگان! بخورید و بهره مند باشید اندکی، هرآینه شما گناهکارید. ﴿۴۶﴾ وای آن روز دروغ شمارندگان را! ﴿۴۷﴾ و چون گفته شود ایشان را: نماز گزارید، نماز نمی گذارند. ﴿۴۸﴾ وای آن روز دروغ شمارندگان را! ﴿۴۹﴾ پس به کدام سخن بعد از قرآن ایمان خواهند آورد؟ ﴿۵۰﴾

سُورَةُ النَّبَاِ

سوره نبأ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ﴿١﴾ عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ ﴿٢﴾ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ﴿٣﴾ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿٥﴾ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا ﴿٦﴾ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ﴿٧﴾ وَخَلَقْنَكُمْ أَزْوَاجًا ﴿٨﴾ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُباتًا ﴿٩﴾ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ﴿١٠﴾ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ﴿١١﴾ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ﴿١٢﴾ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا ﴿١٣﴾ وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ﴿١٤﴾ لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ﴿١٥﴾ وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا ﴿١٦﴾ إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا ﴿١٧﴾ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴿١٨﴾ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ﴿١٩﴾ وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ﴿٢٠﴾ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿٢١﴾ لِلظَّالِمِينَ مَذَابًا ﴿٢٢﴾ لَبِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا ﴿٢٣﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿٢٤﴾ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ﴿٢٥﴾ جَزَاءً وَفَاقًا ﴿٢٦﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ﴿٢٧﴾ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا ﴿٢٨﴾ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ﴿٢٩﴾ فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿٣٠﴾

از چه چیز کافران با یکدیگر سؤال می کنند؟ ﴿١﴾ [آری سؤال می کنند.] از خبری بزرگ. ﴿٢﴾ که ایشان در آن اختلاف دارند^(۱). ﴿٣﴾ نی! نی! خواهند دانست. ﴿٤﴾ باز می گوئیم: نی! نی! خواهند دانست. ﴿٥﴾ آیا نساخته ایم زمین را فرشی؟ ﴿٦﴾ و نساخته ایم کوه ها را میخ ها؟ ﴿٧﴾ و آفریدیم شما را نر و ماده. ﴿٨﴾ و ساختیم خواب شما را راحتی. ﴿٩﴾ و ساختیم شب را پرده. ﴿١٠﴾ و ساختیم روز را وقت طلب معیشت. ﴿١١﴾ و بنا کردیم بالای شما هفت آسمان محکم. ﴿١٢﴾ و آفریدیم چراغی درخشنده^(۲). ﴿١٣﴾ و فرود آوردیم از ابرها آب ریزان. ﴿١٤﴾ تا برآریم به سبب آن آب، دانه و گیاه را. ﴿١٥﴾ و بوستان های درهم پیچیده. ﴿١٦﴾ هرآینه روز فیصل کردن هست، وقت معین. ﴿١٧﴾ روزی که دمیده شود در صور، پس بیاید گروه گروه شده. ﴿١٨﴾ و شکافته شود آسمان، پس باشد دروازه دروازه. ﴿١٩﴾ و روان گردد آید کوه ها را، پس باشند مانند سراب. ﴿٢٠﴾ هرآینه دوزخ است انتظار کننده. ﴿٢١﴾ سرکشان را هست مرجع ایشان را. ﴿٢٢﴾ در آیند به دوزخ اقامت کنندگان در آنجا مدت های دراز. ﴿٢٣﴾ نچشند آنجا خنکی را و نه هیچ آشامیدنی را. ﴿٢٤﴾ مگر آب گرم را و زرد آب را. ﴿٢٥﴾ جزا داده شدند، جزای موافق. ﴿٢٦﴾ هرآینه ایشان توقع نمی داشتند حساب را. ﴿٢٧﴾ و تکذیب می کردند آیات ما را به دروغ داشتن. ﴿٢٨﴾ و هر چیزی را ضبط کردیم به طریق نوشتن. ﴿٢٩﴾ پس بچشید، پس زیاده نخواهیم داد شما را مگر عقوبت. ﴿٣٠﴾

۱- مراد بعث و قیامت است.

۲- یعنی خورشید.

هر آینه متقیان را مطلب یابی باشد. ﴿۳۱﴾ بوستان‌ها باشد و درختان انگور باشد. ﴿۳۲﴾ و زنان دوشیزه هم عمر با یکدگر باشند. ﴿۳۳﴾ و پیاله به شراب پر کرده باشد. ﴿۳۴﴾ نشوند آنجا سخن بیهوده را و نه دروغ شمردن را ﴿۳۵﴾ جزا داده شد، عطا نموده شد، حساب کرده شد از جانب پروردگار تو. ﴿۳۶﴾ پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه ما بین اینهاست، خدای بخشاینده، نتواند از هیبت وی سخن گفتن. ﴿۳۷﴾ روزی که بایستد فرشته روح نام و سایر فرشتگان نیز صف زده، سخن نگویند: حاضران محشر مگر کسی که دستوری داده باشد او را خدا و گفته باشد سخن درست^(۱). ﴿۳۸﴾ این روز متحقق است، پس هر که خواهد بگیرد به سوی پروردگار خود مرجع. ﴿۳۹﴾ هر آینه ما ترسانیدیم شما را از عذاب نزدیک آینده، روزی که ببیند آدمی آنچه پیش فرستاده بود دو دست وی و بگوید کافر: ای کاش من خاک بودم! ﴿۴۰﴾

سوره نازعات

به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به جماعات فرشتگان که نزع می کنند به وجه سختی! ﴿۱﴾ و قسم به جماعات فرشتگان که بیرون می آرند بیرون آوردنی! ﴿۲﴾ و قسم به فرشتگان که شنا می کنند، شنا کردنی! ﴿۳﴾ پس قسم به فرشتگان که سبقت می کنند، سبقت کردنی! ﴿۴﴾ پس قسم به جماعات فرشتگان که تدبیر می کنند هر کاری را! آنچه گفته می شود بودنی است. ﴿۵﴾ روزی که بجنبند جنبنده. ﴿۶﴾ از پس وی درآید از پس درآینده. ﴿۷﴾ دل‌ها آن روز ترسان باشند. ﴿۸﴾ بر دیده‌های آن جماعت خواری هویدا باشد. ﴿۹﴾ می گویند [کافران]: آیا بازگردانیده شویم به حالت نخستین؟ ﴿۱۰﴾ آیا چون شویم استخوان‌های بوسیده باز زنده شویم؟ ﴿۱۱﴾ گفتند: آن رجوع آنگاه رجوع زیان دهنده باشد. ﴿۱۲﴾ پس جز این نیست که آن واقعه یک آواز تند است. ﴿۱۳﴾ پس ناگهان ایشان به روی زمین آمده باشند. ﴿۱۴﴾ آیا آماده است پیش تو خبر موسی؟ ﴿۱۵﴾

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿۳۱﴾ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ﴿۳۲﴾ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿۳۳﴾ وَكَأْسًا دِهَاقًا ﴿۳۴﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذْبًا ﴿۳۵﴾ جَزَاءَ مِّن رَّبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا ﴿۳۶﴾ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ﴿۳۷﴾ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَن أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿۳۸﴾ ذَلِكَ الْيَوْمَ الْحَقُّ فَمَن شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَعَابًا ﴿۳۹﴾ إِنَّا أَنذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَلَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا ﴿۴۰﴾

سُورَةُ النَّازِعَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا ﴿۱﴾ وَالنَّشِيطَاتِ ذُشَطًا ﴿۲﴾ وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا ﴿۳﴾ فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا ﴿۴﴾ فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا ﴿۵﴾ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ﴿۶﴾ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ ﴿۷﴾ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ﴿۸﴾ أَبْصَرُهَا خَشِيعَةٌ ﴿۹﴾ يَقُولُونَ أَيْنَا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ ﴿۱۰﴾ أَيْنَا كُنَّا عِظْمًا نَّخْرَةً ﴿۱۱﴾ قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ﴿۱۲﴾ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ﴿۱۳﴾ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ﴿۱۴﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ ﴿۱۵﴾

۱- یعنی سخن حق.

۲- یعنی یک عده ارواح را به سختی.

۳- یعنی یک عده دیگر را به طریق سهولت.

۴- یعنی در هوا شناکردنی.

۵- یعنی از یکدیگر سبقت کردنی.

۶- یعنی نفخه اولی و پس نفخه ثانیه به وجود آید.

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٦﴾ أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿١٧﴾ فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَٰهٌ إِلَّا أَن تَزْكَىٰ ﴿١٨﴾ وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ ﴿١٩﴾ فَأَرَاهُ الْكُتُبَ ﴿٢٠﴾ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ﴿٢١﴾ ثُمَّ أَذْبَرَ يَسْعَىٰ ﴿٢٢﴾ فَحَشَرَ فَنَادَىٰ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ ﴿٢٤﴾ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ ﴿٢٥﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ ﴿٢٦﴾ ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا ﴿٢٧﴾ رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّلَهَا ﴿٢٨﴾ وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا ﴿٢٩﴾ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَٰلِكَ دَحَاهَا ﴿٣٠﴾ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا ﴿٣١﴾ وَالْجِبَالَ أَرْسَلَهَا ﴿٣٢﴾ مَتَّعَا لَكُمْ وَلَٰئِن لَّا نُنْعِمْكُمْ ﴿٣٣﴾ فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَىٰ ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ ﴿٣٥﴾ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَن يَرَىٰ ﴿٣٦﴾ فَأَمَّا مَن طَغَىٰ ﴿٣٧﴾ وَءَاثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ﴿٣٨﴾ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٣٩﴾ وَأَمَّا مَن خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٤٠﴾ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٤١﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا ﴿٤٢﴾ فِيمَ أَنْتَ مِن ذِكْرِهَا ﴿٤٣﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَلُهَا ﴿٤٤﴾ إِنَّمَ أَنْتَ مُنذِرٌ مَّن يَخْشَاهَا ﴿٤٥﴾ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا ﴿٤٦﴾

چون آواز دادش پروردگار او به وادی پاک طوی نام. ﴿۱۶﴾ که برو به سوی فرعون، هرآینه وی از حد گذشته است. ﴿۱۷﴾ پس بگو: که هیچ میل است تو را به آنکه پاکیزه شوی؟. ﴿۱۸﴾ و راه بنمایم تو را به سوی پروردگار تو، پس بترسی؟. ﴿۱۹﴾ پس بنمود فرعون آن معجزه بزرگ را^(۱). ﴿۲۰﴾ پس دروغ داشت و نافرمانی کرد. ﴿۲۱﴾ پس از آن مجلس بازگشت تدبیرکنان. ﴿۲۲﴾ پس جمع کرد قوم خود را، پس آواز داد. ﴿۲۳﴾ پس گفت: من پروردگار بزرگوار شمایم! . ﴿۲۴﴾ پس گرفتار کرد او را خدا به عذاب آخرت و دنیا. ﴿۲۵﴾ هرآینه در این خبر، پندی هست برای هر که بترسد. ﴿۲۶﴾ آیا شما محکمترید در آفرینش یا آسمان؟ خدا بنا کرد آن آسمان را. ﴿۲۷﴾ بلند ساخت ارتفاع او را، پس درست ساخت آن را. ﴿۲۸﴾ و تاریک کرد شب او را و ظهور آورد روشنی روز او را. ﴿۲۹﴾ و زمین را بعد از آفریدن آسمان همواره کرد^(۲). ﴿۳۰﴾ بیرون آورد از زمین آب او را و چراگاه او را^(۳). ﴿۳۱﴾ و کوهها را استوار نمود. ﴿۳۲﴾ از برای منفعت شما و چهارپایان شما. ﴿۳۳﴾ پس وقتی که بیاید قیامت. ﴿۳۴﴾ روزی که یاد کند آدمی آنچه عمل کرده بود. ﴿۳۵﴾ و ظاهر کرده شود دوزخ برای هر که دیدنش خواهد. [ثواب یا عقاب متحقق گردد]. ﴿۳۶﴾ اما کسی که از حد در گذشته باشد. ﴿۳۷﴾ و برگزیده باشد زندگانی این جهانی را. ﴿۳۸﴾ پس هرآینه دوزخ همان است جای او. ﴿۳۹﴾ و اما کسی که ترسیده باشد از ایستادن به حضور پروردگار خویش و بازداشته باشد نفس را از شهوت. ﴿۴۰﴾ پس هرآینه بهشت همان است جای او. ﴿۴۱﴾ می پرسند تو را از قیامت کی باشد متحقق آن؟. ﴿۴۲﴾ در چه منزلتی تو از علم آن؟. ﴿۴۳﴾ به سوی پروردگار تو است منتهی علم آن. ﴿۴۴﴾ جز این نیست که تو ترساننده ای کسی را که بترسد از وی. ﴿۴۵﴾ روزی که ببینند آن را، چنانستی که ایشان درنگ نکرده بودند به دنیا، مگر به یک وقت شام یا یک وقت صبحی که پیش از آن بود. ﴿۴۶﴾

۱- یعنی عصا و ید بیضا.

۲- مترجم گوید: معنای هموار کردن، همین است که می فرماید.

سُورَةُ عَبَسَ

سوره عبس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَبَسَ وَقَتَلَىٰ ۝۱ أَن جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ ۝۲ وَمَا يُدْرِيكَ
لَعَلَّهُ وَزَكَا ۝۳ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الْذِكْرَىٰ ۝۴ أَمَّا مَنِ
اسْتَغْنَىٰ ۝۵ فَأَنْتَ لَهُو تَصَدَّىٰ ۝۶ وَمَا عَلَيْكَ إِلَّا
يَزْكَىٰ ۝۷ وَأَمَّا مَنِ جَاءَكَ يَسْعَىٰ ۝۸ وَهُوَ يَخْشَىٰ ۝۹
فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ ۝۱۰ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ۝۱۱ فَمَنْ شَاءَ
ذَكَرْهُ ۝۱۲ فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ ۝۱۳ مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ
۝۱۴ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ۝۱۵ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ۝۱۶ قُلِ الْإِنْسَانُ مَا
أَكْفَرُهُ ۝۱۷ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۝۱۸ مِنْ نُطْفَةٍ
خَلَقَهُ ۝۱۹ فَقَدَرَهُ ۝۲۰ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ ۝۲۱ ثُمَّ أَمَاتَهُ ۝۲۲
فَأَقْبَرَهُ ۝۲۳ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ ۝۲۴ كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا
أَمَرُهُ ۝۲۵ فَلَيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ۝۲۶ أَنَا صَبَبْنَا
الْمَاءَ صَبًّا ۝۲۷ ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ۝۲۸ فَأَنْبَتْنَا
فِيهَا حَبًّا ۝۲۹ وَعَيْنًا وَقَضْبًا ۝۳۰ وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ۝۳۱
وَحَدَائِقَ غُلْبًا ۝۳۲ وَفَلَكَهَةً وَآبًا ۝۳۳ مَتَلَعًا لَّكُمْ
وَلَا نَعْلَمُكُمْ ۝۳۴ فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ ۝۳۵ يَوْمَ يَفِرُّ
الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ۝۳۶ وَأُمِيهِ ۝۳۷ وَأَبِيهِ ۝۳۸ وَصَدِيقَتِهِ ۝۳۹
وَبَنِيهِ ۝۴۰ لِكُلِّ أَمْرٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ۝۴۱
وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ۝۴۲ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ۝۴۳
وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ۝۴۴ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ۝۴۵
أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ ۝۴۶

به نام خداوند بخشنده مهربان

روی ترش کرد و اعراض نمود! ۱ به سبب آنکه پیامد پیش او
نابینا^(۱) ۲ و چه چیز خبردار کرد تو را، شاید وی پاک می‌شد.
۳ یا پند می‌شنید، پس نفع می‌دادش آن پند شنیدن. ۴ اما کسی
که توانگر است. ۵ پس تو به سوی او اقبال می‌کنی. ۶ و زیان
نیست بر تو در آنکه پاک نشود. ۷ و اما کسی که پیامد پیش تو
شتابان. ۸ از خدای خود ترسان. ۹ پس تو از وی غفلت
می‌کنی. ۱۰ نی! نی! هر آینه این آیات قرآن پند است. ۱۱ پس
هر که خواهد یاد کند قرآن را. ۱۲ هر آینه قرآن ثبت است در
نامه‌های گرامی. ۱۳ بلند قدر پاک کرده شده. ۱۴ به دست‌های
نویسندگان. ۱۵ بزرگ منش نیکوکردار^(۲). ۱۶ لعنت کرده
شده آدمی را! چه ناسپاسدار است! ۱۷ از چه چیز آفریدش.
۱۸ از نطفه منی آفریدش، پس اندازه معین کردش. ۱۹ باز راه
برآمد، آسان نمودش. ۲۰ باز بمیراندش، پس در گور
کردش. ۲۱ باز وقتی که خواست، زنده ساختش. ۲۲ نی! نی! به
عمل نیاورد آنچه فرمودش. ۲۳ پس باید که در نگرد آدمی به
سوی طعام خود. ۲۴ به سوی آنکه ما ریختیم آب را
ریختنی. ۲۵ باز شکافتیم زمین را شکافتنی. ۲۶ پس رویانیدیم
در آن دانه را. ۲۷ و انگور و سبزی‌ها را. ۲۸ و زیتون را و
درخت خرما را. ۲۹ و باغ‌ها را که درختان بسیار دارد. ۳۰ و
میوه را و علف دواب را. ۳۱ برای منفعت شما و چهارپایان شما.
۳۲ پس وقتی که بیايد آواز سخت. ۳۳ روزی که بگریزد مرد
از برادر خود. ۳۴ و از مادر خود و از پدر خود. ۳۵ و از زن
خود و از فرزندان خود. ۳۶ هر مردی را از ایشان آن روز شغلی
است که کفایت می‌کندش. ۳۷ یک پاره روها آن روز روشن
باشند. ۳۸ خندان و شادمان باشند. ۳۹ و یک پاره روها آن روز
بر آن غبار باشد. ۴۰ غالب آید بر وی تاریکی. ۴۱ این
جماعت، ایشانند کافران بدکاران. ۴۲

۱- نابینائی از فقرای صحابه به مجلس آن حضرت ﷺ درآمد و به سؤال‌های
مکرر تشویش داد و آن حضرت ﷺ در آن حالت به دعوت اشراف
عرب مشغول بودند، پس آن را مکروه داشتند و اعراض نمودند.
خدای تعالی بر خلق عظیم دلالت فرمود.

۲- یعنی فرشتگان از لوح نقل می‌کنند.

سُورَةُ التَّكْوِيْرِ

سوره تکویر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ۝ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ۝
 وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ۝ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ۝
 وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ۝ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ۝
 وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ۝ وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُيِّلَتْ ۝ بِأَيِّ
 ذَنْبٍ قُتِلَتْ ۝ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ۝ وَإِذَا
 السَّمَاءُ كُشِطَتْ ۝ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ۝ وَإِذَا
 الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ۝ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ ۝ فَلَا
 أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ۝ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ۝ وَاللَّيْلِ إِذَا
 عَسَسَ ۝ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ۝ إِنَّهُ لَقَوْلُ
 رَسُولٍ كَرِيمٍ ۝ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ۝
 مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ۝ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۝
 وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ ۝ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ
 بِضَنِينٍ ۝ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ۝ فَأَيِّنَ
 تَذْهَبُونَ ۝ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۝ لِمَنْ شَاءَ
 مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ ۝ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ
 اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝

وقتی که آفتاب پیچیده شود. ﴿۱﴾ و وقتی که ستاره‌ها تیره شوند. ﴿۲﴾ و وقتی که کوه‌ها روان کرده شوند. ﴿۳﴾ و وقتی که ماده شتران باربردار معطل گذاشته شود. ﴿۴﴾ و وقتی که جانوران وحشی را جمع کرده شود. ﴿۵﴾ و وقتی که دریاها را مثل آتش افروخته شود. ﴿۶﴾ و وقتی که ارواح را با اجساد جمع کرده شود. ﴿۷﴾ و وقتی که دختری را که زنده در گور کرده بودند، پرسیده شود. ﴿۸﴾ به کدام گناه کشته شد؟ ﴿۹﴾ و وقتی که نامه‌های اعمال را گشاده شود. ﴿۱۰﴾ و وقتی که آسمان را پوست برکنده شود^(۱). ﴿۱۱﴾ و وقتی که دوزخ را برافروخته شود. ﴿۱۲﴾ و وقتی که بهشت را نزدیک ساخته شود. ﴿۱۳﴾ بداند هر شخصی آنچه حاضر ساخته است. ﴿۱۴﴾ پس قسم می‌خورم به ستاره‌های بازگرونده! ﴿۱۵﴾ سیر نماینده غایب شونده^(۲). ﴿۱۶﴾ و قسم به شب چون بازگردد! ﴿۱۷﴾ و قسم به صبح چون بدمد! ﴿۱۸﴾ هرآینه قرآن گفتار فرشته‌ای است گرامی قدر. ﴿۱۹﴾ صاحب توانایی با وقار نزدیک خداوند عرش. ﴿۲۰﴾ فرمانبرداری کرده شده در ملکوت آسمان متصف به امانت. ﴿۲۱﴾ و نیست این یار شما دیوانه. ﴿۲۲﴾ و هرآینه یار شما دیده بود آن فرشته را به کرانه ظاهر آسمان. ﴿۲۳﴾ و نیست یار شما بر علم پنهان بخل کننده. ﴿۲۴﴾ و نیست قرآن گفتار شیطان رانده شده. ﴿۲۵﴾ پس کجا می‌روید؟ ﴿۲۶﴾ نیست قرآن مگر پند، عالم‌ها را. ﴿۲۷﴾ برای هر که از زمره شما بخواهد که راست کردار شود. ﴿۲۸﴾ و نمی‌خواهید مگر وقتی که بخواهد خدا پروردگار عالم‌ها. ﴿۲۹﴾.

۱- یعنی سرخ شود مانند بره که پوست او مسخ کرده باشند.

۲- مترجم گوید: زحل و مشتری و مریخ و زهره و عطارد پنج ستاره متحیره‌اند، چون سیر کرده به مقامی رسند از آن بازمی‌گردند و به مقامی که طی کرده بودند، اقبال نمایند. چون وقت قرآن آید، غائب شوند، والله اعلم.

سُورَةُ الْاِنْفِطَارِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ۝ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ اُنْتَثَرَتْ ۝
 وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ۝ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ۝
 عَلِمْتَ نَفْسُ مَا قَدَمَتْ وَأَخَّرَتْ ۝ يَأْتِيهَا الْاِنْسَانُ
 مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ۝ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّنَكَ
 فَعَدَلَكَ ۝ فِيْ اَيِّ صُوْرَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ ۝ كَلَّا بَلْ
 تُكْذِّبُوْنَ بِالْدِّينِ ۝ وَاِنَّ عَلَیْكُمْ حَفِیْظِيْنَ ۝
 كِرَامًا كَاتِبِيْنَ ۝ يَعْلَمُوْنَ مَا تَفْعَلُوْنَ ۝ اِنَّ
 الْاَبْرَارَ لَفِيْ نَعِيْمٍ ۝ وَاِنَّ الْفُجَّارَ لَفِيْ جَحِيْمٍ ۝
 يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ ۝ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِيْنَ ۝
 وَمَا اَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ۝ ثُمَّ مَا اَدْرَاكَ مَا يَوْمُ
 الدِّينِ ۝ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا ۝ وَالْاَمْرُ
 يَوْمَیْذٍ لِلّٰهِ ۝

سوره انفطار

به نام خداوند بخشنده مهربان

وقتی که آسمان شکافته شود. ﴿۱﴾ و وقتی که ستارگان از هم بریزد. ﴿۲﴾ و وقتی که دریاها روان کرده شود به نهایت شدت. ﴿۳﴾ و وقتی که گورها کافته شود. ﴿۴﴾ بداند هر نفسی آنچه پیش فرستاده بود و آنچه از پس فروگذاشته بود. ﴿۵﴾ ای آدمی! چه چیز فریفت تو را به پروردگار بزرگوار تو؟ ﴿۶﴾ آن خدای که بیافرید تو را، پس درست اندام کرد تو را، پس معتدل قامت کرد تو را. ﴿۷﴾ در صورتی که خواست ترکیب داد تو را. ﴿۸﴾ نی! بلکه دروغ می‌شمرد جزای اعمال را. ﴿۹﴾ و هرآینه بر شما گماشته شده‌اند نگاهبان را. ﴿۱۰﴾ گرامی قدر نویسندگان. ﴿۱۱﴾ می‌دانند آنچه می‌کنید. ﴿۱۲﴾ هرآینه نیکوکاران در نعمت باشند. ﴿۱۳﴾ و هرآینه گناهکاران در دوزخ باشند. ﴿۱۴﴾ درآیند به دوزخ، روز جزای اعمال. ﴿۱۵﴾ و نباشند از آنجا غایب شده. ﴿۱۶﴾ و چه چیز مطلع ساخت تو را ای آدمی که چیست روز جزا؟! ﴿۱۷﴾ باز می‌گوییم چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست روز جزا؟! ﴿۱۸﴾ روزی است که نتواند هیچ‌کس برای هیچ‌کس هیچ فایده رسانیدن و فرمان آن روز، خدای را باشد. ﴿۱۹﴾

سُورَةُ الْمُطَفِّفِيْنَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِيْنَ ۝ الَّذِيْنَ اِذَا اُكْتَالُوْا عَلٰی النَّاسِ
 يَسْتَوْفُوْنَ ۝ وَاِذَا كَالُوْهُمْ اَوْ وُزِنُوْهُمْ يُخْسِرُوْنَ ۝
 اَلَا يَظُنُّ اُولٰٓئِكَ اَنَّهُمْ مَّبْعُوْثُوْنَ ۝ لِيَوْمٍ عَظِيْمٍ ۝
 يَوْمَ يَقُوْمُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ۝

سوره مطففين

به نام خداوند بخشنده مهربان

وای حقوق مردم کاهندگان را! ﴿۱﴾ آنان که چون برای خود پیمایند، بر مردمان به سختی تمام گیرند. ﴿۲﴾ و چون خواهند که پیموده بدهند ایشان را یا سنجیده بدهند ایشان را زیان رسانند. ﴿۳﴾ آیا نمی‌دانند آن جماعت که ایشان برانگیخته خواهند شد؟ ﴿۴﴾ در روزی بزرگ. ﴿۵﴾ روزی که ایستاده شوند مردمان پیش پروردگار عالم‌ها. ﴿۶﴾

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ ﴿٧﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ ﴿٨﴾ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿٩﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بَيِّومَ الدِّينِ ﴿١١﴾ وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١٢﴾ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمْ حَاجِبُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ﴿١٦﴾ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿١٧﴾ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ ﴿١٨﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ ﴿١٩﴾ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿٢٠﴾ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢١﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿٢٢﴾ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٢٣﴾ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ﴿٢٤﴾ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مِّمْتُونٍ ﴿٢٥﴾ خِتْمُهُ مِسْكٌَ وَفِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ﴿٢٦﴾ وَمِرَاجُهُ مِنَ تَسْنِيمٍ ﴿٢٧﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿٢٩﴾ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ﴿٣٠﴾ وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَضَالُّونَ ﴿٣٢﴾ وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ ﴿٣٣﴾ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿٣٤﴾

حقاً هر آینه نامه اعمال گناهکاران داخل شود در سجین. ﴿۷﴾ و چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست سجین؟ ﴿۸﴾ کتابی است نوشته شده. ﴿۹﴾ وای آن روز دروغ شمارندگان را! ﴿۱۰﴾ آنان که به دروغ نسبت می‌کند روز جزا را. ﴿۱۱﴾ و دروغ نمی‌شمرد آن را، مگر هر ستمکار گناهکار. ﴿۱۲﴾ چون خوانده شود بر وی آیات ما گوید: افسانه‌های پیشینیان است. ﴿۱۳﴾ نی! نی! بلکه زنگ بسته است بر دل ایشان آنچه می‌کردند. ﴿۱۴﴾ نی! نی! هر آینه ایشان از دیدار پروردگار خویش آن روز محجوب باشند. ﴿۱۵﴾ باز هر آینه ایشان در آیندگان دوزخ باشند. ﴿۱۶﴾ باز گفته شود ایشان را این است آنچه شما آن را دروغ می‌شمردید. ﴿۱۷﴾ حقاً هر آینه نامه اعمال نیکوکاران داخل شود در علین. ﴿۱۸﴾ و چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست علین. ﴿۱۹﴾ کتابی است نوشته شده. ﴿۲۰﴾ که حاضر شوند نزدیک آن نزدیک کردگان خدا. ﴿۲۱﴾ هر آینه نیکوکاران در نعمت باشند. ﴿۲۲﴾ بر تخت‌ها نشسته نظر می‌کنند به هر جانب ﴿۲۳﴾ شناسایی در روی ایشان تازگی نعمت. ﴿۲۴﴾ نوشانیده شود ایشان را از شراب خالص سر به مهر. ﴿۲۵﴾ به جای موم، مهر او مشک باشد و به همین شراب پاک باید که رغبت کنند رغبت کنندگان. ﴿۲۶﴾ و آمیختنی آن از آب تسنیم باشد. ﴿۲۷﴾ [مرا و می‌دارم] چشمه‌ای که می‌نوشند از آن نزدیک کردگان خدا. ﴿۲۸﴾ هر آینه گناهکاران با مسلمانان می‌خندیدند. ﴿۲۹﴾ و چون می‌گذشتند به مسلمانان، با یکدیگر چشم می‌زدند حقارت کرده. ﴿۳۰﴾ و چون می‌گشتند به اهل خانه خود، باز می‌گشتند شادمان شده. ﴿۳۱﴾ و چون می‌دیدند مسلمانان را، می‌گفتند: هر آینه ایشان گمراهانند. ﴿۳۲﴾ و نگاهبانان فرستاده نشده بودند بر سر مسلمانان. ﴿۳۳﴾ پس امروز مسلمانان با کافران می‌خندند. ﴿۳۴﴾

بر تخت‌ها نشسته نظر می‌کنند به هر جانب. ﴿۳۵﴾ آیا جزا داده شد کافران را به حسب آنچه می‌کردند؟ ﴿۳۶﴾

عَلَىٰ الْأَرْيَافِ يَنْظُرُونَ ﴿۳۵﴾ هَلْ تُؤْتَىٰ الْكَافِرُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿۳۶﴾

سُورَةُ الْاِنْشِقَاقِ

سوره انشقاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وقتی که آسمان بشکافت. ﴿۱﴾ و گوش کند فرمان پروردگار خود را و آسمان سزاوار گوش کردن است. ﴿۲﴾ و وقتی که زمین را کشیده شود. ﴿۳﴾ و برتابد آنچه در آن باشد و خالی شود.^(۱) ﴿۴﴾ و گوش کند فرمان پروردگار خود را و زمین، سزاوار گوش کردن است. ﴿۵﴾ ای آدمی! هرآینه تو کار کننده‌ای تا ملاقات پروردگار خود به کوشش تمام، پس ملاقات خواهی کرد با پروردگار خود. ﴿۶﴾ اما هر که داده شد او را نامه اعمال او به دست راستش. ﴿۷﴾ پس با او حساب کرده شود حساب آسان. ﴿۸﴾ و باز گردد به سوی اهل خانه خود شادان شده. ﴿۹﴾ و اما هر که داده شد او را نامه اعمال او از پس پشتش. ﴿۱۰﴾ پس خواهد یاد کرد هلاک را. ﴿۱۱﴾ و خواهد درآمد به دوزخ. ﴿۱۲﴾ هرآینه او بود به دنیا در اهل خانه خود شادمان. ﴿۱۳﴾ هرآینه گمان کرده بود که رجوع نکند به سوی خدای تعالی. ﴿۱۴﴾ آری! رجوع کردن به تحقیق است. هرآینه پروردگار او بود به احوال او بینا. ﴿۱۵﴾ پس سوگند می‌خورم به سرخی کناره آسمان در اول شب! ﴿۱۶﴾ و قسم می‌خورم به شب و آنچه شب آن را جمع کرده است! ﴿۱۷﴾ و قسم می‌خورم به ماه چون تمام شود! ﴿۱۸﴾ خواهید رسید به حالی بعد حالی. ﴿۱۹﴾ پس چیست این کافران را که ایمان نمی‌آرند؟^(۲) ﴿۲۰﴾ و چون خوانده می‌شود بر ایشان قرآن، سجده نمی‌کنند؟ ﴿۲۱﴾ بلکه این کافران دروغ می‌شمردند. ﴿۲۲﴾ و خدا دانایتر است به آنچه در دل خود نگاه می‌دارند. ﴿۲۳﴾ پس خبر کن ایشان را به عذاب درد دهنده. ﴿۲۴﴾ لیکن آنان که ایمان آوردند و کردارهای شایسته کردند، ایشان راست مزد بی‌نهایت. ﴿۲۵﴾

إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ ﴿۱﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿۲﴾ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ ﴿۳﴾ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿۴﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿۵﴾ يَتَأْتِيهَا الْإِنْسُنُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ ﴿۶﴾ فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ﴿۷﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿۸﴾ وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿۹﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ﴿۱۰﴾ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ﴿۱۱﴾ وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ﴿۱۲﴾ إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿۱۳﴾ إِنَّهُ ظَنَّ أَن لَّنْ يَحُورَ ﴿۱۴﴾ بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ﴿۱۵﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ﴿۱۶﴾ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿۱۷﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ﴿۱۸﴾ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ﴿۱۹﴾ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۲۰﴾ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ﴿۲۱﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكْذِبُونَ ﴿۲۲﴾ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿۲۳﴾ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۲۴﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿۲۵﴾

۱- یعنی اموات را برتابد، والله اعلم.

۲- یعنی هول موت، بعد از آن سؤال منکر و نکیر، بعد از آن حشر و حساب و مرور بر صراط، بعد از آن دوزخ یا بهشت، والله اعلم.

سُورَةُ الْبُرُوجِ

سوره بروج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ۝ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ۝
 وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ۝ قَتِيلٍ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ۝
 النَّارِ ذَاتِ الْوُودِ ۝ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ۝ وَهُمْ
 عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ۝ وَمَا نَقَمُوا
 مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۝ الَّذِي
 لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۝ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
 شَهِيدٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ
 لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ
 ۝ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ
 تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ۝ إِنَّ
 بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ۝ إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ ۝
 وَهُوَ الْغَفُورُ الْودُودُ ۝ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ۝ فَعَالٌ
 لِّمَا يُرِيدُ ۝ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ۝ فِرْعَوْنَ
 وَثَمُودَ ۝ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ۝ وَاللَّهُ
 مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ۝ بَلْ هُوَ قَرِءٌ مَجِيدٌ ۝ فِي لَوْحٍ
 مَحْفُوظٍ ۝

قسم به آسمان! خداوند برج‌ها^(۱). ۱ ﴿﴾ و قسم به روزی که
 وعده کرده می‌شود! ۲ ﴿﴾ و قسم به روزی که در هفته^(۳)
 حاضر می‌شود! ۳ ﴿﴾ هلاک کرده شدند اهل خندق‌ها. ۴ ﴿﴾
 از قسم آتش، خداوند هیزم بسیار. ۵ ﴿﴾ وقتی که بر کناره آن
 خندق نشسته بودند. ۶ ﴿﴾ و ایشان به آنچه می‌کردند با
 مسلمانان، حاضر بودند. ۷ ﴿﴾ و عیب نکردند از ایشان مگر این
 خصلت را که ایمان آرند به خدای غالب ستوده کار. ۸ ﴿﴾
 آنکه او راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و خدا بر همه چیز
 مطلع است^(۴). ۹ ﴿﴾ هرآینه آنان که عقوبت کردند مردان
 مسلمانان و زنان مسلمانان را، باز توبه نمودند، پس ایشان
 راست عذاب دوزخ و ایشان راست، عذاب سوختن. ۱۰ ﴿﴾
 هرآینه آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، ایشان
 راست بوستان‌ها می‌رود زیر آن جوی‌ها. این است فیروزی
 بزرگ. ۱۱ ﴿﴾ هرآینه دست‌درازی پروردگار تو سخت است.
 ۱۲ ﴿﴾ هرآینه او آفرینش نو می‌کند و آفرینش دوباره می‌کند.
 ۱۳ ﴿﴾ و اوست آمرزگار دوستدار. ۱۴ ﴿﴾ او خداوند عرش
 گرامی قدر است. ۱۵ ﴿﴾ بسیار کننده است هر چیزی را که
 خواهد. ۱۶ ﴿﴾ آیا آمده است به تو خبر لشکرها؟ ۱۷ ﴿﴾ که
 فرعون و ثمود باشند. ۱۸ ﴿﴾ بلکه کافران دروغ شمرده‌اند.
 ۱۹ ﴿﴾ و خدا از گرداگرد ایشان گیرنده است. ۲۰ ﴿﴾ بلکه آن
 قرآن گرامی قدر است. ۲۱ ﴿﴾ نوشته شد در لوح محفوظ.
 ۲۲ ﴿﴾

۱- یعنی برج دوازده‌گان.

۲- یعنی روز قیامت.

۳- یعنی روز جمعه و قسم به روزی که حاجیان به آن روز حاضر می‌شوند،
 یعنی روز عرفه، هرآینه مجازات متحقق است.۴- مترجم گوید: پادشاه جباری رعیت خود را تکلیف کفر کرد و چون
 کافر نشدند، خندق‌ها را به آتش پر کرد و ایشان را به آتش افکند.
 خدای تعالی آن آتش را بر پادشاه و هم نشینان او مسلط ساخت تا از
 خندق پریده همه را پاک بسوخت، والله اعلم.

سُورَةُ الطَّارِقِ

سوره طارق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ۝
 النَّجْمُ الثَّاقِبُ ۝ إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ۝
 فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ۝ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ
 دَافِقٍ ۝ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ۝ إِنَّهُ
 عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ۝ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ۝ فَمَا لَهُ
 مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ۝ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ۝
 وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ۝ إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ۝ وَمَا
 هُوَ بِالْهَزْلِ ۝ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ۝ وَأَكِيدُ
 كَيْدًا ۝ فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَمَهُلُهُمْ رُوَيْدًا ۝

سُورَةُ الْأَعْلَى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ۝ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ۝
 وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ۝ وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ۝
 فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ۝ سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى ۝
 إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجُحْرَ وَمَا يَخْفَى ۝
 وَنُيْسِرُكَ لِلْيُسْرَى ۝ فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى ۝
 سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْشَى ۝ وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ۝ الَّذِي
 يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ۝ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ۝
 ۝ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ۝ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ۝

به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به آسمان و قسم به چیزی که وقت شب پدید می آید! ۱ و چه چیز مطلع ساخت تو را که چه چیز به وقت شب پدید آینده است؟ ۲ که آن ستاره درخشنده است. ۳ نیست هیچ شخص، مگر بر وی فرشته نگهبانی کننده است. ۴ پس باید که بیند آدمی از چه چیز آفریده شده است. ۵ از آب جهنده. ۶ که بر می آید از میان پشت مرد و استخوان سینه زن. ۷ هر آینه خدا بر دیگر بار آفریدن آدمی توانا است. ۸ روزی که امتحان کرده شود ضمیرهای مردمان را. ۹ پس نباشد آدمی را طاقتی و نباشد یاری دهنده ای. ۱۰ قسم به آسمان! خداوند باران. ۱۱ و قسم به زمین! صاحب شکافتن^(۱). ۱۲ هر آینه قرآن سخن واضح است. ۱۳ و نیست قرآن، سخن بیهوده. ۱۴ هر آینه کافران بداندیشی می کنند یک طور بد اندیشی کردند. ۱۵ و من نیز بداندیشی می کنم یک طور بداندیشی^(۲). ۱۶ پس مهلت ده کافران را و فروگذار ایشان را اندکی. ۱۷

سوره اعلی

به نام خداوند بخشنده مهربان

به پاکی یاد کن پروردگار بزرگوار خود را. ۱ آن که بیافرید، پس درست اندام کرد. ۲ و آن که اندازه کرد، پس راه نمود^(۳). ۳ و آن که بر آورد گیاه تازه را. ۴ باز ساخت آن را خشک شده سیاه گشته. ۵ قرآن تعلیم خواهیم کرد تو را، پس فراموش نخواهی کرد. ۶ مگر آنچه خدا خواسته است، هر آینه خدا می داند آشکارا و پنهان را^(۴). ۷ و توفیق خواهیم داد تو را به معرفت شریعت آسان. ۸ پس پند ده اگر سود کند پند دادن. ۹ پند خواهد گرفت هر که می ترسد. ۱۰ و یکسو خواهد شد از آن پند، بدبخت ترین مردم. ۱۱ آن که خواهد درآید به آتش بزرگ. ۱۲ باز نمیرد آنجا و نه زنده باشد. ۱۳ هر آینه رستگار گشت هر که پاک شد. ۱۴ و یاد کرد نام پروردگار خود را، پس نماز گذارد. ۱۵

۱- یعنی تا دانه بیرون آید.

۲- و این وعده روز بدر متحقق شد.

۳- یعنی جمیع مخلوقات را اندازه کرده به حسب آن اندازه در مخلوقات تصرف فرمود تا همان صورت برو روی کار آمد، پس این تصرف را به هدایت تعبیر فرمود، والله اعلم.

۴- مترجم گوید: فراموش گردانیدن این آیت از خاطر مبارک آن حضرت ﷺ نوعی از نسخ است، والله اعلم.

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿١٦﴾ وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى
 ﴿١٧﴾ إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ﴿١٨﴾ صُحُفِ
 إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ﴿١٩﴾

سُورَةُ الْغَاشِيَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ﴿١﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَلْشَعَةٌ
 ﴿٢﴾ عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ ﴿٣﴾ تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً ﴿٤﴾ تُسْقَى
 مِنْ عَيْنٍ عَآنِيَةٍ ﴿٥﴾ لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ
 ﴿٦﴾ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ﴿٧﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ
 نَّاعِمَةٌ ﴿٨﴾ لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ ﴿٩﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿١٠﴾ لَا
 تَسْمَعُ فِيهَا لَغِيَةً ﴿١١﴾ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ﴿١٢﴾ فِيهَا سُرُرٌ
 مَرْفُوعَةٌ ﴿١٣﴾ وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ ﴿١٤﴾ وَنَمَارِقُ
 مَصْفُوفَةٌ ﴿١٥﴾ وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ ﴿١٦﴾ أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى
 الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿١٧﴾ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ
 ﴿١٨﴾ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿١٩﴾ وَإِلَى الْأَرْضِ
 كَيْفَ سُطِحَتْ ﴿٢٠﴾ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ﴿٢١﴾
 لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ ﴿٢٢﴾ إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ ﴿٢٣﴾
 فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ﴿٢٥﴾
 ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿٢٦﴾

سوره غاشیه

به نام خداوند بخشنده مهربان

آیا آمده است به تو خبر قیامت؟ ﴿۱﴾ یک پاره روی‌های
 آن روز خوار باشند. ﴿۲﴾ کار کننده محنت کشنده باشند.
 ﴿۳﴾ در آیند به آتش افروخته شده. ﴿۴﴾ آب نوشانیده
 شوند از چشمه‌ای نهایت گرم. ﴿۵﴾ نباشد ایشان را هیچ
 طعامی مگر از ضریع. ﴿۶﴾ که فربه نکند و رفع گرسنگی
 ننماید^(۱). ﴿۷﴾ یک پاره روی‌های آن روز تازه باشد.
 ﴿۸﴾ به سعی خود رضامند شده باشند. ﴿۹﴾ در بهشت
 عالی. ﴿۱۰﴾ نشنوی آنجا هیچ سخن بیهوده. ﴿۱۱﴾ در
 آنجا چشمه‌ای جاری باشد. ﴿۱۲﴾ در آنجا تخت‌های بلند
 باشد. ﴿۱۳﴾ و کوزه‌های نهاده شده. ﴿۱۴﴾ و وساده‌های
 برابر یکدیگر گذاشته. ﴿۱۵﴾ و بساط‌های نفس پراکنده
 کرده. ﴿۱۶﴾ آیا نمی‌نگرند به سوی شتران، چگونه آفریده
 شده؟! ﴿۱۷﴾ و به سوی آسمان، چگونه برداشته شد؟!
 ﴿۱۸﴾ و به سوی کوه‌ها، چگونه برافراشته شد؟! ﴿۱۹﴾ و
 به سوی زمین، چگونه پهن کرده شد؟! ﴿۲۰﴾ پس پند
 ده، جز این نیست که تو پند دهنده‌ای. ﴿۲۱﴾ نیستی بر
 ایشان گماشته شده. ﴿۲۲﴾ لیکن هر که روی بگرداند و
 کافر شود ﴿۲۳﴾ پس عذاب کندش خدا به عقوبت
 بزرگ. ﴿۲۴﴾ هرآینه به سوی ماست رجوع ایشان.
 ﴿۲۵﴾ باز هرآینه بر ماست حساب ایشان. ﴿۲۶﴾

سُورَةُ الْفَجْرِ

سوره فجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْفَجْرِ ۝^(۱) وَلَيَالٍ عَشْرٍ ۝^(۲) وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ۝^(۳) وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرُ ۝^(۴) هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حَبْرِ ۝^(۵) أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ۝^(۶) إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ۝^(۷) الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبَلَدِ ۝^(۸) وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخِرَ بِالْوَادِ ۝^(۹) وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ۝^(۱۰) الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبَلَدِ ۝^(۱۱) فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ ۝^(۱۲) فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ۝^(۱۳) إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ۝^(۱۴) فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ۝^(۱۵) وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ ۝^(۱۶) كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ۝^(۱۷) وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ۝^(۱۸) وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا ۝^(۱۹) وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ۝^(۲۰) كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ۝^(۲۱) وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ۝^(۲۲) وَجِئَاءَ يَوْمٍ يُؤَمِّدُ بَیْهَتَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ۝^(۲۳)

به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به صبح! ۱ و به شب‌های دهگانه! ۲ و قسم به جفت و طاق! ۳ و قسم به شب چون روان شود! ۴ آیا در این مقدمه سوگندی معتبر است صاحب خرد را؟ ۵ آیا ندیدی که چگونه معامله کرد پروردگار تو با قوم عاد! ۶ [که عاد] ارم باشد خداوند قدرهای بلند! ۷ که آفریده نشد مانند آن در شهرها! ۸ و چگونه معامله کرد با قوم ثمود که تراشیده بودند سنگ‌های بزرگ را در وادی قری! ۹ و چگونه معامله کرد با فرعون صاحب میخ‌ها! ۱۰ همه این جماعت‌ها، آنان که سرکشی کردند در شهرها! ۱۱ پس بسیار به عمل آوردند در آنجا فساد را! ۱۲ پس بریخت بر سر ایشان پروردگار تو یک دفعه عذاب! ۱۳ هر آینه پروردگار تو به کمینگاه است! ۱۴ اما آدمی، پس چون امتحان کندش پروردگار او، پس گرامی کندش و نعمت دهدش، پس گوید: پروردگار من گرامی ساخت مرا! ۱۵ و اما چون امتحان کندش، پس تنگ سازد بر وی رزق وی را، گوید: پروردگار من حقارت کرد مرا! ۱۶ نی! نی! بلکه گرامی نمی‌دارید یتیم را! ۱۷ و یکدیگر را رغبت نمی‌دهد بر طعام دادن فقیر! ۱۸ و می‌خورید مال میراث را خوردن بسیار! ۱۹ و دوست می‌دارید مال را دوست داشتن بسیار! ۲۰ نی! نی! چون پست کرده شود بلندی زمین را، پست کردن بعد پست کردن! ۲۱ و بیاید پروردگار تو و بیایند فرشتگان صف صف شده! ۲۲ و آورده شود آن روز دوزخ را، آن روز یاد کند آدمی و کجا باشد او را نفع آن یاد کردن! ۲۳

۱- یعنی عشرة ذوالحجه.

۲- یعنی بعض نماز جفت است و بعض طاق.

۳- که خدا جزا دهنده بندگان است بر اعمال ایشان.

۴- یعنی به چهار میخ بسته عقوبت می‌کرد.

۵- یعنی زنان و یتیمان را حق ایشان نمی‌دهید و حق ایشان را به مال خود جمع می‌کنید.

۶- یعنی اسباب اکرام الهی در اکرام یتیم و اطعام مسکین است آن را می‌باید کرد و شما به این صفت هستید که یتیمان را حق ایشان نمی‌دهید و حق ایشان را به مال خود جمع می‌کنید.

۷- یعنی جبال و اتلال را با سائر ارض برابر کرده شود.

گوید: ای کاش من فرستادمی عمل نیک برای زندگانی جاودانی خویش! ﴿۲۴﴾ پس آن روز عقوبت نکند مانند عقوبت خدا هیچ کس. ﴿۲۵﴾ و به زنجیر نبندد مانند بستن او هیچ کس شود^(۱). ﴿۲۶﴾ [گفته شود روح مؤمن را وقت مرگ: ای نفس آرام گیرنده! ﴿۲۷﴾ بازگرد به سوی پروردگار خویش، تو خوشنود شده‌ای و از تو نیز خوشنود گشته. ﴿۲۸﴾ پس درآ به زمره بندگان خاص من. ﴿۲۹﴾ و درآ به بهشت من. ﴿۳۰﴾]

سوره بلد

به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم می‌خورم به این شهر! (یعنی مکه مبارکه). ﴿۱﴾ و تو حلال خواهی شد به این شهر^(۲). ﴿۲﴾ و قسم می‌خورم به زاینده و به هرچه زاده است! ﴿۳﴾ هرآینه آفریدیم آدمی را در مشقت. ﴿۴﴾ آیا گمان می‌کند آدمی که قادر نشود بر وی هیچ کس؟ ﴿۵﴾ می‌گوید: خرج کردم بر تو مال تو. ﴿۶﴾ آیا می‌پندارد که ندیده است او را هیچ کس؟ ﴿۷﴾ آیا نیافریده‌ایم برای او دو چشم را؟ ﴿۸﴾ و زبان را و دو لب را؟ ﴿۹﴾ و دلالت کردیم او را بر دو راه^(۵). ﴿۱۰﴾ پس در نیامد به گذرگاه سخت^(۶). ﴿۱۱﴾ و چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست گذرگاه سخت. ﴿۱۲﴾ خلاص کردن برده. ﴿۱۳﴾ یا طعام دادن به روز گرسنگی. ﴿۱۴﴾ یتیم صاحب قرابت را. ﴿۱۵﴾ یا فقیر صاحب خاکساری را. ﴿۱۶﴾ بعد از آن باشد از آنان که ایمان آوردند و به یکدیگر وصیت کردند به شکیبایی و به یکدیگر وصیت کردند به شفقت بر [خلق الله]. ﴿۱۷﴾ این جماعت، ایشانند اهل نیک‌بختی. ﴿۱۸﴾ و آنان که کافر شدند به آیات ما، ایشانند اهل بدبختی. ﴿۱۹﴾ بر ایشان آتش گماشته شود از هر جهت گردآورده شده. ﴿۲۰﴾]

يَقُولُ يَلَيَّتَنِي قَدَمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾ وَلَا يُوثِقُ وِثْقَهُ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾ يَتَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مُّرْضِيَةً ﴿٢٨﴾ فَأَدْخِلِي فِي عَبْدِي ﴿٢٩﴾ وَأَدْخِلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

سُورَةُ الْبَلَدِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿١﴾ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿٢﴾ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ ﴿٣﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿٤﴾ أَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿٥﴾ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ﴿٦﴾ أَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهِ أَحَدٌ ﴿٧﴾ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴿١١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿١٢﴾ فَكُّ رَقَبَةٍ ﴿١٣﴾ أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿١٤﴾ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ﴿١٥﴾ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿١٦﴾ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ﴿١٧﴾ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿١٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿١٩﴾ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ ﴿٢٠﴾

۱- به وجهی واقع شود که هیچ کس غیر او بر آن قادر نیست، والله اعلم.

۲- یعنی تو را قتال در مکه حلال خواهد شد.

۳- یعنی آدم و جمیع ذریت او.

۴- یعنی عادت آدمی است که به قوت خود فخر کند و نبیند که چه قدر ناتوانی‌ها می‌کشد و نیز به بذل مال فخر کند و نمی‌داند که خدا او را

می‌بیند که به غایت حقیر و بخیل است.

۵- یعنی خیر و شر.

۶- یعنی به حقیقت قوت آن است که این اعمال به جا آرد.

سُورَةُ الشَّمْسِ

سوره شمس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ۝۱ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا ۝۲ وَالنَّهَارِ
إِذَا جَلَّهَا ۝۳ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ۝۴ وَالسَّمَاءِ وَمَا
بَنَدَهَا ۝۵ وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَلَهَا ۝۶ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا
۝۷ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۝۸ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا
۝۹ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ۝۱۰ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا
۝۱۱ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ۝۱۲ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ
اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ۝۱۳ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ
رَبُّهُم بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا ۝۱۴ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ۝۱۵

به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به آفتاب و روشنی او! ۱ و قسم به ماه چون از پی
آفتاب در آید! ۲ و قسم به روز چون نمایان کند آفتاب
را! ۳ و قسم به شب چون بپوشاند آفتاب را! ۴ و قسم
به آسمان و به ذاتی که ساخت او را! ۵ و قسم به زمین و به
ذاتی که هموار کرد او را! ۶ و قسم به نفس آدمی و
درست اندام نمودن خدا او را! ۷ پس قسم به انداختن خدا
در دلش شناخت گناه او را و تقوی او را! ۸ هر آینه
رستگار شد هر که پاک ساخت نفس را! ۹ و هر آینه
زیانکار شد هر که به اسفل السافلین برد آن را! ۱۰ دروغ
شمرند قوم ثمود به سبب سرکشی خود! ۱۱ وقتی که
برخواست بدبخت‌ترین آن قوم! ۱۲ پس گفت ایشان را
پیغامبر خدا: بگذارید ماده شتری را که خدا آفریده است و
متعرض مشوید آب خورد او را! ۱۳ پس دروغ شمرند
پیغامبر را، پس بکشتند ناقة را، پس عقوبت فرود آورد بر ایشان
پروردگار ایشان به سبب معصیت ایشان! پس هموار کرد خدا
عقوبت را بر سر ایشان! ۱۴ و خدا نمی‌ترسد از پاداش این
عقوبت! ۱۵

سوره لیل

به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به شب چون بپوشاند! ۱ و قسم به روز چون ظاهر
شود! ۲ و قسم به ذاتی که آفرید نر و ماده را! ۳ که
هر آینه سعی شما مختلف است! ۴ پس اما هر که عطا کرد و
پرهیزگاری نمود! ۵ و باور داشت ملت نیک را! ۶ پس
توفیق دهیم او را برای رسیدن برای آسایش! ۷ و اما هر که
بخل کرد و خود را بی‌نیاز شمرد! ۸ و به دروغ نسبت کرد
ملت نیک را! ۹ پس توفیق دهیم او را برای رسیدن به سرای
دشواری! ۱۰ و هیچ دفع نکند از وی مال او وقتی که نگوسار
افتد! ۱۱ هر آینه بر ما لازم است راه نمودن او! ۱۲ و
هر آینه از آن ماست آن جهان و این جهان! ۱۳ پس
ترسانیدیم شما را از آتشی که شعله می‌زند! ۱۴

سُورَةُ اللَّيْلِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ۝۱ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ۝۲ وَمَا خَلَقَ
الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ۝۳ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى ۝۴ فَأَمَّا مَنْ
أَعْطَى وَاتَّقَى ۝۵ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ۝۶ فَسَنِيْسِرُهُ
لِلْیُسْرَى ۝۷ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ۝۸ وَكَذَّبَ
بِالْحُسْنَى ۝۹ فَسَنِيْسِرُهُ لِّلْعُسْرَى ۝۱۰ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ
مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ۝۱۱ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى ۝۱۲ وَإِنَّ لَنَا
لَلْآخِرَةِ وَالْأُولَى ۝۱۳ فَأَنْذَرْنُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ۝۱۴

۱- یعنی به شب چهاردهم.

۲- یعنی به همه رسانید.

در نیاید به آن آتش، مگر بدبخت‌ترین مردم. ﴿۱۵﴾ آن که دروغ شمرد و روی‌گردان شد. ﴿۱۶﴾ و یکسو داشته خواهد شد از آن آتش پرهیزگارترین مردم. ﴿۱۷﴾ آن که می‌دهد مال خود را تا پاک نفس گردد. ﴿۱۸﴾ و نیست هیچ کس را نزد او هیچ نعمتی که جزا داده شود. ﴿۱۹﴾ لیکن می‌دهد به طلب رضای پروردگار بزرگوار خود. ﴿۲۰﴾ و هرآینه خوشنود خواهد شد. ﴿۲۱﴾

سوره ضحی

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ قسم به وقت چاشت! و قسم به شب چون بپوشد. ﴿۲﴾ فرو نگذاشت تو را پروردگار تو و دشمن نداشت. ﴿۳﴾ و هرآینه آخرت بهتر خواهد بود تو را از دنیا. ﴿۴﴾ و البته نعمت خواهد داد تو را پروردگار تو، پس خوشنود خواهی شد. ﴿۵﴾ آیا یتیم نیافت تو را، پس جای داد؟ ﴿۶﴾ و یافت تو را راه گم کرده^(۱)، پس راه نمود. ﴿۷﴾ و یافت تو را تنگدست، پس توانگر ساخت. ﴿۸﴾ اما یتیم را، پس ستم مکن. ﴿۹﴾ و اما سائل را، پس بانگ مزن. ﴿۱۰﴾ و اما به نعمت پروردگار خود پس خبر ده. ﴿۱۱﴾

سوره شرح

به نام خداوند بخشنده مهربان

آیا گشاده نکرده‌ایم برای تو سینه تو را؟ ﴿۱﴾ و دور کردیم از تو بار تو را؟ ﴿۲﴾ آن بار که گران کرده بود پشت تو را؟ ﴿۳﴾ و بلند ساختیم برای تو ثنای تو را. ﴿۴﴾ [زیرا که] هرآینه متصل دشواری، آسانی است. ﴿۵﴾ البته متصل دشواری، آسانی است. ﴿۶﴾ پس وقتی که از کاروبار فارغ شوی، در عبادت خدا محنت کش. ﴿۷﴾ و به سوی پروردگار خود تضرع نما. ﴿۸﴾

۱- مترجم گوید: که چند روز وحی نیامده بود. کفار گفتند: «وَدَّعَاهُ رَبُّهُ»

وَقَلَّاهُ» خدای تعالی برای تسلی این سوره فروفرستاد.

۲- یعنی شریعت نمی‌دانستی تو، والله اعلم.

لَا يَصْلِيهَا إِلَّا الْأَشْقَى ﴿۱۵﴾ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿۱۶﴾ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ﴿۱۷﴾ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ﴿۱۸﴾ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى ﴿۱۹﴾ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى ﴿۲۰﴾ وَلَسَوْفَ يَرْضَى ﴿۲۱﴾

سُورَةُ الضُّحَى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالضُّحَى ﴿۱﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى ﴿۲﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى ﴿۳﴾ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى ﴿۴﴾ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى ﴿۵﴾ أَلَمْ يَجِدَكَ يَتِيمًا فَخَاوَى ﴿۶﴾ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى ﴿۷﴾ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى ﴿۸﴾ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ﴿۹﴾ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿۱۰﴾ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴿۱۱﴾

سُورَةُ الشَّرْحِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿۱﴾ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ﴿۲﴾ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿۳﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿۴﴾ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿۵﴾ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿۶﴾ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿۷﴾ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَب ﴿۸﴾

سُورَةُ التِّينِ

سوره تین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ ۝ وَطُورِ سِينِينَ ۝ وَهَذَا الْبَلَدِ
الْأَمِينِ ۝ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ۝ ثُمَّ
رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ۝ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۝ فَمَا يُكَذِّبُكَ
بَعْدُ بِالدِّينِ ۝ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ۝

سُورَةُ الْعَلَقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ
عَلَقٍ ۝ أَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۝ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ
۝ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝ كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ
لَيَظْغَىٰ ۝ أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَىٰ ۝ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ
۝ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ ۝ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ ۝ أَرَأَيْتَ
إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ ۝ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ۝ أَرَأَيْتَ
إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۝ أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ۝ كَلَّا
لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ۝ نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ
خَاطِئَةٍ ۝ فليَدْعُ نَادِيَهُ ۝ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ۝
كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ۝

به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به انجیر و زیتون! ۱ و قسم به طور سینا! ۲ و قسم به این
شهر با امن! (یعنی مکه). ۳ هرآینه آفریدیم آدمی را در
نیکوترین صورتی. ۴ پس گردانیدیم آن را فروتر از همه
فروماندگان^(۱). ۵ مگر آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته
کردند، پس ایشان راست اجر غیر ممانون^(۲)! ۶ پس ای آدمی! چه
چیز حمل می کند تو را بعد این همه پند بر دروغ شمردن در باب
جزای اعمال؟^(۳) ۷ آیا نیست خدا حکم کننده ترین حاکمان؟
۸

سوره علق

به نام خداوند بخشنده مهربان

بخوان به برکت نام پروردگار خود که آفریدگار است. ۱ آفریدی
آدمی را از خون پاره های بسته. ۲ بخوان و پروردگار تو بزرگوarter
است. ۳ آن که علم آموخت به دستیاری قلم. ۴ آموخت آدمی
را آنچه نمی دانست^(۳). ۵ حقا هرآینه آدمی از حد می گذرد. ۶
وقتی که می بیند خود را توانگر شده. ۷ هرآینه به سوی پروردگار
تو است رجوع. ۸ آیا دیدی شخصی که منع می کند؟ ۹ بنده را
چون نماز گذارد. ۱۰ آیا دیدی که چه می شد اگر بر راه راست
بودی؟ ۱۱ یا به پرهیزگاری فرمودی. ۱۲ آیا دیدی که چه شد
اگر دروغ شمرد و روی گردان گشت؟ ۱۳ آیا ندانست این روی
گرداننده که خدا می بیند؟^(۴) ۱۴ نی! نی! اگر باز نخواهد ایستاد،
خواهیم کشید او را به موی پیشانی. ۱۵ به آن موی پیشانی دروغ زن
خطاکار. ۱۶ پس باید که فریاد کند اهل مجلس خود را. ۱۷ ما
نیز خواهیم طلبید پیاده ها را^(۵). ۱۸ نی! نی! فرمان او قبول مکن و
نمازگزار و قرب خدا طلب نما. ۱۹

۱- یعنی وقتی که کافر شد، فطرت سلیمه را ضائع ساخت.

۲- و شاید که معنی آیت چنین باشد: پس چه چیز باعث تکذیب تو می شود یا

محمد در مقدمه جزای اعمال بعد این همه پند.

۳- مترجم گوید: «أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» تا «مَا لَمْ يَعْلَمْ» اول چیزی است که بر
آن حضرت ﷺ نازل شد و معنای اقراء تهیی است برای وحی قرآن و تلاوت
آن.۴- یعنی باید دانست که عاقبت اهتدا و هدایت، بهشت است و عاقبت ضلال و
اضلال، دوزخ است، پس این مدعا را به نوعی از بلاغت ادا کرده شده.

۵- یعنی فرشتگان سخت عقوبت کننده را.

سُورَةُ الْقَدْرِ

سوره قدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ
الْقَدْرِ ۝ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ۝ تَنَزَّلُ
الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمْرٍ ۝
سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ۝

سُورَةُ الْبَيِّنَةِ

سوره بیننه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ۝ رَسُولٌ
مِّنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُّطَهَّرَةً ۝ فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ
۝ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا
جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ ۝ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ
مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا
الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيمَةِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ
أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا
أُولَٰئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ۝

به نام خداوند بخشنده مهربان

هرآینه ما فرود آوردیم قرآن را در شب قدر^(۱). ﴿۱﴾ و
چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست شب قدر. ﴿۲﴾
شب قدر بهتر است از هزار ماه. ﴿۳﴾ فرود می‌آیند
فرشتگان و روح در آن شب به فرمان پروردگار خویش
برای سرانجام کردن هر کار. ﴿۴﴾ آن شب تا وقت طلوع
فجر، محض سلامتی است. ﴿۵﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان

نبودند کافران^(۲) از اهل کتاب و مشرکان جدا شونده (یعنی
از آیین خود) تا وقتی که بیاید به ایشان حجت ظاهر^(۳).
﴿۱﴾ که پیغمبر است از جانب خدا، می‌خواند
صحیفه‌های پاک (یعنی سوره قرآن). ﴿۲﴾ در آن
صحیفه‌ها احکامی است راست و درست. ﴿۳﴾ و متفرق
نشدند اهل کتاب^(۴)، مگر بعد از آنکه آمد به ایشان حجت
ظاهر. ﴿۴﴾ و فرموده نشد ایشان را، مگر آنکه عبادت
کنند خدای را خالص ساخته برای او پرستش را، متدین به
دین ابراهیم شده و برپا دارند نماز را و بدهند زکات را و
این است احکام ملت درست. ﴿۵﴾ هرآینه آنان که کافر
شدند از اهل کتاب و مشرکان، در آتش دوزخ باشند،
جاویدان آنجا ایشانند بدترین خلق. ﴿۶﴾ هرآینه آنان که
ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، ایشانند بهترین
خلق. ﴿۷﴾

۱- یعنی یک دفعه از لوح محفوظ به آسمان دنیا.

۲- یعنی حال ایشان، مقتضی ارسال رسول و انزال کتاب بود، ازین جهت رسول فرستادیم و قرآن فرود آوردیم.

۳- یعنی ایشان را تکلیف نکردیم به ترک ادیان خویش، مگر بعد اقامت حجت ظاهر.

۴- یعنی بعض مقبول شدند و بعض مردود.

جزای ایشان نزدیک پروردگار ایشان بوستان‌های همیشه باشیدن است، می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا همیشه، خشنود شد خدا از ایشان و خوشنود شدند ایشان از خدا. این وعده کسی راست که بترسد از پروردگار خود. ﴿۸﴾

سوره زلزله

به نام خداوند بخشنده مهربان

وقتی که جنبانیده شود زمین را به آن جنبش خودش. ﴿۱﴾ و بیرون آورد زمین بارهای خویش^(۱). ﴿۲﴾ و گوید انسان: چه حالت است زمین را؟. ﴿۳﴾ آن روز، تقریر کند زمین قصه‌های خود را. ﴿۴﴾ به سبب آنکه پروردگار تو حکم فرستاده است به سوی زمین. ﴿۵﴾ آن روز بازگردند مردمان بر احوال مختلف^(۲) تا نموده شود به ایشان جزای اعمال ایشان. ﴿۶﴾ پس هر که کرده باشد هم سنگ یک ذره عمل نیک، ببیند آن را. ﴿۷﴾ و هر که کرده باشد هم سنگ یک ذره عمل بد، ببیند آن را. ﴿۸﴾

سوره عادیات

به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به اسبان تیزدونده به وجهی که از دم پر شوند! ﴿۱﴾ پس قسم اسبان آتش برآورنده به آنکه به نعل خود سنگ را بزنند! ﴿۲﴾ پس اسبان غارت کننده چون در وقت صبح درآیند. ﴿۳﴾ پس برانگیزند به آن وقت غبار را^(۳). ﴿۴﴾ پس درآیند به آن وقت در میان جماعتی^(۴). ﴿۵﴾ هرآینه آدمی به نسبت پروردگار خود ناشکرگذار است. ﴿۶﴾ و هرآینه آدمی بر ناسپاسی خود مطلع است. ﴿۷﴾ و هرآینه آدمی در دوست داشتن مال، مبالغه کننده است. ﴿۸﴾ آیا نمی‌داند که چون برانگیخته شود هر آنچه در گورها باشد. ﴿۹﴾

جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّتْ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَثَى رَبُّهُ ۝

سُورَةُ الزَّلْزَلَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ۝ وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ۝ وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ۝ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ۝ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا ۝ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَلُهُمْ ۝ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۝ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ۝

﴿۸﴾

سُورَةُ الْعَادِيَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا ۝ فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا ۝ فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا ۝ فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا ۝ فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ۝ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ۝ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ۝ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ۝ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ ۝

۱- یعنی گنج‌ها را.

۲- یعنی از جای حساب.

۳- یعنی به سبب دویدن.

۴- یعنی از اعدا. مترجم گوید: این قسم اشارت است به آنکه جهاد مشروع خواهد شد و رضای الهی به اسبان غازیان متعلق خواهد شد، والله اعلم.

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ۝ إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ
لَّخَبِيرٌ ۝

و ظاهر ساخته شود هر آنچه در سینه‌ها باشد. ﴿۱۰﴾
هرآینه پروردگار ایشان به احوال ایشان آن روز خبردار
است. ﴿۱۱﴾

سُورَةُ الْقَارِعَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَارِعَةُ ۝ مَا الْقَارِعَةُ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ
يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ۝
وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ۝ فَأَمَّا مَنْ
ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ۝ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ۝ وَأَمَّا
مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ۝ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ
مَا هِيَ ۝ نَارٌ حَامِيَةٌ ۝

سوره قارعه

به نام خداوند بخشنده مهربان

قیامت! ﴿۱﴾ چیست آن قیامت؟! ﴿۲﴾ و چه چیز مطلع
ساخت تو را که چیست آن قیامت؟! ﴿۳﴾ [قیامت متحقق
شود] روزی که باشند مردمان مانند پروانه‌های پراکنده
ساخته. ﴿۴﴾ و باشند کوه‌ها مانند پشم رنگین محلوج
نموده. ﴿۵﴾ پس اما هر که گران باشد پله‌های حسنات او.
﴿۶﴾ پس آن شخص در گذران پسندیده است. ﴿۷﴾ و
اما هر که سبک شد پله‌های حسنات او. ﴿۸﴾ پس جای
ماندن آن شخص، هاویه باشد. ﴿۹﴾ و چه چیز مطلع
ساخت تو را که چیست هاویه؟! ﴿۱۰﴾ آتشی است
جوشنده. ﴿۱۱﴾

سُورَةُ التَّكْوِيْنِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْهَدْيُ الْتَّكْوِيْنُ ۝ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ۝ كَلَّا
سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ كَلَّا لَوْ
تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِيْنِ ۝ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيْمَ ۝ ثُمَّ
لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِيْنِ ۝ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ
النَّعِيْمِ ۝

سوره تکوین

به نام خداوند بخشنده مهربان

غافل کرد شما را از یکدیگر، بسیار طلبی مال. ﴿۱﴾ تا
وقتی که رسیدید به گورستان‌ها^(۱). ﴿۲﴾ نی! نی! خواهید
دانست. ﴿۳﴾ باز می‌گویم: نی! نی! خواهید دانست. ﴿۴﴾
نی! نی! اگر بدانید حقیقت کار را به علم یقین [غافل
نمی‌شدید]. ﴿۵﴾ البته خواهید دید دوزخ را. ﴿۶﴾ باز
البته خواهید دید دوزخ را دیدن ظاهر بی‌شبهه. ﴿۷﴾ باز
البته سؤال کرده خواهید شد آن روز از نعمت^(۱). ﴿۸﴾

۱- یعنی مدفون شدید.

۱- یعنی در مقابله آن شکر کردید یا کفران ورزیدید.

سُورَةُ الْعَصْرِ

سوره عصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ ۝١ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۝٢ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ۝٣

به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به زمان. ﴿۱﴾ هر آینه آدمی در زیان است. ﴿۲﴾ مگر مگر آنان که ایمان آوردند و عمل‌های شایسته کردند و یکدیگر را وصیت کردند به دین درست و یکدیگر را وصیت کردند به شکیبایی. ﴿۳﴾

سُورَةُ الْهُمَزَةِ

سوره همزه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ۝١ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ۝٢ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ۝٣ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ۝٤ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ۝٥ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ۝٦ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ۝٧ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ ۝٨ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ۝٩

به نام خداوند بخشنده مهربان

وای هر عیب کننده غیبت گوینده را!! ﴿۱﴾ آن که فراهم آورد مال را و نگاه داشت آن را. ﴿۲﴾ می‌پندارد که مال او زندگی جاوید دهدش! ﴿۳﴾ نی! نی! البته انداخته خواهد شد به حطمه. ﴿۴﴾ و چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست حطمه؟! ﴿۵﴾ آتش خدا، فروخته شده! ﴿۶﴾ که غالب شود بر دل‌ها. ﴿۷﴾ هر آینه آن آتش بر ایشان گماشته شده است. ﴿۸﴾ در ستون‌های دراز درآورده شده است. ﴿۹﴾

سُورَةُ الْفِيلِ

سوره فیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ۝١ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ۝٢ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ۝٣ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ ۝٤ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ۝٥

به نام خداوند بخشنده مهربان

آیا ندیدی چگونه معامله کرد پروردگار تو با اهل فیل؟ ﴿۱﴾ آیا نساخت بداندیشی ایشان را در بی‌فایده‌گی؟ ﴿۲﴾ و فرستاد بر ایشان جانوران فوج فوج. ﴿۳﴾ می‌انداخت به سوی ایشان سنگریزه‌ها از سنگ گل. ﴿۴﴾ پس ساخت ایشان را مانند آخر و باقی مانده بعد از خوردن دواب. ﴿۵﴾

۱- مترجم گوید: ابرهه، پادشاه یمن، عزم هدم کعبه کرد و فیلان بسیار و لشکر بی‌شمار به هم آورد، چون نزدیک کعبه رسید، خدای تعالی ابابیل را حکم فرمود تا هلاک کند.

سُورَةُ قُرَيْشٍ

سوره قریش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا يَلْفُ قُرَيْشٍ ① إِلَّا لَفِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ
 ② فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ③ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ
 جُوعٍ وَعَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ④

به نام خداوند بخشنده مهربان

برای شکر الفت دادن قریش. ﴿۱﴾ [یعنی] الفت دادن
 ایشان به سفر زمستان و تابستان. ﴿۲﴾ باید که عبادت کنند
 پروردگار این خانه را. ﴿۳﴾ آن که طعام داد ایشان را از
 بهر آنکه گرسنه بودند و امن داد ایشان را از بهر آنکه
 ترسان بودند. ﴿۴﴾

سُورَةُ الْمَاعُونِ

سوره ماعون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَعَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالَّذِينَ ① فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ
 الْيَتِيمَ ② وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ ③ فَوَيْلٌ
 لِلْمُصَلِّينَ ④ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ⑤
 الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ⑥ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ⑦

به نام خداوند بخشنده مهربان

آیا دیدی آن شخص را که دروغ می‌شمرد جزای اعمال
 را؟ ﴿۱﴾ پس آن شخص مردی است که به اهانت می‌راند
 یتیم را. ﴿۲﴾ و رغبت نمی‌دهد بر طعام دادن فقیر. ﴿۳﴾
 پس وای آن نمازگزاران را! ﴿۴﴾ آنان که ایشان از نماز
 خود غفلت می‌ورزند. ﴿۵﴾ آنان که ایشان ریا می‌کنند.
 ﴿۶﴾ و عاریت نمی‌دهند ماعون را^(۱). ﴿۷﴾

سُورَةُ الْكَوْثَرِ

سوره کوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ① فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ ②
 إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ③

به نام خداوند بخشنده مهربان

[یا محمد] هرآینه ما عطا کردیم تو را کوثر^(۲). ﴿۱﴾ پس
 نمازگزار برای پروردگار خود و شتر را نحر کن. ﴿۲﴾
 هرآینه دشمن تو، همان است دم بریده. ﴿۳﴾

۱- یعنی سوزن و دیگ و پیاله و دلو، مانند آن. مترجم گوید: نصف این

سوره تصویر حال کافر است و نصف، تصویر حال منافق، والله اعلم.

۲- کوثر نام حوضی است که در آخرت خواهد بود. امت آن حضرت ﷺ

از آن خواهند آشامید.

سُورَةُ الْكَافِرُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَتَّيِّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾
وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا
عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ
دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾

سُورَةُ النَّصْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ
يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
وَأَسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾

سُورَةُ الْمَسَدِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ﴿١﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا
كَسَبَ ﴿٢﴾ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ﴿٣﴾ وَامْرَأَتُهُ
حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ﴿٤﴾ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ﴿٥﴾

سوره کافرون

به نام خداوند بخشنده مهربان

بگو: ای کافران! ﴿١﴾ پرستش نمی‌کنم آنچه شما
می‌پرستید. ﴿٢﴾ و نه شما پرستش می‌کنید آنچه
می‌پرستمد. ﴿٣﴾ و نه من پرستش خواهم کرد آنچه شما
می‌پرستید. ﴿٤﴾ و نه شما پرستش خواهید کرد آنچه من
می‌پرستم. ﴿٥﴾ شما را دین شما است و ما را دین من
است! ﴿٦﴾

سوره نصر

به نام خداوند بخشنده مهربان

وقتی که بیاید نصرت خدا و به ظهور آید فتح. ﴿١﴾ و
بینی که مردمان داخل می‌شوند در دین خدا فوج فوج.
﴿٢﴾ پس به پاکی یاد کن همراه ستایش پروردگار خود و
آمزش طلب کن از وی، هرآینه خدا هست به رحمت
رجوع کننده^(۱). ﴿٣﴾

سوره مسد

به نام خداوند بخشنده مهربان

هلاک باد دو دست^(۲) ابی لهب و هلاک باد ابو لهب!^(۳).
﴿١﴾ هیچ دفع نکرد از سر ابو لهب مال او و آنچه پیدا
کرده بود. ﴿٢﴾ خواهد درآمد به آتش صاحب شعله.
﴿٣﴾ و زن او نیز [درآید، مراد می‌دارم] بردارنده هیزم
را^(۱). ﴿٤﴾ در گردن او رسنی است از لیف خرما^(۲). ﴿٥﴾

۱- یعنی این همه علامت قرب اجل توست یا محمد، پس در استعداد
آخرت مقید شو.

۲- آن حضرت اقارب خود را از آتش دوزخ تخویف فرمود: ابی لهب
سنگ به طرف آن حضرت انداخت که آیا برای این کار ما را جمع
کرده بودی؟ این سوره نازل شد.

۳- دو دست کنایه از ذات اوست.

۱- یعنی سخن چینی کننده.

۲- یعنی به خفه کردن تعذیب کرده شود.

سُورَةُ الْإِخْلَاصِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝
 ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝

سوره إخلاص

به نام خداوند بخشنده مهربان

بگو: خدا یگانه است. ۱ خدا بی نیاز است. ۲ نه زاد
 و نه زاده شده. ۳ و نیست هیچ کس او را همسر. ۴

سُورَةُ الْفَلَقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝ وَمِنْ
 شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۝ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ
 ۝ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۝

سوره فلق

به نام خداوند بخشنده مهربان

بگو: پناه می گیرم به پروردگار صبح. ۱ از شر هر چه
 آفریده است. ۲ و از شر شب تاریک، چون تاریکی او
 منتشر شود. ۳ و از شر زنان سحر کننده در گره ها دم
 زننده. ۴ و از شر هر حاسد چون حسد کند. ۵

سُورَةُ النَّاسِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝ مَلِكِ النَّاسِ ۝ إِلَهِ
 النَّاسِ ۝ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝ الَّذِي
 يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۝ مِنَ الْغِيَةِ وَالنَّاسِ ۝

سوره ناس

به نام خداوند بخشنده مهربان

بگو: پناه می گیرم به پروردگار مردمان. ۱ پادشاه
 مردمان. ۲ معبود مردمان. ۳ از شر وسوسه اندازنده
 چون ذکر گفته شد. ۴ [باز پس رونده] آنکه وسوسه
 می افکند در سینه های مردمان. ۵ از جنس جن باشد یا
 از جنس مردمان. ۶

صدق الله العظيم

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه‌ی مترجم

حمد نامحدود، خدای تبارک و تعالی را که به رأفت تامه، قرآن را برای بندگان خود نازل فرمود، تا مرضی او را از ناراضی باز شناسند و از مکائد نفس و ظلمات اعمال قبیحه و اخلاق خبیثه خلاص شوند و به حظیره القدس راه یابند و نزد پروردگار خویش مرضی باشند. ممکن نبود که از این مهلکه تجارتی میسر شود، اگر خود دستگیری نفرمودی و متصور نبود که از این ظلمات متراکمه خلاصی به دست آید، اگر خود راه ننمودی. منت او تعالی قلب و قالب ما را احاطه کرده است، وجود او ظاهر و باطن ما را در گرفته.

درود و سلام بر آن حضرت عالی مقام که ما را بر سعادت دارین مطلع ساخت و مصالح نشأتین به وجه اتم بیان فرمود؛ پس هیچ بیانی نباشد واضح تر از بیان آن حضرت صلی الله علیه و آله، و هیچ رحمتی نباشد بالاتر از رحمت آن حضرت صلی الله علیه و آله. نیک بخت ترین ما آنست که اتباع سنت آن حضرت صلی الله علیه و آله کند و بد بخت ترین ما آنست که از راه متابعت منحرف شود.

وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَسَلَّمَ.

اما بعد، نصیحت و نیک خواهی مسلمان در هر زمان و در هر مکان، رنگی دیگر دارد و اقتضاء دیگر می نماید و لهذا علماء دین و کُبراء اهل یقین، در تفسیر و احادیث و عقاید و فقه و سلوک، تصانیف متنوعه ساخته اند و تالیف گوناگون پرداخته؛ طائفه ای شاهراه اطناب اختیار نموده اند و فرقه ای کوچه اختصار پیش کرده؛ جماعتی به زبان عجم سخن گفته اند و گروهی به لغت عرب دُر سفته. و در این زمانه که ما در آنیم و در این اقلیم که ما ساکن آنیم، نصیحت مسلمانان اقتضا می کند که ترجمه ی قرآن عظیم به زبان فارسی سلیس و روزمره ی متداول، بی تکلف فضیلت نمایی و بی تصنع عبارت آرای به غیر تعرض قصص مناسبه و به غیر ایراد توجیهات منشعبه، تحریر کرده شود تا خواص و عوام همه یکسان فهم کنند و صغار و کبار به یک وضع ادراک نمایند؛ لهذا این فقیر را داعیه این امر خطیر به خاطر ریختند و خواه مخواه بر سر آن آوردند. یک چند در تفحص ترجمه ها افتاد تا هر که را که از تراجم، غیر آن که به خاطر مقرر شده است مناسب یابد در ترویج آن کوشد و کیف ما امکن، پیش اهل عصر مرغوب نماید. در بعض تطویل مُمل یافت و در بعض تقصیر مُخل، هیچ یک موافق آن میزان نیفتاد، لاجرم عزم تألیف ترجمه ی دیگر مصمم شد و تسوید ترجمه زهراوین بر روی کار آمد. بعد از آن سفر حرمین اتفاق افتاد و آن سلسله از هم گسست. بعد سال هایی چند، عزیزی^(۱) پیش این فقیر، خواندن قرآن با ترجمه ی آن شروع کرد. این صورت، سلسله جنبان آن عزم شد و بر سر آن آورد که به قدر خواندن، سبقاً سبقاً نوشته شود؛ چون قریب ثلث قرآن رسیده شد، آن عزیز را سفری پیش آمد و این تحریر در حیز توقف افتاد. بعد مدتی باز تقریبی پیدا شد، درگیر بار آن خطره پارینه را یاد آورد و تا در ثلث قرآن کشیده بود چون لاکثر حکم الکُل مقرر است، به بعض یاران گفته شد که آن مسوده را تبییض کنید و آن ترجمه را مقرون به آیات قرآن نویسید تا نسخه ی مستقل

گردد و آن یارِ سعادت‌مند، روز عید الأضحی سَنَةِ خَمْسِينَ بَعْدَ الْفِ وَالْمِائَةِ در تبیض شروع نمود؛ چون تبیض به آخر تسوید رسید. باز عزم را انبعاثی پدید آمد و تا آخرِ قرآن مسوّد شد وَكَانَ خَتَمُ التَّسْوِيدِ فِي أَوَائِلِ شَعْبَانَ وَخَتَمُ التَّبْيِضِ فِي أَوَائِلِ رَمَضَانَ سَنَةِ إِحْدَى وَخَمْسِينَ. بعد از آن در سنه‌ی سِتِّ وَخَمْسِينَ به اهتمام برادرِ دینی عزیز القدر، **خواجه محمد امین أَكْرَمَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِشُهُودِهِ** آن کتاب را رواجی پیدا شد و در حیزِ مداولت آمد و نسخ متعدده گشت و اهلِ عصر به آن اقبال نمودند.

لله الحمد که آن نقش که خاطر می‌بست آمد آخر زپس پرده‌ی تقدیر پدید قبل از شروع به مقصود، لا بد از تمهید مدّمه؛ تا خوض در این کتاب خصوصاً و در فنّ ترجمه‌ی قرآن عموماً بر وجه بصیرت واقع شود.

مقدمه در بیان مقصدی چند که تقدیم آن بر کتاب، رسمِ قدیم مصنفان است:

این کتاب از فنّ ترجمه‌ی قرآن عظیم است؛ مدلول نظم عربی را به عبارت فارسی ادا کرده شد با رعایت نحو و ملاحظه‌ی تقدیم ما حَقُّهُ التَّقْدِيمُ و اظهار محذوف و موافقت نظم ترجمه با نظم قرآن در ترتیب الفاظ، إلا در جایی که به سبب اختلاف لغتین، رکاکت لفظ یا تعقید دلالت لازم می‌شد، و آنچه ضروری است از اسباب نزول و توجیه مشکل به قدر ضرورت به کار آید، به وجهی که درین چیزها مثل کتاب وجیز و جلالین باشد و حامل بر مشاکله وجیز و جلالین، شهادت حجّة الإسلام غزالی است بر آن که خواننده مثل وجیز طبقه‌ی سفلی از علم تفسیر درمی‌یابد.

و نام این کتاب «**فَتْحُ الرَّحْمَنِ بِتَرْجُمَةِ الْقُرْآنِ**» مقرر کرده شد و نام مصنف این کتاب «**أحمد بن عبد الرحیم**» است و لقب مشهور **وَلِيَ اللَّهُ الدَّهْلَوِي وَطَنًا الْعَمْرِي نَسَبًا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْهِ وَإِلَى مَشَائِخِهِ وَوَالِدَيْهِ.**

و مرتبه‌ی این کتاب بعد خواندن متن قرآن و رسائل مختصر فارسی است، تا فهم لسان فارسی بی تکلف دست دهد و به تخصیص صبیان اهل حرف و سپاهیان که توقع استیفاء علوم عربیه ندارند، در اوّل سنّ تمیز، این کتاب را به ایشان تعلیم باید کرد، تا اوّل چیزی که در جوف ایشان افتد معانی کتاب الله باشد و سلامت فطرت از دست نرود و سخن ملاحظه که به مرقّع صوفیه‌ی صافیه مستتر شده، عالم را گمراه می‌سازند، فریفته نکند و او را حرف معقولیان و سخن منبوذ بی انتظام، لوح سینه را ملوث نسازد و نیز آنان که بعد انقضاء شطر عمر، توفیق توبه یابند و تحصیل علوم نتوانند، این کتاب ایشان را باید آموخت تا در تلاوت قرآن، حلاوتی یابند و منفعت آن در حقّ جمهور مسلمانان متوقع است؛ **إِنْ شَاءَ اللَّهُ الْعَظِيم.**

اما در حقّ صبیان و مبتدیان خود ظاهر است چنان که گفته آمد و سایر ابناء روزگار که اکثر اوقات به شغل معاش مشغول‌اند در وقت فراغ باید که با یکدیگر حلقه حلقه بنشینند و کسی که بر عبارت فارسی قدرت داشته باشد و اندکی از فنّ تفسیر بهره یافته یا بر عزیزی این ترجمه را گذرانیده بود، به قدر وسعت وقت، یک دو سوره با ترجمه‌ی آن به ترتیل و تبیین وقوف بر کلام تام بخواند تا همه بشنوند و به معانی آن محظوظ شوند و تشبه پیدا کرده باشند با صحابه‌ی کرام که به همین دستور حلقه حلقه می‌نشستند و قاری ایشان قرائت می‌کرد؛ این قدر فرق است که صحابه‌ی کرام به سلیقه‌ی

خود، زبان عربی فهم می‌کردند و این جماعت به توسط ترجمه‌ی فارسیه. و چنان که یارانِ سعادت‌مند، مثنوی مولانا جلال‌الدین رومی و گلستان شیخ سعدی و منطق الطیر شیخ فریدالدین عطار و قصص فارابی و نفحات مولانا عبدالرحمن و امثال آن نقل مجلس دارند، چه باشد اگر این ترجمه را به همان اسلوب در میان آرند و حصّه از شغلِ خاطر به ادراکِ آن گمارند، اگر آن شغل با کلام اولیاء الله است، این شغلِ کلام الله است و اگر آن مواظبِ حکیمان است، این مواظبِ احکم الحاکمین است و اگر آن مکتوباتِ عزیزان است، این مکتوباتِ ربّ العزت است. شَتَّانَ بَيْنَ الْمَرْبُوبَيْنِ اگر انصاف دهی، فایده‌ی اصلی از نزولِ قرآن اتعاض است به مواظبِ آن و اهتداست به هدایت آن، نه صرف تلفظ با آن، اگرچه تلفظ آن هم مغنم است؛ پس چه مسلمانی به دست آورده است کسی که مدلول قرآن را نفهمد؟ و کدام حلاوت دارد، آن که مدلول کلام الله را نداند؟!

و اما آنان که بر لغتِ عربیه اطلاعی تام دارند و تفاسیر را بر اُستادان گذرانیده‌اند، حاجتِ خواندن این ترجمه ندارند، لیکن امیدواری از فضلِ حضرت باری آنست که اگر این جماعت درین کتاب نظر کنند، تحت لفظ قرآن پیش ایشان روشن تر شود و بر مختارات از نحو و شرح غریب و غیر آن اطلاع یابند و بسا فایده‌ای که پیش از مطالعه‌ی آن نشنیده‌اند و ندیده باشند، به تازگی استفاده نمایند. و این ترجمه بنابر شفقتِ خلقِ الله مؤلف شد و ایشان استقصاء وجوه اعراب و استیفاء توجیهاتِ کلام را و استیعاب قصص را احتمال ندارند و اگر به تحصیل علوم الهیه تکلیف داده شود، معلوم نیست که آن صورت متحقق شود یا نه و بعد تحقق آن صورت یُمکن که داعیه‌ی تعمق در آن علوم پیدا شود و تمام عمر در این داعیه مصروف گردد، چنان که اکثر اهل علوم الهیه را می‌بینم، هیچ بهتر از آن نیست که درجه‌ی آدنی از علم تفسیر در اوّل عمر اکتساب کرده شود، تا اکثر علوم الهیه به دست آید. این نیز معمد و مؤید در اتمام مقصد وی بود و اگر به دست نیاید، حصّه‌ای از مقصود به دست آورده باشد و خسارت محض نیافته باشد.

صنما ره قلندر سزد ار به من نمایی که دراز و دور دیدم ره و رسم پارسایی و طریق تحریر در این کتاب آنست که هر آیتی را جدا نوشته شد، مقرون به ترجمه‌ی آن، نشانِ متعارف و روزمره‌ی متداول اختیار نموده آمد و هرچه زیاده از تحت اللفظ است، اگر یک دو کلمه است به لفظ «یعنی» یا مثل آن متمیز ساخته شد و اگر کلامی است مستقل، اوّل آن به لفظ «مترجم گوید» و آخر آن به لفظ «والله أعلم» معلّم کرده شد و مَهْمَا آمکن در قصصِ متعلقه‌ی قرآن، اکتفاء یک دو فقره لازم دیده شد و در اسبابِ نزول از قصصِ متطوّل، نکته‌ای انتزاع نموده شد و تا امکانِ رعایتِ سیاقِ آیات، ضروری دانسته آمد.

و استمداد این کتاب در آنچه متعلق به نقل است، از اصحّ تفاسیر محدثین که تفسیر بخاری و ترمذی و حاکم کرده و تا امکان از اخبارِ ضعیفه و موضوعه احتراز نموده شد و قصصِ اسرائیلیّه را که از علمای اهل کتاب منقول است نه از حدیثِ خیرالبشر علیه وعلی آله الصلوات والتسلیمات داخل کرده نشد، إلاّ در جایی که کشف معنی به غیر ایراد آن نمی‌شود و الضّروراتُ تُبیحُ المحظورات.

و این ترجمه، ممتاز است از ترجمه‌های دیگر به چند وجه:

یکی آن که نظم قرآن را به مثل مقدار آن از فارسی متعارف ترجمه کرده شد با اظهار مراد و لطافت تعبیر. و از آنچه در ترجمه‌های دیگر یافته می‌شود از اطناب عبارت ترجمه و رکاکت تعبیر و اعجام مراد، به قدر امکان احتراز نموده شد. دیگر آن که سایر تراجم از دو حالت خالی نیست: یا ترک کرده‌اند قصص متعلقه به قرآن مطلقاً یا استیفاء جمیع آن نموده‌اند؛ و در این ترجمه، راه متوسط اختیار نموده شد؛ پس جایی که معنی آیت موقوف است بر قصه، به قدر ضرورت، دو سه کلمه از آن انتخاب کرده آورده شد و جایی که معنی آیت موقوف بر قصه نبود، ترک نموده آمد.

سوم آن که از توجیهات متنوعه، توجیه اقوی به اعتبار عربیه واضح به اعتبار علم حدیث و علم فقه داخل در صرف از ظاهر اختیار نموده شد و کسی که تفسیر وجیز و تفسیر جلالین که به منزله اصل این ترجمه‌اند، بنابر تفاسیر مطالعه کند درین حرف شک ندارد.

چهارم آن که این ترجمه به وجهی واقع شده است که شناسنده‌ی نحو از آن اعراب قرآن و تعیین محذوف و مرجع ضمیر و محلّ لفظی که در عبارت مقدم و مؤخر کرده شده است، می‌تواند دانست و آن که شناسنده‌ی نحو نیست، از اصل غرض محروم نماند.

پنجم آن که ترجمه‌ها خالی از دو حالت نیستند: یا ترجمه‌ی تحت اللفظ می‌باشد یا ترجمه‌ی حاصل المعنی و در هر یکی وجوه خلل بسیار درمی‌یابد و این ترجمه جامع است در هر دو طریق و هر خللی را از آن خلل‌ها علاجی مقرر کرده شد و این سخن دراز است در رساله‌ی قواعد ترجمه بیان کرده آید.

و آن که گفتیم این ترجمه مُشعر است به وجوه اعراب، کلمه‌ای است مجمله، بسیطی می‌طلبد، اندکی خاطر را به آن متوجّه باید ساخت. لفظ «است» علامت به ربطی است که در میان حاشیتین جمله‌ی اسمیه و ظرفیه باشد «زید قائم است»، «زید کجاست» و علامت اسناد فعل به فاعل، تقدیم فاعل و متصل آوردن فعل، «زید استاد»^(۱) و عند الضرورة «استاد زید» نیز می‌توان گفت و مفعول به نائب مناب فاعل می‌باشد، یا نه، به حرف «را» مقرون می‌شود. «زدم زید را» و «زده شد زید را» و به نوعی از تسامح می‌توان گفت «زید زده شد» و اگر قرینه، قائم باشد، حذف «را» جایز است و مفعول مطلق اگر برای عدد باشد، به «یکبار کردن» و «دوبار کردن» می‌توان تقریر کرد. و اگر برای نوع باشد، به «یک نوع کردن» و «یک طور کردن» و اگر غیر مصدر را به جای مصدر قائم کرده باشند، گویند «ضربت سوطاً»، «زدم یک چابک»، و اگر از غیر لفظ فعل باشد «قرأتُ سرداً» «خواندم به طریق پی در پی خواندن»، و اگر مجرد برای تأکید باشد از قبیل سبحان الله و وعد الله از قبیل اختلاف لغتین است بدون تکلف و ارجاع به حرف دیگر میسر نشود و اگر مفعول له باشد به معنی «غرض» باشد به لفظ «برای» یا به لفظ «تا» و تصویر مصدر به صورت جمله «ضربتُهُ تأدياً» «زدمش برای ادب دادن»، یا «تا ادب دهم». و اگر به معنی «حاصل» باشد به لفظ «به علت» و «به حکم» و «به مقتضی» و امثال آن «قعد جُبناً»، «نشست به علت نامردی»، و اگر به معنی احتراز باشد به لفظ «برای احتراز» و «برای احتیاط» و امثال آن «ضربتُهُ أن يقول الناس ما ضربته»، «زدمش برای اجتناب از آن که گویند، نزدمش». و مفعول فیه به لفظ «در مکان» باشد یا «در زمان»، و مفعول معه به لفظ با، «استوی

الماء والحَشَبَة» برابر شد آب با چوب» و «حال» اگر کلمه‌ی مفرد باشد به اشتقاق لفظی که موضوع برای حال باشد «جئتُ راكباً» «سوار آمده‌ام» و اگر جمله‌ی ملتئمه از فعل ذی‌الحال باشد به ایصال لفظ «کرده» و «کُنان» و مثل آن، «جاءَ زيدٌ يَبْخَرُ في مَشْيِهِ»، «زيد آمد تبختر کنان در رفتار خود» و اگر جمله‌ی ملتئمه از فعل ذی‌الحال باشد لاچار لفظ «حال آن که» زیاد کرده شود و هرچند در اصل لغت فارسیه نیست، «حال» در زبان عربی به معنی شتی^(۱) آید: گاهی مؤکد باشد: «جاءَني أبوك عطوفاً» و گاهی به معنی تهیأ: «فادخلوها خالدين» و گاهی به معنی قصد آید: «جئتُ أشكو إلیه» و در فارسی این معانی مستعمل نیست و «تمیز» اگر از عددی یا وزنی یا پیمانه یا ماضی باشد به صیغه‌ی تمیز یا به اضافت یا لفظ «از» بیان کرده شدنی است، نزدیک رطل گندم، یک صاع از جو، و اگر از اسم اشاره باشد به لفظ صفت «ماذا أراد الله بهذا مثلاً» «چه چیز اراده کرده است خدا به این مثل» و اگر نسبت باشد به نحو بل فاعل یا مفعول کرده شد یا «از روی» و «از جهت» و «به اعتبار» فزوده آمد. «زيد حسن داراً»، «زيد نیک است از روی خانه» و «به اعتبار خانه»؛ و گاهی در فارسی مضمون تمیز را به نوعی از تصرف که دو کلمه را یک کلمه ساختن است ادا کرده شود «ضاق قلباً»، «تنگ دل شد»، «هو قايي قلباً»، «وی سخت دل است» و گاهی در عربی، «مفعول»، به غیر توسط حرف جرّ باشد و در فارسی ایراد حرف جرّ لازم شود ﴿فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ﴾، «کفایت خواهد کرد تو را خدا از شر ایشان» و مثل ﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا﴾، «و گفته‌اند فرزند گرفت خدا» و مثل «أَعْطَيْتُ زَيْدًا دِرْهَمًا»، «درهم دادم زيد را» و مثل «كَانَ زَيْدٌ قَائِمًا»، «زيد ایستاده بود»، «جَعَلْتُ زَيْدًا عَبْدِي» «زيد را بنده خود ساختم». درین صورت‌ها تقدیم و تأخیر را بر خود همواره باید ساخت و گاهی جمله را که به تأویل مصدر ساخته باشند، به مصدر مفرد تقریر توان کرد و مصدر مفرد را با جمله‌ی مصدره به «أَنَّ» مصدریه تعبیر توان نمود و همچنین موصول باصله‌اش به کلمه‌ی مفرده و بالعکس «وقال الذي آمن»، «گفت آن مسلمان»، «والذين آمنوا»، «مسلمانان»، «والذين أوتوا الكتاب»، «اهل کتاب»، و این در آن صورت است که معنی واضح باشد و مثل ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾ ﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَادِعُونَ﴾، «هر آینه رستگار شدند آن مسلمانان که ایشان در نماز خویش خشوع کنندگانند»؛ یعنی اگر موصول صفت اسمی واقع شده تقدیم لفظ آن بر آن موصوف کرده شد و علامت تخصیصی که از تقدیم معمول مستفاد می‌شود، در فارسی نیز تقدیم آنست، «کُم» و «هُم» و «هُوَ» و «إِيَّاهُ»؛ و در بعض مواضع به «خود» تعبیر کرده می‌شود و در فارسی می‌توان گفت شما راست‌گویید یا ایشان راست‌گو. احتیاج آن نیست که گویند ایشانند راست‌گویان و اگر «مظهر» را موضع «مضمَر» وضع کرده باشند، لفظ آن زائد کرده شد تا مربوط باشد و در فارسی علامت جمع به فعل ملحق کنند هرچند فاعل مظهر باشد «قَامَ هَؤُلَاءِ»، «استاندند ایشان» و «واو» وفا بسیار است که زاید باشد و بسیار است که در فارسیه معنی آن ربط به غیر ذکر عطف و تعقیب درست شود؛ پس اگر رکاکت لفظ درین صورت در ترجمه لازم می‌آید، ترک کرده شد.

بالجمله دقائق فن ترجمه بسیار است و مقصود اینجا بیان نمودگی است؛ چون این فقیر خوض در ترجمه بدون معاونت کسی و بدون رجوع به کتابی کرده است و در اوقات مختلفه با وجود اشتغال بال به سایر علوم محرر نموده احتمال دارد در بعض مواضع وفا با این التزامات متحقق نشده باشد. یاران سعادتمند که آن قواعد را مستحضر داشته باشند، به حکم اخوت دینی، نصیحت را منظور نظر دارند و در اصلاح آن کوشند وَلِيُصْلِحَهُ مَنْ جَادَ مَقُولاً. وصیت این فقیر به کاتبان این ترجمه آنست که عبارت قرآن را به خط جلی و اعراب و حُمَرَة از ترجمه متمیز سازند و احتیاط کنند که در الفاظ مترجمه تحریفی راه نیابد و در مواضع اشتباه، کلام تام را به نقطه‌ی حُمَرَة از ما بعد جدا نمایند و ترکیب اضافی و توصیفی را به کسره‌ی مضاف و موصوف، مُعَلَّم سازند تا بر مبتدیان روشن تر شود و اگر در ترجمه، لفظی که به نسبت مبتدیان غریب می نماید یا تقریری که بر اذهان صبیان صعوبتی می نهد یافته شود، یاران سعادتمند بر حاشیه‌ی کتاب، معنی آن نویسند تا بر هیچ فردی مشکل نشود.

﴿إِنْ أُريدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا أَسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾.

ولی الله دهلوی رحمة

سلسلة اسانيد شاه ولي الله

قال العبد الضعيف ولي الله بن عبدالرحيم عفى عنه: قرأت القرآن كله من أوله إلى آخره برواية حفص عن عاصم على الصّالح الثقة حاجي محمد فاضل السندي سنة ١١٥٤ هـ. قال: تلوته إلى آخره برواية حفص على الشيخ عبدالحق المتوفى شيخ القراء بمحروسة «دلى» قال: قرأت القرآن كلّ بالقراءات السّبع على الشيخ البقري والبقري تلاها على شيخ القراء بزمانه الشيخ عبدالرحمن اليميني وقرأ اليميني بها على والده الشيخ سجادة اليميني وعلى الشّهاب أحمد بن عبدالحق السّنباطي بتلاوته كذلك على الشيخ السجادة المذكور وقرأ الشيخ سجادة كذلك على الشيخ أبي نصر الطّهلّاوي وقرأ الطّهلّاوي كذلك على شيخ الإسلام زكريا بتلاوته على بُرْهَانِ القلقلي والرضوان أبي النّعيم العقبي وقرأ كل منهما على إمام القراء والمحدثين محرر الروايات والطرق أبي الخير محمد بن محمد بن علي بن يوسف الجزري صاحب كتاب النشر - وله طرق كثيرة ذكرها في النشر - منها سلسلة مختصة بتسلسل التلاوة والقراءة أيضاً يطلب من جهة صاحب التيسير فلنقتصر ههنا على تلك السلسلة قال الجزري: قرأت التيسير وقرأت به القرآن كله من أوله إلى آخره على شيوخ الإمام الصالح العالم قاضي المسلمين أبي العباس أحمد بن الشيخ الإمام أبي عبدالله الحسين بن سليمان بن فزارة الحنفى بدمشق المحروسة رحمه الله. وقال لي: قراءة وقرأت به القرآن على والدي وأخبرني أنه قرأه وقرأ به القرآن العظيم على الشيخ الإمام أبي محمد القاسم بن أحمد القاسم بن أحمد بن الموفق العراقي قال: قرأته وقرأت به على المشائخ الأئمة المقرئين أبي العباس أحمد بن يحيى بن عون الله الخصار وأبي عبدالله محمد بن سعيد بن محمد المراوي وأبي عبدالله محمد بن أيوب بن محمد بن نوح العافقي الأندلسيين قال كل منهم: قرأته وقرأت به على الشيخ إمام أبي الحسن علي بن محمد بن هذيل البلنسي قال: قرأت وتلوت به على أبي داؤد سليمان بن نجاح قال قرأته وتلوت به على مؤلفه الإمام أبي عمرو الداني قال الجزري: وهذا أعلى إسناد يُوجد اليوم في الدنيا متّصلاً واختص هذا الإسناد بتسلسل التلاوة والقراءة والسّماع ومنى إلى المؤلف كلهم علماء أئمة ضابطون قال الداني في كتاب التيسير: قرأت القرآن كلّ برواية حفص على أبي الحسن طاهر بن غلبون المقرء قال: قرأت بها على أبي الحسن علي بن محمد صالح الهاشمي الضرير المقرئ بالبصرة قال: قرأت بها على أبي العباس أحمد بن سهل الأشناني قال: قرأت بها على أبي محمد عبيد بن الصّباح قال: قرأت على حفص قال: قرأت على عاصم قال الدّاني: وأخذ عاصم القرآن عن أبي عبدالرحمن بن حبيب السلمي وعن زر بن حبيش أمّا أبو عبدالرحمن فعن عثمان بن عفان وعلي بن أبي طالب وأبي بن كعب وزيد بن ثابت وعبدالله بن مسعود عن النبي صلى الله عليه وسلم. تمت

به نام آن که جان را فکرت آموخت

گفتار مصحح

ترجمه شاه ولی الله محدث دهلوی (م ۱۱۷۶ یا ۱۱۷۹ ق) در میان ترجمه‌های قدیم قرآن کریم جایگاهی بلند و ارزشی شایان دارد، چنانکه از نثری شیوا، سبکی ساده و برابر گزینی‌ای مناسب برخوردار است و اگرچه در عصری صورت پذیرفته که فن ترجمه شکل حرفه‌ای نیافته بود و به تبع آن ویژگی‌های یک ترجمه حرفه‌ای و امروزی را دارا نیست، اما جلوه‌ها و امتیازات فراوانی دارد که می‌تواند نظر پژوهشگران عرصه وحی الهی را به خود جلب کند.

این ترجمه به صورت زیرنویس بارها در هند، پاکستان و افغانستان و اخیراً در عربستان به تنهایی و یا همراه با تفسیر حسینی اثر ملاحسین واعظ کاشفی، به طور غیر مطبوعی طبع یافته است.

به رغم تمام نیکویی‌های این ترجمه عواملی همچون درست‌نویسی واژگان، عدم سجاوندی، اشکالات و اغلاط فراوان چاپی، چاپ عکسی از روی دست‌نویست، عدم آشنایی لازم خطاط با زبان و نگارش فارسی و رسم الخط درست آن... همه و همه دست به دست هم داده بودند تا ارزش واقعی آن را به میزان قابل ملاحظه‌ای فروکاهند.

به عنوان نمونه «شبهه» را «شبه»، «نشانه‌ای» را «نشانه»، «شنوای دانا» را «شنوا دانا»، «صحیفه‌ها» را «صحیفها»، «بیماری‌ای است» را «بیماری‌ست» نوشتن، کافی است که خواننده گرامی را به هزاران اشکال نوشتاری از اینگونه و یا حتی بدتر از آن در چاپ‌های موجود از این ترجمه آگاه سازد.

اگرچه همه موارد پیش گفته نمی‌تواند چشم‌تیزبین راستجویان قرآنی را از خیره شدن به ارزش حقیقی این ترجمه بازدارند، اما می‌طلبد که قرآن‌انسان دانشور به تصحیح این ترجمه براساس مبانی نوین تصحیح متون کهن همت گمارند، که برای انجام این مهم علاوه بر همه پیش‌نیازهای لازم، آگاهی و اطلاع از فارسی دری شرط مسلم و ضروری تصحیح این ترجمه است.

کاری را که ما انجام داده‌ایم تصحیح به معنای علمی آن نیست، زیرا ملاحظات مهمی چون برداشت اقبال‌کنندگان این ترجمه از امانت و عدم دسترسی به نسخه اساس و نسخه‌های معتمد بدل و بضاعت اندک این ناچیز در تصحیح متون، مانع از آن شد که تصحیح به معنای حقیقی آن صورت پذیرد، بلکه ما به پیشنهاد مسؤول محترم نشر احسان، جناب آقای یعقوبی، تنها با اعتماد بر نسخه طبع یافته این اثر همراه با تفسیر حسینی «در «تاج کمپانی لمیتد». پاکستان. کراچی.» و نیز نسخه‌ای که در «نورانی کُتب خانه» (پاکستان. پیشاو. بازار قصه‌خوانی) انتشار یافته است براساس آیین نگارش و رسم الخط امروزی فارسی معمول در ایران اقدام تصحیح به درست‌نویسی و سجاوندی (نقطه‌گذاری) آن کرده‌ایم که امید است فتح بابی برای آنان باشد که شوق تصحیح چنین متون گران سنگی را در سر دارند.

در نهایت لازم می‌دانم چند واژه‌ای را که مهجوریتی در کاربرد آنها صورت پذیرفته و یا حداقل برای فارسی‌زبانان دیار ما به راحتی قابل فهم نیست، از نظر بگذرانیم.

در جای جای این ترجمه کلمات «بازوپس» به معنای «آنگاه و سپس»، «رخت» به معنای «متاع»، «خداوند» به معنای «صاحب اختیار»، «دستوری» به معنای «حکم و اذن» و «همچنین» به معنای «چنین» به کار رفته است.

نیز قید «چنانچه» که برای شرط است به معنای «چنانکه» که برای تشبیه است و کلمه «فرمودن» به معنای «دستور و فرمان دادن» استعمال شده است. چنانکه آمده است: «شیطان به ایشان می فرماید» که بدیهی است مفهومی را که ما از فرمایش به معنای گفتار بزرگی قابل احترام در نظر داریم، بیان نمی کند.

امید می رود اندک خدمت این ناچیز مقبول درگاه الهی واقع شود و نفع این ترجمه عام گردد. آمین.

مسعود انصاری

بسم الله الرحمن الرحيم

سخن ناشر

قرآن کریم، واپسین پیام آسمانی‌ای است که بر دل حضرت محمد ﷺ نشست و ضمن بازگفت آموزه‌های پیامبران پیشین و تأکید بر پیروی از فرامین آنان، آموزه‌ها و پیام‌های نوینی برای جامعه‌ی بشری به ارمغان آورد که گره‌گشای معضلات و بغرنج‌های دوران بلوغ اندیشگی آدمیان باشد؛ این پیام‌ها و آموزه‌ها هرچند بنا به ضرورت، به زبان عربی تبیین شدند، اما از آنجا که حد و مرز نمی‌شناختند و خطاب به تمامی بشر در سراسر گیتی نازل شده بودند، بی‌درنگ مرزهای زبانی و زمانی را در نور دیدند، بر دل هر بشر در هر زمانه‌ای نشستند و به سخن پیامبر ﷺ: خانه‌ای گلین و پشمین نماند که از آن تهی باشد!

در این میان ترجمه‌ی متن استوار قرآن به زبان‌های گوناگون، بهترین راه برای نیل بدین مقصود بود؛ لذا در درازای سده‌ها و سالیان بسیار، ترجمه‌های بی‌شماری از این کلام جان‌بخش ایزد منان به زبان‌های گوناگون صورت پذیرفت؛ ترجمه‌ی شاه ولی الله دهلوی به نام فتح الرحمن بترجمة القرآن، از آن دست ترجمه‌هایی است که در روزهای نیاز سخت مسلمانان به درک اسرار کلام الهی و ژرف‌نگری در زوایای آشکار و نهان آن صورت پذیرفته است؛ مترجم، خود در مقدمه‌ای ارزشمند به نیکویی و عوامل و انگیزه‌های پرداختن به این ترجمه را بازگفته است.

به گواهی تمامی قرآن‌پژوهان و مترجمان قرآن کریم که با ترجمه‌ی شاه ولی الله آشنایی دارند، این ترجمه یکی از ترجمه‌های وزین و استواری است که ساختار نحوی و صرفی آن کاملاً با آیات قرآن کریم منطبق است و در عین حال از استواری و استحکام بسیاری نیز برخوردار است.

اهمیت این ترجمه‌ی گران‌سنگ، به تنهایی انگیزه‌ای است کافی تا هر ناشری به چاپ و عرضه‌ی آن همت گمارد و بر همین اساس به کرات توسط ناشران بی‌شمار در کشورهای چون پاکستان، افغانستان و هندوستان به زیور طبع آراسته و گاه نیز با اندک تغییری به همراه تفسیر حسینی به دوستداران معارف قرآنی عرضه شده است.

این خود انگیزه‌ای نیرومند بود تا ما را به اندیشه‌ی تصحیح انتقادی ترجمه و چاپ مرغوب آن فرو برد، بدین سبب پس از چندی کنکاش و رایزنی با پاره‌ای دوستان و صاحب‌نظران بنابر آن نهاده شد تا به این اندیشه جامه‌ی عمل پوشانده و نسبت به چاپ آن، گام‌های لازم برداشته شود.

بدیهی است که چاپ آثار و منابع متعلق به روزگاران گذشته، اصول و قواعد ویژه‌ای دارد و روشن‌ترین اصل در این باب، تصحیح متون مزبور با کمترین دخالت و یا دستبرد مصحح در آن‌ها است؛ بدین معنا که مصحح، گریزی جز آن ندارد که با مقابله‌ی نسخ - در صورت وجود چند نسخه - درست‌ترین عبارت صاحب اثر را انتخاب و از دخالت‌دادن خامه‌ی خویش خودداری کند؛ جز در مواردی که در متن، افتادگی یا اشتباه فاحش وجود داشته باشد.

در تصحیح ترجمه‌ی شاه ولی الله نیز همین شیوه رعایت شده است و با وجود پاره‌ای نظر گاه‌ها در باب ویرایش و به روز کردن ترجمه، بنابر آن نهاده شد که با پایبندی به اصول و قواعد تصحیح متون، اثری معتبر و گران‌سنگ در قالب

اصلی آن به جامعه‌ی کتاب‌خوان و قرآن‌پژوه عرضه کرد؛ زیرا تغییر و ویرایش آن موجب می‌شد تا ترجمه‌ای دیگر جز ترجمه‌ی صاحب اثر عرضه شود و بدیهی است که چنین کاری پسندیده و خوشایند نخواهد بود!

در آن روزها کار تصحیح متن، به نویسنده و مترجم محترم، جناب آقای مسعود انصاری، سپرده شد و ایشان نیز ترجمه را بازنویسی و رسم الخط آن را به رسم الخط امروزی تبدیل نمودند و از آنجا که در مقدمه‌ی خویش شیوه‌ی کارشان را تبیین کرده‌اند، ناشر نیازی به بازگفت آن در این مجال نمی‌بیند.

از طرح نخست موضوع تصحیح و چاپ این اثر گران‌سنگ مدت‌ها می‌گذرد و اکنون در اختیار خوانندگان و قرآن‌پژوهان قرار می‌گیرد.

مدتی این مثنوی تا آخر شد مهلتی بایست تا خون شیر شد
 شاید وسواس بسیار در چگونگی طبع این اثر و ریزنی پیوسته با صاحب‌نظران این عرصه، عامل اصلی این تأخیر بوده است! به هر صورت خدای را سپاسگزاریم که زمینه‌های چاپ این ترجمه را فراهم آورد و اینک در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد. با این توضیح که ناشر براساس همان دقت در پابندی به متن، در معدود مواردی هم که ناگزیر از آوردن کلمه یا توضیح اضافه‌ای بود، با علامت ستاره (*) آن را از متن اصلی متمایز ساخت.

این نکته هم بایسته‌ی گفتن است که شاه ولی الله دهلوی با نگارش مقدمه‌ای پرمحتوا، ضمن بازگفت رهیافت خود در ترجمه، به مسائلی عام‌تر در این خصوص نیز پرداخته است؛ نظر به موضوعات مطرح شده در آن سطور، جای آن داشت که مقدمه، جداگانه و در قالب رساله‌ای مستقل در باب ترجمه‌ی قرآن، در دسترس علاقمندان قرار گیرد و جای بسی شگفتی است که در نسخ طبع یافته از آن ترجمه، اثری از مقدمه‌ی مزبور نیست! و تنها در نسخه‌ای نایاب که از طریق جناب مفتی محمد قاسم قاسمی، مدرس حوزه‌ی دارالعلوم زاهدان، در اختیار ناشر قرار گرفت، امکان دسترسی به آن فراهم شد که خوشبختانه با این عنایت کریمانه‌ی ایشان و توجه خاص نشر احسان به اهمیت این نوشتار و جایگاه آن در بسط پژوهش‌های قرآنی، اینک برای اولین بار در این چاپ در دسترس علاقمندان قرار می‌گیرد.

در خصوص چگونگی چاپ این اثر، بایستی گفت که در چاپ‌های دیگر، توضیحات و تعلیقات مترجم در حاشیه‌ی متن و ترجمه نیز ذیل آیات قرار گرفته است؛ در این چاپ، توضیحات و تعلیقات به پانویست انتقال یافته و ترجمه در صفحه‌ی مقابل قرار گرفته است و امید است که در چاپ‌های بعدی، امکان درج ترجمه در زیر سطرها نیز فراهم آید.

در تنظیم صفحه‌آرایی ترجمه‌ی مقابل، ترجمه و شماره‌ی هر آیه از سر سطر آغاز شده است؛ ولی از آنجا که برخی از توضیحات و تعلیقات، اندکی مبسوط‌اند و آیات جزء‌های آخر قرآن کریم نیز کوتاه‌اند، در صفحه‌آرایی - برای جلوگیری از ریزش فونت حروف - اجزای آخر، ناگزیر از این شیوه چشم پوشیده و ترجمه‌ی آیات به صورت پیوسته قرار گرفته است و هر جا که ترجمه‌ی آیه‌ی پیشین پایان یافته، ترجمه‌ی آیه‌ی پسین درج شده است.

در پایان بر خود لازم می‌داند از جناب آقای امید بهرامی‌نیا که با بازخوانی نهایی و مقابله‌ی متن با نسخ مختلف و نشانه‌گذاری آن، از اشتباهات احتمالی کاسته و در نتیجه بر غنای متن افزودند، کمال تشکر را داشته باشد و بهروزی روافزون ایشان را از خداوند منان خواستار است.

امید است که انتشار این ترجمه‌ی گران‌سنگ در قالبی مرغوب و زیبا، مورد اقبال قرآن‌دوستان و قرآن‌پژوهان قرار گیرد و در آینده نیز بتوان کارهایی بهتر از این در دسترس جامعه‌ی قرآن‌دوست خویش قرار داد؛ إن شاء الله.

نشر احسان